

کتابچه خلاصه مقالات

بیست و دومین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

۲۹-۳۱

اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

@hpe24

کانال آموزش پزشکی

تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی

مأموریت‌گرایی و تمایز رسالت آکادمیک در دانشگاه‌های علوم پزشکی

www.ichpe.org

مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی شیراز
معاونت آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز
وزارت بهداشت، درمان و آموزش علوم پزشکی



سنة الفجر

پیام معاون محترم آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

بسم الله الرحمن الرحيم

از شروع برنامه تحول نظام آموزش عالی سلامت که در قالب بسته های تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی تدوین و سرلوحه اقدامات توسعه ای معاونت آموزشی و دانشگاه های علوم پزشکی در سراسر کشور قرار گرفته است، حدود ۵ سال می گذرد. در این مدت در دانشگاه ها با شناسایی ظرفیت ها و توانایی های بالقوه برای تحقق، مرحله استقرار بسته ها در سطح کشور با بسیج توان آکادمیک در تولید و انتشار مبانی نظری و تدوین راهکارهای عملی برای رسیدن به اهداف بسته ها به قوت انجام یافته است. ساز و کار مدیریت فعالیت های مرتبط و پایش نتایج با تجربه گران سنگ این دوره، توسعه و بهبود یافته است. اکنون انتظار است با تکیه بر حمایت های همه جانبه ای که مجموعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از این برنامه به عمل می آورد و با ظرفیت هایی که از همکاری دانشگاه ها در کلان مناطق شکل گرفته است، دستاوردهای این طرح به اشتراک گذاشته شود و شبکه سازی و همکاری نزدیک حول مأموریت های مشترک در میان دانشگاه های کشور شکل بگیرد.

همایش کشوری آموزش علوم پزشکی جایگاه و مجالی مناسب در اختیار صاحب نظران و علاقه مندان قرار می دهد تا امکان هم اندیشی، تبادل تجارب، شناسایی مشکلات مشترک، هم افزایی تلاش ها برای یافتن راه حل ها و حل این مشکلات فراهم گردد. از طرفی با توجه به استقبال شرکت کنندگان منطقه ای و بین المللی امید است این همایش به محلی برای رایزنی های منطقه ای و بین المللی بدل گردد که می تواند به کسب مرجعیت علمی در منطقه و جهان کمک شایانی نماید.

امیدوارم چهاردهمین جشنواره کشوری شهید مطهری و سومین جشنواره دانشجویی ایده های نوآورانه، بستر مناسبی را برای عرضه، ارزیابی و ارج نهادن به تلاش های اعضای محترم هیات علمی و دانشجویان عزیزی باشد که دل در گروه ارتقای کیفیت آموزش علوم پزشکی در میهن عزیزمان دارند.

از تلاش همه همکاران و دست اندرکاران در دبیرخانه همایش تشکر و قدردانی می نمایم.

دکتر علی اکبر حق دوست

رئیس بیست و دومین همایش و چهاردهمین جشنواره آموزشی شهید مطهری

پیام دبیر همایش

آموزش پزشکی نوین در جهان حاصل سه موج اصلاحات از زمان آبراهام فلکسنر (دهه ۱۹۸۰) تاکنون است. این سه موج اصلاحات منجر به رویکرد سیستماتیک و نظام مند در آموزش علوم پزشکی، تغییر در روش ها و جایگاه آموزشی و تاکید بر نقش تولیدی پزشکان در قبال سلامت مردم گردیده است. در حال حاضر یکی از موضوعات مورد توجه طرح توسعه دانشگاه ها (Plan of Academic Development) است. برای دستیابی به مرجعیت علمی، صاحب نظران بر این باور هستند که تمرکز بر روی تولید مقالات به تنهایی راهکار موثری نیست و مرجعیت علمی حاصل تحولات ریشه ای تر و درازمدت تر است که کلیه سطوح یک دانشگاه از زیربنای فلسفی تا تولید را به طور جدی مدنظر قرار دهد.

به نظر می رسد که گاهی اوقات در ارکان آکادمیک ما، نقاط قوت و ضعف بارز و مشهودی وجود دارد که می توان با تقویت نقاط قوت و برطرف نمودن نقاط ضعف، مزیت های رقابتی دانشگاه ها را بهبود بخشید.

دستیابی به جایگاه مرجعیت علمی مستلزم آن است که دانشگاه ها و مراکز آکادمیک کشور، علاوه بر فناوری و پژوهش در حوزه های آموزشی و نظریه پردازی نیز پیشرو و سرآمد باشند. در این راستا، دانشگاه های علوم پزشکی لازم است که با درک ضرورت یک تحول اساسی و بنیادین به طور فعال به سمت فرهنگ سازی و ظرفیت سازی علمی در جامعه گام بردارند که افزایش فعالیت این مراکز در حوزه آموزش پزشکی و طرح بنیادی تر مباحث مهمی مانند آمایش سرزمین، تدوین سند راهبردی رشته های مقاطع، توسعه گفتمان مرجعیت و تلقیح آن به کلان مناطق کشور، نشان از افزایش کیفیت و کمیت تحقیق و توسعه در این حوزه می باشد. امسال پس از چندین دوره برگزاری ستادی همایش کشوری آموزش علوم پزشکی مقرر شد که برگزاری اولین همایش قرن جدید در سال ۱۴۰۰ به دانشگاه های علوم پزشکی کشور و این بار به دانشگاه علوم پزشکی شیراز واگذار گردد. امید است حاصل تمرکز زدایی این همایش و برگزاری آن به شکل کنونی، بتواند منجر به ارائه ویژگی منحصر به فرد و رقابتی هر یک از دانشگاه های علوم پزشکی و مراکز آکادمیک کشور گردد. بدین وسیله از حمایت همیشگی معاونت محترم آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جناب آقای دکتر حق دوست، تشکر و قدردانی می نمایم و همچنین از همکاران پرتلاش دانشگاه علوم پزشکی شیراز که برای سومین بار در تاریخ همایش های کشوری آموزش پزشکی مسئولیت برگزاری این همایش را برعهده گرفتند، سپاسگزارم. بی شک جمهوری اسلامی ایران، یکی از کشورهای پیشرو در حیطه علم آموزش پزشکی در جهان است. در این راستا، برگزاری همایش های سالیانه آموزش علوم پزشکی و در کنار آن جشنواره آموزشی شهید مطهری، بستری مناسب جهت گسترش چشمگیر علم آموزش پزشکی، تبادل تجربیات و تحقیقات و نوآوری های آموزشی کشور و در نهایت دستیابی به مرجعیت علمی را فراهم خواهد آورد.

دکتر شهرام یزدانی

دبیر بیست و دومین همایش

پیام دبیر علمی همایش

خداوند متعال را شاکرم که در سرزمین فارس، در شهر شیراز، مهد فرهنگ و تمدن چندین هزارساله، برای سومین بار در تاریخ همایش های کشوری آموزش علوم پزشکی میزبان شما عزیزان هستیم.

آموزش علوم پزشکی به عنوان یکی از مهمترین رسالتهای دانشگاه های علوم پزشکی کشور نقش عمده ای در تعالی کشور و دستیابی به توسعه پایدار دارد. یاد دادن و یاد گرفتن، تلاش سترگ اساتید و دانشجویان این مرز و بوم است. اندیشمندان کشور عزیزمان، همواره کوشیده اند که از زمانهای کهن نام ایران به گسترش علم و دانش در سطح جهان شناخته شود.

به عنوان یک متخصص بالینی در ۱۵ سال گذشته فعالیت در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی آموختم که در پشت مسیری که دانش آموختگان رشته های علوم پزشکی برای کسب صلاحیت حرفه ای سپری می کنند، تلاشی بس سترگ و مجموعه بزرگی از تعلیم و تعلم نهفته است.

در چنین نظام آموزشی توجه هرچه بیشتر به اصول علمی آموزش، مهارتهای ارتباطی با بیمار، برخورد حرفه ای، رعایت حقوق بیمار و رعایت شأن اساتید ودانشجویان علوم پزشکی لازم و ضروری است. آموزش رشته های علوم پزشکی در کشور جمهوری اسلامی ایران در چند دهه اخیر پیشرفت چشمگیری داشته است که یکی از عوامل این پیشرفت برگزاری کنگره های آموزش پزشکی ملی بوده است. امیدوارم بیست و دومین همایش کشوری آموزش پزشکی نیز بتواند زمینه ارائه نوآوری های آموزشی در سطح کشور و جهان را فراهم کرده و به ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی بیش از پیش کمک کند.

لازم می دانم از حمایت های بی دریغ مقام محترم وزارت، معاونت محترم آموزشی وزارت، مدیر محترم مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی وزارت، ریاست محترم و معاونت محترم آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، دبیر محترم اجرایی، اعضای محترم کمیته های علمی و اجرایی همایش و تمام کسانی که در برگزاری هرچه بهتر همایش تلاش می کنند تشکر و قدردانی نمایم.

دکتر جواد کجوری

دبیر علمی بیست و دومین همایش

**ارکان بیست و دومین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی
و چهاردهمین جشنواره کشوری شهید مطهری
و سومین جشنواره دانشجویی ایده های نوآورانه آموزشی**

علی اکبر حق دوست : رئیس همایش، جشنواره شهید مطهری و جشنواره ایده های نوآورانه

مهرزاد لطفی : مشاور عالی رئیس همایش

شهرام یزدانی : دبیر همایش، جشنواره شهید مطهری و جشنواره ایده های نوآورانه

محسن مقدمی : مشاور عالی دبیر همایش

جواد کجوری : دبیر علمی همایش

میترا امینی : دبیر اجرایی همایش

حسین فاطمیان : دبیر علمی جشنواره ایده های نوآورانه

اعضای کمیته علمی بیست و دومین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

(به ترتیب حروف الفبا)

جواد کجوری	علی اصغر حیات	سلیمان احمدی
محمد رحیم کدیور	آبتین حیدرزاده	امیر احمد اخوان
حسین کریمی موقنی	عبدالله خرمی مارکانی	سیدحسن امامی رضوی
رقیه گندمکار	محمود رضا دهقانی	میترا امینی
مهرزاد لطفی	ریتا رضایی	محمد هادی ایمانیه
ریتا مجتهدزاده	سولماز زارع	فؤاد ایرانمنش
نوید محمدی	یدالله زارع زاده	کامران باقری لنگرانی
محسن مقدمی	سید کامران سلطانی عربشاهی	سنور بایزیدی
نادر ممتازمنش	فرشاد شاه کرمی	لیلا بذرافکن
فخرالسادات میرحسینی	فروزان شکوه	الهام بوشهری
عظیم میرزازاده	فرنگیس شوقی شفق آریا	شعله بیگدلی
مهشید نقاش پور	محبوبه طباطبایی چهر	محمد جباری
وجیهه وفامهر	مهوش علیزاده نایینی	امیرحسین جهانشیر
زریچهر وکیلی	مهستی علیزاده	طاهره چنگیز
مهرداد هروی	مریم علیزاده	سید جلیل حسینی
شهرام یزدانی	احمد علینقی لنگری	ربابه زوج حسینی
نیکو یمانی	سید علی اکبر فقیهی	فخرالسادات حسینی
	عزیز کامران	فریبا حقانی

داوران خلاصه مقالات فارسی و انگلیسی بیست و دومین همایش کشوری آموزش علوم پزشکی

(به ترتیب حروف الفبا)

مریم قائمی امیری	عاطفه ذبیحی	اطهر امید
علی اصغر قربانی	حبیب الله رضایی	مریم اعلا
نسترن قطبی	ریتا رضایی	فریبرز اکبرزاده
جواد کجوری	قباد رضانی	سمیه اکبری فارمد
زهرا کریمیان	سولماز زارع	میترا امینی
شهناز کریمی	آفاق زارعی	کاوه اسلامی
محمدحسن کشاورزی	سکینه سبزواری	معصومه ایمانی پور
فاطمه کشمیری	ساره خاتون شاکریان رستمی	پیوند باستانی
محمود کهن	ماریا شاطر جلالی	لیلا بذرافکن
رضا لاری پور	علی اصغر حیات	محمد مهدی پرویزی
مانوش مهرابی	مهسا شکور	منصوره تقوی نیا
الهه محمدی	مریم شهابی	سارا حیدری
مژگان محمدی مهر	نرگس صالح	سلیمه خلیلی ازاندهی
لیلا مصلی نژاد	افشین صرافی نژاد	معصومه خیرخواه
کامران میرزایی	ماهدخت طاهری	ایده دادگران
زهره سادات میرمقتدایی	ناهید ظریف صنایعی	سعیده دریازاده

فتانه میکائیلی	سمیره عابدینی	مرضیه دشتی رحمت آبادی
صدیقه نجفی پور	محمد رضا عبدالملکی	سمیه دلاوری
لیلا نعیمی	نواز عمادی	سجاد دلاوری
سیده زهرا نهاردانی	رضا غفاری	محمود رضا دهقانی
زریچهر وکیلی	آرزو فرج پور	افسانه دهناد

داوران کمیته های تخصصی چهاردهمین جشنواره آموزشی شهید مطهری

(به ترتیب حروف الفبا)

حمیدرضا کوهستانی	مجید زارع بیدکی	سلیمان احمدی
نوشتین کهن	یدالله زارع زاده	میترا امینی
رقیه گندمکار	جواد سرآبادانی	لیلا بذرافکن
ریتا مجتهدزاده	فروزان شکوه	الهام بوشهری
آیین محمدی	امیر صادقی	شعله بیگدلی
نادر ممتازمنش	مهستی علیزاده	محمد جلیلی
محمد رضا منصوریان	مریم علیزاده	غلامرضا حسن زاده
سید فرزین میرچراغی	رضا غفاری	محمد حسین زاده
فخرالسادات میرحسینی	سعیده غفاری فر	فریبا حقانی
نیکو یمانی	آرام فیضی	محبوبه خباز مافی نژاد
	جواد کجوری	رضا دهنویه

هیئت داوران چهاردهمین جشنواره آموزشی شهید مطهری

(به ترتیب حروف الفبا)

محسن مقدمی	جواد سرآبادانی	سید حسن امامی رضوی
عباس مکارم	محمد رضا شکیبی	میترا امینی
سید فرزین میرچراغی	فرنگیس شوقی شفق آریا	الهام بوشهری
اردکانی سید مجتبی یاسینی	آیین محمدی	محمد رضا دهنویه
شهرام یزدانی	نوید محمدی	عبدالله رفیعی

آموزشی نوآوران ایده های دانشجویی جشنواره داوران سومین

(به ترتیب حروف الفبا)

سید علی اکبر فقیهی	نسرین خواجه علی	مریم آویژگان
نسیم قشلاقی آذر	زهره خوش گفتار	مریم اخوتی
مریم کرباسی مطلق	سمیه دلاوری	بتول اقبالی
مهرناز گرنامابه	مریم روانی پور	مریم اکبری لاکه
حوریه محمدی کناری	حبیب الله رضایی	فریبرز اکبرزاده
نسرین نوایی	عیسی رضایی	محمد رضا اندرواژ
زهره وفادار	ساناز زرگر بالای جمع	فاطمه رنجبر
محمد رضا یزدانخواه فرد	یحیی محمدی	ربابه زروح حسینی
افسانه یخ فروش ها	ویدا سپاهی	سپیده جمشیدیان
	محبوبه طباطبایی چهر	مریم حسینی ابرده
	فریبا عسگری	علی اصغر حیات
	خدیدجه فرخ فال	پیغام حیدرپور

هیئت داوران پایان نامه های آموزش پزشکی

(به ترتیب حروف الفبا)

کارشناسی ارشد

الهام بوشهری
نوشین کهن
رقيه گندمكار
آیین محمدی

دکترا

محمد جلیلی
جواد حاتمی
مسعود فلاحی
مصطفی قادری
نوید محمدی

کمیته اجرایی و برگزاری همایش، جشنواره های شهید مطهری و دانشجویی ایده های نوآورانه

(به ترتیب حروف الفبا)

سید علی اکبر فقیهی	ایمان حلاوتی	مهرداد آفرید
نوید فهیمی	علی اصغر حیات	پرویز آقایی
سینا فیلی	حماسه خلیلی	امیر احمد اخوان
مریم کاویان	رویا خلیلی	مارال استوارفر
جواد کجوری	سمیه دلآوری	الهه اسدپور
زهرا کریمیان	مرضیه ده بزرگیان	زهرا اسماعیل زاده
شهناز کریمی	حبیب اله رضایی	نوید امیدی فر
محمدحسن کشاورزی	ریتا رضایی	مریم امیری نیا
حسنا کلهری	پروین رضوان دزفولی	میترا امینی
فرحناز کمالی	صغری رنجبر	آرین اولادزاده
مریم کمالی	عاطفه رئیسی	لیلا بذرافکن
محسن لطافتی	سولماز زارع	شهره برزگر
علیرضا محیط	معصومه زارعی	مرضیه برزگر
صدیقه مختارپور	سمیرا سبزه واری	نیره بمانی حقیقی
لیلی مصلی نژاد	سید کاظم سراج زاده فرد	فاطمه بنان زاده
رحیم معصومی	معصومه سعیدیان	الهام بوشهری
مریم معلمی	محمد شریف	شراره بهادری
محسن مقدمی	فرنگیس شوقی شفق آریا	شهاب بهروزی
محمدرضا منصوریان	هاجر شیعیه	حمید بهمنیاری
پریناز موسوی	زهرا صفاری	مهرداد بیعتی
ساناز موسوی	علی رضا صفرپور	شهرام پایدار
مانوش مهرابی	مرجان طلوع	منیره پروانه
فاطمه میر	ناهید ظریف صنایعی	مریم تراش چین
کامران میرزایی	کریم عباسی	علی توکلی
پریسا نبیئی	زهرا عبداللهی	ترانه تهمتنی
صدیقه نجفی پور	رحمت اله عرب زاده	لیلا جعفری
پویا نوایی	احمد علینقی	محمد جعفری
زهرا هادیان	نواز عمادی	کتابون جلالی
زهرا یاوری	حسین فاطمیان	ماریا جلالی نژاد
یزدانی شهرام	مریم فخرزاد	ایمان جهانیان
	مجید رضا فرخی	آتنه حبیبی

فهرست

- ۲۸..... سخنرانیهای کوتاه.....
- ۲۹..... ارزشیابی دوره و هیات علمی.....
- ارزشیابی اساتید و عوامل مرتبط با آن در مورد کلاسهای مجازی در هنگامه کووید-۱۹ از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
سال ۱۳۹۹.....
- ۲۹..... تاثیر تحصیلات آکادمیک بر ویژگی های تدریس اثر بخش از دیدگاه دانشجویان.....
- ۲۹..... بررسی میزان اهمیت و دستیابی به اهداف مواجهه زودرس بالینی از نظر دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.....
- ۳۰..... تحلیل محیط یادگیری پزشکی عمومی از منظر توجه به پرورش شایستگی پیشرفت فردی.....
- ۳۱..... بررسی تحقق استانداردهای فدراسیون جهانی آموزش پزشکی (WFME) در دوره پزشکی عمومی دپارتمان پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی بقیه ا...
(عج).....
- ۳۲..... ارزشیابی برنامه آموزشی دستیاران تخصصی کودکان در دانشگاه علوم پزشکی شیراز به روش هدف آزاد.....
- ۳۳..... ادراکات دانشجویان پرستاری از محیط یادگیری بالینی: یک مطالعه توصیفی مقطعی.....
- ۳۴..... ارتقای مشارکت دانشجویان در فرآیند ارزشیابی اساتید دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۹۹.....
- بررسی مقایسه ای تاثیر آموزش کاربرد طب انتقال خون در پرستاری کودکان به شیوه مبتنی بر وظیفه ومبتنی برمشکل بر دانش و تصمیم گیری
بالینی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان ۱۳۹۸.....
- ۳۵..... تاثیر برنامه آموزشی مواجهه زودرس با پژوهش بر اشتیاق به تحصیل و افزایش مهارت و عملکرد پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم
تغذیه و رژیم شناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران.....
- ۳۶..... دیدگاه اساتید و دانشجویان مامایی در مورد پروتکل کلینیک مجازی آموزشی در کارورزی بیماری های زنان در پاندمی کووید ۱۹.....
- ۳۷..... برنامه ریزی درسی.....
- ۳۸..... طراحی، به کارگیری و ارزشیابی آموزش تلفیقی پایه و بالینی همزمان به صورت مجازی برای دانشجویان و دستیاران تحصیلات تکمیلی پایه بالین
شناسایی شاخص ها و راهبردهای توسعه دانش های میان رشته ای در حوزه سلامت و ارائه توصیه های سیاستی مناسب.....
- ۳۸..... طراحی، اجرا و ارزشیابی مشارکت دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی در تدریس کلاسی بر رضایت و یادگیری دانشجویان بر اساس مدل ادکار
ADKAR Model.....
- ۳۹..... عملیاتی کردن روش مساله محور جهت توانمندسازی دانشجویان دکتری تخصصی رشته پزشکی مولکولی در طراحی پایان نامه های تحقیقاتی مرتبط
با بالین.....
- ۴۰..... طراحی ابزار ارزیابی مهارتهای ارتباطی دانشجویان توانبخشی براساس مدل کارکف.....
- ۴۱..... طراحی، اجرا و ارزشیابی محتوی های قابل استفاده مجدد (RLO) برای آموزش مباحث مشترک فیزیک پزشکی برای دانشجویان علوم پزشکی به
روش تدریس وارونه تعدیل شده.....
- ۴۱..... نیازسنجی آموزشی یادگیری الکترونیکی اساتید علوم پزشکی مازندران به روش دیکوم.....
- ۴۲..... تحلیل، نیازسنجی، پیاده سازی و اجرای سامانه یکپارچه فعالیت های توانمندسازی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.....
- ۴۳..... طراحی، اجرا و ارزشیابی اپلیکیشن خود راهبر آموزشی دوره کارآموزی در عرصه دانشجویان بهداشت عمومی در راستای یادگیری موثر و پایدار.....
- ۴۴..... طراحی، اجرا و ارزشیابی روش یادگیری برمبنای پروژه(تکلیف) در دانشجویان فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان -۱۳۹۷.....
- ۴۵..... بازنگری در سرفصل رشته های علوم پزشکی جهت گنجاندن مباحث اهدا و پیوند در آن.....
- ۴۵..... تاثیر برنامه ادغام مباحث پایه و بالینی درس انگل شناسی در یادگیری دانشجویان پزشکی.....
- ۴۶.....

- طراحی، اجرا و ارزشیابی ژورنال کلابهای مبتنی بر شواهد (evidence based) در دانشکده طب ایرانی دانشگاه علوم پزشکی ایران ۴۷
- عنوان: طراحی بازی سازی (گیمیفیکیشن) آموزشی مبحث اعتیاد جهت دانشجویان علوم پزشکی ۴۸
- نیازسنجی آموزشی به منظور بازنگری و تدوین مجدد برنامه دکترای مددکاری اجتماعی: یک مطالعه کیفی ۴۸
- طراحی، اجرا و ارزشیابی مداخله آموزشی بر اساس رویکرد نقشه نگاری مداخله بر افزایش توانمندی های بهورزان در زمینه آموزش بهداشت و ارتباطات ۴۹
- بررسی امکان پذیری ارائه دروس معارف اسلامی با رویکرد به مباحث حوزه سلامت در دانشگاه های علوم پزشکی و ارائه سرفصل های پیشنهادی سلامت محور ۵۰
- تعیین اولویت های آموزش اساتید در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی در بحران کرونا ۵۰
- تولید و ارزیابی نرم افزار آموزشی تفسیر نوار قلب جنین جهت ارتقا دانش و مهارت دانشجویان مامایی ۵۱
- طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش مجازی در استودیو کوید، در خصوص تازه های کوید- ۱۹ و چالشهای پیش رو جهت توانمندسازی اعضای هیئت علمی و دستیاران بالینی مرکز آموزشی و درمانی امام رضا (ع) ۵۲
- تبیین تجارب، چالشها و فرصت های طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزش مجازی در دوران کوید ۱۹: یک مطالعه کیفی ۵۳
- طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزشی نسخه نویسی اجتماعی با تأکید بر عوامل اجتماعی موثر بر سلامت در برنامه درسی بهداشت کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی دزفول ۵۳
- طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه کاربردی مبتنی بر موبایل برای آموزش گایدلاین تجویز CT اسکن در بین دستیاران گروه های نورولوژی و نوروسرجری: یک مطالعه نیمه تجربی ۵۴
- طراحی کوریکولوم مقدمات یادگیری الکترونیکی در آموزش علوم پزشکی ویژه اساتید ۵۵
- طراحی، اجرا و ارزشیابی شیوه آموزش چیدمان ست های جراحی مبتنی بر بازی وارسازی گامی در جهت ارتقای یادگیری فراگیران و توسعه آموزش مجازی در پاندمی کرونا ۵۶
- ارزیابی برنامه آموزشی _ درمانی آنلاین مداخله سوگ فردی برای خانواده های داغدار ناشی از بحران کووید_ ۱۹؛ ویژه دستیاران روانپزشکی بیمارستان روانپزشکی رازی ۵۷
- طراحی اجرا و ارزشیابی برنامه توانمندسازی دانشجویان با کمک منتور مجازی و آموزش همراه با عمل در دوران کرونا براساس مدل ADDIE ۵۷
- طراحی، اجرا و ارزشیابی مدل SAID جهت تدریس بالینی بیماریهای غدد درون ریز به شیوه Webside teaching ۵۸
- طراحی اپلیکیشن آموزش از راه دور دیابت و اجرای آن در کلاس درس فیزیولوژی غدد درون ریز رشته پزشکی در شرایط پاندمی COVID-۱۹ ۵۹
- طراحی و تدوین مولتی مدیای آموزشی آنالیزهای لترال سفالومتری در ارتودنسی و بررسی کیفیت محصول آموزشی و میزان پذیرش آن در دانشجویان دندانپزشکی ۶۰
- طراحی و ارزیابی نرم افزار نگاشت دیجیتال تصاویر پاتولوژی دهان، فک و صورت جهت استفاده در آموزش مجازی ۶۱
- طراحی، توسعه و ارزیابی برنامه آموزشی درس فوریت های مامایی در قالب گیم (بازی سازی) کلمات متقاطع مبتنی بر کیس های بالینی در دانشجویان مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ ۶۱
- طراحی و اجرای اولین آزمون بالینی ساختار یافته عینی مجازی برای دانشجویان رشته های علوم توانبخشی در دوران پاندمی کووید ۱۹ ۶۲
- فرایند هویت یابی دانشجویان پرستاری در کریکولوم پنهان ۶۳
- دوره مقدماتی آموزش استراتژی دارویی و آشنایی با نظام سلامت؛ راهی برای آشنا شدن دانشجویان با مسائل کلان حوزه دارو و داروسازی ۶۳
- شناسایی مهارت های نرم حرفه دندانپزشکی و اولویت بندی آنها بر اساس فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) ۶۴
- طراحی و اثربخشی برنامه توانمندسازی معنوی مبتنی بر الگوی قلب سلیم با روش چند رسانه ای بر سلامت معنوی و شایستگی منتورینگ معنوی اساتید ۶۵

- تدوین چارچوب برنامه آموزشی پزشکی روایتی بر اساس الگوی طراحی آموزشی گانیه در پنل متخصصان چند رشته ای..... ۶۵
- طراحی آموزش آناتومی مقاطع MRI مغز به دانشجویان پزشکی با استفاده از واقعیت افزوده (Reality Augmented) و مقایسه آن با روش آموزش حضوری از نظر میزان یادگیری و رضایت..... ۶۶
- نیاز سنجی، تدوین و اجرای درس آداب اجتماعی طبابت..... ۶۶
- مدیریت..... ۶۸
- بررسی مقایسه ای بین المللی سازی آموزش پزشکی در ایران و انگلستان..... ۶۸
- چالشهای مدیریت آموزش بالینی از منظر مدیران آموزشی دانشکده های علوم پزشکی در اپیدمی COVID-۱۹..... ۶۸
- تبیین دیدگاه و درک اعضای هیات علمی از دانش پژوهی آموزشی: یک مطالعه کیفی در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در سال ۱۳۹۸..... ۶۹
- مرور سیستماتایز الگوهای توسعه حرفه ای رهبران آموزش پزشکی..... ۶۹
- احصاء چالش های سیاست گذاری در معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ارائه راه حلها- ۱۳۹۹..... ۷۰
- شناسایی آسیب ها و چالش های مدیریتی آموزش مداوم پزشکی (یک مطالعه پدیدار شناسی)..... ۷۱
- تبیین شاخص های مزیت های رقابتی آکادمیک دانشگاههای علوم پزشکی در مسیر نیل به مرجعیت علمی: یک تحلیل محتوای کیفی..... ۷۱
- ارائه الگوی توانمندسازی پویای مدیران آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی..... ۷۲
- سیاست های محوری آموزش عالی در جهان..... ۷۲
- شناسایی نیازهای نظام سلامت و جامعه جهت طراحی آموزش پاسخگو در رشته فن آوری اطلاعات سلامت..... ۷۳
- آسیب شناسی بسته های تحول و نوآوری در آموزش پزشکی..... ۷۴
- مشاوره و حمایت دانشجویی..... ۷۴
- ارزیابی مهارت های ارتباطی بین فردی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشکده پزشکی مقطع بالینی دانشگاه علوم پزشکی شیراز..... ۷۵
- بررسی دیدگاه دانشجویان از حمایت اساتید مشاور و واحد آموزش دانشکده پرستاری و مامایی همدان ۱۳۹۸..... ۷۶
- ارائه مشاوره به دانشجویان جدید الورود با کمک دانشجویان همیار: تبیین تجربه دانشجویان از طرح منتورشیپ در دانشکده پرستاری و مامایی نسیبیه ساری..... ۷۶
- بررسی رابطه سرزندگی تحصیلی با یادگیری تعاملی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز..... ۷۷
- بررسی وضعیت استرس شغلی و عوامل مرتبط با آن در دستیاران دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۸..... ۷۷
- چگونه فراگیر مشکل دار را شناسایی و مدیریت کنیم؟..... ۷۸
- حمایت دانشجویی به سبک مجازی: راهی جهت ارتقا و کنش و یادگیری در دانشجویان علوم پزشکی..... ۷۹
- تاثیر رایحه درمانی با اسانس علف لیمو بر اضطراب امتحان دانشجویان پزشکی..... ۸۰
- انتظارات حمایتی دانشجویان پزشکی پیش بالینی از اساتید بالینی..... ۸۰
- اثر بخشی مدیریت آموزشی مبتنی بر دانشجوی مشاور در ارتقای تحصیلی دانشجویان داروسازی و تغییر نگرش به همکاری و یادگیری تیمی..... ۸۱
- ارتباط استاد و دانشجو چگونه توسعه می یابد؟..... ۸۲
- بررسی اثر بخشی طرح منتورشیپ دانشجویی جهت ارتقای کیفیت مشاوره دانشجویان جدید الورود پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی همدان ن در سال ۱۳۹۸..... ۸۲
- ارتقای همدلی دانشجویان پرستاری با استفاده از رویداد نگاری تاملی: یک مطالعه نیمه تجربی..... ۸۳
- پژوهش در آموزش..... ۸۵

- سنجش مهارت های ارتباط بین حرفه ای و همکاری تیمی در میان کارکنان سلامت (پزشک، پرستاری) در راستای ارتقای کیفیت مراقبت ۸۵
- تبیین و ارائه مدل فرایند توسعه حرفه ای دستیاران رشته جراحی عمومی در اتاق عمل های کشور ایران: یک تحلیل موقعیت ۸۵
- رعایت استانداردهای ژورنال کلاب در گروه آموزشی پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تبریز ۸۶
- تبیین چالش ها و تجارب دانشجویان علوم پزشکی البرز از آموزش مجازی در دوران بحران کوید ۱۹ ۸۷
- چالش های پیشبرد همگرایی و ارتباط بین رشته ای با تمرکز بر حوزه علوم پزشکی کشور: مرور نظام مند و متاسنتز ۸۸
- طراحی و ساخت نرم افزار رتبه بندی کیفی عملکرد آموزشی، اجرایی و فرهنگی اعضای هیات علمی با استفاده از ترکیب روش دلفی و آنالیز سلسله مراتبی ۸۸
- تجارب پزشکان خانواده از دوره های آموزش مداوم پزشکی؛ یک مطالعه کیفی ۸۹
- بومی سازی و روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه سنجش محیط بالینی آموزشی (UCEEM) ۹۰
- یاددهی و یادگیری ۹۱
- آموزش دانشجویان علوم پزشکی در دوران پاندمی کووید-۱۹، درس هایی برای آینده: یک مرور سیستماتیک ۹۱
- مقایسه تاثیر دو روش آموزشی نمایش عملی زنده و مولتی مدیا بر تراش کست دندان در دانشجویان دندانپزشکی ۹۲
- تاثیر آموزش تعاملی به شیوه قصه گوئی بر میزان رضایتمندی دانشجویان پزشکی در انتقال مفاهیم اولیه آموزش پزشکی ۹۲
- روند گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال ۱۳۹۹ ۹۳
- تبیین مفهوم یادگیری خودراهبر در آموزش مجازی در دوران بحران COVID۱۹ از دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۹۹ ۹۴
- بررسی اثر بخشی آموزش نسخه نویسی به روش کلاس وارونه به دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز ۹۴
- تاسیس داروخانه داروهای گیاهی و طبیعی، راهکاری برای افزایش یادگیری علم فارماکونوزی و فیتوتراپی در محیط واقعی کار ۹۵
- سناریو نویسی به سبک آموزش همسالان: راهی جهت ارتقای استدلال بالینی در دانشجویان پزشکی ۹۶
- توسعه گرایش به تفکر نقادانه با فعالیت تاملی در آموزش بالینی دانشجویان هوشبری ۹۷
- تبیین تجارب زیسته دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران از کیفیت آموزش بالینی در ایام کرونا ۹۸
- بررسی تاثیر نقش شبیه سازی با دقت متوسط تا بالا در آماده سازی دانشجویان مقطع کارشناسی پرستاری و اتاق عمل جهت کار در بالین ۹۹
- بررسی ارتباط بین یادگیری فعال و رضایتمندی از روش های نوین تدریس در دانشجویان کارشناسی ارشد در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کرمان ۱۳۹۸ ۱۰۰
- ارتقای اخلاق حرفه ای در اتاق عمل: رعایت مصادیق تعیین شده اخلاق حرفه ای در طی کارآموزی دانشجویان کارشناسی هوشبری در نیمسال دوم ۹۸-۹۹ ۱۰۰
- تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر مدل بنف بر پایداری به درمان پس از جراحی بای پس عروق کرونر: یک مطالعه کارآزمایی بالینی ۱۰۱
- بررسی وضعیت آموزش بالینی و عوامل موثر بر آموزش بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز ۱۰۲
- بررسی عوامل موثر بر یادگیری مهارت های عملی ضروری دستیاران تخصصی کودکان مرکز آموزشی پزشکی مفید ۱۰۳
- مقایسه فرایندهای آموزش بالینی دانشجویان پزشکی با استانداردهای ارسالی وزارت بهداشت در دانشگاه علوم پزشکی جهرم (مطالعه مقطعی) ۱۰۳
- دیدگاه دانشجویان کارآموز و کارورز جراحی و غیرجراحی در خصوص نحوه برگزاری گزارش صبحگاهی ۱۰۴
- آیا می توان برای ارزیابی مهارت ارائه خبر بد به بیمار در فلوهای انکولوژی در محیط واقعی (درمانگاه سرپایی) به جای ارزیاب متخصص از بیمار استاندارد استفاده کرد؟ ۱۰۵

- مقایسه تاثیرگذاری مورنینگ ریپورت مبتنی بر شواهد با مورنینگ ریپورت مبتنی بر روشهای رایج، درافزایش انگیزه و ارتقاء دانش دستیاران گروههای بالینی مرکز آموزشی و درمانی امام رضا(ع) تبریز..... ۱۰۶
- یادگیری الکترونیکی..... ۱۰۷
- تبیین چالش ها و تجارب اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز از آموزش مجازی در دوران بحران COVID-۱۹..... ۱۰۷
- دیدگاه دانشجویان پزشکی نسبت به آموزش مجازی دوره بالینی (E- Learning) در دانشکده پزشکی گرگان..... ۱۰۷
- هنجارهایی پرسشنامه خودتنظیمی آنلاین و تاثیر آموزش مجازی بر مولفه های خود تنظیمی در بحران کرونا در دانشجویان استفاده کننده از سیستم های مدیریت یادگیری آنلاین بومی..... ۱۰۸
- شناسایی و رتبه بندی موانع آموزش مجازی از دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در سال ۱۳۹۹..... ۱۰۹
- تبیین تجارب دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران از فرایند برگزاری آزمون های مجازی..... ۱۰۹
- ارزیابی صلاحیت و آمادگی برای انجام آموزش الکترونیکی در بین اعضای هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی آبادان..... ۱۱۰
- کرونا؛ یادگیری الکترونیکی و آموزش منش حرفه ای: ممکن یا ناممکن..... ۱۱۱
- سنجش رضایت مندی دانشجویان از آزمون الکترونیک: مطالعه ای در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در پاندمی کووید ۱۹..... ۱۱۲
- تاثیر داروخانه نمادین مجازی و حضوری در درس داروشناسی بالینی بر آمادگی، رضایتمندی و یادگیری دانشجویان پرستاری..... ۱۱۳
- یادگیری سیار در آموزش پرستاری..... ۱۱۳
- بررسی ابعاد یادگیری الکترونیکی در دوران پاندمی کرونا از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز..... ۱۱۴
- رویکرد یادگیری مبتنی بر حل مسئله در آموزش مجازی، راهبرد چالش فعالیت و مشارکت دانشجویان..... ۱۱۵
- طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش مجازی آریتمی های قلبی با اسفاده از مدل بازخورد پندلتون..... ۱۱۵
- بررسی تاثیر یادگیری الکترونیکی بر آموزش تجویز منطقی آنتی بیوتیک در دانشجویان پزشکی: یک تجربه آموزش مجازی در بحران همه گیری کووید-۱۹..... ۱۱۶
- طراحی و روانسجی پرسشنامه ارزشیابی کیفیت ارائه خدمات به دانشجویان در مراکز آموزش مجازی..... ۱۱۶
- بررسی تاثیر استفاده از آموزش مجازی به صورت چندرسانه ای بر روی دانش و رضایت کارورزان پزشکی در زمینه بیماری های قلب و عروق..... ۱۱۷
- آیا درگیری تحصیلی دانشجویان با پیشرفت تحصیلی و رضایت آنها از آموزش الکترونیک ارتباط دارد؟..... ۱۱۸
- بررسی رابطه درگیری تحصیلی با خودکار آمدی در دانشجویان علوم پزشکی بندرعباس: تجربه ای در دوران آموزش الکترونیک..... ۱۱۹
- سایر حیطه ها..... ۱۲۰
- ارتباط حرفه ای از دیدگاه دستیاران و پرستاران بیمارستان شهید بهشتی کاشان..... ۱۲۰
- تعیین عوامل موثر بر صداقت علمی دانشجویان در آموزش های مجازی و شناسایی اولویت این عوامل در دانشگاه علوم پزشکی تهران..... ۱۲۰
- بررسی تاثیر مداخلات آموزشی "یادگیری مبتنی بر مورد" بر مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی..... ۱۲۱
- رضایت شغلی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان..... ۱۲۱
- بررسی سطوح یادگیری بلوم در آموزش به روش کلاس درس وارونه به همراه استفاده از راهنمای یادگیری و تکالیف تعاملی برای دانشجویان پزشکی دوره مبانی طب بالینی..... ۱۲۲
- مقالات انگلیسی..... ۱۲۴
- طراحی الگوی مفهومی آموزش الکترونیکی برای دانشگاه های علوم پزشکی ایران..... ۱۲۴
- بررسی روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه عملکرد مبتنی بر شواهد برای پرستاران..... ۱۲۴

- ۱۲۵..... دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی در خصوص آموزش آنلاین در دوران همه گیری کووید-۱۹.....
- ۱۲۶..... راه حل های آموزشی، فناوری و محتوایی برای بهبود آمادگی یادگیری الکترونیکی: دیدگاه اعضای هیئت علمی.....
- ۱۲۷..... نقش اساتید در توسعه اخلاق حرفه ای دانشجویان رشته های پزشکی ایرانی، از طریق برنامه درسی پنهان: یک مطالعه کیفی.....
- ۱۲۷..... سنجش رفتار حرفه ای در میان اعضای هیأت علمی در نقش استاد.....
- ۱۲۸..... تجارب شبیه سازی شده بالینی مجازی برای ارتقای آموزش بالینی در پاندمی کووید-۱۹: بارویکرد پژوهش ترکیبی.....
- ۱۲۹..... اثربخشی یادگیری موبایل مبتنی بر گوشی های هوشمند در مقابل یادگیری مبتنی بر سخنرانی برای آموزش شناسایی لندمارک های سفالومتریک.....

qualitative study on the surgical residents' challenges with the acquisition of surgical skills in operating A

- rooms..... ۱۳۰.....
- ۱۳۰..... چالش های یادگیری دانشجویان پرستاری از کار با پرسنل پرستاری.....

۱۳۱..... پوستر الکترونیک.....

- ۱۳۲..... ارزشیابی دوره و هیات علمی.....
- ۱۳۲..... ارزیابی دانشجویان و دانش آموختگان پزشکی از تدریس واحد آناتومی در دوره علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی البرز.....
- ۱۳۲..... بررسی نقاط ضعف اعتباربخشی دانشگاه های علوم پزشکی کشور از دیدگاه اعضای هیات علمی اردبیل در سال ۱۳۹۹.....
- ۱۳۳..... ارزیابی سطح رضایتمندی دانشجویان مقطع کارشناسی علوم تغذیه از واحد درسی کارآموزی تغذیه در بیمارستان.....
- ۱۳۳..... بررسی اثربخشی "کارآموزی تغذیه در بیمارستان" در دانشجویان مقطع کارشناسی رشته علوم تغذیه.....
- ۱۳۴..... بررسی میزان استفاده دانشجویان از منابع درسی معرفی شده توسط شورای عالی برنامه ریزی درسی و عوامل مؤثر بر آن.....
- ۱۳۵..... بررسی دیدگاه دانشجویان مقطع کارشناسی فیزیوتراپی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز از ارزشیابی عملکرد بالینی با استفاده از چک لیست مبتنی بر باز خورد.....
- ۱۳۶..... ارزیابی وضعیت راند بالینی بر اساس استانداردهای آموزش بالینی.....
- ۱۳۶..... آزمون ساختار یافته عینی (OSCE) از دیدگاه فراگیران پزشکی.....
- ۱۳۷..... بررسی کیفیت محیط آموزشی درمانگاهی در درمانگاه های تخصصی و فوق تخصصی بیمارستان امام رضا از دیدگاه کارآموزان و کارورزان بر اساس پرسش نامه ACLEEM.....
- ۱۳۷..... شناسایی منابع ارزیابی اعتباربخشی پزشکی عمومی.....
- ۱۳۸..... بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان پزشکی از روش های ارزشیابی مجازی درس فیزیولوژی قلب در ایام پاندمی Covid ۱۹.....
- ۱۳۹..... بررسی رعایت کدهای اخلاقی در آموزش توسط اعضا هیات علمی علوم بالینی پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان.....
- ۱۳۹..... ارزیابی متن بیانیه رسالت دوره کارشناسی هوشبری از دیدگاه دانشجویان هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان.....
- ۱۴۰..... فراصلاحيتهای اعضای هیات علمی در دانشگاه های علوم پزشکی.....
- ۱۴۱..... ارزیابی نظرات اعضای هیات علمی شرکت کننده در کارگاههای توانمند سازی مجازی در دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان در سال ۹۸.....
- ۱۴۱..... تاثیر کرونا بر ارزشیابی اعضای هیات علمی از دیدگاه فراگیران قبل و حین اپیدمی کرونا در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه.....
- ۱۴۲..... ارزشیابی میزان تحقق اهداف آموزش بالینی دانشجویان پرستاری با استفاده از الگوی ارزشیابی سیپ.....
- ۱۴۲..... ارزشیابی برنامه آموزشی دستبازی اطفال دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان بر اساس الگوی CIPP در سال ۹۸.....
- ۱۴۳..... بررسی اثربخشی آموزش طب انتقال خون در پرستاری با استفاده از رویکرد مشارکتی در دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گیلان: یک مطالعه ترکیبی.....

- ۱۴۴..... بررسی رعایت کدهای اخلاقی در آموزش توسط اعضا هیات علمی علوم پایه پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان
- ۱۴۴..... عوامل مؤثر بر فرآیند ظرفیت سازی سازمانی در دوره های توانمندسازی آموزشی اعضای هیات علمی
- ۱۴۵..... ارزیابی ساختاری بلوپرینت (جدول مشخصات آزمون) ارائه شده اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل
- ۱۴۵..... بررسی تاثیر برنامه اینترنتشپ در عرصه بر تعهد حرفه ای، گرایش به تفکر انتقادی، رفتارهای مراقبتی و فرسودگی تحصیلی دانشجویان کارشناسی پرستاری
- ۱۴۶..... بررسی محیط آموزشی دانشجویان پزشکی در مقاطع کارآموزی و کارورزی دانشگاه علوم پزشکی شیراز-۱۳۹۹
- ۱۴۷..... بررسی تأثیر روش مربیگری بر توانمندسازی روان شناختی اعضای هیئت علمی دانشگاه
- ۱۴۷..... دیدگاه دانشجویان پرستاری در خصوص محیط آموزشی براساس پرسشنامه DREEM
- ۱۴۹..... ارزیابی دانشجو
- بررسی میزان همبستگی نمرات آزمون صلاحیت بالینی با نمرات پیش کارورزی و معدل کل دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران
- ۱۴۹..... تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از ارزشیابی بکارگیری فرایند پرستاری به شیوه آزمون بالینی ساختار یافته عینی (آسکی)
- ۱۵۰..... بررسی کیفیت آزمون های الکترونیکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۹ و مقایسه آن با آزمون های حضوری
- مقایسه نتایج آزمونهای صلاحیت بالینی دانشجویان پزشکی شهرکرد با نمرات و معدل کسب شده در بخش های بالینی و نمره آزمون پیش کارورزی
- ۱۵۱..... توسعه استفاده از آزمون های الکترونیک غیرحضوری در طراحی و ساماندهی ارزیابی درس کارآموزی در عرصه داروخانه شهری در پاندمی کرونا.. ۱۵۲
- ۱۵۳..... روش های سنجش صلاحیت و پذیرش دانشجو در دانشگاه: مرور تجربیات جهانی
- ۱۵۳..... برگزاری آزمون صلاحیت بالینی در شرایط خاص همه گیری بیماری کووید ۱۹، نوآوری و انطباق
- ۱۵۴..... تبیین منصفانه بودن آزمونهای دانشکده پرستاری مامایی حضرت فاطمه(س) از دید اساتید و دانشجویان پرستاری مامایی شیراز سال ۹۹-۹۸
- ۱۵۵..... ارزیابی فعالیت های کلاسی دانشجویان پسر و دختر در آموزش پرستاری کودکان به سبک تعاملی
- ۱۵۵..... ارزیابی آزمون های پایان دوره واحد نظری و بالینی پرستاری کودکان با تاکید بر نقش جنسیتی
- خودارزشیابی دانشجویان مامایی از عملکرد آنها در رعایت منشور حقوق مادران مراجعه کننده به زایشگاههای بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد
- ۱۵۶..... مقایسه رضایت مربیان و دانشجویان از دو روش ارزشیابی سنتی(رایج) و ارزشیابی به روش استفاده از کتابچه ی ثبت مهارتهای بالینی(لوگ بوک) در کارآموزی در عرصه دانشجویان رشته بهداشت عمومی
- ۱۵۷..... ارزشیابی شیوه نوین آموزش تکنیک Real time-PCR به روش در دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته های علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل
- ۱۵۸..... ارزیابی کیفیت ماساژ قلبی دانشجویان با استفاده از تسهیل کننده ماساژ قلبی
- ۱۵۹..... نقش پورتفولیو (کارپوشه) در ارتقای اثربخشی کارآموزی دانشجویان صنایع غذایی
- ۱۵۹..... برنامه ریزی درسی
- ۱۶۰..... طراحی و اجرای دوره آموزشی رهبری مامایی بر اساس مدل جدید ایزمان
- بررسی میزان اهمیت و قابلیت دستیابی به اهداف تماس زودرس با بیمار(ECE) برپایه استراتژی SPICES از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد و مقایسه آن با عملکرد تحصیلی آنان
- ۱۶۰..... توسعه و بهبود برنامه آموزش پزشکی عمومی جاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد
- ۱۶۱.....

- طراحی سامانه شبیه‌ساز مواجهه بالینی به منظور ارتقای مهارت‌های استدلال بالینی دانشجویان پزشکی در دوران پاندمی کرونا ۱۶۱
- طراحی و راه اندازی پلتفرم استاندارد آزمایشگاه مجازی جهت تولید آزمایشگاه‌های مجازی موضوعی علوم مختلف ۱۶۲
- طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره مجازی RCM براساس مدل طراحی آموزشی ADDIE جهت توانمندسازی دستیاران جدید الوورد دانشگاه علوم پزشکی مازندران ۱۶۲
- تدوین و ارزیابی برنامه آموزشی مدیریت تعامل استاد-دانشجو در بستر مجازی ۱۶۳
- برنامه جامع مطالعه موردی درس اخلاق بر اساس مدل یادگیری ترکیبی و تأثیر آن بر شاخص‌های خود راهبری و خود تنظیمی دانشجویان ۱۶۴
- کارشناسان بهداشت محیط برای مدیریت عوامل محیطی و اجتماعی موثر بر سلامت چه توانمندی‌هایی نیاز دارند؟ ۱۶۴
- بررسی راههای افزایش میزان اطلاعات دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی البرز از ویروس COVID-۱۹ و رفتارهای پیشگیرانه مرتبط با آن ۱۶۵
- طراحی و تدوین ارزشیابی رشته کارشناسی هوشبری با استانداردهای WFME ۱۶۶
- طراحی و اجرای روش مساله محور تغییر یافته به منظور توانمندسازی دانشجویان دکتری تخصصی رشته‌های مهندسی بافت و علوم سلولی کاربردی در طراحی پایان نامه‌های تحقیقاتی مرتبط با بالین ۱۶۶
- مدیریت ۱۶۷
- طراحی سیستم تصمیم یار آموزش تشخیص و تجویز منطقی آنتی بیوتیک برای عفونت‌های حاد تنفسی در دوران بحران اپیدمی کرونا ۱۶۷
- اقدامات لازم برای حرکت به سوی عدالت آموزشی در آموزش عالی ۱۶۸
- بررسی وضعیت آموزش دکتری عمومی داروسازی در ایران با استفاده از ابزار SWOT ۱۶۸
- بازدیدهای راهبردی؛ روشی نو در جهت ارتقای توانمندی‌های دانشجویان داروسازی ۱۶۹
- تحلیل هم‌واژگانی مطالعات حوزه رهبری در آموزش پزشکی با ترسیم نقشه‌های علمی ۱۷۰
- بررسی منابع کسب اطلاعات بهداشتی توسط دانشجویان در پاندمی کووید-۱۹ ۱۷۱
- ارزیابی بسته‌های تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی کلان منطقه یک آمیسی کشور ۱۷۱
- اعتباربخشی دوره دکتری عمومی داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۹ ۱۷۲
- بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان نسبت به ارزیابی مهارت‌های نرم در انتخاب دانشجویان دندانپزشکی ۱۷۳
- طراحی و اجرای سازوکاری موثر جهت جلب مشارکت دانشکده‌ها در تدوین و اجرای برنامه‌های اولویت دار تحصیلات تکمیلی دانشگاه: با استفاده از سامانه ثبت و پایش عملکرد مبتنی بر چرخه بازخورد و بهبود مستمر ۱۷۳
- مشاوره و حمایت دانشجویی ۱۷۴
- نقش مدرسین پرستاری در نهادینه نمودن موضوع "عدم تبعیض در مراقبت" در دانشجویان ۱۷۴
- بررسی تأثیر آموزش مهارت همدلی در برنامه آداب پزشکی دانشجویان پزشکی: یک مطالعه نیمه تجربی ۱۷۵
- بررسی میزان شادی و نشاط در دانشجویان پزشکی ایرانی، در زمان شیوع کووید ۱۹ در دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۹ ۱۷۶
- ارتقای تعامل بین اساتید مشاور و دانشجویان پزشکی در دوره پاندمی کوید ۱۹ ۱۷۷
- شناسایی ریشه‌های عدم همدلی و خشکانیدن آن در دانشجویان بالین؛ گامی در جهت آموزش و مراقبت بهتر ۱۷۷
- بررسی تاثیر اجرای برنامه هم‌تا به عنوان آموزش دهنده و مشاور از دیدگاه دانشجویان پزشکی علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی جهرم ۱۷۸
- مقالات انگلیسی ۱۷۸
- نیاز سنجی آموزش اعضا هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در حیطه پژوهش ۱۷۹

- تأثیر تغییر ساعات کشیک کارورزان داخلی در میزان رضایتمندی و ارتقای سطح آموزش..... ۱۷۹
- بررسی ترجیحات دانشجویان پیراپزشکی در رابطه با بکارگیری روش های آموزش مجازی..... ۱۷۹
- پژوهش در آموزش..... ۱۸۱
- بررسی اجمالی برنامه آموزش مامایی..... ۱۸۱
- نگرش دانشجویان علوم پزشکی ایران به آموزش الکترونیک: مرور سیستماتیک..... ۱۸۱
- شناسایی مولفه های توسعه کیفی آموزش علوم پزشکی..... ۱۸۲
- تبیین تجارب زیسته کارکنان اتاق عمل از مولفه ها و مصادیق همکاریهای بین حرفه ای : یک مطالعه پدیدارشناسی..... ۱۸۳
- ارتباط هوش معنوی با عملکرد تحصیلی در کارآموزان پزشکی..... ۱۸۳
- مدل یابی معادلات ساختاری رابطه اخلاق تحصیلی و سلامت معنوی در دانشجویان پزشکی (کرمانشاه، ۱۳۹۸)..... ۱۸۳
- بررسی کاربرد پذیرش خود مردم نگاری در محلی سازی زبان آموزی دانشگاهی مبتنی بر ربات های اجتماعی در خاورمیانه..... ۱۸۴
- تبیین درک اساتید دکترای آموزش پزشکی درباره تدریس اثر بخش در دوره دکترای تخصصی..... ۱۸۵
- تبیین تجارب اساتید بالینی پزشکی در زمینه ی نهادهای آموزش بین رشته‌ای در مراکز آموزشی درمانی ایران - یک مطالعه کیفی..... ۱۸۵
- کارگاه آموزشی خلق ثروت و کارآفرینی در دانشگاه علوم پزشکی: تجربه ای با رویکرد بین رشته ای..... ۱۸۶
- مفهوم اخلاق حرفه ای در پرستاری از دیدگاه اساتید پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان..... ۱۸۶
- بررسی ارتباط بین شایستگی بالینی پرستاران بیمارستان امام رضا (ع) لارستان و میزان رضایتمندی بیماران از خدمات پرستاری..... ۱۸۷
- تعیین نگرش کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نسبت به آموزشهای مجازی ضمن خدمت و رابطه آن با ارزیابی اثربخشی آموزش در سال ۱۳۹۷..... ۱۸۸
- ارائه مدل فازی برای تخمین انگیزش تحصیلی با توجه به کیفیت تجارب یادگیری و خودنظم دهی در دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران..... ۱۸۸
- نقش پزشکی روایتی در بهبود مهارتهای ارتباطی، بازاندیشی و همدلی از دیدگاه دانشجویان پزشکی..... ۱۸۹
- تجارب دانشجویان پرستاری از تبعیض آموزشی: یک پژوهش کیفی..... ۱۸۹
- تدریس اثربخش راهکاری برای ارتقاء انگیزش تحصیلی دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی..... ۱۹۰
- روان سنجی ابزار سنجش راهبردهای خودتنظیمی یادگیری زبان دوم در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز-۱۳۹۸..... ۱۹۱
- رفتار بازخوردجویی در آموزش حرف سلامت: مرور نظام یافته..... ۱۹۲
- تبیین عوامل موثر بر شکل گیری ارتباط بهینه پزشک و بیمار در دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر اساس تجارب بیمار و پزشک..... ۱۹۲
- بررسی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه الگوی استفاده از رسانه های اجتماعی در بین دانشجویان پزشکی مقطع بالینی دانشگاه علوم پزشکی شیراز- ۱۳۹۹..... ۱۹۳
- بررسی تاثیر خودکارآمدی بر میزان اهمالکاری تحصیلی در دانشجویان پزشکی..... ۱۹۴
- بررسی ارتباط بین سبک های یادگیری و میزان تمرکز در کلاس در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال ۱۳۹۸..... ۱۹۴
- دیدگاه دانشجویان پرستاران در مورد عوامل موثر بر اجرای فرایند پرستاری: یک مطالعه کیفی..... ۱۹۵
- یاددهی و یادگیری..... ۱۹۶
- بکارگیری روش تدریس flipped class جهت ارتقا دانش و رضایتمندی دانشجویان..... ۱۹۶

- ۱۹۷..... بررسی میزان پیشرفت تحصیلی، مشارکت و رضایت دانشجویان در روش تدریس یادگیری مبتنی بر تیم و مقایسه آن با روش تدریس سنتی.....
- ۱۹۸..... مقایسه آموزش مبتنی بر تیم و سخنرانی بر یادگیری مفاهیم پیچیده درسی دانشجویان پزشکی.....
- ۱۹۸..... بررسی ارتباط سبک های یادگیری و یادگیری خودراهبر در دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون.....
- ۱۹۹..... رضایت سنجی تدریس بافت شناسی عملی به روش بحث گروهی متمرکز همزمان با تدریس مطالب نظری در مقایسه ی با روش تدریس مرسوم.....
- ۲۰۰..... بررسی تاثیر مهارت های صحیح ارتباط استاد و دانشجو بر یادگیری موثر درس فیزیولوژی در دانشکده علوم پزشکی آبادان.....
- ۲۰۱..... مقایسه آموزش اصول اخلاق پزشکی به دو روش داستان کوتاه و آموزش مرسوم در دانشگاه علوم پزشکی شیراز.....
- ۲۰۱..... بررسی رابطه جهت گیری هدف و راهبرد حل مسئله در دانشجویان پرستاری.....
- ۲۰۲..... استفاده از راهبرد ارائه همزمان محتوای تئوری و عملی آناتومی در یادگیری آن از دیدگاه دانشجویان پزشکی: یک مطالعه اقدام پژوهی.....
- ۲۰۳..... بررسی سبک های یادگیری و نگرش دانشجویان پرستاری به آموزش مجازی در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.....
- ۲۰۴..... فاکتورهای تاثیر گذار در اثر بخشی تدریس اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز.....
- ۲۰۴..... مقایسه تأثیر شیوه آموزش حضوری با آموزش مجازی در میزان یادگیری دانشجویان رشته تکنولوژی پرتو شناسی.....
- ۲۰۵..... مقایسه تأثیر شیوه آموزش حضوری با آموزش مجازی در میزان یادگیری دروس دانشجویان علوم آزمایشگاهی.....
- ۲۰۶..... تعیین تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر بازاندیشی بر مهارت بازاندیشی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی.....
- ۲۰۶..... ویژگی های تدریس اثربخش و عوامل مرتبط با آن از دیدگاه دستیاران تخصصی دندانپزشکی دانشگاه های علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۹۹.....
- ۲۰۷..... اشتراک تجارب در تداوم یاددهی و یادگیری بعد از فارغ التحصیلی.....
- ۲۰۸..... بررسی تاثیر بکارگیری روش خلاقانه ی طراحی و حل جدول کلمات مبتنی بر کارگروهی بر یادگیری دانشجویان.....
- تدریس مبحث "تشخیص و درمان دیس لیپیدمی" با دو روش سخنرانی و ترکیبی و مقایسه تأثیر این دو روش بر انگیزش تحصیلی کارآموزان و کارورزان پزشکی.....
- ۲۰۸..... طراحی و اجرای ژورنال کلاب به سبک وارونه.....
- مقایسه میزان رضایت دانشجویان ترم ۲ و ۳ پرستاری از برگزاری آزمون میان ترم با استفاده از سامانه آزمون صلاحیت بالینی در مقایسه با آزمون پایان ترم سامانه آزمون ساز دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان.....
- ۲۰۹..... تبیین تجارب اعضای هیات علمی بالینی از کار تیمی در آموزش بالینی - گامی در جهت حرفه‌ای‌گری فراگیران در جو آموزشی سالم - یک مطالعه کیفی.....
- ۲۱۰..... آیا استفاده از الگوی ایفای نقش، عملکرد آموزشی (آموزش به بیمار) دانشجویان پرستاری را ارتقاء می دهد؟.....
- بررسی میزان یادگیری و رضایتمندی دانشجویان پرستاری از آموزش تلفیقی درس فناوری اطلاعات در پرستاری در دوران پاندمی کرونا: یک مطالعه اقدام پژوهی.....
- ۲۱۱..... تعامل با مدرسین از دیدگاه اعضای هیات علمی شرکت کننده در کارگاههای توانمند سازی مجازی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان.....
- ۲۱۲..... تاثیر آموزش اصول جراحی لاپاراسکوپي به شیوه ی شبیه سازی بر میزان عملکرد و نگرش دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۹۷-۱۳۹۶.....
- ۲۱۳..... درک اعضای هیات علمی بالینی از نقش الگو بودن: یک مطالعه کیفی.....
- تاثیر بازخورد میزان درخواست سی تی اسکن از طریق پیام کوتاه به دستیاران بر تغییر میزان درخواست سی تی در گروه های نورولوژی و نوروسرجری.....
- ۲۱۳..... فرایند استدلال بالینی در پزشکان: یک مطالعه با روش تفکر همراه با کلام.....
- ۲۱۴.....

- ۲۱۵..... بررسی تأثیر دو روش بیمارنما و سخنرانی بر خودکارآمدی بالینی پرستاران در مراقبت از بیماران سندرم حاد کرونر.....
- ۲۱۵..... بررسی ارتباط بین تفکر انتقادی و استدلال بالینی در کارورزان و دستیاران دانشگاه علوم پزشکی قزوین.....
- ۲۱۶..... تبیین تجارب دستیاران پزشکی از تصمیم‌گیری بالینی: یک مطالعه کیفی.....
- ۲۱۶..... برد خود گزارشی خطا : (error board reporting) رویکردی در جهت کاهش خطاهای بالینی و ارتقای حرفه ای دانشجویان.....
- ۲۱۷..... بررسی تأثیر آموزش بالینی و حضور دانشجویان پرستاری در بخش های بیمارستانی بر سطح تکامل اخلاقی پرستاران شاغل.....
- ۲۱۷..... تبیین ویژگی های استاد بالینی خوب بر مبنای تجارب دستیاران بالینی.....
- ۲۱۸..... بررسی تأثیر برنامه آموزش مبتنی بر شواهد دندانپزشکی اجتماعی به صورت مجازی.....
- ۲۱۹..... ارزیابی کیفیت آموزش بالینی در پرستاری.....
- طراحی و اجرای فرآیند آزمونهای ارزیابی مدیریت مشکل بیمار و ساختار یافته عینی بالینی در دستیاران چشم پزشکی :مطالعه دانش پژوهی آموزشی
۲۲۰.....
- تجارب اساتید بالینی از تأثیر مشارکت در گروه بالینت (Balint Group) بر روابط استاد-دانشجو در محیط های بالینی: یک مطالعه کیفی..... ۲۲۰
- آسیب شناسی موفقیت یا عدم موفقیت دستیاران تخصصی پزشکی بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در آزمون دانشنامه تخصصی بالینی..... ۲۲۱
- ارزیابی آموزش مدیریت درمان بیماران سرپایی در مراکز بهداشتی درمانی به کارورزان پزشکی..... ۲۲۲
- تأثیر اجرای برنامه دو ساله آموزشی -حمایتی بر کسب شایستگی مراقبت مبتنی بر شواهد در دانشجویان پرستاری..... ۲۲۲
- بررسی روایی و پایایی ورژن فارسی پرسشنامه ۲۵ آیتمی استنفورد برای ارزیابی عملکرد آموزش بالینی..... ۲۲۳
- مسئولیت پذیری در محیط آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان بالینی دانشگاه علوم پزشکی فسا ۱۳۹۷..... ۲۲۴
- پیامدهای تامل بر تجارب بالینی در دانشجویان پرستاری : یک مطالعه کیفی..... ۲۲۴
- دیدگاه دانشجویان پرستاری از آموزش بالینی در بخش آنکولوژی: یک مطالعه کیفی..... ۲۲۵
- بررسی عملکرد دانشجویان مامایی در حمایت عاطفی از مادران در لیبر و زایمان با استفاده از ارزشیابی ۳۶۰ درجه..... ۲۲۶
- شبیه سازی آموزش بالینی بخش جراحی عمومی مبتنی بر کلاس وارونه به روش مجازی در دانشگاه علوم پزشکی جهرم..... ۲۲۶
- معرفی یک الگوی جدید آموزشی در آموزش واحد " درمان جامع دندانپزشکی"..... ۲۲۷
- یادگیری الکترونیکی..... ۲۲۸
- افزایش آگاهی و میزان دستیابی به اهداف مورد نظر، از دیدگاه اساتید شرکت کننده در کارگاههای مجازی آموزش پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی
استان سمنان..... ۲۲۸
- کاربست فناوری در انطباق آموزش پزشکی در دوران پاندمی کووید-۱۹: تجربه دانشگاه علوم پزشکی مشهد..... ۲۲۸
- بررسی میزان رضایت مندی دانشجویان کارشناسی شنوایی شناسی از روش آموزش از راه دور..... ۲۲۹
- بررسی تجربه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی در استفاده از سامانه آموزش مجازی نوید در اولین نیمسال تحصیلی طی اپیدمی کووید ۱۹..... ۲۲۹
- استفاده از روش بازی سازی تیمی و رقابتی بصورت الکترونیک در آموزش درس استرایسیم به رزیدنهای سال دوم چشم پزشکی..... ۲۳۰
- بررسی مقایسه ای برگزاری کلاس های آنلاین (وبینار) و استفاده از محتوای آموزشی با قابلیت بارگذاری جهت آموزش دانشجویان علوم پزشکی... ۲۳۱
- استفاده همزمان از روش بحث گروهی و جستجو از طریق اینترنت تلفن همراه در کارآموزی دانشجویان پرستاری..... ۲۳۱
- ارتقاء یادگیری در آموزش مجازی دانشجویان پزشکی در درس انگل شناسی با استفاده از تکالیف صوتی در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج..... ۲۳۲
- بررسی رابطه بین آمادگی یادگیری الکترونیکی و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۹-
۱۳۹۸..... ۲۳۳

- آموزش مجازی در انتقال دانش نظری به دانشجویان علوم پزشکی در پاندمی کرونا..... ۲۳۳
- ارتقای توانمندی علمی، مهارتی، نگرشی و انتقادی دانشجویان داروسازی با متد آموزش از راه دور، در اجرای رساله‌ی دکترا در دوران شیوع کرونا و پسا کرونا..... ۲۳۴
- بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر موبایل بر توانمند سازی دانشجویان پرستاری..... ۲۳۵
- تبیین اخلاق و عملکرد حرفه ای در بستر یادگیری..... ۲۳۵
- دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشکده پیراپزشکی در مورد آموزش مجازی در دوران بحران کووید ۱۹..... ۲۳۶
- طراحی و روان‌سنجی ابزار بررسی درک دانشجویان از عملکرد نقش پرستاری..... ۲۳۷
- طراحی و تدوین ماژول‌ها و اپلیکیشن‌های آموزش مجازی دیابت برای گروه‌های پزشکی..... ۲۳۷
- پوستر تمانیک..... ۲۳۹**
- ارزشیابی دوره و هیات علمی..... ۲۳۹
- ارزیابی اساتید بالینی توسط دانشجویان پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز، ابزاری جهت سنجش اساتید بالینی از دیدگاه دانشجو..... ۲۴۰
- بررسی ارزشیابی پایان دوره کارآموزی دانشجویان آسیب شناسی دانشکده دندانپزشکی مشهد به صورت چندرسانه ای در بستر وبینار..... ۲۴۰
- عنوان: ارزیابی اخلاق حرفه ای تدریس استاد از دیدگاه دانشجویان پزشکی و داروسازی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران..... ۲۴۱
- رضایتمندی اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم توانبخشی اهواز از برگزاری جلسات دفاع مجازی در دوران پاندمی کووید-۱۹..... ۲۴۱
- ارزیابی کیفیت آموزش درهریک ازبخش‌های بالینی از دیدگاه دانشجویان سال‌های پنجم و ششم دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان درسال ۱۳۹۹..... ۲۴۲
- ارزیابی نظام استاد مشاور از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی تبریز..... ۲۴۳
- ارزیابی کیفیت طرح درس‌های اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار..... ۲۴۳
- بررسی وضعیت اخلاق حرفه‌ای اساتید بالینی دانشگاه علوم پزشکی مازندران از دیدگاه دستیاران پزشکی..... ۲۴۴
- بررسی کیفیت برگزاری گزارش صبحگاهی و آموزش درمانگاهی از دیدگاه کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۸..... ۲۴۵
- بررسی رضایتمندی و انگیزه اعضای هیات علمی در خصوص تدریس با استفاده از روش ارزشیابی همتایان..... ۲۴۶
- بررسی میزان رضایت و یادگیری اعضای هیات علمی شرکت کننده در اولین دوره توانمندسازی اساتید مجازی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز..... ۲۴۷
- بررسی همبستگی نتایج ارزشیابی کارآموزی پرستاری کودک سالم و پرستاری بیماری‌های کودکان مبتنی بر لاگ بوک از دیدگاه استاد، دانشجو و گروه همتا..... ۲۴۷
- تبیین تجارب اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز در مورد پدیده ارزشیابی استاد..... ۲۴۸
- ارزیابی جو آموزشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار از دیدگاه دانشجویان بر اساس مدل DREEM..... ۲۴۹
- ابزار ارزشیابی کیفیت فعالیت‌های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی..... ۲۴۹
- بررسی عملکرد و ارزشیابی اولین دوره آموزش فیزیوپاتولوژی طب نظامی در دوره پزشکی عمومی..... ۲۵۰
- بررسی نگرش دانشجویان پیراپزشکی در رابطه با روش‌های آموزش مجازی، محتوا و کیفیت آن در شرایط همه‌گیری بیماری کرونا..... ۲۵۱
- تجارب اعضای هیئت علمی در خصوص برنامه‌های توانمندسازی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز-یک مطالعه کیفی..... ۲۵۲
- بررسی میزان اثربخشی دوره آموزشی کارشناسی ارشد اتاق عمل براساس مدل کرک پاتریک..... ۲۵۲

- بررسی میزان انطباق محتوای برنامه درسی بخش روانپزشکی رشته پزشکی (مقاطع کارآموزی و کارورزی) با نیازهای شغلی آینده پزشکان عمومی از دیدگاه پزشکان عمومی..... ۲۵۳
- بررسی کارایی یک برنامه آموزش ادغام یافته مبتنی بر مسئله، در آموزش پاتولوژی به دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین..... ۲۵۴
- ارزیابی دانشجویان..... ۲۵۵
- مقایسه نتایج حاصل از ارزشیابی حضوری با روش ارزشیابی مجازی درس زنان و زایمان دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سالهای ۱۳۹۸-۱۳۹۹..... ۲۵۵
- ارزشیابی رفتار حرفه ای دانشجویان پرستاری در محیط بالینی با ابزار تمرین مینی ارزیابی حرفه ای (P-MEX)..... ۲۵۵
- طراحی و اجرا و ارزشیابی OSCE در دانشجویان فوریتهای پزشکی..... ۲۵۶
- بررسی رضایتمندی کارورزان از کارپوشه الکترونیکی در گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در دوران پاندمی کووید-۱۹..... ۲۵۷
- برنامه ریزی درسی..... ۲۵۸
- طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه مواجهه مدیریت شده با رویکرد تهدید ها و فرصت های شغلی: گامی در جهت انگیزش آفرینی تحصیلی دانشجویان اتاق عمل..... ۲۵۸
- توسعه مدل توانمندی یادگیری و ارتقا مبتنی بر عمل (practice based learning and improvement)..... ۲۵۸
- دانشجویان علوم پزشکی در برنامه آموزشی دوران بحران کرونا از آموزش چه میخوانند: بیان انتظارات و راهکارهای دانشجویان..... ۲۵۹
- تاثیر طراحی و اجرای و ارزشیابی دوره کوتاه مدت توانمند سازی اساتید به صورت غیر حضوری در دوره بحران کرونا..... ۲۶۰
- طراحی و ساخت نرم افزار آموزشی مبتنی بر تلفن همراه با هدف افزایش آگاهی و دانش دانشجویان رشته بیولوژی و کنترل ناقلین در مورد بیماری مالاریا..... ۲۶۱
- طراحی و ایجاد نرم افزار مبتنی بر تلفن همراه جهت آموزش شستشو و گندزدایی سبزی و میوه و بررسی میزان رضایتمندی از آن در بین دانشجویان رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کرمان..... ۲۶۱
- طراحی، اجرا و ارزشیابی گزند راند مجازی برای دانشجویان رشته های شنوایی شناسی و کاردرمانی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در دوران پاندمی کووید ۱۹..... ۲۶۲
- طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره مجازی تعاملی مبتنی بر مورد در قالب کاربرد گروه های کوچک برای دانشجویان مقطع فیزیوپاتولوژی پزشکی..... ۲۶۲
- شناسایی و اولویت بندی راهکارهای بهبود مشارکت اعضاء هیئت علمی در برنامه های توانمندسازی..... ۲۶۳
- تحلیل وظایف اعضای هیئت علمی دانشگاه های علوم پزشکی: رویکردی جهت دستیابی به نظام جامع ارتقای مبتنی بر صلاحیت اعضای هیئت علمی..... ۲۶۴
- بررسی امکان پذیری ارائه دروس مبانی نظری اسلام با رویکرد به مباحث حوزه سلامت در دانشگاه های علوم پزشکی و ارائه سرفصل های سلامت محور..... ۲۶۵
- طراحی و اجرای فرایند جامعه پذیری دانشگاهی (AOP) دانشجویان ورودی جدید دانشگاه علوم پزشکی تبریز..... ۲۶۶
- بازآرایی جامع درس اخلاق بر اساس رویکردهای آموزشی دانشجو محور و تأثیر آن بر یادگیری دانشجویان: یک مطالعه نیمه تجربی..... ۲۶۷
- نیازسنجی مهارت های حرفه ای اساتید مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۹..... ۲۶۷
- استراتژی اثر بخش در تدریس واحد مراقبت های جامع پرستاری در بخش های ویژه، راهکاری اثر بخش در زمان شیوع بیماری کوید ۱۹..... ۲۶۸
- نیاز سنجی آموزشی دانشجویان دانشکده های پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان جهت حفاظت از خود در هنگام ارائه مراقبتهای بهداشتی و درمانی به بیماران مبتلا به کووید ۱۹..... ۲۶۹
- بررسی تطبیقی کوریکولوم آموزش داروسازی مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران در مقایسه با کشورهای مشابه بر اساس شاخص توسعه انسانی تعدیل شده (IHDI)..... ۲۶۹

- طراحی، اجرا و ارزیابی مدیریت برنامه درسی در آموزش مجازی..... ۲۷۰
- "تبیین استراتژی های توانمندسازی اساتید بر اساس سبک های یادگیری آنها در دانشگاه علوم پزشکی شیراز سال تحصیلی ۹۹-۹۸" مطالعه ترکیبی..... ۲۷۱
- نیازهای آموزشی دانشجویان علوم پزشکی در راستای دستیابی به شایستگی های دینی و معنوی..... ۲۷۲
- طراحی، اجرا و ارزیابی ایمنی کار در آزمایشگاه بیوشیمی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: یک مطالعه دانش پژوهانه..... ۲۷۳
- سایر حیطه ها..... ۲۷۵
- نقشهای مکمل دانشجویان پزشکی در طی پاندمی کووید ۱۹: ارزیابی ادراک و تمایل دانشجویان پزشکی..... ۲۷۵
- بررسی اسنادهای دانشجویان دندان پزشکی عمومی دانشگاه های علوم پزشکی تهران و ارومیه..... ۲۷۵
- ارتباط آمادگی برای یادگیری بین حرفه ای با شایستگی در مراقبت ایمن از بیمار در دانشجویان علوم پزشکی..... ۲۷۶
- مدیریت..... ۲۷۸
- بررسی رضایتمندی دانشجویان از خدمات آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۹۷..... ۲۷۸
- شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر اجرای اثر بخش مدیریت دانش در بیمارستان آموزشی و درمانی..... ۲۷۸
- بررسی آموزش مجازی و هزینه اثر بخشی آن در دانشگاه علوم پزشکی از دیدگاه دانشجویان پردیس خودگردان رامسر..... ۲۷۸
- اجرای طرح تحول آموزش با تلفیق دو مدل تغییر سازمانی کوئرتو مدل تغییر فردی ادکار..... ۲۷۹
- تبیین چالش های مجریان طرح تحول و نوآوری در آموزش پزشکی در دانشگاه های کلان منطقه ۵..... ۲۸۰
- آموزش پزشکی مبتنی بر توانمندی: اجرا و فرهنگ سازی..... ۲۸۰
- بررسی کیفیت فرایند آموزشی، از منظر دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی همدان: یک مطالعه مقطعی..... ۲۸۱
- تحلیل وضعیت شغلی دانش آموختگان رشته پزشکی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ دانشگاه علوم پزشکی کاشان..... ۲۸۱
- ارزیابی عملکرد دوره های آموزش مدیریت جامع مصدومین ترومایی در پزشکان عمومی نظامی کشور..... ۲۸۲
- ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی کارآفرین..... ۲۸۲
- بررسی مولفه های ساختار سازمانی روابط مبتنی بر اعتماد در دانشگاه های علوم پزشکی با رویکرد کارآفرینی..... ۲۸۳
- ماموریت گرایی و تمایز رسالت آکادمیک در دانشگاه های علوم پزشکی از دیدگاه دانشجویان پردیس خودگردان رامسر..... ۲۸۴
- بررسی وضعیت موجود ابعاد ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی در گذار به دانشگاه کارآفرین..... ۲۸۵
- طراحی و استخراج شاخص های عملکردی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سه حوزه آموزش، پژوهش و توسعه و مدیریت منابع..... ۲۸۶
- رتبه بندی عوامل موثر دانشگاه های نسل سوم در نظام آموزش عالی (مطالعه موردی: دانشگاه علوم پزشکی مشهد)..... ۲۸۶
- طراحی مدل عوامل مؤثر تبدیل دانشگاه علوم پزشکی مشهد به دانشگاه نسل سوم با استفاده از رویکرد کیفی..... ۲۸۷
- بهره مندی از قابلیت های فرایند-محوری در ارتقای کارآموزی دانشجویان علوم و صنایع غذایی..... ۲۸۷
- چالش های اجرای دانش پژوهی آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی ایران..... ۲۸۸
- شناسایی مؤلفه های توانمندسازی پویا در مدیران آموزش علوم پزشکی با روش تحلیل محتوا..... ۲۸۹
- بررسی اثربخشی آستی بر اساس نظریه ی بازاندیشی دونالدسون بر توانمندی اساتید بالینی در آموزش مهارت بازخورد: یک مطالعه ترکیبی..... ۲۹۰
- نگاهی به روند اجرای برنامه تحول و نوآوری آموزش عالی سلامت در ایران..... ۲۹۰
- بررسی تاثیر مدیریت کیفیت فراگیر بر نتایج اعتباربخشی دوره داروسازی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۹..... ۲۹۱
- ورود به دانشگاه نوظهور؛ یک التزام عملی برای دانشگاه های علوم پزشکی..... ۲۹۲

- دیدگاه دانشجویان پزشکی در مورد علل درخواست غیرضروری آزمایشات..... ۲۹۲
- طراحی مدل فراگیر، پویا و مستمر برای جذب دانشجویان نخبه و با استعداد خارجی مبتنی بر عوامل، جنبه های انگیزشی..... ۲۹۳
- مشاوره و حمایت دانشجویی..... ۲۹۴
- تأثیر آموزش بین حرفه ای سلامت معنوی بر سبک زندگی دانشجویان نظامی..... ۲۹۴
- تبیین مولفه های سیستم حمایتی دانشجویان در یادگیری ترکیبی..... ۲۹۵
- نیازسنجی آموزشی، پژوهشی و رفاهی دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی گیلان..... ۲۹۵
- بررسی سطح اضطراب دانشجویان پزشکی ترم اول دانشگاه علوم پزشکی مشهد پس از مواجهه با کاداور به دنبال دریافت مینی لکچرهای حمایتی ۲۹۶
تأثیر برنامه منتورینگ بر انگیزه، پیشرفت تحصیلی و عملکرد پژوهشی دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال تحصیلی
۹۸-۹۹..... ۲۹۷
- بررسی سطح مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال ۹۷..... ۲۹۷
- تحلیل ابعاد سلامت روانی یادگیری وابسته به اینترنت: افسردگی و شادکامی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی دانشجویان..... ۲۹۸
- پیشانی روانی و راهکارهای مقابله ای در بین اساتید و دانشجویان پزشکی در طی همه گیری کوید ۱۹ در گیلان: یک مطالعه مقطعی..... ۲۹۹
- مقالات انگیزی..... ۳۰۰
- چالش ها و موانع قابل اصلاح آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان اتاق عمل و هوشبری و مربیان بالینی دانشگاه علوم پزشکی مازندران..... ۳۰۰
- تأثیر بررسی پایان نامه ها در برنامه ریزی برای پژوهش های آینده و عمق بخشیدن به پایان نامه های دانشجویی در علوم پزشکی..... ۳۰۰
- The effect of preceptorship program on clinical competency and satisfaction in undergraduate operating
room students of Torbat Heydariyeh University of Medical sciences..... ۳۰۱
- اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر میزان مشارکت و مهارت پرستاران در فرآیند انتقال اخبار بد..... ۳۰۱
- پژوهش در آموزش..... ۳۰۳
- ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی بیرجند مبتنی بر مدل سروکوال و ارتباط آن با رضایت از تحصیل و پیشرفت
تحصیلی..... ۳۰۳
- طراحی و اعتباریابی مقیاس سنجش رضایت تحصیلی دانشجویان پرستاری در مقطع تحصیلات تکمیلی..... ۳۰۳
- بررسی ارتباط ویژگی های شخصیتی با رشته تخصصی مورد علاقه در دانشجویان پزشکی..... ۳۰۴
- مقایسه تطبیقی نظام آموزشی دکتری پرستاری در ایران با دانشگاه UC Davis کالیفرنیا..... ۳۰۵
- بررسی نگرش نسبت به یادگیری مهارت های ارتباطی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین..... ۳۰۶
- بررسی رابطه سبک های یادگیری (کلب، وارک) و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال
تحصیلی ۹۷-۹۸..... ۳۰۶
- عوامل موثر بر ایجاد هویت حرفه ای در دانشجویان پزشکی..... ۳۰۷
- گپ بین تئوری و عمل در آموزش پرستاری: چالش ها و راهکارها..... ۳۰۸
- سبک های یادگیری دانشجویان علوم پزشکی قم در آموزش بالینی..... ۳۰۸
- آسیب شناسی فرایند اجرای منتورینگ در آموزش پرستاری: یک مطالعه کیفی..... ۳۰۸
- تجارب زیسته دانشجویان کارشناسی پرستاری از مشغولیت تحصیلی..... ۳۰۹
- طراحی و تدوین دوره آموزشی تخصصی و مدیریتی فراهم آوری اعضای پیوندی (آیروس)..... ۳۱۰
- هنجار یابی پرسشنامه نگرش به حرفه ای گری در بکار گیری شبکه های اجتماعی در علوم پزشکی..... ۳۱۱

- تبيين ادراك اساتيد و دانشجويان در خصوص فرصت های شبکه های اجتماعی مجازی در آموزش: یک تحليل محتوای کیفی..... ۳۱۱
- بررسی اضطراب و ارزشیابی آزمون آسکی ایستگاه فرایند پرستاری در آزمون پیش کارورزی دانشجویان پرستاری..... ۳۱۱
- چگونگی برنامه‌های مجازی توانمندسازی اعضای هیات علمی در آموزش علوم پزشکی در دوران کووید ۱۹: مطالعه مروری نظام‌مند..... ۳۱۲
- تکنولوژی و ارزشیابی بازخورد _ یادگیری محور: یک مطالعه موردی در آموزش علوم پزشکی..... ۳۱۳
- تاثیر آموزش پزشکی با رویکرد روایی بر ارتقای بازانديشی و همدلی در دانشجویان پزشکی..... ۳۱۳
- عوامل مؤثر در اخلاق حرفه‌ای از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه..... ۳۱۴
- روانسنجی ابزاری به منظور آموزش بازانديشی در علوم پزشکی..... ۳۱۴
- تبيين درک و تجارب دینفعان از توسعه دانش های میان رشته ای در علوم پزشکی..... ۳۱۵
- بررسی سبک یادگیری دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی البرز در سال ۱۳۹۹..... ۳۱۶
- یاددهی و یادگیری..... ۳۱۷
- بررسی مقایسه ای یادگیری مبتنی بر سناریو به دو روش بحث گروهی و پرسش و پاسخ بر دستاوردهای یادگیری دانشجویان پرستاری..... ۳۱۷
- مقایسه تأثیر شیوه آموزش حضوری با آموزش مجازی در میزان یادگیری دروس دانشجویان هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سالهای تحصیلی ۹۶-۹۷ تا ۹۸-۹۹..... ۳۱۷
- بررسی دیدگاه دانشجویان در مورد کیفیت آموزش بیوشیمی به دو شیوه حضوری و کلاس وارونه..... ۳۱۸
- یک موقعیت یادگیری چگونه خلق می شود؟..... ۳۱۹
- تدریس آناتومی با بکارگیری تصاویر سه بعدی: راهی جهت ارتقا یادگیری در دانشجویان علوم پزشکی..... ۳۲۰
- آموزش همتای دانشجویان مامایی راهکاری جهت ایجاد حس خوب یادگیری در دانشجویان کارشناسی مامایی در بخش زایمان..... ۳۲۱
- ارتقاء یادگیری دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در درس انگل شناسی پزشکی با اجرای روش هیبرید کلاس معکوس با استفاده از سیستم مدیریت یادگیری نوید وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی..... ۳۲۱
- مقایسه اثر آموزش به ۳ شیوه نمایشی، مبتنی بر ویدئو و شبکه اجتماعی مجازی بر یادگیری مهارت های پرستاری بالینی همودیالیز: یک مطالعه مداخله ای و مقایسه ای..... ۳۲۲
- مقایسه تدریس درس فیزیولوژی غدد و تولید مثل به دو روش سنتی و ادغام با یافته های بالینی در دانشگاه علوم پزشکی گناباد: نگرش و یادگیری..... ۳۲۳
- آموزش پرستاری و پاندمی کرونا ویروس: آموزش فرآیند پرستاری در فضای مجازی..... ۳۲۳
- تدریس مبحث "تشخیص و درمان دیس لیپیدمی" با دو روش سخنرانی و ترکیبی (سخنرانی+ الکترونیکی) و مقایسه تأثیر این دو روش بر پیشرفت تحصیلی در دانشجویان کارآموز و کارورز رشته پزشکی..... ۳۲۴
- مقایسه دو شیوه آموزش رایج و شبیه سازی و ارائه برنامه آموزشی جهت تدریس روش های جراحی به دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل..... ۳۲۴
- تدریس اخلاق در آموزش به شیوه یادگیری مبتنی بر مباحثه در سناریوهای واقعی، روشی موثر در میزان مشارکت و رضایتمندی اعضای هیات علمی..... ۳۲۵
- مقایسه ی روش های آموزش مجازی و سنتی بر کیفیت یادگیری واحد ترمیمی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل..... ۳۲۵
- بررسی تأثیر جهت گیری هدف بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز..... ۳۲۶
- بررسی اثربخشی گرایش به تفکر انتقادی بر سبک تدریس اعضاء هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز..... ۳۲۷
- افزایش دانش کارورزان پزشکی در تشخیص و درمان عفونت های حاد تنفسی بعد از آموزش در بحران اپیدمی کرونا..... ۳۲۷
- اثربخشی تدریس آمار زیستی به شیوه مشارکتی بر یادگیری دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد پرستاری..... ۳۲۸

۳۲۹	بررسی مقایسه ای آموزش به شیوه آموزش مبتنی بر تیم، سخنرانی و آکرونیوم بر نمرات و میزان رضایت دانشجویان مامایی از یادگیری درس پاتوفیزیولوژی در دانشکده علوم پزشکی سیرجان در سال ۱۳۹۹.....
۳۲۹	بررسی تاثیر آموزش کارگاهی مهارت های عملی بر توانمندی دستیاران جدیدالورود گروه کودکان.....
۳۳۰	بررسی تاثیر بازخورد مبتنی بر داشبورد بر رفتار دستیاران در خصوص درخواست تست های آزمایشگاهی در بخش نورولوژی بیمارستان شهید بهشتی کاشان.....
۳۳۱	ارزیابی محیط های یادگیری بالینی بخش داخلی.....
۳۳۱	بررسی عوامل تاثیرگذار بر کیفیت آموزش تشخیص نویسی، مبتنی بر استانداردهای سازمان بهداشت جهانی (WHO) روش نگاشت مفهومی
۳۳۲	ارزیابی کیفیت آموزش مجازی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در نیمسال دوم ۹۸-۹۹.....
۳۳۳	بررسی ضرورت آموزش درس سوندگذاری مبتنی بر شواهد: بایدها و نبایدها برای رزیدنت ها و دانشجویان علوم پزشکی.....
۳۳۴	روش و محتوای آموزشی مورد انتظار دانشجویان پزشکی در راستای هزینه کرد هوشمند خدمات تشخیصی.....
۳۳۵	آموزش نقشه مفهومی با تلفن همراه و تاثیر اجرای آن بر خلاقیت دانشجویان پرستاری در کارورزی عرصه مراقبت ویژه.....
۳۳۵	یادگیری الکترونیکی.....
۳۳۶	بررسی تاثیر آموزش مجازی هدفمند بر مهارت معاینه فیزیکی دستیاران تخصصی داخلی.....
۳۳۶	دانشجویان رشته های مجازی کدام شیوه آموزشی را بیشتر ترجیح میدهند؟.....
۳۳۷	چالش های آموزش مجازی در پاندمی COVID-۱۹ از دیدگاه اعضای هیات علمی و ارتباط آن با نگرش به تغییر.....
۳۳۸	تحلیلی بر دیدگاه دانشجویان در مورد ترجیح شیوه های ارزشیابی الکترونیکی مطالعه دانشگاه علوم پزشکی شیراز.....
۳۳۸	رابطه اعتیاد به اینترنت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دندانپزشکی و پزشکی.....
۳۳۹	وضعیت درگیری تحصیلی در دانشجویان علوم پزشکی در بستر آموزش الکترونیک.....
۳۴۰	تبیین چالش ها و تجارب اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز از آموزش مجازی در دوران بحران COVID-۱۹.....
۳۴۱	استراتژی های یادگیری از راه دور در آموزش دانشجویان پزشکی دردوران پاندمی : COVID-۱۹ یک مطالعه مرور سیستماتیک.....
۳۴۱	یادگیری الکترونیکی در طی همه گیری کووید ۱۹ در دانشجویان پزشکی.....
۳۴۲	آموزش مجازی سواد اطلاعاتی: گامی در جهت ارتقای مهارت های جستجوی و بازیابی اطلاعات برای عملکرد مبتنی بر شواهد در دانشجویان کارشناسی پرستاری.....
۳۴۲	بررسی اثربخشی آموزش بالینی مبتنی بر شبیه ساز بیمار مجازی تحت وب بر کسب مهارت تصمیم گیری بالینی دانشجویان پرستاری در دوران پاندمی کووید ۱۹.....
۳۴۳	نقش تکالیف ترسیمی در ارتقای کیفیت تدریس مجازی درس علوم تشریح سرو گردن دانشجویان پزشکی بندرعباس در دوران پاندمی کووید.....
۳۴۴	تبیین تجارب دانشجویان گفتاردرمانی نسبت به استفاده از کتاب های کار برای بهبود کیفیت آموزش مجازی در دروان همه گیری کووید-۱۹: یک مطالعه کیفی.....
۳۴۴	بررسی نگرش دانشجویان پزشکی و هوشبری نسبت به آموزش مجازی درس فیزیولوژی در ایام پاندمی COVID-۱۹.....
۳۴۵	اهمیت نسبی و عملکرد سامانه های آموزش مجازی از دید دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۹.....
۳۴۶	بررسی نگرش اعضای هیات علمی و دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی نسبت به آموزش مجازی در سال ۱۳۹۷.....
۳۴۷	کاربرد آموزش سیار در آموزش جایگذاری سند بینی.....



ارزشیابی دوره و هیات علمی

ارزشیابی اساتید و عوامل مرتبط با آن در مورد کلاسهای

مجازی در هنگامه کووید -۱۹ از دیدگاه دانشجویان

دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه سال ۱۳۹۹

ویدا سپاهی - دانشگاه ع. پ. کرمانشاه

مقدمه: ارزشیابی اساتدان یکی از ابزارهای مهم در فرایندهای آموزشی است که با استفاده از روش‌های مختلف از جمله نظرخواهی از دانشجویان انجام می‌گیرد. در این برهه زمانی و بحران شیوع بیماری، پیامدهای حرکت آنلاین تعلیم و تربیت نگرانی‌های قابل توجهی را درباره ارزیابی سنتی دانشجویان از مربیان بسیاری از مؤسسات ایجاد می‌کند. اگر مربیان در کلاس‌هایی ارزیابی شوند که تفاوت‌های اساسی با کلاس‌های برنامه‌ریزی شده آنها داشته باشند، ممکن است غیرمنصفانه باشد که این ارزیابی‌ها را در محیطی انجام دهیم که در درجه اول از عهده آنها خارج است. اگرچه توصیه می‌شود مدیریت رسمی و استفاده از ارزیابی‌های دانشجویان به تعویق بیفتد، اما برای دانشجویان مهم است که بتوانند در مورد تجربه یادگیری خود در محیط جدید از راه دور، به مربیان خود بازخورد دهند. ارزیابی مقدماتی استاد توسط دانشجویان می‌تواند برای بهبود آموزش در محیط جدید بسیار مفید باشد. این مطالعه با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر ارزشیابی اساتید در آموزش مجازی در هنگامه کووید -۱۹ بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۹۹ انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه مقطعی از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و جامعه مورد مطالعه دانشجویان مشغول به تحصیل ترم دوم و بالاتر دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (دانشکده‌های پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی، پرستاری-مامایی، پیراپزشکی، بهداشت و تغذیه) در مقاطع مختلف تحصیلی بودند. حجم نمونه با اطمینان ۹۵ درصد و دقت ۰.۰۵ و با فرض ۸۸ درصد نگرش مثبت نسبت به تأثیر عوامل بر ارزشیابی، حداقل ۱۶۳ نفر برآورد شد. برای ارزیابی دیدگاه دانشجویان از عوامل مؤثر بر ارزشیابی اساتید از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه شامل ۱۸ سؤال بود که با مقیاس لیکرت از "خیلی زیاد تا خیلی کم" از یک تا پنج امتیازبندی شد. سؤالات شامل سه حیطه مهارتهای آموزشی مدرس (۸ سؤال)، خصوصیات شخصی و اخلاقی مدرس (۵ سؤال)، و رعایت اصول و قوانین آموزشی (۵ سؤال) است. روایی پرسشنامه به وسیله کارشناسان کمیته ارزشیابی مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی تایید و پایایی آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ ۰.۹۶ به دست آمد. پرسشنامه که شامل دو قسمت مشخصات دموگرافیک و عوامل مؤثر بر ارزشیابی اساتید بود، توسط google form طراحی و لینک آن از طریق گروه‌های واتساپ در اختیار دانشجویان قرار گرفت. سپس پرسشنامه‌ها کدبندی شد و اطلاعات وارد نرم افزار SPSS شد. اطلاعات مورد نیاز توسط روش‌های آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که حیطه مهارت آموزشی مدرس با فراوانی (۹، ۵۴٪)، خصوصیات شخصی و اخلاقی مدرس با فراوانی (۶، ۵۶٪)، و رعایت اصول و قوانین آموزشی با فراوانی (۲، ۴۳٪) به ترتیب به عنوان مؤثرترین تا کم اثرترین عوامل بر ارزشیابی دانشجویان از اساتید به شمار می‌آیند. همچنین نتایج نشان داد که بیشترین تأثیر بر ارزشیابی استاد از دیدگاه دانشجویان مربوط به مؤلفه یک (قدرت بیان و توانایی برقراری ارتباط و انتقال محتوا) از حیطه مهارت‌های آموزش مدرس با میانگین ۳۷، ۸۳٪، ۳ می‌باشد. درحالی‌که کمترین تأثیر را مؤلفه توانایی استاد در فعال نگه داشتن دانشجویان از حیطه خصوصیات شخصی و اخلاقی مدرس با میانگین ۳۰، ۴۸٪، ۲ را دارد و بقیه مؤلفه‌های ارزشیابی بین این دو میانگین قرار دارند که نشان دهنده تأثیر بالای این مؤلفه‌ها بر ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان است. البته دیدگاه دانشجویان دختر و پسر درباره عوامل مذکور متفاوت بود و این تفاوت ارتباط معناداری را نشان داد ($P < 0.001$). همچنین این نتیجه بدست آمد که بین تأثیر عوامل حیطه‌های ارزشیابی دانشجویان از اساتید خود در دانشکده‌های مختلف و مقاطع مختلف نیز تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0.001$).

بحث و نتیجه‌گیری: ارزشیابی دانشجویان از اساتید، فرایندی چند بعدی و متأثر از عوامل و عناصر متعددی است که در این مطالعه، عواملی با تأثیر بالا مانند قدرت بیان و توانایی برقراری ارتباط و انتقال محتوا، رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای در فضای مجازی، مشاوره راهنمایی و کمک به حل مشکلات یادگیری مشخص و همچنین عواملی با تأثیر پایین مانند پاسخگویی به سؤالات دانشجویان، توانایی استاد در فعال نگه داشتن دانشجویان، و استفاده از محتوای آموزش تعاملی شناسایی شد. لذا توجه به آنها از سوی اساتید حائز اهمیت است. البته چنین یافته‌هایی نافی نقش و تأثیر سایر مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در ارزشیابی اساتید و ضرورت توجه برای بهبود و توسعه هر یک از آن‌ها نیست. پیشنهاد می‌شود با توجه به این که ارزیابی دانشجویان از اساتیدشان متأثر از نگرش‌ها، علاقه‌ها و ادراک آنها می‌باشد، با تکرار مطالعاتی در حوزه‌های وسیع‌تر دانشگاهی، همه عوامل مؤثر بر ارزشیابی اساتید از دیدگاه دانشجویان در کلاسهای مجازی شناسایی شود تا با اطمینان بیشتری فرم‌های ارزیابی تدوین گردد.

تأثیر تحصیلات آکادمیک بر ویژگی‌های تدریس اثر بخش

از دیدگاه دانشجویان

کامران میرزایی - دانشگاه ع. پ. بوشهر، ثریا زحمت کش - دانشگاه ع. پ. شیراز، سمیه باغبانی - دانشگاه ع. پ. بوشهر.

مقدمه: تدریس مؤثر حاصل تعامل و رفتار متقابل استاد و دانشجو بر اساس یک برنامه طراحی شده منظم و هدفمند استاد با هدف ایجاد تغییر در رفتار فراگیر و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است. هدف این مطالعه مقایسه مهم ترین ویژگی‌های تدریس اثربخش از

دیدگاه دانشجویان جدیدالورود و دانشجویان سال آخر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بود.

روش اجرا: در یک مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۸، ۲۸۲ دانشجوی ورود و ۲۴۳ دانشجوی سال آخر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر هر که به صورت طبقه های تصادفی انتخاب شده بودند، شرکت نمودند. جهت گردآوری داده ها، از پرسشنامه خود ایفا شامل مشخصات دموگرافیک دانشجویان و ۲۲ سوال در خصوص مهمترین شاخص های تدریس اثربخش شامل خصوصیات فردی (۹ سوال)، روش تدریس (۵ سوال)، دانش پژوهی (۳ سوال)، و قدرت ارتباط با دانشجو (۵ سوال) استفاده شد سوالات به صورت بسته و با پاسخ های چندگزینه ای در مقیاس لیکرت (از بسیار زیاد تا بسیار کم) بود.

نتایج: مولفه های خصوصیات فردی در دانشجویان جدیدالورود از اهمیت بالاتری نسبت به دانشجویان سال آخر برخوردار بود ($P < 0.001$)، لیکن مولفه های روش تدریس از دیدگاه دانشجویان سال آخر با اهمیت تر بود ($P < 0.001$). بین اهمیت مولفه های دانش پژوهی و قدرت ارتباط با دانشجو در دو گروه از دانشجویان تفاوت ای دیده نشد (به ترتیب $P = 0.612$ و $P = 0.467$). از دیدگاه دانشجویان جدیدالورود و سال آخر به ترتیب در حیطه خصوصیات فردی، مولفه احترام به دانشجو در هر دو گروه، در حیطه روش تدریس، مولفه های نظم و سازماندهی مطالب، در حیطه دانش پژوهی، مولفه های تسلط بر موضوع و انتقال وازه مطالب و در حیطه ی قدرت ارتباط با دانشجو عدالت در ارزشیابی در هر دو گروه بالاترین امتیازات را کسب نمودند. از دیدگاه دانشجویان دو گروه عدالت در ارزشیابی مهمترین مولفه یک تدریس اثر بخش بود.

بحث و نتیجه گیری: بجز مولفه رعایت عدالت در ارزشیابی، در سایر حیطه ها های روش تدریس موثر، دیدگاه دانشجویان طی سالهای تحصیل در دانشگاه تغییر کرده و اهمیت حیطه ها از مولفه های خصوصیات فردی و دانش پژوهی مدرس به سمت مولفه های روش تدریس و قدرت ارتباط با دانشجو تغییر ماهیت می دهد.

بررسی میزان اهمیت و دستیابی به اهداف مواجهه زودرس بالینی از نظر دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

سمانه سروقد مقدم - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، آرزو فرج پور - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، لیلا بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، الهام مختاری امیر مجدی - سمانه سروقد مقدم - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی .

مقدمه: مواجهه زودرس بالینی می تواند یادگیری دانشجویان در حوزه های عاطفی و شناختی، اجتماعی شدن با حرفه و تکوین شخصیت حرفه ای و پروفشنالیسم را افزایش دهد این امر حتی می تواند به عنوان یک موقعیت مناسب برای شناختن حرفه آینده، تصویر درست تری از حرفه پزشکی در اختیار دانشجویان قرار دهد، چیزی که در بسیاری از رشته های دیگر امکان پذیر نیست. لذا هدف این پژوهش، بررسی میزان اهمیت و قابلیت دستیابی به اهداف تماس زودرس با بیمار (ECE) از دیدگاه دانشجویان پزشکی و مقایسه آن با عملکرد تحصیلی آنان می باشد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی مقطعی، ۹۳ دانشجوی پزشکی به صورت سرشماری، پس از ارایه آموزش کارگاهی حدود ۳۴ ساعت طی دو ترم اول در زمینه ماهیت رشته پزشکی، اصول اخلاق و رفتار حرفه ای، ارتباط با بیماران، سلسله مراتب و شرح وظایف رده های مختلف، سازوکارهای بهبود کیفیت و برخورد با خطاهای پزشکی و ایمنی بیمار، در بیمارستان حضور یافتند و آموخته های خود را در محیط بالینی تجربه و تمرین نمودند از جمله مواردی که مورد تاکید قرار گرفت شامل: اجرای اصول پوشش حرفه ای پزشکی، آشنایی با ساختار فیزیکی و بخشهای بیمارستانی، آشنایی با سلسله مراتب بیمارستانی و تعامل رده های مختلف، ایجاد ارتباط اولیه با بیماران و همدلی با آنها، مشاهده ارتباطات و تعاملات حرفه ای در محیط و آشنایی با واقعیت های حرفه ای در بخش هایی مثل اورژانس، ICU، همودالیز و انجام شستشوی دست، کاربرد علوم پایه در بیماران و پاراکلینیک و غیره بود؛ به منظور بررسی، میزان دستیابی به اهداف برنامه و اهمیت برنامه از منظر دانشجویان، از پرسشنامه تماس زودرس با بیمار در ۸ حیطه اصلی (اخلاق پزشکی، مهارتهای علمی، درک مراقبت های اولیه، مهارتهای ارتباطی، مراقبت بیمار محور، آشنایی با نحوه آموزش بالینی، ادغام علوم پایه و بالینی و ایجاد انگیزه برای یادگیری علوم پایه) استفاده شد. حداقل نمره ای که هر دانشجو از این پرسشنامه کسب می کند ۲۲ و حداکثر ۱۱۰ می باشد. این پرسشنامه در مطالعه ادیبی و همکاران جهت ارزیابی دوره های برخورد زودرس با محیط بالینی تدوین گردیده است و در قالب دو مقیاس لیکرت پنج تایی (از ۱= بی اهمیت تا ۵= بسیار مهم و از ۱= اصلا قابل دستیابی نیست تا ۵= به سادگی قابل دستیابی است)، روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه مورد تایید متخصصان قرار گرفت و پایایی نیز از طریق الفای کرونباخ ۰.۸۲، محاسبه گردیده است. به دانشجویان یادآوری شد که نتایج این تحقیق صرفا در جهت اهداف طرح و تاثیری در روند ارزشیابی ندارد، پرسشنامه ها پس از کسب رضایت آگاهانه از دانشجویان، به صورت بی نام جمع آوری شد. متغیر عملکرد تحصیلی دانشجویان (نمره معدل ترم قبل) در رابطه با هر دو مقیاس مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها بوسیله نرم افزار SPSS نسخه ی ۲۱ و با استفاده از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تی مستقل انجام شد.

یافته ها: از ۱۰۰ دانشجوی مورد مطالعه، ۹۳ نفر پرسشنامه خود را تکمیل و تحویل نمودند و میزان پاسخدهی ۹۳٪ می باشد. از این تعداد (۲۷) ۲۹٪ مذکر و (۶۶) ۷۱٪ مونث، (۸) ۶٪، ۸٪ متاهل و مابقی مجرد بودند. دامنه سنی شرکت کنندگان ۲۰-۲۶ سال و میانگین سنی ۳۶، ۱ ±۳۴، ۲۱ سال بود. میانگین نمره دانشجویان در مقیاس اهمیت اهداف برنامه، ۵۹، ۳۱±۸، ۹۹ و در مقیاس قابلیت دستیابی به اهداف، ۷۵، ۱۳±۶۲، ۸۱ به دست آمد که نشان می دهد علی رغم این که دانشجویان اهمیت بسیار بالایی برای اهداف برنامه آموزشی تماس زودرس با بیمار قائل بودند ولی بر این باور بودند که امکان دستیابی بدان اهداف چندان آسان نیست. در بررسی یافته های آماری مشخص شد میان میزان اهمیت اهداف آموزشی دوره با عملکرد تحصیلی دانشجویان ($r=0.001, P=0.371$) و با جنسیت دانشجویان ($r=0.095, P=0.367$) و سن دانشجویان ($t=0.559, M=-0.477$) ارتباط آماری معنی داری وجود ندارد. همچنین یافته های آماری مبین آن است که میان قابلیت دستیابی به اهداف با عملکرد تحصیلی دانشجویان ($r=0.004, P=0.293$) و با جنسیت ($r=0.003, P=0.974$) و سن ($t=0.790, P=0.429$) ارتباط آماری معنی داری یافت نشد.

نتیجه گیری: دانشجویان ارزیابی بالایی از میزان اهمیت و همین طور قابلیت دستیابی به اهداف برنامه مواجهه زودرس بالینی داشتند. دانشجویان موفق تر به طور معنی داری بیش از سایرین اهمیت و قابلیت دسترسی به اهداف تماس زودرس بالینی را ارزیابی می کنند ولی به طور کلی علی رغم اهمیت بالای اهداف تعیین شده قابلیت دستیابی به آنها آسان نمی نماید و لذا این جنبه برنامه، نیازمند برنامه ریزی و طراحی آموزشی بیشتری می باشد.

تحلیل محیط یادگیری پزشکی عمومی از منظر توجه به پرورش شایستگی پیشرفت فردی

مهری یآوری - دانشگاه ع. پ. مشهد، حسین کریمی مونتقی - مرتضی کریمی.

ضرورت پژوهش: یکی از الزامات مهم برنامه درسی پزشکی عمومی، پرورش هفت شایستگی محوری از جمله شایستگی پیشرفت فردی است که از طریق فعالیت های رسمی و غیررسمی به دانشجویان کمک می کند توانمندی های موثر در زندگی فردی و حرفه ای مانند خودآگاهی، کنترل خشم و استرس، مدیریت زمان، هدف گذاری و برنامه ریزی و دانش انفورماتیک را بدانند و به کار ببندند. موفقیت در پرورش این شایستگی بستگی زیادی به نوع محیط یادگیری آن ها دارد. محیط یادگیری فرهنگ حاکم برموسسه و برنامه درسی، اخلاق و روحیات افراد، ویژگی های فضاهای آموزشی، چگونگی ارتباط افراد با یکدیگر و همچنین شیوه هایی که مدرسان می توانند محیط آموزشی را برای تسهیل

یادگیری سازماندهی کنند را شامل می شود. طبق تحقیقات انجام شده، برنامه های درسی آموزش عالی در پرورش و تقویت شایستگی های مورد نیاز دانش آموختگان از توفیق چندانی برخوردار نبوده و موجب اتلاف هزینه و کاهش اثربخشی آموزش ها می شود و یکی از موانع اصلی این مساله، شناخت ناکافی از محیط های یادگیری است. باتوجه به اهمیت شایستگی پیشرفت فردی برای ایفای نقش های حرفه ای دانش آموختگان، هدف پژوهش حاضر تحلیل محیط یادگیری رشته پزشکی عمومی از منظر توجه به پرورش این شایستگی است.

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و روش مطالعه موردی انجام شد. محیط پژوهش دانشکده پزشکی مشهد و مکان انجام مطالعه باتوجه به ویژگی ها و روش های جمع آوری اطلاعات، عرصه های واقعی آموزش بود؛ از جمله کلاس های درس، مرکز مهارت های بالینی، سالن های برگزاری کارگاه های آموزشی و بخش های بالینی بیمارستان های آموزشی که زیرمجموعه دانشکده پزشکی می باشند و هر یک از آنها بخشی از آموزش دانشجویان در مقطع بالینی را عهده دار هستند. مشارکت کنندگان شامل اساتید دوره پزشکی عمومی (۶ نفر)، متخصصان آموزش پزشکی (۳ نفر)، مدیران گروه های آموزشی (۴ نفر)، مدیران آموزشی دانشکده و دانشگاه (۲ نفر) که در آموزش پزشکی عمومی مشارکت داشته و بر اساس شناخت تیم پژوهش در زمینه برنامه درسی ملی پزشکی عمومی صاحب نظر بوده و یا علاقه به این حوزه را داشتند و همچنین دانشجویان پزشکی (۳۴ نفر) بودند که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات پژوهش با انجام ۱۵ مصاحبه نیمه ساختارمند، ۲ بحث گروهی متمرکز، ۴ مشاهده در فضاهای آموزشی مختلف و مرور سند برنامه درسی ملی پزشکی عمومی تارسیدن به اشباع داده ها ادامه یافت. اطلاعات به دست آمده با استفاده از نرم افزار MAXQDA-۱۰ مدیریت شد و با روش تحلیل محتوای کیفی براساس الگوی گرنهایم ولاندمن تحلیل گردید. دقت مطالعه با به کارگیری اقداماتی برای افزایش قابلیت اطمینان داده ها شامل مقبولیت، تعمیم پذیری، قابلیت اعتماد و تأیید پذیری، مبتنی بر توصیه های گوبالینکلن تقویت شد.

یافته ها: اطلاعات جمع آوری شده به واحدهای معنایی خلاصه و با ایجاد ۳۰۲ کد اولیه و مقایسه و دسته بندی سیستماتیک آنها به ۳۳ زیر مضمون تبدیل شد. بهاندادن به شایستگی پیشرفت فردی در بعضی از مقاطع پزشکی عمومی، حذف دروس مرتبط با این شایستگی در برنامه درسی فعلی، فربه شدن بیش از حد برنامه درسی با محتوای نظری، فقدان مدل مشخص برای پرورش شایستگی، عدم استفاده از فناوریهای نوین، استراتژی ها و محتوای نامناسب، محدودیتهای محیطی و ارزشیابی نامناسب از مهمترین زیرمضمون های به دست آمده از تحلیل اطلاعات بود. نهایتاً "از طریق مقایسه ی زیرمضمون ها با یکدیگر و با متن اصلی، ۵ مضمون اصلی شامل "پارادوکس های برنامه درسی، تجارب یادگیری، توازن در توزیع، ارزشیابی اصیل و توانمندی اساتید" استخراج شد. تحلیل یافته ها نشان داد علی رغم تاکید برنامه ریزان درسی بر اهمیت هفت شایستگی محوری و الصاق سند توانمندی های

بررسی تحقق استانداردهای فدراسیون جهانی آموزش پزشکی (WFME) در دوره پزشکی عمومی دپارتمان پزشکی اجتماعی دانشکده پزشکی بقیه ا... (عج)

ازاده صدقی جلال - دانشگاه ع. پ. بقیه ا...، طالب بدری - دانشگاه ع. پ. بقیه ا...، حسن گودرزی - دانشگاه ع. پ. بقیه ا...، محمد رئیس زاده - ازاده صدقی جلال - دانشگاه ع. پ. بقیه ا...،

مقدمه: نظام آموزش پزشکی کشور علاوه بر عملکرد خدماتی در بخش بهداشت و درمان؛ در عرصه عملکردهای آموزشی و پژوهشی خود نیز برای به روز ماندن، رقابت پذیری و کسب رتبه منطقه ای و جهانی، نیازمند ارتقای کیفی است. آمار و گزارش های سازمان های جهانی نشان می دهد که ایران از نظر کمی، اکثر استانداردهای بهداشت و درمان را به دست آورده و جزو کشورهای پیشرو منطقه می باشد. بهبود کیفیت آموزش پزشکی از مسائل اصلی نظام آموزش پزشکی کشور است و یکی از استراتژیها برای ارتقای کیفیت آموزش پزشکی ارزیابی وضعیت موجود و شناسایی نقاط ضعف می باشد. به همین منظور، بررسی و تلاش جهت ارتقای کیفیت آموزش پزشکی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور، با در نظر گرفتن استانداردهای بین المللی اهمیت دارد. لذا جهت دست یابی به کیفیت مطلوب انجام ارزیابی درونی موثرترین راه می باشد. استفاده از ارزیابی درونی برای بهبود کیفیت آموزش عالی در سایر کشورها از سابقه طولانی برخوردار است. ارزیابی درونی موجب می شود نهادهای آموزشی از نتایج عملکرد خود در قبال انجام وظایف آگاه شوند و در صورت لزوم اصلاحات لازم را انجام دهند.

روش اجرا: مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی در سال ۱۳۹۸ در گروه پزشکی اجتماعی انجام گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات چک لیست تهیه شده بر اساس استانداردهای جهانی WFME در ۷ حوزه بود. نتایج و ارزیابی با استفاده از پرسشنامه، بررسی مستندات گروه و مصاحبه های صورت گرفته بدست آمد.

یافته ها: میزان تحقق استانداردهای جهانی در گروه پزشکی اجتماعی در حوزه رسالت و اهداف، دانشجو و منابع آموزشی ۱۰۰٪، حوزه برنامه آموزشی ۹۴، ۴۴٪، حوزه هیئت علمی ۶۲، ۵٪، حوزه مدیریت عالی و اجرایی ۲۵٪ و حوزه ارزشیابی ۹۱٪ بوده است.

نتیجه گیری: با توجه به اهمیت و لزوم ارتقای کیفیت حوزه های مختلف استانداردهای آموزش پزشکی منطبق با استانداردهای جهانی در دپارتمانهای آموزشی، لازم است سطح کیفیت در حوزه های مدیریت عالی و اجرایی و هیئت علمی در گروه پزشکی اجتماعی افزایش یافته و حد مطلوب بالاتر از ۸۰٪ کسب شود.

دانش آموختگان به برنامه درسی، توجه به این شایستگی ها از وزن یکسانی برخوردار نمی باشد. همچنین با وجود تاکید بر استفاده از راهبردهای مبتنی بر وظیفه و مساله محور برای پرورش شایستگی های محوری، به دلایل متعددی همچون حجم زیاد مباحث تئوری، محدودیتهای محیط فیزیکی، تعداد زیاد دانشجویان در کلاسها و عرصه های آموزشی، پیاده سازی این راهبردها با موانع جدی روبرو است و تناقضات متعددی از این دست در محیط یادگیری مشاهده می شود. از طرف دیگر هنوز درک صحیح و دقیقی از مفهوم شایستگی پیشرفت فردی و اهمیت آن در رشته پزشکی بین اعضای هیات علمی بوجود نیامده است. به همین دلیل اکثر آنان ویژگی های خاص محیط یادگیری برای پرورش شایستگی را نمی دانند. به تبع این مساله دانشجویان نیز نیازهای آموزشی خود برای کسب توانمندی های مربوطه غافل می مانند و در یک چرخه معیوب نه استاد از دانشجو انتظارات مشخصی در این مقوله دارد و نه دانشجو متوجه خلاء موجود در آموزش این توانمندی ها می شود. مشکلات موجود در محیط آموزشی باعث می شود که دانشجو قادر به یادگیری خرده مهارت های پیشرفت فردی، تمرین و به کارگیری آنها نباشد. بی نظمی در محیط بخش های بالینی، کمبود امکانات برای دانشجویان در بخش ها، تعداد زیاد دانشجو، تمرکز اساتید در محیط های بالینی بر آموزش دستیاران و کشیک های زیاد دانشجویان در مقطع کارورزی، منفعل بودن دانشجویان در برنامه های آموزشی، نگرانی از احترام به شخصیت فردی در محیط آموزشی، یادگیری تئوریک خرده مهارت ها و ضعف نظام آموزش متوسطه در توجه به مسائل روانی اجتماعی دانش آموزان (قبل از ورود به دانشگاه) مواردی بودند که به عنوان مشکلات محیط یادگیری در این مطالعه مطرح شدند. بی توجهی به مولفه های توانمندی پیشرفت فردی در طراحی آزمون ها و عدم ارائه بازخورد مستمر و مناسب به دانشجویان از سوی اساتید در زمینه صلاحیت های فردی، از دیگر یافته های پژوهش بود. یکی از مهمترین نتایج بدست آمده از مطالعه آن است که در شرایط فعلی بسیاری از اساتید پزشکی خودشان واجد صلاحیت های فردی لازم نیستند.

نتیجه گیری: محیط یادگیری کنونی در دانشکده پزشکی با ویژگی هایی که دارد قادر به پرورش شایستگی پیشرفت فردی در دانشجویان نمی باشد. این مساله بیانگر محیط آشوبناکی است که طراحی آموزشی در آن فروگذارده باقی مانده است. بنابراین لازم است با اتخاذ رویکرد مناسب به طراحی محیط یادگیری اثربخش اقدام نمود.

واژه های کلیدی: پزشکی عمومی، شایستگی پیشرفت فردی، محیط یادگیری

ارزشیابی برنامه آموزشی دستیاران تخصصی کودکان در دانشگاه علوم پزشکی شیراز به روش هدف آزاد

جواد کجوری - دانشگاه ع. پ. شیراز، لیلیا بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، زهرا صفاری - دانشگاه ع. پ. شیراز، کریم عباسی - دانشگاه ع. پ. شیراز، مریم امیری نیا - دانشگاه ع. پ. شیراز، مارال استوارفر - دانشگاه ع. پ. شیراز، مریم کمالی، دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: پیشرفت روز افزون و تصاعدی علوم در دنیا و همگامی اجتناب ناپذیر علوم پزشکی با این روند، موجب شده است تا لزوم تغییرات در برنامه آموزشی دوره های آموزش تخصصی پیش از پیش احساس گردد. مسئولیت دانشگاه های علوم پزشکی تعلیم و تربیت پزشکان و پرسنل درمانی است که پس از دانش آموختگی بتوانند با انجام وظایف حرفه ای خود و پایبندی به اصول مدونی که این حرفه ایجاد می کند در راه ارتقای سلامت جامعه تلاش کنند. ارزشیابی مؤثر یکی از مهمترین مباحث اساسی فرایندهای آموزشی، برای حصول اطمینان از پیامد یا بازده برنامه آموزشی است. دانشگاه ها به عنوان نهاد تولید کننده و انتقال دهنده دانش و تامین نیروی انسانی متخصص در جامعه وظیفه دارند به طور مستمر به بررسی وضعیت موجود خود پرداخته و با تحلیل مسائل به راهکارهای عملی برای ارتقاء کیفیت آموزش دست یابند. برنامه درسی تخصصی کودکان نیز در سال ۱۳۸۷ در راستای نیاز جامعه بازنگری و تصویب شد و به دانشکده های پزشکی ابلاغ گردید و اکنون در حال اجرا است. ولی با توجه به ضرورت به روزرسانی برنامه های درسی از جمله برنامه درسی تخصصی کودکان به دلایلی شامل ظهور علوم جدید، تغییرات دموگرافیک، پیشرفت در علوم بیولوژیک و تغییرات بنیادین در سیستم آرایه خدمات سلامت، بازنگری برنامه درسی امری مهم و اجتناب ناپذیر می باشد. از این رو به منظور ارزشیابی و بازنگری برنامه درسی، بررسی نقطه نظرات و دیدگاه های گروه های درگیر و ذینفع در برنامه درسی شامل اساتید، دانشجویان و جامعه ضروری است که می تواند مرجع مناسبی برای راهنمایی برنامه ریزان آموزشی باشد.

روش اجرا: این مطالعه از نوع مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوا با استفاده از الگوی هدف آزاد اسگریون است. در این بخش از مطالعه، جامعه پژوهش شامل دستیاران کودکان، دانشگاه علوم پزشکی شیراز است که در حال گذراندن دوره تخصص هستند. مشارکت کنندگان به صورت نمونه گیری هدفمند از میان دستیاران کودکان با حداکثر تنوع از نظر رشته و سال تحصیلی جهت انجام پژوهش انتخاب و از آنها مصاحبه به عمل آمد. در این مطالعه روش اصلی جمع آوری داده ها در ابتدا، مصاحبه های فردی نیمه ساختارمند بود مصاحبه ها به طور کامل ضبط و از موارد مهم و کلیدی یادداشت برداری نیز شد. هر مصاحبه بین ۲۰ دقیقه الی ۴۵ دقیقه به طول انجامید. پاسخ های دارای ابهام در حین

مصاحبه ها به طور عمیق تر جهت روشن سازی موضوع مورد پرسش قرار گرفتند و یا بعد از پیاده کردن مصاحبه روی کاغذ و پی بردن به موضوعات مبهم، مجدداً با شرکت کننده مورد نظر در جهت روشن سازی و باز کردن موضوع مصاحبه انجام شد جامعه پژوهش شامل دستیاران کودکان دانشگاه علوم پزشکی شیراز بودند که در حال تحصیل هستند. نمونه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را ۹ نفر از دستیاران سال اول تا سوم و ۲ نفر از اساتید گروه کودکان دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل دادند. ابزار گردآوری داده ها مصاحبه بود که از مشارکت کنندگان خواسته شد به توصیف چگونگی اجرای برنامه آموزشی بپردازند. سپس محقق با مرور مکرر مصاحبه ها ابتدا رمزها سپس با ترکیب و سازمان دهی زیرمقوله ها، آنها را به شمار کمتری از دسته بندی (مقوله) تبدیل شد. به عبارتی، مفهوم کلی که حاصل جمع بندی این مقوله ها یا تم ها حاصل گردید.

یافته ها: پس از پیاده سازی مصاحبه ها و تحلیل داده ها، ۹۴ کد، ۱۱ طبقه فرعی و ۲ طبقه اصلی شامل ساختار نظاممند یافته با زیر طبقات (وجود برنامه مدون، تکرار تجارب برای یادگیری بهتر، چگونگی آموزش و تعامل با دستیاران، راهبردهای آموزشی از طریق برنامه پنهان و تحقق انتظارات) و چالش های اجرایی برنامه (گرانباری برنامه، کاهش فرصت مطالعه دستیاران، شکاف انگیزشی در انتخاب رشته دستیاران، شکاف در نظام پایش عملکرد دستیاران، لزوم اصلاح شیوه های ارزشیابی و منابع محدود) استخراج شد.

نتیجه گیری: طبق یافته های این پژوهش، برنامه طب کودکان، در اجرا موفقیت هایی داشته که به بیان تجارب مشارکت کنندگان آموزش ساختار نظاممند گرفته است. زیر طبقات وجود برنامه مدون، تکرار تجارب برای یادگیری بهتر، چگونگی آموزش و تعامل با دستیاران، راهبردهای آموزشی از طریق برنامه پنهان و تحقق انتظارات بوند که نظم ساختار صحیح آموزش را در این طبقه توضیح دادند. زیر طبقات این طبقه همچون چالش های اجرایی این برنامه در گرانباری برنامه، کاهش فرصت مطالعه دستیاران، شکاف انگیزشی در انتخاب رشته دستیاران، شکاف در نظام پایش عملکرد دستیاران، لزوم اصلاح شیوه های ارزشیابی و منابع محدود. بوند که موانع جدی برنامه آموزشی دستیاران کودکان را تهدید می کند.

ادراکات دانشجویان پرستاری از محیط یادگیری بالینی:

یک مطالعه توصیفی مقطعی

مریم باقری - دانشگاه ع. پ. اصفهان، ریحانه نیک نژاد - دانشگاه ع. پ. اصفهان، مریم السادات هاشمی، نرگس خیرالهی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، آفرین قنوات پور - محمد اکبری -

زمینه و هدف: یکی از مهمترین ابعاد شناخته شده در زمینه موفقیت برنامه‌های آموزشی پرستاری، محیط‌های یادگیری است. محیط آموزش بالینی شبکه‌ای متقابل و پیچیده از نیروها هستند که بر روی پیآمدهای یادگیری بالینی دانشجویان موثر می‌باشد. نقطه تماس بین دانشجو و محیط یادگیری بالینی، محیط یادگیری درک شده است که ارتباطی را بین این دو حوزه ترسیم می‌کند. بررسی ادراک دانشجویان از محیط بالینی می‌تواند نقاط ضعف و قوت آموزش در محیط‌های یادگیری بالینی را روشنتر نماید و در برنامه ریزیهای آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش پرستاری مؤثر باشد. علیرغم مطالعات انجام شده در زمینه بررسی مشکلات و مسائل آموزش بالینی در سراسر کشور، با توجه به متفاوت بودن مدرسین، دانشجویان و محیط‌های آموزشی بالینی در هر واحد دانشگاهی، بررسی این ویژگیها و ارتباطات آنها در هر مرکز آموزشی به طور مجزا و در فواصل زمانی کوتاه بسیار ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه دانشجویان به عنوان یکی از اصلی ترین ذینفعان در فرآیند آموزشی به شمار می‌روند، بررسی ادراکات آنان از محیط‌های یادگیری بالینی جای توجه دارد. لذا این مطالعه با هدف بررسی ادراکات دانشجویان پرستاری از محیط یادگیری بالینی انجام شد. روش: این مطالعه یک پژوهش توصیفی مقطعی می‌باشد که در نیمسال دوم تحصیلی ۹۸-۹۷ انجام شد. نمونه‌گیری به صورت سرشماری انجام شد. در مجموع تعداد ۱۶۵ نفر از دانشجویان (۸۱ دانشجوی دختر و ۸۴ دانشجوی پسر) در این مطالعه شرکت داشتند. پژوهشگر پس از دریافت معرفی نامه از معاونت آموزشی و با توجه به فهرست اسامی از دانشجویان ترمهای تحصیلی ۴ تا ۸ نمونه‌گیری انجام شد. در این مطالعه دانشجویان ترم ۱ تا ۳ که از تجربه محدودی از حضور بالینی داشتند به مطالعه وارد نشدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه دموگرافیک و بخش سنجش ادراکات نسخه فارسی هنجاریابی شده سیاهه محیط یادگیری بالینی بود. این ابزار ۶ بعد را مورد بررسی قرار می‌دهد که عبارت اند از توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان، رضایت دانشجویان از آموزش بالینی، مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های بالینی، فردی‌سازی دانشجویان، مشخص بودن شرح وظایف دانشجویان در طی دوره بالینی، استفاده از نوآوری در آموزش بالینی که با مقیاس لیکرت ۵ نقطه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف به صورت کاملاً موافقم با نمره ۱ تا کاملاً مخالفم با نمره ۵، نمره دهی می‌شود. این مطالعه بخش ادراکات دانشجویان از محیط یادگیری را بررسی می‌کند و ایده‌آل مورد انتظار آنها از محیط یادگیری بالینی را نشان می‌دهد. ضریب آلفای کرونباخ ۰،۸۰ نشانگر اعتماد علمی پرسشنامه در بخش ادراکات آن است. تحلیل داده‌ها با نسخه ۱۶ نرم افزار آماری SPSS انجام شد. یافته‌ها: میانگین نمره کل ادراکات از محیط یادگیری بالینی ۱،۶، ۱۴۰ با انحراف معیار ۶۳، ۱۴ به دست آمد. از بین ابعاد بیشترین نمره مربوط به بعد رضایت با میانگین ۱،۲، ۲۵ و انحراف معیار ۴،۳۶ بود. در این مطالعه بین ترم تحصیلی و ابعاد نوآوری، فردی‌سازی و ادراکات از محیط یادگیری ارتباط معناداری وجود داشت به طوریکه نوآوری و فردی‌سازی با افزایش ترم تحصیلی کاهش یافته ولی

ابعاد مشخص بودن شرح وظایف دانشجویان در طی دوره بالینی و مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های بالینی با افزایش ترم تحصیلی به طور معناداری افزایش داشته است. در بررسی ارتباط هر بعد با ابعاد دیگر ادراکات از محیط یادگیری بالینی، نتایج حاکی از آن است که افزایش نمره ابعاد رضایت دانشجویان از آموزش بالینی و استفاده از نوآوری در آموزش بالینی بر سایر ابعاد تاثیر گذار است. در این مطالعه بعد استفاده از نوآوری در آموزش بالینی با جنسیت دانشجویان ارتباط معناداری داشت.

نتیجه‌گیری: این مطالعه پیشنهاد می‌کند عوامل محیطی با ادراکات دانشجویان از محیط یادگیری و رضایت دانشجویان از یادگیری در محیط‌های بالینی مرتبط است. به طوریکه درک دانشجویان از مشخص بودن شرح وظایف در دوره بالینی و استفاده از نوآوری در آموزش بالینی با افزایش ترم تحصیلی تغییراتی را نشان می‌دهد. ابعاد ادراکات از محیط یادگیری بالینی در تدوین برنامه‌های آموزش بالینی در دوره کارشناسی پرستاری بایستی مورد توجه باشد.

ارتقای مشارکت دانشجویان در فرآیند ارزشیابی اساتید دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۹۹

رعنا غلامزاده نیکجو - شیرین نصرت نژاد - علیرضا محبوب‌اهری -
شهلا دمنابی - یگانه پرتوی - دانشگاه ع. پ. تبریز، فرشته وثوق زاده.

مقدمه: ارزشیابی اساتید به نوعی میزان موفقیت اساتید در رسیدن به اهداف آموزشی خود را نشان می‌دهد که با توجه به اهمیت این موضوع نتایج ارزشیابی می‌تواند ضمن تقویت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف، مبنای بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی شود که موجبات ارتقای سطح علمی دانشگاه را فراهم سازد.

هدف: با توجه به اینکه در طی سال‌های متمادی میزان مشارکت دانشجویان دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در نظام ارزشیابی اساتید پایین‌تر از حد انتظار بود، این مطالعه جهت ارتقای وضعیت مشارکت دانشجویان دانشکده در نظام ارزشیابی اساتید در طی دو نیمسال تحصیلی سال ۱۳۹۹-۹۸ انجام پذیرفته است.

روش اجرا: مطالعه حاضر یک مطالعه اقدام پژوهی (Action Research) است که با مشارکت معاونت آموزشی، دفتر توسعه آموزش، گروه‌های آموزشی و دانشجویان دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی (۷۰ نفر) در نیمسال اول و دوم سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ در دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ای بود که بر اساس بررسی متون طراحی گردید و جهت تعیین روایی محتوایی در اختیار ۱۰

نفر از اساتید گروه‌های مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، سیاستگذاری سلامت، اقتصاد بهداشت، فناوری و اطلاعات سلامت قرار گرفت و پس از اصلاحاتی تأیید گردید. پرسشنامه شامل ۱۷ سوال کمی و ۲ سوال کیفی بود. در مرحله اول مشکلات و چالش‌های عدم مشارکت یا مشارکت ناکافی دانشجویان و راهکارهای پیشنهادی آنها جهت ارتقای وضعیت شناسایی گردید. سپس جلسات متعدد در قالب بحث گروهی با صاحبان اصلی فرآیند ارزشیابی یعنی مدیران گروه دانشکده، معاون آموزشی و پژوهشی، رئیس دانشکده و مسئولین نظام ارزشیابی و EDO برگزار شد و مشکلات و راهکارهای ارتقای مشارکت دانشجویان از دید این افراد احصا گردید. طی مرحله دوم اقدام پژوهی یعنی برنامه ریزی و اجرا، به منظور از بین بردن موانع و مشکلات عدم مشارکت در ارزشیابی، طی جلسات متعدد با مدیران گروه و مسئولین آموزشی دانشکده راهکارهای مداخله جهت افزایش مشارکت حداکثری دانشجویان اجرا گردید. در مرحله آخر بعد از اجرای مداخلات و راهکارها میزان مشارکت دانشجویان در ارزشیابی سنجیده شد.

یافته: قبل از انجام اقدام پژوهی متوسط مشارکت دانشجویان دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی در فرآیند ارزشیابی اساتید در بین دانشکده‌های دانشگاه در نیمسال اول ۹۹-۹۸، ۴۷ درصد بوده است. علل و مشکلات به سه حیطه شامل مشکلات مربوط به ساختار فرم ارزشیابی، روند اجرایی فرآیند ارزشیابی و عوامل مربوط به اساتید تقسیم بندی گردید. متناظر با هر کدام از مشکلات، راهکارها استخراج شده و به مرحله اجرا در آمد. پس از اجرای راهکارها میزان مشارکت دانشجویان در فرآیند ارزشیابی اساتید از ۴۷ درصد قبل از مداخلات اصلاحی به ۵۵،۱۲ درصد رسید.

نتیجه گیری: با اجرای مداخلات ساده اما اثر بخش میزان مشارکت دانشجویان در ارزشیابی اساتید ارتقا پیدا کرد. شناسایی مشکلات و رفع گلوگاهها در فرآیند ارزشیابی تأثیر مثبت در تکامل فرآیند آموزشی و ارتباط دانشجو و اساتید خواهد داشت.

کلیدواژه: ارزشیابی، نظام ارزشیابی، فرآیند، اقدام پژوهی

بررسی مقایسه ای تأثیر آموزش کاربرد طب انتقال خون در پرستاری کودکان به شیوه مبتنی بر وظیفه و مبتنی بر مشکل بر دانش و تصمیم گیری بالینی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کیلان ۱۳۹۸

زهرا طاهری از برمی - دانشگاه ع. پ. گیلان - صغری رفیعی - مهشید میرزایی - احسان کاظم نژاد.

مقدمه: تزریق خون از رویکردهای اجرایی بسیار متداول در بیمارستان‌ها است. در سراسر دنیا، پرستاران حرفه ای باید دانش و مهارت کافی برای مدیریت محصولات خونی و نظارت بر واکنش‌های جانبی بالقوه آن راداشته باشند. بیش از نیمی از مراحل در زنجیره انتقال خون وابسته به آگاهی و مهارت پرستاران دارد، در حالی که نتایج مطالعات متعدد نشان دهنده فقدان دانش مناسب در زمینه انتقال خون بین دانشجویان پرستاری و پرستاران شاغل می باشد، آموزش کافی در حیطه طب انتقال خون منجر به ارتقای امنیت بیمار و کاهش خطاهای انتقال خون می شود. یکی از راههایی که می توان به تربیت دانشجویان فعال در محیط کار اقدام نمود، استفاده از روش‌های فعال یادگیری است. واز جمله روش‌های یادگیری فعال، یادگیری مبتنی بر وظیفه است. در این نوع یادگیری، روش تدریس، دانشجو محور بوده و با رویکرد یادگیری فعال دانشجویان با موقعیت‌های دنیای واقعی آشنا می شوند. لذا در این مطالعه محقق با طراحی دوره آموزش کاربرد طب انتقال خون در پرستاری کودکان به شیوه مبتنی بر وظیفه و مقایسه آن با شیوه مبتنی بر مشکل، اقدام به ارزیابی اثرات این دوشیوه آموزشی بر میزان آگاهی و تصمیم گیری بالینی دانشجویان پرستاری نمود.

روش اجرا: در این مطالعه کارآزمایی بالینی آموزشی، ۸۲ دانشجوی پرستاری شاغل به تحصیل در ترم‌های پنجم و ششم پرستاری در دو گروه، ۴۲ نفر در گروه آموزش مبتنی بر وظیفه و ۴۰ نفر در گروه آموزش مبتنی بر مشکل، مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت سنجش دانش و تصمیم گیری بالینی دانشجویان پرستاری در خصوص کاربرد طب انتقال خون از پرسشنامه محقق ساخته استفاده خواهد گردید. جهت استاندارد سازی نمرات خام از روش تبدیل خطی استفاده می گردد. روایی ابزار از طریق سنجش روایی محتوی (CVR، CVI) و پایایی ابزار به طریق هم ارزی مورد سنجش قرار گرفت. در گروه مداخله آموزش مبتنی بر وظیفه طی پنج مرحله و در گروه کنترل آموزش مبتنی بر مشکل مورد استفاده قرار گرفت. پس از آزمون با همان ابزارهای مورد استفاده در پیش آزمون در فاصله زمانی بلافاصله بعد از مداخله سنجیده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS و آزمون‌های من ویتنی و نتایج آنالیز واریانس چندگانه ($p < 0.05$) استفاده گردید.

نتایج: نمره کل دانش در بعد از مداخله در گروه آموزشی مبتنی بر وظیفه برابر با ۵، 17 ± 8 ، ۶۹، با میانگین ۶، ۷۴ نسبت به گروه آموزشی مبتنی بر مشکل با میانگین و انحراف معیار ۷، 16 ± 2 ، ۶۱ با میانگین ۷، ۶۲ بیشتر بوده است و این اختلاف از لحاظ آماری بر اساس آزمون من ویتنی یو معنی دار بوده است ($P = 0.005$). همچنین نمره تصمیم گیری بالینی در دانشجویان پرستاری در خصوص کاربرد طب انتقال خون در پرستاری کودکان قبل از مداخله در گروه‌های آزمون و کنترل نشان داد، نمره قبل از مداخله دو گروه یکسان بوده است ($P = 0.0981$). اما نمره بعد از مداخله ($P < 0.001$) از لحاظ آماری معنی دار است و گروه آموزشی مبتنی بر وظیفه از نمره بعد از آزمون بالاتری از لحاظ آماری بر اساس شاخص آماری میانگین و میانگین برخوردار است

نتایج آنالیز کوواریانس چندگانه (MANCOVA) نیز نشان داد با کنترل دو متغیر (نمره تصمیم گیری قبل از مداخله و نمره آگاهی قبل از مداخله) همچنان روش آموزشی مبتنی بر وظیفه نسبت به روش مبتنی بر مشکل هم بر تصمیم گیری بالینی بعد از مداخله ($P < 0.001$) و هم بر آگاهی بعد از مداخله ($P = 0.002$) معنی دار بوده است. در کل نتایج مطالعه حاکی از اثربخشی روش آموزشی مبتنی بر وظیفه جهت تدریس محتوای آموزشی کاربرد طب انتقال خون در پرستاری کودکان بود.

نتیجه گیری: با توجه به اثربخشی این شیوه یادگیری در دانشجویان، محتوای حاضر و روش مورد استفاده در نوآوری آموزش و بازنگری کوریکولوم پرستاری به دست اندرکاران آموزش پزشکی و پرستاری پیشنهاد گردد.

کلمات کلیدی: آموزش مبتنی بر وظیفه، آموزش مبتنی بر مشکل، پرستاری، طب انتقال خون، دانش، تصمیم گیری بالینی

تأثیر برنامه آموزشی مواجهه زودرس با پژوهش بر اشتیاق به تحصیل و افزایش مهارت و عملکرد پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم تغذیه و رژیم شناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران

لیلا آزادبخت دانشگاه ع. پ. تهران، آزاده کردستانی مقدم - دانشگاه ع. پ. تهران، محمدرضا عسکری - دانشگاه ع. پ. تهران، احمد اسماعیل زاده.

مقدمه: توانمندی انجام پژوهش یکی از اجزای ضروری در آموزش دانشجویان تحصیلات تکمیلی است. مشارکت دانشجویان علوم پزشکی در پژوهش علاوه بر نتایج آن در طولانی مدت، به آنها در مهارت های ارتباطی، مدیریت زمان، بهتر اندیشیدن و فراگیر مستقل شدن کمک می کند و همچنین موجب ارتقاء مهارت تفکر نقادانه و تجزیه و تحلیل در آنها می گردد. در دانشگاه های علوم پزشکی به دلایل مختلف از جمله فشردگی برنامه درسی (کوریکولوم) رشته های مذکور باعث شده که فرصت کافی برای آموزش روش های مختلف پژوهش و بسیاری از مهارت های مرتبط که به ارتقاء عملکرد تحصیلی دانشجویان نیز کمک می کند فراهم نگردد و آموزش روش های پژوهش در زمان و شکل مناسب صورت نگیرد. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر برنامه آموزشی مواجهه زودرس با پژوهش بر افزایش اشتیاق به تحصیل و ارتقاء مهارت ها و عملکرد پژوهشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی صورت گرفت.

روش اجرا: ۶۸ دانشجوی تحصیلات تکمیلی در این مطالعه مورد-شاهدی شرکت نمودند (۲۸ دانشجوی کارشناسی ارشد و ۶ دانشجوی دکترا در هر گروه از مطالعه). میزان اشتیاق به تحصیل، مهارت و

عملکرد پژوهشی آنان از طریق پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا بصورت خوداظهاری قبل و بعد از برنامه آموزشی مواجهه زودرس با پژوهش در دو گروه مورد و شاهد بررسی شد. همچنین رضایتمندی دانشجویان شرکت کننده در برنامه از طریق پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا در مقیاس لیکرت ۵ تایی اندازه گیری شد. زمان برنامه برای هر یک از دانشجویان حداقل دو نیمسال تحصیلی در نظر گرفته شد. از آزمون های آماری Paired T-test و T-test جهت مقایسه میانگین ها استفاده شد. در این برنامه، علاوه بر آموزش مهارت های پژوهشی مورد نیاز دانشجویان توسط اساتید، از همان ابتدا دانشجویان به پروژه های پژوهشی مشخصی وارد شدند تا این امکان را داشته باشند بصورت عملی مهارت های آموزش دیده را تمرین نمایند. این برنامه آموزشی به گونه ای طراحی شده بود که دانشجویان در طی مسیر (جدای از روند پایان نامه) مهارت های پژوهشی لازم را فرا گیرند. آموزش مهارت های مورد نیاز توسط اساتید، بصورت گروهی و گاهی بصورت فردی صورت می گرفت. آموزش های مذکور بصورت هفتگی و در ساعات از پیش تعیین شده صورت می گیرند. مهارت های آموزشی در این برنامه شامل آموزش و آشنایی با انواع روش های پژوهش بطور عملی، آموزش نحوه انجام مرور سیستماتیک و متاآنالیز، نحوه جستجو در پایگاه های اطلاعاتی مهم، روش های مختلف آنالیز آماری، استفاده از نرم افزار SPSS و نگارش مقالات، چک لیست های استاندارد نقد و بررسی انواع مطالعات، End Note، نحوه انتخاب مجله متناسب با مقاله و ارزیابی و داوری طرح های پژوهشی و مقالات علمی می باشد.

نتایج: ارزشیابی برنامه آموزشی مواجهه زودرس پژوهشی بر اساس هر یک پاتریک تا سطح سوم آن صورت گرفت. واکنش: ۷۸ درصد از دانشجویان کارشناسی ارشد و ۶۱٫۸ درصد از دانشجویان دکترا شرکت کننده در برنامه، میزان رضایت خود از برنامه را زیاد و خیلی زیاد ذکر نمودند. یادگیری: بررسی میزان اشتیاق به تحصیل دانشجویان در دو گروه مورد و شاهد قبل و پس از برنامه از طریق خوداظهاری بررسی شد. منظور از اشتیاق به تحصیل در این مطالعه، اشتیاق دانشجویان جهت حضور فعال در کلاس و سایر فعالیت های آموزشی از قبیل سخنرانی، کنفرانس و... و همچنین تلاش جهت حل مشکلات آموزشی خود می باشد. افزایش اشتیاق به تحصیل دانشجویان کارشناسی ارشد در گروه مورد پس از برنامه نسبت به قبل از برنامه ($P\text{-value} = 0.001$) معنی دار بود. ارتقاء مهارت های پژوهشی در دانشجویان کارشناسی ارشد ($P\text{-value} = 0.001$) و دکترا ($P\text{-value} = 0.034$) بصورت معنی دار در گروه مورد بیش از گروه شاهد افزایش داشته است. رفتار: عملکرد پژوهشی دانشجویان کارشناسی ارشد در برخی موارد (چاپ مقاله، آموزش در زمینه پژوهش در قالب کارگاه یا کلاس، تجربه داوری مقالات در مجلات علمی یا همایش، عضویت در مرکز پژوهش های دانشجویی، ارائه مقاله بصورت سخنرانی یا پوستر در سمینارهای علمی و... و جذب گرانت از منابع خارج از دانشکده) بصورت معنی دار افزایش پیدا نموده بود. عملکرد دانشجویان دکتری شرکت کننده در مطالعه در گروه مورد،

در آیتم آموزش در زمینه پژوهش در قالب کارگاه یا کلاس (P-046، value=0) بصورت معنی دار نسبت به گروه شاهد افزایش پیدا نموده بود.

نتیجه گیری: مواجهه زودرس با پژوهش می تواند علاوه بر افزایش مهارت ها و عملکرد پژوهشی دانشجویان، اشتیاق به تحصیل را در دانشجویان افزایش دهد. لذا، به نظر میرسد آموزش مهارت های پژوهشی به دانشجویان، بویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی در ترم های نخست به عنوان یک ضرورت می بایست مدنظر مسئولین و اساتید دانشگاه ها در نظر گرفته شود.

دیدگاه اساتید و دانشجویان مامایی در مورد پروتکل کلینیک مجازی آموزشی در کارورزی بیماری های زنان در پاندمی کووید ۱۹

طاهره طیبی - محمدرضا اندرواز - دانشگاه ع. پ. مازندران، ژیلانگنجی - دانشگاه ع. پ. مازندران، غلامعلی گدازنده - دانشگاه ع. پ. مازندران، محبوبه امید - فاطمه پوربرابر - صغری خانی - فاطمه علیجانی - نرگس سادات مطهری - مرجان احمدشیروانی - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: در چند ماه گذشته تعطیلی دانشگاهها در پی وقوع گسترش کووید-۱۹ باعث روی آوردن به یادگیری آنلاین و آموزش مجازی شده است. در این شرایط آموزش بالینی دانشجویان گروههای پزشکی از جمله دانشجویان مامایی در مراکز بهداشتی-درمانی آنان را در معرض ابتلا و امکان افزایش انتشار بیماری قرار می دهد. از سویی مراجعه کمتر بیماران به مراکز درمانی بخاطر ترس از آلودگی با ویروس، باعث شده دانشجویان با تعداد و تنوع کمتری از موارد بیماری ها مواجه شوند. لذا استفاده از روشهای مکمل آموزش ضروری است تا از وقفه در آموزش بالینی ممانعت گردد. این مطالعه با هدف تبیین دیدگاه اساتید و دانشجویان مامایی در مورد پروتکل کلینیک مجازی آموزشی در کارورزی بیماری های زنان در پاندمی کووید ۱۹ انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه به روش کیفی (آنالیز محتوا) در دانشکده پرستاری مامایی ساری در دو نیمسال تحصیلی در سال ۱۳۹۹ انجام شد. مشارکت کنندگان ۹ دانشجو و ۷ نفر از اساتید شرکت کننده در طرح بودند که براساس اشیاع اطلاعات وارد مطالعه شدند. پروتکل در پنج گام مطابق با الگوی برنامه ریزی درسی Addie انجام شد. این گامها عبارت بودند از (۱) تحلیل نیازهای آموزشی و مهارتی دانشجویان مامایی، (۲) طراحی الگوی ساختارمند پروتکل کلینیک مجازی طی ۳ جلسه به روش فوکوس گروپ و انجام بارش افکار، و (۳) توسعه: تدارک مواد آموزشی مورد نیاز و تصمیم گیری درباره فعالیت ها، (۴) اجرا شامل پیش آزمون، برگزاری وبینار، بازگذاری اطلاعات بیماران مجازی و طرح

سوال طی ۴ مرحله در سامانه نوید، بررسی پاسخ ها، بازگذاری پاسخ صحیح و پس آزمون و (۵) ارزشیابی. در بخش ارزشیابی جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه با انجام شد. به این منظور سوال شد که نظر شما در مورد آموزش کارورزی بیماریهای زنان به روش کلینیک مجازی چیست؟ برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آنالیز محتوا استفاده شد.

نتایج: در آنالیز محتوا ۴ تم اصلی و ۱۰ تم فرعی استخراج گردید شامل (۱) نقاط قوت (تداوم یادگیری، توسعه یادگیری، تسهیل آموزش در بحران)؛ (۲) نقاط ضعف (محدودیت برخی ابعاد آموزشی، چالشهای ارزشیابی)؛ (۳) موانع (مشکل زیر ساختها، چالشهای اساتید)؛ (۴) تسهیل گرها (تقویت فناوری الکترونیکی، تدارک پیشنیازها، ارتقای آموزشها).

بحث: با توجه به نظر سنجی از اساتید و دانشجویان بنظر میرسد استفاده از آموزش کلینیک مجازی می تواند برای رسیدن به اهداف آموزشی کمک نماید. نقطه ضعف این روش عدم امکان انجام معاینات بالینی و ارتقای جنبه های مختلف حرفه ای گری مثل مهارتهای ارتباط با بیمار است که از طریق ادغام با آموزش بالینی در مراکز درمانی می توان این مشکل را رفع نمود. ضمناً بنظر می رسد با تنوع بیشتر سناریوهای بالینی و اضافه کردن سایر روشها مثل آموزش در مرکز آموزش مهارتهای بالینی بتوان این روش را ارتقا بخشید و در شرایط عادی نیز برای افزایش کیفیت آموزش بالینی استفاده نمود.

برنامه ریزی درسی

طراحی، به کارگیری و ارزشیابی آموزش تلفیقی پایه و بالینی همزمان به صورت مجازی برای دانشجویان و دستیاران تحصیلات تکمیلی پایه بالین

مونا نوربخش - دانشگاه ع. پ. ایران، میترا نوربخش - دانشگاه ع. پ. ایران.

مقدمه: یکی از پیشرفت‌ها و ابداعاتی که در زمینه آموزش علوم پزشکی انجام شده و نتایج مثبتی به بار آورده است تغییر کوریکولوم آموزشی از حالت سنتی و تک بعدی و ادغام مباحث گوناگون علوم پایه و یا علوم پایه و بالین بوده که در دانشگاه‌های مختلف دنیا به شکل‌های گوناگون انجام شده است. در رشته‌های وابسته به علوم پزشکی مباحث از پایه شروع شده و به بیماری و یادگیری علت بروز و درنهایت، درمان و پیشگیری از آن می‌انجامد. به همین دلیل ارائه مطالب پایه و بالین به صورت ادغام یافته موفقیت آمیز بوده است. اگرچه در حال حاضر در ایران روش integration در بعضی دانشگاه‌ها انجام می‌شود، ولی در این روش عموماً اساتید بطور جداگانه درس می‌دهند و همزمانی برای فهم مطالب وجود ندارد. مضاف بر اینکه مباحث ادغام یافته عموماً میان رشته‌های علوم پایه بوده و همچنان ارتباط میان پایه و بالین برقرار نمی‌گردد. این آموزش تلفیقی به خصوص در مورد دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های علوم پایه و یا دستیاران تخصصی و فوق تخصص اغلب مغفول مانده است که می‌تواند باعث بهبود عملکرد حرفه‌ای آنان شود. هدف از انجام این تحقیق بررسی رضایتمندی دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی دکترای تخصصی بیوشیمی و همچنین دستیاران تخصص از ارائه درس به صورت تلفیقی پایه و بالین به صورت مجازی و همزمان بود.

روش اجرا: در ابتدا پیش از شروع به کارگیری فرایند، آموزش درس بیوشیمی بالینی ۱ برای دانشجویان دکترای تخصصی بیوشیمی به صورت غیر تلفیقی و حضوری انجام شد و نظر سنجی در خصوص ترجیح دانشجویان به ارائه روش تلفیقی صورت گرفت. در فاز بعد، طراحی ارائه درس به صورت تلفیقی صورت گرفت به گونه‌ای که هر دو مدرس با هم در کلاس حاضر باشند و مدل ارائه به گونه‌ای باشد که به فواصل کوتاه و ممتد مطلب از سوی هر یک از مدرسین ارائه گردد. علاوه بر این کیس‌های بالینی در ارائه گنجانده شد که سوال‌هایی از آن مطرح شود که نیازمند تعامل هر دو مدرس با دانشجویان باشد. در شروع ارائه درس، طراحی درس به صورت قالب مجازی تدوین گردید. درس برای دوره‌های مختلف ارائه شد که عبارت بودند از دانشجویان دکترای بیوشیمی بالینی (بیوشیمی هورمون از مباحث درس بیوشیمی بالینی)، دستیاران تخصص کودکان (درس غدد)، دستیاران فوق تخصص غدد کودکان (درس هورمون‌های آدرنال). علاوه بر این، این مدل ارائه برای دوره آموزش مداوم پزشکان عمومی و تخصص نیز در نظر گرفته شد. به

منظور ارزیابی رضایتمندی دانشجویان پرسشنامه‌ای طراحی گردید و روایی و پایایی آن با دوری ۵ تن از اساتید و با استفاده از فرمول $CVR = (ne - N) / (2N)$ ، (۲) تأیید و نهایی گردید. فرم‌ها به نماینده دانشجویان تحویل داده شد که میان دانشجویان توزیع گردد و پس از تکمیل به صورت بی‌نام به نماینده دانشجویان تحویل داده شد تا به استاد درس منتقل گردد. سؤالات اصلی که پیرامون روش ارائه و تلفیق پایه و بالین مطرح شده بود در پیوست ۱ نشان داده شده است. البته به منظور آگاهی از نظر کلی شرکت‌کنندگان رضایت افراد از سایر جنبه‌ها نظیر سرعت اینترنت، آشنایی با زبان انگلیسی و کار با نرم افزار ارائه درس به صورت مجازی و سیستم LMS این سؤالات نیز در پرسشنامه گنجانده شد تا رضایت شرکت‌کنندگان تحت تأثیر عوامل مختلف قرار نگیرد. ۵، ۸۷٪ از دانشجویان اعلام نمودند که ارائه مجازی به صورت تلفیقی پایه و بالین برای آنان لذت بخش بود (خیلی زیاد و زیاد به ترتیب ۷۵٪ و ۱۲٪). همه دانشجویان اعلام نمودند که این سبک ارائه کلاس برای یادگیری آنان مفید بود و باعث افزایش یادگیری آنان شد و دید بهتری نسبت به موضوع در آن‌ها ایجاد نمود (۷۵٪ خیلی زیاد و ۲۵٪ زیاد در هر سه مورد). ۸۷٪ از دانشجویان اعلام نمودند که این سبک ارائه کلاس نسبت به روش‌های مرسوم برایشان کمتر خسته بود. در نهایت ۶۲٪ از شرکت‌کنندگان اعلام نمودند که ارائه درس به صورت تلفیقی و به صورت مجازی را از سایر موارد ترجیح می‌دهند که در مقایسه معنی دار بود.

یافته‌ها: نتایج این فرایند نشان می‌دهد که رضایت فراگیران از سبک ارائه درس تلفیقی پایه و بالین به صورت مجازی بالاست و می‌توان این روش ارائه را با اطمینان از اثر بخشی به کار بست. علاوه بر آن امکان تعمیم این روش یاددهی به سایر مقاطع و دروس مختلف نیز وجود دارد.

شناسایی شاخص‌ها و راهبردهای توسعه دانش‌های میان رشته‌ای در حوزه سلامت و ارائه توصیه‌های سیاستی مناسب

دکتر مریم خزائی پول - دانشگاه ع. پ. مازندران، علیرضا شغلی - دانشگاه ع. پ. زنجان، مریم زرقانی - دانشگاه ع. پ. ایران، قاسم عابدی - دانشگاه ع. پ. مازندران، رویا ملک زاده - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: توسعه دانش میان رشته‌ای از تاکیدات مقام معظم رهبری و از سیاست‌های کلی و ابلاغی نظام سلامت در ایران است. تعیین سیاست‌ها، شاخص‌ها و حیطه‌های توسعه دانش‌های نوین با تاکید بر حیطه‌های دانش میان رشته‌ای و تمرکز بر علوم و فناوری‌های نوین در علوم پزشکی، سبب شناسایی و بهره‌مندی از توانمندی‌های موجود در دانشگاه‌های علوم پزشکی و سوق دادن این توانمندی‌ها در راستای توسعه راهبردی، هدفمند و ماموریت‌گرای برنامه‌های آموزش عالی سلامت و نهادینه‌سازی رویکرد آموزش پاسخگو در نظام سلامت است.

امروزه شاخصهای زیادی را می توان در اسناد داخل کشور یافت که می تواند در راستای گسترش دانش میان رشته ای و جایگاه علم و فناوری راهگشای سیاستگذاران حیطه آموزش علوم پزشکی باشد. هدف: شناسایی و تعیین شاخص ها و راهبردهای توسعه دانش میان رشته ای در حوزه سلامت و ارائه توصیه سیاستی به منظور سوق دادن این توانمندی ها در راستای توسعه راهبردی، هدفمند و ماموریت گرای برنامه های آموزش عالی سلامت و نهادینه سازی رویکرد آموزش پاسخگو در نظام سلامت.

روش اجرا: این مطالعه یک طرح توسعه ای با رویکرد ترکیبی (مرور نظامند و تحلیل محتوی کیفی با رویکرد قیاسی) بود که در سال ۱۳۹۸ توسط کارگروه توسعه دانش های میان رشته ای دانشگاه علوم پزشکی زنجان طی ۴ مرحله انجام شد. گام اول: مرور نظام مند منابع، پایگاه های اطلاعاتی و مقالات منتشر شده درخصوص توسعه دانش میان رشته ای در ایران و جهان، گام دوم: بررسی شواهد و اسناد قانونی و راهبردی بالادستی منتشر شده در زمینه آموزش میان رشته ای در سازمانهای داخل کشور، گام سوم: مصاحبه با خبرگان و صاحب نظران به منظور توصیف تجارب کسب شده در توسعه دانش میان رشته ای و گام چهارم: تفسیر داده ها و ارائه جامع مستندات (یکپارچه سازی و تلفیق داده ها) انجام شد. نهایتاً شاخص ها، راهکارها و توصیه های سیاستی درخصوص دانش های میان رشته ای در حوزه سلامت تدوین گردید. دانشگاه ها و نظام های آموزش عالی موفق در سطح جهانی و ملی، اسناد تولید شده در سطح ملی و جهانی، نهادهای، تشکل ها و خبرگان و افراد صاحب نظر در سطح ملی و محلی. اعضای هیات علمی علوم پزشکی و پژوهشکده مطالعات فرهنگی کشور، مدیران وزارت بهداشت، دانشجویان، اندیشمندان و اساتید پژوهشکده مطالعات فرهنگی، محقق میان رشته ای، مدیر عامل یکی از شرکت های دانش بنیان. حدود ۵۰ نفر از اعضای هیات علمی و مدیران حیطه آموزش. گام اول شامل بررسی مقالات داخل و خارج از کشور با استفاده از واژگان کلیدی در پایگاه های داده مختلف، بررسی کتابها و منابع داخلی و خارجی و بررسی سایت های مربوط با میان رشته ای در ایران و جهان بود. گام دوم شامل بررسی شواهد و اسناد بالادستی از جمله سند چشم انداز ۱۴۰۴ جامع علمی کشور، سیاست های کلان ابلاغیه از سوی رهبری، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و بخش علم و فناوری در برنامه ی توسعه ششم و سند جامع علمی سلامت بود. گام سوم شامل مصاحبه نیمه ساختارمند با خبرگان و همزمان تحلیل محتوی تماتیک داده ها بود.

یافته ها: جمع بندی مطالب حاصل از منابع داخلی و خارجی در گام اول و دوم با استفاده از متدولوژی مرور نقادانه، پیاده سازی مصاحبه ها و تجزیه و تحلیل محتوای تماتیک با استفاده از نرم افزار MAXQDA در گام سوم و تفسیر داده ها و ارائه جامع مستندات (یکپارچه سازی و تلفیق داده ها)، تعیین شاخص ها، راهبردها و توصیه های سیاستی درخصوص توسعه دانش میان رشته ای در علوم پزشکی در گام چهارم صورت گرفت. نتایج مرحله اول شامل ۴ طبقه اصلی و ۷۳ طبقه فرعی،

نتایج مرحله دوم شامل ۸ طبقه و ۱۷ واحد معنایی در قالب راهبردکلان و ۴ اقدام ملی، نتایج مرحله سوم شامل ۹ طبقه اصلی و ۹۸ طبقه فرعی بود. در نهایت شاخص ها و راهکارهای کلان در یک طبقه بندی جامع در ۱۰ بعد به همراه ۱۲۶ توصیه سیاستی مرتبط با هر راهکار تدوین گردید.

نتیجه گیری: با تعیین شاخص ها، راهکارها و توصیه های سیاستی در رابطه با توسعه دانش میان رشته ای در علوم پزشکی، مسیر توسعه راهبردی، هدفمند و ماموریت گرای برنامه های آموزش عالی سلامت تقویت میگردد که در نهایت منجر به توسعه دانشهای نوین با تاکید بر حیطه میان رشته، نهادینه سازی رویکرد آموزش پاسخگو در نظام سلامت می شود و بر اساس آن می توان برای بهره مندی از فناوریهای نوین، خلق ثروت دانش بنیان، شبکه سازی در نظام آموزش عالی سلامت و حضور در عرصه های آموزشی منطقه ای و جهانی استفاده کرد.

کلمات کلیدی: میان رشته ای، راهبرد، شاخص، توصیه سیاستی، بسته های تحول و نوآوری، آموزش پزشکی

طراحی، اجرا و ارزشیابی مشارکت دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی در تدریس کلاسی بر رضایت و یادگیری دانشجویان بر اساس مدل ادکار ADKAR Model

فریبا سلطانی - راحله سلطانی - دانشگاه ع. پ. اراک.

مقدمه: تدریس یکی از عناصر اصلی و فعالیت کانونی اعضای هیأت علمی آموزشی دانشگاهها است و فرایندی در آموزش است که موجب انتقال دانش و مهارتها به فراگیران می شود. تدریس مؤثر تدریسی است که به حداکثر یادگیری در فراگیران منجر شود. امروزه تدریس مؤثر مورد توجه مراکز آموزشی و مدرسان می باشد و آنان در تلاش هستند تا راه هایی برای تدریس، اثربخش شناسایی و معرفی نمایند که بتوانند از اتلاف هزینه های آموزشی بکاهند. تدریس مؤثر نیازمند شرایط وامکانات متعددی است از جمله استاد، فراگیر و محیط آموزشی می باشد. یکی از مؤثرترین فنون آموزشی که می تواند منجر به یادگیری مؤثر شود استفاده از مشارکت دانشجویان در تدریس است. مطالعه حاضر با هدف مشارکت دانشجویان کارشناسی بهداشت عمومی در تدریس کلاسی بر رضایت مندی و یادگیری دانشجویان انجام گرفت.

روش اجرا: مطالعه توصیفی بوده که در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اراک از نیمسال اول ۹۷ در سه نیم سال (۳ ترم) در درس آموزش بهداشت و ارتباطات (۲ واحد) انجام گردید. جامعه آماری کلیه دانشجویان کارشناسی پیوسته و ناپیوسته بهداشت عمومی جمعاً ۵۸ نفر بودند. مراحل طراحی و اجرا براساس ۵ مرحله مدل ادکار و ارزشیابی

عملیاتی کردن روش مساله محور جهت توانمندسازی دانشجویان دکتری تخصصی رشته پزشکی مولکولی در طراحی پایان نامه های تحقیقاتی مرتبط با بالین

سمیرا اصغرزاده - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، سمانه عرب - دانشگاه ع. پ. سمنان .

مقدمه: پزشکی مولکولی از جمله حیطه های نوین پزشکی است که ضرورت و علت وجود این رشته در سطح بین المللی تربیت نیروی انسانی در سطح دکتری تخصصی (PhD) است، که بتواند تحقیقات مربوط به رشته پزشکی را در سطح سلولی، مولکولی و آزمایشگاهی طراحی و هدایت نماید، یکی از بهترین گزینه های موجود رسالت رشته فراهم ساختن عرصه آموزشی و پژوهشی در راناسای بررسی بیماری ها و عوامل ایجاد کننده در سطوح مولکولی است. از طرفی پایان نامه های تحقیقاتی این دانشجویان یکی از بهترین گزینه های موجود در سیستم های بهداشتی و درمانی جهت ابداع روش های نوین در تشخیص و درمان بیماری ها و ارتقا خدمات پزشکی محسوب می شود.

روش اجرا: در این مطالعه، دانشجویان مقطع دکتری مشغول به تحصیل در رشته پزشکی مولکولی مشارکت داشتند که به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول دانشجویانی که در مراکز درمانی و بیمارستانی و روی نمونه های بیماران با مشاوره و همکاری یک یا چند متخصص به عنوان استاد راهنما یا مشاور و چند متخصص علوم پایه به عنوان استاد راهنما یا مشاور به بررسی مشکلات تشخیص و درمانی بیماری های خاص با طراحی روشهای مولکولی تشخیصی موضوع پایان نامه خود را طراحی کردند و بخشی از پایان نامه را در مرکز درمانی و یا بیمارستان اجرا نمودند. گروه دوم صرفاً با انجام جستجو با استفاده از پایگاه های اطلاعاتی و مقالات و با مشاوره و همکاری چند نفر از اساتید علوم پایه به عنوان استاد راهنما یا مشاور موضوع پایان نامه خود را طراحی کردند و تمام بخشهای آن را در محیط آزمایشگاه تحقیقاتی اجرا نمودند. نتایج در پایان انجام این مطالعه با روش پرسشنامه، میزان رضایتمندی و انگیزه دانشجویان و نیز علاقه مندی آنها به موضوعات انتخابی و همچنین کاربردی بودن موضوعات پایان نامه ها منتخب به عنوان معرفی یک راهکار درمانی و یا تشخیصی در بیماران مورد بررسی قرار گرفت. بررسی داده ها نشان داد، دانشجویانی که در مواجهه با مشکل عینی بیماران و مشاوره با متخصصان بالین و علوم پایه به انتخاب موضوع پایان نامه ی خود مبادرت کرده بودند با توجه به اینکه نتایج پایان نامه آنها توانسته بود روزنه ی امیدی در حل یک مشکل بهداشتی و درمانی ایجاد کند، میزان رضایت مندی و انگیزه و نیز علاقه مندی بالاتری در پایان اجرای پایان نامه های خود نسبت به گروه مقابل داشتند و همچنین آنها با روش مساله محور موضوع کاربردی تری را رایه و اجرا کرده بودند، آنها همچنین تمایل به همکاری در گذراندن طرح تعهدات خود در همان مرکز درمانی داشتند.

سطح اول و دوم بر اساس مدل کرک پاتریک انجام گرفت. جلسه اول مدرس طرح درس تنظیم شده بر اساس برنامه درسی مصوب، رفرنس درس، نظر سنجی از همه دانشجویان بصورت کتبی در زمینه نحوه تدریس و جو کلاس، نحوه و قوانین تدریس را با آنان به توافق می رسید. از دانشجویان درخواست می شد جهت جلسه بعدی هر کدام با مراجعه به کتابخانه و منابع چاپی و الکترونیکی سه کتاب در زمینه آموزش بهداشت و ارتباطات را مطالعه و خلاصه مباحث کتاب را در یک صفحه سر کلاس رایه نمایند و منابع را به سایر دانشجویان معرفی کنند. جلسه دوم شامل رایه منابع و خلاصه مباحث توسط دانشجویان، تقسیم بندی دانشجویان در گروه های دویا سه نفره، انتخاب موضوع هر گروه، تنظیم جدول رایه (شامل زمان جلسه، موضوع و اسم رایه کنندگان) و قراردادن گروه بندی در اختیار همه دانشجویان بود. مباحث ۵ جلسه آموزشی توسط مدرس که در زمینه مبانی و کلیات آموزش بهداشت اهداف و حیطه های یادگیری و ارزشیابی و... توسط مدرس تدریس می شد و ۱۰ جلسه توسط دانشجویان تدریس می شد و در طول تدریس مدرس نقش راهنمایی و تسهیل گری و بازخورد به سوالات دانشجویان را برعهده داشت. بر اساس گام پنجم مدل ادکار جهت تشویق دانشجویان ۵ نمره به رایه کلاسی و انجام تکالیف در نظر گرفته شد. جهت ارزشیابی سطح اول و دوم کرک پاتریک (واکنش و یادگیری)، اطلاعات بوسیله پرسشنامه محقق ساخته که شامل ۱۰ سوال درلیکرت ۵ گزینه ای (بسیار کم تا بسیار زیاد) که توسط دانشجویان بصورت خود گزارش دهی تکمیل گردید. داده ها پس از جمع آوری، به کمک نرم افزار (SPSS۱۶)، تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: در مطالعه حاضر ۹۱،۴ درصد (۵۳ نفر) دانشجویان دختر و ۸،۶ درصد (۵ نفر) پسر بودند. میزان رضایت مندی و یادگیری کلی از مباحث به ترتیب ۹۵٪ و ۹۲٪ دانشجویان گزینه بسیار زیاد و زیاد را انتخاب کرده بودند. میزان علاقه مندی دانشجویان به مشارکت در تدریس کلاسی ۹۲ درصد گزارش گردید. افزایش تجربیات ۸۳ درصد، افزایش مهارت عملی در ۸۱ درصد، افزایش قدرت درک و فهم مطالب ۸۶ درصد دانشجویان بیان نموده اند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش حاضر اکثریت دانشجویان از اجرای مشارکت در تدریس کلاسی و فعالیت های کلاسی رضایت داشته اند. بنابراین توصیه می شود روش های تدریس فعال مانند مشارکت دانشجویان در امر تدریس که با رضایت دانشجویان همراه است بکار گرفته شود.

کلمات کلیدی: دانشجوی، تدریس، مشارکت

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله، انتخاب موضوع پایان نامه با تکیه بر لمس مشکل در مراکز درمانی و بیمارستان و مشاوره همزمان متخصصین بالینی و علوم پایه توانست باعث افزایش رضایت مندی و ترغیب در اجرایی پایان نامه گردد. در واقع دانشجویان با بهره گیری از تجربیات خود با تلفیق علوم پایه و علوم بالینی توانستند باعث ارتقا خدمات پزشکی شوند که بزرگترین رسالت این رشته است و با اجرای پایان نامه در فضای درمانی و خدماتی فرصت شغلی بهتری نسبت به گروه مقابل به دست آوردند. از طرفی پایان نامه های تحقیقاتی این دانشجویان یکی از بهترین گزینه های موجود در سیستم های بهداشت و درمانی جهت ابداع روش های نوین در تشخیص و درمان بیماری ها و ارتقاء سطح پژوهش های مرتبط با بالین محسوب می شود.

طراحی ابزار ارزیابی مهارتهای ارتباطی دانشجویان توانبخشی براساس مدل کارکف

نفسه سادات شریعت زاده - دانشگاه ع. پ. ایران، سید مهدی طباطبایی - حمیدالله بهادر.

مقدمه: مهارتهای ارتباطی در عرصه علوم توانبخشی و نقش آنها در درمان بیماران عملکرد محوری و اثربخشی دارد. این مهارت ها یکی از اجزای اساسی صلاحیتهای بالینی به شمار می رود که باعث همکاری و رضایت بیشتر بیمار از اقدامات درمانی موثر می گردد. علاوه بر آن درمان توانبخشی پروسه دراز مدت را به دنبال دارد، که در عمل نیاز به رویایی مکرر، توان درمانگر و بیمار دارد. شواهد حاکی از آن است که معمولاً بسیاری از در مانگران به طور مفیدی با بیمارانشان ارتباط برقرار نمی کنند در حالیکه آموزش این مهارتها بسیار ضروری است و سنجش این مهارتها، به دلیل آنکه از مولفه های کیفی برخوردار است قابل ارزیابی نمی باشد، بنابراین کارشناسان و صاحب نظران، به دنبال اتخاذ روش هایی برای ارزیابی این مهارتها، در بیان کمی و قابل مقایسه در گروههای مختلف بودند، هدف این پژوهش طراحی ابزار ارزیابی مهارتهای ارتباطی دانشجویان توانبخشی براساس مدل کارکف بود.

روش اجرا: این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و از نوع همبستگی می باشد که در دانشجویان دانشکده های توانبخشی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ با روش نمونه گیری غیر احتمالی و به شیوه دسترس (آسان) انجام گرفت. برای بررسی روایی محتوایی و صوری فرم های ارزیابی از روش دلفی استفاده گردید. برای بررسی پایایی فرم ارزیابی، دو ارزیاب به صورت مجزا ۳۰ نفر از دانشجویان را به طور همزمان به صورت مشاهده مستقیم بررسی نمودند فرم مورد نظر را پر کردند. محاسبه همبستگی بین گروهی برای تعیین پایایی ابزار انجام شد، همچنین برای تعیین میزان همبستگی نمره هر حیطة با نمره کل و همبستگی نمره هریک از حیطة های چهار گانه مدل کارکف با یکدیگر از همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. در مرحله دوم تعداد ۱۶۵ دانشجو توسط

اساتیدشان ارزیابی گردیدند و روایی سازه ای با روش تحلیل عاملی اکتشافی محاسبه گردید. جهت تحلیل داده ها از نرم افزار spss ۱۸ استفاده گردید.

یافته ها: میانگین روایی محتوایی برای کل فرم ارزیابی ۰/۸۷، ۰/۵؛ میانگین روایی صوری برای کل فرم ۰/۸۷، ۰/۲۵؛ وضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲؛ بدست آمد. همبستگی معنی داری بین نمره هر حیطة با نمره کل و نمره هر حیطة با نمره حیطة دیگر با سطح خطای یک درصد بدست آمد. نتایج تحلیل عاملی در مرحله دوم مشخص گردید که از چهار حیطة (چهار عامل) مدل کارکف تنها سه حیطة با عامل اعتبار لازم را کسب نموده است.

نتیجه گیری: ابزار ارزیابی تدوین شده براساس مدل کارکف از روایی محتوایی و صوری و سازه ای و پایایی بسیار بالایی برخوردار است و می تواند به عنوان ابزار ارزیابی مهارتهای ارتباطی در رشته های علوم توانبخشی در ایران مورد استفاده قرار گیرد.

واژه های کلیدی: ابزار ارزیابی، مهارتهای ارتباطی، دانشجویان توانبخشی، مدل کارکف

طراحی، اجرا و ارزشیابی محتوی های قابل استفاده مجدد (RLO) برای آموزش مباحث مشترک فیزیک پزشکی برای دانشجویان علوم پزشکی به روش تدریس وارونه تعدیل شده

داود خضرو - دانشگاه ع. پ. تبریز، سعیده غفاری فر - دانشگاه ع. پ. تبریز، ناصر قربانیان - منا فاضل قاضیانی - زهرا رمضان زاده .

مقدمه: محتوی دروس فیزیک پزشکی برای رشته های علوم پزشکی مشتمل بر مباحث تحلیلی و حل مسئله می باشد، که این ویژگی باعث شده است امر یادگیری این مباحث با روشهای رایج تدریس اعم از کلاس سخنرانی محور و حتی کلاس وارونه روتین کمتر رخ بدهد. همچنین این محتوی ها برای اغلب رشته های مشابه می باشند در این طرح از روش قابلیت های چشمگیر روش تدریس وارونه که مبتنی بر یادگیری مشارکتی است برای افزایش یادگیری دروس مرتبط با فیزیک پزشکی در دانشجویان رشته های علوم پزشکی استفاده شد. به منظور تقویت یادگیری و قدرت تحلیل و حل مسئله، کلاس وارونه مبتنی بر حل مسئله و ارزشیابی مستمر تعدیل شد. لذا در این مطالعه برای غلبه بر این چالشهای احتمالی روش کلاس وارونه رایج، اولاً محتوی هر جلسه بصورت فایل الکترونیکی قابل استفاده مجدد (RLO) شامل اسلایدها صداگذاری شده (به همراه پرینت مطالب درسی از روی رفرنس) در جلسه قبل در اختیار فراگیر قرار داده می شود. ثانیاً به منظور ترغیب فراگیران به مطالعه محتوی و آماده کردن آن برای جلسه بعد از نظام ارزشیابی

مستمر در شروع هر جلسه، در حین فعالیت گروهی و در پایان هر جلسه استفاده شد. در انتها میزان یادگیری در فراگیران و همچنین میزان بکارگیری آموخته ها در حل مسائل در بلند مدت (بعد از ۶ ماه) بررسی می شود.

روش اجرا: روش تدریس وارونه تعدیل شده برای دروس مبتنی بر فیزیک پزشکی اجرا شد. در این طرح ۶ هدف اختصاصی دنبال شد. به منظور ارزشیابی چهار هدف اختصاصی شامل افزایش مهارت کار گروهی، تسهیل یادگیری از همتایان، ایجاد مهارت آموزش به همتایان، افزایش فرصت ارزشیابی مستمر، از فرم نظر سنجی از دانشجویان و همچنین قضاوت مدرس استفاده شد. به منظور ارزشیابی هدف اختصاصی میزان یادگیری نصف سرفصلهای هر کدام از دروس بصورت کلاس وارونه تعدیل شده و نصف دیگر به روش کلاس سنتی سخنرانی ارائه شده و نتایج آزمون پایانی دو روش تدریس بررسی شد. و میزان بکارگیری آموخته ها.

نتایج و بحث: در زمینه نتایج اهداف مربوط به مهارت کار گروهی، تسهیل یادگیری از همتایان، ایجاد مهارت آموزش به همتایان، افزایش فرصت ارزشیابی در نظرسنجی، بطور میانگین ۶۷٪ از فراگیران گزینه های "زیاد" و "خیلی زیاد" را انتخاب کردند. روش تدریس کلاس وارونه باعث افزایش میانگین نمره دانشجویان به اندازه ۱، ۸ نمره در آزمون پایان ترم نسبت به تدریس سخنرانی می شود. (ارتقاء یادگیری کوتاه مدت) روش تدریس وارونه تعدیل شده باعث ارتقا یادگیری در گروه دانشجویان نمره پایین می شود. روش تدریس کلاس وارونه تعدیل شده باعث افزایش میانگین نمره دانشجویان به اندازه ۴، ۵ نمره در آزمون دوم (۶ ماه بعد از پایان ترم) نسبت به تدریس سخنرانی می شود. در بلند مدت، روش تدریس وارونه تعدیل شده باعث ارتقاء یادگیری در گروه نمره بالا می شود.

نیازسنجی آموزشی یادگیری الکترونیکی اساتید علوم پزشکی مازندران به روش دیکوم

علی اصغر قربانی - دانشگاه ع. پ. مازندران، محمدرضا اندرواژ - دانشگاه ع. پ. مازندران، حسین جلاهی - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیده کلثوم هاشمی - پریسا زلیکانی - نصرت اله گوران - علی حسام زاده - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: همه گیری بیماری کرونا در ماه های پایانی سال ۹۸ و عدم حضور اجباری دانشجویان در دانشگاه ها در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۸-۹۹ و نیاز به ارائه آموزش با کیفیت به آنان، به ناچار دانشگاه های علوم پزشکی را به سمت آموزش الکترونیکی سوق داد ولیکن ارائه آموزش الکترونیکی با کیفیت، نیاز به اساتیدی خبره دارد که از الزامات آن آگاهی داشته و بر آن مسلط باشند.

هدف: این مطالعه به دنبال تشریح مهمترین وظیفه اصلی اعضاء هیات علمی در زمینه آموزش الکترونیکی و تعریف آن و تبیین وظایف فرعی و دانش ها، نگرش ها و مهارت های لازم برای انجام آن بوده است.

روش اجرا: دیکوم (DACUM مخفف Develop a Curriculum) می باشد. به طور کلی نیازسنجی به این روش دارای ۷ گام (۱) آشنایی کارکنان خبره با فرآیند دیکوم، (۲) تعریف و شناسایی شغل مورد بررسی، (۳) شناسایی مسئولیت ها و وظایف اصلی، (۴) شناسایی فعالیت های کاری مرتبط با هر وظیفه اصلی، (۵) بازبینی و پالایش وظایف و تکالیف استخراج شده، (۶) شناسایی دانش ها، نگرش ها و مهارت های موردنیاز برای انجام هر تکلیف و (۷) تعیین میزان اهمیت، فراوانی و سطح یادگیری انجام هر تکلیف می باشد. (۲) بنابراین، در گام نخست بطور هدفمند شش نفر از اعضاء هیات علمی خبره از دانشکده های مختلف علوم پزشکی مازندران به عنوان Expert Panel در کارگاه دیکوم شرکت داده شدند. به جهت رعایت پروتکل های بهداشتی مربوط به جلوگیری از کرونا فیلم آموزشی در خصوص آشنایی اعضای اکسپرت پنل با کارگاه دیکوم تهیه شد و ضمن تشکیل کارگروه در شبکه اجتماعی یک هفته قبل از شروع کارگاه در اختیار گروه قرار داده و به سوالات اولیه آنها در این خصوص پاسخ داده شد. در پایان کارگاه یکروزه با توافق همه اعضاء، تدریس الکترونیکی از دید آنان تعریف شد و وظایف اصلی و فرعی و تکالیف اعضاء هیات علمی، دانش ها، نگرش ها و مهارت های مورد نیاز برای انجام هر تکلیف در زمینه تدریس و آموزش الکترونیکی شناسایی شد.

یافته ها: مهمترین وظیفه اصلی اعضاء هیات علمی در زمینه آموزش الکترونیکی، تدریس الکترونیکی بوده و تعریف آن عبارت است از: "انتقال دانش، نگرش، مهارت و تجربیات از یاد دهنده (استاد) به فراگیر (دانشجو) به شکل ساده تر و در وقت و زمان کمتر به صورت الکترونیکی، مجازی مبتنی بر سطح فراگیر، همراه با راهنمایی مستمر استاد (تسهیلگر)، دارای تعامل دو طرفه و همراه با ارزشیابی باشد." وظایف فرعی، دانش ها، نگرش ها و مهارت های لازم برای اجرای موفقیت آمیز و با کیفیت تدریس و آموزش الکترونیکی از دید اکسپرت پنل به شرح جدول ذیل بود. وظیفه اصلی: تدریس الکترونیکی وظیفه فرعی (۱) انتخاب رسانه الکترونیکی مناسب (الف) دانش های مربوط به این وظیفه شامل: آشنایی با امکانات و محدودیت های سامانه نوید، ادوبی کانکت، شبکه اجتماعی، تولید محتوا... (ب) نگرش های مربوط به این وظیفه شامل: علاقه مندی... (ج) مهارت های مربوط به این وظیفه شامل: مهارت استفاده از سامانه نوید، ادوبی کانکت، شبکه های اجتماعی و نرم افزارهای تولید محتوا... وظیفه فرعی (۲) تهیه محتوای مناسب الکترونیکی (الف) دانش ها: درک مفاهیم، آشنایی با اجزای طرح دوره، درس، دانش جستجو در اینترنت و کتابخانه دیجیتال... (ب) نگرش ها: اهمیت قائل شدن به کوریکولوم و برنامه ریزی... (ج) مهارتها: مهارت نوشتن و تکمیل طرح دوره و درس، مهارت جستجو در اینترنت، کتابخانه دیجیتال... وظیفه فرعی (۳) انتخاب روش ارائه مناسب

الکترونیکی الف) دانش‌ها: آشنایی با تهیه پاورپوینت، تهیه فیلم، سخنرانی آنلاین، تهیه فایل‌های صوتی، مدیریت بحث گروهی و... استفاده از بازی‌های آموزشی، شبیه‌سازها (سیمولیشن)... (ب) نگرش‌ها: اهمیت استفاده از روش‌های مختلف و متنوع در تدریس... (ج) مهارت‌ها: ساخت و استفاده از پاورپوینت، فیلم، سخنرانی آنلاین، فایل‌های صوتی، بازی‌های آموزشی شبیه‌سازها (سیمولیشن) و مهارت تدریس گروهی در بستر آنلاین... وظیفه فرعی (۴) انتشار محتوای الکترونیکی الف) دانش‌ها: دانش انتشار محتوا در بستر الکترونیکی... (ب) نگرش‌ها: اهمیت قائل شدن برای حق تالیف... (ج) مهارت‌ها: مهارت انتشار محتوا در بستر الکترونیکی و... وظیفه فرعی (۵) تعامل با دانشجو الف) دانش‌ها: کسب دانش در خصوص مهارت‌های ارتباطی (کلامی و غیر کلامی)، کنترل خشم و مدیریت زمان... (ب) نگرش‌ها: اهمیت قائل شدن برای دیگران، اهمیت قائل شدن برای ارتباط مناسب... (ج) مهارت‌ها: بکارگیری مهارت‌های ارتباطی (کلامی و غیر کلامی)، کنترل خشم و مدیریت زمان... وظیفه فرعی (۶) ارزشیابی الکترونیکی الف) دانش‌ها: آشنایی با امکانات و محدودیت‌های سامانه نوید در ارزشیابی‌های تکوینی و سامانه فرادید در ارزشیابی‌های نهایی... (ب) نگرش‌ها: اهمیت قائل شدن برای صلاحیت‌های مورد انتظار... (ج) مهارت‌ها: مهارت طراحی انواع سوال برای آزمون‌ها و مهارت استفاده از امکانات آزمون در سامانه نوید و فرادید...

بحث و نتیجه‌گیری: توجه به یافته‌های بالا و اساس قرار دادن آن برای تهیه کوریکولوم لازم برای توانمندسازی اساتید می‌تواند راهگشای ارائه مطلوب و مناسب آموزش الکترونیکی لازم به دانشجویان و ارتقاء پاسخگویی اجتماعی دانشگاه‌ها باشد.

تحلیل، نیازسنجی، پیاده‌سازی و اجرای سامانه یکپارچه فعالیت‌های توانمندسازی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

محبوبه حاجی زاده - احسان مرادی - سمیه رجب زاده - دانشگاه ع. پ. مشهد.

مقدمه: بهبود، ساده‌سازی و حذف بخش قابل توجهی از فرآیندهای وقتگیر و ایجاد بانک اطلاعات ارزشمند از سوابق دوره‌های آموزشی اعضای هیات علمی دانشگاه اعضای هیات علمی یکی از پویا ترین و گسترده ترین منابع دانشگاه هاست است. و برای بهره‌گیری از حداکثر توان بالقوه آنها هم برای خودشان و هم برای دانشگاه باید مورد حمایت و توسعه قرار بگیرند. هدف از آموزش افزایش مهارت‌های اعضای هیات علمی در جهت انجام وظایف و بهبود عملکرد در شرح وظایف است. انجام فرآیند نیازسنجی (مدیریتی، گروهی، فردی)، بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص نیازهای اعلام شده، اطلاع‌رسانی، ثبت نام و

برگزاری دوره‌های آموزشی، صدور گواهی‌نامه‌های مختلف و از همه مهمتر، ارزیابی و اثربخشی دوره‌ها از جمله چالش‌هایی است که پیش روی واحد توانمندسازی اعضای هیات علمی در مدیریت امور هیات علمی، به عنوان متولی برگزاری دوره‌های توانمندسازی قرار دارد. سامانه مدیریت دوره‌های توانمندسازی مروراید، نرم‌افزاری کاربردی و توانمند است که با بهره‌گیری از نظرات مدیران و کارشناسان مجرب مدیریت امور هیات علمی و فناوری، منطبق بر نیازها و اهداف واحد مربوطه، طراحی و پیاده‌سازی شده است و به شیوه‌ای کارآمد، تمامی فرآیندهای موجود در این حوزه را ساده می‌کند، سرعت می‌بخشد و مدیریت می‌نماید. سامانه مدیریت دوره‌های توانمندسازی، نرم‌افزاری کاربردی است که به منظور پوشش‌دهی خلا نرم‌افزاری در واحد توانمندسازی مدیریت امور هیات علمی دانشگاه طراحی و پیاده‌سازی شده است. پوشش تمامی نیازها و فرآیندهای موجود در واحد مربوطه از زمان اعلام نیازسنجی تا اجرای برنامه، برنامه ریزی و زمانبندی و در نهایت صدور گواهی‌نامه و ارزیابی دوره از جمله اهداف این سامانه می‌باشد.

روش اجرا: در مرحله اول کارشناسان مدیریت امور هیات علمی به بررسی و تحلیل نیازها در واحد رشد و بالندگی انجام دادند و سپس با بررسی‌ها و تحقیقات لازم در دیگر دانشگاه‌های داخلی و خارجی به تهیه چک لیست نیازها پرداخته شد. با تشکیل جلسات مکرر با مدیران و همچنین کارشناسان فناوری چک لیست نیازها کاملاً تحلیل و تکمیل و جهت تولید سامانه آماده گردید. جهت تهیه این سامانه در سال ۹۶ مناقصه ای برگزار گردید که چندین شرکت معتبر در این مناقصه شرکت کردند که در نتیجه شرکت سامانه ساز مروراید برنده این مناقصه اعلام شد. در اواخر سال ۹۶ تیم کارشناسان امور هیات علمی و فناوری بطور جد همکاری خودشان را با تیم شرکت مروراید آغاز نمودند که در سال ۹۷ یک مرحله سامانه با برگزاری بیش از ۱۰ عنوان دوره آموزشی در حیطه‌های مختلف توانمندسازی اعضای هیات علمی مورد آزمایش قرار گرفت مواردی جهت اصلاح و بررسی مشخص گردید که تا اوایل سال ۹۸ سامانه تکمیل گردید و از خرداد ۹۸ تمامی دوره‌های آموزشی توانمندسازی در این سامانه انجام می‌گیرد همچنین تمام اطلاعات دوره‌های گذرانده شده اساتید از سال ۸۹ تا ۹۷ که در شیرپونت آرشیو شده بود در سامانه جدید بارگزاری شد.

نتایج: ۱. امکان تعریف نیازسنجی‌های دوره‌ای (سازمانی، گروهی، فردی) در فواصل زمانی مورد نیاز و جمع‌آوری نیازهای آموزشی در سطح دانشگاه و بیمارستان‌ها ۲. اطلاع‌رسانی به مدیران، هیات علمی و فراگیران در صفحه کاربری خود در خصوص مشارکت در نیازسنجیها، اطلاعات دوره‌ها، ثبت نام و... ۳. آنالیز و سنجش نیازهای اعلام شده بر حسب درخواستهای اعلام شده، نوع درخواست، درخواست کنندگان، گروه‌های هدف و... تصمیم‌گیری در خصوص آنها ۴. تعریف دوره جدید منتج از نیازسنجی یا مصوبات جلسات (تعیین زمان و محل برگزاری، بازه زمان ثبت نام و ظرفیت دوره، تعیین هزینه در صورت نیاز و بر

اساس گروه های هدف (فراگیران، مدرسان) ۵. امکان تعیین دوره ها برای یک دانشکده یا یک گروه آموزشی یا یک رشته خاص و یا گروه مشخصی از هیات علمی یا فراگیران ۶. امکان ثبت نام گروه افراد در دوره ها، خصوصا در دوره هایی که افراد ملزم به گذراندن آن هستند ۷. برنامه ریزی دوره و تعیین روز و یا روزهای برگزاری، مجریان و ارائه کنندگان و امکان ثبت حضور و غیاب افراد ۸. امکان صدور گواهی نامه برای افراد بصورت گروهی توسط مدیر سامانه و یا توسط افراد و در صفحه کاربری خویش ۹. انجام ارزیابی کلی دوره توسط شرکت کنندگان و بر اساس چک لیستهای ارزیابی بصورت الکترونیک ۱۰. ارزیابی اثربخشی دوره و بررسی میزان دستیابی به اهداف مورد نظر بصورت گزارشات جدولی و نمودار

بحث و نتیجه گیری: سامانه ای جامع از اطلاعات دوره های آموزشی گذرانده شده اساتید ایجاد شده که از این سامانه می توان جهت فرایند ارتقا، ترفیع و تمدید قرارداد و رصد میزان فعالیت های اساتید و بررسی نیازهای آموزشی و ارزیابی توانمندیهای اساتید استفاده کرد.

طراحی، اجرا و ارزشیابی اپلیکیشن خود راهبر آموزشی دوره کارآموزی در عرصه دانشجویان بهداشت عمومی در راستای یادگیری موثر و پایدار

محبوبه طباطبایی چهر - دانشگاه ع. پ. بجنورد، کریم علیزاده - سید حمید حسینی - معصومه طاهرپور - حمیدرضا محدث حاک - فرانک فیروزفر - دانشگاه ع. پ. بجنورد .

مقدمه : در حال حاضر و شرایط کنونی پیش آمده در جهان (پاندمیک کرونا)، سیستم آموزشی دانشگاهها به شکلی می باشد که دانشجویان قابلیت دسترسی همیشگی و حضوری به اساتید را ندارند، لذا دانشجویان نمی توانند هر زمان که نیاز به یادگیری در زمینه های خاص را دارند، مورد آموزش قرار گرفته و یا پاسخ سؤالات خویش را به دست آورند. از طرفی در هر کشور نهاد آموزش دارای اجزا و زیر مجموعه هایی است که آموزش عالی یکی از مهمترین زیر مجموعه های این نظام آموزشی است. و بر همین اساس، یکی از اهداف مهم آموزش عالی، ایجاد و ارتقای یادگیری خودراهبر است بطوریکه انتظار می رود دانشجویان به سطحی از توانمندی های فردی برسند که بدون قرار گرفتن در یک نظام آموزشی ویژه، قادر به شناسایی نیازهای آموزشی خود بوده و در جهت رفع آن بکوشند و در نهایت یادگیری خود را مورد ارزشیابی قرار دهند. یادگیری خود راهبر (Self-Directed Learning) به عنوان فرآیندی است که در آن یادگیرندگان با کمک یا بدون کمک دیگران، به شناسایی نیازهای آموزشی خود، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی نتایج یادگیری خود می پردازند. تلفن همراه (موبایل) به عنوان وسیله ای کارآمد جهت استفاده از اپلیکیشن یا برنامه های مختلف از

سوی دانشجویان، توانسته است به عنوان ابزاری در جهت حمایت از یادگیری، به اساتید دانشگاه در بهبود کاربرد وسایل موبایل برای نیل به اهداف یادگیری کمک نماید در این راستا، به اپلیکیشن های موبایل Mobile App می توان اشاره نمود. هدف از این مطالعه طراحی، اجرا و ارزشیابی واحدهای درسی ارائه شده در کارآموزی دانشجویان رشته بهداشت عمومی و تغذیه، به شیوه نوآورانه با تولید اپلیکیشن های موبایل و زمینه ساز توسعه و ارتقای کیفی آموزش علوم پزشکی می باشد. امید است با بهره وری بیش تر و مقرون به صرفه بودن هزینه های آموزشی، گامی در راستای توسعه آموزش، برداشته شود

روش اجرا: این پژوهش به صورت مداخله ای (توصیفی-تحلیلی) و در ۵ گام انجام شد. در گام اول: تشکیل جلسه (بارش افکار) به منظور ایجاد کمیته های تخصصی بود. در ادامه، بررسی کوریکولوم آموزشی دوره کارآموزی رشته بهداشت عمومی انجام گرفت تا ضمن استخراج نقایص و مشکلات، بعد از اجرای اپلیکیشن بصورت پایلوت، از نتایج حاصل از آن در بازنگری کوریکولوم آموزشی بهره وری نمود. در گام بعدی، فهرستی از امکانات و نیازهای موجود دانشجویان و اعضای هیأت علمی تهیه شد. در چهارمین گام، اپلیکیشن بر اساس نیاز سنجی های انجام شده و به شکل نوآورانه طراحی گردید و در گام آخر، ارزشیابی و نقد و بررسی اپلیکیشن طراحی شده، با حضور متخصصین، اعضای هیئت علمی و دانشجویان به صورت نمونه گیری هدفمند انجام گرفت که هدف از آن ارائه پیشنهادات و راهکارهای اصلاحی بود.

بحث: این طرح علاوه بر توانمندی دانشجویان در یادگیری خود راهبر، می تواند در شناسایی نقاط قوت و ضعف به عنوان بستری مناسب جهت برنامه ریزی و ارتقاء عملکرد اپلیکیشن طراحی شده (آراد) با رویکرد طراحی و تولید محصولات آموزشی - مجازی استفاده گردد. از طرفی با تبدیل نمودن تهدیدها (پاندمیک کرونا) به فرصت (برگزاری مجازی علوم آموزش پزشکی) موجب دستیابی به اهداف آموزشی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی می گردد.

نتایج: یافته های به دست آمده نشان داد که ۹۵٪ کاربران سطح کاربردی بودن مطالب اپلیکیشن (آراد)، ۱۰۰٪ ارتقاء سطح علمی، ۹۲٪ سطح قابلیت ها و امکانات اپلیکیشن، ۷۹٪ سطح نوآورانه بودن، ۱۰۰٪ قدرت انتقال مطالب ۶۲٪ سطح رسیدن دانشجو به اهداف آموزشی پس از استفاده از اپلیکیشن و ۲۲٪ سطح طراحی نرم افزار را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده اند. همچنین ۸۳٪ دانشجویان استفاده از اپلیکیشن را به دوستان خود پیشنهاد نموده اند.

کلمات کلیدی: دانشجویان، طراحی اپلیکیشن، خودراهبر، کارآموزی، بهداشت عمومی

طراحی، اجرا و ارزشیابی روش یادگیری بر مبنای پروژه (تکلیف) در دانشجویان فوریت های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان - ۱۳۹۷

فرزانه زارعی - دانشگاه ع. پ. کردستان.

مقدمه: ارتقاء کیفیت آموزش دانشجویان گروه پزشکی بدون تحول در روشها و فنون تدریس امکان پذیر نیست. یکی از روشهای مفید تدریس، یادگیری بر مبنای تکلیف (پروژه) است. در این روش فراگیر در جهت تکمیل و اجرای پروژه فعال می شود و نسبت به یادگیرنده منفعل، بیشتر و بهتر یاد می گیرد و فعالیت هایش با انگیزه و هدفند می شود. ارتباط رودرو در شرایط بحرانی با حادثه دیده و همراهانش، شرایط بسیار صعبی را بوجود می آورد که تکنسین فوریت پزشکی با انگیزه که خود مسئولیت یادگیری خود را برای تامین اطلاعات و مهارتهای به روز به عهده گرفته قطعاً موفق تر خواهد بود. لذا در این پژوهش بر آن شدیم تا با تغییر در روش تدریس دروس اختصاصی، انگیزه و مسئولیت خودیادگیری را در دانشجویان فوریت های پزشکی ایجاد شود.

روش اجرا: در این مطالعه (سال تحصیلی ۹۶-۹۷) از روش اقدام پژوهی استفاده شد. و مراحل پنج گانه استروبرت اسپیزال و کارپنتر که در آموزش علوم پزشکی پذیرفته شده است، اجرا گردید. گام های آن شامل: تبیین و طرح یک ایده، جمع آوری داده ها، برنامه ریزی، تعیین اهداف و اجرا یا عمل به برنامه است. شرکت کنندگان دانشجویان ترم سوم فوریت های پزشکی مقطع کاردانی بودند و ابزار ارزیابی اقدامات انجام شده پرسشنامه بود. در ابتدای هر ترم تحصیلی، در مورد اهمیت مشارکت فعال و علاقمندی خود دانشجویان در دسترسی به اهداف آموزشی صحبت می شد و دانشجویان نیز در مورد اینکه در نهایت بعد از پایان ترم به چه ویژگیهایی باید برسند و انتظار مدرس و دانشجو در نهایت چه خواهد بود بحث می شد و به سوالات پاسخ داده می شد. تقریباً در پایان جلسه به یک اجماع می رسیدیم که راه حلی باید برای این هدف بسیار مهم وجود داشته باشد و آن مشارکت فعال و علاقمند خود دانشجویان و حضور و همکاری دائمی مدرس است. بنابراین عناوین مشخص شده، پروژه ها و اسامی دانشجویان خوانده می شد و هر دانشجو موظف به پیگیری یکی از این موارد یا پروژه ها می شد. در پایان ترم نیز دانشجویان توسط پرسشنامه، مدرس و گروه فوریت های پزشکی را از میزان تاثیر این روش در یادگیریشان و رضایتمندی از اجرای آن، آگاه می کردند.

یافته ها: دانشجویان بین سنین ۲۱ تا ۳۰ سال بودند. همگی مجرد بودند و ۵، ۱۲ درصد سابقه کار داشتند. در ۶۱، ۸۴ درصد از دانشجویان باعث افزایش تجربیات و افزایش مهارت عملی گردیده است. در ۳۰، ۹۲ درصد از دانشجویان باعث افزایش انگیزه شده و در ۹۲، ۷۶ درصد از آنها باعث ایجاد تفکر انتقادی شده است. ۸۴ درصد از دانشجویان بیان نموده اند که این روش باعث افزایش قدرت درک و فهم مطالب در آنها

شده است. ۱۰۰ درصد از دانشجویان از اجرای این روش تدریس (خیلی زیاد و زیاد) راضی بودند. فعالیت دانشجویان در فرایند یادگیری بیشتر شد و در واقع هدف دانشجو محوری محقق گردید. بر اساس تحلیل پرسشنامه ها و مصاحبه با دانشجویان، ارتقاء انگیزه و توانمندی دانشجویان در به عهده گرفتن مسئولیت یادگیری خود، محقق گردید. همچنین این روش موجب مواجهه بیشتر دانشجویان با بیماران و افزایش تجارب آموزشی آنها شده است.

نتیجه گیری: استفاده از روش یادگیری بر مبنای پروژه باعث تقویت تفکر انتقادی و فرایند خودارزیابی در دانشجویان و افزایش عمق فهم مطالب گردید. هدف بسیار مهم دانشجو محوری نیز محقق شد. به دلیل لزوم افزایش بیشتر حضور دانشجو در محیطهای بالینی و ارتباط با بیماران (در زمانهایی که خود دانشجو مشخص می کند و البته بدون حضور مربی است) تعامل با همکاران بالینی بیشتر و لذا زمینه ارتقاء سطح علمی نیز هم برای فراگیر و هم همکاران فراهم گردید. همکاران بالینی با رشته نوظهور فوریت های پزشکی بیشتر آشنا شدند. لذا با توجه به نتایج، استفاده از روش یادگیری بر مبنای پروژه توصیه می گردد.

کلیدواژه ها: یادگیری بر مبنای پروژه، دانشجوی فوریت های پزشکی، اقدام پژوهی

بازنگری در سرفصل رشته های علوم پزشکی جهت گنجاندن مباحث اهدا و پیوند در آن

امید قبادی - مرضیه لطیفی - کتایون نجفی زاده - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی .

مقدمه: برنامه درسی یا کوریکولوم آموزشی برنامه ای است که در آن برنامه ریزان آموزشی، پس از تعیین و اولویت بندی نیازهای عمومی و نیازهای فراگیران، بر اساس آن اهداف یادگیری را تدوین می کنند، سپس محتوای آموزشی مرتبط را تهیه می نمایند و روش ها و شیوه های آموزشی؛ ارزشیابی و بازخورد را انتخاب می نمایند. همچنین هزینه بودجه، تجهیزات و تسهیلات لازم برای اجرا و عملیاتی سازی برنامه ها را محاسبه و تعیین می کنند و نیروی انسانی (فراگیران، مدرسان و ...) مورد نیاز در عملیاتی سازی برنامه ها را نیز مدیریت می کنند. پیوند اعضا از افراد مرگ مغزی مقوله ای است که در آن عضو سالم افراد مبتلا به مرگ مغزی با رضایت خانواده این افراد بجای به خاک سپرده شدن باعث زندگی بخشیدن به بیماران نیازمند این ارگانها و باقی ماندن این اعضای ارزشمند در کره خاکی می گردد. در مطالعات مختلف ثابت شده است که مهمترین عامل تعیین کننده در رسیدن این اعضا به دست نیازمندان دانش، آگاهی و عملکرد مناسب تیم های درمانی است. چرا که در صورت عدم اطلاع کادر درمان از مقوله مرگ مغزی و اهدای عضو

موافقت نموده و فرآیند آن در حال انجام است. مباحث رشته های تخصصی پزشکی (نورولوژی، نوروسرجری، داخلی، بیهوشی، طب اورژانس و پزشکی قانونی) نیز آماده ارسال به دبیرخانه های تخصصی آنها می باشد. نتیجه گیری: کادر درمان به عنوان اولین گروه مواجهه شونده با فرد مرگ مغزی نیاز دارند اطلاعات بروز و صحیحی در مورد این موضوع داشته باشند و به عنوان عوامل موثر در فرایند اهدای عضو نقش خود را به خوبی ایفا نمایند. با توجه به این امر مهم تغییر در محتوای آموزشی دروس رشته های مختلف پزشکی و پیراپزشکی و گنجانیدن موضوعات مربوط به اهدای عضو در دروس آنها بسیار مهم و اساسی می باشد.

کلمات کلیدی: اهدای عضو، مرگ مغزی، کوریکولوم

تأثیر برنامه ادغام مباحث پایه و بالینی درس انگل شناسی در یادگیری دانشجویان پزشکی

فئانه میکائیلی - دانشگاه ع. پ. شیراز، میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، فرهاد هنجسی - دانشگاه ع. پ. شیراز، غلامرضا حاتم - دانشگاه ع. پ. شیراز، قاسم عسگری - دانشگاه ع. پ. شیراز.

Background: The medical parasitology course is one of the basic science courses in the educational curriculum for medical students at Shiraz University of Medical Sciences. Currently, basic and clinical parasitology are taught separately. In many courses, the integration of basic and clinical sciences has helped students better understand the basic science course content.

Objectives: Considering the importance of the integration of basic and clinical sciences, the current study aimed to determine the effect of integration of basic and clinical aspects of a specific topic in a parasitology course on medical students learning.

Methods: A randomized controlled trial was conducted on 110 undergraduate fifth-semester medical students from April to July 2018 at Shiraz Medical School, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. The students were randomly divided into two groups: intervention and control groups. The topic selected for this study from the parasitology course was "cutaneous leishmaniasis." At the beginning of the program, a dermatologist presented the clinical aspects of the topic to the intervention group. Then, a parasitologist delivered a traditional lecture about the basic aspects of the topic to both groups. The students' scores on

دادن اطلاعات غلط به خانواده و عدم توانایی مراقبت صحیح از موارد مرگ مغزی موجب عدم رضایت خانواده و ایست قلبی مورد مرگ مغزی قبل از اهدا می گردد. در کشورهای پیشرفته دنیا در زمینه اهدای عضو مبحث مرگ مغزی و اهدای عضو جزو دروس تیم های درمانی و حتی غیر درمانی بوده و کمتر کسی از قشر تحصیل کرده با این مقوله آشنا نیست. لذا بازنگری در برنامه های آموزشی رشته های علوم پزشکی و گنجانیدن مباحث اهدا و پیوند اعضا در آن به عنوان یک پروژه بلند مدت در دستور کار انجمن اهدای عضو ایرانیان که از سال ۱۳۹۶ طی تفاهم نامه ای از طرف وزارت بهداشت وظیفه آموزش تیم های درمانی کشور در زمینه اهدای عضو را به عهده گرفته است قرار گرفت تا بتوان از ظرفیت دانشجویان پزشکی و همچنین سایر گروه های علوم پزشکی برای ارتقای فرهنگ اهدای عضو در جامعه علوم پزشکی و جلوگیری از به هدر رفتن اعضای ارزشمند افراد مرگ مغزی و تربیت نیروهای متخصص آگاه به فرایند اهدای عضو و افزایش آگاهی آنها در خصوص ایمان به این موضوع که فرد مرگ مغزی مرده است و قابل برگشت به زندگی نمی باشد و اصول و روش های تشخیص مرگ مغزی و مواجهه با خانواده استفاده کامل برد.

روش اجرا: فاز اول: استخراج لیست رشته های علوم پزشکی از سایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: در این فاز با مراجعه به بخش <http://hcmeep.behdasht.gov.ir> معاونت آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی لیست رشته های علوم پزشکی مصوب وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی استخراج شد. فاز دوم: استخراج آخرین نسخه کوریکولوم های آموزشی از سایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: پس از ورود به بخش های کارشناسی، کارشناسی ارشد و همچنین پزشکی عمومی کلیه برنامه های آموزشی استخراج شد. فاز سوم: مطالعه کلیه کوریکولوم های آموزشی رشته های مرتبط و استخراج درس هایی که می توان مباحث اهدا و پیوند را در آن قرار داد. فاز چهارم: تعیین سرفصل های مورد نیاز برای هر رشته: در این مرحله تمامی سرفصل ها به صورت جزء به جزء برای هر رشته نوشته شد، سپس محتوای آموزشی هر درس مشخص و تهیه شد. فاز پنجم: تدوین درخواست بازنگری برنامه آموزشی برای دبیرخانه های تخصصی هر رشته و بیان جزئیات مبحث الحاقی به برنامه درسی آن رشته فاز ششم: برگزاری جلسات با اعضای دبیرخانه های تخصصی پزشکی عمومی، تخصص، پرستاری، مددکاری، هوشبری و اتاق عمل فاز هفتم: بررسی درخواست بازنگری برنامه آموزشی درخواستی انجمن و پاسخ (موافقت با قرار گرفتن موضوع پیشنهاد داده شده و یا عدم موافقت).

نتایج: پس از انجام این مراحل در رشته پزشکی عمومی نامه موافقت قرار گرفتن مباحث مرتبط با اهدای عضو در بند شماره ۸ در تاریخ ۱۳۹۸، ۶، ۲۵ و در نامه ای با شماره ۵۱۸، ۷۶۲، د به انجمن اهدای عضو ایرانیان ارسال گردید. همچنین رشته های کارشناسی و کارشناسی ارشد هوشبری، پرستاری و توانبخشی (مددکاری) نیز با کلیت موضوع

تاریخ مشخص شده برای همه اساتید و دانشجویان ارسال شد تا مطالعه کنند. در جلسه ژورنال کلاب ابتدا دانشجو سوال بالینی، روش جستجو و سپس مقاله را مطرح کرده و دانشجویان و اساتید حاضر در جلسه مقاله را نقد می کردند. قسمتهای مختلف مقاله از نظر نحوه نگارش، آمار، متدولوژی، تورشها و خطاها، نحوه گزارش و بحث و نتیجه گیری نقد می شد. سپس چک لیست ارزیابی نقادانه CASP tool برای آن مقاله تکمیل و در نهایت سوال بالینی پاسخ داده می شد. در انتخاب مقاله تلاش شد تا انواع متدولوژیها، روشهای آماری، انواع خطاها و مفاهیم مختلف EBM مورد بررسی قرار گیرد. ۶ جلسه ژورنال کلاب به این ترتیب برگزار شد. سپس کارگاهی (۵ جلسه ۲ ساعتی) برگزار شد و مفاهیم EBM آموزش داده شد. بعد از کارگاه نیز ۳ جلسه ژورنال کلاب برگزار شد و این بار انتخاب مقاله و نقد آن با آگاهی بیشتر از مفاهیم EBM انجام شد. در انتهای کار نیز ارزشیابی برنامه توسط دانشجویان شرکت کنندگان انجام شد. ابزار ارزشیابی پرسشنامه ای شامل ۲۸ سوال در مورد آگاهی دانشجویان در مورد EBM (با پاسخهای لیکرت با امتیاز ۱ تا ۵) و یک سوال باز برای ارائه نظر کلی و پیشنهادات آنها و بیان محدودیتهای و موانع بکارگیری EBM در رشته طب سنتی ایران بود. یافته ها: قبل از برگزاری جلسات، دانشجویان اطلاعاتی در مورد EBM، منابع اطلاعاتی EBM، نحوه نقد مطالعات و چک لیستهای CASP نداشتند. در ارزیابی بعد از اجرای کار مشخص شد که مجموع فعالیتهای انجام شده سبب شد تا آگاهی آنها در مورد EBM افزایش یابد و در مورد معناداری آماری، effect size، چک لیستهای نقد مقالات، منابع EBM اطلاعات مفیدی کسب نمایند (Mean score ± SD= ۴.۱۶±۰.۴, ۳.۸۳±۰.۷۵, ۳.۸۳±۰.۷۵, ۴۰.۶۳, ۴.۶۶±۰.۵۱, respectively) اما جهت نقد مقالات به تنهایی، تفسیر کامل نتایج مقالات، و توانایی استفاده از نتایج در بالین بیمار کافی نبود (Mean score ± SD= ۳.۱۶±۱.۱, ۳.۶۶±۰.۸۱, ۳.۸۳±۰.۷۵, respectively). همچنین بیان شد که این روش را برای یادگیری EBM می پسندند ولی نیاز به یادگیری بیشتر دارند. در ارزیابی توسط اساتید مشخص شد که جهت سازماندهی بهتر جلسات آموزشی EBM بهتر است این آموزش در قالب واحد درسی برای دانشجویان طب سنتی ارائه شود تا همه دانشجویان ملزم به شرکت در جلسات شوند و امتحان پایان ترم محرکی برای تلاش بیشتر و در نهایت یادگیری بهتر باشد. عدم حضور همه دانشجویان بعلاوه تداخل زمان ژورنال کلابها با کلاسها یا درمانگاه از موانع ارائه مناسب این دوره بود. نگرش دانشجویان و متخصصین طب سنتی در مورد EBM و لزوم ایجاد تبحر در این زمینه و همچنین میزان عملکرد مبتنی بر شواهد در این گروه از پزشکان بالینی نیاز به بررسی بیشتر دارد. عدم آشنایی کافی اساتید این رشته با مفاهیم EBM نیز از کمبودهایی است که باید به آن توجه کرد. کم بودن شواهد با level مناسب از دیگر مشکلات این رشته در حیطه EBM معرفی شد.

questions related to cutaneous leishmaniasis in the final exam were used as a measure of learning and teaching outcomes. A questionnaire was used based on the objectives of the randomized controlled trial. **Results:** Based on the result of the final exam, there was no significant difference in the learning rate of students between intervention and control groups ($P.value \geq 0.05$). According to students' comments, the teaching of clinical science alongside basic science increased the importance of the topic and the students' interest in basic science. However, the negative points of the program were incomprehensive clinical terms used in the clinical presentation and repetition of basic parasitological information after listening to the clinical lecture. **Conclusions:** Many medical students believe that the content of many basic science courses are forgotten in the future. Therefore, basic science education alongside clinical science presentations are suggested. In this study, the clinical science presentation was done before the basic science training which was innovative and nonconventional.

طراحی، اجرا و ارزشیابی ژورنال کلابهای مبتنی بر شواهد (evidence based) در دانشکده طب ایرانی دانشگاه علوم پزشکی ایران

فغانه هاشم دباغیان - دانشگاه ع. پ. ایران، آیدا اصغری دانشگاه ع. پ. ایران

مقدمه: طبابت مبتنی بر شواهد (EBM) استفاده از بهترین شواهد در کنار تجارب پزشک و ترجیح بیمار برای انتخاب بهترین روش در بالین بیمار می باشد. ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد یکی از روشهای آموزش EBM است. در بررسی کیفی که از اساتید و دانشجویان دانشکده طب سنتی ایران انجام شد، اطلاعات آنها در این زمینه بسیار اندک بود و خصوصاً دانشجویان در ارزیابی نقادانه دچار مشکل بودند لذا بر آن شدیم تا از طریق برگزاری ژورنال کلابهای مبتنی بر شواهد، دانش و عملکرد دانشجویان را در این زمینه ارتقا دهیم.

روش اجرا: طراحی مداخله بر اساس استانداردهای ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد که توسط وزارت بهداشت و درمان در سال ۹۴ ارائه شده است انجام شد. یک جلسه در مورد EBM و اهمیت آن در کار بالینی و فرایند اجرا و مفاهیم کلی صحبت شد. لیستی از اسامی دانشجویان بهمراه موضوع کلی مورد بحث پیشنهاد و اطلاع رسانی شد. به هر دانشجو یک نفر استاد اختصاص داده شد تا در طراحی سوال بالینی و جستجوی شواهد برتر دانشجو را راهنمایی کنند. مقاله مورد نظر دو هفته قبل از

بحث و نتیجه گیری: در این مطالعه، EBM در قالب ژورنال کلاب به دانشجویان طب سنتی آموزش داده شد و در ارزیابی انجام شده مشخص شد که این دوره تا حدی سبب افزایش آگاهی آنها در مورد EBM شده ولی کافی

سازد. استفاده از روشهای مبتنی بر تکنولوژی و نوآورانه در آموزش دروس علوم پزشکی پیشنهاد می شود

عنوان: طراحی بازی سازی (گیمیفیکیشن) آموزشی مبحث اعتیاد جهت دانشجویان علوم پزشکی

لیلی مصلی نژاد - دانشگاه ع. پ. جهرم، عرفان منصوری .

مقدمه: اعتیاد یک «بیماری اجتماعی» است که عوارض جسمی و روانی دارد و تا زمانی که به علل گرایش به آن توجه نشود، درمان جسمی و روانی فقط برای مدتی نتیجه بخش خواهد بود. داشتن دانش و اطلاعات کافی در مورد اعتیاد بهترین راه پیشگیری از بروز آن در جامعه است. مطالعه حاضر نیز به طراحی و توسعه آموزش بازی سازی در درس اعتیاد و تاثیرات آن بر یادگیری در قالب یک کار پایلوت پرداخته است. پرداخته است.

روش اجرا: در طراحی بازی سازی از معیار آموزشی و فنی در طراحی و توسعه بازی سازی استفاده شد. معیارهای آموزشی شامل طراحی بازی سازی به عنوان یک مداخله انگیزشی، مفرح، مشارکتی و منطبق بر تفاوت‌های فردی است که یادگیری و یادداری را در قالب شبیه سازی موقیت‌ها تقویت نماید و در معیارهای فنی منطبق بر تکنولوژی ساخت اپ بر اساس المانهای پویایی، میکانیسم‌ها و دینامیک بازی سازی با استفاده از تکنولوژی Microsoft Asp net Core استفاده شد. این بازی در آدرس addisplay.ir قابل دسترسی می باشد. بازی سازی در دو گروه از دانشجویان پزشکی (روانشناسی سلامت و بهداشت در واحد روانشناسی و اعتیاد به صورت اسان و با روش سرشماری انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه ۴۲ گزینه‌ای در ۸ حیطه به خود اختصاص داد که رضایتمندی و انگیزش را در استفاده از گیم بررسی می کند. این پرسشنامه توسط Fong-Ling و همکاران ۲۰۰۷ ساخته و توسط مصلی نژاد و همکاران در کاربران ایرانی بکار گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج کار بر روی دو گروه از دانشجویان نشان داد که این روش با رضایتمندی ۹۰ درصدی دانشجویان گروه‌های مختلف همراه است. نتایج دیگر نشان داد که بازی سازی بر انگیزش و مولفه‌های آن بر یادگیری تاثیر دارد و می تواند محیطی جذاب را در آموزش و یادگیری دانشجویان ایجاد نماید (بالا بودن میانگین مولفه‌های انگیزشی).

نتیجه گیری: استفاده از روش‌های نوین آموزش و یادگیری مانند بازی سازی به جای کتابچه‌های راهنمای مکتوب یا کلاسهای سنتی به صورت جایگزین و یا ترکیبی و مکمل می تواند به تامین اهداف آموزشی کمک نموده و امکان یادگیری را یک محیط مفرح و انگیزشی فراهم

نیازسنجی آموزشی به منظور بازنگری و تدوین مجدد برنامه دکترای مددکاری اجتماعی: یک مطالعه کیفی

معصومه معارف وند - دانشگاه ع. پ. بهزیستی، غنچه راهب دانشگاه ع. پ. بهزیستی، فروزان شکوه - دانشگاه ع. پ. بهزیستی، حمیده عادلیان راسی - دانشگاه علامه طباطبایی، مریم ذبیحی پور سعادت - دانشگاه ع. پ. علوم بهزیستی و توانبخشی،

مقدمه: برنامه آموزشی دکترای مددکاری اجتماعی در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید و در سال ۱۳۸۵ دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اولین دانشجویان دکترا را پذیرش نمود. برنامه آموزشی مذکور از زمان تصویب مورد بازنگری قرار نگرفته است. با توجه به تغییرات گسترده اجتماعی در این سال‌ها به خصوص در حوزه سلامت اجتماعی و نیز تغییر در سیاست‌های اجتماعی در ایران برنامه آموزشی دکترای مددکاری اجتماعی به اندازه کافی پاسخگوی نیازهای جامعه و دانشجویان نیست. به همین منظور ضرورت دارد نظرات ذی نفعان در رابطه با بازنگری برنامه مورد تحلیل قرار گیرد.

روش اجرا: این پژوهش به روش تحلیل محتوا جهت دار انجام شد. دوازده شرکت کننده (اساتید، دانشجویان و دانش‌آموختگان دکترای رشته مددکاری اجتماعی) به روش نمونه‌گیری هدفمند وارد مطالعه شده و با آنها مصاحبه شد.

یافته‌ها: شرکت کنندگان در پژوهش اهداف و وظایف متنوعی را برای دانش‌آموختگان دکترای مددکاری اجتماعی پیشنهاد کردند (سیاستگذاری، رهبری و برنامه ریزی، نقد نظریه‌ها و نظریه پردازی، آموزش نظری و عملی و سرپرستی، پژوهش و مداخلات بالینی). فارغ التحصیلی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی و همچنین داشتن سابقه کار به عنوان مهمترین معیارهای پذیرش دانشجویان معرفی شد. شرکت کنندگان بر ضرورت پیش بینی دروس عملی، کارآموزی و کارورزی علاوه بر واحدهای نظری تأکید نمودند.

بحث و نتیجه گیری: پیشنهاد می شود سیاستگذاری، رهبری و برنامه ریزی، نقد نظریه‌ها و نظریه پردازی، آموزش نظری و عملی و سرپرستی، پژوهش و مداخلات بالینی به عنوان وظایف اصلی دانش‌آموختگان دکترای مددکاری اجتماعی در بازنگری برنامه آموزش دکترای مددکاری اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. بر همین اساس باید افرادی در دوره دکترا پذیرش شوند که از سوابق تحصیلی و شغلی مناسب برای سپری کردن این دوره برخوردار باشند. در عین حال در نظر گرفتن روش‌های متناسب آموزشی و پیش بینی دروس عملی، کارآموزی و

کارورزی در بازنگری برنامه درسی دکترای مددکاری اجتماعی ضروری به نظر می رسد.

مطالعه کارآزمایی تصادفی شده کنترل دار بر روی ۱۳۶ نفر از بهورزان (۶۸ نفر گروه مداخله و ۶۸ نفر گروه کنترل) مورد بررسی قرار گرفت. همچنین رضایت مندی مردم از بهورزان قبل و بعد از مداخله از سامانه سیب استخراج گردید.

طراحی، اجرا و ارزشیابی مداخله آموزشی بر اساس رویکرد نقشه نگاری مداخله بر افزایش توانمندی های بهورزان در زمینه آموزش بهداشت و ارتباطات

الهام شکیبازاده - رویا صادقی - هاشم حشمتی - دانشگاه ع. پ. تربت حیدریه.

زمینه و هدف: بر اساس شواهد موجود توانمندی کارکنان نظام بهداشت و درمان کشور از جمله بهورزان در ارائه آموزش سلامت و ارتباط خوب نامطلوب است. به نظر می رسد عدم استفاده از علم آموزش پزشکی در تربیت برخی از نیروهای انسانی سیستم بهداشت و درمان از جمله بهورزان، یکی از علل مهم عدم توانمندی مطلوب کارکنان است. لذا شناسایی موانع و تسهیل کننده های آموزش سلامت، تعیین شایستگی های آموزش دهنده سلامت در سطح ارائه خدمت، تدوین ابزار جهت نیازسنجی و طراحی یک برنامه جامع جهت توانمندسازی کارکنان سلامت به ویژه بهورزان ضروری به نظر می رسد. بنابراین مطالعه حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی مداخله آموزشی بر اساس رویکرد نقشه نگاری مداخله بر افزایش توانمندی های بهورزان در زمینه آموزش بهداشت و ارتباطات طراحی و اجرا شد.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع ترکیبی متوالی (کیفی و کمی) است که در سه فاز و طی ۴ زیر مطالعه انجام شد. در زیر مطالعه اول، شایستگی های اصلی جهت آموزش بهداشت در حوزه بهداشت در بهورزان، به روش کیفی از طریق مصاحبه با ۳۱ مشارکت کننده و همچنین مروری بر متون علمی تعیین شد و سپس در قالب یک مطالعه دلفی، در خصوص شایستگی های اصلی اجماع صورت گرفت. همچنین موانع و تسهیل کننده ها در زمینه آموزش بهداشت در سیستم بهداشتی به روش کیفی از طریق مصاحبه با ۲۱ مشارکت کننده در سطوح مختلف نظام سلامت (از وزارت بهداشت تا خانه بهداشت) و بحث گروهی با ۲۶ بهورز تبیین شدند. در زیر مطالعه دوم، بر اساس یافته های زیر مطالعه اول، پرسشنامه اولیه جهت سنجش مهارت های ارتباطی بهورزان به عنوان شایستگی با اولویت اول طراحی شد و پس از بررسی و تأیید روایی شکل، محتوا و روایی سازه پرسشنامه، پایایی پرسشنامه مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. در زیر مطالعه سوم، با ابزار استاندارد شده در زیر مطالعه دوم، یک مطالعه مقطعی به منظور بررسی مهارت های ارتباطی بر روی ۲۹۹ نفر از بهورزان انجام شد. پس از طراحی مداخله بر اساس نقشه نگاری مداخله، در زیر مطالعه چهارم تأثیر مداخله آموزشی بر اساس رویکرد نقشه نگاری مداخله بر افزایش توانمندی های بهورزان در زمینه مهارت های ارتباطی در قالب یک

یافته ها: در مجموع ۱۵ شایستگی اصلی استخراج شد و شایستگی مهارت های ارتباطی به عنوان اولویت اول انتخاب شد. از تجزیه و تحلیل داده ها پنج درون مایه شامل موانع و تسهیل کننده های فردی، بین فردی، سازمانی، جامعه و همچنین موانع و تسهیل کننده های زمینه ای استخراج شد. در رابطه با اعتبار سنجی پرسشنامه، CVI و CVR گویه های پرسشنامه بین ۰.۸ تا ۱ بود. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰.۹۱۸ بود. همچنین شاخص های برازش مدل در محدوده قابل قبول قرار گرفتند. در رابطه با مطالعه مقطعی، به ترتیب کمترین میانگین نمره مربوط به موانع (۶۱، ۱۷±۲۴، ۴۱) و هنجارهای انتزاعی (۹۸، ۷۳±۳۰، ۶۶) بود. همچنین سازه های آگاهی، مهارت، خودکارآمدی، موانع و هنجارهای انتزاعی، پیشگویی کننده های رفتار ارتباطی بهورزان بودند. در رابطه با مطالعه کارآزمایی تصادفی شده کنترل دار، میانگین نمرات تعیین کننده های رفتاری و رفتار در گروه مداخله ۶ ماه بعد از مداخله تغییر معنی داری داشت در حالی که در گروه کنترل این تغییرات معنی دار نبود. همچنین در طول ۴ ماه بعد از مداخله، میانگین نمرات عدم رضایت مردم از بهورزان در گروه مداخله به طور معنی داری کاهش یافت، در حالی که در گروه کنترل تغییر معنی داری نداشت. **نتیجه گیری:** با عنایت به چند بعدی بودن، چند سطحی بودن و درهم تنیدگی موانع و مشکلات آموزش سلامت در سطوح و ابعاد مختلف، باید با یک دید جامع نگر و همه جانبه به این موضوع توجه نمود و موانع را در سطوح و لایه های مختلف برطرف نمود. همچنین پرسشنامه طراحی شده از روایی و پایایی مناسب برخوردار است که پتانسیل ارزشمندی را برای ارزیابی مهارت های ارتباطی بهورزان کشور و انجام مداخلات مناسب در این گروه فراهم نموده است. همچنین موفقیت بالای مداخله آموزشی حاضر بر رفتار بهورزان و رضایت مندی مردم، الگوی بسیار ارزشمندی برای کاربرد علم آموزش پزشکی در مداخلات مشابه در اختیار پژوهشگران و سیاست گذاران قرار می دهد و لذا استفاده از یافته های مطالعه حاضر برای ارتقای جایگاه آموزش پزشکی در نظام سلامت و به تبع آن ارتقای سلامت جامعه پیشنهاد می شود.

بررسی امکان پذیری ارائه دروس معارف اسلامی با رویکرد به مباحث حوزه سلامت در دانشگاه های علوم پزشکی و ارائه سرفصل های پیشنهادی سلامت محور

محمود ایوبی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، قدرت الله مومنی - مریم آویژگان - دانشگاه ع. پ. اصفهان، عبدالحمید آکوچکیان - علی غلامی - حمید رضا طالقانی - روح الله موسوی زاده .

مقدمه: واقعیت آن است که در تدوین محتوا و متون آموزشی دروس معارف اسلامی، توجه کافی به تخصص و رشته تحصیلی فراگیران نشده است در حالی که به نظر می رسد این ظرفیت برای بسیاری از دروس معارف اسلامی وجود دارد که ارتباط قوی تری با دیگر علوم تجربی، تخصص های حرفه ای و رشته تحصیلی فراگیران داشته باشند. دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی به صورت حرفه ای در حوزه ای فعالیت خواهند نمود که کاملاً کاربردی (practical) و تجربی و با واقعیات سلامتی و زندگی مردم مرتبط است. منطقی است که محتوای آموزشی دروس معارف اسلامی برای این دانشجویان به شکلی ویژه و بر اساس ضرورت های حرفه ای تدوین و تدریس گردد تا پاسخ گوی نیاز آنان باشد. این پژوهش پاسخ به این پرسش است که آیا امکان ارائه دروس معارف اسلامی با رویکرد به مباحث حوزه سلامت وجود دارد؟ و به بیان دیگر اگر بخواهیم آموزها و محتوای این دروس را از منظر و رویکردی سلامت محور و برای رشته های پزشکی و پیراپزشکی بازخوانی و بازنویسی کنیم، آیا امکان پذیر می باشد؟ دست یابی به پاسخ این پرسش، هدف اصلی این پژوهش است. با توجه به تعدد گرایش ها و تعدد دروس هر گرایشی از مجموعه دروس معارف اسلامی، لازم است امکان پذیری ارائه آن درس با رویکرد به مباحث حوزه سلامت بررسی شود. بر این اساس پرسش اصلی و هدف کلی تحقیق، برای هر درسی مطرح است.

روش اجرا: نوع طرح در این مطالعه بنیادی-کاربردی است که با هدف امکان سنجی ارائه دروس معارف اسلامی با رویکرد به مباحث حوزه سلامت طراحی و در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان اجرا شده است. نوع مطالعه در این پژوهش توصیفی - تحلیلی - پیمایشی (کمی، کیفی) و مبتنی بر دو روش گروه اسمی و دلفی است. نوع طراحی مطالعه نیز مطالعات ارتقای کیفیت خدمات است که با نگرشی نیازمحورانه و با دغدغه توسعه محتوا شکل گرفته است. جامعه آماری این پژوهش ۳۵ نفر از مدرسان دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان؛ اعم از اساتید هیئت علمی و مدعو، ۷ نفر از کارشناسان حوزه معارف اسلامی و ۱۱ نفر از اساتید متخصص حوزه سلامت و آشنای به مباحث حوزه معارف اسلامی هستند که به صورت هدفمند انتخاب گردیدند. روش انجام پژوهش با تلفیق حضوری در جلسات کمیته های تخصصی و کارشناسی بصورت گروه اسمی و بصورت غیر حضوری با روش دلفی بود. کمیته های تخصصی دروس معارف اسلامی که برای هر گرایشی در هر ترم با حضور اساتید همان گرایش

اعم از هیئت علمی و مدعو برگزار می گردد فرصت مغتنمی بود برای نظر سنجی از اساتیدی که خود مجریان این طرح می توانند باشند. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با ۶ سوال باز بوده که ۴ سوال به حسب ابعاد امکان (امکان به حسب اهداف درس، امکان به حسب سرفصل های مصوب، امکان به حسب ابعاد چهار گانه سلامت، امکان به حسب پیشینه)، سوال پنجم پیرامون مفید بودن و ضرورت این رویکرد برای دانشجویان علوم پزشکی و سوال ششم درخواست سرفصل پیشنهادی متناسب با این رویکرد است. پرسشنامه از جهت روایی محتوایی توسط کارشناسان در گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و پایایی آن توسط اساتید متخصص در حوزه سلامت و آشنای با معارف اسلامی تایید گردید. یافته ها جدول ۹: نتایج امکان سنجی دروس معارف اسلامی با رویکرد سلامت محور امکان ارائه به حسب اهداف دروس ۱۰۰٪ افراد معتقدند امکان ارائه به حسب اهداف دروس ممکن است. امکان ارائه به حسب سرفصل ها ۸۳، ۷۱٪ ارائه با سرفصل های موجود را ممکن می دانستند. امکان ارائه به حسب ابعاد سلامت ۱۰۰٪ افراد ارائه این رویکرد را در ۴ بُعد سلامت ممکن دانستند امکان ارائه به حسب پیشینه ۳۷، ۹۷٪ ارائه با این رویکرد را با وجود پیشینه این رویکرد در سه درس تفسیر، تاریخ و اخلاق ممکن می دانستند. مفید و ضروری بودن این رویکرد ۵۸، ۹۷٪ معتقدند ارائه این رویکرد مفید و ضروری است.

بحث و نتیجه گیری: رویکرد سلامت محور در تمامی گرایش های دروس معارف اسلامی برای دانشجویان علوم پزشکی از جهت اهداف، سرفصل ها، پیشینه و ابعاد سلامت امری ممکن و علاوه مفید و ضروری نیز می باشد. امکان پذیری این رویکرد پایه و اساس برای ایجاد تحول، نوآوری و کارآمدی بیشتر این دروس است و ارائه سرفصل ها و موضوعات پیشنهادی از جانب مشارکت کنندگان در این مطالعه زمینه مناسبی را برای بازنگری این دروس فراهم می نماید.

تعیین اولویت های آموزش اساتید در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی در بحران کرونا

رویا خلیلی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، پریسا نبیئی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، آتنه حبیبی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، هاجر شیعه - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، صدیقه مختارپور. مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: پاندمی کرونا در پایان سال ۲۰۲۰، بسیاری از دانشگاه ها را به تعطیلی کشاند یا باعث تغییرات جدی در سیستم آموزش عالی آنها شد. دانشگاه علوم پزشکی شیراز نیز همزمان با این شرایط، تغییراتی را در تمامی حوزه ها بخصوص آموزش که بیشتر از سایر بخش ها با این وضعیت روبرو است ایجاد کرد. یکی از پیشنهادها این بخش، مراکز

تولید و ارزیابی نرم افزار آموزشی تفسیر نوار قلب جنین جهت ارتقا دانش و مهارت دانشجویان مامایی

محمد درده - فاطمه عبدی - نسیمه روزبه - دانشگاه ع. پ. بندرعباس.

مقدمه: یکی از اجزاء اساسی فرآیند مراقبت های دوران بارداری ارزیابی سلامت جنین می باشد که هدف از آن تشخیص جنین های در معرض خطر و جلوگیری از عوارض و خصوصاً مرگ و میر جنینی و نوزادی است. یکی از چالش های بزرگ در آموزش دانشجویان مامایی ارائه یک آموزش موثر به منظور تربیت دانشجویان ماهر می باشد که بتوانند در محیط بالین به نحو موثری خدمات ارائه دهند. بکارگیری نرم افزار آموزشی در محیط های یادگیری راه مناسب و لازم برای کشف و دسترسی به منابع اطلاعاتی در جهت آماده سازی فراگیرندگان برای زندگی آینده است. کیفیت آموزش به بهره گیری مناسب و مستمر از نرم افزارهای آموزشی در کلاس درس بستگی دارد. کاربردی ترین جنبه نرم افزارهای آموزشی، سهولت و دسترسی آسان فراگیر به محتوا است. با توجه به اینکه آموزش بالینی بخش اساسی و مهم آموزش علوم پزشکی است و در این نوع آموزش است که دانشجو در تعامل با مربی خود و محیط بالین مفاهیم و اطلاعات تئوری خود را به صورت مهارت های عملی به کار می بندد. با توجه به اینکه سلامت جنین در دوران بارداری از اهمیت زیادی برخوردار است و از آنجاییکه حجم زیاد کتاب آموزشی و دردسترس نبودن آن در هر زمان تفسیر نوار قلب جنین را توسط ماما تحت تاثیر قرار می دهد بنابراین هدف از انجام این فرآیند تولید و ارزیابی نرم افزار آموزشی تفسیر نوار قلب جنین جهت ارتقا دانش و مهارت دانشجویان مامایی بود. فرآیند اجرا شده یکی از روش های آموزش نوین با استفاده از نرم افزار تفسیر نوار قلب جنین بود که در مهر ماه سال ۱۳۹۷ در دانشکده پرستاری مامایی بندرعباس در دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان اجرا شد.

هدف: قبل از برگزاری فرآیند برای دانشجویان توضیح داده شد و از آنان خواسته شد که به آیتم های نرم افزار توجه کرده و با آن کار کنند. قبل از اجرای یک پره تست ۲۰ سوالی از دانشجویان بعمل آمد و فرآیند دانشجویان با مبحث نوار قلب جنین و تست های سلامت آشنا شدند. این مطالعه بر روی ۳۷ دانشجوی مامایی در نرم ۷ انجام شد. تولید و اجرای برنامه در ۴ مرحله انجام شد که شامل: ۱: طراحی محصول (نیازسنجی و دریافت پروانه تولید) ۲: تهیه و محصول (طراحی مدل مفهومی، طراحی مدل فیزیکی، اجرا و ارزیابی) ۳: اجرای محصول ۴: ارزیابی محصول با استفاده از چک لیست پیش آزمون و پس آزمون، رضایت داده های جمع آوری شد. آنالیز داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و آزمون t مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای اجرای فرآیند مدرس نیز فصل مورد نظر از کتاب مربوطه را مطالعه نموده و نکته های مهم و کاربردی برای دانشجویان نمایش داده شد. دانشجویان به ۲ گروه تقسیم شدند. برای یک گروه از دانشجویان تدریس بر اساس روش پاور پوینت انجام شد و برای یک گروه دیگر آموزش تفسیر نوار قلب جنین

توسعه آموزشی (EDC) است که با سیاستگذاری و اجرای برنامه های خود به صورت مجازی، تغییراتی را بوجود آوردند. دوره آموزشی توانمندسازی اعضای هیأت علمی شیراز همزمان با پاندمی کووید ۱۹، مانند سایر دوره های آموزشی دیگر به ناچار به سمت برگزاری بصورت مجازی حرکت کرد. این مطالعه با هدف بررسی تعیین اولویت های آموزش اساتید در مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی در بحران کرونا بصورت مجازی انجام شده است.

روش اجرا: این مطالعه بصورت کیفی انجام گرفت. در راند اول جلسه ای به صورت تکنیک گروه اسمی با حضور اساتید و صاحب نظران آموزشی در این مرکز برگزار شد و بر اساس نتایج کارگاههای گذشته و مطالعات جدید عناوینی مطرح و از اساتید آموزش پزشکی خواسته شد مباحث مورد نیاز شرکت کنندگان در شرایط کرونا برای گنجاندن در آموزش اساتید را اعلام نمایند. در مرحله بعد، هر آیتم بصورت دقیق مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. سپس اعضاء موضوعات تکراری را حذف و در ۶۸ عنوان براساس امتیاز صاحب نظران آموزشی اولویت بندی نمودند. در راند دوم، اولویت ها برای ۵۰ نفر از افراد صاحب نظر در دانشگاه فرستاده و از آنان خواسته شد که بر اساس شاخص های اهمیت موضوع، ضروری بودن آن، کاربرد موضوع و شفاف بودن، از ۱ تا ۵ نمره دهی کنند. راند سوم دلفی به صورت میز گرد برگزار و بر اساس پاسخ های داده شده در راند دوم، اولویت ها جمع بندی شد.

یافته ها: طی دو راند دلفی، اجماع بر روی گویه های پرسشنامه حاصل شد و درصد توافق اعضا پانل متخصصین در پرسشنامه نهایی، نمره ۴۳، ۷۴ بدست آمد و به تصویب اعضای پانل رسید. در اولویت بندی، همگی میانگین نمره اهمیت بالاتر از ۱۲ از نمره کل (۱۶) داشتند. پس از تکمیل پرسشنامه توسط شرکت کنندگان، میانگین نمرات حیطه های مختلف برنامه ریزی درسی میانگین نمره ۸، ۶، ارزشیابی ۹۶، ۱۲، روش آموزش ۸، ۱۰ و رسانه ۶۸، ۱۵ بدست آمد. کمترین میزان پاسخ دهی در حیطه برنامه ریزی درسی با ۴۸، ۲ از ۱۶ و بیشترین پاسخگویی در حیطه رسانه های آموزشی با نمره ۶۸، ۱۵ می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از مطالعه، به نظر می رسد که حیطه رسانه های آموزشی به دلیل ضرورت آموزش مجازی در دوران بحران کرونا بالاترین امتیاز را از سوی شرکت کنندگان کسب نموده است. همچنین جهت افزایش کیفیت آموزش دوره ها مشتمل بر حیطه های متعدد، با احتساب نظر اغلب متخصصین پانل، انجام مراحل روانسنجی توسط اساتید، در غالب مباحثی جامع و معتبر برای آموزش مجازی اساتید تهیه شد و پس از شناسایی نقاط ضعف و چالش های موجود، مباحث پیشرفته آموزشی جهت برگزاری دوره های آینده مشخص گردید.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، توانمندسازی اساتید، بحران کرونا

با استفاده از نرم افزار انجام شد. بعد از اتمام کلاس از دانشجویان خواسته شد به سوالات پست تست مطرح شده استاد پاسخ دهند. پاسخ دانشجویان ثبت شد. میانگین نمره پره تست ۱۶،۵۵ بود و میانگین نمره پست تست دانشجویان در گروه آموزش با پاورپوینت ۱۷،۶۷ و در گروه آموزش با نرم افزار ۱۹،۱۰ بود. در بین ۳۷ دانشجوی شرکت کننده همه دانشجویان (۱۰۰٪) در فرایند مشارکت فعال داشته و همه آنها در گیر اجرای فرایند شدند. پس از بررسی فرم های نظر سنجی مشخص شد ۱۰۰٪ دانشجویان از نرم افزار رضایت زیاد داشتند. پس نتیجه گرفته می شود که این نوع روش تدریس باعث افزایش رضایت دانشجویان شده است. ۱۰۰٪ دانشجویان گزارش کرده بوند که این نوع آموزش توسط نرم افزار باعث افزایش مهارت دانشجویان شده و از همه مهم تر در هر زمان و مکانی براحتی قابل دسترسی است.

نتایج: این مطالعه نشان داد چنانچه در کنار روشهای سنتی برای مباحث بالینی از نرم افزارهای آموزشی استفاده گردد در افزایش سطح دانش و مهارت دانشجویان بسیار موثر است و و بسیاری از نقص هایی که در روش سنتی وجود دارد برطرف شده و این باعث ارتقا سلامت و کیفیت زندگی مادر و کودک خواهد شد.

طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش مجازی در استودیو کوید، در خصوص تازه های کوید-۱۹ و چالشهای پیش رو جهت توانمندسازی اعضای هیئت علمی و دستیاران بالینی مرکز آموزشی و درمانی امام رضا (ع)

حسن سلیمانپور - مسعود دینه وری - هادی همیشه کار- فاطمه یگانه - الهام احمدی - دانشگاه ع. پ. تبریز.

مقدمه: فاجعه بیماری کوید زندگی اجتماعی و فردی را تغییر داد و مجامع آکادمیک را درگیر کرد. و با رواج آموزش مجازی، نیاز به نگاهی نو و کاربردی به فرایند آموزش بخشید. که فراتر از آموزش های سنتی بود و شرایط را به گونه ای رهبری کرد تا آموزش را بدون نیاز به حضور فیزیکی تداوم بخشد. ظهور کرونا و مرجع بودن امام رضا در پذیرش و بستری بیماران کوید، ایده تاسیس استودیو کوید در مرکز جهت اشتراک یافته های تحقیق بوجود آورد. رسالت اصلی مرکز تربیت دستیاران توانمند، خلاق، مسئولیت پذیر و متعهد می باشد. احساس همبستگی ما را با حضور اساتید فرهیخته و اشتراک گذاری منابع علمی مرتبط با کرونا افزایش داد و تولید برنامه با محتوای علمی، زوایای مختلف درگیری درمان کوید منجر شد. برنامه های استودیو با هدفگیری نیازها، اطلاعات علمی معتبر در زمینه مراقبت های درمانی، آموزشی ارائه داد. منجر به طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش مجازی در تازه های کوید-۱۹ و چالشهای پیش رو جهت توانمندسازی اساتید شد

هدف: حفظ و ارتقاء دانش حرفه ای بهبود نگرش و افزایش مهارتهای حرفه ای درک بهترینیازهای در حال تغییر کوید، به روز شدن دانش سازماندهی مجدد معلومات موجود و تجدید دیدار و تبادل افکار و عقاید با همکاران و بهبود قابلیتها، تواناییها و ظرفیتهای جامعه پزشکی در کوید را بهمراه داشت

روش اجرا: سه فاز برنامه ریزی، اجرا و ضبط و پخش برنامه را داشتیم: برنامه ها به صورت آنلاین شبکه های مجازی آپارات و اینستاگرام مرکز قابل دسترس برای فراگیران بود. ارزیابی تعداد بینندگان به صورت تصاعدی هر هفته نمایانگر استقبال بینندگان و تا مرز ۷۸۵ نفر رسید. و چالشهای مهمی در زمینه توسعه کمی و کیفی برنامه شناسایی نیازهای آموزشی با اهداف یادگیری شناسایی روشهای ارزشیابی، فعالیت های یادگیری، محتواهای الکترونیکی، شناسایی نقاط قوت و قابل بهبود، استخراج نظرات شرکت کنندگان ارزیابی میزان یادگیری، تعیین مدیر برنامه، تنظیم بنر و بروشور برنامه و مجوزبازآموزی، هماهنگی نهایی با اساتید در مورد زمان و عنوان سخنرانی و ارزشیابی آموزش در بخشهای بالینی، ثبت نام و حضور و غیاب از شرکت کنندگان هماهنگی تدارکات و سمعی بصری انجام یافت. تلاش پژوهشگران این پژوهش بر آن است که الگویی را پیشنهاد نمایند که دستیابی به این هدف را میسر سازد. الگوی مفهومی از آن راهنمای برنامه ریزان درسی و متخصصان تعلیم در طراحی آموزشی و چگونگی تلفیق این فناوریها در آموزش خواهد بود. اساتید از هشت نقش اساسی هاردن بهره گرفتند و این فعالیت، براساس مدل طراحی آموزشی ADDIE که مدلی سیستمی و جامع در طراحی دوره های حضوری، الکترونیکی و ترکیبی می باشد. این قابلیت را می دهد تا آموزشی اصولیتر و اثر بخشتر را پی ریزی نمایند. ارزشیابی فرآیندی مستمر از مرحله تحلیل آغاز و در سرتاسر فرایند طراحی آموزشی ادامه دارد، در مرحله ارزشیابی طرح آموزشی از همه ابعاد بررسی می شود (ارزشیابی از عملکرد فراگیران، رسانه ها و روش ها، فرآیند آموزشی، بازبینی و اصلاح). همچنین اجرای آزمون های الکترونیکی لازم برای اطمینان از کسب معیارهای آموزشی و ارزشیابی پایانی برای سنجش برونداد دوره ی آموزشی و بررسی اعتبار برنامه از فعالیت های این مرحله می باشد. تحلیل در سه بخش دوره، فراگیران و بسترهای ارائه الکترونیکی دوره بود تحلیل فراگیران از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۸ نفر از اساتید انجام و ترجیحات آنان جهت دوره های توانمندسازی ترکیبی استخراج گردید آزمون t نمونه های وابسته برای ارزیابی یادگیری انجام شد. از لحاظ آماری افزایش معنیداری در نمرات، از پیش آزمون و پایانی آزمون دوره ترکیبی حاضر بر میزان یادگیری اساتدان دستیاران می باشد. آنالیز دادهها در بخشهای کمی با نرم افزار SPSS ۱۶ و در کیفی با تحلیل تفسیری محتوای کیفی براساس رویکرد عرفی انجام شد. و فراگیران از دوره با محتوا جذاب، مبتنی بر نیاز و قابلیت پخش در تلفن همراه استقبال کردند. تمامی سرفصلها امتیاز بالا کسب نمودند و خواستار این روش در

درمانگاه، بخشهای بستری بودند. تعداد بینندگان به صورت تصاعدی نمایانگر استقبال آنان بود.

بحث و نتیجه گیری: طراحی و تدوین هوشمندانه محتوا کلید موفقیت یادگیری الکترونیکی است. ارزشیابی تکوینی نقش انگیزه دهی دارد. تاثیرات مثبت بر توانمندی دستیاران و تقویت فراتواناییهای آنها به دنبال داشت. از روش مجازی برای توسعه و تقویت توانمندیها و دانش و مهارت دستیاران در مباحث پرچالش تازه های کوید و تقویت فعالیتهای تیمی و بین رشتهای بهره مند می شویم. اثربخشی تاثیر سخنرانی زنده بر ارتقاداتش، نگرش، عملکرد، رضایت دستیاران در روند درمان مثبت بوده و استفاده از چند رسانه موفقیت را بیشتر می کند. از لحاظ قابلیت تعمیم و اجرا می توان این روش را برای دیگر بیماریهای تخصصی در سطح وزارت اجرا نمود و به نتایج معتبرتری دست یافت. بصورت الگوی کشوری پیشنهاد شد.

تبیین تجارب، چالشها و فرصت های طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزش مجازی در دوران کوید ۱۹: یک مطالعه کیفی

عصمت نوحی - دانشگاه ع. پ. کرمان، پروین شریفی -

مقدمه: پاندمی ویروس کرونا موجب تغییر ناگهانی در اکولوژی کلاس درس در مراکز آموزشی سراسر جهان از جمله کشور ما گردید. بطوریکه اغلب آموزش حضوری در کلاس درس را به آموزش و تعامل مجازی پشت شیشه موبایل، لب تاپ و کامپیوتر محدود نموده است. این پژوهش به منظور تبیین چالشهای آموزش مجازی و راهکارهایی برای بهبود سطح کیفیت فرایند آموزش و یادگیری شکل گرفته است.

روش اجرا: مطالعه از نوع پژوهش کیفی با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد. جامعه پژوهش اساتید دانشگاه علوم پزشکی کرمان بودند. فرایند تحلیل داده ها با استفاده روش تحلیل محتوای کیفی متعارف، با رویکرد Graneheim and Lundman و نمونه گیری مبتنی بر هدف صورت گرفت. به این ترتیب که پس از انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته با اساتید ابتدا متن مصاحبه ها بصورت کلمه به کلمه تایپ شده سپس برای دست یابی به درک کامل از متن مصاحبه ها، چند بار هر مصاحبه شنیده و خوانده شد. واحدهای معنایی از متن مصاحبه ها استخراج شد سپس با استفاده از نرم افزار MAXQDA نسخه ۱۰ واحدهای معنایی عنوان گذاری شده و کدها شکل گرفته و سپس براساس مقایسه مداوم کدها، زیر طبقات و طبقات شکل گرفت و نام گذاری شد برای پوشش کامل اطلاعات و اطمینان از صحت یافته های جمع آوری شده علاوه بر پانل تعامل گروهی مجازی با اساتید، مصاحبه فردی با ۲۸ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی در

رشته ها و حوزه های مختلف انجام شد، و پس از رسیدن به حد اشباع در یکسان سازی داده ها مصاحبه خاتمه یافت.

یافته ها: در این پژوهش از تحلیل داده ها ۳۰۲ کد اولیه، ۲۵ درون مایه فرعی، و ۱۰ مفهوم اصلی در حوزه های برنامه ریزی، رویکرد تدریس، تولید محتوای آموزشی، ارزشیابی و مدیریت کلاس درس استخراج شد، طراحی و باز مهندسی برنامه درسی، تولید و سازماندهی محتوای آموزشی، روش تدریس فعال و تعاملی، کار تیمی دانشجویان و اساتید، ارزشیابی دقیق، حضور و غیاب و مدیریت کلاس، محتوای الکترونیک مهارت های بالینی، مهارت و دانش رایانه ای، اختلالات نرم افزاری، میزان دسترسی به اینترنت، تبیین شد نتایج نشان داد که اساتید آموزش مجازی و استفاده از فن آوری را به عنوان یک فرصت تلقی نموده و با توسعه توانمندیهای خود و درگیر شدن در آن به دنبال راهکارهای عملی در جهت بهبود این نوع آموزشی تلاش می کنند. از جمله راهکارهای پیشنهادی: تدوین دستورالعملهای و سیاست گذاری آموزشی، استفاده از فناوری اطلاعات در برنامه درسی، بهبود کارآمدی سیستمهای سخت افزاری و نرم افزاری الکترونیکی، توانمند سازی اساتید و دانشجویان در کاربست رویکردهای تعاملی و کاربرد فن آوری، حمایت از تولید محتوای استاندارد آموزشی، تدارک بانک محتوای آموزشی خصوصا در آموزش بالینی، استفاده از ظرفیتهای کار آفرینی در تولید محتوا و..

بحث و نتیجه گیری: آموزش مجازی با گسترش سریع در آموزش دانشگاهی رسوخ نموده و جو آموزشی را متحول ساخته است. در صورت رفع مشکلات و با حمایت و خلاقیت در تولید محتوا و ارزشیابی و مشارکت فعال دانشجویان و اساتید به عنوان یک ظرفیت ترکیبی در دوران پسا کرونا پیشنهاد می شود و قابلیت های آموزشی اساتید در افزایش خواهد داد.

طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزشی نسخه نویسی اجتماعی با تأکید بر عوامل اجتماعی موثر بر سلامت در برنامه درسی بهداشت کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی دزفول

مریم مظاهری - دانشگاه ع. پ. دزفول، مریم خرمی زاده - دانشگاه ع. پ. دزفول، میثم مردسلطانی - دانشگاه ع. پ. دزفول.

مقدمه: از آنجا که پزشکان عمومی در خط اول مراقبت های درمانی بهداشتی هستند، ضرورت گنجانده شدن نسخه نویسی اجتماعی در سرفصل برنامه درسی کارورزی دانشجویان پزشکی در راستای اجتماعی کردن سلامت، احساس شد. بنابراین مطالعه حاضر به منظور آشنایی و تربیت پزشکانی با دیدگاه SDH و جامعه نگر و آشنا با شیوه ارجاع و شرح وظایف کارمندان رابط (LWS) در جامعه به منظور مهارت آموزی و

توانمند سازی در جهت شناخت بستر اجتماعی بیماران و درمانهای غیر دارویی و اصول نسخه نویسی اجتماعی انجام شد. روش مطالعه با استفاده از الگوی لوین، مداخله ای در فیلد بهداشت مقطع اینترنی دانشجویان پزشکی بمدت سه نیمسال (از نیمسال دوم ۹۸-۹۷ تا پایان نیمسال دوم ۹۹-۹۸) برای ۱۵ گروه (۳۸ نفر) از دانشجویان در چهار مرحله الگو (برنامه ریزی، اجرا، بررسی و بازاندیشی) صورت گرفت. پس از استفاده از جلسات بحث گروهی و بارش افکار در مراکز جامع خدمات سلامت (مرحله ۱)، یک کیس اجتماعی انتخاب و از لحاظ عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت یک نسخه اجتماعی به منظور جلب مشارکت همه جانبه ذیربطان نظیر خیرین و داوطلبان، برای رفع مشکل آن کیس، نگارش شد (مرحله ۲). در مرحله ۳ توسط گروه های بعدی دانشجویان نسخه تجویز شده از لحاظ قابلیت اجرایی بررسی و در مرحله ۴ نقاط ضعف و قوت مشخص گردید. در نهایت کل طرح توسط الگوی کرک پا تریک ارزشیابی شد.

روش اجرا: در این مطالعه دستیابی به تمام اهداف پیش بینی شده شامل طراحی برنامه، دانش افزایی دانشجویان در مورد بستر روستا، جلب حمایت همه جانبه، عوامل اجتماعی موثر بر سلامت و انجام برنامه نسخه نویسی اجتماعی میسر گردید. یافته های بدست آمده در ۴ سطح الگوی کرک پاتریک (واکنش، یادگیری، رفتار و نتایج) نشان داد که در سطح اول بیش از نیمی از دانشجویان (۱۴، ۶۳ درصد) با کاربردی بودن تکلیف نسخه نویسی اجتماعی موافق بودند؛ همچنین ۴۲، ۶۸ درصد دانشجویان عقیده داشتند که این برنامه می تواند برای آینده کاری آن ها مفید باشد. اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان با آشنایی پزشک با بستر جامعه و بیمار و کارمندان ارتباط دهنده موافق بودند (۳۶، ۹۷ درصد) در مورد شناخت و بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت و نسخه نویسی اجتماعی ۹۳، ۷۸ درصد از پاسخ دهندگان با این موضوع موافق بودند. در سطح دوم که از طریق برگزاری جلسات case presentation مورد ارزشیابی قرار گرفت. میانگین نمره ثبت شده در تکلیف نسخه نویسی اجتماعی نشان داد بیش از ۹۰ درصد نمره کل کسب شده است. ارزشیابی در سطح رفتار و پیامد به دلایل عدم دسترسی به گروه هدف و عدم فارغ التحصیلی و یا اشتغال به کار اکثریت دانشجویان، میسر نگردید. البته رفتارهای علاقمندان دانشجویان برای پیگیری و حل مشکلات اجتماعی افراد نیازمند در سطح ۳ مشاهده و توانمندسازی و بهبود زندگی مواردی که برای ترمیم شرایط زندگی ناسالم آنها نسخه اجتماعی تجویز شده بود در سطح ۴ قابل توجه بود. برخی از دانشجویان بعد از تجویز نسخه اجتماعی، خود نیز با پیگیری و اجرایی نمودن موارد آن، توانستند با اشتغال زایی، رایگان نمودن ویزیت متخصصین، جمع آوری کمک مالی، معرفی به اورژانس اجتماعی، بازاریابی صنایع دستی و مواردی از این دست، مقدمات بهبود زندگی آنها را فراهم آورند.

بحث و نتیجه گیری: اضافه کردن این طرح در سرفصل درسی فیلد بهداشت کارورزی، پزشکان را قادر خواهد ساخت تا با معرفی بیماران

دارای مشکل اجتماعی به (LWS) و با دید جامعه نگر، زمینه را برای حل مشکلات مردم به صورت ریشه ای فراهم ساخته و از تجویز داروهای و خدمات پاراکلینیکی اضافی خودداری نمایند و در نتیجه خدمات پزشکی در اختیار افرادی که واقعاً نیاز به آن دارند، قرار داده شود. این مطالعه نشان داد دانشجویان پزشکی نیز برای کاهش بار مراجعه مردم به آنها و پیشگیری از آسیب به دلیل تجویز اضافی داروها موافق بوده و به آشنایی با عوامل اجتماعی موثر بر سلامت نیاز دارند.

کلیدواژه: نسخه نویسی اجتماعی، عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشجویان پزشکی، کارمندان رابط.

طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه کاربردی مبتنی بر موبایل برای آموزش گایدلاین تجویز CT اسکن در بین دستیاران گروه های نورولوژی و نوروسرجری: یک مطالعه نیمه تجربی

زهرا میدانی - دانشگاه ع. پ. کاشان، فاطمه عطف - دانشگاه ع. پ. کاشان، احسان نبوتی - دانشگاه ع. پ. کاشان، زهره مبارک قمصری - دانشگاه ع. پ. کاشان، رضا دانشور - دانشگاه ع. پ. کاشان، ابراهیم کوچکی - دانشگاه ع. پ. کاشان، اسماعیل فخاریان - دانشگاه ع. پ. کاشان، فخرالسادات میرحسینی - دانشگاه ع. پ. کاشان، علی مسعود - دانشگاه ع. پ. کاشان، علیمحمد نیکفرجام - دانشگاه ع. پ. کاشان.

فلیکس هال

مقدمه: برنامه های تلفن همراه (Mobile app: Apps) یکی از سریعترین و سهل ترین ابزار دسترسی پزشکان به مواد آموزشی شامل کتاب های الکترونیک، اطلاعات دارویی و گایدلاین های بالینی محسوب می شود. علیرغم این اهمیت مطالعات نشان می دهد شواهد عینی بسیار کمی در مورد قصد استفاده از برنامه های تلفن همراه (Mobile app: Apps) در بین پزشکان و سایر متخصصان مراقبت سلامت وجود دارد و اثربخشی استفاده از این ابزار در بهبود فرایندهای بالینی ارایه شده توسط متخصصان مراقبت بهداشتی درمانی (HCP: Health care provider) مشخص نیست. بر اساس مطالعات، غالب پژوهش های مربوط به استفاده از apps در بین HCP به بررسی نگرش و درک آنان از ابزار تلفن همراه محدود مانده است. برای حل این چالش ها، این مطالعه با دو هدف طراحی شده است: ۱) طراحی و بکارگیری برنامه کاربردی مبتنی بر موبایل برای آموزش درخواست منطقی سی تی اسکن سر Head CT appropriateness criteria application (HAC) ۲) بررسی تأثیر برنامه کاربردی HAC در رفتار برای درخواست سی تی سر دستیاران.

روش کار: این مطالعه نیمه تجربی بر روی همه دستیاران نورولوژی و نوروسرجری (Neurology & Neurosurgery) (N&N) در یک

بیمارستان آموزشی عمومی با ۵۱۰ تختخواب در دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شد. در پی جلسات نشست با اساتید بالینی گروه های N&N گایدلاین سی تی اسکن سر Care Core National به لحاظ نزدیک بودن به محتوی کتب تکست بالینی به عنوان گایدلاین منتخب برای تهیه برنامه کاربردی مبتنی بر موبایل برای آموزش تجویز منطقی سی تی اسکن سر تعیین شد. تاثیر برنامه HAC روی تجویز منطقی سی تی اسکن برای هفت ماه در سه دوره قبل از مداخله، حین مداخله و بعد از قطع مداخله (post cessation of intervention) بررسی شد. داده ها بوسیله یک چک لیست از پرونده های پزشکی بیماران بستری در بخش های مورد مطالعه استخراج شد و سپس با استفاده از آمار توصیفی و آزمون های کای اسکور و فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها : کل موارد سی تی اسکن سر درخواست شده برای ۷ ماه، ۹۲۰ مورد بود. میانه سی تی اسکن سر درخواست شده به ازای هر بیمار در فاز قبل از مداخله ۲ سی تی (چارک اول=۱ و چارک سوم=۴)، در فاز مداخله ۲ سی تی (چارک اول=۱، چارک سوم=۲) و در فاز بعد از مداخله ۲ سی تی (چارک اول=۱، چارک سوم=۲) بود. بین میزان درخواست سی تی اسکن سر در دوره قبل از مداخله و حین مداخله تفاوت معنادار آماری مشاهده شد ($P=0.027$). اما در دوره مداخله و بعد از قطع مداخله بین میزان درخواست سی تی اسکن توسط دستیاران و اجرای مداخله تفاوت معنادار آماری وجود نداشت ($P=0.075$).

بحث و نتیجه گیری: آموزش از طریق ابزار موبایل روی رفتار دستیاران برای درخواست سی تی اسکن تاثیر داشت؛ اما با توجه به تاثیر موقت این مداخله، برقراری رابطه مستقیم علت و معلولی بین تاثیر آموزش بوسیله برنامه های کاربردی مبتنی بر موبایل و تغییر رفتار پزشکان امکان پذیر نیست. لذا توصیه می شود پژوهش های نیمه تجربی بیشتری با تاکید بر تعامل واقعی پزشکان با سیستم های تلفن همراه انجام شود تا امکان شناسایی عوامل موثر بر استفاده از این ابزار و اجرای مداخلات موثر در بین تیم مراقبتی فراهم گردد.

طراحی کوریکولوم مقدمات یادگیری الکترونیکی در آموزش علوم پزشکی ویژه اساتید

محمد رضا اندرواژ - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه : توجه به آموزش و یادگیری بطور عموم و استفاده از روش های آموزشی نوین بطور اخص از رسالت های دانشگاه های پیشرو می باشد. با توجه به گسترش تکنولوژی فناوری اطلاعات، حرکت به سوی آموزش الکترونیکی نیز آغاز گردید و به تناسب و فراخور مکانی و زمانی، بسترهای آن در دانشگاه ها فراهم گردید. در زمان همه گیری و شیوع

بیماری کرونا و با توجه به لزوم پیشگیری از آن، حرکت به سمت آموزش الکترونیکی سرعت بیشتری یافت. بدون شک توانمندسازی اساتید، پیش نیاز حرکت پرشتاب آموزش الکترونیکی می باشد.

هدف: این مطالعه به دنبال پاسخ به دو پرسش ذیل می باشد. ۱- نیاز آموزشی اساتید علوم پزشکی مازندران در زمینه آموزش الکترونیکی کدامست؟ ۲- کوریکولوم مناسب برای توانمندسازی اساتید کدامست؟

روش اجرا : جهت پاسخگویی به سوالات از ده گام برنامه ریزی درسی پروفیسور هاردن به شرح ذیل استفاده شد. (۱) نیازسنجی، (۲) تعیین پیامد یادگیری، (۳) توافق بر روی محتوا، (۴) سازماندهی محتوا، (۵) تعیین راهبردهای آموزشی، (۶) تعیین روش ها و فنون آموزشی، (۷) تعیین روش های ارزیابی، (۸) برقراری ارتباط، (۹) تعیین محیط آموزشی و (۱۰) تعیین نحوه مدیریت کوریکولوم. در اولین گام، نیازسنجی بطور هدفمند با حضور شش نفر از اعضاء هیات علمی خبره از دانشکده های مختلف علوم پزشکی مازندران با معیار فعالیت مستمر و قابل توجه در نیمسال دوم ۹۹-۹۸ بر اساس آمارهای هفته آخر گزارش از سامانه نوبد، علاقه مندی به آموزش الکترونیکی، تنوع در استفاده از روش های مختلف تدریس، تنوع در رشته تحصیلی و تمایل به در اختیار گذاشتن تجربیات به عنوان Expert Panel انجام شد و نیازهای آموزشی استخراج گردید و در ادامه سایر گام های تدوین کوریکولوم برداشته شد.

یافته ها: متناسب با هر یک از گام های ده گانه مذکور یافته های زیر به دست آمد. نیازهای آموزشی: انتخاب رسانه الکترونیکی مناسب، تهیه محتوای مناسب الکترونیکی، انتخاب روش ارائه مناسب الکترونیکی، انتشار محتوای الکترونیکی، تعامل با دانشجو و ارزشیابی الکترونیکی پیامدهای یادگیری: توانمندسازی اساتید در حوزه های فوق توافق بر روی محتوی: با توجه به اهداف کلی و اختصاصی هر پیامد، محتوای مورد نظر تهیه گردید. سازماندهی محتوی: به شرح ذیل صورت گرفت. نام درس، تعداد، نوع واحد و میزان ساعت: (۱) انتخاب رسانه الکترونیکی مناسب برای ارائه آموزش الکترونیکی، (۱) واحد تئوری و عملی، (۲) ساعت ۲۵ تهیه محتوای مناسب در آموزش الکترونیکی، (۲) واحد تئوری و عملی، (۵۱) ساعت ۳ روش های ارائه و انتشار مناسب محتوا در آموزش الکترونیکی، (۲) واحد تئوری و عملی، (۵۱) ساعت (۴) ارتباط و تعامل در آموزش الکترونیکی، (۱) واحد تئوری و عملی، (۲۵) ساعت (۵) ارزشیابی در آموزش الکترونیکی، (۱) واحد تئوری و عملی، (۲۵) ساعت راهبردهای آموزشی: تلفیقی از دانشجو و استاد محوری، یادگیری مبتنی بر حل مسئله (Problem based learning)، یادگیری مبتنی بر شواهد (evidence-based learning) و راهبردهای یادگیری خودراهر، تعاملی و مشارکتی روش ها و فنون آموزشی: نظیر تکنیک های آموزش مجازی همزمان و غیر همزمان مانند کلاس مجازی، تالار گفتگو، وبینار، ویدئو کنفرانس، شبیه سازی و ... روش های ارزیابی: فراگیران با روش های ارزیابی کتبی، عملی، آزمون تعامل

رایانه ای، ارزیابی کارپوشه (e-portfolio)، گواهی انجام کار و نظایر آن همراه با Reflection فراگیران و بازخورد استادان به صورت مستمر، دوره ای و نهایی ارزیابی می شوند. برقراری ارتباط: ارتباط با فراگیران با تدوین برنامه آموزشی کامل و شفاف و به دنبال آن راهنمای مطالعه مد نظر بوده و جهت برقراری ارتباط از سایت دانشگاه و مکاتبات اداری استفاده می شود. محیط آموزشی: با توجه به ماهیت کوریکولوم طراحی شده محیط آموزشی شامل محیط مجازی همزمان و غیر همزمان مانند کلاس مجازی، تالار گفتگو، وبینار، ویدئو کنفرانس، شبیه سازی و ... بوده که خود عوائد آموزشی خاصی را به دنبال دارد. مدیریت برنامه: شامل اجرا و ارزشیابی برنامه و اعمال تغییرات لازم در آن بوده و این برنامه پس از گذشت یک دوره از اجرای دوره، تغییرات فاحش فناوری و یا تصمیم سیاستگذاران اصلی، به شیوه نظر سنجی از هیئت علمی درگیر برنامه و فراگیران با پرسشنامه های از قبل تدوین شده و نیز استفاده از پرسشنامه های موجود در واحد ارزشیابی انجام خواهد شد و متولی ارزشیابی برنامه، واحد ارزشیابی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران می باشد.

بحث و نتیجه گیری: توجه به طراحی کوریکولوم مذکور به روش نظام مند، اجرای آن در جهت توانمند سازی اساتید می تواند به ارائه مطلوب و مناسب آموزش الکترونیکی به دانشجویان کمک شایانی نماید و موجب ارتقاء پاسخگویی اجتماعی دانشگاه ها گردد.

طراحی، اجرا و ارزشیابی شیوه آموزش چیدمان ست های جراحی مبتنی بر بازی وارسازی گامی در جهت ارتقای یادگیری فراگیران و توسعه آموزش مجازی در پاندمی کرونا

اکرم گازرانی - دانشکده ع. پ. مشهد، زهرا سادات منظری - دانشگاه ع. پ. مشهد، سیده تکتم معصومیان حسینی - دانشگاه ع. پ. مجازی، اعظم گازرانی - ع. پ. نیشابور، مهرداد روحانی نسب - دانشکده ع. پ. نیشابور.

مقدمه: آموزش به شکل بازی به چه میزانی در مهارت عملی شما در بیمارستان موثر خواهد بود؟ به چه اندازه تمایل به ادامه آموزش چیدمان میز جراحی با روش بازی وارسازی دارید؟

هدف: یکی از مهارت های مهم دانشجویان اتاق عمل یادگیری و شناخت ابزارهای اتاق عمل و نحوه چیدمان ابزار است که کمک شایانی در پیشبرد سریع عمل و کوتاه کردن مدت زمان عمل، کاهش عوارض بیهوشی نموده و موجب رضایت جراح می گردد. بازی وارسازی، یکی از روش های یادگیری فعال است. سیستم بازی وارسازی با برانگیختن هیجان و ایجاد چالش برای فراگیران، سطح درگیری و انگیزش آنها را افزایش می دهد. فرایند حاضر باطراحی، اجرا و ارزشیابی شیوه آموزش

چیدمان ست های جراحی مبتنی بر بازی وارسازیگامی در جهت ارتقای یادگیری فراگیران و توسعه آموزش مجازی در پاندمی کرونا در دانشجویان علوم پزشکی نیشابور در زمان فاصله گذاری اجتماعی ناشی از پاندمی کرونا در دانشجویان اتاق عمل انجام گردید.

روش اجرا: در ابتدا جهت اخذ پیش آزمون نحوه چیدمان میز و کاربرد ابزار آزمون در سامانه نوید به عنوان درس به صورت افلاین تعریف شد و به صورت مبتنی بر وب از دانشجویان گرفته شد. به طوریکه آزمون به صورت انفرادی توسط استاد و دانشجو در محیط اسکای روم برگزار شده، استاد دانشجو را در نقش ارائه کننده قرار داده و دانشجو در حضور استاد چیدمان میز را که در سامانه نوید بارگذاری شده را به صورت آنلاین انجام می دهد و آزمون به صورتی طراحی گردیده است که نمره دانشجو در انتها اعلام می گردد. به طوریکه در صورت قرار دادن هر ابزار در جایگاه صحیح یک نمره دریافت می کرد. بازه زمانی بازیوار ساز چیدمان میز جراحی در سامانه نوید به مدت یک و نیم ماه تعیین گردید و در اختیار دانشجویها بود همچنین در طی این مدت پژوهشگر از طریق پیام رسان که به صورت گروهی با آنها در ارتباط بود به سئوالات دانشجویان در رابطه با نحوه استفاده و اشکالات در ارتباط بود. پس از پایان دوره آموزشی، پس آزمون نیز همانند پیش آزمون به صورت مبتنی بر وب و آنلاین انجام گردید.

یافته ها: نتایج فرایند نشان داد اکثریت دانشجویان (۸۵درصد) از این روش آموزش رضایت داشته اند و ۹۶درصد تمایل به ادامه این روش در آموزش چیدمان میز جراحی داشتند (اکثریت ۹۵درصد) بیان کردند این روش باعث انگیزه در یادگیری آنها شده است (۸۹درصد) گزارش کردند در افزایش مهارت عملی آنها در بیمارستان موثر است. میانگین نمره پس آزمون در روش بازی به طور معنی داری افزایش یافته که نشان دهنده آن است این روش بر یادگیری تاثیر مثبتی داشته است.

بحث و نتیجه گیری: آموزش با استفاده از بازی های آموزشی تاثیر به سزایی در انگیزش و یادگیری دانشجویان دارد. طراحی بازی های آموزشی می تواند به عنوان ابزار کمک آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه اهمیت مهارت بالینی تکنولوژیستهای جراحی در اتاق عمل و تاثیر آن در پروسه و زمان جراحی طراحی ابزارهای کمک آموزشی می تواند در این امر موثر ثمر باشد. با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تمایل نسل جدید به استفاد از تکنولوژی در آموزش، یاددهی و یادگیری با استفاده از روشهایی که مطابق با علایق فراگیر باشد می تواند بیشتر موثر واقع شود. همچنین با توجه به شیوع بیماری کوید ۱۹ و ترویج روشهای تدریس مجازی و مبتنی بر وب، طراحی نرم افزارها و بازی های آموزشی می تواند در ارتقای کیفیت آموزش موثر باشد.

کلمات کلیدی: طراحی، اجرا، ارزشیابی، آموزش، چیدمان ست های جراحی، بازی وارسازی، یادگیری، توسعه آموزش مجازی، پاندمی کرونا

ارزیابی برنامه آموزشی_ درمانی آنلاین مداخله سوگ فردی برای خانواده های داغدار ناشی از بحران کووید-۱۹؛ ویژه دستیاران روانپزشکی بیمارستان روانپزشکی رازی

آناهیتا رحمنی - دانشگاه ع. توانبخشی و سلامت اجتماعی، فهیمه سعید - دانشگاه ع. پ. بهزیستی، بنت الهدی موسوی .

مقدمه : از آنجا که در حال حاضر در دوران پاندمی بیماری کووید-۱۹ هستیم، بسیاری از خانواده ها را می بینیم که حداقل یکی از اعضای خانواده خود را بر اثر این بیماری از دست داده اند. شرایط خاص سرایت این بیماری باعث می شود که بسیاری از خانواده ها در زمان بستری و فوت فرد مبتلا، امکان حضور در بیمارستان و وداع با عزیز از دست رفته خود را نداشته باشند. به دلیل نحوه خاص خاکسپاری و عدم امکان برگزاری مراسم یادبود که ابزار مهمی در فرایند سوگواری می باشد و همچنین عدم امکان گردهم آمدن دوستان و آشنایان به عنوان شبکه حمایتی در دوران سوگواری، بسیار محتمل است که تعداد زیادی از این سوگواران به سمت سوگ پاتولوژیک، اختلالات افسردگی یا سایر اختلالات روان پزشکی پیش بروند. بنابراین، ضرورت دارد اقدامات لازم برای پیشگیری از روند پاتولوژیک شدن سوگ در مراحل ابتدایی آغاز شوند. از طرفی در نتیجه شیوع پاندمی کووید-۱۹ و تمهیدات کشوری و جهانی اندیشیده شده برای کاهش عوارض و کنترل آن از قبیل فاصله گذاری اجتماعی، قرنطینه سازی و تعطیلی مشاغل و مسایلی ازین دست، سیستم های آموزشی و بهداشتی نیز با چالش های جدی مواجه شدند. امکان برگزاری کلاسهای حضوری و تداوم شیوه های آموزشی قبلی میسر نبود. از طرفی ادامه ی برنامه های آموزش دستیاران و هماهنگ سازی آنها با نیازهای به روز جامعه و کاربردی کردن هر چه بیشتر آنها بخصوص در شرایط فعلی و منطبق با بحران پاندمی پیش آمده می بایست مد نظر قرار می گرفت. برای غلبه بر این وضعیت یک برنامه ی آموزشی و درمانی آنلاین طراحی شد. در این برنامه تغییر شیوه ی آموزشی از حضوری به آنلاین و منطبق با بحران کووید ۱۹ مورد هدف قرار گرفت. در مرحله اول، یک دوره آنلاین آموزش رواندرمانی حمایتی با تمرکز بر مشاوره و مداخله ی سوگ برای دستیاران روانپزشکی بیمارستان روانپزشکی رازی طراحی گردید. به این صورت که دستیاران روانپزشکی طی ۷ جلسه ی یک و نیم ساعته آنلاین بصورت هفتگی تحت آموزش قرار می گیرند. در مرحله ی دوم افراد داغدار ناشی از بحران کووید ۱۹ که طی ۸ هفته ی اخیر یکی از بستگان درجه ی اول خود را از دست داده بودند به صورت آنلاین و از طریق این دستیاران تحت مداخله ی پیشگیرانه سوگ قرار می گیرند. مداخله ی سوگ، انفرادی، هفته ای یک جلسه به مدت ۵۰ دقیقه و برای ۴ - ۸ هفته اجرا می گردد. در صورت نیاز جهت ادامه روند درمان، مداخله گیرندگان برای ادامه دریافت خدمات به سیستم درمانی_حمایتی مناسب معرفی

می شوند. محتوای جلسات در فرمت مشخصی ثبت می شود تا از نحوه برگزاری جلسات بتوان اطلاعات لازم را بدست آورد. دستیاران برای ارزیابی و دریافت بازخورد مداخلات خود بصورت آنلاین و هفتگی تحت سوپرویزن اساتید روان درمانگر هستند. جلسات آنلاین تصویری و در فضای اسکایپ یا واتس اپ یا زوم برگزار می شود. شایان ذکر است که تامین اثربخشی رواندرمانی آنلاین مستلزم رعایت نکات ظریف و مهمی است که در مدل حضوری وجود ندارد، لذا آموزش و اجرای این روش درمانی چالش برانگیز است. دستیاران در جلسات رویکرد حمایتی دارند. هدف اصلی پرداختن به احساسات افراد در خصوص سوگ و حل و فصل کردن آنها، پذیرش درد سوگ (خروج از انکار و مواجهه با واقعیت در دناک سوگ)، درک واکنش های هیجانی به سوگ از جمله واکنش های جسمی، صحبت از احساس غم و سایر احساسات مربوط با تجربه از دست دادن، صحبت از احساس خشم و گناه، مرور خاطرات زندگی با فرد متوفی و برقراری روابط جدید و رفتارهای جدید است. در انتهای دوره آموزشی مرحله اول، دستیاران به وسیله یک آزمون کتبی و طی مرحله دوم توسط سوپروایزر به صورت بالینی ارزیابی می شوند. قبل و بعد از مداخله مراجعین پرسشنامه افسردگی بک را پر می کنند و در صورت کاهش علائم سوگ و عدم بروز افسردگی مداخله موثر خواهد بود. همچنین فرم رضایت سنجی دوره توسط دستیاران پر می گردد. طرح اولیه این دوره در اسفند ماه ۱۳۹۸ آغاز گشت و سپس به دنبال پیشرفت کار بازبینی شد که فرم نهایی آن ارائه گشت. طی این مدت ۲۰ دستیار وارد دوره آموزشی شده اند که ۹۱ درصد ایشان رضایتمندی بالا از دوره را ذکر کرده اند. بر اساس گزارشات مستند و مشاهدات از دستیاران روانپزشکی و افراد دریافت کننده ی مداخله، جلسات آنلاین آموزشی_درمانی بسیار موثر بوده و پیشرفت معناداری در کیفیت مداخله ی دستیاران روانپزشکی و تسهیل طی کردن فرآیند سوگ در بازماندگان دیده شد. این دوره در حال اجراست و نتایج مربوط به مراجعین و ارزیابی بالینی دستیاران در حال جمع آوری است.

طراحی اجرا و ارزیابی برنامه توانمندسازی دانشجویان با کمک منتور مجازی و آموزش همراه با عمل در دوران کرونا بر اساس مدل ADDIE

مهسا شکور - دانشگاه ع. پ. اراک، زهرا فرزانتگان، کنایون وکیلیان.

مقدمه : شیوع ناگهانی کووید-۱۹ تعلیم و تربیت را همچون دیگر موضوعات تحت تأثیر خود قرار داده است. در دانشگاه های علوم پزشکی نیز به مرور، دانشگاه های علوم پزشکی ملزم به استفاده از یادگیری مجازی شدند. آموزش مجازی بر مجموعه وسیعی از نرم افزارهای کاربردی و شیوه های آموزش مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات و آموزش از راه فناوری های الکترونیکی و ارتباطی و یادگیری بر مبنای فناوری هایی مانند اینترنت، سیستم های یاددهی هوشمند و سیستم

طراحی، اجرا و ارزشیابی مدل SAID جهت تدریس بالینی بیماریهای غدد درون ریز به شیوه Webside teaching

ایده دادگران - دانشگاه ع. پ. گیلان، ماهدخت طاهری - دانشگاه ع. پ. گیلان، فریبا عسگری - دانشگاه ع. پ. گیلان، سید مجتبی مهرداد - زهرا طاهری از برمی - دانشگاه ع. پ. گیلان، لیلیا اخوندزاده.

مقدمه: با شیوع کرونا ویروس قوانین سختگیرانه در خصوص فاصله گذاری اجتماعی در کل دنیا اخذ گردید، نتیجه این تصمیم در آموزش پزشکی، اثرات منفی گذاشته و باعث اختلال در کلیه فعالیتهای آموزش بالینی در بیمارستان شد. در دوران حین و بعد از کووید ۱۹ بدلیل شرایط موجود ضرورت بکارگیری روش آموزشی تحت وب آموزش بالینی بر اساتید مسجل گردید. و به همین دلیل بر آن شدیم تا این روش تدریس را در قالب مدل آموزش بالینی طراحی و گام به گام اجرا نماییم. در این فرآیند، واژه webside teaching به معنای تدریس بالینی مبتنی بر وب بعنوان معادل نوآورانه واژه bedside teaching یا تدریس بر بستر بیمار معرفی و در نظر گرفته شده است.

روش اجرا: این فرآیند توسعه ای بوده و با رویکرد SoTL (Scholarship of Teaching & Learning) جهت تدریس بالینی بیماریهای غدد درون ریز دستیاران داخلی انجام شده است. جهت اجرای webside teaching مدل چهارمرحله ای-SAID (Study-Action-Interaction-Decision making) توسط صاحبان فرآیند طراحی و اجرا گردید. در مرحله ۱-مطالعه: منابع آموزشی جهت مطالعه کیسهای بالینی به اشکال مختلف مطالعه ی فصلهای مشخص از نسخه الکترونیکی کتاب هاریسون، مقاله مروری و موردی، و سایتهای آموزشی نظیر accessmedicine و استفاده از بخش مولتی مدیا و کلیپهای آموزشی آنلاین، مرور کیس های مورد تخصصی داخلی و ... معرفی گردید و از دستیاران داخلی درخواست شد تا مبحث مورد نظر را بر اساس یک یا چند منبع معرفی شده بالا توسط استاد مطالعه نمایند. مدت زمان تعیین شده جهت مطالعه با توجه به پیچیدگی موضوع و شرایط و بار کاری بخش، بطور متوسط ۴ روز در نظر گرفته شد. در مرحله ۲-فعالیت: استاد سوالات مرتبط با موضوع مطرح شده را طراحی نموده و دستیاران بطور مستقل به سوالات مطرح شده توسط استاد در زمینه های گرفتن شرح حال، معاینه فیزیکی، تستهای آزمایشگاهی، تفسیر تصاویر، درمان و مسائل اخلاقی پاسخ دادند. همچنین طراحی تست های آموزشی بر مبنای استانداردهای سوالات مورد جهت کسب آمادگی برای آزمونهای ارتقا و مورد نیز از جمله فعالیتهای این مرحله بود. در این مرحله از انواع سوالات PMP, KF, MCQ, SAQ استفاده شد. این مرحله بنا به صلاحدید استاد و شرایط بطریق آنلاین و آفلاین (LMS) اجرا شد. در مرحله ۳- تعامل: استاد و دستیاران بطریق آنلاین با یکدیگر ارتباط face to face و real time برقرار نموده و دستیاران به سوالات پاسخ داده و استاد و دستیاران در مورد کیس و سوال مطرح

های آموزش مبتنی بر رایانه و چند رسانه ای ها، استوار است که با تحول در فرایند آموزش، امکان ارتباط متنور و منتهی، آموزش و یادگیری را برای هر فرد در هر زمینه، در هر زمان و مکان فراهم می سازد. یکی از سیستم های نوین آموزش که در آن رسیدن به عملکرد مطلوب آموزشی مدنظر است، روش متنورشیپ است که در سال های اخیر مورد توجه دانشگاه های علوم پزشکی قرار گرفته است و در شرایط فعلی متنور مجازی می تواند راهکار مناسبی باشد. متنورینگ تعامل دو طرفه ای است که به یادگیری و رشد منجر می شود و در قالب واژه هایی مانند کمک و راهنمایی طی آموزش مهارت های جدید، اتخاذ رفتارهای جدید، کسب دیدگاه های جدید یا ارائه بازخورد تعریف شده است. این مطالعه با هدف ارزیابی اثربخشی برنامه آموزشی دانشجویان با عنوان «روش تحقیق» با کمک متنور مجازی و همراه با عمل انجام شد.

روش اجرا: این برنامه با کمک مدل ADDIE طراحی، اجرا و ارزشیابی شد. منتهی ها، دانشجویان داوطلب شرکت در برنامه آموزش پژوهش بودند و متنورها استادانی بودند که دانشجویان انتخاب کرده بودند. ۲۰ نفر از دانشجویان در ۵ گروه در برنامه شرکت کردند. ابتدا تحلیل نیازهای آموزشی پژوهشی دانشجویان از دیدگاه دانشجویان و دیدگاه اعضای هیات علمی انجام شد. سپس طراحی شیوه نامه و نحوه اجرای برنامه آموزشی ارتقای فردی دانشجویان برای اجرای برنامه آموزشی به صورت همراه با عمل و با کمک متنور مجازی انجام شد. در نهایت جهت ارزشیابی، دو پرسشنامه خود ارزیابی یادگیری و رضایت سنجی تهیه شد. فرم ها با کمک محققین تهیه شد و سپس روایی محتوای آن با کمک متخصصین روانسنجی و آموزش پزشکی بررسی شد. پرسشنامه ها براساس دو گام اول الگوی کرک پاتریک تهیه شد و میزان رضایت یادگیری دانشجویان بعنوان منتهی های برنامه ارزیابی شد.

یافته ها: میزان رضایت و میزان یادگیری براساس سطوح یادگیری در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی حرکتی در الگوی کرک پاتریک با کمک پرسشنامه های از قبل طراحی شده ارزیابی شد. براساس نتایج ارزیابی، میزان رضایت فراگیران از شرکت در این برنامه بسیار زیاد و زیاد بود. میزان یادگیری حیطه شناختی بیشتر از ۷۵ درصد شرکت کنندگان در تاکسونومی دو و سه بود. در حیطه عاطفی نیز براساس نتایج خود ارزیابی بالای ۵۰ درصد افراد، سطوح بالای یادگیری حیطه عاطفی را نشان دادند.

بحث و نتیجه گیری: آموزش با کمک متنور مجازی و آموزش همراه با عمل می تواند منجر به افزایش یادگیری در حوزه شناختی و عاطفی شود همچنین میزان رضایت بالایی نیز به همراه داشته باشد و باتوجه به شرایط کرونایی فعلی که امکان آموزش حضوری نیست، آموزش به کمک متنور مجازی می تواند یک روش آموزشی مناسب باشد.

شده بحث نمودند و اطلاعات مطرح شده در زمینه بیمار، داده های آزمایشگاهی و تصویربرداری، را با یکدیگر ادغام نموده و در مورد تشخیص و نحوه درمان تبادل نظر صورت گرفت. در مرحله ۴- تصمیم گیری: ارتباط بصورت آنلاین و face to face و real time بوده و دستیاران کاربرد موارد آموخته شده را با یافته ها و کیسهای مشابه یاد گرفته و کیسهای مشابه و واقعی را شناسایی و مطرح نموده و در مورد آنها تصمیم گیری نمودند. جهت ارزشیابی و بررسی کیفیت فرایند اجرا شده از مرحله اول چارچوب ارزشیابی کرک پاتریک استفاده شد. بدین منظور پرسشنامه ای مشتمل بر ۸ سوال (۴ سوال باز و ۴ سوال بسته) طراحی و در اختیار ۱۱ نفر از دستیاران قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری: نتایج حاصل از سوالات بسته آنالیز کمی و نتایج حاصل از سوالات باز تحلیل محتوای کیفی شد. ۱۰۰ درصد دستیاران معتقد بودند که روش اجرا شده نواورانه است. ۹۰، ۹ درصد آنان معتقد بودند که این روش توانست علاقه و توجه شان را نسبت به یادگیری بیشتر نماید. ۹۰، ۹ درصد آنان موافق با ادامه این شیوه تدریس بودند و ۸۱، ۸ درصد آنان معتقد بودند این شیوه نسبت به روش مرسوم توانست قدرت استدلال و خلاقیت را در آنان افزایش دهد. جهت تحلیل محتوای کیفی سوالات باز در مرحله اول ۱۰۲ کد استخراج شد که پس از بازنگری نهایتاً به ۴۰ کد تقلیل یافت. تم های استخراج شده از تحلیل محتوای کیفی عبارت بود از "علم آموزی آزاد"، "یادگیری به صرفه"، "یادگیری امن"، "یادگیری توأم با آرامش" و "فکر خلاق"

بحث و نتیجه گیری: نتایج تحلیل کمی و کیفی فوق، بیانگر رضایت دستیاران از اجرای این شیوه و تمایل آنان به ادامه اجرای این روش می باشد. در آموزش بالینی طی بحران کووید ۱۹، اتخاذ تدابیر آموزشی که منجر به درگیر شدن با بیمار از راه دور و حفظ ایمنی باشد، اجتناب ناپذیر است. نتایج این فرآیند نشان داد که درگیری دستیاران در آموزش بالینی به روش مجازی علاوه بر حفظ فرصت یادگیری، منجر به کاهش خطر مواجهه و انتقال عفونت های بیمارستانی شده و در تجهیزات حفاظت فردی نیز صرفه جویی می شود.

طراحی اپلیکیشن آموزش از راه دور دیابت و اجرای آن در کلاس درس فیزیولوژی غدد درون ریز رشته پزشکی در شرایط پاندمی COVID-19

علیرضا حربه نژاد - دانشکده ع. پ. آبادان، سیده زینب قاهره - دانشکده ع. پ. آبادان، فاطمه مقصودی - عصمت رادمنش - دانشکده ع. پ. آبادان،

مقدمه: آموزش از راه دور زمانی اتفاق می افتد که یک معلم و دانش آموز با فاصله فیزیکی از هم جدا شوند و از فناوری برای پر کردن شکاف آموزش استفاده می شود. طیف گسترده ای از گزینه های فناوری

در دسترس مربیان از راه دور است از جمله استفاده از اپلیکیشن های آموزشی. فناوری موبایل در واقع محیط آموزشی مناسبی را برای کمک به فعالیتهای یادگیری چه در داخل و چه در خارج از کلاس فراهم می کند. فناوری موبایل دسترسی به مطالب یادگیری را بدون توجه به مکان و زمان و توانایی لذت بردن از یک لحظه آموزشی را ارائه می دهد. **هدف:** هدف از مطالعه ما بررسی میزان یادگیری محتوای آموزشی دیابت از طریق اپلیکیشن با فناوری تلفن همراه در دانشجویان پزشکی در شرایط پاندمی COVID-19 بود.

روش اجرا: طراحی اپلیکیشن توسط شبیه ساز جواپ با زبان برنامه نویسی جاوا برای سیستم عامل اندروید انجام شد. این اپلیکیشن شامل ماژول های اطلاعاتی زیر و همچنین ویدئوهای آموزشی ساخت محققین این مطالعه برای دانشجویان علوم پزشکی که در نیمسال اول تحصیلی ۱۳۹۸-۱۴۰۰ (پاندمی COVID-19) درس فیزیولوژی غدد درون ریز را به صورت مجازی داشتند طراحی گردید. ساختار غده پانکراس تاریخچه دیابت، آشنایی با بیماری دیابت، انواع دیابت، عوامل خطر، عوارض بیماری، تشخیص و درمان، کالری مصرفی، دیابت و سبک زندگی، ورزش و دیابت، می باشد. (لینک اپلیکیشن

http://email.myket.ir, c, .
eJw1jTsOwyAQBUN9jSgRrbENBYSvxPRazMav4J-yTnDf
kZ5G04xe9C4fa1CwBwVKA4BybQdGaummTruun62
en9NjnBqj9s-
biuQskl_ARkstvXqzoAPoVdQBNSKRikQoNp9Kue6mH
RuY6_5tVbyuS4SA078ZQMVOgW2X-
JDwxrwsZsh6F-rjvyJpdz_wFEsTRk)

پرسشنامه محقق ساخته شامل سه بخش تهیه شد که بخش اول در مورد هدف انجام طرح و نحوه تکمیل پرسشنامه می باشد بخش دوم اطلاعات دموگرافیک دانشجویان را در بر گرفته و بخش سوم شامل ۱۰ سوال در مورد یادگیری محتوای آموزشی دیابت از طریق اپلیکیشن حاوی ویدئوهای آموزشی در کلاس درس فیزیولوژی غدد درون ریز رشته پزشکی می باشد که با مقیاس رتبه ای پنج نقطه ای لیکرت به صورت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) ارائه شده است. برای تعیین روایی و پایایی پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شد که توسط ۱۰ نفر از اساتید هیات علمی، روایی آن انجام شد. جهت اندازه گیری پایایی پرسشنامه، در دو نوبت به فاصله ۲ هفته، پرسشنامه طراحی و اجرای اپلیکیشن آموزش از راه دور دیابت به دانشجویان داده شد و آلفای کرونباخ ۰.۸۸۱، به دست آمد. پرسشنامه ها به صورت آنلاین طراحی شد و لینک پرسشنامه در اختیار ۵۳ نفر دانشجویان پزشکی که در نیمسال اول ۱۳۹۹-۱۴۰۰ درس فیزیولوژی غدد داشتند قرار گرفت که ۳۲ نفر به پرسشنامه ها پاسخ دادند. پر کردن پرسشنامه برای دانشجویان اختیاری بود و این مساله در ارزشیابی های به عمل آمده از دانشجویان بی تاثیر بود. پس از جمع

آوری اطلاعات و سازمان دهی آن ها، اطلاعات برای تحلیل آماری به نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ منتقل شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی انجام شد.

بحث و نتیجه گیری: در مطالعه حاضر ۳۲ نفر از دانشجویان دانشکده علوم پزشکی آبادان شرکت کردند. دانشجویان در محدوده سنی ۱۹ تا ۳۵ سال با میانگین و انحراف معیار ۲۱،۶۵±۳،۸۶ سال بودند. اغلب شرکت کنندگان (۳، ۵۶٪، ۱۸ نفر) مونث بودند و ۴۳،۷۵٪ شرکت کنندگان مذکر. نتایج به دست آمده در خصوص مزایای یادگیری محتوای آموزشی دیابت از طریق اپلیکیشن حاوی ویدئوهای آموزشی به ترتیب بر اساس بیشترین امتیاز به شرح زیر بود: آموزش راحت و در دسترس بودن، پرورش خلاقیت در یادگیری، افزایش سرعت یادگیری، کاربردی بودن یادگیری، ماندگاری بیشتر یادگیری، اشتیاق بیشتر به یادگیری، دقیق تر بودن یادگیری، افزایش حس اعتماد به نفس در دانشجو، جذابیت بیشتر یادگیری، و کاهش وابستگی دانشجو به استاد. بحث: آموزش از طریق تلفن همراه با توجه به راحت و در دسترس بودن، و جذابیتی که استفاده از آن دارد می تواند منجر به رشد خلاقیت و یادگیری ماندگار شود و میزان اشتیاق دانشجو به دروسی همچون فیزیولوژی غدد را بیشتر کند و از جمله روش هایی است که میزان وابستگی به استاد را کم می کند.

طراحی و تدوین مولتی مدیای آموزشی آنالیزهای لترال سفالومتری در ارتودنسی و بررسی کیفیت محصول آموزشی و میزان پذیرش آن در دانشجویان دندانپزشکی

آذین نوریان - دانشگاه ع. پ. زنجان

مقدمه: با رشد فناوری اطلاعات، روش های سنتی آموزش به تنهایی قادر به برآورده کردن نیازهای آموزشی نسل جدید دانشجویان نیستند و همچنین شیوع ناگهانی کووید-۱۹، حوزه تعلیم و تربیت را تحت تأثیر خود قرار داد. در این راستا در بسیاری از کشورها از جمله در کشور ما، برای کاهش شیوع ویروس کرونا آموزش های حضوری در دانشگاه ها تعطیل شد. بنابراین استفاده از روش های نوین آموزش مانند آموزش به وسیله محتوای الکترونیکی ضروری است. از جمله این موارد استفاده از مولتی مدیا پیشنهاد شده است. استفاده از رسانه های مختلف مانند متن، طراحی، گرافیک، عکس، صدا، ویدئو، انیمیشن در کنار یکدیگر جهت انتقال بهتر پیام را مولتی مدیا (چندرسانه ای) می گویند. بنابراین مطالعه حاضر با هدف طراحی و تدوین مولتی مدیای آموزشی آنالیزهای لترال سفالومتری در ارتودنسی و بررسی کیفیت محصول آموزشی و میزان پذیرش آن در دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی زنجان انجام شد.

روش اجرا: جهت طراحی محتوای آموزشی از مدل طراحی آموزشی ADDIE استفاده شد. محتوای مولتی مدیا حاوی سه قسمت بازی آموزشی، فیلم آموزشی و سوالات بود و طراحی گرافیکی، انیمیشن و شبیه سازی دویبعدی توسط نرم افزار آرتیکولیت استوری لاین نسخه ۵، ۳ انجام شد. محتوای تهیه شده بصورت پایلوت در اختیار ۳۱ نفر از دانشجویان ارتودنسی ۱ و ۲۱ نفر از دانشجویان ارتودنسی ۴ عملی به صورت نمونه های در دسترس که داوطلبانه شرکت نمودند ارائه شد. ارائه محتوا به صورت ترکیب حضوری و مجازی در قالب بارگذاری در سامانه نوید به مدت یک هفته انجام شد. جهت سنجش کیفیت محصول آموزشی از پرسشنامه ی استاندارد روا و پایایی چک لیست ارزیابی محصول آموزشی کاپلان دارای ۲۰ گویه با طیف لیکرت ۵ گانه از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم استفاده شد و برای بررسی پذیرش یادگیری الکترونیکی دانشجویان، از پرسشنامه استاندارد روا و پایا برگرفته از مدل TAM با ۲۶ گویه در ۸ حیطه با طیف لیکرت ۷ گانه از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم استفاده شد. جهت تحلیل آماری از نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج: نتایج نشان داد که تفاوت آماری معنی داری بین نظرات دانشجویان به تفکیک جنسیت (مرد، زن)، محل سکونت (خوابگاه، منزل شخصی) و وضعیت تاهل (مجرد، متاهل) در هر دو گروه ارتو ۱ و ۴ عملی وجود نداشت. بر اساس پرسشنامه کاپلان میانگین میزان رضایت دانشجویان واحد ارتودنسی ۱ عملی از کیفیت محصول آموزشی ۹۱،۹٪ با میانگین و انحراف معیار ۶۷،۰±۳،۸۳ بدست آمد و برای دانشجویان واحد ارتودنسی ۴ عملی میزان رضایت کلی از کیفیت محصول آموزشی ۸۳،۶٪ و میانگین و انحراف معیار ۵۸،۰±۴،۱۸ بود. میزان پذیرش یادگیری الکترونیکی در حیطه های مختلف پرسشنامه TAM به ترتیب در دانشجویان واحد ارتودنسی ۱ عملی، خودکارآمدی ادراک شده ۶٪، ۸۰، رضایت درک شده ۲٪، ۹۱، درک سودمندی ۹۸٪، مفهوم رفتاری ۳٪، ۹۱، کیفیت سیستم های یادگیری الکترونیکی ۷۰٪، فعالیت های یادگیری تعاملی ۶٪، ۸۷، اثربخشی یادگیری الکترونیکی ۸۸٪ و دستورالعمل چندرسانه ای برابر ۸۴٪ بود و در دانشجویان واحد ارتودنسی ۴ عملی در حیطه خودکارآمدی ادراک شده ۲٪، ۸۷، رضایت درک شده ۶٪، ۹۱، درک سودمندی ۸٪، ۹۶، مفهوم رفتاری ۲٪، ۹۰، کیفیت سیستم های یادگیری الکترونیکی ۴٪، ۷۲، فعالیت های یادگیری تعاملی ۶٪، ۷۸، اثربخشی یادگیری الکترونیکی ۸٪، ۸۸ و دستورالعمل چندرسانه ای برابر ۸۷، ۳٪ بود.

بحث و نتیجه گیری: بطور کلی در هر دو گروه واحد ارتودنسی ۱ و ۴ عملی ۷۷، ۷٪ دانشجویان از کیفیت محصول آموزشی با میانگین و انحراف معیار ۶۲، ۴±۰ رضایت داشتند که این میزان بالاتر از حد متوسط بوده و نشان دهنده رضایت بالای دانشجویان از کیفیت محصول آموزشی بود. همچنین میانگین میزان کلی پذیرش یادگیری الکترونیکی دانشجویان در هر دو گروه در پرسشنامه ی TAM ۹٪، ۸۵ با میانگین و انحراف معیار ۹۵، ۰±۵، ۳۹ بود که نشان دهنده میزان بالای پذیرش دانشجویان است. بر این اساس استفاده از مولتی مدیای حاضر بخوبی می

تواند همراه با آموزش سنتی و حتی در شرایط بحرانی مانند بحران پاندمی کووید-۱۹ بعنوان جایگزین آن استفاده شود.

کلمات کلیدی: آموزش، مولتی مدیا، آنالیز، سفالومتری

بحث و نتیجه گیری: استفاده از نرم افزار نگاشت دیجیتال و اسلایدهای مجازی در آسیب شناسی یک پیشرفت قابل توجه در آموزش است که رضایت خاطر و یادگیری بهتر دانشجویان را به دنبال دارد.

طراحی و ارزیابی نرم افزار نگاشت دیجیتال تصاویر پاتولوژی دهان، فک و صورت جهت استفاده در آموزش مجازی

نرگس قاضی - هانیه گنجعلی - سمانه ربانی زارعی - رضا اسدی - سمیه رجب زاده - دانشگاه ع. پ. مشهد،

مقدمه: امروزه، استفاده از میکروسکوپ های مجازی در تله-پاتولوژی و همچنین در آموزش هیستولوژی، پاتولوژی خصوصاً در مقاطع undergraduate و postgraduate کاربرد یافته اند. این روش امکان برگزاری دوره های کوتاه مدت به صورت مجازی و یا blended را برای دانشجویان فراهم می کند. مطالعه حاضر با هدف طراحی و ارزیابی نرم افزار نگاشت دیجیتال تصاویر پاتولوژی دهان، فک و صورت جهت ارتقا آموزش مجازی صورت گرفت.

روش اجرا: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی کاربردی بود که روی ۳۰ دانشجوی سال سوم و چهارم دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در طی سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ صورت گرفت. ابتدا، نرم افزار نگاشت دیجیتال متشکل از کلیه تصاویر پاتولوژی دهان، فک و صورت از تمام زوایا و با بزرگنمایی های متفاوت طراحی شد. سپس، جهت ارزیابی کیفیت نرم افزار مورد نظر، یک پرسشنامه طراحی و در اختیار ۳۰ نفر دانشجوی دندانپزشکی مقطع بالینی در سال سوم و چهارم که دارای درس آسیب شناسی بالینی بودند، قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس یافته های بدست آمده، ۵۱٪، ۵۸٪ و ۸۲٪ دانشجویان عملکرد کلی نرم افزار را خیلی خوب، کاربری نرم افزار را آسان و تجربه کاربری نرم افزار را رضایت بخش ارزیابی نموده اند. همچنین، اکثریت دانشجویان وضعیت انگیزشی خود را زمینه کار با نرم افزار (۷۵٪)، و همچنین پویایی (۷۲٪)، خوانایی (۸۶٪) و وضوح نرم افزار (۹۶٪) مثبت ارزیابی کردند. اکثریت دانشجویان، وضوح صفحات نرم افزار (۸۲٪)، هماهنگی اصطلاحات نرم افزار (۹۶٪)، هماهنگی پیام های نرم افزار (۸۶٪) تناسب پیام های نرم افزار (۶۲٪)، کارایی (۸۶٪)، تناسب دستورات نرم افزار (۷۵٪)، سرعت بارگزاری تصاویر (۷۹٪) و قابلیت اطمینان نرم افزار (۷۵٪) را مورد تایید قرار دادند. مقایسه نمرات درس آسیب شناسی دانشجویان مورد سنجش با روش نرم افزاری با میانگین جامعه آماری (دانشجویان دندانپزشکی سنوات قبل به روش حضوری) حاکی از عدم اختلاف معنی دار بین آنها بود. ($P > 0.05$)

طراحی، توسعه و ارزیابی برنامه آموزشی درس فوریت های مامایی در قالب گیم (بازی سازی) کلمات متقاطع مبتنی بر کیس های بالینی در دانشجویان مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸

سمیرا کاتبی - دانشگاه ع. پ. شیراز، لیلی مصلی نژاد - دانشگاه ع. پ. جهرم، لیلی بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: ماما به عنوان اولین فرد در تماس با مادر و نوزاد در مراکز بهداشتی و درمانی، علاوه بر توانایی، تشخیص زودرس بارداری و زایمان پرخطر، باید قادر به تصمیم گیری در مواقع اورژانس بوده و در زمان بروز فوریت ها با دانش و مهارت کافی اقدامات مراقبتی لازم را به انجام رساند. این مطالعه با هدف طراحی، توسعه و ارزیابی برنامه آموزشی درس فوریت های مامایی (با توجه به اهمیت آن) در قالب گیم کلمات متقاطع مبتنی بر کیس های بالینی در دانشجویان مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ انجام پذیرفت.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع شبه تجربی می باشد که مراحل انجام آن به صورت ترکیبی در دو مرحله طراحی کیفی طرح و سناریوها از گروه های متخصصین زنان و مامایی و آموزش پزشکی به عنوان متخصصین خبره جهت روایی سوالات و در مرحله دوم بررسی اثرات و ارزشیابی آن بر روی یک گروه از دانشجویان به صورت آسان انجام گرفت. نمونه گیری به صورت آسان (از نمونه های در دسترس با تعداد تقریبی ۴۰ نفر) از یکی از گروه های مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم انتخاب شد و میزان یادگیری دانشجویان در دو سطح دانش و عملکرد با یک گروه ورودی سال قبل با شرایط مشابه مورد مقایسه قرار گرفت. در تحلیل داده ها از آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد. جهت سنجش رضایت مندی از مصاحبه با گروه هدف و پرسش باز استفاده و نتایج آن تحلیل گردید. در تحلیل داده ها از اس پی اس اس ورژن ۲۴ استفاده شد.

یافته ها: مقایسه نمره عملی بین دو گروه سنتی و مداخله نشان داد که متوسط نمره عملی در گروه سنتی از (۵، ۸۳) قبل از مطالعه به (۴، ۸۴) بعد از مداخله کاهش یافت که این میزان کاهش از نظر آماری معنادار بود ($p < 0.05$). در گروه مداخله نیز متوسط نمره عملی از (۵، ۹۵) قبل از مطالعه به (۸، ۰۳) بعد از مداخله افزایش یافت که این افزایش از لحاظ آماری معنادار بود ($p < 0.05$). نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد در گروه مداخله متوسط نمره اپ در سه گروه

(ضعیف، متوسط و خوب) یکسان است ($p\text{-value} > 0.05$). نتایج مبین این است که میانگین نمرات گروه مداخله در سطوح متوسط و خوب به نسبت گروه سنتی از روند افزایشی برخوردار است. دانشجویان از رضایت مندی خوبی در استفاده از گیم آموزشی برخوردار بودند و آن را یادگیری مفرح، عمیق و تائی گذار دانسته چون حس تسلط و یادگیری موثر را می توانست در ایشان تقویت کند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از مطالعه حاضر استفاده از اپ های پازل تحت موبایل ضمن در دسترس بودن، می تواند زمینه را جهت به کار گیری موثر تکنولوژی در امر یادگیری و تغییر محیط یادگیری فراهم سازد. این امر در صورت پیروی از استانداردهای فنی آموزشی و بر اساس مقالات متعدد می تواند با یادگیری مفرح و جذاب و تاثیر بر یادگیری و یادداری همراه شده و زمینه تحقق نتایج بهتر آموزش را که امروزه دغدغه همه سیاست گذاران آموزش علوم پزشکی است برآورده سازد. همچنین براساس نتایج به دست آمده هر دو گروه مداخله و سنتی از لحاظ نمره تئوری بعد از مداخله تفاوت آماری معناداری را نشان داده بودند و نمره هر دو گروه بهبود پیدا کرده بوده است اما این تفاوت در گروه مداخله بیشتر بود. از لحاظ نمره عملی در گروه مداخله شاهد افزایش قابل توجهی در افزایش نمره دانشجویان بوده ایم که تاثیر قابل ملاحظه بازی از طریق گیم در قالب کلمات متقاطع در بعد عملی در رشته مامایی را برای ما محرز می نماید لذا استفاده از بازی های آموزشی در آموزش گروه های علوم پزشکی توصیه می شود.

کلمات کلیدی: مامایی، آموزش، گیم، فوریت های مامایی، آموزش علوم پزشکی، تکنولوژی، یادگیری، عملکرد

طراحی و اجرای اولین آزمون بالینی ساختار یافته عینی مجازی برای دانشجویان رشته های علوم توانبخشی در دوران پاندمی کووید ۱۹

درسا حامدی - دانشگاه ع. پ. اهواز، معصومه حسینی بیدختی - دانشگاه ع. پ. اهواز، نگین مرادی - دانشگاه ع. پ. اهواز، مانده مقتدر - دانشگاه ع. پ. اهواز، محمد شاطرزاده یزدی، بهنوش طحان زاده - مرضیه امیری - دانشگاه ع. پ. اهواز، شیدا جوادی پور، امین بهداریوندان، مریم سعادت - ندا اورکی فر - دانشگاه ع. پ. اهواز، مریم دلفی.

مقدمه: آزمون بالینی ساختار یافته عینی (OSCE) به عنوان یک روش استاندارد در ارزشیابی بالینی دانشجویان علوم پزشکی، پیراپزشکی و توانبخشی شناخته شده است. مطالعات گذشته نشان دادند که این آزمون قابلیت اجرا از راه دور و به صورت مجازی را دارد. با بروز پاندمی کووید ۱۹، آموزش و ارزشیابی مجازی در رشته های علوم پزشکی در ایران گسترش یافت. آموزش بالینی و به دنبال آن ارزشیابی بالینی

دانشجویان نیز به سوی آموزش های از راه دور و سیستم های نوین سوق داده شد. آزمون OSCE برای دانشجویان رشته های علوم توانبخشی از سال ۱۳۹۴ به صورت مستمر در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز برگزار شده است. با توجه به شرایط پاندمی و براساس مطالعات موجود، شورای آموزش بالینی دانشکده توانبخشی برآن شد تا آزمون OSCE را به صورت آنلاین و از راه دور برای نخستین بار در دانشجویان رشته های توانبخشی اجرا نماید. این مطالعه با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی آزمون OSCE مجازی برای دانشجویان رشته های علوم توانبخشی انجام شد.

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی، دانشجویان رشته های شنوایی شناسی، فیزیوتراپی، کاردرمانی و گفتاردرمانی مقطع کارشناسی ترم هشتم شرکت داشتند. این مطالعه دارای کد اخلاق به شماره IR.AJUMS.REC.۱۳۹۹.۷۴۰ می باشد. آزمون OSCE در مرداد ماه سال ۱۳۹۹، در ۴ روز مختلف برای هر یک از رشته های علوم توانبخشی، در بستر سامانه فرادید و به صورت چهار گزینه ای برگزار گردید. جهت طراحی ایستگاه های آزمون، از سوالات مبتنی بر سناریوی کیس، تصاویر، فیلم های مبتنی بر ارزیابی و یا درمان اختلالات مختلف در هریک از رشته های توانبخشی استفاده شد. مدت زمان اختصاص یافته جهت پاسخ دهی به هر سوال بر اساس محتوای سوال بین ۴۵ تا ۹۰ ثانیه بود. برای هر رشته ۸ ایستگاه طراحی شد و نمره مبنای ۴ در نظر گرفته شد. حد نصاب قبولی در آزمون برابر با نمره ۲ تعیین شد. جهت اجرایی شدن آزمون، اعضای هیات علمی طراح سوالات، با همانگی معاون آموزش بالینی در هر گروه و سپس مدیر آموزش و حاکمیت بالینی دانشکده سوالات خود را ۲۴ ساعت قبل از روز آزمون در سامانه فرادید بارگذاری نمودند. نحوه ی کار با سامانه فرادید و برگزاری آزمون روز قبل از برگزاری آزمون به صورت عملی همراه با توضیحات در اختیار دانشجویان قرار داده شد. جهت ارتقا سطح امنیت هر دانشجو تنها می تواند با یک IP مشخص وارد سامانه شد، و همچنین امکان بازگشت به سوال قبلی وجود نداشت. در صورت بروز هر گونه مشکل دانشجو می تواند با مرکز تماس و پشتیبانی آزمون مستقر در ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز تماس حاصل کند. پس از پایان آزمون جهت بررسی میزان رضایت مندی دانشجویان از برگزاری آزمون OSCE مجازی، پرسشنامه الکترونیک رضایت مندی توسط دانشجویان تکمیل شد. پرسشنامه رضایت مندی دانشجویان شامل سوالاتی در خصوص رضایت از سوالات، طمان آزمون، بستر برگزاری آزمون بود. داده ها در نرم افزار SPSS۲۱ تحلیل شدند.

یافته ها: ۱۴ دانشجوی شنوایی شناسی، ۱۵ دانشجوی فیزیوتراپی، ۱۱ دانشجوی کاردرمانی و ۱۶ دانشجوی گفتاردرمانی در این مطالعه شرکت نمودند. میانگین نمره کل بر مبنای ۴، برای دانشجویان شنوایی شنایی برابر ۲،۲۶، فیزیوتراپی برابر با ۲،۳۸، کاردرمانی برابر با ۲،۷۷، گفتاردرمانی برابر با ۳،۳ می باشد. میانگین درصد پاسخ دهی به سوالات مبتنی بر سناریوی کیس برابر ۵۲، ۱۷، میانگین درصد پاسخ دهی

سوالات مبتنی بر تصویر برابر ۷۷، ۱۶ و میانگین درصد پاسخ دهی به سوالات مبتنی فیلم و صدا برابر ۷۶، ۹۷ می باشد. رضایتمندی از برگزاری آزمون در سطح خوب گزارش شد. درحالیکه رضایتمندی نسبت به مدت زمان اختصاص یافته به هر ایستگاه در سطح متوسط قرار داشت.

بحث و نتیجه گیری: برگزاری آزمون OSCE مجازی می تواند روش مناسبی جهت ارزشیابی مهارت های بالینی دانشجویان رشته های علوم توانبخشی باشد. هرچند که به نظر می رسد سوالات مبتنی بر فیلم و تصویر می تواند عینیت مناسب تری داشته باشد و این امر می بایست در طراحی سوالات ایستگاه های آزمون مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: ارزشیابی، OSCE، توانبخشی، کووید ۱۹

فرایند هویت یابی دانشجویان پرستاری در کریکولوم پنهان

فاطمه کشمیری - دانشگاه ع. پ. یزد، محمود شیرینی - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، پروانه عسگری - دانشگاه ع. پ. تهران، فاطمه بهرام نژاد - دانشگاه ع. پ. تهران.

مقدمه: یکی از جنبه های تاثیرگذار بر یادگیری فراگیران در سیستم آموزشی "برنامه درسی پنهان" است که بطور موازی با برنامه درسی آشکار در جریان است. برنامه درسی پنهان، مجموعه ای از یادگیری ها است که در بستر فرهنگ حاکم بر محیط آموزشی و دانشگاه ها برای فراگیران حاصل شود و متشکل از پیام های ضمنی و جو اجتماعی مراکز آموزشی است که برنامه ریزی نشده، ولی توسط فراگیران احساس و یاد گرفته می شود. در بستر برنامه درسی پنهان انتقال فرصت طلبانه ارزشها و نگرش های فرهنگی اتفاق می افتد و پیام هایی در رابطه با حرفه گرای، منش رفتاری، نقش های غیررسمی را به دانشجویان منتقل می کند که به عبارتی، بخشی از جریان اجتماعی سازی در دانشگاه است. بنابراین لازم است مطالعات بیشتری در رابطه با کریکولوم پنهان و عوامل موثر در چگونگی فرایند هویت یابی و اجتماعی شدن که بستر ساز شکل گیری هویت فراگیران است، انجام شود. لذا مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و با هدف تبیین فرایند اجتماعی شدن و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان پرستاری در دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران انجام شد.

روش اجرا: مطالعه حاضر پژوهش کیفی از نوع گردند ثنوری در فاصله می ۲۰۱۸ تا اکتبر ۲۰۱۹ انجام شد. مشارکت کنندگان در این تحقیق ۳۵ دانشجویان کارشناسی پرستاری در حال تحصیل در دانشگاه های وابسته به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی (چهار دانشگاه) بودند. ۱۰ نمونه اول بصورت هدفمند انتخاب شدند. سایر شرکت کنندگان بصورت ثنوریکال براساس یافته های حاصل از آنالیز داده ها انتخاب شدند. با برخی از شرکت کنندگان بیش از یکبار مصاحبه شد.

برای دستیابی به حداکثر تنوع سعی شد، دانشجویان هر ۴ دانشگاه و در سالهای مختلف (دانشجویان ترم سه تا ترم هشتم پرستاری) وارد مطالعه شوند. داده ها با کمک مصاحبه های عمیق نیمه ساختارمند و مشاهده عرصه جمع اوری شدند. آنالیز داده ها همزمان با جمع اوری داده ها با رویکرد اشتروس و کوربین ۲۰۰۸ انجام شد. هر مصاحبه چندین بار مطالعه شد و چندین بار گوش داده شد. و سپس کدهای باز انتخاب شدند. یافته ها با ۳۵ دانشجوی پرستاری مصاحبه شد که در نهایت سه طبقه اصلی و ۱۲ زیرطبقه ظاهر شد. فرایند هویت یابی حرفه ای تحت تاثیر کریکولوم پنهان یا طبقه مرکزی در این مطالعه تزلزل هویت یابی در حرفه پرستاری بود. این فرایند شامل سه sequential و overlapping فاز بود. سه طبقه اصلی شامل ابهام و بی انگیزگی در حرفه مندی، حکمرانی فرهنگ تبعیض آمیز و ترویج بی انگیزگی بواسطه الگوهای ناکارآمد منجر به شکل گیری یک فرایند متزلزل برای هویت یابی می شوند. ضمن اینکه این طبقات نیز با می توانند با هم در ارتباط باشند، در عین حال فرایند را به سمت تزلزل هدایت می کنند نتیجه گیری: مطالعه حاضر در دانشگاه های بزرگ که اولین دانشکده های پرستاری در کشور را تاسیس کردند، انجام شد. علی رغم پیشینه قبلی این دانشکدهها، نتایج نشان داد کریکولوم پنهان موجب ایجاد یک بستر متزلزل برای فرایند هویت یابی دانشجویان پرستاری شد. سه بعد چالشی شامل چتر فرهنگ تبعیض آمیز در دانشکده و بیمارستان های آموزشی، ناکارآمدی الگوهای رفتاری و اساتید دانشکده، مواجهه شدن فراگیران با محیط ابهام آمیز و بی انگیزگی آنان برای حرفه مندی مانع بزرگی در فرایند هویت یابی دانشجویان پرستاری ایجاد کرده است.

دوره مقدماتی آموزش استراتژی دارویی و آشنایی با

نظام سلامت؛ راهی برای آشنا شدن دانشجویان با مسائل

کلان حوزه دارو و داروسازی

سید محمد ایمان معزی - دانشگاه ع. پ. شیراز، صدرا ندیمی پرشکوهی - دانشگاه ع. پ. شیراز، حسین عباسی - دانشگاه ع. پ. شیراز، نوید روان.

مقدمه: در دنیای پیچیده امروز، بشر برای حل مشکلات پیش رو، نیازمند دیدگاه های جامع است. در این میان، فقط مطالعات بین رشته ای است که موجب می شود محیط پیرامون افراد، به خصوص محیط دانشگاهی و مطالعات متخصصان انسجامی خاص پیدا کند و باعث پویایی نظام آموزشی و در نتیجه، رشد و اصلاح فرهنگ شود. علاوه بر آن، تداخل در محتوا، روش های پژوهش، اصول و نظریه ها، مرزبندی رایج علوم را از میان برده است. در نظام سلامت، اهمیت علوم بین رشته ای بیش از پیش احساس می شود. به علاوه، آموزش در قالب بین رشته ای در درازمدت سبب ارتقای کیفی خدمات نظام سلامت می

شناسایی مهارت های نرم حرفه دندانپزشکی و اولویت

بندی آنها بر اساس فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

ماندانا شیرازی - محمد رضا نیلی - محمد جواد لیاقت دار - رقیه ولی پور خواجه غیائی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: مهارت های نرم از شاخص های کلیدی موفقیت و کیفیت عملکرد در حرفه های مختلف از جمله حرفه دندانپزشکی می باشد. این مهارت ها اعتماد به نفس، صلاحیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حرفه گرایی، هماهنگی، دوستی و خوش بینی را تا حد زیادی افزایش و انرژی مثبتی را برای موفقیت شخصی و حرفه ای فراهم می نماید. با توجه به اهمیت موضوع در مطالعه حاضر سعی گردید به شناسایی و اولویت بندی مهارت های نرم حرفه دندانپزشکی پرداخته شود. تا گامی در راستای توسعه آموزش این مهارت ها و افزایش کیفیت خدمات دندانپزشکی برداشته شود.

روش اجرا: روش پژوهش حاضر ترکیبی از نوع اکتشافی است؛ در بخش کیفی با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته مهارت های نرم حرفه دندانپزشکی از دیدگاه اعضاء هیئت علمی و دانشجویان شناسایی و دسته بندی گردید و در بخش کمی با استفاده از روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) مهارت های نرم شناسایی شده اولویت بندی گردید.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد، حرفه دندانپزشکی علاوه بر مهارت تخصصی به مهارت های نرم در شش حیطه؛ اخلاق حرفه ای، مهارت هنری، مهارت شناختی، مهارت ارتباطی و بین فردی، مهارت مدیریتی و ویژگی های فردی نیاز دارد. از دیدگاه اعضاء هیئت علمی در اخلاق حرفه ای؛ وجدان کاری و مسئولیت پذیری، در مهارت های مدیریتی؛ مدیریت زمان، در مهارت های هنری؛ هنر های دست، در ویژگی های فردی؛ مدیریت استرس، اعتماد به نفس، در مهارت های شناختی؛ استدلال و توانایی تصمیم گیری، تفکر تجسمی و در مهارت های ارتباطی؛ ارتباط (کلامی، غیر کلامی و گوش دادن) و صبر و حوصله از مهارت های نرم دارای اولویت در حرفه دندانپزشکی می باشند.

بحث و نتیجه گیری: حرفه دندانپزشکی جهت پاسخگویی به جامعه و افزایش کیفیت عملکرد تخصصی به سطح بالایی از مهارت های نرم نیاز دارد که در پژوهش حاضر شناسایی گردید. برنامه ریزان آموزش علوم پزشکی می تواند از نتایج این پژوهش برای توسعه مهارت های نرم در حرفه دندانپزشکی استفاده نمایند.

کلمات کلیدی: مهارت های نرم، حرفه دندانپزشکی، فرایند تحلیل سلسله مراتبی

شود. در جهت تحقق مسائل یاد شده، دوره ای تحت عنوان "دوره مقدماتی آموزش استراتژی دارویی و تحلیل نظام سلامت" برای دانشجویان جدیدالورود دانشکده داروسازی شیراز طراحی و برگزار گردید. از اهداف برگزاری این دوره، آموزش مقدماتی مطالعات استراتژیک، پیش مواجهه با چالش های حوزه دارویی و سلامت کشور و ایجاد انگیزه و آمادگی برای شرکت در دوره های آموزش پیشرفته تر بود. در این دوره، عناوین ذیل توسط اساتید، فارغ التحصیلان و دانشجویان به صورت کارگاهی ارائه گردید: (۱) تفکر سیستمی (۲) معرفی نظام سلامت و نظام دارویی (۳) مقدمات سیاست گذاری سلامت (۴) حل مسئله و تصمیم گیری (۵) فلسفه علم و آینده پژوهی (۶) مقدمات روش تحقیق در علوم دارویی (۷) چالش های نظام دارویی کشور. در طراحی و برگزاری این دوره از مدل آموزش فعالانه بهره گرفته شد و فعالیت ها در قالب کار تیمی به گونه ای انجام گرفت که شرکت کنندگان در تعیین فرم و محتوای دوره دخیل باشند. گروه ها می توانستند تقاضای برگزاری یک کارگاه یا جلسه ویژه متناسب با نیازهایی که حس می کنند، ارائه دهند. همچنین، به منظور آشنایی شرکت کنندگان با مراکز مهم در حوزه دارویی و پیش مواجهه با مسائل استراتژی دارویی، بازدید از یک مرکز تولید دارو در شهر شیراز فراهم شد. آموخته های دانشجویان نیز در قالب انجام پروژه های مطالعاتی کوچک در زمینه نقش نهادهای مختلف در نظام سلامت و ارائه شفاهی آن ها سنجیده شد. ۲۵ نفر از دانشجویان ورودی مهر ۱۳۹۸ دانشکده داروسازی شیراز در طی چهار جلسه (مجموعاً ۸ ساعت) در این دوره شرکت کرده و قبل و بعد از ارائه هر محتوای آموزشی در قالب pre-test و post-test به سوالات پرسشنامه محقق ساخت مربوطه پاسخ دادند. در نهایت نتایج حاصل و میزان تاثیر آموزش های این دوره بر روی دانشجویان، بر اساس متد کرک پاتریک در سه سطح واکنش، یادگیری و رفتار مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل از این ارزیابی بیان می کند که محتوای ارائه شده در این دوره باعث آشنایی بیشتر دانشجویان با نظام سلامت و نظام دارویی کشور شده است؛ آگاهی شرکت کنندگان نسبت به چالش های حوزه دارویی سبب ایجاد حس دغدغه و مسئولیت پذیری بیشتر در آن ها به عنوان عضوی از آینده نظام سلامت شده است. همچنین نتایج این ارزیابی بیان می کند که شناخت و علاقه دانشجویان به حوزه علوم بین رشته ای بسیار بیشتر از گذشته شده است. دانشجویان بیان کردند که علاقه و احساس نیاز به کار گروهی در آنان بیشتر شده و دیدگاه آنان نسبت به چالش ها کامل تر و چند بعدی شده است. شرکت کنندگان کاربردی بودن محتوا و نحوه ارائه آن را اصلی ترین نقاط قوت دوره عنوان کردند. در مجموع، به نظر می رسد که برگزاری چنین دوره هایی موجب آشنایی و دغدغه مندی بیشتر دانشجویان نسبت به مسائل کلان دارو و داروسازی می شود که این خود باعث تربیت نیروی انسانی ای کارآمدتر و دارای نگاهی عمیق تر می شود.

طراحی و اثربخشی برنامه توانمندسازی معنوی مبتنی بر الگوی قلب سلیم با روش چند رسانه ای بر سلامت معنوی و شایستگی متورینگ معنوی اساتید

لیلا لطفیان - دانشگاه ع. پ. بقیه /... مینو اسدزندی - دانشگاه ع. پ. بقیه /...

مقدمه: اساتید دانشگاه، جهت مقابله با تهاجم فرهنگی و تربیت معنوی دانشجویان نیازمند خود مراقبتی، توانمندسازی معنوی، درمان دیسترسهای معنوی (ناامیدی از رحمت خدا، سوء ظن به خدا، نارضایتی از سرنوشت)، خود ارزیابی شایستگی متورینگ معنوی، بدور از تجسس در دینداری هستند. این مطالعه با سه هدف زیر انجام شد: طراحی و روانسنجی پرسشنامه شایستگی متورینگ معنوی اساتید، طراحی و اعتبار بخشی الگوی توانمندسازی معنوی دانشجویان، تعیین اثربخشی برنامه توانمندسازی معنوی مبتنی بر الگوی قلب سلیم بر سلامت و شایستگی متورینگ معنوی اساتید.

روش اجرا: در مطالعه ترکیبی ساخت ابزار به روش تحلیل مفهوم مدل هیبرید شوارتز و کیم در سه مرحله: مرور نظری شواهد دینی و علمی، کار در عرصه با مصاحبه انفرادی عمیق و بحث در گروه های متمرکز، تحلیل نهایی داده ها (بر اساس روش تحلیل محتوای قرار دادی)، نسخه ابتدایی پرسشنامه در قالب ۷۳ گویه تدوین شد. اعتبار پرسشنامه با تعیین روایی صوری، محتوایی کیفی و کمی (CVR) و (CVI) روایی سازه، و پایایی، با بررسی همسانی درونی (آلفای کرونباخ)، تعیین ثبات و حساسیت ابزار انجام شد. سپس با روش جستار فلسفی، رویکرد تحلیل مفاهیم و نظریه مشتق شده - کیفی مبتنی بر تلفیق مفهوم مورس و همکاران، طی شش مرحله: تعیین مفاهیم معرف پدیده اصلی، سطح تکامل یافتگی مفهوم، ارتباط بین مفاهیم، تشریح جزئیات مفهوم مرکزی، تشریح مفاهیم جهت تعیین ارتباطات بین مفاهیم، فرموله نمودن مدل مفهومی، الگوی توانمندسازی معنوی دانشجویان طراحی شد. استحکام، دقت، کامل بودن، امکان درک روشن و منطقی یافته ها، درسه راند دلفی توسط پنل تخصصی گروه سلامت معنوی فرهنگستان تأیید شد. در کار آزمایی بالینی شاهد دار، تصادفی شده در شهر تهران، ۱۰۰ نفر از اساتید داوطلب واجد شرایط انتخاب و به روش تصادفی گروهی به دو گروه آزمون و کنترل تقسیم شدند. مداخله برای گروه آزمون، با هدف: جلب اعتماد، دانش افزایی، توسعه ارتباطات، انگیزش، با اهدای نرم افزار آموزشی و پیگیری آموزش ها در شبکه مجازی، به مدت ۱۶ هفته اجرا شد. گروه کنترل، مداخله ای دریافت نکردند. قبل و بلافاصله بعد از مداخله، پرسشنامه سلامت معنوی پولوتزین و آلیسون و پرسشنامه شایستگی متورینگ معنوی اساتید توسط هر دو گروه تکمیل شد. آنالیز اطلاعات با آمار توصیفی و تحلیلی شامل آزمون های ویلکاکسون و من ویتنی، آزمون کای مربع و آزمون دقیق فیشر و رگرسیون خطی انجام شد. از آنالیز

کوواریانس (ANCOVA) به منظور مقایسه اختلاف میانگین نمره دو گروه پس از مداخله با کنترل اثر مقادیر پایه استفاده شد.

یافته ها: امتیاز CVR در ۶۷ گویه پرسشنامه شایستگی متورینگ معنوی، از عدد جدول لاوشه (۳۳، ۰) بزرگتر بود. ۵ گویه فاقد امتیاز لازم حذف شدند. نتایج محاسبه CVI نشان داد تمامی گویه ها نمره بالاتر از ۰.۷۹، ۰ را کسب کردند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی وجود مدل ۷ عاملی (الگوی معنویت، شجاعت، مهریزی، حکمت، حیا، کرامت نفس، عدالت خواهی) را در ساختار گویه ها نشان داد. همسانی درونی پرسشنامه (با آلفای کرونباخ ۰.۹، ۰) نشان داد گویه های پرسشنامه همبستگی بالایی دارند و در سطح $P < 0.05$ همچنین پس از دریافت مداخله مورد نظر اختلاف دو گروه مورد مطالعه، از نظر شاخص سلامت مذهبی (۸۳، ۱۲-۱۱، ۱۱، ۹۷، ۱۱ و سلامت معنوی (۷۹، ۱۲-۱۱، ۱۰، ۹۰، ۹۰، ۱۱ معنی دار بود ($P > 0.001$). میانگین و انحراف معیار شایستگی متورینگ معنوی اساتید دو گروه قبل از مداخله اختلاف معنا داری نداشت (برابر با ۸۲، ۱۳±۵۴، ۲۵۴ در گروه کنترل و ۰، ۱۱±۵۹، ۲۵۷ در گروه مداخله). بعد از اتمام مداخله، اختلاف معنی داری آماری از نظر این شاخص در گروه مداخله دیده شد ($P > 0.001$). میانگین و انحراف معیار در گروه کنترل برابر با ۹، ۹±۴۵، ۲۶۶ بود. در حالی که در گروه مداخله با ۱۰۶ واحد افزایش به ۵۱، ۵۱±۶۸، ۳۶۳ رسید. مقدار ضریب همبستگی (۲) بین شایستگی متورینگ معنوی - سلامت معنوی آلیسون برابر با ۰.۷۶ و مقدار $P > 0.001$ بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به چالشهای فرهنگی و تربیتی در دانشگاههای ایران، ضرورت تربیت معنوی دانشجویان، نقش اساتید در آموزش الگو محور و تاثیر برنامه توانمندسازی معنوی، استفاده از مدل و نرم افزار آموزشی جهت تعمیق معنویت در اساتید پیشنهاد می گردد.

تدوین چارچوب برنامه آموزشی پزشکی روایتی بر اساس الگوی طراحی آموزشی گانه در پنل متخصصان چند رشته ای

سعیده دریازاده - دانشگاه ع. پ. اصفهان، پیمان ادیبی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، نیکو بمانی.

مقدمه: پزشکی روایتی رویکردی بیمار محور است که با تمرکز بر رشد مهارت های روایتی و خودآگاهی شکل می گیرد و شامل "توجه، بازنامایی و وابستگی" در مواجهات بالینی است. کسب توانمندی روایتی برای ارتقا عملکرد بالینی ضروری است و از روایت ها می توان برای آموزش منش حرفه ای، همدلی، آموزش بین رشته ای و توسعه حرفه ای استفاده کرد. این مطالعه به منظور تدوین چارچوب برنامه آموزشی پزشکی روایتی از طریق در پنل متخصصان چند رشته ای انجام شده است.

روش اجرا: این مطالعه پنل تخصصی در سال ۹۸-۱۳۹۶ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد و شامل دو مرحله بود: تدوین چارچوب و تشکیل یک پنل متخصصین چند رشته ای به منظور تأیید اعتبار چارچوب. چارچوب برنامه آموزشی پزشکی روایی شامل ۳ مرحله بر اساس ۹ رویداد الگوی طراحی آموزشی گانیه تدوین گردید و سپس چکلیستی برای اعتبار سنجی چارچوب در یک پانل تخصصی چند رشته ای تهیه شد. نظرات دور اول از طریق ایمیل دریافت شد. اجماع در دوره‌های دوم و سوم از طریق برگزاری جلسات حضوری برای ایجاد تعاملات و گفتگو در بین کارشناسان به دست آمد.

یافته‌ها: شانزده شاخص برای روایی چارچوب تأیید شد و موافقت ۱۰۰٪ بین متخصصان (با مقادیر متوسط در محدوده ۷-۹ از حداکثر ۹، بدون اختلاف) حاصل شد و چارچوب برنامه آموزشی پزشکی روایتی توسط هیئت متخصص تأیید شد.

بحث و نتیجه گیری: چارچوب برنامه آموزشی پزشکی روایتی می تواند به منظور استفاده در ارائه این برنامه آموزشی در گروه های آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی استفاده شود و از چک لیست تدوین شده نیز می توان در ارزیابی برنامه های پزشکی روایتی به عنوان یک راهنمای ساده و کاربردی برای بهبود اثربخشی آموزش و ارتقا یادگیری مادام العمر استفاده کرد .

طراحی آموزش آناتومی مقاطع MRI مغز به دانشجویان پزشکی با استفاده از واقعیت افزوده (Reality Augmented) و مقایسه آن با روش آموزش حضوری از نظر میزان یادگیری و رضایت

فرزاد فاتحی، ریتا مجتهدزاده - دانشگاه ع. پ. تهران، آیین محمدی - دانشگاه ع. پ. تهران .

مقدمه: واقعیت افزوده به روش هایی گفته می شود که در آن به تصویر دنیای پیرامون ما، اطلاعات و ویژگی های بیشتری به صورت تصویر یا متن مجازی اضافه می کند که باعث افزایش شناخت و درک و سرعت عمل ما در آن محیط می شود. در بخش بالینی نورولوژی، یادگیری MRI مغز از موارد کلیدی برای دانشجویان پزشکی است. این آموزش معمولاً بر بالین بیماران و به صورت پراکنده صورت می گیرد و لذا در پایان بخش، اکثریت دانشجویان درک مناسبی از آناتومی مغز بر MRI ندارند. هدف از انجام این مطالعه طراحی آموزشی و تعیین میزان یادگیری و رضایت از روش آموزش آناتومی مقاطع MRI مغز به دانشجویان پزشکی با استفاده از واقعیت افزوده (AR) و مقایسه آن با روش آموزش حضوری بود.

روش اجرا: روش مطالعه نیمه تجربی از نوع Non equivalent control group pre-post test quasi experimental است. در ابتدا با استفاده از مدل طراحی آموزشی ADDIE آموزش مقاطع مختلف آناتومی مغز که برای دانشجویان پزشکی مناسب باشد طراحی شد. پس از آن مقاطع مورد نظر بر روی یک پوستر چاپ شد به صورتی که در هنگام قرار دادن موبایل در مقابل هر مقطع فیلم آموزشی مورد نظر بر روی موبایل اجرا می شد. انتخاب دانشجویان به روش غیر تصادفی بود. ابتدا به گروه کنترل با روش روتین سخنرانی حضوری و سپس به گروه مداخله با استفاده از واقعیت افزوده آموزش داده شد. از هر گروه ابتدا یک پیش آزمون و در پایان نیز پس آزمون گرفته شد. همچنین برای بررسی میزان رضایت دانشجویان از این روش از پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا استفاده شد.

یافته‌ها: در این مطالعه ۱۵ دانشجو در گروه واقعیت افزوده و ۱۲ دانشجو در گروه آموزش حضوری مورد مطالعه قرار گرفتند. پیش از شروع مطالعه نمره آزمون در دو گروه تفاوت معنی دار نداشت (در گروه واقعیت افزوده برابر با ۱۹-۱۳،۵) و در گروه آموزش حضوری برابر با ۲۸-۱۷،۵ (Pvalue=۰،۱۳) و در گروه واقعیت افزوده پس از مطالعه نمره آزمون به ۲۹-۳۰ (Pvalue=۰،۰۰۰۷) در گروه آموزش حضوری نیز، پس از مطالعه نمره آزمون به ۳۰-۲۸،۸ (Pvalue=۰،۰۰۲) داشت. اثربخشی آموزشی در گروه AR برابر با ۷۰،۷-۵۸،۳٪ بود در حالی که در آموزش حضوری برابر با ۷۰،۶-۴۵،۵٪ بود (Pvalue=۰،۰۸۳). رضایت کلی دانشجویان نیز در این روش آموزشی (۹-۸،۵) از آموزش حضوری (۱۰-۶،۸) بیشتر بود (Pvalue=۰،۱۸).

بحث و نتیجه گیری: استفاده از واقعیت افزوده در مواردی مانند آموزش MRI مغز در دانشجویان پزشکی علاوه بر جذابیت می تواند موجب بهبود قابل توجه در یادگیری شود و با توجه به اینکه تاثیر آن حداقل مشابه روش حضوری است، به خصوص در مواردی که در بخش های آموزشی کمتر وقت صرف می شود، در کنار آموزش حضوری، می تواند نقایص یادگیری دانشجویان را جبران کند .

نیاز سنجی، تدوین و اجرای درس آداب اجتماعی طبابت

میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، سید علی اکبر فقیهی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، فرحناز ایزدی - محمد رضا رحمانیان حقیقی - مهسا موسوی - بهنام هنرور - کامران باقری لنکرانی - دانشگاه ع. پ. شیراز، مینو کارکن - دانشگاه ع. پ. شیراز، رضیه نشاط آور - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: با توجه به تحولات عظیم در علوم پزشکی و با پیچیده تر شدن مباحث آن، فرایند انتقال اطلاعات به دانشجویان دستخوش

۴۲، ۶۸٪ کیفیت ارائه مباحث، ۶۸، ۷۳٪ از دانشجویان قدرت تفهیم و انتقال مفاهیم درس، ۵، ۷۱٪ نحوه تدریس استاد ۲۶، ۵۵٪ ارائه اطلاعات جدید ۶۳، ۵۲٪ از دانشجویان کاربردی بودن مطالب، ۹۵، ۴۵٪ ایجاد نگرش جدید در آنان، ۴۷، ۳۹٪ استفاده از وسایل کمک آموزشی توسط استاد، ۲۶، ۵۵٪ میزان علاقه شان به این درس، ۲۱، ۳۴٪ معرفی منابع و مآخذ در رابطه با این درس، ۲۱، ۸۴٪ نحوه برخورد استاد را خوب ارزیابی کردند. از نحوه برگزاری امتحان پایان ترم بالای ۹۰٪ و از ارزشیابی استاد توسط دانشکده در پایان ترم بالای ۸۰٪ از فضای برگزاری امتحان و ساعت برگزاری آن رضایت مطلوبی داشتند. پیشنهاد داشتند ساعت کلاس کوتاه تر شود و ارائه این درس در ترم های بعدی جهت سایر دانشجویان ادامه دار باشد.

بحث و نتیجه گیری: ارزشیابی درس یکی از شیوه های اساسی برای بهبود کیفیت آموزش، ارائه بازخورد از کیفیت تدریس و ارائه پیشنهادات برای اصلاح عملکرد آموزشی و تصمیم گیری در مورد راه های حفظ و یا تغییر برنامه است. مهارت طبابت برای تاثیر گذاری در بهبود بیماران و ارتقای سلامت جامعه لازم است. باید همراه با اخلاق حرفه ای مهارت های ارتباطی و فراتر از آن شناخت اجتماعی بیماران و ریشه های بیماری باشد. پیشنهاد می شود این درس برای دانشگاه های کل کشور معرفی و در صورت نیاز طراحی گردد.

کلمات کلیدی: آداب اجتماعی، نیاز آموزشی، محتوای آموزشی، طبابت

تحولات بسیار شده و نیاز به دگرگونی در آموزش پزشکی منجر به توجه به ارتقا کمی و کیفی خدمات آموزش در سطح ملی و دانشگاهی گردیده است. برنامه ادغام در دانشگاه علوم پزشکی شیراز از نیمه دوم سال ۱۳۸۷ با ادغام افقی دروس علوم پایه شروع شد. کمیته ی برنامه ی آموزشی دانشکده بر اساس ارزیابی دانشجویان، نظر مسئول درس و برآورد نتایج حاصله و تحقیقات فردی، اعضای کمیته را هماهنگ می کند. به منظور آشنایی دانشجویان پزشکی با این ابعاد طبابت از سال گذشته درس اختیاری با عنوان آداب اجتماعی طبابت در یک واحد توسط این مرکز پیشنهاد و ارائه گردید. هدف این مطالعه تعیین نیازهای آموزشی، اهداف آموزشی، محتوای برنامه درسی، راهبرد های آموزشی، استفاده از مشارکت فعال دانشجویان در پروسه ی آموزش است. در راستای گنجاندن مباحث فوق در کاریکولوم دانشجویان پزشکی دروس آداب پزشکی در برنامه ملی طراحی گردید: آداب پزشکی ۱ آداب پزشکی ۲: شامل "کارگاه کار گروهی و تیمی" و "کارگاه بازاندیشی و تحلیل تجرب" برنامه ریزی شده است. آداب پزشکی ۳: شامل "کارگاه خطاهای شناختی و خطاهای پزشکی" و "کارگاه مواجهه زودرس بالینی" برنامه ریزی شده است. آداب پزشکی ۴: شامل "کارگاه روش های مقابله با استرس و کنترل خشم" و "کارگاه اصول سخنرانی و فن بیان" برنامه ریزی شده است. آداب ها ۵، واحد عملی کارگاهی (۱۷ ساعت) دارد و به عنوان بخشی از تم طولی آداب حرفه ای در برنامه درسی پزشکی عمومی است. از آنجایی که برخی دروس مرتبط با طبابت در دروس آداب ۴ در نظر گرفته شده بود دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۸ درسی با عنوان آداب اجتماعی طبابت با هدف ایجاد نگرش نسبت به عوامل اجتماعی مرتبط با سلامت و طبابت جهت دانشجویان پزشکی راه اندازی شد.

روش اجرا: به منظور طراحی دوره ی آموزشی و برنامه ریزی درسی، روش ده گام برنامه ریزی درسی و مباحث شامل ارتباط بیمار و پزشک مراحل ایجاد فعال ارتباط بیمار و پزشک احترام (احترام، حمایت، تشویق، راهنمایی، اعتماد پذیری، مشارکت) سوء رفتار پزشکان با بیماران و بیماران با پزشکان خود مراقبتی و مشارکت بیماران ریشه بیماری ها عوامل اجتماعی موثر بر سلامت (۱) عوامل اجتماعی موثر بر سلامت (۲) بود. در پایان هر ترم تحصیلی و زمان برگزاری امتحان پایان دوره، پرسشنامه نظر سنجی در اختیار دانشجویان با هماهنگی استاد مربوطه قرار گرفت و داده ها در نرم افزار SPSS تحلیل شد. جهت تکمیل ارزشیابی مصاحبه نیم ساختارمند انجام شد و مباحث مطرح شده دسته بندی و نکات مهم ارائه شده به استاد مربوطه بازخورد داده شد. تکالیف ارائه شده به دانشجویان در قالب پروژه توسط استاد بررسی شد و میزان یادگیری دانشجویان مد نظر بود و در ارائه درس در ترم های بعد نتیجه این ارزشیابی و یادگیری در نظر گرفته شد.

یافته ها: از ساعت های ارائه شده به عنوان کار عملی در گروه های کوچک بالای ۸۴٪ و از مباحث ارائه شده در قالب اسلاید در سامانه نوید به منظور دسترسی آسان به مطالب، بالای ۹۰٪ رضایت داشتند.

مدیریت

بررسی مقایسه ای بین المللی سازی آموزش پزشکی در

ایران و انگلستان

فاطمه کرمی رباطی - دانشگاه ع. پ. کرمان، معصومه شهسواروی دانشگاه ع. پ. کرمان - عاطفه احمدی - دانشگاه ع. پ. کرمان، وحید یزدی فیض آبادی، باقر امیرحیدری - سلمان باشنزر، علی اکبر حق دوست.

مقدمه: بین المللی سازی آموزش عالی در حوزه علوم پزشکی و سلامت دچار تحولات شگرفی شده است. تقاضاهای روزافزون خدمات سلامت از سوی مردم، نوآوری در فناوریهای پیچیده سلامت، گذار اپیدمیولوژیک و جمعیت شناختی و نیاز به دانش و مهارتها در رویکرد چند رشته ای و تیمی برای ارائه خدمات سلامت، نظامهای سلامت را با چالشهای جدی مواجه کرده است. بنابراین، نیازهای روزافزون و متغیر کشورها از یکسو و پیشرفت دانش و فناوری همراه با نوآوری و اصلاح شیوه ها در آموزش پزشکی دنیا از سوی دیگر، ایجاب می نماید که برنامه های آموزش پزشکی کشور ما متناسب با این تغییرات گام بردارند. هدف مطالعه حاضر، مقایسه تطبیقی حوزه بین المللی سازی آموزش پزشکی ایران و انگلیس بود.

روش اجرا: مطالعه توصیفی-تطبیقی حاضر در سال ۱۳۹۹ به بررسی ویژگیهای نظام آموزش پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان به عنوان یک دانشگاه منتخب از ایران و دانشگاههای برتر انگلیس برحسب رتبه بندی بین المللی تایمز (کمبریج، آکسفورد و امپریال لندن) پرداخت. کشور انگلیس یکی از کشورهای مرتبط با مأموریت محوله بینالمللی سازی به کرمان به عنوان قطب منطقه هشت آمایش کشوری است. اطلاعات لازم درباره متغیرها (تعداد و تنوع رشتهها، سازوکار تأسیس یک رشته جدید در نظام آموزش عالی، مقاطع تحصیلی و ویژگیهای آنها و تعداد دانشجویان علوم پزشکی و شرایط ورود به دورهها) از طریق مراجعه به وبسایتهای رسمی دانشگاهی و غیردانشگاهی انگلیس جمع آوری شد. اطلاعات مرتبط با دانشگاه علوم پزشکی کرمان نیز از سیستم فرابار این دانشگاه دریافت شد.

یافته ها: دانشگاههای انگلیس، در آموزش پزشکی بین المللی انعطاف پذیری زیادی دارند. تنوعی که در تعداد رشته ها و درجه های تحصیلی آنها وجود دارد، امکان جذب و ادامه تحصیل دانشجویان بیشتری را فراهم می کند. یک رشته علاوه بر ارائه در یکی از دانشکده های اصلی، ممکن است در چندین مؤسسه وابسته به آن دانشگاه نیز ارائه شود. تغییر طول دوره های ارائه شده امکان مطالعه را برای بسیاری از افراد فراهم می کند. افراد شاغل می توانند از دوره های نیمه وقت برای ادامه تحصیل استفاده کنند. افرادی که سن آنها بالا است و امکان ادامه تحصیل در دورههای عادی دانشگاهها را ندارند می توانند از امکانات

دانشجویان بالغ استفاده کنند. این دانشگاهها شرایط مناسبی برای ادامه تحصیل مادران دارای فرزند فراهم کرده اند تا آنها با خیال آسوده به ادامه تحصیل بپردازند. اگر دانشجو در هر زمانی از طول تحصیل مایل به انصراف از تحصیل باشد، می تواند انصراف دهد و با توجه به شرایط تعریف شده می تواند یک مدرک تحصیلی دریافت کند. حتی در بعضی موارد برای ادامه تحصیل این دانشجویان انصرافی در زمانهای بعد، شرایطی در نظر گرفته شده است. پذیرش دانشجو در دانشگاههای انگلیس با توجه به ظرفیت پذیرش این کشور است. به طوری که اگر در یک سال امکان پذیرش فارغ التحصیلان یک رشته خاص در انگلیس وجود نداشته باشد، در آن سال دانشگاه برای آن رشته دانشجو نمی پذیرد. قبل از ثبت نام دانشجویان، ظرفیتهای هر رشته مشخص می شود و با تکمیل ثبت نام امکان پذیرش دانشجویان اضافی وجود ندارد. شرایط پذیرش دانشجویان خارجی به طور شفاف جدای از شرایط پذیرش دانشجویان بومی در وبسایتهای دانشگاههای انگلیس ذکر شده است. این دانشگاهها امکانات فیزیکی مناسبی برای پذیرش دانشجویان بومی و غیربومی در نظر می گیرند. همچنین دانشجویان قبل از انتخاب این دانشگاهها برای ادامه تحصیل می توانند یک بازدید کامل از دانشگاه داشته باشند و با همه شرایط و مکانهای دانشگاه آشنا شوند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد دانشگاههای انگلیس با ارائه فرصتهای آموزشی متنوع و مبتنی بر نیازهای فراگیران به عوامل مؤثر بر موفقیت در حوزه آموزش بین المللی توجه نموده اند. به نظر میرسد دانشگاههای ایران نیز برای رقابت در بازار آموزش عالی پزشکی جهان بهتر است موضوع بین المللی سازی را بیشتر مدنظر قرار دهند و به عوامل تأثیرگذار بر جذب دانشجویان بین المللی در حوزه آموزش پزشکی توجه نمایند.

چالشهای مدیریت آموزش بالینی از منظر مدیران

آموزشی دانشکده های علوم پزشکی در اپیدمی

COVID-19

معصومه ایمانی پور - دانشگاه ع. پ. تهران، سیده فاطمه غیائی - دانشگاه ع. پ. زنجان،

مقدمه: اپیدمی کووید-۱۹ آموزش دانشجویان را در دانشگاه های علوم پزشکی با اختلال مواجه کرد و آموزش مجازی به عنوان راهکاری برای عدم توقف آموزش انتخاب شد. مدیریت شرایط حادث شده ناگهانی مدیران آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی را با چالشهای جدید و پیچیدگی های خاصی روبه رو کرد. هدف مطالعه حاضر تبیین چالش های آموزش بالینی فراوری مدیران آموزشی در دوران اپیدمی کووید-۱۹ بود.

روش اجرا: این مطالعه کیفی با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای قراردادی انجام شد. جامعه پژوهش شامل مدیران گروه های آموزشی و معاونان آموزشی، رؤسا و سایر مدیران آموزشی مرتبط با آموزش بالینی

بود. نمونه گیری به صورت هدفمند و تا زمان اشباع داده ها انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از مصاحبه های عمیق نیمه ساختارمند استفاده شد. مدیریت داده های کیفی با استفاده از نرم افزار MAXQDA و تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای قراردادی انجام شد. برای دستیابی به اعتبار و اعتماد علمی داده های کیفی از معیار های موثق بودن گوبا و لینکولن استفاده شد. یافته ها تجزیه و تحلیل داده های متنی نشان داد که چالش های اصلی پیش روی مدیران عبارت بودند از "مدیریت عدم ثبات شرایط"، "حفظ سلامت و ایمنی"، "حفظ کیفیت آموزشها" و "آماده سازی شرایط و زیرساختها". همچنین مشخص شد مدیران آموزشی دانشکده های علوم پزشکی در زمینه مدیریت بحران، تجربه و دانش کافی نداشته و نیازمند توانمندسازی در این خصوص هستند.

بحث و نتیجه گیری: با عنایت به چالش های مدیران آموزشی در حوزه آموزش بالینی لازم است مدیران و برنامه ریزان آموزشی سطوح بالا و میانی در جهت توسعه انواع روشها و رویکردهای آموزش بالینی که در هر شرایطی کاربرد داشته و کیفیت آموزشها را حفظ نماید، برنامه ریزی آینده نگرانه داشته باشند. همچنین ضروری است برای توانمندسازی مدیران آموزشی در زمینه مدیریت بحران تدابیری اندیشیده شود.

کلمات کلیدی: مدیریت آموزشی، آموزش بالینی، کووید ۱۹

داده ها از مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با ۱۹ نفر از اعضای هیأت علمی گروه های علوم پایه و بالینی دانشکده های پزشکی، پرستاری و مامایی، بهداشت، پیراپزشکی، دندانپزشکی و فناوری های نوین دانشگاه با سوالات باز، انفرادی و چهره به چهره استفاده شد که دارای میانگین سابقه تدریس، ۱۶ سال و ۴۸ درصد مؤنث و ۵۲ درصد مذکر بودند. با تجزیه و تحلیل به روش مقایسه مداوم داده ها، یافته ها در سه درون مایه اصلی مطرح گردید: در درون مایه مفاهیم دانش پژوهی آموزشی سه طبقه مطرح که هر کدام دارای واحدهای معنایی یا کدهایی بود که از سوی اساتید با نقل قولهای متفاوت مطرح گردید. اول: طبقه شناخت دانش پژوهی، دوم طبقه آشنایی با آیین نامه های موجود و سوم طبقه ضرورت ارتقاء با دانش پژوهی. همچنین در درون مایه ساختار دانش پژوهی آموزشی نیز طبقات انگیزه اعضای هیأت علمی و طبقه شفاف سازی اهداف دانش پژوهی طرح شد. در درون مایه فرآیند اجرای دانش پژوهی آموزشی هم با طرح دو طبقه بستر سازی مناسب و عوامل مدیریتی و سازمانی بر اهمیت دانش پژوهی آموزشی تأکید نمودند. اهمیت روزافزون این امر برای اساتید و دانشگاهها واضح می باشد که پیاده سازی مطلوب دانش پژوهی آموزشی نیازمند فراهم سازی زمینه ها و زیرساخت های متعددی است و به مدیران آموزشی دانشگاهی و کشوری توصیه می شود: از یافته های پژوهش برای شناخت ضعفها و نارساییهای موجود استفاده نموده تا در جهت بهینه سازی و اثربخشی دانش پژوهی آموزشی و ارتقاء سطح فعالیت علمی و عملی اساتید و دانشجویان گام برداشت.

واژگان کلیدی: دیدگاه، درک، دانش پژوهی آموزشی، عضو هیأت علمی، علوم پزشکی شهرکرد

تبیین دیدگاه و درک اعضای هیأت علمی از دانش پژوهی آموزشی: یک مطالعه کیفی در دانشگاه علوم پزشکی

شهرکرد در سال ۱۳۹۸

رضا مسعودی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، مرضیه فرهادخانی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، زهرا ایازی وانانی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، سلیمان احمدی.

مرور سیستماتیک الگوهای توسعه حرفه ای رهبران آموزش پزشکی

ماندانا جوانک - دانشگاه ع. پ. گیلان - زهره سهرابی - دانشگاه ع. پ. ایران - سمیه علیزاده - دانشگاه ع. پ. بجنورد.

Introduction: Most academic leaders practice management through trial and error, which is costly and risky. There have been sporadic and limited efforts to develop managers' careers throughout the medical education chain too. Given the multidimensional role of medical education managers, their professional development can have a significant impact on improving the quality of the entire medical education system and can be considered as an effective tool to meet the challenges facing the medical education system in the future. This study seeks to systematically review studies on activities and professional development

مقدمه: نقش آموزش عالی در قرن بیست و یکم، که "قرن دانش بنیان" نامیده شده، در تولید و اشاعه دانش در توسعه کشورها انکار ناپذیر است. توجه به کیفیت آموزش در دانشگاهها و توجه به رشد اعضای هیأت علمی در راستای ارتقاء کیفیت آموزش و تربیت نیروی انسانی کارا، از اهمیت زیادی برخوردار است که فعالیتهای آنها مورد ارزیابی قرار گرفته و در صورت کسب شایستگی ها و امتیازات مربوطه، ارتقاء یابند. "دانش پژوهی آموزشی" راهی برای توسعه آموزش و اتصال آموزش بایادگیری است که می تواند در هر یک از حوزه های فعالیت های آموزشی (تدریس، برنامه ریزی آموزشی راهنمایی و مشاوره، مدیریت آموزشی، ارزیابی فراگیران باشد. در این پژوهش کیفی به روش تحلیل محتوای مرسوم با تمرکز بر تبیین دیدگاهها و درک اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، به موضوع دانش پژوهی آموزشی پرداختیم. جمع آوری

خواجه غیائی - دانشگاه ع. پ. مازندران، مرتضی دارابی نیا، نسیم قهرانی.

مقدمه: سیاست، تصمیم گروهی یا انفرادی آشکار یا غیر آشکاری است که مجموعه ای از رهنمودها برای هدایت تصمیمات آینده، شروع یا کند نمودن یک اقدام، یا راهنمایی اجرایی در مورد تصمیمات قبلی را فراهم می آورد. سلامت، یکی از اساسی ترین نیازهای همه انسانهاست و هیچ یک از افراد جامعه را نمی توان از آن بی نیاز دانست. بنابراین سیاست گذاری بعنوان گام اول برنامه ریزی از اهمیت زیادی در همه حوزه های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بویژه معاونت آموزشی برخوردار است. تدوین سیاست های مطلوب و نظارت مستمر بر اجرای آن در معاونت آموزشی وزارت می تواند کیفیت دانش آموختگان حوزه سلامت را بر اساس نقش های اجتماعی تعیین شده، تضمین کند. این مطالعه با هدف تبیین فرایند سیاست گذاری در معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طراحی شده است.

روش اجرا: تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش گردآوری داده ها، یک پژوهش کیفی است. متناسب با روش پژوهش کیفی از مصاحبه ی باز نیمه ساختار مند که داده ها را استخراج می کند استفاده شده است. جدول ۱- مشخصات مصاحبه شوندگان رتبه علمی - تعداد مدیران ستادی و اجرایی- تعداد سابقه مدیریت به سال- تعداد استاد- ۴ دانشیار- ۵ استادیار- ۴ ستادی - ۶ اجرایی- ۷ بیشتر از ۱۵ - ۳-۱۵ سال - ۱۰-۷ سال - ۳- یافته ها: بخشی از چالش های و راه حل های بدست آمده در این مطالعه به شرح ذیل فهرست شده است: ۱- سیاستگذاری برحسب ظاهر، شورایی و رسمی است ولی در عمل بر اساس علائق و سلائق گروه محدودی شکل می گیرد. ۲- در تدوین سیاست ها کمتر به چشم انداز ۱۴۰۴، نقشه جامع علمی سلامت، سیاست های برنامه پنج ساله توسعه حوزه سلامت، سیاست های کلی نظام سلامت و آئین نامه جامع مدیریت دانشگاهها و موسسات آموزش عالی توجه می شود. ۳- در فرایند سیاست گذاری، مشارکت ذینفعان، موسسات پژوهشی و حضور انجمن های حرفه ای ضعیف است. ۴- جهت حل مشکل در حوزه سلامت بجای انتخاب چند گزینه و اولویت بندی آنها بر اساس معیارها، در اکثر موارد یک گزینه ی سیاستی انتخاب می شود. ۵- ضمانتی در اجرای سیاست های مدیران قبلی برای مدیران بعدی وجود ندارد. ۶- ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مناطق مختلف(دانشگاه ها) در تدوین هر سیاست توسط خبرگان مرتبط مورد واکاوی قرار نمی گیرد.

بحث و نتیجه گیری: نتیجه ی این پژوهش در فرایند سیاست گذاری هفت گام و سه اصل می باشد. از نظر مشارکت کنندگان توجه جدی به سه اصل، قبل از هر تصمیمی، بسیار مهم است. اصل اول: ضمانت اجرای سیاست ها توسط مدیران بعدی در قوانین جاری دیده شود. اصل دوم: بکارگیری مشارکت گسترده ی خبرگان و ذینفعان در انتخاب گزینه های سیاستی در کل فرایند لحاظ گردد. اصل سوم: گروه های

programs of faculty members in medical education leadership

Methods: In this study, existing studies related to professional development models of management and leadership in medical education and higher education in Persian and English between ۱۹۸۰ and ۲۰۲۰ were examined using a systematized review method. The keywords used in this study were: professional development, faculty development, manager empowerment, leader empowerment, faculty empowerment and databases, publications and search engines included Cochrane Database of Systematic Reviews, ERIC, Pub Med, Science Direct, SAGE, Wiley, Pro Quest, Taylor& Francis, Academic Medicine, Medical Education, Google Scholar, Magiran, Iran Medex, and SID. In the initial search ۱۹۱۸ articles were found. After screening and qualitative evaluation of the studies, the final synthesis were performed on ۲۱ studies. The data was analyzed using framework analysis. Results: Synthesis of the articles entered in the study, identified the components and factors affecting on the faculty development process in seven themes including Preparation, Planning, Execution, Evaluation& Feedback, Dimensions of Development (including clinical, Professional, Educational, Organizational, Research, Personal, and Leadership), Resources of Development(including Networking, Workshops& Conferences, Communities of Practice, Mentoring, Reflection and Evaluation) and Effective Factors (including Encouragement& Inspiration, effective communication and Paying Attention to the levels of Development).

Conclusion: Considering the seven themes derived from this systematized review can be used to develop a model for faculty development in medical education leadership.

keywords: Professional Development, Faculty Member, Leadership, Systematized Review

احصاء چالش های سیاست گذاری در معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ارائه راه حلها - ۱۳۹۹

حسین جلاهی - دانشگاه ع. پ. مازندران، محمدرضا اندرواز - دانشگاه ع. پ. مازندران، مریم نعمتی - دانشگاه ع. پ. مازندران، رقیه ولی پور

فشار و غیرفنی در فرایند سیاست گذاری حذف شوند. هفت گام به شرح ذیل می باشد: گام نخست، تعریف و تبیین مسئله گام دوم، بررسی و تحلیل وضعیت گذشته و حال در کشور و کشور های موفق در حوزه ی آموزش است. گام سوم، انتخاب چند گزینه ی سیاستی و اولویت بندی آنها و اجرای بهترین سیاست بصورت آزمایشی و محدود در سه نوع (تیپ) دانشگاهی. گام چهارم، اثرات سیاست اجرایی شده ارزیابی شود. گام پنجم، در صورت موفقیت در سیاست اجرا شده، به کل کشور تسری داده شود. در گام ششم، ارزیابی بصورت دوره ای با فاصله ی زمانی معین ادامه یابد تا اشکالات و نواقص مرتفع و سیاست اجرایی شده استقرار یابد. گام هفتم، در صورت شکست سیاست، علت یا علل مکتوب، چرخه ی فرایند شروع و گزینه ی بعدی انتخاب شود.

کلمات کلیدی: فرایند سیاست گذاری- معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشک

شناسایی آسیب ها و چالش های مدیریتی آموزش مداوم پزشکی (یک مطالعه پدیدار شناسی)

بهرام جلیل زاده امین - دانشگاه ع. پ. تبریز.

مقدمه: این پژوهش با هدف تبیین تجربه متخصصان مدیریت در شناسایی آسیب ها و چالش های آموزش مداوم پزشکی انجام شد. مطالعه حاضر در سال ۱۳۹۹ با رویکرد کیفی، از نوع پدیدار شناسانه با نمونه گیری هدفمند و با مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته با ۱۹ نفر از اساتید آموزش مداوم پزشکی و متخصصان برنامه ریزی درسی انجام گرفت.

روش اجرا: روش پژوهش از حیث هدف کاربردی و نمونه گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن داده ها به حد اشباع ادامه یافت و منجر به انتخاب ۱۹ نفر از اساتید آموزش مداوم پزشکی و متخصصان برنامه ریزی درسی شد. و نیز تجزیه و تحلیل متن مصاحبه ها با روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. راهبردهای اعتباربخشی به داده ها با استفاده از روش های ممیزی بیرونی، چند سویه سازی، بازبینی اعضا و درگیری طولانی مدت پژوهشگر در جریان مصاحبه انجام شد. طور کلی ۵ مضمون اصلی و ۱۲ مضمون فرعی استخراج شده که مضمونهای اصلی عبارتند از چالش های اصلی آموزش مداوم پزشکی، عدم استفاده از الگوی مناسب تدریس، عدم کنش پژوهی فردی و گروهی، چالش جانی، و بهره گیری از این دو دانش تخصصی در آموزش پزشکی و مضمون های فرعی عبارتند از عدم نظارت بر اجرای صحیح آموزش، فقدان سیستم ارزشیابی از یادگیری واقعی، عدم نیاز سنجی واقعی محتوای آموزش، عدم برنامه ریزی برای مهارت آموزان، عدم مدیریت اثر بخش آموزش برای پزشکان، فقدان بکارگیری روش های فعال تدریس، عدم انگیزش پزشکان به یادگیری، فقدان انتقال تجربیات

زیسته پزشکان عمومی، الزام آموزش پژوهی، مشکلات ساختاری نظام آموزش مداوم پزشکی، ایجاد بستر لازم برای یادگیری الکترونیکی، بهره گیری از دانش تله مدیسن.

بحث و نتیجه گیری: مطابق با نتایج پژوهش، در بخش کیفیت آموزش مداوم پزشکی برای پزشکان عمومی باید نظارت صحیحی و جدی مورد مذاقه قرار گیرد و برای ارزشیابی از یادگیری ها سیستم جامع طراحی کرد تا میزان یادگیری واقعی را بتوان سنجش پذیر کرد از سوی دیگر باید برای انتقال تجربیات زیسته پزشکان بستر مناسبی فراهم کرد تا بتوانند در مهارت افزایی به یکدیگر و ارتقا دانش تخصصی گام موثری بردارند و همچنین امکانات و تجهیزات مناسب یادگیری الکترونیکی را باید در سیستم آموزش مداوم پزشکی جهت رفع مشکلات کمبود زمان و سایر مشکلات ساختاری را راه اندازی بکنند.

تبیین شاخص های مزیت های رقابتی آکادمیک دانشگاه های علوم پزشکی در مسیر نیل به مرجعیت علمی: یک تحلیل محتوای کیفی

مریم حسینی ابرده - بدون وابستگی دانشگاهی، رویا صادق زارعی - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، شهرام یزدانی.

مقدمه: ما در جهانی بسر می بریم که روند تغییرات و تحولات شتاب چشمگیری بخود گرفته است (۱) و حفظ بقای سازمانها در محیط رقابتی دنیای امروز، راهی جز کسب مزیت رقابتی برای آنها باقی نمی گذارد. پژوهشهای دو دهه اخیر نشان داده اند مزیت های مبتنی بر قابلیت های درونی سازمانها بهتر از فرصتهای محیطی می توانند موقعیت رقابتی سازمانها را تعیین کنند و مبنای مطمئن تری برای مزیت رقابتی هستند. (۲) دست یابی به هماهنگی و یک حلقه مناسب ارتباطی بین محیط یک سازمان و سطوح مختلف استراتژی، از الزامات موفقیت در یک محیط رقابتی است. (۳) سیاست گذاران و برنامه ریزان حوزه های کلان علمی کشور با برنامه ریزی، تفکر راهبردی و سیستمی، بسیج امکانات مادی و معنوی کشور و کنترل بسیاری عوامل اثرگذار فاصله های موجود را کاهش می دهند و توان رقابتی را افزایش و به سمت مزیت رقابتی حرکت می کنند (۴) برای اینکه کشور عزیزمان با محوریت و نظام جمهوری اسلامی بتواند جایگاه و نقش بیش از پیش خود را در این عرصه به جهانیان نشان دهد و جهانیان را به خود جذب نماید و در دور حلقه قدرتمند نظام اسلامی گردآورد، نیازمند آنست که برتری و مزیت های رقابتی خویش را در عرصه های مختلف علمی و اقتصادی و اجتماعی به جهانیان بنمایاند. (۱) از این رو تعیین شاخص های مزیت های رقابتی دانشگاه ها از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. هدف از این مطالعه تبیین شاخص های مزیت های رقابتی آکادمیک دانشگاه های علوم پزشکی در مسیر نیل به مرجعیت علمی از

دیدگاه صاحب نظران این حوزه می باشد. روش مطالعه: این مطالعه کیفی، از نوع تحلیل محتوا و با مشارکت ۵ صاحب نظر در حوزه مرجعیت علمی بود که با روش نمونه گیری هدفمند و با تنوع سمت و رشته آنان انتخاب شدند و اطلاعات با استفاده از مصاحبه عمیق و بدون ساختار جمع آوری گردید. تحلیل داده ها همزمان با جمع آوری داده ها انجام گردید و تا رسیدن به اشباع ادامه یافت. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از شیوه تحلیل محتوا با رویکرد استقرایی استفاده شد. جهت افزایش اعتبار و باورپذیری یا مقبولیت داده ها از تحلیل همزمان آنها، درگیری طولانی مدت با موضوع تحقیق، انتخاب خبرگان و استفاده از نظرات آنها، استفاده شد. همچنین در انتخاب مشارکت کنندگان حداکثر گوناگونی رعایت گردید. داده ها مکرراً توسط سه پژوهشگر مرور گردید. داده های تحقیق شامل، متن مصاحبه های پیاده سازی شده بود که با استفاده از شیوه استقرایی به کدها، طبقات شکسته شدند و نهایتاً طبقات اصلی یا تم های نهایی از آنها انتزاع گردید.

یافته ها: یافته های این پژوهش شامل ۱۸۱ کد، چهارتم شامل (۱) فعالیت های برجسته دانشی که درای طبقات، پژوهش (تولید دانش)، آموزش (انتقال دانش)، مدیریت و ترجمان دانش، خدمات (کاربست دانش) (۲) گسترش اقدام و دسترسی در محیط پیرامونی که طبقات نقش آفرینی کلیدی در محیط صنعت، خدمت، نقش آفرینی کلیدی در محیط سیاسی، نقش آفرینی کلیدی در محیط اجتماعی (جامعه)، نقش آفرینی کلیدی در محیط جامعه علمی ملی، نقش آفرینی کلیدی در محیط جامعه علمی بین المللی و نهادهای علمی بین المللی (۳) تاثیرگذاری بنیادین در سطح دیسیپلین دارای طبقه، نظریه پردازی و توسعه مبانی نظری رشته (۴) منابع وزیر ساخت دارای طبقات هیات علمی، data base، زیر ساخت انتزاع گردید.

بحث و نتیجه گیری: لازمه تعیین مزیت های رقابتی دانشگاه های علوم پزشکی تعیین شاخص هایی جهت اندازه گیری و عینی سازی این مزیت ها می باشد. در مطالعه حاضر این شاخص ها با توجه به نظرات صاحب نظران این حوزه تبیین گردید و در مطالعات آتی در حوزه مرجعیت علمی مورد استفاده قرار گرفت.

ارائه الگوی توانمندسازی پویای مدیران آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی: یک مطالعه کیفی

شهرام شایان - فریبا جوکار - مهدی باقری - دانشگاه ع. پ. مازندران

مقدمه: مدیران دانشگاه های علوم پزشکی بعنوان سازمان های آموزشی تأمین کننده نیروی انسانی نظام سلامت و به تبع آن توجه به توسعه حرفه ای آنان می تواند نقش تأثیرگذاری در بهبود کیفیت آموزش علوم پزشکی داشته باشد. توسعه توانمندی حرفه ای که هدف آن به طور خاص متوجه مدیریت و رهبری در آموزش علوم پزشکی باشد اهمیت

ویژه ای دارد و مدل توانمندسازی پویا می تواند راهنمایی برای برنامه های توسعه حرفه ای حال و آینده در زمینه تربیت مدیران و رهبران ارائه دهد. این مطالعه با هدف ارائه الگوی توانمندسازی پویای مدیران آموزش علوم پزشکی انجام شد. روش بررسی: این پژوهش مطالعه ای کیفی است که به روش تحلیل محتوا در دانشگاه های علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۹۹ با ۲۵ نفر از مدیران آموزش علوم پزشکی انجام شد. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع آوری شد و به روش تحلیل محتوای کیفی قراردادی مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: ۷۲۳ کد اولیه در ۵۹ کد مفهومی قرار گرفت که در مجموع در ۲۱ زیر مؤلفه و ۷ بعد اصلی توانمندسازی پویای مدیران تقسیم شد. ابعاد اصلی توسعه عوامل سازمانی (۴ زیر مؤلفه)، توسعه مهارت های فردی (۴ زیر مؤلفه)، فناوری و اطلاعات (۱ زیر مؤلفه)، عوامل و مهارت های مدیریتی (۴ زیر مؤلفه)، رهبری آموزشی (۵ زیر مؤلفه)، عوامل محیطی (۱ زیر مؤلفه) و هدایت آموزشی (۲ زیر مؤلفه) بودند.

بحث و نتیجه گیری: ابعاد هفت گانه توانمندسازی پویای مدیران آموزش علوم پزشکی در این پژوهش به عنوان الگویی برای برنامه های توسعه حرفه ای مدیران آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی، می تواند پیامدهای مثبتی در جهت ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی داشته باشد. بیشترین کدهای اشاره شده مربوط به توسعه مهارت های رهبری آموزشی بود. این نشان می دهد که برگزاری دوره های توانمندسازی که بتواند در ارتقاء مهارت های رهبری مدیران آموزشی مؤثر باشد، اهمیت بیشتری خواهد داشت.

سیاست های محوری آموزش عالی در جهان

میترا سرشار - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی.

مقدمه: به اشتراک گذاشتن تجربیات و آموختن از تجربیات موفق دیگران بخشی از ضروریات بهبود مداوم است. به قول سادلر میزان استفاده از مطالعه نظامهای آموزشی خارجی تا حد آموختن اموری است که ارزش عملی داشته باشند. با توجه به اینکه کشورمان پیشستازی در حوزه علم و فناوری در منطقه را سرلوحه قرار داده است. از اینرو شناسایی مسیر حرکت و تجارب موفق، نظامهای توسعه یافته آموزش عالی جهان که دارای رتبه های برتر در بسیاری از حوزه های عملکرد آموزش عالی (نوآوری، رابطه صنعت دانشگاه، پرورش و کاربرد نخبگان، تأمین پوشش کامل آموزش عالی برای همه و ...) است، می تواند الگوی مناسبی برای آموزش عالی در کشورمان باشد. هدف پژوهش: شناسایی سیاست های نظامهای آموزش عالی در کشورهای منتخب و تدوین تاکسونومی جامع سیاست های نظام آموزش عالی.

روش اجرا: در این مطالعه تاکسونومی جامع سیاستهای آموزش عالی طی دو مرحله بدست آمد: الف: تدوین تاکسونومی سیاستهای آموزشی

شناسایی نیازهای نظام سلامت و جامعه جهت طراحی آموزش پاسخگو در رشته فن آوری اطلاعات سلامت

زهرا میدانی - دانشگاه ع. پ. کاشان، مهرداد فرزندی پور - دانشگاه ع. پ. کاشان، فاطمه رنگرز جدی - دانشگاه ع. پ. کاشان، زهره مبارک قمصری - دانشگاه ع. پ. کاشان، سحر زارع - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه: امروزه تدوین برنامه درسی و تعیین نیازهای آموزشی دانشجویان مستلزم شناخت نیازهای جامعه و ذی نفعان در راستای آموزش پاسخگو (Social accountable medical education: SAME) است. شناخت نیازها و اولویت های آموزش پاسخگو مسئله ای مهم در فراگیری آموزش های لازم و توانمندسازی هرچه بیشتر دانشجویان در پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه و ارائه خدمات بهداشتی درمانی با کیفیت توسط دانشگاه ها است. علیرغم این اهمیت مطالعات انجام شده در ایران موید این مطلب است که جایگاه های شغلی رشته HIT به خوبی مشخص نشده است و بسیاری از مهارت های فراگرفته شده دانشجویان با صلاحیتهای حرفه ای مورد نیاز نظام سلامت همخوانی ندارد. لذا ضروری است نیازها و اولویت جامعه در ابتدا تدوین شود تا در راستای این نیازها و انتظارات جایگاه های شغلی و برنامه درسی متخصصان فناوری اطلاعات سلامت طراحی گردد.

روش اجرا: این مطالعه به روش میکس متد و با استفاده از رویکردهای کمی و کیفی انجام شد. ابتدا با استفاده از روش بحث گروهی (Focus Group discussion) نیازهای جامعه در حوزه های اصلی رشته فن آوری اطلاعات سلامت استخراج شد و برای تعیین صلاحیت ها و سپس عناوین و محتوی سرفصل از روش گروه متمرکز استفاده شد. دو جلسه سه ساعته با حضور تیم خبرگان شامل مشخصات اعضای تیم خبرگان شامل متخصصان مدیریت اطلاعات سلامت، انفورماتیک پزشکی، آمار حیاتی، اپیدمیولوژی، کارشناسان بیمه تامین اجتماعی، کارشناسان بیمارستان عمومی آموزشی، مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، فن آوری اطلاعات، پزشکان و پرستاران، معاونت بهداشتی و معاونت درمان دانشگاه تشکیل شد. نتایج بحث های گروهی بصورت تحلیل تماتیک تحلیل و ارزیابی شد. سپس برای اولویت بندی حوزه های توانمندی های اصلی این رشته از روش تصمیم گیری چند معیاره استفاده شد. بعد از شناسایی و اولویت بندی نیازها، کلیه نیازهای جامعه در قالب پرسشنامه طراحی شد و در اختیار خبرگان متخصصان فن آوری اطلاعات دارای مدرک کارشناسی و بالاتر قرار گرفت. برای تحلیل و اجماع بر روی حیطه های اصلی رشته فن آوری اطلاعات سلامت از تکنیک دلفی و شاخص های آمار توصیفی (فراوانی و مجموع امتیازات) استفاده شد. حیطه هایی که میزان توفیق خبرگان با آنان ۷۵ درصد یا بیشتر بود مورد قبول قرار می گرفتند؛ حیطه هایی با میزان توافق ۵۰ درصد حذف می شدند. حیطه هایی با میزان توافق ۵۰-۷۵ درصد به نظر خواهی مجدد گذاشته می شدند تا اجماع حاصل گردد.

در سایر کشورها و قاره های مختلف جهان با روش مبتنی بر چارچوب یا ترکیب شواهد بر مبنای چارچوب "Framework - based synthesis" انجام گردید. در این متد اطلاعات بدست آمده در یک پژوهش به اطلاعات بدست آمده از پژوهشهای قبلی اضافه می گردد. استفاده از این متد، مطالعات قبلی را غنی تر نموده و در نهایت می توان به نتایج بهتر و توسعه یافته تری دست یافت. داربست Framework این مطالعه، شامل سیاستهای محوری یا تمهای اصلی که از پژوهشی که در مورد "دستیابی به سیاستهای محوری آموزش عالی سلامت" بود. سیاستهای آموزشی و کلیه اطلاعات مرتبط مثل ساختار و سابقه آموزش عالی، برای ۱۷ کشور جمع آوری گردید کشورها از پنج قاره و عموماً کشورهای پیشرو در آموزش عالی در هر قاره انتخاب گردید. نهایتاً طبق چارچوب فوق، سیاستهای بدست آمده از کشورهای مختلف، دسته بندی شدند. تاکسونومی اولیه سیاستهای آموزش عالی طبق اطلاعات بدست آمده در این مرحله تدوین گردید. ب: انجام دلفی و توافق متخصصین و صاحب نظران جهت دستیابی به تاکسونومی جامع آموزش عالی فرایند دلفی طی دو راند و با استفاده از نظرات ۱۵ نفر از سیاستگذاران آموزش پزشکی انجام گردید یافته ها: در نهایت، مجموعاً ۶ عنوان سیاستی محوری که بعنوان چارچوب این مطالعه استفاده شد و ۴۱ عنوان کلی سیاستی و ۱۸۳ زیر عنوان سیاستی در این پژوهش بدست آمد. سیاستهای محوری که بعنوان Framework مورد استفاده قرار گرفت، شامل موارد ذیل می باشد: ۱- توسعه سیاست های نظام آموزش علوم پزشکی ۲- تضمین همراستایی عملیات با سیاستها در نظام آموزش پزشکی (تحکیم حاکمیت) ۳- سیاست های مرتبط به توسعه آموزش علوم پزشکی ۴- ارزشمندی در آموزش علوم پزشکی ۵- شبکه سازی و توسعه تعاملات نظام آموزش پزشکی ۶- توسعه پژوهش، مدیریت و ترجمان دانش آموزش علوم پزشکی سیاستهای آموزش عالی بدست آمده از کشورهای منتخب طبق سیاستهای محوری فوق، دسته بندی شدند و تاکسونومی اولیه آموزش عالی تدوین گردید. نتایج بدست آمده در مرحله اول این پژوهش پس از انجام دلفی و اخذ نظرات متخصصین طی دو راند ۵۱ زیر عنوان سیاستی در آموزش عالی به تاکسونومی بدست آمده اضافه گردید و تاکسونومی جامع سیاستهای آموزش عالی بدست آمد.

بحث و نتیجه گیری: مطالعه سیاستهای آموزشی در سایر کشورها خصوصاً کشورهای موفق در آموزش عالی کمک می کند که ما از تجربیات کشورهای پیشرو در سیاستگذاری استفاده نموده و سیاستهای کنونی را اصلاح و یا تغییر دهیم. لذا می توان از تاکسونومی سیاستی فوق برای توسعه سیاستها در حوزه هایی که توجه کمتری شده و اصلاح سیاستها برای حوزه هایی از آموزش عالی که بیش از اندازه و بدون منطق به آنها پرداخته شده استفاده کرد.

یافته ها: بیشترین شرکت کنندگان در این مطالعه را زنان ۴۳ نفر (۵، ۷۰ درصد) و بیشترین متخصصان فارغ التحصیل رشته مدارک پزشکی و فن آوری اطلاعات سلامت و مدیریت اطلاعات سلامت ۴۰ نفر (۶، ۶۵ درصد) را تشکیل می داد. بیشترین سمت افراد شرکت کننده در این مطالعه را مسئولین بخش های فن آوری اطلاعات سلامت و اعضای هیات علمی ۲۰ نفر (۸، ۳۲ درصد) تشکیل می داد. بیشترین توافق خبرگان در خصوص نیازهای جامعه در حوزه فن آوری اطلاعات سلامت به ترتیب به مدیریت اطلاعات بیمه و کسورات بیمارستانی ۴۹ نفر (۳، ۸۰ درصد)، مدیریت آمار و اطلاعات بیمارستانی ۴۴ نفر (۱، ۷۲ درصد)، کامپیوتر و برنامه های کاربردی و فن آوری اطلاعات سلامت ۴۱ نفر (۲، ۶۷ درصد) اختصاص داشت. از بین هفت نیازهای شناسایی شده جامعه در حوزه فن آوری اطلاعات سلامت پنج مورد تایید خبرگان قرار گرفتند و دو مورد طبقه بندی و کدینگ بیماران سرپایی و مدیریت آمار و اطلاعات در حوزه بهداشت عمومی (پیشگیری و سالمندی) با کسب نمره زیر ۷۵ درصد از لیست اولویت های حذف شدند.

بحث و نتیجه گیری: بطور یقین آموزش پاسخگو از طریق هدایت کلیه فعالیت های آموزشی، پژوهشی و خدماتی می تواند حلقه مفقوده بین دانشگاه، نظام سلامت و جامعه را در رشته فن آوری اطلاعات سلامت ایجاد نماید لذا ضروری است سایر حیطه های مرتبط با نیاز جامعه شامل طبقه بندی و کدینگ بیماران سرپایی و مدیریت آمار و اطلاعات در حوزه بهداشت عمومی (پیشگیری و سلامت سالمندی) در سایر مقاطع این رشته مد نظر قرار گیرد.

آسیب شناسی بسته های تحول و نوآوری در آموزش

پزشکی

راضیه قرباندوست - دانشگاه ع. پ. قزوین، حسین عباسیان - حمیدرضا آراسته - حسن رضا زین آبادی .

مقدمه: حوزه آموزش یکی از حوزه های زیربنایی نظام سلامت است و برای تحول در این حوزه باید تربیت نیروی انسانی سلامت متحول شود، سند تحول و نوآوری فرصتی استثنایی برای دست اندرکاران حوزه آموزش و مسئولین دانشگاه ها است تا بتوانند در زمینه ارتقای آموزش علوم پزشکی کشور گام بردارند. یکی از مهم ترین اقداماتی که سازمان های موفق برای ارتقای اثربخشی خود انجام می دهند. آسیب شناسی صحیح و به موقع می باشد که منجر می شود مدیران از مسایل و مشکلات جاری سازمان خود مطلع شوند تا از حد شدن آن جلوگیری نمایند. پژوهش حاضر به منظور شناسایی آسیب های وضعیت موجود بسته های تحول و نوآوری در آموزش پزشکی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور انجام گرفت. روش ها: این مطالعه کیفی از نوع تحلیل موضوعی است. جامعه آماری کلیه صاحب نظران، مطلعین کلیدی و افراد درگیر در اجرای بسته های تحول و نوآوری در آموزش پزشکی بود

که با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند با تکنیک گلوله برفی ۲۴ نفر به عنوان مشارکت کنندگان در پژوهش انتخاب شدند. تحلیل داده ها با نرم افزار مکس کیودا (Maxqda) انجام شد. برای بدست آوردن اعتبار و روایی داده ها از روش بازبینی مشارکت کننده و مرور خبرگان غیرشرکت کننده در پژوهش استفاده شد.

یافته ها: براساس نتایج بدست آمده از مطالعه کیفی ۹ طبقه اصلی یعنی آسیب های اجرایی، ساختاری، سیاستی، محیطی، مدیریتی، انگیزشی، تطابق توانایی ها و شغل، فرهنگی بسته ها شناسایی شد. بیشترین آسیب های اشاره شده توسط مشارکت کنندگان مربوط به مشکلات اجرایی در سطح دانشگاه، کلان منطقه و آسیب های انگیزشی بود کمترین آسیب ها اشاره شده مربوط به آسیب های مدیریتی است.

بحث و نتیجه گیری: شناسایی آسیب ها و مشکلات موجود در اجرای بسته های تحول و نوآوری در دانشگاه ها، می تواند پیامدهای مثبتی در جهت ارتقاء کیفیت آموزش پزشکی داشته باشد. بیشترین کدهای اشاره شده مربوط به مشکلات در چگونگی اجرای بسته ها در دانشگاه ها بود، این نشان می دهد که عدم آگاهی اعضای هیات علمی از بسته های تحول و درگیر نبودن دانشجویان در اجرای بسته ها، در پیاده سازی بسته ها اهمیت زیادی خواهد داشتو سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزش پزشکی می توانند با شناسایی آسیب های اجرایی بسته های تحول به رفع نواقص موجود پرداخته و راهکارهای اجرایی موثری جهت پیاده سازی بهینه بسته ها ارائه نمایند. کلیدواژه ها: تحول، نوآوری، آموزش پزشکی، آسیب شناسی

مشاوره و حمایت دانشجویی

ارزیابی مهارت های ارتباطی بین فردی و عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشکده پزشکی مقطع بالینی

دانشگاه علوم پزشکی شیراز

علی اصغر حیات - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، سولماز زارع - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، محمدحسن کشاورزی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، سید علی اکبر فقیهی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، زهرا صفاری - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، رحمت اله عرب زاده - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، مریم امیری نیا - دانشگاه ع. پ. شیراز، مارال استوارفر - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: توانایی دانشجویان علوم پزشکی در برقراری ارتباط و همچنین استفاده مناسب از مهارت های ارتباطی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت یادگیری آنان بوده و موجب ارتقای عملکرد آنها در محیط های بالینی می گردد. همچنین مهارت های ارتباطی بین فردی برای تمامی افراد به خصوص افراد مؤثر در تیم های بهداشتی درمانی به منظور برقراری ارتباط مؤثر با همکاران و بیماران مورد نیاز بوده و موجب تسهیل برقراری و استحکام ارتباطات فرد با سایر افراد جامعه می شود. بررسی مطالعات در رابطه با ارتباط مؤثر پزشک با بیمار نشان از تأثیر مثبت آن در نتیجه توجه به تفکرات، احساسات، توقعات بیمار، تشویق آن ها برای پرسیدن سوال و اجازه دادن به بیماران برای پرسیدن سوال دارد. این اثرات در کاهش اضطراب، پریشانی روانی، تسکین درد، رفع علائم، بهبود خلق و خو و کاهش فشار خون نقش دارد. همچنین نشان داده شده است که بهبود ارتباطات باعث افزایش رضایتمندی از بیماران، همکاری بیماران، کاهش طول مدت درمان، کاهش در مصرف مسکن ها و کاهش مدت زمان بستری در بیمارستان می شود. دانشجویان علوم پزشکی با توجه به این که در آینده در نقش کادر درمانی و بهداشتی مشغول به فعالیت خواهند شد، نیاز جدی به کسب این مهارت های ارتباطی دارند. از طرفی بخشی از آموزش های دانشجویان علوم پزشکی در بیمارستان و محیط های بالینی انجام می گیرد، لذا لازم است که با برقراری ارتباط مؤثر و هدفمند با تیم درمانی و همکاران و همچنین بیماران اهداف درمانی و آموزشی به بهترین نحو ممکن پیگیری شود. این مطالعه به ارزیابی مهارت های ارتباطی بین فردی و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان شاغل به تحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۸ پرداخته است.

روش اجرا: جامعه دانشجویان پزشکی مقاطع علوم بالینی استیودنت، اکسترن و اینترن به تعداد ۷۵۰ نفر می باشند. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۷۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای اینکه از تمامی این مقاطع نمونه ما انتخاب گردد دانشجویان از روش نمونه گیری طبقه ای نسبی انتخاب شدند. معیار ورود به پژوهش تمایل دانشجویان مقاطع اینترن، اکسترن و استیودنت می باشد و معیار خروج عدم

رضایت دانشجویان و پرسشنامه های تکمیل نشده دانشجویان در نظر گرفته شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه استاندارد کوبین دام بود. نرمال بودن داده ها با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و از آزمون کروسکال-والیس جهت تجزیه و تحلیل استفاده شد. بعد از گردآوری پرسشنامه ها، داده های دموگرافیک و نمره حاصل از هر پرسشنامه استخراج گردید و وارد نرم افزار SPSS ۱۶ گردید. جهت آنالیز داده ها و سطح مهارت های ارتباطی دانشجویان مورد مطالعه، نمونه ها براساس جنسیت، مقطع تحصیلی و حضور در کلاس های مهارت های ارتباطی با هم مقایسه شدند. به منظور بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. براساس این آزمون نمره کسب شده دانشجویان از پرسشنامه مهارت های ارتباطی بین فردی از توزیع غیرنرمال برخوردار بود ($P = 0.019$) که به همین علت از آزمون های ناپارامتری جهت تعیین ارتباط میان متغیرها استفاده شد. آزمون ناپارامتری استفاده شده در این مطالعه آزمون کروسکال-والیس می باشد.

بحث و نتیجه گیری: در ارتباط با مهارت ارتباطی بین فردی دانشجویان با مقطع تحصیلی، میانگین نمرات دانشجویان مقطع استیودنتی 11.62 ± 9.7 ، دانشجویان مقطع اکسترنی 10.21 ± 10.16 و دانشجویان مقطع اینترنی 13.8 ± 10.1 می باشد. ارتباط میان مقطع تحصیلی و نمره دانشجویان از لحاظ آماری معنی دار می باشد ($P \text{ value} = 0.042$). میانگین نمره ارتباط بین فردی در مردان کمتر از زنان بود؛ به این صورت که میانگین نمره مردان 15.95 ± 8.5 و زنان 11.04 ± 5.7 می باشد. ارتباط بین جنسیت و نمره مهارت های ارتباطی بین فردی از لحاظ آماری معنادار است ($P \text{ Value} = 0.039$). میانگین نمره افراد شرکت کننده در کلاس ها 13.86 ± 12.40 و افرادی که در کلاس ها شرکت نکردند 13.39 ± 10.3 است. ارتباط میان نمره مهارت ارتباطی میان فردی و شرکت در کلاس های مهارت های ارتباطی از لحاظ آماری معنی دار می باشد ($P \text{ value} = 0.047$).

بحث و نتیجه گیری: جنسیت، مقطع تحصیلی و شرکت در کلاس های مهارت ارتباطی عواملی بودند که ارتباط معناداری با سطح مهارت های ارتباطی بین دانشجویان شرکت کننده در این پژوهش داشتند. زنان، اینترن ها و افراد شرکت کننده در کلاس مهارت های ارتباطی بهتری نسبت به سایرین داشتند. با توجه به این موضوع که مهارت های ارتباطی بهتر در دانشجویان پزشکی می تواند در آموزش آن ها و همچنین برخورد بهتر با بیماران مؤثر باشد پیشنهاد می شود از آن جا که حضور در کلاس ها بر مهارت های ارتباطی تأثیر معناداری داشت برای سایر دانشجویان نیز این کلاس ها برگزار شود. همچنین پیشنهاد می شود این پژوهش بر روی دانشجویان غیربالینی نیز انجام شود.

کلمات کلیدی: دانشگاه علوم پزشکی، مهارت ارتباطی، دانشجوی پزشکی

بررسی دیدگاه دانشجویان از حمایت اساتید مشاور و واحد آموزش دانشکده پرستاری و مامایی همدان ۱۳۹۸

طیبه حسن پهرانی - سیده زهرا معصومی قاضی نوری - خدایار عشوندی - ملیحه سراج - زهره آب آب زاده - نرگس صادقی - دانشگاه ع. پ. همدان فرناز حسن پهرانی - دانشگاه ع. پ. همدان.

مقدمه: دانشگاه‌ها مسوولیت خطیری در تربیت، آموزش و پرورش دانشجویان دارند و برای رسیدن به این هدف، ارائه مشاوره و راهنمایی تحصیلی از طریق اساتید و کارکنان آموزشی به دانشجویان یک ضرورت است. راهنمایی و مشاوره ناکافی و نامناسب می‌تواند دانشجویان را در دستیابی به اهداف آموزشی و حرفه‌ای دچار مشکل و اختلال نماید. در حالی که مشاوره مناسب، از طرف مراجع با صلاحیت، می‌تواند منجر به حل مشکلات دانشجویان شده و حتی فرصت‌هایی برای رشد و تغییر الگوی رفتاری آنان فراهم نماید. مشاوره تحصیلی و مراقبت‌های روان شناختی، بطور کلی بر بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان موثر بوده و تاثیر آن برای دانشجویانی که پیشینه تحصیلی بهتر داشتند، بیشتر بوده است. لذا این مطالعه با هدف بررسی دیدگاه دانشجویان از حمایت اساتید مشاور و واحد آموزش در دانشکده پرستاری و مامایی همدان در سال ۱۳۹۸ انجام گرفت تا با ارائه نتایج حاصل در راستای ارتقای ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی در رفع مسائل و مشکلات دانشجویان گامی برداشته شود.

روش اجرا: این پژوهش، یک مطالعه توصیفی-مقطعی است که در سال ۱۳۹۸ در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی همدان، انجام شد. جامعه پژوهش شامل دانشجویان پرستاری و مامایی مشغول به تحصیل دانشکده پرستاری و مامایی بودند. ۱۲۲ دانشجوی پرستاری و مامایی در مقاطع مختلف با استفاده از نمونه گیری طبقه‌ای به روش تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده شامل سه قسمت بود بخش اول، اطلاعات دموگرافیک دانشجویان (سن، جنس، مقطع تحصیلی، ترم تحصیلی، رشته تحصیلی)، بخش دوم سؤالات مربوط به عملکرد اساتید مشاور بود. این پرسشنامه شامل ۸ سوال در ارتباط با دیدگاه دانشجویان در رابطه با حمایت استاد مشاور بود. بخش سوم سؤالات مربوط به عملکرد کارکنان واحد آموزش بود. این پرسشنامه شامل ۸ سوال در ارتباط با دیدگاه دانشجویان در رابطه با حمایت کارکنان واحد آموزش بود. در هر دو پرسشنامه جهت نمره دهی از معیار ۵ درجه‌ای لیکرت (۵ عالی ۴ خوب ۳ متوسط ۲ ضعیف و ۱ نظری ندارم) استفاده شد. در هر دو پرسشنامه حداقل نمره ۰ و حداکثر نمره ۴۰ در نظر گرفته شد. پرسشنامه‌ها پس از بررسی مطالعات مشابه و آیین‌نامه‌ها طراحی گردید و سپس جهت بررسی روایی از نظرات متخصصان رشته مربوطه استفاده شد. پایایی پرسشنامه نیز در یک مطالعه مقدماتی و براساس فرمول ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha = 0.92$) محاسبه

گردید. پژوهشگران با حضور در محل مطالعه و جلب رضایت دانشجویان، پرسشنامه‌ها را در اختیار آنان قرار داده تا تکمیل نمایند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS با روش‌های آماری توصیفی (توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و مقایسه گروه‌ها با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی و تی تست و آنالیز واریانس مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: نتایج بدست آمده نشان داد میانگین سنی دانشجویان مورد پژوهش ۳۰، 1 ± 39.25 بود. ۲، ۴۳ درصد زن و ۶، ۵۶ درصد مرد بودند. در رابطه با حمایت اساتید مشاور، بیشترین درصد ۴۰، 1 ± 79.3 مربوط به سوال ۴ (احترام آمیز بودن برخورد استاد مشاور با دانشجو) و کمترین درصد ۵۱، 1 ± 22.3 حمایت مربوط به سوال شماره ۸ (توجه به استرس‌های دانشجو و در صورت نیاز ارجاع به مرکز مشاوره) بود. همچنین در رابطه با دیدگاه دانشجویان در زمینه حمایت واحد آموزش بیشترین درصد ۸۷، 0 ± 21.4 مربوط به سوال ۴ (میزان دسترسی به کارشناسان آموزش) و کمترین درصد ۱۴، 1 ± 96.3 حمایت مربوط به سوال شماره ۸ (میزان همکاری در رفع مشکلات مطرح شده) بود. همچنین ارتباط معنی‌داری بین مقطع تحصیلی و حمایت واحد آموزش از دانشجویان و رشته تحصیلی وجود داشت ($P < 0.01$). همچنین مشاور ارتباط معنی‌دار و مستقیم وجود داشت ($P < 0.01$). همچنین ارتباط در سایر اطلاعات دموگرافیک و حمایت معنی‌دار نبود.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج مطالعه نشان داد دانشجویان وضعیت عملکرد اساتید مشاور و کارکنان آموزش را در ارتباط با حمایت آنها نسبتاً مطلوب گزارش کردند. با توجه به نتایج مطالعه پیشنهاد می‌شود برای اساتید و کارکنان آموزش مشوق‌های لازم برای اختصاص زمان کافی در نظر گرفته شود. همچنین راهکارهایی را در جهت مشارکت بیشتر دانشجویان در انتخاب اساتید مشاور از لحاظ هم‌جنس بودن استاد مشاور و دانشجو در نظر گرفته شود. لذا پیشنهاد می‌شود ابزار استاندارد برای تمامی دانشگاه‌های علوم پزشکی در زمینه بررسی میزان حمایت و رضایت مندی دانشجویان

ارائه مشاوره به دانشجویان جدیدالورود با کمک

دانشجویان همیار: تبیین تجربه دانشجویان از طرح

منتورشیپ در دانشکده پرستاری و مامایی نسیه ساری

محمد رضا اندرواز - دانشگاه ع. پ. مازندران، طاهره یعقوبی - فرشته عراقیان مجرد - علی حسام زاده - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: عدم آشنایی دانشجویان جدیدالورود با قوانین دانشکده، و نیز دوری از محیط خانواده و محل سکونت سبب بروز اضطراب و استرس در آنها می‌گردد. دانشجوی همیار به استاد مشاور کمک می‌کند تا به وظایف آموزشی خود در مورد دانشجویان تحت راهنمایی عمل کند و

به شکل گیری رابطه استاد مشاور - دانشجوی جدیدالورود کمک می کند. در این راستای به منظور تبیین تجربیات دانشجویان جدیدالورود در برخورد با دانشجویان همیار در آشنا شدن با محیط آموزشی دانشکده و مراحل ثبت نام و همچنین تبیین تجربه دانشجویان همیار مطالعه ای با رویکرد کیفی طراحی شد.

روش اجرا: این مطالعه از نوع کیفی با استفاده از روش تحلیل محتوای قراردادی در سال ۱۳۹۸ انجام شد. از طریق نمونه گیری هدفمند تجارب ۱۶ دانشجوی جدیدالورود دانشگاه علوم پزشکی مازندران در خصوص استفاده از دانشجوی هم یار به عنوان یک الگوی منتورشیپ بررسی شدند. معیارهای ورود شامل تمایل جهت شرکت در مطالعه، دارا بودن شرایط ثبت نام و توانایی صحبت کردن به شیوه روان و سلیس برای دانشجویان جدیدالورود بود. برای دانشجویان همیار گذراندن حداقل یک ترم تحصیلی در دانشکده و تمایل شرکت در مطالعه به عنوان معیار ورود انتخاب شدند. داده ها از طریق مصاحبه فردی نیمه ساختارمند، مشاهده و یادداشت برداری جمع آوری شده ضبط و تایپ و به روش آنالیز محتوا قراردادی تجزیه و تحلیل گردید. معیارهای اعتبار، ثبات، تایید و انتقال جهت صحت و استحکام داده با استفاده از نظر همکاران و دانشجویان شرکت کننده به کار گرفته شد.

یافته ها: مشارکت کننده شامل ۱۰ دانشجوی جدیدالورود و ۶ دانشجوی همیار با دامنه سنی ۱۸ تا ۲۱ سال در این مطالعه شرکت کردند. از تجزیه و تحلیل داده ها چهار طبقه «کاهش اضطراب» و «دریافت اطلاعات کارآمد»، از نظر دانشجویان جدیدالورود و «ارتقای عزت نفس» و «حس سودمندی» از نظر دانشجویان همیار استخراج شد.

بحث و نتیجه گیری: حمایت دانشکده ها از طرح دانشجوی همیار به عنوان یک الگوی منتورشیپ می تواند باعث تسهیل در ارتقا و رشد حرفه ای دانشجویان جدیدالورود و نیز دانشجویان همیار گردد و از این طریق باعث بهبود ارتباط استاد مشاور با دانشجویان جدیدالورود شود.

بررسی رابطه سرزندگی تحصیلی با یادگیری تعاملی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز

پریسا نبینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
پروین رضوان دزفولی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ.
شیراز، هاجر شیبه - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ.
شیراز، فاطمه میر مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: احساس سرزندگی و نشاط از شاخص های مهم در انگیزه دانشجویان است. تراز موفقیت تحصیلی دانشجویان را می توان از میزان استمرار حضور آنها در فضای آموزشی سنجید. این موضوع به خصوص

در شرایط بیماری کرونا و لزوم برگزاری کلاس ها به صورت مجازی پراهمیت تر می باشد. لذا با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع، این مطالعه به بررسی رابطه سرزندگی تحصیلی دانشجویان با تدریس تعاملی اساتید در دانشگاه علوم پزشکی شیراز پرداخته است.

روش اجرا: پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی - تحلیلی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان پزشکی سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ دانشگاه علوم پزشکی شیراز بود که با روش نمونه گیری طبقه ای، تعداد ۱۵۰ نفر براساس فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شدند. به منظور جمع آوری اطلاعات، از پرسشنامه های چاری و دهقان زاده (۱۳۹۱) در ۴۱ گویه با طیف امتیاز دهی لیکرت ۵ گزینه ای استفاده شد که پایایی آن از طریق آلفای کرباخ ۰/۷۰ و روایی آن مورد تأیید اساتید آموزش پزشکی بود، مورد تأیید قرار گرفت. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS۱۸ و شاخص های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: براساس یافته های این مطالعه ۹۶ نفر زن و ۵۴ نفر مرد با میانگین نمره سرزندگی تحصیلی دانشجویان ۴۷، ۲+۳، ۱۷۶ (نمره کل ۲۰۵) بود که در سطح خوب ارزیابی شد. همچنین براساس ضریب همبستگی بیرونی، رابطه مثبت و معناداری بین سرزندگی تحصیلی با یادگیری تعاملی و ابعاد آن (خود کنترلی، خود مدیریتی و رغبت یادگیری) وجود داشت ($p > 0.05$) ($r = 0.46$).

بحث و نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش و رابطه معنادار بین سرزندگی تحصیلی و یادگیری تعاملی دانشجویان، به نظر می رسد بهتر است مسئولین دانشگاه، به خصوص اساتید، فضای آموزش تعاملی را جهت مشارکت دانشجویان در فرایند تدریس فراهم نمایند تا در نهایت باعث انگیزه بیشتر تحصیلی در موقعیت تحصیلی مجازی و آموزش بهتر دانشجویان گردد.

کلمات کلیدی: آموزش، آموزش تعاملی، دانشجویان پزشکی، سرزندگی تحصیلی

بررسی وضعیت استرس شغلی و عوامل مرتبط با آن در

دستیاران دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۸

حبیبه احمدی پور - دانشگاه ع. پ. کرمان، الهه سالاری - دانشگاه ع. پ. کرمان.

مقدمه: استرس شغلی در شرایطی ایجاد می شود که بعضی از عوامل یا ترکیبی از عوامل در محیط کاری در تعامل با یکدیگر سبب اختلال در عملکرد جسمی و روانی اجتماعی فرد می گردد. محیط های بالینی به علت ماهیت خاص خود یکی از منابع ایجاد استرس در دستیاران محسوب می گردند. مطالعه حاضر با هدف بررسی وضعیت استرس

شغلی و عوامل مرتبط با آن در دستیاران دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۸ انجام گردید.

روش اجرا: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی و جمعیت آماری تمامی دستیاران بالینی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۸ بود. تعداد ۱۵۰ نفر از دستیاران روش غیر احتمالی آسان وارد مطالعه شدند. معیار ورود، تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی کرمان به عنوان دستیار بالینی و تمایل جهت شرکت در پژوهش و معیار خروج، تکمیل ناقص پرسشنامه (بیش از ۱۰٪ سوالات پرسشنامه بدون پاسخ باشد) بود. ابزار جمع آوری داده ها، پرسش نامه خود گزارش دهی دو قسمتی بود که بخش اول آن اطلاعات دموگرافیک شامل: سن، جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت درآمد فرد، رشته دستکاری، مقطع دستکاری و بخش دوم آن نسخه فارسی پرسش نامه فرسودگی شغلی اولدنبورگ (Oldenburg Burnout Inventory (OLBI) بود. این پرسشنامه ۱۶ سوال با دو خرده مقیاس دارد: خرده مقیاس عدم انگیزه (disengagement) شامل هشت سوال است که به فاصله گرفتن از کار، همراه با رفتارها و نگرشهای منفی و بدبینانه در رابطه با شغل فرد اشاره دارد. خرده مقیاس فرسودگی (exhaustion) شامل هشت سوال است که استرس شدید جسمی، عاطفی و شناختی را اندازه گیری می کند. (استرس شغلی اندازه گیری شده در مطالعه) نحوه امتیاز دهی در قالب معیار پنج گزینه ای لیکرت است که به این صورت امتیازدهی می شود که برای کاملاً مخالف (نمره یک) و کاملاً موافق (نمره ۵) اختصاص داده خواهد شد. حداقل امتیاز هر خرده مقیاس بین ۸ تا ۴۰ است. نمره بالاتر نشان دهنده عدم انگیزه بالاتر و استرس جسمی، شناختی و عاطفی بیشتر است. روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه مورد تأیید است. همچنین از دستیاران خواسته می شود که توانایی کار خود را از طریق یک معیار (Work Ability Index) بین صفر تا ۱۰ گزارش نمایند. صفر نشان دهنده عدم توانایی کار و ۱۰ نشان دهنده توانایی انجام کار در بهترین دوره کاری است. پس از اخذ کد اخلاق و کسب مجوز های لازم، پژوهشگر به بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی کرمان مراجعه نموده و پرسش نامه ی های مذکور را در میان شرکت کنندگان توزیع نمود. داده های مطالعه توسط نرم افزار های SPSS نسخه ۲۰ و با استفاده از آزمونهای آماری تی مستقل، تحلیل واریانس و پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: از مجموع ۱۵۰ دستیار، ۸۳ نفر (۵۵،۳ درصد) زن، ۱۱۰ نفر (۷۳،۳ درصد) متاهل با میانگین سنی ۹،۲±۵،۳، ۳۰ سال بودند. میانگین نمره خرده مقیاس عدم تعهد و انگیزه و فرسودگی به ترتیب ۷،۰۱±۹،۷ و ۲۰،۰۵±۶،۳ بود. میانگین نمره خرده مقیاس عدم تعهد و انگیزه بصورت معنی دار در دستیاران مونث بالاتر بود. (P=۰،۰۳) میانگین هر دو خرده مقیاس بصورت معنی دار در دستیاران سال اول بالاتر بود (P>۰،۰۵). میانگین هر دو خرده مقیاس بصورت معنی دار در دستیاران رشته های جراحی بالاتر بود، اما این اختلاف از نظر آماری معنی دار نبود (P<۰،۰۵). بین میانگین نمره خرده مقیاس

های فرسودگی و عدم تعهد و انگیزه ارتباط مستقیم و معنی دار وجود دارد. (۷۸،۲۰=۲۰،۰۰۱، P=۰) ارتباط معکوس و معنی دار بین نمره خرده مقیاس فرسودگی با نمره توانایی کار کردن دستیار وجود داشت. (۵،۲۰=۲۰،۰۰۱، P=۰) ارتباط معکوس و معنی دار بین نمره خرده مقیاس عدم تعهد و انگیزه با نمره توانایی کار کردن دستیار وجود داشت. (۵۳،۲۰=۲۰،۰۰۱، P=۰)

بحث و نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که میانگین خرده مقیاس های فرسودگی شغلی در دستیاران زن و سال اول بالاتر است و هر چه که این میانگین ها افزایش می یابد توانایی کار کردن دستیاران کاهش می یابد. با توجه به اهمیت ارائه خدمات سلامت با کیفیت توسط دستیاران در محیط های بالینی آموزشی، نیاز است سیستم آموزشی ضمن ارزیابی دوره ای وضعیت سلامت روان دستیاران، مداخلات مناسب و به موقع در جهت مشاوره و حمایت آنها و همچنین آموزش هایی مانند مدیریت استرس شغلی در محیط های بالینی را مورد توجه بیشتری قرار دهد.

کلمات کلیدی: استرس شغلی، فرسودگی شغلی، دستیاران، محیط بالینی

چگونه فراگیر مشکل دار را شناسایی و مدیریت کنیم؟

نسرین خواجه علی - دانشگاه ع. پ. فسا، سلیمان احمدی، میترا امینی، مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز - معصومه کلانتریون - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی.

مقدمه: در محیط های آموزشی معمولاً اعضا هیات علمی و سایر افرادی که به نوعی با فرایند های آموزشی مرتبط می باشند با فراگیری مواجه می شوند که با "پیشرفت تحصیلی" خود دچار مشکل می باشند. این نوع از فراگیران را اصطلاحاً فراگیران "مشکل" دار می نامند. این مطالعه با هدف شناسایی دانشجویان مشکل دار و راه های مدیریت این دانشجویان از دیدگاه کارشناسان آموزشی انجام شده است.

روش اجرا: از نمونه گیری هدفمند استفاده شد و جمع آوری داده ها تا رسیدن به اشباع داده ها ادامه داشت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش تجزیه و تحلیل محتوا بر اساس رویکرد گرینهام انجام شد. با ۱۲ کارشناس آموزشی که سابقه برخورد با "دانشجویان مشکل دار" را داشتند مصاحبه شد.

یافته ها: پس از تجزیه و تحلیل داده ها، ۹ تم اصلی و ۲۹ طبقه و ۱۶۴ کد استخراج شد. دلایل تغییر دانشجویان به دانشجوی مشکل دار: فقدان مهارت مطالعه، فقدان مهارت های خودتنظیمی، فقدان انگیزش تحصیلی، اختلال خواب، تعاملات چند لایه، نارسایی کوریکولوم،

شکست برنامه درسی، ساختار و ساز و کارهای آموزشی، سیاست شناسایی و راهکار های حمایتی.

بحث نتیجه گیری: نتایج این تحقیق حاکی از این بود که علیرغم اصلاحات انجام شده در کوریکولوم و گام های که به سمت استاندارد سازی آزمون ها برداشته می شود اما همچنان شناسایی و مدیریت فراگیر مشکل دار دچار نقش و کاستی است و عدم سازماندهی و ارتباط در نظام آموزشی بین واحدهای ارائه خدمات به دانشجوی مشکل دار وجود دارد و کوریکولوم ها همچنان افزایش حجم مطالب دارند و دانشجویان نیز ارتباط منطقی بین مطالب موجود در کوریکولوم و نیاز شغلی آینده اشان را درک نکرده اند و برخی از اساتید در روش تدریس و ارزشیابی توانمند نیستند که همه اینها سبب عدم رضایت دانشجویان و اساتید شده است. تاکید مطالعه حاضر بر این است که با توانمندسازی اساتید، بازنگری در جذب هیات علمی، با تقویت مراکز مشاوره، ارتقاء آزمون ها، غربالگری دانشجویان در بدو ورود بتوانیم فراگیران مشکل را با بهترین رویکرد شناسایی و مدیریت کنیم.

کلمات کلیدی: دانشجویان مشکل دار، دانشجوی پزشکی، آموزش پزشکی

حمایت دانشجویی به سبک مجازی: راهی جهت ارتقا واکنش و یادگیری در دانشجویان علوم پزشکی

سیده زهرا بابازاده - دانشگاه ع. پ. بابل، زینب غلام نیا شیروانی، سیده زینب حسینی مطلق - دانشگاه ع. پ. بابل، زهرا مرادی - دانشگاه ع. پ. بابل.

مقدمه: دانشجویان علوم پزشکی اغلب سطح بالایی از حمایت تخصصی سازمانی و فردی به منظور تسهیل موفقیت تحصیلی نیاز دارند. حمایت آکادمیک و معنوی یکی از عوامل مهم در موفقیت تحصیلی دانشجویان و منجر به تجربه مثبت آنان است. یکی از وظایف اعضای هیئت علمی دانشگاه ها علاوه بر آموزش و پژوهش، راهنمایی و مشاوره دانشجویان می باشد. اگر این راهنمایی ها به درستی انجام شود می تواند به حل بسیاری از مشکلات دانشجویان کمک کرده و مانع از افت تحصیلی در دانشگاه گردد. از آنجایی که روابط شخصی بین دانشجویان و استادان برای ارتقا یادگیری دانش جویان و موفقیت تحصیلی و فردی آنان لازم است، پرورش روش های جدید برای ارتباط بین دانشجویان و اساتید ضروری است. امور مربوط به نظام حمایت دانشجویی قبل از شیوع کووید-۱۹ به صورت مراجعه حضوری دانشجویان به اساتید مشاور و مراکز مربوطه جهت دریافت حمایت ها صورت می گرفت ولی با پیدایش شرایط پیش آمده، لزوم حمایت مجازی دانشجویان در بحران هایی مانند شیوع بیماری، بیش از پیش احساس می گردد. با توجه به اهمیت حمایت و مشاوره دانشجویی و تاثیر آن بر رشد فردی و تحصیلی

دانشجویان علوم پزشکی و با توجه به شرایط کنونی شیوع بیماری و عدم امکان ارائه مشاوره و حمایت حضوری به دانشجویان و همچنین نقش موثر حمایت مجازی در ارتقا سیستم حمایتی و کمبود مطالعات داخلی در این زمینه، دانش پژوهی حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی مشاوره و حمایت دانشجویی مجازی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل اجرا شده است.

روش اجرا: این فعالیت دانش پژوهی از سال ۱۳۹۸ تا کنون بر روی دانشجویان پزشکی، دندانپزشکی، پیراپزشکی و توانبخشی در حال اجرا است. مشاوره و حمایت مجازی در شبکه های اجتماعی و پیام رسان ها، در دو بخش یعنی تهیه کلیپ های جذاب آموزشی و حمایت های مشاوره ای روحی-انگیزی و رفتاری صورت گرفت. کلیپ های آموزشی طراحی شده جهت مباحث درس بافت شناسی در شبکه اجتماعی بارگذاری گردیدند و به جهت تعامل بیشتر، به سوالات دانشجویان در قالب فایل های صوتی و تصویری پاسخ داده شد. در حمایت های مشاوره ای، مسائل فردی، رفتاری و انگیزشی دانشجویان در شبکه و پیام رسان اجتماعی مطرح می گردید و پیرامون این موضوعات پرسش و پاسخ انجام می شد. همچنین مباحث بین رشته ای بیولوژی سلولی در زمینه تفکرات و رفتار سلولی و انسانی توسط مدرس در قالب کتاب های الکترونیک و کلیپ های جذاب طراحی و در فضای مجازی بارگذاری گردید. عناوین این کتاب های الکترونیک "بافت های بدنمان را بهتر بشناسیم"، "سلول های بدنمان چگونه فکر می کنند" و "تو اثر انگشت خدایی" بودند. به منظور ارزشیابی تاثیر مشاوره و حمایت مجازی، از سطح اول و دوم هرم مدیفیه کرک پاتریک استفاده گردید. در سطح اول واکنش و احساس فراگیر در خصوص این سبک مشاوره و حمایت، مورد سوال قرار می گیرد. این سطح دارای سه زیر سطح است: واکنش به عنوان یک احساس عاطفی نسبت به این سبک، واکنش به عنوان قضاوت در مورد کارآمدی سبک و ترکیبی از هر دو مورد. این سطح توسط پرسشنامه مربوطه ارزیابی شد. در سطح دوم هرم که سطح دانش، یادگیری و تجربه است و میزان یادگیری دانشجویان توسط آزمون های پایان ترم درس بافت شناسی سنجیده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS۲۱ و با استفاده از آمار توصیفی (درصد، فراوانی، شاخص مرکزی و پراکندگی) اجرا شد.

یافته ها: در ارزشیابی رضایتمندی از مشاوره و حمایت مجازی، ۱۲۱ دانشجوی علوم پزشکی با میانگین سنی $\pm 21.4 \pm 6.3$ شرکت کردند که ۶۱٫۲٪ مونث بودند و ۳۴٪ در رشته پزشکی تحصیل می نمودند. سوال "کمک مشاوره و حمایت مجازی به رفع مسائل و مشکلات اجتماعی" بیشترین میانگین $\pm 3.83 \pm 1.16$ و سوال "ترجیح روش" کمترین میانگین $\pm 2.49 \pm 1.19$ (از ۵ امتیاز) را به خود اختصاص دادند. در بررسی گزینه های پاسخ بصورت طیف لیکرت ۵ قسمتی، سوال "جذاب و لذت بخش بودن مشاوره و حمایت مجازی" بیشترین درصد رضایت (۲۳٫۱٪) در طبقه "خیلی زیاد" و سوال "ترجیح روش" کمترین درصد (۵٫۸٪) در

رتبه "خیلی زیاد" را به خود اختصاص دادند. در زمینه مشاوره آموزشی، بیشترین میانگین \pm انحراف معیار نمره درس بافت شناسی (۱۸,۰۵ \pm ۱,۱۸) مربوط به دانشجویان رشته شنوایی سنجی و کمترین میانگین (۳,۱۶ \pm ۱۴,۳۶) مربوط به رشته پزشکی در درس بافت شناسی سیستم قلب و عروق بود.

بحث و نتیجه گیری: این دانش پژوهی تاثیر خوب حمایت و مشاوره مجازی را بر واکنش و یادگیری دانشجویان علوم پزشکی نشان داد که می تواند در شرایط عدم تعامل حضوری، منجر به ارتقا نظام حمایت دانشجویی گردد.

تاثیر رایحه درمانی با اسانس علف لیمو بر اضطراب امتحان دانشجویان پزشکی

آرزو فرج پور - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، سید محمد علی رئیس السادات - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی.

مقدمه: تاثیر رایحه درمانی با اسانس علف لیمو بر اضطراب پیش از امتحان دانشجویان علوم پزشکی چکیده سابقه و هدف: اضطراب پیش از امتحان در دانشجویان شایع می باشد که نه تنها موجب کاهش ۵-۷ درصدی نمرات آنان می گردد و حتی ممکن است از رفتن سر جلسه امتحان خوداری نمایند یا ناگزیر به استفاده بی رویه دارو توسط آنها و بروز عوارض ناشی از آن گردد بنابراین شناسایی درمانی موثر بر کاهش اضطراب دانشجویان امری ضروری است، هدف از این مطالعه بررسی تاثیر رایحه درمانی با اسانس علف لیمو بر اضطراب پیش از امتحان دانشجویان پزشکی می باشد.

روش اجرا: در این کارآزمایی بالینی تصادفی، ۶۶ دانشجو وارد مطالعه شدند. دانشجویان به طور تصادفی بر اساس اعداد تصادفی به دو گروه تقسیم شدند. و سپس هر گروه در سالن امتحان جداگانه ای قرار گرفتند. در گروه مداخله از اسانس علف لیمو تولید شده در شرکت بارچ اسانس که توسط آزمایشگاه جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران به روش کروماتوگرافی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بود، استفاده شد در این گروه با استفاده از قطره چکان روی دستمال غیرقابل جذب سه قطره از اسانس گفته شده چکانده و به یقه بیمار متصل و توصیه شد بمدت ۲۰ دقیقه به طور عادی آن را استشمام کنند. در گروه شاهد هیچ مداخله ای صورت نگرفت سپس اضطراب بر اساس پرسشنامه اضطراب آشکار و پنهان اشپیل برگر STAI در دو مرحله یعنی در بدو ورود به سالن امتحان و پنج دقیقه قبل از شروع امتحان توسط هر دو گروه شاهد و مداخله تکمیل شد. پرسشنامه اضطراب آشکار و پنهان اشپیل برگر (STAI) اضطراب در زمان پاسخگویی (اشکار) و اضطراب عمومی فرد (پنهان) را در دو فرم بیست سوالی مورد سنجش قرار می دهد. این پرسشنامه برای استفاده خود اجرایی طراحی شده و می تواند بصورت

فردی و گروهی مورد استفاده قرار گیرد و حداکثر شش دقیقه زمان می برد.

یافته ها: دو گروه از لحاظ مشخصات دموگرافیکی مشابه با یکدیگر بودند و تفاوت معنی داری بین آنها از لحاظ جنس، سن وجود نداشت متوسط نمره اضطرابی کل در گروه مداخله ۸۹,۰۹ و در گروه شاهد ۸۸,۴۸ بود و با P مساوی ۰,۴۶. تفاوت معنی داری نداشت. و نیز نمره اضطراب اشکار در گروه مداخله و شاهد قبل از انجام مداخله بترتیب ۵۲,۴ و ۵۰,۴ بود که تفاوت معنی داری با هم نداشتند ولی متوسط نمره اضطرابی کل بعد از مداخله به ترتیب در گروه مداخله ۷۴,۶۷ و در گروه شاهد ۸۹,۸۸ بود. نمره اضطرابی اشکار در گروه مداخله و شاهد بترتیب ۴۳,۵ و ۵۰,۹ بود با توجه به $P=0,013$ نشان داده شد که با توجه به تفاوت معنی دار در دو گروه، اسانس علف لیمو توانسته است موجب کاهش معنی دار نمره اضطرابی اشکار در زمان امتحان گردد.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج ما، رایحه درمانی با اسانس علف لیمو موجب کاهش اضطراب پیش از امتحان دانشجویان پزشکی گردیده است و می تواند جایگزین مناسبی برای کاهش اضطراب قبل از امتحان آنان باشد بشرطی که سابقه بیماریهای الرژیک را نداشته باشند.

انتظارات حمایتی دانشجویان پزشکی پیش بالینی از اساتید بالینی

سهیلا ضیائی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، آریان حسینی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی،

مقدمه: ماهیت تجارب بالینی و نوع حمایت ارائه شده در این محیط، علاوه بر یادگیری، بر سازگاری فرهنگی حرفه ای دانشجویان موثر بوده و موفقیت برنامه آموزشی پزشکی را تضمین می کند. بر این اساس، این مطالعه با هدف تعیین انتظارات حمایت دانشجویان پزشکی پیش بالینی از اساتید بالینی خود طراحی و اجرا شده است.

روش اجرا: این مطالعه کیفی با رویکرد پدیدار شناسی است. نمونه تحقیق ۲۵ نفر از دانشجویان پزشکی پیش بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون بوده که به روش نمونه گیری هدفمند و بر اساس قاعده اشباع نظری انتخاب شدند. با توجه به شرایط کرونا و عدم امکان مصاحبه حضوری، سوالات معطوف به هدف از طریق واتس آپ برای دانشجویان پزشکی پیش بالینی ارسال شد و از آنها خواسته شد که انتظارات حمایتی خود در محیط بالینی را مکتوب یا به صورت ویس از طریق واتس آپ ارسال نمایند. تک تک نظرات به دفعات مطالعه و بررسی شد. واحد های معنایی یعنی عبارات و جملات در برگیرنده جنبه های مختلف مفهوم اصلی، مشخص گردید. سپس واحدهای

معنایی فشرده و به کد تبدیل شد. کدها خلاصه و دسته بندی شده و طبقات را به وجود آوردند. در نهایت، طبقات دارای نظم تکرار شونده درون مایه‌ها را تشکیل دادند.

یافته‌ها: نتایج، سه درون مایه اصلی و ۷ درون مایه فرعی را نشان داد. حمایت اطلاعاتی با دو درون مایه فرعی (تثبیت آموزشی و تحلیل موخته‌ها)، حمایت ابزاری با ۳ درون مایه (تقویت استقلال، کاهش تنش و فرصت تجربه) و حمایت عاطفی با ۲ درون مایه (نظارت و حفظ کرامت انسانی) درون مایه‌های اصلی و فرعی حاصل از بررسی بودند. درون مایه‌های تکرار، متد آموزشی، پاسخگویی، و پروژه تحقیقاتی از درون مایه‌های فرعی شکل گرفته در درون مایه تثبیت آموزشی و تعامل، درک و تثبیت جایگاه دانشجو از درون مایه‌های فرعی شکل گرفته در حفظ کرامت انسانی به ترتیب از انتظارات حمایت اطلاعاتی و عاطفی دانشجویان بود.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نظرات دانشجویان پزشکی پیش بالینی، می توان حمایت اساتید بالینی را اینگونه تعریف کرد. حمایت اساتید بالینی، حمایتی است اطلاعاتی، جهت تثبیت آموزشی، کسب صلاحیت و شایستگی تحلیل موخته‌ها و رفع شکاف بین آموزش نظری و بالینی. حمایتی که در بطن آن بتوان بدون تشدید استرس‌های محیط بالینی و با استفاده از تمامی فرصت‌های تجربه، به استقلال حرفه‌ای رسید؛ و در حین حفظ کرامت انسانی، از نظارت اساتید در شرایط ضروری بالینی بی بهره نبود. پذیرش دانشجو به عنوان خط اول درمان، تم مناسبی برای پاسخ دهی به انتظارات حمایتی دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون است. از آنجا که حاصل این نوع حمایت، ارائه بهتر خدمات به عامه مردم است لذا مسئولین و اساتید نباید از هر گونه تلاش جهت ایجاد چنین محیط بالینی حمایتی کوتاهی کنند.

اثر بخشی مدیریت آموزشی مبتنی بر دانشجوی مشاور در ارتقای تحصیلی دانشجویان داروسازی و تغییر نگرش به همکاری و یادگیری تیمی

شهبلا میرزایی - دانشگاه ع. پ. کرمانشاه.

مقدمه: آموزش گروه همتایان (Education Peer) نوعی استراتژی آموزشی است که به صورت توسعه دانش و مهارت از طریق کمک فعال و حمایت بین افراد هم سطح در یک گروه تعریف و اجرا می شود و یکی از روش‌های مهم و مؤثر بر آموزش فراگیران است که می تواند به عنوان فرایندی کمک کننده در آموزش مهارت‌های بالینی دانشجویان پزشکی به کار رود. از مزایا و اهداف این روش میتوان به افزایش اعتماد به نفس، بهبود یادگیری مهارت‌های روانی-حرکتی و شناختی، افزایش مهارت ارائه مطلب، کار تیمی، تصمیم گیری، مسئولیت پذیری، توسعه مهارت‌های

تفکر انتقادی و بهبود نمرات امتحانی دانشجویان و عدم تحمیل هزینه اضافی برای مؤسسه آموزشی اشاره کرد.

هدف: در این فرایند سعی شده است تا جهت ارتقای آموزشی دانشجویان و به صورت مکمل با طرح استاد مشاور، با استفاده از پتانسیل آموزشی دانشجویان برتر درسی، اهداف ذکر شده، بدست آید. به این منظور دانشجویان با معدل بالای ۱۵ بعنوان دانشجوی سرگروه و دانشجویان مشروطی و معدل زیر ۱۳ بعنوان دانشجویان تحت مشاوره در نظر گرفته شدند. گروه‌های تشکیل شده بصورت حضوری یا با استفاده از شبکه‌های اجتماعی برنامه‌های آموزشی خود را بصورت هفتگی پیاده کردند. و در پایان هر ترم گزارش کلی از نتایج بدست آمده به مجری طرح ارسال شد. در ادامه با توجه به نتایج ارزنده طرح، جهت گسترش آن از طریق سایت دانشکده فراخوان جهت مشارکت و ثبت نام در طرح داده شد که مورد استقبال قرار گرفت.

روش اجرا: این فعالیت به چند بخش اصلی تقسیم شد. در بخش اول فعالیت، هسته مشاوره تشکیل شد و دانشجویان درباره‌ی اهداف، مسیر و نحوه‌ی اجرای طرح در چند جلسه‌ی حضوری و غیر حضوری توسط مجری اصلی فرایند توجیه شدند. در بخش دوم به اجرای فعالیت ذکر شده پرداخته شد به این صورت که ابتدا ارزیابی و شناسایی دروس هسته صورت گرفت سپس سرگروه‌ها با فراخوان دانشجویان ضعیفتر با ارایه‌ی روش‌های آموخته شده در بخش قبلی به یک کار تیمی و ایجاد انگیزش در این گروه پرداختند. در نهایت با ارایه‌ی گزارش به مجری و پس از ارزیابی اولیه، در بخش سوم فعالیت با توجه به موفقیت‌های کسب شده، فراخوان عمومی جهت گسترش فعالیت این در سایت دانشکده‌ی داروسازی کرمانشاه انجام شد به این صورت که از دانشجویان جهت ثبت نام در این فعالیت و اعلام همکاری دعوت شد. ارزشیابی فرایند: در نهایت با استفاده از پرسشنامه سنجش نگرش دانشجویان از شیوه و نتایج کار دانشجوی مشاور، به سنجش نقاط قوت و ضعف فرایند و همچنین مقایسه نمرات دانشجویان در گروه‌های فرایند و دانشجویان دیگر پرداخته شد. دانشجویان به دو دسته‌ی گروه کنترل (عدم دریافت آموزش با شیوه ذکر شده) و آزمون (دریافت آموزش منطبق بر فرایند ذکر شده) تقسیم و میانگین معدل ترم تحصیلی و میزان رضایت از فرایند در آنها مقایسه شد. نتایج به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل آماری شد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون مورد نظر تفاوت معنی داری در میزان ارتقای نمرات دانشجویان بین گروه دریافت کننده‌ی شیوه‌ی اجرای دانشجوی مشاور و دریافت کننده‌ی شیوه‌ی آموزشی مرسوم وجود داشت. نتایج به دست آمده از سنجش نگرش ۲۵ نفر از دانشجویان نسبت به شیوه مشاوره با پرسش‌های پنج طیفی لیکرتی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم با نمرات ۵ تا ۱ توسط دانشجوی مشاور نشان از رضایت متوسط به بالا در کل دوره و در پنج حیطه مختلف داشت. بالاترین نمرات رضایت و نگرش مثبت به ترتیب به

حوزه‌های ارتقای سطح آموزش (۳,۶۸)، انجام کار تیمی (۳,۶۴)، ایجاد انگیزه (۳,۶۰)، بهبود توانایی ارائه مطالب (۳,۶۰) و در نهایت ارتقای توانمندی فردی (۳,۲۸) دانشجویان تعلق داشت. این میزان رضایت در پنج حیطه در بین گروه آزمون و کنترل تفاوت معنی داری را نشان دادند ($P=0,0001$). در نهایت با توجه به نتایج کسب شده می‌توان نتیجه گرفت که فرایند آموزش گروه هم‌تایان و آموزشی مبتنی بر دانشجوی مشاور در ارتقای تحصیلی دانشجویان داروسازی به میزان معنی داری تاثیر گذار بوده و می‌تواند اهداف مثبت آموزشی بزرگی را به دنبال داشته باشد.

ارتباط استاد و دانشجو چگونه توسعه می‌یابد؟

هومن شهسوار - دانشگاه ع. پ. تهران، شهرزاد غیاثوندیان - پگاه مطوری پور - دانشگاه ع. پ. تهران، دکتر زهرا زارع - دانشگاه ع. پ. تهران.

مقدمه: ارتباط استاد و دانشجوی پرستاری زیرساخت آموزش پرستاری است که در صورت اثربخش بودن منافع بیشماری را نصیب استاد و دانشجو نموده و دستیابی به اهداف آموزشی رسمی را در کنار اهداف آموزشی غیر رسمی مقدور می‌سازد. اگرچه اهمیت ارتباط مورد تأکید همگان است اما فرایند توسعه آن میان اساتید و دانشجویان پرستاری کمتر مورد توجه قرار گرفته است و توجه به آن به دلیل زمینه متفاوت آموزش پرستاری و نیز حساسیت ارتباط استاد و دانشجوی پرستاری در فرایند حرفه ای شدن و جامعه پذیری دانشجویان ضرورت بسیار دارد. بنابراین هدف از پژوهش حاضر تبیین فرایند توسعه ارتباط میان استاد و دانشجوی پرستاری می‌باشد.

روش اجرا: با استفاده از رویه نظریه زمینه ای، از طریق روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و نظری ۹ استاد، ۱۱ دانشجو، یک پرستار و یک دانش آموز پیش دانشگاهی به مطالعه وارد شدند. جمع‌آوری داده‌های مربوط به تعاملات و ارتباطات استاد و دانشجو از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختارمند رو در رو صورت گرفت. در نهایت، داده‌های جمع‌آوری شده با روش کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۱ طبقه مرکزی و ۴ درونمایه پدیدار شدند که خود در بر دارنده ۱۱ زیر دسته بودند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که فرایند توسعه ارتباط میان استاد و دانشجوی پرستاری، فرایند همراهی آن‌ها برای خودپروری حرفه‌ای اجتماعی است. درونمایه خودپروری حرفه‌ای اجتماعی شامل ۲ زیر دسته فرازمندی و گریز از خواری بود و بر نیروی برانگیزنده فرایند توسعه ارتباط، دلالت داشت. درونمایه دیگر، چرخه سه‌عاملی تعامل بود که به ساختار و چگونگی عملکرد تعامل، به عنوان هسته توسعه ارتباط، توجه داشته و شامل سه زیر دسته تحلیل چند وجهی موقعیت، ابزار هدفمند و اثرپذیری فعال بود. درونمایه سوم، گذر تثبیت‌گرا در بستر

اجبار، شامل سه زیر دسته مرحله اجباری، دنیای تردید و دنیای تثبیت بود که گذر زمانی ارتباط از تردید به تثبیت را درون بستر اجبار نشان می‌داد. درونمایه چهارم، همراهی، بود که بر روند توسعه ارتباط تمرکز داشته و شامل سه زیر دسته همراهی بیش‌گرا، همراهی کم‌گرا و همراهی خنثی بود.

بحث و نتیجه‌گیری: فرایند توسعه ارتباط استاد و دانشجوی پرستاری فرآیندی پویا و پیچیده است که متاثر و تعیین حدود شده توسط عوامل گوناگون فردی، بین فردی و فرا فردی است. آنچه فرد از موقعیت تعاملی برداشت می‌کند نتیجه تحلیل او بر داده‌های مربوط به خودش، شریکش، حضار موقعیت و عوامل محیطی است. برآورده شدن انتظارات فردی و به تصویر کشیدن ابزارهای سازنده می‌تواند هدایت‌کننده تعاملات به سمت همراهی بیش‌گرا شود. این نوع همراهی استاد پرستاری را به یک الگوی نقش مثبت تبدیل می‌کند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که فرایند توسعه ارتباط میان استاد و دانشجوی پرستاری، فرایند همراهی آن‌ها برای خودپروری حرفه‌ای اجتماعی است. نظریه ارائه شده در این پژوهش می‌تواند به اساتید و دانشجویان پرستاری توسعه ارتباط سازنده کمک نماید و همچنین می‌تواند برای پژوهش‌های متمرکز بر ارتباط استاد و دانشجوی پرستاری به عنوان یک چارچوب نظری مورد استفاده قرار گیرد.

بررسی اثر بخشی طرح منتورشیپ دانشجویی جهت

ارتقای کیفیت مشاوره دانشجویان جدیدالورود پزشکی

در دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۱۳۹۸

سالار علیپور - دانشگاه ع. پ. همدان، رامین منصوری - دانشگاه ع. پ. همدان، الهام خانلرزاده - دانشگاه ع. پ. همدان.

مقدمه: استاد مشاور یا منتور با هدف رفع مشکلات دانشجو در مقاطع مختلف و راهنمایی و مشاوره تحصیلی دانشجویان یکی از مهمترین راهبردهای پیشگیری از مشکلات آموزشی و غیرآموزشی در دانشگاه و از برترین تجربیات آموزشی جهت پروراندن و بالفعل کردن استعدادها و ایده‌های دانشجویان است. از آنجا که اجرای طرح استاد مشاور تحصیلی در اکثر دانشگاهها با مشکلات فراوانی همراه است استفاده از طرح منتورشیپ دانشجویی می‌تواند منجر به افزایش کیفیت آموزشی و کاهش هزینه برای دانشگاه گردد. همچنین این طرح باعث توسعه و ارتقای شغلی، کسب موقعیت‌های مختلف برای دانشجویان، افزایش تفکر انتقادی، بهبود صلاحیت بالینی، اعتماد به نفس و مسؤولیت‌پذیری در دانشجویان می‌شود و دانشجو را به تدریج به استقلال می‌رساند. لذا انجام این مطالعه با هدف بررسی اثر بخشی طرح منتورشیپ جهت ارتقای کیفیت مشاوره دانشجویان جدیدالورود پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی همدان انجام گرفت.

روش اجرا: این مطالعه به صورت مداخله ای در دانشگاه علوم پزشکی همدان در سال ۹۸ و در دانشکده ی پزشکی انجام گرفت کلیه ورودی های مهر ۹۸ وارد مطالعه شدند و به طور تصادفی در دو گروه مداخله (منتور دانشجویی و استاد مشاور تحصیلی) و گروه شاهد (استاد مشاور تحصیلی به تنهایی) قرار گرفتند. پس از فراخوان دانشجویان ممتاز و علاقمند جهت جذب منتور و بررسی فرم های تکمیل شده از سوابق دانشجویان و مصاحبه، تعداد ۸ منتور واجد شرایط با وضعیت تحصیلی خوب و ارتباط اجتماعی بالا انتخاب و جهت انجام تحقیق توجیه شدند و برای کسب مهارت های اولیه لازم در کارگاه آغاز طرح شرکت کردند. دانشجویان گروه مداخله بین منتور ها تقسیم شدند و برای هر ۶ دانشجو یک همیار در نظر گرفته شد. منتور ها در طول ترم در جلسات حضوری و مجازی متعدد به راهنمایی و مشاوره ی منتی های خود پرداختند. جهت جمع آوری اطلاعات دموگرافیک و زمینه ای از چک لیست های محقق ساخته مبتنی بر اهداف و برای بررسی وضعیت مشاوره از پرسشنامه ی طراحی شده بر اساس آیین نامه ی استاد مشاور و و اعتبار سنجی شده توسط مرکز توسعه ی دانشکده ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان استفاده گردید سپس داده ها توسط نرم افزار SPSS ورژن ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت

یافته ها: در این مطالعه ۹۶ دانشجو ی ورودی جدید رشته ی پزشکی در سال ۹۸ در دو گروه مداخله (منتور دانشجویی همراه با استاد مشاور تحصیلی) و گروه شاهد (استاد مشاور تحصیلی) مورد مطالعه قرار گرفتند. ۴۵،۸ درصد دانشجویان پسر بودند، ۴۱،۷ درصد آنها بومی بودند. میانگین سنی گروه مداخله ۱۹،۸ سال و گروه شاهد ۲۱،۱۶ بود. وضعیت تحصیلی دانشجویان از نظر معدل در گروه مداخله به طور معنی داری بهتر از گروه شاهد بود (۱۶،۵۴ در برابر ۱۵،۶۳ و $p \text{ value} = ۰,۰۰۵$) و هم چنین درصد دانشجویان با درس های افتاده و مشروطی در گروه مداخله به طور معنی داری با اختلاف ۱۸،۲ درصد در گروه مداخله کمتر بود. ۶۸ درصد دانشجویان نیاز به منتور را زیاد و بسیار زیاد ابراز داشتند و رضایتمندی از منتور بالای ۸۰ درصد بسیار زیاد و زیاد بود. میزان مراجعه به منتور، پیگیری پیشرفت تحصیلی، بررسی سوابق آموزشی، نظارت بر روند پیشرفت تحصیلی، مشاوره ی روش صحیح مطالعه، برنامه ریزی، احساس راحتی، تشویق و راهنمایی برای شرکت در برنامه های فوق برنامه و پیگیری موارد ارجاعی در گروه مداخله بیشتر از گروه شاهد بود ($p \text{ value} = ۰,۰۰۱$).

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج مثبت طرح وجود یک منتور توانمند و متعهد که بتواند با منتی های خود رابطه ی همدلانه برقرار کند فعالانه به آنها گوش دهد نیاز هایشان را شناسایی نماید و حمایت عاطفی و علمی دانشجویان را بر عهده گیرد باعث تشویق، ایجاد انگیزه، تقویت وضعیت تحصیلی و ارتقای حرفه ای گری می شود. پیشنهاد می شود دانشگاهها از دانشجویان علاقمند و توانمند به عنوان همیاران

مشاور بهره گیرند و پس از آموزش های کافی و لازم به آنها از این ارتباط داوطلبانه و سودمند دو جانبه در جهت ارتقای توانمندیهای

ارتقای همدلی دانشجویان پرستاری با استفاده از رویداد نگاری تاملی: یک مطالعه نیمه تجربی

مریم باقری - دانشگاه ع. پ. اصفهان، نیره ناصری، اکرم محمدی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، الهه آشوری - دانشگاه ع. پ. اصفهان

مقدمه: همدلی جزء اساسی در ارتباط پرستار- بیمار و ابزار قدرتمندی است که به تشخیص مشکلات بیمار کمک می کند و بر کیفیت مراقبت تاثیر می گذارد. نظر به اینکه مهارت همدلی قابل توسعه است، آموزش دانشجویان در این زمینه ضروری به نظر می رسد تا با شناسایی هیجانات خود و بیمار در حفظ سلامت روان بیمار نقش موثری داشته باشند. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر رویداد نگاری تاملی بر ارتقای همدلی دانشجویان پرستاری در بخش سرطان انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه نیمه تجربی در نیمسال اول تحصیل ۹۹-۱۳۹۸ در دانشکده پرستاری و مامایی انجام شد. ۶۵ دانشجوی پرستاری ترم پنجم که واحد کارآموزی سرطان را اخذ نموده بودند به روش نمونه گیری سرشماری در گروه مداخله قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه ای مشخصات فردی و پرسشنامه همدلی با بیمار جفرسون بود که در روز اول کارآموزی و روز آخر تکمیل شد. مداخله شامل ترغیب دانشجویان به رویدادنگاری تاملی بود به این صورت که در پایان هر روز به دانشجویان فرصتی داده می شد که در مورد وقایع آن روز و به ویژه احساسات خود و ارتباط با بیمار بنویسند. سپس هر روز این رویدادها توسط استاد بالینی بررسی می گردید و به دانشجویان در مورد نحو برقراری ارتباط و همدلی با بیماران سرطان بازخورد داده می شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی در نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شد.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار سن نمونه ها ۲۳،۵۴،۱۷ بود. میانگین معدل نمونه ها ۱۶،۸۱۰،۷۳ بود و ۷۳،۸ درصد از نمونه ها مونث و ۲۶،۲ درصد مذکر بودند. آزمون تی زوجی نشان داد که میانگین نمره کل همدلی و ابعاد آن قبل و بعد از مداخله اختلاف معنی داری نداشت ($P < ۰,۰۵$) اگر چه میانگین نمره همدلی در بعد دیدگاه گیری و خود را به جای بیمار گذاشتن کمی افزایش یافته بود اما اختلاف معنی دار نبود. ضریب همبستگی پیرسون نیز نشان داد بین نمره کل همدلی و ابعاد آن با سن و معدل ارتباط معنی داری وجود نداشت. آزمون تی مستقل نشان داد نمره کل همدلی و ابعاد آن در بین آقایان و خانم ها اختلاف معنی داری وجود نداشت اما میانگین نمره در بعد دیدگاه گیری در آقایان بیشتر از خانم ها بود.

بحث و نتیجه گیری: با وجودیکه در مطالعات پیشین قابل توسعه بودن مهارت همدلی گزارش شد اما در این مطالعه اختلاف معنی داری در میانگین نمره همدلی دانشجویان قبل و بعد از مداخله بدست نیامد. به نظر می رسد برای آموزش همدلی علاوه بر یادداشت نگاری باید از راهکارهای دیگر نیز استفاده شود. از طرفی چون طول دوره کارآموزی در بخش سرطان کم است باید این مداخله مدت زمان بیشتری و در سایر بخش ها نیز به کار گرفته شود. شاید بتوان درگیری های عاطفی و همدردی به جای همدلی دانشجویان با درد و رنج و مشکلات بیماران مبتلا به سرطان را از دیگر عوامل موثر بر اثر بخش نبودن مداخله دانست.

پژوهشی در آموزش

سنجش مهارت های ارتباط بین حرفه ای و همکاری تیمی در میان کارکنان سلامت (پزشک، پرستاری) در راستای ارتقای کیفیت مراقبت

سعیده جعفرزاده - دانشگاه ع. پ. فسا، فاطمه الحائلی .

مقدمه: ارتباط تعاملی بین حداقل دو انسان می باشد که حاصل آن پیامی است که فرستاده و دریافت می گردد تا هدفی برآورده گردد. ارتباط بین پزشک و پرستار شامل تعامل متقابل بین پزشک و پرستار در امر مراقبت از بیمار برای دستیابی به یک هدف مشترک درمانی است. با توجه به ضرورت وجود ارتباط و همکاری میان پزشکان و پرستاران در جهت ارتقاء کیفیت مراقبت از بیمار، این مطالعه به منظور سنجش مهارت های ارتباط بین حرفه ای و همکاری تیمی در میان کارکنان سلامت (پزشک، پرستار) در راستای ارتقای کیفیت مراقبت انجام گردید. **روش اجرا:** پژوهش حاضر یک مطالعه تحلیلی- مقطعی بود. جامعه مورد بررسی در این پژوهش کلیه کارشناسان پرستاری و پزشکان شاغل در بیمارستان شهر شیراز بود که سابقه کار حداقل یک سال را داشتند. از بین آنها تعداد ۶۰ نفر از پرسنل پرستاری و ۵۰ نفر از پزشکان تمایل به همکاری با پژوهشگر را داشتند. سپس پرسشنامه "بررسی دیدگاه پرستاران و پزشکان در مورد ارتباطات بین حرفه ای" توزیع و پس از تکمیل جمع آوری گردیدند. پرسشنامه شامل دو قسمت بود که قسمت اول متغیرهای فردی و اجتماعی را مورد بررسی قرار داد و قسمت دوم شامل پرسشنامه تعیین دیدگاه پزشکان و پرستاران در مورد ارتباطات بین حرفه ای بود. پرسشنامه پزشکان حاوی ۲۲ سوال و پرسشنامه پرستاران حاوی ۲۵ سوال می باشد که با الگوی لیکرت ۵ گزینه ای نمره گذاری گردیده بود. طیف نمرات برای پزشکان ۲۲-۱۱۰ و برای پرستاران ۲۵-۱۲۵ بود. ارتباط حرفه ای پزشک و پرستار به سه طیف ارتباط بد (۲۲-۵۱)، ارتباط متوسط (۵۲-۸۰) و ارتباط خوب (۸۱-۱۱۰) تقسیم بندی شده بود. همبستگی درونی هر پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفا کرونباخ تعیین شد که این ضریب برای پرسشنامه پرستار ۹۵٪ و پزشکان ۹۴٪ محاسبه گردید. سپس داده های جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS۲۲ شد که با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: یافته ها نشان داد که در بین پرستاران شرکت کننده ۶۵٪ زن، ۵۶٫۷٪ متأهل، ۸۸٫۳٪ دارای مدرک کارشناسی، ۵۳٫۳٪ در محدوده سنی ۳۱-۴۰ سال و ۵۵٪ دارای سابقه کاری ۱۰ تا ۲۰ سال بودند. در بین پزشکان شرکت کننده ۶۴٪ مرد، ۵۴٪ متأهل، ۵۶٪ دارای مدرک تخصصی، ۵۶٪ در محدوده سنی ۳۱-۴۰ سال و ۵۴٪ دارای سابقه کاری ۱۰ تا ۲۰ سال بودند. در رابطه با دیدگاه پرستاران و پزشکان در مورد ارتباط حرفه ای، تعداد زیادی از پزشکان (۰٫۶ p) کیفیت

ارتباطات حرفه ای خود را با پرستاران در حد متوسط می دانستند اما ۵۰٫۸٪ از پرستاران کیفیت ارتباطات حرفه ای خود با پزشکان را ضعیف گزارش کردند. از طرف دیگر تنها ۳۵٫۳٪ از پزشکان معتقد به نظر خواهی از پرستاران در انجام اقدامات درمانی بودند. ۵۶٫۹٪ از پزشکان نیز مشارکت پرستاران در امر تصمیم گیری های بالینی را، کم گزارش کردند و ۱۱٫۸٪ نیز بیان کردند که در انجام اقدامات درمانی از پرستاران نظر خواهی می کنند. همچنین تنها ۵٪ از پرستاران برقراری تعامل و صحبت با پزشکان را رضایت بخش گزارش کردند. ۵۸٫۳٪ از پرستاران بیان نمودند که پزشکان در رابطه با وضعیت بیماران با آنها خیلی کم بحث و تبادل نظر می کنند. همچنین ۵۰٪ گزارش کردند که پزشکان در مواقع تصمیم گیری برای بیمار از آنها نظر خواهی نمی کنند ۹۰٪ پرستاران نیز تعامل خود با پزشکان را رابطه دستور دهنده- دستور گیرنده (پزشک غالب پرستار مغلوب) می دانستند و ۴۶٫۸٪ نیز معتقد بودند که پزشکان به نقش های اختصاصی حرفه پرستاری بسیار کم احترام می گذارند. ۴۶٫۷ درصد نیز بیان کردند که نمی توانند اشتباهات پزشکان را به آنها بگویند.

بحث و نتیجه گیری: به طور کلی پرستاران از ارتباط خود با پزشکان نارضی بودند که عدم نظر خواهی پزشکان از پرستاران مهمترین عامل ایجاد کننده اختلال در ارتباط بین حرفه ای آنان بوده است. همچنین یکی از مهمترین علل استرس در حرفه پرستاری عدم وجود روابط حسنه کاری و تنش در روابط حرفه ای پرستاران با سایر همکاران، به ویژه پزشکان گزارش گردید. بنابراین بهبود ارتباط بین پزشک و پرستار می تواند نتایج بسیاری مثبتی برای پزشکان و پرستاران و کیفیت مراقبت های آنان داشته باشد. لذا پیشنهاد می شود تا برنامه ریزان نظام های آموزشی در دانشگاه ها و بالین آموزشی با در نظر گرفتن عوامل موثر بر آموزش بین حرفه ای شامل؛ آموزش و به کارگیری نظریه های یادگیری، روش های تدریس متناسب با آموزش بین حرفه ای، ارتقاء آمادگی و نگرش اساتید، بهینه سازی محیط های یادگیری و ایجاد فرصت ها و رفع چالش های پیش روی آموزش بین حرفه ای آن در جهت فراهم آوردن شرایط لازم برای پیاده سازی آن حرکت کرده و گامی مثبت در راستای اهداف نظام سلامت و

تبیین و ارائه مدل فرایند توسعه حرفه ای دستیاران رشته جراحی عمومی در اتاق عمل های کشور ایران: یک تحلیل موقعیت

لیلا ساداتی - دانشگاه ع. پ. البرز، شهرام یزدانی - پیغام حیدریپور.

مقدمه: در رشته های تحصیلی همچون رشته جراحی عمومی بدلیل درگیری رزیدنت های جراحی در عرصه ها و گروه های مختلف، نقش جامعه عملی در آموزش و شکل گیری هویت فردی، اجتماعی و در نهایت توسعه حرفه ای چشمگیر است. مطالعات نشان می دهند،

آموزش رزیدنت های جراحی، با یک برنامه آموزشی مبتنی بر صلاحیت، آنها را در مسیر توسعه حرفه ای هدایت نمود.

رعایت استانداردهای ژورنال کلاب در گروه آموزشی

پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مریم برادران بی نظیر - دانشگاه ع. پ. تبریز،

مقدمه: ژورنال کلاب جلسه آموزشی است که با حضور اساتید و دانشجویان برگزار می گردد و در طی آن به مرور محتوا و روش شناسی چند مقاله از مجلات معتبر پرداخته می شود. آگاهی از جدیدترین و مهمترین دستاورد های علمی و همچنین ارتقا مهارت های ارزیابی نقادانه مقالات دو هدف اصلی جلسات ژورنال کلاب محسوب می شوند. سایر اهداف این جلسات افزایش آگاهی در مورد طرح های پژوهشی، آمار حیاتی، اپیدمیولوژی بالینی، و مدل های تصمیم گیری بالینی می باشد. لذا با توجه به اهمیت آموزش در ژورنال کلاب مطابق با استانداردها برای دانشجویان پزشکی و تدوین استانداردهای آموزش بالینی توسط وزارت بهداشت در سالهای اخیر و دانش ناکافی از میزان رعایت این استانداردها در بخش های آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، در این مطالعه به بررسی وضعیت رعایت استانداردهای جلسات ژورنال کلاب در بخش پزشکی اجتماعی برای دانشجویان کارورزی پزشکی پرداختیم.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع توصیفی- مقطعی می باشد که در سال ۹۹ انجام شد. جمعیت هدف مطالعه، ۷۸ نفر دانشجوی پزشکی که در حال گذراندن چرخش پزشکی اجتماعی (سه دوره متوالی) و اساتید بخش پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تبریز بودند. با استفاده از کتابچه استانداردهای آموزش بالینی که توسط معاونت آموزشی وزارت بهداشت پاییز ۱۳۹۴ منتشر شده است، چک لیست بررسی وضعیت ژورنال کلاب ها که شامل ۵ گویه از بایدهای استاندارد آموزش در ژورنال کلاب بود، تهیه گردید و در اختیار شرکت کنندگان در مطالعه قرار گرفت. داده های جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS-۱۶ شده و مورد آنالیز قرار گرفت.

یافته ها: چک لیست ها توسط ۷۸ نفر از دانشجویان پزشکی و ۱۰ نفر از اساتید بخش آموزشی پزشکی اجتماعی تکمیل گردید. یافته ها نشان داد که ۲۰ درصد (۴۰ درصد) از استانداردهای ژورنال کلاب بطور کامل از دیدگاه هیئت علمی و دانشجو مطابق با استانداردهای وزارت بهداشت اعمال نمی شود. فراوانی و درصد پاسخ مثبت به گویه های چک لیست های آموزش در ژورنال کلاب در جدول یک نمایش داده شده است. در اکثر موارد اساتید در مقایسه با دانشجویان، امتیاز بالاتری به ژورنال کلاب داده بودند نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که از نظر هیئت علمی و دانشجو برخی از استانداردهای ژورنال کلاب تعریف شده از سوی وزارت بهداشت، بطور کامل و صددرصد رعایت نمی گردد. که با توجه

پذیرش افراد تازه وارد در یک جوامع عملی با تغییر هویت قبلی آنها و کسب هویت جدید در این جامعه عملی همراه است. این تطابق و یکسان سازی هویت قبلی با هویت جدید بعضی مواقع بسیار دشوار بوده و با ارزیابی مجدد و مکرر هویت های قبلی در یک فرایند پویا و از طریق اجتماعی شدن بدست می آید. توسعه حرفه ای دستیاران جراحی در اتاق عمل به پشتوانه کسب صلاحیت های اختصاصی در حوزه جراحی و تحت تاثیر فاکتورهای فردی و سازمانی اتفاق می افتد. لذا ضروری است تا تمامی عناصر و مولفه های اثرگذار بر روند کسب صلاحیت رزیدنت ها در این محیط یادگیری شناسایی شده و روابط بین آنها آشکار گردد. مطالعه حاضر با هدف تبیین و ارائه مدل فرایند توسعه حرفه ای دستیاران رشته جراحی عمومی در اتاق عمل های کشور ایران انجام شد.

روش اجرا: مطالعه حاضر، یک مطالعه گراند تئوری مبتنی بر رویکرد پست پوزیتیویست و ساختارگرایانه است که تحلیل داده ها در آن با استفاده از متدولوژی تحلیل موقعیت کلارک انجام شد. کلارک در این روش تحلیل از ترسیم نقشه های موقعیتی، نقشه های جهانی، عرصه های اجتماعی و در نهایت نقشه پوزیشنال در مسیر تحلیل داده های مطالعه استفاده می کند. در نقشه موقعیتی بدنبال شناسایی عناصر انسانی و غیر انسانی به عنوان بازیگران اصلی، عناصر انسانی خاموش، سیاست ها و پروتکل ها، عناصر زمانی و مکانی و گفتمان های جاری و تاریخی موجود در پدیده است. نقشه های دنیای اجتماعی، عرصه، بازیگران جمعی، عناصر کلیدی غیر انسانی و عرصه تعهد و گفتمان را که در آن تجمعات در حال انجام است، تفسیر می کند. کلارک بعد از ترسیم دو نقشه موقعیتی و ارتباطی و اطمینان از به اشباع رسیدن داده ها، با توجه به دیدگاه کشف عناصر قدرت و گفتمان های رایج سعی در کشف مفهوم محوری در زمینه مورد بررسی می کند. و در نهایت با ترسیم نقشه ی پوزیشنال به تحلیل ساختار قدرت در این نقشه و کشف مفهوم محوری در بین مفاهیم شناسایی شده می پردازد.

یافته ها: نتایج حاصل از تحلیل داده های این مطالعه منتج به ترسیم سه نقشه شد. نقشه مدیریت شده موقعیتی که بیانگر پیچیدگی محیط یادگیری اتاق عمل با حضور عناصر انسانی و غیر انسانی، مولفه های فرهنگی، سیاسی، تاریخی، اجتماعی و فضایی بود. نقشه عرصه های اجتماعی که موید وجود جوامع عملی متعددی بود که دستیاران جراحی با نقش های قدرتی مختلفی در آنها حضور داشتند و در نهایت نقشه پوزیشنال که با تاکید بر گفتمان قدرت، روابط بین هویت روانشناختی، هویت اجتماعی و صلاحیت در مسیر توسعه حرفه ای را نشان داد. این نقشه در قالب مدل توسعه حرفه ای رزیدنت های جراحی در اتاق عمل نمایش داده شده است

بحث و نتیجه گیری: از آنجا که توسعه حرفه ای رزیدنت های جراحی وابسته به شکل گیری هویت روانشناختی، هویت اجتماعی و کسب صلاحیت آنهاست، لازم است با اهمیت دهی به نقش جوامع عملی در

به اهمیت آنها، می بایست برای ارتقا و بهبود وضعیت تمهیداتی اندیشیده شود .

کلمات کلیدی: ژورنال کلاب، بخش پزشکی اجتماعی، استانداردهای آموزش بالینی وزارت بهداشت جدول یک- فراوانی و درصد پاسخ مثبت به گویه های چک لیست های آموزش در ژورنال کلاب گویه کارورز فراوانی(درصد) استاد فراوانی(درصد) جلسات ژورنال کلاب با هدف آموزش کارآموزان و کارورزان برگزاری شوند (۱۰۰) ۱۰(۱۰۰) ۷۸(۱۰۰) جلسات ژورنال کلاب حداقل یکبار در ماه برگزاری گردد (۱۰۰) ۷۸(۱۰۰) ۱۰(۱۰۰) حداقل یک ساعت به هر جلسه ژورنال کلاب محتوایی* اختصاص داده شود ۴۷ (۷۰) ۷(۶۰) همه دستیاران بخش در جلسات "ژورنال کلاب محتوایی" حضور پیدا میکنند ۴۸ (۸۰) ۸(۶۱) همه دستیاران و کارورزان بخش در جلسات "ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد" حضور پیدا می کنند * ۷(۷۰) ۴۷(۶۰) دو مدل اصلی برای جلسات مرور مقالات وجود دارد ۱۰۰. جلسات مرور مقالات با تاکید بر محتوی مقالات (ژورنال کلاب محتوایی). ۲۰. جلسات مرور مقالات با تاکید بر مهارتهای ارزیابی نقادانه (ژورنال کلاب مبتنی بر شواهد).

تبیین چالش ها و تجارب دانشجویان علوم پزشکی البرز از آموزش مجازی در دوران بحران کوید ۱۹

لیلا ساداتی - دانشگاه ع. پ. البرز، زهرا نوری خانقاه - دانشگاه ع. پ. ایران، رعنا آب جار - دانشگاه ع. پ. البرز، مرجان حاج فیروز آبادی.

مقدمه: بحران پاندمی بیماری کرونا، منجر به تغییر آموزش های حضوری دانشگاهها به شیوه ی غیر حضوری و برگزاری کلاس های مجازی در دنیا شده است. برگزاری کلاس های آموزشی به شکل غیر حضوری و بر بستر فضای مجازی، ضمن برخورداری از مزایای متعدد از جمله دردسترس بودن محتوا، عدم محدودیت زمانی در مطالعه، معایبی همچون فقدان ارتباط رو در رو و تعامل با استاد و همکلاسی ها و عدم دسترسی به شبکه اینترنتی دارد که در کنار مشکلات روانی، جسمی و اقتصادی ناشی از بحران کوید ۱۹ می تواند آثار زیان باری بر اثربخشی آموزش برجای بگذارد. درک این تجارب و چالش ها از طرف دانشجویان در بافتار ویژه هر دانشگاه می تواند به مسئولین آموزشی کمک کند تا با ارائه ی راهکارهای مناسب بخشی از مشکلات را حل نموده و یا تعدیل نمایند. لذا مطالعه حاضر با هدف تبیین چالش ها و تجارب دانشجویان از آموزش مجازی در دوران بحران کوید-۱۹ انجام گرفت .

روش اجرا: پژوهش حاضر به شیوه کیفی به روش تحلیل محتوا در سال ۹۸-۹۹ انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از نمونه گیری هدفمند استفاده شد. داده ها از طریق مصاحبه های ساختارمند جمع آوری شد که سوالات از طریق شبکه های پیام رسان در رشته های مختلف تحصیلی در گروه های دانشجویی ارسال شد که تعداد ۳۴ نفر از

دانشجویان از رشته های مختلف در مقطع کارشناسی پیوسته و ناپیوسته به سوالات پاسخ داده و برگرداندند و در صورت وجود ابهام و یا نیاز به واکاوی بیشتر در پاسخهای ارسال شده، از طریق تماس تلفنی با دانشجو اطلاعات تکمیلی دریافت می شد. در نهایت متن مصاحبه ها به روش تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفت و به منظور تسهیل تحلیل داده های این مطالعه از نرم افزار MaxQDA استفاده شد. جهت تایید صحت داده ها، در مرحله کدگذاری اولیه، از روش member check استفاده شد. بدین ترتیب که کدها و تقاسیر حاصل از تحلیل برخی مصاحبه ها با شرکت کنندگان چک شد. به علاوه از مرور ناظرین هم جهت تایید صحت کدگذاری استفاده شد .

بحث و نتیجه گیری: نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی به روش قراردادی، در ارتباط با بررسی چالش های دانشجویان در آموزش مجازی در دوران کرونا در چهار طبقه ی اصلی دسته بندی شدند که طبقه ی ۱- موانع فردی دارای زیر طبقات: ویژگی های شخصی، تاثیرات محیط خانواده و امکانات و منابع. ۲- طبقه ی آموزش ناکارآمد دارای زیر طبقات: کمیت و کیفیت محتوا، نظم ارائه محتوا، ارزشیابی. ۳- طبقه ی پیامدها ی منفی دارای زیر طبقات: هویت گم شده، تنش روانی، تعارض دراستفاده از فضای مجازی و در نهایت ۴- طبقه ی پیامدهای مثبت دارای زیر طبقات :محتوای در دسترس، کاهش هزینه ها و حذف معزلات حضور در کلاس است.هم چنین برخی از کد های اولیه استخراج شده در زیر طبقه ۱-ویژگی شخصی: بی برنامه گی و بی انگیزگی. ۲- زیر طبقه ی تاثیرات محیط خانواده: آموزش همزمان چند نفر در خانواده، تغییر در نقش ها و توقع خانواده، سر و صدا عامل عدم تمرکز در یادگیری ۳- زیر طبقه ی امکانات و منابع: نداشتن اینترنت، لب تاپ و کامپیوتر. ۴- زیر طبقه ی کمیت و کیفیت محتوا: حجم بالای محتوا و تولید محتوا با فرمت های حجم پایین. ۵- زیر طبقه ی نظم ارائه محتوا: بارگذاری چند جلسه در یک زمان، محدود کردن زمان دسترسی به فایل ۶- زیر طبقه ی ارزشیابی: تکالیف بدون بازخورد، آزمون نامنصفانه ۷- زیر طبقه هویت گم شده :نداشتن حس دانشجویی و سردرگمی در نقشها. ۸- زیر طبقه تنش روانی: غافلگیری و ترس ناشی از ابتلاء به بیماری. ۹- زیر طبقه تعارض دراستفاده از فضای مجازی :اعتیاد به فضای مجازی، خسته شدن از فضای مجازی ۱۰- زیر طبقه محتوای در دسترس: در دسترس بودن محتواها و امکان گوش کردن مکرر به فایل ها. ۱۱- زیر طبقه کاهش هزینه ها: حذف هزینه رفت و آمد و کم شدن هزینه خرید کتاب و تغذیه. ۱۲- زیر طبقه حذف معزلات حضور در کلاس: خستگی کلاس های پشت سرهم، غیرمفید بودن کلاس های حضوری عمومی می باشد .

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه دانشجویان با چالش های جدی در محیط خانواده و مراکز آموزشی مواجه هستند که ضروری است در هر دانشگاه به طور ویژه و متناسب با بافتار آن محیط، این موارد استخراج و راهکارهای موثری در جهت تعدیل و حل

آنها ارائه شود تا ضمن حفظ سلامت دانشجویان از اثربخشی آموزش های ارائه شده نیز اطمینان حاصل گردد.

چالش های پیشبرد همگرایی و ارتباط بین رشته ای با تمرکز بر حوزه علوم پزشکی کشور: مرور نظام مند و متاسنتز

سمیه نوری حکمت - دانشگاه ع. پ. کرمان، سید میثم موسوی - دانشگاه ع. پ. کرمان، سمیرا عمادی - دانشگاه ع. پ. کرمان، عطیه بیجه کشاورزی - دانشگاه ع. پ. کرمان، هدی رضانی فر - دانشگاه ع. پ. کرمان، زهرا سرابندی - دانشگاه ع. پ. کرمان، رضا دهنویه .

مقدمه: همگرایی ادغام ایده ها، رویکردها و فناوری ها از زمینه های بسیار متنوع دانش در سطح بالایی از یکپارچگی، یک استراتژی اساسی برای حل مشکلات پیچیده و پرداختن به سوالات عقلی پیچیده‌ای است، که زمینه های اصلی رشته های نوظهور را تشکیل می دهد. همگرایی علوم پزشکی یک زمینه جدید آموزشی، پژوهشی و درمانی در علوم پزشکی است که دارای ظرفیت عظیم در تحول آینده در پزشکی هم در بخش پژوهش و هم در مراقبت‌های بالینی خواهد داشت. از این رو این مطالعه، با هدف شناسایی و تحلیل چالش ها و موانع پیشبرد همگرایی و ارتباط بین رشته ای و با تمرکز بر حوزه علوم پزشکی کشور، انجام شده است .

روش اجرا: این مطالعه، یک مرور نظام مند و متاسنتز می باشد. برای شناسایی مطالعات مرتبط، از منابع اطلاعاتی Scopus، PubMed، ScienceDirect، Embase، Iranmedex، IranDoc، SID استفاده شد. محدودیت زمانی برای انجام جستجوها، در نظر گرفته نشده و کلیه مطالعات به زبان فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت. به منظور استخراج داده ها، تیم مطالعه از فرم مخصوص استخراج استفاده نمود. همچنین با بهره گیری از منطق قیاسی، تحلیل داده ها با روش تحلیل مضمون صورت گرفت .

یافته ها: براساس معیارهای ورود و خروج، ۲۴ مطالعه، شناسایی و وارد مطالعه شدند. مضامین اصلی در قالب پنج دسته اصلی آموزشی، ساختاری، مدیریتی، مالی و فرهنگی، شناسایی شدند. زیرطبقات اصلی چالش های آموزشی عبارتند از: دشواری تلفیق دیدگاهها و وابستگی افراد به رشته تخصصی؛ دانش، تجربه و مهارت کم محققان برای کار بین رشته ای؛ کمبود منابع مستقل بین رشته ای؛ محدودیت انتشار مطالعات عمیق و همه جانبه بین رشته ای و فراهم نبودن زمینه های عملی فعالیت بین رشته ای. زیرطبقات چالش های ساختاری عبارتند از: طولانی شدن فرایند مطالعه، فقدان ساختار استاندارد دسته بندی رشته ها؛ کمبود اساتید در دروس بین رشته ای؛ مخدوش شدن استقلال محققین؛ تعداد کم موسسات پژوهشی مرتبط؛ عدم اتصال

تخصصی مقاطع تحصیلی؛ فقدان الگوی آموزش میان رشته ای؛ و ناشناخته بودن فلسفه وجودی و متدولوژی مطالعات میان رشته ای. چالش های مدیریتی عبارتند از: تاثیر منفی تغییرات مدیریتی، مشغله زیاد مدیران با امور روزمره، انحصارطلبی؛ پیچیدگی رهبری بین رشته ای؛ شفافیت ضعیف سیاستهای مدیریتی در فرآیند تدوین رشته های جدید. چالش های مالی عبارتند از: هزینه بر بودن و فقدان سازوکار تأمین مالی؛ منابع مالی ناکافی آموزش و پژوهش میان رشته ای؛ ریسک بالا و بی علاقه‌گی سرمایه‌گذاران خصوصی و دولتی؛ و محدودیت استخدام دولتی برای محصلین میان رشته ای و به دنبال آن بحران مالی متخصصین این حوزه . در نهایت چالش های فرهنگی عبارتند از: ضعف روحیه کار گروهی و جمعی، تسلط تفکر تک رشته‌ای در سازمان ها و گروه های آموزشی، انحصارطلبی و مشارکت گریزی، جزء نگری نسبت به مسائل، **بحث و نتیجه گیری:** این مطالعه نشان داد که چالش ها و موانع متعددی بر سر راه همگرایی و تقویت ارتباط بین رشته ای در حوزه علوم پزشکی مطرح باشد. برای برون رفت از چالش های مذکور، مدیران ارشد و سیاستگذاران حوزه آموزش علوم پزشکی، می بایستی نقشه راهی برای فائق آمدن بر چالش ها تدوین کرده و به اجرای راهکارهای سیاستی از طریق انجام مطالعات متقن، بپردازند .

کلمات کلیدی: همگرایی، ارتباط بین رشته ای، علوم پزشکی، ایران

طراحی و ساخت نرم افزار رتبه بندی کیفی عملکرد آموزشی، اجرایی و فرهنگی اعضای هیات علمی با استفاده از ترکیب روش دلفی و آنالیز سلسله مراتبی

آرمین الله وردی - دانشگاه ع. پ. مازندران، منصور رنجبر - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: از آنجا که اعضای هیئت علمی دانشگاه ها ارزشمندترین و اساسی ترین منابع هر دانشگاه محسوب می شوند، بنابراین، اقدام به منظور شناسایی و انتخاب استادان نمونه برای تقدیر و الگوگیری از توان علمی و رفتاری آنها نشان دهنده توجه نظام آموزش عالی به این حوزه حساس است. در این مطالعه با توجه به این موضوع که انتخاب استاد نمونه یک انتخاب تک بعدی نمب باشد که بتوان براساس فعالیت های کمی آموزشی مانند تعداد دروس، امتیاز نظرسنجی دانشجویان و دیگر مقادیر کمی به آن پرداخت، با ترکیب ابعاد و معیارهای مختلف مانند فعالیت های آموزشی، اجرایی و فرهنگی به صورت کیفی، به رتبه بندی اعضای هیات علمی پرداختیم. همچنین از آنجایی که قصد بر این است که این رتبه بندی با کمترین خطای ممکن انجام شود، استفاده از یک نرم افزار قطعی که براساس محاسبات ریاضی دقیق عمل می کند حیاتی می باشد. اهداف: ساختار بندی یک معادله ریاضی قطعی برای رتبه بندی کیفیت عملکردی اعضای هیات علمی و طراحی نرم افزار تعیین استاد نمونه

تجارب پزشکان خانواده از دوره های آموزش مداوم

پزشکی؛ یک مطالعه کیفی

ربابه امروزی - دانشگاه ع. پ. تبریز، رضا غفاری، فریبرز روشننگر، اسکندر فتحی آذر - فریبا سالک رنجبرزاده - دانشگاه ع. پ. تبریز.

مقدمه: پزشکان خانواده در ایران فارغ التحصیلان پزشکان عمومی هستند و آموزش های اختصاصی برای بجا آوردن نقش های گسترده این شغل را ندارند. آموزش مداوم پزشکی اغلب تنها راه تطبیق آنها در فیلد پرچالش و پیچیده پزشک خانواده است. عملکرد پزشکان در برنامه پزشک خانواده ایران با چالش های جدی روبروست و آموزش های مداوم پزشکان خانواده نیازمند بازنگری و بهبود است. علی رغم مشارکت گسترده پزشکان خانواده در دوره های حضوری و مجازی بررسی کیفی در خصوص انگیزه ها، چالشها و بازتابهای این دوره ها برای این گروه هدف مهم انجام نشده است. تجربیات زیسته پزشکان خانواده می تواند نقش بسزایی در غنی سازی اطلاعات برنامه ریزان آموزش مداوم و مدیران برنامه پزشک خانواده داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین تجارب پزشکان خانواده از آموزش های مداوم پزشکی جهت تعیین خلاء های واقعی و اتخاذ راهکارهای مبتنی بر شواهد انجام گرفت.

روش اجرا: مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری است. مشارکت کنندگان یازده نفر از پزشکان خانواده دارای سابقه کار سه تا پانزده سال در مراکز سلامت استان های شمال غرب ایران بودند که با روش مبتنی برهدف و گلوله برفی انتخاب شدند. اطلاعات از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ از طریق مصاحبه های نیمه ساختارمند به روش حضوری انجام و به روش تحلیل محتوا، تجزیه و تحلیل شد. **یافته:** تحلیل تجربیات مصاحبه ها منجر به شناسایی پنج درونمایه اصلی شد. درونمایه "برانگیزاننده ها" با تم های ارتباطی محرک های درونی و محرک های بیرونی و درونمایه "بازدارنده ها" با تم های ارتباطی موانع شخصی و موانع سازمانی مشخص شدند. تم های ارتباطی مثل شکاف آموزش پزشک عمومی و فیلد پزشک خانواده، نارضایتی و تعارضات، درونمایه "چالش های زمینه ای" را تشکیل دادند، درونمایه "نارسایی در فرآیندهای آموزشی" از تم های ارتباطی آموزش نامبتنی برنیاز، الگوهای تدریس ناکارآمد، ارزیابی نامناسب و جدی نبودن اهداف علمی حاصل شد و درونمایه "بازتاب های آموزش" از تم های ارتباطی ارتقاء دانش، تغییرات روانی فردی و کاربردهای عملی محدود شکل گرفت.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد شرکت در آموزش های مداوم پزشکی برای پزشکان خانواده تقاضای درست شکل نگرفته است که در بین برنامه های آموزش مداوم سایر رشته ها و تخصص ها به دنبال پاسخ نه چندان جدی برایش هستند. دستیابی به رویکرد فعال پزشکان خانواده در آموزش های مداوم پزشکی نیازمند توجه جدی به تعارضات و مشکلات زمینه ای برنامه پزشک خانواده و ترغیب انگیزه های درونی آنهاست. طراحی برنامه اختصاصی آموزش

روش اجرا: در این مطالعه از ترکیب روش دلفی و آنالیز سلسله مراتبی استفاده شده است. برای این کار طبق فلوجارت شکل ۱ عمل نمودیم. شکل ۱. فلوجارت اجرای مطالعه در اولین قدم می بایست تمام معیارهای مورد نظر افراد خبره برای انتخاب استاد نمونه انتخاب شود. برای این کار سه دسته معیار در نظر گرفته خواهد شد. ۱۰. معیارهای آموزشی ۲۰. معیارهای اجرایی ۳۰. معیارهای فرهنگی در این معیارها، معیار پژوهشی در نظر گرفته نشد چرا که استاد پژوهشی نمونه به صورت مجزا انتخاب می گردد، لذا از وارد نمودن معیارهای پژوهشی در این مطالعه خودداری نمودیم. پس از تبیین نوع معیارها، به جمع آوری زیر معیارها پرداختیم. برای انتخاب زیر معیارها از دو راه مجزا اقدام نمودیم (الف) معیارهای موجود در متون ب) معیارهای مورد نظر همکاران هیات علمی و افراد خبره در حوزه آموزش، معیارهای مورد نظر همکاران هیات علمی و افراد خبره در حوزه آموزش، یک پنل تخصصی از افراد خبره با تعداد ۱۵ نفر از مدیران حوزه آموزش ایجاد گردید. پس از جمع بندی معیارهای مورد نظر، وعیارها را به شکل مجزا در اختیار همان پانل تخصصی قرار دادیم و در خواست نمودیم که برای هر یک از این معیارها امتیازی بین ۱ تا ۱۰ تخصیص دهند و در نهایت امتیازات هر معیار به صورت مجزا تعیین گردید.

یافته ها: پس از جمع بندی نظرات افراد خبره حاضر در پانل تخصصی، برای معیار آموزشی ۱۶ شاخص، برای معیار اجرایی ۸ شاخص و برای معیار فرهنگی نیز ۶ شاخص تعیین گردید. سپس این شاخص ها به افراد خبره بازگردانیده شد و در ابتدا از آنها خواسته شد معیارهای آموزشی، اجرایی و فرهنگی را نسبت به یکدیگر امتیاز دهی نمایند و سپس امتیاز معیارها نسبت به مقدار یک نرمال گردید و نتایج به صورت جدول ۱ نمایش داده شده است. جدول ۱. امتیاز معیارها مختلف و میزان اثرگذاری آنها در تعیین استاد نمونه معیار آموزشی معیار فرهنگی معیار اجرایی امتیاز ۰.۵، ۰.۲۵، ۰.۲۵ در مرحله بعدی، از متخصصین در پانل خواستیم که به هر یک از شاخص های موجود در هر معیار نیز امتیاز دهی نمایند و در نهایت امتیازات شاخص های موجود در هر معیار نیز به مقدار یک نرمالیزه گردید. در نهایت میانگین وزندار شاخص های هر معیار به صورت مجزا محاسبه شده و سپس امتیازات معیارها نیز در وزن هر معیار ضرب شده و در نهایت امتیاز هر استاد محاسبه گردید.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به ضرایب به دست آمده از نظرات افراد خبره و اعضای هیات علمی برگزیده، مشاهده گردید که معیار آموزشی بیشترین اهمیت را در تعیین کیفیت عملکردی اعضای هیات علمی داشته و دو برابر معیارهای فرهنگی و اجرایی اهمیت دارد. همچنین نرم افزار ارائه شده در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه علوم پزشکی مازندران به جهت تعیین استاد نمونه استفاده شد.

مداوم پزشکان خانواده مبتنی بر اصول و استانداردهای آموزشی و تعدیل نارسایی های اجرایی در فرآیند آموزش ها همراه با تقویت نقش فراگیران دریافتی برای بهبود عملکرد پزشکان خانواده ضروری به نظر میرسد.

بومی سازی و روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه سنجش محیط بالینی آموزشی (UCEEM)

علی اصغر حیات - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
سید کاظم سراج زاده فرد - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: محیط یادگیری شامل کلیه شرایط و امکانات فیزیکی، روانی، عاطفی، عوامل فرهنگی و اجتماعی است که بر رشد و توسعه یادگیرنده در یک موسسه آموزشی تأثیر می گذارد. محیط یاددهی یادگیری یک پیش نیاز مهم جهت درک و اجرای موفق برنامه درسی و عامل تعیین کننده نگرش، دانش، مهارت، پیشرفت، رفتار فراگیران و ایجاد انگیزه برای یادگیری است. دانشجویان به عنوان دریافت کنندگان خدمات آموزشی، بهترین منبع برای شناسایی مشکلات محیط آموزش بالینی هستند زیرا حضور و تعاملی مستقیم و بی واسطه با این فرآیند دارند. از طرفی محیط آموزش بالینی به طور وسیعی به عنوان محیطی کلیدی جهت آموزش دانشجویان پزشکی پذیرفته شده است و به آنان کمک می کند تا بتوانند آموزش تئوری را با عملکرد در بالین پیوند دهند. بنابراین از آنجا که شناخت محیط یادگیری برای دانشجویانی که ارایه کننده خدمات سلامت هستند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است لذا روانسنجی و بعبارتی تعیین روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه سنجش محیط بالینی آموزشی ضروری به نظر می رسد چرا که با استفاده از نسخه روا و پایا شده می توان محیط بالینی بخشهای مختلف را مورد سنجش و بررسی قرار داد.

روش اجرا: این مطالعه یک مطالعه توصیفی- تحلیلی مقطعی می باشد که به منظور روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه سنجش محیط بالینی آموزشی بر روی دانشجویان پزشکی دانشکده پزشکی (مقطع اکسترن و اینترن) دانشگاه علوم پزشکی شیراز صورت پذیرفت. این ابزار جهت بررسی نگرش دانشجویان در خصوص محیط بالینی و ابعاد آن تدوین شده است. جامعه آماری شامل ۳۶۸ نفر دانشجوی مقطع بالینی بودند که از این تعداد، ۱۹۴ نفر به عنوان نمونه با استفاده از فرمول کوکران و به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه «سنجش محیط بالینی آموزشی» UCEEM بود که توسط استرن در سال ۲۰۱۰ طراحی شده است. این مقیاس شامل ۲۵ گویه است و ۴ مولفه در مقیاس لیکرت است. روایی محتوایی نسخه انگلیسی این پرسشنامه توسط نویسندگان آن در سطح بالا و الفای کرونباخ ۰.۹، ۰ گزارش شده است. در این مطالعه، ابتدا پرسشنامه UCEEM توسط دو نفر متخصص موضوعی و مسلط به زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شد،

سپس جهت تضمین روایی، ترجمه معکوس توسط دو نفر مترجم زبان انگلیسی صورت گرفت و موارد عدم توافق توسط پانل صاحب نظران برطرف شد و یک ترجمه فارسی مورد قبول ارائه گردید. در تحقیق حاضر با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مولفه های اصلی با استفاده از نرم افزار SPSS و تحلیل عاملی تایید با استفاده از نرم افزار PLS۳ صورت گرفت.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار نمره مولفه های الگوهای تعاملی ۰.۹۴۲ ± ۰.۰۷۳، آمادگی هنگام ورود دانشجو ۰.۸۷۵ ± ۰.۰۲۳، کیفیت نظارت بر محیط بالینی ۰.۷۰۰ ± ۰.۰۸۸، فرصتهای یادگیری ۰.۹۳۲ ± ۰.۰۷۴، و میانگین نمره کلی پرسشنامه سنجش آموزش بالینی ۰.۴۶۷ ± ۰.۱۷۳ بود. در گام اول، روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان مورد تایید قرار گرفت. ابتدا نتایج آزمون KMO و بار تلت کفایت نمونه گیری را تایید کرد و سپس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و نمودار اسکری پلات استخراج چهار مولفه عمده (واریانس تبیین شده ۰.۸۳، ۰.۷۸) را نشان داد. در گام دوم نتایج تحلیل عاملی تایید نشان داد که پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ (۰.۸۴) و پایایی ترکیبی (۰.۸۸) مورد قبول است. بعلاوه بارهای عاملی گویه ها بر روی متغیرهای مکنون متناظرشان در حد مطلوب بود. همچنین روایی همگرایی با استفاده از شاخص AVE و واگرایی با استفاده از شاخص فرنل لارکر و بار عرضی نیز مورد تایید قرار گرفت.

بحث و نتیجه گیری: نسخه فارسی پرسشنامه سنجش محیط بالینی آموزشی (UCEEM) یک ابزار با پایایی و روایی بسیار بالا و قابل اعتماد برای سنجش محیط بالینی برای کارآموزان و کاروزان رشته پزشکی می باشد. این پرسشنامه به خوبی، محیط آموزش بالینی را از جنبه های مختلف مورد سنجش قرار می دهد. بنابراین استفاده از نسخه فارسی پرسشنامه UCEEM را برای ارزیابی و سنجش آموزش بالینی برای کارآموزان و کاروزان رشته پزشکی پیشنهاد می شود.

یاددهی و یادگیری

مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و نهایتاً اطلاعات جمع بندی و گزارش شد .

یافته‌ها: از بین ۲۷۴۰ مقاله به دست آمده تعداد ۴۲ مقاله دارای معیارهای ورود به مطالعه بودند. اغلب مطالعات بر روی دانشجویان رشته پزشکی و از قاره آمریکا انجام شده بود. ۶۲٪ مداخلات کاملاً جدید بودند. ۶۶٪ آنها کلینیکال و ۳۴٪ تئوری بودند. در بخش کلینیکال سه شیوه اصلی آموزش، شامل شبیه سازی (Simulation)، جلسات بحث موردی (Case discussion) و ویدئو کنفرانس‌ها بودند. در بخش تئوری روش‌های بسیار متنوعی یافت شد که متداول‌ترین آنها به این ترتیب بود: ۱- ویدئو کنفرانس‌ها ۲- ویدئوهای کوتاه آفلاین ۳- ژورنال کلاب‌ها ۴- استفاده از اپلیکیشن‌های خاص ۵- ویدئوهای MOCC. همچنین در برخی مطالعات گروه‌های کوچک آموزشی و جلسات بازاندیشی (reflection sessions) در شبکه‌های اجتماعی گزارش شده بود. قابلیت تعامل بین استاد و دانشجو و همچنین بحث بین دانشجویان در ۶۰٪ مطالعات ذکر شده بود. اغلب موارد آموزش‌ها از قبل برنامه ریزی و هماهنگ شده بودند. در ۷۳٪ مداخلات، تکالیف فردی برای دانشجویان در نظر گرفته شده و طول مدت تدریس در بیشتر موارد حدود ۶۰ دقیقه بود. در بیشتر مطالعات فراگیران از مداخلات انجام شده رضایت داشتند. در مطالعات بررسی شده اپلیکیشن‌ها و بسترهای مجازی متعددی استفاده شده بود که بیشتر از همه اپلیکیشن Zoom و بعد از آن به ترتیب بستر کلاس‌های گوگل و ماکروسافت قرار داشت. چالش‌های اصلی گزارش شده عبارت بودند از: تعامل کم بین استاد و دانشجو، عدم دسترسی به آزمایشگاه‌ها و بیمارستان‌ها، محدودیت در معاینه فیزیکی بیماران، آشنایی کم دانشجویان با شیوه نوین، عدم وجود زیرساخت مناسب آموزش مجازی در برخی کشورها .

بحث و نتیجه گیری: بررسی مقالات نشان داد در اغلب موارد، برنامه تدریس از قبل کاملاً مشخص بود که این مورد به دلیل عدم آشنایی دانشجویان با فضای مجازی بسیار ضروری است و باعث پذیرش و سازگاری سریع تر و رضایت بیشتر دانشجو می‌گردد. اغلب مداخلات به صورت برخط برگزار شده بودند. این ویژگی یک مزیت اصلی به مداخلات داده که قابلیت تعامل بیشتر بین استاد و دانشجو و بحث بین دانشجویان فراهم گردیده است. این مزیت و جلسات بازاندیشی در بستر شبکه‌های اجتماعی و سایر مزایای موجود باعث تامین رضایت فراگیران شده است که به عنوان اولین سطح از هرم کرک پاتریک قابل توجه می باشد . کاهش زیاد هزینه‌ها، استفاده از ظرفیت بالای کلاس‌ها برای حضور دانشجویان و همچنین دسترسی به محتوای ارائه شده در هر زمان از جمله مزایایی است که باتوجه به آنها، آموزش مجازی می تواند بعد از دوران پاندمی نیز بسیار کاربردی و مفید باشد. باتوجه به کیفیت بالای مداخلات در برخی از کشورهای توسعه یافته، در بخش آموزش بالینی برخلاف تصور موجود، دانشجویان و اساتید به دلایلی مثل دنبال کردن راحت تر کیس‌های بالینی با رضایت نسبتاً بالایی آموزش مجازی را ترجیح می‌دادند .

آموزش دانشجویان علوم پزشکی در دوران پاندمی کووید-۱۹، درس‌هایی برای آینده: یک مرور سیستماتیک

سارا قاضی زاده - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، ملیکا فلسفی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، مهتاب نیازی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، علیرضا ملک التجاری - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، فخرالسادات حسینی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، آمنه رهنما - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، علی سلیمی اصل - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، فردوس سعدین - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، زهرا شفیعی سروسستانی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، شقایق کرمانی نژاد، فرحناز کمالی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس،

مقدمه: آموزش پزشکی پس از بروز پاندمی کووید-۱۹ دچار چالش‌های بنیادی شد. دانشگاه‌های علوم پزشکی علی‌رغم تفاوت در ماهیت دروس خود، تلاش کردند همگام با سایر مراکز آموزش عالی به تدریج با تغییر در روش‌های آموزشی و استفاده از شیوه‌های نوین آموزش مجازی، خود را با این شرایط وفق داده و به بازده آموزش‌ها بیافزایند. هرچند این تغییر چندان هم بی‌عیب نبود ولی در بسیاری موارد راه‌گشا واقع شد. هدف ما از این پژوهش بررسی نظام‌مند مطالعات انجام شده در زمینه روش‌های جدید ارائه دروس علوم پزشکی در طول مدت پاندمی است، که می‌تواند برای کسب تجارب از دانشگاه‌های دیگر دنیا مفید باشد .

روش اجرا: این مطالعه به روش مرور سیستماتیک انجام شد. برای این منظور تیمی متشکل از متخصص آموزش پزشکی و چند نفر دانشجوی علوم پزشکی تشکیل شد. سوال اصلی این بود که روش‌های آموزش مجازی به کار گرفته شده در دانشگاه‌های علوم پزشکی در دوران پاندمی چه خصوصیتی دارند؟ و چالش‌ها و مزایای این روش‌ها چیست؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا با جستجوی کلید واژه‌های آموزش مجازی، آموزش علوم پزشکی، کووید-۱۹، معادل‌های آنها و ترکیبشان با استفاده از جستجوی پیشرفته در عنوان‌ها و خلاصه مقالات موجود در پایگاه‌های Pubmed، Google scholar، Eric، Scopus و SID انجام شد. تاریخ جستجو بین اردیبهشت تا آبان ۱۳۹۹ بود. مقالات به دست آمده طی سه مرحله با مطالعه عنوان، خلاصه مقالات و متن کامل با توجه به معیارهای ورود (وجود مداخله آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی، بررسی اثربخشی آن در هرکدام از سطوح هرم کرک پاتریک و زبان انگلیسی یا فارسی، و امکان دسترسی به مقالات کامل) و ارزشیابی مقالات غربال شدند. سپس داده‌های مقالات بر اساس فرم تهیه شده استخراج داده، استخراج شدند. برای افزایش دقت، مراحل توسط تیم‌های دو نفره به صورت موازی انجام شد. سپس نتایج

بحث و نتیجه گیری: علیرغم چالش‌ها موجود در استفاده از آموزش مجازی، با به‌کارگیری برخی نوآوری‌های ذکر شده در مطالعات می‌توان برای رفع مشکلات موجود در عرصه آموزش اقدام کرد.

مقایسه تأثیر دو روش آموزشی نمایش عملی زنده و مولتی مدیا بر تراش کست دندان‌دانی در دانشجویان دندانپزشکی

آذین نوریان - دانشگاه ع. پ. زنجان، مصطفی شیخی، محمد مسعود وکیلی، علیرضا علیزاده.

مقدمه: شیوع ناگهانی پاندمی کووید-۱۹، حوزه تعلیم و تربیت را تحت تأثیر خود قرار داده است و در این راستا در بسیاری از کشورها از جمله در کشور ما، برای کاهش شیوع ویروس کرونا بسیاری از آموزش‌های حضوری در دانشگاه‌ها تعطیل شد. بنابراین استفاده از روش‌های نوین آموزش مانند آموزش به وسیله محتوای الکترونیکی امری ضروری است. از جمله این موارد استفاده از مولتی مدیاها به عنوان محتوای الکترونیکی پیشنهاد شده است. این مطالعه با هدف مقایسه تأثیر دو روش آموزشی نمایش عملی زنده و مولتی مدیا بر تراش کست دندان‌دانی در دانشجویان دندانپزشکی انجام شد.

روش اجرا: در این مطالعه نیمه تجربی، ۴۴ دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی زنجان که واحد ارتودنسی عملی ۱ را انتخاب کرده بودند با روش سرشماری وارد مطالعه و بر حسب روز زوج و فرد ورود به بخش با تخصیص تصادفی به دو گروه کنترل (۲۱ نفر) و مداخله (۲۳ نفر) تقسیم شدند. در گروه مداخله از آموزش با مولتی مدیا و در گروه مداخله از آموزش نمایش عملی زنده استفاده شد. جهت سنجش دانش بصورت پیش آزمون و پس آزمون پرسشنامه محقق ساخت استفاده شد. پرسشنامه بین ۵ نفر از افراد صاحب نظر توزیع و با نظر متخصصین روایی محتوایی آن تعیین شد. ($CVR > 0.99$) جهت اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه شاخص آلفای کرونباخ در مطالعه پایلوت ۰.۸۸، بدست آمد. جهت ارزیابی مهارت عملی، کست‌های تراش داده شده توسط دانشجویان با استفاده از یک چک لیست ۲۰ آیتمی بر گرفته از لاگ بوک که روایی آن توسط خبرگان تایید شده بود، توسط یک نفر از اساتید بخش ارتودنسی که اطلاعی از نحوه تخصیص دانشجویان نداشت بررسی و امتیاز دهی شد. حداکثر نمره قبولی ۲۰ و حداقل نمره قبولی ۱۲ بود. نمره پایان ترم دانشجویان با هم مقایسه شد. از پرسشنامه استاندارد روا و پایایی IDEA جهت سنجش رضایتمندی دانشجویان از روش آموزشی استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها: از نظر دانش دو گروه قبل از مداخله همسان بودند و نتایج نشان داد در هر گروه بین نتایج پس آزمون در مقایسه با پیش آزمون

اختلاف معناداری وجود دارد و پیشرفت آموزشی خوبی بدست آمده است اما نمرات پس آزمون دو گروه در مقایسه با یکدیگر تفاوت معنی داری نداشتند و با هم مشابه بودند. از نظر مهارت عملی در میانگین و انحراف معیار نمرات دو گروه در پایان دوره اختلاف معناداری مشاهده نشد. از نظر رضایتمندی دانشجویان هم در هر پنج حیطه‌ی تدریس استاد، محتوای آموزش، نگرش به دوره آموزشی، دشواری درس و قضاوت نهایی دانشجویان اختلاف معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری: تمامی دانشجویان این درس را با موفقیت کامل گذراندند. دانش و مهارت دانشجویان در هر دو روش آموزش نمایش عملی زنده و مولتی مدیا ارتقا یافت و نیز میزان رضایت دانشجویان در هر دو روش آموزشی در هر پنج حیطه‌ی تدریس استاد، محتوای آموزش، نگرش به دوره آموزشی، دشواری درس و قضاوت نهایی دانشجویان مشابه هم و بالاتر از حد متوسط بود. بنابراین آموزش با استفاده از مولتی مدیا بخوبی می‌تواند همراه با آموزش سنتی (شیوه نمایش عملی زنده) و حتی در شرایط بحرانی مانند بحران پاندمی کووید-۱۹ بعنوان جایگزین آن استفاده شود.

تأثیر آموزش تعاملی به شیوه قصه گویی بر میزان رضایتمندی دانشجویان پزشکی در انتقال مفاهیم اولیه آموزش پزشکی

سعیده غفاری فر - دانشگاه ع. پ. تبریز، مهرناز محمودآبادی - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، شلاله آقائی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی.

مقدمه: قصه گویی از روشهای فعال و موثر آموزشی است که در رده‌های مختلف آموزشی از جمله تاریخ، اقتصاد و علوم ابتدایی از آن استفاده می‌شود. وقتی به داستان سرایی فکر می‌کنیم، معمولاً آموزش پزشکی آن چیزی نیست که به ذهن ما خطور می‌کند، این در حالی است که قصه گویی از مهمترین ابزارهای آموزشی در علوم پزشکی می‌باشد (۱). این شیوه آموزشی موجب یادگیری عمیق و تفکر انتقادی در دانشجویان می‌شود (۲). در داستانگویی، با صحبت در خصوص اختصاصیت و شرایط محیط حرفه‌ای، فراگیر نگرش مناسبی پیدا کرده، رفتارهای خود را هم جهت با آن تطبیق می‌دهد و برای کار در محیط حرفه‌ای آینده آماده می‌شود. (۳) سرعت شتابنده‌ی تولید اطلاعات علمی و گسترش روزافزون رشته‌های علوم پزشکی، نیاز به تربیت نیروی انسانی کارآمد در زمینه آموزش را افزایش داده است. با عنایت به همین ضرورت، دوره کارشناسی ارشد آموزش پزشکی در سال ۱۳۷۳ به تصویب شورای عالی برنامه ریزی رسیده است. دانشجویان، اساتید آینده هستند؛ بنابراین علاوه بر اساتید، دانشجویان نیز باید با مبانی آموزش پزشکی آشنا باشند و در جریان تحصیل از این مفاهیم برای ساماندهی فرآیندهای یادگیری خود استفاده نمایند (۴). با توجه به اهمیت آشنایی دانشجویان با مبانی آموزش پزشکی و ضرورت استفاده از روشهای

تعاملی آموزشی، پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش تعاملی به شیوه قصه گویی بر میزان رضایتمندی دانشجویان پزشکی در انتقال مفاهیم اولیه آموزش پزشکی انجام شد.

روند گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال ۱۳۹۹

عبدالحسین شکورنیا - دانشگاه ع. پ. اهواز، طیبه فاضلی نیا، نسربین خواجه علی - دانشگاه ع. پ. فسا.

مقدمه: تفکر انتقادی به عنوان یکی از رسالت های اصلی دانشگاهها، از جمله مهارت هایی است که توسط یونسکو برای انسان قرن بیست و یکم به عنوان یک ضرورت تعیین شده و توجه به آن در آموزش دانشجویان در دانشگاهها مورد تاکید قرار گرفته است. انجمن جهانی آموزش پزشکی نیز مهارت های تفکر انتقادی را جزو استانداردهای آموزش پزشکی بر شمرده است و اعلام داشته است که این مهارت باید به دانشجویان پزشکی آموزش داده شود. چرا که توانمندی دانشجویان را در حل مساله و مشکل گشایی افزایش می دهد. صاحب نظران معتقدند مهارت تفکر انتقادی در پزشکان نقش کلیدی در ارائه خدمات درمانی به بیمار و اتخاذ تصمیمات پیچیده نقش دارد. بنابراین، تفکر انتقادی لازمه کار پزشکی است و به عنوان یک مولفه مهم در برنامه درسی دانشجویان و تربیت پزشکان تحلیل گر و با صلاحیت محسوب می شود. تفکر انتقادی بالاترین سطح تفکر است و در طبقه بندی اهداف آموزشی به طبقه تحلیل و ارزشیابی مربوط می شود. این نوع تفکر شامل دو جنبه مهارت و گرایش به تفکر انتقادی می باشد. جنبه مهارت بر راهبردهای شناختی و جنبه گرایش، بر اجزای نگرشی تفکر و انگیزه پایدار درونی برای حل مسائل تاکید دارد.

اهداف: این مطالعه با هدف بررسی روند گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال ۱۳۹۹ انجام شد

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی- مقطعی جامعه مورد بررسی دانشجویان پزشکی شاغل به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ به تعداد ۱۷۴۰ نفر بودند که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۳۱۵ نفر از این دانشجویان به شکل نمونه گیری خوشه ای به صورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه استاندارد گرایش به تفکر انتقادی ریکتس بود. این پرسشنامه دارای ۳۳ سوال است که با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت اندازه گیری می شود. محدوده نمرات از ۳۳ تا ۱۶۵ می باشد که نمرات بالاتر نشان دهنده گرایش بالاتر است. روایی و پایایی این ابزار در مطالعات زیادی مورد بررسی قرار گرفته و تایید گردیده است. روایی و پایایی نسخه فارسی این پرسشنامه نیز در ایران بررسی و تأیید شده است که ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون برابر با ۰.۸۲، بدست آمد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-۱۶ و آزمون t و آنوا تحلیل شد و سطح معنی داری $p < 0.05$ در نظر گرفته شد.

روش اجرا: این مطالعه از نوع توسعه آموزش در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ در دانشکده علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز انجام شد. تعداد ۳۰ دانشجوی پزشکی علاقمند به صورت دو گروه ۱۵ نفره به مدت ۴ ساعت در طول دو ترم تحصیلی متوالی در کارگاه مبانی آموزش پزشکی به شیوه قصه گویی شرکت کردند. کتابچه ای به شیوه آموزشی داستانگویی در خصوص مفاهیم اولیه آموزش پزشکی توسط تیم دانش پژوهی تدوین گشت و برای پیش مطالعه در اختیار دانشجویان قرار گرفت. در طول کارگاه با تسهیل گری مدرس، دانشجویان به بحث و تبادل نظر در خصوص محتویات کتابچه و تجارب مشابه خود پرداختند. ارزیابی واکنش دانشجویان شرکت کننده، میزان رضایت آنها و میزان دستیابی به اهداف کارگاه با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته انجام شد. پایایی پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۶، سنجیده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با آماره های توصیفی و نرم افزار SPSS ۲۲ انجام شد.

یافته ها: از میان شرکت کنندگان، ۱۸ نفر زن (۶۰٪) و ۱۲ نفر مرد (۴۰٪) بودند و میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۲.۶ سال بود. میزان رضایتمندی شرکت کنندگان در هر یک از حیطه های زیر بسیار زیاد و زیاد گزارش شد: میزان تناسب محتویات با نیازهای فراگیران ۷۶.۷٪، امکان شرکت در بحثهای گروهی ۶۳.۳٪، موثر بودن بحثهای گروهی ۷۶.۷٪، کیفیت محتویات آموزشی آماده شده ۸۶.۷٪، میزان کلی یادگیری از نظر خود شرکت کنندگان ۷۰٪ و میزان رضایت کلی ۸۶.۷٪ بوده است. میزان دستیابی فراگیران به اهداف آموزشی مدنظر به ترتیب در یادگیری مفاهیم برنامه ریزی و اجزای مختلف یک برنامه آموزشی ۷۶.۶٪، مفاهیم برنامه ریزی و اجزای مختلف یک برنامه آموزشی ۸۶.۷٪، انواع روشهای ارزشیابی دانشجویان ۸۶.۷٪، انواع روشهای ارزشیابی اساتید ۸۳.۳٪، انواع آزمونها و تفاوت آزمونهای ملاک-محور و هنجار محور ۸۰٪، مفاهیم روایی و پایایی ۸۳.۳٪، اهمیت برنامه های مواجهه زودرس بالینی ۸۳.۳٪ و ویژگیهای استاد خوب ۸۰٪ بوده است.

بحث و نتیجه گیری: شیوه تعاملی داستانگویی، شیوه آموزشی موثر در علوم پزشکی است. علیرغم محدودیتهای موجود، نتایج نشان می دهد که ۷۰٪ شرکت کنندگان میزان یادگیری را خیلی زیاد و زیاد اعلام کردند و ۸۶.۷٪ نیز رضایتمندی خیلی زیاد و زیاد از این شیوه آموزشی داشتند. پیشنهاد می شود اساتید بیش از پیش از این شیوه در انتقال مفاهیم دشوار علوم پزشکی استفاده نمایند. همچنین آشنایی دانشجویان با مبانی آموزش پزشکی موجب افزایش میزان دانش آنها می شود؛ بطوریکه خواهند توانست با بهره مندی از اطلاعات جدید کسب شده، فرآیندهای یادگیری خود را جهت دهند و بعنوان نیروی کار آینده، دانش خود را در جهت کسب توانمندیهای حرفه ای لازم بکار گیرند.

یافته ها : میانگین و انحراف معیار گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان پزشکی ۳۲، ۱۱±۸۵، ۱۲۱ بود. آزمون آنوا نشان داد که بین میانگین نمره کل گرایش به تفکر انتقادی و سنوات تحصیل تفاوت معنی داری وجود ندارد. ($F=0.74$ ، $p=0.590$) آزمون همبستگی پیرسون نیز نشان داد که بین گرایش به تفکر انتقادی با معدل تحصیلی دانشجویان ارتباطی معنی داری وجود ندارد ($r=0.007$ ، $p=0.89$) میانگین نمره گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان پسر 83.44 ± 11.11 و در دانشجویان دختر 73.23 ± 11.11 بود. مقایسه میانگین نمرات کل گرایش به تفکر انتقادی با استفاده از آزمون t مستقل تفاوت معنی داری را بین گرایش به تفکر انتقادی به تفکیک جنس نشان نداد ($p=0.22$)

بحث و نتیجه گیری : نتایج مطالعه حاضر نشان داد که سطح گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان پزشکی بالاتر از متوسط است. و بین میزان گرایش به تفکر انتقادی و سنوات تحصیلی دانشجویان رابطه آماری معناداری وجود ندارد. بر این اساس لازم است در آموزش دانشجویان از تکنیکها و روشهای مناسب جهت بهبود گرایش به تفکر انتقادی که برای ارائه مراقبت باکیفیت ضروری است، استفاده شود. پیشنهاد می گردد که تحقیقات جامعتری در سایر دانشگاههای علوم پزشکی با در نظر گرفتن سایر متغیرهای مرتبط با گرایش به تفکر انتقادی جهت شناسایی عوامل و متغیرهای پیش بینی کننده ضعف گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان صورت گیرد.

تبیین مفهوم یادگیری خودراهبر در آموزش مجازی در دوران بحران COVID۱۹ از دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۹۹

ایده دادگران - ملیکا قاسمی پور - دانشگاه ع. پ. گیلان.

مقدمه : این مطالعه تحت نظارت مرکز تحقیقات آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان انجام شده است. پزشکی هنری است مبتنی بر علم و علمی است که باید برای موثر واقع شدن، هنرمندانه به کار گرفته شود و آموزش این علم نیز نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد. در دنیای امروز آموزش خود راهبر به عنوان یکی از مهم ترین جنبه های آموزشی محسوب می گردد و باعث بهبود شرایط یادگیری، یاددهی و همچنین باعث امکان ایجاد آسایش روحی و روانی بیشتر می شود. (۱) در اثر اصلی نولز ((Knowles یادگیری خود راهبر (Self-directed learning) در آن افراد برای شناسایی نیازهای یادگیری خود، تعیین اهداف یادگیری، شناسایی منابع و مطالب مورد نیاز برای یادگیری، انتخاب و اجرای راهبردهای مناسب یادگیری و ارزیابی برآیندهای یادگیری خود بدون کمک دیگران وارد عمل شده و ابتکار عمل را در دست می گیرند (۲) با توجه به ضرورت آمادگی دانشجویان پزشکی برای یادگیری مادام العمر، یادگیری خود

راهبر به طور روز افزون در آموزش پزشکی به عنوان یک الزام مطرح می شود.

(۳) در سال جاری به دلیل رخ دادن همه گیری COVID۱۹ و عدم امکان برگزاری کلاس های آموزشی به صورت حضوری، نقش آموزش مجازی پررنگ تر شده است در آموزش دندانپزشکی نیز با توجه به نیاز به آموزش بصری، نقش آموزش مجازی در این دوره پررنگ تر گشته است.

روش اجرا : در این مطالعه روش اجرای طرح مبتنی بر روش اجرای تحقیقات کیفی با رویکرد تحلیل محتوای کیفی قراردادی بود. روش گردآوری داده ها مبتنی بر روش مصاحبه نیمه ساختارمند بود. در ابتدای مصاحبه پیرامون اهداف و روش مطالعه توصیفات لازم ارائه شد. برای انجام مصاحبه ها ابتدا سوالاتی به عنوان پیش فرض اولیه توسط محققان در نظر گرفته می شد. این سوالات کلی بود و مصاحبه شونده را به بیان تجربیات خویش سوق می داد و با توجه به روند مصاحبه سوالات مطرح می شدند. پس از تایپ و پیاده سازی متن مصاحبه در فایل Word ۲۰۱۰ با استفاده از نرم افزار MAXQDA۲۰۱۰ فایل متن مصاحبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

یافته ها : در این مطالعه ۲۱ نفر از دانشجویان سال آخر دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین سن افراد شرکت کننده در این مطالعه 25 ± 1 بود. تعداد کد های اولیه مطالعه ۴۴۳ مورد بود که در نهایت به ۲۸۰ کد تقلیل یافت. تم اصلی استخراج شده از کد ها "تاثیرگذاری همه گیری" بود، که شامل زیر تم های مزایا، معایب، خصوصیات و زیرساخت بود .

بحث و نتیجه گیری : آموزش مجازی خودراهبر از علل رشد دانشجویان دندان پزشکی شناخته می شود که توصیه می شود در دانشکده های دندان پزشکی اجرا شوند. این برنامه ها باید به صورت هدفمند برگزار شده و همواره مورد ارزشیابی قرار گیرند. انتخاب صحیح منابع، آموزش آن ها، پشتیبانی و زیرساخت مناسب می تواند در موفقیت یک برنامه مؤثر باشد.

بررسی اثر بخشی آموزش نسخه نویسی به روش کلاس وارونه به دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز

ندا یاسمینه - کتابیون کاتبی - دانشگاه ع. پ. تبریز،

مقدمه : تجویز منطقی داروها و نسخه نویسی صحیح یکی از مهارتهای اساسی مورد نیاز دندانپزشکان است. مهمترین و رایج ترین داروهای تجویزی دندانپزشکان آنتی بیوتیک ها می باشند و تجویز نادرست آنتی بیوتیک ها علاوه بر ایجاد مقاومت میکروبی در سطح جامعه باعث

تحلیل هزینه های سنگین بر بیمار و نظام سلامت کشور می شود. آموزش تجویز منطقی دارو ها و رعایت اصول نسخه نویسی یکی از اهداف آموزشی واحد درسی " درد و داروشناسی در دندانپزشکی" می باشد. در روش آموزش کلاس وارونه محتوای آموزشی از قبل به صورت مجازی در اختیار دانشجویان قرار داده می شود و دانشجو می تواند در هر مکان و هر زمان و هر چند بار که بخواهد آن را مطالعه کند. لذا کلاس درس به محلی برای یادگیری عمیق تر مفاهیم و به کارگیری دانش تبدیل می شود و این بر خلاف روش سخنرانی مرسوم است که سطوح پایین مهارت ها در کلاس و سطوح بالاتر آن در خارج از کلاس و بدون نظارت استاد اتفاق می افتد..

هدف: هدف از این مطالعه بررسی اثر بخشی آموزش نسخه نویسی به روش کلاس وارونه به دانشجویان ترم هفت دندانپزشکی عمومی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز می باشد.

روش اجرا: این مطالعه بر روی دو ورودی متوالی از دانشجویان دندانپزشکی انجام شد. به این صورت که در سال ۹۸ به کلیه دانشجویان یک ورودی (۹۰ نفر) مبانی نسخه نویسی به روش سخنرانی در کلاس درس تدریس شد و سپس در دو جلسه بعدی تمرین عملی نسخه نویسی در گروه های ۱۰ نفره انجام شد. به این صورت که موارد بالینی مختلفی از بیماری های شایع دهان و دندان مطرح شد و از دانشجویان خواسته شد که برای بیمار مطرح شده نسخه بنویسند سپس نسخه ها در گروه ها بررسی شد و به دانشجویان بازخورد داده شد. در سال ۹۹ به دانشجویان ورودی دیگر (۸۷ نفر) همان اسلایدهای قبلی به صورت صدا گذاری شده با نرم افزار ۹ i spring suite در سامانه آموزش مجازی نوید قرار داده شدند و به دانشجویان یک هفته فرصت داده شد تا محتوای آموزشی را مطالعه کنند. سپس دو جلسه آموزش آنلاین همزمان از طریق نرم افزار Adobe connect برای گروه های ۸ تا ۱۰ نفره دانشجویان تشکیل شد و در ابتدای جلسه آزمونی از مطالب محتواهای آموزشی از دانشجویان گرفته شد البته نمره آن تاثیری در نمره نهایی دانشجویان نداشت. سپس تمرین عملی به همان شیوه مطرح کردن موارد بالینی انجام شد و از دانشجویان خواسته شد نسخه های خود را به اشتراک بگذارند و نسخه ها در گروه بررسی شده و دانشجویان به تبادل نظر پرداختند و در نهایت هم جمع بندی مطالب توسط استاد انجام گردید. در هر دو نیمسال یک ماه بعد از آخرین جلسه آموزشی امتحان نسخه نویسی برگزار شد و میانگین نمرات دانشجویان در دو گروه از طریق آزمون تی مستقل و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS۱۷ مقایسه شدند و سطح معنی داری $p < 0,05$ در نظر گرفته شد. همچنین اطلاعات کیفی از طریق بحث گروهی با دانشجویان در رابطه با میزان رضایت آنان از این دو شیوه آموزشی جمع آوری گردید .

یافته ها: در بررسی کمی، میانگین نمرات گروه اول (سخنرانی در کلاس) در آزمون $40,87 \pm 3$ (نمره از ۵) و نمرات گروه دوم (کلاس وارونه) $45,45 \pm 3,95$ بود. تفاوت آماری معنی داری بین دو گروه وجود

نداشت ($p = 0,071$). در بررسی کیفی مشخص شد دانشجویان از کلاس وارونه رضایت بیشتری داشتند و خواستار ارائه دروس بیشتری به این شیوه شدند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به مزایای آموزش به روش کلاس وارونه این مطالعه برای ارتقا یادگیری مبحث مهم نسخه نویسی برای دانشجویان دندانپزشکی انجام شد. البته در شکل کلاسیک کلاس وارونه جلسه دوم به صورت حضوری برگزار می گردد اما در این مطالعه به دلیل شرایط پیش آمده از همه گیری کووید ۱۹، جلسه چهره به چهره به صورت مجازی برگزار گردید و علی رغم اینکه نتایج تفاوت آماری معنی داری نشان نداد، میانگین نمرات در گروه کلاس وارونه بیشتر بود و دانشجویانی که در کلاس وارونه شرکت کرده بودند رضایت بیشتری داشتند. بنابراین از این شیوه آموزش می توان برای بالا بردن انگیزه دانشجویان برای یادگیری و افزایش جذابیت کلاس ها استفاده کرد و بعد از مدتی نیز در صورت فراموشی مطالب، دانشجویان می توانند با استفاده از محتوای آموزشی مطالب را مرور کنند.

تاسیسی داروخانه داروهای گیاهی و طبیعی، راهکاری برای افزایش یادگیری علم فارماکونوزی و فیتوتراپی در محیط واقعی کار

زهره توفیقی- سعید گودرزی - عباس حاجی آخوندی- مصطفی پیرعلی همدانی - دانشگاه ع. پ. تهران، سید محمد مهدی امام- آویشن فرزانه - مهناز میری مقدم- سعید میرحسینیان، محمدرضا روئینی- محمد شریف زاده - مهناز خانوی- فرید داغیان- افسانه حسین سالاری.

مقدمه: انسان از دیرباز با نگاه به محیط پیرامونش پیوسته در حال یادگیری بوده و این یادگیری حاصل شناخت و تعامل او با عوامل درونی، بیرونی و تجزیه و تحلیل آن ها است. ایجاد یک محیط آموزشی که فراگیرنده را پیوسته از لحاظ فیزیکی و روانی تحت تاثیر قرار دهد سبب ماندگاری و تاثیرگذاری بیشتر آموزش در فراگیرندگان می شود. بررسی ها نشان می دهد که بیش از ۶۰ درصد آموزش ها، مبتنی بر آموزش های حین کار است. آموزش در محیط واقعی کار و با استفاده از ابزارهای واقعی آموزش، باعث ایجاد انگیزه های یادگیری می شود. داروخانه به عنوان یکی از در دسترس ترین نهادهای سلامت محور، که اکثر دانشجویان فارغ التحصیل رشته داروسازی در آینده در این محیط مشغول به کار خواهند شد، می تواند محیط تعاملی مناسبی بین بیماران و نیازهای درمانی جامعه با کادر درمان ایجاد کند. از طرف دیگر، با تمرکز بر آموزش مبتنی بر پیامد و توانمندی، فیتوتراپی و توجه به عوارض و تداخلات داروهای گیاهی و طبیعی یکی از عرصه های کاربردی علم فارماکونوزی می باشد. حضور دانشجویان داروسازی و دستیاران فارماکونوزی در محیط داروخانه، سبب ترویج مصرف صحیح داروهای گیاهی و طبیعی، و همچنین افزایش میزان اطلاعات

سناریو نویسی به سبک آموزش همسالان: راهی جهت ارتقای استدلال بالینی در دانشجویان پزشکی

رقیه اکبری - دانشگاه ع. پ. بابل، سیده زینب حسینی مطلق - دانشگاه ع. پ. بابل،

مقدمه: استدلال بالینی، روند تفکری است که پزشک را به برداشتن قدم های عاقلانه و هدفمند در تشخیص و درمان بیماران رهنمون می سازد و در تمام مراحل ارزیابی بیمار، از مراحل اولیه گرفتن شرح حال تا کامل کردن درمان بیمار و پیگیری، آن حضور دارد. عدم توفیق در حل درست مسائل بالینی به اشتباهات تشخیصی و خطا های درمانی غیر قابل جبران و حتی مرگ بیمار منجر می شود. در حال حاضر، بسیاری از دانشجویان، مهارت های استدلال بالینی را به طور غیررسمی در چرخش بالینی با کیفیت های متنوع یاد می گیرند. در پاندمی کرونا و بروس جدید، کشورهای زیادی در جهان از جمله ایران متاثر شده اند. در حال حاضر این پاندمی سبب توقف آموزش های بالینی دانشجویان گروه پزشکی شد و از این رو دانشکده ها به روش های جایگزین برای آموزش دانشجویان روی آوردند. با توجه به کاهش تعداد بیماران در بخش اروژوی و همچنین کاهش مواجهه دانشجویان با بیماران و محدود شدن ساعات کاری، نبود پروسیجرها و موارد بالینی، دسترسی دانشجویان را به رنج وسیعی از موارد بالینی کاهش داده است. ناکافی بودن این تجربیات بالینی در طول تحصیل ممکن است باعث افزایش سطح اضطراب، ترس از ناتوانی انجام کارهای بالینی و در نتیجه کاهش میزان یادگیری دانشجویان را به دنبال دارد. در این مطالعه با هدف افزایش کیفیت و اثربخشی آموزش استدلال بالینی دانشجویان پزشکی و با بهره گیری از تلفیق روش های آموزش و یادگیری فعال از جمله آموزش در گروه های کوچک و از طریق همسالان و کلاس وارونه به آموزش استدلال بالینی به روش سناریونویسی بر دانشجویان کارآموز و کارورز پزشکی در روتیشن بخش داخلی پرداختیم.

روش اجرا: برای اجرای فرایند مذکور، ابتدا از طریق روش یادگیری فعال کلاس وارونه در مورد بیماری اطلاعات کلی داده می شود. بدین صورت که قبل از کلاس (روز گذشته و یا صبح قبل از کلاس) یک کنفرانس توسط استاژرها در مورد بیماری مورد نظر برگزار گردید و مباحث سخت تر را رزیدنت ها به استاژرها آموزش دادند و بعد در کلاس دانشجو ها را با گروه های ۳ نفره تقسیم نمودیم (دو استاژر و یک رزیدنت). در واقع رزیدنت و اینترن را درگیر آموزش استاژر نمودیم و خود استاژر ها را هم وارد رقابت کردیم. سپس کارگاه سناریونویسی برگزار شد و بعد از آموزش سناریو نویسی، با هم یک سناریو را براساس فیزیوپاتولوژی نوشتند. ارزشیابی پایان دوره دانشجویان بدین صورت است که از دانشجویان خواسته شد که سناریو یک بیمار را که شامل شرح حال گیری، روش های نوشتن شرح حال، اطلاعات بیمار، تظاهرات بالینی، فیزیوپاتولوژی، تشخیص افتراقی و درمان را بنویسند و سناریو تهیه شده هم از نظر محتوا و اصول شرح حال نویسی و پرونده

دانشجویان داروسازی در این حیطه می شود. برای این منظور، آموزش فیتوتراپی در محیط کلاس، اسکیل لب و سپس در محیط داروخانه برای دانشجویان سال چهارم دوره داروسازی عمومی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام گرفت. در مرحله اول فیتوتراپی در کلاس به روش های مبتنی بر مساله و در اسکیل لب، به روش بحث در گروه های کوچک آموزش داده شد و سپس پیش آزمون برگزار گردید. در مرحله دوم آموزش تکمیلی در محیط داروخانه زیر نظر اساتید و دستیاران گروه فارماکونوزی و در تعامل مستقیم با بیماران انجام گرفت و در انتهای دوره، پس آزمون برگزار شد. میزان اثربخشی آموزش در محیط و تثبیت اطلاعات برای دانشجویان با توجه به سطوح مختلف ارزیابی اثربخشی آموزش (هرم کرک پاتریک) و بررسی پارامترهای ضریب سختی و ضریب تمیز در دو آزمون (پیش آزمون و پس آزمون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج حاصل از بررسی ضریب سختی سوالات مورد مطالعه در پس آزمون به میزان ۳۳، ۲۳ درصد نسبت به پیش آزمون افزایش یافته است که نشان دهنده آسان تر شدن سوالات پس از برگزاری دوره آموزش در محیط داروخانه بوده است. همچنین ضریب تمیز در پس آزمون به میزان ۸ درصد افزایش داشته است؛ در واقع پس از حضور فعال دانشجویان در محیط داروخانه، دانشجویان گروه بالا و پایین کلاس، ۸ درصد بیشتر نسبت به قبل از برگزاری کلاس ها در داروخانه تفکیک شدند. اثربخشی آموزش در هرم کرک پاتریک در سطح اول و دوم و مخصوصا سوم با رویکردی بسیار مثبت ارزیابی شد. از طرف دیگر نتایج حاصل از مطالعه به وضوح افزایش میزان یادگیری و تثبیت آموزش در محیط را نشان می دهد. ارتقا سطح علمی دستیاران فارماکونوزی و دانشجویان داروسازی عمومی در زمینه داروهای طبیعی، ارائه دروس های فارماکونوزی برای دانشجویان داروسازی عمومی و دستیاران فارماکونوزی با هدف خدمت رسانی به جامعه (آموزش مبتنی بر پیامد)، توسعه علم فارماکونوزی در عرصه خدمات داروخانه و تولید داروهای خاص و جالبینوسی و آموزش و مشاوره مصرف صحیح فرآورده های سلامت محور طبیعی و گیاهی از پیامدهای دیگر این طرح می باشد. مطالعه حاضر نشان داد دانشجویان با قرارگیری در جایگاه داروساز در داروخانه به عنوان یکی از مشاغل اصلی این رشته، با احساس مسئولیت بیشتر نسبت به سلامت بیماران، دقت و علاقه فزاینده تر در بررسی تداخلات، عوارض و احتیاطات مصرف داروهای گیاهی با مردم برخورد کردند. همچنین نگاه به اهداف و توجه به پیامدهای حاصل از علم فارماکونوزی، یادگیری مباحث مختلف این عرصه از علم را برای دانشجویان راحت تر نموده است.

نویسی و هم خود بیماری و فیزیوپاتولوژی و درمان، مورد بررسی قرار گرفت و بازخورد های لازم به دانشجویان ارائه شد. به منظور ارزشیابی تاثیر کاربرد سناریونویسی در تدریس استدلال بالینی، از سطح اول و دوم هرم مدیفیه کرک پاتریک استفاده گردید. در سطح اول واکنش و احساس فراگیر در خصوص این روش یاددهی-یادگیری، توسط پرسشنامه روا و پایا مورد ارزیابی قرار گرفت. در سطح دوم هرم، میزان یادگیری دانشجویان توسط نمره های پایان بخش سنجیده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS21 و با استفاده از آمار توصیفی (درصد، فراوانی، شاخص مرکزی و پراکندگی) صورت پذیرفت. نتایج این مطالعه هم به صورت کیفی در نظر سنجی انتهای بخش دانشجویان و هم با طراحی پرسشنامه ای سطح رضایت و یادگیری دانشجویان (سطوح اول و دوم هرم کرک پاتریک) و همچنین گزارش نمرات پایان بخش دانشجویان بررسی شد.

یافته ها: در سوالات مورد بررسی در قسمت رضایت سنجی از روش تدریس، سوال (افزایش مهارت برای آینده ی کاری) بیشترین میانگین \pm انحراف معیار (۳۲۳، 89 ± 4) (از ۵ امتیاز) به خود اختصاص داد. میانگین \pm انحراف معیار نمره رضایت سنجی کل پرسشنامه ۰۵، 66 ± 28 (از ۳۰ امتیاز) بدست آمد. همچنین میانگین \pm انحراف معیار نمره پایان بخش دانشجویان 62 ± 18 (از ۲۰ نمره) گزارش شده است.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در دوره اپیدمی کوید-۱۹ و به دنبال آن کاهش موارد بیمارهای بستری در بخش و کاهش مواجهه دانشجویان با موارد بیماری جدید، سناریو نویسی در گروه های کوچک باعث مشارکت فعال دانشجو در امر یادگیری می شود و می تواند موجب ارتقای میزان رضایت، نمرات و یادگیری دانشجویان پزشکی گردد. به عبارت دیگر تکرار مطالب آموزشی با سناریونویسی می تواند خلا های آموزشی به وجود آمده در دوران کوید-۱۹، را پر کند و در کنار سایر روش های تدریس می تواند زمینه های ایجاد یادگیری فعال را در دانشجو فراهم نماید. و همچنین به عنوان تمرینی موثر برای آمادگی در محیط کار آینده می تواند موثر

توسعه گرایش به تفکر نقادانه با فعالیت تاملی در آموزش بالینی دانشجویان هوشبری

مریم باقری - دانشگاه ع. پ. اصفهان، نرگس معنوی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، اکرم محمدی - دانشگاه ع. پ. اصفهان.

مقدمه: مدرسان در آموزش برنامه های حرفه ای نیازمند استفاده از رویکردهایی هستند که دانشجویان را برای مواجهه با چالش های نوظهور در موقعیت ها آماده کنند. تأمل از عناصر کلیدی در فرایند انتقادی بودن می باشد. درگیر شدن در فرایند یادگیری تاملی منجر به افزایش

خودآگاهی، افزایش حساسیت به محیط و تغییر در دیدگاه مفهومی می شود. نوشتن تاملی از استراتژی های استفاده شده جهت افزایش درک و توانایی استدلال و تحلیل است. در این زمینه، تأمل بر تجربیات بالینی می تواند بر توسعه توانایی های تفکر انتقادی، درک از خود و سازگاری با شرایط تأثیر گذار باشد. اگرچه مطالعاتی به بررسی تاثیر فعالیت های تاملی به عنوان یک استراتژی آموزشی بر مهارتهای تفکر نقاد پرداختند اما مطالعات محدودی در زمینه تاثیر فعالیت های تاملی بر گرایش به تفکر انتقادی و ابعاد آن وجود دارد. این درحالیست که گرایش به تفکر انتقادی که در برگیرنده تمایلات و انگیزه های شخصی برای تفکر انتقادی است می تواند بکارگیری مهارت های تفکر نقاد را در عمل تحت تاثیر قرار دهد. با توجه به اهمیت و جایگاه تفکر انتقادی و گرایش به تفکر انتقادی در حرفه های مراقبت سلامت، توجه به استراتژی های آموزشی بکار گرفته شده در توسعه چنین مهارتهایی به عنوان پیامدهای آموزشی مورد توجه است. کمبود شواهد تجربی برای اثربخشی مداخلات نوشتاری تاملی در ارتقای گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان، نیاز به بررسی این فعالیت تاملی را به عنوان یک استراتژی آموزشی جهت توسعه گرایش به تفکر انتقادی مطرح می کند. هدف از این مطالعه بررسی تاثیر نوشتن تاملی بر توسعه گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان کارشناسی هوشبری طی دوره آموزش بالینی در بخش های جراحی بود.

روش اجرا: مطالعه حاضر مداخله ای دو گروهی با پیش آزمون-پس آزمون بود. این مطالعه در یک دوره شش هفته ای در واحد بالینی کارآموزی پرستاری، پس از دریافت کد اخلاق و مجوز از واحد پژوهش دانشگاه انجام شد. نمونه های پژوهش، دانشجویان هوشبری ترم ۴ در نیمسال اول تحصیلی ۹۷-۹۸ بودند که تعداد ۳۴ نفر (۱۷ نفر در گروه مورد و ۱۷ نفر در گروه کنترل) در این مطالعه شرکت داشتند. فرم رضایت آگاهانه شرکت در مطالعه توسط دانشجویان تکمیل گردید. معیارهای ورود شامل اخذ واحد بالینی کارآموزی پرستاری و گذراندن واحد نظری (مهارت های پرستاری و کار در اتاق عمل) بود. معیار خروج از مطالعه، آموزش قبلی در مورد فرایندهای تاملی توسط دانشجویان بود. دانشجویان در گروه کنترل به روش تدریس بالینی متداول آموزش داده شدند که شامل کنفرانس های بالینی، گزارش عملکرد و دریافت بازخورد از استاد بالینی بود. در گروه مورد از رویکرد نوشتن تاملی با استفاده از چرخه گیبس استفاده شد. دانشجویان گروه مداخله در مورد عملکرد خود با توجه به یادداشت های تاملی در جلسات گروهی با تسهیل گری مدرس بازخورد گرفتند و به اصلاح عملکرد می پرداختند. در این مطالعه به منظور بررسی تفاوت میزان گرایش به تفکر انتقادی و ابعاد آن، قبل و بعد از مداخله، از آزمون مهارت های تفکر انتقادی ریکتس استفاده شد. این پرسشنامه ۳۳ سؤال دارد و شامل سه بعد تعهد، بالندگی و نوآوری می باشد. این آزمون در ایران از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار است. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 18 انجام گرفت. آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نشان داد که میانگین گرایش به تفکر انتقادی و ابعاد آن از توزیع نرمال پیروی می کردند.

بنابراین جهت تحلیل اطلاعات از آزمون های پارامتری t مستقل و t زوجی استفاده شد.

یافته ها: نتایج مطالعه حاضر نشان می دهد میانگین نمره کل گرایش به تفکر انتقادی و بعد نوآوری در گروه مورد به طور معناداری بیشتر از گروه کنترل بود ($P < 0.05$) همچنین در گروه مورد، میانگین نمره کل گرایش به تفکر انتقادی و بعد نوآوری پس از مداخله به طور معناداری بیشتر از قبل از مداخله بود ($P < 0.05$) این درحالیست که در گروه کنترل، میانگین نمره کل گرایش به تفکر انتقادی و ابعاد آن، قبل و بعد از مداخله اختلاف معنادار نداشت ($P > 0.05$).

بحث و نتیجه گیری: مطالعه حاضر پیشنهاد می کند که بکارگیری فعالیت تاملی نوشتاری با چارچوب گیبس به عنوان یکی از تکالیف یادگیری دانشجویان در محیط یادگیری بالینی همراه با دریافت بازخورد از مدرس بالینی با توسعه گرایش به تفکر انتقادی به ویژه در بعد نوآوری همراه است.

تبیین تجارب زیسته دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران از کیفیت آموزش بالینی در ایام کرونا

پرستو کریمی علی ابادی - دانشگاه ع. پ. مازندران، عاطفه ذبیحی - دانشگاه ع. پ. ایران، نفیسه راضی - اکرم حبیبی - مهرنوش سهراب - شهاب الدین سروری - ایرج ملکلی - فتنانه عمونی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: طی بیماری کووید ۱۹ چشم انداز آموزش عالی جهانی شدیداً دستخوش تغییر شده است و همواره این سؤال مطرح می باشد در شرایطی مشابه شرایط کنونی که با بیماری های نوپدید روبرو هستیم نقش سیستم های آموزشی چیست؟ سیستم های آموزشی در پاسخ به این تغییر از فرمت حضوری به سمت مجازی شیفت پیدا کرده است و عدم آمادگی دانشگاه ها برای چنین شرایطی، آموزش را با چالشهای مختلف به خصوص در محیط بالین مواجه کرده است. به نظر می رسد شناسایی این چالشهای در آموزش پزشکی، به برنامه ریزی اصلاحی و بهبود دستیابی به اهداف آموزش کمک خواهد کرد و هدف از مطالعه جاری تبیین تجربیات دانشجویان بالینی در خصوص مشکلات و چالش های آموزشی ناشی از کووید ۱۹ بوده است.

روش اجرا: این پژوهش به صورت یک مطالعه با رویکردی کیفی بر مبنای روش پدیدار شناسی به جمع آوری و تحلیل تجربیات زیسته دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در ایام کرونا پرداخته است. انتخاب دانشجویان به صورت نمونه گیری هدفمند از بین دانشجویانی بوده است که تجربه حضور در محیط بالین را داشتند. معیار ورود تجربه حضور، حداقل در سه بخش بالینی بود و دانشجویان مهمان

و کسانی که تمایل به مطالعه نداشتند، خارج شدند. بدین منظور جهت رسیدن به هدف پژوهش، از مصاحبه نیمه ساختاردار استفاده شد. مصاحبه به دو صورت مجازی در واتس آپ و حضوری و با رعایت پروتکل بهداشتی در مکان آرام و در ساعتی مناسب با هماهنگی قبلی انجام خواهد شد. متوسط زمان جهت هر مصاحبه ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بود. قبل از شروع مصاحبه اطلاعات مربوطه در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. سوالات مصاحبه به صورت باز پاسخ و با مشورت مشاور آگاه طراحی شد. هر مصاحبه پس از کسب اجازه از شرکت کننده، به طور کامل ضبط و به طور همزمان از موارد مهم آنها یادداشت برداری شد. در خاتمه مصاحبه ها به صورت مکتوب نوشته، به شرکت کننده ارجاع و پس از تایید و مورد تحلیل قرار گرفت. مصاحبه از شرکت کنندگان تا اخذ کلیه نظرات و عدم کسب یافته جدید ادامه یافت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها نیز از هفت گام روش کلایزی استفاده شد. سوالات مصاحبه عبارت بود از ۱۰: لطفاً تجربیات خود را در زمینه آموزش در محیط بالین در ایام کرونا بیان نمایید؟ ۲. چه چالش هایی در بخش های تجربه کرده اید؟ ۳. چه راهکارهایی در بخش ها برای غلبه بر این چالش ها تجربه کرده اید؟ همچنین از سوالات ژرف کاو نظیر موارد زیر استفاده شد:

- ۱) چه پیشنهادهایی برای ارتقای کیفیت آموزش در ایام کرونا دارید؟
- ۲) لطفاً مثال بزنید؟ (۳) لطفاً بیشتر توضیح دهید.

یافته ها: در مجموع با ۲۰ مصاحبه اشباع حاصل شد. مطابق تجربیات شرکت کنندگان در مطالعه چالش های آموزشی در ۵ تم (آموزش درمانگاهی، بخش های جراحی، راندهای آموزشی، تغییر معیارهای ارزشیابی و عدم آگاهی دانشجو و مشکلات استفاده از کلاس های مجازی) طبقه بندی شد. نمونه بیانات شرکت کنندگان در مطالعه (الف) در مورد کیس ها به دانشجویان توضیحاتی داده می شد اما سایر درمانگاه ها چندان آموزشی نبود... همچنین مقرر شد هر روز فقط سه دانشجو به درمانگاه برود و این باعث شد هر سه روز یکبار درمانگاه برویم... (ب) کارآموزان در مورنینگ حضور نداشتند... دانشجویان در گروه های دو یا سه نفره برای درمانگاه تقسیم شدند و از آنجا که تایم درمانگاه و کلاس یکی بود... کسانی که درمانگاه بودند نمی تونستند کلاس بروند... (ج) دوشنبه ها ساعت ۸ کنفرانس برگزار میشد و برای جلوگیری از ازدحام جمعیت، کارآموزان به صورت مجازی شرکت می کردند که متأسفانه صدای واضحی از سالن کنفرانس شنیده نمیشد... همچنین عمده راهکارهای پیشنهادی دانشجویان عبارت بود از: افزایش استفاده از آموزش مجازی، آموزش مبتنی بر کیس ها، استفاده از گروه ها کوچک، طراحی یک برنامه آموزشی مشخص، تعریف مجدد وظایف دانشجو با توجه به کرونا، فراهم کردن فرصت بحث مبتنی بر کیس برای دانشجویان، استفاده از راهنمای مطالعه، برگزاری مورنینگ ریپورت های آنلاین و...

بحث و نتیجه گیری: به عنایت به نتایج مطالعه جاری، کرونا در کنار چالش‌های مختلف، منجر به شکل‌گیری تجربیات متعددی شده است. سرگزی و همکاران نیز طی مطالعه خود بیان کرده‌اند که کرونا می‌تواند فرصتی برای شناسایی ضعف‌ها، کمبودها و نقص‌های زیرساختی در این زمینه و نمایان ساختن عدم توازن در توزیع زیرساخت‌های مورد نیاز در بخش اینترنت باشد. سلیمی و فردین نیز چالش‌ها و فرصت‌های آموزشی کرونا را در سه سطح کلان، میانی و خرد طبقه‌بندی کردند و مواردی نظیر نداشتن تفکر راهبردی مدیران و برنامه‌ریزان؛ سیاست‌گذاری نامطلوب، ضعف فناوری آموزشی و مدیریت ناکارآمد نمونه این چالش‌ها بوده است. لذا پیشنهاد می‌شود با کنار هم قرار دادن یافته‌های چنین مطالعاتی نسبت به برنامه‌ریزی مناسبی به تفکیک بخش‌ها در سطح دانشگاه‌ها اقدام شود.

بررسی تاثیر نقش شبیه سازهای با دقت متوسط تا بالا در آماده سازی دانشجویان مقطع کارشناسی پرستاری و اتاق عمل جهت کار در بالین

لیلا بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، عزیزاله دهقان - دانشگاه ع. پ. فسا، فریده یزدان پناه - بدون وابستگی دانشگاهی،

مقدمه: آموزش مبتنی بر استفاده از شبیه سازها عبارت است از هر نوع فعالیت آموزشی که در آن از شبیه سازی سناریوهای بالینی برای افزایش آگاهی و مهارت دانشجویان استفاده می‌شود. محیط‌های شبیه سازی، قادر به ایجاد مکانی برای دانشجویان هستند تا بتوانند، بدون ایجاد هیچگونه خطری برای بیماران، توانمندی‌های خود را در زمینه مهارت‌های تخصصی رشته گسترش دهند. در شبیه سازی تلاش بر این است که شرایط یادگیری آنقدر به شرایط واقعی نزدیک شود که مفاهیم آموخته شده قابل انتقال به جهان واقعی گردد.

هدف: هدف از انجام این مطالعه، بررسی تاثیر نقش شبیه سازهای با دقت متوسط تا بالا در آماده سازی دانشجویان مقطع کارشناسی پرستاری و اتاق عمل جهت کار در بالین بود که در این راستا دانش، مهارت و نگرش دانشجویان سنجیده شد.

روش اجرا: این پژوهش از نوع شبه تجربی می‌باشد که در دانشکده علوم پزشکی لارستان انجام شد. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان رشته پرستاری و اتاق عمل می‌باشند که از طریق سرشماری انتخاب شدند. شرایط ورود به مطالعه شامل گذراندن واحد تئوری اصول و مهارت‌های پرستاری جهت دانشجویان رشته پرستاری و گذراندن واحد تئوری اصول و فنون مهارت‌های بالینی جهت دانشجویان اتاق عمل بود. دانشجویان بطور شفاهی از هدف، زمینه و روش تحقیق مطلع شدند. رضایت کتبی آگاهانه از داوطلبان برای شرکت در تحقیق بدست آمد. از

هر رشته، دانشجویان دو ورودی بعنوان گروه کنترل و دانشجویان دو ورودی دیگر بعنوان گروه آزمون در نظر گرفته شدند. در مجموع ۱۹۲ دانشجو در این مطالعه شرکت کردند که ۹۶ دانشجو در گروه کنترل و ۹۶ دانشجو نیز در گروه آزمون حضور داشتند. در ابتدای مطالعه دانشجویان هر دو گروه در پیش آزمون شرکت نمودند که شامل تکمیل فرم مشخصات دموگرافیک و پاسخ به پرسشنامه سوالات نگرشی و پرسشنامه سنجش دانش بود. سپس، آزمون بالینی ساختارمند عینی (آسکی) جهت سنجش مهارت دانشجویان برگزار شد که شامل ۵ ایستگاه بود. آموزش‌ها از روز بعد از برگزاری پیش آزمون، شروع شد و در نهایت کل آموزش‌ها ۸ هفته به طول انجامید. در گروه کنترل، آموزش مهارت‌های بالینی رشته پرستاری و اتاق عمل بصورت سنتی و با ارائه سخنرانی و نمایش پاورپوینت و با استفاده از چند مانکن بسیار ساده با قابلیت پایین که به دانشجو هیچ بازخوردی نمی‌داد، صورت گرفت. در گروه آزمون، آموزش مهارت‌های بالینی رشته پرستاری و اتاق عمل علاوه بر سخنرانی و نمایش پاورپوینت، در محل مرکز مهارت‌های بالینی و با استفاده از مولاژهای با قابلیت متوسط تا بالا که قابلیت دادن بازخورد نیز داشتند، صورت گرفت. پس از اتمام آموزش‌ها، از هر دو گروه پس آزمون گرفته شد. از ۴ ابزار جهت گردآوری اطلاعات استفاده شد که شامل فرم مشخصات دموگرافیک، پرسشنامه ای جهت ارزیابی نگرش دانشجویان، پرسشنامه سنجش دانش دانشجویان، و چک لیست ایستگاه‌های آزمون آسکی جهت ارزیابی مهارت دانشجویان بود. در نهایت نمره کسب شده از پرسشنامه سنجش دانش و نمره کسب شده از آزمون آسکی با هم جمع شد و بر مبنای ۲۰ آورده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و آزمون‌های Paired sample t test و Independent sample t test و Analyze of Covariance استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد دانشجویان گروه آزمون نسبت به گروه کنترل به طور معنی داری به سوالات حیطه دانش پاسخ بهتری داده‌اند، و همچنین عملکرد بهتری در آزمون آسکی داشته‌اند ($P < 0.001$). در حیطه نگرش، میانگین کل نمره نگرش دانشجویان نسبت به نقش شبیه سازها در گروه آزمون بالاتر از گروه کنترل بود و در خصوص ایمنی و امنیت بیمار ($P = 0.014$)، بالا بردن احساس اعتماد به نفس دانشجو ($P = 0.041$)، ارتباط دادن بین موضوعات آموزش داده شده در واحدهای نظری ($P = 0.024$) رابطه آماری معنی دار شد، و همچنین در رابطه با آموزش دیدن با مولاژهای با قابلیت پایین، یک تجربه یادگیری قابل اعتماد نیست ($P = 0.004$)، نیز رابطه آماری معنی دار شد.

بحث و نتیجه گیری: روش آموزشی شبیه سازی با استفاده از مولاژهای پیشرفته، روشی موثر برای آموزش-یادگیری بهتر می‌باشد که مزیت‌های فراوانی دارد و می‌تواند باعث افزایش دانش و بهبود صلاحیت بالینی شود و در بالا بردن ایمنی و امنیت بیمار، بالا بردن

احساس اعتماد به نفس دانشجو، ارتباط دادن بین موضوعات آموزش داده شده در واحدهای نظری، روشی بی نظیر می باشد.

بررسی ارتباط بین یادگیری فعال و رضایتمندی از روش های نوین تدریس در دانشجویان کارشناسی ارشد در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کرمان ۱۳۹۸

سکینه سبزواری - دانشگاه ع. پ. کرمان، فاطمه دربان - الهه کاظم -

مقدمه: یادگیری یک متغیر پیچیده ای است که متاثر از عوامل متعددی می باشد. یکی از این عوامل روش تدریس اساتید می باشد. روش های تدریس در گذر زمان تغییرات بسیار زیادی داشته اند به گونه ای که روش های سنتی تدریس عموماً مبتنی بر الگوی استاد محور بودند و دانشجویان به میزان کمتری در تعامل و مشارکت داشتند، به همین دلیل رضایتمندی دانشجویان و یادگیری آن ها نیز کم بود. اما در روش های نوین تدریس که اساساً دانشجو محور می باشند، اغلب دانشجویان نیز در کلاس درس مشارکت دارند و این امر منجر به یادگیری فعال می شود. با توجه به اهمیت موضوع آموزش، یادگیری و رضایتمندی دانشجویان و همچنین کمبود مطالعات مرتبط در این زمینه، مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط بکارگیری روش های نوین تدریس توسط اساتید با یادگیری فعال و رضایتمندی دانشجویان کارشناسی ارشد در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۸ انجام شد

روش اجرا: این پژوهش یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی تحلیلی است که بر روی ۱۱۷ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده پرستاری و مامایی کرمان صورت گرفت و همچنین اساتید این دانشکده با استفاده از روش سرشماری مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات برای سنجش میزان استفاده اساتید از روش های نوین تدریس پرسشنامه ۳۱ گویه ای رضوی و همکاران (۱۳۹۱) بود که میزان آگاهی و بکارگیری ۳۱ روش تدریس توسط اساتید را بررسی می کند و روایی و پایایی آن تایید شده است. پرسشنامه مربوط به یادگیری فعال و رضایتمندی دانشجویان، محقق ساخته می باشد که در بخش یادگیری فعال شامل ۱۸ گویه و در بخش رضایتمندی شامل ۲۴ گویه می باشد و روایی آن توسط اساتید دانشکده و پایایی آن با استفاده از روش همسانی درونی سنجیده شده و تایید شده است. داده ها با استفاده از آزمون های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد) و آزمون های تحلیلی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون) در نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: میانگین سنی اساتید 40 ± 7 سال بود که همگی آن ها مونث و اکثر آن ها دارای تحصیلات پرستاری، مرتبه علمی استادیار و مدرک

تحصیلی دکتری بودند. همچنین میانگین سنی دانشجویان 30 ± 7 سال بود که اکثر آن ها مونث، رشته تحصیلی پرستاری و بومی بودند. یافته ها نشان داد میزان بکارگیری روش های نوین تدریس توسط اساتید 13 ± 5 ، ۷۲ (در دامنه ۴ تا ۱۲۰) بود. بیشترین میزان آگاهی اساتید در مورد روش های تدریس مربوط به روش های "استفاده از لاگ بوک"، "مطالعه مورد" و "مقاله خوانی" بود. میزان یادگیری فعال دانشجویان $1, 3 \pm 3, 7$ ، ۵۳ (در دامنه ۱۸ تا ۷۲) بود که میزان آن در نمونه پژوهش بالا می باشد. همچنین میزان رضایتمندی دانشجویان از روش های نوین تدریس $5, 9 \pm 9$ ، ۷۲ (در دامنه ۲۴ تا ۹۶) بود و بین رضایتمندی دانشجویان و استفاده اساتید از روش های نوین تدریس رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. همچنین نتایج رگرسیون خطی نشان داد، به ازای افزایش هر یک نمره در میزان رضایتمندی دانشجویان، نمره یادگیری فعال به میزان ۵۱٪ افزایش می یابد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان داد بکارگیری روش های نوین تدریس توسط اساتید به میزان بالایی صورت گرفته بود و همچنین میزان یادگیری فعال و رضایتمندی دانشجویان از روش های نوین تدریس مقدار بالایی بود. لذا می توان نتیجه گرفت که بکارگیری روش های نوین تدریس توسط اساتید توانسته است موجب افزایش یادگیری فعال و رضایتمندی آن ها از نحوه تدریس شود.

ارتقای اخلاق حرفه ای در اتاق عمل: رعایت مصادیق تعیین شده اخلاق حرفه ای در طی کارآموزی دانشجویان کارشناسی هوشبری در نیمسال دوم ۹۸-۹۹

فاطمه حسن شیرینی - دانشگاه ع. پ. کاشان، فخرالسادات میرحسینی رنانی - دانشگاه ع. پ. کاشان، زهرا رحیمی مقدم - مهرداد مهدیان - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه: یکی از اهداف برنامه درسی دوره کارشناسی هوشبری مصوب وزارت بهداشت و درمان تربیت دانش آموختگانی متصف به اخلاق حرفه ای می باشد. در این راستا در برنامه درسی این دوره در برخی دروس نظری، آموزش رفتار و اخلاق حرفه ای مد نظر قرار گرفته؛ تدریس و ارزشیابی می شود. اخلاق حرفه ای نوعی تعهد اخلاقی و وجدان کاری نسبت به هر نوع کار، وظیفه و مسئولیت است که بر طبق معیارها، اصول و حقوق سازمانها تعریف می شود. ویژگی های اخلاق حرفه ای کارشناسان هوشبری موارد متعددی را شامل می شود که از آن جمله می توان به مهارت، تلاش، خیرخواهی، نظم، امانت، جلب اعتماد، ارتباط موثر، بصیرت، شفقت، مهربانی و رسیدگی به بیماران، رازداری، رعایت حریم، صرفه جویی و عدالت اشاره کرد. با توجه به اهمیت رعایت اخلاقیات در حرفه و در راستای پاسخگویی به برنامه تحول آموزش؛ هدف از این پروژه، تعیین مهمترین مصادیق اخلاق حرفه ای در کارآموزی دانشجویان هوشبری و عملیاتی سازی آن در طول دوره

تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر مدل بزنف بر پایبندی به درمان پس از جراحی بای پس عروق کرونر: یک مطالعه کارآزمایی بالینی

سیما بابایی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، عاطفه ترک نژاد - دانشگاه ع. پ. اصفهان،

BACKGROUND: Coronary artery bypass graft (CABG) surgery is the most effective treatment for cardiovascular disease (CVD). Adherence to treatment after CABG surgery is very important. One of the educational models used in this regard is the BASNEF (Belief, Attitudes, Subjective Norms, and Enabling Factors) model. The present study aimed to assess the effect of an educational intervention based on BASNEF model on adherence to treatment in patients after CABG surgery.

METHODS: The present study was a randomized clinical trial. In this study, ۷۲ patients who had undergone CABG surgery participated in the two intervention and control groups. Patients in the intervention group took part in ۴ ۴۰-minute educational sessions based on BASNEF model after discharge. The patients in both groups completed the Modanloo Adherence to Treatment Questionnaire (MATQ) and a researcher-made BASNEF model questionnaire before the intervention, after the educational intervention, and at the ۳-month follow-up. Data were analyzed using independent t-test, chi-square test, Man-Whitney test, and repeated measures analysis of variance (ANOVA). Mauchly's sphericity test was used for testing sphericity and the Greenhouse-Geisser correction was used in the case of lack of sphericity. All P-values of less than ۰.۰۵ were considered significant.

RESULTS: The total score of the MATQ and its subscales had significantly improved in the intervention group after the intervention compared with the control group ($P < ۰.۰۵$). In addition, the mean scores of the model constructs (knowledge, attitude, behavior intention, subjective norms, and enabling factors) had significantly improved after the intervention in the intervention group in comparison with the control group ($P < ۰.۰۵$).

CONCLUSION: The educational intervention based on BASNEF model improved adherence to treatment in patients after CABG surgery. Moreover, the model

بود. **روش اجرا:** در راستای اجرای بسته اعتدالی اخلاق حرفه ای از بسته های تحول آموزش، گروه هوشبری دانشکده پیراپزشکی بر اساس راهنمای EMEE۶۱، طی جلساتی به بررسی اخلاق حرفه ای مندرج در کوریکولوم درسی دوره کارشناسی هوشبری پرداخته و با توجه به رعایت آن در دروس اخلاق حرفه ای و در ارزشیابی های کارآموزی های دانشجویان و در جهت اعتدالی این هدف، جلسه ای با حضور نماینده بسته اعتدالی اخلاق حرفه ای معرفی شده از سوی مرکز توسعه آموزش دانشگاه و مربیان عرصه های بالینی تشکیل داد. طی این جلسه مصادیق اخلاقی مهم مرتبط با کار در اتاق عمل و حوزه بیهوشی به بارش فکری گذاشته شد. سه مورد از پرتکرارترین موارد اخلاقی در حوزه بیهوشی پس از دو دور بارش فکری، تعیین و در جلسه تصویب گردید. در مرحله بعد به اطلاع دانشجویان رسیده و در دفترچه لاگ بوک و ارزشیابی کارآموزی آنها گنجانده شد. مربیان و دانشجویان در مورد نحوه اجرا و پیاده سازی آن توضیحات کاملی دریافت کردند. به این ترتیب که از دانشجویان خواسته شد سه مصداق اخلاقی "حفظ حریم شخصی، انتقاد سازنده مثبت، جلوگیری از آسیب به تجهیزات (وسایل مانیتورینگ بیمار)" را در اتاق عمل رعایت کرده و گزارشات خود را با تایید مربی به صورت داده های متنی و عبارات توصیفی از عملکرد خود، به گروه هوشبری ارائه نمایند. در طول دوره کارآموزی نیز توسط کارشناس گروه پیگیری لازم صورت گرفته و رعایت این موارد به دانشجویان و مربیان عرصه ها یادآوری شد.

یافته ها: تعداد ۳۰ دانشجو در طی دوره کارآموزی ۴ و عرصه، در نیمسال دوم ۹۹-۹۸ به رعایت مصادیق اخلاقی در اتاق عمل مکلف شده و گزارشات خود را در پایان دوره تحویل دادند. داده های متنی این گزارشات دسته بندی شدند و تعداد ۴۹۶ کد از گزارشات در قالب سه مصداق تعیین شده به دست آمد که بیشترین تکرار رفتارها در "حفظ حریم بیمار" و "محافظة از وسایل و تجهیزات" و سپس "انتقاد سازنده مثبت" بود. تحلیل داده های به دست آمده برای استخراج شایعترین اقدامات انجام شده در ذیل هر مصداق و مقایسه با اقدامات مغفول مانده، نیز مد نظر قرار گرفت تا در برنامه ریزی و تمرینات بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

بحث و نتیجه گیری: دانشجویان در خصوص سه مصداق رفتار حرفه ای انجام شده فعالیت‌هایی را انجام دادند و با درج آن در گزارش و تایید توسط مربی شواهد واقعی از آن را به گروه ارائه دادند. تحلیل شواهد امکان برنامه ریزی در خصوص آموزش و تاکید بر فعالیت های مغفول مانده را نیز، فراهم نمود.

constructs improved in the intervention group in comparison with the control group after the intervention

بررسی وضعیت آموزش بالینی و عوامل موثر بر آموزش بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز

روح انگیز نوروزی نیا - دانشگاه ع. پ. البرز، مهسا خدمتی زارع - دانشگاه ع. پ. البرز، مانده موسوی پور - مریم آقابرابی - دانشگاه ع. پ. البرز،

مقدمه: آموزش بالینی، مهم ترین بخش و قلب آموزش حرفه ی پرستاری را تشکیل می دهد. آموزش بالینی فرصتی را برای دانشجویان فراهم می سازد تا دانش نظری را به مهارت های ذهنی، روانی و حرکتی متنوعی که برای مراقبت از بیمار ضروری است، تبدیل کنند. در سال های اخیر، آموزش بالینی اثربخش مورد توجه بسیاری از پژوهشگران رشته های مراقبتی قرار گرفته است؛ چراکه هدایت دانشجویان در رسیدن به اهداف مورد نظر بالینی، مستلزم شناسایی و به کار گیری رفتارها و عوامل موثر در آموزش بالینی است. برطرف کردن کاستی های موجود و ارتقای وضعیت آموزش بالینی، در گروه تعیین وضعیت آموزش بالینی و شناسایی عوامل موثر بر آموزش بالینی اثربخش می باشد. به رغم انجام تحقیق های مشابه در ایران، با توجه به متفاوت بودن مدرسان، دانشجویان، و از همه مهم تر نظام و امکانات آموزشی در هر واحد دانشگاهی و از طرف دیگر با توجه به کاربردی بودن رشته پرستاری و اینکه بهبود و ارتقای کیفیت آموزش بالینی مستلزم بررسی مستمر وضعیت موجود و تعیین و تقویت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف است، دریافت و بررسی نقطه نظرات دانشجویان در هر دانشگاهی می تواند راهگشای برنامه های آینده مسوولان باشد. از این رو، مطالعه حاضر با هدف تعیین وضعیت آموزش بالینی و عوامل موثر بر آموزش بالینی اثربخش از دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ انجام شد.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-مقطعی است که در طی نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ در دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز انجام شد. جمع آوری داده ها به روش سرشماری از کلیه دانشجویان ترم ۳ تا ۸ پرستاری دانشگاه علوم پزشکی البرز انجام شد. معیارهای ورود به مطالعه شامل گذراندن حداقل یک واحد کارآموزی حضوری و داشتن تجربه آموزش دیدن در محیط بالین و تمایل به شرکت در مطالعه بود. ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش، پرسشنامه بود. متناسب با اهداف مطالعه، از دو پرسشنامه بررسی وضعیت آموزش بالینی، و بررسی عوامل موثر بر آموزش بالینی اثربخش، به همراه اطلاعات دموگرافیک استفاده شد. محقق پس از کسب مجوزهای لازم، از طریق لیست دانشجویان هر دوره (ترم ۳ تا ۸)،

پرسشنامه ها را در اختیار دانشجویان واجد شرایط ورود به مطالعه قرار داد. اطلاعات جمع آوری شده توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و آزمون های آماری توصیفی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: از ۱۷۰ دانشجوی مقطع کارشناسی پرستاری ترم ۳-۸، ۱۵۵ نفر پرسشنامه را تکمیل کردند و میزان پاسخ دهی ۹۱،۱۷٪ بود. بر اساس یافته های حاصل از پرسشنامه بررسی وضعیت آموزش بالینی، حیطه اهداف و برنامه آموزشی با میانگین $(۳،۳۰ \pm ۰،۷۴)$ در سطح متوسط، عملکرد مربی با میانگین $(۳،۶۵ \pm ۰،۷۵)$ در سطح خوب، برخورد با دانشجو با میانگین $(۲،۹۲ \pm ۰،۸۸)$ در سطح متوسط، محیط آموزشی با میانگین $(۲،۷۵ \pm ۰،۸۸)$ در سطح متوسط و نظارت و ارزشیابی با میانگین $(۳،۱۳ \pm ۰،۹۸)$ در سطح متوسط قرار گرفت. بر اساس یافته های حاصل از پرسشنامه بررسی عوامل موثر بر آموزش بالینی اثربخش، میانگین نمرات کسب شده در حیطه خصوصیات فردی فراگیر $(۳،۶۷ \pm ۰،۸۴)$ ، خصوصیات فردی مدرس بالینی $(۳،۵۹ \pm ۰،۹۲)$ ، شرایط محیط بالینی $(۳،۰۶ \pm ۱،۰۲)$ ، برنامه ریزی آموزشی $(۳،۲۶ \pm ۱،۰۲)$ و ارزشیابی بالینی $(۳،۰۵ \pm ۱،۰۲)$ بود. یافته های حاضر، حاکی از اثربخشی بیشتر حیطه خصوصیات فردی فراگیر از دیدگاه دانشجویان است

بحث و نتیجه گیری: یافته های مطالعه حاضر، نشان داد که کیفیت کلی آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان مورد مطالعه در سطح متوسط بود. اگرچه حیطه های اهداف و برنامه آموزشی، عملکرد مربی و نظارت و ارزشیابی در سطح متوسط و خوب بود؛ اما حیطه های برخورد با دانشجو و محیط آموزشی در سطح متوسط و ضعیف ارزیابی شدند. همچنین از میان عوامل پنجگانه موثر بر آموزش بالینی اثربخش، دو حیطه خصوصیات فردی فراگیر و خصوصیات فردی مدرس بالینی، اثر بخشی بیشتری بر آموزش بالینی داشتند. به عبارت دیگر، تعهد و مسئولیت پذیری، علاقه به آموزش بالینی، استعداد در یادگیری بالینی، احساس نیاز به سهیم بودن در فرآیند ارزشیابی، فراهم نمودن فرصت برای تجربه عملی دانشجو، انگیزش درونی، علاقه به رشته، رعایت زمان و وقت شناسی، ابتکار عمل و آگاهی دانشجویان از اهداف آموزشی بالین، از مهم ترین عوامل تاثیرگذار در این مطالعه بودند. در راستای بهبود و ارتقاء شرایط آموزشی در محیط های بالینی، اقداماتی نظیر ایجاد تناسب بین تعداد بیمار با کادر درمانی و آموزشی، فراهم نمودن امکانات آموزشی و رفاهی برای دانشجویان، پذیرش دانشجو بر اساس استاندارد های محیط بالینی، تعیین شرح وظایف مربیان و دانشجویان در بیمارستان های آموزشی به طور دقیق و استفاده از روش های نوین آموزش بالینی همانند قابلیت های بیمارستان مجازی پیشنهاد می شود.

بررسی عوامل موثر بر یادگیری مهارت های عملی ضروی دستیاران تخصصی کودکان مرکز آموزشی پزشکی مفید

امین حبیبی - بهاره آبشاری - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، سلیمان احمدی.

مقدمه: آموزش بالینی بخشی اساسی در آموزش و تربیت پزشک به شمار می‌رود. از این رو بررسی و شناخت هرنوع عامل مداخله‌گری که سبب کاهش یادگیری عملی دانشجویان شود، در برنامه‌ریزی آموزش بالینی اهمیت فراوانی دارد. این امر مستلزم شناخت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف است که در این رابطه نظرات و ایده‌های دانشجویان، به عنوان عنصر آموزشی، می‌تواند راه‌گشای برنامه آینده باشد. با توجه به اهمیت موضوع، در این مطالعه با ارزیابی برنامه آموزشی مهارت های بالینی دستیاران کودکان در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، نقاط قوت و ضعف برنامه ها و فاصله آنها با استانداردهای مصوب مورخ ۲۰، ۱۱، ۹۴ در دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین و بررسی گردید این مطالعه از نوع ارزشیابی برنامه و با بهره‌گیری از رویکرد کمی- کیفی در دو مرحله سال های ۹۸-۹۹ انجام شده است. در بخش کمی ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته (شامل سه بخش) و براساس ۳۳ استاندارد آموزشی مهارت‌های بالینی ضروری و روش کیفی ۱ ISM جهت بدست آوردن عوامل موثر بر یادگیری مهارت بالینی بود. در مرحله ی کمی مطالعه ۱۱۵ دستیار تخصصی رشته کودکان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی که در مرکز آموزشی، درمانی کودکان مفید در حال آموزش بودند؛ شرکت داشتند ۱۵۵. پرسشنامه به طور کامل تکمیل گردید که ۴۲٪ مرد و ۵۸٪ زن با میانگین سنی ۳۲ سال از دستیاران در این مطالعه شرکت نمودند. به منظور بررسی وضعیت آموزشی از منظر مشاهده، انجام با کمک و انجام مستقل که با آزمون مقایسه ای فریدمن ($P\text{-Value} < 0.001$) محاسبه گردید. در نتیجه تعداد مشاهده نمونه-گیری خون شریانی با میانگین ۱۴ بار بالاترین و تعداد مشاهده روش های پیشرفته احیا با میانگین ۶ بار کمترین رتبه، از منظر انجام با کمک، تعداد انجام با کمک مهارت بالینی PPD با میانگین ۱۷ بار بیشترین و تعداد انجام با کمک تهیه اسمیر و رنگ آمیزی گرم و گیمسا گیمسا با میانگین ۸ بار، کمترین رتبه و با بررسی تعداد انجام مستقل در هر مهارت مشاهده گردید انجام مستقل انتوباسیون راه هوایی با میانگین ۱۸ بالاترین و انجام مستقل مهارت میکروسکوپیک آزمایش معمولی ادرار با میانگین ۹ کمترین رتبه را کسب نمود. با مقایسه میانگین انجام هر پروسیجرال با استاندارد های مورد نظر، میانگین انجام تمامی مهارت ها از هر سه روش، با استانداردها مطابقت داشته، به جزء در انجام مستقل مهارت تزریق زیر جلدی، عضلانی و وریدی (در استانداردها ۲۴ بار و میانگین انجام در ارزیابی این پژوهش ۱۰ بار) و مهارت کار با ونتیلاتور (در استاندارد ها ۱۵ بار و میانگین انجام در این مطالعه ۱۰ بار) نشان می دهد. به منظور بررسی وضعیت مهارت های کسب شده توسط دستیاران از نمره خوداظهاری، با آزمون فریدمن ($P\text{-Value} < 0.045$) نتایج رتبه

بندی مهارت ها نشان داد: مهارت های نمونه گیری خون وریدی، تعویض خون کامل و انتوباسیون راه هوایی بالاترین رتبه و به مهارت گذاشتن NG tube، مهارت بالینی تلقیح واکسن و تزریق زیرجلدی، داخل جلدی، عضلانی و وریدی کمترین رتبه را کسب نمود. نتایج این بخش از مطالعه لزوم بازبینی در برنامه آموزشی مهارت های عملی ضروری دستیاران کودکان از نظر تعداد بار و نحوه انجام مهارت های فوق الذکر جهت بالا بردن سطح مهارت کسب شده در پروسیجرهای مورد نظر توسط دستیاران را نشان می دهد. به منظور بررسی میزان وابستگی هر مهارت و نوع آموزش از لحاظ مشاهده، انجام با کمک و انجام مستقل از ضریب اسپیرمن استفاده شده که نتایج در تمامی مهارت ها نشان داد، میزان مهارت، همبستگی معنی داری با انجام مستقل دارد. لزوم توجه ویژه به انجام مستقل مهارت ها در برنامه آموزشی دستیاران را نشان می دهد. در کنار تعیین وضعیت موجود، در مرحله ی کیفی مطالعه با روش کیفی مدلسازی ساختاری تفسیری ISM (Interpretative Structural Modelling) عوامل موثر بر توسعه مهارت پروسیجرال را با ۸ معیار به عنوان معیارهای اصلی انتخاب شده بررسی گردید. پس از تعیین قدرت محرک (اثرگذاری) و قدرت وابستگی، هر یک از ۸ معیار مورد بررسی در یکی از خوشه های چهارگانه روش ماتریس قرار گرفت. معیارهای علاقه مندی دانشجو به رشته تحصیلی، آمادگی علمی دانشجو و همکاری پرسنل با دانشجو دوره دستیاری در گروه پیوندی، معیارهای انگیزه مربی و اعتماد به نفس دانشجو جزو عناصر اثرپذیر و وابسته، معیار نظم و مقررات آموزش بالینی در دسته خودمختار و معیارهای امکانات و تجهیزات در دسترس و میزان مهارت بالینی مربی در ناحیه خوشه اثرگذار قرار گرفته اند. در این مطالعه معیارهای امکانات و تجهیزات موجود در دسترس، میزان مهارت بالینی مربی، علاقه مندی دانشجو به رشته تحصیلی، آمادگی علمی دانشجو و همکاری پرسنل با دانشجو دوره دستیاری معیارهای کلیدی بودند. اگرچه از نظر دستیاران شرکت کننده در این مطالعه، برنامه آموزشی فعلی به طور کلی مفید و موثر است. اما موانع و محدودیت هایی را نیز ذکر نموده، که انتظار می رود در برنامه آموزشی لحاظ گردد.

مقایسه فرایندهای آموزش بالینی دانشجویان پزشکی با

استانداردهای آرسالی وزارت بهداشت در دانشگاه علوم

پزشکی جهرم (مطالعه مقطعی)

مجید کوثری - دانشگاه ع. پ. مجازی تهران، صدیقه نجفی پور - دانشگاه ع. پ. جهرم، فرهاد لطفی - دانشگاه ع. پ. شیراز، ابازر روستازاده - دانشگاه ع. پ. جهرم،

مقدمه: آموزش بالینی، بخش اساسی و مهم آموزش در دوره پزشکی می باشد که بدون آن تربیت پزشکان کارآمد مشکل و یا غیرممکن خواهد بود. یادگیری قابلیت های بالینی، مستلزم کسب تجربه بالینی از سوی دانشجو و تمرین مهارت ها با مشاهده کردن، مشارکت، انجام

رویه های بالینی، استنتاج و اداره بیماران، تحت نظارت مربی است. استانداردها و معیارهای مدون و مکتوبی برای توصیف کیفیت مطلوب آموزش پزشکی از طریق فرایند اعتباربخشی وجود دارد. انجام ارزشیابی جامع برنامه های آموزشی به ویژه ارزشیابی آموزش بالینی در راهبردهای حوزه آموزش در نقشه جامع علمی بیمارستان های آموزشی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و با انجام مستمر و صحیح ارزشیابی، پیامدهای آن به منظور تصمیم گیری و ارتقاء آنها استفاده خواهد شد. با توجه به اهمیت آموزش بالینی در پزشکی و ارتقا کیفیت و کمیت آن، وزارت بهداشت "استانداردهای آموزش بالینی" را بصورت برنامه ای مدون، تدوین نموده و در سال ۱۳۹۴ در اختیار دانشگاهها قرار داده است. هدف از این مطالعه مقایسه وضعیت موجود فرآیند های آموزش بالینی (آموزش در کلینیک سرپایی، گزارش صبحگاهی، راند آموزشی، گراند راند) در دانشگاه علوم پزشکی جهرم با استانداردهای ارسالی از وزارت بهداشت می باشد. این مقایسه از دیدگاه دانشجویان کارآموز، کارورز و استیودنت انجام گرفت.

روش اجرا: این پژوهش، مطالعه ای توصیفی - مقطعی بود. دانشجویان کارورز و کارآموز استیودنت بعنوان جامعه آماری بصورت سرشماری جهت مطالعه انتخاب شدند. ابزار سنجش پرسشنامه ای روا و پایای محقق ساخته بود که مبنای تدوین آن، استانداردهای آموزش بالینی مصوب سال ۱۳۹۴ وزارت بهداشت بود. این پرسشنامه مشتمل بر سوالاتی در حوزه استاندارد های فرایندهای آموزش در کلینیک سرپایی (۱۸ سوال)، گراند راند آموزشی (۱۱ سوال)، استانداردهای راند آموزشی (۱۳ سوال) (استانداردهای گزارش صبحگاهی شامل ۱۳ سوال بود. روایی محتوایی با استفاده از نظر خبرگان و پایایی آنها با تعیین الفای کرونباخ در یک مطالعه پایلوت بررسی شد. گویه های پرسشنامه مورد استفاده به صورت بسته و با استفاده از گزینه های "بله" و "خیر" تعریف شده بود. هر پاسخی که مطابق با استاندارد بود، نمره یک و در صورت عدم انطباق با استاندارد نمره صفر تعریف شد. برای توصیف داده ها از فراوانی و درصد، میانگین، انحراف معیار، میانه، دامنه میان چارکی استفاده شد. دقت برآوردها داده ها در فاصله اطمینان ۹۵ درصد بررسی شد. از آزمونهای آماری تحلیلی واریانس، کروسکال-والیس، تی تست نیز استفاده شد تمامی آنالیزها تحت نرم افزار آماری spss نسخه ۲۱ انجام شد. اخذ رضایت آگاهانه از تمامی شرکت کننده ها، آغارکننده کار بود. و اجرای مطالعه بعد از دریافت تایید کمیته اخلاق انجام پذیرفت.

یافته ها: نتیجه آزمون آماری نشان داد که بین دانشجویان از لحاظ امتیاز داده شده به استانداردهای کلینیک های سرپایی، گزارش صبحگاهی، گراند راند و راند آموزشی تفاوت معنی دار وجود دارد ($Pvalue > 0.05$). میانگین امتیاز داده شده به کلینیک سرپایی توسط دانشجویان کارآموز (۲۷.۵۶) بالاتر از سایر دانشجویان بوده است. نتایج مقایسات چندگانه تعقیبی با آزمون توکی نشان داد که بین امتیاز داده شده به کلینیک سرپایی توسط دانشجویان استیودنت با دانشجویان

کارورز ($Pvalue = 0.039$) و بین دانشجویان استیودنت با دانشجویان کارآموز ($Pvalue = 0.001$) تفاوت معنی دار وجود دارد ($0.05 > Pvalue$). میانگین امتیاز داده شده به گزارش صبحگاهی توسط دانشجویان استیودنت (۲۲.۵) بالاتر از سایر دانشجویان بوده است. آزمون توکی نشان داد که تنها بین امتیاز داده شده به گزارش صبحگاهی توسط دانشجویان استیودنت با دانشجویان کارآموز تفاوت معنی دار وجود دارد ($Pvalue = 0.006$) میانگین امتیاز داده شده به گراند راند توسط دانشجویان کارورز (۱۴.۵) بالاتر از سایر دانشجویان بوده است. آزمون توکی نشان داد که تنها بین امتیاز داده شده به گزارش صبحگاهی توسط دانشجویان استیودنت با دانشجویان کارورز ($Pvalue = 0.001$) و بین دانشجویان کارآموز با دانشجویان کارورز ($Pvalue = 0.018$) تفاوت معنی دار وجود دارد ($Pvalue > 0.05$). میانگین امتیاز داده شده به راند آموزشی توسط دانشجویان کارورز (۲۳) بالاتر از سایر دانشجویان بوده است. آزمون توکی نشان داد که تنها بین امتیاز داده شده به گزارش صبحگاهی توسط دانشجویان اینترن با دانشجویان کارآموز ($Pvalue = 0.02$) و بین دانشجویان استیودنت با دانشجویان کارورز ($Pvalue = 0.001$) تفاوت معنی دار وجود دارد ($Pvalue > 0.05$). از نظر دانشجویان استیودنت در بین استانداردهای ۴ گانه، هیچ یک از استانداردها امتیاز بهینه را کسب نکردند و گراند راند با ۳۶.۷ درصد پایین ترین امتیاز را کسب کردند. از نظر دانشجویان کارآموز در بین استانداردهای ۴ گانه، کلینیک سرپایی با ۷۲.۵ درصد بیشترین امتیاز و گزارش صبحگاهی با ۳۹.۱ درصد پایین ترین امتیاز را کسب کردند.

بحث و نتیجه گیری: دیدگاه کلی در مورد وضعیت موجود اجرای استانداردهای فرایندهای آموزش بالینی منفی بوده و آنالیز یافته های مطالعه حاضر نشان می دهد که از دیدگاه کارورز، کارآموز استیودنت نسبت به اجرای استانداردهای آموزش بالینی در دانشگاه علوم پزشکی جهرم نسبی بود

دیدگاه دانشجویان کارآموز و کارورز جراحی و غیر جراحی در خصوص نحوه برگزاری گزارش صبحگاهی

صدرا رضاخانیها - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، بیژن رضاخانیها - دانشگاه ع. پ. ارتش، سهیلا سیروس بخت - دانشگاه ع. پ. ارتش، علیرضا شهرداری محمدی - دانشگاه ع. پ. ارتش،

مقدمه: از الزامات رشد و توسعه هر کشوری، گسترش دانشگاه ها و بهبود کیفیت آموزش آن است و حاصل آن رشد قابل توجهی از دانش آموختگان در دوره های مختلف علمی و نیز تولیدات علمی می باشد. در این میان رشته پزشکی یکی از حرفه های پیچیده و دشواری است که نقش مهمی در ارتقاء سلامت جامعه ایفا می نماید، و دستیابی به این هدف نیازمند آن است که نیرو های تربیت شده در طی دوران آموزش حداکثر کارایی، دانش و مهارت لازم را برای حرفه آینده خود

کسب کنند. آموزش بالینی مهم ترین قسمت آموزش دستیاران و دانشجویان پزشکی می باشد و نیز گزارش صبحگاهی از جمله روش های رایج، مفید و ارزشمند آموزش بالینی، در سطح دنیا محسوب می شود. هنگامی که این روش، به صورت استاندارد و مطابق دستورالعملهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجرا گردد، نقش مؤثرتری در یادگیری دانشجویان پزشکی ایفا می نماید ولی با وجود این مهم، نحوه برگزاری گزارشهای صبحگاهی، در دانشگاههای مختلف علوم پزشکی کشور به شیوه های متفاوتی اجرا می گردد. مطالعه حاضر با هدف تبیین دیدگاه دانشجویان پزشکی از نحوه برگزاری جلسات مشترک گزارش صبحگاهی و رعایت دستورالعملهای وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی انجام شد.

روش اجرا: در یک مطالعه توصیفی مقطعی دیدگاه ۱۰۰ کارورز و کارآموز مقطع آخر سال تحصیلی ۱۳۹۵ لغایت ۱۳۹۸ توسط پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، از نرم افزار SPSS و آزمون های آمار توصیفی استفاده شد. نتایج در این مطالعه از (۱۰۰ دانشجو) ۶۱ دانشجو در گروه جراحی (۳۶ کارآموز و ۲۵ کارورز) و ۳۹ دانشجو در گروه غیر جراحی (ارولوژی، اورتوپدی، اعصاب، چشم و گوش حلق و بینی) (۲۶ کارآموز و ۱۳ کارورز) نظرسنجی انجام گرفت که بیش از ۹۹٪ فراگیران به کلیه سوالات پاسخ دادند. اغلب دانشجویان (۶۰،۷٪ کارآموزان، ۵۲،۹٪ کارورزان، ۶۱٪ دانشجویان جراحی و ۵۲،۷٪ دانشجویان غیر جراحی) مخالف نحوه برگزاری گزارش صبحگاهی به صورت ترکیبی از حضور کلیه فراگیران (مشترک جراحی و غیرجراحی) بودند (۶۶،۱٪ کارآموزان، ۶۵،۷٪ کارورزان، ۷۰،۵٪ دانشجویان جراحی و ۵۸،۳٪ دانشجویان غیر جراحی نیز موافق برگزاری گزارش صبحگاهی به صورت جداگانه و نیز رعایت استانداردهای صحیح برگزاری آموزش گزارش صبحگاهی بودند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به مخالف بودن حدود دوسوم دانشجویان پزشکی با نحوه برگزاری جلسات مشترک گزارش صبحگاهی، به نظر می رسد برگزاری جلسات جداگانه گزارش صبحگاهی برای کارآموزان و کارورزان جراحی و غیرجراحی و نیز برگزاری هر چه بهتر و با اصول آکادمیک مشخص که در دستورالعمل های وزارت بهداشت به آنها اشاره گردیده است منجر به رضایتمندی بیشتر، شرکت فعال و تعاملی بیشتر در بحث های گروهی، کسب دانش، مهارت، مدیریت و نحوه برخورد با بیمار و رفع مشکلات وی بسیار آموزنده و کارگشا خواهد بود. با وجود اینکه برگزاری گزارش صبحگاهی به صورت مشترک باعث افزایش اندوخته های علمی و آشنایی با مشکلات غیرجراحی می گردد ولی برگزاری اینگونه گزارش های صبحگاهی به دلیل شناخت ناکافی دانشجویان و برخی اساتید، باعث عدم تمرکز، بی حوصلگی، اضطراب دانشجویان و بی نظمی در روند برپایی جلسات خواهد گردید (۹). و این امر، ضرورت تشکیل کلاس های آموزشی در این خصوص برای اساتدان و دانشجویان را نشان می دهد.

آیا می توان برای ارزیابی مهارت ارائه خبر بد به بیمار در فلوهای انکولوژی در محیط واقعی (درمانگاه سرپایی) به جای ارزیاب متخصص از بیمار استاندارد استفاده کرد؟

افسانه یخ فروش ها - دانشگاه ع. پ. قزوین، امیر حسین امامی امامی - ماندانا شیرازی.

مقدمه: استفاده از بیمار استاندارد (SP) به عنوان یک روش روا و پایا جهت ارزیابی مهارت ارتباطی -خبر بد انکولوژیست ها هم در محیط شبیه سازی شده (آزمون آسکی) و هم در محیط واقعی (ارزیابی در محل کار) گزارش شده است. در رابطه با میزان پایایی و توافق بین ارزیابی SP و استاد بررسی های زیادی انجام شده است. تعدادی از مطالعات نشان داده اند بین نظرات بیمار استاندارد شده و نظرات اساتدان همبستگی معناداری وجود دارد و برخی مطالعات هم این همبستگی را کم و یا ضعیف گزارش نموده اند. حال سوال این است که آیا می توان از بیمار استاندارد شده به عنوان جایگزین استاد برای ارزیابی عملکرد مهارت ارتباط با بیمار - خبر بد فلوهای انکولوژی در درمانگاه سرپایی استفاده نمود؟ لذا هدف این پژوهش مقایسه ارزیابی انجام شده توسط بیمار استاندارد با ارزیابی اساتید درباره نحوه عملکرد فلوهای انکولوژی در ارائه خبر بد به بیمار است. روش مطالعه: مطالعه مقطعی و توصیفی جهت ارزیابی عملکرد فلوهای انکولوژی در ارائه خبر بد به بیمار در درمانگاه سرپایی بیمارستان امام خمینی تهران از دو ارزیاب شامل استاد انکولوژی (۴ استاد انکولوژی) و بیمار استاندارد شده (۸ بیمار استاندارد شده) به طور همزمان استفاده گردید. بدین صورت که در هنگام مراجعه SP به عنوان بیمار مبتلا به سرطان در درمانگاه، استاد که عملکرد فلو را در درمانگاه مورد مشاهده قرار می داد به صورت محرمانه عملکرد وی را نیز ارزیابی می نمود SP. هم بلافاصله بعد از ترک درمانگاه، عملکرد فلو را توسط چک لیست ارزیابی مورد ارزیابی قرار می داد بنابراین عملکرد فلوهای انکولوژی توسط دو ارزیاب (استاد و SP) مورد ارزیابی قرار می گرفت. لازم به ذکر است که فلوهای انکولوژی درباره ارزیابی عملکردشان توسط SP و استاد، اطلاعی نداشتند. و در مورد نقش بیمار استاندارد هم به عنوان بیمار شبیه سازی شده و همچنین ارزیاب اطلاعی نداشتند. جهت استاندارد سازی ارزیابی مراحل زیر انجام شد. (قبل از انجام مطالعه به فلوها در مورد ارزیابی عملکرد آنها اطلاع رسانی شده بود اما درباره زمان و نوع ارزیابی اطلاعی نداشتند) - (استانداردسازی محتوا: تدوین و ارزیابی روایی محتوایی و صوری چهار سناریو که شامل دو شکل از سرطان خون (CML, CLL)، سرطان ریه، سرطان معده توسط متخصصین - آموزش و استاندارد کردن نحوه ایفای نقش توسط SP (دقت و پایایی ایفای نقش - SP) آموزش و استانداردسازی نحوه ی تکمیل پرسشنامه توسط SP) روایی و پایایی تکمیل چک لیست توسط SP) به عنوان اولین ارزیاب - آموزش و استانداردسازی نحوه ی تکمیل

پرسشنامه توسط انکولوژیست ها به عنوان دومین ارزیاب جهت تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و برای بررسی میزان توافق بین دو ارزیاب از آزمون همبستگی و نمودار بلند التمن استفاده شد. یافته ها: از تعداد کل ۸ نفر SP شرکت کننده در تحقیق ۲ نفر آنها مرد و ۶ نفر زن، میانگین سنی آنها ۵۹±۴۶ بود. از بین اساتید شرکت کننده به عنوان ارزیاب هر ۴ نفر مرد و میانگین سنی ۴۶±۲ میزان توافق بین اساتید و SP در نمره دهی عملکرد فلوهای انکولوژی بر اساس نمودار بلند آلتمن و ضریب همبستگی بالا (۰.۸۷) گزارش گردید. بحث و نتیجه گیری: با استاندارد سازی فرایند ارزیابی و دوره های آموزشی موثر، می توان از بیمار استاندارد به عنوان ارزیاب روا و پایا جهت ارزیابی عملکرد فلوهای انکولوژی در محیط واقعی استفاده نمود.

کلمات کلیدی: بیمار استاندارد، خبر بد، عملکرد

مقایسه تاثیر گذاری مورنینگ ریپورت مبتنی بر شواهد با مورنینگ ریپورت مبتنی بر روشهای رایج، در افزایش انگیزه و ارتقاء دانش دستیاران گروههای بالینی مرکز آموزشی و درمانی امام رضا(ع) تبریز

ندا رحمت وند - الهام احمدی - دانشگاه ع. پ. تبریز، فاطمه یگانه - دانشگاه ع. پ. تبریز.

مقدمه: دانشجویان پزشکی نقش مهمی در سلامت جامعه دارند، لذا تدوین برنامه های آموزشی اهمیت بسیاری دارد. مهمترین روشها گزارش صبحگاهی می باشد از روش های کلاسیک آموزش پزشکی است. به دلیل انعطاف و تطابق آن با اهداف آموزشی، در آموزش ارزیابی انتقادی، پزشکی مبتنی بر شواهد، مفاهیم آموزشی استفاده نمود. اهداف گزارش صبحگاهی شامل: آموزش، ارزیابی کیفیت خدمات، شناسایی و گزارش وقایع نامطلوب، موضوعات غیرپزشکی و تعاملات اجتماعی می باشد. اهداف آموزشی گزارشهای صبحگاهی دامنه وسیعی از: آموزش مبتنی بر یک بیمار خاص، برنامه ریزی برای مدیریت یک بیماری، تقویت مهارت های سخنرانی و ارائه، تقویت مهارت های تصمیم گیری و آموزش موضوعات اخلاقی را دنبال می کند.

هدف: به عنوان روشی برای آموزش تفکر نقاد، آموزش آمار و روش تحقیق، اپیدمیولوژی، و نیز تشویق به استفاده از پزشکی مبتنی بر شواهد در اقدامات بالینی روزمره جهت افزایش انگیزه و ارتقاء دانش دستیاران بهکار میروند.

روش اجرا: مطالعه مداخله ای و مقطعی حاضر براساس رویکرد تحلیل محتوا انجام شده است. جامعه آماری پژوهش در سال ۱۳۹۸ شامل ۲۵ نفر از اساتید مجرب گروههای مختلف با بیش از پنج سال تجربه بالینی همه دستیاران سال دوم و بالاتر (۳۲۵) مرکز آموزشی و درمانی امام رضا که در مورنینگ ریپورت به هر دو شیوه نوین و رایج شرکت

کرده بودند. در روش مبتنی بر شواهد استاد مربوطه، آخرین مقالات و دستاوردهای علمی را، از طریق اینترنت آماده می کردند و با تلفیق اطلاعات خود با آخرین شواهد موجود، روز بعد به روش مبتنی بر شواهد جلسه گزارش صبحگاهی را مدیریت می کردند. متخصص پزشکی اجتماعی با حضور روزانه خود در مورنینگهای مرکز ما در این امر یاری نمودند. جلسات متعدد هماهنگی جهت اجرای مورنینگ ریپورت مبتنی بر مسئله با حضور او برگزار گردید و یک گروه مجازی در WhatsApp شکل گرفت و روزانه مطالب جدید و آموزشی به دستیاران و اساتید ارسال میگردید. و کارگاههایی با معرفی مورنینگ ریپورت مبتنی بر شواهد برگزار شد سی و چهار جلسه مورنینگ ریپورت مبتنی بر مسئله، مقایسه با ویژگی های استاندارد یک ژورنال مبتنی بر شواهد، همان پرسشنامه ها توسط شرکت کنندگان و اساتید مربوطه تکمیل و نمرات با نمرات قبلی مقایسه شدند. مورنینگ ریپورت ها بر اساس چک لیستی که روایی و پایایی آن تأیید شده بود، و سوالات مربوط به این قسمت با استفاده از جدول درجه بندی شده با مقیاس ۵ درجه ای لیکرت اندازه گیری شده و ارزیابی شده و همچنین بر اساس این چک لیستها مقاله نقد گردیده قبل و بعد از اقدامات نوین آموزشی مقایسه شدند. پرسشنامه توسط دستیاران بعد از آموزش به روش روتین و مبتنی بر EBM تکمیل گردید. پرسشنامه های تکمیل شده با پیگیری مداوم جمع آوری شد. و پس از جمع آوری پرسشنامه ها، اطلاعات از طریق تجزیه و تحلیل گردید و ترسیم ارقام با استفاده از SPSS نسخه ۱۸ و ضریب همبستگی اسپیرمن به t-test آزمون های آماری ترتیب اختلاف میانگین ها و روابط بین متغیرهای مختلف در پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. به منظور مقایسه میانگین نظرات رزیدنت ها در مورد برگزاری گزارش های صبحگاهی به دو روش روتین و EBM مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و حد معنی داری ۰.۰۵ > p در نظر گرفته شد یافته ها: در گروه مداخله نسبت به روش رایج تفاوت آماری معنی داری بین نمره هر سؤال وجود داشت. مهمترین تأثیر ایجاد انگیزه در این روش تأثیر در عملکرد بالینی، ایجاد مهارت استاندارد، نگرش مثبت به برنامه، انگیزه بیشتر در پژوهشهای بعدی، علاقمندی به شرکت در مورنینگ ریپورت بعدی و تشویق دستیاران بود. نمرات کلی آگاهی در پس آزمون، به صورت معنی دار آماری نسبت به پیش آزمون افزایش یافت؛ اما افزایش در سطح نگرش با در نظر گرفتن سطح معنی دار نبود. ولی رابطه بدون معنی آماری بین سطح آگاهی و نگرش در قبل مداخله، پس از مداخله معنی دار گشت همچنین ضریب همبستگی همبستگی Spearman مشخص کرد که هرچه تعداد دفعات شرکت در مورنینگ ریپورت بیشتر شد، سطح آگاهی افراد افزایش یافت و خواستار برگزاری جلسات بیشتری بودند.

بحث و نتیجه گیری: این روش در افزایش سطح آگاهی دستیاران موثر بوده به منظور بهبود جلسات گزارش صبحگاهی باید بر موارد مربوط به ساختار و محتوای جلسات مانند ارائه فیدبک، مشارکت و تعامل حاضرین و هم چنین موارد مربوط به ارتقای توانمندی های دانشجویان تأکید بیشتری گردد.

یافته ها: در مطالعه کیفی حاضر، ۱۱ نفر از اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز شرکت نمودند که ۴ نفر از آنها مرد و ۷ نفر زن بودند. میانگین سنی آنها ۴۵،۲۱ و میانگین سابقه کاری آنها در نقش مدرس ۶،۷ سال بود. نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی به روش قراردادی، در ارتباط با بررسی چالش های اساتید در آموزش مجازی در دوران کرونا در دو طبقه اصلی ۱- موانع فردی در کارآمدی آموزش مجازی با زیر طبقات: ویژگی شخصیتی، عوامل خانوادگی ۲- طبقه ی مدیریت سازمانی با زیر طبقات: تامین زیر ساخت، مدیریت و رهبری، آموزش و نظارت، اخلاق و قانون و ارزشیابی دسته بندی شد که برخی از کدهای اولیه ی استخراج شده از این زیر طبقات شامل: ۱- ویژگی شخصیتی: مقاومت در مقابل تغییر، نگرانی ناشی از بحران بیماری، نامانوسی با تکنولوژی و باور ناپذیری به اثربخشی آموزش مجازی. ۲- عوامل خانوادگی: حضور در محیطی شلوغ، تغییر در توقعات خانواده، تحمیل فشار روانی خانواده. ۳- تامین زیر ساخت: پهنای باند و سرعت اینترنت، اینترنت رایگان و نیاز به امکانات تولید محتوا. ۴- مدیریت و رهبری: مدیریت بحران، تدوین دستورالعمل های شفاف، ارزشیابی بر اساس عملکرد اساتید و آماده سازی بستر آموزشی. ۵- آموزش و نظارت: آماده سازی اعضای هیات علمی، کمک در تولید محتوا، نظارت بفرایند تدریس و پایش ارزشیابی. ۶- اخلاق و قانون: مالکیت فکری و معنوی، قانون کپی برداری و رازداری و حریم فردی. ۷- ارزشیابی: حجم بالای تکالیف، ارزشیابی غیر واقعی و ارزشیابی تکوینی می باشد

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، بحران کوید ۱۹ و الزام آموزش به شیوه مجازی، اساتید دانشگاه را با چالش های جدی در محیط خانواده و موسسات آموزشی مواجه ساخته است که با توجه به تداوم این بحران در آموزش عالی، ضروری است در هر دانشگاه به طور ویژه و متناسب با افتار آن محیط، این موارد استخراج و راهکارهای موثری در جهت تعدیل و حل آنها ارائه شود تا ضمن حفظ سلامت اساتید و دانشجویان از اثربخشی آموزش های ارائه شده نیز اطمینان حاصل گردد.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، بحران، کوید ۱۹، اساتید دانشگاه

دیدگاه دانشجویان پزشکی نسبت به آموزش مجازی دوره بالینی (E- Learning) در دانشکده پزشکی

گران

محمدرضا یوسفی - دانشگاه ع. پ. گلستان، نفیسه عبدالهی.

مقدمه: اساس سیستم های آموزش مجازی استفاده از منابع نرم افزاری مناسب برای تهیه چهارچوب آموزش آکادمیک در تمامی برنامه های آموزشی است که با فراهم نمودن امکان دسترسی یکسان، و ایجاد فضای آموزشی یکنواخت برای فراگیران مختلف در هر نقطه و

تبیین چالش ها و تجارب اساتید دانشگاه علوم پزشکی

البرز از آموزش مجازی در دوران بحران COVID-19

روح انگیز نوروزی نیا - دانشگاه ع. پ. البرز، لیلا ساداتی - دانشگاه ع. پ. البرز، رعنا آب جبار - دانشگاه ع. پ. البرز، زهرا نوری خانقاه - دانشگاه ع. پ. ایران.

مقدمه: توسعه آموزش مجازی در سالیان اخیر تاثیر شگرفی در رشد و اعتلای سطح آموزش و گستره عدالت آموزشی در نقاط مختلف جهان داشته است. ولیکن همانند سایر تکنولوژی ها، ورود این تکنولوژی نوین نیز نیاز به بستر سازی، آموزش و ایجاد محیطی قابل پذیرش برای ارائه و استفاده از امکانات و قابلیت های بی شمار آن دارد. بی شک فهم معایب و ضعفها در بکارگیری هر یک از این فن آوری ها متناسب با بافتار مورد استفاده می تواند، به اصلاح، رشد و بالندگی مجموعه کمک کند. بکارگیری این فناوری ها در شرایط بحرانی اخیر و بدون آماده سازی و شناسایی وضعیت موجود، سیستم های مختلف آموزشی را با چالش هایی مواجه می نماید که گاهی منجر به ابتکارات و خلاقیت هایی در جهت رفع موانع گردد. مطالعه این تجارب و شناسایی تجارب همکاران در این دوران، می تواند به اصلاح و آمادگی بیشتر در مسیر رشد و اعتلای آموزش مجازی بیانجامد. لذا مطالعه حاضر با هدف تبیین چالش ها و تجارب دانشجویان اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز از آموزش مجازی در دوران بحران COVID-19 انجام شد.

روش اجرا: پژوهش حاضر به شیوه کیفی به روش تحلیل محتوا در سال ۹۸-۹۹ انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از نمونه گیری هدفمند استفاده شد و نمونه گیری تا زمانی ادامه یافت که دیگر هیچ طبقه یا موضوع جدیدی در ارتباط با مفهوم مورد نظر پدیدار نشد. داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختارمند در طی ۱۱ مصاحبه عمیق فردی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز جمع آوری شد. سپس متن هر مصاحبه پس از تکمیل توسط محقق چندین بار بازخوانی شد و در صورت وجود مورد مبهم و یا نیاز به طرح سوالات و واکاوی از طریق یکی از شبکه های پیام رسان با پرسش و پاسخ از مصاحبه شونده، موارد روشن و تکمیل شد و در نهایت متن مصاحبه ها به روش تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفت و به منظور تسهیل تحلیل داده های این مطالعه از نرم افزار MaxQDA2 استفاده شد. جهت تایید صحت داده ها، در مرحله کدگذاری اولیه، از روش member check استفاده شد. بدین ترتیب که کدها و تفاسیر حاصل از تحلیل برخی مصاحبه ها با شرکت کنندگان چک شد. به علاوه از مرور ناظرین هم جهت تایید صحت کدگذاری استفاده شد

هنجاریابی پرسشنامه خودتنظیمی آنلاین و تاثیر آموزش مجازی بر مولفه های خود تنظیمی در بحران کرونا در دانشجویان استفاده کننده از سیستم های مدیریت یادگیری آنلاین بومی

نادر شریفی - دانشگاه ع. پ. جهرم، لیلی مصلی نژاد - دانشگاه ع. پ. جهرم، بنفشه علیزاده - زهرا رضایی - رحیم پندار - دانشگاه ع. پ. جهرم،

مقدمه: یادگیری خود تنظیمی، یک فرایند فعال و سازنده برای فراگیری دانش است که طی آن یادگیرنده با درگیری خلاقانه در تلاش های فکری، رفتاری و شناختی و بدون تکیه به معلم و دیگران، تلاشهای خود را شخصا شروع کرده، برای خود هدف تعیین می کند و با توجه به اهداف و شرایط موجود در محیط سعی در ارزیابی، تنظیم و کنترل فرایندهای شناختی، انگیزه ای و رفتاری اش دارد. هدف این مطالعه هنجاریابی پرسشنامه خودتنظیمی آنلاین در دانشجویان استفاده کننده از سیستم های مدیریت یادگیری آنلاین بومی در کاربران ایرانی و بررسی آن در است .

روش اجرا: در این روش از پرسشنامه یادگیری خودتنظیمی آنلاین (OSLQ) که یک مقیاس ۲۴ آیتمی با قالب پاسخ لیکرت ۵ امتیازی بود استفاده شد. پرسشنامه از شش حیطه ساختار محیط، تعیین هدف، مدیریت زمان، کمک به جستجو، استراتژی های تکالیف و خودارزیابی تشکیل شده است. ابتدا پرسشنامه ترجمه و باز ترجمه و سپس روایی آن از دیدگاه دانشجویان و اساتید تایید و تحلیل عاملی تاییدی با هدف بررسی روایی پرسشنامه انجام و پایایی آن مشتمل بر بررسی انسجام درونی پرسشنامه بر روی ۱۴۰ دانشجوی کاربر سامانه نوید بررسی گردید. در مرحله نهایی هر یک از مولفه های خود تنظیمی آنلاین در دانشجویان کاربر نوید در بحران کرونا و بکارگیری آموزش مجازی مورد بررسی قرار گرفت. از آزمون بارتلت و محاسبه شاخص KMO استفاده شد تا کفایت نمونه ها تایید گردد و سپس تحلیل عاملی تاییدی بر روی گروه انجام گردید .

یافته ها: نتایج نشان داد که حیطه اهداف با میانگین ۰.۴۸، ۰.۱۷ دریافت حمایت با میانگین ۰.۱۵، ۰.۱۴، خود ارزیابی با میانگین ۰.۹۲، ۰.۱۳ و استراتژی تکلیف با ۰.۵۱، ۰.۱۰ به ترتیب در خود تنظیمی آنلاین دانشجویان نقش داشته اند. بین میانگین نمره خود تنظیمی و جنس و سپس خود تنظیمی و رشته تحصیلی ارتباط معنا داری وجود نداشت ($p > 0.05$) پرسشنامه هنجار شده با ۴ حیطه اهداف، استراتژی تکالیف، دریافت حمایت و خود ارزیابی استخراج و پایایی آن با استفاده از بررسی انسجام درونی سوالات با ۰.۸۲، تایید شد .

بحث و نتیجه گیری: پرسشنامه خود تنظیمی آنلاین با ۴ حیطه و ۲۲ سوالات هنجار شده می تواند در جامعه ایرانی به عنوان یک پرسشنامه مورد استفاده محققین قرار گیرد. دنبال کردن هدف، دریافت حمایت در

بهبود سازی شیوه های ارائه مطالب درسی به منظور یادگیری عمیق تر؛ موجب افزایش کارایی فرایند آموزش می شود. در حال حاضر، اغلب دانشگاه ها بدلیل پاندمی کرونا، در حال تلاش برای افزایش اثربخشی فن آوری های نوظهور آموزش مجازی در فعالیت های آموزشی خود هستند اما آموزش مجازی در دانشگاه های علوم پزشکی خصوصا در بخش های بالینی موضوعی نوپا است. لذا این پژوهش با هدف بررسی وضعیت آموزش مجازی دوره بالینی (E-Learning) از دیدگاه دانشجویان پزشکی در دانشکده پزشکی گرگان انجام شده است .

روش اجرا: مطالعه حاضر توصیفی و از نوع مقطعی است که در سال ۱۳۹۹ در بیمارستان شهید صیاد شیرازی گرگان انجام شده است. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان پزشکی در چهاربخش بالینی قلب، نورولوژی، زنان و عفونی باحجم نمونه ۷۹ نفر بوده که به روش سرشماری انتخاب شده اند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته با مقیاس لیکرت درسه طیف خوب، متوسط، ضعیف با ۲۰ سوال در سه مؤلفه (متغیر مستقل)، زیر ساخت برنامه آموزش مجازی با ۵ سوال، ارزیابی عملکرد اساتید با ۸ سوال و شیوه های آموزش مجازی در فیلدهای بالینی با ۷ سوال، بود. پایایی پرسش نامه نیز با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت و با پایایی قابل قبول ۰.۸۵۷، به دست آمد. روایی صوری و محتوایی سوالات از نظر کیفیت و کمیت پرسش نامه از نظر و مطالعه متخصصان مربوطه مورد بررسی و مورد تأیید قرار گرفت . داده ها به صورت میدانی گردآوری شده و به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، از شاخص های آمار توصیفی نرم افزار SPSS استفاده گردید.

یافته ها: به صورت کلی ۷۱،۱۲ درصد افراد مورد پژوهش زیر ساخت برنامه آموزش مجازی و ۷۰،۶۲ درصد عملکرد اساتید و ۷۱،۳۷ درصد شیوه های آموزش مجازی در فیلدهای بالینی را خوب ارزیابی کردند. یافته ها در خصوص زیر ساخت برنامه آموزش مجازی، کیفیت فایل های صداگذاری شده و در ارزیابی عملکرد اساتید، نظم و وقت شناسی استاد و نیز پاسخگویی به سوالات دانشجویان و در شیوه های آموزش مجازی در فیلدهای بالینی، یادگیری در نسخه نویسی و نیز درمانگاه رضایت مندی کمتری نشان می دهد. همچنین در ارزیابی عملکرد اساتید، میزان علاقه مندی و تسلط استاد برای آموزش مجازی از نظر دانشجویان در بعضی از گروه های آموزشی کمتر بوده است .

بحث و نتیجه گیری: بررسی مطالعه نشان می دهد که آموزش مجازی آکادمیک در بخش های بالینی در شرایط کنونی پاندمی کرونا، در صورت فراهم بودن بستر مناسب زیر ساخت ها و علاقه مندی و تسلط استاد برای آموزش مجازی، سیستم موفق و کارآمدی است که با توجه به هزینه های پایین این نوع آموزش، می تواند پاسخگو و بیرون رفت از این شرایط پاندمی کرونا باشد.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، دانشجویان پزشکی، دوره بالینی

آموزش های مجازی، توان خود ارزیابی، تدوین تکالیف و بازخورد نقش ارزنده ای در خود تنظیمی آنلاین دارند که لازم است مدرس و دانشجو در تقویت مولفه های مذکور به منظور احصاء پیامدهای آموزشی در آموزش های مجازی مد نظر داشته باشند .

کلمات کلیدی : خود تنظیمی آنلاین - هنجاریابی - ایران - آموزش مجازی

شناسایی و رتبه بندی موانع آموزش مجازی از دیدگاه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در سال ۱۳۹۹

فاطمه کریمی - دانشگاه ع. پ. اردبیل، مهدی رهبر - یاشار زوار - دانشگاه ع. پ. اردبیل، ثنا متین حقایق - هلیا حسن زاد مجدلی - دانشگاه ع. پ. اردبیل.

مقدمه : اکنون فضای مجازی به عنوان مکمل یادگیری و یاددهی در کلاس های سنتی و یک وسیله مهم و مفید در آموزش از راه دور به شمار می رود. آموزش دهندگان و فراگیران معتقد هستند که آموزش مجازی برای دانشجویان و متخصصان سلامت موثر بوده و یادگیری را بهبود می بخشد. با رشد سریع فضای مجازی و استفاده از آن در برگزاری کلاس های آنلاین و همچنین شیوع بیماری کرونا که باعث تعطیلی کلاس های آموزش حضوری در هر مقطع تحصیلی شد، بر آن شدیم تا در این پژوهش موانع آموزش مجازی از نظر دانشجویان دانشکده دندانپزشکی اردبیل را شناسایی و رتبه بندی کنیم .

روش اجرا : جامعه هدف در این مطالعه کل دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در حال تحصیل در نیم سال اول سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰، یعنی ۳۳۰ نفر بود که بر اساس جدول مورگان حجم نمونه ۱۸۰ نفر محاسبه شد. برای تعیین نمونه از روش طبقه ای استفاده شد. پرسشنامه ی محقق ساخته مورد استفاده قرار گرفت. در ابتدای پرسشنامه، ۲ گویه برای تعیین جنسیت و تعیین زمان ورود به دانشکده در نظر گرفته شد و بعد از آن در ۲۱ گویه به ابعاد مختلف موانع آموزش مجازی پرداخته شد که شامل؛ موانع فنی، موانع مهارتی، موانع اخلاقی، موانع محتوایی، موانع فرهنگی و موانع انگیزشی بود. هرکدام از این ۲۱ گویه برای رتبه بندی موانع آموزش مجازی از نظر دانشجویان شامل پنج گزینه ی خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، و خیلی زیاد بودند. برای پرسشنامه ی طراحی شده تایید روایی صوری توسط پنل خبرگان صورت گرفت و پایایی آن از روش برآورد ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۷، تعیین و تایید شد. پرسشنامه ها به صورت آنلاین در اختیار جمعیت مورد مطالعه قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از برنامه SPSS ۱۸ استفاده شد و P value کمتر از ۰.۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد .

یافته ها : از ۱۸۰ نفر شرکت کننده این پژوهش ۹۰ نفر (۵۰ درصد) مرد و ۹۰ نفر (۵۰ درصد) زن بود. بر حسب مدت زمان گذشته شده از ورود به دانشکده به ترتیب برای سال های اول تا ششم شامل ۳۲ نفر (۱۷،۸ درصد)، ۲۶ نفر (۱۴،۴ درصد)، ۳۶ نفر (۲۰،۰ درصد)، ۳۷ نفر (۲۰،۶ درصد)، ۲۶ نفر (۱۴،۴ درصد) و ۲۳ نفر (۱۲،۸ درصد) بود. ترتیب موانع آموزش مجازی از دیدگاه دانشجویان بر اساس اهمیت آنها به این صورت بود؛ موانع انگیزشی (۳،۹۰±۱،۰۷)، موانع فرهنگی (۱،۶±۱،۶۵)، موانع مهارتی (۳،۵۵±۱،۱۷)، موانع فنی (۳،۵۴±۱،۱۴)، موانع محتوایی (۳،۵۲±۱،۱۰)، موانع اخلاقی (۲،۷۰±۱،۰۲). در زیر آیت های مربوط به هر حوزه از موانع، بر اساس میانگین از پر اهمیت ترین به کم اهمیت ترین مرتب شده اند: موانع فنی: ضعف نرم افزار های آموزشی مجازی - عدم ارتباط چهره به چهره - ضعف زیر ساخت های مخابراتی - ضعف نرم افزار های امنیتی موانع مهارتی: متناسب نبودن شیوه ارزشیابی با دوره های آموزشی مجازی - دشواری ارزشیابی کیفیت مباحث فراگیران - عدم آشنایی با ساختار و فناوری آموزش مجازی - سواد رسانه ای پایین - مقاومت مدرسان در برابر تدریس به روش نوین موانع اخلاقی: سوگیری در تهیه محتوای آموزش مجازی - عدم آگاهی و رعایت نکردن مسائل اخلاقی - امکان تقلب در آموزش مجازی موانع محتوایی: عدم امکان ایجاد پایگاه های اطلاعاتی و مجلات الکترونیکی - عدم امکان ایجاد کتابخانه های الکترونیکی - عدم امکان تولید محتوای الکترونیکی مناسب موانع فرهنگی: عدم آگاهی مسئولین آموزش عالی نسبت به نظام آموزش مجازی - عدم امکان اطلاع رسانی و آموزش مفید به دانشجویان - عدم حمایت مدیران ارشد دانشگاه از استقرار آموزش مجازی موانع انگیزشی: کم شدن انگیزه در غیاب مدرسان - عدم انگیزش لازم برای دستیابی به اهداف علمی - عدم توانایی اتمام کار با وجود اختلالات شبکه .

بحث و نتیجه گیری : مهمترین آیت از نظر دانشجویان "عدم انگیزش لازم برای دستیابی به اهداف علمی" با میانگین ۳،۹۳ و کم اهمیت ترین آیت "امکان تقلب در آموزش مجازی" با میانگین ۲،۵۹ شناسایی شد.

تبیین تجارب دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران از فرایند برگزاری آزمون های مجازی

مهدی پوراصغر - دانشگاه ع. پ. مازندران، عاطفه ذبیحی - دانشگاه ع. پ. ایران، منصور رنجبر - دانشگاه ع. پ. مازندران، رقیه ولی پور خواجه غیائی - دانشگاه ع. پ. مازندران، غلامعلی گدازنده - دانشگاه ع. پ. مازندران، فتنه عموی - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه : در شرایط کنونی که با بیماری نوپدید کووید ۱۹ روبرو هستیم و طی آن سیستم های آموزشی تحت تاثیر قرار گرفته اند نیاز به آموزش

بحث و نتیجه گیری: در این مطالعه مزایا و مشکلات آزمون مجازی شناسایی شد، جهت ارتقای کیفیت آزمون های مجازی؛ تشکیل کمیته های راهبردی و علمی، شناسایی راهکارهای مختلف تخلف و تلاش جهت حذف و کاهش آن، امکان بازخورد آزمون بلافاصله بعد اتمام آن، برنامه ریزی جهت اجرای این نوع آزمون ها جهت سنجش تکوینی، ارتقای کیفیت سؤالات آزمون و برگزاری دوره های توانمندسازی برای اساتید پیشنهاد می گردد .

ارزیابی صلاحیت و آمادگی برای انجام آموزش الکترونیکی در بین اعضای هیئت علمی دانشکده علوم پزشکی آبادان

احلام آل منیع - دانشکده ع. پ. آبادان، شیما سنسلسل بچاری - دانشکده ع. پ. آبادان، مهشید نقاش پور - دانشکده ع. پ. آبادان،

Background: With the outbreak of the corona pandemic and its threat to the health of students and faculties, distance education inevitably replaced face-to-face education. However, this trend had begun in previous years, and in recent years the shift to e-learning has expanded widely. Although e-learning was the solution, implementing this method without a plan and knowing the level of readiness and ability of faculties and students incurred a lot of financial and time costs to the system. This method has put a lot of load work, stress, and responsibility on the faculties. However, they do not deny the benefits and advantages of this method, and even after moving to corona, this teaching method may become part of the training. In addition to have technical knowledge, other factors such as planning to implement an e-learning program are very important for success in e-learning. Technological readiness, economic readiness, content readiness, and educational readiness are factors that need to be considered. Faculties must be able to design a course that enhances the student's level of learning, and an organization must help the faculties to raise the level of their abilities, and this goal cannot be achieved unless a good program is designed. Designing this program requires knowing the ability of faculties to be designed following their level of readiness, otherwise, it will waste the cost and time of the system and the employee.

Aim: The purpose of this study was to investigate the level of readiness and ability of the faculty members of Abadan Faculty of Medical Sciences to implement e-learning.

الکترونیکی و در راستای آن سنجش الکترونیکی جهت تامین ایمنی فراگیران و رعایت پروتکل های بهداشتی بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. سنجش الکترونیکی به هر نوع از فناوری دیجیتال اشاره دارد که با هدف سنجش تکوینی یا تراکمی انجام می شود. اقدام برای سنجش الکترونیکی می بایست در چارچوبی علمی انجام شود تا از اثربخشی لازم برخوردار گردد و تدوین اهداف در نظام ارزشیابی آموزشی به خصوص در محیط الکترونیکی یک کارکرد مدیریتی است، لذا نیاز است تا رویکردی مناسب و ساختارمند جهت برگزاری آزمون های آنلاین در نظر گرفته شود. با توجه به برگزاری آزمون های پایان ترم کلیه دروس تئوری دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۹ به شیوه الکترونیکی و آنلاین، پژوهش حاضر با هدف تبیین تجارب دانشجویان و اعضای هیئت علمی در برگزاری آزمون های آنلاین صورت پذیرفت .

روش اجرا: پژوهش حاضر پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوا است. جامعه پژوهش دانشجویان رشته های مختلف، اساتید و کارشناسان آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران بودند. نمونه ها به صورت هدفمند تصادفی از بین دانشجویان انتخاب گردید. برای جمع آوری داده ها از مصاحبه فردی و گروهی استفاده گردید. ابزار جمع آوری داده ها سوالات نیمه ساختار یافته بود. ابتدا به مشارکت کنندگان علت انجام پژوهش توضیح داده شده و سپس در مکانی آرام و کم رفت و آمد (اتاق فکر معاونت آموزشی) مصاحبه ها صورت گرفت. سپس با روش تحلیل قراردادی محتوا (Conventional Content Analysis) تجزیه و تحلیل انجام گرفت. پس از آنالیز داده ها و خلاصه نویسی، کدگذاری صورت و طبقات (categories) استخراج شدند. پس از هر مصاحبه ضمن گوش دادن به محتوای صوتی ضبط شده و نیز یادداشت برداری های تسهیل گر جلسه صورت گرفت. جهت اثبات صحت و استحکام یافته های مطالعه از معیارهای پیشنهادی گوبا و لینکلن استفاده شد .

یافته ها: در این مطالعه بر اساس تشابه و تناسب داده ها دو طبقه شامل مشکلات اجرای فرایند و مزایای اجرای فرایند با ۱۸ کد شناسایی گردید. مشکلات اجرایی از دیدگاه مشارکت کنندگان شامل؛ وجود استرس در مسئولین و کارشناسان آموزشی، استرس در دانشجویان، نگرانی اساتید از امنیت آزمون و به اشتراک گذاری پاسخ ها، مشکلات قطعی اینترنت، عدم دسترسی به امکانات (اینترنت، گوشی موبایل و غیره) توسط تعدادی از دانشجویان، عدم پذیرش آزمون آنلاین توسط تعدادی از اساتید، افزایش حجم کاری کارشناسان بود و مزایای اجرای فرایند شامل؛ وجود نظارت مسئولین دانشگاه در برگزاری آزمون ها، برگزاری دوره های توانمندسازی اساتید و دانشجویان، وجود تعامل بین دانشجویان و دانشکده ها، پاسخگو بودن دانشکده ها و کارشناسان، اجرای پایلوت جهت شبیه سازی محیط آزمون و ایجاد تجربه قبلی، همکاری خوب تیم پشتیبانی با اساتید و دانشجویان، وجود شیوه نامه آزمون، سازماندهی و مدیریت خوب اجرای آزمون، بالا بودن کیفیت آزمون، اعلام نتایج سریع به اساتید، تحلیل آزمون و بازخورد به اساتید و برگزاری آزمون مجدد جهت غابین موجه آزمون بود.

واقعی و عینی سلامت جامعه و بالین، ضرورت تداوم تربیت نیروی متخصص در هر شرایط، لزوم توجه به اهداف عاطفی در یادگیری الکترونیکی که تماس رو در رو بین استاد و دانشجو وجود ندارد، را بسیار حائز اهمیت می نماید. باید توجه داشت رسالت اصلی دانشگاه های علوم پزشکی تربیت افراد متعهد و متخصص است که دارای توانمندی لازم جهت ارائه خدمات بهداشت و درمان به جامعه باشند. امروزه آموزش علوم پزشکی در سرتاسر جهان تمرکز زیادی روی اهداف شناختی و روانی حرکتی دارد و دانشگاهها فارغ التحصیلی دانشجویان را منوط به دستیابی آنان به دانش کافی و مهارتهای عملی برای انجام وظایف خود می دانند. اما یک پرستار حرفه ای علاوه بر اینها، باید از نگرش ها و رفتارهایی چون از خودگذشتگی، امانتداری، محبت، ارتباط مناسب، احترام، مسؤلیت پذیری، تعالی و رهبری برخوردار باشد، لذا ضروری است در جهت ارتقاء و توانمندسازی این سرمایه های بالینی با روش های اثربخش برنامه ریزی نمود. هدف از انجام این پژوهش، بررسی راهکارهای مناسب جهت ارتقاء منش حرفه ای از دیدگاه دانشجویان پرستاری بود. در دوران کرونا، تهدید تعطیلی آموزش به فرصتی طلایی برای یادگیری و پیشرفت بر بستر آموزش مجازی تبدیل شده است. مطالعات مختلفی اثربخشی یادگیری الکترونیکی و از طرفی مقالاتی به چالش های آموزش مجازی پرداخته اند. ..کیان (۱۳۹۳) چالشهای آموزش مجازی در دانشگاههای ایران را در سه محور اصلی تربیت، خلاقیت و روابط قدرت نشان داد. مهدیان و همکاران در ارزیابی اهداف گروههای آموزشی کاشان به این نتیجه رسیدند که بخش عمده اهداف تدوین شده در حیطه شناختی و در سطح دانش بود. هدف از مطالعه حاضر، بررسی راهکارهای آموزش منش حرفه ای در یادگیری الکترونیکی در دوران کرونا از دیدگاه دانشجویان پرستاری می باشد.

روش اجرا: این مطالعه به روش کیفی طراحی و اجرا گردید. نمونه گیری مبتنی بر هدف و مشارکت کنندگان شامل ۱۷ نفر از دانشجویان پرستاری آگاه به مفهوم منش حرفه ای و مؤلفه های آن بودند. جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه های نیمه ساختارمند انفرادی انجام شد. مصاحبه ها با اجازه مشارکت کنندگان ضبط و سپس پیاده گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار (MAXQDA ۱۰) و به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد.

یافته ها: در مجموع تعداد ۱۷۴ کد اولیه استخراج شد. پس از حذف کدهای تکراری و ادغام کدهای مشابه در نهایت ۶۲ کد استخراج شد که در ۳ طبقه اصلی و ۶ طبقه فرعی قرار داده شدند. طبقات و زیر طبقات شامل: محتوا (طراحی محتوا، رسانه های ارائه محتوا)، طراحی آموزشی (شخصی سازی یادگیری، ترکیبی بودن دوره) و ارزشیابی فراگیر (روش ارزشیابی، امنیت آزمون) بود.

بحث: تمامی دانشجویان شرکت کننده در مطالعه به اهمیت انتخاب و طراحی صحیح محتوا، استفاده از محتوای چندرسانه ای مانند فیلم، موشن گرافیک، ویدئوموشن و... را راهکار مناسبی می دانستند.

Methods: The level of readiness of faculty members to implement the e-learning method was measured by the translated version of the Archambault & Crippen questionnaire. This questionnaire is based on TPACK (Technological Pedagogical Content Knowledge) model, in four domain of pedagogical knowledge, technological knowledge, content knowledge, and ability to integrate the pedagogical knowledge, technological knowledge, content knowledge, which includes ۲۴ items and graded on a ۵-point Likert scale (Poor = ۰ and excellent = ۵). Friedman test was used to rank the knowledge of faculty in different fields.

Results: The Friedman test shows the knowledge of faculty members in the field of content knowledge was the most and in the field of technology was the least ($P < ۰.۰۵$). Also, the bivariate analysis showed that technology content knowledge ($r = ۰.۸, P \leq ۰.۰۰۱$) and technological pedagogical knowledge ($r = ۰.۸۷۳, P \leq ۰.۰۰۱$) have a positive strong relationship with technological pedagogical content knowledge. Moreover, technological knowledge have a positive weak relationship with pedagogical knowledge ($r = ۰.۳, P < ۰.۰۵$) and pedagogical content knowledge ($r = ۰.۴, P < ۰.۰۵$).

Conclusion: The findings of this study show that educational programs should be done to improve the level of faculty members, especially in the field of technological knowledge. Also, improving technological knowledge may be related to increase the pedagogical knowledge, content knowledge, and pedagogical content knowledge of faculty members. These findings also encourage faculty members' growth and development programs to focus on improving their technological knowledge and help the university to know in which areas it should spend more time and cost to strengthen the faculty members.

کرونا؛ یادگیری الکترونیکی و آموزش منش حرفه ای:

ممکن یا ناممکن

سارا حیدری - دانشگاه ع. پ. یزد،

مقدمه: دانشگاه های علوم پزشکی، شروع به سازگاری با پاندمی کووید ۱۹ کرده اند؛ که از جمله آنها ارائه خدمات از راه دور و آموزش ها و آزمون های از راه دور است. از دست رفتن فرصت یادگیری مراقبت های

دانشجویان از اساتید انتظار خلاقیت و نوآوری در طراحی محتواهای آموزشی داشتند. از طرفی توجه به یادگیرنده شامل تحریک انگیزش وی با استفاده از مثالهای دنیای واقعی، داستان، ایجاد احساس رضایت و اعتماد، دادن بازخورد مناسب، توجه به شرایط فردی دانشجوی و درواقع شخصی سازی یادگیری نیز از دیگر انتظارات بیان شده توسط دانشجویان بود. ترکیبی نمودن آموزش پرتکرارترین کد و کارآمدترین راهکار از نظر دانشجویان بود که صاحب نظران نیز مؤثر بودن این روش را در دوران کرونا نسبت به روش های الکترونیکی صرف گزارش نموده اند. دانشجویان تمایل داشتند علاوه بر آموزش های مجازی، در دوره های کارآموزی که در بخشهای ایمن بیمارستان می گذرانند، اساتید بیشتر حضور داشته و بخش بیشتری از آموزش در محیط واقعی و در بستر بیمارستان باشد. از دیگر راهکارهای ارائه شده توسط دانشجویان، توجه به استفاده از روشهای ارزشیابی که ارزیابی منش حرفه ای در آن به نوعی مستتر می باشد، مانند تکمیل سناریو ها و فیلمهای واقعی و از طرفی مدنظر قراردادن روشهای جلوگیری از تقلب و کپی برداری در این ارزشیابیها و ارائه بازخوردهای فردی و مناسب به تک تک فراگیران بود.

نتیجه گیری: آموزش الکترونیکی راه حل جامعی است که با توجه به پاندمی کرونا، برای دانشگاههایی که خواهان حرکت در مسیر فناوری روز و تغییر روشها و محیطهای آموزشی خود هستند، امکان دستیابی به شیوههای نوین آموزشی را فراهم می نماید اما هر رویکرد علمی، در صورتی نتایج اثربخش دارد که درست طراحی و جاری شود. راهکارهای استخراج شده می تواند پیشنهادات مناسبی برای پرداختن به آموزش منش حرفه ای در حوزه یادگیری الکترونیکی علوم پزشکی به مدرسین و طراحان آموزشی ارائه نماید.

سنجش رضایت مندی دانشجویان از آزمون الکترونیک: مطالعه ای در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در پاندمی کووید ۱۹

مصطفی هادوی نژاد، مهدیه آذین - دانشگاه ع. پ. رفسنجان فؤاد
ایرانمنش، حمید استادابراهیمی، جلال حسن شاهی، افسانه امیری

مقدمه: پاندمی کرونا باعث ایجاد تغییراتی مهم در سیستم آموزشی بسیاری از دانشگاه های جهان شد؛ از جمله با تعطیل شدن دانشگاه ها و عدم امکان ارائه آموزش حضوری، ضرورت کاربست آموزش الکترونیک برای تداوم آموزش احساس گردید. نظر به اینکه در هر ایجاد تغییری در سیستم آموزشی دانشگاه، ضروری است مدیریت آموزشی دانشگاه از وضعیت اثرگذاری آن مطلع گردد، می توان با کاوش و ارزیابی نگرش های دانشجویان از برخی نقاط قوت و ضعف آن سیستم اطلاع حاصل نمود. هم از این رو و نیز از آنجا که در پس آموزش الکترونیک، یکی از موضوعات مهمی که رخ می نماید، آزمون الکترونیک و ضرورت برگزاری مطلوب آن است، مطالعه حاضر برای شناسایی دست مایه های

رضایت مندی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان از شرکت در آزمون الکترونیک پس از اولین دوره برگزاری آن متعاقب بحران کووید ۱۹، به کاوش تجارب آنها درباره این پدیده آموزشی پرداخته و به اتکای یافته ها، پس از طراحی و اعتباریابی پرسشنامه ای برای سنجش رضایت دانشجویان از آزمون الکترونیک، پیمایشی را ترتیب داده است. روش شناسی پژوهش این مطالعه آمیخته اکتشافی دو فاز کیفی (پدیدارشناسی هرمنوتیک) و کمی (پیمایش) داشت. جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان به تعداد تقریبی ۲۰۰۰ نفر بودند که در فاز نخست با روش نمونه گیری نوعی و بیشینه تنوع، ۱۵ نفر از آنها با رعایت قاعده نیل به اشباع نظری انتخاب و با آنها مصاحبه باز تلفنی انجام شد. پرسش اصلی پروتکل مصاحبه از این قرار بود: «مطابق تجربه شما از آزمون الکترونیک دانشگاه، چه عواملی می توانند موجب رضایت مندی شما در این ارتباط شوند؟». تحلیل داده ها طبق رویکرد دیکلمن و همکارانش و با نرم افزار Maxqda انجام شد. در فاز دوم، به اتکای یافته های فاز نخست، پرسشنامه ای مبتنی بر طیف ۷ گزینه ای لیکرت با ۵۷ گویه تدوین گردید. نتیجه شاخص روایی محتوا وفق نظر ۱۰ خبره به حذف ۶ گویه انجامید. ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۹۸۴، پرسشنامه توزیع شده میان نمونه مقدماتی ۳۵ نفری از جامعه آماری، بر سازگاری درونی بالای پرسشنامه دلالت می نمود. به استناد جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰)، نمونه آماری ۳۲۲ نفر برآورد، ۳۵۰ پرسشنامه تصادفی و الکترونیک توزیع و دست آخر ۳۲۴ پرسشنامه کامل گردآوری شد. به منظور فروکاست گویه ها به ابعاد سازنده خود، تحلیل عاملی اکتشافی با روش چرخش متعامد اجرا شد. در مرحله بعد، پرسشنامه در اختیار ۴۰۰ دانشجو قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا میزان رضایت خود را از آزمون الکترونیک برگزار شده مطابق طیف ۷ گزینه ای لیکرت ابراز نمایند. نتایج ۳۲۶ پرسشنامه گردآوری شده در نرم افزار Smart PLS تحلیل شد. به منظور ارزیابی سازگاری درونی سنج و ابعاد آن، همزمان از ضرایب استاندارد بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی؛ برای ارزیابی روایی همگرا و ابعاد سنج، از میانگین واریانس استخراجی؛ و با هدف ارزیابی روایی واگرایی متغیرهای پنهان از روش بارهای عاملی متقابل استفاده شد. نتایج در فرآیند کدگذاری در فاز نخست ۸۳ مضمون حاصل شد که به ۵۷ مضمون جامع تر تقلیل یافتند و به عنوان گویه های پرسشنامه انتخاب شدند. در مرحله نخست از فاز دوم، مقدار آزمون رویت بارتلت و KMO به ترتیب ۰٫۹۷۷ و ۱۸۰۲۲، ۴۴۱ در سطح اطمینان ۹۹ درصد بودند که اولی بر مناسب بودن داده ها برای شناسایی ساختار عاملی و دومی بر کفایت حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی دلالت داشتند. نتیجه چرخش متعامد به شناسایی ۵ عامل با ۷۱ درصد واریانس تبیین پدیده مورد مطالعه منجر شد: «تناسب و پاسخ گویی»، «تحوه برگزاری آزمون و ارائه نمرات»، «استفاده کارکردی از نرم افزار آزمون»، «کاهش استرس آزمون» و «کاهش امکان استفاده از تقلب». در مرحله دوم، با توجه به اینکه بارهای عاملی گویه ها بزرگ تر از ۰٫۶۵۴، ضرایب آلفای کرونباخ ابعاد ۰٫۷۲۹، و پایایی ترکیبی آنها بیش از ۰٫۸۳۱ و همگی

بزرگ تر از مقادیر ملاک بودند، پایایی همسنگ پرسشنامه تأیید شد. بزرگ تر بودن مقادیر میانگین واریانس استخراجی از مقدار ملاک (۰.۵۲۷) مؤید روایی همگرای پرسشنامه بود. همچنین، از آنجا که همبستگی هیچ یک از شاخص ها با دیگر متغیرها، بیش از همبستگی آنها با متغیرهای شان نبود، روایی واگرایی متغیرهای پنهان سنجه نیز تأیید شد. بحث اگرچه ادعا می شود که با استفاده از آزمون الکترونیک می توان بسیاری از مشکلات رایج آزمون سنتی را حل کرد، نباید از وجه انسانی آن، از جمله بایستگی رضایت مندی دانشجویان غفلت نمود. در همین ارتباط، نتایج این پژوهش - که با تجربه کاوی فراگیران در بستر مورد مطالعه، به تدوین و اعتباریابی پرسشنامه ای ۵۱ گویه ای مبادرت ورزید- به شناسایی ۵ بعد برای این پدیده نگرشی منجر شد: «تناسب و پاسخ گویی» با ۲۱ گویه، «نحوه برگزاری آزمون و ارائه نمرات» با ۱۵ گویه، «استفاده کارکردی از نرم افزار آزمون» با ۸ گویه، «کاهش استرس آزمون» با ۴ گویه و «کاهش امکان استفاده از تقلب» با ۳ گویه. نتیجه کاربست این سنجه برای پیمایش رضایت دانشجویان قلمرو مکانی پژوهش از آزمون الکترونیک در.

تأثیر داروخانه نمادین مجازی و حضوری در درس داروشناسی بالینی بر آمادگی، رضایتمندی و یادگیری دانشجویان پرستاری

عصمت نوحی - دانشگاه ع. پ. کرمان، زهرا دیودار - دانشگاه ع. پ. کرمان.

مقدمه: اجرای دستورات دارویی یکی از حساس ترین وظایف یک پرستار است. بروز اشتباه وی دقتی در آن پیامد های نامطلوبی را برای مددجویان ایجاد می کند. با توجه به شرایط شدید کوید ۱۹ و مواجهه سریع با آموزش مجازی و ضرورت تغییرات در درس کارآموزی فارماکولوژی بالینی و اهمیت ایجاد آمادگی در دانشجویان پرستاری. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر داروخانه نمادین مجازی در درس داروشناسی بالینی بر یادگیری و آمادگی و رضایت کارآموزان پرستاری سال ۹۹ انجام شد.

روش اجرا: این پژوهش از نوع تحقیقات مداخله ای نیمه تجربی باروش پیش آزمون و پس آزمون است و در مدت زمان دونیمه ترم تحصیلی انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۹۹-۹۸ که واحد کارآموزی بالینی را داشتند بوده است. نمونه پژوهش ۸۶ نفر بود که به روش نمونه گیری سرشماری وارد مطالعه شدند و با تخصیص تصادفی در گروه های مداخله و کنترل هر گروه ۳۴ نفر تقسیم شدند. گروه کنترل طبق معمول ترمهای گذشته به صورت گروه های کوچک حضوری با حفظ فاصله اجتماعی در داروخانه نمادین آموزش در نیمه اول آموزش دیدند و گروه مداخله در نیمه دوم ترم علاوه بر آموزشی حضور در داروخانه نمادین محتوای دیدن تو های

بالینی به صورت آموزش مجازی بر خط دریافت کردند. داده ها در دو مرحله قبل و بعد از آموزش با استفاده از پرسشنامه آمادگی، رضایت سنخ جمع آوری و در پایان ترم نیز یادگیری دانشجویان آزمون شد و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۹ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سن دانشجویان تحصیلات تکمیلی ۳، ۲±۲۰ سال بود، ۵۵ درصد آنها دختر و ۳، ۶۱ درصد آنان مجرد و ۷۴٪ بومی بودند. میانگین وانحراف معیار نمره آمادگی در پایان مداخله از ۲، ۴۲±۷۶ به ۹، ۴±۷۵، ۸ ارتقا یافته بوده است و این تفاوت از نظر آماری معنی دار بود ($p > 0.05$) و اختلاف میانگین نمره پایانی گروه مداخله نسبت به گروه کنترل نیز معنی دار بود ($p = 0.001$). همچنین از نظر رضایت مندی نیز در گروه مداخله افزایش معنی دار آماری مشاهده شد. و لی از نظر نمره آزمون پایانی یادگیری دانشجویان تفاوت معنی داری آماری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج بیانگر تأثیر به کارگیری داروخانه نمادین با آموزش به صورت ترکیبی برافزایش آمادگی بالینی کارآموزان داروشناسی بالینی و وبالالتربودن میزان رضایت دانشجویان از روش تدریس ارائه شده بوده است. این مطالعه استفاده از روش آموزش ترکیبی در کارآموزی دانشجویان به منظور افزایش مهارت دانشجویان و پیشگیری از خطاهای دارویی را به عنوان یک ظرفیت در دوران پسا کرونا پیشنهاد نموده و بر نقش موثر آن در ارتقای سطح آمادگی دانشجویان تأکید دارد.

یادگیری سیار در آموزش پرستاری

نسرین نوابی - دانشگاه ع. پ. بابل.

مقدمه: یادگیری سیار یا یادگیری مبتنی بر موبایل شیوه جدید دسترسی به محتوای آموزشی از طریق موبایل است. یادگیری سیار با کمک موبایل، دسترسی به فرآیند یادگیری را تسهیل می کند. هدف از این مطالعه بررسی تأثیرات آموزش پرستاری مبتنی بر موبایل بر انگیزش یادگیری دانشجویان پرستاری بود. مطالعه حاضر یک تحقیق مداخله ای است. در مجموع ۷۲ دانشجوی پرستاری با استفاده از دستگاه همراه در این مطالعه شرکت کردند و آنها به طور تصادفی در یک گروه آزمایشی (۳۶ نفر) یا یک گروه کنترل (۳۶ نفر) قرار گرفتند. نمونه ها در گروه مداخله فیلمی را که از طریق موبایل با برنامه واتس آپ در گروه ارسال شده بود، گرفته بودند یک هفته قبل از شروع کارآموزی، فیلم مهارت های تزریق وریدی را از طریق دستگاه های تلفن همراه خود بارگیری و تماشا کردند. نمونه ها در گروه کنترل فقط در کلاس یک بار فیلم را تماشا کردند. آنها قادر به بارگیری آن نبودند. پس از اتمام مطالعه، فیلم نیز برای آنها توزیع شد. قبل و بعد از مداخله انگیزه یادگیری با استفاده از نظرسنجی انگیزشی مواد آموزشی اندازه گیری شد. رضایت از یادگیری نیز با استفاده از مقیاس ۰ تا ۱۰ اندازه گیری شد. برای تجزیه و تحلیل

داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل و زوجی استفاده شد.

بحث و نتیجه گیری : قبل از مداخله تفاوت معنی داری در خصوصیات عمومی و انگیزه یادگیری بین دو گروه وجود نداشت. گروه مداخله پس از مداخله افزایش قابل توجهی در انگیزش یادگیری نشان داد (۶۲۹، ۳ - $t=$ ۰، ۰۰۱) $(p=)$ اگرچه گروه کنترل این کار را نکرد. گروه آزمایشی دریافتند که فیلم موبایل برای بهبود دانش (۱۷، ۸ از ۱۰) و مهارت (۶۹، ۷ از ۱۰) تزیق و ریدی مفید است. همچنین رضایت از یادگیری در آموزش یالینی برای تمرین تزیق و ریدی با تعداد تماشای فیلم ارتباط مثبت داشت ($p=$ ۰، ۰۱۷ ، $r=$ ۰، ۳۹۶). بحث در ایران اجرای آموزش سیار آغاز شده، بخصوص در دوران پاندمیک کرونا و اثرات مثبت آن در ایجاد انگیزه و افزایش یادگیری در مقالات تحقیقات مجلات آموزشی توسط معلمین مشاهده شده است.

بررسی ابعاد یادگیری الکترونیکی در دوران پاندمی کرونا از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز

زهرا کریمیان - دانشگاه ع. پ. شیراز، مجید رضا فرخی - دانشگاه ع. پ. شیراز، لاله خجسته - دانشگاه ع. پ. شیراز،

مقدمه : یادگیری الکترونیکی و آموزش مجازی در دهه های اخیر توسعه زیادی یافته است اما کاربرد آن در آموزش علوم پزشکی در آغاز سال ۲۰۲۰ میلادی و همزمان با شیوع پاندمی کرونا رشد بی سابقه ای داشت و در واقع نه یک انتخاب بلکه یک گزینه غیر قابل اجتناب و تنها استراتژی جهانی برای برپا داشتن آموزش در کلاسهای درس از سطح مدارس تا دانشگاهها بود. اگرچه بحران های متعددی چون زلزله، آتش سوزی، جنگ و یا حتی بیماری های واگیر در سالهای گذشته نیز گاهی مناطق محدودی از دنیا را با تعطیلی موقت مواجه کرده بود و آموزش مجازی در این بحرانها یکی از استراتژی های مواجهه با بحران بود اما ویژگی های ماهیتی بیماری کرونا نظیر میزان خطر بیماری، شیوه و گستره شیوع بیماری از طریق مواجهه فیزیکی باعث گردید تا آموزش نوپدید مجازی این بار به عنوان جایگزینی برای آموزش های حضوری در مدتی بیش از یک سال قرار گیرد. به دنبال این تغییر، دانشجویان تجربه های جدیدی از یادگیری را آزمودند. تحقیق حاضر به بررسی اثربخشی آموزش مجازی در دوران پاندمی کرونا از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز می پردازد.

روش اجرا : رویکرد تحقیق، توصیفی پیمایشی است و جامعه آماری پژوهش را همه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی شیراز در ترم همزمان با شیوع پاندمی کرونا تشکیل می دهد. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر شش بعد و ۲۶ سوال در ابعاد امکانات و تجهیزات (۵ سوال)، پشتیبانی (۴ سوال)، آموزش همزمان (۴ سوال)، آموزش غیر همزمان (۴ سوال)، محتوای

الکترونیکی (۳ سوال)، و تعامل استاد-دانشجو (۶ سوال)، بود. پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۶ گزینه ای از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم طراحی شد و به شیوه الکترونیکی طراحی و لینک آن در گروههای دانشجویی قرار گرفت. بازه نمرات بین ۱ تا ۶ و حداقل انتظار ۳، ۵ بود. روایی صوری و نیز روایی محتوایی پرسشنامه از دیدگاه ۱۰ متخصص از رشته های مختلف و آشنا به آموزش پزشکی و یادگیری الکترونیکی با استفاده از شاخص CVI و CVR بررسی شد. مجموعاً ۵۰۷ دانشجو به سوالات به صورت کامل پاسخ دادند. داده ها با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای، تی گروه های مستقل، آنوا و مانوا تحلیل شد.

یافته : از نظر ویژگی های جمعیتی (۳۳،۳٪) ۱۶۴ نفر مرد و (۶۷،۷٪) ۳۴۳ نفر زن بودند، ۲۰۷ نفر (۴۰٪) کارشناسی پیوسته، ۷۹ نفر (۱۵،۶٪) کارشناسی ناپیوسته، ۱۹۳ نفر (۳۸،۱٪) دکتری حرفه ای، ۱۲ نفر (۲،۴٪) کارشناسی ارشد و ۱۶ نفر (۳،۲٪) پی اچ دی بودند. میانگین سنی دانشجویان حدود ۲۷ سال بود. ۳۶۸ نفر (۷۲،۶٪) به کامپیوتر و لپ تاب و موبایل و ۱۳۹ نفر (۲۷،۴٪) تنها به موبایل دسترسی داشتند. نتایج نشان داد به جز حیطه آموزش های همزمان، نمره میانگین بقیه حیطه ها در حد معناداری بیش از حداقل انتظار (۳،۵) بود ($P=$ ۰، ۰۰۱). نمره حیطه های آموزش مجازی به تفکیک جنسیت رابطه معناداری نشان ندارد اما در مقایسه گروه های سنی، در اغلب حیطه ها به جز آموزش های همزمان و امکانات و تجهیزات گروه های سنی بالاتر نمره میانگین بالاتری را نشان دادند ($P<$ ۰، ۰۵). همچنین نمره میانگین دیدگاه دانشجویانی که به لپ تاب یا کامپیوتر شخصی دسترسی داشتند در مقایسه با افرادی که تنها موبایل در اختیار داشتند بالاتر بود ($P<$ ۰، ۰۱). نتایج آزمون مانوا در بررسی تاثیر عامل دانشکده بر ارتباط دوری ابعاد شش گانه آموزش مجازی نشان داد بیشترین تاثیر مربوط به متغیر ارتباط استاد-دانشجو بوده است ($P<$ ۰، ۰۱).

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج بدست آمده کمترین میانگین مربوط به آموزش های همزمان بود. از آنجا که کلاسهای مجازی نیازمند اتصال همزمان استاد و دانشجویان در یک زمان مشخص است اشکالات زیرساختی و نیز امکانات و تجهیزات و سرعت اینترنت بر این بُعد تاثیر بیشتری دارد. چنانکه مقایسه میزان برخورداری دانشجویان از امکانات و تجهیزات کامپیوتر و لپ تاب نیز بر نمره میانگین آنها تاثیر داشته است. با این وجود به نظر می رسد مهمترین عامل تاثیر گذار بر روی دیگر عوامل ارتباط استاد دانشجو است و این ارتباط به شیوه های مختلف نظیر تمرین و فعالیت های یادگیری موثر، خودآزمون ها و نیز ارتباط همزمان با دانشجو می تواند بر اثربخشی دیگر حیطه ها نیز تاثیر گذار باشد. در مجموع با توجه به شرایط متفاوت دانشجویان از نظر امکانات و تجهیزات و دسترسی به ابزارهای الکترونیکی و نیز تجربه های گروه های سنی مختلف، توجه به یادگیری ترکیبی و بهره گیری از شیوه های مختلف همزمان و غیر همزمان و ارتقای زیرساختهای آموزش الکترونیکی در تسهیل روند آموزش مجازی اهمیت زیادی دارد. همچنین اتخاذ سیاستهای حمایتی در تامین ابزارهای الکترونیکی و نیز سازگاری

شیوه های یادگیری الکترونیکی با روشهای مبتنی بر موبایل اهمیت زیادی دارد.

سطح متوسط قرار داشت ($P > 0.05$). و نشان دهنده وضعیت مناسب دانشجویان با مداخله PBL از نظر این شاخص بوده است.

رویکرد یادگیری مبتنی بر حل مسئله در آموزش مجازی، راهبرد چالش فعالیت و مشارکت دانشجویان

عصمت نوحی - دانشگاه ع. پ. کرمان، آیدا رحمانیان -

مقدمه: تشکیل گروههای کوچک و آموزش با رویکرد یادگیری فعال از اساسی ترین عناصر آموزش مبتنی بر حل مسئله (Problem-Based Learning) است. طراحی و اجرای مراحل یادگیری مبتنی بر حل مسئله با تشکیل گروههای کوچک مجازی اساس مشارکت و فعالیت دانشجویان در آموزش مجازی بوده و زمینه ساز ارزیابی تکوینی در طول ترم است. مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر رویکرد آموزشی PBL با گروههای کوچک مجازی بر موفقیت درسی و مشارکت دانشجویان مامایی دانشگاه آزاد واحد جهرم در درس بیماری های داخلی و جراحی در زنان انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه نیمه تجربی بر روی ۵۰ دانشجوی مامایی دانشگاه آزاد اسلامی جهرم در سال ۱۳۹۸ انجام شد که در زمان مطالعه در حال گذراندن دوره بیماریهای داخلی و جراحی در زنان بصورت مجازی و بر خط بودند. این دانشجویان از طریق تخصیص تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل تقسیم شدند. ابتدا محتوای آموزشی در گروه کنترل طی سه هفته به صورت الکترونیک بر خط به روش سخنرانی برگزار گردید. راهبرد یادگیری گروه تجربی به روش PBL تعدیل شده ۵ مرحله ای **Modifide Problem Based Learning (MPBL)** آموزش به صورت الکترونیک بر خط در بازه زمانی مشابه سه هفته انجام شد. تشکیل گروه های کوچک در شبکه مجازی با مدیریت استاد انجام شد. گروه مداخله به سه گروه کوچک هفت نفره مجازی مبتنی بر اینترنت (واتساپ) تقسیم شدند. در اجرای MPBL استاد به عنوان تسهیل کننده در کنار دانشجویان قرار گرفت. ابزار گردآوری داده ها نتایج آزمون پایانی درس میزان موفقیت تحصیلی و پرسشنامه یادگیری فعال و مشارکتی (active and collaborative learning (ACL بود که شامل ۷ سوال بر اساس طیف لیکرت از ۵ درجه ای لیکرت (۱ = خیلی زیاد، ۵ = خیلی کم) با دامنه نمره از (۷ تا ۳۵) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با آزمون های من ویتنی و ویلکاکسون در نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ انجام شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین نمره رتبه موفقیت تحصیلی گروه مداخله ۱۸ به طور معناداری نسبت به گروه کنترل ۱۴ افزایش معنی دار داشت. همچنین، نمره گروه آزمون بعد مداخله از نظر یادگیری فعال و مشارکتی از حداکثر امتیاز ۳۵، میانگین ۲، 94 ± 31 ، ۸۳ نسبت به گروه کنترل ۳، 26 ± 24 ، بطور معنی دار نسبت به گروه کنترل بالاتر از

بحث و نتیجه گیری: یافته ها نشان داد که آموزش به روش PBL با بهره گیری از گروههای کوچک مجازی علاوه بر موفقیت تحصیلی، بر یادگیری مشارکتی دانشجویان موثر بوده است. لذا از این تکنولوژی می توان در مقاصد آموزشی از جمله مشارکت و تعامل در گروه های کوچک در روش آموزش مبتنی بر حل مسئله استفاده نمود. همچنین اساتید می توانند از مزایای این راهبرد در تقویت جستجوگری، یادگیری مستقل و فعالیت گروهی، در آموزش مجازی بهره مند شوند و چالش فعالیت و مشارکت دانشجویان و ارزیابی در آموزش مجازی را به حداقل برسانند.

طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش مجازی آریتمی های قلبی با استفاده از مدل بازخورد پندلتون

سهناز کریمی - دانشگاه ع. پ. فسا، مصطفی بیژنی - پریسا ثابت سروستانی - دانشگاه ع. پ. فسا،

مقدمه: همه گیری کرونا و پروس موجب رونسانس آموزشی و گسترش آموزش مجازی در آموزش های پرستاری شده است. با توجه به این که بیشتر دروس این رشته به صورت آنلاین و فقط برخی به صورت آنلاین تدریس می شود و هم چنین با توجه به این که در آموزش مجازی آنلاین لازم است شرایط مناسبی برای بررسی یادگیری و بازخورد دانشجویان فراهم شود، این مطالعه با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش مجازی مبحث آریتمی های قلبی با استفاده از مدل بازخورد پندلتون انجام گردیده است.

روش اجرا: در این مطالعه نیمه تجربی پیش آزمون - پس آزمون دو گروهی که در سه مرحله طراحی، اجرا و ارزشیابی انجام شد، ۵۴ نفر از دانشجویان پرستاری ورودی ۹۶ دانشگاه علوم پزشکی فسا، که طبق برنامه آموزشی واحد درسی اصول مراقبت های ویژه را در نیمسال اول ۹۹ انتخاب کرده بودند به روش نمونه گیری تصادفی ساده به دو گروه ۲۷ نفره تقسیم و وارد مطالعه شدند. به منظور ارزیابی اثربخشی آموزش مجازی از سطح اول و دوم مدل پاتریک که شامل بررسی میزان رضایت مندی و میزان دستیابی به اهداف آموزشی بود استفاده گردید. جهت سنجش میزان رضایت فرم رضایت سنجی تدریس استفاده شد. همچنین برای سنجش میزان یادگیری دانشجویان در شناخت آریتمی های قلبی از سوالات بالینی در قالب سناریو استفاده گردید. ابتدا بر اساس مرور متون موجود در زمینه مدل بازخورد پندلتون سوالات مراحل مختلف مشخص و در قالب فایل ورد تهیه شد. آموزش مجازی آریتمی های قلبی طی شش جلسه به شیوه بازخورد پندلتون در سامانه نوید انجام شد و در گروه کنترل آموزش مجازی آریتمی های قلبی بدون استفاده از مدل بازخورد پندلتون انجام گرفت. داده ها با استفاده از روش های آماری

توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی تی مستقل و تی زوجی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها : تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان دختر و ۲۴ نفر پسر بودند. میانگین سنی مشارکت کنندگان ۱، ۲۱±۶۹، ۸۶ بود. میانگین نمره رضایت در گروه مداخله ۱، ۴۸±۱۶، ۸۴ بود که در سطح خوبی قرار داشت. در صورتیکه میانگین رضایت در گروه کنترل ۱، ۷۴±۲۸، ۴۶ بود که در سطح متوسط بوده است. میانگین نمره یادگیری دانشجویان در تشخیص آریتمی های قلبی در گروه کنترل قبل از مداخله ۱، ۳۸±۱۴، ۱۵ و بعد از مداخله ۱، ۹۴±۱۴، ۳۸ بود که این اختلاف میانگین معنادار نبوده است. در گروه مداخله میانگین نمره یادگیری دانشجویان در تشخیص آریتمی های قلبی قبل از مداخله ۱، ۵۶±۱۴، ۴۶ و بعد از مداخله ۱، ۷۴±۱۸، ۴۸ بود که معنادار بوده است ($P \geq 0.01$).

بحث و نتیجه گیری : آموزش مجازی آریتمی های قلبی با استفاده از مدل بازخورد پندلنون، موجب افزایش میزان یادگیری و رضایت دانشجویان می گردد. لذا پیشنهاد می شود در تدریس مجازی سایر دروس دانشجویان پرستاری و سایر رشته های علوم پزشکی از این مدل استفاده گردد.

بررسی تاثیر یادگیری الکترونیکی بر آموزش تجویز منطقی آنتی بیوتیک در دانشجویان پزشکی: یک تجربه آموزش مجازی در بحران همه گیری کووید-۱۹

نرجس صیادی رهقی - دانشگاه ع. پ. کاشان، حمیدرضا بنفشه - دانشگاه ع. پ. کاشان، رضا عباسی - دانشگاه ع. پ. کاشان، احسان نبوتی - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه : آنتی بیوتیک ها از جمله داروهای پرتجویز می باشند. ارائه مداخلات آموزشی برای تجویز آنتی بیوتیک برای دانشجویان پزشکی می تواند باعث تجویز منطقی این دسته از داروها و کاهش پیامدهای ناخواسته آنها شود. باتوجه به همه گیری کووید-۱۹ و عدم امکان آموزش حضوری دانشجویان از اسفند ۱۳۹۹، در همه دانشگاه ها از یادگیری الکترونیکی به عنوان روش جایگزین آموزش حضوری استفاده می شود. هدف از انجام این مطالعه، تعیین تاثیر یادگیری الکترونیکی بر دانش تجویز منطقی آنتی بیوتیک در دانشجویان پزشکی و ارزیابی میزان رضایت آنها نسبت به استفاده از این شیوه بود.

روش اجرا : این مطالعه نیمه تجربی برای دانشجویان مقطع فیزیوتراپولوژی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در دو نیمسال تحصیلی اول و دوم ۱۳۹۸-۱۳۹۹ انجام شد. دانشجویان در دو گروه آموزش به شیوه الکترونیکی (گروه مداخله) و آموزش حضوری (گروه کنترل) و قرار گرفتند. پس از انجام امتحان پایان دوره، میانگین نمرات دانشجویان دو گروه با یکدیگر مقایسه شد. همچنین با استفاده از یک پرسشنامه

استاندارد، میزان رضایت دانشجویان گروه مداخله از شیوه یادگیری الکترونیکی ارزیابی شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ویرایش ۲۲ و محاسبه آمار توصیفی و همچنین آزمون های آماری T-Test و ANOVA انجام شد. نتایج: در این مطالعه ۸۵ نفر در گروه کنترل و ۴۷ نفر در گروه مداخله شرکت کردند. میانگین و انحراف معیار نمره دانش افراد نسبت به آنتی بیوتیک ها در گروه یادگیری الکترونیکی (۱، ۲۶±۱۸، ۰۸) و در گروه حضوری (۱، ۹۳±۱۷، ۱۶) از ۱۹ نمره به دست آمد که از نظر آماری دارای اختلاف معنی دار بود ($P=0.004$). همچنین نمره کلی رضایت دانشجویان در گروه یادگیری الکترونیکی از این شیوه ۲۳، ۴۸±۰۸، ۸۵ از ۱۳۰ نمره (سطح متوسط) بود. همچنین میزان رضایت دانشجویان با جنسیت آنها ارتباط معنی داری داشت ($P=0.009$)

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد یادگیری الکترونیکی در بهبود فرایند آموزش دانشجویان برای تجویز منطقی آنتی بیوتیک موثر بود. این روش آموزشی می تواند به عنوان یک شیوه آموزشی جایگزین و یا مکمل، آموزش حضوری به خصوص در شرایط بحرانی مانند همه گیری کووید-۱۹ مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: آنتی بیوتیک، تجویز منطقی، یادگیری الکترونیکی، رضایتمندی، کووید-۱۹

طراحی و روانسجی پرسشنامه ارزشیابی کیفیت ارائه خدمات به دانشجویان در مراکز آموزش مجازی

آیین محمدی - دانشگاه ع. پ. تهران، ریتا مجتهدزاده - دانشگاه ع. پ. تهران، محسن محمدزاده - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه : دیدگاه دانشجویان در بهبود کیفیت خدمات دانشگاه ها نقش مهمی دارد و تعیین میزان اختلاف بین وضع موجود و مورد انتظار از منظر دانشجویان زمینه تدوین برنامه های ارتقای کیفیت خدمات آموزشی را فراهم می آورد. یکی از روش هایی که در ارزشیابی کیفیت آموزش عالی مورد استفاده قرار گرفته است الگوی سروکوال است. در این پژوهش سعی کردیم تا با استفاده از این الگو ابزار ارزشیابی کیفیت خدمات آموزشی در مراکز آموزش مجازی را طراحی و روانسجی کنیم. **روش اجرا:** این پژوهش از نوع روانسجی بود. ابتدا با جستجوی نظام مند در بانک های اطلاعاتی، مجموعه ابزارهای موجود برای ارزشیابی کیفیت خدمات در محیط های آموزشی جمع آوری شده و سوالات همه آنها روی هم ریخته شد. سپس سوالات مشابه در هم ادغام گردید و همه سوالات با استفاده از نظر متخصصان برای فضای مجازی بازنویسی شد. بررسی روایی صورتی این پرسشنامه توسط خبرگان شامل ۵ نفر از اعضای هیات علمی متخصص آموزش پزشکی، یادگیری الکترونیکی و یا مدرسانی که دارای حداقل سابقه ۲ سال تدریس مجازی داشته باشند و ۷ نفر از دانشجویان رشته های مجازی سال ۳ و ۴ انجام شد و نظرات

آنها برای اصلاح جمع‌آوری شد. برای بررسی روایی محتوایی از Content Validity Ratio (CVR) و Content Validity Index (CVI) استفاده شد. با توجه به نتایج روایی محتوایی، پرسشنامه نهایی، اختصاصی برای مراکز آموزش مجازی با ۲۰ گویه طراحی شد. به منظور تعیین میزان روایی سازه و پایایی ابزار از یک نمونه ۱۱۰ نفری از دانشجویان دانشکده مجازی دانشگاه علوم پزشکی تهران که به صورت سرشماری وارد مطالعه شدند، استفاده شد. در این دانشکده کلیه رشته‌ها در مقاطع تحصیلات تکمیلی به صورت مجازی و ترکیبی ارائه می‌شود. برای بررسی روایی ساختاری، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. برای بررسی پایایی ابزار نیز از آزمون-بازآزمون و برای بررسی همسانی درونی آن از محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد. کلیه آنالیزها در SPSS ۲۲ انجام شد.

یافته‌ها: شاخص Kaiser Mayer Olkin (KMO) برای این پرسشنامه مقدار ۰,۷۷۳ به دست آمد که نشان دهنده کفایت حجم نمونه است. نتایج آزمون Bartlett's Test of Sphericity ($\chi^2=695.89, P\text{-value}=0.000$) نیز مناسب بودن نمونه‌ها برای تحلیل عاملی را نشان داد. از شیوه چرخش واریماکس استفاده شد. پرسشنامه نهایی با ۵ عامل (پاسخگویی، اطمینان، تضمین، همدلی، فیزیکی) با ۲۰ گویه با همسانی درونی ۰,۸۲۴ و پایایی ۰,۹۲۱ برای ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی در مراکز آموزش مجازی طراحی شد. این ابزار ۶۷,۱۷ درصد از واریانس را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری: در این پژوهش، پرسشنامه ارزیابی کیفیت خدمات برای مراکز آموزش مجازی طراحی شد. این پرسشنامه از نظرات دانشجویان برای ارزیابی کیفیت خدمات استفاده می‌کند. نتایج به دست آمده در ارزیابی کیفیت خدمات در مراکز آموزش مجازی، راهنمایی است برای مدیریت، اعضای هیات علمی و کارکنان آنها تا از نقاط ضعف و قوت خدمات مطلع شده و با برطرف کردن نقاط ضعف و بهبود نقاط قوت، کیفیت خدمات آموزشی را بهبود بخشند.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، مراکز آموزش مجازی، کیفیت خدمات

بررسی تاثیر استفاده از آموزش مجازی به صورت چندرسانه‌ای بر روی دانش و رضایت کارورزان پزشکی در زمینه بیماری‌های قلب و عروق

مریم مهریویا - دانشگاه ع. پ. تهران، ریتا مجتهدزاده - دانشگاه ع. پ. تهران، آیین محمدی - دانشگاه ع. پ. تهران.

مقدمه: هدف بررسی حاضر ارزیابی تاثیر استفاده از آموزش مجازی به صورت چندرسانه‌ای بر روی دانش و رضایت کارورزان پزشکی در زمینه بیماری‌های قلب و عروق است.

روش اجرا: نوع مطالعه به صورت (non equivalent control group) بود. در اولین مرحله محتوای چند رسانه‌ای با استفاده از مدل طراحی آموزشی ADDIE طراحی شد. بسته نهایی شامل یک CD حاوی ۱۰ سر فصل مهم از مباحث مهم کاردیولوژی بود که دانشجویان باید در دوره کارورزی قلب بیاموزند. برای هر سرفصل یک محتوای الکترونیکی صدای همزمان شده با اسلاید وجود داشت. که با نرم افزارهای کامتازیا و استوری لاین تهیه شده است. در این طرح، دانشجویانی که به مدت ۲ هفته برای گذراندن دوره کارورزی قلب وارد بخش قلب بیمارستان امام خمینی می‌شدند، به صورت غیر تصادفی به دو گروه A و B، تقسیم شدند. به گروه اول (A) آموزش‌های معمول قلب و الکتروکاردیوگرافی به صورت روتین بخش ارائه شد. از همه این دانشجویان در بدو ورود پیش آزمون و در پایان پس آزمون گرفته شد. آموزش روتین بخش عبارتست از: شرکت حضوری در گزارش صبحگاهی روزانه، ویزیت بیماران به همراه دستیار و استاد مربوطه، حضور در درمانگاه و ویزیت بیماران به همراه دستیار و استاد حاضر در درمانگاه. در طول این دوره، تظاهرات اصلی بیماری‌های قلبی (Cardinal manifestations) به صورت حضوری در کلاس درس توسط یکی از اساتید قلب به این گروه تدریس شد. به گروه دوم (B) علاوه بر آموزش‌های روتین، آموزش با استفاده از CD چند رسانه‌ای ارائه شد. از این گروه نیز در شروع و پایان دوره، پیش آزمون و پس آزمون گرفته شد. همچنین یک پرسشنامه رضایت محقق ساخته روا و پایا در انتها به هر دو گروه داده شد. روایی این پرسشنامه از طریق مرور متخصصان و همسانی درونی آن با آلفای کرونباخ بررسی شد.

یافته‌ها: میانگین نمره آزمون قبل از اجرای مطالعه (پیش آزمون) در گروه اول (۱۲,۱ ± ۳,۸) و در گروه دوم (۱۲,۳ ± ۳,۵) بود که تفاوت معنی دار نداشت ($P\text{value}=0.88$). بررسی مقایسه میانگین نمره آزمون در گروه اول قبل و پس از آموزش (پیش آزمون و پس آزمون)، اختلاف معنی داری را نشان داد. (۱۲,۱ در مقابل ۱۴,۱ با $P=0.000$). (Pvalue=مقایسه میانگین نمره آزمون در گروه دوم نیز قبل و پس از آموزش (پیش آزمون و پس آزمون)، اختلاف معنی داری را نشان داد (۱۲,۳ در مقابل ۱۶,۰۵ با $P\text{value}=0.000$). میانگین نمره آزمون پس از اجرای مطالعه (پس آزمون) در گروه اول (۱۴,۱ ± ۴,۱) و در گروه دوم (۱۶,۰۵ ± ۱,۷) بود که تفاوت معنی دار دارد ($P\text{value}=0.049$). همچنین در صورتی که نوع آموزش (آموزش روتین به همراه مولتی مدیا و آموزش حضوری روتین) را به عنوان متغیر مستقل، نتایج پس آزمون را به عنوان متغیر وابسته و نتایج پیش آزمون را به عنوان کواریانس وارد مدل آنالیز کواریانس (ANCOVA) کنیم تفاوت معنی داری بین دو گروه مداخله و کنترل مشاهده می‌شود ($P\text{value}=0.003$ و $P\text{value}=0.099$). ($F=$ همچنین میزان رضایت از روش روتین به همراه محتواهای چند رسانه‌ای از روش روتین به تنهایی بیشتر بود ($P\text{value}=0.041$)).

بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه این مطالعه موید آن است که آموزش به شیوه جدید (استفاده از محتوای چند رسانه‌ای) برای کارورزان از نظر

میزان یادگیری موثرتر از روش روتین به تنهایی است و همچنین رضایت بالاتری را برای دانشجویان در پی دارد .

کلمات کلیدی: چندرسانه ای، یادگیری الکترونیکی، دانش، رضایت، دانشجوی کارورزی پزشکی، بیماری های قلب و عروق

آیا درگیری تحصیلی دانشجویان با پیشرفت تحصیلی و رضایت آنها از آموزش الکترونیک ارتباط دارد؟

آمنه رهنما - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، پروین رضایی گزکی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، علی سلیمی اصل - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، مهشید عباس زاده - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، سیده مائده حسینی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس،

مقدمه: پیشرفت تحصیلی به عنوان اساسی ترین مفهوم مرتبط با یادگیری از اهمیت ویژه ای در مطالعات آموزش پزشکی برخوردار است. بیش از سه دهه از زمانی که محققان علاقه مند به امریادگیری، در تلاش گسترده خود برای شناسایی عوامل مرتبط با عملکرد و پیشرفت تحصیلی، مفهوم درگیری تحصیلی (engagement) (academic) را معرفی کردند می گذرد. درگیری تحصیلی یک اصطلاح پیچیده است که بر رویکردهای مختلف دانشجویان در انگیزش، شناخت، و رفتار تأکید دارد و بیانگر میزان درگیری فیزیکی و روانشناختی یادگیرنده در تحصیل است. محققان به گسترش مفهوم درگیری تحصیلی علاقه مندند زیرا بر این باورند که این سازه، پیش بینی کننده مهم موفقیت تحصیلی فراگیران است اما آیا واقعاً درگیری تحصیلی با پیشرفت تحصیلی ارتباط دارد؟ این ارتباط در دوران یادگیری الکترونیک از چه الگویی تبعیت می کند؟ نتایج مطالعات انجام شده، متفاوت است. رضایت تحصیلی نیز یکی از اساسی ترین مفاهیم مرتبط با روانشناسی مثبت است که در بستر تحقیقات آموزشی، جایگاه ویژه ای دارد. آیا درگیری تحصیلی دانشجویان با رضایت تحصیلی آنها از یادگیری الکترونیک ارتباطی دارد؟ پژوهش حاضر با هدف پرداختن به این دو سوال، در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس و در دوران یادگیری الکترونیک انجام گرفت .

روش اجرا: مطالعه ی حاضر، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی است که بر روی ۳۰۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس به انجام رسید. نمونه مورد مطالعه به صورت در دسترس و گلوله برفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه مشغولیت تحصیلی (SEI)، سالملاآرو و آپادایا، (۲۰۱۲) بود. این پرسشنامه شامل ۷ سوال و سه بعد: انرژی، احساس تعهد و شیفتگی را در تحصیل است (لیکرت هفت درجه ای، از هرگز (۰) تا همیشه (۶)). این ابزار در ایران هنجاریابی شده و ضریب همسانی درونی کلی و زیرمقیاسهای آن بالای ۰.۸ گزارش شده است، برای سنجش پیشرفت تحصیلی از نمره معدل کل و برای سنجش رضایت تحصیلی از آموزش الکترونیک از

پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. داده ها به صورت الکترونیک جمع آوری شد. برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی گام به گام داده ها استفاده شد. همبستگی در گروه های جنسی و مقاطع مختلف تحصیلی نیز سنجیده شد. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۲ صورت گرفت و سطح معنی داری برابر ۰.۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج میانگین نمره کل درگیری تحصیلی دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه (۱۸,۲۰۹,۵۶) بود (حداقل نمره کسب شده: ۰ و حداکثر: ۵۰) و میانگین نمره رضایت آنها از آموزش الکترونیک ۱,۸۵ معدل تحصیلی آنها ۱۶,۸۸ بود. بر اساس نتایج این مطالعه، اگر چه همبستگی خطی معناداری بین درگیری تحصیلی و پیشرفت تحصیلی وجود دارد اما این همبستگی از نظر مقدار بسیار ناچیز است ($r=0,168$) و ($r=0,35 > 0,05$ $xss=removed$ $P < 0$) دکترای حرفه ای $r=0,198$ ؛ کارشناسی ارشد $r=0,441$ ؛ و دانشجویان کارشناسی ($r=0,15$) در مورد رابطه ی درگیری تحصیلی با رضایت از تحصیل، نتایج مطالعه حاضر رابطه مثبت و معنادار میان این دو متغیر نشان داد ($r=0,607$) در این مقایسه، میزان همبستگی در دختران ۰.۶۱۰ و در پسران برابر با ۰.۶۲۷ و تمامی این ضرایب معنی دار بود. ($P < 0,05$) همچنین به تفیک مقطع تحصیلی، بیشترین ضریب همبستگی مربوط به دانشجویان کارشناسی ارشد (۰,۹۱) و سپس دانشجویان مقطع دکترای حرفه ای (۰,۶۴۵) و دانشجویان کارشناسی (۰,۵۹۱) بود. تمام رابطه ها در سطح ۰,۰۱ معنادار بودند. بر اساس نتایج مدل رگرسیون خطی (گام به گام)، ابعاد درگیری تحصیلی مجموعاً حدود ۴۰٪ از تغییرات میزان رضایت از آموزش الکترونیک را تبیین می کند. براساس ضریب تعیین (R^2)، دل بستگی به تنهایی حدود ۲۷٪ از این تغییرات را پیش بینی می کند.

بحث و نتیجه گیری: این مطالعه رابطه معناداری را بین رضایت تحصیلی و درگیری تحصیلی نشان داد. همچنین بیشترین بعدی که تغییرات رضایت تحصیلی را پیش بینی می کرد، بعد دل بستگی بود که این نتایج با توجه به تشابه جنس دو متغیر، که به نوعی از سازه های روانشناسی مثبت در یادگیری به حساب می آیند، قابل تبیین است. همچنین این مطالعه، رابطه قابل توجهی را بین پیشرفت تحصیلی و درگیری تحصیلی نشان نداد. دلیل این امر می تواند ناشی از سوگیری در گزارش معدل ترم گذشته باشد که به دلیل بار ارزشی مثبت معدل در بین دانشجویان، دور از انتظار نیست اگرچه لزوم توجه به گمنامی پاسخگو از نظر اصول اخلاقی از یک سو و لزوم غلبه بر محدودیت مشارکت کم دانشجویان در پاسخگویی به پژوهش های پرسشنامه ای از سوی دیگر، ایجاب می کرد که معدل به صورت خودگزارشی پرسیده شود .

بررسی رابطه درگیری تحصیلی با خودکارآمدی در دانشجویان علوم پزشکی بندرعباس: تجربه ای در دوران آموزش الکترونیک

داریوش هوشیار - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، پروین رضایی گزکی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس.

مقدمه: خودکارآمدی و عوامل موثر بر آن مدتهاست که مورد توجه واقع شده است. خودکارآمدی تحصیلی یکی از اصلی ترین مفاهیم حوزه یادگیری، است که توسط فعالیت های بندورا (۱۹۷۷) وارد حوزه یادگیری شد. خودکارآمدی تحصیلی به قابلیت درک فرد از توانایی های خود در انجام وظایف لازم برای رسیدن به اهداف تحصیلی تعریف شده است. باورهای خودکارآمدی از منابع مختلفی تأثیر می پذیرد که از جمله آنها می توان به تجارب فراگیر اشاره کرد. بنابراین به نظر می رسد که همه آنچه که با تجارب، فعالیت و درگیری دانشجویان در یادگیری، مرتبط است می تواند با خودکارآمدی ارتباط داشته باشد درگیری تحصیلی نیز به عنوان مفهومی که به صورت تعلق خاطر دانشجویان به محیط یادگیری، شرکت و توجه در کلاس، تلاش و سرمایه گذاری در جهت یادگیری و تعامل بین یاددهی و یادگیری تعریف شده است، بیش از سه دهه است که وارد حوزه پژوهش های آموزش شده است. پژوهش ها نشان داده اند دانش آموزانی که در سطوح بالایی از درگیری تحصیلی هستند بیشتر به دنبال یادگیری اند و از یادگیری بیشتر بهره می برند درگیری تحصیلی و خودکارآمدی هر دو از جمله عوامل مرتبط با یادگیری به شمار می روند حال سوال این است که آیا درگیری تحصیلی دانشجویان در محیط الکترونیک با خودکارآمدی آنها ارتباط دارد؟ هدف از مطالعه حاضر تعیین رابطه خودکارآمدی تحصیلی با درگیری تحصیلی در میان دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس بود.

روش اجرا: مطالعه ای حاضر، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی است که بر روی ۳۰۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس به انجام رسید. نمونه مورد مطالعه به صورت در دسترس و گلوله برفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه مشغولیت تحصیلی (SEI)، سالملا - آرو و آپادایا، (۲۰۱۲) بود. این پرسشنامه شامل ۷ سوال و سه بعد: انرژی، احساس تعهد و شیفتگی را در تحصیل است (لیکرت هفت درجه ای، از هرگز (۰) تا همیشه (۶)) این ابزار در ایران هنجاریابی شده است و مقدار ضریب همسانی درونی عامل کلی و زیرمقیاس های آن بالای ۰.۸ گزارش شده است. برای سنجش خودکارآمدی تحصیلی از مقیاس خودکارآمدی تحصیلی مجموعه مقیاس های الگوهای یادگیری سازگار (PALS)، (میدگلی و همکاران، ۲۰۰۰) استفاده شد. این مجموعه مقیاس دارای ۲۶ مقیاس است که در پژوهش حاضر از مقیاس خودکارآمدی تحصیلی آن استفاده شد. این مقیاس دارای ۵ گویه است (لیکرت پنج درجه ای، از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۵)) (میدگلی و همکاران (۲۰۰۰) پایایی این خرده

مقیاس، ۰.۷۸، گزارش شده است. داده ها به صورت پرسشنامه الکترونیک در زمان آموزش مجازی جمع آوری شد. برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی گام به گام داده ها استفاده شد. همبستگی در گروه های مختلف جنسی و بر اساس مقطع تحصیلی نیز سنجیده شد. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۲ صورت گرفت و سطح معنی داری برابر ۰.۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: نتایج این مطالعه، رابطه ی مثبت و معناداری بین خودکارآمدی و درگیری تحصیلی را نشان داد ($P < 0.05$, $r = 0.639$) میزان این همبستگی در زنان شرکت کننده ۰.۶۳۵ و در مردان برابر با ۰.۶۵۵ شد. همچنین میزان این همبستگی در مقاطع تحصیلی مختلف نیز متفاوت بود و برای دکتری حرفه ای، ۰.۶۹۳ و کارشناسی ارشد، ۰.۷۲۳ و در مورد کارشناسی، ۰.۶۳ محاسبه شد. تمام رابطه های همبستگی انجام شده در سطح ۰.۰۱ معنادار می باشند. تحلیل مدل رگرسیون خطی به روش گام به گام نشان داد که ابعاد درگیری تحصیلی (انرژی، تعهد و دلبستگی) مجموعاً حدود ۴۳٪ از تغییرات خودکارآمدی را پیش بینی می کنند. همچنین ضریب تعیین (R^2) نشان داد که بعد انرژی به تنهایی حدود ۳۶٪ از این تغییرات را پیش بینی می کند.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه، بین خودکارآمدی و درگیری تحصیلی رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد. در تبیین این نتیجه می توان گفت که اگرچه باور خودکارآمدی ماهیتاً سازه ای ذهنی است اما بخشی از آن ناشی از تجارب قبلی فراگیر است و به همین دلیل می تواند با درگیری تحصیلی دانشجویان ارتباط داشته باشد. درگیری تحصیلی به عنوان اساسی برای تلاش های اصلاح گرایانه در نظام آموزش، عامل بسیار مهمی در رسیدن به تجربه یادگیری است که می تواند با موفقیت تحصیلی دانشجویان به شکل غیر مستقیم ارتباط داشته باشد.

سایر حیطه ها

ارتباط حرفه‌ای از دیدگاه دستیاران و پرستاران

بیمارستان شهید بهشتی کاشان

سعیده دریازاده - دانشگاه ع. پ. اصفهان، مریم یآوری - دانشگاه ع. پ. کاشان، عباس تقوی اردکانی، محمدرضا شریف - داوود خیرخواه، محمدجواد آزادچهر .

مقدمه: ارتباط دستیار و پرستار شامل تعامل متقابل بین آنها به منظور دستیابی به یک هدف مشترک درمانی یعنی ارتقای وضعیت بیمار است. ایجاد ارتباط صحیح به عنوان مهمترین ویژگی لازم برای افراد شاغل در مراقبت های بهداشتی اولیه توصیف شده است. این مطالعه با هدف تعیین دیدگاه دستیاران و پرستاران نسبت به ارتباط حرفه‌ای، انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی و در سال ۱۳۹۸، انجام شد. نمونه گیری از مشارکت کنندگان در دسترس و شامل ۲۰۰ نفر از پرستاران و دستیاران یک بیمارستان آموزشی درمانی انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل دو پرسشنامه ارتباط حرفه ای از دیدگاه پرستار و پزشک بود. تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی (توزیع فراوانی و میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون های تی و ANOVA) و نرم افزار SPSS ۱۶ انجام شد.

یافته ها: از دیدگاه پرستاران، میزان ارتباط حرفه‌ای در مورد اطلاع رسانی به موقع به دستیاران در مورد مسائل مرتبط با مراقبت بیمار، با میانگین ۶۲، ۴ و از دیدگاه دستیاران، تاثیر میزان ارتباط حرفه‌ای خوب با پرستاران بر ارتقای وضعیت بیماران، با میانگین ۷۲، ۴ بیشتر از گویه‌های دیگر بوده است. ۷۰ درصد پرستاران و ۸۳ درصد دستیاران اذعان داشته‌اند که ارتباط حرفه‌ای آنها در سطح خوب است. میان دیدگاه پرستاران با وضعیت استخدامی مختلف (۰، ۴۶) و دیدگاه دستیاران گروه‌های آموزشی مختلف در زمینه ارتباط حرفه‌ای تفاوت معناداری وجود دارد. (۰، ۰۱) (p=).

بحث و نتیجه گیری: در مجموع ارتباط حرفه‌ای از دیدگاه دستیاران و پرستاران، در سطح خوب و مناسب قرار دارد. ولی به منظور افزایش اثربخشی ارائه خدمات مراقبت سلامت و ارتقای کارآیی سیستم درمانی و همچنین آشنایی همه افراد با تاثیر یادگیری مهارت برقراری ارتباط حرفه‌ای، لازم است تمهیداتی مانند آموزش های بین حرفه‌ای و مهارتهای ارتباطی برای تیم درمان، در نظر گرفته شود.

تعیین عوامل موثر بر صداقت علمی دانشجویان در آموزش های مجازی و شناسایی اولویت این عوامل در

دانشگاه علوم پزشکی تهران

پرتوفتحي - دانشگاه ع. پ. تهران، میترا ذوالفقاری - دانشگاه ع. پ. تهران، عیسی رضایی - دانشگاه ع. پ. مجازی.

مقدمه: آموزش یکی از ارکان اساسی برای بقای هر جامعه است که از دیرباز همگام و همراه با انسان وجود داشته و در نتیجه پیشرفت بشر دستخوش تغییراتی شده است؛ ظهور و انتشار ویروس کرونا استفاده از آموزش الکترونیکی را در تمام دنیا سرعت بخشید تا تعلیم و آموزش متوقف نشود بنابراین تمامی مراکز آموزشی به دنبال راهی برای استفاده بهتر و موثر تر از این آموزش و به حداقل رساندن چالش های آن هستند. عدم پایبندی به مسائل اخلاقی و رعایت نکردن صداقت علمی یکی از نگرانی های اصلی در خصوص استفاده از آموزش مجازی می باشد که تقریباً تمامی مراکز آموزشی و دانشگاهی به صورت کم و زیاد با آن مواجه هستند در این پژوهش تلاش کردیم که به شناسایی عوامل موثر در این امر بپردازیم و اولویت آنها را در دانشگاه علوم پزشکی تهران مشخص کنیم. تاکنون مطالعه ای که به بررسی این عوامل در زمینه آموزش مجازی در کشور بپردازد وجود نداشت.

روش اجرا: این مطالعه کمی که با روش توصیفی-پیمایشی در سال ۹۹ انجام شد و به منظور شناسایی عوامل موثر بر صداقت علمی در آموزش های مجازی به بررسی متون در این زمینه پرداخته شد سپس این عوامل در اختیار ۲۰ نفر از صاحب نظران کشوری در رشته های آموزش پزشکی، یادگیری الکترونیکی و گروه اخلاق پزشکی در فضای مجازی قرار گرفت پس از انجام نظر سنجی گویه های پرسشنامه نهایی استخراج شدند و سپس به منظور تعیین روایی در قالب پرسشنامه الکترونیکی در اختیار ۱۰ تن از صاحب نظران حوزه یادگیری الکترونیکی قرار داده شد به این منظور جهت بررسی روایی محتوایی از ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) استفاده شد و بر اساس نظرات داده شده مورد اصلاح قرار گرفت و روایی آن تایید شد همچنین برای بررسی ثبات درونی از آلفای کرونباخ استفاده شد. (۰، ۸۷) (α=)، سپس پرسشنامه نهایی در اختیار دانشجویان و اساتید دانشگاه علوم پزشکی تهران قرار داده شد و مطالعه بر روی ۲۴۰ نفر از آنها (۱۵۵ دانشجو و ۸۵ استاد) انجام گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل عاملی اکتشافی و برای اولویت بندی عامل ها از آزمون فریدمن استفاده شد.

یافته ها: نتایج تحلیل عاملی اکتشافی پنج عامل از عوامل موثر بر صداقت علمی دانشجویان در آموزش های مجازی را نشان داد که مجموعاً ۵۳، ۶۶ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می کند. این عوامل عبارتند از: عامل فرهنگی (۳۰، ۲۶)، فراشناختی (۸۸، ۸)، شخصی (۱۲، ۷)، انگیزشی (۰۷، ۶) و آموزشی (۲۷، ۵). هم چنین

نتایج آزمون فریدمن نشان داد که از منظر هیات علمی به ترتیب اولویت عوامل فراشناختی (میانگین رتبه: ۵۸، ۳)، فرهنگی-اجتماعی (میانگین رتبه: ۵۷، ۳)، آموزشی (میانگین رتبه: ۳۴، ۳)، انگیزشی (میانگین رتبه: ۱۳، ۳) و فردی (میانگین رتبه: ۳۸، ۱) مهمترین نقش را در صداقت علمی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران داشتند و از منظر دانشجویان به ترتیب اولویت عوامل آموزشی (میانگین رتبه: ۸۷، ۳)، انگیزشی (میانگین رتبه: ۴۳، ۳)، فراشناختی (میانگین رتبه: ۴۱، ۳)، فرهنگی-اجتماعی (میانگین رتبه: ۸۱، ۲) و فردی (میانگین رتبه: ۴۸، ۱) مهمترین نقش را در صداقت علمی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران داشتند علاوه بر این، ضرایب آلفای کرونباخ نشان دهنده اعتماد و پایایی نتایج فوق است ($\alpha=0.87$).

بحث و نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد از نظر هیات علمی عوامل فراشناختی شامل مولفه های کنترل درونی، اعتماد به نفس و خودانگاره مثبت، علاقه یا دید مثبت به درس، نگرش دانشجو نسبت به صداقت علمی، مهارت های فراشناختی و خودتنظیمی، تاثیر همسالان و دوستان و باورها و عقاید دینی و مذهبی و از نظر دانشجویان عوامل آموزشی (تناسب بین اهداف، فعالیت ها و ارزشیابی) و طراحی آموزشی دروس مهمترین نقش را در میان عوامل موثر شناخته شده دارند بنابراین لازم است با ارائه مطالب آموزشی منطبق با نیاز دانشجو سبب ارتقا انگیزه یادگیری در دانشجو شد همچنین با شیوه تدریس مناسب و اطمینان از فراگیری مطالب اعتماد به نفس را در دانشجو تقویت و علاقه به درس را در وی ایجاد نمود که می تواند سبب بهبود نگرش دانشجو و کاهش عدم صداقت علمی شود.

کلمات کلیدی: یادگیری الکترونیکی، صداقت علمی، تقلب، سرقت علمی، آموزش مجازی

بررسی تاثیر مداخلات آموزشی "یادگیری مبتنی بر مورد" بر مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان مدیریت

خدمات بهداشتی و درمانی

فاطمه کشمیری - دانشگاه ع. پ. یزد، امیرحسین رستمی، میلاد شفیعی،

مقدمه: اخلاق و تعهد حرفه ای، در دهه ی اخیر به دلایل مختلفی مانند پیشرفت علم و دانش و چالش های مرتبط با آن از جمله ظهور فناوری های نوین و پیچیده تر شدن شرایط بالینی، مورد توجهات خاصی قرار گرفته است. این مطالعه با هدف تعیین میزان اثر مداخلات آموزشی براساس "یادگیری مبتنی بر مورد" بر مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه یک مطالعه ی مداخله ای به صورت قبل و بعد بود که در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ انجام شد. جامعه پژوهش دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد بودند که کارآموزی ۲ را گذرانده باشند و بصورت تمام شماری در مطالعه وارد شدند. مطالعه در دو فاز صورت گرفت، در فاز اول، پس از ترجمه ی ابزارها، روایی و پایایی پرسشنامه های مورد استفاده انجام شد. سپس در فاز دوم مداخله ی آموزشی اجرا شد. محتوای آموزشی شامل اصول تعهد حرفه ای، مبانی استدلال اخلاقی بود. روش های آموزشی نیز شامل سخنرانی تعاملی، یادگیری مبتنی بر مورد بودند. ارزیابی فراگیران توسط پرسشنامه های مذکور بصورت خود اظهاری، ۱ هفته و ۱ ماه پس از مداخله ی آموزشی صورت گرفت. نتایج از مجموع ۳۳ نفر شرکت کننده، ۲۱ نفر خانم و ۱۲ نفر آقا حضور داشتند. نمره P Score پرسشنامه استدلال اخلاقی پیش از مداخله، یک هفته و یک ماه بعد به ترتیب ۰.۳، ۳۸، ۵۱، ۶۵ و ۷۶، ۷۲ بود که نشان دهنده معنادار بودن تغییرات مجموع P Score پرسشنامه استدلال اخلاقی در طول زمان بود ($P-Value=0.000$) که اثر آموزشی بسیار بالایی را به همراه داشته است ($Eta^2=0.769$).

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج این پژوهش مداخله آموزشی تاثیر معنادار و مثبتی روی توسعه مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان داشته است که قرار گرفتن افراد در شرایط شبیه سازی شده معماهای اخلاقی و تصمیم گیری در آن تاثیر زیادی داشته است. در این مطالعه مداخله آموزشی از روش "بحث گروهی درباره معماهای اخلاقی"، به عنوان روش اصلی استفاده شد برای آموزش از سایر روشها کارآمدتر است. نتیجه گیری با استناد به نتایج این پژوهش توجه به جایگاه مسائل اخلاقی در کوریکولوم درسی دانشجویان مدیریت مهم است. استفاده از روش های مدرن مانند یادگیری مبتنی بر مورد و بحث گروهی در آموزش این مفاهیم توصیه می شوند.

کلمات کلیدی: اخلاق و تعهد حرفه ای، استدلال اخلاقی، یادگیری مبتنی بر مورد، مداخله آموزشی

رضایت شغلی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی

گیلان

ماهدخت طاهری - دانشگاه ع. پ. گیلان، فردین مهربان - دانشگاه ع. پ. گیلان، سیده خدیجه عظیمی گهراز - سمانه کاشی - آسیه عشوری - حسین همتی

مقدمه: در جهان امروز آن چه بیش از همه دارای اهمیت می باشد، نیروی انسانی است و نیروی انسانی با ارزش ترین سرمایه و منبع سازمانی محسوب می شود. رضایت شغلی یکی از عناصر اصلی عملکرد

بررسی سطوح یادگیری بلوم در آموزش به روش کلاس درس وارونه به همراه استفاده از راهنمای یادگیری و تکالیف تعاملی برای دانشجویان پزشکی دوره مبانی طب بالینی

محسن نصیری طوسی - مریم علیزاده، محمود خدادادگی، مهدی ارمنده، زهره اجل لوییان - ریحانه علیخانی - دانشگاه ع. پ. ارتش،

Context Little is known about changes in the level of learning based on the Bloom's taxonomy in a flipped classroom utilizing study guide and interactive assignment. Our aims were determining the student's views about effect of using study guide on advance preparation in a flipped class setting and testing the effect of flipped class on higher cognition.

Method The study was conducted at Tehran University of Medical Sciences. Using a quasi-experimental design, one batch was thought using flipped classroom and another batch by lecture in ۳ sessions. The student's views were assessed using a researcher made questionnaire and effect of flipped class on levels of higher cognition based on Bloom's taxonomy were measured using two tests in two time intervals ۱ and ۴ months after the intervention.

Results Seventy-two subjects (۷۴٪) believed that study guide helped them to devote their time to study before attending the flipped class and ۵۸ (۶۰٪) preferred study guide to text book. Sixty-nine subjects (۷۱٫۶٪) were agreed and strongly agreed that algorithms and illustrations in the study guide motivate them for deep learning, ۶۸ (۷۰٫۱٪) believed study guide made the self-paced learning process easier. Fifty-six subjects (۵۸٫۱٪) said self-assessment tests, concept maps and graphs in the study guide helped them learn in an effective way, ۵۸ (۵۹٫۵٪) mentioned if I did not use a study guide, I wouldn't study for the flipped class. Data did not support our hypothesis that flipped class could result in higher cognition one month and four months after the intervention $T=-۰٫۷۵$ $df=۱۹۷$ $P=۰٫۴۵$ in knowledge Questions, $T=-۱٫۰۸$ $df=۱۹۷$ $P=۰٫۲۸$ in comprehensive questions, $T=-۰٫۳۰$ $df=۱۹۷$ $P=۰٫۷۶$ in application and $T=-۰٫۹۱$ $df=۱۹۷$ $P=۰٫۳۶$ in analytical questions.

Conclusion We found that Study guides could be effective tools to get students to interact with pre-assigned readings and to prepare appropriate in a

شغلی و حرفه ای کارکنان بوده و موجب افزایش بهره وری و احساس رضایتمندی فرد می شود. مدیران هر سازمان جهت پویایی و رسیدن به اهداف آرمانی باید تصویری جامع تر از رضایت شغلی کارکنان ارائه دهند. هدف از این مطالعه بررسی میزان رضایت شغلی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان بود.

روش اجرا: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی - مقطعی بر روی اعضای هیات علمی علوم پایه و بالینی (۲۱۲ نفر) در دانشکده های پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، پرستاری-مامایی، پیراپزشکی و بهداشت در سال ۹۷-۹۸ در دانشگاه علوم پزشکی گیلان انجام شد. ابزار پژوهش پرسشنامه استاندارد رضایت شغلی اسمیت، کندال و هالین شامل دو بخش: اطلاعات فردی و پرسشنامه ای با ۴۴ سوال در ۶ حیطه: حقوق و مزایا، فرصت های ارتقاء و رشد فردی، نحوه سرپرستی و ارتباطات، شرایط روانی و امنیت شغلی، شرایط فیزیکی و ماهیت کار بود. داده ها با استفاده از شاخص های آماری فراوانی (درصد)، میانگین و انحراف معیار و از آزمون های کولموگروف-اسمیرونوف، کروسکال والیس، ضریب همبستگی پیرسون و مدل رگرسیون خطی و از طریق نرم افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین نمره ی کسب شده حیطه های مختلف رضایت شغلی، در ماهیت کار (۸، $۰٫۹۵ \pm ۳$)، مدیریت، نحوه ی سرپرستی و ارتباطات (۷، $۰٫۳۵ \pm ۳$)، شرایط فیزیکی و محیط کار (۸، $۰٫۱۵ \pm ۳$)، شرایط روانی و امنیت شغلی (۹، $۰٫۱۵ \pm ۳$)، فرصت ارتقاء و رشد فردی (۷، $۰٫۰۵ \pm ۳$) و حقوق و مزایا (۸، $۰٫۸۵ \pm ۲$) بود. در تمام حیطه ها رضایتمندی در حد متوسط و تنها در حیطه ی رضایت از ماهیت کار، رضایتمندی در حد مطلوب بود. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین سطح رضایتمندی و حیطه های مختلف، قوی ترین همبستگی مثبت به ترتیب مربوط است به حیطه های شرایط روانی و امنیت شغلی، جنبه مدیریتی شغل (نحوه سرپرستی و ارتباطات)، فرصت های ارتقاء و رشد فردی، شرایط فیزیکی و محیط کار، ماهیت کار و حقوق و مزایا. به طور کلی مشخصات سن، سنوات کاری، نوع استخدام و گروه آموزشی هیات علمی تبیین کننده ی واریانس نمرات رضایتمندی در حیطه های مختلف بودند.

بحث و نتیجه گیری: اعضای هیات علمی از رضایت شغلی نسبتاً خوبی برخوردار بودند و در صورتی که بتوان از نظر حقوق و مزایا نیز رضایت آن ها را بالا برد می توان بازده آموزشی را افزایش داد. با توجه به نتایج به دست آمده چنین به نظر می رسد که توجه به حقوق و مزایا می تواند شرایط موجود را بهبود بخشد.

کلمات کلیدی: رضایت شغلی، اعضای هیات علمی، علوم پزشکی

flipped class context. Our hypothesis that flipped class could result in higher cognition was not supported.

طراحی الگوی مفهومی آموزش الکترونیکی برای

دانشگاه های علوم پزشکی ایران

رقیه ساجدی - دانشگاه ع. پ. سمنان، عباس خورشیدی - بدون وابستگی دانشگاهی، فاطمه حمیدی فر - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، دکتر حمید مقدسی، دکتر امیر حسین محمودی،

Background: Over the last number of decades there has been a shift in medical education practice from traditional forms of teaching to other media which employ online, distance or electronic learning. E-learning can provide students with easier and more effective access to a wider variety and greater quantity of information.

Objectives: The present study aimed to design a conceptual pattern of e-learning for Iran's universities of Medical Sciences.

Methods: This study was applied in terms of objective and qualitative in terms of data collection. The population of the study was the e-learning experts and faculty members of Universities who sampled purposefully, after ۳۰ interviews, saturation was achieved. A semi-structured questionnaire was used to interview. The qualitative data was analyzed using three-stage codings.

Results: the electronic learning pattern of Iran's universities of Medical Sciences was categorized in the following dimensions, including: "academic dimension" including components of synergogy and instructional design, human resources, infrastructure, management, organization, financial resources, ethics & culture, support, monitoring & coordination, and legal factor; The "spatial planning regions dimension" includes the components of the educational activities, research and information technology-related activities; the "national - macro dimension" includes the government's structural and managerial supports, the government's cultural and social supports, the government's economic supports, the government's scientific and technical supports, supports from the higher medical education, and supports from the private sector; the "regional - international dimension" including scientific and educational interactions, cultural and social interactions, political, and economic interactions.

Conclusions: This study suggested that policy-makers, top managers of higher medical education, and those in charge of e-learning exploit the pattern proposed in this study for developing policies and programs for creating .developing e-learning centers, and sufficiently address the dimensions, categories, and indicators mentioned here, so that the long-term effects of operationalizing each category of the pattern can be demonstrated more optimally and quickly. In this way, costs can be reduced, repeat work can be avoided (especially in the face of environmental crises), and Iranian universities can progress in line with world universities and thereby take a big step towards the successful implementation of e-learning in Iran.

بررسی روایی و پایایی نسخه فارسی پرسشنامه عملکرد

مبتنی بر شواهد برای پرستاران

منصور سخندانی - دانشگاه ع. پ. شیراز، میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز.

Background: Evidence-based practice (EBP) education or training are considered fundamental to building and strengthening an EBP culture, as well as to encouraging evidence-based academic and clinical practice in the nursing community. However, few valid and reliable instruments are available for the assessment of EBP teaching and learning in clinical nurses in Iran. Translation, reliability, and validity testing of the English Evidence-Based Practice Questionnaire (EBPQ), which has strong psychometric properties, may encourage evaluation and promote the implementation of EBP in Iran.

Methods: Based on established guidelines for the development of questionnaires, the English EBPQ was translated and cross-culturally adapted. The Persian version of the EBPQ was validated using a sample of ۴۸۰ nurses and help nurses. Structural validity was evaluated through exploratory factor analysis and confirmatory factor analysis, and the questionnaire was tested for convergent and criterion validity. The internal consistency and test-retest reliability were also evaluated.

Results: The content validity index demonstrated good content validity (≥ 0.88). A three-factor structure was obtained in the exploratory factor analysis, and verified by a three-order factor model

e-learning, existing limitation and faculty members' attitudes toward virtual learning. In the second part, a cross-sectional descriptive study was conducted to examine the views of students about online education system. The research population included medical students who have used online systems for their courses. The data collection tool was a researcher-made questionnaire including demographic questions and 22 questions about virtual education with emphasis on e-assessment. The reliability and validity of the questionnaire were confirmed by experts and professors of the University of Medical Sciences after applying some required changes. Questionnaire forms were distributed in groups and channels in the format of Google Forms. The data were analyzed using SPSS Software version 22. Cronbach's alpha coefficient was calculated to be 0.848.

Results: Most faculty members (85%) were dissatisfied with the evaluation methods in online education and could not rely on students' scores in online examinations. From all the participants 31.5% were basic sciences students, 59% were physiopathology students and the rest were stagers. All students used NAVID system for online learning and SEJAB system for online examination. The most commonly used formats for instructional content were PowerPoints, audio PowerPoints, PDFs, videos, and online classes, respectively. Commonly used assessment methods were multiple choice questions, long essay and short essay questions. Only 21.9% of the students received instant feedback from their professors after the examination. Only 23.3% of the students believed that the grades were reported within a reasonable period of time after the exam. Only 21.9% of students had easy access to the system. The use of different evaluation methods in the system, the appropriateness of assessment questions with existing programs, the relevance of the assessment process to the content provided and the interactivity of the system for exchanging opinions and personal experiences were reported low and very low. Only 2.8% of students are highly satisfied with the way of training in the virtual system and 39.7% of students reported moderate and 35.6% of students reported low satisfaction. Regarding the satisfaction level with the way of evaluation in the virtual system, 4.5% high, 31.1%

from the confirmatory factor analysis (RMSEA = 0.071; CFI=0.97, GFI=0.94, AGFI=0.91, NFI=0.96, and NNFI=0.96). The Spearman's correlation coefficient of the EBPQ showed no significant relationship between individuals' practice and attitude. But it showed significant relationship between practice and knowledge (0.000), and attitude and knowledge (0.000) of participants. Both the overall Cronbach's α and the Cronbach's α for the domains exceeded 0.70. The intra class correlation coefficients for the domains ranged between 0.88 and 0.98, indicating satisfactory repeatability.

Conclusions: The EBPQ provided evidence of validity and reliability. Therefore, it can be applied in EBP education or training assessment in Iran.

دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی در خصوص آموزش

آنلاین در دوران همه گیری کووید-۱۹

مژگان میرغفوروند - شلاله آقائی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، عسل
بهکار - دانشگاه ع. پ. تبریز، رعنا تقی پور - دانشگاه ع. پ. تبریز،

Background: COVID-19 pandemic has had a major effect on medical education due to the mandatory lockdown and social distancing. After the administration of lockdown, hospitals started to limit attendance of medical students at ward rounds and clinics, and universities were no longer able to use traditional forms of teaching and assessment. Postponing wasn't an available choice because no exact date could be estimated for the end of this crisis. All these led us to the fact that virtual learning and using technology for educational purposes are the best solution at hand to minimize the disruption to teaching and assessment and ensure the development of necessary skills in future medical graduates. The limited time for switching all courses to online formats and establishing new platforms has led to appearance of some limitations and challenges.

Methods: In the first stage, professors of basic sciences and clinical sciences were surveyed regarding virtual education in the fields of medical sciences. Due to quarantine conditions and in order to comply with health protocols, we made voice calls with faculty members to ask our prepared open-ended questions. The questions were about e-learning, advantages and disadvantages of

coding process was used to analyze the answers obtained from the interview. We used conventional type to extract the themes. In the other words, we did not use preconceived categories. We read the text repeatedly to understand the text and determine meaning units. Then, we integrated the meaning units to specify the codes and neglect meaningless unite. These codes were categorized as 8 themes according to their similarities. The results of subjective interpretation of qualitative data content were used to determine educational, technical, and specialized knowledge solutions to improve the e-learning readiness of faculty members. Eight themes extracted from the code were repeated in all questions, but their repeatability was different and fewer themes were extracted from some questions. Themes were categorized into domains including revising curriculum planning, teaching-learning, empowerment of faculty members, student assessment, faculty members evaluation, educational platform development, development of educational resources, and leadership and educational management.

Finding: One hundred fifty-one initial meaning units and 72 codes were obtained from the answer to four questions. In question 1, the focus primarily was on the teaching-learning domain and secondary in revising curriculum planning. Examples of extracted codes related to the teaching-learning domain were using images in content presentation and design analytical homework, quizzes, and forums. Also, deduction of semester units and transparency of educational context and expression of educational goals were the examples of codes extracted related to the revising curriculum planning domain. In question 2, the focus primarily was on the leadership and educational management domain. Examples of extracted codes related to this domain were using the experiences of other universities and creating the financial incentives and privileges in various regulations for faculty members. In question 3, the concentration primarily was in the development of educational resources domain. Examples of extracted codes related to this domain were providing the e-learning training booklets and introducing e-books to the students and giving them access to the electronic library systems. In question 4, the concentration in leadership and educational management, revising curriculum planning, and development of educational resources were equal.

moderate, 31.5% low and 32.9% very low satisfaction level were reported.

Conclusion: It is concluded that despite the advantages of virtual learning, there are still several gaps in education, assessment and evaluation of medical students in online systems. Measures should be taken to avoid unnecessary complications and improve students' learning experiences in virtual world.

راه حل های آموزشی، فناوری و محتوایی برای بهبود آمادگی یادگیری الکترونیکی: دیدگاه اعضای هیئت علمی

احلام آل منیع - دانشکده ع. پ. آبادان، شیما سنسیسل بچاری -
دانشکده ع. پ. آبادان، مهشید نقاش پور - دانشکده ع. پ. آبادان،

Background: With the onset of the corona pandemic, universities have inevitably turned to e-learning to keep education from closing. In the meantime, many universities have taken steps to integrate this method of teaching into traditional education in previous years, and others were in the early stages. Although this method has put a lot of pressure on faculty members, there are still concerns about how successful this method has been in effectively teaching students and raising concerns about what strategies can be used to improve e-learning.

Method: This qualitative study was conducted on 40 Faculty members of Abadan faculty of Medical Sciences. Through a web-based questionnaire, each faculty member underwent a semi-structured interview about their suggestion to improve their e-learning readiness. The questionnaire consisted of 4 open-ended questions as follows: 1) "what pedagogical solutions do you suggest to improve the e-learning readiness?" 2) "what technological solutions do you suggest to improve the e-learning readiness?" 3) "what content solutions do you suggest to improve the e-learning competence?" and 4) "what are your suggestions to integrate e-learning in the teaching?". All of the answers were collected in a web-based written form. Also, participants were free to respond the questions. The method of subjective interpretation of qualitative data content with a systematic classification and

Method: Qualitative design, using the content analysis approach has been used to collect and analyze data. In-depth and semi-structured interviews were conducted with ten Medical University professors. Sampling was started by purposive sampling and continued until data saturation was achieved. The process of data analysis was based on the Landman and Grenheim method with the aid of MAXQDA (۱۰) software. Lincoln and Guba's criteria were followed to ensure the trustworthiness of the study findings.

Results: During the data analysis, "Efforts of educational centers to activate the hidden curriculum in the development of professional ethics", "Dynamic mentoring and apprenticeship by competent professors as the best strategy for developing professional ethics" and "Mentor's ethical behavior and performance in clinical education and in relationships with students, colleagues, and patients ensuring the development of professional ethics", were developed as three main themes.

Conclusion: Interactions between Mentor and Mentee based on ethical values are much broader than the formal and obvious curriculum and is one of the main strategies to play the role of the mentoring process in the development of professional ethics. According to the results of this study, the type of behavior and ethical practices of the professor while teaching students, during the care and treatment process is so important, especially while interacting with colleagues, patients, and their families.

سنجش رفتار حرفه ای در میان اعضای هیأت علمی در نقش استاد

فاطمه کشمیری - دانشگاه ع. پ. یزد، امیرھوشنگ مهرپرور -

Introduction; The aim of this study was to investigate the professional behavior of faculty members from the viewpoints of various stakeholders including learners, peers and educational officials at two levels (senior managers and middle managers) in the educational departments.

Methods: The present study is a descriptive - analytical study was conducted in two phases. In the first phase, a questionnaire was developed to assess

The example of extracted codes related to this domain were creating a virtual education unit and hiring virtual education specialists, adapting lesson plans based on the principles of e-learning, and using the integrated system. Discussion and

conclusion: The results showed that leadership and educational management was the most frequent domain among all questions and student evaluation was the least repetitive domain. Also, the improvement of teaching-learning process and the revising of curriculum planning are the most important pedagogical solutions to improve e-learning readiness of faculty members. Moreover, technological readiness of faculty members may improve by leadership and educational management solutions. Besides, the content solutions for improving the e-learning readiness may be focused on the development of educational resources. In addition, the concentration in leadership and educational management, revising curriculum planning, and the development of educational resources may be the best solution to integrate e-learning in the teaching process. In this site of view, the challenge of the shift to e-learning can be handled through the planning and perform the professional development program and this cannot be achieved without effective leadership.

نقش اساتید در توسعه اخلاق حرفه ای دانشجویان رشته های پزشکی ایرانی، از طریق برنامه درسی پنهان: یک مطالعه کیفی

میلاذ رضائیه - دانشگاه ع. پ. بقیه / ... علی رحمانی - دانشگاه ع. پ. بقیه / ...

Introduction: The concept of professional ethics includes all the issues that the employees of any profession must adhere to them. The conversion of educational and medical environments based on the values of professional ethics in medical sciences is so essential. The hidden curriculum is a program that includes all the knowledge, especially informal and sometimes unwanted attitudes, as well as the values and beliefs that are part of the learning process in educational centers and classrooms. Therefore, this study aimed to explore the roles of the hidden curriculum in the development of professional ethics.

accountability to professional duties and adherence to values. Assessment of individuals' adherence in these two dimensions showed that faculty members' compliance in the dimension of accountability to professional duties was significantly lower.

تجارب شبیه سازی شده بالینی مجازی برای ارتقای آموزش بالینی در پاندمی کووید-۱۹: بارویکرد پژوهش ترکیبی

شیمای طباطبایی - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، ناصر سیم فروش.

Background and aim: The ability to reflect and adapt is central to maintaining and improving medical education during the COVID-۱۹ crisis. During this pandemic, the medical educators are facing the same challenges. Education for senior residents, however, heavily focuses on direct patient contact. Although Clinical encounters are not easily delivered online, the Patient video cases are already successfully used in specialty disciplines. They can increase learner exposure to a wider variety of patients and provide opportunities to practice clinical reasoning skills. The study was conducted to examine the effectiveness of interactive virtual case in the simulated clinical experience to gain new clinical knowledge and competency during the COVID-۱۹ pandemic.

Method: A concurrent mixed-method approach was used. The participants were urology residents (n=۲۷) in a university hospital initially receive a weekly set of interactive online cases to simulate a clinical placement. The residents review a patient's history, their physical examination findings, investigation results, and management plan on an online platform. The material is subsequently discussed at a webinar with the specialty clinician, during which residents can ask and answer questions using an interactive cloud-based tool. In the quantitative approach, The participants' knowledge regarding the content of simulated clinical experiences and related webinar was assessed with multiple-choice. These were queried directly before and after the simulated clinical placement in the online surveys. The residents received an electronic link to an anonymous online survey in which the respective virtual learning experience- webinar-was embedded including the pre-and post-assessment. McNemar-test was used to compare residents' pre- and post-

the professional behavior of faculty members. Delphi technique was used to evaluate the content and face validity of the initial version of the questionnaire. Internal consistency and reproducibility was performed to assess the reliability of the instrument. In the second phase, the evaluation of teachers' professional behavior was done from the viewpoint of various stakeholders, including learners, middle and senior education managers and peers. The subjects were clinical and basic sciences faculty members from ۱۰ schools who were enrolled in the study by census (n = ۴۲۷). To extract the factors that constitute professional behavior in faculty members, exploratory factor analysis was used. The factor score for each domain was calculated by summing the mean response of each item (the range was ۰-۵) that were weighted by factor loading and each person received an individual factor score for each identified domain. Factor scores were then categorized into two groups based on the mean of factor score (۰) and used as the outcome variable. Chi-square test was used to assess the associations between variables (disciplinary category, gender and academic degree) and factor group.

Results: In the first phase, the questionnaire with ۱۱ items was developed. The face and content validity of the questionnaire was confirmed by the agreement of all participants. The reliability of the tool was confirmed by Cronbach's alpha = ۰,۹۴ and ICC = ۰,۹۳. The mean score of adherence to professional behavior of faculty members was ۴,۵۴±۰,۳۴. The results showed the professional behavior was categorized in two dimensions; accountability to professional duties and adherence to professional values. The dimensions expressed ۷۷,۴٪ of data scattering. Fifty percent of the participants followed the adherence to professional values (P = ۰,۲۲), but less than ۵۰٪ of the individuals followed the adherence to professional duties significantly (P=۰,۰۰۲). Faculties of basic sciences had better adherence to professional duties and clinicians were better in terms of adherence to professional values. Feedback seeking, acceptance of feedback and effective communication had the lowest scores and accountability and altruism had the highest scores among faculty members.

Conclusion: The results of the present study showed that the professional behavior of faculty members was categorized into two dimensions of

اثربخشی یادگیری موبایل مبتنی بر گوشی های هوشمند در مقابل یادگیری مبتنی بر سخنرانی برای آموزش شناسایی لندمارک های سفالومتریک

فاطمه دهدار - محمد مسلم ایمانی - امین گلشاه - دانشگاه ع. پ.
کرمانشاه

Background Considering the increasing popularity of electronic learning, particularly smartphone-based mobile learning, and its reportedly optimal efficacy for instruction of complicated topics, this study aimed to compare the efficacy of smartphone-based mobile learning versus lecture-based learning for instruction of cephalometric landmark identification.

Methods This quasi-experimental interventional study evaluated 53 dental students (4th year) in two groups of intervention ($n = 27$; smartphone instruction using an application) and control ($n = 26$, traditional lecture-based instruction). Two weeks after the instructions, dental students were asked to identify four landmarks namely the posterior nasal spine (PNS), orbitale (Or), articulare (Ar) and gonion (Go) on lateral cephalograms. The mean coordinates of each landmark identified by orthodontists served as the reference point, and the mean distance from each identified point to the reference point was reported as the mean consistency while the standard deviation of this mean was reported as the precision of measurement. Data were analyzed using SPSS version 18 via independent sample t-test.

Results No significant difference was noted between the two groups in identification of PNS, Ar or Go ($P > 0.05$). However, the mean error rate in identification of Or was significantly lower in smartphone group compared with the traditional learning group ($P = 0.020$). Conclusions Smartphone-based mobile learning had a comparable, and even slightly superior, efficacy to lecture-based learning for instruction of cephalometric landmark identification, and may be considered, at least as an adjunct, to enhance the instruction of complicated topics.

assessment answers. In the qualitative approach, thematic content analysis was done on the learners open answers. Our thematic analysis developed in an inductive manner without a complete set of a priori themes to guide data extraction from the outset. Two researchers were involved in coding. The coding frame was revised several times.. Subsequently, themes were identified, reviewed, defined and named. To ensure the Trustworthiness, the Lincoln and Guba criteria (four components of Credibility, Dependability, Transferability, and Confirmability) were considered.

Results: 27 residents completed the assessments. Students' clinical post assessment scores improved significantly from beginning to end of study ($P < 0.001$). In simulated clinical placement it confirmed that new knowledge was gained. Our qualitative analysis revealed important themes what residents gained in this simulated experience were presented in 4 main themes, • Ensure fair and effective clinical training during this COVID-19 crisis • Develop authentic learning experiences • Facilitate residents discussion • Communicate clear expectations and demonstrations • Flexible learning within structure What the learners want and suggest in the midst of the pandemic were presented in 3 main themes, • asynchronous instruction • Focus on core curriculum (what is most important to learn) in depth education . • Using formative assessment to provide constructive, effective feedback to residents .

Conclusions: This investigation examined effectiveness of virtually simulated clinical experience and related webinar as an educational tool for urology residents in the COVID-19 pandemic. In circumstances where conventional clinical care education is no longer feasible, simulation-based education appears as valuable opportunity to disseminate new knowledge . These results suggest that more opportunities to practice clinical skills during simulated virtual experiences and clinical placement resulting in greater improvement in clinical competency. This real-time digital interaction simulates bedside teaching and can be supplemented with patient video cases if available. The "virtual simulated clinical experience" uses easily available technology to simulate difficult to reach patients. It is one potential solution for the temporary loss of student access to patients.

taking advantage of force from a position of power in the learning path were considered for the second category.

Conclusion: Based on the findings of the study, surgical residents face serious challenges and obstacles in their training course. To address these challenges, the curriculum of the surgical course needs to be improved with the emphasis on the balanced responsibility assignment and enhanced human communication.

چالش های یادگیری دانشجویان پرستاری از کار با پرسنل

پرستاری

وحیده آقامحمدی - دانشکده ع. پ. خلخال، حامد رضاخانی - خدیجه نصیری - دانشکده ع. پ. خلخال،

Purpose Nursing is a practice-based discipline. Clinical education is one of the most important parts of nursing education, nurses play an important role in the learning of nursing students. This study was carried out to unveil the challenges of nursing students' learning through working with nurses.

Methods A qualitative design was used to conduct the study in city of Khalkhal, Ardabil province, Iran. In order to collect data, through purposive sampling twenty students were interviewed using in-depth semi-structured individual technique. Data analysis implemented content analysis using MAXODA ۱۲.

Results challenges of nursing students' learning were generally categorized into three main themes including inappropriate social norms, inadequate organizational atmosphere, and inadequate sources. **Conclusion** It seems that inappropriate organizational culture in the clinical setting and wrong distribution of resources will lead to disruption of student-nurse relationships and ultimately disruption of clinical education.

A qualitative study on the surgical residents' challenges with the acquisition of surgical skills in operating rooms

پیغام حیدریپور - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، لیلا ساداتی - دانشگاه ع. پ. البرز، شهرام یزدانی.

Introduction: Surgical residents often experience a tense environment in training arenas. Their training in operating rooms faces several challenges, including declining in academic records compared to the last century, demographic changes, economic constraints, and changes in attitudes toward surgery training, with an emphasis on patient safety. The number of open surgical procedures is declining, and they are abandoned in some cases, so the residents' opportunity to gain experience and practice has reduced or removed. On the other hand, the number of complex endoscopic and laparoscopic interventions is increasing. The introduction of less invasive technologies and, consequently, the possibility of different endoscopic interventions over the past two decades has challenged the training and evaluation of surgical residents. Research studies also show that some surgical residency graduates do not have the necessary qualifications. Researchers believe that traditional surgery training with senior, junior hierarchy in relationships cannot meet the need for learning complex technical skills in today's operating room, in a constrained period of residency training. This study aims at the qualitative explanation of how the surgical residents acquire the surgical skills in operating rooms.

Methodology: This qualitative study was conducted in ۲۰۱۹-۲۰۲۰ using the conventional content analysis method. Participants were selected utilizing purposive sampling. Data were collected through ۲۵ semi-structured deep interviews. Then the interview transcriptions were analyzed in MaxQDA۲ software using the content analysis method.

Results: The data were classified into two main categories, namely, challenges, obstacles and strategies for dealing with the challenges. The data in the first category were further classified into four subcategories, including burnout, confusion in technique selection, unequal learning opportunities, ignorance, and responsibility misassignment. Similarly, four subcategories of establishing communication channels with chief residents and faculty members, learning by the non-surgeon pathway, covert progress in the learning path, and



ارزشیابی دوره و هیات علمی

پزشکی، نیازمند به تدوین استانداردهای مناسب در نظام های آموزشی می باشدهدف از این پژوهش تعیین نقاط ضعف اعتباربخشی دانشگاه های علوم پزشکی کشوراز دیدگاه اعضای هیات علمی اردبیل است.

روش اجرا: تحقیق حاضر به شیوه کیفی بود. از مصاحبه عمیق برای گردآوری داده ها استفاده شد. نمونه های مورد بررسی ده نفر از اعضای هیات علمی که به روش هدف مند انتخاب شدند. تمامی مصاحبه ها ضبط شده و سپس بر روی کاغذ نوشته شد. مدت زمان مصاحبه ها بین ۳۰ الی ۶۰ دقیقه متغیر بود. روش تحلیل داده ها در این پژوهش بر مبنای روش تحلیل موضوعی بود.

یافته ها: این پژوهش، بر اساس تحلیل چارچوبی موضوعی انجام شده ۴ زیر موضوع و ۳ موضوع اصلی بدست آمد. این سه موضوع اصلی عبارتند از: امتیاز دهی، اضافه شدن استانداردها و تدوین استاندارد باتوجه وضعیت کشور، امتیاز دهی (استاندارد های هر حوزه باید از کیفی به کمی تغییر پیداکنند در حال حاضر امتیاز دهی براساس نظر ارزیابان انجام می شود. و نظر ارزیاب به شخصیت و تجربه آن وابسته است. لازم است برای هر استاندارد چک لیست تهیه شده و ارزیابی به صورت مشخص و یکنواخت انجام شود). اضافه شدن استانداردها (استاندارد بهبود مستمر باعث می شود که دانشکده خود را ارزیابی درونی کند نقاط ضعف خود را به دبیرخانه اعتباربخشی وزارت فرستاده پس از بر طرف کردن و ارزیابی مجدد نتیجه به دبیر خانه اعتبار بخشی ارسال شود. این استاندارد باعث می شود دانشکده به طور منظم خود ارزیابی کرده واز نقاط ضعف خود آگاه شود؛ استاندارد دیگر که باید اضافه شود، استاندارد فعالیت و توسعه دانشکده می باشد بااین استاندارد دانشکده برای کسب امتیاز به توسعه دانشکده اهتمام می ورزد و مراکز آموزشی، پژوهشی را توسعه دهد و مجهز نماید. استاندارد بعدی که باید اضافه شود. استاندارد تأمین خواسته های جامعه می باشد با این استاندارد دانشکده سعی در بر طرف کردن نیاز جامعه می کند. اهداف استانداردها منطبق با شرایط واقعی جامعه و کشورمان باشد. استانداردها برگرفته از استانداردهای کشورهای دیگر نباشد. چراکه نیاز جوامع با یکدیگر فرق دارد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نقاط ضعف اعتباربخشی دانشگاه های علوم پزشکی رانشان می دهد. بر این اساس به منظور بهبود فرآیند اعتباربخشی دانشگاه های علوم پزشکی بایستی نقاط ضعف در امتیاز دهی، تدوین استاندارد ها و اهداف استاندارد های اعتباربخشی بررسی شود.

کلمات کلیدی: اعتبار بخشی، دانشگاه علوم پزشکی، اعضای هیات علمی

ارزیابی دانشجویان و دانش آموختگان پزشکی از تدریس واحد آناتومی در دوره علوم پایه در دانشگاه علوم پزشکی البرز

زهرا طیبی - فاطمه کرمانیان - دانشگاه ع. پ. البرز،

مقدمه: آناتومی بخشی از برنامه درسی دوره علوم پایه و یکی از دروس پایه پزشکی است. یکی از وظایف سیستم های آموزشی تجدید نظر در روشهای تدریس و استفاده از روشهای فعال و نوین در یادگیری است. برای نیل به این هدف لازم است ابتدا ارزیابی درستی از روشهای سنتی تدریس و میزان کارایی آنها در آینده شغلی پزشکان داشته باشیم تا در صورت همسو نبودن این روشها با اهداف آموزشی بتدریج با روشهای نوین تدریس جایگزین گردند. در این مطالعه پس از ثبت پروپوزال و دریافت کد اخلاق و مجوز از دانشگاه علوم پزشکی البرز و روانسنجی دو پرسشنامه یکی مربوط به دانشجویان پزشکی و دیگری مربوط به پزشکان عمومی فارغ التحصیل و شاغل، نمونه های مورد نظر از جامعه دانش آموختگان و دانشجویان پزشکی سال چهار به بالا انتخاب شده و پس از تکمیل رضایتنامه شرکت در مطالعه، پرسشنامه مورد نظر را تکمیل نمودند. نظرسنجی از پزشکان شاغل در بخشهای درمانی و دانشجویان نشان داد که مطالعه آناتومی با عملکرد پزشک ارتباط داشته و تشریح جسد در تدریس آناتومی موثر است. همچنین دانش آناتومی کسب شده در دوره علوم پایه برای ورود به دوره بالینی اهمیت فراوانی دارد. در مورد ابزارهای تدریس آناتومی ۳۳,۳٪ تشریح را بهترین ابزار دانستند در حالیکه ۱۶,۷٪ اطلس های آناتومی و برنامه های کامپیوتری را به نسبت مساوی مفید می دانستند. همچنین ۷۸ درصد پزشکان بهترین تخصص برای تدریس آناتومی را آناتومیست و ۱۲ درصد جراح را بهتر می دانستند.

بررسی نقاط ضعف اعتباربخشی دانشگاه های علوم

پزشکی کشوراز دیدگاه اعضای هیات علمی اردبیل در سال ۱۳۹۹

توحید داداشی - سعید داداشی گوگجه یاران - لیلیا داداشی گوگجه یاران - فاطمه صفری - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی،

مقدمه: اعتبار بخشی از رویکردهای علم ارزشیابی و در راستای بهبود و تضمین کیفیت دانشگاه های علوم پزشکی کشوراست. هدف از اعتباربخشی برنامه های آموزشی، تضمین حداقلهای دانش عملی و نظری فارغ التحصیلان است. اهمیت تضمین کیفیت در آموزش علوم

ارزیابی سطح رضایتمندی دانشجویان مقطع کارشناسی علوم تغذیه از واحد درسی کارآموزی تغذیه در بیمارستان

فرید غریبی - عاطفه اصحابی - دانشگاه ع. پ. سمنان ،

مقدمه: علوم تغذیه یکی از حوزه های بالینی حیاتی در عرصه نظام های سلامت می باشد که نقش ارزنده ای در پیشگیری از بروز بیماری ها و درمان موثر آن ها دارد. بر این اساس، کسب مهارت های مورد نیاز توسط دانشجویان علوم تغذیه در تشخیص، ارزیابی و درمان مناسب بیماران و به کار گیری موثر مهارت های کسب شده در جهت ارائه خدمات کارآمد به گیرندگان خدمت حائز اهمیت ویژه ای است. با توجه به اینکه دانشجویان یکی از ذی نفعان اصلی سیستم های آموزشی می باشند و اطمینان از کسب قابلیت های و شایستگی های موردنیاز در آنان از نظر دانش، نگرش و مهارت به عنوان رسالت اصلی نظام آموزش عالی مطرح می باشد لذا سنجش سطح رضایت آنان از ابعاد مختلف آموزش های دریافت شده می تواند حائز اهمیت باشد. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی سطح رضایت دانشجویان مقطع کارشناسی علوم تغذیه در دانشگاه علوم پزشکی سمنان از واحد درسی کارآموزی تغذیه در بیمارستان طراحی و به مورد اجرا در آمد.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-مقطعی می باشد که در خرداد ماه سال ۱۳۹۹ با مشارکت ۱۴ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی علوم تغذیه در دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی دانشگاه علوم پزشکی سمنان به انجام رسید. ابزار مورد استفاده در مطالعه، پرسشنامه محقق ساخته ای بود که داده های اولیه آن بر مبنای فرایند آموزش و با بهره مند از بررسی متون، مصاحبه با صاحب نظران و نیز اخذ دیدگاه دانشجویان به دست آمد. در ادامه، پرسشنامه اولیه تدوین شده در یک پیل تخصصی و با مشارکت ۱۵ نفر از خبرگان با کسب امتیاز ۰.۹۱ و ۰.۹۴ به ترتیب برای شاخص های CVI و CVR مورد بررسی و تایید قرار گرفت. پرسشنامه نهایی به دست آمده مشتمل بر ۳۰ سوال ارزیابی کننده در رابطه با ابعاد مختلف فرایند آموزش در حوزه های اصلی آن یعنی برنامه ریزی آموزشی، تعیین و تهیه محتوای آموزشی، فرایندهای یادگیری-یاددهی، و ارزشیابی آموزشی می باشد. داده ها به صورت توصیفی بررسی گردید و برای یکایک سوالات، ابعاد اصلی و کل پرسشنامه، امتیاز نهایی به صورت میانگین (انحراف معیار) محاسبه و گزارش گردید.

یافته ها: یافته های مطالعه حاکی از آن است که میزان رضایت کلی دانشجویان کارشناسی علوم تغذیه از عملکرد سیستم آموزشی در رابطه با کارآموزی های گذرانده شده آنان برابر با ۶۳.۸ درصد می باشد که در آن بُعد تعیین محتوای آموزشی با کسب امتیاز ۷۸.۱ درصد، و بُعد ارزشیابی آموزشی با کسب امتیاز ۵۲.۵ درصد به ترتیب حائز بالاترین و پایین ترین سطح رضایت مندی از دیدگاه دانشجویان شدند. بر این

اساس و با توجه به نقاط برش آماری تعیین شده در محاسبات صورت گرفته می توان وضعیت کلی رضایت دانشجویان مورد بررسی از ابعاد مختلف کارآموزی در عرصه گذرانده شده آنان را در سطح خوب ارزیابی نمود. هر چند که برخی از ابعاد ارزیابی نظیر ارزشیابی آموزشی بر اساس امتیاز کسب شده از دیدگاه دانشجویان در سطح متوسط رضایت مندی قرار دارند اما نمرات کسب شده در ابعاد مختلف حاکی از قابل قبول وضعیت کلی در این رابطه می باشد.

بحث و نتیجه گیری: علی رغم اینکه سطح رضایت مندی دانشجویان مقطع کارشناسی علوم تغذیه از کارآموزی های سپری شده به صورت نسبی در وضعیت مناسبی قرار داد اما کاستی های قابل تاملی در بسیاری از ابعاد و مولفه های بررسی شده قابل مشاهده است. بی تردید، انجام مداخلات اصلاحی در جهت بهبود کیفیت کارآموزی دانشجویان تغذیه می تواند منجر به ارتقای سطح اثربخشی آموزشی و متعاقباً بهبود قابلیت ها و رضایت مندی دانشجویان گردد.

کلمات کلیدی: علوم تغذیه، کارآموزی در عرصه، رضایت مندی آموزشی

بررسی اثربخشی "کارآموزی تغذیه در بیمارستان" در دانشجویان مقطع کارشناسی رشته علوم تغذیه

فرید غریبی - عاطفه اصحابی - دانشگاه ع. پ. سمنان ،

مقدمه: کسب اطمینان از ایجاد توانمندی های موردنیاز در دانشجویان در ابعاد دانشی، نگرشی و مهارتی و متعاقباً کاربردی نمودن تمامی آموخته ها در زمان ارائه خدمت به گروه های هدف مختلف، اصلی ترین ماموریت نظام های آموزش عالی به ویژه دانشگاه های علوم پزشکی می باشد. با توجه به لزوم بررسی میزان دستیابی به اهداف آموزشی مختلف در دوره های آموزشی ارائه شده به دانشجویان و نیز استفاده از نتایج این بررسی در جهت بهبود مستمر کیفیت آموزش های ارائه شده به ویژه در واحدهای درسی عملی، مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان اثربخشی واحد درسی کارآموزی بالینی در بیمارستان در مقوله کارشناسی علوم تغذیه به مورد اجرا در آمد.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-مقطعی می باشد که در تیرماه سال ۱۳۹۹ با مشارکت ۱۴ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی علوم تغذیه در دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی دانشگاه علوم پزشکی سمنان به انجام رسید. داده های مورد نیاز در این با هدف جلوگیری از وقوع تورش یادآوری (Recall Bias) بلافاصله پس از پایان یافتن نیمسال تحصیلی گردآوری گردید. ابزار گردآوری داده نیز پرسشنامه محقق ساخته ای بود که بر اساس انتظارات سیستم آموزشی از دستاوردهای کارآموزی در دانشجویان طراحی گردید و در ادامه با

مشارکت ۱۴ نفر از خبرگان و کسب امتیاز ۰.۸۹ و ۰.۹۲ به ترتیب برای شاخص های CVR و CVI مورد بررسی و تایید قرار گرفت. داده های مورد نیاز مطالعه نیز با بررسی کمی و کیفی رژیم های غذایی تدوین شده توسط دانشجویان برای بیماران دارای بیماری های مختلف تعیین و گردآوری گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۹ به صورت توصیفی بررسی گردید و برای یکایک سوالات، ابعاد اصلی و کل پرسشنامه، امتیاز نهایی به صورت میانگین (انحراف معیار) محاسبه و گزارش گردید.

یافته ها: نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر نشان می دهد که دانشجویان مورد بررسی در ۷۴.۶ درصد از موارد تعریف شده و مورد انتظار، موفق به کسب مهارت های مورد نیاز و اجرای صحیح آن ها بر بالین بیمار شده اند. لذا اثربخشی کلی دوره کارآموزی برگزار شده از نظر ابعاد مختلف یعنی ارزیابی و تشخیص اولیه (بررسی اطلاعات زمینه ای و تاریخچه بیماری در فرد)، ارائه اقدامات درمانی مناسب (نحوه محاسبه رژیم از نظر ریز مغذی ها و درشت مغذی ها)، و نیز توجه به اقدامات پیشگیرانه (ارائه آموزش و مشاوره مورد نیاز) را بر اساس نقاط برش آماری (Cut-off points) می توان در سطح مناسب، ارزیابی و گزارش نمود. همچنین بررسی رژیم های درمانی ارائه شده برای بیماری های مختلف توسط دانشجویان حاکی از قابل قبول و متناسب بودن آن ها می باشد.

بحث و نتیجه گیری: بررسی های به عمل آمده در مطالعه حاضر بیانگر مطلوبیت نسبی اثربخشی دوره های کارآموزی ارائه شده برای دانشجویان مقطع کارشناسی رشته تغذیه می باشد. با این وجود، کاستی هایی نیز در برخی از جنبه های بررسی شده قابل مشاهده می باشد که لزوم اجرای مداخلات موثر ارتقایی را در جهت بهبود مستمر وضعیت به مدیران آموزشی و اساتید آنان یادآوری می نماید.

کلمات کلیدی: اثربخشی آموزشی، علوم تغذیه، کارآموزی در عرصه

بررسی میزان استفاده دانشجویان از منابع درسی معرفی شده توسط شورای عالی برنامه ریزی درسی و عوامل مؤثر بر آن

حبیب اله رضایی - دانشگاه ع. پ. یاسوج، محمد ذوالعدل - حسن عبیدی - دانشگاه ع. پ. یاسوج.

مقدمه: یکی از مهم ترین اهداف نظام های آموزشی، پیشرفت تحصیلی و پرورش نیروهای کارآمد پاسخگو به نیازهای جامعه است. یکی از مهم ترین موارد مؤثر بر دستیابی به این اهداف، استفاده از منابع آموزشی معتبر است. شورای عالی برنامه ریزی درسی به عنوان بالاترین مرجع تصمیم گیری آموزش علوم پزشکی، برای ارائه بهینه هر درس،

کتاب هایی را به عنوان منابع درسی واحد مربوطه تعیین نموده است. مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان استفاده دانشجویان از منابع معرفی شده توسط شورای عالی برنامه ریزی درسی و عوامل مؤثر بر آن انجام شد. در این مطالعه توصیفی مقطعی که در سال ۱۳۹۸ بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج انجام گرفت، ابزار گردآوری داده ها، پرسش نامه پژوهشگر ساخته مشتمل بر مشخصات جمعیت شناختی و ۴۰ سؤال در زمینه میزان استفاده دانشجویان از منابع معرفی شده توسط شورای عالی برنامه ریزی درسی، مزیت ها و عوامل تشویقی برای استفاده از این منابع و محدودیت ها و عوامل بازدارنده استفاده از آنها از دیدگاه دانشجویان بود. روایی محتوایی و صوری این پرسشنامه توسط ۵ متخصص آموزش پزشکی تأیید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۶، بدست آمد. پرسش نامه مذکور با استفاده از فرم نگار گوگل در قالب فرم الکترونیکی تدوین شده و لینک مربوطه همراه با بیان اهداف مطالعه و توضیح در زمینه چگونگی تکمیل و نحوه ارسال آن به گروه های رسمی دانشجویی بر بستر پیام رسان واتساپ ارسال شد. در بازه زمانی جمع آوری داده ها، ۱۰۴ نفر از دانشجویان، پرسش نامه را مشاهده نموده و از این تعداد، ۷۱ نفر پرسشنامه را تکمیل و ارسال نمودند. اطلاعات فرم های ارسالی از بخش پاسخهای فرم نگار گوگل در قالب فایل اکسل دریافت و پس از انتقال داده ها به نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این تحقیق با میانگین پاسخدهی ۶۸.۳ درصد، ۷۱ دانشجو مشتمل بر ۵۱ دانشجو در مقطع کارشناسی (۸۰.۸ درصد)، ۱۳ دانشجو در مقطع دکتری حرفه ای (۳.۱۸ درصد) و ۷ دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی (۹.۹ درصد) با میانگین سنی ۱.۵±۵.۲۳ سال و معدل کل ۱.۷±۰.۹۲، شرکت داشته که جنسیت ۲۷ نفر (۳۸ درصد) آنها مذکر و ۴۴ نفر (۶۲ درصد) دیگر مؤنث بوده است. ۵۹ نفر (۸۳ درصد) از دانشجویان شرکت کننده در مطالعه، مجرد و ۱۲ نفر آنها (۹.۱۶ درصد) متأهل بوده که سهمیه ورود آنها به دانشگاه به ترتیب نزولی ۴۱ نفر (۷.۵۷ درصد) منطقه سه، ۱۷ نفر (۹.۲۳ درصد) منطقه دو، ۱۰ نفر (۱.۱۴ درصد) منطقه یک و ۳ نفر (۴.۰۳ درصد) ایشارگران بوده است. میزان استفاده کلی دانشجویان از منابع معرفی شده توسط شورای عالی برنامه ریزی درسی به ترتیب نزولی شامل به ندرت (۹.۴۷ درصد)، گاهی اوقات (۳۱ درصد)، اغلب اوقات (۳.۱۸ درصد) و همیشه (۸.۲ درصد) بوده است. فراوانی استفاده دانشجویان از این منابع به ترتیب نزولی در دروس عمومی (۶.۶۰ درصد)، دروس تخصصی (۶.۲۹ درصد) و دروس علوم پایه (۳.۱۸ درصد) بوده است. ۶۲ درصد دانشجویان، احتمال موفقیت بیشتر در آزمون های سراسری بالادستی و رقابتی، ۹.۴۷ درصد، اعتبار علمی بیشتر کتب منبع، ۱.۴۵ درصد، ۵.۴۶ درصد، افزایش توانمندی های حرفه ای، ۷.۴۳ درصد، افزایش خلاقیت و یادگیری فعال، ۶.۶۰ درصد، اتکا به خود و افزایش میزان یادگیری انفرادی، ۷.۵۰ درصد، افزایش تفکر انتقادی، ۷.۴۳ درصد، احساس تسلط علمی و کاهش اضطراب امتحان، ۹.۴۷ درصد، مقابله با عدم مهارت کافی برای نوشتن مطالب در کلاس درس و ۶۲ درصد،

توصیه اساتید و بیان تجربیات دانش آموختگان موفق را از مزایا و عوامل تشویقی برای استفاده از منابع معرفی شده توسط شورای عالی برنامه ریزی درسی برشمرده اند. از دیدگاه دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه، گرانی قیمت (۱، ۸۳ درصد)، حجیم بودن و حمل و نقل مشکل (۳، ۵۶ درصد)، به زبان انگلیسی بودن منابع (۵، ۵۳ درصد)، ارائه مطالب زائد و غیرمتناسب با رشته- مقطع تحصیلی و نیازهای جامعه (۲، ۷۳ درصد)، مشخص نبودن حد و مرز منابع برای آزمون ها (۳، ۴۲ درصد)، عدم آشنایی کافی با نحوه استفاده بهینه از مهارت‌ها و راهبردهای شناختی، شیوه‌های صحیح مطالعه و خلاصه‌برداری (۹، ۴۷ درصد) و عدم اطلاع یا محدودیت دسترسی به منابع معرفی شده بر بستر نرم‌افزارهای رایانه‌ای و برنامه‌های کاربردی تلفن همراه و کتابخانه‌های الکترونیکی شبکه تارنمای جهانی (۹، ۴۷ درصد)، از جمله محدودیت‌ها و عوامل بازدارنده استفاده دانشجویان از منابع معرفی شده توسط شورای عالی برنامه ریزی درسی می‌باشند. بازنگری منابع موجود، با رویکرد آموزش پاسخگو به نیازهای جامعه و تدوین منابع درسی متناسب با هر رشته- مقطع تحصیلی، ضروری است. همچنین استقرار منابع بر بستر نرم‌افزارهای رایانه‌ای و برنامه‌های کاربردی تلفن همراه و افزایش تسلط دانشجویان بر زبان انگلیسی و آشنایی با مهارت‌ها و راهبردهای شناختی، شیوه‌های صحیح مطالعه و خلاصه‌برداری می‌تواند در استفاده بیشتر دانشجویان از منابع درسی معتبر، تأثیرگذار باشند. کتاب منبع، دانشجویان، شورای عالی برنامه ریزی درسی.

بررسی دیدگاه دانشجویان مقطع کارشناسی فیزیوتراپی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز از ارزشیابی عملکرد بالینی با استفاده از چک لیست مبتنی بر بازخورد ندا اورکی فر - دانشگاه ع. پ. اهواز، نگین مرادی - دانشگاه ع. پ. اهواز، راضیه مفتاح - دانشگاه ع. پ. اهواز.

مقدمه: آموزش بالینی یکی از مهمترین بخش‌های آموزشی در رشته‌های پیراپزشکی و علوم توانبخشی است که سهم عمده‌ای از برنامه‌های آموزشی دوران تحصیل دانشجویان را به صورت واحدهای کارآموزی و کارورزی به خود اختصاص می‌دهد در این میان یکی از مسائل مهم و چالش برانگیز در آموزش بالینی، مسأله شیوه سنجش و ارزشیابی می‌باشد. ارزشیابی فرایند نظام مند برای جمع آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات و از اجزای مهم و لاینفک در هر برنامه آموزشی بوده که به شناسایی، توصیف، برآورد، اثرگذاری و سودمندی همه جانبه آموزش می‌پردازد. ارزشیابی باید شفاف، بی طرفانه و استاندارد باشد، عملکرد دانشجویان را مبتنی بر اهداف آموزشی تعیین شده ارزیابی کند، مستمر بوده و به دانشجویان بازخورد لازم را ارائه نماید. از این رو ارزشیابی در محیط بالینی سرنوشت ساز است و بدون آن شواهدی مبنی بر اینکه دانشجویان شایستگی لازم را کسب کرده تا بتوانند در محیط واقعی عملکرد

مناسب داشته باشد، امکان پذیر نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که روند ارزشیابی دانشجویان در بخش‌های بالینی اغلب توأم با ناراضیاتی است. به طور معمول، اغلب اساتید بالینی بر اساس مشاهدات خود و به روش ذهنی و سنتی ارزشیابی وضعیت بالینی دانشجویان را انجام می‌دهند. این روش ممکن است جانبدارانه و بعضاً تحت تأثیر سلیقه مربی قرار گیرد و از دقت کمی برای ارزشیابی دانشجویان برخوردار است و همچنین خطر نادیده گرفتن توجه به برخی از نکات مهم وجود دارد. همسان سازی روش ارزشیابی بالینی براساس چک لیست استاندارد که مورد تأیید گروه آموزشی باشد، سبب می‌شود ارزشیابی دانشجویان عینی باشد، مهارت دانشجویان بر اساس معیارهای مشخص مورد ارزیابی قرار گیرد، نقاط قوت و ضعف مشخص گردد و در نهایت فراگیر با در اختیار داشتن این چک لیست می‌تواند عملکرد خود را نیز بر آن اساس ارزیابی کند. بنابراین می‌توان از چک لیست برای بررسی رفتار یا عملکرد بالینی مشاهده شده از سوی دانشجویان در فضای درمانی و حین مواجهه با بیمار استفاده کرد. با توجه به سنتی بودن روش ارزشیابی عملکرد بالینی دانشجویان فیزیوتراپی دانشکده علوم توانبخشی اهواز در سال‌های گذشته که به صورت ذهنی و بر اساس سلیقه مربی و نکات مورد نظر وی انجام می‌شد و همچنین با اجرایی شدن روش ارزشیابی بالینی با استفاده از چک لیست به منظور همسان سازی شیوه ارزشیابی در کلیه مراکز آموزشی-درمانی تحت نظر این دانشکده، هدف از انجام مطالعه حاضر، سنجش میزان رضایت مندی دانشجویان فیزیوتراپی از ارائه این شیوه می‌باشد.

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی-مقطعی ۴۳ دانشجوی کارشناسی رشته فیزیوتراپی (سال سوم و چهارم) که در نیم سال دوم سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ مشغول به تحصیل بودند، شرکت داشتند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه «سنجش رضایت مندی» پس از اتمام دوره کارآموزی جمع آوری شد. این پرسشنامه شامل ۸ حیطه و حداکثر نمره آن ۹۵ بود. میانگین رضایت مندی دانشجویان فیزیوتراپی از چک لیست ارزشیابی ۱۲، 20 ± 58 بود. میانگین نمره هر حیطه بر حسب درصدی از حداکثر نمره آن نشان داد که کمترین درصد مربوط به حیطه مناسب بودن (۶، ۵۷٪) و بیشترین درصد مربوط به حیطه ارتقای مهارت‌ها (۴۵، ۶۴٪) بود و در همه حیطه‌ها میانگین نمره بالاتر از ۵۰ درصد بدست آمد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج بدست آمده نشانگر رضایت نسبی دانشجویان از این روش ارزشیابی بود. همچنین رضایت مندی نسبی دانشجویان در تمامی حیطه‌ها مشاهده شد. این نتایج، بیانگر موفقیت این شیوه در بهبود ارزشیابی بالینی می‌باشد و هر چند زمینه‌هایی برای توسعه این روش برای رسیدن به شرایط عالی وجود دارد اما به نظر میرسد تا حد قابل قبولی، نقایص روش قبلی از قبیل غیر منصفانه بودن، عینی نبودن و عدم مطابقت با اهداف آموزشی در این روش جدید مرتفع شده اند و مهمتر آنکه دانشجویان با دریافت بازخوردهای مکرر در طول هر نیمسال تحصیلی می‌توانند مهارت‌های خود را ارتقا دهند.

استفاده از چک لیست و در اختیار قرار دادن آن به دانشجویان قبل از شروع دوره کارآموزی، باعث توجه دادن و جهت دهی دانشجویان به شاخص های موردنظر اساتید بالینی در ارزیابی و نمره دهی در طول دوره شده و از این رو سبب منصفانه تر شدن شیوه نمره دهی به عملکرد بالینی دانشجو می شود نتایج این مطالعه هر چند قابل تعمیم به جامعه فیزیوتراپی کل کشور نیست، اما با توجه به پوشش مناسب چک لیست طراحی شده از کلیه مباحث مورد آموزش و با توجه به رضایت مندی نسبی دانشجویان از این روش ارزشیابی، به نظر می رسد که روش استفاده از چک لیست بتواند ابزاری مناسب جهت ارزشیابی عملکرد بالینی دانشجویان باشد.

ارزیابی وضعیت راند بالینی بر اساس استانداردهای آموزش بالینی

سعیده دریازاده - دانشگاه ع. پ. اصفهان، زهره خادمیان - مریم جعفری - محمدرضا شریف - محمدجواد آزادچهر - مریم یاورى - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه: آموزش بالینی از مقاطع حساس آموزش پزشکی می باشد که در شکل دهی توانمندی های حرفه ای فراگیران نقش عمده ای دارد و فرصتی برای بکارگیری دانش نظری دانشجویان به صورت عملی فراهم می کند. راندهای بالینی به عنوان بارزترین نوع آموزش بالینی است که به موازات فرآیندهای تشخیصی، درمان و مراقبت از بیمار در بخش های بیمارستان های آموزشی انجام می گیرد. این مطالعه با هدف ارزشیابی وضعیت راندهای بالینی در بیمارستان شهید بهشتی کاشان انجام شد.

روش اجرا: این پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۸، در دو مرحله انجام شد. ابتدا بر اساس استانداردهای آموزش بالینی تدوین شده توسط وزارت بهداشت، پرسشنامه راندهای بالینی با مقیاس لیکرت ۵ درجه، تدوین شد. روایی صوری و محتوا و پایایی پرسشنامه تایید گردید. (۰.۹۵۵، ۰.۲۰) در مرحله بعدی با استفاده از این ابزار، وضعیت راندهای بالینی از دیدگاه اساتید، پزشکان، دستیاران، کارورزان و کارآموزان یک بیمارستان آموزشی در گروه های آموزشی مختلف، ارزشیابی شد. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون تی) تحلیل شدند ($P \geq 0.05$).

یافته ها: شرکت کنندگان شامل ۳۰۲ نفر بودند. وضعیت راند بالینی از دیدگاه آنها بالاتر از حد متوسط قرار داشت. پاسخ های مشارکت کنندگان به وضعیت آموزشی راند بالینی بر گزینه های بسیار مطلوب و مطلوب متمرکز بود. میانگین وضعیت راند بالینی از دیدگاه گروه های داخلی، اطفال، زنان، عفونی و روانپزشکی، به طور معناداری بالاتر از حد متوسط قرار داشت ($p > 0.001$).

بحث و نتیجه گیری: وضعیت راند بالینی در مجموع، مطلوب گزارش شد. به نظر می رسد آگاهی اساتید از استانداردهای آموزشی در عرصه راند بالینی در ارتقای کیفیت آن و در نهایت بهبود صلاحیت بالینی فراگیران و ارائه خدمات درمانی، موثر است.

آزمون ساختار یافته عینی (OSCE) از دیدگاه فراگیران پزشکی

سعیده دریازاده - دانشگاه ع. پ. اصفهان، محمد شهاب اخوان - محمدجواد آزادچهر - محمدرضا شریف - مریم یاورى -

مقدمه: یکی از روش های ارزشیابی نهایی در بیشتر بخش های بالینی دانشگاه های علوم پزشکی، استفاده از آزمون ساختار یافته عینی (OSCE) است. با توجه به اهمیت سنجش ابعاد مختلف مهارتهای بالینی در دانشجویان پزشکی، این مطالعه با هدف بررسی دیدگاه فراگیران پزشکی بیمارستان شهید بهشتی دانشگاه علوم پزشکی کاشان، نسبت به این آزمون در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه به صورت توصیفی مقطعی با مشارکت ۱۰۳ نفر از فراگیران پزشکی در مقاطع دستیاری و کارورزی و کارآموزی انجام شد. این دانشجویان حداقل یک بار در آزمون شرکت کرده بودند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه ای روا و پایا شامل ۲۳ پرسش در مقیاس لیکرت برای تعیین دیدگاه فراگیران در مورد ساختار کلی، نحوه برگزاری و کل آزمون بود. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ و آزمون های آماری تجزیه و تحلیل شد. ($P \geq 0.05$)

یافته ها: میزان موافقت اکثر دانشجویان نسبت به کل آزمون OSCE (۸۰.۷۴ درصد) با میانگین نمره ۱.۰۱، 1.0 ± 0.59 و در سطح متوسط بود. در میزان موافقت دانشجویان نسبت به کل آزمون OSCE و ساختار کلی آن بر حسب جنس، مقطع تحصیلی و سال دستیاری اختلاف معناداری وجود نداشت ($p > 0.05$) اما در ارتباط با نحوه برگزاری آزمون OSCE، میزان موافقت کارآموزان به طور معناداری بیشتر از کارورزان و دستیاران بود ($p = 0.022$). در مجموع از دیدگاه بیشتر فراگیران آزمون OSCE در سطح متوسطی برگزار می شود.

بحث و نتیجه گیری: در مجموع فراگیران پزشکی بیمارستان شهید بهشتی کاشان دیدگاه مثبتی نسبت به برگزاری آزمون OSCE داشتند. اما ساختار و نحوه برگزاری آزمون باید تغییر یافته و کیفیت آن از نظر محتوای ایستگاهها، حضور ممتحن و بیمار استاندارد شده بهبود یابد و بتواند به عنوان یک ابزار ارزشیابی در دپارتمان های آموزشی بیمارستان استفاده شود.

بررسی کیفیت محیط آموزشی درمانگاهی در درمانگاه های تخصصی و فوق تخصصی بیمارستان امام رضا از دیدگاه کارآموزان و کارورزان بر اساس پرسش نامه ACLEEM

زینب مسلمی زاده - دانشگاه ع. پ. مشهد، حدیثه ارحامی نیا - دانشگاه ع. پ. مشهد، لادن گشایشی - دانشگاه ع. پ. مشهد،

مقدمه: آموزش درمانگاهی از مهمترین بخش های آموزش پزشکی بوده که تاثیر بسزایی در ارتقا توانمندی های حرفه ای فراگیران دارد. امروزه با تغییر رویکرد های آموزش پزشکی و تغییر الگوی آموزش بالینی در بخش های بستری به بخش های سرپایی؛ درمانگاه ها اهمیت ویژه ای پیدا کرده و گسترش یافته اند. با توجه به اهمیت و جایگاه درمانگاه های سرپایی در آموزش پزشکی و لزوم بازنگری فرآیند های ویزیت بیماران سرپایی، این مطالعه با هدف بررسی کیفیت آموزش دانشجویان کارآموز و کارورز دانشگاه علوم پزشکی مشهد در درمانگاه بیمارستان امام رضا (ع) انجام شد.

روش اجرا: مطالعه تحلیلی - توصیفی حاضر به روش مقطعی در سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ در دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام گردید. جامعه مورد مطالعه ۵۰ نفر از دانشجویان دوره کارآموزی و کارورزی بودند که به روش سرشماری انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه (Ambulatory Clinical Learning Educational Environment Measure (ACLEEM (حای ۵۰ سؤال در سه حیطه آموزش بالینی نظری، آموزش بالینی عملی و امکانات و پشتیبانی بود. روانی پرسشنامه به روش تأیید روایی محتوا (Content validity) توسط تأیید افراد صاحب نظر و آشنا با آموزش بالینی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha = 0.977$) کنترل گردید. همچنین در این پژوهش به منظور آنالیز داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده گردید.

یافته ها: نمره کلی پرسشنامه 119.64 ± 1.15 از ۲۰۰ به دست آمد که نشان دهنده وضعیت مطلوب محیط آموزش سرپایی در جامعه مورد مطالعه می باشد. نمره کلی حیطه ی آموزش بالینی نظری 0.99 ± 42.46 از ۶۴. آموزش بالینی عملی 1.04 ± 55.64 از ۸۸ و امکانات و پشتیبانی 1.31 ± 21.54 از ۴۸ به دست آمد. بین میانگین امتیازات در هر سه حیطه بر اساس دوره آموزش کارآموزی و کارورزی ($p \leq 0.01$) تفاوت معنادار وجود داشت.

بحث و نتیجه گیری: به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که ارزیابی کارآموزان و کارورزان از محیط آموزش درمانگاهی مثبت بوده است. بیشترین رضایت دانشجویان در حیطه آموزش بالینی نظری (۶۶٪) و کمترین رضایت در حیطه پشتیبانی و امکانات بیمارستان (۴۵٪) از قبیل دسترسی کافی به اینترنت، کمد و سرویس بهداشتی

می باشد. بنابراین انتظار می رود دست اندرکاران در جهت ایجاد فضا و امکانات آموزشی مناسب به منظور یادگیری هرچه بهتر فراگیران در این محیط ها اهتمام ورزند.

شناسایی منابع ارزیابی اعتباربخشی پزشکی عمومی

امیر احمد عرب زاده - دانشگاه ع. پ. اردبیل، عبدالله مهدوی - دانشگاه ع. پ. اردبیل، عسگر آرمون - دانشگاه ع. پ. اردبیل، عزیز کامران -

مقدمه: در سالهای اخیر از زمینه هایی که در رشته پزشکی عمومی، توجه فراوانی را در محافل علمی آموزش پزشکی کشور به خود جلب نموده است، اعتباربخشی (Accreditation) می باشد. اعتباربخشی فرایندی است که به موجب آن نهادهای نظارتی بیرونی، موسسات آموزشی را بر اساس معیارها، استانداردها و رویه های تنظیم شده ارزیابی می کنند و بر این اساس مشخص می شود آیا دانشکده پزشکی استانداردهای ملی و بین المللی دوره آموزشی پزشکی عمومی را رعایت کرده است یا خیر؟ جهت ارزیابی دقیق روند اجرای استانداردهای اعتباربخشی پزشکی عمومی در دانشکده و دانشگاه، ضرورت دارد از منابع و حوزه های مختلف بهره گیری نمود. در این راستا، این پژوهش با هدف شناسایی منابع ارزیابی اعتباربخشی پزشکی عمومی انجام یافت. **روش اجرا:** این مطالعه در سال ۱۳۹۹ به روش کیفی از نوع اکتشافی انجام یافت. جامعه آماری شامل تمامی اعضای هیأت علمی دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه آمایشی ۲ بود. نمونه تحقیق به روش هدفمند از میان مشارکت کنندگان انتخاب گردید و شامل ۱۴ نفر از افراد مطلع و آگاه (اعضای هیأت علمی خبره، مسئولین حوزه های اعتباربخشی پزشکی عمومی، محققین برجسته حوزه آموزش) بودند که سابقه مسئولیتی، مدیریتی یا مطالعاتی در این حوزه را داشتند. جهت انتخاب افراد مطلع و آگاه برای انجام مصاحبه ها و شناسایی شاخص ها، از الگوی نمونه گیری زنجیره ای (گلوله برفی) استفاده شد. داده های پژوهش از طریق مصاحبه های عمیق نیمه ساختار یافته با مشارکت کنندگان به صورت انفرادی جمع آوری شد و گردآوری اطلاعات تا اشباع اطلاعات ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده های حاصل به روش تحلیل محتوای کیفی با تکیه بر کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی، انجام گردید و نتایج به دست آمده با اطلاعات حاصل از مبانی نظری و تحقیقاتی تطبیق داده شد.

یافته ها: مطابق یافته های حاصل از این مطالعه، منابع ارزیابی اعتباربخشی پزشکی عمومی شامل ۴ منبع؛ منابع داخلی (با ۱۰ زیرشاخص؛ مسئولین اعتباربخشی، معاونت آموزشی دانشگاه و دانشکده، مرکز مطالعات و توسعه آموزش، مدیریت آموزشی دانشگاه، شورای آموزشی دانشکده و دانشگاه، معاونت آموزشی بیمارستان ها، مدیران گروه های آموزشی، رؤسای بخشها، دفاتر توسعه آموزش و دانشجویان)، منابع منطقه ای (با ۴ زیرشاخص؛ مسئولین اعتباربخشی کلان منطقه

آمایشی، معاونت آموزشی دانشگاهها، ارزیابان اعتباربخشی از دانشگاههای کلان منطقه ای و کمیته های پایش و ارزیابی منطقه ای پزشکی عمومی)، منابع ملی (با ۶ زیرشاخص: نخبگان آموزش پزشکی کشوری، ارزیابان وزارتی پزشکی عمومی، معاونت آموزشی وزارت بهداشت، شورای آموزش پزشکی عمومی، رابطین بازنگري و تحول در پزشکی عمومی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش وزارت) و منابع بین المللی (با ۶ زیرشاخص: نخبگان بین المللی آموزش پزشکی، سازمان بهداشت جهانی، کمیته و کارگروه ارزیابی اعتباربخشی رشته پزشکی دانشگاههای معتبر دنیا، فدراسیون جهانی آموزش پزشکی، اعتباربخشی انجمن های پزشکی و مشاوران بین المللی اعتباربخشی پزشکی عمومی) می باشد که به ترتیب دارای بیشترین فراوانی بوده و نسبت به سایر شاخص ها در آموزش پاسخگو و عدالت محور در آموزش علوم پزشکی اهمیت بیشتری دارند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج حاصل نشانگر آن است که، منابع اعتباربخشی پزشکی عمومی، منابع داخلی، منطقه ای، ملی و بین المللی از اصلی ترین منابع موجود در ارزیابی اجرای استانداردهای اعتباربخشی پزشکی عمومی هستند و این امر بیانگر لزوم توجه به هر یک از چهار منبع مذکور جهت بررسی استانداردهای اعتباربخشی پزشکی عمومی می باشد. در همین زمینه برگزاری جلسات و کارگاه های آموزشی مرتبط برای تمامی افراد دخیل و تأثیرگذار در اعتباربخشی پزشکی عمومی و تبیین منابع داخلی، منطقه ای، ملی و بین المللی اعتباربخشی و مؤلفه های هر یک از این منابع ضروری می باشد. از عمده ترین محدودیت های این پژوهش، کم بودن کار تحقیقاتی داخلی و خارجی در زمینه شناسایی منابع ارزیابی اعتباربخشی پزشکی عمومی می باشد.

کلمات کلیدی: اعتباربخشی، استانداردها، پزشکی عمومی.

بررسی میزان رضایتمندی دانشجویان پزشکی از روش های ارزشیابی مجازی درس فیزیولوژی قلب در ایام

پاندمی ۱۹ Covid

سیده زینب قاهری - دانشکده ع. پ. آبادان، سارا مبارک - فاطمه مقصودی - عصمت رادمش - دانشکده ع. پ. آبادان.

مقدمه: با شیوع ویروس COVID-۱۹ در سرتاسر جهان، بسیاری از دانشگاه ها کلاس های حضوری را لغو کرده و ضرورت آموزش مجازی و ارزشیابی مجازی وجود دارد. ارزشیابی به علت ماهیت خود، یکی از گسترده ترین مباحث فرایند آموزش و یادگیری می باشد که هدف اصلی آن، افزایش یادگیری و توسعه است و به مدرس در ارزیابی فعالیت های خود کمک شایانی می کند. در رابطه با رضایت دانشجویان از ارزشیابی مجازی مطالعات اندک و متناقض (رضایتمندی، نارضایتی) وجود دارد.

هدف: با توجه به اینکه ارزشیابی به عنوان یکی از عناصر اصلی و مهم هر نظام آموزشی شناخته می شود و در نظام آموزش الکترونیکی نیز ارزشیابی و ابزارهای ارزشیابی از اهمیت بالایی برخوردار است و با توجه به شرایط موجود و همچنین دشواری و اهمیت بالای درس فیزیولوژی در دوران علوم پایه پزشکی، در این پژوهش سعی خواهد شد تا میزان رضایت مندی دانشجویان پزشکی از روش ارزشیابی مجازی درس فیزیولوژی بررسی شود.

روش اجرا: این مطالعه یک مطالعه توصیفی مقطعی می باشد. معیار ورود دانشجویان پزشکی دوره علوم پایه دانشکده علوم پزشکی آبادان که در نیمسال دوم ۹۸-۹۹ (پاندمی COVID-۱۹) درس فیزیولوژی قلب را به صورت مجازی انتخاب کرده بودند و از لحاظ اداره آموزش مشکلی برای انتخاب واحد این درس نداشتند. معیار خروج از برنامه افرادی که درس مورد نظر را حذف کردند. یک پرسشنامه آنلاین محقق ساخته سه قسمتی که بخش اول در مورد هدف انجام طرح می باشد بخش دوم سوالی در مورد اطلاعات دموگرافیک دانشجویان را در بر گرفته و قسمت سوم شامل ۱۷ سوال در مورد میزان رضایت دانشجویان از انواع روشهایی که برای ارزشیابی دانشجویان در طول ترم (ارزشیابی تکوینی مجازی) و در پایان ترم (ارزشیابی پایانی مجازی یا تراکمی مجازی) به کار برده شده می باشد که با مقیاس رتبه ای پنج نقطه ای لیکرت به صورت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) ارائه شده است. سوالات بخش دوم روایی پرسشنامه توسط بررسی و اعمال نظر چند از نفر اساتید باتجربه (۲۰ نفر) تأمین شد و پایایی آن به روش بازآزمایی تأیید شد و به روش آلفای کرونباخ (۰،۷) بررسی شد. پس از جمع آوری اطلاعات و سازمان دهی آن ها، اطلاعات برای تحلیل آماری به نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ منتقل شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی انجام شد.

یافته ها: در مطالعه حاضر ۴۲ نفر از دانشجویان دانشکده علوم پزشکی آبادان شرکت کردند. دانشجویان در محدوده سنی ۱۸ تا ۳۲ سال با میانگین و انحراف معیار ۸۰، ۴±۲، ۲۱ سال بودند. ۴۰، ۴۷٪ از شرکت کنندگان مذکر و ۵۹، ۵۲٪ از شرکت کنندگان مونث بودند. ۷۶٪ موافق بودن که درصد بیشتری از نمره مربوط به ارزشیابی تکوینی مجازی باشد و ۷۹٪ اعتقاد داشتند که میزان استرس در ارزشیابی پایانی مجازی نسبت به ارزشیابی تکوینی مجازی بیشتر می باشد. حدود ۹۳٪ موافق بودن که کل سوالات ارزشیابی پایانی از نوع چهار جوابی باشد و فقط ۲، ۳٪ موافق ارزشیابی پایانی از نوع تشریحی بودند. ۷۴٪ نگران عدم دسترسی به اینترنت و یا قطعی اینترنت در زمان آزمون آنلاین پایانی بودند. ۹۰٪ معتقد بودند با زمان کمتر از یک دقیقه برای هر سوال تستی دچار افزایش استرس می شوند. و ۸۸٪ از شرکت کنندگان اعتقاد داشتند با زمان ۱ الی ۲ دقیقه برای هر سوال تستی استرس کمتر می شود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاضر ارزشیابی تکوینی مجازی در درس فیزیولوژی قلب، جایگاه پذیرفته شده ای دارد و به کاهش استرس در دانشجویان و یادگیری بیشتر در این درس کمک می کند. و با توجه به دشواری درس فیزیولوژی قلب دانشجویان ترجیح می دهند اکثر سوالات ارزشیابی پایانی از نوع تستی باشد و زمان هم به ازای هر سوال تستی کمتر از یک دقیقه نباشد. و زمان مابین ۱۱ الی ۲ دقیقه برای هر سوال تستی مناسبتر می باشد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر رعایت کدهای اخلاق حرفه ای را توسط اعضای هیات علمی بالینی در بازه بسیار زیاد نشان داد. با این وجود، اهمیت اخلاق حرفه ای در محیط های بالینی در مورد کلیه فراگیران توسط اساتید بالینی در امر آموزش و حرفه ای گری مدنظر قرار گیرد و در این راستا آموزش مستمراخلاق حرفه ای به اعضای هیات علمی بالینی و فراگیران پزشکی، ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، اعضای هیات علمی بالینی، کد اخلاق

بررسی رعایت کدهای اخلاقی در آموزش توسط اعضا

هیات علمی علوم بالینی پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان

مریم یآوری - دانشگاه ع. پ. کاشان، علی صابر - منصوره مومن هروی - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه: حرفه ای گرایی یکی از مطرحترین عناوین در اخلاق پزشکی است که در این میان آموزش دهندگان یا اساتید نقش به سزایی در آموزش و سنجش آن ایفا می کنند. هدف از این مطالعه، بررسی رعایت کدهای اخلاقی در آموزش توسط اعضا هیات علمی علوم بالینی پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان بود.

روش اجرا: در یک مطالعه توصیفی-مقطعی در بیمارستان آموزشی شهید بهشتی دانشگاه علوم پزشکی کاشان، تعداد ۱۲۲ کارورز دوره پزشکی در سال ۹۵ به طور تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات با پرسشنامه محقق ساخته بود که کارورزان آن را به صورت خودایفا تکمیل می کردند. داده ها با نرم افزار SPSS و به صورت جداول فراوانی، میانگین و انحراف معیار، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در نظر سنجی انجام شده، بالاترین میزان فراوانی در رعایت کدهای اخلاق در آموزش در هیات علمی بالینی در بازه ۸۰ - ۱۰۰٪ می باشد که در حد بسیار خوب است، که در میان حیطه های مورد بررسی رعایت در حیطه تواضع (۷۵,۹٪) بیشترین میزان رابه خود اختصاص داده است. ارتباط معناداری بین جنسیت و رعایت کدهای اخلاق در آموزش در هیات علمی بالینی در حیطه قناعت وجود داشت. بطوری که در ارزیابی شوندهگان مرد میزان رعایت رعایت کدهای اخلاق در آموزش در هیات علمی بالینی در حیطه قناعت بیشتر از ارزیابی شوندهگان زن بوده است (P value = ۰,۰۲). همچنین، ارتباط معناداری بین جنسیت پاسخ دهندگان و میانگین درصد رعایت کدهای اخلاقی در آموزش در هیات علمی علوم بالینی وجود نداشت (Pvalue > ۰,۰۵).

ارزیابی متن بیانیه رسالت دوره کارشناسی هوشبری از

دیدگاه دانشجویان هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان

حسین عسگری - دانشگاه ع. پ. کاشان، اکرم نزع پور - دانشگاه ع. پ. کاشان، هانیه عابدی - فخرالسادات میرحسینی - دانشگاه ع. پ. کاشان، مهرداد مهدیان - دانشگاه ع. پ. کاشان، فاطمه حسن شیرینی - دانشگاه ع. پ. کاشان، محمد شبانی ورکانی - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه: رشته کارشناسی هوشبری یکی از شاخه های پیراپزشکی می باشد و موضوعات اصلی آن، مراقبت از بیماران تحت انواع بیهوشی و بیحسی در مراحل قبل، حین و بعد از اعمال جراحی می باشد. توجه به چگونگی تربیت نیروی انسانی جهت اداره و انجام خدمات بهداشتی-درمانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بدین منظور توجه به رسالت رشته در آغاز فعالیت تخصصی می تواند چشم انداز و دیدگاه دانشجویان را به نقشی که در آینده ایفا خواهد کرد روشن کند. بعلاوه از آنجایی که دانشگاه ها و مراکز عالی در طی چند دهه ی اخیر به سمت دانشگاه های نسل سوم و چهارم در حرکتند؛ این نیاز بیش از پیش حس می گردد که می بایست متن مدون شده برای رسالت هر یک از رشته های علوم پزشکی منطبق با این اهداف راهبردی نیز مورد بازنگری و بازنویسی قرار گیرند. مطالعه حاضر با هدف بررسی نظرات دانشجویان هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان در مورد رسالت تدوین شده در گروه هوشبری بر اساس کوریکولوم درسی دوره کارشناسی هوشبری مصوب وزارت بهداشت و درمان می باشد.

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی-مقطعی نظرات ۷۰ دانشجوی ورودی های مختلف دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته هوشبری در زمینه رسالت رشته هوشبری مرتبط با کوریکولوم درسی رشته در قالب پرسشنامه الکترونیک مورد ارزیابی قرار گرفت. بدین صورت که پرسشنامه متشکل از ۶ سوال چهارگزینه ای و یک سوال باز بود. در صفحه اول پرسشنامه متن رسالت رشته تدوین شده بود. پاسخ دانشجویان در طی دو هفته جمع آور و تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان ۷۰ دانشجو شرکت‌کننده در نظرسنجی رسالت رشته هوشبری هیچکدام اطلاعی از متن رسالت رشته نداشتند. همه این دانشجویان معتقد بودند که درون‌مایه رسالت رشته کارشناسی هوشبری می‌بایست تربیت دانشجویان چند بعدی توانمند و کارآفرین و خلاق باشد. همچنین ۷۴ درصد از دانشجویان معتقد بودند بسیاری از اهداف موجود در رسالت رشته در طول دوره‌های برنامه‌ریزی شده تحقق نمی‌یابد که علت آن را نیز عدم برنامه‌ریزی مناسب و نبود نظارت کافی در برآورده شدن اهداف می‌دانستند. همچنین این مطالعه نشان داد دانشجویان کارورز و کارآموز و دانشجویان ارشد رشته آموزش هوشبری با مفهوم حرفه‌ای‌گری آشنا نبوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های بدست آمده گویای این است که می‌بایست ابتدا متن رسالت رشته هوشبری در میان دانشجویان تبیین شود، سپس اساتید گروه مذکور راهبردهای رسیدن به رسالت رشته را بازگو نمایند و بعلاوه میزان دستیابی به این رسالت را در گروه‌های فارغ‌التحصیل مورد ارزیابی قرار دهند^۱ البته با توجه به شواهد موجود می‌توان گفت که اساتید گروه در درس و واحدهایی مثل اخلاق حرفه‌ای و طرح درس واحدهای بالینی به موضوعات موجود در رسالت رشته توجه ویژه دارند^۲ اما باید در نظر گرفت که بدون ایجاد پیش فرض مناسب ارائه این اهداف از اثرگذاری کمتری برخوردار خواهند بود. بعلاوه باید برای دانشجویان مفاهیمی مثل حرفه‌ای‌گری را تشریح نمود و آن‌ها را در این زمینه تقویت نمود. از آنجا که نسل سوم دانشگاه‌ها در حال گسترش است لازم است ساز و کاری در رسالت رشته تدوین شود که دانشجویان را در این زمینه نیز توانمند و پویا نماید.

کلمات کلیدی: رسالت رشته، دوره کارشناسی هوشبری، تدوین

فراصالحیتهای اعضای هیات علمی در دانشگاه های علوم پزشکی

مریم حسینی ابرده - بدون وابستگی دانشگاهی، سعیده علیدوست - زینب فروغی - دانشگاه ع. پ. ایران، شهرام یزدانی .

مقدمه: فراصالحیتهای اعضای هیات علمی در دانشگاه های علوم پزشکی اعضای هیات علمی رکن اساسی مراکز آموزشی و پژوهشی به شمار می‌روند و توجه به این جایگاه، به منزله توجه به سرمایه انسانی در سازمان‌ها است و در صورت توجه به این مهم رسالت سازمان‌ها و به ویژه سازمان‌های آموزشی بسیار باکیفیت تر به انجام خواهد رسید^(۱) امروز، اعضای هیات علمی در دانشگاه های علوم پزشکی با چالش‌هایی در حوزه‌های وظیفه‌ای خود روبه‌رو هستند و برای بقا در این محیط متغیر نیازمند مجموعه گسترده‌ای از صلاحیت‌های هستند^(۲) صلاحیت به عنوان "یک ویژگی اساسی یک فرد تعریف می‌شود که به طور علی مربوط به عملکرد موثر و، یا برتر فرد در یک شغل یا موقعیت

است^(۳)علاوه بر صلاحیت‌ها، اعضای هیات علمی به منظور به انجام رساندن هر چه بهتر وظایف خود نیازمند مجموعه‌ای از فراصالحیت‌ها نیز می‌باشند. فراصالحیت‌ها، صلاحیت‌هایی فراگیر و جامعی هستند که مربوط به سطوح بالای عملکرد حرفه‌ای است و صفات کیفی را به عملکرد مرتبط می‌کند. (۴) هدف از این مطالعه شناسایی فراصالحیت‌های لازم برای اعضای هیات علمی در اجرای نقش‌های خود در دانشگاه های علوم پزشکی می‌باشد.

روش اجرا: مطالعه حاضر متشکل از دو مطالعه مرور نظام مند و مرور جامع (scoping review) بود. مطالعه اول با هدف شناسایی فراصالحیت‌های در نظر گرفته شده برای اعضای هیات علمی، مدل‌ها و نظام‌های ارتقا، توسعه و ارزشیابی اعضای هیات علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی در سراسر دنیا مورد بررسی قرار گرفت. کلید واژه‌های مرتبط در پایگاه‌های داده‌ای PubMed، google scholar، Web of Science، Embase و Scopus جستجو شد و در مرحله اول غربالگری عنوان و چکیده اسناد و در مرحله دوم مبتنی بر مطابقت متن مقالات با معیارهای ورود و خروج مطالعه، تعداد ۴۰ سند وارد مطالعه شدند. به منظور ارزیابی کیفیت مقالات از ابزار the Mixed Methods Appraisal Tool (MMAT) نسخه ۱۸ که برای مرور نظام مند مطالعات ترکیبی به کار می‌رود و در آن پژوهشگر باید روش‌های اجرای مختلفی را مورد ارزیابی قرار دهد، استفاده شد. نتایج ارزیابی کیفیت تنها در تفسیر نتایج مطالعات به کار رفت و به مطالعاتی که امتیاز بالاتری از نظر کیفیت کسب کردند وزن بیشتری اختصاص داده شد. به منظور استخراج و تحلیل داده‌ها از فرم استخراج داده‌ی محقق ساخته استفاده شد. خروجی این مرحله فراصالحیت‌های مرتبط با نقش‌های مختلف اعضای هیات علمی را مشخص نمود. در مرحله‌ی دوم به منظور شناسایی دقیق تر فراصالحیت‌های مرتبط با هر نقش از مرور جامع استفاده شد. در این مرحله از کلید واژه‌های مختص هر نقش به همراه کلید واژه‌های meta competency, Role و Medical faculty استفاده شد تا فراصالحیت‌های مختص هر نقش شناسایی گردد.

یافته‌ها: فراصالحیت‌های شناسایی شده در این مطالعه شامل (۱) آموزش و پژوهش یادگیری مداوم، (۲) یادگیری خود راهبر، (۳) تفکر عالی (۴) رفتار حرفه‌ای، (۵) رهبری، (۶) توانایی فعالیت در محیط بین رشته‌ای (۷) تاب‌آوری در سیستم، (۸) مدیریت خطر، (۹) مدیریت خطا، (۱۰) عملکرد مبتنی بر سیستم، (۱۱) یادگیری مبتنی بر عملکرد و (۱۲) عملکرد مبتنی بر ارزش شناسایی شد. سپس هر یک از فراصالحیت‌ها به تفکیک هر نقش مشخص گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت نقش اعضای هیات علمی در دانشگاه‌های علوم پزشکی به نظر می‌رسد آنچه که سبب بهبود هر چه بیشتر عملکرد اعضای هیات علمی می‌گردد، صلاحیت‌های آنها به تنهایی نیست، بلکه دارا بودن مجموعه‌ای از صلاحیت‌ها و همراهی آن

صلاحیت‌ها با فراصلاحیت‌ها سبب بهبود عملکرد آنها و متمایز ساختن اعضای هیات علمی می‌گردد و نیز از طریق شناسایی فراصلاحیت‌ها می‌توانیم دوره‌های اثربخش و با کیفیت توسعه اعضای هیات علمی را در راستای دستیابی به مأموریت‌های دانشگاه ایجاد نماییم و معیارهای ارزشیابی مناسب‌تری را جهت ارزیابی عملکرد آنها تعیین نماییم.

ارزیابی نظرات اعضای هیات علمی شرکت کننده در کارگاه‌های توانمندسازی مجازی در دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان در سال ۹۸

دکتر سید سعید کسانیان - دانشگاه ع. پ. سمنان، ملیحه بخشائی - دانشگاه ع. پ. سمنان، لیدا فتاحی زاده - دانشگاه ع. پ. سمنان، فریده ایزدی .

مقدمه: امروزه آموزش مجازی مستمر جهت توانمندسازی اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها در سیستم‌های آموزشی بعنوان یک ضرورت مناسب و مقرون به صرفه در جهان و مطرح است. در این راستا بهره‌مندی از نظرات و دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های مجازی جهت استمرار، نحوه اجرا و ارتقاء کارگاه‌های آموزشی جهت توانمندسازی آنان کمک بسیار شایانی جهت مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی در مراکز آموزشی خواهد کرد.

روش اجرا: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی است و برای دستیابی به اهداف پژوهش، با توجه به ضروری بودن، گروهی از کارگاه‌های آموزشی مجازی برگزار شده سال ۱۳۹۸ در دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان جهت توانمندسازی اعضای هیات علمی و ارتقاء برنامه آموزشی دانشگاه مورد بررسی قرار گرفت. دیدگاه‌های اعضای هیات علمی دانشگاه براساس یک پرسشنامه استاندارد مورد بررسی قرار گرفت. و سپس داده‌ها با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان داد کیفیت مطالب، اسلایدها و محتوای آموزشی ۸۴٪، در روش آموزش مجازی ۷۷٪، با بکارگیری این رسانه آموزشی ۸۷٪، با هدایت و کنترل کارگاه توسط مدرسین ۸۰٪، در انتقال مفاهیم ۸۶٪ و همچنین پاسخگویی مناسب و به موقع به شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها ۸۴٪، اهداف مورد انتظار ۷۹٪ شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های توانمندسازی، اخلاق حرفه‌ای، اخلاق در آموزش، کارگاه روش‌های ارزشیابی در آموزش کارگاه lesson plan Course plan -- و کارگاه روش‌های تدریس تامین شد.

بحث و نتیجه‌گیری: آگاهی از نظرات اعضای هیات علمی شرکت‌کننده در برنامه‌های آموزشی مجازی در مورد روش و همچنین جنبه‌های مختلف برنامه آموزشی ارائه شده بصورت مجازی، برنامه ریزان آموزشی دانشگاه‌ها علوم پزشکی را یاری خواهد نمود تا ضمن ارتقاء

کمی، کیفی برنامه‌ها جهت توانمندسازی اعضای هیات علمی، و همچنین با ایجاد یک سیستم آموزشی مجازی نظاممند و یکپارچه کشوری توسط سیاست‌گذاران آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی جهت توانمندسازی اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، بسترهای لازم و مقرون به صرفه برای حرکت در مسیر توسعه آموزش علوم پزشکی بیش از پیش فراهم گردد.

تأثیر کرونا بر ارزشیابی اعضای هیات علمی از دیدگاه فراگیران قبل و حین اپیدمی کرونا در دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

فرزانه گل محمدی - دانشگاه ع. پ. کرمانشاه، مهدی مرادی نظر - طیبه مطاعی - دانشگاه ع. پ. کرمانشاه، سارا هوکری .

مقدمه: آموزش عالی از جمله نظام‌های بنیادی جامعه است که دارای رسالت‌های ویژه می‌باشد از آن جمله می‌توان به ارتباط با آرمان‌های جامعه و نظام ارزشی آن و تربیت نیروی متخصص مورد نیاز کشور اشاره کرد. در این راستا، دانشگاه‌های علوم پزشکی از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردارند. دانشگاه‌های علوم پزشکی مسئولیت و تعلیم و تربیت پزشکانی را به عهده دارند که پس از دانش‌آموختگی بتوانند با انجام وظایف حرفه‌ای خود و پایبندی به اصول مشخصی که این حرفه ایجاد می‌نماید، در راه ارتقای سلامت جامعه تلاش نمایند. امروزه تقاضا برای برنامه‌هایی است که نه تنها در برگزیده‌ی بازتاب‌های اجتماعی باشند، بلکه مجوزی برای مشارکت افراد در شکل‌دهی مستمر اجتماع آورند. از این رو توجه به انگیزه‌نگرش‌ها، علایق، نیازها، ها و تجارب دانشجویان، به عنوان عامل اساسی در فرایند برنامه‌ریزی درسی ضروری است. لذا هدف ما در این مطالعه تعیین تأثیر کرونا بر ارزشیابی اعضای هیات علمی از دیدگاه فراگیران دانشگاه علوم پزشکی می‌باشد.

روش اجرا: پژوهش حاضر یک مطالعه طولی همراه با چهار سال دوره پیگیری و چهار مرحله ارزشیابی در هر سال می‌باشد که به منظور بررسی تأثیر اپیدمی کرونا بر عملکرد اساتید از دیدگاه دانشجویان انجام گردید. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اساتید دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه می‌باشد که در طی سالهای ۱۳۹۹-۱۳۹۶ در دانشگاه مذکور در حال خدمت بودند. اجرای مطالعه با تکمیل فرم ارزشیابی توسط دانشجویان صورت گرفت که فرایند تکمیل فرم مذکور در سالهای قبل از اپیدمی کرونا (۹۸-۹۷-۱۳۹۶) با استفاده از فرم کاغذی و در زمان اپیدمی کرونا (۱۳۹۹) با استفاده از فرم آنلاین آن صورت گرفت. فرم ارزشیابی در پایان سه ماهه سوم هر سال در اختیار دانشجویان قرار گرفت و به این ترتیب اطلاعات ارزشیابی عملکرد ۱۵۷ نفر از اساتید دانشگاه از نگاه دانشجویان در طول سالهای ۹۹-۱۳۹۶ جمع‌آوری و ثبت گردید. جهت مقایسه میانگین نمره عملکرد اساتید در فاصله سالهای ۹۹-۱۳۹۶ از

مدل Mixed استفاده گردید. تمامی آنالیزها به کمک نرم افزار آماری SPSS ۲۰ و در سطح معنی داری ۰,۰۵ صورت گرفت.

یافته ها: نمره ارزشیابی اساتید در سالهای ۹۹-۹۸-۹۷-۹۶ به ترتیب با میانگین های ۳,۵۸ و ۳,۵۶ و ۳,۶۵ و ۳,۷۲ گزارش شد که این اعداد نشان می دهند که نمره ارزشیابی اساتید از نظر فراگیران به ترتیب در سالهای ۹۸, ۹۷, ۹۶, ۹۹ با میانگین بالاتری گزارش شده است. همچنین نتایج مقایسه میانگین نمره ارزشیابی اساتید از نظر دانشجویان، در زمان های قبل از اپیدمی کرونا (۹۸-۹۷-۹۶) و همچنین حین اپیدمی کرونا (۱۳۹۹) نشان داد که در زمان اپیدمی کرونا (سال ۱۳۹۹) میانگین نمره ارزشیابی اساتید بیشتر از میانگین نمرات آنها در هر یک از سالهای ۹۸-۹۷-۹۶ می باشد. بررسی های بیشتر دال بر معناداری مدل mixed بود ($p < 0,05$). نیز نشان داد که میانگین نمره ارزشیابی اساتید در سال ۱۳۹۹ (۳,۷۲)، به میزان معناداری (۰,۱۵۷) از میانگین نمره ارزشیابی آنها در سال ۱۳۹۷ (۳,۵۶) بیشتر می باشد ($P < 0,05$). جدول ۱: نتایج مقایسه میانگین نمره ارزشیابی اساتید در زمان های قبل و بعد از اپیدمی کرونا سطح معناداری تفاوت میانگین ها نمره ارزشیابی اساتید نقاط زمانی انحراف معیار میانگین ۰,۱۳۳ ۰,۱۱۶ [time] ۱ ۰,۰۴۱ [time] ۴- [time] ۳,۵۸ ۱۳۹۶ [time] ۱ ۰,۰۲۸ [time] ۱ * [time] ۰,۱۵۷ [time] ۲ ۰,۸۵۶ [time] ۲ ۰,۳۴ ۳,۵۶ ۱۳۹۷ [time] ۲ ۰,۰۶۹ [time] ۴- [time] ۳ ۰,۰۴۲ ۳,۶۵ ۱۳۹۸ [time] ۳ ۰,۰۴۸ ۳,۷۲ ۱۳۹۹ [time] ۳ * [time] ۴ در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ معناداری باشد.

کلمات کلیدی: کرونا، ارزشیابی، فراگیران، هیات علمی

اهداف آموزش بالینی در مهارت های پایه و بنیادین دانشجویان پرستاری با استفاده از الگوی سیپ است.

روش اجرا: (methods) این پژوهش بصورت توصیفی و تحلیلی بر روی ۵۴ دانشجوی پرستاری دانشکده پرستاری و مامائی قائن در سال ۱۳۹۶ انجام شد. نمونه ها به صورت هدفمند و سرشماری در بخش اطفال انتخاب و بر اساس چک لیست های تهیه شده بر اساس سرفصل پرستاری بوسیله مشاهده ارزیاب مورد ارزشیابی قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۸ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج یافته ها نشان داد که دانشجویان پرستاری در اجرای مهارت های پایه در سطوح مختلف از خیلی خوب تا ضعیف بودند در مهارت های علائم حیاتی، رگ گیری در سطح خیلی خوب و در ساکشن کردن ضعیف (۰,۷/۰,۷۴) بودند. و در مهارت هایی مانند سونداژ و پانسمان نیز مشکل کمتری داشته و لی نیازمند آموزش بودند.

بحث و نتیجه گیری: در این مطالعه دانشجویان پرستاری در بعضی از مهارت ها دچار نقص هستند و به دلیل اهمیت پرورش مهارت های پایه دانشجویان پرستاری پیشنهاد می گردد فرصت های یادگیری بیشتری برای دانشجویان مهیا تا نقاط ضعف برطرف گردد. و استفاده از الگوهای آموزشی می توانند کمک شایانی بکنند.

کلمات کلیدی: ارزشیابی، مهارت پایه، الگوی ارزشیابی سیپ، آموزش بالینی، پرستاری

ارزشیابی برنامه آموزشی دستبازی اطفال دانشگاه علوم

پزشکی هرزگان بر اساس الگوی CIPP در سال ۹۸

لیلا بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، شهر بزرگر - دانشگاه ع. پ. شیراز، هاجر شیعیه - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، معصومه مرادی فرد - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، فاطمه میر - مریم امیری نیا - دانشگاه ع. پ. شیراز، مارال استوارفر - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: ارزشیابی برنامه های آموزشی در فرآیند آموزش در تمام مقاطع از اهمیت بسزایی برخوردار است. تحقیق حاضر با هدف ارزشیابی برنامه دستبازی گروه کودکان دانشکده پزشکی بندرعباس با استفاده از الگوی CIPP به منظور کمک به ارتقاء برنامه های درسی تخصصی صورت پذیرفت.

روش اجرا: این مطالعه از نوع ارزشیابی برنامه و از لحاظ طراحی ترکیبی در دو مرحله کمی و کیفی به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۸ انجام شد. جامعه آماری در پژوهش حاضر دستیاران و اساتید پزشکی گروه کودکان در دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس بودند که به روش

ارزشیابی میزان تحقق اهداف آموزش بالینی دانشجویان

پرستاری با استفاده از الگوی ارزشیابی سیپ

مریم احمدی - دانشگاه ع. پ. بیرجند، علی دشتگرد - دانشگاه ع. پ. بیرجند،

مقدمه: آموزش جوهره اصلی هر نظام آموزشی است. ارزشیابی آموزشی بهترین شاخص در جهت تحقق اهداف آموزشی است. ارزشیابی مهارت دانشجویان پرستاری جهت تعیین حیطه های توسعه حرفه ای و نیازهای آموزشی امری مهم و حیاتی است. ارزشیابی منجر می شود آموزش را از حالت ایستا به فرآیند پویا در آورد. ارزشیابی مهارت های بالینی دانشجویان پرستاری امری بسیار مهم، حائز اهمیت و یکی از مهمترین رسالت ها و وظایف مربیان پرستاری است. امروزه کاربرد شیوه ارزشیابی سنتی چندان موثر نمی باشد و از این جهت الگوهای مختلف ارزشیابی تهیه و تدوین شده است. یکی از بهترین و کارآمدترین الگوهای ارزشیابی مدل سیپ می باشد. لذا هدف این مطالعه تعیین میزان دست یابی به

سرشماری انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه‌ای روایی و پایایی شامل ۱۰۳ سوال مبتنی بر طیف امتیازی لیکرت (۱ تا ۵) است که در پژوهش‌های قبلی مورد استفاده قرار گرفته است. مرحله کیفی مطالعه به وسیله کار در گروه متمرکز با مشارکت اساتید و برنامه ریزان دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس صورت گرفت. تجزیه و تحلیل روش‌های آماری توصیفی - تحلیلی با نسخه ۲۲ نرم افزار آماری SPSS انجام شد.

یافته‌ها: میزان ارزیابی کلی پاسخگویان از برنامه آموزشی دستیاری کودکان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان براساس الگوی CIPP میان اساتید و دستیاران در مورد زمینه، درون‌داد فرآیند و محصول تفاوت آماری معنی داری دارد. میزان p مراجعه به آماره‌های توصیفی نشان داد میانگین نمره اساتید ($p=3,15$) و نمره دستیاران ($p=2,57$) می باشد که بر این اساس می توان اظهار داشت اساتید گروه ارزیابی بهتری از برنامه آموزشی دستیاری کودکان نسبت به دستیاران به عمل آورده‌اند. در بررسی بعد زمینه، درون‌داد، فرآیند و برون‌داد دیدگاه اساتید و دستیاران گروه کودکان نسبتاً مطلوب بود. در این مطالعه چالش‌ها و راهکارهای برنامه آموزش دستیاری کودکان به صورت کیفی نیز مورد بررسی قرار گرفت. بررسی بعد زمینه نشان داد، میزان آگاهی اعضای هیئت علمی و دستیاران از اهداف و رسالت گروه‌ها وضعیت نسبتاً مطلوبی دارد. در بررسی بعد درون‌داد، برنامه‌های آموزشی برای هر نیمسال در گروه آموزشی به طور ضمنی وجود داشت. در بررسی بعد فرآیند، در تدریس به اطلاعات قبلی دانشجویان نیز نسبتاً توجه می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: در ارزشیابی صورت گرفته، برنامه آموزشی گروه کودکان دانشکده پزشکی بندرعباس از دیدگاه اساتید و دستیاران نسبتاً مطلوب بود، بنابراین راه زیادی تا بهبود کیفیت آموزش وجود دارد که این امر به واسطه رفع نواقص و کاستی‌ها در حوزه‌های مختلف آموزش محقق خواهد شد. بر همین اساس انجام دوره‌ای ارزشیابی می تواند گروه کودکان را در رسیدن به اهداف بلندمدت در راستای ارتقای آموزش کمک کند.

کلمات کلیدی: ارزشیابی، برنامه آموزشی، الگوی CIPP

بررسی اثربخشی آموزش طب انتقال خون در پرستاری با استفاده از رویکرد مشارکتی در دانشجویان پرستاری دانشکده علوم پزشکی گیلان: یک مطالعه ترکیبی

فاطمه جعفرآقایی - زهرا طاهری از برمی - دانشگاه ع. پ. گیلان،

مقدمه: یکی از وظایف مدرسان پرستاری اطمینان از یادگیری کاربرد خون و فرآورده‌های آن توسط دانشجویان پرستاری در مراکز درمانی می باشد، بیش از نیمی از مراحل در زنجیره انتقال خون وابسته به آگاهی و مهارت پرستاران دارد. با وجود بروز کم، بروز عوارض جانبی

در حوزه انتقال خون می تواند برای زندگی بیماران تهدید کننده باشد، بنابراین دانشجویان و پرستاران حرفه ای باید قادر باشند، بلافاصله این واکنش‌ها را تشخیص دهند. مداخلات مناسب را اجرا کنند و با ارتباط موثر با ارائه دهندگان مراقبت‌های سلامتی از نتایج مطلوب درمانی در بیمار، اطمینان حاصل کنند. دانش کافی برای عملکرد، ضروری می باشد، در حالی که مروری بر مطالعات موجود در ایران نشان می دهد که دانش اختصاصی مرتبط با انتقال خون در اکثر گروه‌های پزشکی مطلوب نیست و دانش مناسب نظری و عملی در این خصوص در دانشگاه‌های ایران ارائه نمی گردد. تدریس مشارکتی اغلب اشاره به تدریس دو نفر یا بیشتر از مدرسان به طور مشترک گفته می شود، کمک به ارتقا و رشد دیدگاه‌های خود مدرسان و افزایش یادگیری فراگیران و رشد قابلیت‌های آنها از فواید این نوع آموزش محسوب می شود. لذا با توجه به اهمیت موضوع در تحقیق حاضر جهت به دست آوردن تجارب دانشجویان از شرکت در دوره آموزشی طراحی شده و قضاوت در خصوص فواید آن به شیوه ترکیبی هم زمان، اثربخشی تدریس مشارکتی جهت آموزش کاربرد طب انتقال خون در پرستاری با دورویکرد کمی و کیفی اجرا گردید.

روش اجرا: در مطالعه حاضر ۳۸ دانشجوی پرستاری ترم پنجم در دوره آموزشی طراحی شده براساس نیاز سنجی‌های به عمل آمده قرار گرفتند. محتوای مورد آموزش پس از تدوین با کمک دومادرس پرستاری که یکی از آنها سابقه کار در انتقال خون راداشت به شیوه مشارکتی طی سه ساعت با استفاده از فیلم و عکس و پاورپوینت با دادن زمان استراحت در بین ساعات تدریس انجام شد. سپس دانشجویان در قالب گروه‌های کوچک با سناریوهای متعدد تزریق خون و مراقبت‌های پرستاری مرتبط مواجه شدند. در پایان جلسه نمایندگان گروه‌ها با حضور مدرسان به پاسخ‌های دانشجویان در خصوص سناریوها پرداختند و در نهایت جمع بندی توسط مدرسان صورت گرفت. بخش کمی مطالعه یک مطالعه نیمه تجربی تک گروهی قبل و بعد از شرکت در مداخله بود و در بخش کیفی دیدگاه دانشجویان شرکت کننده در دوره به طریقه تحلیل محتوی مورد بررسی قرار گرفت. ابزار مورد استفاده در بخش کمی ابزار سنجش دانش بود که روایی آن به طریقه محتوایی (CVR، CVI) و پایایی آن به طریقه هم ارزی مورد سنجش قرار گرفته بود. در بخش کیفی از مصاحبه نیمه ساختاریافته جهت به دست آوردن داده‌ها استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کمی از نرم افزار آماری SPSS و آزمون t زوجی و در بخش کیفی از نرم افزار MAXQDA استفاده گردید.

یافته‌ها: پس از جمع آوری داده‌ها در بخش کمی نتایج حاکی از افزایش نمره دانش دانشجویان در خصوص محتوای تدریس شده بود (آزمون T زوجی، $P < 0.05$). در بخش کیفی جهت سنجش رضایت دانشجویان از روش آموزش مشارکتی، مصاحبه‌های عمیق با برخی از آنها انجام شد. شرکت کنندگان به صورت هدفمند از بین دانشجویان شرکت کننده در کلاس انتخاب شد. یک گروه متمرکز شامل ۸ نفر دانشجوی دختر و پسر تشکیل شد. همه دانشجویان در بحث شرکت

داده شدند و از آنها خواسته شد نقاط ضعف و قوت این روش آموزشی و نکات پیشنهادی برای اجراهای بعدی را بیان کنند. موارد ذکر شده به صورت طبقات اولیه تنظیم شد و از بین آنها دو تم اصلی استخراج گردید: نقاط قوت و نقاط ضعف برنامه آموزشی. نقاط قوت: حضور دو مدرس با پیشینه و تجارب مختلف، جذابیت حضور دو مدرس در سر کلاس به جای آموزش روتین، کار در گروههای کوچک و فرصتی برای تمرین آموخته ها. نقاط ضعف: عدم فرصت کافی برای ارائه موارد بیماری و نیز آموزش تمام موارد از طریق ویدیوی آموزشی، عدم توضیح در خصوص حضور دو مدرس در طرح درس، وقت گیر بودن و تمایل به آموزش سنتی.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اثربخشی برنامه از بعد افزایش دانش دانشجویان و نقاط قوت و ضعف رویکرد آموزشی به کارگرفته شده مطابق با دیدگاه دانشجویان، با توجه به نقطه قوت بیان شده در طراحی و اجرای واحدهای درس از این شیوه سود جست و با برنامه ریزی از پیش تعیین شده اقدام به رفع چالش های ذکر شده نمود.

کلمات کلیدی: رویکرد آموزش مشارکتی، دانشجویان پرستاری، طب انتقال خون

بررسی رعایت کدهای اخلاقی در آموزش توسط اعضا هیات علمی علوم پایه پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان

مریم یآوری - دانشگاه ع. پ. کاشان، علی صابر - منصوره مومن هروی - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه: حرفه ای گرایی یکی از مطرحترین عناوین در اخلاق پزشکی است که در این میان آموزش دهندگان یا اساتید نقش به سزایی در آموزش و سنجش آن ایفا می کنند. هدف از این مطالعه، بررسی رعایت کدهای اخلاقی در آموزش توسط اعضا هیات علمی علوم پایه پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان از دیدگاه دانشجویان بود.

روش اجرا: در یک مطالعه توصیفی-مقطعی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان، تعداد ۲۶۵ دانشجوی دوره پزشکی در سال ۹۵ به طور تصادفی ساده به عنوان نمونه انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات با پرسشنامه محقق ساخته بود که دانشجویان آن را به صورت خودایفا تکمیل می کردند. داده ها با نرم افزار SPSS و به صورت جداول فراوانی، میانگین و انحراف معیار، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در نظر سنجی انجام شده، بالاترین میزان فراوانی در رعایت کدهای اخلاق در آموزش در هیات علمی علوم پایه در بازه ۸۰-۱۰۰٪ می باشد که در حد بسیار خوب است، که در میان حیطه های مورد بررسی رعایت در حیطه تواضع (۷۶٫۲٪) بیشترین میزان رابه خود

اختصاص داده است. ارتباط معنا داری بین جنسیت و رعایت کدهای اخلاق در آموزش در هیات علمی علوم پایه پزشکی در حیطه قناعت وجود داشت. بطوری که در ارزیابی شوندگان مرد میزان رعایت کدهای اخلاق در آموزش در هیات علمی علوم پایه پزشکی در حیطه قناعت بیشتر از ارزیابی شوندگان زن بوده است ($P \text{ value} = 0.02$). همچنین، ارتباط معنا داری بین جنسیت پاسخ دهندگان و میانگین درصد رعایت کدهای اخلاقی در آموزش در هیات علمی علوم پایه پزشکی وجود نداشت. ($P \text{ value} > 0.05$).

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر رعایت کدهای اخلاق حرفه ای را توسط اعضای هیات علمی علوم پایه پزشکی در بازه بسیار زیاد نشان داد. با این وجود، اهمیت اخلاق حرفه ای در رشته پزشکی در مورد کلیه فراگیران توسط اساتید در امر آموزش و حرفه ای گری مدنظر قرار گیرد و در این راستا آموزش مستمراخلاق حرفه ای به اعضای هیات علمی علوم پایه پزشکی و فراگیران پزشکی، ضروری به نظر می رسد.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، اعضای هیات علمی علوم پایه پزشکی، کد اخلاق

عوامل مؤثر بر فرآیند ظرفیت سازی سازمانی در دوره های توانمندسازی آموزشی اعضای هیات علمی

عظیم میرزازاده - دانشگاه ع. پ. تهران، رقیه گندم کار - دانشگاه ع. پ. تهران، مهلا سلاجقه - دانشگاه ع. پ. کرمان

مقدمه: علیرغم نقش بالقوه برنامه های توانمندسازی اعضای هیات علمی در توسعه سازمانی و تأکید متون بر بررسی این نقش، تمرکز اکثر پژوهش ها بر ارزشیابی این مداخلات آموزشی در سطح فردی و نتایج کوتاه مدت می باشد. ظرفیت سازی به عنوان یکی از تأثیرات هر برنامه توسعه ای از جمله برنامه های توانمندسازی اعضای هیات علمی از فرآیندهایی است که منجر به توسعه سازمانی می شود. با توجه به اینکه هدف نهایی دوره های توانمندسازی اعضای هیات علمی، افزایش کارایی و اثربخشی و ایجاد تغییرات مثبت سازمانی است، بررسی ظرفیت سازی سازمانی حاصل از این دوره ها ضروری است. با استفاده از مصاحبه های نیمه ساختارمند با برخی از اعضای هیات علمی به تعیین عوامل مؤثر بر فرآیند ظرفیت سازی سازمانی در دوره توانمندسازی آموزشی اعضای هیات علمی، ارتباط این عوامل با هم و با عوامل زمینه ای پرداخته شد. پس از انجام مصاحبه نیمه ساختارمند با ۲۲ نفر از پاسخ دهندگان به پرسشنامه ها و تحلیل داده های کیفی، ۶ طبقه اصلی شامل توسعه فرآیند یاددهی و یادگیری، ارتقای منش حرفه ای، توسعه نگرش آموزشی، توسعه توانمندسازی اعضای هیات علمی، عوامل مؤثر بر تغییرات در عملکرد آموزشی و کیفیت برنامه های توانمندسازی اعضای هیات علمی استخراج شدند. ظرفیت سازی سازمانی حاصل از دوره های

صورت سالانه توسط مرکز مطالعات و توسعه ی آموزش پزشکی، در نظر گرفته شود.

بررسی تأثیر برنامه اینترنتشپ در عرصه بر تعهد حرفه ای، گرایش به تفکر انتقادی، رفتارهای مراقبتی و فرسودگی

تحصیلی دانشجویان کارشناسی پرستاری

جمیله فرخ زادیان - دانشگاه ع. پ. کرمان، رقیه مهدی پور - مه لقا دهقان - بهناز باقریان - منیرالسادات نعمت الهی - پیمان پرند افشار، محبوبه معاذاللهی.

مقدمه: از دانش آموختگان پرستاری انتظار میرود در مراقبت از بیماران، صلاحیت و انگیزه کافی را داشته باشند. جهت دستیابی به این هدف، باید به آموزش بالینی به عنوان رکن و قلب آموزش پرستاری توجه ای ویژه شود. در طی آموزش بالینی توانمندی های حرفه ای مانند تعهد حرفه ای، رفتارهای مراقبتی و تفکر انتقادی در دانشجویان پرستاری پایه ریزی می گردد. سال چهارم دوره کارشناسی پرستاری، به کارورزی در عرصه اختصاص دارد. هدف از کارورزی در عرصه کسب مهارت های مناسب حرفه ای و کاربرد آموخته های علمی آنها در عمل و توسعه مهارتهای بالینی، افزایش استقلال، توسعه تفکر انتقادی، ارتقا مهارتهای حل مسئله و تصمیم گیری بالینی است. همچنین این دوره از آموزش بالینی باید به گونه ای برنامه ریزی شود که فرسودگی تحصیلی در دانشجویان را به حداقل برساند. بنابراین مدرسان پرستاری باید از روش های نوین مانند برنامه اینترنتشپ در آموزش بالینی استفاده کنند. با توجه به جدید بودن برنامه اینترنتشپ پرستاری در ایران و نبود مطالعات کافی در زمینه اثربخشی این برنامه در آموزش بالینی پرستاری، این مطالعه با هدف تعیین تاثیر برنامه اینترنتشپ پرستاری بر تعهد حرفه ای، گرایش به تفکر انتقادی، رفتارهای مراقبتی و فرسودگی تحصیلی دانشجویان کارشناسی پرستاری در سال ۹۹-۱۳۹۸ انجام گرفت.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع نیمه تجربی با طرح پیش آزمون و پس آزمون بدون گروه کنترل بود. در این مطالعه جامعه پژوهش را کلیه دانشجویان پرستاری سال چهارم (N=۵۷) در دانشکده پرستاری مامایی رازی کرمان تشکیل دادند. برنامه کارورزی در عرصه برای دانشجویان پرستاری به شیوه اینترنتشپ طراحی و مورد ارزشیابی قرار گرفت. دانشجویان طبق برنامه مدون در بخش های تعیین شده در بیمارستان افضل پور تحت نظارت سرپرستاران مشغول کارورزی شدند. پرسشنامه های تعهد حرفه ای، رفتارهای مراقبتی، گرایش به تفکر انتقادی و فرسودگی تحصیلی در ابتدای ماه اول کارورزی، در انتهای ماه ششم کارورزی و در انتهای برنامه کارورزی با استفاده از خود اظهاری تکمیل شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد.

توانمندسازی آموزشی اعضای هیأت علمی نشان دهنده ارتقای توانایی های فردی و سازمانی در جهت استفاده مؤثر از منابع، دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و بهبود عملکرد سازمان است. ظرفیت های ایجاد شده موجب تقویت توانایی ها، مهارت ها، دانش و بهبود ساختارها و فرآیندهای سازمانی می شوند.

ارزیابی ساختاری بلوپرینت (جدول مشخصات آزمون) ارائه شده اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی

اردبیل

مرضیه محمدی - عزیز کامران - نسرین مهرنوش - دانشگاه ع. پ. اردبیل.

مقدمه: ارزشیابی عبارت از فرایند نظام مند گردآوری، تحلیل و تفسیر داده ها به منظور ارزش گذاری و قضاوت می باشد. ارزشیابی یکی از مراحل مهم آموزش می باشد که در آن مدرس متناسب با اهداف آموزش، بر حصول اهداف از پیش تعیین شده نظارت می کند. ارزشیابی معمولاً در طول برنامه آموزشی و نیز در پایان دوره انجام می شود. این مطالعه با هدف ارزیابی ساختاری بلوپرینت (جدول مشخصات آزمون) اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل انجام گرفت.

روش انجام: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی می باشد که در آن ۱۰۰ بلوپرینت ارائه شده توسط اساتید دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۸ مورد ارزیابی قرار گرفت. برای این کار از چک لیست ارزیابی ساختاری محقق ساخته که شامل ۶ حیطه ی بلوپرینت در چک لیست ساختاری بود، استفاده شد. چک لیست ارزیابی ساختاری توسط کارشناس EDC تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: از بین بلوپرینت دانشکده های مورد بررسی، طرح درس های دانشکده ی بهداشت (۸۵٪) از لحاظ رعایت حیطه های مورد بررسی وضعیت مطلوبتری داشتند. در مجموع، از بین حیطه های مورد بررسی، مشخص بودن عنوان بحث در سر فصل درسی (۹۰٪) مشخص بودن نوع سوال (۸۷٪) و مشخص بودن وزن سوال در کل آزمون (۸۵٪) دارای بهترین وضعیت و حیطه های مشخص بودن تاکسونومی سوال و مشخص بودن سوال، دارای پایین ترین نمره بودند که به ترتیب فقط در ۶۹٪ و ۵۲٪ طرح درس ها رعایت شده بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش، کیفیت ساختاری بلوپرینت های ارائه شده اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در حد قابل قبول ارزیابی گردید، ولی در عین حال دارای ضعف و کاستیهایی نیز می باشد بنابراین پیشنهاد می شود که یک برنامه ریزی هدفمند در مورد بازنگری و ارزشیابی بلوپرینت اعضای هیأت علمی به

یافته ها : از ۵۷ دانشجوی واجد شرایط، ۱۱ دانشجو مرحله پس آزمون و پی گیری را کامل نکردند. بنابراین ۴۶ دانشجو مطالعه را کامل کردند (ریت پاسخ ۸۰،۷۰ درصد). میانگین سن دانشجویان 23.55 ± 4.9 و میانگین معدل تحصیلی آنان 16.07 ± 4.9 بود. حدود ۵۸،۷٪ از دانشجویان زن، ۶۹،۶٪ متاهل و ۳۹،۱٪ تجربه کار دانشجویی داشتند. این مطالعه نشان داد برنامه اینترنشیپ در فاز دوم (انتهای ماه ششم) تاثیر معنی داری بر نمره کل گرایش به تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری نداشت اما در فاز سوم گرایش به تفکر انتقادی نسبت به فاز دوم کاهش معنی داری پیدا کرد. تعهد حرفه ای دانشجویان پرستاری در فاز دوم و فاز سوم (پایان دوره) نسبت به فاز اول برنامه اینترنشیپ تغییر معنی داری نداشت. نمره کل رفتارهای مراقبتی در فاز دوم نسبت به فاز اول برنامه اینترنشیپ افزایش معنی داری داشت اما در فاز سوم نسبت به فاز دوم کاهش معنی داری داشت. در نهایت نمره کل فرسودگی تحصیلی در فاز دوم و سوم برنامه افزایش یافت اما این افزایش معنی دار نبود.

بحث و نتیجه گیری : با توجه به اینکه فقط در فاز دوم بعد از اجرای برنامه اینترنشیپ پرستاری رفتارهای مراقبتی افزایش معنی داری پیدا کرد، پیشنهاد می شود مطالعات بیشتری با طرح های ترکیبی و طولی برای بررسی فاکتور های تاثیر گذار بر تعهد حرفه ای، گرایش به تفکر انتقادی، رفتارهای مراقبتی و فرسودگی تحصیلی در برنامه اینترنشیپ پرستاری در بیمارستان های مختلف انجام شود. همچنین پیشنهاد می شود صاحب نظران و سیاستگذاران رشته ی پرستاری در ایران، برای مرتفع کردن محدودیتهای و موانع و ارائه راهبردهای عملیاتی به تحقیق و ارزیابی اقدامات در مورد بازنگری مجدد در رسالت، اهداف و شیوه اجرای برنامه اینترنشیپ بپردازند و با در نظر گرفتن نقاط ضعف و قوت برنامه جهت تدوین و اجرای یک برنامه کاملاً مدون تلاش کنند. همچنین تلاش در جهت کاهش فرسودگی تحصیلی و انگیزه بخشی به دانشجویان دوره ی اینترنشیپ با جبران خدمتی و دادن حقوق و مزایا اعم از امکانات و خدمات رفاهی معادل پرسنل می تواند به تقویت پیامدهای مثبت آن کمک کند.

بررسی محیط آموزشی دانشجویان پزشکی در مقاطع کارآموزی و کارورزی دانشگاه علوم پزشکی شیراز - ۱۳۹۹

سولماز زارع - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
محسن فولاد - پرستو عزیز محمدی .

مقدمه : محیط آموزشی تاثیر بسزایی در تقویت و توسعه ی یادگیری دانشجویان دارد. به عبارتی آموزش و یادگیری، تعاملی میان دانشجو و محیط آموزشی است که منجر به تغییرات رفتاری دائمی و پایدار در

دانشجو در سه حیطه ی دانش مهارت و نگرش می شود این مطالعه با هدف بررسی کیفیت محیط آموزشی از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در دو مقطع کارورزی و کارآموزی انجام خواهد شد. این مطالعه به روش توصیفی-مقطعی بر روی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در دو مقطع بالینی کارآموزی و کارورزی در سال ۱۳۹۹ انجام خواهد شد

روش اجرا : این مطالعه به روش توصیفی-مقطعی بر روی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در دو مقطع بالینی استیودنت و اینترن در پاییز ۱۳۹۹ انجام شد. روش نمونه گیری از دانشجویان روش نمونه گیری در دسترس بود انتخاب دانشجویان بر اساس معیار های ورود بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بود که شامل اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه ی استاندارد دریم می باشد. برای بررسی داده های توصیفی محاسبه درصد فراوانی و میانگین و انحراف معیار محاسبه گردید و نتایج در این مطالعه با استفاده از آزمون تی مستقل بررسی می شوند. همچنین داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ی ۲۲ تحلیل و بررسی شد .

یافته ها : بطور کلی میانگین کیفیت محیط آموزشی از دیدگاه دانشجویان اینترن برابر با 78.23 ± 23.21 و در دانشجویان استیودنت برابر با 89.19 ± 23.37 است که حاکی از مشکلات زیاد در محیط آموزشی است. میانگین نمرات پرسشنامه ی دریم در دانشجویان دختر و پسر تفاوت چندانی با هم نداشتند. میانگین نمرات دانشجویان استیودنت به صورت کلی و جزئی در هر زیر مجموعه از دانشجویان اینترن بیشتر بود که می تواند نشان دهنده ی فرسودگی شغلی و تحصیلی در محیط آموزش بالینی باشد.

بحث و نتیجه گیری : در این مطالعه نمره ی پرسشنامه ی دریم دانشجویان پزشکی مقطع اینترن دانشگاه علوم پزشکی شیراز برابر ۷۸،۲ محاسبه شد و همچنین نمره ی پرسشنامه ی دریم دانشجویان مقطع استیودنت دانشگاه علوم پزشکی شیراز برابر ۸۹،۲ محاسبه شد که هر دو این نمرات نشان دهنده ی یک محیط آموزشی اشکال دار است. دانشجویان استیودنت و اینترن همراستا با هم کمترین نمره را به درک آن ها از کیفیت آموزشی اساتید اطلاق کردند. دانشجویان استیودنت بیشترین نمره را به کیفیت یادگیری محیط آموزشی شان نسبت دادند و دانشجویان اینترن بیشترین نمره را به درک خود از جایگاه اجتماعیشان دادند. همچنین در مورد بررسی جنسیتی دانشجویان دختر به طور کلی نمره ی ۸۴،۶ را به پرسشنامه ی دریم دادند و دانشجویان پسر نمره ی ۸۷،۲ را به این پرسشنامه دادند نتایج مطالعه هم در مورد دانشجویان استیودنت و هم دانشجویان اینترن نشان دهنده ی یک محیط آموزشی اشکال دار بود. اما درک دانشجویان استیودنت از محیط آموزشیشان از دانشجویان اینترن مثبت تر بود که می تواند نشان دهنده ی وجود فرسودگی تحصیلی و شغلی در طی دوره ی بالینی برای دانشجویان پزشکی باشد. از آن جایی که محیط آموزشی

سبب توانمندسازی روان شناختی اعضای هیئت علمی دانشگاه گردیده است.

دیدگاه دانشجویان پرستاری در خصوص محیط آموزشی

براساس پرسشنامه DREEM

داریوش رخ افروز - میثم حیدری - دانشگاه ع. پ. تهران.

Background and purpose: Students' perception of the educational environment are very fundamental in evaluating the quality of education and helping to improving them, especially in the field of clinical education. Therefore, this study was conducted to seek the perceptions of nursing students in Ahvaz Jondishapur School of Nursing regarding the educational environment.

Material and Method: This is a descriptive cross-sectional study in which ۳rd and ۴th year nursing students are included in the study by purposive sampling. Data collection tools included the standard DREEM questionnaire, which classified into five levels from very unfavorable to very desirable. Data were analyzed by descriptive and inferential statistics using spss ۲۱ software. Result: The results showed that the mean age of the participants was (۲۱.۱۱), and the overall score obtained from the educational environment was (۱۰۵.۲۲). The lowest mean related to students' social self-perceptions subscale (14 ± 4), and the highest was related to students' perceptions of learning (۲۴.۰۳). ۵۹.۲% of students' perceptions of the educational environment were more positive than negative. There was a statistically significant relationship between gender with Students' academic self-perception and Students' social self-perception ($P < 0.05$).

Conclusion: This study showed that students' scores from the educational environment are somewhat favorable. Therefore, it is suggested that students' perceptions of the educational environment be measured regularly, for example, at the end of each academic year, to create a healthy and effective environment for learning in the educational environment. Also, the management style of the faculty officials should pay more attention.

قویا بر رضایتمندی و موفقیت دانشجویان تاثیر میگذارد از این رو برنامه ریزی برای دریافت بازخورد مستمر از دانشجویان درباره ی برداشت آنان از محیط آموزشی مهم است. بر اساس نتایج این مطالعه، محیط آموزشی بالینی رشته ی پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز پر اشکال و دارای مشکلات جدی ارزیابی شد. اما با استفاده از الگوی نتایج پرسشنامه ی دریم می توان برای تغییرات آموزشی مناسب و بهینه کردن محیط دانشگاهی اقدام کرد. مطالعه ی نتایج این پژوهش برای برنامه ریزی کاربردی و علمی برای بهبود محیط آموزشی بسیار سودمند خواهد بود. از محدودیت های این مطالعه این بود که این مطالعه برای اولین بار و به صورت مقطعی در دانشجویان پزشکی شیراز انجام شد و امکان مقایسه با سال های گذشته در این مرکز دانشگاهی وجود ندارد و این مطالعه یک برش از دانشجویان پزشکی مقطع بالینی را مورد بررسی قرار داده است. پیشنهاد می شود در سالیان آینده مجددا مطالعه ی توسط ابزار دریم بر دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام شود تا روند بهبود محیط آموزشی رصد گردد و مشکلات احتمالی به صورت موشکافانه تری کشف و برطرف گردند.

بررسی تأثیر روش مربیگری بر توانمندسازی روان

شناختی اعضای هیئت علمی دانشگاه

سیده زهرا نهاردانی - دانشگاه ع. پ. ایران ،

مقدمه: از آنجا که نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تعیین کننده است و نیروی انسانی ازین مورد بخشهای مختلف توسط این بخش تربیت می شود، تقویت و توسعه این بخش زیربنای توسعه سایر بخشهاست. در این میان اعضای هیئت علمی دانشگاه از عوامل اصلی نظام آموزشی به شمار میروند و توانمندی ها آن بر عملکرد نظام آموزشی تاثیر مستقیم دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر روش مربیگری بر توانمندسازی روان شناختی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران انجام شده است. اثر یاد شده از جهت رویکرد کمی، از جهت هدف کاربردی و از حیث طرح پژوهش، نیمه آزمایشی (پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل) می باشد. جامعه ی آماری تحقیق بالغ بر چهل نفر و حجم نمونه که از افراد داوطلب و در دسترس استفاده نموده ایم ۲۸ نفر (۱۷ آقا و ۱۱ خانم) می باشد که به طور تصادفی در دو گروه ۱۴ نفره گواه و آزمایش قرار گرفتند. ابزار به کار رفته شامل پرسش نامه توانمندسازی روان شناختی اسپریتزر با ضریب پایایی ۰.۸۱، است. مربیگری این پروژه از طریق ارتباط با گروه آزمایش و آرایه بسته آموزشی حضوری و غیر حضوری به مدت سه ماه اعمال شد. تجزیه و تحلیل داده ها از طریق آمار توصیفی که شامل جدول میانگین و انحراف معیار و آماراستنباطی، آزمون تی مستقل، تحلیل کواریانس با کمک نرم افزار انجام شد. نتیجه پژوهش نشان داد میانگین توانمندسازی روان شناختی و اکثر ابعاد آن در پس آزمون گروه آزمایش تفاوت معناداری با پیش آزمون داشته است. بنابراین مربیگری

Keywords: Medical Education, Educational environment, DREEM, Nursing Students.

ارزیابی دانشجوی

بررسی میزان همبستگی نمرات آزمون صلاحیت بالینی با نمرات پیش کارورزی و معدل کل دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

محمد مهدی غفاری همدانی - رقیه ولی پور خواجه غیائی - دانشگاه ع. پ. مازندران، الهه محمودی - دانشگاه ع. پ. مازندران، مهرازان رضوی پور - دانشگاه ع. پ. مازندران، پژمان محمدعلیزاده - دانشگاه ع. پ. مازندران، فتنه عمویی - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: هدف از آموزش بالینی در دوره دکترای پزشکی عمومی کسب حداقل مهارت های مورد انتظار از دانش آموختگان می باشد، در راستای تربیت دانش آموختگانی توانمند، مسئولیت پذیر و پاسخگو به نیازهای جامعه علاوه بر امتحانات و ارزیابی های پایان بخش های بالینی، در پایان مرحله کارورزی، ارزیابی صلاحیت بالینی ضروری به نظر می رسد. بر اساس دستور شورای آموزش پزشکی عمومی وزارت بهداشت لازم است علاوه بر امتحانات و ارزیابی های پایان بخش های بالینی، در پایان مرحله کارورزی آزمون مهارت های بالینی صورت گیرد. در این آزمون ها بر مهارت های ارتباطی، تصمیم گیری بالینی مبتنی بر اخذ شرح حال و معاینه فیزیکی و انجام مهارت های عملی، تشخیصی و درمانی تأکید شده و در حیطه های مختلفی همچون بیماری های داخلی، جراحی، کودکان، زنان، روانپزشکی و پزشکی اجتماعی مهارت های دانشجویان ارزیابی می گردد. حال سوال این است که تا چه اندازه بین معدل کل و نمرات آزمون پیش کارورزی با آزمون صلاحیت بالینی ارتباط وجود دارد. لذا، پژوهش حاضر با هدف بررسی همبستگی نمرات آزمون صلاحیت بالینی با نمرات پیش کارورزی و معدل کل دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام گردید.

روش اجرا: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است که در دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام شده است. در این مطالعه، کلیه دانشجویانی که در سال های ۹۷ و ۹۸ در آزمون صلاحیت های بالینی شرکت نمودند به عنوان نمونه انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه، نمرات امتحانی پیش کارورزی دانشجویان پزشکی در اسفندماه و شهریور ماه، نمرات آزمون صلاحیت بالینی پایان دوره پزشکی عمومی معدل کل دانشجویان معیارهای خروج دانشجویان مهمان که فقط در آزمون صلاحیت بالینی شرکت می کنند و دانشجویانی که دوران اینترنی را به صورت کامل در دانشگاه علوم پزشکی مازندران نبودند. برای اجرای پژوهش ابتدا نمرات دانشجویانی که در سال های ۹۷ و ۹۸ امتحان صلاحیت بالینی شرکت کردند و امتحان پیش کارورزی و دوره کارورزی خود را در دانشکده پزشکی ساری گذرانده اند از سیستم جامع نمرات دانشکده پزشکی توسط کارشناس آموزشی مورد اعتماد جمع آوری شد

و سپس نمرات پیش کارورزی و معدل کل هر یک از دانشجویان گردآوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی (توزیع فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی استفاده گردید. ضریب اطمینان ۹۵ درصد در سطح معنی داری ۰،۰۵ برای آزمون های استنباطی در نظر گرفته شد. جهت بررسی همبستگی نمرات آزمون پیش کارورزی و معدل کل با آزمون صلاحیت بالینی از روش ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد، بین نمره پیش کارورزی دانشجویان با نمره قبولی در آزمون صلاحیت بالینی (۹، 0.03 ± 17) و دانشجویان مردودی (۷۵، 0.95 ± 15) اختلاف میانگین معنی داری وجود دارد. همچنین این اختلاف در نمره معدل کل دانشجویان با نمره قبولی در آزمون صلاحیت (۹۵، 0.99 ± 15) و دانشجویان مردودی (۶۹، 0.71 ± 15) نیز معنی دار بود. ارتباط معنی دار قوی و مستقیمی (۷۱۸، $P=0$) بین نمرات پیش کارورزی با نمرات معدل کل دانشجویان پزشکی وجود داشت به طوری که هر چه نمره پیش کارورزی دانشجویان بالاتر بود، به همان نسبت نمره معدل کل کسب شده وی نیز بالاتر مشاهده شد. میانگین نمره صلاحیت بالینی دانشجویان پزشکی در دو گروه زن و مرد دارای اختلاف آماری معنی دار بود به طوری دانشجویان دختر با میانگین نمره ۵، 12 ± 177 دارای نمره بالاتری نسبت به دانشجویان پسر با ۹، 15 ± 170 بودند. همچنین میانگین نمره پیش کارورزی و نمره معدل کل نیز در بین دانشجویان دختر دارای نمره بالاتری نسبت به دانشجویان پسر با اختلاف معنی دار مشاهده شد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد بین نمرات صلاحیت بالینی با نمرات پیش کارورزی و معدل کل دانشجویان پزشکی ارتباط نسبتاً ضعیف و مستقیمی وجود داشت، لذا، به کارگیری روش های مختلف نوین ارزشیابی، حسن اجرا و رعایت استانداردهای آموزشی (در ارزیابی دقیق عملکرد دانشجویان در دوره های بالینی) برای ایجاد رابطه بهتر و قوی تری نمرات صلاحیت بالینی دانشجویان پزشکی با نمرات پیش کارورزی دانشجویان پزشکی پیشنهاد می گردد.

کلمات کلیدی: صلاحیت بالینی، پیش کارورزی، معدل کل، دانشجویان پزشکی

تبیین تجارب دانشجویان پرستاری از ارزشیابی بکارگیری فرایند پرستاری به شیوه آزمون بالینی ساختار یافته عینی (آسکی)

فخری صبحی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، معصومه سادات موسوی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، امیر موسی رضایی - سیما بابایی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، مریم باقری - دانشگاه ع. پ. اصفهان.

مقدمه: یکی از صلاحیت های مهم پرستاران، توانایی بکارگیری فرایند پرستاری در بالین می باشد. اما ارزشیابی صلاحیت بالینی دانشجویان به ویژه در این حوزه، یکی از مشکل ترین وظایف اعضای هیأت علمی و آموزش دهندگان برنامه های آموزش پرستاری است. آزمون بالینی ساختارمند عینی (آسکی) جایگاه ویژه ای در حوزه سنجش صلاحیت در بالین و پرستاری دارد و می تواند تفکر نقادانه، قضاوت بالینی و حل مسئله بر اساس شواهد را در دانشجو مورد ارزیابی قرار دهد. با توجه به اهمیت وافر فرایند پرستاری به عنوان استاندارد عملی برای کار پرستاران، در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، جهت سنجش صلاحیت دانشجویان پرستاری در ورود به عرصه بالینی، سنجشی از صلاحیت بکارگیری فرایند پرستاری به شیوه آسکی انجام می گردد. در این راستا شناخت عمیق تجارب و ایده هایی که دانشجویان پرستاری ارائه می دهند به بررسی دقیق تر مسائل و مشکلات موجود و تدوین برنامه ارزشیابی کارآمدتر کمک خواهد نمود. لذا با توجه به سیاست های وزارت بهداشت در جهت تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی و در راستای بسته ارتقای نظام ارزیابی و آزمون های علوم پزشکی، این پژوهش، از نقطه نظر درک و تجربه فراگیران، ارزشیابی بکارگیری فرایند پرستاری به شیوه آسکی را مورد بررسی قرار داد.

روش اجرا: این مطالعه یک پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا می باشد که به دنبال برگزاری آزمون آسکی جهت ارزشیابی فرایند پرستاری در نیمسال دوم تحصیلی ۹۸-۹۷ و نیمسال اول ۹۹-۹۸ انجام شد. مدت ایستگاه فرایند پرستاری ۲۰ دقیقه بود که طی آن دانشجویان با توجه به سناریو از پیش طراحی شده به شرح حال گیری، معاینه فیزیکی، تفسیر آزمایشات و ارائه برنامه مراقبتی و اقدام مبتنی بر تشخیص های پرستاری الویت دار برای بیمارنا می پردازند. در این مطالعه در مجموع ۳۶ دانشجوی ترم ۶ پرستاری شرکت داشتند. جمع آوری اطلاعات با مصاحبه های نیمه ساختار یافته با روش **face to face** و بحث گروه متمرکز با نمونه گیری هدفمند انجام شد. نمونه ها با حداکثر تنوع با توجه به نمره کسب شده در آزمون آسکی انتخاب شدند. طول مدت مصاحبه ها بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه بود. نمونه گیری تا رسیدن به اشباع اطلاعات ادامه یافت. سؤال اصلی مصاحبه متمرکز بر تجربه دانشجویان از ارزشیابی فرایند پرستاری به شیوه آسکی بود. در این مطالعه نرم افزار **MaxQDA** (نسخه ۱۰) جهت مدیریت و تحلیل اطلاعات استفاده شد.

یافته ها: با تحلیل تجارب دانشجویان پرستاری از ارزشیابی فرایند پرستاری به شیوه آسکی، پنج تم اصلی به شرح زیر ظهور یافتند: «تجربه یادگیری موثر با ایجاد موقعیت شبیه سازی شده برای حل مشکل بیمار»، «ارتقای انگیزه جهت بکارگیری فرایند پرستاری در عرصه بالین»، «درک ضرورت توسعه مهارت های شناختی در ارائه مراقبت پرستاری»، «نیاز به آمادگی برای بکارگیری فرایند پرستاری در محیط یادگیری بالینی» و «تجربه استرس ناخوشایند از ناشناخته های ایستگاه فرایند پرستاری».

بحث و نتیجه گیری: نیاز به بکارگیری فرایند پرستاری به عنوان استاندارد عمل در دوره آموزشی کارشناسی پرستاری جهت آمادگی دانشجویان در ورود به عرصه بالینی از موضوعات مورد توجه در تجارب دانشجویان بود. دانشجویان در ایستگاه فرایند پرستاری درک کردند که بکارگیری فرایند پرستاری نیازمند کسب مهارت های تفکر انتقادی، حل مسئله و قضاوت بالینی است. همچنین ارزشیابی صلاحیت بکارگیری فرایند پرستاری را متضمن آمادگی دانشجویان از ترم های ابتدایی می دانستند تا به طور موثری در برنامه ارزشیابی مورد ارزیابی قرار گیرد. دانشجویان این مهم را نیازمند توانمندسازی اساتید در آموزش فرایند پرستاری و توجه به توسعه مهارت های شناختی دانشجویان ارائه کردند. اما در عین حال ارزشیابی فرایند پرستاری به دلیل نیاز به دانش مبتنی بر شواهد و توانایی تحلیل و قضاوت بالینی، از دیدگاه دانشجویان استرس زا تلقی می شد و این استرس مانع از عملکرد مناسب برخی دانشجویان در زمان ارزشیابی بود. به طوریکه عدم سنجش صلاحیت عملکرد واقعی دانشجویان به دلیل استرس نامطلوب در برخی دانشجویان مورد توجه قرار گرفته بود. این مطالعه پیشنهاد می کند که ارزشیابی بکارگیری فرایند پرستاری به شیوه آسکی جهت سنجش صلاحیت های بالینی پرستاری و توسعه مهارت های شناختی دانشجویان، از اهمیت بسزایی جهت آمادگی دانشجویان در ورود به عرصه بالینی برخوردار است.

بررسی کیفیت آزمون های الکترونیکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۹ و مقایسه آن با آزمون های حضوری

مهدی پوراصغر - دانشگاه ع. پ. مازندران، عاطفه ذبیحی - دانشگاه ع. پ. ایران، منصور رنجبر - دانشگاه ع. پ. مازندران، غلامعلی گدازنده - دانشگاه ع. پ. مازندران، فتنه عموی - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: استفاده از اینترنت و فناوری های چندرسانه ای، یادگیری سنتی را به سمت یادگیری الکترونیکی سوق داده است که این امر استفاده از روش های نوین ارزشیابی را جهت سنجش فراگیران اجتناب ناپذیر می کند. سنجش الکترونیکی به هر نوع از فناوری دیجیتال اشاره دارد که با هدف سنجش تکوینی یا تراکمی انجام می شود. در شرایط کنونی که با بیماری نوپدید کووید ۱۹ روبرو هستیم و طی آن سیستم های آموزشی تحت تاثیر قرار گرفته اند نیاز به سنجش الکترونیکی در راستای تامین ایمنی فراگیران و رعایت پروتکل های بهداشتی بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. به کارگیری سنجش و آزمون های الکترونیکی مزایای مختلفی دارد. یکی از مزایای آن جمع آوری بسیار ساده اطلاعات آماری از آزمون است. این آمارها ضمن آنکه می توانند پیشرفت دانشجویان در کلاس را مشخص نمایند،

عملکرد کلی کلاس را در یک سؤال خاص و یا نوع سؤال را نیز مشخص می‌کند. به خصوص در زمان تصحیح و تفسیر، نسبت به آزمونهای سنتی معقولانه و به صرفه تر می باشد. دانشگاه علوم پزشکی مازندران از سال ۱۳۹۷ برخی از آزمون های پایان ترم را به صورت الکترونیکی برگزار کرده و در سال ۱۳۹۹ کلیه آزمون های تئوری پایان ترم خود را به شیوه غیرحضوری برگزار نمود. از همین منظر، هدف پژوهش حاضر، بررسی کیفیت آزمون های غیر حضوری این دانشگاه و مقایسه آن با آزمون های حضوری می باشد.

روش اجرا: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی است که در دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام شده است. در این مطالعه، کلیه دانشجویانی که در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۸-۹۹ در آزمون پایان ترم به شیوه غیرحضوری شرکت نمودند به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای اجرای پژوهش، نمرات تمامی دروس از سامانه آزمون فرآید استخراج و ضریب دشواری و ضریب تمیز نمرات در تمامی دانشکده ها محاسبه گردید، در مرحله بعد در تمامی دانشکده ها به صورت رندم نمرات هر یک از دانشجویان در دروس انتخاب شده با همان دروس در ترم های قبلی متناظر از سیستم جامع نمرات استخراج شد، برای تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون تی استفاده گردید. ضریب اطمینان ۹۵ درصد در سطح معنی داری ۰،۰۵، برای آزمون های استنباطی در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها: تعداد ۹۴۷ آزمون غیر حضوری با ۲۶۶۸۴ نفر با میانگین (۱۴،۴۱)، انحراف معیار (۳،۰۷)، میانه (۱۸،۰۱)، انحراف چارکی (۳،۴۲)، میانگین ضریب دشواری (۰،۷۱) و میانگین ضریب تمیز (۰،۲۹) برگزار گردید. بررسی سؤالات از نظر ضریب دشواری نشان داد که در مجموع ۶۲٪ آسان، ۲۴٪ مناسب و ۱۴٪ نامناسب بوده است. در دانشکده های؛ پزشکی ۲۳٪، دندانپزشکی ۱۵٪، داروسازی ۲۰٪، پیراپزشکی ۲۰٪، پرستاری مامایی ساری ۳۲٪، پردیس رامسر ۲۸٪، بهداشت ۲۵٪، پرستاری و پیراپزشکی آمل ۲۷٪، بهشهر ۴۲٪ و فناوریهای نوین پزشکی ۳۹٪ سؤالات مناسب بوده است.

یافته ها: نتایج بررسی میانگین نمرات در دو ترم متناظر نشان داد که به غیر از پزشکی ساری و پزشکی پردیس رامسر در بقیه دانشکده ها، موارد تفاوت برجسته آماری بین میانگین نمرات در دو ترم متناظر وجود نداشت. در واقع میانگین نمرات دانشجویان پزشکی به گونه ای معنی دار و برجسته در نیمسال ۹۸۲ نسبت به ۹۷۲ افزایش داشته است. این افزایش اگرچه در مورد دانشجویان دندانپزشکی و داروسازی نیز دیده می شود اما از منظر آماری برجسته نیست. در دانشکده پرستاری و پیراپزشکی آمل افزایش نامحسوس داشته است. در دانشکده های پیراپزشکی ساری و نیز پرستاری- مامایی ساری، فناوری های نوین و پرستاری بهشهر با کاهش میانگین همراه بوده است. در دانشکده بهداشت نیز شواهدی دال بر افزایش معنی دار میانگین دیده می شود اگرچه خیلی برجسته نمی باشد.

بحث و نتیجه گیری: سؤالات دانشکده پرستاری بهشهر، دانشکده فناوری های نوین و دانشکده پرستاری و مامایی ساری از نظر مناسب بودن در وضعیت بهتری نسبت به سایر دانشکده ها بود. مقایسه میانگین آزمون های نیمسال دوم ۹۸-۹۹ با نیمسال متناظر آن در ۹۸-۹۷ نشان داد که آزمون های غیر حضوری میانگین بالاتری نسبت به آزمون های حضوری داشتند. جهت ارتقای آزمون های پایان ترم تحصیلی، تشکیل کارگروه های راهبردی و علمی با مشارکت افراد متخصص و باتجربه جهت تصمیم گیری و ارائه راهکارهای عملی پیشنهاد می شود.

مقایسه نتایج آزمونهای صلاحیت بالینی دانشجویان پزشکی شهر کرد با نمرات و معدل کسب شده در بخش های بالینی و نمره آزمون پیش کارورزی

سیمین اولادی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، اکبر شفیعی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، سعید عالی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد.

مقدمه: بررسی روی نمرات انواع آزمون ها و نتایج سنجش نگرش های دانشجویان و اساتید حاکی از وجود مشکل در آموزش بخش های بالینی بوده است. نتایج آزمون های صلاحیت بالینی نیز نشان می داد که فراگیران از آموذگی لازم برای ارائه خدمات پزشکی برخوردار نیستند و لذا هدف از آموزش بالینی در دوره دکترای پزشکی عمومی که برابر کوریکولوم ها، کسب حداقل مهارت های مورد انتظار دانش آموختگان است محقق نشده است. در واقع آزمون صلاحیت بالینی که با طراحی سؤالات از طرف وزارتخانه، به عنوان ابزاری جهت ارزیابی حداقل های یادگیری به ویژه در ابعاد مهارتی طراحی شده نشان داده که توانمندی لازم در دانشجویان در دوره کارآموزی و کارورزی پزشکی حاصل نشده و نیاز به تغییر و تحولاتی در زمینه آموزش مهارت های بالینی احساس می شود.

روش اجرا: در مرحله اول ۶۹ نفر از شرکت کنندگان در آزمون صلاحیت بالینی (۲ دوره در سال ۱۳۹۶ و ۲ دوره در سال ۱۳۹۷) انتخاب شدند. سپس نمرات یک یک دروس کارآموزی (نه تئوری) و کارورزی و یک یک نمرات ایستگاه های آزمون صلاحیت بالینی هریک، همراه با معدل هریک از این مراحل و آزمون ها و همچنین نمره آزمون جامع پیش کارورزی برای تمام آنان استخراج و ثبت شد. در مرحله بعد در قالب بسته آماری اس پی اس اس، و با استفاده از آزمون های آماری T برای مقایسه میانگین ها، و آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی میزان همبستگی بین متغیرها، و آزمون های فریدمن و کندال برای بررسی ضریب هماهنگی، داده ها پردازش گردید و اعداد و ارقام حاصله به صورت درصد، مقایسه میانگین ها، بررسی میزان همبستگی و ارتباط معناداری بین متغیرها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مرحله سوم از مجموعه نظرسنجی های دوره های اخیر از شرکت کنندگان در آزمون صلاحیت، جمع بندی های پایان جلسات آزمون که با اساتید و ارزیابان برگزار می شد و مصاحبه هایی که با دانشجویان

بالینی و کارورزان به عمل آمده بود مجموعه عواملی که می تواند تغییرات در نمرات و معدل های آزمون ها را توضیح دهد استخراج شد و در مرحله آخر راهکارهای رفع مشکل ارائه گردید.

یافته ها : نتایج مقایسه نمرات و معدل ها : پس از احراز نرمال بودن داده ها از طریق آزمون گولموگراف - اسمیرنوف، با توجه به سطح سنجش متغیرها، از آزمون های تی تست، همبستگی پیرسون، آزمون فریدمن و کندال برای آزمون مقایسه میانگین استفاده شد. معدل دوره کارآموزی ۱۵،۵۵ معدل دوره کارورزی ۱۷،۱۶ معدل آزمون صلاحیت بالینی ۱۵،۸۳ نمره آزمون پیش کارورزی ۱۳،۴۱ (براساس نمره ۲۰) بدست آمد. ضریب همبستگی برای معدل کارآموزی و کارورزی و همچنین معدل کارآموزی و معدل آزمون صلاحیت بالینی حاکی از قوی بودن نسبی ارتباط بین این متغیرهاست. تحلیل خطی در نمودار پراکنندگی میان نمرات آزمون پیش کارورزی با معدل دوره کارآموزی نشان می دهد می توان از فرمول $۵۷،۱۲ - ۷۱۴،۷ X = Y$ برای برآورد نمره آزمون پیش کارورزی از روی نمره کارآموزی افراد استفاده کردوقتی برای ۵ بخش داخلی، جراحی عمومی، اطفال، زنان و قلب که همه ۶۹ نفر در تمام موارد دارای نمره در آنها بوده اند مقایسه میانگین ها مطرح شد باز هم مشخص شد که اختلاف میانگین نمرات در این بخش ها معنی دار است. برای مقایسه میانگین رتبه ها و مشخص شدن ضریب کلی هماهنگی برای ۵ بخش نامبرده آزمون اجرا شد و مشخص گردید میانگین رتبه ها در دوره های کارآموزی، کارورزی و نمره صلاحیت بالینی در ایستگاه مرتبط با آن بخش، تفاوت معنادار دارد. بررسی ها نشان می دهد در ۳۶ درصد دانشجویان برتر، که با معیار نمره بخش ها و آزمون های جامع علوم پایه و پیش کارورزی جزو استعدادهای درخشان هستند تا ۳ ایستگاه از ۱۲ ایستگاه از آزمون صلاحیت بالینی را با کمترین نمره گذرانده اند.

بحث و نتیجه گیری: این امر حاکی از وجود فاصله بین آموزش های تئوری و مهارت های عملی است. همچنین می توان متکی بودن فرآیند پذیرش دستیار به آزمون های با محتوای تئوریک را از عوامل کم ارج بودن کسب مهارت عملی در دوره های پزشکی عمومی و انگیزه عدم حضور فراگیران در برنامه های عملی کشیک ها فرض نمود.

توسعه استفاده از آزمون های الکترونیک غیر حضوری در طراحی و ساماندهی ارزیابی درس کارآموزی در عرصه داروخانه شهری در پاندمی کرونا

حسین صادقیپور - محمدحسین مروت - محمدباقر قشون - محمدمهملدی زرنشاس - سارا رسول امینی - امیرحسین ساختمان - شهره علیپور - فاطمه احمدی - الهه ناز پرهیزکار - دانشگاه ع. پ. شیراز، امیر آزادی - هاجر اشرفی.

مقدمه : در سالهای اخیر مفهوم نگاه به رشته داروسازی از ارائه دارو به بیمار به سمت ارائه خدمات دارویی در جهت دستیابی به اهداف درمانی بهینه و پاسخگو به نیاز جامعه، در کنار سایر بخشهای درمانی با کمترین هزینه تغییر یافته است. از آنجا که غالب دانشجویان داروسازی بعد از اتمام تحصیل، در داروخانه های شهری و یا بیمارستانی مشغول به کار خواهند شد، لذا توانایی ارائه خدمات دارویی مناسب در باید در دوران تحصیل به دانشجویان آموزش داده شود. درس کارآموزی در عرصه داروخانه شهری با همین به منظور افزایش کیفیت توانمندی علمی، حرفه ای، اخلاقی و اجتماعی دانشجویان در چرخه آموزشی گنجانده شده است. با شیوع پاندمی کرونا، به علت ایجاد محدودیت در حضور دانشجویان در فضای محدود جهت برگزاری آزمون درس کارآموزی در عرصه داروخانه شهری که پیش از این به صورت شبه آسکی برگزار می شد، ارزیابی این درس به شیوه الکترونیک و غیرحضوری در دانشکده داروسازی شیراز مد نظر قرار گرفت.

روش اجرا: برای اجرای این برنامه، آیین نامه های مصوب از سوی دبیرخانه شورای تخصصی داروسازی مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس مصوب مندرج در آیین نامه، فرایند اجرای این درس به ترتیب زیر انجام می شود: ارزش درس کارآموزی در عرصه داروخانه شهری بر اساس آیین نامه آموزشی دوره دکترای حرفه ای داروسازی به میزان ۶ واحد می باشد که براساس کوریکولوم مصوب داروسازی، دانشجو باید ۳۰۶ ساعت کارآموزی در این حیطه بگذراند که مشتمل بر حضور در عرصه داروخانه و امتحانات کتبی و گذراندن کارگاه های معاونت غذا و دارو و بهداشت می باشد. پس از اتمام دوره شیفت ها و گذراندن کارگاه معاونت ها، دانشجو در یک آزمون کتبی (شبه آسکی) که مهارت علمی و اطلاعات دارویی وی سنجیده می شود شرکت می کند که حداقل نمره قبولی (طبق آیین نامه مقررات آموزشی برای درس های کارآموزی) در این آزمون ۱۴ از ۲۰ است. این آزمون در پاندمی کرونا به صورت الکترونیک انجام می شود. آزمون شامل پاسخ تشریحی به سوالات ۲۰ نسخه توسط دانشجو به صورت الکترونیک است. که در ارزیابی، بازنویسی نسخه، عوارض دارویی، تداخلات دارویی، توصیه های مصرف به بیمار، نام تجاری، دوز و اشکال مختلف دارویی و ... مورد بررسی قرار می گیرد. لازم به توضیح است که این تعداد نسخه، تمامی دسته های فارماکولوژیک دارویی و تخصص های مختلف درمانی مانند داخلی، کودکان، زنان، شیمی درمانی، گوارش، چشم، اعصاب و... را پوشش می دهد. آزمون الکترونیک در سامانه فرادید برگزار می شود و همزمان صحت آزمون توسط اساتید در گروه های کوچک به صورت تصویری و صوتی از طریق سامانه یادگیری الکترونیک (ال ام اس وستا) دانشگاه علوم پزشکی شیراز مورد بررسی قرار می گیرد. دانشجو می بایست وبکم سیستم خود را روشن کرده و همزمان که در سامانه فرادید به سوالات پاسخ می دهد، توسط ناظر کنترل شود.

بحث و نتیجه گیری: با اجرای این برنامه علاوه بر آنکه مهارت علمی دانشجو مورد ارزیابی قرار میگیرد، روشی نوین برای آزمون غیرحضوری

الکترونیک نیز ایجاد شده است که می توان از آن در شرایطی مشابه با شرایط پاندمی کرونا و حتی در زمانهای غیر از آن بکار برد.

روش های سنجش صلاحیت و پذیرش دانشجو در دانشگاه: مرور تجربیات جهانی

حدیثه درویشزاده - دانشگاه ع. پ. کرمان، سمیه نوری حکمت - دانشگاه ع. پ. کرمان، سید میثم موسوی - دانشگاه ع. پ. کرمان، رضا دهنویه .

شرکت می کنند. نوع چهارم، آزمون های چندگانه بوده که تلفیقی از نمرات امتحانات پایان متوسطه یا امتحانات ورودی به همراه نتایج یک یا دو امتحان صلاحیت های عمومی در آن استفاده می شود. پذیرش در دانشگاه های هندوستان مبتنی بر نمرات یک یا چند آزمون پایان متوسطه یا آزمون ورودی است. نوع پنجم نیز بدون امتحان بوده و از عملکرد تحصیلی دوران متوسطه برای ارزیابی صلاحیت داوطلبان، استفاده می شود. روش های پذیرش غیرمبتنی بر امتحان در بخش خصوصی در کشورهای مختلف، به ویژه در ایالات متحده آمریکا، کانادا و نروژ دیده می شد.

بحث و نتیجه گیری: از یافته های مطالعه می توان دریافت که کشورهای مختلف در دنیا بر حسب مقتضیات جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، از روش های مختلف و متنوعی را برای پذیرش دانشجو استفاده می کنند. هرکدام از انواع روشها، مزایا و معایب خاص خود را داشته و نمی توان هیچیک از انواع و مدل های مورد عمل کشورهای مختلف را برای پذیرش دانشجو به دیگر روش ها ارجحیت داد. آنچه که حائز اهمیت فراوان است این است که مدیران ارشد می بایستی با بهره گیری از این تجارب پرداخته و در طراحی سیاستهای آموزشی مرتبط با سنجش و پذیرش، به انتخاب مناسبترین داوطلبان و رعایت عدالت در برخورداری داوطلبان از امکانات آموزش عالی توجه جدی مبذول دارند.

کلمات کلیدی: کنکور سراسری، سنجش و پذیرش، تجربیات جهانی

برگزاری آزمون صلاحیت بالینی در شرایط خاص همه گیری بیماری کووید ۱۹، نوآوری و انطباق

سهیلا منبری - سحر نیکام - دکتر مهوش علیزاده نایینی - نرگس وائقی - دانشگاه ع. پ. شیراز.

Introduction: Competence assurance is an obligation in competency-based medical education (CBME) to ensure fulfilling the patients' needs in the society by medical graduates. Performance assessment of medical graduate through a high stake method "objective structured clinical examination (OSCE)" has received more attention during last ۲۰ years ago, in Iran. At the same way, since ۱۳۹۴, OSCE is implemented in educational program as national clinical competence assessment for graduation. Pandemic Covid-۱۹ has caused significant restrictions in clinical education and examination, so requires safer OSCE programing. In spite of its exaggerated inevitable technical limitations, in Shiraz University of Medical Sciences (SUMS), OSCE was conducted in a different plan of performance. Modified

مقدمه: به همان اندازه که محتوای دروس و حساسیت نسبت به گزینش اعضای هیات علمی با اهمیت می باشد، امر سنجش صلاحیت و پذیرش دانشجو نیز از موضوعات مهم و در خور توجه آموزش عالی می باشد. در طول حیات آموزش عالی، دانشگاه های مختلف در جهان، شیوه های گوناگونی را برای پذیرش دانشجو استفاده کرده اند. از این رو مطالعه چگونگی پذیرش دانشجو و فرایند گزینش و سنجش آن ها، از مباحث اصلی نظام های آموزشی بوده و می تواند کمکی جدی به مدیران ارشد حوزه آموزش در ایران ارائه دهد. در این مطالعه به مرور تجربیات کشورهای مختلف دنیا و بررسی روش های سنجش و پذیرش دانشجو در این کشورها پرداخته شد.

روش اجرا: این مطالعه، یک مطالعه مروری نظام مند می باشد. به منظور شناسایی کلیه مطالعات مرتبط، از پایگاه های اطلاعاتی Magiran, SID, PubMed, Web of Science استفاده شد. برای انجام جستجوها، محدودیت زمانی در نظر گرفته نشد و کلیه مطالعات به زبان فارسی و انگلیسی مورد بررسی قرار گرفتند. برای تحلیل داده ها نیز از روش تحلیل مضمون و با الهام از منطق قیاسی، استفاده شد.

یافته ها: با بررسی و مرور منابع، در مجموع ۲۳ مطالعه حائز و معیارهای ورود تشخیص داده شده و وارد مطالعه شدند. یافته ها نشان داد عمدتاً ۵ شیوه سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه های دنیا وجود دارد. نوع اول، نمره معدل امتحانات پایان دوره متوسطه می باشد که بر یک یا چند نمره از امتحانات پایان دوره متوسطه محاسبه می شود و در سطح ملی یا منطقه ای و عموماً توسط دولت برگزار می گردد، کشورهای اتریش، ایرلند و مصر فقط از نتایج آزمون ملی پایان دوره متوسطه برای پذیرش دانشجو استفاده می کنند. نوع دوم، آزمون های ورودی دانشگاه بود که سطح دانش داوطلبان در دروس دوره دبیرستان را سنجیده و بصورت متمرکز در سطح ملی یا منطقه ای توسط دولت برگزار می گردد و در برخی کشورها مانند چین و گرجستان از نتایج آن برای پذیرش استفاده می شد. نوع سوم، آزمون های شایستگی استاندارد می باشد که به سنجش مهارت های شناختی عمومی و تخمین توانایی فرد در یادگیری می پردازد و توسط سازمان های مستقل برگزار می گردد. داوطلبان دانشگاه در سوئد و ایالات متحده در آزمون استعداد تحصیلی

Key words: OSCE, covid-۱۹, Competence, medical student

تبیین منصفانه بودن آزمونهای دانشکده پرستاری مامایی حضرت فاطمه(س) از دید اساتید و دانشجویان پرستاری مامایی شیراز سال ۹۹-۹۸

هوتسا آصفی - دانشگاه ع. پ. شیراز، پریسا نبیئی - دانشگاه ع. پ. شیراز، لیلیا بندرافکن - دانشگاه ع. پ. شیراز، مرضیه ده بزرگیان - دانشگاه ع. پ. شیراز، شهره بزرگر - دانشگاه ع. پ. شیراز، زهره اسماعیل زاده - دانشگاه ع. پ. شیراز، مریم امیری نیا - دانشگاه ع. پ. شیراز، مارال استوارفر - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: یکی از جنبه های ارزیابی آزمونها که با وجود اهمیت آن در طراحی یک مدل سنجش کمتر بررسی شده ارزیابی میزان منصفانه بودن آزمونهاست. در تمامی رویکردهای ارایه شده به مواردی مانند روایی آزمون، نبود سوگیری در نتایج و تصمیم ها، قابل دسترس بودن آزمون، اجرای صحیح و پیامدهای آزمون (تاثیر مثبت بر تدریس) اشاره شده است. در این طرح به دیدگاه اساتید و دانشجویان پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در مورد منصفانه بودن آزمونها پرداخته شده است.

روش اجرا: این مطالعه به روش کیفی، با رویکرد تحلیل محتوا، در مورد آزمونهای نیمسال اول و دوم سال ۹۸-۹۹ در دانشکده پرستاری مامایی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، در فاصله زمانی خرداد ماه تا آذرماه سال ۱۳۹۹، ایران انجام گرفت. انتخاب شرکت کنندگان بصورت هدفمند از ۷ تن از اعضا هیات علمی که حداقل یک سال سابقه تدریس را داشتند و ۲۱ تن از دانشجویان پرستاری مامایی که حداقل ۴ ترم را گذرانده بودند، انجام شد. بر اساس علاقه مندی به شرکت در پژوهش پس از ارائه معرفی نامه، توضیح هدف پژوهش و نحوه انجام آن، اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات، داشتن حق کناره گیری و کسب رضایت آگاهانه انتخاب شدند. جهت گردآوری داده ها مصاحبه نیمه ساختار یافته و تارسیدن به حد اشباع داده ها، بصورت فردی و به شیوه حضوری و آنلاین صورت گرفت. روش تحلیل نتایج به روش تحلیل محتوای کیفی قراردادی بود. برای تحلیل یافته های بدست آمده از رویکرد کنان در ارزیابی منصفانه استفاده شد. معیارهای این رویکرد روایی آزمون، نبود سوگیری در نتایج و تصمیم ها، قابل دسترس بودن آزمون، اجرای صحیح و پیامدهای آزمون (تاثیر مثبت بر تدریس) میباشند.

یافته ها: از تجزیه و تحلیل توصیف های مشارکت کنندگان، ۹۸۱ کد اولیه استخراج شد. کدها پس از چند بار مرور خلاصه سازی و براساس تشابه و تناسب به صورت ۳ طبقه اصلی و ۱۷ طبقه فرعی گردید. درون

examination was carried out in a way to minimize the risk of contamination, considering the examination quality.

Objective: This study was designed to compare this type of OSCE with previous ones.

Material and Method: Prior to pandemic COVID-۱۹, proportionate to the number of graduates, OSCEs were carried in a day with twice serial round and multiple stations. They were held in simultaneous parallel manner in multiple floors of an out-patients department (OPD). Considering all hygienic standards, for each groups of graduates, the modified COVID-۱۹ OSCEs were set up in two separate sessions with one month time interval. In each turn, the students participated in minimal standard stations. General technical aspects of two types of OSCEs such as limitations and obstacles, number of personnel and spent time by moderators for each student, cost, securities aspects of exam, and graduates' satisfaction were assessed by interview. The graduates' scores were analyzed through SPSS-۱۸ and compared. Result: In comparison between usual and Covid-۱۹ OSCE, the number of staff and costs in Covid-۱۹ OSCE decreased, but there was little change per student. The spent time for each student increases. In a conducted survey of staffs, they were less tired in Covid-۱۹ OSCE than in usual. Besides, students were satisfied with how the exam was conducted. Mean, standard deviation and P-value of total, procedural and problem solving scores in usual and covid-۱۹ OSCE were $(14.75 \pm 1.38, 13.94 \pm 1.54, P < 0.05)$, $(15.57 \pm 1.49, 16.67 \pm 1.77, P < 0.05)$, $(11.51 \pm 2.36, 11.99 \pm 1.78, P < 0.05)$ respectively. Mean total score was higher in usual OSCE because of procedural number stations.

Conclusions: By carrying out the exam during covid-۱۹, the minimum standards were observed in terms of stations number, content validity and reliability. As compared with usual OSCE, due to less station, students in covid-۱۹ type exam met less educational goals and effect and less fair. Take home messages: Despite the inevitable obstacles, OSCE could be applied in medical graduates' assessment plan with more efforts and experiences in critical conditions such as pandemic crisis.

ماه‌های اصلی شامل ارزشیابی ارزشی، ارزشیابی کاذب و راهکارهای ارتقاء آزمون منصفانه بود.

بحث و نتیجه‌گیری: کمبود امکانات و تجهیزات سیستمی در سطح کلان و کشوری در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ با توجه به همه‌گیری کووید ۱۹، آموزش در تمام مقاطع تحصیلی را تحت تاثیر قرار داد. در بیانات دانشجویان و اساتید پرستاری مامایی شیراز از منصفانه بودن آزمونهای انجام شده در سال ۹۹-۹۸، با توجه به تحلیل درون ماه‌های فرعی و تم‌های بدست آمده، آزمونهای انجام شده در زمینه رعایت محتوا، منصفانه و در زمینه‌های نبود سوگیری در نتایج و تصمیم‌گیری، قابل دسترس بودن، اجرای صحیح و پیامدها، آزمونهای انجام شده غیر منصفانه بوده‌اند.

کلمات کلیدی: کلمات کلیدی برای جستجوی متون شبکه‌های اطلاعاتی اینترنتی ارزشیابی آزمون، منصفانه بودن آزمون، (test fairness, fairness of examination) بدون محدودیت زمانی از پایگاه‌های اطلاعاتی google scholar – SID بوده‌اند.

ارزیابی فعالیت‌های کلاسی دانشجویان پسر و دختر در آموزش پرستاری کودکان به سبک تعاملی

شهناز کریمی - دانشگاه ع. پ. فسا، ژیلای فریدونی - محمدمهدی نقی زاده - زهرا مرادی - دانشگاه ع. پ. فسا، مصطفی بیژنی - لیلا نیک روز - دانشگاه ع. پ. فسا، پریسا ثابت سروستانی - دانشگاه ع. پ. فسا،

مقدمه: تمرکز بر فعالیت کلاسی و مشارکت دانشجویان به منظور اطمینان از کیفیت آموزش، مورد قبول اکثر برنامه‌ریزان آموزشی است. لذا در این مطالعه فعالیت کلاسی و مشارکت دانشجویان پسر و دختر در آموزش پرستاری کودکان به سبک تعاملی مورد ارزیابی قرار گرفت.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۴۴ نفر (۲۱ دختر و ۲۳ پسر) از دانشجویان پرستاری که طبق برنامه آموزشی، واحدهای تئوری پرستاری کودک سالم و پرستاری بیماری‌های کودکان را انتخاب کرده بودند به صورت تمام شماری در سال ۹۵ در دانشگاه علوم پزشکی فسا انجام شد. به منظور بکارگیری سبک تعاملی در تدریس از روش‌های بحث گروهی، ارائه مطالب آموزشی و نیز طراحی سوال توسط دانشجویان استفاده شد. جهت ارزشیابی فعالیت‌های کلاسی از میزان مشارکت در بحث‌های گروهی، طراحی سوال و ارائه مطالب توسط دانشجویان، میزان حضور فعال در کلاس و نمرات آزمون پایان ترم استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS ۲۲، روش‌های آمار توصیفی و آزمون‌های آماری تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌ها میانگین نمره مهارت دانشجویان دختر در طراحی سوال (۰,۸۱±۰,۲۹) و خلاقیت آن‌ها در ارائه مطالب آموزشی (۱,۲۸±۰,۳۳) از دانشجویان پسر (۰,۶۷±۰,۴۷ و ۰,۸±۰,۶۰) بالاتر بود اما ارتباط معناداری مشاهده نشد (p>۰,۰۰۱). از طرفی مشارکت دانشجویان پسر در بحث‌های گروهی (۰,۴۷±۰,۳۵) بیشتر از دانشجویان دختر (۰,۴۶±۰,۲۰) بود که ارتباط معناداری نیز مشاهده نشد (p>۰,۰۰۱). همچنین میزان حضور فعال دانشجویان دختر (۱,۰۴±۰,۹۰) از پسر (۱,۱۰±۰,۷۴) بیشتر بود که ارتباط معناداری مشاهده نشد (p>۰,۰۰۱). در مجموع فعالیت‌های کلاسی دانشجویان دختر (۱۳,۵۵±۱,۰۰) منجر به ارتقا میانگین نمره آزمون پایان ترم نسبت به دانشجویان پسر (۱۲,۴۲±۱,۴۴) شده است و بین میانگین نمره پایان ترم دختر و پسر ارتباط معناداری وجود داشت (p<۰,۰۰۱) که این موضوع بر معدل کل دانشجو در ترم تحصیلی نیز تاثیر مثبت داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری: به کارگیری سبک تعاملی در آموزش، زمینه‌ای برای وجود و بهبود یادگیری را برای فراگیر مهیا می‌کند و می‌تواند پیامدهای آموزشی مثبتی را به دنبال داشته باشد. با توجه به نتایج مطالعه و پایین بودن نمرات پایان ترم و معدل ترم تحصیلی دانشجویان پسر در درس کودکان، انجام پژوهش‌های بیشتر به منظور شناسایی و رفع چالش‌های موجود پیشنهاد می‌گردد.

ارزیابی آزمون‌های پایان دوره واحد نظری و بالینی

پرستاری کودکان با تاکید بر نقش جنسیتی

شهناز کریمی - دانشگاه ع. پ. فسا، ژیلای فریدونی - محمدمهدی نقی زاده - زهرا مرادی - دانشگاه ع. پ. فسا، مصطفی بیژنی - لیلا نیک روز - دانشگاه ع. پ. فسا، پریسا ثابت سروستانی - دانشگاه ع. پ. فسا،

مقدمه: تمرکز بر ارزشیابی آموزش پرستاری در حیطه نظری و بالینی به منظور اطمینان از کیفیت آموزش، مورد قبول اکثر برنامه‌ریزان آموزشی است. لذا این مطالعه با هدف ارزیابی آزمون‌های پایان دوره واحد نظری و تئوری پرستاری کودکان با تاکید بر نقش جنسیتی انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۴۴ نفر (۲۸ دختر و ۱۶ پسر) از دانشجویان پرستاری که طبق برنامه آموزشی، واحدهای تئوری پرستاری کودک سالم و پرستاری بیماری‌های کودکان و واحدهای بالینی کارآموزی پرستاری کودک سالم و پرستاری بیماری‌های کودکان و کارآموزی در عرصه پرستاری بیماری‌های کودکان را در نیمسال دوم ۱۳۹۴ انتخاب کرده بودند به صورت تمام شماری در دانشگاه علوم پزشکی فسا انجام شد. داده‌ها به وسیله نمرات پایان ترم دروس تئوری همچنین نمرات کسب شده از دفترچه ثبت مهارت‌های

بالینی، راند بالینی و آزمون پایان بخش جمع اوری شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ۲۲، روش های آمار توصیفی و آزمون های آماری تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته ها: بر اساس یافته های مطالعه بین نمرات دانشجویان دختر (۱۳,۵۱±۱,۸۲) و دانشجویان پسر (۱۱,۰۴±۱,۲۹) در درس تئوری کودک سالم اختلاف معنی دار بود ($P \leq 0,001$). ولی بین نمرات دانشجویان دختر (۱۵,۲۵±۲,۱۹) با دانشجویان پسر (۱,۶۶±۱۲,۷۳) در درس تئوری کودک بیمار اختلاف معنی دار مشاهده نشد ($P = 0,112$). همچنین نمرات کارآموزی بخش اطفال در دانشجویان دختر (۱۶,۱۹±۱,۷۸) به طور معنی داری بالاتر از دانشجویان پسر (۱۴,۱۷±۱,۴۷) بود ($P \leq 0,001$). اما نمرات دانشجویان دختر (۱,۳۰±۱۶,۳۰) با دانشجویان پسر (۱۴,۲۹±۱,۳۷) در کارآموزی در عرصه بخش اطفال اختلاف معنی دار نداشتند ($P = 0,760$).

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه درس تئوری کودک سالم بر مراحل رشد و تکامل و ارتقاء سلامت در ابعاد مختلف جسمی، شناختی، روانی - اجتماعی و معنوی تاکید دارد بنابراین ممکن است برای دانشجویان پسر ملموس نباشد ولی در درس تئوری کودک بیمار با توجه به تاکید بر بر شناخت و مراقبت از کودک در بیماری های مختلف این ارتباط عمیق تر می باشد. همچنین با توجه به نتایج این مطالعه، به نظر می رسد با گذشت زمان و کسب تجربه بین دوجنس پسر و دختر در بخش اطفال اختلاف بین نمرات آن ها کم رنگ شده باشد. لذا این مسائل نیاز به بازبینی و بازنگری محتوی کریکولوم برای تعادل و تطابق بین نگاه جنسیتی و نقش های حرفه ای در آموزش پرستاری دارد.

خودارزشیابی دانشجویان مامایی از عملکرد آنها در رعایت منشور حقوق مادران مراجعه کننده به زایشگاههای بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

طلعت خدیوزاده - علیرضا محبوب اهری - حمید حیدریان میری - فاطمه زهرا کریمی - دانشگاه ع. پ. مشهد، سعید خزائی -

مقدمه: ارزشیابی بالینی به عنوان یکی از ارکان مهم در آموزش مامایی باید شایستگی و توانمندی های این افراد را اندازه گیری نماید. بدلیل آنکه منشأ بسیاری از مشکلات خدمات بهداشتی درمانی ناشی توجه ناکافی به کیفیت آنچه می باید انجام دهند می باشد (۱، ۲) خود ارزشیابی به پذیرش مسئولیت رشد و بهبود عملکرد خود بدون وابستگی به دیگران اشاره دارد. ماماها وظیفه مراقبت از سلامت زنان را بر عهده دارند و توجه به حقوق زنان در این حیطه ضروری به نظر می رسد. حقوق بیمار یکی از محورهای اساسی در تعریف استانداردهای خدمات بالینی به شمار می رود. طی سالهای اخیر توجه جوامع بین المللی به

حقوق بشر افزایش یافته و این امر موجب گردیده مفهوم حقوق بیمار نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. دانشگاههای علوم پزشکی نیز در این حیطه مسئولیت مهمی بر عهده دارند. نهادینه کردن اصول اخلاقی در بین دانشجویان و آگاه نمودن آنها برای زندگی حرفه ای آینده، بخش مهمی از مسئولیت های دانشگاه هاست. مطالعه حاضر با هدف خودارزشیابی دانشجویان سال آخر مامایی از عملکرد آنها در رعایت منشور حقوق مادران مراجعه کننده به زایشگاههای بیمارستان های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۷ انجام گردید.

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی- تحلیلی، با روش سرشماری تمامی دانشجویان سال آخر مقطع کارشناسی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه پژوهشگر ساخته شامل مشخصات فردی و سازمانی و پرسشنامه مربوط به رعایت منشور حقوق مادران در لیبر و زایمان بود. روایی و پایایی ابزار تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ و آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت. در تمام آزمون ها ضریب اطمینان ۹۵٪ و سطح معنی داری ۰,۰۵ بود.

یافته ها: در این مطالعه میانگین سنی دانشجویان ۱,۴ ± ۲۳,۰۹ بود. میانگین و انحراف معیار نمره کل خودارزشیابی دانشجویان از نظر رعایت منشور حقوق مادر در لیبر و زایمان ۱۵۰,۰۶ ± ۱۳,۱۷ و میانگین نمرات عملکرد دانشجویان در ابعاد حمایت عاطفی ۴۶,۵۸ ± ۴,۷۶، پشتیبانی اطلاعاتی و مشاوره، ۵,۷۳ ± ۴۶,۵۸ و حمایت فیزیکی از مادر در لیبر و زایمان ۳۹,۲۹ ± ۳,۶۳ بود. نتایج نشان داد که بیشترین نمره مربوط به حیطه حمایت عاطفی بود.

بحث و نتیجه گیری: خودارزشیابی به عنوان یکی از راههای دریافت بازخورد از یادگیرندگان می تواند بازتاب مفیدی را در زمینه میزان موفقیت برنامه های آموزشی ارائه دهد. بر اساس نتایج مطالعه حاضر باید توجه بیشتری به ابعاد حمایت فیزیکی و پشتیبانی اطلاعاتی و مشاوره، منشور حقوق مادران در لیبر و زایمان، معطوف شود. بدلیل آنکه تقویت عملکرد دانشجویان در رعایت منشور حقوق مادران میتواند موجب بهبود کیفیت ارائه خدمات مراقبتی به مادران در لیبر و زایمان شود.

کلمات کلیدی: دانشجویان، خود ارزشیابی، منشور حقوق مادران

مقایسه رضایت مربیان و دانشجویان از دو روش ارزشیابی سنتی (رایج) و ارزشیابی به روش استفاده از کتابچه ی ثبت مهارت های بالینی (لوگ بوک) در کارآموزی در عرصه دانشجویان رشته بهداشت عمومی

بی بی نرگس معاشری - دانشگاه ع. پ. بیرجند، حمید صالح نیا - غلامرضا شریف زاده - دانشگاه ع. پ. بیرجند، محمدرضا میری -

مقدمه : یکی از وظایف برنامه ریزان آموزش دنبال کردن برنامه های پویا با هدف ارتقای مستمر و ایجاد فرصت یادگیری بهینه برای یادگیرندگان است. ارزشیابی دانشجویان از مهم ترین فاکتورهای مرتبط با یادگیری است، همچنین رضایت مربیان و دانشجویان از نحوه ارزشیابی دوره ها منجر به یادگیری بهتر می شود. لذا مطالعه حاضر با هدف مقایسه رضایت مربیان و دانشجویان از دو روش ارزشیابی سنتی و ارزشیابی به روش استفاده از کتابچه ی ثبت مهارت های بالینی (لاگ بوک) در کارآموزی در عرصه بهداشت عمومی صورت گرفت.

روش اجرا : در این مطالعه ی تحلیلی ۲۰ نفر از دانشجویان رشته کارشناسی پیوسته ی بهداشت عمومی دانشکده بهداشت بیرجند در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ که کارآموزی در عرصه ۲ را سپری کردند و ۱۲ نفر از مربیان وارد مطالعه شدند. پرسشنامه شامل سوالات رضایت دانشجویان از روش ارزشیابی سنتی (که در کارآموزی در عرصه ۱ گذرانیده بودند) و ارزشیابی با کمک لاگ بوک (که در کارآموزی در عرصه ۲ گذرانیده بودند) و همچنین سوالات رضایت مربیانی که با همین ۲ روش در دو ترم متوالی، دانشجویان را ارزشیابی کردند، بود. داده ها پس از کد بندی وارد کامپیوتر و با کمک نرم افزار SPSS ۱۹ و آزمون های آماری تی زوجی در سطح معنی داری $\alpha=5\%$ تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها : میانگین سنی دانشجویان 21.9 ± 0.6 سال، میانگین سنی مربیان 39.6 ± 8.4 و میانگین سابقه کار مربیان 14.9 ± 7.4 سال بود. نتایج نشان داد هیچگونه اختلاف معنی داری بین میانگین نمره ی رضایت دانشجویان از روش ارزشیابی سنتی و روش استفاده از لاگ بوک وجود ندارد ($P=0.06$). همچنین بین سطح علاقمندی به رشته و میزان رضایت دانشجویان از روش ارزشیابی (ارزشیابی سنتی، ارزشیابی با استفاده از لاگ بوک) ارتباط معنی داری دیده نشد، اما اختلاف معنی داری بین میانگین نمره ی رضایت مربیان از روش ارزشیابی با استفاده از لاگ بوک و ارزشیابی سنتی وجود داشت بطوریکه مربیان تمایل بیشتری به استفاده از روش ارزشیابی با کمک لاگ بوک نشان دادند ($P=0.01$) مربیان در حیطه های "منصفانه بودن، مطابق با اهداف آموزشی، مناسب بودن، عینی بودن و ارتقاء مهارت ها"، رضایت بیشتری از روش ارزشیابی با کمک لاگ بوک نسبت به روش سنتی نشان داده، اما در حیطه ی "علاقه مندی در بکارگیری روش"، نمره ی رضایت از روش سنتی در مربیان بیشتر بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود که در کنار روش های ارزشیابی سنتی، روش های نوین مثل ارزشیابی با کمک لاگ بوک بیشتر آموزش داده شود و بصورت تلفیقی توسط اساتید و مربیان بکار گرفته شود، همچنین مطالعات بیشتری در این زمینه انجام پذیرد.

کلمات کلیدی: رضایت مربیان، رضایت دانشجویان، ارزشیابی سنتی، کتابچه ی ثبت مهارت های بالینی

ارزشیابی شیوه نوین آموزش تکنیک Real time-PCR به روش در دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته های علوم پایه پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بابل

سمیه اولادی - دانشگاه ع. پ. بابل، فرزین صادقی - دانشگاه ع. پ. بابل

مقدمه : در سال های اخیر آموزش آزمایشگاه محور یکی از ارکان اساسی تحول در مدیریت یاددهی و یادگیری دانشجویان رشته های علوم آزمایشگاهی و علوم پایه پزشکی بوده و باعث تقویت تفکر نقادانه و استدلال انتقادی در این دانشجویان می شود. تکنیک ریل تایم پی سی آر، یکی از مهمترین و پرکاربردترین مهارت های عملی در مقاطع تحصیلات تکمیلی علوم پایه پزشکی محسوب می شود. آموزش این تکنیک بصورت عملی از ضروریات برنامه درسی و مهارت های عملی مورد انتظار دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی رشته های علوم پایه پزشکی محسوب می شود. متأسفانه این مهارت عملی در دوره آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی به خوبی آموزش داده نمی شود و دانشجویان در حیطه های شناختی و مهارتی از تسلط کافی برخوردار نیستند. در این مطالعه، برای آموزش این تکنیک در دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته های علوم پایه پزشکی، یک کارگاه آموزشی با شیوه نوین (یادگیری ترکیبی) طراحی کرده و برای ارزشیابی مهارت های عملی فراگرفته شده در کارگاه از آزمون استاندارد آسپی بهره برده ایم و اثرات به کارگیری این روش ها را در یادگیری دانشجویان را بررسی نمودیم.

روش اجرا : در این پژوهش، ۱۸ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی وارد مطالعه شدند. داوطلبین پس از ثبت نام و تکمیل رضایت نامه ورود به مطالعه، به صورت تصادفی بر اساس شماره ثبت نام در دو گروه مداخله و کنترل قرار گرفتند. افراد گروه مداخله علاوه بر شرکت در کارگاه آموزش ترکیبی را به صورت محتوی الکترونیکی استوری لاین دریافت نمودند. از دانشجویان در هنگام ثبت نام در کارگاه پس از اخذ رضایت آگاهانه، یک پیش آزمون به عمل آمد. کارگاه آموزشی در ۳ روز برگزار شد که در روز اول مباحث نظری و شناختی تکنیک به صورت روش سخنرانی برای هر دو گروه آموزش داده می شد. در روز دوم کارگاه، از روش تدریس نمایشی برای آموزش فعالیت های عملی و

آزمایشگاهی استفاده شد. در روش تدریس نمایشی مهارت های ضروری برای انجام آزمایش ریل تایم پی سی آر، شامل استخراج آر ان آ، ساخت سی دی ان آ و تهیه مخلوط واکنش ابتدا توسط مدرس مربوطه بصورت عملی انجام داده می شد. پس از پایان روز دوم کارگاه و قبل از برگزاری آزمون آسیبی یک پس آزمون از همه شرکت کنندگان اخذ شد. در نهایت در روز سوم با استفاده از آزمون آسیبی عملکرد دانشجویان در انجام مهارت های عملی و آزمایشگاهی ارزیابی شد.

یافته ها: در حیطه شناختی میانگین نمرات پیش آزمون در گروه کنترل $1,4 \pm 2,1$ و در گروه مداخله $1,9 \pm 3,5$ می باشد. نمرات پس آزمون در گروه کنترل $0,9 \pm 6,1$ و در گروه مداخله $0,5 \pm 6,5$ می باشد. نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه مداخله بیشتر از گروه کنترل گزارش شده است. در حیطه مهارتی (آزمون آسیبی) میانگین نمرات پیش آزمون در گروه کنترل $1,3 \pm 1$ و در گروه مداخله $1,6 \pm 1,3$ می باشد. نمرات پس آزمون در گروه کنترل $0,97 \pm 3,7$ و در گروه $0,7 \pm 4,6$ مداخله می باشد. در حیطه مهارتی نمرات پیش آزمون و پس آزمون در گروه مداخله بیشتر از گروه کنترل گزارش شده است.

بحث و نتیجه گیری: استفاده از آموزش ترکیبی به همراه ارزشیابی ساختارمند عینی و عملی آسیبی هم در حیطه شناختی و هم در حیطه مهارتی دانشجویان تاثیر مثبتی دارد و استفاده از این روش سبب افزایش مهارت های آزمایشگاهی دانشجویان در تکنیک ریل تایم پی سی آر می شود.

ارزیابی کیفیت ماساژ قلبی دانشجویان با استفاده از

تسهیل کننده ماساژ قلبی

سید مصطفی محسنی زاده - دانشگاه ع. پ. بیرجند، اعظم گازرانی - دانشکده ع. پ. نیشابور، اکرم گازرانی - دانشگاه ع. پ. مشهد، حسین کریمی موقی .

مقدمه : عدم دسترسی به تسهیل کننده ماساژ دهنده قلبی امدادگران در داخل و خارج بسیاری از بیمارستانها، نیاز به نیروی زیاد امدادگر برای انجام ماساژ و خستگی زود هنگام در زمان انجام ماساژ قلبی طولانی بدون استفاده از ابزار کمکی، عدم کنترل بر سرعت و تعداد ماساژ قلبی در زمان انجام ماساژ دستی توسط امداد گر، عدم آگاهی از میزان نیرو با صحت و دقت مناسب، وجود ابزار تسهیل کننده ماساژ قلبی در کشورهای دیگر با هزینه بالا، استفاده از سخت افزار و نرم افزار پیچیده و بزرگ ابزار ساخته شده موجود که باعث محدودیت در جابجایی و استفاده آنها می گردد. ابزار ساخته شده در این طرح با داشتن ساختمان ساده و هزینه کم می تواند به راحتی در دسترس بسیاری از امدادگران در احیای قلبی داخل و خارج از بیمارستان مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر اینکه این ابزار قابلیت نمایش تعداد ماساژ و نیروی و از مزایای این وسیله می توان: به کم هزینه بودن آن در مقایسه با ابزارهای مشابه ساخته شده در زمینه ماساژ دهنده های قلبی، استفاده از سخت افزار و

نرم افزار ساده و در دسترس در مقابل نمونه های پیچیده، کاهش نیروی زیاد امدادگر برای انجام ماساژ قلبی و جلوگیری از خستگی زود هنگام آنها و در نتیجه ارتقاء کیفیت احیای قلبی و ریوی، امکان کنترل سرعت و تعداد ماساژ در زمان احیای قلبی ریوی توسط این وسیله به امدادگر این امکان را خواهد داد که از تعداد ماساژ لازم آگاهی پیدا کند. همچنین این وسیله قادر است میزان نیروی وارده توسط امدادگر به قفسه سینه را توسط نمایشگر نصب شده را مشاهده نموده و میزان فشار وارده را با توجه به میزان فشار استاندارد تنظیم نماید، اشاره نمود. امکان روئیت نیروی وارد شده توسط امدادگر به قفسه سینه را داشته تا از مشکلات ناشی از عدم تناسب تعداد و نیروی وارد شده جلوگیری نماید. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی کیفیت ماساژ قلبی دانشجویان با استفاده از تسهیل کننده ماساژ قلبی می باشد.

روش اجرا : معیارهای ورود این پژوهش جنسیت یکسان واحدهای پژوهش که در این طرح از دانشجویان آقا انتخاب خواهد شد، واحدهای پژوهش از نظر قد و جسه در رنج تقریباً یکسانی قرار دارند. پس از ساخت و تعیین پایایی ابزار، دانشجویان فرم مشخصات فردی را تکمیل نموده و توسط پژوهشگر توضیحات لازم در مورد ماساژ قلبی صحیح (وضعیت قرار گیری صحیح دستها، تعداد و نحوه انجام صحیح ماساژ قلبی) داده خواهد شد. سپس از دانشجویان خواسته می شود ماساژ قلبی را در یک سیکل ۵ دقیقه ای بدون استفاده از ابزار طراحی شده بر روی مولاژ احیای قلبی ریوی انجام داده و پژوهشگر تعداد ماساژ را ثبت نموده. پس از ۱۰ دقیقه استراحت از دانشجویان خواسته می شود دوباره در یک سیکل ۵ دقیقه ای با استفاده از ابزار طراحی شده ماساژ را بر روی مولاژ احیای قلبی ریوی انجام داده و شاخص های تعداد، سرعت، نیروی وارد شده از طریق مانیتور موجود در روی دستگاه ثبت و با مرحله اول (بدون استفاده از ابزار) مقایسه خواهد شد. میزان خستگی دانشجویان در زمان استفاده از ابزار در مقایسه با عدم استفاده از این ابزار بررسی خواهد شد.

یافته ها: اکثر دانشجویان بیشترین تاثیر این ابزار را در ایجاد عمق موثر (۸۰٪)، تسهیل ماساژ (۵۰٪)، کاهش خستگی (۲۰٪) و سرعت ماساژ قلب (۳۰٪) ذکر کردند. اکثریت دانشجویان بیان می کردند که با استفاده از این ابزار تعداد، عمق و سرعت ماساژ یکسان سازی شده و ماساژ قلبی موثر و با کیفیت تری داشته اند. با توجه به اینکه این ابزار دارای قابلیت مشاهده ی تعداد و میزان نیروی موثر را دارد دانشجویان بهتر می توانند از چگونگی انجام ماساژ موثر آگاه شوند.

بحث و نتیجه گیری : با توجه به اینکه از دیدگاه دانشجویان این ابزار تاثیر زیادی در انجام ماساژ و در نتیجه احیای قلبی و ریوی موثر، داشته است و بر اساس این که میزان نیرو و تعداد ماساژ توسط دستگاه ماساژ قلبی نمایش داده می شود، با دقت و عملکرد مطلوبتری CPR انجام خواهد شد و می توان از این ابزار در زمان آموزش این پروسیجر در دانشجویان دیگر نیز استفاده نمود.

کلمات کلیدی: ارزیابی، کیفیت ماساژ قلبی، دانشجویان، تسهیل کننده ماساژ قلبی

دانشجویان صنایع غذایی می باشد. در ادامه، شیوه طراحی پورتفولیو برای دانشجویان صنایع غذایی و نیز محتوای مناسب جهت تعبیه در آن از طریق بررسی تجربیات ملی و جهانی در دستور کار تیم پژوهشی قرار گرفت.

نقش پورتفولیو (کارپوشه) در ارتقای اثربخشی کارآموزی دانشجویان صنایع غذایی

مجتبی یوسفی اصلی - دانشگاه ع. پ. سمنان، نسیم خورشیدیان - دانشگاه ع. پ. سمنان، فرید غریبی - انا عبدالشاهی - دانشگاه ع. پ. سمنان.

بحث و نتیجه گیری: ضرورت ایجاد تحول بنیادین در شیوه ارائه و نیز محتوای آموزشی واحد درسی کارآموزی برای دانشجویان صنایع غذایی منجر به طراحی مطالعه حاضر و متعاقباً انتخاب روش استفاده از پورتفولیو به عنوان کارآمدترین رویکرد مداخلاتی گردید. بی تردید، ارزشیابی استفاده از پورتفولیو با اخذ دیدگاه ذی نفعان اصلی و ارتقای مستمر عملکرد و قابلیت های آن بر اساس نتایج ارزشیابی می بایست در دستور کار متولیان آموزش این رشته تحصیلی قرار گیرد.

مقدمه : رشته تحصیلی علوم و صنایع غذایی با گرایش کنترل کیفی و بهداشتی، یکی از عرصه های علمی مشترک میان علوم پزشکی و صنعت می باشد که نقش ارزنده ای در تامین سلامت و ایمنی مواد غذایی مصرفی توسط جامعه ایفا می نماید. نظر به ماهیت کاربردی و عملیاتی رشته صنایع غذایی و لزوم کسب مهارت های مورد نیاز توسط دانشجویان در طول دوره تحصیلی خود، ارتقای کیفیت و اثربخشی واحدهای درسی مرتبط با کارآموزی اهمیتی مضاعف خواهد داشت. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف ارتقای اثربخشی دروس مرتبط با کارآموزی دانشجویان صنایع غذایی با استفاده از پورتفولیو (کارپوشه) طراحی و به مورد اجرا در آمد.

روش اجرا : مطالعه حاضر از نوع تلفیقی (Mixed-Methods) بود که در آن از تلفیق رویکردها و روش های پژوهشی جهت دستیابی به اهداف مطالعه استفاده گردید. بر این اساس، به منظور شناسایی تجارب موفق معرفی شده در اسناد معتبر علمی از بررسی پایگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی استفاده گردید. در ادامه، دیدگاه اساتید صاحب نظر کشور در حوزه صنایع غذایی با بهره مندی از رویکردهای کیفی (مصاحبه و بحث گروهی متمرکز) مورد کنکاش قرار گرفت. همچنین در پایان، یک مطالعه امکان سنجی (Feasibility Study) با هدف بررسی قابلیت های روش های مختلف شناسایی شده جهت اجرایی شدن در بافتار کشور و به ویژه عرصه علوم پزشکی با اخذ نقطه نظرات مدیران آموزشی، اعضای هیات علمی و نیز دانشجویان به صورت کمی- کیفی به انجام رسید.

یافته ها: نتایج به دست آمده از بررسی های صورت گرفته حاکی از شناسایی طیف گسترده ای از روش های اجرایی جهت ارتقای اثربخشی کارآموزی دانشجویان صنایع غذایی از مداخلات از کم هزینه نظیر "نمایش کلیپ های آموزشی" تا مداخلات پرهزینه مانند تدارک "سفرهای علمی آموزشی" می باشد. لیکن بررسی های ثانویه صورت گرفته جهت اولویت بندی این روش ها و شناسایی بهترین روش ارتقاء بر اساس معیارهایی نظیر هزینه، مقبولیت، دسترسی، استمرار، جامعیت، بومی گرایی و اثربخشی نشان داد که روش "طراحی و بکارگیری پورتفولیو" کارآمدترین روش جهت ارتقای کارآموزی

برنامه ریزی درسی

طراحی و اجرای دوره آموزشی رهبری مامایی بر اساس

مدل جدید ایزمان

صدیقه عباسپور - نازنین شماعیان رضوی - دانشگاه ع. پ. مشهد ،

بررسی میزان اهمیت و قابلیت دستیابی به اهداف تماس

زودرس با بیمار (ECE) برپایه استراتژی SPICES از

دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد و

مقایسه آن با عملکرد تحصیلی آنان

لیلا بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
محمد جعفری - دانشگاه ع. پ. شیراز، صدیقه مختاریپور - سمانه سروقد
مقدم - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، مریم کمالی،

مقدمه : امروزه تماس زودرس با بیمار به عنوان جزء مهمی از برنامه آموزشی کشور های پیشرفته دنیا در نظر گرفته می شود. یکی از چالش های آموزش دانشجویان پزشکی ملموس نبودن مفهوم کلی ارتباط بین دروس علوم پایه و بالین بیمار است رویکرد مواجهه زودرس بالینی از راهکارهای پیشنهادی جهت حل چالش یادگیری و آموزش دانشجویان پزشکی دوره علوم پایه و ملموس نبودن مفهوم کلی ارتباط بین دروس علوم پایه و بالین بیمار و دور بودن دانشجویان علوم پایه از حس حرکت در مسیر پزشک شدن است.

روش اجرا : این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی است جامعه آماری این پژوهش دانشجویان ورودی سال ۹۵ و ۹۶ بود که تعداد آنها بر اساس اداره آمار ۱۰۰ نفر بود. نمونه آماری به علت محدود بودن جامعه آماری به صورت سرشماری بود. پس از اجرای دوره آموزشی میزان دستیابی و اهمیت برنامه تماس زودرس با بیمار از دیدگاه دانشجویان از طریق پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. عملکرد تحصیلی در این پژوهش بر اساس نمره معدل ترم قبل دانشجویان بود. ابزار اندازه در این پژوهش پرسشنامه ادیبی و همکاران بود که جهت ارزیابی دوره های برخورد زودرس با محیط بالینی تدوین گردیده است روایی صوری و محتوایی آن مورد تایید متخصصان قرار گرفت و پایایی نیز از طریق الفای کرونباخ ۰.۸۲، محاسبه گردیده است. یافته ها: در این پژوهش تعداد ۹۳ نفر از دانشجویان پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد مشارکت نمودند. مقایسه میان نمرات دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در دو مقیاس نشان داد که دانشجویان ارزیابی ضعیف تری از میزان قابلیت دستیابی به اهداف برنامه آموزشی تماس زودرس با بیمار نسبت به مقیاس میزان اهمیت اهداف برنامه آموزشی تماس زودرس با بیمار به عمل آورده بودند. نتایج این پژوهش نشان داد که ارزیابی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی از این دو مقیاس همبستگی مثبت و معنیداری با یکدیگر دارند.

بحث و نتیجه گیری: به طور کلی پژوهشگران در این مطالعه به این نتیجه رسیدند که دانشجویان ارزیابی بالایی از میزان اهمیت و همین طور قابلیت دستیابی به اهداف برنامه تماس زودرس با بیماران داشته اند و به موازات بالا رفتن اهمیت نمرات مقیاس اهمیت اهداف

مقدمه : طراحی دوره آموزشی رهبری مامایی بر اساس مدل جدید ایزمان مقدمه حرفه مامایی مبتنی بر همکاری تیمی است. اهمیت رهبری مامایی به ویژه در موارد اورژانس که همراه با شرایط غیرقابل پیش بینی و محدودیت زمانی است، بسیار حایز اهمیت است. رهبری تیمی نا مطلوب در تیم های مامایی با عوارض نامطلوب و مرگ و میر نوزادی و مادری همراه بوده است. طی ده های متمادی، ماماها سعی در بهبود مهارتهای مدیریتی رهبری خود جهت ارائه خدمات بارداری با کیفیت برای زنان داشته اند. در سال ۱۹۶۴، کالج سلطنتی ماماها (RCM) از نقش رهبری مامایی حمایت کرد. RCM توصیه می کند که دوره های آموزشی رهبری باید به طور خاص برای ماماها طراحی شود تا آنها را برای نقش های رهبری آماده کند، اما شواهد نشان می دهد که این توصیه هرگز به طور کامل اجرا نشده است، و در بررسی متون نگرانی هایی در مورد عدم توجه به نقش رهبری مامایی وجود دارد. با توجه به اهمیت نقش رهبری مامایی در ارتقای سلامت مادران و نوزادان، این مطالعه با هدف طراحی دوره آموزشی رهبری مامایی جهت ماماها شاغل در زایشگاهها و کلینیک های مامایی، بر اساس مدل طراحی آموزشی ایزمان انجام شده است.

روش اجرا : این پژوهش از نوع کوآزی قبل - بعد می باشد. برای ۴۵ نفر از ماماها شاغل در زایشگاهها و کلینیک های مامایی شهرستان تربت حیدریه که واجد شرایط ورود به مطالعه بودند، قبل از ورود به دوره آموزشی، آزمون قضاوت موقعیتی جهت ارزیابی اطلاعات ماماها در خصوص رهبری مامایی برگزار گردید. سپس طراحی مدل آموزشی بر اساس مدل جدید ایزمان به شرح زیر انجام شد. - نیازسنجی ماماها در حیطه رهبری مامایی بر اساس پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا، انجام گردید. - محتوای آموزشی بر اساس نیازسنجی انجام شده، تهیه گردید. هدف این مرحله تعیین محتوای مناسب بر اساس نیازهای ماماها بود. - اهداف آموزشی با کمک تیم پژوهش تعیین شد. - روش های آموزشی متناسب با اهداف آموزشی برنامه ریزی شد. - رسانه آموزشی از جمله آموزش مبتنی بر کامپیوتر و آموزش مبتنی بر وب معرفی گردید. - فعالیت های آموزشی توسط مدرسین انجام شد. - آزمون قضاوت موقعیتی هم ارز با آزمون اولیه، سه هفته بعد از اتمام دوره آموزشی برای ارزیابی دوره آموزشی طراحی و اجرا گردید. - بازخورد از ماماها دریافت شد. - بازنگری دوره آموزشی بر اساس بازخورد دریافت شده توسط تیم پژوهش انجام شد.

بحث و نتیجه گیری : نتایج پژوهش نشان داد بین نمره پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معنی داری وجود دارد که حاکی از اثربخش بودن دوره آموزشی طراحی شده می باشد. RCM= Royal College of Midwives

برنامه آموزشی از دیدگاه دانشجویان، نمرات مقیاس میزان قابلیت دستیابی به این اهداف نیز بالا میرفت

توسعه و بهبود برنامه آموزش پزشکی عمومی جاری

دانشگاه علوم پزشکی مشهد

حسین کریمی موتقی - دانشگاه ع. پ. مشهد، تورج صادقی - آتنا گریوانی - دانشگاه ع. پ. مشهد.

مقدمه: برنامه آموزش پزشکی به منظور کسب مهارت‌ها و ارتقاء وظایف بالینی دانشجویان علوم پزشکی از ضرورت‌های فرصت‌های آموزشی است. این مطالعه با هدف تحقیق توسعه و بهبود برنامه آموزش پزشکی عمومی جاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شده است.

روش اجرا: طراحی برنامه آموزشی براساس مدل پنج مرحله‌ای ADDIE که شامل تحلیل، طراحی، توسعه، اجرا و ارزشیابی و در هفت گام طراحی و برنامه ریزی گردید.

یافته‌ها: مطابق برنامه اجرا شده، در شیوه‌بازنگری، دروس بصورت ادغام یافته و در ۴ نیمسال ارائه گردید. همچنین می‌توان از نتایج بارز این طراحی آموزشی ارائه پزشکی عمومی در ۶،۵ سال که نسبت به ۷ سال کلاسیک اشاره نمود یعنی در شیوه سنتی پزشکی، علوم پایه پزشکی در ۵ نیمسال و در شیوه بازنگری شده در ۴ نیمسال ارائه خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری: پیشرفت تکنولوژی و بروز وقایع و اتفاقات جدید، تغییر در الگوهای آموزشی را بدین جهت می‌طلبید که با اصلاح و بازنگری روش‌های گذشته، بتوان فرایند آموزش را پیشتر از گذشته کارآمد تر و اثربخش تر نمود. این بازنگری باعث افزایش میزان یادگیری و به یادسپاری دانشجویان شد. همچنین این برنامه می‌تواند بر حسب نیاز توسط تمامی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور مورد استفاده قرار بگیرد.

طراحی سامانه شبیه‌ساز مواجهه بالینی به منظور ارتقای

مهارت‌های استدلال بالینی دانشجویان پزشکی در دوران

پاندمی کرونا

محبوبه روحانی - دانشگاه ع. پ. بجنورد، زهرا شکریمان - شاهین مافی نژاد - حبیبه سادات شاکری - سعید فروزانیان - دانشگاه ع. پ. بجنورد،

مقدمه: با شروع اپیدمی کووید-۱۹ در سراسر جهان، پروتکل‌های بهداشتی بر رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی تأکید کردند. در این راستا در بسیاری از کشورها از جمله در کشور ما، به منظور کاهش شیوع ویروس

کرونا آموزش‌های حضوری در دانشگاه‌ها تعطیل شد. در رشته پزشکی به دلیل اهمیت ارتقا مهارت استدلال بالینی در دانشجویان و لزوم کسب تجربه عملی، نمی‌توان صرفاً به شیوه آموزش غیرفعال و فایل‌های بارگذاری شده در سامانه آموزش مجازی اکتفا کرد. بنابراین تربیت پزشکان کارآمد و یادگیری فعال دانشجویان پزشکی مقاطع بالینی، این الزام را برای حضور دانشجویان مقاطع کارآموزی و کارورزی در بیمارستان‌ها ایجاد می‌کرد. با توجه به همه‌گیری کرونا، کاهش مراجعه بیماران غیرکرونا و تنوع بیماری‌هایی که دانشجویان احتمال برخورد و یادگیری فعال آن‌ها را دارند، امکان کسب تجربه برای دانشجویان کمتر شد. همچنین در بسیاری از دانشگاه‌های علوم پزشکی مطرح کشور، امکان برخورد مستقل اینترن‌ها با بیماران به علت وجود دستیاران تخصصی سال بالاتر وجود نداشته. عملاً اینترن‌ها با بیماران نه به عنوان معماهای جدید برای حل کردن بلکه معماهای از پیش حل شده توسط دستیاران یا پزشکان اورژانس مواجه می‌شوند و بیشتر به ارزیابی سیر بیماران در بخش می‌پردازند. لذا فرصت کمتری جهت ارزیابی مستقل بیماران دارند. این مساله می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری بر آموزش پزشکی کشور، ظن بالینی و اعتماد به نفس اینترن‌ها و پزشکان عمومی آینده در برخورد با بیماران جدید بگذارد. لذا بستری جهت تمرین و کسب تجربه برای دانشجویان لازم است؛ بستری که در عین حال می‌تواند کشیک‌های بیمارستانی را برای دانشجویان شبیه‌سازی کند، مقرر به صرفه بوده، پویا، کاربردی و تجربه محور باشد. امکان استفاده مکرر، رفع اشکال و ابهامات دانشجویان را داشته باشد و متناسب با اشتباهات و اقدامات آن‌ها، بازخورد مناسب را به آن‌ها بدهد. بستری که تا حد زیادی نیاز به حضور فیزیکی آن‌ها در بخش و بیمارستان‌ها را کاهش دهد تا از به خطر افتادن سلامت آن‌ها در شرایط حساس کنونی اپیدمی کرونا تا حد امکان اجتناب کند. با توجه به مزایای آموزش الکترونیک و موارد عنوان شده در بالا، تأکید بر طرح تحول سلامت و شیوه‌های نوین آموزش در شرایط حساس کنونی، تأکید وزارت بهداشت بر طرح‌های نوآورانه در آموزش و با توجه به احساس نیاز به بستری مجازی و در عین حال تجربه محور و کاربردی، نیاز به سامانه‌ای برای پوشش این شکاف آموزشی برای دانشجویان احساس شد. در جست‌وجوهای جامعی که در خصوص یافتن سامانه‌هایی مجازی مناسب با اهداف فوق انجام شد، سامانه‌های مختلفی چه به صورت نرم افزار تحت وب و چه به صورت اپلیکیشن موبایل یافت شد که هر کدام نقاط قوت و نقاط ضعفی داشتند اما هیچ یک آنگونه که باید راه حل چالش‌ها و مشکلات مطرح شده را نداشتند. برای مثال، اپلیکیشن اندروید FullCode که به صورت تحت وب از طریق وبسایت <https://player.html>، app.full-code.com نیز قابل دسترسی است، تا حدی به اهداف ما نزدیک بود اما عدم طبقه بندی دقیق سطح سوالات، عدم جداسازی موارد مناسب دانشجویان کارورز و کارآموز، عدم پوشش زبان فارسی و مواردی دیگر، موجب شد تا نیاز به طراحی یک سامانه جدید احساس شود. لذا با توجه به نبود مورد مشابه ایرانی و عدم پاسخ کامل موارد خارجی به نیازهای ما و همچنین هزینه بالای استفاده

از دوره‌های آموزشی آن‌ها برای دانشجویان، لزوم بومی‌سازی نرم‌افزار و سطح‌بندی مناسب سناریوها و سوالات و تدوین سناریوهای بومی با توجه به میزان شیوع بیماری‌ها در منطقه، اقدام به طراحی نرم‌افزار تحت وب مدوکا (Meduca) برای ارتقای آموزش بالینی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی کردیم. از ابتدای شروع پاندمی کرونا، طرحی با شماره کد ۹۸۰۲۲۲ مبنی بر ساخت نرم‌افزاری آموزشی شبیه‌ساز مواجهه بالینی به صورت تحت وب را به مرکز رشد فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی ارائه کردیم که در جلسه نقد و بررسی شد و مورد تایید شورای محترم قرار گرفت سپس طرح مذکور در کمیته اخلاق در پژوهش مطرح گردید و با شماره IR.NKUMS.REC.۱۳۹۹،۰۳۳ تصویب شد. تیم سازنده نرم‌افزار تحت وب و تیم علمی طراح سناریوها به سرعت کار خود را شروع کردند و اقدام به کنوینسی برای ساخت نرم‌افزار و طراحی سناریوهای مختلف علمی کردند. سناریوها پیش از وارد کردن در پایگاه داده نرم‌افزار، مورد داوری و بازبینی توسط سایر اساتید قرار گرفت، سپس نسخه اولیه نرم‌افزار به منظور بررسی رابط کاربری و سناریوهای علمی در اختیار دانشجویان و جمعی از اساتید هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی قرار گرفت. بازخوردهای لازم طی چندین جلسه مختلف اخذ شد و بر اساس آن نسخه اولیه طی چند نوبت مورد ویرایش و بازبینی مجدد قرار گرفت و در نهایت، نسخه نهایی نرم‌افزار به صورت رایگان از طریق وب سایت www.meduca.ir در اختیار دانشجویان مقاطع استاجری و اینترنی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی قرار گرفت.

طراحی و راه اندازی پلتفرم استاندارد آزمایشگاه مجازی جهت تولید آزمایشگاه‌های مجازی موضوعی علوم مختلف

سمانه ربانی زارعی - رضا اسدی - سمیه رجب زاده - دانشگاه ع. پ. مشهد.

مقدمه: از آنجاییکه آزمایشگاه بخش مهم و الزامی در آموزش و یادگیری است دسترسی به کنترل یک آزمایشگاه به عنوان بخشی از یک سایت یا آموزش مجازی ضروری است. با توجه به اینکه بسیاری از مؤسسات آموزشی قادر به پرداخت هزینه‌های گزاف تجهیزات آزمایشگاهی نیستند در آموزش مجازی علاوه بر راحت بودن کار برای دانشجویان از هزینه‌ها کاسته شده و امنیت مربوط نیز تأمین می‌گردد. دانشجویان از راه دور قادر به دسترسی به تجهیزات آزمایشگاهی و گران قیمت و گاهی خطرناک هستند و همان آزمایشهای عملی را انجام می‌دهند که در آزمایشگاه‌های دانشگاه انجام می‌دهد. همچنین مکانیزم‌های همکاری آنلاین را توسعه داده شده که ارائه گر قابلیت برقراری ارتباط با دیگر دانشجویان و اساتید در یک زمان است. **یافته ها:** یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که دانشجویان به میزان

قابل توجهی از مشارکت خود در گروه‌های کوچک یادگیری سود می‌برند. چارچوب ما زمان موجود برای دسترسی به اساتید و دانشجویان را گسترش می‌دهند و اجازه می‌دهند تا دانشجویان با همکاری با یکدیگر در گروه‌های آزمایشگاهی مجازی یاد بگیرند که چگونه از تجهیزات آزمایشگاهی به طور مؤثر استفاده کنند. نتایج نشان دهنده یک محیط آزمایشگاهی مؤثرتر با تکیه بر فعالیت‌های اتصال دهنده زمان، فضا، نیروی کار، کاهش نگرانی مالی، امنیت اعمال شده توسط آزمایش‌های آزمایشگاه‌های واقعی است. های خود بهره مند شوند. هدف اصلی پژوهش طراحی و راه اندازی پلتفرم استاندارد آزمایشگاه مجازی جهت تولید آزمایشگاه‌های مجازی موضوعی علوم مختلف است و اهداف کاربردی این پژوهش شامل: شبیه‌سازی محیط آموزشی توسط کامپیوتر و جایگزینی برخی آزمایشگاه‌های فیزیکی به مجازی ایجاد فضای آزمایشگاه مجازی سه بعدی با قابلیت تعاملی همراه با کلیه ابزارهای مرتبط برای علوم مختلف کاهش هزینه‌های آموزشی این پژوهش از نوع کاربردی است. جهت ایجاد محیط مجازی از یک پروسه واقعی، لازم است در مرحله اول، اهداف، نیازمندی‌ها و اجزای آزمایشگاه‌های مجازی مشخص گردد که شامل تجهیزات کامپیوتری مناسب، شبکه‌های ارتباطی، سخت‌افزار مناسب، برنامه آزمایشگاه‌ها و تیم پشتیبانی می‌باشد. با توجه به پیچیدگی‌های فنی آزمایشگاه‌های مجازی لازم است تا با انتخاب محیط برنامه نویسی قوی با قابلیت شبیه‌سازی قوی، یک محیط گرافیکی مناسب و منطبق با پارامترهای مورد نیاز ایجاد کرد. با توجه به روش‌های انتقال اطلاعات و نظارت تحت شبکه‌ای که انتخاب شده‌اند، محیط مجازی پلتفرم استاندارد آزمایشگاه مجازی برنامه نویسی شده و رابط کاربری آزمایشگاه مجازی، ایجاد می‌شود. پایگاه‌های داده مورد نیاز طراحی و نرم‌افزار اولیه تست می‌شود. سپس تا زمان برطرف نمودن مشکلات و خطاهای احتمالی، طرح بصورت پایلوت اجرا خواهد شد. در نهایت بصورت گسترده در سطح دانشگاه‌ها برای جذب کاربر و تولید آزمایشگاه‌های مجازی مختلف راه اندازی می‌شود.

طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره مجازی RCM براساس مدل طراحی آموزشی ADDIE جهت توانمندسازی دستیاران جدید الوورد دانشگاه علوم پزشکی مازندران

پرستو کریمی علی‌آبادی - دانشگاه ع. پ. مازندران، عاطفه ذبیحی - دانشگاه ع. پ. ایران، آناهیتا صادقی - دانشگاه ع. پ. مازندران، عادلہ بهار - دانشگاه ع. پ. مازندران، محمد ولیمی - احمد قاسمی - ایرج ملکی - حسین جلاهی - دانشگاه ع. پ. مازندران، غلامعلی گدازنده - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیلوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: دوره تحصیلات تکمیلی به عنوان بهترین موقعیت جهت ایجاد، رشد و ارتقای توانمندی‌های نیروی آینده کشور قلمداد می‌شود که

می‌توان با برگزاری دوره‌های آموزشی مبتنی بر نیاز فراگیران و جامعه، بیش از پیش در تحقق اهداف و ایفای نقش موثر آنان گام برداشت. در این راستا تدوین و اجرای برنامه آموزشی بدو ورود جهت آماده‌سازی نقش بسزایی دارد. ضمن آنکه مطالعات نیز نشان داده است این برنامه‌های بدو ورود در پیشگیری از افت تحصیلی نیز می‌تواند موثر باشد. اجرای این امر مهم مستلزم برنامه ریزی نظاممند و مبتنی بر فرایند است که طی آن ضمن نیازسنجی، نسبت به طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه آموزشی اقدام شود.

روش اجرا : مطالعه جاری به روش توصیفی-مقطعی با بکارگیری مراحل مدل ADDIE جهت کلیه دستیاران دانشگاه علوم پزشکی مازندران اجرا شد. بدین صورت که در گام یک از نظرسنجی مکتوب از گروه‌های آموزشی برای نیازسنجی و تعیین عناوین آموزشی مورد نیاز دستیاران استفاده شد. گام دو و سه به صورت ترکیبی بود بدین صورت که طی یک جلسه هم‌اندیشی با EDO دانشکده پزشکی و EDC عناوین نهایی (جدول ۱) و طرح دوره مربوطه تدوین گردید و براساس آن با توجه به شرایط ناشی از کرونا روش انتقال برنامه آموزش به صورت آموزش الکترونیکی تعیین گردید و اعضای تیم تدریس براساس پیشنهاد گروه‌ها و تخصص مربوطه انتخاب گردیدند و ضمن تعیین روش سنجش و ارزشیابی، زمانبندی اجرای برنامه و آزمون انجام شد. مجموع نمره آزمون ۶۰ و نمره قبولی آزمون براساس نظر متخصصان ۳۵ به بالا تعیین شد. سپس با توجه به روش تدریس امکاناتی نظیر دوربین فیلم برداری، نرم افزار کامتازیا جهت نصب بر روی لپ‌تاپ اساتید، DVD به تعداد دستیاران و... در نظر گرفته شد. عناوین عمومی آموزش دستیاران: - احیای بیمار -اصول پایه و پیشرفته -هموویژلانس -مهارت ارتباط پزشکی و بیمار -دادن خبر بد -مروری بر استانداردهای آموزش بالینی- مورنینگ-راند-درمانگاه -ژورنال کلاب -قوانین مالی و الزامات بیمه‌ای - اصول پوشش حرفه‌ای در محیط بالینی-آیین نامه انضباطی -اقدامات بالینی مبتنی بر شواهد-ارزیابی مهارت‌های بالینی -مجوز صدور گواهی فوت- برائت، رضایت و قصور در پزشکی -اصول مستندسازی پرونده - لاگ بوک الکترونیک -تعهد حرفه‌ای -استدلال بالینی -قوانین پژوهش آشنایی با سامانه سیات- پروپوزال نویسی -جستجوی منابع -اصول منطقی نسخه نویسی -آموزش آبخاری -اصول مراقبت فردی (نگاهی به پاندمی کووید ۱۹) عناوین اختصاصی آموزش دستیاران: اصول مراقبت از بیمار در اورژانس(ویژه گروه مغز و اعصاب) اصول مراقبت از بیمار در اورژانس(ویژه گروه قلب و عروق) اصول مراقبت از بیمار در اورژانس(ویژه گروه عفونی) اصول مراقبت از بیمار در اورژانس(ویژه گروه داخلی) اصول مراقبت از بیمار در اورژانس(ویژه گروه زنان و زایمان) اصول مراقبت از بیمار در اورژانس(ویژه گروه جراحی) در گام چهارم برنامه اجرا گردید و محتوای الکترونیکی هر کدام از اساتید به همراه ۴ سوال تستی، جمع‌آوری و دسته‌بندی شد و محتوا بر روی DVD به تعداد دستیاران تکثیر و به گروه‌های آموزشی مسافر در بیمارستان‌ها ارسال شد و در اختیار دستیاران قرار گرفت. سپس مطابق زمان اعلام شده از دستیاران

آزمون الکترونیکی در سامانه فرادید گرفته شد. سپس جهت ارزشیابی برنامه، از طریق پرس‌لاین از دستیاران براساس پرسشنامه محقق ساخته که روایی و پایایی آن قبلاً تأیید شده بود، نظرسنجی شد. همچنین جهت دستیارانی که حد نصاب قبولی را کسب نکردند، اقدام اصلاحی صورت گرفت.

یافته‌ها : در مجموع ۱۴۰ دستیار در دوره شرکت کردند. آزمون در دو بخش عمومی (۶۰ سوال) و تخصصی (۵ سوال) بود. سوالات تخصصی توسط اساتید پیشنهادی هر گروه طرح گردید. بیشترین نمره ۵۲ و کمترین ۲۶ بود. ۸۸،۵۷٪ از شرکت کنندگان نمره قبولی را کسب کردند. در مجموع بررسی نظرات دستیاران نشان داد که از دوره مربوطه رضایت داشتند و میانگین رضایت کلی دوره ۴ از ۵ بود. (رضایتمندی از کیفیت دوره: ۸۰٪-رضایتمندی از برآورده شدن انتظارات: ۷۰٪-رضایتمندی از زمان اختصاص یافته برای آموزش: ۶۸٪-رضایتمندی از نحوه اطلاع رسانی کارگاه: ۶۵٪-رضایتمندی از نظم و هماهنگی در اجرای برنامه: ۶۸٪)

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاکی از موثر بودن این دوره از نظر دستیاران بوده است. محمودی و اشرفی در مطالعه خود نشان دادند اجرای دوره آموزش بدو ورود بر پیشگیری از افت تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران دانشکده دندانپزشکی تأثیرگذار بوده است. نامداری و همکاران در سال ۱۳۹۷ طی مطالعه خود ۶ مؤلفه به عنوان درک افراد از تضمین کیفیت آموزش و آماده سازی دانشجومعلم‌ان شناسایی کردند که عبارت بود از پایه و بهبود مستمر، دستیابی به اهداف و استانداردها، به روزرسانی اهداف و استانداردها، شایستگی حرفه‌ای معلمی، نتایج و پاسخگویی. لذا پیشنهاد می‌شود برگزاری چنین دوره‌های توانمندسازی بدو ورود براساس اصول طراحی آموزشی جهت سایر گروه‌های دانشجویی نیز اجرا شود.

تدوین و ارزیابی برنامه آموزشی مدیریت تعامل استاد- دانشجویان در بستر مجازی

الهام مسرت -دانشکده پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، زینب محمدزاده- دانشگاه ع.پ. تبریز، لیلا کیخا- دانشگاه ع.پ. زاهدان، فرزانه حصیری، سمانه افشاری- دانشگاه ع.پ. تبریز.

مقدمه : فرایند یادگیری الکترونیک را می‌توان حاصل تعامل هر سه عنصر استاد، دانشجو و محتوا در نظر گرفت. هر چه میزان تعاملات در آموزش الکترونیک بیشتر باشد دانشجو احساس مسئولیت بیشتری نسبت به مطالب ارائه شده می‌کند و یادگیری معنادار اتفاق می‌افتد. در کل عامل موفقیت دانشجویان و کیفیت و کمیت دوره الکترونیک به میزان تعامل در آن بستگی دارد. از این رو تأثیر تعامل و بحث، در فرایند یادگیری الکترونیک غیرقابل انکار می‌باشد. این پژوهش به منظور تدوین

برنامه آموزشی با محوریت تعامل و ارزیابی تأثیر آن بر دانش و عملکرد، از دیدگاه دانشجویان انجام شده است.

روش اجرا: این پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی و نیمه تجربی می باشد. نمونه آماری این پژوهش ۱۶ نفر از دانشجویان ورودی ۹۵ (گروه مداخله) و ۱۲ نفر از دانشجویان ورودی ۹۴ فناوری اطلاعات سلامت (گروه کنترل) می باشد که به روش در دسترس بودن انتخاب شده اند. ابتدا بسته آموزشی با محوریت تعامل در ۸ حیطه طراحی و اجرا گردید. ابزار گردآوری داده مجموعه سؤالات پیش‌آزمون - پس‌آزمون، مشتمل بر ۵ محور کلی و جهت ارزیابی عملکرد از دیدگاه دانشجویان، پرسشنامه از پیش طراحی شده مشتمل بر ۴ عامل تعامل دانشجو با محتوا، استاد، سایر دانشجویان و دستیاران آموزشی و ۵۲ گویه می باشد. جهت تجزیه تحلیل داده از آزمون‌های تی زوجی، تی مستقل و محاسبه میانگین وزنی استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اختلاف آماری معنی داری در نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون وجود دارد؛ بنابراین برنامه مدیریت تعامل، تأثیر قابل توجهی بر دانش دانشجویان داشته است اما بر عملکرد، از دیدگاه دانشجویان، بی تأثیر بوده است. همچنین اختلاف آماری معنی‌داری در نتایج عملکرد بین دو گروه مداخله و کنترل مشاهده نشده و هر دو گروه تعامل را در سطح نسبتاً مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به تأثیر برنامه مدیریت تعامل استاد-دانشجو در بستر مجازی بر روی دانش دانشجویان پیشنهاد می‌گردد کلاس‌هایی جهت آشنایی دانشجویان با تعامل در حوزه الکترونیک برگزار گردد، و به دلیل تأثیر نداشتن بسته آموزشی مدیریت تعامل استاد-دانشجو بر عملکرد از دیدگاه دانشجویان پیشنهاد می‌شود با فاکتورهای بیشتر عملکرد در تعامل الکترونیک را بسنجند.

کلمات کلیدی: تعامل در آموزش الکترونیک، دانش تعاملی در آموزش الکترونیک، عملکرد در تعامل الکترونیک، نگرش در تعامل الکترونیک

برنامه جامع مطالعه موردی درس اخلاق بر اساس مدل یادگیری ترکیبی و تأثیر آن بر شاخص‌های خود راهبری و خودتنظیمی دانشجویان

خودتنظیمی دانشجویان

لیلی مصلی نژاد - دانشگاه ع. پ. جهرم، لیلی بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، عاطفه کرم زاده جهرمی - دانشگاه ع. پ. جهرم،

مقدمه: در تربیت پزشکان باید علاوه بر آموزش پزشکی و مهارت‌های بالینی به رعایت عدالت، شأن و حقوق انسانی نیز توجه ویژه شود. این

امر هدف نهایی اخلاق پزشکی است. هدف از این مطالعه برنامه جامع مطالعه موردی درس اخلاق بر اساس مدل یادگیری ترکیبی و تأثیر آن بر شاخص‌های یادگیری فعال می باشد.

روش اجرا: این پژوهش مداخله‌ای نیمه تجربی است که بر روی ۷۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع فیزیوپاتولوژی که واحد درس اخلاق پزشکی را اخذ کرده بودند به صورت سرشماری انجام شد. برنامه آموزشی دانشجویان شامل تدریس مباحث نظری اخلاق پزشکی، بحث در خصوص مورد‌های اخلاقی و استدلال بالینی و سپس بحث و گفتگو در محیط تالار گفتگو و تکالیف فردی در سامانه ال ام اس و تکمیل پورتفولیو را به خود اختصاص داد. در این مطالعه با توجه به طراحی روش فعال آموزش و یادگیری، تأثیر مداخله بر خود راهبری و خودتنظیمی مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های آمادگی خودراهبری گاکلیمینو (۱۹۷۸) و خودتنظیمی بوفارد (۱۹۹۵) بود که دانشجویان قبل و بعد از مداخله آن‌ها را پاسخ دادند. میانگین مولفه‌ها در دو مرحله قبل و بعد از مداخله بررسی و تحلیل گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین خودراهبری دانشجویان بعد از مداخله نسبت به قبل از مداخله تفاوت معنی‌دار وجود داشت ($p=0,005$) اما خودتنظیمی دانشجویان علیرغم افزایش بعد از مداخله نسبت به قبل از مداخله معنی‌دار نبود ($p=0,149$).

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود ضمن توجه به رویکردهای آموزشی دانشجو محور مبتنی بر مطالعه موردی در ساخت دانش مورد نیاز دانشجویان، از رویکردهای نوین آموزش با استفاده از تکنولوژی در قالب یادگیری ترکیبی در درس پزشکی و در درس اخلاق پزشکی استفاده شود. این موضوع می‌تواند تأثیر مناسبی بر ارتقای مهارت‌های دانشجویان در زمینه ارتقا خود تنظیمی و خود راهبری داشته باشد

کلمات کلیدی: آموزش پزشکی، اخلاق پزشکی، خودراهبری، خودتنظیمی، یادگیری فعال، یادگیری ترکیبی، مدل فلکس، مطالعه مبتنی بر موردی، حرفه‌ای‌گری

کارشناسان بهداشت محیط برای مدیریت عوامل محیطی

و اجتماعی موثر بر سلامت چه توانمندی‌هایی نیاز دارند؟
اطهر امید - دانشگاه ع. پ. اصفهان، حمیدرضا پورزمانی - پیمان عقدک - فاطمه سپیانی - نیکو یمانی.

مقدمه: کارشناسان بهداشت محیط پس از فارغ التحصیلی باید بتوانند در محیط کار عوامل محیطی و اجتماعی متناسب با حوزه بهداشت محیط

را کنترل نمایند و اهداف آموزشی آنان باید برای کسب توانمندی های لازم برای این منظور متناسب باشد. این مطالعه با هدف تعیین توانمندی های لازم برای کارشناسان بهداشت محیط جهت کنترل تعیین کننده های محیطی و اجتماعی موثر بر سلامت انجام شد.

روش اجرا : این پژوهش، از نوع توصیفی مقطعی بود که با تکنیک دلفی انجام شد. نمونه گیری مبتنی برهدف از کارشناسان و صاحب نظران در زمینه بهداشت محیط و عوامل اجتماعی موثر بر سلامت بودند. ابتدا مرور متون انجام شد و تکنیک دلفی در سه راند انجام شد. ابتدا مشارکت کنندگان نُه یک سوال باز پاسخ دادند و سپس براساس نتایج آن پرسشنامه ای با ۸ حیطه طراحی گردید که با مقیاس پنج تایی بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم رتبه بندی می شد. روائی پرسشنامه ها بوسیله ۸ نفر از گروه هدف و متخصص آموزش پزشکی تایید و پایایی آن با آلفای کرونباخ (۰.۹۱) محاسبه شد. تحلیل داده ها با استفاده از روش های آماری توصیفی و تحلیلی فراوانی، میانگین انجام شد. در راند سوم توافق بین مشارکت کنندگان (بیش از ۷۰ درصد) نهایی شد.

یافته ها : تعداد مشارکت کنندگان ۵۰ نفر بود. ۸ حیطه توانمندی شامل، دانش تخصصی، استدلال و برنامه ریزی، حمایت طلبی، عملکرد مبتنی بر سیستم، پروفشنالیسم، مهارت آموزش، مهارت فردی و اجتماعی و تحقیق و پژوهش استخراج شد. سه اولویت اول حیطه توانمندی های مورد نیاز، دانش تخصصی با میانگین و انحراف معیار (۰،۵۵±۴،۴۶)، پروفشنالیسم (۰،۶۴±۴،۴۲) و حمایت طلبی (۰،۷۷±۴،۳۲) بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه حیطه توانمندی هایی مانند دانش تخصصی، پروفشنالیسم و حمایت طلبی برای کارشناسان بهداشت محیط در کنترل عوامل اجتماعی و محیطی موثر بر سلامت موثر است، بازنگری و طراحی برنامه درسی این رشته مبتنی بر این موارد پیشنهاد می شود.

بررسی راههای افزایش میزان اطلاعات دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی البرز از ویروس COVID-19 و رفتارهای پیشگیرانه مرتبط با آن

معصومه اسمعیلی - دانشگاه ع. پ. البرز، منیژه محمدیان - دانشگاه ع. پ. البرز، مریم جهانگیری.

مقدمه : شیوع ویروس COVID-19 در سال ۲۰۱۹ از شهر ووهان چین شروع شد و به سرعت به یک پاندمی و وضعیت خطرناک جهانی تبدیل شد. دانشجویان دندانپزشکی به عنوان عضوی از جامعه ی پزشکی، در خط مقدم مواجه با این ویروس قرار دارند. میزان دانش و آگاهی دانشجویان از نحوه انتقال این ویروس و شیوع بیماری COVID-19

همچنین اطلاع از روشهای پیشگیری و کنترل آن، می تواند در استرس و اضطراب دانشجویان از ابتلاء به این بیماری نقش مهمی را ایفا نماید. این موضوع در آموزش علمی و عملی دانشجویان دندانپزشکی و میزان یادگیری آنان بویژه در بخشهای کلینیکی بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، بررسی، شناخت و گسترش عوامل موثر بر افزایش میزان آگاهی دانشجویان از این ویروس و درک آنان از رفتارهای پیشگیرانه، علاوه بر کاهش شیوع COVID-19 در بین دانشجویان، در کاهش اضطراب ناشی از شیوع این بیماری در بین دانشجویان و افزایش راندمان یادگیری آنان تأثیرگذار خواهد بود.

روش اجرا : این پژوهش با هدف سنجش میزان آگاهی دانشجویان دندانپزشکی البرز در مورد این ویروس و نحوه ی پیشگیری از بروز این بیماری و درک خطر آنان، به کمک یک پرسشنامه ی آنلاین در بین دانشجویان ورودی ۹۶-۹۳ دانشکده دندانپزشکی البرز انجام شد.

یافته ها : نتایج این تحقیق نشان داد که از میان ورودی های مختلف، دانشجویان ورودی ۹۳ بالاترین و دانشجویان ورودی ۹۶ کمترین آگاهی و اطلاع از روش های پیشگیری را داشتند که عمده ترین راه کسب اطلاعات و آگاهی در مورد ویروس COVID-19، شبکه های اطلاع رسانی مجازی بوده است. پس از آن، سایت سازمان جهانی بهداشت (WHO)، مقالات و تلویزیون به ترتیب راه های عمده کسب اطلاعات بود.

بحث و نتیجه گیری : نتایج تحقیق نشان داد که میزان دانش کلی دانشجویان دندانپزشکی در مورد ویروس COVID-19، خوب و قابل قبول است. میزان اطلاع از روشهای پیشگیری اگرچه مطلوب است، اما نیازمند آموزش و کار بیشتر، علی الخصوص در زمینه های تخصصی رشته دندانپزشکی و مناسب سازی فضا جهت کاهش حداقلی احتمال ابتلا و انتقال می باشد. میزان آگاهی و اطلاع از پیشگیری در میان دانشجویان ورودی ۹۶ کمتر از سایرین است که ضرورت آموزش نظام مند را یادآوری می کند. باتوجه به آگاهی بالای دانشجویان از اطلاعات عمومی و نکات پرتکرار، پیشنهاد می شود بجای تکرار مکرر آنها، پروتکل های عملی در قالب پوستر و بروشور تهیه و در اختیار دانشجویان قرار گیرد. در کنار پوسترهایی که هدفشان آگاه سازی عموم و مراجعین به مطب ها و کلینیک های دندانپزشکی است، تهیه و نصب پوسترهایی با محوریت روشهای حفاظت شخصی دندانپزشک حین کار و ایده های آماده سازی محیط مطب در این شرایط می تواند در بالابردن آگاهی دانشجویان موثر باشد. در کنار این مسئله اختصاص دادن یک جلسه از واحد کنترل عفونت به آموزش گایدلاین های وزارت بهداشت و سازمان جهانی بهداشت به دانشجویان می تواند بسیار مفید باشد.

کلمات کلیدی: آموزش، کروناویروس، شیوع، آگاهی، رفتارهای پیشگیرانه

طراحی و تدوین ارزشیابی رشته کارشناسی هوشبری با استانداردهای WFME

منصور سلطانی - دانشگاه ع. پ. بیرجند، طاهره ایزدی - دکتر محمد
ملکانه - محمدرضا حاجی آبادی - دانشگاه ع. پ. بیرجند.

مقدمه: WFME به عنوان یک سازمان معتبر بین المللی در آموزش پزشکی و با در نظر گرفتن فرهنگ و شرایط اقتصادی و اجتماعی اقوام گوناگون تحت عنوان Trilogy WFME در سه حیطه: پزشکی عمومی، آموزش پزشکی بعد از فارغ التحصیلی و ارتقاء حرفه ای مداوم استانداردهایی را تدوین و در اختیار جامعه جهانی پزشکی قرار داده است. اکنون توجه جوامع بین المللی پزشکی به این موضوع معطوف می باشد که پزشک و پیرا پزشک که امروز فارغ التحصیل می شود علاوه بر اینکه باید قادر به ارائه خدمات مراقبت سلامت در جامعه باشد، بتواند تصمیم گیرنده ای مدبر در مورد بیمار با توجه به شرایط گوناگون جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی و ماهر در برقراری ارتباط و مدیری مؤثر و کارآمد در گروههای سلامت و مهارت لازم در جامعه برخوردار باشد لذا کیفیت آموزش پژوهشی از جمله دغدغه هایی است که همیشه نظامهای دانشگاهی برای دستیابی به آن تلاش می کنند. ارتقای مستمر کیفیت آموزش عالی مستلزم ارزیابی آموزشی است. کوششهای قابل توجهی در دو دهه اخیر جهت ارتقای کیفیت آموزش عالی و دستیابی به هدف های نظام های دانشگاهی در بسیاری از کشورها به عمل آمده است بنابراین ارزشیابی رشته هوشبری بر اساس الگوی wfme لازم و ضروری است.

روش اجرا: در این روش با استفاده از ارزشیابی درونی و بیرونی با رویکرد استفاده از روش بارش افکار، (Brain Storming) عوامل ارزیابی درونی رشته هوشبری بر اساس الگوی WFME طراحی و تهیه گردید و برای هر یک از عوامل مورد ارزیابی نشانگر و ملاک تعیین شد و سپس عوامل مؤثر در دستیابی به اهداف آموزشی رشته هوشبری دانشکده پیراپزشکی تعیین گردید. این مطالعه مقطعی و از نوع توصیفی و تحلیلی و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته و چک لیست بوده که با استفاده از مقیاس طبقه بندی گورمن (عالی، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف) و در بعد فضای فیزیکی و تجهیزات آموزشی با مقیاس کاملاً مطلوب، مطلوب و غیر مطلوب و در برخی با مقیاس دو رتبه ای بلی و خیر امتیازدهی شده بود و به کمک ملاک و ارزیابی ملاک به کمک تعدادی نشانگر انجام شد و از روی مجموعه نشانگرها، ملاک مورد ارزیابی قرار گرفت و سپس از روی ملاکها، قضاوت در مورد ارزشیابی هر حوزه انجام پذیرفت. پس از جمع آوری اطلاعات، استخراج نتایج، از جزئی ترین بخش آن، یعنی نشانگر شروع گردید. هر نشانگر دارای سه سطح کیفی مطلوب، نسبتاً مطلوب و نامطلوب و هر سطح به ترتیب دارای امتیاز کمی ۱ و ۲ و ۳ می باشد. ابتدا مجموع امتیازات نشانگرهای هر ملاک محاسبه می شود و سپس از

خارج قسمت مجموع امتیازات نشانگرها بر تعداد نشانگرها امتیاز ملاک محاسبه می شود.

یافته ها: بر اساس الگوی WFME برای ۹ حوزه آموزشی شامل، رسالت، اهداف آموزشی، برنامه های آموزشی، هیأت علمی، منابع آموزشی و پژوهشی، سنجش و ارزشیابی و دانش آموختگان استخراج و در ۹ جدول بر اساس نمونه ذیل طراحی شده است. جدول شماره ۱- حوزه رسالت و اهداف آموزشی ملاکهای حوزه رسالت و اهداف آموزشی وزن نمره اکتسابی ۱- نوشتن رسالت گروه آموزشی به صورت مدون ۱-۲۰،۷۴- امکان بازنگری در رسالت و اهداف آموزشی گروه ۱ ۱-۳- توجه به نیازهای جامعه در تدوین اهداف آموزشی گروه ۱ ۱-۴- توجه به نیازهای فراگیران در تدوین رسالت و اهداف آموزشی گروه ۱ ۱-۵- توجه به امکان رسیدن به اهداف آموزشی با توجه به شرایط موجود ۱ ۱-۶- نوشتن اهداف آموزشی گروه به صورت مدون ۱ ۱-۷- نوشتن اهداف آموزشی گروه براساس قواعد هدف نویسی در حیطه های یادگیری ۱ ۱-۸- مشارکت صاحب نظران در تدوین رسالت و اهداف آموزشی گروه و استقبال از پیشنهادات جدید ۱ ۱ جمع ۷،۵۸

بحث و نتیجه گیری: حوزه مدیریت و سازماندهی که وضعیت گروه نیمه مطلوب می باشد، در دو قسمت برنامه توسعه اعضا و میزان استقلال گروه ضعف وجود دارد و باید به مدیر گروه استقلال بیشتری در جذب نیرو و تشویق و تنبیه اعضا داده شود. همچنین برنامه های مدونی جهت افزایش توان آموزشی اعضا گروه گذاشته و ایجاد انگیزه شود. حوزه هیأت علمی با کسب نمره ۱۰ در وضعیت نیمه مطلوب می باشد. در این قسمت سرانه هیأت علمی کم می باشد. ضریب ماندگاری اعضا هیأت علمی پایین است. تعداد پست هیأت علمی در مجوز استخدام کم است و زمینه ارتقاء اعضا محترم هیأت علمی نسبت به سایر دانشگاههای کشور به علت محروم بودن استان و سایر موارد فراهم نیست. در بقیه موارد ارزشیابی از وضعیت مطلوب برخوردار است برای ارتقاء آموزش و عملکرد این روش به همه گروههای آموزش رشته کارشناسی هوشبری به عنوان اعتباربخشی پیشنهاد می شود.

کلمات کلیدی: ارزشیابی، هوشبری، استانداردهای WFME

طراحی و اجرای روش مساله محور تغییر یافته به منظور

توانمندسازی دانشجویان دکتری تخصصی رشته های

مهندسی بافت و علوم سلولی کاربردی در طراحی پایان

نامه های تحقیقاتی مرتبط با بالین

زهرا تقدیری نوش آبادی - وجیهه تقدیری نوش آبادی - زهرا زمانی -
دانشگاه ع. پ. سمنان.

مقدمه: پایان نامه های تحقیقاتی دانشجویان دکتری تخصصی رشته های علوم پزشکی، یکی از بهترین گزینه های موجود در سیستم های بهداشتی و درمانی به منظور ابداع روش های نوین در تشخیص و درمان بیماری ها و ارتقاء سطح پژوهشهای مرتبط با بالین قلمداد می گردد. از جمله حیطه های نوین پزشکی، سلول درمانی و طب بازساختی است که به عنوان بازوی توانمند در کنار طب رایج می تواند به امر درمان بیماری های مختلف و صعب العلاج یاری رساند. استفاده از روش مساله محور تغییر یافته به منظور ایجاد انگیزش و افزایش علاقه مندی و رضایت در دانشجویان دکتری تخصصی رشته های مهندسی بافت و علوم سلولی کاربردی و نیز ارتقاء سطح کیفی پایان نامه های مرتبط با بالین و نیازهای جامعه برای نخستین بار، مورد ارزیابی قرار گرفت.

روش اجرا: در این روش، ۶ نفر از دانشجویان شاغل به تحصیل در در رشته های مهندسی بافت و علوم سلولی کاربردی به دو گروه تقسیم بندی شدند. در گروه اول، دانشجویان پس از حضور در مراکز درمانی و بیمارستانی و بررسی بیماران صعب العلاج و روش های مختلف درمانی موجود به جستجو در منابع تحقیقاتی و ارائه ایده جهت طراحی پایان نامه به منظور رفع نواقص روش های درمانی رایج، راهنمایی شدند. در حالیکه گروه دوم تنها با انجام جستجو در منابع تحقیقاتی و مطالعه مقالات و ایده های نوین درمانی، جهت ارائه ایده های تحقیقاتی خود به منظور طراحی و تدوین پایان نامه، هدایت شدند.

یافته ها: در پایان اجرای این مطالعه و نظر سنجی، میزان رضایت و انگیزه دانشجویان و نیز علاقه مندی آنها به موضوعات انتخابی و همچنین کاربردی بودن ایده های پیشنهادی پایان نامه ها مورد بررسی قرار گرفت. داده های به دست آمده نشان داد، دانشجویانی که با روش مساله محور تغییر یافته به انتخاب ایده های تحقیقاتی خود مبادرت کرده بودند میزان رضایت و انگیزه و نیز علاقه مندی بالاتری جهت انجام پایان نامه های خود نسبت به گروه مقابل داشتند. همچنین بررسی ایده ها نشان داد گروه روش مساله محور تغییر یافته ایده های کاربردی تری ارائه کرده بودند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده، استفاده از روش مساله محور تغییر یافته در ارائه و انتخاب ایده های پایان نامه دانشجویان دکتری تخصصی مهندسی بافت و علوم سلولی کاربردی باعث افزایش علاقه مندی، رضایت و انگیزه در دانشجویان میگردد همچنین با افزایش ایده های کاربردی به صورت مستقیم بر کیفیت انجام مطالعات و اجرای پایان نامه های تحقیقاتی در جهت ارتقاء پژوهش و در نهایت بهبود روش های درمانی، اثرگذار خواهد بود.

کلمات کلیدی: روش مساله محور تغییر یافته، رضایت مندی، پایان نامه های دکتری تخصصی

مدیریت

طراحی سیستم تصمیم یار آموزش تشخیص و تجویز

منطقی آنتی بیوتیک برای عفونت های حاد تنفسی در

دوران بحران اپیدمی کرونا

فاطمه رنگرز جدی - دانشگاه ع. پ. کاشان، سیده راضیه فرهی - دانشگاه ع. پ. کاشان، منصوره مومن هروی - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه: شیوع ویروس کرونا از اوایل ۱۳۹۸، نظام آموزشی را که در همه جای دنیا غالباً مبتنی بر آموزش حضوری است، به چالش کشید. اما فناوری اطلاعات با جذابیت خود، هماهنگی بیشتر با ذائقه نسل جوان، عدم محدودیت در تعداد مخاطبان و کاربران، کاهش هزینه و افزایش سرعت به کم رنگ شدن این چالش کمک کرد. با شیوع کووید ۱۹ بخش عفونی بیمارستان نسبت به سایر بخش های درمانی در

اولویت پذیرش این بیماران قرار داشت و آموزش حضوری کارورزان پزشکی در این بخش را به دلیل خطر سلامت جسمانی برای آنها با مشکل مواجه ساخت. لذا به منظور تداوم آموزش کارورزان پزشکی در شرایطی که ویزیت بیمار واقعی و آموزش بالینی در بخش امکان پذیر نبود تصمیم به طراحی سیستم تصمیم یار آموزش تشخیص و تجویز آنتی بیوتیک برای عفونت های حاد تنفسی گرفته شد.

روش اجرا: این مطالعه از نوع توسعه ای می باشد. سیستم تصمیم یار آموزش تشخیص عفونت های حاد تنفسی و تجویز منطقی آنتی بیوتیک برای دانشجویان پزشکی در دوره اینترنی طراحی شد. برای طراحی سیستم ابتدا گایدلاین ها و راهکارهای طبابت بالینی تشخیص و درمان این بیماری ها جستجو شد. متخصصین عفونی پس از اجماع نظر، بهترین گایدلاین را انتخاب نمودند. قابلیت های مورد نیاز سیستم تصمیم یار توسط متخصصین تعیین شد. برای هر بیماری ۷ سناریوی آموزشی بر اساس متون پزشکی و نظر پزشکان متخصص عفونی نوشته شد. سناریوهای نوشته شده برای هشت بیماری سرماخوردگی، سینوزیت حاد، فارنژیت، پنومونی، آنفلوآنزا، برونشیت حاد و اتیت مدیا و کووید ۱۹ در سیستم قرار داده شد.

یافته ها: سیستم تصمیم یار آموزش تشخیص و تجویز منطقی آنتی بیوتیک بر اساس سناریوهای نوشته شده توسط متخصصین و قابلیت های تعیین شده در شش بخش طراحی شد. این شش بخش عبارتند از: تشخیص بیماری، انتخاب علائم و نشانه هایی که به نفع تشخیص هستند، اقدامات پاراکلینیک تشخیصی، انتخاب آنتی بیوتیک مناسب، نسخه نویسی و آموزش به بیمار. دانشجوی پس از مطالعه سناریو به سوالات این شش بخش پاسخ داده و پس از پاسخ به سوالات سیستم به دانشجوی در خصوص صحیح و غلط بودن پاسخ و محتوی گایدلاین بالینی مرتبط با آن بخش بازخورد می دهد. در بخش آموزش به بیمار، فیلم آموزشی نمایش داده می شود و در پایان گایدلاین بالینی مربوط به بیماری، نمره دانشجوی در پاسخ به سوالات هر بخش و نمره بین همتایان به دانشجوی نمایش داده می شود.

بحث و نتیجه گیری: استفاده صحیح و مداوم از این سیستم می تواند به عنوان مکمل در آموزش بالینی به ویژه در زمانی که امکان آموزش حضوری وجود ندارد، موثر باشد و این سیستم می تواند در تقویت مهارت های استدلال بالینی، قضاوت و تصمیم گیری بالینی دانشجویان پزشکی بسیار کمک کننده باشد. لذا توصیه می شود با دریافت بازخورد از دانشجویان و رفع مشکلات آن به استفاده موثر از سیستم تصمیم یار آموزش کمک کرد.

کلمات کلیدی: طراحی، سیستم تصمیم یار، آموزش، تجویز آنتی بیوتیک، عفونت حاد تنفسی

اقدامات لازم برای حرکت به سوی عدالت آموزشی در آموزش عالی

شهرام یزدانی، مرضیه دشتی رحمت آبادی - دانشگاه ع. پ. مشهد، لیلی افشار، سلیمان احمدی، اکبر درخشان،

مقدمه : در متون علمی هر یک از نویسندگان "عدالت آموزشی" را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده اند و شاخصهایی برای آن تعریف نموده اند. لذا لازم است این شاخصها مورد موشکافی دقیق قرار گیرد. این مطالعه با هدف بازبینی متون علمی و بررسی دیدگاهها، در مورد عدالت آموزشی در سطح آموزش عالی انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه که با تحلیل متون علمی (Synthesis of Quantitative Literature) صورت گرفته در زمره سنتز پژوهی (Synthetic research) طبقه بندی می شود. برای دستیابی به هدف این پژوهش با استناد به مطالعات کیفی و با روش تحلیل محتوا و با دسته بندی و کدگذاری جملات، اقدامات لازم برای حرکت به سوی عدالت آموزشی معرفی شده است.

یافته ها : اقدامات لازم برای حرکت به سوی عدالت آموزشی در سه دسته کلی زیر معرفی گردیده است: ۱- اقدامات قبل از ورود به آموزش عالی (با معرفی ۵ زیر اقدام بنیادین) ۲- اقدامات و مداخلات موسسه ای و ۳- اقدامات و مداخلات ملی (هر کدام با معرفی ۴ زیر اقدام مجزا)

بحث و نتیجه گیری: به منظور تحقق عدالت در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی کشور، لازم است که علاوه بر توجه به اقدامات اولیه و موسسه ای، اقدامات تکمیلی برای تحقق عدالت آموزشی صورت پذیرد که هر کدام از اهمیت بالایی برخوردار است. این اقدامات شامل تمهیداتی است که بایستی در سطح ملی صورت پذیرد تا با اتخاذ سیاست های مناسب، نیازهای بازار کار پیش بینی گردد تا زمینه بکارگیری مهارت های آموخته شده توسط فارغ التحصیلان در جامعه فراهم گردد.

کلمات کلیدی: عدالت آموزشی، آموزش عالی، آموزش

بررسی وضعیت آموزش دکتری عمومی داروسازی در ایران با استفاده از ابزار SWOT

سید محمد ایمان معزی - دانشگاه ع. پ. شیراز، مهرداد حمیدی - امیر آزادی - هاجر اشرفی - عبدالعلی محقق زاده - صدرا ندیمی پرشکوهی - دانشگاه ع. پ. شیراز، حسین عباسی - دانشگاه ع. پ. شیراز، نوید روان - امیرحسین جاجرمی زاده.

مقدمه : حرفه داروسازی از دیرباز به عنوان یکی از اجزای کلیدی نظام های سلامت شناخته شده و نقش داروسازان در ابعاد مختلف مراقبت های سلامت، اعم از تولید، توزیع و نظارت بر مصرف منطقی دارو توسط بیمار، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. با توجه به انتظارات بالادستی و پایین دستی از داروسازان در راستای ارتقای شاخص های سلامت جامعه، تربیت نیروی انسانی کارآمد، از جمله مهمترین اهداف متولیان آموزش این حرفه به شمار می رود. سازمان بهداشت جهانی، طی بیانیه ای در سال ۱۹۹۷ از اصطلاح "داروساز هفت ستاره"، در راستای تربیت نیروی انسانی توانمند به عنوان هدف اصلی کوریکولوم های آموزشی نام برده و تاکید مداوم بر اهمیت روزآمد نمودن برنامه های آموزشی داروسازان مطابق با نیازهای جامعه و بیماران داشته است. هفت ویژگی یک داروساز ایده آل از نظر سازمان جهانی بهداشت عبارتند از: مراقبت کننده، تصمیم گیرنده، دارای روابط عمومی مناسب، رهبر، مدیر، فراگیر مادام العمر و معلم. با توجه به رشد سریع تغییرات روش های آموزش در حوزه علوم پزشکی به طور عام و رشته داروسازی به طور خاص، "برنامه آموزشی داروسازی عمومی" نیز از گذشته تا به امروز در برهه های زمانی مختلف، دستخوش تغییر شده است و در زمان کنونی نیز صاحب نظران این حرفه بر لزوم پوست اندازی مجدد کوریکولوم صحنه می گذارند. با این حال اعمال تغییرات کلان در آموزش، امری خطیر است که می تواند در صورت اقدامات غیرعلمی و غیرمستدل، موجب تضعیف آموزش گردد؛ چه اینکه شاید تا امروز نیز آموزش داروسازی بعضا از چنین اقداماتی ضربه خورده است. به همین منظور، لازم است تا پیش از هرگونه اقدام اصلاحی و مداخله، از وضعیت حال حاضر آموزش داروسازی و نگاه تمامی ذی نفعان به کیفیت و جزئیات آموزش داروسازی، اطلاع جامعی کسب شود. این نگاه جامع باعث می شود تا با شناخت صحیح از وضعیت فعلی و درک تمام نقاط قوت و ضعف، اقدامات بعدی صورت گیرد و نظر ذی نفعان آموزش داروسازی در اصلاحات و مداخلات لحاظ گردد. روش به منظور بررسی وضعیت آموزش داروسازی از روش رسم نمودار SWOT استفاده شد. در راستای جمع آوری اطلاعات تکمیلی و شناسایی نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدهای کوریکولوم فعلی، دو سری پرسشنامه آنلاین محقق ساخت، نخست ویژه دانشجویان داروسازی و دوم ویژه فارغ التحصیلان و متخصصین داروسازی، توسط خبرگان تهیه شده و پس از تایید روایی و پایایی در فضای مجازی منتشر شد. شرکت کنندگان در این پرسشنامه ها می بایست به هر یک از نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهای احتمالی ذکر شده امتیاز داده و نظرات تکمیلی خود را در این خصوص ارائه می کردند. طبقه بندی نقاط قوت و ضعف در پرسشنامه به طور پیش فرض شامل دروس و کلاسها، کارآموزی و کارورزی، ارتباط اعضای جامعه آموزشی، آینده شغلی و مهارت های نرم بود. طبقه بندی پیش فرض فرصتها و تهدیدهای طرح شده در پرسشنامه نیز شامل مقوله های تعریف کننده فرصت و تهدید می شد که عبارتند از: عوامل محیطی، تکنولوژیک، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و قانونی.

یافته ها : ۱۱۰ تن از دانشجویان داروسازی در پرسشنامه نخست و ۹۷ نفر از فارغ التحصیلان، شامل شاغلین حرف مختلف داروسازی، اعضای هیئت علمی دانشکده های داروسازی و مسئولین و مدیران حوزه داروسازی در پرسشنامه دوم شرکت کردند. تحلیل و طبقه بندی داده ها به روش قیاسی و براساس طبقه بندی اولیه در پرسشنامه صورت گرفت. پس از غربال نتایج پرسشنامه ها، مجموعاً ۴۲ نقطه قوت شامل وجود اساتید مجرب، کتب مرجع ترجمه شده، تنوع در کارآموزی ها و نگاه چندبعدی به دست آمد. ۷۱ نقطه ضعف از جمله دید بالینی ضعیف، روشهای تدریس قدیمی، حجم بالای پذیرش دانشجو و کم بودن تعداد دروس اختیاری توسط شرکت کنندگان مطرح شد. ۳۵ فرصت و ۵۰ تهدید نیز توسط شرکت کنندگان مطرح شد که اهم فرصت های ذکر شده گسترش صنایع دارویی کشور، گردش مالی بالای صنایع داروسازی و تحقیقات نوآورانه و مهمترین تهدیدها، عدم شناخت صحیح داروساز در جامعه، قوانین نامناسب تاسیس داروخانه ها و امنیت شغلی پایین داروسازان بودند. جمع بندی پس از بررسی نقطه نظرات شرکت کنندگان و طبقه بندی نتایج به روش قیاسی، وزن دهی و نمره دهی به هر زیر مقوله از طریق جلسات متعدد با خبرگان صورت گرفت؛ در نهایت نمودار SWOT وضعیت آموزش داروسازی عمومی کشور رسم شد که حاکی از قرارگیری آن در موقعیت ضعف و تهدید بود. با توجه به نتایج فوق، به نظر می رسد نیاز به اجرای اقدامات اصلاحی از آنچه که در ابتدای امر به نظر می رسید حیاتی تر است. ذی نفعان متعدد حرفه داروسازی و علی الخصوص متولیان آموزش این رشته می بایست توجه بیشتری به موضوع مذکور نشان داده و آن را در لیست اولویت های جاری خود قرار دهند .

بازدیدهای راهبردی؛ روشی نو در جهت ارتقای توانمندی

های دانشجویان داروسازی

سید محمد ایمان معزی - دانشگاه ع. پ. شیراز، صدرا ندیمی پرشکوهی - دانشگاه ع. پ. شیراز، حسین عباسی - دانشگاه ع. پ. شیراز، سارا باقری - ریحانه چینی - علی پورابتهاج - نوید روان -

مقدمه : نظریات نوین حیطه آموزش پزشکی بیان می دارند که تجربه فضای آتی فعالیت در طول تحصیل و همراهی و هم صحبتی با بزرگان و صاحب نظران آن رشته، در تربیت یک نیروی انسانی کارآمد، دغدغه مند و دارای نگرش صحیح و همه جانبه بسیار تاثیرگذار است. بی شک یکی از عملی ترین راه های اعمال چنین نظریاتی، بدون نیاز به تغییرات کلان، برگزاری بازدیدها و اردوهای است که موجب قرارگیری دانشجویان در فضای فعالیت حرفه ای و مواجهه مستقیم با چالش ها و نیازهای آن فضا می شود. فارغ التحصیلان رشته داروسازی می توانند فضاهای کاری متنوعی را، اعم از داروخانه، صنایع داروسازی، بیمارستان ها، مراکز تحقیقاتی، مراکز نظارتی و سیاست گذاری تجربه کنند. این مهم، نیاز به برگزاری چنین بازدیدهایی را بیش از پیش

تحلیل هم‌واژگانی مطالعات حوزه رهبری در آموزش

پزشکی با ترسیم نقشه‌های علمی

سمیه نوری حکمت - دانشگاه ع. پ. کرمان، سید میثم موسوی - دانشگاه ع. پ. کرمان، سمیرا عمادی - دانشگاه ع. پ. کرمان، عطیه بیجه کشاورزی - دانشگاه ع. پ. کرمان، هدی رضانی فر - دانشگاه ع. پ. کرمان، زهرا سرابندی - دانشگاه ع. پ. کرمان، رضا دهنویه -

مقدمه: براساس روش تجزیه و تحلیل هم‌رخدادی واژگان، می‌توان موضوعات علمی را استخراج و ارتباط میان آن‌ها را به صورت مستقیم، از محتوای موضوعی کشف کرد. با بررسی حوزه‌هایی که بیشترین ارتباط و تعامل را با یکدیگر دارند، می‌توان در جهت شناسایی موضوعات همگرا گام برداشت. در این مطالعه سعی شد، با بهره‌گیری از روش هم‌واژگانی، به این موضوع پرداخته شود که حیطه رهبری در آموزش پزشکی، از چه زیرحوزه‌های موضوعی تشکیل شده و ارتباط این زیرحوزه‌ها با یکدیگر چگونه است.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی با رویکرد علم‌سنجی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تحلیل هم‌رخدادی واژگان و ترسیم نقشه‌های علمی و تحلیل شبکه اجتماعی استفاده شد. جامعه آماری مطالعه شامل کلیه تولیدات علمی در حوزه رهبری در آموزش پزشکی، نمایه شده در پایگاه استنادی Web of Science و بدون اجرای محدودیت زمانی بود. همچنین از نرم‌افزار VOS viewer نیز برای بصری‌سازی نقشه و ترسیم نقشه‌های علمی استفاده گردید. یافته‌ها: با استفاده از جستجوی انجام شده، در مجموع، ۱۳۲۵ مدرک علمی یافت شد. بر اساس نقشه‌های حاصل شده از تحلیل مدارک مورد مطالعه، مفاهیمی از قبیل: رهبری، آموزش پزشکی، آموزش، برنامه‌درسی و مراقبت و درمان از جمله پرکاربردترین موضوعات در حوزه رهبری در آموزش پزشکی در سطح بین‌المللی به شمار می‌روند. برخی از واژه‌ها، مانند آموزش و آموزش پزشکی، مراقبت و درمان در تمامی سال‌های مورد مطالعه، حضور دارند؛ درحالی‌که برخی دیگر مانند رهبری و مدیریت با گذشت زمان حضورشان پررنگ‌تر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: ساختار موضوعی تولیدات علمی رهبری در آموزش پزشکی در طول زمان تا حدودی تغییر یافته و به صورتی پویا بر اساس مسائل و مشکلات جدید، رویکرد مطالعات نیز تحت تاثیر قرار گرفته است. آشنایی با روند پژوهش‌ها و مباحث داغ این حوزه به محققان و سیاستگذاران در تصمیم‌گیری بهتر در انجام پژوهش‌ها و سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در این حوزه کمک می‌کند. پژوهشگران این حوزه می‌توانند بر اساس حوزه‌های تأثیرگذار شناسایی شده، به تبیین روند مطالعات آینده این حوزه بپردازند.

کلمات کلیدی: نقشه علمی، تحلیل هم‌واژگانی، آموزش پزشکی، رهبری

روشن می‌کند؛ چه این که تجربه فضای کاری بسیاری از این موارد در برنامه آموزش داروسازی عمومی لحاظ نشده است. در همین راستا و به دنبال نیاز دانشجویان به آشنایی بیشتر با فضای صنایع دارویی، نهادهای سیاست‌گذار و مراکز تحقیقاتی بازدیدهایی برنامه‌ریزی و برگزار گردید. در این بازدیدها دانشجویان به طور عمده از سه گروه از نهادهای مرتبط با حوزه دارو بازدید کردند و با متولیان و بزرگان هر یک صحبت کرده و آشنا شدند: ۱. صنایع دارویی، ۲. نهادهای سیاست‌گذار، ۳. مراکز تحقیقاتی. در بازدید از صنایع دارویی دانشجویان به طور ملموس و از نزدیک با اصول و مراحل تامین، تولید، بسته‌بندی، نگهداری و پخش داروها آشنا شدند. حضور دانشجویان در نهادهای سیاست‌گذاری دارو، موجب آشنایی متقابل مسئولین و دانشجویان با دغدغه‌ها، نیازها و مسئولیت‌های یکدیگر شد. بازدید از مراکز تحقیقاتی نیز، موجب آشنا شدن دانشجویان با روندهای پژوهش کاربردی گردید. در پایان بازدیدها، پرسشنامه‌ای در قالب گوگل فرم در اختیار دانشجویان شرکت‌کننده قرار گرفت تا بر اساس مقیاس لیکرت، فرصت‌ها و چالش‌ها با شاخص‌هایی همچون اهمیت بازدیدهای راهبردی در آموزش و پژوهش، آینده شغلی داروساز، مکان و زمان بازدید، محتوای بازدید و دستاوردها از منظر دانشجویان حاضر در بازدیدها (گروه اول با جامعه آماری ۲۰ نفر) با دانشجویانی که در این بازدیدها شرکت نکردند (گروه دوم با جامعه آماری ۱۳۰ نفر)، مورد ارزیابی و مقایسه قرار گیرد. در نهایت بر اساس تحلیل‌های انجام شده، موافقت در نقش بازدیدها در افزایش توانمندی و نگرش آموزشی و پژوهشی در گروه اول ۳٪ بیش از گروه دوم بود. این اختلاف برای موافقین بازدید از نهادهای سیاست‌گذار ۱،۵٪، موافقین بازدید از صنایع دارویی ۶،۶٪، موافقین گذراندن ۲ واحد مرتبط درسی پیش از شرکت در بازدیدها ۴،۵٪ و موافقین برگزاری چنین بازدیدهایی در ترم‌های اول تحصیل ۶،۹٪ بود. به عکس، ۱۱،۸٪ موافقت بیشتر نسبت به ایجاد انگیزه و آشنایی با فرصت‌های شغلی در گروه دوم نسبت به گروه اول وجود داشت. همچنین ۶۳،۵٪ از افراد گروه دوم بیش از افراد گروه اول موافق بازدید از مراکز فرهنگی بودند. در مجموع می‌توان بازدیدهای راهبردی را امری مهم و مفید در فرآیند آموزش دانشجویان داروسازی تلقی کرد که موجب ایجاد انگیزه بیشتر، فرصت‌های ارزشمند آموزشی و پژوهشی، نگرش مثبت، دیدگاه‌های نو و پیش‌زمینه‌سازی عینی می‌گردد. تمام این‌ها در کنار هم، موجب پیشرفت دانشجویان و تبدیل شدن آنان به داروسازانی مطلع، هدفمند و حرفه‌ای با نگرشی صحیح به مسائل داروسازی شده و به همین منظور حمایت از برگزاری چنین بازدیدهایی، از طرف دانشگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط با برنامه‌ریزی دقیق و اصولی پیشنهاد می‌شود.

ارزیابی بسته های تحول و نوآوری در آموزش علوم

پزشکی کلان منطقه یک آمایشی کشور

مهدی پوراصغر - دانشگاه ع. پ. مازندران، دکتر رویا ملک زاده - دانشگاه ع. پ. مازندران، منصور رنجبر - دانشگاه ع. پ. مازندران، غلامعلی گدازنده - دانشگاه ع. پ. مازندران، قاسم عابدی - دانشگاه ع. پ. مازندران،

مقدمه: تامین نیروی انسانی مورد نیاز نظام سلامت به منظور پاسخگویی به نیازهای سلامت جامعه مأموریت اصلی حوزه آموزش علوم پزشکی می باشد. بر این اساس برنامه تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی به عنوان سیاست های راهبردی حوزه آموزش سلامت جمهوری اسلامی ایران در قالب ۱۲ بسته عملیاتی تدوین شده است. یکی از مواردی که در واقع تضمین اجرای صحیح برنامه های سازمانی است ارزیابی منظم و متناسب برنامه ها است. برنامه پایش و ارزیابی بسته ها ناظر به سیاست های دوازده گانه برنامه جامع آموزش عالی سلامت می باشد و کلیه سطوح برنامه ریزی را شامل خواهد شد. طراحی و پیاده سازی مدل جامع و ادغام یافته و سامانه ارزیابی و نظارت بر فعالیت دانشگاه ها در راستای تحقق سیاست های دوازده گانه از جمله سیاست های برنامه بود. تقویت روحیه مأموریت گرایی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور، همسوسازی ظرفیت های دانشگاه ها و قطب های دانشگاهی در جهت اهداف کلان آموزشی پزشکی کشور، ارائه بازخورد های به هنگام جهت ارتقاء عملکرد دانشگاه ها، ایجاد بانک داده متمرکز از مجموعه رخدادهای منتهی به آموزش در دانشگاه های علوم پزشکی کشور و اتصال آن به بانک داده های موجود در زیر مجموعه های وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، ایجاد داشبورد اطلاعاتی برای مدیران ارشد دانشگاهی و ستاد وزارتی برای رصد بر خط فعالیت های آموزشی دانشگاه از اهداف این بسته می باشد. لذا ارزیابی بسته های تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی کلان منطقه یک آمایشی کشور از سال ۱۳۹۵-۱۳۹۹ انجام شد.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی بود و به بررسی میزان انطباق برنامه عملیاتی تحول و نوآوری آموزش کلان منطقه یک از سال ۱۳۹۵ لغایت ۱۳۹۹ پرداخت. کلیه دانشگاه های علوم پزشکی کشور دارای برنامه عملیاتی در هریک از بسته های تحول و نوآوری آموزش بودند. سپس دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه یک فعالیت های خود را در بازه زمانی تعیین شده در سامانه برنامه عملیاتی سلامت (HOP) بارگذاری نمودند و سپس دبیرخانه کلان منطقه یک نسبت به بررسی فعالیت ها و انطباق آن با اهداف مورد انتظار اقدام نمود. پایش و ارزیابی بسته های تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی در قالب دوازده بسته اجرا شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس آمار توصیفی و آزمون های آماری تی مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه انجام گرفت.

بررسی منابع کسب اطلاعات بهداشتی توسط دانشجویان

در پاندمی کووید-۱۹

معصومه ایمانی پور - دانشگاه ع. پ. تهران، اکرم قبادی - دانشگاه ع. پ. تهران، مهربان شهماری - دانشگاه ع. پ. تهران،

مقدمه: در طول بحران های بهداشت عمومی، نیاز مبرم و فوری به اطلاعات سلامتی و بهداشت در بین مردم ایجاد می شود. انتخاب منابع اطلاعاتی مناسب می تواند بر دانش افراد تأثیرگذار بوده و به نوبه خود بر اعتقادات بهداشتی و اقدامات احتیاطی آنها تأثیر گذارد. دانشجویان بعنوان قشر جوان و فرهیخته کشور، از آنجا که نوع اطلاعات و رفتار آنها می تواند بر رفتار بقیه جامعه نیز تأثیر بگذارد، از اهمیت زیادی برخوردارند. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی منابع کسب اطلاعات بهداشتی دانشجویان در پاندمی کووید-۱۹ به عنوان یک بحران عظیم سلامت عمومی انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه مقطعی توصیفی تحلیلی بر روی ۳۹۱ دانشجوی مقاطع تحصیلی و دانشگاه های مختلف سراسر کشور انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از یک پرسشنامه محقق ساخته آنلاین استفاده شد. داده ها پس از جمع آوری از طریق نرم افزار SPSS۲۳ و با استفاده از آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: شایع ترین منابع کسب اطلاعات بهداشتی در دانشجویان به ترتیب الف) پیام رسان ها و شبکه های اجتماعی خارجی (۳۷،۶۰٪)، ب) سایت های معتبر علمی داخلی (۲۹،۹۰٪) ج) سایت های معتبر علمی خارجی (۲۷،۹۰٪) د) کارکنان سلامت (۲۷،۱٪) بودند. همچنین در این مطالعه نوع ارجح محتوای آموزشی از منظر دانشجویان مشخص گردید.

بحث و نتیجه گیری: آگاهی از شایع ترین منابع کسب اطلاعات بهداشتی دانشجویان در پاندمی کووید-۱۹ به برنامه ریزان و دست اندرکاران نظام سلامت و سیاست گزاران کمک خواهد کرد تا برای آموزش و توسعه رفتارهای بهداشتی به منابع بالفعل مورد استفاده و اقبال دانشجویان توجه بیشتر کرده و از پتانسیل این نوع رسانه ها و محتوای آموزشی بیشترین بهره برداری را بکنند.

کلمات کلیدی: منابع اطلاعاتی، دانشجویان، پاندمی کووید-۱۹

یافته ها: نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین بسته های تحول و نوآوری آموزش در مرحله اجرا وجود دارد ($p < 0.05$). امتیاز کلی کلان منطقه یک در برنامه تحول و نوآوری آموزش (۹۴٪) بود. در بین بسته های دوازده گانه تحول و نوآوری آموزش به ترتیب بیشترین و کمترین امتیاز مربوط به بسته های توسعه و ارتقای زیرساخت های آموزش علوم پزشکی (۹۹٪)، ارتقاء نظام ارزیابی و آزمون های علوم پزشکی (۹۸،۴) و کمترین امتیاز در بسته های توسعه آموزش مجازی در علوم پزشکی (۷۰٪) بود.

بحث و نتیجه گیری: گرچه وضعیت اجرای برنامه تحول و نوآوری آموزش کلان منطقه یک مطلوب می باشد. ولی تفاوت معناداری بین بسته های تحول و نوآوری آموزش وجود دارد. با توجه به شرایط جدید ایجاد شده در آموزش کشور به دلیل شیوع کووید ۱۹، ضرورت توجه بیش از پیش به آموزش مجازی توصیه می شود. محدودیت در منابع انسانی، محدودیت در منابع مالی، ضعف در زیرساخت های نرم افزاری و ابهام در شیوه اجرای برخی دستورالعمل ها پس از تفویض به کلان مناطق نیز از دیگر محدودیت های اجرای برنامه می باشد. در راستای تداوم طرح تحول و نوآوری در آموزش علوم سلامت، علاوه بر پیگیری برنامه عملیاتی مرتبط به بسته های تحول، چالش های برنامه که می بایستی از این پس مورد توجه قرار گیرند. یکی از چالش های برنامه، تامین و تخصیص پایدار و هدفمند منابع مالی می باشد. علاوه بر تامین منابع پایدار به توزیع هدفمند و متناسب با وظایف و اسپاری شده و میزان پیشرفت برنامه ها توجه جدی صورت گیرد.

کلمات کلیدی: تحول و نوآوری آموزش، پایش، ارزیابی، کلان منطقه

اعتباربخشی دوره دکتری عمومی داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۹

مهدی پوراصغر - دانشگاه ع. پ. مازندران، دکتر رویا ملک زاده - دانشگاه ع. پ. مازندران، منصور رنجبر - دانشگاه ع. پ. مازندران، غلامعلی گدازنده - دانشگاه ع. پ. مازندران، قاسم عابدی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: نگاهی به تحولات نظام آموزش عالی کشور در دو دهه گذشته حاکی از رشد کمی از نظر جمعیت دانشجویی و عدم توجه کافی به کیفیت دانشگاه ها و بهبود و ارتقای آن می باشد. در این میان کیفیت عملکرد موسسات آموزش علوم پزشکی که مسئولیت تربیت نیروی انسانی جهت تأمین و حفظ سلامتی جامعه را به عهده دارند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. برای پرداختن به کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه ها از ساز و کارهای گوناگونی استفاده می شود و در این میان اعتباربخشی به عنوان ابزار شناخته شده ای در دانشگاه های معتبر دنیا

مورد استفاده قرار گرفته است. اعتباربخشی توانمندترین ابزار کنترل و ارزشیابی در نظام آموزشی به منظور دستیابی به اهداف مذکور می باشد که از طریق تایید دستیابی یک سازمان به استانداردهای از پیش تعیین شده به وسیله گروه ارزیاب بیرونی مستقل از همان سطح سازمانی تعریف می شود و با شفاف سازی امور این اطمینان را به سازمان خواهد داد که برنامه منطبق با معیار های از پیش تعیین شده پیش می روند. اعتباربخشی، وسیله ای بسیار مناسب برای تضمین ارائه آموزش صحیح به دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی علوم پزشکی و در نهایت، ارائه خدمات مناسب به جامعه محسوب می شود. این پژوهش با هدف بررسی نتایج اعتباربخشی دوره داروسازی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام شد.

روش اجرا: پژوهش توصیفی و تحلیلی حاضر به صورت سرشماری در دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۹ انجام شد. ابزار جمع آوری داده شامل چک لیست اعتباربخشی دوره داروسازی عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی شامل ۸ حوزه، ۳۷ زیر حوزه با ۱۷۲ استاندارد (۱۳۷ استاندارد الزامی و ۳۵ استاندارد ترجیحی) بود که از این استانداردها حوزه رسالت با ۱۶ استاندارد، حوزه مدیریت و ساختار سازمانی با ۲۹ استاندارد، حوزه برنامه آموزشی (کوریکولوم) با ۳۱ استاندارد، حوزه ارزیابی دانشجو با ۱۵ استاندارد، حوزه دانشجویان با ۲۱ استاندارد، حوزه منابع با ۲۷ استاندارد، حوزه نیروی انسانی و اعضای هیات علمی با ۲۳ استاندارد و حوزه پژوهش با ۱۰ استاندارد مورد سنجش قرار گرفت. ارزیابی توسط یک تیم متشکل از متخصصین مدیریت خدمات بهداشتی درمانی و آموزش پزشکی معاونت آموزشی دانشگاه از دانشکده داروسازی انجام شد. ارزیابی هر استاندارد به صورت انطباق، انطباق مشروط و عدم انطباق بود. به ازای انطباق نمره ۲، انطباق مشروط نمره ۱ و عدم انطباق نمره صفر محاسبه گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس آمار توصیفی و آزمون های آماری تی مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه با استفاده از نرم افزار SPSS۲۲ استفاده شد.

یافته ها: میانگین نمره اعتباربخشی دوره دکتری عمومی داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مازندران (۸۹، 83 ± 0) بود. نمره اعتباربخشی کسب شده به ترتیب در حیطه های رسالت (۸۹، 75 ± 0)، مدیریت و ساختار سازمانی (۹۱، 82 ± 0)، برنامه آموزشی (کوریکولوم) (۸۱، 87 ± 0)، ارزیابی دانشجو (۷۹، 86 ± 0)، دانشجویان (۷۸، 85 ± 0)، منابع (۸۲، 74 ± 0)، نیروی انسانی و اعضای هیات علمی (۹۳، 86 ± 0) و پژوهش (۸۶، 72 ± 0) بود.

بحث و نتیجه گیری: نتایج اعتباربخشی دوره داروسازی عمومی مطلوب بود و با تداوم و با استمرار اجرای آن به بهبود استاندارد های آموزشی داروسازی نزدیکتر شویم. جهت اجرای مؤثر اعتباربخشی ایجاد فرهنگ سازمانی، تعهد مدیران ارشد و توانمندسازی کارکنان توصیه می شود. با توجه به وجود مشکلات متعدد در زمینه کیفیت آموزش و

کمبود منابع مالی و انسانی لازم در این حیطة، اجرای برنامه اعتباربخشی در کشور، می تواند موجب کاهش معضلات فراوان موجود در این بخش و ارائه خدمات باکیفیت تر به فراگیران و افزایش رضایت آن ها گردد. جهت اجرای موثر اعتباربخشی ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب، مشارکت و تعهد مدیران ارشد و توانمند سازی کارکنان توصیه می شود. از طرف دیگر فرایند اعتباربخشی، فرایندی آهسته و پیوسته و زمان بر می باشد و موفقیت در این زمینه با برنامه ریزی، اجرا، پایش و نظارت مستمر و اقدام اصلاحی در صورت انحراف و مغایرت حاصل می شود.

کلمات کلیدی: اعتباربخشی، داروسازی عمومی، استاندارد، مازندران

بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان نسبت به ارزیابی مهارت های نرم در انتخاب دانشجویان دندانپزشکی

ماندانا شیرازی - محمد رضا نیلی - محمد جواد لیاقت دار - رقیه ولی پور خواجه غیائی - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: زمینه و هدف: امروزه در حرفه های مراقبت سلامت ارزیابی مهارت های نرم در فرایند پذیرش دانشجویان مورد توجه ویژه قرار گرفته است ولی در جامعه ما پذیرش دانشجویان صرفاً بر اساس معیار های علمی صورت می گیرد و مهارت های نرم در انتخاب آنها مغفول واقع شده است. لذا با توجه به اهمیت مهارت های نرم در کیفیت عملکرد حرفه دندانپزشکی و عدم توجه به آنها در فرایند پذیرش دانشجویان، این مطالعه به منظور بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی و دانشجویان نسبت به ضرورت ارزیابی مهارت های نرم در پذیرش دانشجویان دندانپزشکی انجام گردید.

روش اجرا: پژوهش حاضر به روش کیفی انجام شد. جامعه آماری شامل اعضای هیئت علمی و دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه اصفهان و مازندران بود که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. یافته های مطالعه از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع آوری و مصاحبه ها تا مرحله اشباع داده ها ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل کیفی استفاده گردید.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد اکثر اعضای هیئت علمی و دانشجویان دندانپزشکی دیدگاه موافقی نسبت به لزوم ارزیابی مهارت های نرم در پذیرش دانشجویان دندانپزشکی داشتند. البته آنها در این زمینه به چالش هایی از قبیل: کاهش عدالت در پذیرش دانشجویان، افزایش پارتی بازی در پذیرش، دشواری ارزیابی مهارت های نرم، عدم آموزش مهارت های نرم در دوران آموزشی قبل از دانشگاه و صلاحیت ارزیابی کنندگان اشاره داشتند.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس یافته های این مطالعه پیشنهاد می گردد، برنامه ریزان آموزش دندانپزشکی با طراحی و اجرای پژوهش های جامع به بررسی جنبه های مختلف این موضوع پرداخته و بستر های لازم را با هماهنگی سازمان سنجش برای ارزیابی مهارت های نرم در پذیرش دانشجویان دندانپزشکی فراهم نمایند.

کلمات کلیدی: مهارت نرم، پذیرش دانشجویان، حرفه دندانپزشکی

طراحی و اجرای سازوکاری موثر جهت جلب مشارکت دانشکده ها در تدوین و اجرای برنامه های اولویت دار تحصیلات تکمیلی دانشگاه: با استفاده از سامانه ثبت و پایش عملکرد مبتنی بر چرخه باز خورد و بهبود مستمر

محیا دادگر آزاد - دانشگاه ع. پ. مشهد، حورا اشرفی فرد - دانشگاه ع. پ. تهران، علی عظیمی - دانشگاه ع. پ. مشهد، ابوالفضل خواجهوی راد

مقدمه: توسعه کیفی و کمی تحصیلات تکمیلی از اهداف استراتژیک و موکد اسناد بالادستی، برنامه های توسعه کشوری و سیاست های ابلاغی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باشد. لذا مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۴، برای اولین بار در کشور، با بهره مندی از اسناد بالادستی، برنامه های توسعه کشور و نیز مدل های موفق توسعه تحصیلات تکمیلی داخل و خارج کشور و همچنین استفاده از مشورت صاحب نظران دانشگاه در چهار چوب برنامه زمان بندی شده و طی جلسات مستمر کارشناسی و تخصصی در سال های ۱۳۹۴-۱۳۹۱ اقدام به تدوین ۷۹ شاخص ارزشیابی توسعه کیفی و کمی تحصیلات تکمیلی در قالب کتابچه شاخص های ارزیابی تحصیلات تکمیلی دانشگاه نمود. هرچند کتابچه موجود با استقبال وزارت متبوع مواجه گردیده و ضمن تشکر از دانشگاه علوم پزشکی مشهد نسخه ای از آن برای تمامی دانشگاه های کشور ارسال گردید؛ اما بعد از ابلاغ بسته های تحول و نوآوری در آموزش در سال ۱۳۹۴ از طرف وزارت متبوع، بازنگری در شاخص های مذکور امری اجتناب ناپذیر بود. در کنار بازنگری شاخص های مربوطه، تدوین یک برنامه عملیاتی موثر و جامع در حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه جهت ارتقاء شاخص های عملکردی مذکور، جز با کمک و همفکری کلیه مدیران و کارشناسان تحصیلات تکمیلی دانشگاه و دانشکده های ذی ربط و استفاده حداکثری از توان مدیریتی، کارشناسی، فنی مجموعه دانشگاه میسر نمی گردید. در نتیجه ارائه مکانیزمی جامع مبتنی بر سیاست های داخلی کشور و امکانات موجود و در دسترس دانشگاه که هم بعد نظارتی و هم بعد مستندسازی اطلاعات در حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه را تقویت نماید، ضروری به نظر می رسید. از این رو در این دانشگاه تلاش شده تا مکانیزمی پویا برای تدوین برنامه عملیاتی و پایش مستمر وضعیت

دانشگاه‌های نسل سوم، توسعه و ارتقای زیرساخت‌های آموزش علوم پزشکی بودند. ایجاد سامانه یکپارچه و هدفمند پایش برنامه عملیاتی دانشکده‌ها در گام اول منجر به بهبود فرآیند مستندسازی و دسترسی آسان و سریع به اطلاعات شد. در نتیجه تکمیل سامانه برنامه‌عملیاتی وزارت نیز ساده تر و جامع تر انجام می‌شود. از طرفی این سامانه به نحوی اجرا شده که دینامیک و گذشته سیستم را حفظ می‌کند، بدین صورت امکان بررسی وضعیت دانشکده‌ها و دانشگاه و الگوی تغییرات آن در تمامی بازه‌های زمانی ممکن خواهد بود. در نتیجه باتوجه به اهمیت نظام آموزشی در مقاطع تحصیلات تکمیلی، نظارت بر حسن اجرای مستمر این سامانه در سال‌های متوالی، می‌تواند منجر به یک بانک اطلاعاتی کامل و جامع در خصوص وضعیت شاخص‌های تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ها و دانشگاه شود.

دانشکده‌ها در حوزه تحصیلات تکمیلی ایجاد شود. پس از برگزاری جلسات و کمیته‌های مشورتی متعدد و با استفاده از امکانات و زیرساخت‌های دانشگاه، برای اولین بار در سطح این دانشگاه سامانه‌ای منسجم و پویا مبتنی بر شاخص‌ها و برنامه‌عملیاتی برای پایش و نظارت بر وضعیت تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ها در سال‌های متوالی ایجاد شده است. از جمله مزایای این سامانه دسترسی سریع و آسان به اطلاعات مربوط به شاخص‌ها می‌باشد. ضمناً سامانه مذکور با امکانات موجود در سامانه فرابر دانشگاه و با همکاری کارشناسان مدیریت فن آوری اطلاعات دانشگاه طراحی شده و ضمن استفاده از قابلیت‌های سامانه فرابر از جمله اتصال به سایر سامانه‌های دانشگاه مثل سامانه‌های آموزش (مروارید)، پژوهان، پرسنلی و... جهت دریافت خودکار و مستمر اطلاعات مورد نیاز، هزینه اضافه‌ای برای دانشگاه نداشته است. برای این منظور باتوجه به چرخه دمینگ، ابتدا جمع‌آوری، تدوین و تصویب شاخص‌های تحصیلات تکمیلی این دانشگاه انجام و براساس شاخص‌های مربوطه برنامه‌عملیاتی حوزه تحصیلات تکمیلی با مشارکت مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران تحصیلات تکمیلی و برنامه‌ریزی تدوین و در شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه تصویب شد. سپس، سامانه‌ای ساختارمند برای بررسی وضعیت دانشکده‌ها منطبق بر شاخص‌ها و برنامه‌ی مصوب در شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه و آزمایش فرآیند ایجاد شده است. در ادامه و پس از بارگذاری شاخص‌های مصوب در سامانه مذکور، به منظور شناسایی مشکلات و نواقص، فرآیند به مدت سه ماه در زمستان سال ۱۳۹۷ به صورت پایلوت اجرا شد. در ادامه جلسات و کمیته‌های مشورتی برای بازبینی شاخص‌ها، تدوین شیوه‌نامه تکمیل سامانه برنامه‌عملیاتی، امتیازدهی به فعالیت‌ها برگزار شد. این چرخه به صورت مستمر و متوالی در اجرا خواهد بود. باتوجه به ارزیابی مداوم و ماهانه فعالیت‌های اجرایی دانشکده‌ها و گزارش‌های فصلی در شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه، وضعیت موجود در دانشکده‌ها به‌طور مستمر منعکس شده و نقاط قوت و نقاط ضعف به وضوح محرز می‌شوند. به این صورت علاوه بر تقویت نقاط قوت، شناسایی نقاط ضعف و ارائه مداخلات و پیشنهادات لازم جهت بهبود و رفع آن میسر می‌شود. در نهایت این مهم موجب می‌شود در پایان هر سال، دو هدف رتبه‌بندی دانشکده‌ها براساس وضعیت تحصیلات تکمیلی و ارتقا، اصلاح و بازبینی شاخص‌های مصوب تحصیلات تکمیلی این دانشگاه محقق گردد. وضعیت تکمیل سامانه از دی ماه ۹۷ تا آبان ۹۸ توسط دانشکده‌های پزشکی، داروسازی، پرستاری و مامایی، دندانپزشکی، پیراپزشکی، بهداشت و طب ایرانی و مکمل نشان‌دهنده بهبود و ارتقا مستندسازی و توسعه اهداف کمی و کیفی دانشگاه بود. این اهداف به طور خلاصه شامل: اعتلای اخلاق حرفه‌ای، توسعه راهبردی، هدفمند و ماموریت‌گرای فعالیت‌های آموزش سلامت، توسعه آموزش علوم پزشکی پاسخگو و عدالت‌محور، توسعه و ارتقای زیرساخت‌های آموزش علوم پزشکی، ارتقا نظام ارزیابی و آزمون‌های علوم پزشکی، آینده‌نگاری و ظرفیت‌سازی برای کسب مرجعیت علمی در علوم پزشکی، بین‌المللی‌سازی آموزش علوم پزشکی، توسعه کارآفرینی در بستر

مشاوره و حمایت دانشجویی

نقش مدرسین پرستاری در نهادینه نمودن موضوع "عدم

تبعیض در مراقبت" در دانشجویان

رویا صادقی - دانشگاه ع. پ. رفسنجان، تابنده صادقی - دانشگاه ع. پ. رفسنجان،

مقدمه: نقش مدرسین پرستاری در نهادینه نمودن موضوع "عدم تبعیض در مراقبت" در دانشجویان مقدمه و هدف تبعیض در ارائه

مراقبت به عنوان یکی از چالشهای اخلاقی در سیستمهای ارائه خدمات سلامتی مطرح می باشد و پیامدهای گسترده منفی بر سیستم های سلامت و بیماران دارد. دانشجویان پرستاری، به عنوان بزرگ ترین منبع انسانی سازمانهای ارائه مراقبتهای سلامتی پس از فارغ التحصیلی، اهمیت زیادی در ارتقای سلامت جامعه دارند و توجه به آموزش این دانشجویان از اهمیت بالایی برخوردار است. هدف از آموزش پرستاری تنها آموزش مهارت های ذهنی و عملی نیست، بلکه در این عرصه، تاکید بیشتر بر ارتقای اخلاقی، معنوی و ارزشهای ارتباطی برای خدمت به مردم است. مدرسین پرستاری نقش بسزایی در شکل گیری و التزام به تعهد نسبت به این ارزشها در دانشجویان دارند لذا با توجه به اهمیت موضوع تبعیض و نقش مدرسین پرستاری در آموزش ارزشهای حرفه ای، این مطالعه با هدف توصیف تجربه و دیدگاه دانشجویان نسبت به نقش مدرسین پرستاری در نهادینه نمودن موضوع "عدم تبعیض در ارائه مراقبت" در دانشجویان انجام شد.

روش اجرا: در این مطالعه کیفی، ۱۳ دانشجوی پرستاری (۴ دختر و ۳ پسر، ترم ۵-۸ پرستاری و ۲ بحث گروهی که در هر بحث گروهی ۳ نفر شرکت داشتند) که تجربه چندین ترم حضور در محیط بالینی را دارا بودند و جهت شرکت در مطالعه تمایل داشتند مشارکت کنندگان در مطالعه را تشکیل دادند. مشارکت کنندگان به صورت هدفمند انتخاب و بر اساس اهداف پژوهش مصاحبه با آنان در زمینه موضوع تبعیض در مراقبت بر اساس راهنمای مصاحبه صورت گرفت و داده های لازم جمع آوری شد. نمونه ای از سوالات ۱- نظر شما نسبت به موضوع تبعیض در امر مراقبت چیست؟ ۲-به نظر شما چگونه می توان این موضوع را در آموزش لحاظ کرد؟ ۳-نقش یک مدرس پرستاری در توجه به این موضوع در دانشجویان چیست؟ فرآیند انجام مصاحبه ها و تجزیه و تحلیل به صورت همزمان صورت گرفت. مصاحبه ها ضبط و به فایل های کتبی تبدیل و با روش تحلیل محتوای کیفی (روش پیشنهادی گرانهمیم و لاندمن) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج تجزیه و تحلیل داده ها منجر به ظهور طبقات "آموزش اصل عدم تبعیض توسط مدرسین در تئوری و عمل"، "الگوی نقش بودن مدرس پرستاری" و "توجه به موضوع تبعیض در کوریکولوم درس اخلاق پرستاری" گردید. دانشجویان اظهار نمودند مربی به عنوان الگوی دانشجویان است و نحوه رفتار و گفتار مربی با بیمار در شکل گیری رفتار دانشجویان اهمیت زیادی دارد. هایلایت کردن موضوع عدم تبعیض در مراقبت از بیماران و توجه به کدهای اخلاقی و رعایت حقوق بیمار در هنگام ارائه دروس تئوری و به ویژه کارآموزی و محیط بالینی در نهادینه شدن موضوع عدم تبعیض در ارائه مراقبت نقش مهمی دارد. دانشجویان در بحثهای گروهی به این موضوع اشاره داشتند. به عنوان مثال یکی از دانشجویان پسر می گوید: "ما رعایت اصول و مسئله عدم تبعیض رو از مربی و حالا هم که کارآموزی در عرصه هستیم از رفتار پرستاران یاد می گیریم. به نظر من این نکات باید تو همون ترمهای اول توسط اساتید مرتب تکرار بشه و حتی در موردش کارگاه گذاشته بشه تا دانشجو کاملاً

متوجه موضوع بشه و بعدا که سرکار رفت هم مد نظر داشته باشه". یکی دیگر از دانشجویان نیز اظهار می دارد: "به نظر من رفتار خود مربی بیشترین تاثیر رو داره و گفتن فایده نداره اگر دانشجو ببینه که مربی همون وقت و زمان رو که برای مریض سفارش شده میزازه همون وقت رو برای مریض غیر سفارشی هم میزازه و همون آموزشها رو میده خب اونها هم الگو برداری می کنند و ممکنه توکار هم بعدا رعایت کنند. یکی از دانشجویان در جای دیگری اظهار می دارد: "ما درس اخلاق و مقررات داریم که اونجا باید آموزش داده بشه تا این فرد نه خودش مورد تبعیض قرار بگیره و نه مریض رو مورد تبعیض قرار بده، دانشجو باید بدونه که تو چه کاری مقصر شناخته میشه و چه کاری می شه بی میلالتی و چه کاری میشه تقصیر و چه گونه باید از خودش دفاع کنه که متاسفانه بیان نمی کنیم". و دانشجوی دیگری می گوید: "خوب است که در درس اخلاق پرستاری به این موضوع اشاره بشه و حتی از دانشجویان خواست مقاله بیارند، در موردش بحث کنند و حتی خاطره تعریف کنند و نظراتشون بیان کنند، اینطوری به نظر موضوع جا می افته"

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه می تواند به عنوان راهنما در اختیار مدرسین پرستاری و مسئولین امر در حوزه پرستاری قرار گیرد تا به نهادینه نمودن این موضوع در دانشجویان پرستاری که سهم عمده ای از مراقبین سلامت در آینده را به عهده دارند کمک نمایند.

بررسی تأثیر آموزش مهارت همدلی در برنامه آداب پزشکی دانشجویان پزشکی: یک مطالعه نیمه تجربی

نسرین خواجه علی - دانشگاه ع. پ. فسا، محمود منیاتی، مریم بارانی، عبدالحسین شکورنیا - دانشگاه ع. پ. اهواز،

مقدمه: همدلی بالینی پایه و اساس یک رابطه خوب بیمار و پزشک و یک مسئله مهم در آموزش پزشکی است. همدلی یکی از عناصر اصلی حرفه ای بودن در پزشکی است. پزشکانی که سطح همدلی بالاتری دارند، صلاحیت بالینی بیشتری داشته و این ارتباطات همدلانه پزشک نتایج بهتری را برای بیمار به وجود می آورد. در دانشکده پزشکی بایستی از طریق آموزش برنامه های درسی فرصتی فراهم گردد تا دانشجویان بتوانند مهارت ایجاد همدلی و ویژگی های مرتبط مانند هوش هیجانی و عزت نفس را فرا گیرند. اخیراً در ایران به منظور افزایش مهارت همدلی در درس آداب پزشکی (۳) که در دوره علوم پایه به دانشجویان پزشکی تدریس می شود ۴ ساعت به محث همدلی اختصاص داده شده است. سوال این است که آیا با تدریس ۴ ساعته مهارت همدلی در برنامه آداب پزشکی می توان مهارت همدلی را به دانشجویان پزشکی آموزش داد.

اهداف: با توجه به اهمیت موضوع همدلی در فرآیند مراقبت از بیماران و قابل آموزش بودن این توانمندی به دانشجویان، این مطالعه با هدف ارزیابی تأثیر آموزش همدلی در درس آداب پزشکی بر افزایش

مهارت های همدلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۹۹ انجام شد .

بررسی میزان شادی و نشاط در دانشجویان پزشکی ایرانی، در زمان شیوع کووید ۱۹ در دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۹

مارال استوارفر - دانشگاه ع. پ. شیراز، لیلیا بندرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، مرضیه ده بزرگیان - دانشگاه ع. پ. شیراز، محمد رسول دریجانی - فاطمه میر - دانشگاه ع. پ. شیراز - کریم عباسی - دانشگاه ع. پ. شیراز، مریم امیری نیا - دانشگاه ع. پ. شیراز .

مقدمه : این مطالعه بصورت مقطعی در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه علوم پزشکی شیراز با هدف بررسی میزان شادی و نشاط دانشجویان پزشکی در دانشگاه مذکور بر اساس پرسشنامه شادکامی آکسفورد و در زمان شیوع ویروس کرونا صورت گرفت.

روش اجرا : پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی و مقطعی است که در سال ۱۳۹۹ انجام گرفت. نمونه این مطالعه ۳۲۴ نفر از دانشجویان پزشکی در مقاطع تحصیلی مختلف در دانشگاه علوم پزشکی شیراز هستند که به روش طبقه ای در دسترس انتخاب شده اند. ابزار مورد استفاده جهت سنجش میزان شادکامی در این پژوهش، پرسشنامه شادکامی آکسفورد بود. داده ها توسط نرم افزار SPSS۲۵ و آزمونهای T مستقل، ANOVA و LSD و ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها : میانگین نمره شادکامی محاسبه شده برای دانشجویان در این پژوهش ۸۴٫۴۸ با انحراف معیار ۱۲٫۸۷ از ۱۴۵ نمره ممکن بدست آمد همچنین مشخص شد که اکثر دانشجویان مورد پژوهش از شادی قابل قبولی برخوردار نبوده اند. در این مطالعه جنسیت تاثیر معناداری بر نمره شادی نداشت اما سن و مقطع تحصیلی تاثیر منفی و معناداری بر نمره شادکامی داشتند .

بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد با توجه به شرایط خاص ناشی از همه گیری بیماری کرونا لازم است درمورد شادی و سایر جنبه های سلامت روان به خصوص بین دانشجویان پزشکی که در مواجهه مستقیم با این بیماری هستند مطالعات بیشتری صورت گیرد تا اطلاعات لازم جهت مداخله نهادهای مربوط برای به حداقل رساندن تبعات روانی همه گیری این بیماری، جمع آوری شود.

روش اجرا : این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی یک گروهی بصورت قبل و بعد می باشد که در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۹۹ در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز انجام شده است. جامعه آماری در این مطالعه تمامی ۸۰ نفر دانشجوی پزشکی ورودی سال ۱۳۹۸ بودند که درس آداب ۳ را انتخاب کرده بودند .مبحث همدلی به عنوان جزیی از برنامه آداب پزشکی می باشد که در مقطع علوم پایه به دانشجویان پزشکی تدریس می شود. در این دوره آموزشی طی ۴ ساعت (دو جلسه ۲ ساعته) در مورد مفاهیم همدلی، ارتباط همدلانه و راهکارهای ایجاد همدلی با استفاده از روش سخنرانی و بحث گروهی مطالبی ارائه می شود .جهت اندازه گیری مهارت همدلی از پرسشنامه استاندارد جفرسون (Jefferson) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۰ سوال است که با مقیاس ۷ درجه ای لیکرت اندازه گیری می شود. محدوده نمرات از ۲۰ تا ۱۴۰ می باشد که نمرات بالاتر نشان دهنده همدلی بیشتر است. روایی و پایایی این ابزار در مطالعات زیادی مورد بررسی قرار گرفته و تایید گردیده است. روایی و پایایی نسخه فارسی این پرسشنامه در جامعه ایرانی در مطالعه تأیید شده است که ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون برابر با ۰٫۷۱ بدست آمد. پرسشنامه مذکور در دو مرحله قبل و بلافاصله بعد از مداخله توسط دانشجویان تکمیل شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون t تحلیل شد و سطح معنی داری $p < 0,05$ در نظر گرفته شد

یافته ها : آزمون t زوجی نشان داد که میانگین نمره کل مهارت همدلی دانشجویان بعد از مداخله (۱۰،۵۵±۱۰،۴) نسبت به قبل از مداخله (۱۴،۷۵±۱۴،۴۱) افزایش یافت. اما این اختلاف از لحاظ آماری معنی دار نبود (۰،۶۸، $p = 0$). همچنین آزمون t مستقل نشان داد که میانگین نمره کل مهارت همدلی بین دانشجویان دختر (۱۳،۸۹±۱۸،۱) و پسر (۲۱،۲۱±۱۵،۲۵) تفاوت معناداری نداشت (۰،۲۳، $p = 0$).

بحث و نتیجه گیری : نتایج این مطالعه نشان داد که دوره آموزشی همدلی در درس آداب پزشکی به روش سخنرانی و بحث گروهی نتوانست بر ارتقای نمره مهارت همدلی در دانشجویان پزشکی تاثیر گذار باشد. با توجه به اینکه همدلی یک ویژگی حرفه ای بسیار مطلوب در حرفه پزشکی است و باید ارتقاء یابد. لازم است ضمن بازنگری و اصلاح محتوا و شیوه آموزش آن در درس آداب پزشکی، با اندازه گیری مستمر میزان مهارت همدلی دانشجویان پزشکی میزان تاثیر اجرای این برنامه در بهبود مهارت همدلی در دانش آموزان دانشکده پزشکی مورد ارزیابی قرار گیرد. پیشنهاد می شود اثربخشی این روش آموزشی در دانشجویان پزشکی در سایر دانشگاهها نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین توجه به آموزش مهارت همدلی به دانشجویان پزشکی که در ارتباط مستقیم با بیماران هستند، از طریق پیشنهاد اختصاص یک واحد درسی در این زمینه، نباید نادیده گرفته شود.

ارتقای تعامل بین اساتید مشاور و دانشجویان پزشکی در دوره پاندمی کوید ۱۹

پرنیاز مهنتی دانشگاه ع. پ. تبریز، نیلوفر افشین - دانشگاه ع. پ. تبریز

مقدمه: مواجهه با شرایط جدید تحصیل دانشجویان بدون حضور در دانشگاه و بصورت مجازی تمام جنبه های آموزش را دستخوش تغییر و تحول نموده است که از جمله آنها ملاقات دانشجویان با اساتید مشاور جهت مشاوره در امور تحصیلی ویا مسائل ومشکلات زندگی دانشجویی در دوران تحصیل می باشد. با توجه به اینکه یافتن راهکار برای حل هر مشکل هر دو گروه اساتید مشاور ودانشجویان را جهت ادامه ارتباط و تعامل موثر کمک خواهد کرد؛ فلذا در این فرآیند تلاش گردیده تا ضمن بررسی وامکان سنجی در مورد انواع وسایل در دسترس ارتباط چند رسانه ای در مورد مزایا، معایب، اثر بخشی، دسترسی آسان به هر کدام، بررسی ودرمورد اجرای و عملکرد وسیله انتخاب شده از هر دو گروه اساتید مشاوره دانشجو نظرخواهی می نماییم. ابتدا طراحی سوال که برای یافتن وسیله مناسب ارتباط مجازی بین اساتید مشاور و دانشجو کارآمد باشد. در این فرآیند ۶ وسیله ارتباطی رایج و مورد استفاده انتخاب و از دو گروه دانشجویان و اساتید مشاور در این مورد نظرسنجی شد. برای اساتید مشاور گروه واتسآپی توسط مسئول اساتید مشاور دانشکده تشکیل شد و سوالات در آنجا بارگذاری گردید. برای دریافت نظرات دانشجویان صفحه اینستاگرام تشکیل شد و با توجه به اطلاع رسانی قبلی به تعداد بیش از ۲۰۰ دانشجویان مطالب را خوانده و ارتباط و پاسخدهی دریافت گردید. در مرحله بعدی مشکلات موجود در هر یک از وسایل ارتباط مجازی بررسی و بصورت سوال مشترک در اختیار دو گروه دانشجویان و اساتید مشاور قرار گرفت. در این فرآیند ۵ سوال در مورد چالش های ارتباط های مجازی مورد استفاده انتخاب و از دو گروه دانشجویان و اساتید مشاور در این مورد پرسش شد. انتخاب اول ۳۰ و ۳۳ درصد دانشجویان به ترتیب واتسآپ و تلگرام است. و ۱۷ درصد دانشجویان اینستاگرام و ۱۰ درصد ایمیل و ۵ درصد تلفن و پیامک را انتخاب کردند. در حالیکه انتخاب اول اساتید مشاور ۱۰۰ درصد واتسآپ است انتخاب دوم ۴۵ و ۵۰ درصد دانشجویان به ترتیب تلگرام و واتسآپ است. و ۵ درصد پیامک را انتخاب نمودند و صفر درصد تلفن و ایمیل و اینستاگرام را انتخاب کردند. در حالیکه انتخاب دوم اساتید مشاور ۴۰ درصد ایمیل و ۴۰ درصد پیامک و ۲۰ و ۳۰ درصد دانشجویان به ترتیب پیامک و واتسآپ ۳۳ درصد تلفن و ۲۰ و ۳۰ درصد تلگرام را انتخاب نمودند و صفر درصد ایمیل و اینستاگرام را انتخاب کردند. در حالیکه انتخاب سوم اساتید مشاور ۴۰ درصد پیامک و ۳۰ درصد تلفن و ۳۰ درصد تلگرام است.

شناسایی ریشه های عدم همدلی و خشکانیدن آن در دانشجویان بالین؛ کامی در جهت آموزش و مراقبت بهتر

قباد رضانی - دانشگاه ع. پ. ایران، محمدیوسف رحیم پور - یوسف محمدپور - علی شکیبی - لیلا آلیلو - قدیر پوریارمیان - دانشگاه ع. پ. ایران، اسحاق مرادی - دانشگاه ع. پ. ایران،

مقدمه: همدلی به عنوان توانایی بی نظیر در برقراری ارتباط با دیگران از هنگام تولد وجود داشته و به طور افزایشی از نوزادی و کودکی تا نوجوانی متحول شده و می تواند راه گشایی برای بهبود روابط دانشجویان بالینی با بیماران باشد. (Hanania.H.C ۲۰۰۰) همدلی توانایی قرار دادن خود به جای دیگران و از این طریق درک بهتر احساسات و تجربیات آنها است (Hojat ۲۰۰۷). انجمن آموزش علوم پزشکی آمریکا معتقد است که شاغلین حرفه های علوم پزشکی در مراقبت بیماران باید همدل و دلسوز باشند. این انجمن همدلی را یک ضرورت از اهداف یادگیری می داند که تأثیر قابل توجهی بر رضایت بیمار، پابندی به توصیه های پزشکی، نتایج بالینی و رضایت شغلی دارد. همدلی جزئی از رابطه با بیمار است که هم بر تشخیص و هم بر مراقبت بیمار مؤثر است. هدف از انجام این مطالعه، شناسایی ریشه های عدم همدلی و خشکانیدن آن در جهت آموزش و مراقبت بهتر است.

روش اجرا: این مطالعه به شیوه توصیفی و کیفی و با بررسی و تحلیل محتوای کیفی و با روش استنتاج استقرایی (از جزء به کل) صورت گرفت. محتوای تحلیل شده، طبقه بندی و بررسی گردید.

یافته ها: یافته ها نشان داد که عواملی همچون تکیه زیاد بر رقابت طلبی و نورچشمی بودن در اوان کودکی و نوجوانی (زمانی که شخصیت فرد در حال شکل گیری است)، در درون خانواده و مدارس، عدم مسولیت پذیری زیاد در افراد، ضعف در آموزشهای خانواده و نظام آموزشی در جهت ارتقای همدلی و مراقبت از هموعان، داشتن توجهی برای عدم همدلی در اکثر مواقع، فردگرایی و دوری از کارهای گروهی در دوران قبل از وارد شدن به محیط بالین، عدم یک ضمانت اجرایی قوی در صورت رعایت نکردن همدلی در محیطهای بالین توسط دانشجویان یا برعکس عدم وجود محرکهای انگیزه بخش در صورت انجام همدلی، ماهیت کیفی بودن همدلی و ... بعنوان عواملی هستند که باعث می شوند دانشجوی بالینی در محیط های بیمارستانی رغبت کمتری به انجام همدلی داشته باشد.

بحث و نتیجه گیری: با شناسایی عوامل یاد شده می توان از طریق تعلیم و تربیت های خانوادگی و نظام آموزشی اقدام به آموزش پذیری افراد در سنین پایینتر نمود. با تشویق افراد به هموعی، کار تیمی و مشارکتی، نوع دوستی، عضو جامعه بودن، انجام آموزش های عملی موثر در سیستم آموزشی مثل ایفای نقش، Role Model، یادگیری مبتنی بر تیم، پرهیز از رقابت طلبی در خانواده و نظام آموزشی و ...

می توان تا حد زیادی افراد را به سوی همدلی و مراقبت بیشتر ترغیب نمود.

بررسی تأثیر اجرای برنامه همتا به عنوان آموزش دهنده و مشاور ازدیدگاه دانشجویان پزشکی علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی جهرم

صدیقه نجفی پور - دانشگاه ع. پ. جهرم، پریسا پور عباس - زهرا دهدشتی - بنیامین امید مختارلو - نیما دادگر - اسماعیل رعیت دوست - علیرضا صدرنشین - دانشگاه ع. پ. جهرم، عاطفه کرم زاده جهرمی - دانشگاه ع. پ. جهرم،

مقدمه: دغدغه‌های دانشجویان پزشکی نسبت به یادگیری بعضی از دروس مقطع علوم پایه و نگرانی آنان نسبت به کسب موفقیت در آزمون علوم پایه سبب شد تا در سال ۱۳۹۷ مرکز مطالعات توسعه پروژه راه‌اندازی مرکز آموزش همتایان با تاکید بر مشارکت دانشجو در فرایند آموزش و حمایت علمی دانشجو از دانشجو را مطرح نماید. و بدین ترتیب ضرورت شکل گیری مرکز آموزش همتایان به عنوان زیر کمیته دانشجویی در توسعه آموزش از مهر ۹۷ جهت دانشجویان پزشکی ورودی مهر ۹۷ شروع شد سپس برای ورودی بهمن ۹۷ و دانشجویان ۹۸ انجام شد و هم اکنون جهت ورودی های ۹۹ این برنامه ادامه خواهد داشت. هدف این مطالعه بررسی تأثیر اجرای برنامه همتا به عنوان حامی علمی و مشاوره ای از دیدگاه دانشجویان مشارکت کننده در این برنامه می باشد.

روش اجرا: مطالعه ای مقطعی توصیفی به روش سرشماری انجام شد. این مطالعه به منظور بررسی تأثیر اقدام پژوهی انجام شده از سال ۱۳۹۷ در دانشگاه علوم پزشکی جهرم از دیدگاه دانشجویان ذینفع انجام شد. جامعه مورد مطالعه دانشجویان پزشکی می‌باشند. تعداد دانشجویان مشارکت کننده در این مطالعه ۲۰ نفر بودند. ابزار جمع آوری فرم پرسشنامه با ۶ سوال باز بود که از طریق واتس اپ نظرات دانشجویان نسبت به اجرای برنامه مرکز همتایان بررسی شد. در این مطالعه در خصوص تأثیر اجرای یک اقدام پژوهی تحت عنوان برنامه آموزش همتا و همتا به عنوان حامی علمی و مشاوره ای همتا بررسی انجام شد و نقش دانشجویان سال بالا به همتای حامی از دانشجویان سال پایین نظرخواهی شد. از دانشجویان پزشکی ورودی ۹۷ تا ۹۹ به بعد پزشکی به روش سرشماری در این مطالعه مشارکت نمودند. شایان ذکر استدر این مطالعه تأثیر یک اقدام پژوهی بررسی شد. برنامه ای که دانشجویان استعداد درخشان به عنوان سر گروه مسولیت گروه های ۸ الی ۹ نفری در هر کلاس را پذیرفتند. سر گروه‌ها بصورت مجزا در ساعات آزاد با همتایان جلسات حضوری یا در کرونا غیر حضوری و در واتس آپ با دانشجویان سال پایین تر تعامل و حمایت آموزشی داشتند. در ادامه به منظور حمایت علمی از دانشجویان جلسات رفع اشکال در دروس

مختلف برگزار گردیده است و بر اساس نیازسنجی و تعیین اولویت های دانشجویان علوم پایه کلاس هایی ایجاد آمادگی نحوه مشارکت در آزمون علوم پایه و کلاس های کمکی دروس تخصصی علوم پایه برگزار شد لذا در این مطالعه تأثیر این اجرای برنامه همتا بررسی شده است

یافته ها: دانشجویان جدید الورود که طی دوران کرونا از راه دور آموزش دیده اند درخصوص تأثیر برنامه آموزش همتا بیان داشتند: دانشجویان سر در گم نبودند و می فهمیدند برای هر درس چه کاری باید انجام دهند، نیاز به آزمون و خطا در مسیر درس خواندن نداشتند چون می دانستند یک نفر پشتیبان هست در هر زمان که آنان نیاز به راهنمایی، مشاوره و کمک آموزشی داشتند، همتایان یا همان دانشجویان سنیر حمایت می نماید مشارکت کنندگان ورودی های ۹۷ تا ۹۸ بیان داشتند دانشجویان احساس امنیت و اعتماد بنفس بیشتری کسب نمودند و فرصت تعامل بین دانشجویان سال بالایی و پایینی جهت انتقال تجربیات موفق و کار در تیم فراهم شد و دانشجویان سال پایینی یک الگوی موفق در تحصیل و دانشگاه را الگوی خویش می دانستند. واحد های پژوهش بیان داشتند آنان یاد گرفتند در زمان بروز مشکلات چگونه برای حل مشکل خویش با همکاری و مشارکت همتا اقدام نماید و اجرای برنامه آموزش همتا یادگیری عمیق تر برای خود سر گروهها به همراه داشت و همچنین سبب شکل گیری و اختصاص فضای مناسب و مستقل به دانشجویان تحت عنوان مرکز آموزش همتایان در دانشگاه تحت نظارت مرکز توسعه و کمیته دانشجویی در توسعه آموزش شد.

بحث و نتیجه گیری: تأثیر برنامه همتا به عنوان حامی علمی و مشاوره ای شامل رشد مهارت ارتباطی و کار تیمی در دانشجویان، ایجاد فرصت یادگیری عمیق و احساس آرامش و اطمینان می باشد و معرفی همتایان به منبع حمایتی علمی و مشاوره ای قوی و قابل دسترس در دوران علوم پایه و طی بحران کرونا و تعطیلی دانشگاه می باشد.

مقالات انگیزی

the response time and dramatically increases the rate of medical errors. The purpose of this study was to investigate the changes in internal medicine intern duty hours through a ۳-month period and to examine its effects on different individual, behavioral, and educational aspects of medical interns.

Materials & Methods: This was a Quasi-Experimental Study. Two groups of medical interns were selected as control and intervention groups. The control group will normally run their ward (they had ۲۴-hour shift). The case group will pass their course by having the regular working hours but the shifts were separated into ۲ (for example, a ۲۴-hour shift split into two ۱۲-hour shifts). At the end of the course, they fill in a questionnaire form containing several questions about different educational, behavioral, and other parameters.

Results: The total number of interns participating in this study was ۸۳. Independent t-test results indicated that the subscales of individual, educational, and behavioral response scales increased after shifts ($P < .001$), with a significant difference ($P < .001$), with satisfaction. From the changed status, it was significantly decreased ($P < .001$).

Conclusion: The results of this study have shown that despite the positive effect of changing and correcting the working hours, interns do not have personal satisfaction with it. The reason for this can be attributed to the freshness and incompleteness of this change, the resistance to the change, as well as the commuting problems for both resident and dorm interns.

بررسی ترجیحات دانشجویان پیراپزشکی در رابطه با بکارگیری روش های آموزش مجازی

محدثه صفاری - دانشگاه ع. پ. سمنان، سیف الله علانی - دانشگاه ع. پ. سمنان، مینا شایسته فر - دانشگاه ع. پ. سمنان،

Introduction: The pandemic of Covid ۱۹ disease has caused extensive changes in the economic, social and even lifestyle of different societies. In this conditions, most educational organizations, including medical universities, prefer to replace virtual education with face to face education as

نیاز سنجی آموزش اعضا هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در حیطه پژوهشی

تیمور حضرتیان - دانشگاه ع. پ. تبریز،

Background: Research and research skills of faculty members are essential for the development of higher education and sustainable development. Therefore, this study was conducted to develop needs assessment of faculty members in research at the Tabriz University of Medical Sciences.

Methods: This cross-sectional study was conducted in ۲۰۱۸. Of ۸۴۸ faculty members at the Tabriz University of Medical Sciences, ۲۶۲ members participated in the study, determined based on Morgan's table. A researcher-created questionnaire with ۵-point Likert-type closed-ended questions was used for collecting data. Validity and reliability were determined with content and construct validity and Cronbach's alpha, respectively. Data were analyzed with Pearson's chi-square and one-way ANOVA using SPSS ۲۲. Results: Factor analysis showed that the educational needs of the faculty members in research at the Tabriz University of Medical Sciences can be classified into eight topics that were not different in terms of the academic rank, but there was a significant difference in terms of gender and faculties. Faculty members in the pharmacy, dentistry and nursing faculties reported higher educational needs than the faculty in medicine and other faculties.

Conclusion: The results showed that women reported higher educational needs, differing across faculties. It is suggested that research management training courses be prioritized, and key reasons or factors influencing the research in the faculties of dentistry, pharmacy and nursing be investigated.

تأثیر تغییر ساعات کشیک کارورزان داخلی در میزان رضایتمندی و ارتقای سطح آموزش

مهسا خدمتی زارع - دانشگاه ع. پ. البرز، فریبا سالک رنجبرزاده - دانشگاه ع. پ. تبریز، احسان نبوتی - دانشگاه ع. پ. کاشان، حسین مژدهی پناه - مینا اکبری راد - دانشگاه ع. پ. مشهد، سعید خزائی .

Introduction: Numerous studies have shown that prolonged duty shifts reduces the quality of rest, decreases the quality of responsiveness, decrease

much as possible. In order to improve the quality of education, its processes should be evaluated from different aspects and the existing challenges should be identified and resolved. Therefore, this study was conducted to survey the preferences of paramedical students about use of virtual education in ۲۰۲۰.

Materials and Methods: This cross-sectional study was performed on students of Semnan University of Medical Sciences. In this process ۲۰۲ students of Paramedical Sciences Faculty were selected by available sampling method. After receiving the ethics code from ethic committee, a researcher-made questionnaire containing demographic information and student performance section in relation to class attendance and how to use educational resources, was used to data collection. The collected data analysed by using SPSS.۲۳ with descriptive and inferential statistical methods.

Results: The mentioned students were studying in the fields of operating room, anesthesia, emergency medicine, radiology and health information technology fields of Study. Of the mentioned students, the majority of them (۵۹,۴%) were girls and most of them (۶۵,۸%) were studying in bachelor's degree. The findings of study show that mobile phones were the most used by ۶۲,۴% of them to attend online classes and ۵۹,۹% of them it to access e-learning resources. The findings also show that the paramedical students' skills for participating in online classes and the skill of using the related software were (respectively ۴۹% and ۴۰,۶%) and in fact at a moderate level. Also, there was a significant relationship ($P < .,۰۵$) between the variable of the field of study with the type of virtual education method and the maximum use of different parts of software system.

Conclusion: The findings of several studies have indicated the high rate of mobile smartphone use and its associated psychological and physical risks. Although using a phone for virtual education is useful and positive behaviour, but planning for the use of other hardware should also be considered. Meanwhile increasing students' awareness and skills on how to participate in online classes and the use of educational software's, can be useful in the effectiveness of virtual education.

پژوهشی در آموزش

بررسی اجمالی برنامه آموزش مامایی

سهیلا ضیائی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی.

مقدمه: همه فرصت های یادگیری که نظام آموزشی به دلیل سنت و غفلت از ارائه آن به یادگیرندگان باز می ماند، برنامه درسی مغفول را تشکیل می دهد. بررسی فوق به هدف تعیین برنامه های درسی مغفول در برنامه آموزش مامایی از دیدگاه اساتید مامایی دانشگاه های آزاد اسلامی استان فارس طراحی و اجرا شده است.

روش اجرا: این مطالعه با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شد. نمونه تحقیق ۱۲ نفر از اساتید مامایی دانشگاه های آزاد اسلامی استان فارس بودند که به روش نمونه گیری هدفمند و بر اساس قاعده اشباع نظری انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع آوری و با استفاده از گام های هفت گانه دیکلمن مورد بررسی دقیق قرار گرفت.

یافته ها: نتایج، سه درون مایه اصلی و ۹ درون مایه فرعی را نشان داد. هویت حرفه ای با دو درون مایه (هویت ذهنی " آنچه برنامه به دانشجو القا می کند" و هویت عینی " آنچه محیط القا می کند")، نقش های حرفه ای با ۶ درون مایه (تشخیصی - مداخله ای، مراقبتی، آموزشی، پژوهشی، مشاوره ای و مدیریتی) و عملکرد حرفه ای با دو درون مایه (آنچه انجام میدهند و آنچه باید انجام دهند) درون مایه های اصلی و فرعی حاصل از بررسی بودند.

بحث و نتیجه گیری: اکثریت عناوین دروس تخصصی در برنامه آموزش مامایی هویت حرفه ای مامایی را القا نمی کند و این ذهنیت را که شما ماما هستید را ایجاد نمی کند. کمبود های آموزش تئوری و عملی برنامه مامایی با توجه به پیشرفت ها در نقش ماما کم نیستند. و برنامه ریزان آموزش مامایی در آخرین ویرایش خود از این برنامه، نتوانسته اند عناوین دروس جدید تخصصی مامایی را به خوبی در برنامه آموزش اجباری آنها جا دهند. بدترین نتیجه بازنگری آنها کاهش از تعداد واحدهای نظری درس بسیار تخصصی مامایی یعنی بارداری و زایمان بوده است. اختیاری کردن برخی دروس و محدود کردن دانشجویان در انتخاب آنها نیز، دانشجویان را از یادگیری ۲۲ واحد تخصصی محروم کرده است. استفاده بهتر از واحدهای عمومی و پایه و ادغام یا جایگزینی آنها با برخی واحدهای تخصصی امکان استفاده بهتر از زمان در ارائه بیشتر مطالب تخصصی را فراهم می آورد. مثلاً ادغام عمودی دروس پایه چون آناتومی - فیزیولوژی با درس فیزیوپاتولوژی و بیماریهای داخلی و جراحی، یا جایگزینی درس تخصصی نقش ورزش در مامایی به جای واحد عمومی ورزش. تفاوت بین آنچه در عمل یاد می گیرند با آنچه بعداً از آنها انتظار است که انجام دهند نیز یادگیری دانشجویان را با

اختلال همراه کرده است. در کل از نظر مدرسین مامایی، برنامه مامایی نیاز به تحولی اساسی هم در عناوین و رئوس مطالب دروس تخصصی و هم در تعداد واحدهای درسی تخصصی و پایه دارد تا علاوه بر تحقق بهتر اهداف، از کهنگی و روزمرگی خارج گردد.

نگرش دانشجویان علوم پزشکی ایران به آموزش

الکترونیک: مرور سیستماتیک

فاطمه رستمی - یونس سلیمی کوچی - دانشگاه ع. پ. بوشهر،

مقدمه: پزشکی علاوه بر ارائه خدمات بهداشتی - درمانی به مردم، وظیفه مهم تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز بخش های مختلف جامعه را بر عهده دارد. که این امر ایجاب می کند که آموزش پزشکی به صورت مداوم بازنگری شده و در صدد ارتقای آن باشیم. یکی از عوامل مهم تاثیرگذار در فرآیند آموزش پزشکی روند رو به رشد تکنولوژی های آموزشی و یادگیری الکترونیک می باشد. آموزش الکترونیک یکی از روش های آموزش نوین است که بین یاددهنده و یادگیرنده فاصله فیزیکی است و آنها توسط ابزارهایی که فناوری در اختیارشان قرار داده با یکدیگر ارتباط دارند. ظهور شبکه های ارتباطی مانند اینترنت در کنار امکانات آموزشی پیشرفته باعث تحول در روش های آموزشی شده است. از طرفی شیوع بیماری کرونا ۲۰۱۹ به توسعه اجباری آموزش الکترونیک در سراسر دنیا دامن زد با این که تا قبل از آن هیچ گونه تجربه ای در زمینه آموزش الکترونیک وجود نداشت. لذا این مطالعه با هدف مروری بر نگرش دانشجویان علوم پزشکی نسبت به آموزش الکترونیک انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه مروری و از نوع سیستماتیک می باشد که با کلیدواژه های آموزش الکترونیک، آموزش مجازی، دانشجویان، علوم پزشکی، e-learning، Attitude و electronic education در پایگاه های اطلاعاتی Pubmed، Iranmedex، گوگل اسکالر و SID در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ انجام شد. از ۱۵ مقاله استفاده شد. معیارهای ورود مطالعات انجام شده بر روی نگرش دانشجویان تمامی مقاطع و رشته های تحصیلی علوم پزشکی بود و معیارهای خروج مطالعاتی که در آنها به بررسی نگرش نسبت به آموزش الکترونیک نپرداخته بودند و یا جامعه آماری دانشجویان غیرعلوم پزشکی، یا اساتید، معلمان، کارمندان و دانش آموزان بودند. تمامی مقالات از نظر محتوا بررسی شد و مقالاتی که در آن به بررسی نگرش پرداخته شد و مطالعات منتخب وارد سایر مراحل فرآیند سیستماتیک شد.

یافته ها: بیشتر مطالعات انجام شده بر روی دانشجویان پرستاری، پزشکی و مامایی بود و کمترین بر دانشجویان اتاق عمل، بهداشت و سایر رشته های پیراپزشکی بود. حدود ۶۵٪ دانشجویان زن بودند و بیشتر آنها بومی و از نظر تاهل مجرد بودند. بین جنسیت، سن و سایر متغیرهای دموگرافیک با نگرش رابطه ای یافت نشد. نگرش به آموزش

الکترونیک در اغلب مطالعات مثبت بوده است و بین نگرش و استفاده از کامپیوتر و ابزارهای فناوری مانند تلفن همراه ارتباط معنی داری بود به طوری که هرچه میزان ساعت استفاده از کامپیوتر، مهارت در استفاده از آن بالاتر بود نگرش بهتری نسبت به آموزش الکترونیک داشتند. همچنین بین داشتن تجربه آموزش الکترونیک و نگرش رابطه معنی داری مشاهده شد. با این حال در بیشتر مطالعات دانشجویان از عوامل موثر بر نگرش منفی آنها کمبود سیستم و کاهش سرعت اینترنت و اضطراب ناشی از استفاده از روش الکترونیک را ذکر کردند.

بحث و نتیجه گیری: دانشجویان علوم پزشکی کشور نگرش بسیار خوبی نسبت به آموزش الکترونیک دارند که خود می تواند نقطه مثبتی جهت تحول در نظام آموزش پزشکی و استفاده از روش های نوین آموزشی و ارتقای آموزش باشد. اما همانطور که این روش دارای نقاط قوتی نظیر کاهش هزینه و اتلاف وقت می باشد، همچنان این روش دچار چالش ها و نقاط ضعفی نیز می باشد که از آنها می توان به کمبود امکانات و مشکلات سیستم های دانشگاهی، سرعت پایین اینترنت و مهارت ناکافی در زمینه استفاده از کامپیوتر اساتید و دانشجویان اشاره کرد. لذا توصیه می شود با رفع این مشکلات گامی در جهت توسعه آموزش پزشکی و ارتقا آموزش برداریم.

شناسایی مولفه های توسعه کیفی آموزش علوم پزشکی

صمد ایزدی - ابراهیم صالحی عمران - نسیم قهرانی - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران،

مقدمه: کیفیت در سیستم آموزشی، به معنای تطابق با استانداردهای از قبل تعریف شده و دستیابی به اهداف، مجموعه ای از اقدامات برای پاسخگویی به نیازهای معین جامعه و عرضه خدمات مورد نیاز جامعه می باشد (۱). سه منظر از کیفیت در آموزش عالی شامل منظر شایستگی، منظر اجتماعی و منظر فردی تبیین کرده است. در منظر شایستگی، کیفیت دانشگاه بر اساس انطباق با هنجارها و استانداردها و شاخص های پژوهشی، تخصصی، ملی و جهانی در آموزش عالی ارزشیابی می شود. در این فرآیند، استانداردها و شاخص های آکادمیک به عنوان گروه مرجع به کار برده می شوند. در منظر اجتماعی، کیفیت بر اساس میزانی که دانشگاه در قبال جامعه متعهد شده و اقدام به تامین نیازهای مهم جامعه و افراد می کند مورد ارزیابی قرار می گیرد. در منظر فردی، کیفیت دانشگاه بر اساس میزان مشارکت و فراهم آوردن تجارب عالی یادگیری و کمکهای دانشگاه در رشد شخصی دانشجویان و اعضای هیئت علمی ارزیابی می شود. در این منظر، میزان یادگیری فرد، مرجعی برای قضاوت درباره کیفیت است. می توان با توجه به تمامی منظرهای کیفیت، توسعه متوازن و پایدار آموزش عالی و دانشگاه را تضمین کرد (۲). در دهه هفتاد در جهت ارتقای کیفیت آموزش تغییراتی در ساختار سازمانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و

دانشگاه های علوم پزشکی ایجاد شد. علاوه بر تاسیس مراکز مطالعات و توسعه ی آموزش در سال ۱۳۷۶ و تاسیس مراکز توسعه آموزش پزشکی (EDC) در اکثر دانشگاه ها، نسبت به تشکیل دبیرخانه شورای پزشکی عمومی و تخصصی، دبیرخانه و شورای عالی قطب های علمی علوم پزشکی، تشکیل واحد مطالعات نیروی انسانی گروه پزشکی، تشکیل کمیته های تدوین و ارزشیابی برنامه های دستیاری، ایجاد ستاد رفاهی اعضای هیئت علمی و ... اقدام شده است (۳). از آنجایی که علیرغم بررسی بعضی از مولفه های توسعه کیفی در اسناد بالادستی در حوزه آموزش پزشکی (سند راهبردی توسعه کیفی آموزش علوم پزشکی، رتبه بندی آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی (راد) و نقشه جامعه علمی سلامت (در تعریف مولفه های کیفی در حوزه آموزش علوم پزشکی اتفاق نظر وجود ندارد (۴-۶) و متخصصین بازنگری در این مولفه ها را ضروری می دانند لذا لازم است این مولفه ها به طور اجمالی جمع بندی و شناسایی شوند زیرا بدون شناسایی مولفه های اصلی نمی توان شاخص ها را مشخص نمود و آینده ای مطلوب را برای افزایش کیفیت آموزش علوم پزشکی ترسیم نمود.

روش اجرا: در این پژوهش به جمع آوری و مطالعه اسناد بالادستی در حوزه آموزش پزشکی، جهت دستیابی به مفاهیم و مولفه های توسعه کیفی آموزش علوم پزشکی پرداخته شد و سپس در خصوص مولفه ها از صاحب نظران آموزش پزشکی و آموزش عالی شاغل در مراکز توسعه آموزش دانشگاه های علوم پزشکی ایران، (به عنوان جامعه مورد مطالعه) با استفاده از روش دلفی، داده های مورد نظر جمع آوری شد. شرکت کنندگان در روش دلفی، ۱۰ نفر از صاحب نظران و خبرگان آموزش پزشکی و آموزش عالی در دانشگاه های علوم پزشکی مازندران، گیلان، گلستان، بابل، شهیدبهشتی، تهران، تبریز، کردستان بوده اند. بنابراین از این طریق به شناسایی مولفه های توسعه کیفی آموزش علوم پزشکی پرداخته شد. در این پژوهش دلفی در دو مرحله انجام شده است زیرا جهت رفع سوتعبیرها و جلوگیری از کاستی های موجود در پژوهش، متن مصاحبه ها جهت بازنگری و توضیح بیشتر مجدد، در مرحله دوم به خبرگان ارسال شد و پاسخ ها جمع بندی شد و پس از اشباع شدن نظرات صاحب نظران مولفه های نهایی در زمینه توسعه کیفی آموزش علوم پزشکی شناسایی شدند.

یافته ها: از تحلیل داده های کیفی پژوهش و کدگذاری مفاهیم استخراج شده از اسناد و مصاحبه ها، در توسعه کیفی آموزش علوم پزشکی، ۸۴ مفهوم کلی و ۳۷ مولفه فرعی و ۱۳ مولفه اصلی حاصل شد که این ۱۳ مولفه اصلی در توسعه کیفی آموزش پزشکی، شامل موارد ذیل است: رهبری آموزشی مراکز توسعه و مطالعات آموزش پزشکی دانشگاه ها، دانش افزایی و توانمندسازی آموزشی اعضای هیئت علمی، توسعه کیفی برنامه درسی، برنامه درسی پنهان، دانش پژوهی آموزشی، توسعه کیفی پژوهش در آموزش، ارزشیابی جامع اعضای هیئت علمی، اعتباربخشی، سیاست گذاری کلان، تسهیل کارآفرینی، آموزش با

رویکرد اجتماعی شدن سلامت، آموزش پزشکی پاسخگو، و همایش ها و جشنواره های آموزشی .

بحث و نتیجه گیری: اکنون با بازنگری و جمع بندی جامع مولفه های توسعه کیفی می توان به معرفی شاخص های هر یک از آن ها پرداخت و در ترسیم نقشه راه، انجام مطالعات آینده پژوهی و شناسایی سناریوها و آینده های مطلوب توسعه کیفی آموزش علوم پزشکی قدم های موثری برداشت.

تبیین تجارب زیسته کارکنان اتاق عمل از مولفه ها و مصادیق همکاری های بین حرفه ای : یک مطالعه

پدیدارشناسی

میترا امینی - دانشگاه ع. پ. قم، هدی احمدری طهران - دانشگاه ع. پ. قم، سلیمان احمدی.

مقدمه : همکاری بین حرفه ای بعنوان یکی از اجزای مهم تامین ایمنی بیمار شناخته شده است. با توجه به ضرورت شناخت مؤلفه های بین حرفه ای، پژوهش حاضر با هدف تبیین تجارب زیسته کارکنان اتاق عمل از مولفه ها و مصادیق همکاری های بین حرفه ای انجام شد .

روش اجرا : تحقیق حاضر از نوع کیفی پدیدار شناسی به شیوه کلایزی از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند عمیق مبتنی بر هدف بود . به منظور مقبولیت داده ها از شیوه گویا و لینکن استفاده شد. شرکت کنندگان دوازده نفر از کارکنان حرف مختلف شاغل در اتاق عمل قم بودند . یافته ها: تجزیه و تحلیل گویه ها منجر به استخراج ۶ درون مایه اصلی و ۲۰ درون مایه فرعی که شامل: "سازماندهی" (هدف گذاری و منابع مشترک)، "هویت حرفه ای" (تعهد ، احترام متقابل، هم افزایی ونقش و مسئولیت ها)، "ارتباطات" (همکاری ، اعتماد ، اشتراک گذاری اطلاعات و مدیریت تعارض "ویژگی تیم (انعطاف پذیری ، تجربه ، مشارکت جویی و عملکرد تیمی و حرفه ای گری)، "رهبری و مدیریت" (رهبری در اتاق عمل ، ساختار سلسله مراتب ، جو و شرایط کاری و ظرفیت سازی)، "هماهنگی" (برنامه ریزی) بدست آمد .

بحث و نتیجه گیری: یافته ها نشان دادند که مولفه های همکاری بین حرفه ای و آموزش آن یکی از گام های اساسی در راستای تحقق ایمنی بیمار محسوب می شود. نتایج این پژوهش می تواند به متولیان آموزش در ارتقا و اصلاح کیفیت برنامه های آموزشی مشترک بین حرفه ای یاری رساند .

کلمات کلیدی : همکاری بین حرفه ای ، پدیدار شناسی ، کارکنان اتاق عمل

ارتباط هوش معنوی با عملکرد تحصیلی در کارآموزان

پزشکی

سعیده دریا زاده - دانشگاه ع. پ. اصفهان، رویا باقری - محمد جواد آزادچهر - محمدرضا شریف - عباس تقوی اردکانی - مریم بیابوری - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه : هوش معنوی به عنوان زیربنای باورهای فرد نقش اساسی در زمینه های گوناگون زندگی انسان به ویژه پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان دارد. هدف این مطالعه تعیین ارتباط هوش معنوی با عملکرد تحصیلی کارآموزان پزشکی بیمارستان شهید بهشتی دانشگاه علوم پزشکی کاشان بود .

روش اجرا : در این مطالعه توصیفی مقطعی ۱۰۰ نفر از کارآموزان پزشکی به روش در دسترس در سال ۹۸ شرکت کردند. ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه روا و پایای هوش معنوی بود و معدل کارآموزان برای سنجش عملکرد تحصیلی بررسی شد. داده ها با استفاده از آزمون های تی و آزمون همبستگی پیرسون و نرم افزار SPSS۱۶ تحلیل شد. نتایج: میان هوش معنوی (و مؤلفه هایش) و عملکرد تحصیلی کارآموزان ارتباط معناداری وجود نداشت ($p > 0.05$). میانگین مؤلفه خودآگاهی، عشق و علاقه، در کارآموزان مرد (2.8 ± 1.05)، 4.4 به طور معناداری بیشتر از کارآموزان زن (4.68 ± 0.22)، 6.2 بود ($p = 0.009$). در بین کارآموزان مرد، ارتباط معناداری بین مؤلفه خودآگاهی، عشق و علاقه و عملکرد تحصیلی وجود داشت ($p = 0.025$). میانگین مؤلفه پرداختن به سجایای اخلاقی و هوش معنوی (نمره کل) در کارآموزان متأهل به طور معناداری بیشتر از کارآموزان مجرد بود ($p > 0.05$). همچنین در بین کارآموزان مجرد، ارتباط معناداری بین مؤلفه تفکر کلی و بعد اعتقادی و عملکرد تحصیلی وجود داشت ($p = 0.040$)

بحث و نتیجه گیری: با افزایش نمره مؤلفه خودآگاهی، عشق و علاقه در بین کارآموزان مرد و با افزایش نمره مؤلفه تفکر کلی و بعد اعتقادی در بین کارآموزان مجرد، میزان عملکرد تحصیلی آنها افزایش معناداری پیدا می کند. به نظر می رسد که آموزش های مناسب و مستمر در زمینه هوش معنوی و برنامه ریزی های آموزشی در جهت تقویت ارزش های معنوی دانشجویان، در ارتقای عملکرد تحصیلی دانشجویان موثر باشد .

مدل یابی معادلات ساختاری رابطه اخلاق تحصیلی و سلامت معنوی در دانشجویان پزشکی (کرمانشاه، ۱۳۹۸)

مرضیه مرادی - دانشگاه ع. پ. کرمانشاه، محمد امین رضائی - دانشگاه ع. پ. کرمانشاه،

مقدمه : سلامت معنوی جدیدترین بعد سلامت و نیرویی منحصر به فرد است که بین دیگر ابعاد سلامتی انسان از قبیل جسمی، روانی و

اجتماعی ارتباط برقرار می کند. اخلاق تحصیلی به ارزش هایی نظیر صداقت، تکیه بر تلاش شخصی، عدم سو استفاده از زحمات دیگران، رفتار نودوستانه و رعایت منزلت و احترام دیگران اشاره دارد. لذا از آنجایی که دانشجویان در دوران تحصیل به دلایل گوناگون در معرض لغزش های اخلاقی قرار دارند، توجه به تاثیر نقش سلامت معنوی از حیث ممانعت از رفتار های بدمشانه دانشجویان حائز اهمیت است.

روش اجرا: روش تحقیق همبستگی و از نوع مدلیابی معادلات ساختاری بود که بر روی دانشجویان مقطع علوم پایه (ترم های اول تا چهارم) پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ انجام شد. در نهایت بر اساس روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۹۶ نفر در مطالعه شرکت کردند. پس از جمع آوری داده ها، تعداد ۳ پرسشنامه ناقص حذف گردیدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه اخلاق تحصیلی گل پرور و سلامت معنوی پولوتزین و الیسون گردآوری شدند. تجزیه و تحلیل داده ها با نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و Smart_PLS نسخه ۳ صورت گرفت.

یافته ها: ۴۳ درصد از دانشجویان پسر و ۵۷ درصد از آن ها دختر بودند. میانگین و انحراف معیار متغیرهای سلامت معنوی ۲۸، ۱۵±۰.۸۰ و ۷۴، ۱۳±۰.۳۰، ۲۸ به شرح ذکر شده محاسبه گردید. همچنین جهت بررسی رابطه ها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. یافته ها نشان می دهد بین نمره اخلاق تحصیلی و نمره سلامت معنوی همبستگی مثبت وجود دارد ($r_s=0$). (۷۱۵ جهت مثبت رابطه نشان می دهد که با افزایش میزان سلامت معنوی، میزان اخلاق تحصیلی افزایش می یابد. همچنین نتایج معادلات ساختاری نشان داد که سلامت معنوی با $\beta=0.721$ ($t_value=15.331$) با اخلاق تحصیلی، قادر به پیشبینی مدل مربوطه است.

بحث و نتیجه گیری: سلامت معنوی سبب افزایش میزان اخلاق تحصیلی در دانشجویان شد. با توجه به یافته های مطالعه حاضر، وضعیت سلامت معنوی و اخلاق تحصیلی در میان دانشجویان متوسط بود. بنابراین با توجه به نقش مهم سلامت معنوی در پیشبینی اخلاق تحصیلی، نهادهای سازمنا معنویت و تقویت نگرش مذهبی در محیط های آکادمیک توصیه می شود.

کلمات کلیدی: سلامت معنوی، اخلاق، دانشجو.

بررسی کاربردپذیری خود مردم نگاری در محلی سازی زبان آموزی دانشگاهی مبتنی بر ربات های اجتماعی در خاورمیانه

اصغر احتشامی، محمد ستاری - دانشگاه ع. پ. اصفهان، سعید خزائی

مقدمه: امروزه زبان آموزی دانشگاهی با اتصال به حلقه های علوم، فناوری، مهندسی، هنر و ریاضیات به بهره گیری گسترده از ابزارهای متنوع آموزشی، برای تسهیل یاددهی-یادگیری گام برمی دارد. از سوی دیگر، تنوع در طراحی و تولید محتوا و فعالیت های زبان آموزی نوین در دنیا از توازن یکسان برخوردار نیست. به گونه ای که برخی جوامع در اصلاح در حال توسعه ناگزیرند برای به روز ماندن به کاربرد ابداعات آموزشی دیگر کشورها روی آورند. راهبرد خود مردم نگاری با تحلیل از نیازهای جامعه امکان محلی کردن فناوری های زبان آموزی را منطبق با این نیازها فراهم می سازد. ارتباط مستقیم مهارت های زبانی در آموزش عالی پزشکی با توانش در مرتفع کردن نیازهای بهداشتی-درمانی جوامع، لزوم بهینه سازی ابزارهای فناوری زبان آموزی را در بدو کاربرد پررنگ می کند. در زمان شیوع ویروس COVID-۱۹، گستره ی کاربرد ربات های اجتماعی از بافت های زبان آموزی پزشکی به عرصه های درمان افزایش یافت.

روش اجرا: به منظور بررسی کاربردپذیری خود مردم نگاری در محلی کردن پودمان های زبان آموزی مبتنی بر ربات های اجتماعی در آموزش مهارت های درک، در چارچوب نظریه ی ساختارگرایی اجتماعی، این پژوهش طولی با طرح تبیینی متوالی در نیمسال های اول و دوم سال های تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ در بین دانشجویان پسر و دختر فارسی زبان و غیر فارسی زبان کارشناسی علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در بستر نرم افزار ویژه یادگیری دانشگاهی (نوید) و به شکل دور حضوری انجام شد. شرکت کنندگان از بین ۵۰۱ نفر از بین دانشجویان رشته های پرستاری ($n=203$)، مامایی ($n=63$)، اتاق عمل ($n=109$) و هوشبری ($n=126$) که درس انگلیسی با اهداف پزشکی را اخذ کرده بودند با استفاده از طرح آزمایش ها در سطح اطمینان ۹۹٪ و حاشیه ی خطای ۱٪ انتخاب شدند. زبان اول شرکت کنندگان فارسی ($n=411$)، عربی ($n=68$) و اردو ($n=22$) از رده ی سنی ۱۹-۲۲ (میانگین ۶۶=، ۲۰ و انحراف معیار= ۰.۹، ۱) سال بودند. با برگزاری یک پژوهش آزمایشی قبل از فازهای کمی و کیفی، با استفاده از خود مردم نگاری محلی سازی ربات های اجتماعی انجام شد. پس از سنجش سطح درک خواننداری و شنیداری شرکت کنندگان با استفاده از آزمون استاندارد شنیداری، شرکت کنندگان به طور تصادفی به گروه های کوچک چهار نفری تقسیم شدند. فاز کمی با انجام پیمایش نگرش شرکت کنندگان به کاربرد ربات های اجتماعی در زبان آموزی پزشکی آغاز شد. تمرین تعاملی شرکت کنندگان در گروه های چهار نفری با ربات محلی سازی شده قبل از آموزش، امکان برگزاری کلاس های معکوس قبل-خواننداری و شنیداری را فراهم کرد. به این ترتیب، تمرین مبتنی بر ربات با ۱۸ جلسه آموزش و ارزیابی برخط همراه شد. ثبت نمرات درک خواننداری از ۲۰۰۰ در هر جلسه کلاس معکوس امکان سنجش مستمر پیشرفت مهارت درک را فراهم ساخت. در ادامه ی انجام این فاز کمی و به منظور سنجش توانش بینا بافتی شرکت کنندگان، مهارت های درک خواننداری و شنیداری آن ها هر سه جلسه یکبار از سوی اساتید رشته ی تخصصی از طریق آزمون بالینی کوتاه در قالب نمره ی عملکرد سنجش شد. در پایان،

برای انجام فاز کیفی، از بین شرکت‌کنندگان با بالاترین و پایین‌ترین نمره‌ی پیشرفت و عملکرد، هشت نفر با تکمیل رضایت‌نامه در مصاحبه‌ی متمرکز تلفنی شرکت کردند تا برداشت خویش از کلاس‌های معکوس مبتنی بر ربات‌های محلی‌یازی شده را بیان کنند. تحلیل داده‌های گردآوری شده از فاز کمی به شیوه‌ی توصیفی و استنباطی با مدل اثرات آمیخته انجام شد. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان منتخب به مصاحبه در فاز کیفی به شیوه‌ی مضمون-محور تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها از کاربست‌پذیری خود مردم نگاری در فرایند محلی‌سازی ربات‌های اجتماعی برای آموزش مهارت درک انگلیسی با اهداف پزشکی حکایت داشت. نگرش شرکت‌کنندگان هم‌راستا با برداشت مساعد آن‌ها برای نقش‌آفرینی فعال هنگام تعامل جمعی با ربات بر ساختارگرایی اجتماعی کلاس‌های معکوس مبتنی بر ربات محلی سازی شده صحت داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: خود مردم نگاری در محلی‌سازی کردن ربات‌های اجتماعی برای مهارت‌های و خرده مهارت‌های زبان با اهداف پزشکی پیشنهاد می‌شود. در این بین، استفاده از امکان دور حضوری در یاددهی-یادگیری بینا بافتی می‌تواند کاربست‌پذیری ربات‌های اجتماعی در خطاب قرار دادن نیازهای بهداشتی-درمانی جامعه و ارتقای سطح سلامت مردمان را تسهیل کند.

تبیین درک اساتید دکترای آموزش پزشکی درباره تدریس اثر بخش در دوره دکترای تخصصی

حکیمه حضرتی - دانشگاه ع. پ. ایران، هنگامه حبیبی - دانشگاه ع. پ. ارتش، شعله بیگدلی - دانشگاه ع. پ. ایران،

مقدمه: انتظار داریم دانشجویان دوره دکترای چگونه آموزش ببینند؟ مفهوم تدریس اثربخش در این دوره چیست؟ برای پاسخ به این سوالات هدف این مطالعه بررسی دیدگاه‌های اساتید آموزش پزشکی در مورد تدریس اثربخش در دوره دکترای تخصصی می‌باشد و مهمترین سوال مصاحبه ویژگی‌های تدریس اثربخش در این دوره می‌باشد.

روش اجرا: در این مطالعه کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با اساتید آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران و شهید بهشتی جمع‌آوری و به روش تحلیل محتوای قراردادی (مرسوم) تحلیل گردید.

یافته‌ها: براساس تحلیل مصاحبه‌ها، ۶ طبقه کلی؛ فلسفه دوره دکترای تخصصی ("علت وجودی دوره دکترای تخصصی"، "تربیت پژوهشگر نوآور، رسیدن به فضیلت علمی")، ویژگی‌های دوره دکترای تخصصی ("ایجاد جو پرورش تفکر علمی و پژوهشی"، "فراگیران با بلوغ فکری و تجربه علمی")، مفهوم تدریس اثربخش در دوره دکترای تخصصی ("تربیت افراد صاحب نظر در رشته آموزشی"، "آموزش مبتنی

بر توانمندی")، عوامل تسهیل‌کننده تدریس اثر بخش ("پیش‌نیازهای تدریس اثربخش"، "سیستم آموزشی متعهد به رسالت دکترای تخصصی" و "دانشجو متعهد آموزشی - پژوهشی دکترای تخصصی")، عوامل بازدارنده تدریس اثر بخش ("سیستم آموزش ناهنجار"، "دانشجوی دکترای تخصصی خاطی" و "استاد نامتعهد به شرافت آموزشی") و طراحی تدریس مناسب دوره دکترای تخصصی ("توجه به عوامل تاثیر گذار در انتخاب شیوه تدریس"، "طراحی شیوه‌های تدریس تعاملی")

بحث و نتیجه‌گیری: براساس تحلیل دیدگاه‌های اساتید آموزش پزشکی برای تدریس اثربخش در دوره دکترای تخصصی ابتدا باید اساتید با فلسفه و ویژگی‌های این دوره آشنا باشند تا بتوانند دانشجویان توانمند مورد انتظار این دوره را تربیت نمایند. سیستم آموزشی با زمینه سازی مناسب می‌تواند رسالت دوره دکترای را در اساتید دوره دکترای نهادینه کند.

تبیین تجارب اساتید بالینی پزشکی در زمینه ی نهادینه کردن آموزش بین رشته‌ای در مراکز آموزشی درمانی ایران - یک مطالعه کیفی

حکیمه حضرتی - دانشگاه ع. پ. ایران، شعله بیگدلی - دانشگاه ع. پ. ایران، مزگان بهشید.

مقدمه: گشته است که یک تخصص به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی مدیریت درمان بیماریها باشد، بلکه بایستی تیمی از حرفه‌های مختلف علوم سلامت با ارتباطاتی مؤثر، پیوسته و سازمان دهی شده ابعاد مختلف درمان بیمار را پیگیری نمایند. هدف از انجام این مطالعه تبیین تجارب اساتید بالینی از نهادینه کردن آموزش بین‌رشته‌ای در مراکز آموزشی درمانی ایران در یک مطالعه کیفی می‌باشد.

روش اجرا: در این مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوا، درک اساتید بالینی پزشکی از نهادینه کردن آموزش بین‌رشته‌ای در مراکز آموزشی - درمانی تبیین گردید. داده‌ها از مدرسین بالینی و دانشجویان پزشکی از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری گردید و تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد. مصاحبه‌ها به روش تحلیل محتوایی، تحلیل گردید. از نرم افزار MaxQDA ۱۰ برای مدیریت داده‌ها و تحلیل اولیه مصاحبه‌ها استفاده گردید.

یافته‌ها: ۱۵ نفر از اساتید بالینی و مدیران مراکز مطالعات دانشگاهی علوم پزشکی ایران و ۵ نفر از دانشجویان علوم پزشکی در مصاحبه‌ها شرکت کردند. بعد از تحلیل داده‌ها سه طبقه اصلی؛ "نهادینه کردن فرهنگ آموزش بین‌رشته‌ای"، "موانع آموزش بین‌رشته‌ای"، "پیامدهای تخصص‌گرایی" استخراج گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد موانع نگرشی، مشکلات مربوط به کار تیمی و فرهنگ فردگرایی در کشور ایران ریشه دوانده است

بطوریکه نقش اعضای تیم درمان و جایگاه هریک مشخص نیست و هر یک از اعضا با نقش و اهمیت یکدیگر در پروسه درمان آشنا نبوده و مانند حلقه‌های گسیخته زنجیر هر کدام گوشه ای از اقدامات درمانی را انجام می دهند. طراحی موقعیتهایی در کوریکولوم و عرصه های بالینی برای تبادل نظر با اساتید و دانشجویان رشته های مختلف، می تواند به عنوان گامی برای رسیدن به یک مفهوم ارزشی، زبان و درک مشترک و ایجاد نوعی وفاق و همدمی بین رشته‌ها و درک و شناخت بیشتر درمورد وظایف حرفه‌ای سایر رشته‌ها باشد.

کلمات کلیدی: آموزش بین‌رشته‌ای، مراکز آموزشی درمانی - اساتید بالینی - مطالعه کیفی

کارگاه آموزشی خلق ثروت و کارآفرینی در دانشگاه علوم پزشکی: تجربه ای با رویکرد بین رشته ای

قباد رضانی - دانشگاه ع. پ. ایران، محمدیوسف رحیم پور - یوسف محمدپور - لیلا آلیو - اعظم نوروزی - دانشگاه ع. پ. ایران، قدیر پوربایرامیان - دانشگاه ع. پ. ایران، اسحاق مرادی - دانشگاه ع. پ. ایران،

مقدمه: امروزه این اعتقاد وجود دارد که منابع ثروت آفرینی دانشگاه در دانش و مهارت خاص فارغ التحصیلان آن وجود دارد و تناسب این دانش و مهارت با نیاز بازار در نظر گرفته می شود. تأثیر ثروت آفرینی دانشگاه ناشی از این واقعیت است که فارغ التحصیلان مهارت‌های خاص یا دانش تخصصی‌ای به دست می‌آورند که ارزش بازار را هدایت می کند. هدف کلی از برگزاری این کارگاه، آشنایی دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی علوم پزشکی با مفاهیم خلاقیت، کارآفرینی و ثروت آفرینی به روش کارگاه آموزشی با رویکرد بین رشته ای می باشد.

روش اجرا: کارگاه آموزشی خلق ثروت و کارآفرینی ویژه ی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سه روز متوالی با حضور مجموعاً ۶۴ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی رشته های مختلف علوم پزشکی برگزار گردید. شیوه برگزاری کارگاه آموزشی به روشهای Interactive Lecturing، Flipped Classroom و Team based learning بود. در این راستا تیم تخصصی مدیریت آموزشی و آموزش پزشکی با بیان و معرفی مفاهیمی چون کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری، فرایند کارآفرینی و شناسایی فرصت، خلاقیت و راه های افزایش آن و بیان مفهوم ثروت آفرینی در دانشگاه پرداختند. در قالب کار گروهی (گروه های ۸ نفره)، دانشجویان به تمرین فرصت شناسی، کاربست روش های ارتقای هوش مالی، تمرین مهارت های لازم جهت خلق ثروت پرداختند. سپس کارگاه ارزشیابی شده و نتایج و یافته های حاصل، تحلیل گردید.

یافته ها: کارگاه آموزشی مورد ارزشیابی قرار گرفت: بیش از ۵۰ درصد شرکت کنندگان عنوان کردند که نحوه رفتار و تعامل با شرکت کنندگان و تخصص و تسلط بر موضوع در مقایسه با سایر گویه های شاخص

کیفیت مطالب خیلی خوب بوده است. نکته قابل تامل اینکه بیش از ۶۰ درصد شرکت کنندگان در سه روز کارگاه همه ۱۱ گویه شاخص کیفیت مطالب و ارائه شامل کیفیت اسلایدهای آموزشی، تخصیص زمان مناسب به موضوعات، پکیج‌چگی مطالب ارائه شده، نحوه رفتار و تعامل با شرکت کنندگان، تخصص و تسلط بر موضوع، قدرت انتقال مفاهیم، پاسخ دهی مناسب به سوالات، طبقه بندی و نظم در ارائه مطالب، توانایی در جمع بندی و نتیجه گیری و رضایت کلی از مدرس را خوب و خیلی خوب قلمداد کرده اند. بیش از ۹۰ درصد شرکت کنندگان ارزیابی عمومی برنامه را خوب و خیلی خوب توصیف کردند و بیش از ۸۵ درصد آنان از برنامه رضایت کلی داشتند.

بحث و نتیجه گیری: با عنایت به نتایج مثبت این تجربه، ضروری است که آموزش و آگاه سازی در این زمینه در اولویت قرارگیرد. این موضوعات جذاب بوده و می تواند مورد استقبال گروههای زیادی قرارگیرد و بیشتر مقاومت می تواند ناشی از عدم آگاهی در این زمینه باشد. این مطالعه نشان داد، رویکرد بین رشته ای باید جایگاه خود را در دانشگاههای علوم پزشکی باز یابد و بسیاری از مفاهیم لازم است در این قالب آموزش داده شوند. با مدنظر داشتن این مهم که دانشگاههای علوم پزشکی ما در حال حرکت به سمت دانشگاه نسل سوم و ارزش آفرینی هستند، رویکرد بین رشته ای برای تدریس و آموزش انواع مفاهیم ضروری بنظر می رسد.

مفهوم اخلاق حرفه ای در پرستاری از دیدگاه اساتید پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

آرش نجیمی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، نیکو بمانی - زهرآ آموزش - دانشگاه ع. پ. بیرجند،

مقدمه: امروزه معضلات اخلاقی در محیط های مراقبتی و بهداشتی با توجه به تغییرات سریع در تکنولوژی و درگیری های در حال افزایش بین ارزش های شخصی، حرفه ای و سازمانی پیچیده شده و دارای رشد فزاینده ای هستند. دانشجویان پرستاری معمولاً در معرض چنین معضلاتی در تجربیات بالینی مربوط به کوریکولوم آموزشی خود قرار دارند. در نتیجه، مربیان پرستاری با چالش تسهیل توسعه هویت حرفه ای و نیز تضمین رفاه دانشجو و بیمار در طول حل و فصل مناقشات مواجه هستند. بنابراین مسائل اخلاقی باید به عنوان یک نیاز اساسی جدی گرفته شود. از طرفی نیز تحقیقات مختلف بیانگر آنند که هیچ توافقی در مورد تعریف و هدف آموزش اخلاق حرفه ای وجود ندارد. در واقع برای آموزش اخلاق حرفه ای، در قدم اول نیاز به ارائه تعریف جامعی از مفهوم اخلاق حرفه ای وجود دارد. از سوی دیگر، بیشترین رویکرد جامع و کامل برای دستیابی به مفهوم اخلاق حرفه ای، رویکرد کیفی است که در آن شرکت کنندگان تجربیات و دیدگاه خود را به اشتراک می گذارند چنین اطلاعاتی به مدیران کمک می کند تا اخلاق

حرفه ای را ارتقا دهند. این پژوهش کیفی با هدف شناسایی مفهوم اخلاق حرفه ای در پرستاری از دیدگاه اساتید پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۹۶ انجام شد

روش اجرا: در این مطالعه کیفی، مشارکت کنندگان (۸ استاد پرستاری داوطلب شرکت در این مطالعه) به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. داده ها با استفاده از مصاحبه ی رو در رو و عمیق و نیمه ساختار یافته گردآوری شدند. مصاحبه ها تا زمانی که در حین تجزیه و تحلیل و کدگذاری داده ها، اطلاعات جدیدی وجود نداشت ادامه یافت. برای دقت و استحکام داده ها، ۴ ملاک لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) شامل مقبولیت، اعتمادپذیری، تصدیق پذیری و انتقال پذیری مد نظر قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده های کیفی با روش تحلیل محتوای معمول و نرم افزار MAXQDA ۱۰ انجام شد.

یافته ها: یافته های مطالعه منجر به دستیابی به ۷ طبقه فرعی مفهوم اخلاق حرفه ای "ارتباط با بیمار و سایر افراد، مسئولیت پذیری، احترام به دیگران، از خود گذشتگی، رازداری، حقوق بیمار و آگاهی بخشی" گردید.

بحث و نتیجه گیری: با شناسایی مولفه های اخلاق حرفه ای در پرستاری می توان زمینه را جهت برنامه ریزی و تدارک مداخلات اثر بخش به منظور ارتقاء اخلاق حرفه ای پرستاری در محیط های بالینی فراهم آورد.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، پرستاری، تحلیل مفهوم، اساتید

بررسی ارتباط بین شایستگی بالینی پرستاران بیمارستان امام رضا (ع) لارستان و میزان رضایتمندی بیماران از خدمات پرستاری

محمد رضا شفیع - دانشکده ع. پ. لارستان، رویا خلیلی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، آتنه حبیبی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، لیلیا بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، کتایون جلالی - دانشگاه ع. پ. شیراز، مریم امیری نیا - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، مارال استوارفر - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: شایستگی بالینی مفهومی پیچیده و مبهم است که در سالهای گذشته از ابعاد و دیدگاههای گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهشی که در رابطه با فعالیتهای بالینی پرستاران در تهران انجام شد، نشان داد فقط ۷ درصد پرستاران ۳۳ درصد در سطح خوب قرار داشتند. مروری بر متون موجود بیانگر آن، مورد پژوهش در اجرای نقش مراقبتی در سطح عالی و ۳ است که تربیت پرستاران شایسته و در نتیجه حفظ سلامتی افراد جامعه همواره یکی از اصلیترین هدفهای

آموزش پرستاری بوده و پژوهشهای متعددی نیز در این زمینه انجام شده است. بدیهی است اولین قدم جهت ایجاد تغییر و تحول و رسیدن به شرایط مطلوب، ارزیابی و بررسی وضع موجود است تا ضمن شناخت شرایط و موقعیتهای فعلی عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت مراقبتهای پرستاری مشخص شوند و برنامههای لازم برای ایجاد اصلاح و رسیدن به وضع مطلوب تدوین گردد. در ایران نیز ضرورت توجه به موضوع شایستگی بالینی پرستاران در سالهای اخیر بیش از پیش احساس می شود زیرا سازمانهای ارائه دهنده خدمات بهداشتی به دلیل افزایش آگاهی و انتظار جامعه در مورد دریافت خدمات با کیفیت مناسب، ناگزیر به افزایش اثربخشی منابع انسانی خود گردیده اند.

روش اجرا: به منظور بررسی ارتباط بین شایستگی بالینی پرستاران و رضایتمندی بیماران از خدمات پرستاری، تحقیق حاضر با رویکردی کمی و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. ابزار مورد استفاده پرسشنامه رضایت بیمار و پرسشنامه صلاحیت پرستاران است. پرسشنامه رضایت بیماران توسط حاجی نژاد به فارسی ترجمه شده و ۳۲ گویه و ۳ مقیاس فرعی (مراقبت فنی - حرفهای، اعتماد و آموزش به بیمار) دارد. لیو و همکاران در سال ۲۰۰۲ نسخه اولیه ابزار صلاحیت پرستاران را مورد اعتبارسنجی قرار دادند و در نهایت ابزاری با ۲۲ گویه طراحی کردند. جامعه آماری این پژوهش را پرستارانی تشکیل میدهند که حداقل ۳ ماه در یکی از بخشهای بالینی بیمارستان امام رضا (ع) لارستان مشغول به کار بوده و دارای یکی از مدارک کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد پرستاری بوده و حداقل یک شیفت کامل در بخشهای بالینی انجام وظیفه نموده باشند، همچنین بیمارانی که حداقل ۳ روز از خدمات پرستاری بهره مند شده و بین ۵۲ تا ۷۰ سال سن داشته، قادر به برقراری ارتباط کلامی بوده و در آستانه ترخیص بوده و پرستار ارائه دهنده مراقبت از خود را بشناسند. نمونه گیری به صورت تصادفی و به روش در دسترس انجام شد. تعداد ۵۰۰ پرستار برای سنجش میزان مراقبت پرستاری مشخص گردید و به ازای هر پرستار ۳ بیمار وی انتخاب گردیدند. پس از جمعآوری پرسشنامه، با استفاده از آزمونهای مناسب به کمک نرم افزار SPSS به تحلیل دادهها پرداخته شد. تجزیه و تحلیل دادههای این پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی است و در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شد.

یافته ها: میانگین سن پرستاران ۳۰ و بیماران ۷۷ سال بود. ۲۰ درصد از پرستاران و ۷۳ درصد از بیماران مؤنث و ۵۰ درصد از پرستاران و ۲۵ درصد از بیماران مذکر بودند. همه پرستاران دارای مدرک کارشناسی بوده و ۳۳ درصد از بیماران دارای مدرک ۵۳ درصد از، ۳۵ درصد بالا بود. ۳، ۵۲ درصد متوسط و ۷، ۵۲ درصد از پرستاران پایین، ۵، دیپلم به پایین بودند. شایستگی بالینی ۵، ۲۵ درصد کاملاً راضی بودند. آزمون پیرسون رابطه معنیدار، ۳۲ درصد تا حدودی راضی و ۷، بیماران از خدمات پرستاری ناراضی، ۵ و مستقیمی بین شایستگی بالینی پرستاران و رضایتمندی بیماران از خدمات پرستاری را نشان داد. و آزمون کای اسکوئر و آنالیز واریانس نشان دادند بین جنسیت بیمار، سن

بیمار، شغل، مدت زمان بستری، بخش بستری با رضایتمندی رابطه معنی دار وجود دارد و بین جنسیت پرستاران وضعیت تاهل، سن پرستاران، تحصیلات، محل سکونت، وضعیت استخدام و سابقه کار پرستاران و رضایتمندی بیماران از خدمات پرستاری رابطه‌های وجود ندارد. و همچنین آزمون رگرسیون نشان داد که شاخصهای شایستگی بالینی ۲۵ درصد از تغییرات متغیر رضایتمندی بیماران را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه گیری: یافته‌های این تحقیق نشان داد با افزایش شایستگی بالینی پرستاران، کیفیت خدمات پرستاری افزایش یافته و این منجر به افزایش رضایت بیماران شده. بنابراین تربیت پرستاران شایسته و توجه به سطح شایستگی پرستاران در طراحی تیمهای مراقبت پرستاری و چینش آنان در بخشها و نوبتهای کاری مختلف برای افزایش رضایتمندی بیماران و به تبع آن کیفیت مراقبتها ضروری است.

تعیین نگرش کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نسبت به آموزشهای مجازی ضمن خدمت و رابطه آن با ارزیابی اثربخشی آموزش در سال ۱۳۹۷

آسیه شبانکاره - دانشگاه ع. پ. بوشهر، ناهید ظریف صنایعی - دانشگاه ع. پ. شیراز، میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، پریناز تبری - دانشگاه ع. پ. شیراز، وحید یزدانی - محمد نیما یزدانی - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: یکی از مهمترین چالشهای مدیران عصر حاضر در سازمانها عدم استفاده کافی از منابع فکری، توان ذهنی و ظرفیت های بالقوه منابع انسانی موجود است. در اغلب سازمانها از توانایی های کارکنان استفاده بهینه نمی شود و مدیران قادر نیستند ظرفیت بالقوه آنان را بکار گیرند. با کارگیری فناوری اطلاعات و خصوصاً شبکه جهانی اینترنت در آموزش، یکی از راه حل های مناسب برای رفع مشکلات موجود در آموزش به شمار می رود. به دلیل پیشرفت سریع اینترنت به خصوص در سیستم بهداشت و درمان، این نوع آموزش یادگیری و یاددهی را افزایش داده است.

روش اجرا: مطالعه حاضر پژوهشی توصیفی - تحلیلی بود که به صورت مقطعی به تعیین نگرش کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر نسبت به آموزش های مجازی ضمن خدمت و ارزیابی اثربخشی آن از دیدگاه کارکنان در سال ۹۷ پرداخت. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر کلیه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بود که تعداد ۲۱۹ نفر با استفاده از سرشماری انتخاب گردید. به منظور گردآوری داده ها از دو پرسشنامه نگرش به آموزش مجازی و پرسشنامه ارزیابی اثربخشی آموزشی استفاده شد. در این پژوهش روایی صوری پرسشنامه توسط اعضای هیئت علمی گروه آموزش پزشکی مورد تایید قرار گرفت

همچنین پایایی آن از طریق الفای کرونباخ ۰.۸۱ محاسبه گردید. تحلیل آماری های این پژوهش با استفاده از آزمون های تی مستقل، همبستگی پیرسون و تحلیل واریانس یکطرفه انجام گردید.

یافته ها: نتایج حاصل از آزمون همبستگی برای تعیین رابطه میان نگرش کارکنان نسبت به آموزش های مجازی و ارزیابی اثربخشی آموزش نشان داد که میانگین نگرش کارکنان شرکت کننده در دوره های آموزشی ضمن خدمت نسبت به آموزش مجازی در این مقیاس برابر 62.86 ± 6.14 از ۱۰۰ می باشد. میانگین نمره خود ارزیابی کارکنان از میزان اثربخشی دوره های آموزش مجازی نیز 115.4 ± 26.75 از ۱۷۵ بوده است. با توجه به میزان ضریب همبستگی، میان متغیر نگرش کارکنان نسبت به آموزش مجازی ضمن خدمت و ارزیابی آموزش مجازی $r=0.2$ و $p=0.003$ رابطه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی با افزایش نمره نگرش کارکنان نسبت به آموزش مجازی، ارزیابی آنان از اثربخشی آموزش مجازی نیز افزایش می یابد.

بحث و نتیجه گیری: به طور کلی نتایج این مطالعه نشان داد اگرچه نگاه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به آموزش مجازی تاحدودی جنبی و متوجه کارکردهای ضمنی آموزش مجازی بوده است ولی به طور کلی آنان نگرش مثبتی در خصوص استفاده از آموزش مجازی از خود نشان دادند.

ارائه مدل فازی برای تخمین انگیزش تحصیلی با توجه به کیفیت تجارب یادگیری و خودنظم دهی در دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

آرمین الله وردی - دانشگاه ع. پ. مازندران، منصور رنجبر - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: انگیزه پدیده ای است درونی که فرد را از درون به فعالیت واداشته و منبعث از نیازهای فرد است. انگیزه نقش بسیار مهمی را در جهت توضیح علت رفتار، پیش بینی اثرات کارها و هدایت رفتار در جهت دستیابی به هدف ایفاء می کند و به یادگیرنده انرژی داده و فعالی های او را هدایت می کند و سبب پرورش رفتار می شود. یکی از متغیرهای مهم اثرگذار بر انگیزش تحصیلی کیفیت تجارب یادگیری است که در این مطالعه قصد داریم به اثر آن بپردازیم. کیفیت تجارب یادگیری به ادراک دانشجویان از درون دادهای مستقیم و غیرمستقیم گفته می شود که از دانشکده و محل تحصیل خود کسب می کنند. خود نظم دهی یکی دیگر از موارد مهم و ضروری برای یادگیری دانشجویان است. خودنظم دهی تحصیلی به استفاده بهینه از راهبردهای شناختی - فراشناختی - مدیریت منابع برای پیشینه کردن یادگیری اطلاق شده است.

باشد که که معیارهای مهم دیگری نیز در ایجاد و تغییر انگیزش تحصیلی وجود دارند که می بایست در نظر گرفته شوند.

نقش پزشکی روایتی در بهبود مهارت‌های ارتباطی، بازاندیشی و همدلی از دیدگاه دانشجویان پزشکی

پیمان ادیبی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، سعیده دریا زاده - دانشگاه ع. پ. اصفهان، نیکو یمانی -

هدف: پزشکی روایتی به عنوان یک رویکرد آموزش پزشکی میان رشته ای می تواند درک و تعاملات بین پزشکان با بیماران و سایر متخصصان مراقبت های بهداشتی را افزایش دهد. این مطالعه برای تعیین درک دانشجویان پزشکی از برنامه پزشکی روایتی انجام شده است

روش اجرا: در این مطالعه کمی، از یک پرسشنامه برای تعیین درک کارآموزان پزشکی از پزشکی روایتی استفاده کردیم. روایی صوری و محتوایی و پایایی پرسشنامه به زبان فارسی تأیید شد. سه متخصص آموزش پزشکی روایی پرسشنامه را تأیید کردند و پایایی آن با سازگاری درونی و اندازه گیری ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. ۶۹ کارآموز پزشکی با هدف بهبود مهارت های ارتباطی، بازاندیشی و همدلی، به مدت دو ماه در برنامه هفتگی پزشکی روایت شرکت کردند. از آزمون t مستقل برای مقایسه اختلاف نمرات کل دانشجویان با توجه به جنسیت و وضعیت تأهل استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۳ انجام شد و معنیداری آماری در $p < 0.05$ در نظر گرفته شد .

یافته ها: میزان پاسخ به پرسشنامه ۶۵، ۹۵ درصد بود. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰، ۸۷۹، اندازه گیری شد. نتایج نشان داد که دیدگاه دانشجویان پزشکی نسبت به برنامه آموزشی پزشکی روایتی در مجموع مثبت است. بعلاوه، نمرات ادراک دانشجویان از پزشکی روایتی تفاوت معنی داری را از نظر جنسیت نشان داد، اما از نظر وضعیت تأهل معنادار نبود .

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج مثبت گزارش شده از دیدگاه دانشجویان نسبت به برنامه آموزشی پزشکی روایتی به منظور بهبود بازاندیشی، انگیزه شخصی، تعامل انسانی، مهارت‌های ارتباطی و همدلی با بیماران، گنجاندن پزشکی روایتی در برنامه درسی رسمی دوره پزشکی عمومی توصیه می شود .

تجارب دانشجویان پرستاری از تبعیض آموزشی: یک پژوهش کیفی

زهرا هادیان جزئی - دانشگاه ع. پ. اصفهان،

اهداف: تعیین روابط مابین مشخصات مربوط به خودسازماندهی و کیفیت تجرب آموزش با انگیزش تحصیلی با استفاده از یک سیستم تصمیم گیر فازی به نحوی که با استفاده از این مدل بتوان به یک سیستم تخمین گر یا پیش بینی کننده دست یافت که در صورت هر گونه تغییر در هر یک از پارامترهای مربوط به کیفیت تجرب آموزش و خودسازمان دهی، پیش بینی نماید که چه تغییری در انگیزش تحصیلی دانشجویان رخ خواهد داد .

روش اجرا: در این مطالعه ابتدا با استفاده از سه پرسشنامه استاندارد انگیزش تحصیلی والراند که شامل ۲۸ سوال، تجرب یادگیری نیومن که شامل ۱۲ سوال و خودنظم دهی هانگ و اوئل که شامل ۳۳ سوال است، معیارهای انگیزش تحصیلی، تجرب یادگیری و خودنظم دهی در بین ۱۰۰ دانشجو از دانشجویان دانشکده پیراپزشکی محاسبه گردید و برای هر معیار مقادیر میانگین و واریانس محاسبه شد. سپس دو معیار خودنظم دهی و تجرب یادگیری به عنوان ورودی و معیار انگیزش تحصیلی به عنوان خروجی یک سیستم فازی با منطق Sugeno در نظر گرفته شد و با استفاده از این داده ها، این سیستم آموزش داده شد. در این سیستم فازی سه تابع عضویت برای هر ورودی در نظر گرفت که از نوع گوسین بوده و همچنین غیرفازی ساز آن نیز از نوع مرکز ثقل بوده است.

یافته ها: در اولین قدم مقدار میانگین و انحراف معیار، هر کدام از داده های انگیزش تحصیلی، خود نظم دهی و تجرب یادگیری را محاسبه نمودیم تا وضعیت فعلی دانشکده مشخص گردد که این مقادیر در جدول ۱ نمایش داده شده است. جدول ۱. مقادیر میانگین و انحراف معیار داده ها معیار میانگین انحراف معیار انگیزش تحصیلی ۱۴،۹۵ ۷۷،۲۴ خود نظم دهی ۱۶،۳۹ ۹۲،۶۱ تجرب یادگیری ۷،۷۵ ۳۶،۶۱ در مرحله بعد سیستم فازی آموزش داده شد و نتایج قواعد فازی محاسبه شده به صورت یک سطح فازی نمایش داده شد. شکل ۱. رابطه فازی بین انگیزش تحصیلی و خودنظم دهی و تجرب یادگیری.

بحث و نتیجه گیری: از نتایج به دست آمده با استفاده از مدل فازی که در شکل ۱ نمایش داده شده است می توان چند موضوع را برداشت نمود. اولین موضوع نشان می دهد که با افزایش تجرب یادگیری انگیزش تحصیلی می تواند افزایش یابد که این اثر کاملاً مثبت و موثر خواهد بود، بنابراین موسسات آموزشی می بایست منابع را به نحوی مدیریت نمایند که انگیزش تحصیلی دانشجویان به حداکثر میزان خود برسد. دومین موضوع که کمی متفاوت از پیش بینی ها بوده است، اثر معکوس خود نظم دهی بر روی انگیزش تحصیلی می باشد و دیده می شود که با افزایش خود نظم دهی، میزان انگیزش تحصیلی دانشجویان کاهش یافته و به نظر می رسد که در حال حاضر دانشجویان با نظم بالا و خود جهت دهی شده متمایل به خروج از تحصیل و دستیابی به اهداف دیگر هستند. سومین موردی که در این نمودار دیده می شود، نوسانات در این نمودار است که بیانگر این موضوع می تواند

مقدمه: محیط یادگیری زمینه ای است که چگونگی آن می تواند کم و کیف یادگیری افراد را تحت تاثیر قرار دهد؛ زمانی محیط برای یادگیری افراد مهیا است که انسانیت فراگیران به رسمیت شناخته شود و همه عوامل و شرایطی که انسانیت افراد را تهدید می کند از محیط یادگیری حذف شود. یکی از این عوامل وجود عدالت در محیط های آموزشی است؛ به طوریکه اغلب فعالیت های بشر با بی عدالتی، تحت الشعاع قرار گرفته است؛ در محیط های آموزشی و به ویژه در دانشگاه ها وجود شرایط عادلانه و رویت اصول و قواعد عدالت می تواند از طریق انتقال احساس ارزشمندی به دانشجویان، آنها را به رفتارهای مدنی آموزشی متمایل نماید. علاوه بر این، درک وجود عدالت، تردیدها و نگرانی های افراد را در باب تضعیف حقوق و آزادی آنها برطرف می کند. لذا عدالت محور شدن در ساختار و فرایند آموزشی از ضروریات ارتقاء کیفیت آموزشی است. شاید اگر مازلو در قید حیات بود، با توجه به اهمیت عدالت در عصر حاضر، از آن به عنوان یک نیاز آغازین در تئوری سلسله مراتب نیازهای انسان یاد می کرد. لذا مساله عدالت و نقطه مقابل آن تبعیض، از مفاهیمی هستند که سالیان بیشماری در دیسیپلین های مختلف مورد بحث و بررسی قرار داشته اند. با وجود این، تحقیقات مختلف نشان داده اند که دانشجویان پرستاری اغلب به وجود تبعیض آموزشی در محیط های آموزشی اشاره داشته اند. این در حالی است که فرایند اجتماعی شدن دانشجویان پرستاری در تعامل با محیط آموزشی دوران تحصیل شکل گرفته و توسعه می یابد. اگر محیط آموزشی امنیت روانی لازم را برای دانشجویان فراهم نکند طبیعتاً نه تنها یادگیری آن ها بلکه فرایند اجتماعی شدن آن ها نیز دچار چالش هایی می شود که ممکن است هرگز فرصت رفع و بهبود آن وجود نداشته باشد. مقوله عدالت آموزشی در سالهای اخیر کانون توجه بوده و از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و پیرامون مساله بی عدالتی و تبعیض آموزشی بیشترین موارد در خصوص تامین و تخصیص منابع و نابرابری جنسی در برخی از سیستم های آموزشی بوده است اما در عرصه علوم پزشکی و پرستاری کمتر به آن پرداخته شده است. لذا هدف از این تحقیق بررسی تجارب دانشجویان پرستاری از تبعیض آموزشی می باشد.

روش اجرا: از آنجا که هدف از پژوهش حاضر تبیین درک و تجارب دانشجویان پرستاری از تبعیض آموزشی است و این پدیده، پدیده ای ذهنی، با ابعاد نامشخص بوده و وابسته به زمینه شکل گیری خود است شفاف سازی آن نیازمند درک عمیق خواهد بود، از این رو برای پاسخدهی بهتر به پرسش مورد نظر روش شناسی کیفی و از آن میان روش تحلیل محتوا استفاده شد ۱۲. دانشجوی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد از رشته ها و ترم های تحصیلی مختلف (برای اطمینان از داشتن تجربه لازم، نمونه گیری از دانشجویان سال دوم تا چهارم کارشناسی پرستاری صورت گرفت)، و از بین دانشجویان دختر و پسر با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف (متناسب با پژوهش کیفی) انتخاب و مورد مصاحبه های نیمه ساختار یافته قرار گرفتند. کلیه مصاحبه ها مطابق روش تحلیل محتوا آنالیز شد و با استفاده از نرم افزار کمکی MAXQDA (version ۱۰) تحلیل گردید.

یافته ها: طی تحلیل داده ها از بین ۲۸۰ کد، ۴ طبقه اصلی و ۱۲ زیرطبقه پدیدار شد. طبقات استخراج شده شامل: (۱) "نقش نامناسب اساتید پرستاری" با ۳ زیر طبقه (برخورد تبعیض آمیز از سوی اساتید پرستاری، عدم اعتماد به نفس کافی در اساتید پرستاری و انتقال آن به دانشجو، تاثیر مربی در ایجاد انگیزه و یا از بین بردن انگیزه)؛ (۲) "قوانین سختگیرانه" با ۳ زیر طبقه (عدم یکسان بودن رسیدگی و نظارت بر اجرای قوانین در دانشجویان رشته های مختلف، تفاوت در میزان رعایت قوانین و مقررات در دانشجویان رشته های مختلف، زیر ذره بین بودن پرستاری)؛ (۳) "نداشتن استقلال حرفه ای" با ۴ زیر طبقه (نداشتن اتوریته و اقتدار، عدم حمایت پرستاران از یکدیگر، نداشتن جایگاه اجتماعی مناسب رشته پرستاری در جامعه، اتوریته و قدرت بالای پزشکان نسبت به سایر رشته ها) و (۴) "نداشتن حق اعتراض" با ۲ زیر طبقه (نداشتن روحیه انتقادپذیری در استاد، عدم اعتراض پرستار به کار پزشک) بود.

بحث و نتیجه گیری: در صورتیکه در محیط آموزشی، عدم تبعیض احساس شود، زمینه برای رشد و شکوفایی استعداد های افراد فراهم می شود و افراد انگیزه کافی برای تلاش و تکاپو در راستای رسیدن به هدف که همانا در پرستاری تربیت پرستاران حرفه ای و دستیابی به بالاترین کیفیت مراقبت از بیماران است، را خواهند داشت. بنابراین باید اصلاح محیط آموزشی از طریق توجه به از بین بردن تبعیض و ایجاد عدالت مد نظر دست اندرکاران آموزشی قرار گیرد.

تدریس اثربخش راهکاری برای ارتقاء انگیزش تحصیلی دانشجویان پرستاری: یک مطالعه کیفی

مریم سعیدی - دانشکده ع. پ. ساوه،

مقدمه: انگیزش یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده موفقیت تحصیلی است (۱). انگیزش تحصیلی اهمیت زیادی در آموزش پرستاری دارد، زیرا ارائه کیفیت بالای خدمات پرستاری نیاز به دانشجویانی دارد که برای کسب حجم وسیعی از اطلاعات و مهارت ها انگیزه داشته باشند (۲). یکی از مهمترین عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی دانشجویان، کیفیت تدریس است (۳). بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تبیین ویژگی های تدریس اثربخش در ارتقاء انگیزش تحصیلی دانشجویان پرستاری است.

روش اجرا: این مطالعه یک پژوهش کیفی به روش تحلیل محتوا است که در نیمسال اول سال ۹۸-۹۹ انجام شد. داده ها با استفاده از مصاحبه های نیمه ساختار یافته گروهی متمرکز با ۳۵ نفر از دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری ساوه که به روش مبتنی بر هدف انتخاب شدند، گردآوری شد. در مجموع ۴ مصاحبه گروهی متمرکز انجام شد. تعداد مشارکت کنندگان در هر یک از مصاحبه های گروهی متمرکز بین ۸ تا ۱۰ نفر بود. به منظور غنای اطلاعات از مشارکت کنندگان

اساتید در رابطه با بهبود کیفیت تدریس می تواند موجب ارتقاء انگیزش تحصیلی دانشجویان پرستاری شود

روان سنجی ابزار سنجش راهبردهای خودتنظیمی یادگیری زبان دوم در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز-۱۳۹۸

زهرا صفاری - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
ریتا رضایی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
نسرین شکرپور - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
صدیقه مختاریپور - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
رحمت اله عرب زاده - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
مرضیه ده بزرگیان - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،
محمد جعفری - دانشگاه ع. پ. شیراز، ماریا جلالی نژاد -
دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: یادگیری خود تنظیمی به عنوان یکی از راهبردهای غیرذاتی باعث می شود دانشجویان از نظر باورهای فراشناختی، انگیزشی و رفتاری، یادگیری و شناخت خود را سازماندهی کنند. یادگیری خودتنظیمی شامل توانایی فرد در سازماندهی و خود مدیریتی رفتارها، احساسات و توانایی ها جهت رسیدن به اهداف یادگیری موفق است. بنابراین هدف از این مطالعه روان سنجی ابزار سنجش راهبردهای خودتنظیمی در یادگیری زبان دوم در دانشجویان علوم پزشکی شیراز می باشد.

روش اجرا: این مطالعه یک مطالعه توصیفی- تحلیلی است. که روانسنجی پرسشنامه (SRFLLSQ) را مورد بررسی قرار داد. جامعه پژوهش دانشجویان دانشکده پزشکی در سال ۹۸ بودند. تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۲ نفر تخمین زده شد. پرسشنامه (SRFLLSQ) شامل ۳۴ سوال در ۶ بعد می باشد این ابعاد شامل (شناختی، فراشناختی، عاطفی، فرا عاطفی، تعامل اجتماعی و فرهنگی، فرا تعامل - اجتماعی و فرهنگی می باشند). جهت تعیین روایی پرسشنامه در این پژوهش از تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی و روایی سازه استفاده شد و برای پایایی یا قابلیت اعتماد پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد.

یافته ها: نتایج حاصل از اجرای آزمون تحلیل عاملی تاییدی نشان داد بار عاملی تمامی ۳۴ سوال از مجموع سوالات مقدماتی بجز گویه ۲۳ بالاتر از ۰.۵، بوده اند. نتایج پژوهش همچنین نشان داد مقادیر بار عاملی در تحلیل عاملی مرتبه دوم، نیز مطلوب می باشند. و مقدار t متناظر با هر بار عاملی بیشتر از مقدار بحرانی آن (۲.۵۸) در سطح ۰.۰۰۱ معنادار است. مقدار پایایی مرکب برابر با ۰.۹۵۷ می باشد که خود بیانگر همسانی درونی بالای متغیرها است. همچنین مقدار AVE برابر با

متفاوت(دانشجویان ترم های مختلف، معدل و سنین متفاوت و از هر دو جنس) استفاده شد، مدت زمان مصاحبه ها به طور میانگین ۹۰ دقیقه بود. در شروع مصاحبه، محقق اهداف پژوهش را به مشارکت کنندگان بازگو کرده و به آنها اطمینان می داد که صحبت های آنها به صورت محرمانه تحلیل خواهد شد. ضمناً اجازه ضبط صدا از آنها گرفته شد. مصاحبه با یک سوال باز و کلی شروع و سپس در جریان انجام مصاحبه ها تعدیل شد؛ به عنوان نمونه سوالاتی که از دانشجویان پرسیده شد: به نظر شما یک استاد برای ایجاد اشتیاق و انگیزه یادگیری در دانشجویان پرستاری چه باید کند؟ روش تدریس استاد چگونه می تواند موجب ایجاد اشتیاق و علاقه در دانشجویان برای درس خواندن شود؟ تجزیه و تحلیل داده ها به طور مداوم، همزمان با جمع آوری داده ها و به روش تحلیل محتوای قراردادی انجام گردید.

یافته ها: پس از تحلیل محتوای داده های کیفی، ۱۵ زیرطبقه و ۳ طبقه شامل ویژگی های مرتبط با کیفیت روش تدریس، محتوای تدریس و کیفیت ارزشیابی، طبقه بندی شدند. ویژگی های مرتبط با کیفیت روش تدریس شامل ۷ زیرطبقه بود: "ایجاد علاقه و نیاز به یادگیری در دانشجویان"، "گرفتن بازخورد از دانشجویان حین تدریس"، "ارتباط دادن مطالب درسی به موقعیت های بالینی"، "استفاده از روش های تدریس دانشجومحور"، "استفاده از امکانات کمک آموزشی"، "ایجاد جذابیت و تنوع در تدریس" و "استفاده از امکانات آموزش مجازی برای تبادل علمی بین استاد و دانشجو". ویژگی های مرتبط با محتوای تدریس شامل ۵ زیرطبقه بود: "تمرکز محتوای تدریس بر مطالب کاربردی"، "تمرکز محتوای تدریس بر مراقبت های پرستاری"، "محتوای تدریس به زبان ساده و قابل فهم"، "استفاده بهینه از اسلاید" و "معرفی کتاب به عنوان منبع تدریس و عدم وابستگی دانشجویان به جزوه". ویژگی های مربوط به کیفیت ارزشیابی شامل ۳ زیرطبقه بود: "تاکید بر ارزشیابی تکوینی به جای ارزشیابی پایانی"، "رعایت عدالت در ارزشیابی دانشجویان"، "استفاده از روش های ارزشیابی چندگانه". بر اساس نظرات مشارکت کنندگان، تدریس کاربردی و قابل فهم، فعال کردن دانشجو در یادگیری، ایجاد آمادگی در دانشجویان قبل از تدریس و جذاب کردن یادگیری برای دانشجویان موجب ایجاد یادگیری عمیق، پایدار و معنی دار در دانشجویان و ارتقاء انگیزش تحصیلی آنها می شود. از طرف دیگر محدود نکردن ارزشیابی به امتحان پایان ترم، ارزشیابی چندگانه و عادلانه نیز موجب پیشگیری از بی انگیزگی دانشجویان می شود.

بحث و نتیجه گیری: از نظر دانشجویان مشارکت کننده در این پژوهش، یکی از عوامل مهم بر انگیزش تحصیلی دانشجویان، کیفیت تدریس استاد می باشد. تدریس خوب موجب جذب دانشجو به درس و ایجاد علاقه برای پیگیری مطالب می شود. بر اساس نتایج این پژوهش، توجه به کیفیت روش و محتوای تدریس و ارزشیابی در ایجاد انگیزش در دانشجویان پرستاری حائز اهمیت است. بنابراین، توانمندسازی و تشویق

۵۰۸، ۰ گزارش شده که از میزان ۵۰، ۰ بیشتر بوده و در نتیجه روایی همگرای مدل نیز تایید می شود.

بحث و نتیجه گیری: به طور خلاصه نتایج تحلیل عاملی در مطالعه حاضر مشخص کرد، این مقیاس از روایی کافی برخوردار و با شش عامل اشباع شده است. نسخه فارسی پرسشنامه سنجش راهبردهای یادگیری خود تنظیمی زبان دوم یک ابزار با پایایی و روایی بسیار بالا و قابل اعتماد برای سنجش راهبردهای یادگیری خود تنظیمی زبان دوم در میان دستیاران، دانشجویان و کلیه کسانی است که با امر یاددهی-یادگیری زبان دوم ارتباط دارند .

کلمات کلیدی : روان سنجی، راهبردهای خودتنظیمی، یادگیری زبان دوم

رفتار باز خوردجویی در آموزش حرف سلامت: مرور نظام یافته

امین حسینی شاوون - دانشگاه ع. پ. تهران، رقیه گندم کار - دانشگاه ع. پ. تهران.

مقدمه : در دهه گذشته، زمینه تحقیقات آموزش پزشکی بر فراگیران به عنوان جویندگان فعال بازخورد به جای دریافت کنندگان منفعل متمرکز شده است. این مطالعه با هدف مرور نظام یافته رفتار بازخوردجویی در فراگیران آموزش حرف سلامت انجام شده است.

روش اجرا: در این مطالعه نظام یافته، مقالات منتشر شده در بانک‌های اطلاعاتی PubMed، Scopus، Web of Science و (WOS) و EMBASE، با استفاده از کلید واژه‌های-“feedback seeking”، “feedback request” and “sought feedback” از ابتدا تا سپتامبر ۲۰۱۹ مورد جستجو و ارزیابی کیفی قرار گرفتند.

یافته ها: پس از غربالگری ۱۸۰۹ مقاله و با در نظر گرفتن معیارهای ورود (مقالات منتشر شده به زبان انگلیسی) و خروج (مطالعات خارج از حرف سلامت)، در نهایت ۱۶ مطالعه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. مقالات شامل ۳ مطالعه به روش ترکیبی، ۵ مطالعه کمی و ۸ مطالعه کیفی بودند. تجزیه و تحلیل موضوعی، هفت تم مشترک را نشان داد: (۱) عوامل تأثیرگذار بر رفتار بازخوردجویی، (۲) پیامدهای رفتار بازخوردجویی، (۳) اهداف و انگیزه‌های رفتار بازخوردجویی، (۴) روش‌های رفتار بازخوردجویی (کسب اطلاعات)، (۵) منابع رفتار بازخوردجویی، (۶) فرهنگ بازخوردجویی و (۷) باورها و نگرش‌های فراگیران نسبت به بازخوردجویی.

بحث و نتیجه گیری: ارتقای رفتار بازخوردجویی در فراگیران موجب بهبود عملکرد تحصیلی، ایمنی بیمار، اطمینان از مراقبت با کیفیت

بالا و توسعه مهارت حرفه ای آنان می شود. این مطالعه ضمن ارائه تصویری جامع از وضعیت رفتار بازخوردجویی در آموزش حرف سلامت می تواند به عنوان راهنمایی جهت طراحی مداخلات آموزشی برای ارتقای رفتار بازخوردجویی در فراگیران حرف سلامت مفید باشد .

تبیین عوامل موثر بر شکل گیری ارتباط بهینه پزشک و بیمار در دانشگاه علوم پزشکی شیراز بر اساس تجارب بیمار و پزشک

محمدحسن کشاورزی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، سید علی اکبر فقیهی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، سعیده صفایی سیمکانی - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه : ارتباط در جهان امروز کلید و رمز موفقیت در ارائه خدمات است. مردم شاید نتوانند میزان سواد پزشکان را حدس بزنند اما می توانند عواطف و احساسات آنها را درک کنند. باید بین پزشک و بیمار این نکات رعایت شود تا از ایجاد عدم اعتماد احتمالی جلوگیری شود و در نتیجه طبابت موفق برای پزشک و بهبودی و رضایت برای بیمار را در پی داشته باشد. رابطه ایده آل بین پزشک و بیمار کلید اصلی درمان بیماری است، چرا که بیشتر تشخیص های پزشکی و تعلیم های درمانی براساس اطلاعات بدست آمده از مصاحبه است و اساس مصاحبه پزشکی ارتباط است. مطالعات مختصری به تبیین عوامل موثر بر ارتباط پزشک و بیمار پرداخته اند؛ لذا این مطالعه با هدف شفاف سازی عوامل موثر در ارتباط بهینه پزشک و بیمار انجام میگردد. با استناد به مطالعات انجام شده و نقش موثر برقراری ارتباط در تشخیص و درمان و رضایتمندی بیمار، می توان بر اهمیت تبحر دانشجویان پزشکی در زمینه ارتباط پزشک-بیمار و یادگیری مهارتهای ارتباطی پی برد و نیز از آنجائیکه تحقیقاتی که در زمینه ارتباط پزشک-بیمار در ایران انجام شده است، بسیار اندک بوده و بیشتر به صورت کمی می باشد، بر آن شدیم تا عوامل موثر بر شکل گیری ارتباط بهینه پزشک و بیمار را از طریق بررسی پدیده های ذهنی و تجارب پزشکان و بیماران تبیین کنیم .

روش اجرا : این مطالعه، با رویکرد کیفی با روش تحلیل محتوا انجام گرفت. روش جمع آوری از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند، که از نظر انعطاف پذیری و عمیق بودن مناسب پژوهش های کیفی است، استفاده شد. براساس موارد فوق، جامعه منتخب این مطالعه با توجه به هدف اصلی آن، پزشکان، بیماران و همراهان بیمار در درمانگاه امام رضا و مطهری شیراز می باشند. حجم نمونه در مطالعات کیفی قبل از شروع مطالعه قابل محاسبه نیست و تا زمانی که اشباع رخ دهد، نمونه گیری ادامه می یابد. ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه برگ راهنمای مصاحبه نیمه ساختارمند و یادداشت برداری در عرصه بود. مصاحبه نیمه ساختار یافته نیاز به لیستی از سوالات ژرف کاو در ارتباط با یک موضوع مشخص دارد. مصاحبه عمیق معمولاً رایج ترین منبع جمع آوری

داده ها در مطالعه کیفی است. در مطالعه حاضر، همچنین از مشاهده، منابع الکترونیکی و کتابخانه ای برای دریافت اطلاعات مورد نیاز برای مطالعه استفاده شد. روش اجرای مطالعه تهیه راهنمای مصاحبه انجام مصاحبه نیمه ساختارمند با صاحب نظران و ذینفعان تا مرحله اشباع داده ها پیاده سازی مصاحبه و تحلیل محتوا استخراج طبقات. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل محتوا با متد گراهیم استفاده شد. در تحلیل محتوای کیفی، متن به شیوه ای قاعده مند به واحدهای تحلیلی تقسیم شد و با دنبال کردن سوال اصلی یا همان مسئله پژوهش، مقوله ها براساس جنبه های نظری ویژه، تکوین یافت و از طریق حلقه های بازخورد و بازنگری های لازم، تطابق مقوله ها در رابطه با نظریه و شیوه های تحلیل، تضمین شد.

یافته ها: در طی فرآیند تحلیل داده ها، ۳ درون مایه اصلی از داده ها بدست آمد که عبارتند از "برخورد آغازین"، "رفتار تداوم بخش"، "بازدارنده ارتباطی". اولین درون مایه به نام "برخورد آغازین" که شامل ۳ طبقه، معاشرت با بیمار، ارتباط غیر کلامی با بیمار، روحیه فردی پزشک، راشمال می شود. دومین درون مایه رفتار تداوم بخش شامل ۳ طبقه پیروی از الگوی ارتباطی، استمرار ارتباط در طول معاینه، همدلی پزشک با بیمار می باشد. درون مایه سوم بازدارنده های ارتباطی است که شامل ۷ طبقه تصورات ذهنی از پزشک، برخورد غیرحرفه ای پزشک، تأثیر مالی بر ارتباط پزشک و بیمار، احساس برتری پزشکان، ضعف فرهنگی بیماران، مشکلات فردی پزشکان و ضعف چتر حمایتی در سیستم درمان می باشد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه کیفیت فرایند ارتباط بین پزشک و بیمار زمینه ساز پیامدهای زیادی از قبیل نارضایتی بیماران، اثرات نامطلوب در افکار جامعه، کاهش همدلی بین پزشک و بیمار، عدم درمان مطلوب و در نهایت افزایش شکایت از پزشکان می باشد؛ لذا بنابر اهمیت مهارت ارتباطی و به منظور یک طرفه نبودن این آموزش سیاستگذاران باید با بهره گیری از پتانسیل شبکه های اجتماعی و رسانه های جمعی مهارت ارتباط پزشک و بیمار را در جامعه فرهنگ سازی نمایند.

کلمات کلیدی: ارتباط پزشک و بیمار، موانع ارتباطی، روابط موثر

بررسی ویژگیهای روانسنجی پرسشنامه الگوی استفاده از رسانه های اجتماعی در بین دانشجویان پزشکی مقطع بالینی دانشگاه علوم پزشکی شیراز - ۱۳۹۹

سولماز زارع - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، محمدحسن کشاورزی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، محسن فولاد - پرستو عزیز محمدی.

مقدمه: شبکه های اجتماعی امروزه جزء جدایی ناپذیر زندگی اکثر افراد جامعه علی الخصوص دانشجویان هستند و با وجود مزایایی که در زمینه ی آموزش، فعالیت و آگاهی بخشی اجتماعی دارند اما می توانند باعث ایجاد وابستگی شدید در دانشجویان پزشکی که در تعاملات بالینی از این شبکه ها سود می برند شوند از طرفی وابستگی به رسانه های اجتماعی می تواند باعث افت تحصیلی و عدم تمرکز در آن ها شود. بسیار ضروری است که الگو و فراوانی استفاده از رسانه های اجتماعی در دانشجویان پزشکی بررسی شود و با توجه به نتایج حاصل از تحقیقات بستر درستی برای ایجاد فرهنگ سازی و آموزش استفاده ی صحیح از رسانه های اجتماعی برای این گروه تأثیرگذار از جامعه فراهم گردد.

روش اجرا: در این مطالعه ی مقطعی به روان سنجی پرسشنامه از لحاظ پایایی و روایی سازه، صوری و محتوا پرداخته شد. ترجمه و انجام امور مربوط به تطابق فرهنگی پرسشنامه انجام شد و پس از تایید توسط گروه متخصصان، پرسشنامه در گروه هدف توزیع گردید. مشارکت کنندگان شامل ۲۳۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع بالینی بودند که به روش نمونه گیری تصادفی ساده و بر اساس معیار های ورود و بر اساس رضایت شخصی در مطالعه شرکت کردند و ۲۰۵ پرسشنامه از لحاظ آماری قابل بررسی بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و LISREL نسخه ۸،۸ انجام شد.

یافته ها: فرایند تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که افراد شرکت کننده در مطالعه در بالاترین درصد بین ۲ تا ۴ ساعت از شبانه روز را در شبکه های اجتماعی سپری میکنند. در این میان نزدیک به نیمی از دانشجویان تا ۱۵ دقیقه هنگام شرکت در کلاس درس از رسانه های اجتماعی استفاده میکنند و در حین درس خواندن رسانه های اجتماعی را چک می کنند و احساس میکنند که به رسانه های اجتماعی اعتیاد پیدا کرده اند. در این پژوهش روایی و پایایی پرسشنامه از کیفیت بالایی برخوردار بودند.

بحث و نتیجه گیری: جامعه ی مورد مطالعه در این پژوهش ۲۳۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع بالینی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز در تابستان ۱۳۹۹ بودند که از این ۲۳۰ پرسشنامه ی تکمیل شده تعداد ۲۰۵ پرسشنامه از نظر مطالعاتی کارآمد و قابل بررسی بودند. میانگین نمرات معدل دانشجویان ۱۶، ۶۵ ± ۰۴، ۱ بود و کمترین نمره ۱۴ و بیشترین معدل ۲۰ به ثبت رسید. بیشترین فراوانی متغیر گروه های سنی مربوط به ۲۳ تا ۲۵ سال با فراوانی ۱۳۱ نفر (۹، ۶۳ درصد) است، همچنین بیشترین فراوانی متغیر جنسیت مربوط به زنان با فراوانی ۱۲۶ نفر (۵، ۶۱ درصد)، بیشترین فراوانی وضعیت تاهل مربوط به مجرد با فراوانی ۱۴۷ نفر (۷، ۷۱ درصد)، بیشترین مقطع تحصیلی مربوط به اینترن با فراوانی ۱۳۷ نفر (۸، ۶۶ درصد) و تمامی ۲۰۵ نفر دانشجویان از رسانه های اجتماعی استفاده می کردند. برای بررسی نسبت روایی محتوا هریک از سوالات پرسشنامه را به لحاظ میزان ضرورت بررسی کردند و بر اساس جدول لاوشه عباراتی که مقدار CVR آنها بیشتر از ۰، ۶۲ بود معنادار تلقی شد ($p < 0,05$) و آن سوال حفظ شد.

شاخص روایی محتوا (CVI) (در مورد مرتبط بودن هریک از سوالات برای محاسبه شاخص روایی محتوا استفاده می شود.

یافته ها: نتایج بررسی نشان داد که تمامی سوالات دارای شاخص روایی بالاتر از ۰.۷۹، است. این میزان نشان دهنده آن است که سوالات پرسشنامه به بهترین نحوه جهت اندازه گیری محتوا طراحی شده اند. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بدست آمد که ضریب آلفای کلی پرسشنامه برابر با ۰.۸۲۳، است که نشان دهنده پایایی مناسب پرسشنامه است. نسخه فارسی ابزار (پرسشنامه) ارزیابی الگوی استفاده از رسانه های اجتماعی ابزاری روا و پایا جهت سنجش ابعاد مختلف استفاده دانشجویان پزشکی از شبکه های مجازی است. این مطالعه تلاشی برای کمک به درک ما از استفاده ی دانشجویان دانشگاه ها از رسانه های اجتماعی و تاثیرات آن است. رسانه های اجتماعی در میان شرکت کنندگان این مطالعه محبوبیت زیادی دارد و تمام دانشجویان مورد مطالعه حداقل در یکی از شبکه های اجتماعی عضو بوده و فعالیت می کنند. اسکایپ و واتساپ به ترتیب بیشترین میزان استفاده را برای یادگیری و اهداف عمومی در میان دانشجویان مورد مطالعه دارند. بر اساس نتایج پرسشنامه ی این مطالعه مهم ترین کارکرد های شبکه های اجتماعی سرگرم شدن، به روز بودن درباره ی اخبار روز و معاشرت با افراد است.

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان از استفاده ی زیاد از شبکه های اجتماعی در بین دانشجویان پزشکی دارد. با توجه به تهدید ها و فرصت هایی که رسانه های اجتماعی در زمینه ی تحصیلات آکادمیک ایجاد می کنند باید به جای امتناع کردن و رد کردن شبکه های اجتماعی بر اساس محیط و رفتار کاربر بهترین سیاست استفاده را ترویج دهیم.

بررسی تاثیر خودکارآمدی بر میزان اهمالکاری تحصیلی در دانشجویان پزشکی

علی اصغر حیات - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، محمدحسن کشاورزی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، نعیمه کهولت.

مقدمه: اهمالکاری پدیده ای شایع است که بر جنبه های بسیاری از زندگی شخصی و تحصیلی افراد تاثیرگذار است. اهمالکاری تحصیلی بعنوان یک رفتار غیرمنطقی و غالباً مضر است که شیوع زیاد و روندی رو به رشد در بین افراد، بخصوص در دانشجویان دارد. این پدیده، شامل طفره رفتن، تاخیر و به عقب انداختن انجام تکالیف دانشگاهی است که پیامدهای ناخوشایندی را برای فرد به همراه دارد. بنابراین شناسایی عوامل موثر بر اهمالکاری در بین دانشجویان بسیار مهم و ضروری است، بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر خودکارآمدی بر اهمالکاری تحصیلی در بین دانشجویان پزشکی انجام گرفته است.

روش اجرا: تحقیق حاضر یک طرح تحقیق توصیفی همبستگی است. جامعه تحقیق شامل دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز بود که ۳۲۰ دانشجوی پزشکی (از سال اول تا هفت) بصورت در دسترس انتخاب شدند. انتخاب نمونه ها بر اساس فرمول هیر و همکاران (۲۰۱۴) و بر اساس آلفای (۰.۱)، سطح اطمینان (۰.۹۹)، قدرت آزمون (۰.۸۰)، و اندازه اثر (۰.۰۶)، (با استفاده از نرم افزار نمونه گیری Power Sample انتخاب شدند. سرانجام بعد از حذف پرسشنامه های ناقص، ۲۷۱ پرسشنامه معتبر مبنای تحلیل قرار گرفتند. به منظور جمع آوری داده ها از پرسشنامه خودکارآمدی عمومی (چن و همکاران، ۲۰۱۱) استفاده شد. این پرسشنامه دربرگیرنده ۸ گویه در مقیاس لیکرت است. پایایی و روایی این پرسشنامه در ایران تأیید شده است. پرسشنامه دوم، پرسشنامه اهمالکاری والترز (۲۰۰۳) بود که شامل ۵ گویه در مقیاس لیکرت است. پایایی و روایی این پرسشنامه در مطالعات قبلی تأیید شده بود. علاوه بر این، روایی (صوری و محتوایی، همگرا، واگرا) و پایایی (الفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) هر دو پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار Smart PLS^۳، SPSS ۲۱ صورت گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که ۴۸.۳ درصد شرکت کنندگان مرد و ۷.۵۱ درصد زن بودند. یافته ها حاکی از آن بود که خودکارآمدی با اهمال کاری تحصیلی رابطه منفی و معنی داری دارد (۰.۱، $r = -0.06$). همچنین نتایج تحلیل مسیر با رویکرد بوت استراپینگ نشان داد که خودکارآمدی تاثیر منفی و معنادار بر اهمالکاری تحصیلی دارد ($\beta = 0.1$). ($p < 0.001$). جدول ۱. رابطه خودکارآمدی با اهمالکاری تحصیلی متغییر میانگین انحراف استاندارد بتا بوت استراپ همبستگی اهمالکاری تحصیلی ۰.۸۸۲، ۰.۸۸۲، ۰.۱۴۵، ۰.۰۰۲۸، ۰.۳۷۲ - خودکارآمدی ۲.۹۸، ۰.۸۳.

بحث و نتیجه گیری: طبق نظریه خودکارآمدی باور افراد در رابطه با توانایی هایشان به شدت بر انتخاب وظیفه، سطح تلاش و نحوه عملکرد آنها تأثیر می گذارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که خودکارآمدی بالا در دانشجویان پزشکی می تواند موجب کاهش رفتارهای اهمالکارانه تحصیلی آنها شود.

بررسی ارتباط بین سبک های یادگیری و میزان تمرکز در کلاس در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال ۱۳۹۸

سید مسعود حسینی - دانشگاه ع. پ. مشهد، علی عمادزاده - دانشگاه ع. پ. مشهد، محمدرضا آرمات - دانشگاه ع. پ. بجنورد، زهره گریوانی - دانشگاه ع. پ. بجنورد.

مقدمه: عدم تمرکز در کلاس درس یکی از شایع‌ترین مشکلات نظام آموزشی و از عوامل افت تحصیلی و بعضاً مشروط شدن دانشجویان می‌باشد. بنابراین جهت افزایش کیفیت نظام آموزشی، شناسایی عوامل موثر بر میزان تمرکز در کلاس درس ضروری و مهم به‌نظر می‌رسد. دو فاکتور سبک یادگیری و میزان تمرکز در کلاس درس بر روی پیشرفت تحصیلی دانشجویان تاثیر قابل توجهی دارند. این دو متغیر در مطالعات متعدد به‌صورت مجزا و یک‌جانبه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ولی کمتر مطالعه‌ای به بررسی ارتباط این دو متغیر بایکدیگر پرداخته‌اند. بنابراین ما برآن شدیم تا در این پژوهش ارتباط بین سبک یادگیری و میزان تمرکز در کلاس را در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بجنورد مورد بررسی قرار دهیم.

روش اجرا: پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی است، تعداد ۱۴۴ نمونه به‌صورت تصادفی از بین کلیه دانشجویان پرستاری و مامایی مشغول به‌تحصیل در دانشکده پرستاری و مامایی بجنورد انتخاب گردید. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از فرم اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه استاندارد کلب و پرسشنامه تمرکز دانشگاه کالیفرنیا صورت گرفت. با استفاده از پرسشنامه سبک یادگیری کلب، سبک یادگیری دانشجویان تعیین گردید که شامل چهار سبک همگرا، واگرا، جذب‌کننده و انطباق‌یابنده است و برای تعیین نمره تمرکز دانشجویان نیز از پرسشنامه تمرکز بعد از تایید روایی و پایایی، استفاده گردید. پرسشنامه تمرکز شامل ۲۰ عبارت می‌باشد که باید با "بله" و "خیر" پاسخ داده شود. به هر پاسخ "بله" یک نمره داده می‌شود. جمع امتیاز پاسخ‌های "بله" نمره تمرکز دانشجو می‌باشد. نمره ۶-۰ بیانگر این می‌باشد که دانشجو تمرکز خوب و نمره تمرکز ۷-۱۳ بدین معنی است که دانشجو تمرکز متوسطی دارد. اما نمره ۲۰-۱۴ نشان از تمرکز پایین دانشجو سرکلاس درس بوده و نیازمند گذراندن دوره‌هایی جهت افزایش تمرکز می‌باشد. درنهایت نیز داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS ۱۶ گردید و برای تحلیل اهداف مطالعه از آزمون آنالیز واریانس دوطرفه و آزمون One-Way ANOVA و یا معادل ناپارامتریک آن کروسکال والیس استفاده شد. سطح اطمینان $\alpha=0.05$ در آزمون‌های آماری این پژوهش لحاظ گردید.

یافته‌ها: میانگین سنی دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش ۲۱، ۰۱ و میانگین نمره تمرکز دانشجویان مورد مطالعه ۸، ۱۲ می‌باشد. در بین افراد مورد پژوهش از نظر جنسیت ۱۰۰ نفر (۶۹، ۴ درصد) آنان مونث و بقیه مذکر بودند. همچنین از نظر سبک یادگیری، بیشترین آنها (۴۴ نفر یا ۳۰، ۶ درصد) سبک یادگیری جذب‌کننده داشتند و بقیه سبک‌ها به‌ترتیب عبارت بودند از: واگرا (۴۳ نفر یا ۲۹، ۹ درصد)، همگرا (۴۱ نفر یا ۲۸، ۵ درصد) و انطباق‌یابنده (۱۶ نفر یا ۱۱، ۱ درصد). نتایج بدست آمده نشان داد که بین سبک یادگیری و میزان تمرکز در کلاس رابطه معناداری وجود ندارد (P=0.05). همچنین ارتباط معناداری بین سبک یادگیری و میزان تمرکز با متغیرهای زمینه‌ای نظیر سال تحصیلی، جنسیت و رشته تحصیلی وجود نداشت. فقط در

بین دانشجویان سال دوم، افرادی که دارای سبک یادگیری جذب‌کننده بودند، تمرکز بیش‌تری سرکلاس‌های درس داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: طبق نتایج این مطالعه بین سبک یادگیری و میزان تمرکز در کلاس رابطه معناداری وجود ندارد. این یافته با نتایج چند مطالعه مشابه در داخل و خارج از کشور همخوانی دارد. با این‌حال تعداد مطالعات مشابه در داخل کشور خیلی محدود و با ابزاری متفاوت می‌باشد. شاید عوامل دیگری نظیر نوع محتوای مورد آموزش، تکالیف مورد انتظار و نیز محیط یادگیری بر میزان تمرکز دانشجویان موثر باشد. لذا ضرورت دارد که مدرسین و مسئولین آموزشی همچنان به شناسایی و بررسی عوامل موثر بر تمرکز در کلاس در دانشجویان بپردازند. پیشنهاد می‌شود مشابه این مطالعه در سایر مراکز صورت گیرد، تا با مقایسه مطالعات به نتایج دقیق‌تری در مورد ارتباط این دو متغیر با یکدیگر دست یابیم

کلمات کلیدی: تمرکز، سبک یادگیری، دانشجویان پرستاری و مامایی

دیدگاه دانشجویان پرستاران در مورد عوامل موثر بر

اجرای فرایند پرستاری: یک مطالعه کیفی

مریم صدیقتی - دانشگاه ع. پ. گیلان، طاهره مقدس - بدون وابستگی دانشگاهی.

مقدمه: فرایند پرستاری به عنوان استاندارد عملی برای کارپرستاران به شمار می‌رود. این مدل چارچوبی سیستماتیک برای ارزیابی نیازهای بیماران برای ایجاد تصمیم‌گیری بالینی است. مطالعات نشان داده‌اند، هنگامی که مراقبت‌های پرستاری بر مبنای فرایند پرستاری شکل می‌گیرند، کیفیت مراقبت‌های ارائه شده و تأثیر آنها بیشتر و زمان ارائه خدمات کاهش می‌یابد. با وجود اینکه منابع متعدد به مزایا و منافع این روش اشاره نموده‌اند و آموزش آن در دروس پرستاری وجود دارد؛ ولی متأسفانه در سطح تئوری باقیمانده است و کماکان فعالیت‌های پرستاری به صورت سنتی انجام می‌شود. براساس اطلاعات موجود و پژوهش‌های به عمل آمده این روش سیستماتیک در کشور ایران به میزان محدودی و به طور نامناسب در حال اجراست. شواهد نشان می‌دهد، که علاوه بر عدم اجرای صحیح و کامل فرایند پرستاری توسط پرستاران شاغل در بیمارستان‌ها، اجرای این شیوه مراقبتی برای دانشجویان و مربیان پرستاری شاغل در مراکز آموزشی عالی نیز ناشناخته است. امروزه فرایند پرستاری به صورت گسترده‌ای در آموزش به دانشجویان و ارائه خدمات مراقبتی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما تجربه پژوهشگران نشان می‌دهد که دانشجویان با چالش‌های فراوانی در ارتباط با فرایند پرستاری مواجه هستند. باتوجه به اهمیت این موضوع، پژوهشگران برآن شدند تا به بررسی تجارب دانشجویان پرستاری در مورد عوامل موثر بر اجرای فرایند پرستاری بپردازند.

یاددهی و یادگیری

بکارگیری روش تدریس flipped class جهت ارتقا

دانش و رضایت‌مندی دانشجویان

محمد رضا خاکسار - دانشگاه ع. پ. قم، علی ابراز - دانشگاه ع. پ. قم، روح الله صفائی پور - دانشگاه ع. پ. قم.

مقدمه: روش مبتنی بر سخنرانی از دیرباز توسط مدرس به عنوان روش مرسوم در آموزش پزشکی برای یادگیری دانشجویان مطرح بوده است. البته هنوز هم سخنرانی‌های سنتی اصلی‌ترین روش آموزشی در دانشگاه محسوب می‌شود، در حالیکه مورد انتقاد بسیاری از متخصصان آموزش است. در این روش توجه دانشجویان به تدریج کاهش یافته و از مشارکت آنان کاسته می‌شود. در روش معمول سخنرانی روشی ساده، سریع و ارزان برای ارائه موضوعات گسترده در بسیاری از گروه‌های یادگیرنده است اما یافته‌ها حاکی از آن است که چنانچه دانشجویان از افزایش تعامل با همسالان در طول ترم بهره‌مند شده‌اند، علاوه بر اینکه میزان یادگیری آنها افزایش می‌یابد بلکه رضایت تحصیلی در خور توجهی نیز پیدا می‌کنند. پس عدم تعامل دانشجویان با استاد و سایر هم‌کلاسی‌ها، سخنرانی‌های طولانی خسته‌کننده، برقراری ارتباط یک طرفه و فراموش کردن سریع مطالب از معایب روش تدریس معمول است. یک رویکرد ویژه برای افزایش اثر فعالیت‌هایی که به طور سنتی در کلاس انجام می‌شود، به اشتراک گذاشتن محتوای دانش برای دانشجویان قبل از شرکت در کلاس جهت یادگیری اولیه می‌باشد. به دنبال آن و در جلسه تدریس استاد نقش ناظر و هدایت‌کننده بحث را به‌عهده داشته و دانشجویان از حالت غیرفعال و کسل‌کننده در روش سخنرانی مرسوم، به حالت فعال در می‌آید و مهارت خود را در جهت دریافت و انتقال مفاهیم از سایر فراگیرندگان نیز ارتقا می‌بخشد. بنابراین کلاس درس وارونه ایده‌ای است که در روندهای آموزشی دارای استقبال گسترده‌ای بوده است و سبب افزایش دامنه پوشش دانش علمی و رضایت دانشجو از میزان یادگیری می‌گردد.

روش اجرا: در این روش که به صورت مداخله‌ای و یادگیرنده محور طراحی شد، دانشجویان ترم ۶ مهندسی بهداشت حرفه‌ای دانشگاه علوم پزشکی قم شامل ۲ گروه مداخله (گروه کلاس وارونه) و گروه مقایسه (برگزاری کلاس به روش معمول) به صورت تصادفی وارد مطالعه شدند. به منظور تدریس کلاس وارونه درس سم شناسی شغلی به عنوان درسی مشکل انتخاب گردید که اگر خوب تفهیم نگردد، می‌تواند موجب دل‌سردی دانشجویان گردد و چنانچه به خوبی ارائه گردد می‌تواند سبب علاقه مندی دانشجو به این مبحث می‌شود. برای اعضای گروه مداخله، قبل از شروع روش برای افزایش رغبت دانشجویان جلسه توجیهی برای آنها برگزار شد و هدف روش برای آنها بیان شد. در ضمن منابع لازم مطالعاتی به صورت معرفی ویا به صورت الکترونیک به

روش اجرا: این مطالعه از نوع کیفی بود. شرکت‌کنندگان ۱۵ نفر از دانشجویان پرستاری ترم تحصیلی ۶ تا ۸ بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند مورد مصاحبه نیمه ساختار یافته قرار گرفتند. پژوهشگر پس از هماهنگ کردن تلفنی ساعت و مکان مصاحبه با دانشجویان پرستاری، در بیمارستان‌های محل کارآموزی آن‌ها جهت مصاحبه در اتاق استراحت پرستاران در بخش محل کار آنان حضور یافت. قبل از شروع مصاحبه راجع به اهداف پژوهش، علت ضبط صدا، مشارکت داوطلبانه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت مصاحبه‌شوندگان، توضیح داده شد و از شرکت‌کنندگان اجازه شفاهی و کتبی ضبط صدا اخذ گردید. مصاحبه با سؤال باز چه تجربه‌ای از اجرای فرایند پرستاری دارید، شروع شد. همه مصاحبه‌ها به کمک یک دستگاه دیجیتالی ضبط صدا ضبط شد. سپس مصاحبه‌های ضبط شده بر روی کاغذ کلمه به کلمه منتقل گردید و واحد‌های معنایی و کدهای اولیه از متن‌ها استخراج گردید. جهت تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه روش تحلیل محتوای قراردادی با متد گران هیم و لاندمن با کمک نرم افزار MAXQDA استفاده شد.

یافته‌ها: بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، سه طبقه اصلی (آگاهی از فرایند پرستاری، عوامل فردی-مدیریتی و بازتاب‌های فرایند پرستاری) ایجاد شد. برای طبقه آگاهی از فرایند پرستاری زیر گروه‌های توجه به مرحله بررسی و شناخت، تشخیص پرستاری، هدف نویسی و ارزشیابی آشکار شد. برای طبقه عوامل فردی-مدیریتی، زیر گروه‌های عوامل فردی دانشجویان، عوامل فردی بیماران و عوامل مدیریتی ظهور یافت. برای طبقه بازتاب‌های فرایند پرستاری دو زیرگروه عملکرد سیستمیک بر اساس فرایند پرستاری و افزایش تفکر خلاق ایجاد شد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های تحقیق، یکی از مهمترین موانع اجرای فرایند پرستاری، کمبود نیروی پرستار است، به طوری که پرستاران وقت کافی برای استفاده و اجرای این رویکرد سیستماتیک را ندارند. عدم اعتقاد مسئولین بیمارستان‌ها به فرایند پرستاری و عدم حمایت از اجرای فرایند پرستاری نیز از موانع مدیریت محسوب می‌شود که می‌تواند به دلیل عدم آگاهی آنها از اهمیت و تأثیر این روش در بهبود بیماران و بهبود کیفیت مراقبت‌های بهداشتی باشد. از آنجائیکه عوامل مؤثر بر اجرای فرایند پرستاری از دیدگاه دانشجویان پرستاری متفاوت هستند، مریبان پرستاری باید تلاش کنند تا موانع را برطرف کرده و تسهیلاتی را برای ارتقاء اجرای فرایند پرستاری فراهم کنند. در نهایت برنامه‌ریزان آموزش پرستاری در سطح وزارتخانه و روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی و دانشکده‌های پرستاری که هدف اصلی آنها ارتقا سلامت، بهبود وضعیت بیماران، صرفه‌جویی در هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و جلوگیری از بستری طولانی مدت در بیماران است می‌توانند از نتایج این تحقیق استفاده کنند.

کلمات کلیدی: دانشجویان پرستاری، فرایند پرستاری، تحقیق کیفی

دانشجویان گروه مداخله داده شد تا قبل از کلاس درس مشاهده کنند و اشکالات خود را یادداشت نمایند. جهت فراهم کردن زمینه اجرای روش، مدیر گروه بهداشت حرفه ای در جریان اهداف پژوهش و نتایج مورد انتظار تحقیق توسط استاد قرار گرفت و بعد موضوع در گروه مطرح و ضمن اخذ موافقت گروه، همچنین موافقت مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه نیز گرفته شد. در روز تدریس استاد مطابق روش ارائه کلیات را با یک سخنرانی کوتاه انجام داد و پس از آن رفع اشکال و پاسخ به سوالات افراد شرکت کننده انجام شد. البته قبل از برگزاری کلاس یک امتحان کوتاه شامل سوالات چند گزینه ای از مبحث درسی از آنها به عمل آمد که نمره آن در پایان ترم محاسبه شد. برای ارزیابی این روش از پرسشنامه رضایت سنجی محقق ساخته شامل ۱۰ سوال، سئوالات پس از آزمون برای سنجش میزان یادگیری و پرسش نامه ارزیابی میزان انگیزش تحصیلی محقق ساخته شامل ۱۸ سؤال استفاده شد.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که این روش، یادگیری دانشجویان را نسبت به برنامه های تدریس معمول افزایش می دهد به طوریکه میانگین نمرات آزمون گرفته شده در پایان دوره (Post Test) نشان داد شرکت کنندگان در گروه مداخله یا روش کلاس وارونه به طور معنی داری بیش از گروه مقایسه بودند. ($P \leq 0.05$) از طرفی هم میانگین رضایت از برگزاری دوره به طور معنی داری در گروه مداخله بیشتر از گروه مقایسه بود. ($P \leq 0.001$)

بحث و نتیجه گیری: دانشجویان این روش آموزشی را بسیار موثرتر می دانستند بطوریکه نه تنها باعث ارتقا سطح دانش آنها شده بلکه در انگیزه آنان برای ادامه این درس و سایر درسها در طول ترم موثر بوده است. دانشجویان گروه مداخله به طور معنی داری بیشتر از دانشجویانی که به روش معمول آموزش دیده بودند احساس راحتی و آمادگی بیشتر برای آزمونها را داشتند. کاهش میزان صرف وقت جهت مطالعه برای امتحان نهایی توسط دانشجویان کلاس وارونه و توانایی برقراری ارتباط و تعامل سازنده با یکدیگر نیز از نتایج این مطالعه قلمداد می گردد.

کلمات کلیدی: کلاس وارونه، یادگیری فعال، رضایتمندی، سم شناسی شغلی

بررسی میزان پیشرفت تحصیلی، مشارکت و رضایت دانشجویان در روش تدریس یادگیری مبتنی بر تیم و مقایسه آن با روش تدریس سنتی

محمد رضا خاکسار - دانشگاه ع. پ. قم، ذبیح اله قارلی پور - دانشگاه ع. پ. قم، روح الله صفائی پور - دانشگاه ع. پ. قم،

مقدمه: پیشرفت و تغییرات سازنده مستلزم توجه به ابزارها و روش های نوین آموزشی بکار گرفته شده می باشد که می تواند دارای

نتایج قابل توجهی در زمینه رشد رو به افزایش دانش ها و مهارت های علمی باشد. امروزه روند آموزشی در دانشگاههای سراسر جهان به سمت استفاده از شیوه های تدریسی متمایل است که فعالیتهای توأم استاد و دانشجو را شامل شود یعنی هم استاد محور (Teacher centered) باشد و هم دانشجوی محور (Student Centered). یکی از این روش ها، استفاده از یادگیری مبتنی بر تیم (TBL) به عنوان یک استراتژی و چارچوب آموزشی خاص است. یادگیری مبتنی بر تیم، یک استراتژی یادگیری مشترک است که برای ترغیب دانشجویان به یادگیرنده فعال و نه اینکه گیرنده های منفعل اطلاعات باشد، ترسیم شده است. استراتژی های یادگیری مشارکتی عموماً بر پایه این اصل استوار است که دانشجویانی که به عنوان یک تیم منسجم با هم کار می کنند قادر به دستیابی به سطح بالاتری از یادگیری هستند. بنابراین این مطالعه با هدف بررسی میزان پیشرفت تحصیلی، مشارکت و رضایت دانشجویان در روش تدریس یادگیری مبتنی بر تیم و مقایسه آن با تدریس سنتی انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه به صورت نیمه تجربی در دو گروه از دانشجویان درس سم شناسی عمومی کارشناسی پیوسته علوم آزمایشگاهی در دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم انجام شد. ۲ گروه به طور تصادفی انتخاب شدند. در مرحله بعد در جلسه ای با مدیر گروه علوم آزمایشگاهی این موضوع و اهداف آن مطرح گردید و بعد در جلسه گروه علوم پزشکی نیز در جریان انجام این روش آموزشی قرار گرفت. در مرحله اجرایی دانشجویان به گروه های ۴ یا ۵ نفره تقسیم شدند و همراه با آن هر گروه اسمی برای خود انتخاب نمود. همینطور منابع لازم برای مطالعه در اختیار آنها قرار داده شد. در طول برگزاری کلاس مستندات لازم توسط مجری آماده شد و در آغاز کلاس به هر یک از دبیران گروه ها در قالب یک پوشه تحویل داده شد. در طول جلسه آزمون فردی تستی و در مرحله بعد همان آزمون به صورت گروهی اجرا شد و تک تک اعضای تیم روی سئوالات بحث و گفتگو کردند و یک پاسخ را که مورد توافق همه اعضا بود به عنوان پاسخ تیم خود انتخاب کردند. سپس هر گروه به صورت همزمان با سایر گروه ها پاسخ خورد را اعلام می کردند. البته از گروه تدریس مرسوم سنتی نیز توسط همان سئوالات و با همان ساز و کار آزمون به عمل آمد. سپس استاد درس متناسب با مباحث انجام شده قسمتهای مبهم، یا پوشش داده نشده را توضیح داد و بحث تکمیلی انجام شد. در انتهای جلسه تدریس دانشجویان به ارزیابی اعضای تیم خود با استفاده از پرسشنامه ارزشیابی همتایان پرداختند. میزان مشارکت در بحث های گروهی توسط یک پرسشنامه شامل ۱۲ سؤال انجام شد. سپس پرسشنامه طراحی شده رضایت سنجی شامل ده گویه تکمیل گردید که هردو از حیث روایی و پایایی دارای تأییدیه ی توسط خبرگان بود. میزان پیشرفت تحصیلی نیز با مقایسه نمره پایان ترم دانشجویان انجام شد.

یافته ها: مقایسه نمرات حاصله از ارزیابی پایان ترم دانشجویانی که از روش TBL برای آموزش آنها استفاده شد با دانشجویانی که از روش معمول سخنرانی برای آنها استفاده شده، نشان داد که نتایج حاوی تفاوت معنی دار بین نمرات گروه ها بود. ($P \leq 0,001$) میانگین نمره رضایتمندی دانشجویان گروه TBL با دانشجویان گروه تدریس اختلاف معنی داری وجود داشت. ($P \leq 0,05$) البته دانشجویان با معدل پایین نیز در این روش پیشرفت چشمگیری را از خود نشان دادند. نتایج حاصل از پرسش نامه ارزیابی میزان مشارکت دانشجویان در خصوص معیارهای کیفیت یادگیری مبتنی بر تیم نیز نشان داد که درصد قابل توجهی کاملاً موافق و یا موافق بودند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد استفاده از روش تدریس TBL در مقایسه با روش معمول موفقیت بیشتری در تأمین رضایتمندی دانشجویان برخوردار است و میزان یادگیری حاصله از آن نیز با توجه به نمرات آزمون فردی - گروهی و آزمون پایان ترم بیشتر بود. همچنین این روش باعث افزایش مشارکت دانشجویان در کلاس درس شده و شاید به علت تعاملاتی که بین دانشجویان ایجاد میکند، بر ارتقای مهارت‌های ارتباطی دانشجویان مؤثر باشد.

کلمات کلیدی: یادگیری مبتنی بر تیم، یادگیری مشارکتی، رضایتمندی، پیشرفت تحصیلی.

مقایسه آموزش مبتنی بر تیم و سخنرانی بر یادگیری مفاهیم پیچیده درسی دانشجویان پزشکی

ثریا زحمت کش - دانشگاه ع. پ. شیراز، کامران میرزایی - دانشگاه ع. پ. بوشهر.

مقدمه: یادگیری مبتنی بر تیم (TBL) Team Based Learning نوعی راهبرد آموزشی است که با هدف افزایش مهارت دانشجویان در دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری شناختی از طریق به کارگیری دانش فردی در قالب یک تیم اجرا می شود. در این روش، یادگیری به صورت فعال و مشارکتی از طریق تقویت توان پاسخگویی فردی و تیمی، تعامل گروهی و افزایش انگیزش مشارکت در بحث‌های گروهی صورت می گیرد. هدف از این مطالعه مقایسه میزان یادگیری دانشجویان پزشکی در درس اصول اپیدمیولوژی به روش TBL و شیوه سنتی سخنرانی بود. **روش اجرا:** در یک مطالعه به روش نیمه تجربی، کلیه دانشجویان پزشکی (دو گروه) که درس اصول اپیدمیولوژی را در ترم دوم سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ اخذ نموده بودند، شرکت داده شدند (هر گروه ۴۴ نفر). دانشجویان بصورت تصادفی در دو گروه آموزشی سخنرانی و گروه سخنرانی علاوه یادگیری مبتنی بر تیم تقسیم شدند. جهت گروه اول ۱۶ جلسه آموزشی مباحث بهداشت یک به صورت سخنرانی و جهت گروه دوم، هشت جلسه اول مباحث بهداشت یک به صورت سخنرانی و هشت جلسه باقیمانده به روش TBL تدریس شد. آموزش هر دو گروه بر

مبنای سر فصل های واحد صورت گرفت. جهت ارزیابی میزان یادگیری دانشجویان در میان ترم و پایان دوره آموزشی، آزمون به روش MCQ و سئوالات تشریحی (مساله) مشابه و همزمان برگزار گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین نمرات میان ترم (هشت جلسه اول) در دو گروه آموزش TBL و سخنرانی به ترتیب ($1,12 \pm 1,68$) و ($1,35 \pm 1,48$) بود که از نظر آماری تفاوت معنی داری نشان نداد ($P < 0,05$). (value لیکن میانگین نمره آزمون نهایی (هشت جلسه دوم) در گروه آموزشی TBL بصورت معنی داری بالاتر از گروه آموزشی سخنرانی بود (به ترتیب ($1,26 \pm 1,78$) و ($2,46 \pm 2,16$)). p value). همچنین نمره ارزشیابی مدرس از دیدگاه دانشجویان "روه آموزش TBL بصورت معنی داری بالاتر گروه آموزشی سخنرانی بود (p value = 0,04). بین نمره کل دانشجویان و جنسیت آنان رابطه ای مشاهده نشد (P value < 0,05).

بحث و نتیجه گیری: نتایج بیانگر موثرتر بودن بکارگیری روش آموزش مشارکتی در تدریس دانشجویان و بالاتر بودن میزان رضایت دانشجویان از روش تدریس ارائه شده در مقایسه با روش سنتی سخنرانی است. این یافته بر تمایل دانشجویان به یادگیری مشارکتی و فعال در مقایسه با روشهای منفعل و یکسویه سنتی تاکید نمود.

بررسی ارتباط سبک های یادگیری و یادگیری خودراهبر در دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون

فاطمه اسفندمنز - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، محمد صداقت - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، کتابون جلالی - دانشگاه ع. پ. شیراز،

مقدمه: وجود دانش، مهارت و نگرش صحیح یکی از اصول بسیار مهم در آموزش دانش پرستاری است. آمادگی فراگیر برای یادگیری خودراهبر به عنوان میزان برخورداری از نگرش، توانایی های فردی و ویژگی های شخصیتی لازم جهت خود راهبری و یادگیری تعریف شده است. یادگیری خودراهبر فرایندی است که در آن یادگیرندگان مسئولیت برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی یادگیری خود را برعهده دارند و از آنها انتظار می رود که به طور مستقل به منظور نیل به اهداف یادگیری از قبل تعیین شده کار و فعالیت کنند. افراد موضوعات جدید را با سرعت و سطح دشواری متفاوتی یاد می گیرند و یکی از تئوری هایی که اغلب به بهبود اثر بخشی یادگیری کمک می کند، نظریه سبک های یادگیری است. سبک های یادگیری از عوامل مربوط به خصوصیات یادگیرنده و عادات پردازش اطلاعات دریافتی افراد است و یکی از عوامل مؤثر در یادگیری است. با توجه به متفاوت بودن شرایط محیطی های آموزشی در دانشگاه های مختلف و تاثیر آن تفاوت ها بر ویژگی های دانشجویان از

جمله سبک یادگیری و آمادگی یادگیری خود راهبر و اهمیت دوچندان کادر پرستاری و مامایی در سیستم مراقبتی-بهداشتی کشور و نقش آموزش در زمینه این رشته ها، این پژوهش باهدف تعیین ارتباط سبک های یادگیری با آمادگی خود راهبر در یادگیری در دانشجویان پرستاری مقطع کارشناسی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون انجام گردید .

روش اجرا: مطالعه ی حاضر، یک مطالعه ی توصیفی تحلیلی است که با شرکت ۶۱ نفر از دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون در نیمسال اول تحصیلی ۹۹-۹۸ صورت گرفت. دانشجویان پرستاری که ترم اول را گذرانده بودند، جهت شرکت در این پژوهش دعوت شدند. در زمان مناسب که دانشجویان کلاس، کارآموزی و کارورزی نداشتند به دانشجویان مراجعه شد و پس از معرفی خود ارائه توضیحات لازم در مورد علت انجام پژوهش و تاکید بر محرمانه بودن اطلاعات، پرسشنامه ها بین دانشجویان توزیع گردید و توضیحاتی در مورد نحوه پر کردن پرسشنامه ها داده شد، سپس پرسشنامه ها همان روز از دانشجویان جمع آوری گردید. برای گردآوری داده ها، از پرسشنامه های سبک های یادگیری کلب و آمادگی برای یادگیری خودراهبر فیشر استفاده شد. برای تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار)، و آزمون های تی تست، کای دو و ضریب همبستگی استفاده شد .

یافته ها: از مجموع ۶۱ دانشجوی شرکت کننده در این پژوهش ۵۲ نفر زن (۸۵٪) و ۹ نفر (۱۴٪) مرد بودند که با میانگین سنی ۲۰،۳۵ ± ۸۶ سال به صورت تصادفی در این مطالعه شرکت کرده بودند. در مجموع ۴۸ نفر (۷۸٪) سبک یادگیری تک وجهی و ۱۳ نفر (۳۲٪) ۲۱ درصد) سبک های یادگیری چند وجهی را به عنوان سبک غالب ترجیح می دادند. از بین دانشجویانی که سبک یادگیری تک وجهی را ترجیح می دادند، ۲۷ نفر (۴۴٪) دارای سبک شنیداری، ۳ نفر (۳٪) سبک خواندن و نوشتن، ۸ نفر (۱۳٪) سبک جنبشی-حرکتی و یافته ای مبنی بر تمایل دانشجویان به سبک دیداری تک وجهی مشاهده نشد. از بین دانشجویان چند وجهی، ۱۰ نفر (۴۱٪) ۱۶ درصد) دارای سبک یادگیری دو وجهی (Bi-modal)، ۳ نفر (۹٪) ۴ درصد) دارای سبک یادگیری سه وجهی (Tri-modal) بودند. نمره کل یادگیری خودراهبر از لحاظ اولویت بندی سبک های یادگیری معنی دار نبود. ($p\text{-value} > 0.05$)

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان دادند در این مطالعه بیشترین سبک یادگیری در بین این دانشجویان سبک شنیداری است. همچنین نتایج بدست آمده از این پژوهش حاکی از عدم وجود رابطه ی معنادار بین سبک یادگیری و آمادگی برای یادگیری خودراهبر در دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون است. به بیان دیگر یادگیری دانشجویان با سبک های یادگیری متفاوت در آمادگی برای یادگیری خود راهبر آنها تاثیری ندارد. از آنجا که سبک های یادگیری لزوماً ثابت

نبوده و با توجه به شرایط تغییر می کنند، بنابراین استادان و طراحان آموزشی در نظام آموزش پرستاری باید به این نکته توجه کنند که به دلایل گوناگون، از جمله تغییر در محیط یادگیری، موضوعات درسی و بویژه سبک های تدریس، سبک های یادگیری دانشجویان هم تغییر می کند. علاوه بر این از آنجا که میزان خودراهبری دانشجویان رشته پرستاری و مامایی از حد مطلوب فاصله دارد و با نظر به این که لازمه موفقیت در این رشته ها به روز بودن دانش و مهارت ها و خودراهبر بودن آنهاست، لذا به منظور برنامه ریزی و آموزش کارآمد، با توجه به حساسیت های رشته و حرفه، مدنظر قرار دادن برنامه ها و کارگاه های آموزش خودراهبری در این رشته ها توصیه می شود .

کلمات کلیدی: یادگیری خود راهبر، سبک های یادگیری، دانشجویان پرستاری

رضایت سنجی تدریس بافت شناسی عملی به روش بحث گروهی متمرکز همزمان با تدریس مطالب نظری در مقایسه ی با روش تدریس مرسوم

مجید پورانتظاری - دانشگاه ع. پ. یزد، محمد زمانی رارانی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، فرحناز کمالی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، زمین العابدین شریفیان دستجردی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس،

مقدمه: رضایت دانشجویان از اولین شاخصهای موفقیت دوره های آموزشی می باشد. به نظر می رسد آموزش به روش دانشجو محور بتواند منجر به افزایش میزان رضایت مندی دانشجویان، تسریع در امر یادگیری، ایجاد مهارت های حل مسأله و تداوم یادگیری و تفکر انتقادی گردد. تدریس به روش مباحثه، یکی از روش های آموزشی دانشجومحور است. با استفاده از شیوه مباحثه، فراگیران در فعالیت های آموزشی فعالانه شرکت می کنند و مسؤولیت یادگیری را به عهده می گیرند و به آنان فرصت داده می شود تا نظرات و عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند. درس بافت شناسی از دروس پایه پزشکی زیربنای درک مفاهیم پاتولوژی در بالین می باشد. با توجه به بهره وری پایین تدریس کلاسیک بافت شناسی که مبتنی بر تدریس مجزای مفاهیم تئوری و عملی و عدم مشارکت فعال دانشجویان در آموزش است که نمود خود را در عدم تشخیص لام های آسیب شناسی در دوره های بالاتر نشان داده است، این مطالعه برآن بود تا با روش تدریس همزمان مفاهیم تئوری و عملی بافت شناسی با استفاده از مشارکت دانشجویان در تشخیص لام های بافت شناسی به افزایش راندمان و فهم مفاهیم بافت شناسی بپردازد .

روش اجرا: این مطالعه یک مطالعه مداخله ای بود که بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان پزشکی ورودی بهمن ۹۷ انجام پذیرفت که هر دو روش

مرسوم و روش تدریس همزمان مباحث نظری و عملی با استفاده روش بحث گروهی متمرکز را گذرانده اند. در روش مرسوم یک هفته بعد از کلاس نظری کلاس عملی برگزار می شود و ابتدا لام بافت مورد نظر بر روی میکروسکوپ مانیتورینگ نمایش و توضیح داده می شد و پس از آن لام های مشابه بین دانشجویان توزیع می گردید و از آنها خواسته می شد تا پارامترهای ذکر شده در میکروسکوپ مرجع را در لام خود بیابند. در روش تدریس مشارکتی همزمان، ابتدا بحث بافت شناسی به صورت تئوری تدریس شده و بلافاصله لام های متنوع و مختلف از بافت مرتبط با آن مبحث بین دانشجویان توزیع می گردد و به آنها ۳۰ دقیقه زمان داده می شود تا با استفاده از مطالب ارائه شده و تصاویر اطلس و با استفاده از روش بحث گروهی متمرکز به شناسایی لام ها بپردازند. لازم به ذکر است که در این روش چینش میکروسکوپیها از حالت خطی به مدور تغییر پیدا کرده تا دانشجویان بهتر با یکدیگر به تبادل اطلاعات بپردازند. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه رضایت سنجی با شیوه آموزشی توسط فراگیران استفاده شد. برای تعیین رضایتمندی دانشجویان از شیوه تدریس از یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته بر اساس مقیاس پنج گزینه ای لیکرت، شامل ۱۰ سؤال از دو روش تدریس استفاده شد. این پرسشنامه توسط El-seyed و همکاران تهیه شده و روایی و پایایی (روش آلفای کرونباخ) آن تعیین گردیده است. قسمت اول پرسشنامه دربرگیرنده اطلاعات دموگرافیک شامل: جنسیت، سن، تعداد، محل سکونت و بود. داده ها وارد نرم افزار SPSS ویرایش ۲۱ گردید و تجزیه و تحلیل های آماری زیر نظر مشاور آمار انجام شد. داده های حاصل از این پژوهش با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: تعداد شرکت کنندگان در این پژوهش ۴۲ نفر بودند و از این میان کم ترین و بیش ترین سن در میان شرکت کنندگان ۱۹ و ۲۴ سال بود. ۲۵ نفر از شرکت کنندگان خانم (۵۹٫۵٪) و ۱۷ نفر (۴۰٫۵٪) آقا بودند. از این تعداد ۱۰ نفر (۲۳٪) غیر خوابگاهی و ۳۲ نفر (۷۷٪) خوابگاهی بودند. میانگین رضایتمندی دانشجویان برای تدریس به روش مرسوم $18 \pm 3,2$ و برای روش مبتنی بر مباحثه $25,6 \pm 4,8$ بود که از لحاظ آماری معنی دار بود. ($P=0,04$) نتایج حاصل از پرسشنامه نشان داد که زمان لازم برای یادگیری، شفافیت مفاهیم آموزشی، سهولت دریافت پاسخ سوالات، در دسترس بودن مدرس، ایجاد انگیزه ناشی از شیوه ی آموزشی، کیفیت مطالب فراگرفته شده و برآورده شدن انتظارات یادگیری به طرز معنی داری در گروه تدریس مبتنی بر بحث گروهی متمرکز بالاتر است ولی در میزان انرژی و زمان صرف شده معنی دار نمی باشد. نمرات پایانترم دانشجویان در دو گروه آموزش مرسوم و آموزش مباحثه ای نشان داد که میزان یادگیری در گروه مبتنی بر مباحثه به طور معنی داری نسبت به روش تدریس مرسوم بیشتر بود.

بحث: یافته های این تحقیق با یافته های پژوهش صفری و همکاران مشابهت داشت. اسلاوین نشان داد که یادگیری های مشارکتی و مدل های ترکیبی تأثیر بیشتری بر یادگیری مخاطبان دارند

Bourgeois برنامه درسی مبتنی بر گروه های کوچک را باعث اثربخشی زیاد بر تعاملات با بیماران، انجام اقدامات پزشکی، رعایت موارد اخلاقی گزارش کردند.

بحث و نتیجه گیری: به نظر دانشجویان آموزش همزمان مطالب تئوری و عملی همراه با بحث گروهی متمرکز در بخش عملی باعث بهبود یادگیری و ایجاد علاقه نسبت به درس بافت شناسی می گردد.

بررسی تأثیر مهارت های صحیح ارتباط استاد و دانشجو بر یادگیری موثر درس فیزیولوژی در دانشکده علوم پزشکی آبادان

هدا محسن - دانشکده ع. پ. آبادان، فاطمه مقصودی - عصمت رادمنش - دانشکده ع. پ. آبادان، ساجده موسوی اصل - دانشکده ع. پ. آبادان.

مقدمه: مهارت های ارتباطی معلمی نقش مهمی در موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارد. بنابراین لازم است که یک معلم مهارت های ارتباطی خوبی را هنگام تدریس به دانش آموزان اتخاذ کند. معلم خوب به معلمی گفته می شود که در آموزش دانش آموزان برای تعیین اهدافشان و ارائه قطب نمای از ارزشها بهمراه آموزش، نقش تسهیل گر را داشته باشد تا آنها را به سمت هدفشان راهنمایی کند. آموزش خوب باید تشویق شود و گرامی داشته شود. معلم پزشکی فقط یک مربی یا استاد وظیفه نیست. او یک مددکار و راهنما است که در نقشهای مختلف جای می گیرد، همگی در یک زمان. از این رو نقش یک معلم پزشکی فوق العاده است. او یک دوست، وکیل، محرم، راهنما و مربی است. یک معلم پزشکی ایده آل، معلمی است که تأثیر ماندگاری بر جای بگذارد.

هدف: هدف از این مطالعه بررسی تأثیر مهارت های صحیح ارتباط استاد و دانشجو بر یادگیری موثر درس فیزیولوژی در دانشکده علوم پزشکی آبادان بود. این مطالعه جهت آگاهی بخشی به اساتید در امر ارتباط موثر بر یادگیری موثر درس مفید می باشد.

روش اجرا: این پژوهش یک مطالعه توصیفی - مقطعی بود. جامعه پژوهش در این مطالعه ۲۰۰ نفر از دانشجویان دانشکده علوم پزشکی آبادان بودند که در برنامه درسی خود در نیم سال اول تحصیلی ۹۸-۹۹ درس فیزیولوژی را داشتند. ابزار گرد آوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته شامل سه بخش تهیه شد که بخش اول در مورد هدف انجام طرح و نحوه تکمیل پرسشنامه می باشد بخش دوم اطلاعات دموگرافیک دانشجویان را در بر گرفته و بخش سوم شامل ۲۳ سؤال در مورد عوامل موثر در برقراری ارتباط دانشجو با استاد می باشد که با مقیاس رتبه ای پنج نقطه ای لیکرت به صورت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) ارائه شده است. برای تعیین روایی و پایایی پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شد که توسط ۲۰ نفر از اساتید هیات علمی، روایی آن انجام شد. جهت اندازه گیری پایایی

پرسشنامه، در دو نوبت به فاصله ۲ هفته، پرسشنامه میزان مهارت های صحیح ارتباط استاد با دانشجو به دانشجویان داده شد و آلفای کرونباخ ۰٫۷۹ به دست آمد. پرسشنامه ها آنلاین پخش می شود. همچنین پر کردن پرسشنامه برای دانشجویان اختیاری بود و این مساله در ارزشیابی های به عمل آمده از دانشجویان بی تاثیر می باشد پس از جمع آوری اطلاعات و سازمان دهی آن ها، اطلاعات برای تحلیل آماری به نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی انجام شد.

یافته ها: در مطالعه حاضر ۶۹ نفر از دانشجویان دانشکده علوم پزشکی آبادان شرکت کردند. دانشجویان در محدوده سنی ۱۸ تا ۴۴ سال با میانگین و انحراف معیار ۲۱٫۷۴±۳٫۸۲، ۲۱ سال بودند. اغلب شرکت کنندگان (۹۰٪، ۶۰ نفر) مونث بودند. نتایج به دست آمده در خصوص مهارت های صحیح ارتباط استاد و دانشجو که در یادگیری بهتر درس فیزیولوژی بیشترین تاثیرگذاری را داشتند، به ترتیب موارد زیر بالاترین امتیاز را داشتند: تسلط علمی استاد، نحوه ی بیان استاد، احترام به شخصیت دانشجو توسط استاد، به روز بودن استاد، انعطاف پذیری استاد، منانت رفتار استاد، مدیریت مناسب کلاس توسط استاد، اعتماد به نفس بالای استاد، صبور بودن استاد، خوشرویی استاد، علاقمند بودن استاد به تدریس، شوخ طبعی استاد و کمترین امتیاز به ترتیب (از کم به زیاد) به این گزینه ها تعلق گرفت: لجباز بودن استاد، سخت گیری استاد و جدی بودن استاد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه از دید دانشجویان درس فیزیولوژی درس دشواری می باشد پس بهتر است که اساتید مهارت های صحیح ارتباط با دانشجو را جهت تاثیرگذاری بر یادگیری بهتر درس فیزیولوژی سرلوحه کار خویش قرار دهند. از جمله موارد مطالعه شده در این تحقیق شامل: تسلط علمی استاد، نحوه ی بیان استاد، احترام به شخصیت دانشجو توسط استاد، به روز بودن استاد، انعطاف پذیری استاد، منانت رفتار استاد، مدیریت مناسب کلاس توسط استاد، اعتماد به نفس بالای استاد، صبور بودن استاد، خوشرویی استاد، علاقمند بودن استاد به تدریس و شوخ طبعی استاد. درضمن از رفتارهای سختگیرانه، لجباز و جدی بودن بیش از حد در کلاس درس فیزیولوژی پرهیز شود

مقایسه آموزش اصول اخلاق پزشکی به دو روش داستان

کوتاه و آموزش مرسوم در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

حوری موسوی نژاد - دانشگاه ع. پ. شیراز، رویا خلیلی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، پریسا نبیعی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، پروین رضوان دزفولی مرکز تحقیقات آموزش بالینی، - دانشگاه ع. پ. شیراز،

مقدمه: آموزش اخلاق در محیط دانشگاهی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به طوری که سال ها جهت انتخاب یک روش کارآمد، چالش های زیادی موجود است. آموزش به روش داستان کوتاه و طرح چالش های اخلاقی در قالب داستان، روشی نوین در آموزش به شمار می رود به گونه ای که می تواند راهکاری مناسب جهت تسهیل موفقیت در این چالش ها را در دانشجویان پزشکی به وجود آورد. با توجه به اهمیت این موضوع، این مطالعه به بررسی مقایسه آموزش اصول اخلاق پزشکی به دو روش داستان کوتاه و آموزش مرسوم در دانشگاه علوم پزشکی شیراز پرداخته است.

روش اجرا: این مطالعه تجربی با نمونه گیری تصادفی با همکاری ۱۴۰ دانشجوی پزشکی در دو گروه کلاس درسی مداخله (۷۰ نفر) و گروه کنترل (۷۰ نفر) با آموزش به روش مرسوم انجام شد. داده ها براساس ابزار سه بخشی پژوهشگری آماده و جمع آوری گشت که بخش اول مربوط به اطلاعات دموگرافیک نمونه ها، بخش دوم مقیاس اندازه گیری مهارت دانشجویان و بخش آخر بررسی رضایت یادگیری دانشجویان بود. تجزیه و تحلیل داده ها به وسیله نرم افزار SPSS ۱۸ و با استفاده از آزمون های آماری توصیفی و استنباطی انجام گشت.

یافته ها: براساس یافته های بدست آمده، میانگین نمره مهارت تشخیص اخلاق پزشکی در گروه آموزش، براساس روش داستان کوتاه بیشتر از گروه کنترل بود. همچنین نتایج آزمون قبل و بعد از آموزش برای هر دو گروه تفاوت معنادار داشت ($P < 0.005$). از دیگر نتایج این مطالعه، رضایت بیشتر گروه مداخله (۸۴٪) از روش آموزش داستان کوتاه نسبت به گروه کنترل بود.

بحث و نتیجه گیری: براساس نتایج به دست آمده روش داستان کوتاه به نحو موثری بر نحوه یادگیری و رعایت اصول اخلاق پزشکی تاثیر گذار بود و دانشجویان از این شیوه آموزشی، به طور جدی حمایت نمودند. بنابراین به نظر می رسد با توجه به نتایج موثر این شیوه آموزشی، استفاده از آن در موضوعات دیگر درسی و گروه های آموزشی دیگر توسط اساتید دانشگاه کارا و ضروری است.

بررسی رابطه جهت گیری هدف و راهبرد حل مسئله در

دانشجویان پرستاری

ریتا رضایی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، فاطمه اسفندمنز - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، لیلا برفی زاده - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، محمد صدقات - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، کتایون جلالی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: امروزه مهارت های حل مسئله در بالاترین سطح شناختی انسان قرار دارند و از ارزشمند ترین اهداف تربیتی و آموزشی به حساب می آید. فراگیران با بهره جستن از آموزش مهارت های حل مسئله و

مراحل آن نکات مهم مربوط به نحوه برخورد با مشکل از جمله تعموق و تامل پیرامون مساله، تعريف مشکل، بازشناسی مشکل، در نظر گرفتن راه حل های مختلف و متعدد و انتخاب بهترین راه حل را می آموزند. مهارت حل مسئله به عنوان فرآیندی تعريف می شود که در آن فرد به دنبال غلبه بر موانعی است که هنگام تلاش برای حل مشکلات یا در جهت دستیابی به هدف، با آنها روبرو می شود. مطالعات نشان می دهد که اهداف و انگیزه ها جزء ضروری مهارت حل مسئله هستند. هرچه انگیزه فراگیران بالاتر باشد، وقت بیشتری را صرف حل موثر مسئله خواهند کرد. یکی از موضوعات مهم در حوزه انگیزش و یادگیری نقش جهت گیری هدف یا اهداف پیشرفت است. جهت گیری هدف از مؤثرترین رویکردها در انگیزش است و تلویحات انگیزشی مهمی در یادگیری و عملکرد دارد. جهت گیری هدف، شیوه ناخودآگاه برخورد فرد با یک تکلیف یادگیری شناخته شده است. الگویی یکپارچه از باورها، اسناد و عواطف فرد که سبب می شود او به شیوه های مختلف به موقعیت ها گرایش پیدا کند، در آن زمینه به فعالیت پردازد و نهایتاً پاسخی را ارائه دهد. از آنجا که دانشجویان پرستاری با تنش ها و مشکلات بسیاری روبرو هستند که عدم سازگاری با این تنش ها ممکن است منجر به عدم موفقیت و ناکامی و یا انصراف از تحصیل شود و بطور قطع این پیامدها کمیت و کیفیت پرستاری را تحت تأثیر قرار می دهد؛ رویارویی با این تنش ها، اداره کردن خود و دیگران و کنترل محیط بسیار پیچیده آموزش بالینی، بستگی به انگیزه، ویژگی های شخصیتی و توانایی آنها در مهارت های حل مسئله دارد. در بالین، مشکلات بیماران به طور ثابت وجود دارند، در حالی که بسیاری از دانشجویان پرستاری وارد محیط بالین می شوند، بدون این که بتوانند مشکل را بشناسند و برای حل آن، طرح ریزی کنند. به دلیل اهمیت جهت گیری هدف در انگیزه و پیشرفت علمی و عملی دانشجویان و همچنین لزوم کسب مهارت حل مسئله در دانشجویان پرستاری، این مطالعه به بررسی رابطه ی بین جهت گیری هدف با مهارت حل مسئله در دانشجویان پرستاری می پردازد .

روش اجرا: پژوهش حاضر، از نوع توصیفی - تحلیلی است. جامعه این پژوهش را ۲۳۲ نفر از دانشجویان پرستاری تشکیل داده اند. با توجه به قوانین فاصله گذاری اجتماعی در زمان همه گیری بیماری کرونا در کشور، جهت نمونه گیری پرسشنامه ها در سامانه اینترنتی پرسلاين بارگزاری گردید و بین دانشجویان به صورت اینترنتی به اشتراک گذاشته شد. تعداد ۴۹۸ دانشجو به این پرسشنامه مراجعه کردند که در بین تعداد ۲۳۲ دانشجو به صورت تصادفی به این پرسشنامه تا مرحله آخر پاسخ داده و و درصد پاسخگویی نهایی براساس معیار های سامانه مذکور ۷۰ درصد بود. در این پژوهش از دو پرسشنامه به عنوان ابزار پژوهش استفاده شد، پرسشنامه هدف گرایی تحصیلی که توسط بوفارد و همکاران (۱۹۹۸) تهیه شده و نوع هدفی که فرد در موقعیت های تحصیلی برای خود بر می گزیند را ارزیابی می کند و پرسشنامه راهبردهای حل مسئله که توسط کسیدی همکارش (۱۹۹۶) تدوین شده و راهبردهای مختلف حل مسئله را می سنجد. تجزیه و تحلیل داده های

حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم افزار آماري SPSS-۲۴ در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شد .

یافته ها: پژوهش نشان داد از ۲۳۲ دانشجو با میانگین سنی ۲۳،۶۷ (انحراف معیار: ۴،۰۸)، ۱۶۴ نفر (۷۰،۷ درصد) زن و ۶۸ (۲۹،۳ درصد) مرد بودند. میانگین و انحراف معیار نمره ی هدف گرایی تحصیلی (۸۵،۱۰±۶۸،۸۵) و راهبردهای حل مسئله (۱۴،۳±۷۵) بود. همچنین ضریب همبستگی پیرسون، ارتباط معنی داری را بین نمره هدف گرایی تحصیلی و راهبردهای حل مسئله نشان داد. (p-value<۰،۰۵)

بحث و نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که بین هدف گرایی تحصیلی و راهبردهای حل مسئله دانشجویان پرستاری مورد مطالعه ارتباط معناداری وجود دارد؛ لذا با توجه ماهیت مسئله محور رشته پرستاری و نیاز مداوم به ارتقا و افزایش سطح علمی و با وجود تحقیقات اندکی که در زمینه ارتباط جهت گیری اهداف و راهبردهای حل مسئله و عوامل مؤثر بر آن در دانشجویان پرستاری در ایران انجام گرفته است، نیاز به انجام پژوهش های بیشتر در این زمینه احساس می شود تا با در نظر گرفتن این مهارت ها در ارزشیابی و برنامه ریزی های درسی گامی مهم در این زمینه برداشته شود.

کلمات کلیدی: جهت گیری هدف، راهبرد حل مسئله، دانشجویان پرستاری

استفاده از راهبرد ارائه همزمان محتوای تئوری و عملی آناتومی در یادگیری آن از دیدگاه دانشجویان پزشکی:

یک مطالعه اقدام پژوهی

فرحناز کمالی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، ساناز هادی زاده عصار - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، مهرنوش شیبانی فر - دانشگاه ع. پ. بندرعباس،

مقدمه: آناتومی (علوم تشریحی) یکی از پیچیده ترین دروس علوم پایه ی پزشکی است که دانشجویان از ترم اول تا چهارم (قبل از آزمون علوم پایه) بطور گسترده و مستمر با آموزش و چالشهای خاص آن روبرو هستند. از آنجا که این درس شامل دو بخش تئوری و عملی است و آموزش عملی نقش مهمی در فرایند یادگیری و تثبیت نکات کلیدی در ذهن فراگیر دارد، در کنار چالشها و محدودیتهای آموزش مجازی فرصتی فراهم شد تا برای اولین بار دانشجویان پزشکی یادگیری این دو بخش را به صورت همزمان تجربه کنند که خود یکی از نقاط قوت آموزش مجازی محسوب می شود. انتظار می رود راهبرد کاهش فاصله زمانی بین ارائه مطالب تئوری و عملی تأثیر بسزایی در ارتقای سطح آموزشی این درس داشته باشد. هدف از این مطالعه کاربرد این راهبرد و سنجش تاثیر آن از نظر دانشجویان بود .

روش اجرا: این پژوهش یک مطالعه اقدام پژوهی بود که در دو گروه از دانشجویان دانشکده پزشکی بندرعباس انجام شد. با توجه به سابقه پژوهشگر در تدریس علوم تشریحی، برای رشته پزشکی و مشکلات یادگیری دانشجویان در این درس به دلیل پیچیده بودن و فرار بودن محتوا، و با توجه به بروز پاندمی کرونا و عدم امکان تدریس حضوری و کاربرد مولاژها و سایر وسایل کمک آموزشی، گروه تحقیق تصمیم گرفتند مداخله ای انجام دهند. لذا جهت کلیه دانشجویان پزشکی ورودی مهرماه ۹۸ محتوای تئوری و عملی دو درس علوم تشریحی اداری - تناسلی و علوم تشریحی اسکلتی - عضلانی (اندام تحتانی)، تهیه و برای اولین بار بطور همزمان در سامانه نوید بارگذاری شد. سپس برای سنجش نگرش و میزان رضایت دانشجویان هر دو گروه، پرسشنامه محقق ساخته‌ای استفاده شد. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۰ گویه بود که ابعاد مختلف یادگیری را مورد بررسی قرار می داد. برای سنجش نظرات و نگرش دانشجویان از مقیاس لیکرت ۴ سطحی شامل ۰ تا ۲۰، ۲۰ تا ۵۰، ۵۰ تا ۸۰ و ۸۰ تا ۱۰۰ درصد استفاده شد. پرسشنامه اولیه، با مرور متون و نظر متخصص آناتومی و آموزش پزشکی تدوین شد، برای تأمین روایی محتوایی، با استفاده از نظر متخصصان آموزش پزشکی، CVR و CVI محاسبه شد. میانگین CVI کل گویه‌ها ۰.۹۴ شد که چون بالاتر از ۰.۷۹ بود روایی محتوایی مقیاس مورد تأیید قرار گرفت. همه گویه‌ها دارای CVR مناسب بودند. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰.۸۸ محاسبه شد. برای گردآوری داده‌ها، در پایان دوره پرسشنامه آنلاین در اختیار دانشجویان قرار گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه داده‌ها جمع بندی و توسط نرم افزار SPSS ۲۵ مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج حاصل از مطالعه نشان داد که از بین کلیه دانشجویان حاضر در دو کلاس، ۱۰۸ نفر سوالات پرسشنامه را پاسخ دادند ۹۷ درصد دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بوده و برای اولین بار این واحدهای درسی را گرفته بودند. در این مطالعه بیش از ۸۰ درصد دانشجویان معتقد بودند که تدریس کاملاً بر اساس اهداف درس انجام شده است. از دیدگاه بیش از ۶۷ درصد دانشجویان، این روش می تواند درک و تحلیل مطالب را بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد راحتتر نماید و در بیش از ۵۶ درصد موارد رسیدن به اهداف آموزشی را افزایش دهد. همچنین از نظر بیش از ۶۱ درصد دانشجویان، این راهبرد باعث ارتقای سطح یادگیری آنها، می گردد و ۶۲ درصد دانشجویان معتقد بودند که این روش تدریس باعث کمک به تثبیت نکات کاربردی در ذهن دانشجویان می شود. این درحالیست که کمتر از ۳۷ درصد دانشجویان اعتقاد داشتند که این روش توانسته است در آنها ایجاد انگیزه نماید. از نظر ۵۱ درصد دانشجویان این روش باعث ایجاد انسجام در یادگیری آنان می گردد. تقریباً ۴۲ درصد دانشجویان اعتقاد داشتند که جنبه‌های حفظی این درس کاهش یافته و بر ماهیت تفهیمی و استدلالی آن تأکید شده است. بیش از ۵۳ درصد آنها معتقد بودند که استفاده از این راهبرد باعث ماندگاری مطالب برای آنها شده است، ولی کمتر از ۳۵ درصد

دانشجویان معتقد بودند که باعث کاهش نگرانی و استرس ناشی از شرایط خاص آموزش مجازی می گردد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مداخله انجام شده در این چرخه از مطالعه اقدام پژوهی، نشان داد همزمانی ارائه ی مباحث تئوری و عملی از نظر دانشجویان، تقریباً می تواند به بسیاری از جنبه های یادگیری از قبیل درک و تحلیل مطالب، رسیدن به اهداف آموزشی، تثبیت نکات کاربردی و ماندگاری بیشتر مطالب کمک نماید. ولیکن به انگیزه یادگیری و کاهش استرس دانشجویان برای شرکت در آزمون کمک کمتری می نماید لذا ضروری به نظر می رسد، برای تأمین این دو هدف از راهبردهای دیگری از قبیل یادگیری مشارکتی و دانشجو محور و ارزیابی های تکوینی در چرخه های بعدی اقدام پژوهی استفاده گردد.

بررسی سبک های یادگیری و نگرش دانشجویان پرستاری به آموزش مجازی در دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

سیده سارا رضازاده شجاعی - دانشگاه ع. پ. مشهد، آرزو فرج پور - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، یلدا اثمیری سعادتآباد - دانشگاه ع. پ. مشهد، فاطمه سادات فتاحی معصوم - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی،

مقدمه: یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر یادگیری دانشجویان، سبک یادگیری آنهاست. توجه به سبک یادگیری در آموزش پرستاری اهمیت بسیاری دارد؛ چراکه مأموریت اصلی آموزش پرستاری، تربیت پرستاران توانمند و شایسته ای است که دانش، نگرش و مهارت لازم را برای ارتقای سلامت جامعه داشته باشند.

روش اجرا: این مطالعه یک پژوهش توصیفی-تحلیلی است و با شرکت ۹۶ دانشجوی رشته ی پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در نیم سال اول تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ انجام شد. دانشجویانی که از آموزش مجازی استفاده نمی کردند یا مرخصی گرفته بودند از نمونه پژوهش حذف شدند. نمونه های پژوهش بطور تصادفی ساده انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. اطلاعات نمونه ها با استفاده از پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه استاندارد سبک های یادگیری «VARK» و پرسشنامه نگرش به آموزش مجازی، جمع آوری گردید. روایی و پایایی پرسشنامه ها در مطالعات مختلف تأیید شده است. برای تحلیل نتایج از نرم افزار SPSS ۲۶ و روشهای آماری توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و تحلیلی (آزمون t مستقل، تحلیل واریانس) استفاده گردید و $(p < 0.05)$ ، $t = 0.23$ ، $p = 0.8$ جدول ۱- مقایسه میانگین و انحراف معیار انواع سبک های یادگیری از نظر دانشجویان پرستاری سبک یادگیری میانگین و انحراف معیار درصد دیداری ۱۴، ۹±۲۱، ۱، ۲۲، ۲۳ شنیداری ۱۲، ۹±۱۹، ۵، ۲۰، ۵ خواندنی-نوشتنی ۱۶، ۸±۲۰، ۲۱، ۲۹ جنبشی-حرکتی ۱۱، ۷±۱۱، ۶، ۱۲، ۹۴، ۵۷ ترکیبی ۱۰، ۳±۲۲، ۱۸، ۲۳، ۳۴ همچنین نتایج مطالعه نشان داد که در آموزش مجازی دانشگاه ۱، ۶۱٪ (۵۹) از دانشجویان میزان یادگیری آنها کمتر از ۵۰٪

می باشد و ۶۵،۶٪ (۶۳) از دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به استفاده از آموزش مجازی به عنوان شیوه کامل تدریس نداشتند. ۷۰،۸٪ (۶۸) از دانشجویان سرعت نامناسب اینترنت و قطع و وصل شدن کلاس را از معایب آموزش مجازی می دانستند. همچنین در این مطالعه نظرات دانشجویان درباره بهبود آموزش مجازی بررسی شد. از ۹۵ دانشجوی، ۹۵،۲۳٪ (۲۳) جایگزین کردن سامانه دیگری به جای adobe connect، ۱۲،۵٪ (۱۲) استفاده از فایل و ویدئو تدریس به صورت افلاین، ۲۰،۸٪ (۲۰) دانشجوی برطرف کردن مشکلات اینترنتی نظیر افزایش باند و تخصیص اینترنت رایگان با سرعت مناسب برای دانشجویان و ۴،۲۶٪ (۴) (۲۵) دانشجوی برگزاری آزمون و پرسش و پاسخ در هر جلسه را برای ارتقا آموزش مجازی مناسب دانستند. همچنین بین تاهل و شهر سکونت و رضایت از آموزش مجازی ارتباط معناداری وجود داشت ($P < 0,05$) و ۴۵،۴٪ (۵) از دانشجویان متاهل و ۶۶،۶٪ (۴) از دانشجویان غیر بومی مشهد علاقه مند به برگزاری کلاس ها به صورت مجازی بودند.

بحث و نتیجه گیری: آگاهی از ماهیت سبک یادگیری فراگیران به مدرسین کمک می کند روشهای آموزشی خود را در آموزش مجازی متناسب با سبک یادگیری دانشجویان تغییر داده و موجب افزایش بازده آموزشی گردند. بر اساس آنکه سبک غالب یادگیری در دانشجویان مورد مطالعه به ترتیب ترکیبی، دیداری، خواندنی-نوشتنی، شنیداری و جنبشی-حرکتی بود، انتخاب روش تدریس و یاددهی به فراگیران متناسب با سبک یادگیری آنان می تواند در پیشرفت تحصیلی آنها در آموزش مجازی تأثیرگذار باشد.

کلمات کلیدی: سبکهای یادگیری، پرسشنامه وارک، دانشجویان پرستاری، رضایت از آموزش مجازی.

فاکتورهای تأثیر گذار در اثر بخشی تدریس اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز

حوری موسوی نژاد - دانشگاه ع. پ. شیراز، پریسا نیینی - دانشگاه ع. پ. شیراز، میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز،

مقدمه: آموزش اثربخشی از ده های گذشته به عنوان یکی از موضوعات پر اهمیت در حوزه آموزش دانشگاهی و به صورت اختصاصی در آموزش پزشکی به دلیل فضای تدریس و اهمیت آن در تربیت نیروی انسانی کارآمد و پزشکان متعهد مورد توجه بوده است. بنابراین این مطالعه به بررسی فاکتورهای اثر گذار در کیفیت تدریس اساتید پرداخته است.

روش اجرا: این مطالعه از نوع کمی و به صورت مقطعی و توصیفی و تحلیلی بود جامعه مورد پژوهش در این مطالعه دانشجویان پزشکی عمومی دانشگاه بود که به روش تصادفی و براساس لیست اعداد تصادفی،

با نظر مشاور محترم آماری ۱۰۰ نفر از آنها جهت ورود به مطالعه انتخاب شدند. پرسشنامه مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه آراسته و همکاران (۱۲۸۲) با ۲۸ متغیر در طیف لیکرت بود که پایایی درونی آن براساس آلفای کرونباخ ۰،۷۵۱، و روایی آن توسط اساتید گروه آموزش پزشکی مورد تأیید قرار گرفت. پرسشنامه ها با توجه به شرایط موجود به صورت پست الکترونیک به شرکت کنندگان ارسال گردید و پس از انجام جمع آوری، با استفاده از نرم افزار SPSS۱۸ و آمارهای توصیفی و تحلیلی عاملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: یافته های بدست آمده از مطالعه حاکی از آن بود که ۵۷ نفر از شرکت کنندگان زن و ۴۳ نفر مرد و میانگین سنی افراد ۲۳،۴۳ بود. براساس نظرات اغلب شرکت کنندگان (۸۷،۵٪) در مطالعه هفت مولفه (فضای یادگیری، نحوه کنترل جلسه تدریس، ارتباط اهداف درسی، سازمان دهی، ارزیابی، مهارت های تخصصی خود محور و بازخورد) بر کیفیت اثر بخشی آموزش اساتید موثر بودند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش به نظر می رسد بررسی چارچوب آموزشی اساتید در اثربخشی کیفیت تدریس اساتید موثر است. بنابراین پیشنهاد می شود اساتید دانشگاه علاوه بر دانش تخصصی خود، بایستی با مهارت های تدریس که از نتایج این مطالعه حاصل شد نیز تسلط داشته باشند که برگزاری کارگاه های آموزشی اساتید در مراکز آموزش و توسعه جهت توانمندسازی اساتید مفید به نظر می رسد.

مقایسه تأثیر شیوه آموزش حضوری با آموزش مجازی در

میزان یادگیری دانشجویان رشته تکنولوژی پرتو شناسی

فاطمه رنگرز جدی - دانشگاه ع. پ. کاشان، مهرداد مهدیان - دانشگاه ع. پ. کاشان، سمیه صادقی - دانشگاه ع. پ. کاشان، محمد پرور، زهرا عساریان نیاسرری، زینب ظهیرهاشمی، اکبر علی اصغرزاده، معصومه کوچکی نصرآبادی - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه: مقایسه تأثیر شیوه آموزش حضوری با آموزش مجازی در میزان یادگیری دانشجویان رشته تکنولوژی پرتو شناسی سابقه و هدف: در دنیای پیچیده امروزی با تغییر ماهیت دانش و نیازهای آموزشی، گسترش علم و فناوری، تقاضای فزاینده جهت برخورداری از فرصتهای آموزشی انعطاف پذیر به علت عدم امکان حضور منظم در کلاسهای فیزیکی و سنتی، گسترش فرصتهای آموزشی به یکی از دغدغه های اصلی کشورها و دولتها تبدیل شده است. فضای مجازی با امکانات و منابع وسیع و با ویژگی هایی از جمله بی زمانی، بی مکانی و تعاملی بودن قابلیت های زیادی را در که در زمینه کسب علم و دانش در اختیار کاربران خود قرار می دهد. آموزش مجازی، یادگیری فعال و هوشمندی است که ضمن تحول در فرایند یاددهی و یادگیری و مدیریت دانایی، در گسترش، تعمیق و پایدار نمودن فرهنگی فناوری اطلاعات و ارتباطات

نقش اساسی و محوری دارد و پیوسته به عنوان جایگزین و راهی برای تقویت رهیافت‌های سنتی آموزش مطرح است. با توجه به اپیدمی کوید-۱۹ و آغاز استفاده از این روش مدرن آموزشی در دانشگاهها، بررسی نحوه یادگیری و عملکرد دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا این مطالعه با هدف مقایسه تأثیر دو روش آموزش مجازی و حضوری بر میزان یادگیری دانشجویان رشته تکنولوژی پر توشناسی دانشکده پیراپزشکی کاشان در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۹-۹۸ انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه نیمه تجربی در بین ۵۹ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی تکنولوژی پر توشناسی انجام شد. با فرض اینکه نمره اکتسابی دانشجو می تواند نماینده میزان یادگیری دانشجو در آن درس باشد، برای انجام این مطالعه میانگین نمرات اکتسابی دانشجویان در دروس اختصاصی اصطلاحات پزشکی، فیزیک پر توشناسی تشخیصی، زیست سلولی، ثبت و نمایش تصاویر، آمار، آناتومی ۱ و بهداشت عمومی در طی سه نیمسال دوم متوالی ۹۶ و ۹۷ (آموزش حضوری) و سال ۹۸ (آموزش مجازی) با هم مقایسه گردید. از نرم افزار SPSS و Excel و آزمون آنالیز واریانس یکطرفه و آزمونهای تعقیبی برای تحلیل داده ها استفاده شد P. کمتر از ۰,۰۵. معنی دار تلقی گردید.

یافته‌ها: از میان ۵۹ نفر دانشجویان مورد بررسی ۲۵ نفر مرد (۴۲,۴٪) و ۳۴ نفر زن (۵۷,۶٪) بودند و میانگین و انحراف معیار سنی آنها $21,10 \pm 1,348$ سال (با محدوده سنی ۱۹ تا ۲۴ سال) بود. مقایسه میانگین نمرات دانشجویان در طی سه نیمسال ۹۶، ۹۷ و ۹۸ نشان داد که به جز درس فیزیک پر توشناسی تشخیصی (۰,۶۶۳ p) بین میانگین نمرات کسب شده در آزمونهای پایانی بقیه دروس ارائه شده در سالهای مختلف تفاوت آماری معنا داری وجود دارد. در دروس اصطلاحات پزشکی، زیست سلولی، ثبت و نمایش تصاویر، آمار، آناتومی ۱ و بهداشت عمومی میانگین نمرات در سال ۹۸ (آموزش مجازی) نسبت به سالهای ۹۶ و ۹۷ (آموزش حضوری) تفاوت آماری معنی داری داشت. میانگین نمرات دروس اختصاصی رشته تکنولوژی پر توشناسی در طی سه نیمسال متوالی به شرح ذیل است. نام درس میانگین نمرات سال ۹۶ میانگین نمرات سال ۹۷ میانگین نمرات سال ۹۸ P value اصطلاحات پزشکی $12,42 \pm 3,17$ $13,52 \pm 3,32$ $17,6 \pm 1,90$ $P \text{ value} > .001$ فیزیک پر توشناسی تشخیصی $12,83 \pm 3,88$ $13,43 \pm 1,99$ $17,6 \pm 1,90$ $P \text{ value} > .001$ زیست سلولی $13,61 \pm 2,34$ $13,63 \pm 2,63$ $17,6 \pm 1,90$ $P \text{ value} > .001$ ثبت و نمایش تصاویر $13,79 \pm 1,87$ $16,31 \pm 2,21$ $15,31 \pm 3,16$ $P \text{ value} > .001$ آمار $16,1 \pm 2,59$ $14,43 \pm 2,76$ $17,11 \pm 3,50$ $P \text{ value} > .001$ آناتومی ۱ $13,94 \pm 3,33$ $13,1 \pm 2,82$ $15,53 \pm 2,52$ $P \text{ value} > .001$ بهداشت عمومی $13,57 \pm 2,5$ $14,59 \pm 1,83$ $18,43 \pm 1,32$ $P \text{ value} > .001$

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد که می توان از روش آموزش مجازی به عنوان جایگزین نسبتاً مطمئنی برای کلاسهای حضوری استفاده نمود. با توجه به آغاز استفاده از این روش مدرن

آموزشی در دانشگاهها، فراهم نمودن بستر مناسب برای ایجاد، توسعه و استفاده بهینه از آموزش الکترونیکی و ضرورت تلاش در جهت بالابردن سطح دانش اساتید و دانشجویان و فرهنگ سازی در این زمینه بر اساس نیازها و خواسته های آنان احساس می گردد .

مقایسه تأثیر شیوه آموزش حضوری با آموزش مجازی در میزان یادگیری دروس دانشجویان علوم آزمایشگاهی

فاطمه رنگرز جدی - دانشگاه ع. پ. کاشان، مهرداد مهدیان - دانشگاه ع. پ. کاشان، سمیه صادقی - دانشگاه ع. پ. کاشان، زهرا عصاریان نیاسرری - زینب ظهیرهاشمی - اکبر علی اصفرزاده - معصومه کوچکی نصرآبادی - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه: مقایسه تأثیر شیوه آموزش حضوری با آموزش مجازی در میزان یادگیری دروس دانشجویان علوم آزمایشگاهی سابقه و هدف: با رشد روز افزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و نفوذ وسایل ارتباط جمعی از راه دور به عمق جامعه، ابزارها و روشهای آموزش نیز متحول شده و نیاز به استفاده از ابزارهای جدیدتر برای انتقال دانش بیشتر احساس می شود. آموزش مجازی یکی از روشهای رایج در کشورهای مختلف جهان است که افزایش امکانات و دسترسی به اینترنت در رشد این روش نقش مؤثری داشته است. علیرغم استفاده محدود از این روش در سالهای گذشته، همه گیری کووید ۱۹ فرصتی را فراهم آورد که استفاده از آموزش مجازی و به تبع آن آزمونهای مجازی ضرورتاً رشد فزاینده ای یابد. با توجه به نوپایی این روش، بررسی نحوه یادگیری و عملکرد دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا این مطالعه با هدف مقایسه تأثیر دو روش آموزش مجازی و حضوری بر میزان یادگیری دانشجویان رشته علوم آزمایشگاهی دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۹، ۹۸ انجام شد .

روش اجرا: این مطالعه نیمه تجربی در بین ۸۷ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی علوم آزمایشگاهی انجام شد. با فرض اینکه نمره اکتسابی دانشجو می تواند نماینده میزان یادگیری دانشجو در آن درس باشد، برای انجام این مطالعه میانگین نمرات اکتسابی دانشجویان در ۵ درس بیوشیمی عمومی، زبان انگلیسی عمومی، فیزیک عمومی، فیزیولوژی و میکروب شناسی در طی سه نیمسال دوم متوالی ۹۶ و ۹۷ (آموزش حضوری) و سال ۹۸ (آموزش مجازی) با هم مقایسه گردید. از نرم افزار SPSS و Excel و آزمون آنالیز واریانس یکطرفه و آزمونهای تعقیبی برای تحلیل داده ها استفاده شد P. کمتر از ۰,۰۵. معنی دار تلقی گردید .

یافته‌ها: از میان ۸۷ نفر دانشجویان مورد بررسی ۵۸ نفر زن (۶۶,۷٪) و ۲۹ نفر مرد (۳۳,۳٪) بودند و میانگین سنی آنها $22 \pm 2,52$ سال بود. مقایسه میانگین نمرات دانشجویان در طی سه نیمسال ۹۶، ۹۷ و ۹۸ نشان داد که به جز درس بیوشیمی عمومی (۰,۴۳۶ p) بین

میانگین نمرات کسب شده در آزمونهای پایانی بقیه دروس ارائه شده در سالهای مختلف تفاوت آماری معنا داری وجود دارد. در درس فیزیک میانگین نمره دانشجویان در سال ۹۸ (آموزش و آزمون مجازی) بطور معنی داری کمتر از سالهای ۹۶ و ۹۷ (آموزش و آزمون حضوری) بود. (به ترتیب 9 ± 2.72 ، 13 ± 2.27 ، 15 و 1 ± 2.5 ، 01 و 15 برای سالهای ۹۸ و ۹۶ و ۹۷). این در حالی بود که برای درس فیزیولوژی علیرغم بالاتر بودن میانگین دانشجویان در سال ۹۸ (13 ± 1.86) در مقایسه با ۹۶ (12 ± 2.13) و ۹۷ (11 ± 1.96) فقط تفاوت میانگین سالهای ۹۷ و ۹۸ معنی دار بود. تفاوت میانگین در درس میکروبی شناسی نیز از الگوی درس فیزیولوژی پیروی می نمود در حالیکه پراکندگی نمره در درس زبان انگلیسی بیشتر بود و میانگین نمره دانشجویان در این درس در سال های ۹۶، ۹۷ و ۹۸ به ترتیب 11.3 ± 1.0 ، 18.4 ± 2.96 و 14.4 ± 2.32 و تفاوت میانگین نمره سال ۹۶ با سایر سالها معنی دار بود.

بحث و نتیجه گیری: هر چند در این بررسی در نیمسال دوم ۹۸ هم تدریس و هم آزمون بصورت مجازی برگزار گردید و این تجربه ای جدید محسوب می شد با علم به تفاوت های عمده آزمونهای حضوری و مجازی و به تبع آن نمره اکتسابی، بویژه در نیمسال دوم ۹۸ که هم اعضا هیئت علمی و هم دانشجویان احاطه کمتری با سامانه های تدریس و آزمون داشتند، با توجه به نمرات اکتسابی دانشجویان در اکثر دروس می توان بطور کلی چنین نتیجه گرفت که روش تدریس و آزمون مجازی را می توان به نحو موثری برای ارایه دروس و ارزشیابی دانشجویان بکار گرفت.

تعیین تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر بازاندیشی بر مهارت بازاندیشی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی

فاطمه کشمیری - دانشگاه ع. پ. یزد، امیرحسین رستمی، میلاد شفیعی

مقدمه: بازاندیشی به عنوان یک روش آموزشی، بین عمل و اندیشه و تجربیات گذشته و موقعیت فعلی، ارتباط ایجاد می کند، منجر به تسهیل فرآیند ارزیابی اطلاعات و ارتقای فعالیت های حرفه ای می شود و به تصمیم گیری در وضعیت های پیچیده و متعارض را کمک می کند. این مطالعه با هدف تعیین میزان تأثیر الگوی بر مهارت بازاندیشی دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه یک مطالعه ی مداخله ای به صورت قبل و بعد بود که در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ انجام شد. جامعه پژوهش دانشجویان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید صدوقی یزد بودند که کارآموزی ۲ را گذرانده

باشند و به صورت تمام شماری در مطالعه وارد شدند. ابتدا مداخله آموزشی براساس الگوی بازاندیشی گیبس انجام شد. با استفاده از پرسشنامه مهارت بازاندیشی فراگیران قبل و بعد از مداخله مورد ارزیابی قرار گرفتند. پرسشنامه ی توانایی بازاندیشی (GRAS) شامل ۲۳ سوال است که سه حیطه ی بازاندیشی را شامل می شود از جمله؛ "خودبازاندیشی"، "بازاندیشی هم دلانه" و "ارتباط تاملی، بازاندیشانه". این پرسشنامه پاسخگویی در این پرسشنامه به صورت لیکرت پنج گزینه ای است، شامل کاملاً مخالف، مخالف، مخالف، نظری ندارم، موافق، کاملاً موافق. امتیاز به دست آمده از این ابزار از ۲۳ تا ۱۱۵ متغیر است (۲۹). پرسشنامه های مذکور بصورت خود اظهاری، قبل و یک هفته و یک ماه پس از مداخله ی آموزشی تکمیل شد.

یافته ها: نتایج از مجموع ۳۳ نفر شرکت کننده، ۲۱ نفر خانم و ۱۲ نفر آقا حضور داشتند. توانایی بازاندیشی دانشجویان پیش از مداخله، یک هفته و یک ماه پس از مداخله به ترتیب نمرات ۲۴، ۸۱، ۲۴، ۸۳ و ۹۷، ۸۵ بود که تغییرات مجموع امتیازات پرسشنامه توانایی بازاندیشی در طول زمان معنادار بوده است ($P-Val=0.001$) و اثر آموزشی بالایی داشته ($0.203 = \text{Eta Square}$). بحث با توجه به نتایج این پژوهش مداخله آموزشی تأثیر معنادار و مثبتی روی توسعه توانایی بازاندیشی دانشجویان داشته است که قرار گرفتن افراد در شرایط تمرین و تکرار بازاندیشی و تصمیم گیری در آن تأثیر زیادی داشته است.

بحث و نتیجه گیری: با استناد به نتایج این پژوهش فرایند بازاندیشی می تواند فرصت مناسبی را برای یادگیری موثر افراد فراهم کند همچنین چرخه ای بودن فرایند بازاندیشی باعث می شود این فرایند تداوم داشته باشد و به طور پویا و مستمر آموزش و یادگیری را تسهیل کند.

کلمات کلیدی: توانایی بازاندیشی، الگوی بازاندیشی گیبس، مداخله آموزشی

ویژگی های تدریس اثربخش و عوامل مرتبط با آن از دیدگاه دستیاران تخصصی دندان پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی ایران در سال ۱۳۹۹

نازنین بشردوست - دانشگاه ع. پ. گیلان، فرناز رضوان - دانشگاه ع. پ. گیلان، سلمان معروفی زاده - نسترن میرفرهادی - دانشگاه ع. پ. گیلان، مریم خوشبخت پیشخانی - دانشگاه ع. پ. گیلان.

مقدمه: از مهم ترین و اساسی ترین عوامل در نظام های آموزش عالی، روش های تدریس اساتید است. پدیده تدریس و مؤلفه های اثربخشی آن از گذشته تا به امروز جزو دغدغه های اساسی پژوهشگران و نظریه پردازان تعلیم و تربیت بوده است. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین ویژگی های تدریس اثربخش از دیدگاه دستیاران تخصصی دانشکده

دندانپزشکی دانشگاه های علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۹ انجام گرفت.

روش اجرا: مطالعه مقطعی-تحلیلی حاضر بر روی ۱۹۱ نفر از دستیاران در حال تحصیل دانشکده های دندانپزشکی دانشگاه های علوم پزشکی کشور انجام گرفت. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه تحت وب (دیجی سروی) شامل اطلاعات فردی-اجتماعی و پرسشنامه ویژگی های تدریس اثربخش (سیدمجیدی و همکاران) شامل ۳۳ گویه در حیطه های دانش پژوهشی، روش تدریس، قدرت ارتباط با دستیار و خصوصیات فردی بود. روایی و پایایی آن مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات وارد نرم افزار SPSS ۱۶ گردید. در آنالیز آماری از آمار توصیفی و آمار استنباطی (ویلکاکسون تک نمونه ای، آزمون من-ویتنی، آزمون کروسکال والیس، آزمون فریدمن و ضریب همبستگی اسپیرمن) استفاده گردید. سطح معنی داری ۰،۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: نتایج نشان داد میانگین سنی دستیاران 27.79 ± 2.42 ، ۲۹، ۷۹ مرد (۴۱، ۴) درصد و (۱۱۲ زن، ۵۸، ۶) درصد بودند. مهم ترین ویژگی استاد از نظر دستیاران در حیطه دانش پژوهی تسلط بر موضوع تدریس با (۷۳، ۳) درصد، در حیطه روش تدریس انتقال شفاف و واضح مطالب (۴۴ درصد)، در حیطه قدرت ارتباط با دستیار ارتباط صمیمی و دوستانه با دستیار (۲، ۳۸ درصد) و در حیطه خصوصیات فردی انتقادپذیر بودن (۱، ۴۷ درصد) و لحن احترام آمیز (۴۵ درصد) بود. بیشترین میانگین ها مربوط به حیطه های خصوصیات فردی و کمترین میانگین مربوط به حیطه های روش تدریس بود. همبستگی های مثبت معنیداری بین تمامی حیطه های پرسشنامه ویژگی های تدریس اثربخش از دیدگاه دستیاران وجود دارد. نمرات تمامی حیطه های پرسشنامه ویژگی های تدریس اثربخش به صورتی معنی دار بالاتر از حد متوسط بود ($P < 0.01$)، نمرات حیطه های دانش پژوهی و روش تدریس در دستیاران مجرد به صورتی معنی دار بالاتر از دستیاران متأهل بود (به ترتیب، $P = 0.045$ ، $P = 0.038$).

بحث و نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد که مهم ترین ویژگی تدریس اثربخش داشتن تسلط بر موضوع تدریس و آگاهی از آن و انتقال شفاف و واضح مطالب بود. همچنین خصوصیات فردی اساتید از جمله انتقادپذیری و لحن احترام آمیز در ویژگی های تدریس اساتید موثر است.

اشتراک تجارب در تداوم یاددهی و یادگیری بعد از فارغ التحصیلی

عارفه اسداللهی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، زینت السادات هجرتی - سهیلا ضیائی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی.

مقدمه: صرف نظر از کیفیت آموزشهای نظری و عملی ارائه شده در محیط های آموزشی، این آموزشها قادر نخواهد بود تمامی شرایطی را که دانشجو پس از فارغ التحصیلی پیش رو خواهد داشت را در بر گیرد. از

طرفی انتظارات محیط کاری از فرد به عنوان پزشک، گاه اجازه مشاوره ایشان با همکاران نا آشنا را می گیرد، وجود گروهی از اساتید و همکاران که با فرد و محیط یادگیری قبلی او آشنایی کامل داشته باشند، این امکان را فراهم می کند که فرد تجارب یا مسائل حادث شده در محیط کاری خود را به راحتی با دوستان و اساتید خود در میان گذاشته و تصمیم اتخاذ کرده در درمان و مراقبت را به چالش بکشد. و در این چالش، هم خود یادگیرد و هم یادگیری را برای سایر دوستان فراهم نماید. بر این منبای فکری و با توجه به بازخوردهای دریافت شده از سوی فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون و محل خدمت آنان، گروه واتس آپ "تجربه های طرح من" در سال ۹۸ به پیشنهاد ریاست دانشکده و به همکاری ۵ تن از اعضای هیات علمی در گروه های روانپزشکی، جراحی، داخلی، اطفال، زنان و با حضور ۱۰ نفر از فارغ التحصیلان با هدف کلی حمایت علمی از فارغ التحصیلان و هدف اختصاصی کمک به تداوم یاددهی و یادگیری بعد از فارغ التحصیلی شکل گرفت.

روش اجرا: این مطالعه، ارزشیابی فعالیت گروه "تجربه های طرح من" بعد از یک سال فعالیت است. ارزشیابی برنامه در راستای اهداف با آنالیز کمی و کیفی محتوای و نظر سنجی از اعضا در رابطه با موثر بودن گروه صورت گرفت. در ارزشیابی کمی به میزان افزایش اعضا غیر هیات عملی و هیات عملی و میزان خروج از گروه و میزان تجارب و پاسخ های ارائه شده به هر تجربه توجه شد. در ارزشیابی کیفی، متخصصین گروه، تجارب و سوالات مطرح شده از سوی اعضا غیر هیات علمی را از نظر کامل و جامع بودن اطلاعات ارائه شده در سوال یا تجربه برای رسیدن به تشخیص، و محتوای پاسخها را از نظر مستند بودن، تحلیلی و استدلالی بودن مورد بررسی قرار دادند. نظر اعضا نیز از طریق پرسشنامه محقق ساخته ۵ رتبه ای لیکرت جمع آوری و بررسی شد.

یافته ها: بررسی کمی فعالیت گروه "تجربه های طرح من" نشان دهنده افزایش تعداد فارغ التحصیلان عضو از ۱۰ نفر به ۶۵ نفر، بدون هیچ مورد خروج از گروه، و اجازه عضویت به دانشجویان پزشکی دوره بالینی در گروه بود. تعداد تجارب ارسالی در گروه حدود ۳-۴ تجربه در هفته و تعداد پاسخ ها، بین ۳ تا ۵ پاسخ به هر تجربه طی سال گذشته بود. آنالیز محتوای پاسخ ها، نشان می دهد که میزان پاسخ دهی مستند (با رفرنس) اعضا (غیر هیات علمی) از ۱ تا ۲ مورد به ۴ تا ۵ مورد و میزان پاسخ دهی تحلیلی اعضا (غیر هیات علمی) به تجربه ارائه شده از ۱ تا ۲ مورد به ۲ تا ۳ مورد افزایش یافته است. در نهایت ۸۶٪ اعضا موافق هستند که گروه موجب ارتقاء دانش آنها در حل مسائل بالینی، افزایش قدرت تحلیل در شرایط حادث شده، اراده خدمات بر اساس مستندات و کمکی به تداوم یادگیری آنها بوده است.

بحث و نتیجه گیری: گروه های شکل گرفته در رسانه های اجتماعی مانند "تجربه های طرح من" بسته به وسعت عملکرد اعضا در آن می توانند راهی برای تداوم یاددهی و یادگیری فارغ التحصیلان پزشکی

عمومی و بهبود تجارب بالینی آنها باشد؛ و در صورتی که اجازه عضویت به دانشجویان بالینی نیز داده شود، می توان کمبود تجارب بالینی حین تحصیل آنها را نیز جبران کرد.

بررسی تاثیر بکارگیری روش خلاقانه ی طراحی و حل جدول کلمات مبتنی بر کارگروهی بر یادگیری دانشجویان

سید مصطفی محسنی زاده - دانشگاه ع. پ. بیرجند، اعظم گازرانی - دانشکده ع. پ. نیشابور، اکرم گازرانی - دانشگاه ع. پ. مشهد، حسین کریمی موتقی - منیره مشهدی.

مقدمه: به رغم آگاهی فزاینده در مورد اهمیت و ضرورت یادگیری، چگونگی، اشکال آن و رویه هایی که یادگیری را در افراد تشویق می کند. مطالعه حاضر با هدف تاثیر بکارگیری ارزشیابی تکوینی، روش خلاقانه ی طراحی و حل جدول کلمات متقاطع بر یادگیری تحصیلی دانشجویان انجام شد.

روش اجرا: مطالعه حاضر در دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال ۱۳۹۷ در درس خون شناسی دانشجویان رشته کارشناسی اتاق عمل در دو نیمسال انجام شد. دانشجویان (۵۶ نفر) که در یک گروه حل جدول و گروه پرسش و پاسخ تقسیم شدند. مباحث تدریس به دو بخش ۷ جلسه به روش پرسش و پاسخ و ۷ جلسه حل جدول تقسیم شد. در هر جلسه پس از ارائه تدریس برای جلسه بعد گروه حل جدول مطالب کلیدی تدریس شده را به صورت جدول افقی کلمات طراحی نمودند و با رعایت محرمانه بودن جدول برای سایر دانشجویان، روز قبل از کلاس به مدرس تحویل دادند و پس از تغییراتی توسط مدرس در جلسه بعدی کلاس جدول توسط دانشجویان حل شد. در گروه دوم نیز ارزیابی به روش پرسش و پاسخ در هر ۷ جلسه بعدی انجام گردید. پس از اتمام ۱۴ جلسه تدریس جهت بررسی روش ارزیابی از پرسشنامه پژوهشگر ساخته ای استفاده شد. همچنین از مباحث ارزیابی شده به هر دو روش در آخر آزمون کلی گرفته شد. داده ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار SPSS۲۱ و آزمونهای آماری t زوجی انجام گردید.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد ۴۰ نفر از شرکت کنندگان در پژوهش مونث % ۷۱،۴ و میانگین سنی 21 ± 1 بود. میانگین نمرات دانشجویان در گروه حل جدول ($19 \pm 0,7$) در آزمون کلی نسبت به دانشجویان گروه پرسش و پاسخ ($17,3 \pm 1,5$) بیشتر بود. اکثریت دانشجویان (۹۲،۵٪) رضایت بالایی از ارائه روش طراحی و حل جدول داشتند و در ارتقاء یادگیری کاملاً موثر دانستند. ۷۱،۴٪ دانشجویان کاهش استرس ۷۵٪ کاهش اضطراب آزمون را گزارش کردند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر روش طراحی و حل جدول در ارزشیابی دانشجویان در جهت ارتقای یادگیری موثر بوده و

دانشجویان از این روش کاملاً راضی بودند و باعث کاهش استرس و اضطراب شد.

کلمات کلیدی: ارزشیابی تکوینی، دانشجویان، جدول

تدریس مبحث "تشخیص و درمان دیس لیپیدمی" با دو روش سخنرانی و ترکیبی و مقایسه تأثیر این دو روش بر انگیزش تحصیلی کارآموزان و کارورزان پزشکی

یحیی محمدی - مجید زارع بیدکی - دانشگاه ع. پ. بیرجند، امیرحسین غلامی منطری - نسرین امیرآبادی زاده - طوبی کاظمی - دانشگاه ع. پ. بیرجند.

مقدمه: انگیزش تحصیلی در خصوص دانشجویان و جویندگان علم از اهمیت بالایی برخوردار است و یکی از منابع ایجاد انگیزش و افزایش یادگیری نحوه ی تدریس است. این مطالعه با هدف بررسی تدریس مبحث تشخیص و درمان دیس لیپیدمی با دو روش سخنرانی و ترکیبی و مقایسه تأثیر این دو روش بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی کارآموزان و کارورزان پزشکی انجام شد.

روش اجرا: روش پژوهش طرح شبه تجربی از نوع پیش آزمون - پس آزمون بود. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته انگیزش تحصیلی بود. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (کای اسکور، آزوجی و T مستقل در سطح معناداری $P \leq 0,05$) استفاده شد. یافته ها: بین میزان انگیزش کارآموزان و کارورزان در پس آزمون در روش ترکیبی در مقایسه با روش سخنرانی تفاوت معناداری وجود داشت ($P = 0,0001$).

بحث و نتیجه گیری: میزان انگیزش دانشجویان در روش ترکیبی بیشتر از روش سخنرانی بود. بنابراین روش ترکیبی می تواند همپای روش سخنرانی به عنوان یک روش تدریس مورد استفاده قرار گیرد. خصوصاً اینکه فراگیران در روش ترکیبی از انگیزش بیشتری برخوردار بودند.

طراحی و اجرای ژورنال کلاب به سبک وارونه

ریتا رضایی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، رامین روانگرد - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: ژورنال کلاب بعنوان بخشی حیاتی در آموزشهای دوران تحصیلات تکمیلی مطرح است که می تواند نقشی اساسی در افزایش توانمندی دانشجویان در ارزیابی نفاذانه مقالات و بررسی مستندات و شواهد داشته باشد. چالشهای متعددی در طراحی یک ژورنال کلاب موثر بخصوص در شرایط کنونی که مجازی و یا به نوعی الکترونیکی شدن آموزشها بخش عمده ای از فعالیتهای آموزشی را در مقاطع مختلف به خود اختصاص داده وجود دارد. این مطالعه با هدف ارتقا توتنمندی

ارزیابی نقادانه و بهره‌گیری از استراتژی‌های دانشجو محور طراحی و اجرا گردیده است.

روش اجرا: این مطالعه با مشارکت ۱۵ دانشجوی تحصیلات تکمیلی ارشد و دکترای آموزش و مدیریت اطلاعات در یک دوره سه ماهه طراحی گردید. اجرای برنامه بصورت آنلاین بود که بصورت دو هفته‌ای یکبار انجام می‌شد. به منظور درگیر کردن موثر دانشجویان برنامه به این شکل طراحی شد که در هر جلسه یک موضوع اختصاصی متناسب با اهداف آموزشی دوره سمینار تحقیق انتخاب و مقالات مرتبط با آن از طریق شبکه‌های اجتماعی در اختیار گروهها قرار داده می‌شد. هر گروه شامل حداقل پنج نفر بودند که موظف به بحث در گروه کوچک بودند. این تغییرات برگرفته از مدل کلاسی فیلپید بوده است. یک عضو هیات علمی بعنوان هماهنگ کننده و تسهیل گر با همه گروهها در ارتباط بوده است بطوریکه در پایان هر دو هفته یکی از موضوع های انتخاب شده و تایید شده توسط استاد در گروه بزرگ به بحث گذاشته میشد و با شاخصهای نقد مقاله (CASP, PRISMA) مورد ارزیابی قرار میگرفت. در پایان نیز هر گروه یک خلاصه و جمع بندی از مطالب هر جلسه را تهیه و بصورت الکترونیکی ارسال می کرد. ارزیابی برنامه توسط مشارکت کنندگان با استفاده از یک پرسشنامه ۱۰ سوالی صورت گرفته است. روایی محتوایی ابزار مورد استفاده به تایید سه نفر از اساتید آموزش پزشکی رسیده است.

یافته ها: با توجه به اینکه کلیه مشارکت کنندگان تجربه حضور در ژورنال کلاب های سنتی را داشتند نتایج این مطالعه نشان داد که استفاده از این مدل توانسته بود رضایت اکثریت را (۹۳٪) را در سطح خوبی برآورده نماید. از مزایای ذکر شده توسط مشارکت کنندگان افزایش تعاملات اجتماعی با همکلاسی ها، احساس راحتی برای مشارکت در بحث ها و طرح سوال بوده است. دانشجویان اظهار داشتند که زمانی که برای این روش را صرف کرده اند ارزش وقت گذاری را داشته است.

بحث و نتیجه گیری: این روش توانست احساس رضایت و توانمندی دانشجویان را در مدت کوتاهی افزایش داده و ایجاد انگیزه برای مشارکت در روشهای آنلاین آموزشی را بالا ببرد.

مقایسه میزان رضایت دانشجویان ترم ۲ و ۳ پرستاری از برگزاری آزمون میان ترم با استفاده از سامانه آزمون صلاحیت بالینی در مقایسه با آزمون پایان ترم سامانه آزمون ساز دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

جواد گلچین - زهرا رویانی - معصومه مهدوی فر - دانشگاه ع. پ. بندرعباس،

مقدمه: آموزش پرستاری بخشی از نظام آموزش عالی است که با حیات انسانها سروکار دارد و اگر سلامت جامعه را در گرو کیفیت خدمات

درمانی، پیشگیری، آموزش بهداشت و درمان بدانیم نقش مهم گروه پرستاری به عنوان عضوی موثر در ارائه خدمات اجتماعی و ارتقای سلامت جامعه به خوبی روشن می شود یکی از اجزا مهم یادگیری هر برنامه آموزشی، ارزشیابی است. در یک نگاه ارزشیابی عبارت از فرایند قضاوت در مورد موثر بودن تجارب آموزشی از طریق یک اندازه گیری صحیح است. به عبارت دیگر ارزشیابی، اندازه گیری دقیق دانش و مهارتهایی است که در چارچوب اهداف یک ماده درسی و یا کل دوره قرار دارد. ارزشیابی عملکرد بالینی، یکی از مؤلفه های مهم و حساس در فرایند یاددهی - یادگیری است. هر قدر فعالیتها و امور مختلف، حساسیت و تأثیر بیشتری بر سلامت داشته باشند، ارزشیابی آنها نیز باید دقیق تر و بر پایه اصول و معیارهای منطقی تری انجام گیرد. به همین دلیل مقوله ارزشیابی در رشته های پزشکی به لحاظ حساسیت و جایگاه آنها در سلامت آحاد جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از جنبه های مهم در آموزش رشته های گروه پزشکی، آموزش بالینی است و عمدتاً از روشهای مختلفی جهت سنجش عملکرد و صلاحیت بالینی دانشجویان در این دوره استفاده می شود. به علت شیوع کرونا و خطر حضور دانشجویان در محیط های بالینی لازم است که راهی صحیح برای ارزیابی دروس تئوری و عملی دانشجویان صورت پذیرد. آزمون های آنلاین که از طریق سامانه آزمون دانشگاه ها به ارزیابی دانشجویان در حیطه های دروسی که ماهیت عملی دارند می پردازند دارای نواقصی از قبیل: عدم امکان استیشن بندی، عدم امکان تخصیص زمان اختصاصی پاسخگویی برای هر سوال، عدم امکان قرار دادن تصویر در سوال و... است. با توجه به مشکلات آزمون آنلاین در حیطه آموزش بالینی، محققین بر آن شدند تا سامانه ای را با هدف شبیه سازی محیط بالین طراحی نمایند که در ارزیابی دروس با ماهیت عملی دارای کاربرد تخصصی تر باشد. لذا این مطالعه به بررسی میزان رضایت دانشجویان پرستاری ترم ۲ و ۳ رشته پرستاری از برگزاری آزمون واحد درس بررسی وضعیت فیزیکی با استفاده از سامانه آزمون صلاحیت بالینی در مقایسه با سامانه آزمون دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان می باشد.

روش اجرا: مطالعه حاضر پژوهشی مقطعی از نوع توصیفی - همبستگی است. نمونه گیری به شیوه سرشماری انجام گردید. در مجموع ۶۷ دانشجوی پرستاری ترم ۲ و ۳ وارد مطالعه شدند. در مطالعه حاضر از دو پرسشنامه مطالعات دموگرافیک و پرسشنامه سنجش رضایت دانشجویان از سامانه های آزمون ساز استفاده گردید. آنالیز با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۶ و جهت تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته ها: داده ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت. جهت مقایسه میانگین رضایت دانشجویان از دو سامانه از آزمون t-test استفاده شد که نتایج نشان داد، میانگین و انحراف معیار رضایت دانشجویان از سامانه ی آزمون صلاحیت بالینی ۵۰،۱۹±۸،۳۸ و میانگین و انحراف معیار رضایت دانشجویان از

سامانه آزمون دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان ۴۱،۳۷ ± ۱۰،۱۴ بود که این اختلاف میانگین از نظر آماری معناداری بود ($P < 0,001$).

بحث و نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که میزان رضایت مندی دانشجویان از سامانه صلاحیت بالینی در سطح بسیار خوب است و استفاده از چنین سامانه های می تواند نتایج بهتری برای سنجش عملکرد بالینی دانشجو داشته باشد و دانشجویان احساس خوبی از برگزاری چنین آزمون هایی خواهند داشت. با توجه به یافته های مطالعه حاضر پیشنهاد می گردد برای دروس تئوری و عملی از سامانه های نظیر سامانه صلاحیت بالینی استفاده گردد تا از دانشجویان سنجش دقیق تر و باکارآمدی بیشتر و با رضایت بالاتری صورت پذیرد.

تبیین تجارب اعضای هیات علمی بالینی از کار تیمی در آموزش بالینی - گامی در جهت حرفه ای گری فراگیران در جو آموزشی سالم - یک مطالعه کیفی

حکیمه حضرتی - دانشگاه ع. پ. ایران، شعله بیگدلی - دانشگاه ع. پ. ایران، مژگان بهشید .

مقدمه: کار تیمی عنصر اصلی تضمین کیفیت ارائه مراقبتهای بهداشتی - درمانی و افزایش ایمنی بیمارستان می باشد. هدف از انجام این مطالعه تبیین تجارب اعضای هیات علمی بالینی از کار تیمی در آموزش بالینی - گامی در جهت حرفه ای گری فراگیران در جو آموزشی سالم در یک مطالعه کیفی می باشد.

روش اجرا: در یک مطالعه کیفی داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با اعضای هیات علمی بالینی، دانشجویان پزشکی و کادر درمانی جمع آوری گردید و تا رسیدن به اشباع داده ادامه یافت. تحلیل مصاحبه ها به روش تحلیل محتوایی متعارف انجام گرفت.

یافته ها: ۲۰ نفر از اعضای هیات علمی بالینی، ۸ نفر دانشجوی پزشکی و ۵ نفر از کادر درمان در مطالعه شرکت کردند. از تحلیل نتایج سه طبقه اصلی تحت عنوان "آموزش بالینی عرصه تجلی کار تیمی"، "مهارتهای ارتباطی قلب کار تیمی موفق" و "ارتقا مهارتهای حرفه ای" استخراج گردید.

بحث و نتیجه گیری: تربیت فراگیرانی با توانمندی فعالیت در تیم منجر به تربیت فراگیران پاسخگو و در نهایت مراکز آموزشی درمانی پاسخگو خواهد بود که همه در قبال بیمار احساس مسئولیت می کنند و یک هدف واحد یعنی درمان بیمار را دارند. برای ارزش سازی کار تیمی در رشته ای علوم پزشکی اساتید دانشگاه با ارزشترین سرمایه ها می باشند برای اینکه ارزشها و فرهنگها بیشتر از طریق الگوی نقش و کوریکولوم پنهان انتقال می یابد. با توانمندسازی اساتید می توان بر فرهنگ فردیت گرایی و تخصص گرایی غلبه کرد. برنامه ریزان آموزشی نیز بایستی

اهداف متناسب با همکاری رده های مختلف دانشجویی در رشته علوم پزشکی فراهم سازند تا فراگیران این وابستگی را احساس کنند و روحیه کار تیمی را در خود نهادینه کنند.

آیا استفاده از الگوی ایفای نقش، عملکرد آموزشی (آموزش به بیمار) دانشجویان پرستاری را ارتقاء می دهد؟

منیژه نصیری زاده - دانشگاه ع. پ. بیرجند، زهرا آموزشی - دانشگاه ع. پ. بیرجند.

مقدمه: یکی از اساسی ترین نقش های هر پرستار توجه به آموزش به بیمار است. در این راستا، مسئولیت دانشکده های پرستاری در آموزش و اجرای این نقش بسیار اساسی است. با اجرای صحیح واحد درسی فرایند آموزش به بیمار براساس برنامه ریزی درسی جدید مورخ ۲۷، ۲، ۹۳ مصوب شورای عالی برنامه ریزی با تأکید بر شیوه ایفای نقش و اجرای پروژه های عملی در محیط بالینی، می توان عملکرد آموزشی پرستاران آینده (آموزش به بیمار) را بهبود بخشید. الگوی تدریس ایفای نقش، بیشتر بر اصول یادگیری بزرگسالان، هم چنین دو نظریه یادگیری تجربه ای و شناختی - اجتماعی بندورا منطبق می باشد. این الگوی تدریس، سبب ارتقای فرایند یادگیری، تفکر انتقادی، بازاندیشی و حل مسأله می شود. همچنین منجر به درک بیشتر و همدلی با ارزش های متفاوت افراد در طی تعامل و ارتباطات آنها با یکدیگر و تقویت مدیریت احساسات فراگیران توسط خودشان می گردد. لذا این پژوهش در راستای پاسخگویی به سوال "آیا استفاده از الگوی ایفای نقش، عملکرد آموزشی (آموزش به بیمار) دانشجویان پرستاری را ارتقاء می دهد؟" انجام شد.

روش اجرا: این پژوهش یک مطالعه پیش تجربی با طراحی یک گروهی از نوع تنها پس آزمون بود. جامعه پژوهش دانشجویان ترم دوم پرستاری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (۴۰ نفر) بودند. میزان یادگیری شناختی دانشجویان قبل و بعد از آموزش توسط آزمونی شامل ۲۰ سوال در سه حیطه دانش (۵ سوال)، درک (۱۱ سوال) و کاربرد (۴ سوال) مورد ارزیابی قرار گرفت. روایی این آزمون به روش روایی صوری و محتوا و پایایی آن به روش آزمون مجدد با $r = 0,81$ تایید شد. ترم بعد در واحد کارآموزی پرستاری بزرگسالان (بخش داخلی)، عملکرد آموزشی دانشجویان توسط چک لیست مشاهده عملکرد، چهار بار مشاهده و نتیجه آن ثبت شد. روایی این چک لیست به روش روایی صوری و محتوا (کیفی) و پایایی آن به روش توافق بین مشاهده گران با $r = 0,80$ تایید شد. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS (ویرایش ۱۶) و آزمون های تی زوجی و ضریب همبستگی پیرسون در سطح معنی داری $P < 0,05$ تجزیه و تحلیل گردید.

یافته ها: میانگین نمره یادگیری شناختی در کل و در سه حیطه ی دانش، درک و کاربرد قبل و بعد از آموزش واحد عملی فرایند یادگیری

و اصول آموزش به مددجو با الگوی ایفای نقش تفاوت آماری معنی داری داشت. ($p=0,000$) میانگین نمره عملکرد آموزش به بیمار آنها از ۵۰ نمره ($40,1 \pm 5,92$) بود. بین نمره یادگیری شناختی در کل و عملکرد آموزشی دانشجویان ارتباط آماری معنی داری وجود نداشت ($p=0,464$).

بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد که آموزش واحد عملی فرآیند یادگیری و اصول آموزش به مددجو با الگوی ایفای نقش می تواند میزان یادگیری شناختی دانشجویان را در کل و در سه حیطه ی دانش، درک و کاربرد و نیز عملکرد آموزشی دانشجویان پرستاری را ارتقاء دهد. البته برای نتیجه گیری قطعی و تعمیم نتایج نیاز به طراحی و انجام مطالعه ای با گروه گواه و تصادفی سازی می باشد.

بررسی میزان یادگیری و رضایتمندی دانشجویان پرستاری از آموزش تلفیقی درس فناوری اطلاعات در پرستاری در دوران پاندمی کرونا: یک مطالعه اقدام پژوهی

ریتا رضایی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، ناهید ظریف صنایعی - دانشگاه ع. پ. شیراز، میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، حسنا کلهری - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: با شیوع پاندمی کوید-۱۹ در سراسر جهان، پروتکل های بهداشتی بر رعایت فاصله گذاری اجتماعی تاکید کردند و در بسیاری از کشورها برای کاهش گسترش ویروس کرونا، آموزش از حالت سنتی خارج شده و عمدتاً به صورت تلفیقی در فضای مجازی ارائه شد. سازمان علمی فرهنگی ملل متحد یونسکو، برای دانشگاهها ۳ ماموریت اصلی تولید، انتقال و گسترش دانش در نظر گرفته است. اساسی ترین ارزش نهادهای دانشگاهی، بهبود کیفیت یاددهی و یادگیری است. برای جلوگیری از وقفه در آموزش دانشجویان در طول دوره فاصله گذاری اجتماعی و اجرای برنامه های درسی به طور مطلوب، راهکارهای مختلفی ارائه شد که از جمله آنان، جایگزینی آموزش سخنرانی محور با آموزش تلفیقی است. لذا هدف از این پژوهش تعیین میزان یادگیری و رضایتمندی دانشجویان پرستاری دانشگاه کرمانشاه از آموزش تلفیقی درس فناوری اطلاعات پرستاری در پاندمی کرونا در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بود.

روش اجرا: این پژوهش به روش اقدام پژوهی در نیمسال اول ۱۴۰۰-۱۳۹۹ انجام پذیرفت. جمعیت مورد مطالعه تمامی دانشجویان ترم ۳ کارشناسی پرستاری دانشکده پرستاری دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه (۱۰۱ نفر) در ۲ گروه A و B بودند. معیار ورود به مطالعه دانشجویانی بودند که واحد فناوری اطلاعات در پرستاری را اخذ کرده و معیار خروج،

حذف درس و یا عدم تمایل به همکاری در مطالعه بود. تصادفی سازی در مرحله انتخاب گروهها و توزیع دانشجویان در گروه مداخله (گروه A) که به روش تلفیقی آموزش دیدند و گروه کنترل (گروه B) که به روش متداول سخنرانی محور آموزش دیدند انجام شد. تعداد دانشجویان گروه A ۵۰ نفر و تعداد دانشجویان گروه B ۵۱ نفر بود. ۵ نفر از مطالعه خارج شدند. ابزار سنجش میزان رضایتمندی دانشجویان، پرسشنامه پژوهشگر نویس دارای ۲۳ گویه در ۳ محور آموزش با فیلم، آموزش همتایان و رضایتمندی از روش آموزشی در مقیاس لیکرت ۵ درجه ای است. روایی پرسشنامه توسط متخصصین و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰,۹۹ مورد تایید قرار گرفت. جهت سنجش میزان یادگیری دانشجویان از آزمون با محتوای یکسان در ۲ گروه استفاده شد. پس از کسب مجوزهای اخلاقی و اطلاع و رضایت دانشجویان، پژوهش انجام و کلاسها در قالب نرم افزار وانادا، ادوب کانکت و فلش پلیر بر اساس سرفصل های درس ۱۳ جلسه ۲ ساعته برگزار شد. دانشجویان گروه A قبل از هر جلسه با مطالعه محتوا (کتاب یا فیلم) برای حضور در کلاس آمادگی کسب میکردند. سپس کلاس آنلاین به ارائه تکمیلی درس، بازخورد و آموزش همتایان اختصاص یافت. آموزش در گروه B نیز به صورت آنلاین به روش سخنرانی محور صورت پذیرفت. داده ها به وسیله نرم افزار SPSS ورژن ۱۶ و استفاده از آمار توصیفی و استنباطی نظیر تی مستقل تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان دادند که از ۹۶ نفر دانشجو ۸، ۶۸ درصد زن و ۲، ۳۱ درصد مرد بودند. ۸، ۷۸ درصد دانشجویان در گروه سنی ۲۵-۲۰ سال بودند. میانگین نمرات امتحان دانشجویان ۲۰ نمره در گروه آموزش تلفیقی ۶۶، ۱۷ و در گروه آموزش به روش سخنرانی ۱۷، ۱۴ بدست آمد. نتایج نشان داد که دانشجویان گروهی که به روش تلفیقی آموزش دیدند به صورت معناداری عملکرد بهتری در آزمون، نسبت به گروهی که به روش سخنرانی محور آموزش دیدند بودند و میزان یادگیری دانشجویان در آموزش تلفیقی به طور معناداری بهتر از آموزش سخنرانی محور بود ($P\text{-value}=0,046$). اما میزان یادگیری دانشجویان با جنسیت آنان ارتباط معناداری نداشت ($P\text{-value}=0,176$). بطوریکه میانگین نمرات آزمون دانشجویان دختر ۳۰، ۱۶ و میانگین نمرات آزمون دانشجویان پسر ۶۳، ۱۵ بود. نتایج نشان داد که دانشجویان آموزش دیده به روش آموزش تلفیقی نسبت به دانشجویانی که به روش متداول ساده سخنرانی آموزش دیدند به طور معناداری رضایتمندی بیشتری داشتند به طوری که دانشجویان بیان کردند که نقش فیلم، محتوای آموزشی و آموزش همتایان در روش آموزش تلفیقی در ملموس تر شدن مفاهیم یادگیری، ارتباط مفاهیم نظری و عملی، افزایش انگیزه و مسئولیت پذیری در انجام فعالیت های کلاسی و کاهش استرس آنان زیاد و بسیار زیاد است ($P\text{-value}=0,028$).

بحث و نتیجه گیری: آموزش تلفیقی و استفاده از تسهیل گری آموزشی توسط همتایان و محتوای آموزشی و انجام پروژه های عملی، ضمن افزایش یادگیری دانشجویان، موجب افزایش رضایت و انگیزه آنها

در یادگیری می گردد. یافته های این پژوهش بیانگر تاثیرات مثبت روش آموزش تلفیقی در مقایسه با روش آموزش متداول سخنرانی محور بر روی رضایتمندی و یادگیری دانشجویان در دوران پاندمی کرونا بود. لذا ضروری به نظر می رسد که طراحان آموزشی و برنامه ریزان درسی امکان برگزاری آموزش های تلفیقی را فراهم و آن را حمایت نمایند و در توانمندسازی مدرسین در یادگیری و اجرای این روش نقش موثری داشته باشند. همچنین برگزاری سیستماتیک کارگاه های مرتبط با یادگیری دانش و مهارت های لازم به مدرسین توصیه می گردد.

کلمات کلیدی: آموزش تلفیقی، آموزش سخنرانی محور، دانشجویان پرستاری، یادگیری و رضایتمندی

تعامل با مدرسین از دیدگاه اعضای هیات علمی شرکت کننده در کارگاههای توانمند سازی مجازی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان

دکتر سید سعید کسائیان - دانشگاه ع. پ. سمنان، ملیحه بخشائی - دانشگاه ع. پ. سمنان، لیدا فتاحی زاده - دانشگاه ع. پ. سمنان، فریده ایزدی ثابت.

مقدمه: در سال های اخیر، با پیشرفت فناوری و شرایط جامعه از جمله اپیدمی بیماریهای واگیر مدیریت زمان، کاهش هزینه ها و استفاده آموزش از راه دور، مرسوم شده است. یادگیری مجازی نیز شکلی از آموزش و یادگیری است که در آن تعامل یادگیرنده با ابزارها و فناوریهای اطلاعات و مواد و محتوای آموزش و یادگیری، همتایان و آموزشگر به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات، برقرار می شود. در این خصوص نیز تعاملات بین فراگیر و آموزشگر هم بسیار غنی تر و پیچیده تر شده است. لذا در این راستا تعامل موثر می تواند برای کمک به پویایی آموزش و تحقق اهداف مورد نظر، نقش بسیار مؤثری در آموزش داشته باشد.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی مقطعی که در سال ۹۸ در دانشگاه علوم پزشکی سمنان انجام شد. جمعیت مورد مطالعه تعداد ۱۳۲ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان بودند که در کارگاههای توانمند سازی مرکز مطالعه و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه که در شهریور ماه ۱۳۹۸ برگزار شده بود، شرکت داشتند. روش نمونه گیری سرشماری و ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه معتبر بود که پس از برگزاری کارگاههای توسط شرکت کنندگان تکمیل و ارائه شد داده ها توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: بررسی ها نشان داد میزان تعامل با مدرسین و رفتار پاسخگویی مناسب مجریان آموزش با شرکت کننده در کارگاههای آموزشی مجازی از دیدگاه اعضای هیات علمی شرکت کننده جهت توانمند سازی آنان متفاوت بود. بطوری که در کارگاه اخلاق حرفه ای،

اخلاق در آموزش (۱۰۰٪)، کارگاه آشنایی با مقررات هیات علمی (ارتقاء) ۹۷، ۶٪، کارگاه آشنایی با سامانه نرم افزار نوید ۹۳، ۸٪، کارگاه روشهای ارزشیابی در آموزش ۸۹٪، کارگاه (lesson plan - Course plan) ۸۷٪، ۴٪ و کارگاه روشهای تدریس ۸۶٪ بود.

بحث و نتیجه گیری: تعامل نقش اساسی و مهمی در فرایند آموزش دارد، بسته به نوع و محتوای آموزشی، یادگیری مجازی با بهره گیری از فناوریهای نوین یکی از عواملی است که متخصصان و برنامه ریزان آموزشی را با چالش روبرو ساخته است. خصوصاً بحث تعامل در محیط آموزش مجازی که بسیار پیچیده تر از آموزش سنتی است. چرا که بدون تعامل نه تنها یادگیرندگان انگیزه ای برای ادامه دوره در خود نمی بینند بلکه یادگیری صورت نمی گیرد. در این راستا تحقیق و بررسی محققین به دیگر کارگاههای آموزشی برگزار شده و توجه به دیگر اشکال تعامل یعنی مشارکت و تعامل بیشتر فراگیران باهم با محتوا و ... جهت ارائه راهکارهای مناسب و موثر بر افزایش تعامل در محیط های آموزشی تحت وب، تاثیر بسزایی در افزایش و ارتقاء آموزش از راه دور را خواهد داشت.

تأثیر آموزش اصول جراحی لاپاراسکوپی به شیوه ی شبیه سازی بر میزان عملکرد و نگرش دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۹۷-۱۳۹۶

رضا محبی حوض سرخی - دانشگاه ع. پ. ایران،

مقدمه: اتاق عمل یکی از حساس ترین بخش های بیمارستان است که نیازمند توجه ویژه ای در فرایند های آموزشی است. افزایش چشمگیر در تعداد و نوع اعمال جراحی همراه با پیشرفت سریع تکنولوژی جراحی به خصوص در زمینه ی جراحی های کم تهاجمی، لزوم استفاده از فرایندهای آموزشی جدیدی را برای هم سطح شدن تکنولوژیست های جراحی با نقش ها و وظایف جدید مطرح می کند. از جمله برنامه های آموزشی معتبر در این زمینه می توان به کوریکولوم اصول جراحی لاپاراسکوپی اشاره کرد. لذا هدف از این پژوهش تاثیر آموزش اصول جراحی لاپاراسکوپی بر میزان، عملکرد و نگرش دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال ۹۷-۱۳۹۶ می باشد.

روش اجرا: مطالعه حاضر، از نوع نیمه تجربی بود که بر روی ۲۸ نفر از دانشجویان ترم ۸ کارشناسی اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی ایران انجام شد. در این پژوهش برای ارزیابی کیفیت عملکرد از مهارتهای هدایت دوربین، برش الگو و انتقال قطعات در محیط شبیه سازی استفاده شد. این ارزیابی و آموزش در مرکز تحقیقات جراحی های کم تهاجمی بیمارستان رسول اکرم (ص) انجام شد. همچنین برای ارزیابی نگرش قبل و بعد از آموزش، حیطة های علاقه مندی، درک صلاحیت، انتخاب معقول و تنش و فشار (برطبق پرسشنامه) در نظر گرفته شد. برای جمع آوری اطلاعات در زمینه نگرش از پرسشنامه ارزیابی نگرش و

انگیزه ذاتی (IMI) و در زمینه عملکرد از معیار استاندارد (TCT) Task completion استفاده شد. داده‌ها با نرم افزار R تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: نمرات نگرش دانشجویان در چهار حیطه مورد بررسی قبل از مداخله در حیطه ی علاقه مندی به میزان ۲۹۱، ۶۷، درک صلاحیت به میزان ۲۸۰، انتخاب معقول به میزان ۳۵۲، ۵۹ و در حیطه ی تنش و فشار به میزان ۳۷۸، ۵۷ بود که بعد از مداخله نمرات نگرش دانشجویان به ترتیب به مقادیر ۴۹۲، ۸۶، ۴۸۸، ۴۶، ۴۹۸، ۵۲، ۳۳۰، ۷۱ رسید. نمرات TCT برای ارزیابی عملکرد دانشجویان در مهارت هدایت دوربین در اولین بار انجام مهارت به میزان ۹۲، ۱۴، در مهارت برش الگو ۱۸۶، ۰۷ و در مهارت انتقال قطعات ۹۳، ۰۳ بود. اما بعد از مداخله و آموزش و تمرین مهارت ها نمره TCT به ترتیب دردهمین بار به ترتیب برای انجام هر مهارت به میزان ۵۶، ۴۲، ۱۱۸، ۲۱ و ۵۴، ۱۰ رسید.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه ی حاضر نشان داد که استفاده از برنامه آموزشی اصول جراحی لاپاراسکوپی بر چگونگی نگرش و سطح مهارت و عملکرد دانشجویان تاثیر مثبت دارد. علاقه مندی، احساس صلاحیت بیشتر، ارجحیت بالاتر جراحی لاپاراسکوپی و تنش و اضطراب کمتر بعد از مداخله نشان دهنده ی تاثیرات مثبت این مداخله ی آموزشی است. همچنین در زمینه ی عملکرد میانگین زمان لازم برای انجام هر مهارت توسط دانشجویان در دفعات اول و ششم و دهم به تدریج کاهش پیدا کرده است که نشان دهنده بهبود سطح مهارت دانشجویان در پایان مطالعه است. بعد از مداخله با درک فضای سه بعدی و شناخت شرایط فیزیکی، با تمرین و انجام مهارت ها به صورت مکرر در محیط شبیه سازی میزان دقت و سرعت انجام مهارت ها به صورت پلکانی افزایش پیدا کرد. با وجود آموزش در دوره ی زمانی کم و نبودن امکان انجام تکنیک ها بر روی بیمار زنده، بررسی نتایج نشان می دهد که میزان اثر بخشی این برنامه آموزشی در تمام حیطه ها بالاست. با اضافه شدن این برنامه آموزشی به کوریکولوم آموزشی رشته ی اتاق عمل می توان انتظار داشت که دانشجویان در تمام ابعاد جراحی لاپاراسکوپی رشد کنند و دانش و مهارت کافی را برای حضور موثر در بالین کسب نمایند.

درک اعضای هیات علمی بالینی از نقش الگو بودن: یک مطالعه کیفی

عظیم میرزازاده - دانشگاه ع. پ. تهران، الهه محمدی - دانشگاه ع. پ. تهران، هومن شهسواری - دانشگاه ع. پ. تهران، امیرعلی سهراب پور - دانشگاه ع. پ. تهران،

مقدمه: در دهه ی اخیر علاقه ی زیادی در آموزش پزشکی برای استفاده از نقش الگویی دیده می شود. دانشجویان در دوره ی بالینی با

مشاهده و کار کردن در میان آموزش دهندگان بالینی مهارت های لازم را فرا گرفته و هویت حرفه ای آن ها شکل می گیرد. با توجه به لزوم بررسی همه جانبه درک اعضای هیات علمی از نقش الگو بودن هدف ما تبیین درک اعضای هیات علمی بالینی به عنوان نقش الگو برای دانشجویان پزشکی با استفاده از روش کیفی می باشد.

روش اجرا: تعداد ۱۵ نفر از اعضای هیات علمی بالینی از تخصص های مختلف دانشگاه علوم پزشکی تهران به صورت هدفمند وارد مطالعه شدند. معیار ورود افراد این بود که همزمان با ارائه خدمات بالینی، در آموزش دستیاران، اینترن ها و دانشجویان در بیمارستان نیز مشارکت داشته باشند، همچنین قبلا در برنامه های توانمندسازی مربوط به آموزش بازاندیشی شرکت کرده باشند. از بازاندیشی نوشتاری به عنوان ابزاری جهت تبیین درک افراد از نقش الگو بودن استفاده شد و برای آنالیز داده ها از روش تحلیل محتوای قراردادی استفاده گردید.

یافته ها: نتایج حاصل از فرایند تحلیل محتوای کیفی منجر به تشکیل ۵ طبقه "اثرگذاری بر دیگران"، "پرورش ابعاد مختلف دانشجویان"، "بازخورد"، "خودآگاهی موقعیتی" و "تلاش مستمر" شد.

بحث و نتیجه گیری: تبیین درک افراد از پدیده نقش الگویی و آگاهی از آن حائز اهمیت است. نقش الگوها با تاثیرات مثبت و منفی خود در پرورش فراگیران و شکل گیری رفتار حرفه ای آن ها نقش اساسی ایفا می کنند. بر اساس یافته های این مطالعه برای برگزاری موثرتر برنامه های توانمند سازی اعضای هیات علمی می توان بر اهمیت نقش الگویی و تاثیرات آن، آموزش مهارت های ارائه بازخورد و خود کنترلی در اعضای هیات علمی تاکید نمود. همچنین آموزش مدیریت زمان و مهارت خودتنظیمی می تواند به کاهش چالش های نقش الگویی اعضای هیات علمی و ارتقای آن ها کمک کند.

تاثیر بازخورد میزان درخواست سی تی اسکن از طریق پیام کوتاه به دستیاران بر تغییر میزان درخواست سی تی در گروه های نورو لوژی و نوروسرجری

زهرا میدانی - دانشگاه ع. پ. کاشان، سیده افسانه موسوی - دانشگاه ع. پ. کاشان، حسین اکبری، احسان نبوتی - دانشگاه ع. پ. کاشان، رضا دانشور - دانشگاه ع. پ. کاشان، اسماعیل فخاریان - دانشگاه ع. پ. کاشان، سید علی مسعود - دانشگاه ع. پ. کاشان، سحر زارع - دانشگاه ع. پ. کاشان، زهرا ناظمی بیدگلی - دانشگاه ع. پ. کاشان، فخرالسادات حسینی،

مقدمه: پیام کوتاه به دلیل هزینه کم، قابلیت دسترسی در هر مکان و زمان، ارسال همزمان پیام به گروهی از افراد، ارسال و دریافت سریع پیام، بعنوان یکی از ابزارهای یادآور موثر برای تغییر رفتار پزشکان محسوب می شود. در این زمینه مطالعات نشان داده اند که ارسال

بازخورد در قالب پیام کوتاه و با هدف آگاهی پزشکان در خصوص میزان مصرف خدمات شامل آزمایش و سی تی اسکن می تواند باعث کاهش درخواست پزشکان شود. اگرچه برخی مطالعات نشان داده اند این گونه مداخلات تأثیری در کاهش تصویربرداری ها ندارد. لذا با توجه به نتایج متناقض در خصوص اثربخشی بازخورد عملکرد از طریق پیام کوتاه، در این مطالعه تأثیر بازخورد عملکرد از طریق پیام کوتاه بر میزان درخواست (تعداد مصرف) سی تی اسکن سر توسط دستیاران بخش های نورولوژی و نوروسرجری، بیمارستان شهید بهشتی کاشان ارزیابی شد.

روش اجرا: این مطالعه بصورت نیمه تجربی و به مدت ۴ ماه (دو ماه قبل از اجرای مداخله) و (دوماه بعد از اجرای مداخله) در بین دستیاران گروه های نورولوژی و نوروسرجری در بزرگترین بیمارستان آموزشی دانشگاه علوم کاشان اجرا شد. برای اجرای مداخله میزان سی تی اسکن های درخواستی دستیاران هر دو هفته ارزیابی شد، سپس پیامکی حاوی اطلاعات مربوط به تعداد و هزینه سی تی اسکن، دوز اشعه دریافتی بیمار و نکات آموزش در طول دوره مداخله در قالب پیام کوتاه برای دستیاران ارسال شد. سپس نسبت سی تی اسکن درخواست شده به ازای هر بیمار در دو فاز مطالعه با استفاده از آمار توصیفی و با استفاده از آزمون های آماری Exact، chi-square، t زوجی و مستقل تحلیل شد.

یافته ها: نسبت درخواست سی تی اسکن سر در فاز قبل از مداخله ۱، ۹۸±۰۹ و در فاز بعد از مداخله ۱، ۷۴±۰۱ بود که تفاوت آنها از نظر آماری معنی دار نبود ($p=0.106$) همچنین نتایج نشان داد نسبت درخواست سی تی اسکن مغز توسط دستیاران در دو فاز مطالعه در بخش های نورولوژی ($p=0.074$)، و نوروسرجری ($p=0.564$) از نظر آماری تفاوت معنادار نداشته است.

بحث و نتیجه گیری: بازخورد مبتنی بر پیام کوتاه در خصوص میزان مصرف سی تی اسکن باعث کاهش مصرف دستیاران می شود ولی این تفاوت از نظر آماری معنی دار نیست. عدم معنا دار بودن تفاوت را می توان به کم بودن طول دوره مداخله به دلیل همه گیری COVID-19 مرتبط دانست. در حالیکه در مطالعات مشابه بر تکرار و تداوم ارائه بازخورد در طول مدت طولانی تأکید شده است. لذا توصیه می شود مطالعات مشابهی در این زمینه با طول مدت مداخله طولانی تر انجام شود تا در صورت اثربخشی این ابزار، از مزایای بالقوه تلفن های همراه در آموزش علوم پزشکی بهره برداری شود.

فرایند استدلال بالینی در پزشکان: یک مطالعه با روش تفکر همراه با کلام

مریم حسینی ابرده - بدون وابستگی دانشگاهی، شهرام یزدانی.

مقدمه: استدلال بالینی فرایندی شناختی است (۱) و به عنوان توانمندی اصلی پزشکان در نظر گرفته شده است (۲) و لازمه مراقبت ایمن از بیمار است (۳) و نوعی استدلال مبتنی بر عمل است که نیاز به دانش علمی پیش زمینه ای دارد که با استفاده از شواهد بالینی ارائه شده برای یک بیمار خاص اعمال می شود (۴). با توجه به اهمیت این فرایند و شناسایی نحوه رخ داد آن در ذهن پزشکان، هدف از مطالعه حاضر شناسایی فرایند استدلال بالینی در پزشکان با استفاده از روش تفکر همراه با کلام می باشد.

روش اجرا: در پژوهش حاضر به منظور شفاف سازی فرایند استدلال بالینی در پزشکان از روش تفکر همراه با کلام استفاده گردید. این روش ریشه در پژوهش های روانشناسی دارد و شامل جمع آوری پروتکل های تفکر همراه با کلام افراد و تحلیل پروتکل ها می باشد. در این روش پروتکل ها به عنوان داده های خام برای بررسی فرایندهای شناختی استفاده می شوند و پروتکل ها در حین حل یک یا چند مساله توسط افراد (در حالیکه از آنها خواسته می شود که بگویند که به چه فکر می کنند) جمع آوری می شوند. (۵) همانند سایر روش هایی که داده های کیفی تولید می کنند، این روش نیز به دنبال یافتن داده هایی عمیق و غنی از نمونه ای کوچک می باشد. (۶) در این مطالعه ۱۶ پزشک داخلی در ۳ سطح، اینترن، دستیار و هیات علمی مشارکت داشتند. به منظور جمع آوری داده ها از مصاحبه ساختارمند استفاده شد و پس از توضیح اهداف و روش اجرای مطالعه برای مشارکت کنندگان، یک سناریوی از پیش تعیین شده که توسط محققین بر مبنای یک مورد واقعی در مجله *New England of Medicine*، تدوین شده بود در اختیار مشارکت کنندگان قرار گرفت و به آنها فرصتی برای مطالعه سناریو داده شد و سپس سوالات مصاحبه از آنها پرسیده شد و پاسخ ها ضبط گردید. به منظور تأمین اعتبار و مقبولیت داده ها، پژوهشگران به طور مستمر درگیر جمع آوری و تحلیل داده ها بودند و مصاحبه های پیاده سازی شده برای مصاحبه شوندگان ارسال و نظرات اصلاحی آنان دریافت شد. به منظور تأمین قابلیت انتقال داده ها، مصاحبه ها با اینترن ها، دستیاران و اعضای هیات علمی صورت گرفت. صداهای ضبط شده، پیاده سازی شد و داده ها توسط هر دو پژوهشگر به روش تحلیل محتوای استقرایی تحلیل گردید. مصاحبه ها به کدها و طبقات شکسته شد و در نهایت تم های اصلی از آنان انتزاع گردید.

یافته ها: این مطالعه شامل ۱۳۴۰ کد، ۱۳ طبقه و ۳ تم اصلی بود. تم ها شامل (۱) بازنمایی مشکل بیمار، (۲) بازنمایی دانشی، (۳) مسیرهای استعلام بود. طبقات تم بازنمایی مشکل بیمار شامل: (۱) صحت ادراک (۲) ارتباط با داده ها (۳) محتوای داده ها و (۴) نوع اطلاعات بود. طبقات تم بازنمایی دانشی شامل (۱) اعتبار دانش (۲) نوع کدگذاری دانش (۳) ارتباط (۴) ترکیب دانش و (۵) ساختار دانش بود. طبقات تم مسیرهای استعلام شامل (۱) فرضیه سازی (۲) اقدامات مبتنی بر فرضیات (۳) توضیح علت انتخاب اقدامات و (۴) انتخاب از میان گزینه های تشخیصی بود.

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان دهنده تفاوت هایی در فرایند استدلال بالینی پزشکان در سطوح مختلف اینترن، دستیار و هیات علمی بود اما استدلال بالینی در هر سه سطح متشکل از سه بخش (۱) بازنمایی مشکل بیمار، (۲) بازنمایی دانشی، (۳) مسیرهای استعلام بود. با توجه به اهمیت استدلال بالینی در طبابت پزشکان، شناسایی این فرایند به تعیین روش های آموزشی و ارزیابی این توانمندی مهم در پزشکان کمک می کند و به موجب آن می توان روش های نوینی برای تدریس این فرایند به دانشجویان پزشکی و ارزیابی آن در آنان ارائه نمود.

بررسی تأثیر دو روش بیمارنما و سخنرانی بر خودکارآمدی بالینی پرستاران در مراقبت از بیماران سندرم حاد کرونر

مهدی کریم یار جهرمی - دانشگاه ع. پ. شیراز، حمید رضا رنجبر جهرمی.

مقدمه: برای بهبود خودکارآمدی پرستاران در مراقبت از بیماران سندرم حاد کرونر، می توان از روش های آموزش بهره برد. سخنرانی به عنوان یک روش معلم محور، هنوز رایج ترین روش آموزشی است. آموزش به روش بیمارنما یا بیمار استاندارد شده، یکی از روش های نوین یادگیری است که بر اساس اصول یادگیری بزرگسالان بنا شده است. در این روش، یادگیرنده در مکانی بسیار شبیه به بخش های بالینی قرار گرفته و از بیمارنما بازخورد می گیرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه تأثیر روش های بیمارنما و سخنرانی بر خودکارآمدی در عملکرد بالینی پرستاران در مراقبت از بیماران مبتلا به سندرم حاد کرونر در سال ۱۳۹۵ اجرا شد.

روش اجرا: این، یک مطالعه نیمه تجربی بود. جمعیت مورد مطالعه شامل پرستاران بخش مراقبت ویژه قلبی بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی جهرمی بود. معیارهای ورود به مطالعه شامل؛ تمایل به شرکت در مطالعه، دارای حداقل مدرک لیسانس و سابقه بیش از ۳ ماه در بخش مراقبت ویژه قلبی بودند که ۶۲ نفر از آنان با روش نمونه گیری آسان انتخاب و با تخصیص تصادفی، به دو گروه سخنرانی و بیمارنما تقسیم شدند. حین ارائه آموزش به روش بیمار استاندارد شده، پرستاران مشارکت فعال داشته و بر اساس دانش و تجربه خود بازخورد می دادند. جهت جمع آوری داده ها، پرسشنامه خودکارآمدی در عملکرد بالینی پرستاران، قبل و بعد از مداخله تکمیل شد. این پرسشنامه در سال ۱۳۸۷ توسط چراغی و همکاران تدوین شده و شامل ۴ حیطة و ۳۷ گویه می باشد. حیطة ها شامل؛ "بررسی بیمار"، "تشخیص پرستاری و برنامه ریزی"، "اجرای برنامه مراقبتی" و "ارزشیابی برنامه مراقبتی" است. جهت تحلیل داده ها، از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون های آماری تی زوج و تی مستقل استفاده شد.

یافته ها: در این مطالعه، ۶۲ پرستار، در دو گروه ۳۱ نفری شرکت کردند. مداخله به صورت آموزش مراقبت از بیماران مبتلا به سندرم حاد کرونر به دو روش سخنرانی و بیمارنما در دو گروه انجام شد. از مجموع پرستاران، ۴۸ نفر (۴، ۷۷ درصد) زن بودند. میانگین (انحراف معیار) سنی شرکت کنندگان (۴۰، ۲۷ (۷، ۳۲) بود. بیشتر (۳، ۹۰ درصد) پرستاران دارای مدرک کارشناسی بوده و ۱، ۵۸ درصد استخدام رسمی بودند. میانگین (انحراف معیار) سابقه کل و سابقه حضور در بخش مرلقت ویژه قلبی به ترتیب (۸۴، ۲۷ (۷، ۹ و (۶۹، ۵ (۳، ۶) بود. اختلاف آماری معنی داری بین پرستاران دو گروه سخنرانی و بیمارنما از نظر خصوصیات سن (۴۳۵)، (P Value=)، جنس (۲۲۰)، (P Value=)، سابقه کار (۲۳۹)، (P Value=)، مدرک تحصیلی (۳۹۴)، (P Value=) و نوع استخدام (۷۶۸)، (P Value=) مشاهده نگردید. بین میانگین نمره خودکارآمدی قبل و بعد از مداخله در دو گروه سخنرانی و بیمارنما، اختلاف آماری معنی داری وجود داشت (P < ۰.۰۵).

بحث و نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان داد که در روش بیمار استاندارد شده، به طور معنی داری، خودکارآمدی پرستاران افزایش بیشتری نسبت به روش سخنرانی داشته است. روش آموزشی بیمار استاندارد شده، بر خلاف روش سخنرانی، یک یادگیری فعال است. استفاده از روش های فعال یادگیری در مطالعات مختلف، موفقیت آمیز بوده است. یادگیری فعال و مشارکتی در مقایسه با روش سخنرانی، موجب یادگیری بیشتر، حفظ طولانی تر اطلاعات و لذت بیشتر دانشجویان از کلاس می شود.

کلمات کلیدی: بیمارنما، سخنرانی، خودکارآمدی، مراقبت پرستاری، سندرم حاد کرونر

بررسی ارتباط بین تفکر انتقادی و استدلال بالینی در کارورزان و دستیاران دانشگاه علوم پزشکی قزوین

افسانه یخ فروش ها - دانشگاه ع. پ. قزوین، محمد رضا بینا- منیر السادات میرزاده.

مقدمه: با توجه به اهمیت توانمندی دانشجویان پزشکی در زمینه مهارت استدلال بالینی و تفکر انتقادی، مطالعه حاضر با هدف اندازه گیری و بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و استدلال بالینی بر روی نمونه ای از کارورزان و دستیاران دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین انجام شد.

روش اجرا: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی-تحلیلی بود که به صورت مقطعی بر روی ۲۰۵ کارورز و دستیار سال اول و دوم شاغل در بیمارستان های دانشگاه علوم پزشکی قزوین انجام شد. در این مطالعه از دو پرسشنامه شامل پرسشنامه ۳۴ سوالی تفکر انتقادی کالیفرنیا (فرم ب) و همچنین پرسشنامه استدلال بالینی (Diagnostic Thinking Inventory) که دارای ۴۱ سوال با مقیاس لیکرت ۶ تایی بود استفاده

شد. ویژگی های روان سنجی پرسشنامه های مذکور در مطالعات قبلی با نتایج قابل قبول ارزیابی شده بود. جهت بررسی ارتباط بین تفکر انتقادی و استدلال بالینی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. تمامی آزمون های آماری در سطح معنی دار ۰,۰۵ و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱,۰ انجام شدند .

یافته ها: این مطالعه بر روی ۱۲۲ کارورز و ۸۳ دستیار انجام شد. ۶۳٪ کارورزان و ۵۶,۶٪ دستیاران زن بودند میانگین نمره تفکر انتقادی در کارورزان و دستیاران به ترتیب ۱۳,۴±۳,۰ و ۱۳,۴±۴,۰ بود و اختلاف معناداری در نمره تفکر انتقادی کل بین دو گروه کارورز و دستیار مشاهده نشد. ($P\text{-value} > 0,05$) میانگین نمره استدلال بالینی نیز در دو گروه کارورز و دستیار به ترتیب ۵,۸±۱۴,۸ و ۱۳,۰±۲,۲ گزارش شد. در نمره کل استدلال بالینی نیز اختلاف معناداری در دو گروه کارورز و دستیار نشان نداد. بررسی ارتباط بین تفکر انتقادی و استدلال بالینی نیز نشان داد که ارتباطی بین این دو مهارت وجود ندارد (ضریب همبستگی = $0,34$ ، 0 - و $P\text{-value} = 0,625$).

بحث و نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان می دهد که هر دو مهارت تفکر انتقادی و استدلال بالینی در کارورزان و دستیاران دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سطح پایینی بوده و لازم است که توجه بیشتری در این راستا صورت گرفته و برنامه آموزشی ویژه ای برای ارتقاء این مهارت ها در ضمن آموزش پزشکی طراحی گردد

تبیین تجارب دستیاران پزشکی از تصمیم گیری بالینی: یک مطالعه کیفی

رضا غفاری مینا هاشمی پرست - دانشکده ع. پ. مراغه.

مقدمه: تصمیم گیری بالینی یک جزء اصلی عملکرد بالینی است که پیامد قضاوت بالینی صحیح می باشد و بیش از هر عاملی بر کیفیت ارائه خدمات به بیماران تاثیر می گذارد. انفجار دانش پزشکی و لزوم استقلال عملکرد دستیاران، تصمیم گیری بالینی در شرایط دشوار را برای آنان پیچیده تر نموده است؛ لذا این مطالعه با هدف تبیین تجارب دستیاران پزشکی از تصمیم گیری بالینی انجام شده است .

روش اجرا: بررسی پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی است. مشارکت کنندگان، دستیاران پزشکی سال اول تا چهارم شاغل در بیمارستان های آموزشی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تبریز بودند که برای انتخاب آنان از روش نمونه گیری هدفمند با در نظر گرفتن حداکثر تنوع استفاده شد. داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختار یافته انفرادی جمع آوری و به طور همزمان تحلیل شد. برای مدیریت تحلیل داده ها از نرم افزار MAXQDA نسخه ۱۰ استفاده شد . یافته ها بر اساس تحلیل داده ها، ۵ طبقه اصلی شامل "یاددهی - یادگیری ناکارآمد"، "سردرگمی و تردید در روند تشخیص بالینی"، "

مغایرت شرایط حاکم بر عرصه بالین با استانداردها"، "بی انگیزگی و افزایش فشار کاری" و "فقدان حمایت حرفه ای" به عنوان موانع و چالش های تصمیم گیری بالینی حاصل شد .

بحث و نتیجه گیری: تصمیم گیری بالینی متأثر از عوامل گوناگون با ماهیت های متفاوت است. این پدیده در ساختاری متشکل از شرایط حاکم بر عرصه بالین، امکانات و تجهیزات موجود و در دسترس، روابط حرفه ای در محیط کاری و مشکلات موجود در روند تشخیص بالینی شکل می گیرد؛ لذا استراتژی های گوناگون در ابعاد مختلف آموزشی، نگرشی، ساختاری و بهبود روابط انسانی می تواند در اتخاذ تصمیمات مناسب و مبتنی بر شواهد علمی و حل مسأله بیمار راهگشا باشد. بر این اساس، رفع چالش ها مستلزم بسترسازی فرهنگی، آموزشی و حرفه ای می باشد

برد خود گزارشی خطا : (error board reporting) رویکردی در جهت کاهش خطاهای بالینی و ارتقای حرفه ای دانشجویان

اعظم گازرانی - دانشکده ع. پ. نیشابور، اکرم گازرانی - دانشگاه ع. پ. مشهد، سیدمصطفی محسنی زاده - فرین تاتاری - دانشکده ع. پ. نیشابور.

مقدمه: خطاهای پزشکی و پرستاری یکی که مهمترین تهدید ایمنی برای بیماران می باشد. پژوهش حاضر با هدف طراحی برد خود گزارشی خطا : (error board reporting) رویکردی در جهت کاهش خطاهای بالینی و ارتقای اخلاق حرفه ای دانشجویان انجام شد. روش **روش اجرا:** مطالعه بر روی ۵۰ نفر از دانشجویان کارشناسی اتاق عمل به صورت تصادفی انجام شد. پس از طراحی در رابطه با نحوه ی استفاده از برد گزارش خطا، توضیحات کافی در رابطه با روش آموزش انجام شد و پیش آزمونی گرفته شد. برد ثبت خطا در اتاق عملهای مختلف نصب گردید و دانشجویان پس از پایان هر عمل خطاها را به صورت خودگزارشی ثبت می کردند. در آخرین روز کارآموزی پس آزمونی در رابطه با اعمال جراحی و نکات یادگرفته شده از دانشجویان گرفته شد. به منظور جمع آوری داده ها از پرسشنامه پژوهشگر ساخته برای سنجش رضایتمندی استفاده شد. تجزیه تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS و آزمون های تحلیلی کو واریانس، آزمون t تست، آزمون مجذور کای دو و رگرسیون انجام گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد نمره پیش آزمون با میانگین $2,15 \pm 14$ و نمره پس آزمون $2,64 \pm 17$ بود که نشان دهنده افزایش یادگیری و اطلاعات دانشجویان در رابطه با تکنیک ها و نکات ثبت شده بود و همچنین این روش در کاهش میزان خطا % ۸۶، رضایت مندی ۹۴٪، اعتدالی روحیه مثبت نگر ۷۲٪، تفکر نقادانه ۸۰٪، افزایش روحیه انتقاد

پذیری ۷۶٪ موثر بوده است ($P < 0.05$). نتیجه گیری: نتایج نشان داد استفاده از برد گزارش خطا در کاهش خطا و افزایش یادگیری دانشجویان موثر است.

کلمات کلیدی: گزارش خطا، خطای بالینی، دانشجویان.

بررسی تأثیر آموزش بالینی و حضور دانشجویان پرستاری در بخش های بیمارستانی بر سطح تکامل اخلاقی پرستاران شاغل

اللهه کاراژیان - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، آرزو فرج پور - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، ناصر سنجر موسوی.

مقدمه: انتظار می رود که مرور اصول اخلاقی و تاکید و توجه بر ابعاد اخلاقی و پرورشیالیسم در آموزش بالینی دانشجویان موجب ارتقا سطح تکاملی اخلاقی پرستاران و عملکرد آنان گردد و به صورت متقابل عملکرد اخلاقی پرستاران در غالب کوریکولوم پنهان موجب یادگیری و الگو برداری دانشجویان در محیط یادگیری آنان گردد. (۱۱) مطالعات انجام شده در حیطه ی اخلاق پرستاری اغلب به مرور استدلال اخلاقی پرستاران پرداخته اند و فاکتور های موثر بر رویکرد های اخلاقی پرستاران و نیز به ضرورت توجه به ابعاد اخلاقی در این رشته پرداخته اند و کمتر به وضعیت تکامل اخلاقی پرستاران و عملکرد اخلاقی آنان توجه شده و مطالعات معدودی در این زمینه موجود است.

هدف: لذا این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش بالینی دانشجویان بر سطح تکامل اخلاقی پرستاران بیمارستان های آموزشی به عنوان الگوی حرفه ای دانشجویان و مقایسه آن با بیمارستان های خصوصی شهر مشهد طراحی و اجرا شد. روش کار: این مطالعه توصیفی-تحلیلی در سطح چهار بیمارستان خصوصی و آموزشی شهر مشهد در سال ۱۳۹۷ به روش نمونه گیری آسان بر روی ۱۹۸ پرستار پس از کسب رضایت آگاهانه و با استفاده از ابزار استاندارد کولبرگ انجام شد. روایی و پایایی این مطالعه در مطالعات متعدد به تأیید رسیده است. (۵، ۸) این پرسشنامه شامل دو قسمت می باشد. قسمت اول مشخصات دموگرافیک و قسمت دوم آزمون معمای پرستاری است که برای اندازه گیری سطح تکامل اخلاقی پرستاران و بر مبنای نظریه ی تکامل اخلاقی کلببرگ طراحی شده است. آزمون شامل شش سناریوی نوزاد دارای آنومالی های شدید، اجبار داروی، تقاضای بالغین نسبت به مرگ، آشناسازی پرستار جدید، اشتباه دارویی، مراحل اخر بیماری می باشد. در این آزمون به دنبال هر سناریو دو سوال اصلی مطرح میگردد که پاسخ دهندگان باید به آن ها جواب دهند. سوال اول از فرد می خواهد که انتخاب نماید که اگر در موقعیت این سناریو قرار گیرد چه اقدامی انجام می دهد. در سوال دو از پاسخ دهندگان خواسته می شود تا دلیل انتخاب خود را ذکر نمایند. در این قسمت شش بیانیه رایج که بیانگر

علل موجود برای اقدام انجام شده هستند که پاسخ دهنده بایستی به ترتیب اولویت این گزینه ها را مرتب نماید. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در این مطالعه ۲۱۰ پرسشنامه بین پرستاران توزیع شد و ۲۰۲ پرسشنامه تکمیل و عودت شد، طی تجزیه و تحلیل نیز چهار پرسشنامه به دلیل ناقص بودن حذف شد و در مجموع ۱۹۸ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و لذا میزان پاسخ دهی ۹۴٫۲۸ درصد و قابل قبول است. در این مطالعه ۱۹۸ پرستار با دامنه سنی ۲۳-۶۵ سال و میانگین سنی 35.86 ± 7.80 و سابقه کار ۱-۲۸ سال و میانگین سابقه کاری 7.03 ± 7.23 شرکت نمودند. پاسخ شرکت کنندگان به قسمت اول آزمون به تفکیک سناریو در جدول دو دیده می شود با اینکه اغلب تصمیم اخلاقی صحیحی در زمینه سناریوهای ذکر شده اتخاذ نموده اند ولی تعداد قابل توجهی نیز تصمیمات مناسبی اخذ نکرده اند. دامنه نمره NP در پرستاران مورد مطالعه بین ۲۶-۵۸ و میانگین آن 45.29 ± 6.84 می باشد. در بررسی نمره NP بر حسب عوامل دموگرافیک و نیز بیمارستان های آموزشی و خصوصی اختلاف آماری معناداری مشاهده نشد تنها در آنالیز واریانس مشخص شد که اختلاف معنی دار بین نمره NP در بخش های جراحی و بخش های ویژه وجود دارد ($P \text{ value} = 0.003$). دامنه نمره CP در پرستاران مورد مطالعه بین ۱۲-۳۱ و میانگین آن 20.09 ± 3.91 می باشد. در بررسی نمره CP بر حسب عوامل دموگرافیک و نیز بیمارستان های آموزشی و خصوصی اختلاف آماری معناداری مشاهده نشد. جدول شماره چهار ارتباط نمرات NP و CP را با عوامل دموگرافیک نشان می دهد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده مشخص شد که نمره سطح تکامل اخلاقی از میانگین نمره بالاتر است ولی تا سطح مطلوب نیز فاصله دارد، اغلب پرستاران در سطوح عرفی و پس عرفی می باشند اما شمار قابل توجهی هم در سطح پیش عرفی هستند. با توجه به تأثیر متقابل محیط و عملکرد حرفه ای پرستاران بر الگوپذیری و یادگیری دانشجویان، انتظار می رود ارتقا بعد اخلاقی عملکرد حرفه ای پرستاران به خصوص در بیمارستان های آموزشی در اولویت برنامه های توانمندسازی کادر پرستاری قرار گیرد و عملکرد اخلاقی پرستاران به عنوان الگوهای حرفه ای به خصوص در مورد نظارت و ارزشیابی قرار گیرد و از طرف دیگر تاکید و توجه به بعد اخلاقی در آموزش بالینی دانشجویان پرستاری موجب آگاهی و حساسیت پرستاران شاغل می گردد لذا آموزشگران بالینی همواره باید نسبت به این امر تاکید نمایند.

تبیین ویژگی های استاد بالینی خوب بر مبنای تجارب

دستیاران بالینی

مولود رضوانی - سمانه باقریان - سلیمان احمدی - حکیمه سابقی - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی.

مقدمه: در فرآیند تبدیل یک دانشجو به پزشکی کارآمد، استاد نقش مهمی برعهده دارد. یک استاد توانمند، دانش، نگرش و مهارت های مورد نیاز را به دانشجویان پزشکی که صاحبان آینده ی این حرفه هستند منتقل می نماید. در حقیقت استاد خلق کننده فضایی است که دانشجو در آن بصیرت پیدا می کند، استعدادهای بالقوه خود را شناخته و رشد می دهد و در جهت توانایی های حرفه ای و شخصی خود به بهترین شیوه گام برمی دارد. بنابراین اساتید بالینی بایستی در هر دو حیطه پزشکی و آموزش متخصص بوده و دانش، نگرش و مهارت خود را در هر دو حوزه توسعه دهند. صاحب نظران معتقدند که ویژگی های استاد است که باعث دستیابی به اهداف آموزشی و یادگیری دانشجو می شود، بدین لحاظ ویژگی های مدرس اثربخش مورد توجه بسیاری از محققین در دنیا می باشد. از طرف دیگر با توجه به اینکه آموزش بالینی در قلب آموزش پزشکی قرار دارد، توجه به کارآمدی تدریس بالینی و استاد بالینی خوب نیز بسیار حائز اهمیت می باشد. استاد بالینی خوب در بیشتر مواقع دو نقش آموزشی و درمانی را بطور همزمان ایفا می کند و بایستی به قدری توانمند باشد که علاوه بر اینکه کار درست را انجام می دهد، چگونگی انجام آن را برای دانشجویان نیز نشان داده و توضیح دهد. از آنجا که نقش استاد در فرآیند آموزش و تدریس مهم و غیرقابل انکار است، شناخت ویژگیهای مطلوب یک مدرس دارای اهمیت بالایی می باشد. یکی از متداول ترین روش های تعیین شایستگی یک استاد خوب، نظرخواهی از دانشجویان است؛ زیرا دانشجویان بطور مستقیم در موقعیت های آموزشی قرار داشته و با اساتید تعامل دارند؛ بنابراین نظرات و تجربیات آنان در رابطه با ویژگی های استاد خوب می تواند بسیار کمک کننده باشد. طی سال های گذشته مطالعاتی در این راستا صورت گرفته است و دیدگاه دانشجویان در خصوص معیارهای یک استاد خوب مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اینکه اکثر مطالعات انجام شده در این زمینه در ارتباط با دروس تئوریک و بیشتر به صورت کمی و با استفاده از ابزار ترجمه شده و در سایر رشته های علوم پزشکی از جمله پرستاری بوده است، لذا پژوهشگران برآن شدند تا با انجام یک تحقیق کیفی و با طرح این سؤال که ویژگی های یک استاد خوب بالینی چیست؟ از طریق تبیین تجارب دستیاران بالینی پاسخی مناسب به این سوال ارائه نمایند.

روش اجرا: این مطالعه یک تحقیق کیفی با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی است. ۱۴ دستیار تخصصی از یکی از بیمارستان های آموزشی شهر مشهد که سابقه ی حضور در بالین به مدت حداقل ۱۰ ماه داشتند، به شیوه نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند و با آنها مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق انجام شد. کدگذاری و تحلیل داده ها با نرم افزار MAXQDA ۲۰۱۲ انجام گرفت. **یافته ها:** در تجزیه و تحلیل مستمر و چرخشی داده ها ۲۵۴ کد اولیه استخراج گردید که با در نظر گرفتن هم پوشانی و ادغام آنها در نهایت ۶۰ کد حاصل شد و در ۱۰ زیرطبقه و ۳ طبقه اصلی قرار گرفت. بر این اساس «حامی و مرشد»، «الگوی اخلاق»

و «مربی خردمند» خصوصیات اصلی یک استاد بالینی خوب بر اساس تجارب دستیاران بالینی شرکت کننده در مطالعه حاضر بودند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که از منظر دستیاران مورد مطالعه، یک استاد بالینی خوب باید حامی و مرشد، الگوی اخلاق و مربی خردمند باشد. محققان در حرفه های بالینی اعم از داخل و خارج از کشور ویژگی های مختلفی را برای استاد بالینی مؤثر بیان کرده اند. از جمله این خصوصیات می توان به کیفیت روابط بین فردی، دانش و معلومات، مهارت برقراری ارتباط، توانمندی علمی و عملی، مدیریت آموزشی، اخلاق حسنه، جذاب کردن محیط یادگیری، خلق تجارب بالینی مفید، شایستگی بالینی و نیز ویژگی های فردی اشاره کرد. در این پژوهش ویژگی های یک استاد بالینی خوب با ژرفای بیشتری مورد شناسایی قرار گرفت. با دقت و عنایت به نتایج مطالعه، اساتید بالینی می توانند برنامه ریزی جامعی برای کسب این ویژگی ها داشته باشند و ضمن توانمند نمودن خود، به ارتقای آموزش بالینی و سلامت جامعه کمک نمایند.

بررسی تأثیر برنامه آموزش مبتنی بر شواهد دندانپزشکی اجتماعی به صورت مجازی

زهرا آقازاده - دانشگاه ع. پ. تبریز، کتابیون کاتبی - دانشگاه ع. پ. تبریز.

مقدمه: طبابت با رویکرد مبتنی بر شواهد به پزشکان و دندانپزشکان اجازه می دهد تا به روز ترین و مستند ترین تصمیم های بالینی را برای درمان بیمارانشان بگیرند و درمانهای مناسب دندانپزشکی را پس از اطمینان از کارایی کامل آنها انجام دهند تا از درمانهای بی اثر جلوگیری شود. از طرفی تمرکز بر مسائل و مشکلات شایع سلامت جامعه علاوه بر تشویق دانشجویان به یادگیری منجر به ارتقا کیفیت ارائه خدمات می گردد. منظور از آموزش مجازی، بهره گیری از سیستم های مجازی است که با هدف کاستن از رفت و آمدها و صرفه جویی در وقت و هزینه و در ضمن یادگیری بهتر صورت می گیرد. آموزش مجازی امکان فراگیری مستقل از زمان و مکان را فراهم می آورد. تحولات اخیر جهانی و همه گیری کووید ۱۹ آموزش را با چالشی اساسی مواجه ساخته که تنها با بهره گیری از آموزش مجازی می توان بر آن فائق آمد. ایجاد توانمندیهای مربوط به ارتقاء سلامت جامعه و اقدامات پیشگیرانه از بیماریهای دهان و دندان به عنوان یکی از اهداف اصلی آموزش دندانپزشکی اجتماعی می باشد.

هدف: با توجه به اهمیت روز افزون دندانپزشکی مبتنی بر شواهد و اهمیت ویژه آن در دندانپزشکی اجتماعی و به دلیل شرایط پیش آمده از همه گیری کووید ۱۹ هدف از این مطالعه بررسی تأثیر روش آموزش دندانپزشکی مبتنی بر شواهد بصورت مجازی در گروه سلامت دهان و دندانپزشکی اجتماعی بود.

روش اجرا: کلیه دانشجویان واحد های درسی دندانپزشکی اجتماعی ۳ و ۲ به ترتیب شامل ۶۵ و ۴۲ نفر وارد مطالعه شدند. پنج محتوای آموزشی شامل موضوعات آشنایی با کوکران، اهمیت پزشکی مبتنی بر شواهد، مراحل اجرای دندانپزشکی مبتنی بر شواهد، آشنایی با پایمده و اصول جستجوی منابع در نرم افزار ویژه یادگیری دانشگاهی (نوید) بارگزاری شد. و به دانشجویان یک هفته فرصت برای مطالعه آن ها و رفع اشکال به صورت مجازی در همان سامانه داده شد. سوالات مربوط به مسائل شایع دندانپزشکی اجتماعی براساس (PICO) طراحی شد و با گروه بندی دانشجویان در گروه های کوچک ۱۰ تا ۱۲ نفره سوال هر گروه به صورت تکلیف در سامانه نوید قرار گرفت. از دانشجویان خواسته شد بر اساس آموزشهای قبلی مقالات متناسب با موضوع خود را در پایگاههای منابع جستجو کنند و نتیجه را به استاد خود بفرستند. سپس هر استاد مقالات ارسالی هر گروه را بررسی کرده و به دانشجویان بازخورد ارایه کرد و سپس از دانشجویان خواسته شد مطالب مقالات تایید شده توسط اساتید را جمع بندی کنند و مجدداً برای ارزیابی به استاد خود بفرستند. بعد از تایید مطالب جمع بندی شده توسط استاد و ارایه فیدبک از دانشجویان خواسته شد مطالب نهایی را به صورت پمفلت آموزشی برای گروه هدف دندانپزشکی اجتماعی ارائه دهند. در نیمسال قبل نیز دانشجویان پمفلتهایی با موضوعاتی مشابه تهیه کرده بودند اما آموزشهای جستجوی مقاله و شواهد علمی ندیده بودند. برای بررسی میزان اثر بخشی این شیوه آموزشی میانگین نمرات دانشجویان از طریق آزمون تی مستقل با نمرات دانشجویان نیمسال قبل مقایسه شدند. همچنین اطلاعات کیفی از طریق بحث گروهی با دانشجویان در رابطه با میزان رضایت آنان از این شیوه آموزشی جمع آوری گردید.

یافته ها: نمرات دانشجویان در هر یک از واحد دندانپزشکی اجتماعی با نمرات همان واحد در نیمسال قبل مقایسه شد در هر دو واحد دندانپزشکی اجتماعی ۳ و ۲ نمرات افزایش داشتند البته این افزایش فقط در واحد دندانپزشکی اجتماعی ۳ معنی دار بود ($P=0.034$). در بررسی کیفی، ۷۶ درصد دانشجویان این شیوه آموزشی را موثر ارزیابی کردند.

بحث و نتیجه گیری: در طرح حاضر کلیه آموزشها و تعاملات با دانشجویان از طریق سامانه نوید انجام شده است و علاوه بر آموزش دندانپزشکی مبتنی بر شواهد، با مطرح کردن سوالات آموزشی برای هر گروه با استفاده از تکنیک آموزش از طریق حل مسئله یک سوال بالینی مرتبط با دندانپزشکی اجتماعی بررسی شده است و کلیه تعاملات دانشجویان با اساتید که شامل فیدبک های استادان و راهنمایی دانشجویان می باشد بصورت مجازی صورت گرفته است. مطالعه ای که در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی انجام شده است، با هدف طراحی طرح درسی دندانپزشکی عمومی مبتنی بر شواهد انجام شده است نشان داد که دندانپزشکی مبتنی بر شواهد قابل ادغام در برنامه آموزشی دندانپزشکی عمومی می باشد. نتایج حاصل از این طرح نشان داد که آموزش مباحث دندانپزشکی اجتماعی به شیوه مبتنی بر

شواهد میزان یادگیری دانشجویان را افزایش داده و رضایت آنان را نیز جلب کرده است.

کلمات کلیدی: دندانپزشکی مبتنی بر شواهد، آموزش از طریق حل مسئله، آموزش مجازی، یاددهی-یادگیری

ارزیابی کیفیت آموزش بالینی در پرستاری

سلیمان احمدی - سارا شهبازی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد.

مقدمه: آموزش بالینی مهمترین بخش آموزش پرستاری است که هدف از آن، ایجاد تغییرات رفتاری قابل اندازه گیری در دانشجویان برای انجام وظایف مراقبتی در آینده است. این در حالیست که دانشجویان پرستاری علیرغم دارا بودن دانش نظری قابل قبول، در محیط های بالینی، با مهارت کافی، عمل نمی کنند. یکی از علل این مسئله، می تواند چگونگی کیفیت آموزش بالینی باشد. لذا، هدف از این مطالعه ارزشیابی کیفیت آموزش بالینی در پرستاری می باشد.

روش اجرا: این مطالعه ترکیبی ارزشیابی با استفاده از روش های مشاهده غیر مشارکتی، برگزاری بحث گروهی متمرکز و استفاده از جعبه ابزاری مشتمل بر چک لیست مشاهده مستقیم تدریس بالینی، فرم نظرسنجی دانشجویان در خصوص تدریس دوره بالینی گذرانده شده، ابزار صلاحیت آموزش بالینی برای مربیان پرستاری، پرسشنامه ارزشیابی آموزش بالینی و ابزار کیفیت تدریس بالینی Cleveland، در یک دوره کارآموزی به مدت ۸ جلسه، در بخش داخلی، تحت آموزش مربی عضو هیئت علمی کارشناسی ارشد پرستاری داخلی و جراحی، انجام گردید. اطلاعات گردآوری شده کمی با استفاده از نرم افزار SPSS و اطلاعات کیفی حاصل از بحث گروهی، لغت به لغت پیاده سازی و به روش تحلیل محتوا، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج حاصل از این مطالعه، نشاندهنده سطح متوسط آموزش بالینی انجام شده بود که نیازمند اصلاحاتی اساسی در زمینه های مختلف می باشد. نکته قابل توجه اینست که نتایج حاصل از تکمیل چک لیست مشاهده ای توسط مشاهده گر، با نتایج ارزیابی دانشجویان و ابزارهای متعدد استفاده شده همراستا می باشد. کمترین امتیاز با نمره (1.78 ± 0.05) مربوط به بحث ارزشیابی دانشجویان و عدم ارائه فیدبک به آنان و بیشترین امتیاز مربوط به وقت شناسی (4.79 ± 0.15) (بود. از نگاه دانشجویان، بیشترین ضعف در بخش های ارزیابی، آموزش پروفشنالیزم، آموزش مهارت های بالینی و اختصاص زمان قابل توجه به آموزش تئوری در بالین بوده است. نتایج تحلیل محتوا در ۳ طبقه علل سازمانی، علل مربوط به استاد و علل مربوط به برنامه ریزی آموزش تعیین گردید.

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشاندهنده کیفیت متوسط آموزش بالینی و وجود فاکتورهای متعدد در ایجاد افت کیفیت آموزش

بالینی می باشد. بدون تردید شناخت مشکلات آموزش بالینی، مستلزم بررسی مستمر وضعیت موجود، شناخت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف و مقایسه وضعیت آموزشی بالینی با استانداردهای موجود می باشد، تا بتوان در جهت ارتقای آموزش بالینی در پرستاری، به طور موثر گام برداشت.

طراحی و اجرای فرآیند آزمونهای ارزیابی مدیریت مشکل بیمار و ساختار یافته عینی بالینی در دستیاران چشم پزشکی: مطالعه دانش پژوهی آموزشی

حمیدرضا حسنی - دانشگاه ع. پ. البرز.

مقدمه: طراحی و اجرای آزمون الکترونیک آنلاین (PMP ارزیابی مدیریت مشکل بیمار) و آزمون OSCE (بالینی ساختاریافته عینی) در بین دستیاران سال اول تا چهارم چشم پزشکی در قالب دانش پژوهی آموزشی و طبق معیارهای شش گانه گلاسیک .

روش اجرا: ابتدا جهت آزمون OSCE سناریوهای خود را تنظیم نموده و در قالب یازده سوال ایستگاهی، بیماران شبیه سازی شده را تمرین داده و سپس آزمون الکترونیک آنلاین PMP را در قالب یازده سوال دو تا چهار صفحه ای تنظیم نمودیم. به منظور توانمندسازی اساتید در طراحی سوال، کارگاههای آموزشی جهت اساتید و یک کارگاه آموزشی جهت دستیاران گروه تخصصی چشم پزشکی بطور همزمان برگزار گردید. نمره هر گزینه در کمیته آزمون پانل خبرگان تصویب گردید که از منفی ۱۲ تا مثبت ۱۵ متغیر بود. پس از اجرای آزمونها نمره دهی انجام شد و نتایج آن بصورت مکتوب و سمعی - بصری در اختیار گروههای آموزشی قرار گرفت.

یافته ها: بیست و چهار دستیار سال اول تا چهارم چشم پزشکی در آزمون OSCE و PMP طرح شده شرکت کردند. میانگین نمره آزمون الکترونیک آنلاین ارزیابی مدیریت مشکل بیمار (۴۸.۰۱±۱۲.۴۰) و میانگین نمرات آزمون بالینی ساختاریافته عینی (۱۷.۱۱±۶۵.۳۴) بود. نمرات دستیاران زن و مرد بترتیب (۵۹.۱۵±۱۲.۳۲ versus ۸۳.۰۱±۴.۹۵) بود که از نظر آماری تفاوت معنی داری نداشت. نتایج ابتدا در یکی از جلسات گروه چشم پزشکی دانشگاه، بصورت گزارشی از اجرای این امتحان ارائه شد و سپس با برگزاری کارگاه آموزشی PMP در سایر دانشگاههای علوم پزشکی نظیر دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) و گروه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در قالب دانش پژوهی آموزشی انتشار یافت و جهت آشنایی سایر ذینفعان به نقد و بررسی آن پرداختیم. نظر به لزوم گسترش موضوع، یک فیلم از اجرای آزمونها تهیه نموده و آن را در اختیار سایر همکاران علاقمند قرار دادیم. همچنین یک جلسه در گروه تخصصی به منظور بررسی دقیق نحوه اجرا، امتیاز دهی، نکات قوت و ضعف پس از اجرای آزمون برگزار

گردید. نتیجه گیری: آزمونهای PMP و OSCE می تواند بعنوان روشی موثر و معتبر در سنجش و ارزیابی دستیاران چشم پزشکی بکار رود. همچنین استفاده از روش آزمون PMP در آزمونهای پایانی نظیر مورد تخصصی می تواند در تعیین صلاحیت استدلال بالینی دستیاران چشم پزشکی بکار رود .

تجارب اساتید بالینی از تأثیر مشارکت در گروه بالینت (Balint Group) بر روابط استاد-دانشجو در محیط های بالینی: یک مطالعه کیفی

محمد رضا یزدانخواه فرد - دانشگاه ع. پ. بوشهر، اظهر امید - دانشگاه ع. پ. اصفهان، فریبا حقانی .

مقدمه: گروه بالینت روشی است گروهی که برای تسهیل فهم جنبه های ارتباطی حرف وابسته به سلامت و بیمارانشان مورد استفاده قرار می گیرد. مشارکت کنندگان در گروه های کوچک به اتفاق یک رهبر اقدام به تشکیل جلساتی منظم می کنند تا در مورد تجربیات مشکل ساز خود بحث نمایند. این روش اولین بار در سال ۱۹۵۰ برای بهبود درک روابط پزشک-بیمار مورد استفاده قرار گرفت. تاکنون در سطح دنیا مطالعه ای که تمرکز آن بر گروه بالینت و روابط استاد-دانشجو باشد وجود ندارد. بنابراین هدف از مطالعه حاضر، توصیف و تحلیل تجارب اساتید بالینی از مشارکت در گروه بالینت و تأثیر آن بر روابط استاد-دانشجو در محیط های بالینی می باشد .

روش اجرا: در این مطالعه کیفی که با رویکرد تحلیل محتوی انجام گرفت. مصاحبه های نیمه ساختاریافته عمیقی با ۱۰ نفر از اساتید بالینی مشارکت کننده در گروه بالینت از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد. شرکت کنندگان با نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. مصاحبه ها ضبط، بازبینی و تجزیه و تحلیل کیفی انجام شد. باورپذیری، قابلیت اعتماد، تأییدپذیری و انتقال پذیری داده ها انجام و تأیید شد .

یافته ها: یافته های ما اشاره به این دارد که گروه های بالینت وسیله ای برای بهبود و مدیریت روابط استاد-دانشجو است، زیرا این روش بر اساس بازاندیشی بر روی مواجهه با شرایط سخت و استفاده از تجارب و احساسات ناامیدکننده بنا شده است. تجزیه و تحلیل ها موجب پیدایش چهار درونمایه "رهبری اثربخش"، "چالش های گروهی"، "ارزش آفرینی"، و "پلکان یادگیری نامحسوس" گردید، به طوری که موجب افزایش رضایتمندی اساتید بالینی شد .

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد که گروه بالینت محیطی ایمن و محرمانه را برای اساتید بالینی جهت بیان احساسات و بازاندیشی در روابطشان با دانشجویان فراهم می کند به گونه ای که به اشتراک گذاری تجارب در گروه بالینت می تواند راهی برای افزایش درک اساتید بالینی در مواجهه همدلانه با دانشجویان باشد. ممکن است

گروه‌های بالینت برای همه اساتید بالینی مناسب نباشد و باید راه‌های دیگری را نیز برای بهبود روابط استاد-دانشجو ارائه نمود.

آسیب شناسی موفقیت یا عدم موفقیت دستیاران تخصصی پزشکی بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در آزمون دانشنامه تخصصی بالینی

محیا دادگر آزاد - دانشگاه ع. پ. مشهد، حورا اشرفی فرد - دانشگاه ع. پ. تهران، سارا حق بین - سحر دباغیان - الهه موسی زاده - سمیه سالاری - زهرا کریمی - حسن عیدی بایگی - جمشید جمالی - وحید قوامی - علی عظیمی - دانشگاه ع. پ. مشهد.

مقدمه: موفقیت یا عدم موفقیت دانشجویان در طول تحصیل و بالاخص در آزمون‌های کشوری از مهم‌ترین مسائل نظام آموزشی هر دانشگاه محسوب می‌شود، چراکه این موضوع به‌نوعی نشان‌دهنده موفقیت نظام آموزشی آن دانشگاه خواهد بود و عدم کنترل افت تحصیلی دانشجویان منجر به افت کیفیت و پایین آمدن سطح علمی دانشگاه خواهد شد. از طرفی، دوره دستیاری تخصصی بالینی پزشکی به سبب نقش آن در توسعه سلامت کشور، یکی از دوره‌های حائز اهمیت است. ارزیابی آموزشی در این مقطع به وسیله‌ی ارزیابی درون بخشی، آزمون‌های ارتقاء و در پایان با آزمون گواهینامه و دانشنامه تخصصی انجام می‌شود. آزمون دانشنامه تخصصی با هدف سنجش آگاهی‌ها و مهارت‌های دانش آموزان در دوره دستیاری تخصصی بالینی پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی هر ساله در سطح کشوری برگزار می‌شود. با وجود تحقیقات متعدد در این زمینه و با عنایت به اینکه بررسی وضعیت دانشجویان می‌تواند منجر به شناسایی راهکارهای مناسب جهت پیشگیری از بروز مشکلات برای دانشجویان و جلوگیری از عدم موفقیت آنان در طول تحصیل گردد، تاکنون در دانشگاه علوم پزشکی مشهد مطالعه‌ای جامع برای ارزیابی عملکرد دستیاران تخصصی پزشکی بالینی از منظر شناسایی علل تأثیرگذار بر موفقیت، عدم موفقیت آن‌ها در آزمون دانشنامه تخصصی انجام نشده بود. از این رو تیم پژوهشی ما در مرحله اول ضمن بررسی مطالعات و مقالات مرتبط، وضعیت موفقیت یا عدم موفقیت کلیه دستیاران بالینی تخصصی این دانشگاه که در آزمون دانشنامه تخصصی بالینی سالهای ۹۰-۹۹ شرکت کرده‌بودند را جمع‌آوری و سپس مورد بررسی قرارداد. طبق این مطالعه مشخص شد در سالهای متوالی، اکثریت دستیاران دانشگاه علوم پزشکی مشهد که در بین ۵٪ رتبه‌های برتر در آزمون دانشنامه قرار گرفته‌بودند، از رشته‌های بیماریهای کودکان، طب اورژانس، زنان و زایمان و بیماریهای داخلی بوده‌اند. هر چند که تعداد دانشجویان بیشتر در برخی از رشته‌ها هم موضوعی مؤثر در تعداد نفرات برتر بوده، با این حال درصد قبول شدگان، غایبین و مردودین آزمون در رشته‌های دایر در دانشگاه در این سالها تقریباً به شکل سینوسی بوده‌است. از دیگر یافته‌های جالب این مطالعه قبولی ۱۰۰٪ دستیاران رشته پوست در تمامی این سالها بدون

وجود حتی یک نفر رتبه برتر در آزمون مربوطه است، علاوه بر این در بین شرکت‌کنندگان برخی رشته‌ها که اتفاقاً هر ساله دارای رتبه‌های برتر نیز بوده‌اند، حدود ۵۰٪ مردودی، غیبت مشاهده می‌شود. تیم پژوهشی در مرحله بعدی، نسبت به شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت یا عدم موفقیت دستیاران تخصصی در آزمون مربوطه اقدام نمود. برای این منظور، ابتدا با ۱۰ نفر از اساتید و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف بالینی دانشگاه که برخی از آن‌ها جز نفرات برتر آزمون دانشنامه تخصصی در سال‌های قبلی بوده‌اند، به روش نیمه ساختارمند مصاحبه شد. طبق نتایج این مصاحبه و مرور مطالعات قبلی، برای شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت یا عدم موفقیت دستیاران در آزمون دانشنامه از دیدگاه اساتید و دانشجویان، دوبرسشنامه جهت اساتید و دستیاران فوق تخصصی و همچنین دستیاران تخصصی متشکل از سوالات با مقیاس رتبه‌بندی (بسته به نوع سوالات از مقیاس‌های ۳ یا ۵ درجه‌ای استفاده شد) و به دنبال آن سوالات باز پاسخ در چهار حیطه مشخصات دموگرافیک، سوابق تحصیلی، رضایت از رشته و دانشگاه محل تحصیل و شناسایی سایر عوامل مؤثر طراحی شد (۲۴ گویه اطلاعات دموگرافیک و سوابق جهت اساتید و دستیاران فوق تخصص و ۲۱ گویه دستیاران تخصص، ۲۲ گویه رضایت از رشته و دانشگاه و سایر عوامل جهت اساتید و دستیاران فوق تخصص و ۲۰ گویه دستیاران تخصص) برای ارزیابی روایی محتوایی، از دو ضریب CVI و CVR با استفاده از نظرات ۱۰ نفر از اساتید صاحب‌نظر حوزه استفاده شد. ارزیابی پایایی نیز با روش آلفای کرونباخ با استفاده از ۳۰ نفر از جامعه هدف بررسی شد. تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل‌شده توسط ۲۰ نفر از اساتید و اعضای هیات علمی و ۴۰ نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مقطع دستیاری تخصصی بالینی این دانشگاه که به صورت خوشه‌بندی شده از تمامی گروه‌های آموزشی دایر در دانشگاه انتخاب شده‌بودند، نشان داد عوامل فردی نظیر وضعیت تاهل و سن در زمان تحصیل و سوابق تحصیلی دستیار شامل دانشگاه محل تحصیل در مقطع قبلی، معدل مقطع قبلی، وقفه تحصیلی و سهمیه ورود به دوره جز عوامل فردی مرتبط با موفقیت ایشان در آزمون می‌باشد. همچنین مواردی نظیر برنامه‌ریزی توسط گروه آموزشی و دانشگاه برای تخصیص زمان کافی و آموزش لازم جهت آمادگی در آزمون، وجود دستیاران و اساتید حائز رتبه برتر در گروه، وجود اساتید عضو هیات‌بورد رشته در گروه آموزشی و جذب دانشجو به‌عنوان هیات‌علمی از جمله عوامل انگیزشی برای موفقیت و البته کسب رتبه برتر در آزمون مذکور مشخص شدند. امید است در ادامه کار و با استفاده از نتایج بدست آمده از این تحقیق و مشورت با صاحب‌نظران مربوطه بتوان با ارائه راهکارهای مداخله‌ای مناسب و مؤثر منجر به بهبود وضعیت تحصیلی دستیاران بالینی و در نهایت ارتقا کیفیت آموزشی دانشگاه در حوزه پزشکی بالینی شد.

ارزیابی آموزش مدیریت درمان بیماران سرپایی در مراکز بهداشتی درمانی به کارورزان پزشکی

سعید عالی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، فرزاد نوربخش - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، فروزان گنجی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، ماهرخ شاهرخ - دانشگاه ع. پ. شهرکرد.

مقدمه: از مهم ترین وظایف پزشکان که به عنوان پزشک طرح اقدام به انجام وظیفه می کنند، مدیریت ارائه خدمات بهداشتی درمانی و مدیریت درمان بیماران سرپایی می باشد. در برنامه کارورزی پزشکی اجتماعی آموزش مدیریت درمان بیماران با آموزش مدیریت دارو در مراکز بهداشتی درمانی و تشخیص و نسخه نویسی همراه است. به نظر میرسد انتظاراتی که کارورزان از این بخش دارند بهبود مهارتهای تشخیص و درمان بیماران در شرایط بدون دسترسی به امکانات جامع می باشد. این مطالعه به بررسی نتایج آموزش های مدیریت دارو و درمان در فیلد کارورزی پزشکی اجتماعی پرداخته است.

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی - مقطعی ۴۶ نفر از اینترنهای پزشکی به روش آسان و در دسترس در سال ۹۸-۹۷ وارد مطالعه شدند. نظرات افراد مورد مطالعه در سه محور ۱-آموزشهای تشخیص بیماری (۶ سوال)، ۲-نسخه نویسی (۸ سوال)، ۳-موضوعات مدیریت بیماران اورژانسی در مراکز (۲ سوال)، مورد ارزیابی قرار گرفت. روش جمع آوری اطلاعات پرسشنامه، توسط محققین طراحی شده و پس از ارزیابی که با توجه به خدمات مورد انتظار درمانی دارای روایی محتوا و پایایی $\alpha = 0.7$ بصورت آزمون، آزمون مجدد بدست آمد. سوالات بر اساس مقیاس پنج قسمتی لیکرت (بسیار کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) طراحی شده بود. پس از جمع آوری پرسشنامه های تکمیل شده، داده ها وارد کامپیوتر شد و آنالیز با استفاده از تست های آماری χ^2 و T test Student و با به کار گیری نرم افزار آماری SPSS انجام شد.

یافته ها: در این مطالعه دامنه سنی اینترنهای پزشکی ۲۴ تا ۳۰ سال بود ۲۶ نفر، ۵۶٫۵ درصد دختر و بیست نفر پسر بودند. در خصوص آموزشهای تشخیص بیماری بسیار کم ۲ نفر ۴٫۳ درصد، کم ۴ نفر ۸٫۷ درصد، متوسط ۲۶ نفر، زیاد ۱۲ نفر ۲۶ درصد، خیلی زیاد موردی گزارش نشد، نسخه نویسی بسیار کم ۲ نفر ۴٫۳ درصد، کم ۳ نفر ۶٫۵ درصد، متوسط ۲۲ نفر، زیاد ۱۳ نفر ۵۰ درصد، خیلی زیاد ۶ نفر ۱۳ درصد و موضوعات مدیریت بیماران اورژانسی در مراکز بسیار کم ۲ نفر ۴٫۳ درصد، کم ۳ نفر ۶٫۵ درصد، متوسط ۲۰ نفر ۴۳٫۴ درصد، زیاد ۱۳ نفر ۵۰ درصد، خیلی زیاد ۸ نفر ۱۷٫۳ درصد ابراز رضایت نمودند. **بحث و نتیجه گیری:** توجه بیشتر به آموزشهای مدیریت بیمار سرپایی در دوره کارورزی پزشکی اجتماعی توصیه می گردد.

تاثیر اجرای برنامه دو ساله آموزشی - حمایتی بر کسب شایستگی مراقبت مبتنی بر شواهد در دانشجویان

پرستاری

نوشین موسی زاده - فاطمه حاجی حسینی - رقیه نظری - دانشگاه ع. پ. مازندران، سید حمید شریف نیا .

مقدمه: عملکرد مبتنی بر شواهد یک روش حل مسئله در ارائه مراقبت های بهداشتی و درمانی می باشد که منجر به تصمیم گیری موثر، اجتناب از ارائه مراقبت ها به صورت تکراری و نظر شخصی افراد، توانمندی کارکنان بهداشت و درمان در ارتقا و حفظ سلامت بیماران و ارائه مراقبت با کیفیت می شود. لذا ضروری به نظر می رسد که دانشجویان پرستاری مهارتهای بکارگیری یافته های تحقیق در عمل یا همان اجرای عملکرد مبتنی بر شواهد را یاد بگیرند. لیکن یادگیری مراقبت مبتنی بر شواهد برای بسیاری از دانشجویان یک امر چالش برانگیز است. مطالعات زیادی روش های آموزشی متنوعی را در آموزش این رویکرد توصیه کرده اند که نمونه هایی از آن ها شامل آموزش مبتنی بر بازی، آموزش مبتنی بر حل مسئله و آموزش با رویکرد تیمی می باشند. لذا با توجه به نتایج متون مورد بررسی که توصیه به کاربرد رویکردهای یادگیری متنوع برای آموزش عملکرد مبتنی بر شواهد داشته است، بر آن شدیم تا این مطالعه را با هدف بررسی تاثیر اجرای دو سال برنامه مداخله آموزشی - حمایتی بر کسب شایستگی مراقبت مبتنی بر شواهد در دانشجویان کارشناسی پرستاری، انجام دهیم .

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع نیمه تجربی یک گروهی قبل و بعد است که در آن شایستگی دانشجویان پرستاری در مراقبت مبتنی بر شواهد قبل و بعد از یک دوره دو ساله سنجیده شده است. مشارکت کنندگان ۶۲ دانشجوی کارشناسی پرستاری ورودی یک سال تحصیلی بودند که بصورت سرشماری وارد مطالعه شدند. مداخله آموزشی - حمایتی که از ترم پنجم تا هشتم ادامه داشت، شامل موارد زیر بود :

- ۱-برگزاری کارگاه مراقبت مبتنی بر شواهد برای کلیه مربیان بالینی
- ۲-برگزاری کارگاه مراقبت مبتنی بر شواهد برای کلیه دانشجویان
- ۳-استفاده از کارپوشه به عنوان یک روش آموزشی و ارزشیابی در ترمهای تحصیلی ۵ و ۶ با حضور مربی آموزش دیده -۴استفاده از کارپوشه به عنوان یک روش آموزشی و ارزشیابی در ترمهای تحصیلی ۷ و ۸ بصورت ترکیبی (با و بدون حضور مربی) -۵حمایت اعضا هیات علمی گروه از دانشجویان طی دوره مداخله .میزان کسب شایستگی مراقبت مبتنی بر شواهد دانشجویان در پایان ترم ۸ تحصیلی و قبل از فراغت از تحصیل بود که به کمک آزمون OSCE سنجیده شد. این نمره با نمره پیش آزمون وی که در ترم پنجم کسب کرده بود، مورد مقایسه قرار گرفت .

یافته ها: یافته ها نشان داد که ۳۲ نفر (۶۱، ۵۱ درصد) از دانشجویان زن و ۳۰ نفر (۳۹، ۴۸ درصد) مرد بوده اند. میانگین سنی دانشجویان

شرکت کننده ۴۶، ۲۰ (انحراف معیار ۹۲، ۰) بوده است. مقایسه نمره مهارت مراقبت مبتنی بر شواهد دانشجویان نشان دهنده افزایش معنی دار آن هم در نمره کل و هم در ابعاد مختلف بود. ($P < 0.0001$) همچنین بر اساس یافته های ما ۴۸ نفر (۴۲، ۷۷ درصد) از دانشجویان در ایستگاه مراقبت مبتنی بر شواهد (پایان دوره) نمره خوب و خیلی خوب (۳۰-۴۲)، ۱۲ نفر (۳۵، ۱۹ درصد) نمره متوسط (۹۹، ۲۹-۱۸) و فقط ۲ نفر (۲۳، ۳ درصد) نمره ضعیف کسب کرده اند.

بحث و نتیجه گیری: برنامه حمایتی- آموزشی که برای دانشجویان پرستاری مقطع کارشناسی در این مطالعه طراحی شد برنامه ای مؤثر برای بهبود مهارت ها، شایستگی ها و ارتقاء رضایتمندی آنان بود. بنابراین پیشنهاد می شود که از این برنامه طراحی شده آموزشی- حمایتی در دانشجویان کارشناسی قبل از وارد شدن به محیط بالینی استفاده گردد و در نهایت دانشجویان جهت انجام مراقبت مبتنی بر شواهد در بالین مورد حمایت قرار گیرند. با توجه به آن که آموزش دستورات عمل های بالینی مبتنی بر شواهد، منبع ارزشمندی برای ارتقاء کیفیت خدمات بالینی پرستاری هستند، بنابراین، برای حفظ و توسعه آن، لازم است که توجه دقیقتری بر رویکردهای آموزشی مراقبت مبتنی بر شواهد در حرفه پرستاری صورت گیرد؛ چرا که دانشجویان به عنوان پرستاران آینده می توانند نقش مهمی در توسعه و اجرای این امر مهم داشته باشند. البته محدودیت مطالعه ما این بوده که امکان استفاده از گروه کنترل وجود نداشته است. شاید با همکاری بین چند مرکز و طراحی طرح های مشترک بتوان این محدودیت را بر طرف کرد.

بررسی روایی و پایایی ورژن فارسی پرسشنامه ۲۵ آیتمی استنفورد برای ارزیابی عملکرد آموزش بالینی

علی اصغر حیات - دانشگاه ع. پ. شیراز، میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، نگین قهرمانی - دانشگاه ع. پ. شیراز، مهسا موسوی - مینو کارکن - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: آموزش بالینی فرایندی پویا می باشد که طی آن دانشجویان به صورت تدریجی با حضور بر بالین بیمار، تجربیاتی کسب می کنند. در سالهای اخیر، آموزش بالینی اثربخش، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران رشته های مراقبتی قرار گرفته است. بدون تردید شناخت مشکلات آموزش بالینی اولین گام در جهت بهبود کیفی آموزش می باشد. امروزه تغییرات زیادی در شیوه های ارزشیابی بالینی صورت گرفته است. ارزیابی در زمینه عملکرد آموزش پزشکی و داشتن ابزار دقیق برای این مهم بیش از پیش ضروری می نماید. مطالعه حاضر با هدف بررسی روایی و پایایی ورژن فارسی پرسشنامه ۲۵ آیتمی استنفورد برای ارزیابی عملکرد آموزش بالینی انجام شد.

روش اجرا: در این مطالعه مقطعی ۲۹۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقاطع بالینی مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده ها با استفاده از پرسشنامه

نسخه ی فارسی ۲۵ آیتمی استنفورد در خصوص ارزیابی عملکرد آموزش بالینی که دارای ۷ مولفه بود، جمع آوری شد. همچنین سوالاتی در مورد سن، جنسیت، مقطع تحصیلی، وضعیت تاهل و معدل نیز به این پرسشنامه اضافه شد و اطلاعات جمع آوری شد. برای بررسی روایی و پایایی داده ها تمامی آنالیز ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ و AMOS نسخه ۲۶ انجام شد از ضریب آلفای کرونباخ برای پایای داده ها و از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی برای بررسی روایی سازه استفاده شدند.

یافته ها: میانگین سنی دانشجویان 21.21 ± 2.18 سال بود ۱۲۰ نفر (۴، ۴۱ درصد) پسر و ۱۷۰ نفر (۶، ۵۸ درصد) دختر بودند. ۲۴۷ نفر (۲، ۸۵ درصد) مجرد و ۴۳ نفر (۸، ۱۴ درصد) متاهل بودند. برای بررسی پایایی این پرسشنامه از شاخص ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقادیر این ضرایب برای کل آزمون ۰،۹۵۴، محاسبه گردید. همچنین مقادیر ضریب آلفای کرونباخ نیز برای تمامی مولفه ها محاسبه شد که این مولفه ها شامل ایجاد محیط یادگیری که برابر با ۰،۸۱، کنترل جلسه که برابر ۰،۷۱۴، ارتباط اهداف که برابر با ۰،۹۰۷، تسهیل درک و حفظ که برابر با ۰،۷۶۳، ارزیابی که برابر با ۰،۹۰۰، بازخورد که برابر با ۰،۸۴۸، و برای ارتقاء یادگیر که برابر با ۰،۸۹۸، محاسبه شد. شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با مقدار ۰،۹۳، و شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با مقدار ۰،۰۷۳، که نماینده برازش مقتصد می باشد نشان دهنده تناسب مدل برازش است (GFI) شاخص نیکویی برازش) که نماینده برازش مطلق می باشند برابر ۰،۸۴ را برای مدل نشان می دهند.

بحث و نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد که ورژن فارسی پرسشنامه ۲۵ آیتمی استنفورد از سازگاری داخلی بالایی برخوردار است. ساختار عاملی این پرسشنامه در آنالیز ما تأیید شد و نتایج مطالعه نشان داد هر سوال توسط بیش از ۹۰ درصد دانشجویان پاسخ داده شده است. نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی ما نشان می دهد که الگوی مولفه ها به طرز شگفت آور مطابق با ابعاد ارائه شده در ابتدا بود. اگرچه ممکن است در نگاه اول این نتایج متناقض به نظر برسد، اما توجه به این نکته مهم است که تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی، دیدگاه های مکمل در مورد داده ها را ارائه می دهد. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که این پرسشنامه برای ارزیابی عملکرد آموزش بالینی دارای پایایی مطلوب می باشد.

کلمات کلیدی: ارزیابی عملکرد آموزش بالینی، روایی، پایایی، تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل عاملی اکتشافی

مسئولیت پذیری در محیط آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان بالینی دانشگاه علوم پزشکی فسا ۱۳۹۷

صدیقه نجفی پور - دانشگاه ع. پ. جهرم، فاطمه محب پور - دانشگاه ع. پ. شیراز، سهراب نجفی پور - دانشگاه ع. پ. فسا، فاطمه نجفی پور - دانشگاه ع. پ. شیراز، سیمین محب پور - دانشگاه ع. پ. فسا.

مقدمه: اهمیت رعایت تعهد حرفه‌ای بخصوص در دوران بالینی توسط دانشجویان پزشکی و نهادینه شدن آن در دانشگاه سبب شد تا این مطالعه طراحی و اجرا گردد. مطالعه با هدف بررسی مسئولیت پذیری در محیط بالینی از دیدگاه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی فسا با استفاده از پرسشنامه تعهد حرفه‌ای و تعدادی سوالات باز در سال ۱۳۹۷ انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی مقطعی بر روی ۱۶۶ دانشجوی مقطع بالینی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی فسا انجام شد. جامعه پژوهش شامل دانشجویان بالینی مقطع استیودنتی، اکسترنی و اینترنی بخش های بالینی بود که به روش نمونه گیری آسان در مطالعه وارد شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه ۱۱ گویه ای مسئولیت پذیری برگرفته شده از پرسشنامه روا و پایای اصول تعهد حرفه‌ای دانشگاه علوم پزشکی تهران و تعدادی سوالات باز مرتبط به مسولیت پذیری می باشد گویه های پرسشنامه مسئولیت پذیری شامل رعایت قوانین و مقررات حرفه ای پزشکی، احساس مسئولیت نسبت به وقت بیماران و همکاران، گزارش خطای پزشکی و... که بر اساس مقیاس ۵ نقطه ای لیکرت، از کاملاً رعایت می شود با امتیاز ۵ تا اصلاً رعایت نمی شود با امتیاز ۱ تنظیم شده بود. روش جمع آوری داده ها بدین ترتیب بود که با مراجعه به دفتر آموزش بالینی لیست دانشجویان بالینی بخش های بیمارستان ولیعصر تهیه شد. در طی بازه زمانی یک ماه داده ها جمع اوری شد. پژوهشگر با مراجعه به بخش ها بالینی، پس از معرفی و بیان هدف پژوهش در صورت تمایل دانشجویان به شرکت در مطالعه پرسشنامه ۱۱ سوالی مسئولیت پذیری در اختیار آنان قرار می داد تا بصورت خود گزارش دهی پرسشنامه را تکمیل نمایند پس از تکمیل توسط دانشجویان آن را جمع آوری می نمود در ادامه به منظور کسب اطلاعات بیشتر و افزایش کیفیت نظرسنجی بطور راندوم از تعدادی از مشارکت کنندگان با استفاده از سوالات باز در حوزه مسئولیت پذیری پرسشگری انجام شد که سوالات باز(برداشت شما از تعهد حرفه ای چیست؟ مسئولیت پذیری تا چه حد از جانب شما و در محیط بالینی بیمارستان فسا رعایت می شود و...) تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار (SPSS) انجام شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد ۴۱ درصد (۶۸ نفر) از کل جامعه پژوهشی در این مطالعه مشارکت نمودند که ۶۸ درصد آنها دانشجوی دختر بودند ۴۹ درصد از دانشجویان بالینی در مقطع اینترنی بودند و مابقی استیودنت و اکسترن بودند. خود گزارش دهی دانشجویان در زمینه میزان رعایت اصول تعهد حرفه‌ای مسئولیت پذیری نشان داد که ۳۶

درصد دانشجویان بالینی کاملاً اصل مسئولیت-پذیری را در بخش های بالینی رعایت می نمایند، ۵۷ درصد رعایت می نمایند، ۷ درصد گزارش نمودند نسبتاً رعایت می نمایند اما هیچ گزارشی در زمینه عدم رعایت اصل تعهد حرفه‌ای مسئولیت پذیری یا رعایت تا حدودی آن در محیط بالینی توسط دانشجویان مورد مطالعه گزارش نشد. تحلیل سوالات باز ۱۰ دانشجوی علاقمند به ادامه پرسشگری در حوزه مسئولیت پذیری نشان داد اکثریت دانشجویان ذکر کردند: عمل کردن به مسولیت سخت است، اما ما به مسولیت خویش عمل می کنیم و به دوش دیگری واگذار نمی کنیم، اگر مسولیت های خویش را انجام ندهیم توسط مسولین آموزش به ما تذکر داده می شود، از انجایی که پزشکان با جان بیماران سرو کار دارند لذا تعهد به شغل و مسولیت خویش مهم هست، مسولیت پذیری یعنی اینکه دانشجوی پزشکی خوب آموزش ببیند و توانمند شود تا بتواند بیماران را نجات دهد. مسولیت پذیری یعنی درک شرایط بیمار، یعنی پیگیری روند درمان بیمار، مسولیت پذیری یعنی تعامل رده های مختلف دانشجوی بالینی جهت پی گیری درمان بیماران و مسولیت پذیری یعنی اطلاع از وظایف و هم رعایت آن توسط پزشک و هم بیمار می باشد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج، هرچند اصل مسئولیت پذیری به عنوان یکی از اصول حرفه‌ای گری توسط دانشجویان پزشکی در محیط بالینی به میزان قابل قبولی رعایت می گردد اما بنظر می رسد برای اینکه این توانمندی در دانشجویان نهادینه گردد نیاز است در آموزش دوران تحصیل لحاظ گردد. کوریکولوم اجرا شده و نقش الگویی اساتید در شکل گیری رفتار های حرفه‌ای و نهادینه شدن اصول مسولیت موثر است لذا بنظر میرسد بررسی میزان رعایت اصل مسولیت پذیری در دیگر رشته های بالینی نیاز به مطالعه بیشتر دارد.

کلمات کلیدی: دانشجویان بالینی پزشکی. تعهد حرفه‌ای. مسولیت پذیری. وظیفه شناسی

پیامدهای تامل بر تجارب بالینی در دانشجویان پرستاری:

یک مطالعه کیفی

شهناز کریمی - دانشگاه ع. پ. فسا، نیکو یمانی - فریبا حقانی -

مقدمه: تامل بر تجارب بالینی توسط دانشجویان پرستاری در طی یادگیری بالینی نقش مهمی در توسعه توانایی های دانشجو دارد. با شفاف سازی تامل بر تجارب بالینی در آموزش پرستاری می توان پیامدهای آن را نمایان نمود و در جهت تقویت تامل در مراکز آموزش پرستاری گام برداشت. لذا با توجه به اهمیت تامل در پرستاری بالینی این مطالعه با هدف تبیین پیامدهای بازاندیشی دانشجویان پرستاری در محیط یادگیری بالینی در ایران با رویکرد کیفی انجام شده است تا بدینوسیله تصویر شفاف تری از پیامدهای بازاندیشی برای

برنامه ریزی های اثربخش، فراروی سیاست گذاران عرصه آموزش پرستاری کشور قرار داده شود:

روش اجرا: این مقاله حاصل بخشی از یک مطالعه گراندد تئوری تحت عنوان فرایند بازاندیشی دانشجویان پرستاری در محیط یادگیری بالینی بوده است. این بخش از مطالعه در پی پاسخ به این سوال است که تامل دانشجویان پرستاری بر تجارب محیط یادگیری چه پیامدهایی دارد؟. جامعه مورد مطالعه شامل دانشجویان ترم دوم الی هشتم بودند. دانشجویان ترم اول بدلیل نداشتن برنامه کارآموزی به مطالعه وارد نشدند. مصاحبه با دانشجویان ترم دوم به منظور برخورداری از مواجهه بالینی مکرر در انتهای ترم پس از سیزده هفته کارآموزی انجام شد. این مطالعه بر پاسخ تنها ۲۲ مشارکت کننده متمرکز می باشد که مجموعاً ۲۵ مصاحبه با آنها بعمل آمده است. روش جمع آوری داده ها مصاحبه عمیق، نیمه ساختار یافته بوده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از رویکرد اشتراوس کوربین ۹۸ استفاده شده است.

یافته ها: در مجموع ۸ نفر از مشارکت کنندگان مذکر و بقیه مونث بودند. دانشجویان در این مطالعه در محدوده سنی ۱۹ تا ۲۵ سال، در ترم های تحصیلی دوم الی هشتم دوره کارشناسی پرستاری و سابقه کارآموزی در بخش های مختلف بیمارستانهای وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی فسا و شیراز شرکت داشتند. تحلیل داده ها منجر به استخراج طبقات "توانمندی با زیر طبقات مراقبت آگاهانه، و انجام درست کار" و "عزت نفس" با زیر طبقات رضایت مندی و آرامش شد.

بحث و نتیجه گیری: تحلیل یافته های مطالعه نشان داد تامل بر تجارب توسط دانشجویان در سطح فردی زمینه را برای تغییرات درونی فرد و شکل گیری برخی منش ها و سازه های شخصیتی و احساسات مثبت مانند رضایت مندی، آرامش و خودباوری و در سطح حرفه ای زمینه توانمندی در مراقبت آگاهانه در وی فراهم می آورد. نتایج این مطالعه برای توسعه مداخلات آموزشی به منظور بهبود یادگیری بالینی دانشجویان کاربرد دارد.

دیدگاه دانشجویان پرستاری از آموزش بالینی در بخش انکولوژی: یک مطالعه کیفی

مریم باقری - دانشگاه ع. پ. اصفهان، الهه آشوری - دانشگاه ع. پ. اصفهان، اکرم محمدی - دانشگاه ع. پ. اصفهان.

مقدمه: محیط بالینی بخش مهمی از آموزش پرستاری است که بر درک و کسب تجارب مثبت یا منفی دانشجویان موثر می باشد. بخش انکولوژی یکی از محیط های آموزش بالینی پرستاری است. مراقبت از بیمار مبتلا به سرطان موجب بروز هیجانات و افکار مختلفی می شود که می تواند بر رفتار، نگرش و عملکرد حرفه ای دانشجویان تاثیرگذار باشد. نقش دانشجویان پرستاری ارائه مراقبت، حمایت، آرام سازی بیمار در

مرحله ی پایان زندگی و کمک به بیمار برای مرگ همراه با شان و منزلت است. اما دیسترس های اکتسابی دانشجویان از این محیط بالینی می تواند ارائه این نقش ها را تحت تاثیر قرار دهد. آموزش در زمینه مراقبت تسکینی از بیمار مبتلا به سرطان برای توانایی مواجه شدن دانشجویان پرستاری با این بیماران، نحوه ی برقراری ارتباط درمانی و مراقبت از بیمار در حال مرگ ضرورت دارد. اما اطلاعات محدودی در مورد فرایند یادگیری بالینی در بخش های ویژه ای مانند واحدهای سرطان و خون وجود دارد، این درحالیست که برنامه های آموزش بالین باید بر مبنای اهداف مشخص با آگاهی از نگرش ایجاد تغییر در رفتار و عملکرد تدوین شوند. کشف تجارب و دیدگاه دانشجویان پرستاری نسبت به محیط آموزش بالین در بخش سرطان فرصتی جهت آگاهی از فرایند آمادگی آنها برای توسعه حرفه ای لازم در مراقبت مطلوب از بیماران مبتلا به سرطان در طول مرحله ی بیماری و تسکینی فراهم می نماید. لذا این مطالعه با هدف شناسایی دیدگاه ها و تجارب دانشجویان پرستاری از حضور در بخش انکولوژی با تحلیل تکالیف یادگیری نوشتاری دانشجویان صورت گرفت.

روش اجرا: این مطالعه به روش کیفی در نیمسال دوم تحصیلی ۹۸-۹۷ انجام شد. شرکت کنندگان شامل ۴۰ دانشجوی کارشناسی پرستاری ترم ۵ دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودند. داده ها از ارائه تجارب و دیدگاه های دانشجویان از عملکرد در بخش انکولوژی جهت تکلیف یادگیری نوشتاری روزانه دانشجویان جمع آوری شد. به این صورت که از دانشجویان درخواست شده بود تا تجربه یادگیری خود از موضوعات و رویدادها در بخش بالینی سرطان را روزانه در پایان هر روز کارآموزی یادداشت کنند و به عنوان فعالیت یادگیری به مدرس بالینی تحویل دهند و بازخورد دریافت کنند. تجارب دانشجویان در قالب تکالیف نوشتاری با استفاده از تحلیل محتوای کیفی گرانهایم (۲۰۰۴) تحلیل شدند. یافته ها: تجارب دانشجویان در قالب ۳ تم اصلی سازماندهی شد: ۱- مواجهه های دردناک در بخش سرطان با زیر طبقات همزاد پنداری با بیمار مبتلا به سرطان، چالش در ارائه مراقبت روانی، مذهبی، رنجش حرفه ای در ارائه مراقبت پرستاری سرطان؛ ۲- نیاز به آمادگی برای حضور در بخش سرطان با زیر طبقات محیط یادگیری امن، کاهش اضطراب و توسعه ی مهارت های ارتباطی؛ ۳- توسعه ی حرفه ای در کارآموزی بخش سرطان با زیر طبقات درک ضرورت مراقبت پرستاری همدلانه در بخش سرطان، درک نیاز به دانش تخصصی در ارائه مراقبت پرستاری سرطان و ارتقای مسئولیت حرفه ای.

بحث و نتیجه گیری: محیط یادگیری بالینی در بخش های سرطان از محیط های چالش برانگیز برای آموزش بالینی است. دانشجویان با همزاد پنداری با رنج و غم بیماران احساسات بیماران را درک می کردند. در ارائه مراقبت به بیمارانی که از تشخیص خود آگاهی نداشتند با ترس و چالش آسیب به بیمار مواجه می شدند و در برآورده ساختن نیازهای متفاوت هر بیمار احساس ناتوانی داشتند، به طوریکه ارائه مراقبت مذهبی-روانی از موضوعات مورد توجه دانشجویان بود. لذا حضور در

۴۹,۹۰±۸,۱۶، از دیدگاه مامای مسئول مادر ۸,۰۲±۰,۰۹ و از دیدگاه خود دانشجویان ۴,۷۶±۵۹,۸۲ بود. بین میانگین نمرات عملکرد دانشجویان از دیدگاه مامای مسئول زانو و دانشجو و مربی و دانشجو تفاوت آماری معنی داری وجود داشت ($p < 0,0001$) کاربرد

بحث و نتیجه گیری: در ارزیابی دانشجویان، تنها نباید به ارزیابی یک گروه از مخاطبین اکتفا نمود و لازم است گروه‌های مختلف در امر ارزشیابی دخیل باشند. نتایج مطالعه حاضر بیانگر ناکافی بودن حمایت عاطفی دانشجویان مامایی از مادران در لیبر و زایمان از دیدگاه مربی و مامای مسئول مادر بود. این امر مبین توجه بیشتر به آموزش دانشجویان در زمینه اصلاح عملکرد آنان در زمینه مراقبت از مادران در لیبر و زایمان می باشد.

شبه سازی آموزش بالینی بخش جراحی عمومی مبتنی بر کلاس وارونه به روش مجازی در دانشگاه علوم پزشکی جهرم

الهام رفیعی - علیرضا عباسی - مرضیه حق بین - دانشگاه ع. پ. جهرم.

مقدمه: با توجه به بحران کرونا و حفظ سلامتی دانشجویان ضرورت داشت تا شبیه سازی آموزش بالینی به صورت غیر حضوری انجام گیرد. مدل آموزش کلاس وارونه یک نوع آموزش مبتنی بر سخنرانی مرسوم با ساختار ترکیب شده ای از یادگیری با تکنولوژی آنلاین و یادگیری فعال و مشارکتی با استفاده از روش مجازی است. این روش حتی بعد از دروان کرونا می تواند به عنوان یک روش کمکی برای تدریس استفاده شود.

هدف: ادامه آموزش بالینی به صورت مجازی، تاثیر کلاس وارونه بر آموزش مفاهیم جراحی، تعامل بیشتر استاد و دانشجو، افزایش میزان سودمندی در فرایند یادگیری و یاددهی در دوره های کارآموزی و کارورزی پزشکی.

روش اجرا: در این پژوهش دانشجویان پزشکی کارآموز و کارورز به تعداد ۱۷ نفر (۴ کارورز و ۱۳ کارآموز) به روش کلاس وارونه شرکت کردند. ابتدا توسط استاد آموزش کلاس وارونه و روز قبل از کلاس تکالیف هر دانشجو، جهت مطالعه و تهیه اسلاید از طریق واتساپ به اطلاع ایشان رسانده شد. جهت کارآموزان مباحث پایه ای شرح حال و معاینه و تشخیص های افتراقی و جهت کارورزان تشخیص بیماری و درمان مشخص شد. در این مرحله فرصت برای یادگیری خودراهبردی دانشجو فراهم شد. در روز کلاس دانشجویان و استاد از طریق لینک Sky Room با مدیریت استاد و با بیان نمونه های واقعی به تبادل نظر پرداختند. دانشجوی مسئول هر بخش موظف به پاسخگویی به استاد و ارائه اسلاید بود و سایر سوالات به صورت تعاملی پاسخ داده شد. کلاس قابلیت ضبط شدن داشت و دانشجویان جهت مرور مجدد می توانستند از فایل های ضبط شده استفاده نمایند. جهت تکمیل مطالب، استاد از

بخش سرطان به عنوان محیط یادگیری بالینی نیازمند آمادگی هایی نظیر محیط یادگیری امن، کاهش اضطراب حضور در بخش سرطان و توسعه مهارت های ارتباطی برای دانشجویان است اما با این وجود مواجهه دانشجویان با مشکلات و رنج بیماران موجب شده بود تا دانشجویان درک مناسبی از ضرورت مراقبت پرستاری همدلانه در بخش سرطان داشته باشند. در این راستا احساس نیاز به توسعه دانش تخصصی در بخش سرطان بیش از سایر بخش ها توسط دانشجویان درک شد. مطالعه حاضر پیشنهاد می کند که قبل از حضور دانشجویان در بخش انکولوژی به عنوان محیط یادگیری بالینی، ایجاد آمادگی دانشی و حرفه ای بخصوص در زمینه آموزش مراقبت تسکینی و پایان عمر ضرورت دارد.

کلمات کلیدی: انکولوژی، دانشجویان پرستاری، سرطان، آموزش بالینی

بررسی عملکرد دانشجویان مامایی در حمایت عاطفی از مادران در لیبر و زایمان با استفاده از ارزشیابی ۳۶۰ درجه

طلعت خدیوزاده - علیرضا محبوب امری - حمید حیدریان میری - فاطمه زهرا کریمی - دانشگاه ع. پ. مشهد، سعید خزائی.

مقدمه: با توجه به اینکه حمایت از مادران در لیبر و زایمان یکی از مهارت های حرفه ای مهم در حوزه مامایی است. برای اطمینان از صحت عملکرد دانشجویان مامایی در این حیطه باید کیفیت کار آنان را ارزیابی نمود تا بتوان با رفع نقاط ضعف به افزایش کیفیت مراقبت های مامایی دست یافت.

هدف: مطالعه حاضر با هدف بررسی عملکرد دانشجویان مامایی در حمایت عاطفی از مادران در لیبر و زایمان با استفاده از ارزشیابی ۳۶۰ درجه در زایشگاه های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶ انجام گردید.

روش اجرا: در این مطالعه مقطعی در سال ۱۳۹۷، بر روی ۳۱ دانشجوی سال آخر مامایی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه مشخصات فردی و حرفه ای و حمایت عاطفی از مادران در لیبر و زایمان بود که روایی و پایایی آنها تایید شده است. جهت گردآوری داده ها عملکرد دانشجویان در حمایت عاطفی از مادران در لیبر و زایمان توسط، مربی و مامای مسئول مادر و دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت. تحلیل داده ها با نرم افزار SPSS ۱۶ و آمار توصیفی و تحلیلی انجام شد و میزان p کمتر از ۰,۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد.

یافته ها: در رابطه با حمایت عاطفی از مادران در لیبر و زایمان، میانگین و انحراف معیار نمره کل ارزیابی دانشجویان از دیدگاه مربی

معرفی یک الگوی جدید آموزشی در آموزش واحد " درمان جامع دندانپزشکی "

شعله غیرائی - سپیده مختاری - دانشگاه ع. پ. تهران،

Introducing a Novel Educational Method in the Curriculum of "Comprehensive Care Dentistry" **Background:** "Comprehensive Care Dentistry" (CCD) is a valuable educational program in doctorate of dental surgery (DDS) curriculum that ensure a comprehensive general education for students. Regarding the insufficient competency of dental students in diagnosis & treatment plan in some clinical situations, we had a revision on the educational program of CCD. Summary of work: A novel method of "Clinical Case Presentation" was proposed in the program of CCD. The main educational topics in clinical fields of dentistry were defined and appropriate clinical cases were assigned to them. Then, students have to discuss diagnosis and treatment plan in groups. Finally, answers were mentioned by instructor. Results: A total of ۱۲-۲۰ clinical cases were prepared for each clinical fields of dentistry (endodontics, periodontics,...). Important clinical points of cases were mentioned for the students. Therefore, the main educational topics of dentistry were reviewed by presentation of clinical cases.

Discussion: Evaluation indicated that the majority of students had very positive feedback about this novel educational model in CCD curriculum. In fact, the engagement with education is increased in this new method. Students achieve more efficiency in diagnosis and treatment plan by the case-based teaching model.

Conclusions: Case-based learning is used in a variety of medical fields as a teaching tool. We can use this method in the educational program of CCD. Presentation of clinical cases stimulate a real bedside situation for dental students and aid in connecting theory to practice. By case-based learning in CCD program, students learn to apply their knowledge in the real clinical situations. Their competency for diagnosis and treatment plan is also increased. This new educational method could be introduced to and implemented in CCD program in order to enhance the education and improve patient care.

Keywords: Case-based, Learning, Comprehensive Care Dentistry

اسلاید یا مولاژ استفاده کرده است. در پایان تکالیفی جهت تکمیل مباحث در سامانه نوید برای دانشجویان بارگذاری شد. ارزیابی رضایت دانشجویان از روش کلاس وارونه در مباحث بالینی پانکراس، پستان، تیروئید، عروق و ریه از فرانس لارنس ۲۰۱۹ با حضور ۸۵ نفر از دانشجویان کارآموز کارورز و با استفاده از پرسشنامه رضایت سنجی خودساخته روا و پایا که شامل ۱۶ سوال و ۴ بخش: محتوای تدریس (۳ سوال)، روش تدریس (۳ سوال)، تعامل (۷ سوال) و یادگیری (۳ سوال)، به صورت ۳ گزینه ای ضعیف (نمره ۱)، متوسط (نمره ۲) و خوب (نمره ۳) انجام گرفت. ابتدا نمره رضایت به تفکیک هریک از بخش های پرسشنامه محاسبه و در پایان جهت قابلیت مقایسه نمره رضایت دانشجویان در بخش های مختلف کلبه نمرات از ۱۰۰ محاسبه شد.

یافته: تعداد دانشجویان کارآموز ۶، ۷۵٪ (۶۵ نفر) و کارورز ۵، ۲۳٪ (۲۰ نفر) بودند. میانگین و انحراف معیار نمره رضایت دانشجویان از ارائه درس به روش کلاس وارونه ۸، ۱۱±۰،۵ بوده است. دانشجویان بیشترین نمره را به بخش روش تدریس ۷، ۱۰±۰،۳ و ۹۳ و کمترین نمره را به بخش میزان یادگیری ۸، ۱۷±۰،۹ داده بودند. میانگین و انحراف معیار نمره رضایت دانشجویان کارورز از روش تدریس به شیوه کلاس وارونه ۹۲،۵۰ (۶،۵۳) بالاتر از دانشجویان کارآموز ۹۰،۶۱ (۱۳،۰۴) بوده علاوه بر آن میانگین نمره دانشجویان کارورزان در همه بخش های پرسشنامه رضایت سنجی بالاتر از دانشجویان کارآموز بوده ولی این اختلاف از نظر آماری معنی دار نمی باشد.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به همه گیری بیماری کوید ۱۹ و لزوم فاصله گذاری اجتماعی و اجرای قرنطینه و نیاز به ادامه آموزش و همچنین جهت مشارکت هرچه بیشتر دانشجویان پزشکی در این امر، این مطالعه انجام شد و نتایج حاصله از نظرخواهی از ایشان دلالت بر رضایت کلی از این روش و افزایش سطح دانش و یادگیری آنها بوده است. با اینکه محتوای تدریس در هر دو گروه تفاوت معنی داری نداشته است، در زمینه رضایتمندی از نوع آموزش کارورزها نسبت به کارآموزها با درصد بالاتری اظهار رضایت کرده اند، که می تواند به دلیل آشنایی بیشتر ایشان به مطالب و وجود تجربه های قبلی از حضور در بخش جراحی در دوران کارآموزی و داشتن دانش و نگرش و تجربه عملی بیشتر باشد. در زمینه تعامل، تفاوتی بین دو گروه مشاهده نشده است. البته تفاوت ها با اینکه معنی دار نیست اما بطور کلی ضمن بیان ارزش بالای این روش برای انتقال مفاهیم و مدیریت کلاس مجازی، سودمندی بیشتری برای کارورزان داشته است. این روش در انتقال دانش و نگرش سودمند است اما در انتقال مهارت ارزش کمتری دارد و به عنوان روش کمکی و تعاملی در آموزش بخش جراحی در کنار راند حضوری بر بالین بیمار برای تکمیل فرایند آموزشی حتی بعد از دوران کرونا نیز مفید خواهد بود. لزوم تشویق اساتید و آموزش در زمینه استفاده از این روش آموزشی در دروس بالینی احساس می شود.

کلمات کلیدی: کلاس وارونه، آموزش بالینی مجازی، جراحی عمومی

افزایش آگاهی و میزان دستیابی به اهداف مورد نظر، از دیدگاه اساتید شرکت کننده در کارگاههای مجازی آموزش پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان

دکتر سید سعید کسائی - دانشگاه ع. پ. سمنان، ملیحه بخشائی - دانشگاه ع. پ. سمنان، لیدا فتحی زاده - دانشگاه ع. پ. سمنان، فریده یزیدی ثابت .

مقدمه: یکی از اهداف اصلی مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاههای علوم پزشکی، برگزاری دوره های رشد و بالندگی (توانمندسازی)، جهت نیل به هدف عالی ارتقاء سطح دانش و آگاهی اساتید دانشگاه می باشد. در سال های اخیر، با توجه رشد چشمگیر نقش آموزش مجازی در زمینه انتقال دانش و همچنین با توجه به شرایط کنونی جامعه از جهت پاندمی بیماری کرونا، استفاده از آموزش مجازی در دوره های توانمندسازی اساتید نیز، نمود ویژه ای یافته است .

روش اجرا: این مطالعه توصیفی مقطعی، به منظور بررسی میزان افزایش آگاهی و میزان دستیابی به اهداف مورد نظر در کارگاههای آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان سمنان در سال ۱۳۹۸، انجام گردیده است. جمعیت مورد مطالعه، ۱۴۰ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان بوده اند که در کارگاههای توانمندسازی مرکز مطالعه و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه، شرکت نموده اند. در این مطالعه، روش نمونه گیری، سرشماری به کار گرفته شده است. ابزار جمع آوری داده ها، پرسش نامه های معتبری بوده است که پس از برگزاری کارگاههای توانمندسازی، توسط اساتید شرکت کننده تکمیل و ارائه گردیده است. داده های بدست آمده از طریق این پرسشنامه ها، توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید .

یافته ها: نتایج حاصله نشان داد میزان برآورده اهداف مورد انتظار و همچنین میزان بهبود و ارتقاء سطح دانش و آگاهی اساتید، در کارگاههای مجازی برگزاری شده، از دیدگاه اعضای هیئت علمی شرکت کننده، متفاوت بوده است. معیارهای مورد ارزیابی مذکور به ترتیب در کارگاه آشنایی با مقررات هیات علمی، ارتقاء، محرومیت از مطب و قوانین آموزشی (۳، ۸۰/۹۱، ۸-/۹۳)، کارگاه آشنایی با سامانه نرم افزار نوید، مجازی سازی (۶، ۸۷/۸۷، ۵-/۹۲)، کارگاه اخلاق حرفه ای، اخلاق در آموزش (۸، ۸۵/۷۰، ۷-/۸۵)، کارگاه روشهای تدریس (۷، ۷۲/۰۶-، ۷۲/۰۶)، کارگاه روشهای ارزشیابی در آموزش (۱، ۷۲/۰۶-، ۷۴/۰۶) و کارگاه طرح درس و طرح دوره (۷، ۶۶/۰۹-، ۷۱/۰۷) بدست آمده است.

بحث و نتیجه گیری: برگزاری کارگاههای مجازی به طور مستقیم، نقش بسزایی در بهینه سازی ساختار نظام آموزشی توانمندسازی اساتید با هدف ارتقای بهره وری و شکوفایی علمی اساتید خواهد داشت. در این راستا به کارگیری روش های جدید آموزشی، فناوری های نوین و مجازی سازی، تاثیر مثبتی بر کارآمدی کارگاهها داشته است و به نحو موثری اهداف مورد انتظار اساتید شرکت کننده را برآورده ساخته و موجب افزایش سطح دانش و آگاهی آنان شده است. لذا از این نتایج می توان به عنوان ابزاری نیرومند جهت برنامه ریزی های علمی و کارشناسی جهت برگزاری دوره های توانمندسازی آتی، بهبود کیفیت سطح آموزش و استفاده از عناوین به روز مورد انتظار و در نتیجه برآورده شدن اهداف عالی جهت رشد و بالندگی اعضای هیئت علمی استفاده نمود. این روش می تواند به عنوان الگویی کاربردی جهت سایر دانشگاههای کشور نیز مورد استفاده قرار گیرد .

کاربست فناوری در انطباق آموزش پزشکی در دوران پاندمی کووید-۱۹: تجربه دانشگاه علوم پزشکی مشهد

سبثم نیرومند - دانشگاه ع. پ. مشهد، علی عمادزاده - دانشگاه ع. پ. مشهد، هانیه مستور - دانشگاه ع. پ. مشهد.

مقدمه: آنچه واضح به نظر می رسد این است که بیماری همه گیر COVID-۱۹ چالش های قابل توجهی را در زمینه آموزش پزشکی ایجاد کرده است. این مدل آموزش سنتی بود که پیش از COVID-۱۹ به عنوان یک استاندارد طلایی پذیرفته شده بود اما در شرایط فعلی برنامه های آموزشی در قالب یادگیری الکترونیکی و آموزش مبتنی بر رایانه، بدیهی است که رویکردهای مدرن عصر دیجیتال با تأکید بر تعاملات چهره به چهره برای آموزش پزشکی مورد نیاز و اجتناب ناپذیر است. **روش اجرا:** همواره می بایست به خاطر داشت که آموزش، نمایش دانش نیست بلکه فرایندی است شامل شناسایی سطح یادگیری و تصمیم گیری درباره مداخلاتی که تسریع کننده یادگیری می باشند. ما در این مطالعه سعی کردیم دامنه مشکل سازگاری آموزش دانشجویان پزشکی و دستیاران تخصصی بالینی را در دوران بیماری همه گیر COVID-۱۹ ضمن حفظ ایمنی دانشجویان، دستیاران، اساتید، مربیان و بیماران مورد بررسی و آنالیز قرار دهیم .

یافته ها: روش های نوین متعددی از جمله کلاس درس معکوس، یادگیری مجازی، طراحی مواد آموزشی الکترونیکی (۹۶۳۸ محتوای الکترونیکی آموزشی توسط مربیان طراحی گردیده است) و کلینیک های پزشکی از راه دور با مشارکت دستیاران تخصصی بالینی از طریق برگزاری گزارش صبحگاهی، گزارش مورد، جلسات ژورنال کلاب مشترک با همکاری گروه های آموزشی مختلف به طور مجازی (۱۶۴۸ جلسه وبینار) انجام شد. برنامه ریزی برای برگزاری امتحانات آنلاین و ارزیابی ها به صورت الکترونیکی از دیگر رویکردهایی است که در طی

همه گیری انجام شده است. نظرات دانشجویان پزشکی، دستیاران تخصصی بالینی جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها حاکی از آن بود که شرکت کنندگان استفاده از آموزش مجازی را مثبت و اثربخش ارزیابی نموده اند (امکان مشارکت دانشجوی، دستیار در فرایند یادگیری ۸۴٪، تناسب آموزش ارائه شده با طرح دوره ۸۱٪، نگرش نسبت به مفید بودن یادگیری الکترونیکی ۷۳٪، کیفیت و کارایی محتوای الکترونیکی غیرهمزمان و جلسات همزمان (کنفرانس ویدئویی) ۷۷٪، سهولت تماس دانشجوی، دستیار با مربی و پاسخ به موقع ۸۷٪، استفاده از ابزارهای مختلف ارزیابی ۸۹٪ و بررسی به موقع تکالیف و وظایف توسط مربی و ارائه بازخورد به موقع، در زمان واقعی به دانشجوی، دستیار ۸۲٪).

بحث و نتیجه گیری: آموزش با استفاده از فناوری های دیجیتال و کاربرد امکانات یادگیری الکترونیکی می تواند تا حدی خلاء آموزشی را در طول بیماری همه گیر COVID-۱۹ پوشش داده و آموزش کارآمد و اثربخش را پشتیبانی نماید .

بررسی میزان رضایت مندی دانشجویان کارشناسی شنوایی شناسی از روش آموزش از راه دور

سارا حیدری - دانشگاه ع. پ. شیراز، رضا حسین آبادی - پریسا حیدری - دانشگاه ع. پ. تهران.

مقدمه: به منظور نیل به اهداف آموزش و ارتقای یادگیری فراگیران، توجه اساتید به رضایت مندی فراگیران در برنامه ریزی آموزشی از نکات مهم و راه گشا در انتخاب روش آموزش خواهد بود. آموزش از راه دور به عنوان شیوه آموزشی جدید است که در آن آموزش و یادگیری فارغ از زمان و مکان صورت می گیرد. انعطاف پذیری و حذف تردهای بی مورد و پرهزینه برای شرکت در دوره های آموزشی از مزایای آموزش از راه دور می باشد. از این رو پژوهش حاضر، با هدف تعیین تأثیر دو روش آموزش از راه دور بر میزان یادگیری و رضایت دانشجویان شنوایی شناسی، انجام شد .

روش اجرا: این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی است. جامعه پژوهش، ۱۳ نفر از دانشجویان کارشناسی شنوایی شناسی دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی تهران می باشند که درس شنوایی شناسی بالینی را در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۹۹۹ انتخاب نموده اند. یک پرسشنامه محقق ساخته دو قسمتی شامل مشخصات دموگرافیک سن، جنس، ترم تحصیلی، وضعیت تأهل و اشتغال دانشجویان و ۱۶ سؤال نظر سنجی پنج گزینه ای تنظیم گردید. محتوای یک مبحث درسی به صورت اسلاید به همراه صوت استاد ارسال شد و از دانشجویان خواسته شد که پس از مطالعه محتوای درسی، پرسشنامه را تکمیل کنند. سپس مبحث درسی دیگری به صورت کلاس آنلاین در نرم افزار اسکای روم برگزار شد و همه دانشجویان در کلاس حاضر بودند.

پس از اتمام کلاس آنلاین از دانشجویان خواسته شد که پرسشنامه را کامل کنند .

یافته ها: افراد شرکت کننده در این مطالعه شامل ۱۳ نفر از دانشجویان رشته شنوایی شناسی شامل ۶ آقا و ۷ خانم با میانگین سنی ۵۳، ۲۲ و انحراف معیار ۹۶، بودند. نتایج مقایسه گروه ها نشان داد که مقادیر مجموع امتیازات در حالت اسلاید به همراه فایل صوتی (۷۶، ۹ ± ۴۶، ۵۱) و کلاس آنلاین (۱۵، ۱۷۵۲ ± ۱۰) تفاوت معناداری مشاهده نشد (۹۹، ۵- تا ۹۵٪/۴، ۶۱، ۶۱ : CI ، ۷۸، ۰ . p): زمانی که تمامی سؤالات در هر دو روش به صورت تک تک مقایسه شدند، تنها در دو سؤال (۱۰ امکان پرسش و پاسخ در کلاس) و ۱۳ (بررسی میزان تمرکز دانشجویان) تفاوت معناداری مشاهده شد. همچنین ارتباط معناداری بین سن و جنسیت و امتیازات پرسشنامه در دو روش تدریس یافت نشد.

بحث و نتیجه گیری: با استفاده از یافته های بیان شده می توان نتیجه گرفت که رضایتمندی دانشجویان کارشناسی رشته شنوایی شناسی از آموزش به هر دو روش یکسان بوده است. تکنولوژی های یادگیری از راه دور می توانند بدون هیچ محدودیتی با هم ترکیب شوند اما هر یک از روش ها مزایا و محدودیت هایی دارد. در روش آموزش از طریق کلاس آنلاین دانشجویان به طور همزمان آموزش می بینند و استفاده از این روش در دوره های نیازمند بحث گروهی و پرسش و پاسخ، ایده آل است. در صورتی که روش تدریس به صورت اسلاید به همراه فایل صوتی در دوره هایی که محتوای مطالب آن ثابت می باشد مثر ثمر است .

بررسی تجربه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی در استفاده از سامانه آموزش مجازی نوید در اولین نیمسال تحصیلی طی اپیدمی کووید ۱۹

مرضیه معراجی - سید محسن لعل موسوی - هما حاجی زادگان - زهرا ابراهیمی - دانشگاه ع. پ. مشهد، مهدی یوسفی - دانشگاه ع. پ. مشهد، سمیه فضائلی - دانشگاه ع. پ. مشهد.

مقدمه: شروع پاندمی کووید ۱۹، استفاده از فناوری های ارتباط از راه دور را بیش از پیش مورد توجه قرار داد. دانشگاه ها نیز از قابلیت های ابزارهای مجازی بی بهره نماندند و سامانه های آموزش مجازی جایگزین کلاس های حضوری شدند. این مطالعه به منظور بررسی تجربه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی در استفاده از سامانه آموزش مجازی نوید در بحران کووید ۱۹ طراحی و اجرا شده است .

روش اجرا: مطالعه حاضر به تبیین دیدگاه دانشجویان دانشکده پیراپزشکی در مورد آموزش مجازی در دوران بحران کووید ۱۹ پرداخته است. در این مطالعه جامعه پژوهش را کلیه دانشجویان دانشکده علوم پیراپزشکی تشکیل می دادند که در نیمه دوم سال ۹۹-۱۳۹۸ در

دانشکده مشغول به تحصیل بوده‌اند (حدود ۵۰۰ نفر). ابتدا با استفاده از بررسی مطالعات مشابه پرسشنامه محقق ساخته تدوین شد. سپس پرسشنامه برای ۱۰ نفر از اعضای کمیته آموزش مجازی دانشکده و متخصصین مربوطه ارسال و نظرات افراد در پرسشنامه لحاظ گردید. پرسشنامه اصلاح شده در دور دوم برای اساتید ارسال و پس از تأیید اساتید نهایی گردید. پایایی پرسشنامه نیز با روش آزمون باز آزمون در نمونه ۱۰ نفره از دانشجویان سنجیده و تأیید گردید. سپس پرسشنامه در قالب الکترونیک تهیه گردید و لینک پرسشنامه در گروه واتساپ دانشجویان هر ترم قرار گرفت و از دانشجویان خواسته شد در صورت تمایل به پرسشنامه پاسخ دهند. پیگیری از طریق اساتید مربوط به هر رشته و نمایندگان دانشجویان برای تکمیل حداقل ۵۰٪ درصد از دانشجویان صورت پذیرفت. سپس داده‌ها پس از گردآوری وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پرسشنامه نیز به صورت محقق ساخته با بررسی متون، ایجاد و روایی و پایایی آن سنجیده شد.

یافته‌ها: داده‌های پرسشنامه از ۲۳۳ دانشجو گردآوری شد که اکثریت پاسخ دهندگان ۷۰٪ زن بودند. میانگین سنی دانشجویان حدود ۲۲ سال بود و ۹۱٪ از آنان در مقطع کارشناسی پیوسته مشغول به تحصیل بودند. از این تعداد ۵٪، ۹۵٪ سامانه نوید برای دسترسی به محتوای درسی خود استفاده کرده بودند. در این بین عدم دسترسی به سامانه (۶٫۹٪) بیشترین دلایل عدم استفاده از سامانه آموزش مجازی بود. از نظر دانشجویان توجه به تفاوت‌های فردی و علایق دانشجویان در سبک آموزشی ضعیف (۶۰٫۸٪) ارزیابی شد. تنها ۲۹٪ از دانشجویان عنوان کردند محتوای آموزشی را در بازه زمانی مناسب از طریق سامانه دریافت کرده بودند و استفاده از روش‌های تعاملی توسط استاد را در سامانه نوید تجربه کرده بودند. ترجیح نیمی از دانشجویان پاسخ دهنده، استفاده از سامانه آموزش مجازی در دوره مذکور بوده است و ۴۲٪ از دانشجویان، به طور کلی قابلیت‌های سامانه آموزش مجازی نوید برای ارائه دروس به صورت مجازی در دوران کرونا «خوب» می‌دانستند. و حدود ۳۸٪ آموزش از این طریق را اثر بخش می‌دانستند. حدود ۱۲٪ از دانشجویان پشتیبانی سامانه را خوب می‌دانستند. حدود ۴۵٪ با قابلیت‌های سامانه آشنایی خوبی داشتند. دانشجویان گفتار و علوم آزمایشگاهی بیشترین رضایت را از عملکرد شروع آموزشی خود ابراز داشتند. بین رشته تحصیلی و ارزیابی آن‌ها از عملکرد گروه و سامانه ارتباط معنا دار وجود داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها، اکثر دانشجویان از سامانه مجازی برای دائلود محتوای آموزشی خود استفاده کرده بودند اما حدود ۵۰٪ با قابلیت‌های سامانه به خوبی آشنا نبودند که نشان دهنده لزوم آموزش بیشتر در این زمینه می‌باشد. همچنین میزان رضایت از قابلیت‌های سامانه نیز در حد متوسط قرار دارد که امید است در صورت نیاز به استمرار استفاده از سامانه مذکور ارائه فیدبک به مراکز آموزش مجازی و ارتقاء سامانه خصوصاً در زمینه پشتیبانی و آموزش کاربران

مدنظر قرار بگیرد. البته باتوجه به اینکه در بحران‌ها، مهم‌ترین مشکل غافلگیری می‌باشد، پیشنهاد می‌شود از درس‌های گرفته شده در این بحران برای مدیریت بهتر ادامه راه، استفاده گردد.

استفاده از روش بازی سازی تیمی و رقابتی بصورت الکترونیک در آموزش درس استرایسم به رزیدنتهای سال دوم چشم پزشکی

آرش میرمحمدصادقی - دانشگاه ع. پ. تهران.

مقدمه: درس استرایسم (انحراف چشم) یکی از مشکلترین مباحث چشم پزشکی است. تشخیص و درمان بیماران استرایسم نیاز به دیدن بیماران متعدد و مطالعه فراوان دارد. از آنجایی که وجود استرایسم ممکن است نشانه یک بیماری سیستمیک باشد عدم تشخیص صحیح این بیماران توسط چشم پزشک ممکن است عواقب جبران ناپذیری داشته باشد. با توجه به کاهش بیماران استرایسم در دوران پاندمی کورونا امکان دیدن کیسهای متعدد برای رزیدنتهای چشم پزشکی مقدور نیست. بنابراین روش بازی سازی تیمی و رقابتی بصورت الکترونیک برای جبران نقایص آموزشی این درس بکار گرفته شد

روش اجرا: در ابتدا برای رزیدنتهای سال اول چشم پزشکی ورودی ۹۸ در بیمارستان فارابی هر هفته یک کلاس case-based discussion به مدت ۹۰ دقیقه از فروردین تا شهریور ۹۹ با نرم افزار زوم توسط یک مدرس برگزار شد. در این کلاسها کیسهای شایع و مهم استرایسم با نشان دادن تصویر یا فیلم مورد بحث قرار میگرفت. از ابتدای مهر ۹۹ که رزیدنتها وارد سال دوم میشدند روش بازی سازی تیمی و رقابتی آغاز شد. ۲۲ رزیدنت با انتخاب خودشان به ۱۱ گروه دو نفره تقسیم شدند. مسابقات بصورت تک حذفی انجام میشد. مسابقه بصورت مجازی با نرم افزار زوم در ساعت ۲۱ تا ۲۲:۳۰ چهارشنبه شبها برگزار میشد. سوالات قبل از مسابقه توسط مدرس کنترل میشد و اشکالات احتمالی برطرف می‌شد. در مرحله اول سوالات فقط در قالب کیسهای مطرح شده قبلی بود. هر گروه ۵ سناریو مطرح می‌کردند و در صورت عدم پاسخ گروه مقابل در زمان تعیین شده تماشاچیان به سوال جواب می‌دادند. سپس در مورد سناریوها بحث میشد و به ابهامات رزیدنتها پاسخ داده می‌شد. یک گروه در مرحله اول استراحت داشت. در مرحله دوم ۶ گروه از رزیدنتها شرکت داشتند. در این مرحله سوالات مشکلتر شد و بصورت عکس و فیلم بیماران بود. عکسها یا فیلمهای انتخاب شده می‌توانستند خارج از مباحث کتاب درسی رزیدنتها باشند. عکسها و فیلمها توسط خود رزیدنتها از بیماران خودشان یا از اینترنت تهیه می‌شد. در این مرحله نیز هر گروه ۵ عکس یا فیلم مطرح می‌کردند و گروه مقابل باید تشخیص یا درمان بیمار را می‌گفتند. در مرحله سوم یا نهایی درس چشم پزشکی کودکان نیز به استرایسم اضافه شد و عکسها و فیلمهای بیماران از هر دو درس تهیه شد. همانند مراحل قبلی هر گروه ۵ عکس

یا فیلم مطرح می کردند و گروه مقابل باید تشخیص یا درمان بیمار را می گفتند. در انتها به گروه برنده جوایزی اعطا شد .

یافته ها: در نظرسنجی به عمل آمده از رزیدنتها ۹۱ درصد شرکت کنندگان در مورد این روش رضایت بسیار زیاد یا زیاد داشتند. ۷۷ درصد آنها این روش آموزشی را به روشهای دیگر آموزشی از جمله- case based discussion ترجیح می دادند. ۵۰ درصد رزیدنتها زمان برگزاری این روش را مناسب میدانستند و بقیه معتقد بودند که باید این روش ۳ ماه زودتر برگزار میشد. ۹۱ درصد رزیدنتها مایل بودند که این روش در مورد درسهای دیگر هم برنامه ریزی و اجرا شود.

بحث و نتیجه گیری : روش بازی سازی تیمی و رقابتی می تواند در یادگیری دروس مشکل بالینی مانند درس استرابیسم موثر باشد. این روش مزایایی مانند یادگیری فعال و یادگیری از همتایان را در بر دارد. همچنین کار تیمی در رزیدنتها را تقویت کرده و قدرت جستجو در متون علمی را در ایشان تقویت می کند. در دوران پاندمی کورونا انجام این روش بصورت الکترونیک میسر است .

بررسی مقایسه ای برگزاری کلاس های آنلاین (وبینار) و استفاده از محتوای آموزشی با قابلیت بارگذاری جهت آموزش دانشجویان علوم پزشکی

سمیرا اصغرزاده - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، مرجان بهرامی نسب - دانشگاه ع. پ. سمنان، سمانه عرب - دانشگاه ع. پ. سمنان، پیمان محقق - انا عبدالشاهی - دانشگاه ع. پ. سمنان.

مقدمه : در پی شیوع اپیدمی بیماری ناشی از ویروس COVID-۱۹ و با تعطیلی دانشگاهها و مراکز آموزشی در ایران از اوایل اسفندماه سال گذشته، آموزشهای مجازی وارد عرصه آموزشهای رسمی دانشگاهها و جایگزین تدریس و تحصیل دانشگاهی شد. هر چند پیش از این، آموزشهای مجازی در حد کم در دانشگاههای کشور برای گروههای تحت پوشش ارائه می شد، اما با تعطیلی کلاسهای حضوری، بحث ادامه تحصیل دانشجویان به صورت آنلاین جدیتر مطرح و در دستور کار قرار گرفت و این نوع آموزش که تا به حال مورد توجه جدی قرار نگرفته بود، اکنون در کانون توجه همگان است و همگام با این رویدادها، دانشگاهها به فکر راه اندازی سامانه های آموزش مجازی برای دانشجویان خود هستند. سامانه نوید بعنوان بستر اصلی آموزشهای غیر حضوری دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در نظر گرفته شده است. در این سامانه امکان ارائه درس و تعامل با دانشجویان به شکل غیرهمزمان وجود دارد. مزایای این رویکرد مواردی چون قابلیت اجرا با توجه به بستر اینترنت، ماندگاری مباحث و تعاملات برای استفاده دانشجویان، مدیریت راحت تر برای مدرس، امکان مدیریت درس در هر زمان و مکان و با حداقل اینترنت است. روش آموزشی دیگر استفاده از

وبینار و کلاس همزمان می باشد که تعامل مناسبی بین استاد و دانشجو وجود دارد اما برای شرکت دانشجویان نیاز به دسترسی به اینترنت مناسب و نیز اطلاع رسانی برای ساعت و شرکت در کلاس دارد . علاوه بر آن مدیریت خوب و موثر این کلاسها ممکن است برای برخی نیاز به تجربه قبلی داشته باشد. البته اغلب دانشگاهها برای برگزاری همزمان کلاسهای متعدد نیز محدودیت دارند. مطالعه حاضر باهدف مقایسه برگزاری کلاس های آنلاین (وبینار) و استفاده از محتوای آموزشی با قابلیت بارگذاری از نظر دانشجویان دو دانشگاه علوم پزشکی سمنان و شهرکرد در سال ۱۳۹۹ انجام گرفته است .

روش اجرا : این مطالعه توصیفی- مقطعی بر روی دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان و دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد انجام شد. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه ای در رابطه با معیارهای تدریس نظری و عملی بود. داده ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و درصد) و آمار استنباطی (اسپیرمن، χ^2 ، آنووا و آزمون تعقیبی توکی (از طریق نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند .

یافته ها : نتایج نشان داد که درصد بالاتری از دانشجویان از نظر کیفیت صدا و تصویر، یادداشت برداری، مدیریت زمان، انعطاف پذیری درسی، انتقال مفاهیم، قابلیت تکرار مطالب و مدیریت استرس از روش بارگذاری محتوای آماده درسی به نسبت کلاسهای آنلاین راضی بودند. در مقابل قابلیت بحث و تبادل و ارتباط استاد و دانشجو در کلاس آنلاین موافقین بیشتری را شامل می شد. در کل نتایج نشان می دهد که اغلب دانشجویان به روش بارگذاری محتوای آموزشی بیشتر از کلاسهای آنلاین تمایل دارند.

بحث و نتیجه گیری : مهم ترین چالشی که دانشگاه در دوران کرونا با آن مواجه شد کیفیت آموزش دانشجویان و یادگیری آنها بود . با توجه به یافته های این مطالعه با در نظر گرفتن فوایدی مانند قابلیت تکرارپذیری مطالب و کیفیت صدا و تصویر بدون قطعی و استفاده از مطالب در هر زمان و مکان، با تقویت سامانه هایی مانند سیستم نوید به منظور بارگذاری محتوای آموزشی اساتید، می توان شاهد رونق روزافزون آموزش مجازی در کشور بود و حتی بعد از پایان یافتن شیوع بیماری کرونا، این نوع آموزش در کنار آموزش حضوری تداوم داشته باشد .

استفاده همزمان از روش بحث گروهی و جستجو از طریق اینترنت تلفن همراه در کار آموزشی دانشجویان پرستاری

زهره زمانی - دانشگاه ع. پ. سمنان.

مقدمه : امروزه استفاده از تلفن همراه در میان نسل جوان و بخصوص دانشجویان، رواج گسترده ای یافته است. اساتید می توانند در کارآموزی های بالینی به جای روشهای سنتی تدریس مانند پاسخگویی یک طرفه و سریع به سؤالات و ابهامات دانشجویان، از امتیاز بالقوه تلفن همراه

بهرمند شوند. استفاده از شیوه ترکیبی طرح سؤال و جستجوی اینترنتی از طریق تلفن همراه و سپس بحث گروهی دانشجویان با یکدیگر برای رسیدن به صحیح ترین پاسخ در خصوص اشکالات و سوالات دانشجویان در کارآموزی های بالینی می تواند موجب افزایش کیفیت و جذابیت مطالب آموزشی شود. هدف از این روش تدریس، تلفیق روش های سنتی همراه با پیشرفت تکنولوژی است.

روش اجرا: مطالعه حاضر در طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹، در دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان انجام شده است. در این طرح تمام دانشجویان در مقطع کارشناسی پرستاری که مشغول گذراندن واحد کارآموزی پرستاری کودکان، پرستاری مادر و نوزاد و فارماکولوژی بودند، شرکت داشتند. این روش تدریس، به گونه ای است که سؤالات و ابهاماتی که دانشجویان در حین گذراندن کارآموزی در بخش های بالینی برایشان بوجود می آید، به سرعت توسط استاد مربوطه پاسخ داده نمی شود. ابتدا هریک از دانشجویان سوال یا ابهام مطرح شده را از طریق اینترنت تلفن همراه جستجو می کنند. سپس با نظارت استاد به مباحثه گروهی می پردازند و در نهایت صحیح ترین پاسخ توسط استاد مشخص می شود و اشکال یا ابهام مطرح شده، برطرف می شود. پس از اتمام دوره میزان رضایت دانشجویان از این روش تدریس از طریق پرسشنامه ارزیابی شد. سپس اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج حاکی از میزان رضایت بالای (بیش از ۹۴ درصد) دانشجویان شرکت کننده در این طرح بود. همچنین ۹۰ درصد از دانشجویان اظهار داشتند که ماندگاری مطالب آموزشی از طریق جستجوی اینترنتی و بحث گروهی، نسبت به روش پاسخ سریع سؤالات توسط استاد، بیشتر است.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه امروزه، کاربرد تلفن همراه بعنوان ابزاری جذاب، سودمند و فراگیر در بین دانشجویان تلقی می شود، استفاده مناسب آن در جهت ارتقاء سطح آموزشی بعنوان یک روش مکمل در کنار روش استاد محوری در کارآموزی دانشجویان پرستاری می تواند موجب افزایش یادگیری و رضایت دانشجویان شود و از سویی دیگر آنها را در درک بهتر مفاهیم درسی یاری کند.

کلمات کلیدی: بحث گروهی، جستجو اینترنتی، کارآموزی، رضایت

ارتقاء یادگیری در آموزش مجازی دانشجویان پزشکی در درس انگل شناسی با استفاده از تکالیف صوتی در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

حبیب اله رضایی - دانشگاه ع. پ. یاسوج، محمد امین قطعی - دانشگاه ع. پ. یاسوج.

مقدمه: آموزشهای مجازی منجر به تحول آموزش در گروه های هدف مختلف در جوامع پیشرفته شده است. هر چند در سال های قبل آموزش مجازی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور حضور داشت اما از زمان شیوع کووید ۱۹ در ایران و با شروع ترم دوم تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹، کلاسها به سرعت و در یک بازه زمانی کوتاه از مدل حضوری به مجازی بر خط و غیر بر خط برای آموزش علوم پایه پزشکی تغییر کرد. همچنین ارزشیابی و بازخورد یادگیری دانشجویان نیز از شکل حضوری تکوینی و تجمعی به شکل مجازی تغییر کرد. مشکلاتی از جمله عدم رضایت دانشجویان از زمان بندی امتحانات مجازی، قطع شدن شبکه حین امتحان، عدم امکان مراقبت کامل از برگزاری سالم آزمون منجر به کاهش رضایت دانشجویان و اساتید شده است. با توجه به تجربه گروه مطالعه به عنوان اولین ارائه کننده آموزش مجازی در دانشگاه علوم پزشکی یاسوج از ۴ سال قبل برای برخی از رشته ها و با توجه به اینکه از سال قبل بخشی از درس انگل شناسی رشته پزشکی به صورت مجازی ارائه شده بود و با توجه به عدم حضور اجباری دانشجویان به علت اپیدمی کرونا، برای اولین بار در کشور در علوم پزشکی از محتوی صوتی تولید شده توسط دانشجویان جهت بازخورد یادگیری آموزش مجازی استفاده شد.

روش اجرا: درس انگل شناسی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در دو واحد ارائه می شود که ۶، ۱ واحد به صورت تئوری ارائه میگردد. این فرایند شامل ۲ مبحث کرم شناسی شامل کلیات ترماتودها و بخشی از ترماتودهای کبیدی و روده ای بود. مولتی مدیا مورد نظر به صورت پادکست حاوی مطالب مد نظر تهیه شد. به این منظور از نرم افزار Camtasia ۹ استفاده شد و فایل های هر فیلم به فرمت SCORM ذخیره و تولید شد. دانشجویان موظف شدند حداکثر تا ۵ روز بعد از بارگزاری پادکست ها خلاصه مطالب را به صورت یک محتوی صوتی ۵ دقیقه ای تهیه و از طریق whatsapp ارسال نمایند. در این محتوی در ابتدا دانشجو خود را معرفی و بر اساس شاخص هایی که در معرفی درس در سامانه نوید به دانشجویان ارائه شد محتوی صوتی را تولید کردند. این شاخص ها مرفولوژی، چرخه، تشخیص و درمان بیماری حاصل عفونت های کرمی بودند. نهایتاً جهت ارزشیابی نظرات دانشجویان در خصوص تغییر ایجاد شده، پرسشنامه در مورد تکلیف بر پایه تولید محتوی صوتی در اختیار دانشجویان قرار گرفت. جواب سوالات به صورت انتخاب "موافق بسیار زیاد"، "زیاد"، "کم"، "خیلی کم" و "کاملاً مخالف" طراحی شد. در یک سوال نیز از دانشجویان خواسته شد که نظرات کلی خود را بنویسند. همچنین از مطالب جلساتی که دانشجویان تولید محتوی صوتی کرده بودند امتحان چهار گزینه ای شامل ۷ سوال و نمره کل ۱۴ برگزار شد.

یافته ها: در خصوص ارائه تکلیف صوتی ۷۰٪ دانشجویان معتقد بودند ارائه تکلیف صوتی باعث افزایش یادگیری آنها شده است. ۶۷٪ موافق ارائه تکلیف صوتی بودند و فقط ۱۴٪ به طور کامل مخالف این نوع ارزشیابی بودند. در خصوص جایگزینی تکلیف صوتی به جای کوئیز ۵۸٪

موافق و ۲۵٪ کاملاً مخالف بودند. و تنها ۱۴٪ با تاثیر این روش بر افزایش یادگیری کاملاً مخالف بودند. میانگین نمره کلاس در امتحان چهارگزینه ای ۳۱، ۱۱۳ از ۱۴ بود. به طور کلی دانشجویان موافق با تکلیف صوتی بودند و مجبور بودن به خواندن به منظور تولید محتوی صوتی، برتری تکلیف صوتی نسبت به کوییز به علت اینکه مطالب در ذهن منسجم تر شکل می گیرند، ارائه مطالب یادگرفته شده بدون فشار و استرس در ارائه تکلیف صوتی در مقایسه با کوییز، جالب و جدید بودن تکلیف صوتی و امکان جمع بندی مطالب با این روش و جلوگیری از انباشته شدن جزوه ها برای شب امتحان، را بیان نمودند. همچنین برخی از دانشجویان اظهار داشتند اینکه از دانشجویان خواسته شد تولید محتوی صوتی صرفاً در ۵ دقیقه محدود شود باعث شد که مطالب آموزش داده شده را چندین بار مطالعه کنند تا بتوانند مطالب کلیدی را در مدت کوتاه ۵ دقیقه ای بیان و جمع بندی نمایند. مخالفان این روش اظهار داشتند اگرچه تکلیف صوتی باعث افزایش یادگیری ایشان شد ولی زمان زیادی صرف مطالعه جهت امکان ارائه خلاصه می شد و برخی از دانشجویان نیز تکلیف کتبی را ترجیح خود می دانستند.

بحث و نتیجه گیری: روش تکلیف صوتی در اکثر دانشجویان منجر به افزایش یادگیری می شود. همچنین افزایش مشارکت دانشجویان در امر یادگیری فعال را به همراه خواهد داشت. اگرچه در خصوص دانشجویانی که به آموزش از طریق متون نوشتاری تاکید داشته اند نیز باید توجه شده و درصدی از تکالیف نیز به صورت تولید متن توسط دانشجویان ارائه گردد.

بررسی رابطه بین آمادگی یادگیری الکترونیکی و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۹-۱۳۹۸

زهره بریمانی آبکسری - دانشگاه ع. پ. مازندران، احترام السادات ایلاسی - دانشگاه ع. پ. مازندران، شککیا غیور - دانشگاه ع. پ. مازندران، یاسمن شیرمحمدی - هانیه محمودپور - آذر جعفری کولایی - دانشگاه ع. پ. مازندران، رضا آزادی پور - دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: نفوذ گسترده فناوری های جدید اطلاعاتی به مراکز آموزشی، روابط ساده یاددهی- یادگیری را به طور کلی تحت تاثیر قرار داده است. یادگیری الکترونیکی به عنوان روشی نوین و موثر برای آموزش و یادگیری محسوب می شود که ممکن است به علت نگرش فناوری- هراسانه و عدم آشنایی مناسب با آن، با احتیاط، تردید و مقاومت بکار گرفته می شود. درک آمادگی کاربران نسبت به این فناوری و ارتباط آن با خودکارآمدی یادگیرندگان، ما را قادر به یادگیری کارآمد تر و دستیابی به نتایج بهتر می سازد. لذا این مطالعه با هدف تعیین رابطه بین آمادگی یادگیری الکترونیکی و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشکده نسیبه ساری انجام شد.

روش اجرا: مطالعه‌ی همبستگی حاضر بر روی ۱۰۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی پرستاری و مامایی دانشکده پرستاری- مامایی نسیبه ساری در سال های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ انجام شد. معیارهای ورود به این مطالعه شامل تمایل دانشجو به مشارکت در پژوهش و گذراندن حداقل یک ترم تحصیلی بود. داده ها به کمک پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک (شامل سن، جنس، وضعیت تاهل، ترم تحصیلی و رشته تحصیلی)، پرسشنامه ی آمادگی یادگیری الکترونیکی و خودکارآمدی تحصیلی جمع آوری شد. جهت تجزیه و تحلیل، نرم افزار SPSS نسخه ی ۱۶ و آزمون های آمار توصیفی (تعداد، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن) بکار گرفته شد.

یافته ها: طبق نتایج، میانگین و انحراف معیار سن شرکت کنندگان (۸۰، ۵۲(۱)، ۲۲ سال بود و ۵۸ درصد افراد مونث بودند. متغیر های سن، وضعیت تاهل و ترم تحصیلی با آمادگی یادگیری الکترونیکی و خودکارآمدی تحصیلی ارتباط معنادار داشتند (۰.۰۱، $P > 0$) ولی رابطه بین جنسیت و رشته تحصیلی با آمادگی یادگیری الکترونیکی و خودکارآمدی تحصیلی معنادار نبود ($P = 0.05$).

بحث و نتیجه گیری: با عنایت بر وجود رابطه بین آمادگی یادگیری الکترونیکی و خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان، برنامه ریزی مناسب و فراهم سازی بسترهای لازم جهت تقویت یادگیری الکترونیکی و به تبع آن افزایش خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان مفید و ضروری بنظر می رسد. همچنین پیشنهاد می گردد که با توجه به اهمیت آمادگی یادگیری الکترونیکی، پژوهش های بیشتری در زمینه عوامل موثر بر آمادگی یادگیری الکترونیک صورت گیرد تا دانشجویان در این زمینه توانمندتر و کارآمدتر عمل کنند.

آموزش مجازی در انتقال دانش نظری به دانشجویان علوم پزشکی در پاندمی کرونا

زهره برزی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، کاویان حبیبی - سهیلا ضیائی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، آریان حسینی - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی.

مقدمه: با اختراع ابر رایانه ها در دوران پسامدرن، فضای مجازی خود را به عنوان ابزاری کارا در انتقال و تبادل افکار، آراء و یافته های بشری نشان داده است. با شیوع پاندمی کرونا سیستم یاددهی - یادگیری موثر به عنوان مهمترین رسالت سیستم دانشگاهی، با چالشی جدی روبرو شد. خلاء سیستم آموزش رسمی و حضوری در دوران کرونا این فرصت را مهیا نمود تا فضای مجازی به عنوان کارآمدترین ابزار آموزشی، محاسن و معایب خود را عملاً به محک آزمون گذارد.

ارتقای توانمندی علمی، مهارتی، نگرشی و انتقادی دانشجویان داروسازی با متد آموزش از راه دور، در اجرای رساله‌ی دکتری در دوران شیوع کرونا و پسا کرونا

صبا مهراندیش - شهلا میرزایی - دانشگاه ع. ب. کرمانشاه.

مقدمه: همزمان با شیوع بیماری کووید ۱۹ در اواخر سال ۱۳۹۸، فقدان امکانات آموزشی و عملی، منجر به این شد که تا پایان ماه آوریل، ۹۲٪ از دانش‌آموزان و دانشجویان جهان با محدودیت‌های آموزشی روبرو شوند و تعداد کشورهای دارای سیستم آموزشی تاثیر پذیرفته از پاندمی از ۶ به ۱۹۵ برسد. این مورد گسترش روش‌های آموزش از راه دور که شامل استفاده از امکانات و ابزارهای نوین جهت آموزش بدون حضور فیزیکی دانش آموز و دانشجو در محیط آموزشی می باشد، را منجر شد. کنفرانس‌های تلفنی، ویدیو کنفرانس ها، وبینارها، استفاده از فایل‌های کمک آموزشی مانند پاورپوینت و ... همگی از مثال‌های بارز آموزش از راه دور می باشند. یکی از چالش‌های بزرگ پدید آمده از قرنطینه و پاندمی، روبرو شدن پروژه‌های علمی و طرح‌های تحقیقاتی با یک توقف ناخواسته بود. بخشی از این توقف به علت عدم ارتباط موثر دانشجو با استاد راهنمای مربوطه در دوران قرنطینه است. استفاده از امکانات آموزش از راه دور، در مراحل مختلف می تواند کمک کننده باشد. در واقع پاندمی با وجود تمام مشکلات، فرصتی را در اختیار استاد و دانشجو قرار داده است که با امکانات ارتباطی نوین که به آنها اشاره شد، ارتباط موثرتری را با فرکانس بیشتر ایجاد کنند. این امر نه تنها به دانشجو در زمینه آموزش مفاهیم بنیادی پایان نامه کمک می کند، بلکه دانشجو را با مهارت‌هایی چون مباحثه، انتقاد و ... آشنا می کند و اعتماد به نفس کار عملی و پروژه را در دانشجو افزایش می دهد.

هدف: برای حل این مشکلات در این فرایند، بر آن شدیم که به جای توقف اجرای پایان‌نامه، از امکانات موجود به شکل جدیدی استفاده کنیم که بتوانیم در عین تغییر شکل نحوه آموزش، کیفیت آن را حفظ کنیم. در پایان، سعی شد که با طراحی یک پرسشنامه‌ی هدفمند به بررسی اثر ارتباط از راه دور در زمان پاندمی و پس از پاندمی کووید ۱۹ بر افزایش توانمندی، مهارت علمی، تفکر و توانایی کار عملی، در به سرانجام رساندن رساله‌ی دکتری پرداخته شود.

روش اجرا: نحوه‌ی اجرای این تکنیک به چند بخش تقسیم می شود. در بخش اول استاد راهنما به تفهیم موضوع و اهداف موضوع پایان‌نامه و راهنمایی جهت فراهم آوری اطلاعات می پردازد به این صورت که عنوان به بحث و چالش کشیده می شود و چرایی انجام کار و چالش‌های پیش رو به بحث کشیده می شود. در این مرحله با راهنمایی استاد راهنما و استفاده از روش جستجو آموخته شده و با استفاده از منابع اینترنتی، دانشجو در زمان مشخصی، مطالب مرتبط را گردآوری می کند و در یک یا دو جلسه به صورت پاورپوینت و ارائه با نرم افزارهای اسکایپ یا واتس اپ به استاد خود ارائه می کند. در بخش دوم با توجه به مطالب گردآوری شده، روش‌های اجرای کار استخراج می گردد و روش‌هایی که

هدف: این مطالعه با هدف برآورد کیفی حدود و میزان استفاده از فضای مجازی به عنوان بدیل سیستم آموزش رسمی و حضوری در ارتقای علمی دانشجویان علوم پزشکی در دوران کرونا تبیین یافته است.

روش اجرا: این مطالعه به شیوه‌ی توصیفی - مقطعی و با استناد به داده‌های حاصل از روش پرسشنامه‌ی مجازی تبیین یافت. جامعه پژوهش، کلیه دانشجویان علوم پزشکی پیش‌بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون بودند که حداقل تجربه یک ترم آموزش مجازی را داشتند از ۳۱۵ دانشجوی علوم پزشکی واجد شرایط، ۲۲۶ نفر به سوالات طرح شده در پرسشنامه این پژوهش پاسخ گفتند.

یافته‌ها: از نظر ۴۲،۹٪ دانشجویان، انگیزه‌ی اساتید برای حضور و تدریس مجازی متوسط و انگیزه ۴۰،۳٪ دانشجویان برای حضور در این کلاسها کم است. ۴۳٪ دانشجویان رضایت کمی از تعامل با اساتید خود و ۵۰٪ رضایت کمی از تعامل با همتایان خود دارند. ۵۴٪ آموزش مجازی را غیر ملموس و تاثیر آن بر یادگیری را کم می دانند. فقط ۲۱،۷٪ دانشجویان برای مرور و مطالعه‌ی مطالب تدریس شده‌ی مجازی انگیزه دارند و ۱۱۳،۳٪ این نوع آموزش را بسیار موثر در ارتقاء علمی خود می دانند. و تنها ۲۳،۹٪ تمایل بسیار به ادامه این روش آموزش در دوره پس از کرونا دارند.

بحث و نتیجه‌گیری: اگرچه فضای مجازی به عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های یاددهی - یادگیری تاثیرات مثبت خود را نشان داده و جنبه‌های کاربردی و کارکردی آن در جای جای حیات علمی دنیای پسامدرن فایده و اهمیت خود را به اثبات رسانیده است اما با استناد به نمره‌ی معدل بالاتر از ۱۵ که فرض سطح علمی قابل قبول ۹۶٪ از مشارکت کنندگان بود و همچنین با استناد به میزان دقت در حد زیاد، ۹۰،۷٪ از آنان در پاسخگویی به این پرسشنامه و در نهایت با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، اگرچه میزان مهارت دانشجویان و اساتید در کار با ابزار مجازی و همچنین دسترسی آسان آنان به آن وسایل در حد قابل قبولی منتج شده است، لیکن دانشجویان از مشکلات عدیده‌ی از جمله مشکلات مالی، انگیزشی، زیر ساخت‌های آموزش مجازی و به خصوص عدم اغنای علمی از طریق این نوع آموزش گلايه مند بودند. مشکلات ذکر شده به این نکته مهم اشاره دارد که فضای مجازی هرگز نتوانسته است خلاء سیستم آموزش رسمی و حضوری را پر نماید. لذا دست اندرکاران سیستم آموزش کشور ضمن ارتقاء زیر ساخت‌های آموزش مجازی جهت ارتباط موثرتر استاد و دانشجو، باید به فکر مهیا نمودن شرایط لازم برای برگزاری کلاس‌های حضوری در دوران کرونا باشند.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی - آموزش نظری - دانشجویان علوم پزشکی - پاندمی کرونا

Material and Methods: This research was performed by a single-group semi-experimental study. The subjects were the third semester nursing students of Fatemeh School of Nursing, Shiraz University of Medical Sciences in ۲۰۱۹, who were selected by convenience method (n=۴۰). Educational interventions were performed using designed mobile application. To evaluate the effects of educational program, a qualitative study was performed by conventional content analysis. This phase was done with ۱۷ participants; Six nursing students were selected by purposeful sampling and interviewed in-depth, semi-structured, and face to face. Nursing students were also interviewed by two focus groups (one group of ۶ and one group of ۵). **Results:** The analysis of qualitative data revealed that one theme was obtained, including multilateral growth, which has been extracted from the categories of promoting the students' coping strategies, recognizing how to become a professional, and improving managerial potentials.

Conclusion: Findings showed educational mobile application is effective. It can be provided to help nursing students to create successful results in adapting to students' academic and professional lives.

تبیین اخلاق و عملکرد حرفه ای در بستر یادگیری

سلیمان احمدی - سارا شهبازی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد،

مقدمه: در عصر حاضر، فناوری همه عرصه های زندگی انسان، از جمله آموزش را درنور دیده است. نظام نوین آموزشی تحت عنوان نظام یادگیری الکترونیکی برگرفته از همین فناوری است. کاربرد روزافزون یادگیری الکترونیکی در آموزش دانشگاهی، نگرانی هایی را در حوزه اخلاق در برداشته است. فلسفه آموزش، اخلاق است و بحث اخلاق در یادگیری الکترونیکی به عنوان شکل نوین آموزش، بسیار ضروری می باشد.

روش اجرا: این مطالعه، یک پژوهش کیفی و از نوع content analysis می باشد. اطلاعات از طریق مصاحبه باز عمیق نیمه ساختارمند و تکنیک بحث گروهی متمرکز جمع آوری شده و از طریق تداعی معنا تحلیل شدند. نمونه گیری به صورت هدفمند و به روش گلوله برفی تا رسیدن به اشباع داده ها ادامه یافت و تعداد مصاحبه شوندهگان ۱۰ نفر و شامل اساتید، دانشجویان و فارغ التحصیلان بود. تعداد ۵ نفر در جلسه بحث گروهی دانشجویی و تعداد ۷ نفر در بحث گروهی فارغ التحصیلان شرکت داشتند.

با امکانات موجود دانشکده مطابقت داشته باشد، انتخاب می گردد. در بخش آخر تیم دانشجو و استاد به بررسی نقاط چالشی پروژه می پردازند و روشها و راههای جایگزین را با استفاده از منابع مجدداً بررسی می کنند. در نهایت با توجه به تمرین مهارت جستجوی هدفمند منابع در مراحل پیش، انتظار می رود دانشجو به قدرت نحوه تفکر نقاد، مهارت عملی و اعتماد به نفس افزایش یافته دست یابد.

ارزیابی: جهت ارزیابی تاثیر این روش، دانشجویان در حال تحصیل در ترم های ۹ تا ۱۲ داروسازی که واحد پایان نامه را اخذ کرده اند و مشغول گذراندن یکی از مراحل آن میباشند با استفاده از یک پرسشنامه ی آنلاین هدفمند تهیه شده توسط موتور گوگل مورد ارزیابی قرار گرفتند. ابتدا بر اساس پاسخ به چند سوال کلیدی، دانشجو در یکی از گروه های مطالعه (دریافت تکنیک) و کنترل (عدم دریافت تکنیک) قرار گرفت و سپس امتیازات کسب شده با استفاده از سیستم پنج نمره ای بر اساس پاسخ (کاملاً موافقم=۲، موافقم=۱، نظری ندارم=۰، مخالفم=۱- کاملاً مخالفم=۲-) محاسبه شد. در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار نرم افزار SPSS ۲۵,۰ و آزمون T test جفتی مقایسه و تحلیل شدند.

یافته ها: سوالات به ۳ دسته ی ارزیابی کننده ی تاثیر این تکنیک بر ۱- تفکر، ۲- یادگیری و ۳- مهارت عملی تقسیم شدند. در هر دسته تفاوت معنی داری بین امتیاز کسب شده در گروه کنترل و مداخله وجود داشت. ($p < 0,05$) در نهایت نیز امتیازات کلی برتری دانشجویان گروه مداخله را نسبت به کنترل ثابت کرد. ($p < 0,05$)

بحث و نتیجه گیری: به طور کلی می توان نتیجه گرفت، تکنیک کنفرانس از راه دور، نه تنها تکنیک مناسبی برای بهبود شرایط و توانایی های دانشجو در پیشبرد رساله ی دکتری در دوران شیوع بیماری کووید ۱۹ و قرنطینه است، بلکه این تکنیک می تواند بعد از پایان پاندمی نیز به عنوان تکنیکی موثر در تربیت دانشجویانی، هدفمند، با انگیزه، با سواد و دارای مهارت های عملی بالا موثر باشد.

بررسی تاثیر آموزش مبتنی بر موبایل بر توانمند سازی

دانشجویان پرستاری

مانوش مهربانی - مرضیه مومن نسب - دانشگاه ع. پ. شیراز، شهرزاد یکتا طلب - زهره بادیه پیمای جهرمی - دانشگاه ع. پ. جهرم،

Background: Empowerment of nursing students is an important goal and mobile learning has good advantages in education and health.

Objectives: The purpose of this study was to investigate the effect of mobile based professional self-concept education on empowerment of nursing students.

یافته ها: نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات به دست آمده، نشان داد اخلاق از ضروریات نظام یادگیری الکترونیکی است و شرط رسیدن به این هدف، مهیا نمودن پیش نیازهای اساسی این حوزه، می باشند. برای تبیین اخلاق و عملکرد حرفه ای در بستر یادگیری الکترونیکی، مطالعه اهداف و سیاستهای ایجاد نظام یادگیری الکترونیکی، مطالعه اسناد بالادستی و تحلیل محتوای موضوعی، تشکیل کارگروه جهت اولویت بندی مؤلفه ها، تدوین تاکسونومی، بررسی پیش نویس با برگزاری جلسات نقد با حضور متخصصان و جمع آوری بازخوردهای فراگیران و تهیه و در اختیار گذاری فهرست نهایی، ضروری می باشد. بحث: با توجه به گسترش روز افزون و مزایای متصور آموزش الکترونیکی چاره ای نیست جز آنکه در برنامه های جاری آموزشهای دانشگاهی ادغام گردد. لازمه این کار بینش علمی نسبت به تمامی جنبه های مختلف این مسئله و طراحی فرآیند تغییر براساس شرایط جدید است. همانطور که انتظار داشتیم آموزش سنتی یک نظام آکادمیک و اخلاقی باشد، به همان نسبت انتظار داریم که نظام یادگیری - الکترونیکی بتواند یک نظام علمی، آکادمیک و در عین حال اخلاقی باشد و فارغ التحصیلان و به زبان دیگر شهروندانی تحویل جامعه بدهد که ارزشهای اخلاقی در آنها نهادینه شده باشد. در چنین صورتی است که نظام یادگیری الکترونیکی به رسالت خود عمل کرده و اعتماد جامعه را جلب خواهد کرد.

بحث و نتیجه گیری: برای داشتن نظام یادگیری الکترونیکی اخلاقی، آگاهی و تعهد ذینفعان نسبت به اصول حرفه مندی از ضروریات می باشد. لذا با داشتن تعاملاتی حرفه ای، علمی و اخلاقی می توان امیدوار بود که نظام نوین آموزشی بتواند به هدف و غایت خود که همان شکوفایی نسل جوان و جامعه ای آرمانی و متعهد به اخلاقیات است، دست یابد.

دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشکده پیراپزشکی در مورد آموزش مجازی در دوران بحران کووید ۱۹

سید محسن لعل موسوی - هما حاجی زادگان - زهرا ابراهیمی - دانشگاه ع. پ. مشهد، مهدی یوسفی - دانشگاه ع. پ. مشهد، سمیه فضائلی - دانشگاه ع. پ. مشهد.

مقدمه: شیوع بیماری کووید ۱۹ از اوایل اسفند ماه ۱۳۹۸ همه عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ایران را تحت الشعاع قرار داد. بسیاری از دانشگاه ها به جای لغو برنامه آموزشی خود، اساتید را نسبت به ارائه مطالب آموزشی و ارزیابی یادگیری از طریق آموزش از راه دور و آموزش های آنلاین ترغیب نمودند. این مطالعه به منظور بررسی نظرات اعضای هیأت علمی دانشکده پیراپزشکی در مورد آموزش مجازی در دوران بحران کووید ۱۹ طراحی و اجرا شده است. **روش اجرا:** این پژوهش از نوع توصیفی و به روش مقطعی می باشد. در

این مطالعه جامعه پژوهش را کلیه اعضای هیأت علمی دانشکده علوم پیراپزشکی تشکیل می دادند که در نیمه دوم سال ۹۹-۱۳۹۸ در دانشکده مشغول به تدریس بوده اند. ابتدا با استفاده از بررسی مطالعات مشابه پرسشنامه محقق ساخته تدوین شد. سپس پرسشنامه برای ۱۰ نفر از اعضای کمیته آموزش مجازی دانشکده و متخصصین مربوطه ارسال و به صورت الکترونیک نظرات افراد در مورد پرسشنامه اخذ گردید. سپس پرسشنامه در اختیار اعضای کمیته آموزش مجازی دانشکده قرار گرفت و تأیید شد. پایایی پرسشنامه نیز با روش آزمون یاز آزمون در نمونه ۱۰ نفره از اساتید سنجیده و به روش آلفای کرونباخ تأیید گردید. سپس پرسشنامه در قالب الکترونیک تهیه گردید و لینک پرسشنامه در گروه واتساپ اعضای هیأت علمی قرار گرفت و از اعضای هیأت علمی خواسته شد در صورت تمایل به پرسشنامه پاسخ دهند. سپس داده ها پس از گردآوری وارد نرم افزار SPSS ۲۲ شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: داده های پرسشنامه مربوط به ۲۲ عضو هیأت علمی گردآوری شد که پاسخ دهندگان ۴۷،۴٪ زن و ۵۲،۶٪ مرد می باشند. میانگین سنی اساتید حدود ۴۴ سال و سابقه کار ایشان ۱۲ سال بود و از این تعداد ۷۲،۸٪، بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد واحدهای درسی ترم جاری خود را در سامانه نوید به صورت مجازی ارائه کرده بودند. ۷۲،۷٪ از اساتید آشنایی خود با قابلیت های سامانه نوید را زیاد و ۵۰٪ میزان رضایت ایشان از نحوه عملکرد پشتیبانی سامانه نوید برای رفع سؤالات و ابهامات پیش آمده را متوسط اعلام نمودند. ۷۷،۲٪ از اساتید کیفیت صدا و تصویر و فایل های مربوط به مواد آموزشی ارائه شده در سامانه را نیز خوب دانستند. از بین اعضای هیأت علمی ۵۹٪ اثر بخشی آموزش مجازی در بحران کرونا را خوب و ۴۲،۱٪ متوسط گزارش کردند. امکان تعامل و ارتباط اساتید با سایر اساتید از طریق سامانه نوید کم در حالیکه تنها ۹٪ از اساتید امکان ارتباط با دانشجو در این سامانه را کم برآورد نمودند. ۷۴،۹٪ از اساتید به ازای هر ساعت درس حضوری زمان پائین تری به آموزش مجازی اختصاص دادند. ۸۶،۴٪ از اعضای هیأت علمی تطابق سرفصل دروس با محتوای آموزشی ارائه شده توسط خود در سامانه نوید، را خوب برآورد نموده اند. نظرسنجی از اساتید نشان داد که ۶۸،۱٪ آنها در شرایط بحران و تنها ۳۶،۳٪ در شرایط غیر بحران تمایل زیادی به ارائه دروس تئوری به شکل آموزش مجازی از طریق سامانه نوید در ترم های آینده را دارند.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس یافته ها، واحدهای درسی در ترم جاری به شیوه مجازی برگزار شد، امکان تعامل با دیگر استادان کم و با دانشجویان متوسط گزارش شد که در صورت امکان باید زمینه هرچه بیشتر ارتباطات از طریق سامانه صورت پذیرد. همچنین میزان رضایت از سامانه و عملکرد گروه های آموزشی نیز در حد متوسط قرار دارد که امید است در صورت نیاز به استمرار استفاده از سامانه مذکور ارائه فیدبک به گروه ها و ارتقاء سامانه خصوصاً در زمینه پشتیبانی و آموزش کاربران مدنظر قرار بگیرد.

طراحی و روان‌سنجی ابزار بررسی درک دانشجویان از

عملکرد نقش پرستاری

محمد ختیر - نیلوفر پاسیار - دانشگاه ع. پ. شیراز،

مقدمه: اگرچه ارزیابی درک دانشجویان پرستاری از عملکرد نقش از اهمیت بسزایی برخوردار است. ولیکن برای سنجش این مهم پرسشنامه‌ای در دسترس نمی باشد. هدف از این مطالعه طراحی ابزار به منظور بررسی ادراک دانشجویان از گستره عملکرد نقش پرستاری و روان‌سنجی آن می باشد.

روش اجرا: مطالعه حاضر به صورت مقطعی به منظور توسعه پرسشنامه و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی آن انجام شد. محل مطالعه دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز و مشارکت‌کنندگان دانشجویان پرستاری بودند. در مرحله توسعه ابزار، از ۲۱ نفر از دانشجویان پرستاری درخواست شد که عملکرد نقش‌های ثانوی پرستاری را تشریح نمایند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و در چهارده طبقه با ۵۵ گویه تحلیل شدند. سپس، نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا تعیین شد. در مرحله ارزیابی روان‌سنجی پرسشنامه، ۱۳۴ دانشجوی پرستاری، پرسشنامه مشتمل بر ۵۲ گویه را تکمیل نمودند. اعتبار ساختاری نیز مورد ارزیابی قرار گرفت و به جهت ارزیابی قابلیت اطمینان پرسشنامه از روش سازگاری درونی و آزمون مجدد استفاده شد. یافته‌ها: پرسشنامه درک دانشجویان از عملکرد نقش پرستاری شامل ۵۱ گویه در هفت حیطه: «مراقبت حرفه‌ای اخلاقی»، «مراقبت همه‌جانبه»، «آموزشی و ارتباط حرفه‌ای»، «فرهنگی و معنوی»، «حفاظتی»، «مهارت عملکرد حرفه‌ای» و «حمایتی» طراحی گردید. نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا در کلیه گویه‌ها بالاتر از ۰.۶۰ و ۰.۷۵ بود. مدل نهایی در تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که این ۵۱ گویه پرسشنامه درک دانشجویان از عملکرد نقش پرستاری تناسب خوبی دارند. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ در کل پرسشنامه و ضریب پایایی آزمون مجدد به ترتیب ۰.۹۶۷ و ۰.۷۹۳ بود.

بحث و نتیجه‌گیری: پرسشنامه طراحی شده، ابزاری معتبر و قابل اعتماد برای تعیین ادراک دانشجویان از عملکرد نقش پرستاری است. اندازه‌گیری ادراک دانشجویان پرستاری از عملکرد نقش نه تنها موجب ارتقای فهم این پدیده می شود، همچنین به طراحی مطلوب‌تر برنامه‌های درسی و تدوین استراتژی‌های مناسب‌تر آموزشی برای دانشجویان پرستاری می‌انجامد. بدین صورت آن‌ها جهت پذیرش نقش‌های آتی خود در آینده آماده می‌شوند

طراحی و تدوین ماژول‌ها و اپلیکیشن‌های آموزش

مجازی دیابت برای گروه‌های پزشکی

مریم اعلا - دانشگاه ع. پ. ایران، Hossein - Bagher Larijani

Mahnaz Sanjari - Zohreh Hossein Zadeh - دانشگاه ع. پ. ایران،

Design and develop diabetes educational modules for medical science students and care providers

Introduction: E-learning is based on self-centered learning and due to the use of new educational methods, increases self-directed learning. One of the major benefits of e-learning especially for medical science students and providers is related to time and place flexibility. Because of the high prevalence of diabetes in Iran, it requires more educational programs and modules, so if this training is provided electronically to these people, it can empower them in this field and ultimately has positive consequences in patient management. The purpose of this project is to set up and establish appropriate and up-to-date training modules for medical groups to acquire the necessary knowledge in the field of diabetes care.

Method: The present study consisted of ۳ sub studies for need assessment including, a systematic review, a Delphi, and an expert panel sub-study. Accordingly, the objectives and topics educational modules were provided., then the content was produced and presented by providing appropriate infrastructure. Based on this, five executive steps were performed: designing and compiling the titles of electronic modules based on the needs of the target groups, holding an expert panel of specialists to reach the final titles, designing and selecting the module management panel tools, producing electronic content and presenting electronic content, management panel and periodic evaluation.

Results: A total of ۳۷ electronic modules were produced, of which ۲۱ titles have so far succeeded in obtaining overlearning points in the Diabetes Academy system of the Endocrinology and Metabolism Research Institute of Tehran University of Medical Sciences. From ۲۹ provinces of the country, ۱۹۵۱ visits of electronic modules have been done in the CME system and ۷۴۰ people have

succeeded in receiving retraining certificates of electronic modules.

Conclusion: Online learning can play an important role in educating and promoting the prevention and treatment of diabetes. Although people's motivations for education are different, online education has several advantages over traditional learning. These benefits may include self-directed learning, engaging relevant and current topics, flexibility, and the ability to learn at any time and place.



رزشیابی دوره و هیات علمی

ارزیابی اساتید بالینی توسط دانشجویان پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز، ابزاری جهت سنجش اساتید بالینی از دیدگاه دانشجویان

محمد مهدی پرویزی - میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی،
دانشگاه ع. پ. شیراز، فاطمه طهماسبی بلداجی - دانشگاه ع. پ. اهواز،
محبوبه فروغ بخش .

مقدمه: برای دستیابی به آموزش بالینی مطلوب لازم است این نوع از آموزش به صورت مستمر مورد ارزیابی و پایش قرار گیرد. ارزیابی عملکرد آموزشی اساتید می تواند با شناساندن نقاط ضعف و قوت کار ایشان برای خود اساتید مفید بوده و همچنین نتایج چنین ارزیابی در ارتقا عملکرد آموزشی دانشگاه ها و بهبود مهارت های آموزشی اساتید تأثیر گذار باشد. استفاده از نظرات دانشجویان در ارزیابی عملکرد استاد یکی از روش های متداول و در دسترس است که بسیاری از دانشگاه های بزرگ دنیا از آن استفاده می کنند. از آنجا که دانشجویان گروه هدفی هستند که بی واسطه محصول آموزشی استادان را دریافت می کنند، مرتبط ترین گروه برای اظهار نظر در مورد کیفیت عملکرد اساتید هستند.

روش اجرا: از این رو پژوهش توصیفی-مقطعی حاضر با هدف ارزیابی اساتید بالینی توسط دانشجویان پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز، ابزاری جهت سنجش اساتید بالینی از دیدگاه دانشجویان در سال ۹۹ انجام شد. ابزار پژوهش، پرسشنامه SETQ (System for Evaluation of Teaching Qualities) با ۲۵ سوال ۶ گزینه ای در حیطه های محیط یاددهی و یادگیری، نگرش حرفه ای نسبت به دانشجویان، ارتباط اهداف، ارزیابی دانشجویان، بازخورد و ارتقاء یادگیری خودگردان بود که پیش از انجام پژوهش حاضر، در پایان نامه ای ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰.۹۰۸، ۰. محاسبه گردید. شاخص های CVI و CVR تک تک گویه ها نیز در سطح قابل قبولی قرار داشتند و روایی و پایایی پرسشنامه تایید شده بود. جامعه پژوهش دانشجویان پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز در سال های تحصیلی بالینیشان بودند که ۱۱۵ نفر از روش نمونه گیری تصادفی وارد مطالعه شدند. پرسشنامه از طریق Porsline (پرسشنامه آنلاین) ساخته و در گروه ها و شبکه های اجتماعی دانشجویی توزیع و توسط نمونه ها تکمیل گردید. در تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و تحلیلی و نرم افزار SPSS ۲۲ استفاده شد.

یافته ها: تجزیه تحلیل داده ها نشان داد میانگین نمرات هر بعد از پرسشنامه در دانشجویان با جنسیت، تاهل، سن و سال تحصیلی مختلف تفاوت معناداری ندارد که این امر حاکی از عدم ارتباط

مشخصات ذکر شده دانشجویان با نحوه پاسخ دهی آنهاست. همچنین نتایج نشان داد که میانگین پاسخ ها به ترتیب اولویت شامل انتقال اهداف، نگرش حرفه ای نسبت به دانشجویان، بازخورد، محیط یاددهی و یادگیری و ارتقاء یادگیری خودگردان و ارزیابی دانشجویان بوده است. یافته های تحقیق همچنین مشخص نمود که از نگاه دانشجویان، انتقال اهداف با میانگین ۴.۰۴ نسبت به سایر ویژگی های تدریس اساتید بالینی از اهمیت بیشتری قائل هستند، در حالی که توجه اساتید به ارزیابی دانشجویان را با میانگین ۳.۸۰ کم اهمیت تر ارزیابی نموده اند.

بحث و نتیجه گیری: لذا به دلیل اهمیت امر ارزشیابی پیشنهاد می شود ضمن توجه ویژه به این امر مهم، باید "فرآیند ارزیابی دانشجویان" با رویکرد کارشناسانه و علمی تر و مبتنی بر توانایی تحلیل دانشجویان، ارزشیابی دانش تخصصی و مهارت پزشکی در فواصل زمانی منظم، توس اساتید به کار گرفته شود که این امر می تواند به بهبود کیفیت آموزش بالینی و تاثیر بر آموزش و یادگیری دانشجویان پزشکی کمک کند و همچنین سبب بهبود شرایط یادگیری و کیفیت تدریس در بالین شود.

کلمات کلیدی: ارزشیابی، استاد، پزشکی، بالینی.

بررسی ارزشیابی پایان دوره کارآموزی دانشجویان آسیب شناسی دانشکده دندانپزشکی مشهد به صورت

چندرسانه ای در بستر وینار

نصرت الله ساغروانیان، رضا اسدی، علی رحمانی، مهدی شهبانی نژاد، سیدمجید میرهاشمی - دانشگاه ع. پ. مشهد -، سمیه رجب زاده - دانشگاه ع. پ. مشهد، سیده مهتاب بخارانی قوچانی - دانشگاه ع. پ. مشهد، سمانه ربانی زارعی.

مقدمه: ارزشیابی بخشی از فرآیند آموزش است که بر اساس آن اطلاعات لازم در مورد یادگیری و آموخته های دانشجویان جمع آوری و تجزیه و تحلیل می شود تا میزان تحقق هدف های پیش بینی شده مورد ارزیابی قرار گیرد. بیان مساله و ضرورت: با توجه همه گیری کرونا و الزام برگزاری همه مراحل آموزش به صورت یادگیری الکترونیکی، نیاز است ارزشیابی نیز در بستر یادگیری الکترونیکی انجام گیرد. از سوی دیگر نیاز به منابع چند رسانه ای و امنیت بالا و احراز هویت دانشجویان در آزمون های الکترونیکی علوم پزشکی از اهمیت بالایی برخوردار است.

روش اجرا: در این آزمون از سوالات چند رسانه ای با درخواست تایپ پاسخ توسط خود دانشجو، پس از مشاهده فیلم تهیه شده از لام موردنظر امتحان، در وقت مشخص با گروه بندی دانشجویان در گروه های ۱۰ نفره به صورت هر گروه دو عدد فیلم ضبط شده از روی میکروسکوپ انجام شد تا بتوان نهایت شبیه سازی حرکت لام را زیر میکروسکوپ برای هر شخص در هنگام آزمون حتی با تغییر بزرگنمایی داشت. در این

آزمون ۸۰ دانشجوی به صورت همزمان شرکت کردند که حدود ۱۲ نفر از دانشجویان توانستند نمره کامل دریافت کنند. استاد درس در طول آزمون ضمن مشاهده لحظه ای پاسخ های شرکت کنندگان، راهنمایی های لازم را بصورت صوتی برای کل شرکت کنندگان انجام می داد. کل فرآیند آزمون ضبط گردید و پس از آزمون توسط استاد درس مورد بازبینی قرار گرفت.

یافته ها: سامانه وبینار به عنوان یک بستر آزمون مورد استفاده و بررسی قرار گرفت. اجبار به روشن بودن وبکم دانشجویان در طول برگزاری آزمون، برگزارکنندگان را از هویت آزمون شونده مطمئن ساخت. برگزاری فایل های چند رسانه ای در سوالات، اهداف استاد از ارزشیابی صحیح فراگیران را محقق ساخت. استاد در طول آزمون از میکروفون در جلسه استفاده و دانشجویان را راهنمایی کرد که باعث کاهش استرس و کاهش ضریب خطاهای فنی توسط آزمون شوندگان گردید. جلسه آزمون ضبط گردید و توسط استاد مورد بازبینی قرار گرفت و امنیت آزمون مورد بررسی قرار گرفت. این ضبط جهت آموزش این مدل از آزمون به سایر اساتید مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

نتیجه گیری: استفاده از وبکم توسط دانشجویان و مشاهده لحظه ای پاسخها توسط استاد و ضبط فرآیند آزمون ضریب امنیت آزمون را بالاتر برد. استفاده از میکروفون توسط استاد در حین آزمون به راهنمایی بهتر دانشجویان در طول آزمون منجر شد. استفاده از فایل چندرسانه ای در سوالات آزمون اهداف استاد را از طراحی آزمون محقق ساخت.

کلمات کلیدی: وبینار، آزمون الکترونیکی، یادگیری الکترونیکی، امنیت آزمون، چندرسانه ای

عنوان: ارزیابی اخلاق حرفه ای تدریس استاد از دیدگاه دانشجویان پزشکی و داروسازی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران

فروزان صادقی محلی - دانشگاه ع. پ. مازندران، رقیه ولی پور خواجه غیائی - دانشگاه ع. پ. مازندران .

مقدمه: از آنجایی که آموزش یک حرفه است و زیر بنای توسعه پایدار انسانی است، رعایت اخلاق حرفه ای در تدریس و آموزش از سوی اساتید منجر به تحقق اهداف آموزشی در دانشگاه ها خواهد شد. از این رو مطالعه حاضر با هدف ارزیابی اخلاق حرفه ای تدریس استاد از دیدگاه دانشجویان پزشکی و داروسازی در دانشگاه علوم پزشکی مازندران صورت گرفت. روش ها: مطالعه حاضر توصیفی-مقطعی است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه دانشجویان دوره دکتری حرفه ای پزشکی و داروسازی ورودی سال تحصیلی ۹۹-۹۸ بود که ۱۱۸ نفر به عنوان نمونه آماری بصورت تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها

پرسش نامه اخلاق حرفه ای تدریس استاد در قالب ۶ مولفه و ۴۸ گویه بود. مقیاس نمره دهی گویه ها بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت از یک تا پنج بوده است. داده ها با کمک نرم افزار آماری SPSS۲۱ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: نمره کل اخلاق حرفه ای تدریس اساتید از دیدگاه دانشجویان ۰،۶۳ ± ۰،۵۹ بود و بین دیدگاه دانشجویان دختر و پسر (۰،۲۳۱، $p = 0$) اختلاف معناداری مشاهده نگردید. نتایج مقایسه مولفه های تدریس بین دانشجویان دو رشته نشان داد که امتیاز مولفه های ارزشیابی استاندارد (۰،۲۵، $p = 0$) و شناخت یادگیرنده (۰،۰۰۲، $p = 0$) از دیدگاه دانشجویان رشته پزشکی بالاتر از دانشجویان داروسازی بود .

بحث و نتیجه گیری: نمره میانگین کل به دست آمده اخلاق حرفه ای تدریس اساتید در دو دانشکده اگرچه در سطح متوسط و نسبتاً مطلوب بوده است اما با وضعیت مطلوب که بالاتر از ۰،۶۷، ۳ است و استاندارد (۵) هنوز فاصله دارد و نیاز به برنامه ریزی بیشتری از سوی برنامه ریزان آموزشی در جهت ارتقای سطح وضعیت اخلاق حرفه ای تدریس اساتید دارد.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، تدریس، اساتید، دانشگاه علوم پزشکی مازندران

رضایتمندی اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم توانبخشی اهواز از برگزاری جلسات دفاع مجازی در دوران پاندمی کووید-۱۹

راضیه مفتاح - دانشگاه ع. پ. اهواز، میمنت اکبری - نگین مرادی - دانشگاه ع. پ. اهواز، نسیم نوری ممبینی - دانشگاه ع. پ. اهواز،

مقدمه: جلسه دفاع برای دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی به منزله صدور مجوز فراغت از تحصیل آنها بوده و در این جلسه، نمره نهایی پایان نامه ای که ماه ها برای نگارش و تدوین آن تلاش کرده اند، مشخص می شود. در دوران پاندمی بیماری کووید-۱۹، جهت تسریع در فرآیند فارغ التحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، بنا به دستورالعمل ابلاغی از سوی وزارت بهداشت، مقرر گردید که دفاع پایان نامه ها بصورت مجازی برگزار گردد. لذا بسیاری از دانشگاه های کشور با ایجاد زیرساخت هایی در فضای مجازی امکان دفاع مجازی را برای همه دانشجویان و اساتید دانشگاه فراهم کردند، بگونه ای که در طی چند ماه اخیر بسیاری از دانشجویان برای ارائه پایان نامه خود به دفاع مجازی روی آورده اند. لذا این پژوهش با هدف بررسی میزان رضایتمندی اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز از برگزاری جلسات دفاع مجازی در دوران پاندمی بیماری کووید-۱۹ طراحی گردید.

ارزیابی کیفیت آموزش در هر یک از بخش های بالینی از دیدگاه دانشجویان سال های پنجم و ششم دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۹۹

نسترن میرفرهادی - دانشگاه ع. پ. گیلان، مریم محمدی - نازنین
بشردوست - دانشگاه ع. پ. گیلان.

مقدمه: دانشجویان یکی از بهترین و قابل اعتمادترین منابع جهت بررسی مشکلات آموزش بالینی هستند و ارزیابی کیفیت آموزش از دیدگاه آنها درباره ساختار و محتوای آموزش می تواند منبع مهمی برای تصمیم گیران آموزشی به شمار آید. لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین کیفیت آموزش در هر یک از بخش های بالینی از دیدگاه دانشجویان سال های پنجم و ششم دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۹۹ انجام گرفت.

روش اجرا: در این مطالعه مقطعی تحلیلی ۸۸ نفر از دانشجویان دندانپزشکی ترم های پنجم و ششم دانشکده دندانپزشکی دانشگاه گیلان از طریق سرشماری انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه دویبخشی شامل اطلاعات دموگرافیک (سن، جنس، وضعیت تاهل، ترم تحصیلی، معدل ترم قبل، بومی بودن) و پرسشنامه محقق ساخت کیفیت آموزش در بخش های بالینی (مومنی دانایی و همکاران) شامل ۲۳ گویه بود در چهارحیطه دانش و عملکرد اساتید، رفتار اعضای هیئت علمی و پرسنل، امکانات بالینی و رضایت کلی دانشجویان بود. روایی و پایایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات وارد نرم افزار SPSS ۲۴ گردید. در تجزیه و تحلیل آماری از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون های t-مستقل و آزمون های اندازه های تکراری و آزمون مقایسات جفتی بن فرونی و آزمون همبستگی پیرسون و آزمون همبستگی اسپیرمن) استفاده به عمل آمد. سطح معناداری در تمام آزمون ها $p > 0.05$ در نظر گرفته شده است.

یافته ها: نتایج نشان داد میانگین سنی دانشجویان 24 ± 5.9 ، 78 نفر (۸۸، ۶ درصد) مجرد و میانگین معدل دانشجویان 19 ± 1.73 ، 15 بودند. مقایسه کیفیت آموزش از دیدگاه دانشجویان در هر یک از بخش های بالینی نشان داد درحیطه دانش و عملکرد اساتید در بخش اطفال بالاترین و در بخش پروتز متحرک کمترین نمره ($p > 0.001$)، درحیطه رفتار اساتید و پرسنل در بخش اطفال بیشترین و در بخش اندوکمترین ($p > 0.001$)، درحیطه امکانات بالینی در بخش اطفال بیشترین و در بخش پروتز متحرک کمترین ($p > 0.001$) و درحیطه رضایت کلی در بخش اطفال بیشترین و در بخش پروتز متحرک کمترین ($p > 0.001$) نمره رابه خود اختصاص دادند و این اختلاف از نظر آماری معنی دار بود.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نیاز به ارتقاء عملکرد اساتید، بهبود امکانات بالینی در بخش های آموزشی، بهبود رابطه اساتید و

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی-مقطعی، تمامی دانشجویان و اعضای هیات علمی شرکت کننده در جلسات دفاع مجازی، پرسشنامه محقق ساخته آنلاین طراحی شده در گوگل داک را تکمیل کردند. روایی صوری پرسشنامه های رضایت مندی از دیدگاه اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی، توسط پنج تن از اساتید مجرب دانشکده علوم توانبخشی اهواز مورد تایید قرار گرفت. تعداد ۱۹ جلسه دفاع مجازی از زمان ابلاغ وزارت بهداشت تا زمان اجرای مطالعه حاضر در دانشکده علوم توانبخشی اهواز برگزار گردید.

یافته ها: ۲۳ نفر عضو هیات علمی و ۱۹ نفر دانشجو (کل دانشجویان حاضر در جلسات دفاع) در رشته های کارشناسی ارشد فیزیوتراپی، گفتار درمانی، مدیریت توانبخشی و دکترای تخصصی فیزیوتراپی در نظرسنجی شرکت نمودند. دانشجویان شرکت کننده شامل ۱۳ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و ۶ نفر دانشجوی دکترای تخصصی بودند. تجزیه و تحلیل داده ها با روش آماری توصیفی و استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۹ انجام شد. نتایج نشان داد ۷۳ درصد از دانشجویان و ۶۹ درصد از اساتید، رضایتمندی کلی از برگزاری جلسات دفاع مجازی در دوران پاندمی بیماری کووید-۱۹ داشتند. همچنین ۸۰ درصد از دانشجویان و ۴۸ درصد از اساتید، موافق برگزاری جلسات دفاع بصورت مجازی پس از کرونا بودند.

بحث و نتیجه گیری: اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی معتقد بودند که برگزاری جلسات دفاع مجازی می تواند باعث تسهیل و تسریع فارغ التحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی گردد. ماهیت مجازی بودن جلسات موجب می گردد که ضمن حفظ فاصله گذاری و جلوگیری از شیوع کرونا، شرکت کنندگان در هر مکانی که هستند بتوانند در جلسات دفاع حضور داشته باشند. این امر در تسهیل حضور اعضای هیات علمی (اعضای تیم پژوهشی پایان نامه و اساتید داور) و ارتقا کیفیت جلسات دفاع مجازی بسیار موثر می باشد. علاوه بر این برگزاری جلسات مجازی می تواند موجب صرفه جویی در مصرف کاغذ برای پرینت پایان نامه و صورت جلسه و حذف هزینه های پذیرایی دانشجویان شود. از دیدگاه آنها، استفاده از نرم افزار قوی تر همچون اسکای روم و همچنین بهبود وضعیت اینترنت می تواند در بهبود کیفیت برگزاری جلسات دفاع مجازی موثر باشد.

کلمات کلیدی: کووید-۱۹، جلسات دفاع مجازی، رضایت مندی، توانبخشی.

پرسنل با دانشجویان و توجه به علل نارضایتی دانشجویان در بخش های تخصصی جهت بهبود وضعیت آموزش بالینی را ضروری می سازد.

کلمات کلیدی: رضایت مندی، بخش های بالینی، دانشجویان دندان پزشکی

ارزیابی نظام استاد مشاور از دیدگاه دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی تبریز

زهره شیخ علیپور - دانشگاه ع. پ. تبریز، مینا کهلانی - دانشگاه ع. پ. تبریز، پروین رحمانی - دانشگاه ع. پ. تبریز، فاطمه ملائی توانی - دانشگاه ع. پ. تبریز، امید زادی - دانشگاه ع. پ. تبریز.

مقدمه: مشاوره تحصیلی، فرایندی است هدفمند و پویا که براساس مشارکت استاد و دانشجو و با روش هایی منطبق بر نیازمندی های دانشجو صورت می گیرد. ارزیابی نظام استاد مشاور و تعیین نحوه ارائه راهنمایی و مشاوره تحصیلی در دانشگاه، به عنوان یکی از فاکتورهای پیشرفت تحصیلی آن ها تعیین گردیده است. لذا این پژوهش به منظور ارزیابی نظام استاد مشاور در دانشکده پرستاری و مامائی تبریز انجام شده است.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع توصیفی مقطعی بود که بر روی ۱۲۹ نفر از دانشجویان رشته های پرستاری، مامایی و اتاق عمل تبریز که بصورت تصادفی طبقه ای انتخاب شده بودند، صورت گرفت. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته شامل ۶ سوال در خصوص مشخصات دموگرافیک و زمینه ای، ۲۰ سوال در خصوص عملکرد استاد مشاور و ۷ سوال هم در رابطه با میزان رضایتمندی دانشجویان از عملکرد اساتید مشاور بود. داده ها پس از گردآوری با نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ آنالیز شدند.

یافته ها: میانگین (انحراف معیار) سنی دانشجویان شرکت کننده در مطالعه (۱، ۰۱) ۲۲، ۳۷ سال بود. از ۱۲۹ نفر دانشجوی شرکت کننده در مطالعه، ۶۵، ۱ درصد (۸۴ نفر) مونث و ۳۴، ۹ درصد (۴۵ نفر) نیز مذکر بودند. همچنین ۵۰، ۴ درصد (۶۵ نفر) دانشجوی پرستاری، ۳۰، ۲ درصد (۳۹ نفر) اتاق عمل و ۱۹، ۴ درصد (۲۵ نفر) هم مامایی بودند. میانگین نمره عملکرد اساتید مشاور، ۵۷، ۱۱ با انحراف معیار ۱۲، ۰۵ بود که در حد متوسط ارزیابی شد (محدوده نمره: ۸۰-۲۰). عملکرد اساتید مشاور در رشته های مختلف دارای اختلاف معنادار بود (P=۰۰۲). به طوریکه میانگین (انحراف معیار) عملکرد اساتید مشاور از دیدگاه دانشجویان پرستاری (۱۲، ۲۰) ۵۹، ۴۱، مامایی (۱۱، ۴۸) ۵۷، ۸۸ و اتاق عمل برابر با (۱۱، ۲۶) ۵۲، ۷۹ بود. همچنین میانگین رضایتمندی دانشجویان پرستاری از مشاوره (۴، ۸۶) ۲۷، ۵۸، دانشجویان مامایی (۵، ۲۶) ۲۸، دانشجویان اتاق عمل (۵، ۸۱) ۲۱،

۱ و میانگین رضایتمندی کل سه گروه (۵، ۹۱) ۲۵، ۳۷ بود که تفاوت آماری معنی داری در بین سه گروه مشاهده گردید (P=۰۰۱). بین میانگین نمره عملکرد و رضایتمندی بر حسب جنسیت دانشجو، اختلاف معنادار دیده نشد (P>۰۵).

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج که نشان دهنده عملکرد متوسط اساتید مشاور و میزان رضایتمندی متوسط دانشجویان است، لازم است موانع اجرای مناسب نظام استاد مشاور مشخص و برطرف گردد. همچنین در صورت لزوم، کارگاه های آموزشی در خصوص آموزش مشاوره برای اساتید مشاور برگزار گردد.

کلمات کلیدی: استاد مشاور، عملکرد، رضایتمندی، دانشجویان

ارزیابی کیفیت طرح درس های اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

مهدی ربیعی - دانشگاه ع. پ. سبزوار، محمد حسین ساقی - دانشگاه ع. پ. سبزوار، حمید جوینی - دانشگاه ع. پ. سبزوار، اکرم سبحانی مقدم - دانشگاه ع. پ. سبزوار،

مقدمه: تحولات عظیم دهه های اخیر در رشد فناوری و علوم پزشکی، نیاز به دگرگونی در آموزش علوم پزشکی را بیشتر نمایان ساخته و منجر به شکل گیری مراکز توسعه آموزش پزشکی با هدف ارتقای کمی و کیفی خدمات آموزش در سطح ملی و دانشگاهی شده است (۱). متخصصان نظام آموزشی معتقدند که بهبود فرایند تدریس و یاددهی-یادگیری مستلزم داشتن طرح درس است. طرح درس، برنامه ای است که مدرس قبل از تدریس برای یک جلسه درس تهیه می کند و می تواند به وی در ارائه آموزش موثر کمک کند. استفاده از طرح درس موجب افزایش یادگیری، تسهیل فرآیند آموزش، افزایش انگیزه برای حضور منظم در کلاس و شرکت فعال دانشجو در بحث ها شده و چگونه آموزش دادن را به یاد دهنده و چگونه یادگرفتن را به فراگیران می آموزد و ابزاری برای خود یادگیری در اختیار دانشجو قرار می دهد (۲). با این وجود، هنوز اهمیت طرح درس برای کلیه مدرسان به خوبی مشخص نگردیده است. مثلا مطالعه حکم آبادی و صادقی (۱۳۹۵) نشان داد اگرچه کیفیت محتوا و نگارش طرح درس های ارائه شده اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در حد قابل قبول ارزیابی می گردد، ولی در عین حال دارای نقاط ضعف و کاستی هایی نیز می باشد (۳). مطالعه حاضر با هدف ارزیابی طرح درس های اساتید دانشگاه علوم پزشکی سبزوار صورت گرفت تا با بررسی نحوه نگارش طرح درس، مشکلات موجود تعیین شده و بتوان با استفاده از استراتژی های مناسب موجب ارتقای فرایند یاددهی- یادگیری گردید.

روش اجرا: تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی- مقطعی بود که در آن طرح درس اساتید دانشگاه علوم پزشکی سبزوار که حداقل یک طرح درس را در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بر روی وبسایت دانشکده خود بارگذاری کردند، بررسی شد. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی بود. با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه ۵۷ مورد انتخاب شد. طرح درس‌ها توسط چک لیست حکم‌آبادی و صادقی (۱۳۹۵) تحلیل شد. در تحقیق آنها روایی محتوایی پرسشنامه با نظر متخصصان تایید شد و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰.۷۳، $r=0$) تایید گردید. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی و درصد) در نرم‌افزار SPSS۲۱ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: در این تحقیق ۵۷ طرح درس از چهار دانشکده پزشکی (۴۵.۶٪)، پرستاری و مامایی (۱۵.۸٪)، بهداشت (۲۴.۶٪) و پیراپزشکی (۱.۴٪) ارزیابی شد. چک لیست ارزیابی ۱۲ مولفه داشت که در مجموع ۶۸۴ مولفه بررسی گردید. در جدول ۱ وضعیت مولفه‌های مورد ارزیابی در طرح درس اساتید به تفکیک دانشکده‌ها آمده است. جدول شماره ۱: مولفه‌های مورد ارزیابی در نگارش طرح درس اعضای هیات علمی مولفه وضعیت طرح درس‌ها دانشکده پزشکی $N=۲۶$ دانشکده پرستاری و مامایی $N=۱۴$ دانشکده بهداشت $N=۹$ دانشکده پیراپزشکی $N=۸$ وضعیت کلی دانشگاه مشخص بودن: اطلاعات عمومی

(۰) ۲۶ (۰.۹۳) ۱۳ (۰.۹۰) ۸ (۰.۲۰) ۵۶ (۲.۰) طرح درس با قالب طرح درس (۰.۶۲) ۲۲ (۰.۹۱) (۰.۹) ۵ (۰.۵) ۶ (۰.۹) B. هدف یا هدف کلی (۰.۴۷) (۰.۵) ۷ (۰.۵) ۸ (۰.۹) ۱۳ (۰.۹) ۱۹ (۰.۵۱) اهداف میانی (۰.۱۶) a. (۰.۳۶) (۰.۲) ۶ (۰.۷) ۸ (۰.۷) ۱۱ (۰.۷) اهداف ویژه (۰.۵۰) ۲۳ (۰.۹) ۱۴ (۰.۵) ۸ (۰.۹) ۵۳ (۲.۰) حیطه‌های آموزشی (۰.۲۵) ۲۵ (۰.۲) ۵ (۰.۷) ۸ (۰.۹) ۴۴ (۰.۲) روش‌های تدریس (۰.۲۶) ۲۶ (۰.۷) ۱۲ (۰.۹) ۸ (۰.۵) ۵۵ (۰.۵) منابع درسی (۰.۲۵) ۲۵ (۰.۷) ۱۲ (۰.۹) ۸ (۰.۵) ۵۴ (۰.۷) تکالیف دانشجویان (۰.۲۲) ۲۲ (۰.۵) ۸ (۰.۹) ۱۱ (۰.۶) نحوه ارزشیابی (۰.۳۰) ۲۴ (۰.۲) (۰.۲) ۴ (P) ۹ (۰.۹) ۱۱ (۰.۶) وسایل و امکانات آموزشی (۰.۲۵) (۰.۲) ۸ (۰.۹) ۹ (۰.۹) ۳۹ (۰.۳) زمان‌بندی کلاس براساس سرفصل (۰.۴۶) ۹ (۰.۳) ۷ (۰.۵) ۷ (۰.۸) ۸ (۰.۷) W. مشخص بودن وضعیت کلی (۰.۳۰) ۲۶ (۰.۹) ۸۳ (۰.۴) ۹۹ (۰.۶) ۱۲۲ (۰.۶)

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که اصول نگارش طرح درس در دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در ۸۲.۹٪ موارد رعایت شده است. از ۱۲ مؤلفه مورد بررسی، مشخص بودن اطلاعات عمومی، مشخص بودن روش‌های تدریس و مشخص بودن منابع و مشخص بودن اهداف ویژه دارای بهترین وضعیت بوده و در بیشتر طرح درس‌ها این موارد رعایت شده بود. از طرفی مولفه‌های زمان‌بندی کلاس بر اساس سرفصلها و مشخص بودن اهداف میانی کمترین درصدها را در طرح درس‌های ارائه شده داشتند. طرح درس‌های دانشکده بهداشت وضعیت بهتری داشت و مشکلات موجود در طرح درس‌های اساتید دانشکده پرستاری و مامایی بیشتر بود. با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاههای آموزشی روش‌های تدریس و برنامه ریزی درسی برای اساتید و بالادست

در دانشکده پرستاری، و تدوین فرم‌های پیش‌نویس استاندارد سطح کیفی طرح درس‌ها را ارتقا داده تا منجر به عملکرد بهتر گردد.

بررسی وضعیت اخلاق حرفه‌ای اساتید بالینی دانشگاه علوم پزشکی مازندران از دیدگاه دستیاران پزشکی

محمد مهدی غفاری همدانی - سامره گرچی - سیمین قلی نژاد - مهران رضوی پور - دانشگاه ع. پ. مازندران، پژمان محمدعلیزاده - دانشگاه ع. پ. مازندران .

مقدمه: سنجش اخلاق حرفه‌ای یکی از مهمترین مسائلی است که توجه صاحبان نظران توسعه اخلاق حرفه‌ای را به خود معطوف کرده است و به شیوه‌های مختلف کمی و کیفی انجام می‌شود. بررسی نظرات دانشجویان یکی از روش‌های ارزیابی اخلاق حرفه‌ای در محیط بالینی است که به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود. از آنجایی که اساتید الگوهای مناسبی برای نقش‌پذیری فراگیران و چگونگی رفتار با دیگران می‌باشند و از سوی دیگر دانشجویان به دلیل حضور مستقیم در موقعیت آموزشی ارتباط نزدیکی با اساتید دارند، بنابراین دیدگاه آنان نسبت به ویژگی‌های یک استاد می‌تواند تاثیر زیادی در فرایند یادگیری داشته باشد. با بررسی نظرات دانشجویان به عنوان افرادی که به طور مستقیم با محیط بالینی و اجرای اخلاق حرفه‌ای ارتباط دارند از وضعیت کمی و کیفی اخلاق حرفه‌ای آگاهی خواهیم یافت. با عنایت به اهمیت رعایت و آموزش اخلاق حرفه‌ای به خصوص در سطح دانشگاه‌های علوم پزشکی و محیط‌های بالینی و از طرفی کم بودن اطلاعات پژوهشی موجود در این زمینه، پژوهش حاضر با هدف بررسی دیدگاه دستیاران در مورد وضعیت رعایت اخلاق حرفه‌ای توسط اساتید در حوزه بالینی انجام گرفت.

روش اجرا: این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی بود. جمعیت مورد مطالعه شامل دستیاران آموزشی گروه‌های آموزشی زنان، داخلی، ارتوپدی، جراحی مغز و اعصاب، جراحی عمومی، بیهوشی، رادیولوژی، پاتولوژی، روانپزشکی و طب اورژانس مرکز آموزش درمانی امام خمینی (ره) ساری در سال ۱۳۹۸ بود. دستیاران به روش سرشماری شامل ۱۷۰ نفر، انتخاب و وارد مطالعه شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که جهت تدوین آن پژوهشگران با مرور مقالات مرتبط ابعاد و گویه‌های مورد نظر را استخراج نمودند. این پرسشنامه متشکل از دو قسمت اطلاعات دموگرافیک شامل سن، جنس، رشته، سال تحصیلی و ۳۰ سوال مرتبط با اخلاق حرفه‌ای اساتید بالینی (۴ سوال نوع دوستی، ۵ سوال تعالی شغلی، ۴ سوال مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماعی، ۵ سوال وظیفه‌شناسی، ۶ سوال احترام به دیگران و ۶ سوال درستی و صداقت) می‌باشد. برای هر سوال مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای، بسیار زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲) و بسیار کم (۱) در نظر گرفته شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با

استفاده از محاسبه ضرایب مربوطه از جمله CVR (Validity Content Ratio) و Impact Score مورد بررسی قرار گرفت. توصیف داده های کمی با میانگین و میانه صورت گرفت. مقایسه اخلاق حرفه ای اساتید بالینی گروه های مختلف آموزشی ضمن انجام آنالیز واریانس و کروسکال والیس صورت گرفت. جهت توصیف و تحلیل داده ها از نرم افزار IBM SPSS۲۱ استفاده شد و در آزمون های آماری مقدار P دوطرفه کمتر از ۰،۰۵ ملاک قضاوت آماری قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین کلی نمره اخلاق حرفه ای اساتید بالینی ۴،۰۴ بود. از مولفه های اخلاق حرفه ای، تعالی شغلی میانگین ۳،۸۸، وظیفه شناسی میانگین ۴،۰۴، صداقت و درستی میانگین ۴،۰۷، احترام به دیگران میانگین ۴،۰۷، مسئولیت پذیری میانگین ۴،۱۰، نوع دوستی میانگین ۴،۰۱ را به خود اختصاص دادند که از بین مولفه های اخلاق حرفه ای، مسئولیت پذیری بیشترین امتیاز و تعالی شغلی کمترین امتیاز را به خود اختصاص داد. اختلاف بین گروه های آموزشی در تمامی بارم ها از منظر آماری برجسته بوده است. گروه طب اورژانس در تمامی حیطه ها بیشترین بارم و گروه جراحی در تمامی حیطه ها بجز تعالی شغلی کمترین بارم را کسب نموده است. اختلاف بین گروه ها در تمامی بارم ها از منظر آماری برجسته بود.

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان داد که وضعیت اخلاق حرفه ای اساتید بالینی از وضعیت تقریباً مناسبی برخوردار بود. از بین ابعاد اخلاق حرفه ای بیشترین میانگین امتیاز مربوط به مسئولیت پذیری و کمترین امتیاز مربوط به تعالی شغلی بود. از میان گروه های آموزشی، گروه طب اورژانس در تمامی حیطه های اخلاق حرفه ای بیشترین بارم و گروه جراحی در تمامی حیطه ها بجز تعالی شغلی کمترین بارم را کسب نموده است. جهت تعالی اخلاقی، برگزاری دوره های آموزش تخصصی کوتاه مدت اخلاق پزشکی و روش های تدریس فعال برای همه اساتید پزشکی پیشنهاد می شود.

کلمات کلیدی: اخلاق حرفه ای، دستیاران، اساتید بالینی

بررسی کیفیت برگزاری گزارش صبحگاهی و آموزش در مانگاهی از دیدگاه کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۸

محمد مهدی غفاری همدانی - مریم ذلیکانی - نسیم اسمعیلی برتنی -
مهران رضوی پور - دانشگاه ع. پ. مازندران، پژمان محمدعلیزاده -
دانشگاه ع. پ. مازندران.

مقدمه: آموزش بالینی، بخش اساسی و مهم آموزش در دوره پزشکی می باشد که بدون آن تربیت پزشکان کارآمد و شایسته بسیار مشکل و یا غیرممکن خواهد بود. در محیط بالینی، یادگیری متمرکز بر مسائل

واقعی در بستر کار حرفه ای می باشد و در آن مهارت های اخذ شرح حال، معاینات فیزیکی، استدلال بالینی، تصمیم گیری، همدردی و تعهد حرفه ای به صورت یکپارچه و ادغام یافته، آموخته و فراگرفته می شود. آموزش صحیح در پزشکی یکی از اصول اساسی و مهم در دانشگاه های علوم پزشکی است. دانشجویان دوره های مختلف پزشکی نقش مهمی در سیستم سلامت جامعه را برعهده دارند، بنابراین آموزش و تهیه و تدوین برنامه های آموزشی مناسب برای آنها اهمیت بسیاری دارد. یکی از مهم ترین روش های آموزشی در علوم پزشکی گزارش صبحگاهی و آموزش درمانگاهی می باشد، ارزشیابی و نظارت مستمر گزارش صبحگاهی و آموزش درمانگاهی، اهمیت ویژه ای در راهبردهای حوزه آموزش دارد به طوری که برای بهبود و ارتقای کیفیت آموزش بالینی و پیرو آن برای تربیت دانشجویان با کفایت در حیطه های مختلف بالینی مفید است. استفاده از نظرات دانشجویان نقش مؤثری در تغییر و تحول و به روز کردن برنامه های آموزشی دارد. مطالعه حاضر با هدف ارزیابی کیفیت آموزش بالینی گزارش صبحگاهی و آموزش درمانگاهی از دیدگاه کارآموزان و کارورزان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۸ انجام پذیرفت.

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی، نظرات کارآموزان و کارورزان دانشگاه علوم پزشکی مازندران در مورد انطباق برنامه های آموزشی (آموزش درمانگاهی، گزارش صبحگاهی) با استانداردهای آموزش بالینی در سال ۹۸ بررسی شد. نمونه های مطالعه، با رویکرد سرشماری، شامل ۹۹ کارآموز و ۷۶ کارورز فعال در گروه های آموزشی ارتوپدی، جراحی عمومی، نوروسرجری، داخلی، زنان و اورولوژی، اطفال، چشم پزشکی، نورولوژی، ENT، قلب و عفونی بودند. معیارهای ورود به مطالعه گذراندن حداقل یک ترم از دوره های کارآموزی یا کارورزی و همینطور گذراندن حداقل نیمی از چرخش بخش یا دوره مورد نظر بود. وضعیت های دانشجوی مهمان و عدم تمایل به تکمیل پرسشنامه از معیارهای خروج از مطالعه بودند. ابزار سنجش داده ها، چک لیستی حاوی ۴۰ سوال مکتوب از دانشجویان راجع به اجرای استانداردهای گزارش صبحگاهی (۲۳ سوال) و آموزش درمانگاهی (۱۷ سوال) معرفی شده از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بود. گزینه های پاسخ به صورت بله (مطابق با استاندارد) و خیر (عدم تطابق با استاندارد) تعریف شدند و به ترتیب نمره های یک و صفر به آنها اختصاص یافت. داده های مطالعه با استفاده از آماره های درصد فراوانی و میانگین و کاربرد آزمون های Analysis of variance و T Test توصیف و تحلیل شدند. میزان دقت برآوردها با فاصله اطمینان ۹۵٪ بیان شد.

یافته ها: در مجموع ۱۷۵ نفر شرکت کننده، ۷۱ نفر (۴۱٪) زن و ۱۰۴ نفر (۵۹٪) مرد بودند. تعداد کارآموزان ۹۹ نفر (۵۷٪) و کارورزان ۷۶ نفر (۴۳٪) بود. در برنامه گزارش صبحگاهی گروه قلب با امتیاز ۵، ۹۸ درصد دارای بیشترین امتیاز مکتسبه و گروه زنان با ۰، ۶۳ درصد دارای کمترین امتیاز مکتسبه بوده که اختلاف بین گروه های مختلف در

خصوص برنامه‌های ذکر شده از نظر آماری نیز معنی‌دار بود و در برنامه‌های آموزش درمانگاهی، گروه عفونی با ۸، ۹۶ درصد امتیاز دارای بیشترین امتیاز مکتسبه و گروه زنان با ۲، ۵۱ درصد دارای کمترین امتیاز مکتسبه بوده که اختلاف بین گروه‌های مختلف در خصوص برنامه‌های ذکر شده از نظر آماری نیز معنی‌دار بود. بیشترین میزان مطلوبیت گزارش صبحگاهی از دید کارآموزان مربوط به گروه‌های نورولوژی و قلب (۱۰۰٪) و از دید کارورزان گروه‌های نورولوژی، ENT، عفونی و قلب (۱۰۰٪) بود. بیشترین میزان مطلوبیت آموزش درمانگاهی از دید کارآموزان مربوط به گروه‌های نورولوژی، عفونی و قلب (۱۰۰٪) و از دید کارورزان گروه‌های نورولوژی، ENT، چشم، عفونی و قلب (۱۰۰٪) بود. طبق نتایج به دست آمده، در برنامه گزارش صبحگاهی، دیدگاه دانشجویان کارآموزان و کارورزان در مورد وضعیت هر یک از برنامه‌های آموزش بالین متفاوت نبود. اما در برنامه آموزش درمانگاهی دیدگاه دانشجویان کارآموزان و کارورزان در مورد وضعیت هر یک از برنامه‌های آموزش بالین متفاوت بود و دانشجویان کارآموز در هر دو برنامه رضایت بیشتری داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: از دیدگاه دانشجویان این مطالعه، برنامه گزارش صبحگاهی کیفیت قابل قبولی داشته اما برنامه‌های آموزش درمانگاهی دارای برخی اشکالات بوده است، لذا پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه آموزش بالینی، اعضای هیأت علمی را با موضوعات جدید آموزش پزشکی و استانداردهای آموزش بالینی و رعایت این استانداردها آشنا نموده و آن‌ها را به رعایت این استانداردها ترغیب نمود. بخش‌های مختلف آموزشی مراکز آموزشی درمانی دانشگاه وضعیت آموزش بالینی خود را تعیین کرده و خود را به وضعیت استاندارد مورد تایید وزارت بهداشت در آموزش بالینی نزدیک کنند تا بتوانند از این طریق در بهبود آموزش بالینی گام بردارند.

کلمات کلیدی: گزارش صبحگاهی، آموزش درمانگاهی، کارآموزان، کارورزان.

بررسی رضایتمندی و انگیزه اعضای هیات علمی در خصوص تدریس با استفاده از روش ارزیابی هم‌تایان

زینب کریمی - دانشگاه ع. پ. قم، محمدرضا خاکسار - دانشگاه ع. پ. قم، ذبیح‌اله قارلی پور - دانشگاه ع. پ. قم

مقدمه: توانمندسازی اعضای هیات علمی به واسطه ارزشیابی مداوم و مستمر می‌تواند به عنوان یکی از عملکردهای نظارتی معمول دانشگاه مطرح باشد که سبب پررنگ نمودن نقش تدریس می‌گردد. این ارزشیابی با تمرکز بر این هدف عمده انجام می‌گیرد که "اولاً" وزن کمی و کیفی کارنامه آموزشی استاد مشخص گردد و ثانیاً "نتایج حاصل از ارزشیابی جهت بازبینی عملکردی و آگاهی از موارد ضعف در شیوه تدریس در

اختیار خود استاد قرار گیرد تا سبب توانمندسازی آموزشی و ارتقا روند تدریس اوشود. باتوجه به روال معمول متوجه میشویم که عمده فعالیت‌های مربوط به ارزشیابی اعضای هیات علمی با هدف اول انجام می‌گیرد که به علت بازخورد در روند پیشرفت شغلی چندان مورد مقبولیت اعضای هیات علمی قرار نمی‌گیرد. البته باید اصل بر این باشد که توانمندسازی اساتید از ارزشیابی آن مجزا باشد و برای توانمندسازی در سطح فردی و با توجه به نیازهای اختصاصی عضو هیات علمی، بهتر این است که همراه با آموزشی که می‌گیرد، آموزش هم بدهد و تجربه نماید و نتایج این تجربه از طرف خود او و همینطور فردی دیگر هم مرتبه شغلی با او مورد ارزیابی قرار گیرد. پس استاد حین انجام فرآیند تدریس، عملکردش با تعاملی مناسب توسط سایر اساتید مورد نقد سازنده قرار می‌گیرد که به این کار ارزیابی هم‌تایان (Peer Assessment) گفته می‌شود. پس به این منظور بهتر است که علاوه بر استفاده از نظرات دانشجویان، از نظرات هم‌تایان هیات علمی نیز استفاده نمود تا داده‌هایی مطمئن و با ارزش در خصوص رضایتمندی و انگیزه اعضای هیات علمی در خصوص تدریس با استفاده از روش آموزش هم‌تایان بدست آید.

روش اجرا: در مرحله اول تهیه شیوه‌نامه و تصویب آن و بررسی چالش‌های انجام روش با استفاده از بررسی متون علمی در این خصوص و تجربیات سایر گروه‌های علمی در دانشگاه‌های علوم پزشکی انجام شد و پرسش‌های متنوعی از قبیل خصوصیات اصلی مشاهده‌گر، اجباری بودن یا اختیاری بودن روش و غیره در این خصوص مطرح گردید. در نهایت شیوه‌نامه و فرم‌ها پس از اعمال اصلاحات نهایی تهیه شد و مقرر گردید که که نتایج این روند بعداً در برنامه جامع توانمندسازی اعضای هیات علمی دانشگاه مورد استناد قرار گیرد. مرحله بعد این بود که با توجه به سوابق اجرایی و تجربی اساتید و آشنایی آنها با این روش، چند نفر به عنوان مشاهده‌گر انتخاب شدند که با علوم روز آموزش پزشکی مرتبط بودند. بعد از آن فاز اجرایی شامل درخواست استاد عضو هیات علمی، بررسی درخواست و هماهنگی جهت انجام مشاهده توسط دفتر توسعه آموزش علوم پزشکی دانشکده، انجام مشاهده توسط مشاهده‌گر هنگام تدریس و در نهایت برگزاری جلسه مابین مشاهده‌گر و استاد برای ارزیابی جزئیات مربوط به مشاهده تدریس و بازخورد انجام شد و نقاط قوت و ضعف و ارائه پیشنهادها صورت گرفت. مرحله آخر شامل پایش و ارزشیابی برنامه دارای حساسیت بالای بود و می‌بایست با دقت زیادی انجام گیرد که ابزار گردآوری داده‌ها شامل فرم‌های تجزیه و تحلیل نوشتاری مشاهده و نظر سنجی بود که روایی و پایایی آن توسط مدیریت مطالعات و توسعه آموزش پزشکی (EDC) تایید شده بود.

یافته‌ها: از دیدگاه اساتید انجام این روش از لحاظ ایجاد علاقه مندی و رضایتمندی از روش تدریس نسبت به روال معمول مناسب تلقی شد به طوری که تمامی اساتید ابراز تمایل نمودند که مجدد در این برنامه به عنوان مشاهده‌شونده و مشاهده‌گر شرکت کنند. عمده آنها از توانمندی

مشاهده گر برای ارزیابی تدریس راضی بودند و بازخوردهای ارائه شده را مفید و سازنده عنوان نمودند. در ضمن آنها ساز و کارهای انجام روش مانند فرم های ارزیابی و نظر سنجی را متناسب با اجرای روش قلمداد نمودند.

بحث و نتیجه گیری: در مجموع یافته های پژوهش حاضر بیانگر رضایتمندی استاد و مشاهده گر از انجام فرآیند بود که معمولاً جای آنها نیز با هم عوض می گردید. در نهایت ارزشیابی به صورت دریافت بازخورد از اعضای هیات علمی مشارکت کننده می تواند کمک بسیار موثری در ایجاد انگیزه برای انجام تغییرات مطلوب و ارتقای توانمندی تدریس در اعضای هیات علمی برای بهبود فرآیند تدریس باشد.

کلمات کلیدی: آموزش همتایان، رضایتمندی، انگیزه، اعضای هیات علمی

بررسی میزان رضایت و یادگیری اعضای هیات علمی شرکت کننده در اولین دوره توانمندسازی اساتید مجازی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز

رویا خلیلی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، پریسا نبی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، آتیه حبیبی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، هاجر شیعه - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، زهره اسماعیل زاده - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز

مقدمه: همزمان با شروع پاندمی کرونا از سال گذشته در سراسر جهان، آموزش مجازی در دستور کار دانشگاه ها به عنوان یک ضرورت قرار گرفت. دوره های آموزشی مجازی نیز جهت توانمندسازی اساتید با توجه به شرایط موجود در اولویت های برنامه ها در مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی در نظر گرفته شد و بر همین اساس عناوین دوره و نحوه پیاده سازی و اجرای آن طراحی گردید. این مطالعه به بررسی میزان یادگیری و رضایت شرکت کنندگان از این دوره آموزشی به صورت مجازی پرداخته است.

روش اجرا: این مطالعه از نوع توصیفی- تحلیلی و به صورت مقطعی بود. جامعه آماری این مطالعه تمامی اعضای شرکت کننده در این دوره (۵۷ نفر) بود که به دلیل محدودیت جمعیت تمامی افراد به عنوان نمونه وارد مطالعه شدند. جهت سنجش میزان یادگیری اساتید روش مداخله ای پیش آزمون و پس آزمون انجام گرفت. در مرحله پیش آزمون مباحث در پرسشنامه ای با ۱۶ سوال گنجانده شد و به تمامی اساتید شرکت کننده در دوره ارسال گردید. پایایی پرسشنامه به روش پایلوت و با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۵ و روایی آن بر اساس نظرات

اساتید گروه آموزش پزشکی تایید شد. پس از آن جلسات بصورت مجازی و با استفاده از نرم افزار Adobe Connect برگزار شد. در فواصل جلسات کارگروهی مباحث مربوطه نیز در گروه واتس آپی قرار می گرفت. افراد شرکت کننده به سه گروه نوزده نفره تقسیم شدند و پس از تکمیل کار گروهی، سر گروه ها بصورت مجازی به ارائه پاسخ ها می پرداختند. پس از پایان دوره، در روز آخر پرسشنامه بصورت پس آزمون مجدداً در اختیار اساتید از طریق ایمیل قرار گرفت که در ظرف مدت یکساعت پاسخ ها ایمیل گردید. همچنین کیفیت برگزاری دوره و میزان رضایت شرکت کنندگان نیز در پایان هر هفته با استفاده از چک لیست رضایت سنجی سنجیده شد. در انتها پس از جمع آوری پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزار SPSS۱۴ آزمون های آماری توصیفی- تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: بر اساس نتایج مطالعه، ۵۴٪ از شرکت کنندگان زن (۳۱ نفر) و باقی (۲۶ نفر) مرد (۴۶٪) بودند. میانگین نمرات کلی در پیش آزمون ۰/۷۶، ۱۰ و در پس آزمون ۰/۳، ۱۲ از ۱۶ بود. سنجش میزان یادگیری اساتید به روش مداخله ای بصورت مثبت و معنادار گزارش گردید ($p=0.05$) و ($r=0.48$). همچنین میزان یادگیری شرکت کنندگان از نظر جنسیت نیز در این مطالعه معنادار بود ($r=0.046$, $p\leq 0.005$). میانگین نمرات مردان در پس آزمون ۰/۸، ۱۱ بود و میانگین نمرات زنان در پس آزمون ۰/۱۶، ۱۲ بود و بالاتر بود. همچنین میزان رضایت شرکت کنندگان از دوره در دو حیطه سطح علمی و کاربردی بودن مطالب ۰/۹۴ بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج این مطالعه، به نظر می رسد اجرای دوره توانمندسازی اساتید به صورت مجازی از نظر کیفیت برگزاری و یادگیری شرکت کنندگان مناسب و رضایت بخش بوده است. بنابراین با توجه به ضرورت آموزش مجازی در بحران کرونا بایستی زیرساخت ها و بسترهای مجازی و الکترونیکی مناسب از سوی مسوولین آموزشی دانشگاه در اختیار مراکز آموزشی و دانشکده ها قرار گیرد. هر چند با توجه به تجارب جدید پیاده سازی این نوع آموزش ها، کمبودهای اجرایی (نرم افزاری- سخت افزاری)، هنوز راهی طولانی در این حیطه باقی مانده است.

کلمات کلیدی: آموزش مجازی، توانمندسازی اساتید، بحران کرونا، یادگیری

بررسی همبستگی نتایج ارزیابی کارآموزی پرستاری کودکان سالم و پرستاری بیماری های کودکان مبتنی بر لاک بوک از دیدگاه استاد، دانشجو و گروه همتا

لیلا نیک روز - دانشگاه ع. پ. فسا، پریسا ثابت سروستانی - دانشگاه ع. پ. فسا، زهرا مرادی - دانشگاه ع. پ. فسا، محمد مهدی نقی زاده.

مقدمه: آموزش بالینی به عنوان مهم ترین بخش در آموزش پرستاری، به منظور ارتقای کیفیت نیاز به ارزشیابی مستمر دارد. لاگ بوک به عنوان یکی از موثرترین شیوه های ارزشیابی محسوب می گردد. مطالعه حاضر با هدف بررسی همبستگی نتایج ارزیابی کارآموزی پرستاری کودک سالم و پرستاری بیماری های کودکان مبتنی بر لاگ بوک از دیدگاه استاد، دانشجو و گروه همتا انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۴۴ نفر (۲۸ دختر و ۱۶ پسر) از دانشجویان پرستاری ترم ۶ که طبق برنامه آموزشی، ۲ واحد درسی کارآموزی پرستاری کودک سالم و پرستاری بیماری های کودکان را در نیمسال دوم ۹۰ انتخاب کرده بودند، به صورت تمام شماری در بیمارستان ولیعصر دانشگاه علوم پزشکی فسا انجام شد. داده ها به وسیله محتوی لاگ بوک تکمیل شده توسط استاد، دانشجو و گروه همتا و بر اساس متغیرهای صفات عمومی و حیطه های مهارتهای عملکردی و عاطفی در مدت زمان کارآموزی و راند بالینی جمع آوری شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ۲۲، روش های آمار توصیفی و آزمون های آماری تی مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته ها: یافته ها بر اساس متغیرهای صفات عمومی، مهارتهایی مانند توانایی برقراری ارتباط با کودک، خانواده، هم گروه، مربی و پرسنل، آموزش به کودک و خانواده و مهارت های نمونه گیری خون و تنظیم مایع و الکترولیت ارائه شد. صفات عمومی دانشجویان دختر با دانشجویان پسر بر اساس خودارزیابی دانشجو ($P=0,058$)، بر اساس ارزیابی دانشجوی همتا ($P=0,013$) و مربی ($P=0,076$) به دست آمد. بین توانایی برقراری ارتباط دانشجویان پرستاری با کودک، خانواده، هم گروه، مربی و پرسنل، دانشجویان دختر و دانشجویان پسر از نظر دانشجو ($P=0,014$) گزارش شد. بین توانایی برقراری ارتباط دانشجویان پرستاری با کودک، خانواده، هم گروه، مربی، پرسنل از دیدگاه مربی با دیدگاه دانشجوی همتا همبستگی ($P=0,012, r=0,410$) گزارش شد. بین مهارت آموزش به کودک و خانواده دانشجویان پرستاری در بخش اطفال از دیدگاه مربی با دیدگاه دانشجوی همتا همبستگی ($P=0,022, r=0,375$) گزارش شد. بین مهارت نمونه گیری خون دانشجویان دختر ($1,68 \pm 0,21$) با دانشجویان پسر ($1,70 \pm 0,28$) بر اساس خودارزیابی دانشجوی همتا ($P=0,008$) حاصل شد. بین مهارت تنظیم مایع و الکترولیت دانشجویان دختر با دانشجویان پسر بر اساس ارزیابی دانشجوی همتا سطح معنی داری برابر با ($P=0,037$) و از دیدگاه مربی و دانشجو ($P=0,082$) حاصل شد.

بحث و نتیجه گیری: باتوجه به این که برخی از اهداف بالینی برای مربی به طور عینی قابل اندازه گیری نمی باشد، بنابراین پیشنهاد می شود به منظور ارزیابی نهایی واحدهای بالینی، از نتایج خود ارزیابی دانشجو و ارزیابی دانشجوی همتا نیز استفاده گردد. همچنین نظر به تاثیر گذاری متغیر جنسیت بر نتایج ارزیابی آموزش بالینی لازم است

تدابیری در این زمینه اندیشه شود. به نظر می رسد علی رغم تلاش مربیان در آموزش بالینی یادگیری دانشجویان اغلب بر اساس احساس نیاز واقعی در جامعه و مبتنی بر جایگاه حرفه ای در آینده ترسیم می شود.

تبیین تجارب اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز در مورد پدیده ارزشیابی استاد

لیلا بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، مرضیه ده بزرگیان - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، پروین رضوان دزفولی - دانشگاه ع. پ. شیراز، ماریا جلالی نژاد - دانشگاه ع. پ. شیراز، زهرا صفاری - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، حمید رضا ناصری - دانشگاه ع. پ. شیراز، رحمت اله عرب زاده - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: ارزشیابی اساتید یکی از گام های مهم در جهت ارتقای آموزش در مراکز آموزش عالی است. هر چند که تلاش می شود تا نتایج ارزشیابی اعضای هیأت علمی به واقعیت نزدیک باشد. اما برخی از شواهد پژوهشی نشان داده اند که فرایند ارزشیابی اساتید دارای مشکلاتی است که اثربخشی آن مورد تردید است. این مطالعه را به منظور تبیین تجارب زنده اساتید از پدیده ارزشیابی استاد در دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام شده است.

روش اجرا: این مطالعه بصورت کیفی با رویکرد تحلیل محتوی با مشارکت ۱۵ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه و سه نفر از دانشجویان که به صورت هدفمند با حداکثر تفاوت از نظر سن، جنس و رتبه علمی انتخاب شده بودند انجام شد. ابزار مطالعه مصاحبه نیمه ساختارمند بود و مصاحبه ها از طریق فرم راهنمای مصاحبه حاوی با چهار سوال اصلی و هدایت و اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از فرایند پنج مرحله ای تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفت. یافته ها: یافته های حاصل از تحلیل مصاحبه ها به تولید دو مضمون اصلی با عنوان آسیب شناسی سیستم ارزشیابی استاد با زیر طبقات ارزشیابی استاد پیوستاری از زیبایی تازشتی، مشتری گرایی افراطی، کاهش کیفیت آموزش، روش ها و ابزارهای نامناسب در ارزشیابی استاد، شکاف در اخلاقیات در استاد و دانشجو و تصمیم گیری غلط و افراطی در مورد نتایج ارزشیابی و راهبرد های توانمندسازی با زیر طبقات حساس نمودن اساتید و دانشجویان نسبت به ارزشیابی، فرهنگ سازی و ایجاد تعهد حرفه ای در ارزشیابی، انضباط حرفه ای و شکل گیری تعاملات تشکیل شده است.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد به منظور ارزشیابی کامل و همه جانبه عملکرد اساتید ضمن شفاف سازی هدف از ارزشیابی و تاکید بر رویکرد سازنده آن به اصلاح روش ارزشیابی فعلی با استفاده از ترکیبی از فرم نظرسنجی از دانشجویان، مدیر گروه، معاون آموزشی، رئیس

دانشکده، فارغ التحصیلان، کارپوشه، خروجی و نمرات دانشجویان، نقشه مشاهده کلاس و ... مبادرت گردد.

کلمات کلیدی: تجارب زیسته، عضو هیات علمی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ارزشیابی استاد

ارزیابی جو آموزشی دانشگاه علوم پزشکی سبزوار از دیدگاه دانشجویان بر اساس مدل DREEM

سکینه سلطانی کوهبنانی - راضیه خسروارد - دانشگاه ع. پ. سبزوار.

مقدمه: فراهم کردن یک محیط آموزشی خوب برای یادگیری موثر، ضروری است. کیفیت محیط آموزشی وابسته به کیفیت برنامه آموزشی، نحوه آموزش، توجه به یادگیری و دانشجویانی است که به عنوان عمل کننده از دانشگاه فارغ التحصیل می شوند. از عوامل موثر در جو آموزشی می توان به امکانات محیط آموزشی، وجود امنیت در محیط، ایجاد فرصت برای مشارکت فراگیران، در نظر گرفتن پاداش، شرایط روحی فراگیران، تعاملات آنان، رهبری آموزشی، مهارت های آموزشی و ... اشاره نمود. جو آموزشی نتیجه ارزش، هنجار و عقاید افراد در محیط آموزشی است و در این بین تعامل افراد با یکدیگر نقش مهمی را ایفا می نماید بنابراین مطالعه در این زمینه می تواند شرایط رشد بهتر دانشجویان فراهم کند.

روش اجرا: این پژوهش توصیفی بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی سبزوار در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ انجام شد. تعداد ۳۵۵ نفر به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب خواهند شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه DREEM جمع آوری شد. پرسشنامه شامل دو بخش اطلاعات جمعیت شناسی و ۵۰ سوال اختصاصی به صورت فهرست درجه بندی شده پنج گزینه ای در پنج حیطه؛ یادگیری، اساتید، ادراک دانشجو از توانایی علمی، جو آموزشی و محیط اجتماعی آموزشی است. بیشینه امتیاز پرسشنامه برای مجموع سوالات ۲۵۰ امتیاز خواهد بود. (بسیار مطلوب ۵ امتیاز، مطلوب ۴ امتیاز، تا حدودی مطلوب ۳ امتیاز، نیمه مطلوب ۲ امتیاز و نامطلوب ۱ امتیاز). ۸ سوال مفهوم منفی دارند (سوال ۴، ۸، ۹، ۱۷، ۲۵، ۳۵، ۳۹ و ۴۸). از این رو در هنگام امتیاز دهی به این سوالات این موضوع در نظر گرفته خواهد شد که نحوه امتیاز به این سوالات برعکس می باشد. پس از کسب مجوز از دانشگاه، گردآوری داده ها (محرمانه بودن اطلاعات در نظر گرفته می شود) انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS۱۶ و آزمون های آماری مرتبط تحلیل شد. یافته ها؛ بعد از جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، اطلاعات وارد نرم افزار شدند. داده ها با استفاده از آزمون های آماری T-test مستقل، ANOVA، Regression مورد تحلیل قرار گرفت. از پنج حیطه ی جو آموزشی، میانگین نمره حوزه ادراک دانشجو از شرایط اجتماعی اش کم ترین و میانگین نمره یادگیری بیشترین امتیاز را کسب

نمود. که جو آموزشی از دیدگاه دانشجویان در ۷، ۵ درصد بسیار مطلوب، ۶، ۶۴ درصد مطلوب، ۲۸ درصد تا حدودی مطلوب، ۹، ۰ درصد نیمه مطلوب و ۸، ۰ درصد نامطلوب بوده است. ارتباط آماری بین جنسیت و جو آموزشی معنی دار بود ($P > 0.05$). دانشجویان پسر جو آموزشی دانشگاه را مطلوب تر می دانستند. میانگین و انحراف معیار امتیازات کسب شده از حوزه پنج گانه جو آموزشی؛ حوزه یادگیری جو آموزشی از ۵۰ امتیاز ۱۹، ۳۱ ۶، ۳۹، حوزه اساتید از ۵۵ امتیاز ۴۴، ۳، ۰۸، ۳۴، حوزه ادراک دانشجویان از توانایی علمی از ۴۰ امتیاز ۲۱، ۲، ۷۵، ۲۸، حوزه جو آموزشی از ۵۰ امتیاز ۶۳، ۴۱ ۵، ۳۸ و حوزه شرایط اجتماعی از ۳۵ امتیاز ۶۴، ۵۲ ۳، ۲۳ به دست آمد. ترغیب کننده بودن تدریس، روشن بودن اهداف و دوستان خوب داشتن، اساتید متخصص و کلاس آرام از گویه هایی بود که دانشجویان درباره ی آن ها دیدگاه مثبت تری داشتند. استاد محوری، تکیه بر محفوظات و قدرت تمرکز، دانشگاه و وضعیت نامطلوب خوابگاه از گویه هایی بود که دانشجویان دیدگاه منفی تری نسبت به آن داشتند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به این که جو آموزشی بر پیشرفت تحصیلی و رضایتمندی دانشجویان اثر می گذارد، از این رو تلاش برای دریافت بازخورد مستمر از دانشجویان درباره ی ادراکشان از محیط آموزشی، مهم می باشد. اگرچه تنها در نه درصد موارد جو آموزشی دانشگاه نیمه مطلوب گزارش شد اما با استفاده از الگوی DREEM می توان برای تغییرات آموزشی مناسب و بهینه نمودن موقعیت آموزشی اقدام نمود. استفاده از نتایج این مطالعه برای برنامه ریزی راهبردی و کاربرد منابع و همچنین مقایسه ی دیدگاه فراگیران و اساتید در مطالعات آتی سودمند خواهد بود.

کلمات کلیدی: ارزیابی، جو آموزشی، دانشجویان، مدل DREEM

ابزار ارزشیابی کیفیت فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی

مهلا سلاجقه - دانشگاه ع. پ. کرمان، سارا شفیعیان - دانشگاه ع. پ. کرمان

مقدمه: از مهم ترین اجزای آموزش بالینی می توان به مواردی همچون خصوصیات فردی فراگیر، مدرس، محیط آموزش، برنامه ریزی و ارزشیابی اشاره کرد. در محیط بالینی، اعضای هیأت علمی به عنوان یکی از دروندادهای مهم فرایند آموزش بالینی هستند که نقش ها و وظایف متنوع و وسیعی بر عهده دارند. این اساتید چندین نقش را به طور هم زمان اجرا می کنند و در طول یک موقعیت خاص دائماً تغییر نقش می دهند. از جمله این وظایف می توان به وظایف آموزشی، بالینی، حرفه ای گری و ... اشاره نمود. در چنین محیطی با افزایش مسؤولیت های بالینی، زمان اختصاص داده شده برای آموزش فشرده تر

شده و کیفیت آموزش بالینی به چالش کشیده می شود. لذا شناخت این وظایف متعدد و استفاده از معیارهایی برای بررسی کیفیت فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی در ارتقای نتایج حاصل از آموزش بالینی بسیار کمک کننده خواهد بود. در این ابزار، معیارهای بررسی کیفیت فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی از مقالات و منابع معتبر خارجی و داخلی استخراج شده و براساس نقش ها و وظایف متعدد و متفاوت ایشان مورد تقسیم بندی و امتیازدهی قرار گرفته اند. از دیگر نقاط قوت این ابزار، استفاده از منابع اطلاعاتی متنوع شامل خودارزیابی، ارزشیابی توسط دانشجویان، همکاران و مدیران می باشد که در کاهش سوگیری و افزایش اعتبار نتایج ارزشیابی حائز اهمیت فراوان می باشد. گام اول: استخراج معیارهای کیفیت فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی براساس بررسی متون جستجوی متون: بدین منظور جستجوی متون به منظور استخراج معیارهای کیفیت فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی، با استفاده از کلیدواژه های ارزشیابی، آموزش بالینی، آموزش پزشکی و هیأت علمی بالینی و معادل انگلیسی آنها شامل Clinical teaching, Quality, Medical education, Evaluation, Clinical faculty member, Clinical education و ادغام این عبارات در پایگاه های Web of Science, ERIC, Medline, Embase, Scopus انجام شد. منابع مقالات به دست آمده نیز به منظور جستجوی مقالات بیشتر بررسی شدند. بررسی عنوان، چکیده و کلمات کلیدی: بررسی متن کامل مقالات انتخاب شده: استخراج اطلاعات از مقالات: تجزیه و تحلیل اطلاعات: در این مرحله، معیارهای کیفیت فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی که از نظر موضوعی مرتبط با یکی از وظایف اعضای هیأت علمی بالینی بودند در کنار هم قرار گرفتند و موارد تکراری حذف شدند. در نهایت معیارها در حیطه های "حرفه ای گری"، "ارائه بازخورد" و "فعالیت های آموزشی" (شامل ۳ زیرحیطه برنامه ریزی درسی، آموزش، ارزشیابی فراگیران و دانش پژوهی) مورد دسته بندی موضوعی قرار گرفتند. گام دوم: تعیین فرآیند ارزشیابی کیفیت فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی دسته بندی معیارها براساس وظایف اعضای هیأت علمی بالینی: بدین منظور جلساتی با متخصصین ارزشیابی اعضای هیأت علمی در مرکز مطالعات و توسعه آموزش دانشگاه علوم پزشکی کرمان برگزار شد. در طی این جلسات، معیارهای تکراری حذف شدند و مواردی که همپوشانی داشتند مورد ادغام قرار گرفتند. در نهایت ۱۷ معیار مورد تایید نهایی قرار گرفتند و در ۳ حیطه دسته بندی شدند. این ۳ حیطه شامل "حرفه ای گری" با ۵ معیار، "ارائه بازخورد" با ۱ معیار و "فعالیت های آموزشی" با ۱۱ معیار می باشند. تعیین امتیاز حیطه ها و معیارها: در این مرحله، براساس وزن و سهم وظایف و نقش های اعضای هیأت علمی بالینی، امتیاز هر حیطه از نمره ۱۰۰ تعیین شد. بدین صورت که برای حیطه "حرفه ای گری" ۲۵ امتیاز، حیطه "ارائه بازخورد" ۵ امتیاز و حیطه "فعالیت های آموزشی" ۷۰ امتیاز در نظر گرفته شد. در حیطه "فعالیت های آموزشی" برای هر یک از زیرحیطه ها امتیاز جداگانه در نظر گرفته

شد. بر این اساس، برای زیرحیطه برنامه ریزی درسی ۱۰ امتیاز، زیرحیطه آموزش ۴۵ امتیاز، زیرحیطه ارزشیابی فراگیران ۱۰ امتیاز و زیرحیطه دانش پژوهشی ۵ امتیاز در نظر گرفته شد. همچنین برای هر معیار در هر حیطه امتیاز متناسب در نظر گرفته شد. تعیین ارزیاب: با توجه به دایره ارتباطی متنوع فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی، منابع ارزیابی متنوعی مانند خودارزیابی، ارزیابی توسط همکار (هیأت علمی یا غیر هیأت علمی)، ارزیابی توسط مدیر گروه، ارزیابی توسط دانشجو و ارزیابی توسط بیمار می توانند به ارزشیابی کیفیت فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی بپردازند. بر این اساس، به جهت افزایش اعتبار نتایج ارزیابی، ارزیابی توسط مدیر گروه، دانشجو، همکار و خودارزیابی به عنوان روش های مناسب پیشنهاد شدند. گام سوم: اعتبارسنجی ابزار بدین منظور نظرات ۱۹ نفر از اعضای هیأت علمی بالینی شامل مدیران گروه های جراحی، داخلی، کودکان، رؤسا و معاونین آموزشی بیمارستان های آموزشی دانشگاه و برخی دیگر از اعضای هیأت علمی بالینی، پیرامون این ابزار، با استفاده از روش مصاحبه جمع آوری شد. براساس نتایج حاصل شده، رضایت بسیار بالا از تهیه و تدوین این ابزار گزارش شد و متفق القول بر پاسخگویی ابزار مطروحه به نیاز همیشگی مبنی بر وجود و استفاده از معیارهایی ویژه برای ارزشیابی کیفیت عملکرد آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی تاکید نمودند. پیشنهادهای این افراد در جهت ارتقا و بهبود ابزار ارزشیابی کیفیت فعالیت های آموزشی اعضای هیأت علمی بالینی به کار گرفته شد و تغییرات لازم ایجاد گردید.

بررسی عملکرد و ارزیابی اولین دوره آموزش فیزیوپاتولوژی طب نظامی در دوره پزشکی عمومی

محمد جواد بهزادنیا - دانشگاه ع. پ. بقیه اعلیٰ، زهرا دانیال .

مقدمه : امروزه کشورهای مختلف برای تربیت و آموزش پزشک نظامی در سطوح عمومی و تخصصی، فعالیتها و برنامه های درسی مشخصی را طراحی و تدوین کرده اند. پزشکان نظامی نیازمند دانش و مهارت لازم برای ایفای نقش خود هستند. در طب نظامی پزشکان باید آموزشی متفاوت و بیشتر نسبت به سایر پزشکان را داشته باشند. با توجه به اهمیت موضوع و ابلاغیه وزارت بهداشت در خصوص طراحی و اجرای دوره های آموزشی جهت دانشجویان پزشکی دانشگاههای نظامی، دوره آموزش فیزیوپاتولوژی نظامی به صورت یک کورس یک ماهه ۳ واحدی شامل انواع مباحث کاربردی طب نظامی برای اولین بار در سطح نیروهای مسلح و به صورت آکادمیک طراحی و اجرا گردید. شناسایی نقاط ضعف و قوت آن از ابعاد مختلف می تواند دست اندرکاران امر را بیش از پیش در طراحی دوره های بعدی و نیازسنجی دقیق تر مفاد آموزشی طب رزمی یاری نماید. روش پژوهش: مطالعه حاضر بصورت مقطعی و با استفاده از روش ترکیبی (کیفی و کمی) در دانشکده پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) صورت گرفت. در روش ترکیبی جهت جمع آوری داده ها و تدوین پرسشنامه در بخش کیفی از روش دلفی و سپس جهت تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کمی از میانگین و درصد استفاده شد. در بخش کیفی، نمونه گیری هدفمند و با روش گلوله برفی انجام شد که هر مصاحبه شونده، نفر بعدی را معرفی می کنند. در بخش کمی، نمونه گیری بصورت در دسترس از افراد حاضر در این دوره بودند، انجام شد. ابزار مورد استفاده برای جمع آوری نظرات مدرسین و دانشجویان شرکت کننده دوره پرسشنامه تدوین شده اثربخشی آموزشی بود. شاخصهای مورد ارزیابی پرسشنامه از سه بخش محتوی، مدرس و سازماندهی تشکیل شده است. بخش محتوای دوره و تدریس به دانشجویان داده شد تا جهت ارزیابی دوره و مدرسین آن را تکمیل نمایند. بخش سازماندهی و محتوای طراحی شده برای دوره نیز در اختیار اساتید دوره قرار گرفت و میزان مناسب بودن دوره، همگن بودن فراگیران، میزان مشارکت و علاقمندی فراگیران، میزان نظم و حضور فراگیران، میزان تاثیر روش تدریس بر اثربخشی دوره، تاثیر موقعیت حرفه ای بر تدریس، استفاده از وسایل کمک آموزشی، وضعیت محیط آموزشی و میزان تمایل برای تدریس در دوره های بعدی ارزیابی گردید. از سوی دیگر، از فراگیران سوالاتی همچون ارائه هدف موردنظر در دوره، میزان تسلط مدرسین، شیوه بیان و توانایی ها و انتقال مفاهیم، تلاش برای ارائه مطالب به روز و جدید، ارائه تجارب عملی، توانایی مدرس در پاسخگویی به سوالات، رعایت نظم و پیوستگی و ارائه آن توسط مدرس، جمع بندی مناسب مطالب و ارائه نتیجه گیری، تنظیم وقت مناسب برای تدریس، اهمیت به فراگیران دوره و ایجاد انگیزه در آنها، میزان تسلط در کنترل و اداره کلاس، نحوه برخورد با فراگیران و حضور به موقع پرسیده شد. نتایج با توجه به اهداف مورد نظر در این پژوهش در طراحی برنامه درسی طب نظامی نتایج با استفاده از پرسشنامه فلاندرز بدست آمد. نتایج نشان می دهد که دانشجویان در رضایت از کیفیت دوره در مباحث جراحی و طب اورژانس که جنبه بالینی دارند، متفق القول بودند اما رضایت ایشان نسبت به مباحث پایه ای بهداشت نظامی و مباحث جنگ های نوین به مراتب کمتر از مباحث بالینی بوده است؛ با توجه به عدم ثبات درونی (Consistency) پاسخ های دانشجویان، بیش از آنکه نشان دهنده نارضایتی از کیفیت دوره باشد، ناشی از نوعی نگرش مبهم دانشجویان به کل دوره است. این نگرش نیز ناشی از مقایسه خود با دانشجویان پیش از خود است که اساسا بار این دوره را بر دوش نداشته اند. بحث مواد درسی دوره فیزیوپاتولوژی پزشکی نظامی باید متناسب با نیازها و اپیدمیولوژی جامعه طراحی شود تا پزشکان از آمادگی و شایستگی های ضروری در هنگام بحران ها، حوادث غیر مترقبه و صحنه نبرد برخوردار باشند و بتوانند خدمات را در زمان مناسب به نحو مطلوب تری ارائه دهند. نظر به تجارب بسیار ارزشمند بومی در حیطه طب رزمی، لازم است در این دوره ها میزان انتقال تجارب علمی مبتنی بر شواهد بیشتر تقویت گردد. با توجه به مقدماتی بودن دوره، محتوای آموزشی چندان اختصاصی نبوده و باید در دوره های کار آموزی و کارورزی تکمیل تر

شود. چنین به نظر می رسد که لازم است تدریس عملی در محیطهای شبیه سازی، نیاز به ایجاد آزمایشگاه و کارگاه های طب نظامی، یکپارچگی مراکز آموزش و پژوهش دانشگاه در حوزه طب نظامی، بهبود عناوین و سر فصل ها و اصلاح کلید واژه ها دقیق تر صورت گیرد. تبیین بیشتر دوره به دانشجویان به منظور ایجاد انگیزه بیشتر و تغییر نگرش بیمار محوری به سلامت محوری بسیار ضروری است.

بررسی نگرش دانشجویان پیراپزشکی در رابطه با روش های آموزش مجازی، محتوا و کیفیت آن در شرایط همه گیری بیماری کرونا

مینا شایسته فر - دانشگاه ع. پ. سمنان، محدثه صفاری - دانشگاه ع. پ. سمنان، سیف الله علانی - دانشگاه ع. پ. سمنان.

مقدمه: با توجه به اینکه شیوع بیماری کووید ۱۹ موجب توقف موقت کلاس های آموزشی حضوری گردید. سازمان های آموزشی مختلف نظیر دانشگاههای علوم پزشکی متقابلا استراتژی هایی از جمله توسعه آموزش مجازی را اتخاذ نمودند، تا علیرغم مشکل فراگیر موجود بتوانند آموزش را ادامه دهند. برای موفقیت در این فرایند و ارتقاء کیفیت آن، دانشگاه ها باید به دیدگاه و نگرش اساتید و دانشجویان توجه نمایند. شناخت وضعیت جاری آموزش از جمله بررسی دیدگاه دانشجویان نسبت به آن می تواند در بهینه سازی و اثربخشی آموزش نقش بسزایی داشته باشد. هدف این مطالعه بررسی نگرش دانشجویان پیراپزشکی در رابطه با بکارگیری روش های آموزش مجازی، محتوا و کیفیت آن در شرایط همه گیری بیماری کرونا در سال ۱۳۹۹ بوده است.

روش اجرا: در این مطالعه تحلیلی-مقطعی کلیه دانشجویان رشته های اتاق عمل، هوشبری، فوریت پزشکی، رادیولوژی و فناوری اطلاعات سلامت در دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی سمنان که حداقل ۲ واحد درس تئوری یا عملی داشتند، به مدت دو نیمسال تحصیلی مورد بررسی قرار گرفتند. جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته شامل اطلاعات دموگرافیک و بخش بررسی نگرش دانشجویان در رابطه با بکارگیری روشهای آموزش مجازی، محتوا و کیفیت آن، استفاده شد. روایی این چک لیست با استفاده از نظرات ۱۰ نفر از اعضا هیئت علمی دانشکده و پایایی آن با بکارگیری ضریب آلفا کرونباخ (۰.۷۵، $\alpha=0$) مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. داده های جمع آوری شده با استفاده از روش های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: از ۲۰۲ دانشجو شرکت کننده در این پژوهش با میانگین سنی (۸،۱۲±۲۵،۱۷)، ۱۲۰ نفر (۵۹،۴٪) زن، ۸۲ نفر (۴۰،۶٪) مرد و اکثریت آنها (۶۵،۸٪) در مقطع کارشناسی پیوسته مشغول به تحصیل بودند. اکثریت دانشجویان (۷۰٪) معتقد بودند که سامانه آموزشی

نوید نسبت به کلاس آنلاین، ایمیل و شبکه های اجتماعی، بیشترین سهولت از نظر کاربری داشته و موثرترین روش آموزش مجازی است. همچنین بیشترین مشکلات مربوط به آموزش مجازی از نظر دانشجویان حجم فایل بوده و بیشترین میزان استفاده از بخش تکالیف (۸، ۷۱٪) نسبت به سایر بخش های سامانه نوید (به جز محتوا و منابع) می باشد. بطور کلی اغلب دانشجویان محتوا و کیفیت آموزش مجازی را در سطح متوسط قلمداد نمودند. نتیجه گیری: یافته های پژوهش نشان داد که دانشجویان ترجیح می دهند که از روش های آنلاین آموزشی در یک سامانه منسجم استفاده نمایند. بی شک کارآمدی نرم افزار جامع نوید در گرایش دانشجویان به آن در مقایسه با روش های دیگر نقش داشته است. تمایل به آموزش با انعطاف پذیری زمانی را شاید بتوان دلیل دیگر این یافته دانست. علاوه بر این بر اساس یافته های پژوهش بایستی برنامه ها و تمهیدات مناسبی جهت ایجاد تناسب در حجم و کیفیت مطالب برگزاری شده صورت گیرد.

کلمات کلیدی: کیفیت آموزش مجازی، دانشجوی پیراپزشکی، همه گیری کرونا.

تجارب اعضای هیئت علمی در خصوص برنامه های توانمندسازی در دانشگاه علوم پزشکی تبریز - یک مطالعه کیفی

لیلا خدائی - دانشگاه ع. پ. تبریز، رضا غفاری - مریم برادران بی نظیر - دانشگاه ع. پ. تبریز، مژگان بهشید - زیبا شریفی .

مقدمه: اجرای برنامه های مربوط به توانمندسازی اعضا هیات علمی، یکی از ابزارهای مهم ایجاد تغییر و تحول در نظام آموزش عالی است؛ که دانش فردی و مهارتهای اساسی و لازم برای عملکرد بهتر در دانشگاه را برای اعضای هیئت علمی فراهم می کند. این مطالعه با هدف شناسایی و تبیین تجارب اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در خصوص برنامه های توانمندسازی، کیفیت برگزاری دوره های مهارتهای دانشگاهی و میزان تاثیر آن بر عملکرد آموزشی آنها انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه با رویکرد کیفی و با روش تحلیل محتوایی متعارف (Conventional) انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از مصاحبه ی عمیق نیمه ساختارمند استفاده شد. داده ها طی ۱۹ مصاحبه با ۱۶ نفر از اعضا هیئت علمی شرکت کننده در دوره مهارتهای دانشگاهی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز که، منبع غنی برای ارائه ی اطلاعات بوده و تمایل به ارائه تجارب خود در خصوص این دوره ها را داشتند جمع آوری شد و به روش تحلیل محتوایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: مصاحبه ها در بیش از ۲۷۶ کد باز و ۲ طبقه و ۵۵ زیر طبقه دسته بندی شد. بر اساس تجزیه و تحلیل داده ها، عوامل موثر در خصوص برنامه های توانمندسازی اعضای هیئت علمی عوامل فردی شامل "عوامل انگیزشی و عوامل بازدارنده" و عوامل سازمانی شامل "عوامل ساختاری و عوامل فرایندی" می باشد.

بحث و نتیجه گیری: توجه به عوامل انگیزشی فردی و سازمانی مانند پاسخگویی به نیازهای حرفه ای اساتید، برطرف کردن نیازهای آموزشی و حرفه ای افراد بر اساس نیاز سنجی آموزشی می تواند باعث ارتقا سطح انگیزش اعضا هیئت علمی جهت شرکت در این دوره ها و فعالیتهای آموزشی گردد. همچنین با اصلاح عوامل بازدارنده (فردی، سازمانی) و بکارگیری راهکارهای ارائه شده از سوی ایشان از جمله اصلاح امور محتوایی و ساختاری دوره مانند توجه به سطوح مختلف مخاطبین و تخصصی کردن دوره، کارآمدی و به روز بودن موضوعات و محتوی های ارائه شده در دوره، استفاده از شیوه های آموزشی نوین تدریس و ارزیابی های تکوینی مستمر در طول دوره آموزشی و ارائه بازخورد موثر و به موقع به فراگیران، باعث بهبود کیفیت دوره و افزایش اثر بخشی آن گردند.

بررسی میزان اثربخشی دوره آموزشی کارشناسی ارشد اتاق عمل بر اساس مدل کرک پاتریک

زهره بادیه پیمای جهرمی - دانشگاه ع. پ. جهرم، مینا امیری - دانشگاه ع. پ. شیراز، مرضیه مومن نسب - دانشگاه ع. پ. شیراز، شهرزاد یکتا طلب - سعید حمیدی زاده - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: ارزشیابی در نظام آموزشی به علت ماهیت و عملکرد خاصی که دارد یکی از مهم ترین مباحث در فرآیند آموزش محسوب می شود. برای ارزشیابی اثربخشی دوره های آموزشی از ابزارها و روش های مختلفی استفاده می شود. الگوی کرک پاتریک یکی از الگوهای مطرح در این زمینه است که می تواند به طور دقیق دوره های آموزشی را مورد ارزیابی و اثربخشی قرار دهد. این مدل در سطح اول واکنش مشارکت کنندگان را اندازه گیری می کند و تلاش می کند که به سؤالات مربوط به نگرش نسبت به برنامه پاسخ دهد. ارزشیابی در سطح دوم، فراتر از رضایت یادگیرنده است و سنجش افزایش مهارت ها و یادگیری ها است و در سطح سوم، انتقال یادگیری در رفتار یادگیرندگان به تبع آموزش مورد سنجش قرار می گیرد. هدف این مطالعه تعیین میزان اثربخشی دوره آموزشی کارشناسی ارشد اتاق عمل از دیدگاه دانشجویان بر اساس مدل کرک پاتریک در سه سطح واکنش، یادگیری و رفتار بود.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی-مقطعی به روش در دسترس بر روی ۴۶ نفر از فارغ التحصیلان و دانشجویان ترم سوم و بالاتر کارشناسی ارشد اتاق عمل شیراز، تهران و اصفهان انجام شد. پرسشنامه ای با ۴۹ گویه در

سه سطح واکنش (۱۶ گویه)، یادگیری (۱۸ گویه) و رفتار (۱۵ گویه) ساخته و روایی آن در دو سطح صوری و محتوایی (نسبت روایی محتوایی (CVR) و شاخص روایی محتوایی (CVI)) تأیید شد. سپس جهت بررسی نظرات فارغ التحصیلان و دانشجویان پس از اخذ اطلاعات تماس آنان از واحد آموزش دانشکده‌ها و اخذ رضایت آگاهانه آنان، پرسشنامه به آدرس ایمیل آنان ارسال گردید و پس از تکمیل آن به محقق بازگردانده شد.

یافته‌ها: میانگین و انحراف معیار نمره ارزشیابی در سطح واکنش ۰٫۴۷، ۱۰±۰٫۶۰، از ۰٫۷۰، یادگیری ۱۱±۰٫۴۰، ۶۳ از ۹۰ و رفتار ۰٫۹۶، ۲۲±۰٫۶۳، از ۷۵ بود. میانگین نمره کلی دوره آموزشی ۰٫۸۴، ۲۲±۰٫۸۸، از ۱۷۳ تا ۲۴۵ ارزیابی شد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد دوره آموزشی کارشناسی ارشد اتاق عمل اثربخشی لازم را دارا می‌باشد هرچند پیشنهاد می‌گردد متولیان آموزش گروه اتاق عمل برای دستیابی به شاخص‌های بالاتر این مقطع تحصیلی برنامه‌ریزی نمایند. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به کسب بینش واقع‌بینانه نسبت به دوره تحصیلات تکمیلی دوره اتاق عمل در اساتید و روسای دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها کمک نماید و زمینه‌ساز تغییرات لازم در جهت بهره‌وری بیشتر این دوره گردد.

بررسی میزان انطباق محتوای برنامه درسی بخش روانپزشکی رشته پزشکی (مقاطع کارآموزی و کارورزی) با نیازهای شغلی آینده پزشکان عمومی از دیدگاه پزشکان عمومی

یحیی محمدی - دکتر علی اکبر اسماعیلی - سینا فاضلی - علی رئیسون - محمدرضا رئیسون، دانشگاه ع. پ. بیرجند.

مقدمه: در چرخه برنامه‌ریزی آموزشی بازخورد یکی از مهمترین قسمت‌ها می‌باشد که میزان موفقیت برنامه و نکات قابل بهبود آن را معلوم و مشخص می‌کند. دانشجویان و دانش‌آموختگان هر رشته مهمترین و بهترین گروهی هستند که می‌توان برای ارزیابی و بازخورد فعالیت‌های آموزشی از نظرات و اطلاعات و پیشنهادات آن‌ها استفاده نمود (۱۳). برنامه‌ریزان آموزشی بایستی در جهت استفاده از منابع موجود و در دسترس شرایطی را فراهم سازند که دانشجویان رشته‌ی پزشکی دانش و مهارت کافی را برای حرفه آینده خود کسب کنند. برنامه‌ی آموزشی این دانشجویان بایستی به نحوی باشد که دانش‌آموختگان این رشته بتوانند زمینه‌ای جهت کسب تبحر و مهارت بالینی خود فراهم سازند (۱۷). لذا هدف از این مطالعه ارزیابی کیفیت برنامه‌ی آموزشی دانشجویان رشته‌ی پزشکی در بخش روانپزشکی مبتنی بر نیازهای شغلی یک پزشک عمومی در آینده می‌باشد.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی- تحلیلی و مقطعی روی تمامی پزشکان عمومی شاغل در درمانگاه‌ها، خانه‌های بهداشت، بیمارستان‌ها و مطب‌های شخصی خود در سطح استان خراسان جنوبی که تعداد آنها ۱۰۹ نفر بود انجام شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته متناسب با سرفصل‌های بخش روانپزشکی استفاده شد. پرسشنامه مشتمل بر دو بخش مشخصات فردی و سوالات مرتبط با محتوای برنامه درسی بخش روانپزشکی بود که شامل ۱۹ سوال و هر سوال متناسب با یک سرفصل بود. پس از بررسی داده‌ها در نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ وارد شد و نتایج به صورت $\text{mean} \pm \text{SD}$ گزارش شد. آزمون‌های T تک نمونه‌ای در سطح معناداری $\alpha < 0,05$ استفاده شد. **یافته‌ها:** جدول ۱: انطباق برنامه درسی بخش روانپزشکی با نیازهای شغلی پزشکان عمومی ردیف عنوان سرفصل میانگین انحراف معیار t معنی داری ۱ کلیات روانپزشکی و بهداشت روان و طبقه بندی رایج در روانپزشکی ۱،۵۵، ۶۵۹، ۲۴، ۵۴۵، ۲۴۰۰۰. شرح حال‌گیری و علامت شناسی در روانپزشکی ۱،۶۳، ۷۵۳، ۲۲، ۶۲۶، ۲۲۰۰۰. رشد روانی و چرخه طبیعی زندگی انسان در روانپزشکی ۱،۳۳، ۵۴۸، ۲۵، ۵۱۶، ۲۵۰۰۰. مسائل روانپزشکی در بیماری‌های جسمی در روانپزشکی ۱،۴۵، ۵۵۳، ۲۷، ۵۲۴، ۵۰۰۰. مشکلات جسمی در بیماری‌های روانی در روانپزشکی ۱،۴۵، ۵۶۹، ۲۶، ۷۲۸، ۲۶۰۰۰. اختلالات خواب در روانپزشکی ۱،۴۹، ۵۷۱، ۲۷، ۳۲۹، ۷۰۰۰. کلیات اختلالات شخصیتی در روانپزشکی ۱،۴۹، ۶۰۲، ۲۳، ۴۰۸، ۶۷۵، ۱،۵۱. اختلالات جنسی در روانپزشکی ۱،۵۱، ۸۹۹، ۲۵، ۹۰۰۰. اختلالات خلقی در روانپزشکی ۱،۴۳، ۵۸۳، ۲۵، ۶۲۱، ۲۵۰۰۰. اختلالات اضطرابی در روانپزشکی ۱،۳۳، ۵۶۱، ۲۴، ۷۱۳، ۲۴۰۰۰. اختلال اسکیزوفرنی و سایر اختلالات پسیکوتیک در روانپزشکی ۱،۳۱، ۵۳۹، ۲۵، ۴۰۴، ۱۲۰۰۰. سوء مصرف مواد ۱،۶۸، ۸۰۱، ۲۱، ۹۸۶، ۲۱۰۰۰. اختلالات سوماتوفرم ۱،۵۱، ۶۱۷، ۲۵، ۵۷۹، ۲۵۰۰۰. اختلالات شناختی ۱،۳۵، ۵۵۳، ۲۵، ۶۲۷، ۲۵۰۰۰. اورژانس‌های روانپزشکی ۱،۳۴، ۵۳۳، ۲۶، ۳۸۶، ۱۶۰۰۰. روانپزشکی کودک و نوجوان ۱،۴۹، ۶۴۷، ۲۴، ۱۲۱، ۲۴۰۰۰. درمان (دارویی و غیردارویی) ۱،۶۲، ۷۱۷، ۲۳، ۶۳۳، ۲۳۰۰۰. ۱۹ Psychoeducation ۱،۴۶، ۶۷۴، ۲۲، ۷۲۰، ۲۲۰۰۰. معنویت دارو ۱،۵۷، ۷۱۰، ۲۳، ۱۷۳، ۲۳۰۰۰. نتایج نشان داد که میانگین نمره سرفصل‌های (کلیات روانپزشکی و بهداشت روان و طبقه بندی رایج در روانپزشکی، شرح حال‌گیری و علامت شناسی در روانپزشکی، اختلالات جنسی در روانپزشکی، سوء مصرف مواد، اختلالات سوماتوفرم، درمان (دارویی و غیردارویی)، معنویت دارو) بیشتر از ۱،۵ است لذا می‌توان گفت این سرفصل‌ها با نیازهای شغلی پزشکان عمومی در متوسط به بالا است و از لحاظ آماری معنی داری است ($P=0,001$). همچنین میانگین نمره سرفصل‌های (رشد روانی و چرخه طبیعی زندگی انسان در روانپزشکی، مسائل روانپزشکی در بیماری‌های جسمی در روانپزشکی، مشکلات جسمی در بیماری‌های روانی در روانپزشکی، اختلالات خواب در روانپزشکی، کلیات اختلالات شخصیتی در روانپزشکی، اختلالات خلقی در روانپزشکی، اختلالات اضطرابی در روانپزشکی، اختلال اسکیزوفرنی و سایر اختلالات پسیکوتیک در روانپزشکی، اختلالات

were compared and analyzed by t-test, chi-square, and Pearson correlation.

Results: Out of 75 students, 37.3% were male and the rest were female. The mean scores of students were significantly different between pre- and post-test and two weeks after the training, which was statistically significant ($P < .0001$). The mean scores of the test two weeks after the training were significantly different from the semester grade point average and total score of students ($P < .0001$). It also increased students' satisfaction with learning.

Discussion and Conclusion: These results indicate that pathology teaching in clinical cases through problem-based approach improves students' average scores and satisfaction

شناختی، Psychoeducation، روانپزشکی کودک و نوجوان، اورژانس‌های روانپزشکی) کمتر از میانگین ۱،۵ است لذا می توان این سرفصل ها با نیازهای شغلی پزشکان عمومی در متوسط به پایین است و از لحاظ آماری معنی دار است ($P=0$ ، 0.001).

بحث و نتیجه گیری: برنامه های درسی بخش روانپزشکی از نظر آگاهی علمی و دانش نظری و همچنین دانش کاربردی در زمینه های نیازهای تعیین شده در سطح متوسطی قرار دارد و لازم است شرایط فراهم شود تا مهارت و توانایی لازم و دانشهای نظری در این زمینه را به موقعیتهای عملی و کاربردی انتقال و تعمیم دهند. توصیه میشود معیارهای انتخاب محتوا در برنامه های درسی توسط برنامه ریزان و متخصصان آموزشی مورد توجه بیشتری قرارگیرد؛ همچنین با به وجود آوردن شرایط لازم جهت افزایش تعامل دانشجویان با اعضای هیات علمی برای مشارکت بیشتر آنها در فرآیندیاددهی-یادگیری با توجه به اولویت نیازهایشان برنامه ریزی های لازم انجام شود.

کلمات کلیدی: انطباق، محتوای برنامه درسی، بخش روانپزشکی، نیازهای شغلی، پزشکان عمومی

بررسی کارایی یک برنامه آموزش ادغام یافته مبتنی بر مسئله، در آموزش پاتولوژی به دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین

فاطمه سمیعی راد - دانشگاه ع. پ. قزوین، رامین سرچمی - محمد صوفی آبادی.

Background and Aim: Traditional teaching methods make it difficult for students to be active in the teaching process. Studies have shown that student-centered practices and the integration of relevant courses increase the quality of teaching and learning. The purpose of this study was to investigate the effect of case-based teaching method of pathology course on maximal learning and higher scores and students' satisfaction. Methods: In this quasi-experimental cross-sectional study, part of the pathology course was conducted in the form of clinical cases with a problem-based approach for 75 medical students of Qazvin University of Medical Sciences. First, a pre-test and then the students were divided into three groups. Students in each group study the given topics and then submit the results of their studies in written or digital form to the other groups. At the end of the training and two weeks after the performance, the students were re-tested. The differences between the scores of these tests

ارزیابی دانشجوی

همچنین درجه دشواری سئوالات هر دو آزمون نیز تفاوت معنی داری نداشت. از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون t مستقل برای تحلیل داده ها استفاده شد. P کمتر از ۰۰۵، معنی دار تلقی گردید.

یافته‌ها: از میان ۱۰۶ نفر دانشجویان مورد بررسی ۵۱ نفر زن (۴۸٪) و ۵۷ نفر مرد (۵۱٪، ۹٪) بود. از مجموع ۹۰ نمره، نمره دانشجویان در درس کارموزی زنان در سال ۱۳۹۸ (آموزش و آزمون حضوری) ۸، ۲۷ ± ۰۶ و در سال ۱۳۹۹ (آموزش و آزمون مجازی)، ۸، ۶۲ ± ۰۶، ۵ بود. این تفاوت از نظر آماری معنی دار نبود. (P=۰,۴۴)

بحث و نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد علیرغم برگزاری کلاسها و آزمون درس زنان و زایمان تئوری دوره کارآموزی دانشجویان پزشکی بصورت مجازی در نیمسال اول ۹۹، میانگین نمرات تفاوت معنی داری با آزمون متناظر سال قبل از آن که تدریس و آزمون بصورت حضوری برگزار شده بود نداشت. لذا بطور کلی میتوان چنین نتیجه گرفت که روش تدریس و آزمون مجازی را می توان به نحو موثری برای ارایه درس زنان و زایمان دانشجویان پزشکی در دوره استاجری بکار گرفت.

کلمات کلیدی: تدریس حضوری، تدریس مجازی، یادگیری، ارزشیابی، دانشجویان پزشکی، کارآموزی، زنان و زایمان

ارزشیابی رفتار حرفه ای دانشجویان پرستاری در محیط بالینی با ابزار تمرین مینی ارزیابی حرفه ای (P-MEX)

داریوش رخ افروز - نسرین الهی - محمد حسین حقیقی زاده - سجاد نعمتی - دانشگاه ع. پ. اهواز.

مقدمه: سنجش میزان رعایت اصول رفتار حرفه ای در عملکرد بالینی دانشجویان پرستاری به عنوان منبعی جهت تعیین نیازهای آموزشی و تصمیم گیری برای ایجاد تحول در محیط های آموزشی و ارتقاء کیفیت آموزش امری ضروری است. هدف: هدف از مطالعه حاضر ارزشیابی رفتار حرفه ای دانشجویان پرستاری در محیط بالینی با ابزار تمرین مینی ارزیابی حرفه ای (P-MEX) می باشد.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی تحلیلی مقطعی بوده که پس از اخذ کد اخلاق (IR.AJUMS.REC.۱۳۹۸,۴۱۷) و با کسب اجازه از معاونت پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز بر روی نمونه سرشماری شده از دانشجویان کارورز ترم ۷ و ۸ کارشناس پرستاری نیمسال دوم ۹۷-۹۸ که در حال گذراندن واحد های کارورزی در بخش های مختلف بیمارستان های گلستان و امام خمینی (ره) شهرستان اهواز بودند انجام شد. تعداد کل دانشجویان کارورز ۸۶ نفر بود که به ترتیب ۴۷ نفر کارورز ترم ۷ و ۳۹ نفر کارورز ترم ۸ می بودند. معیارهای ورود به این مطالعه شامل: رضایت و آگاهی کامل دانشجویان کارورز کارشناسی پرستاری و معیارهای خروج از مطالعه

مقایسه نتایج حاصل از ارزشیابی حضوری با روش ارزشیابی مجازی درس زنان و زایمان دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سالهای ۱۳۹۹-۱۳۹۸

سهیلا یداللهی - دانشگاه ع. پ. کاشان، مهرداد مهدیان - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه: با رشد روز افزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و نفوذ وسایل ارتباط جمعی از راه دور به عمق جامعه، ابزارها و روشهای آموزش و ارزشیابی نیز متحول شده و نیاز به استفاده از ابزارهای جدیدتر برای انتقال دانش بیشتر احساس می شود. آموزش مجازی یکی از روشهای رایج در کشورهای مختلف جهان است که افزایش امکانات و دسترسی به اینترنت در رشد این روش نقش مؤثری داشته است. علیرغم استفاده محدود از این روش در سالهای گذشته، همه گیری کووید ۱۹ فرصتی را فراهم آورد که استفاده از آموزش مجازی و به تبع آن آزمونهای مجازی ضرورتا رشد فزاینده ای یابد. با توجه به نوپایی این روش، بررسی نحوه یادگیری و عملکرد دانشجویان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا این مطالعه با هدف مقایسه میانگین نمرات درس تئوری زنان و زایمان دوره کارآموزی دانشجویان پزشکی در دو نیم سال دوم سال ۹۸ و نیم سال اول سال ۹۹ که به ترتیب بصورت حضوری و مجازی برگزار گردیده بود در دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه نیمه تجربی در بین ۱۰۶ نفر از دانشجویان مقطع استاجری پزشکی انجام شد. برای انجام این مطالعه میانگین نمرات اکتسابی دانشجویان در درس ۴ واحدی تئوری زنان و زایمان دوره کارآموزی در سال ۱۳۹۸ که هم تدریس و هم آزمون الکترونیک بصورت حضوری انجام شده بود (۵۵ نفر) با میانگین نمرات همین درس در سال ۱۳۹۹ برای دانشجویانی که هم ارائه درس و هم آزمون الکترونیک بصورت مجازی برگزار شده بود (۵۱ نفر) مقایسه گردید. درس تئوری زنان و زایمان برای دوره حضوری طبق طرح درس گروه توسط اعضاء هیئت علمی برگزار و آزمون الکترونیک نیز بصورت حضوری برگزار شد. برای دوره مجازی تدریس بر اساس همان طرح درس و بوسیله همان اساتید اما از طریق تدریس آنلاین (ادوبی کانکت) و بارگذاری دروس در سامانه نوید انجام شد. برای این گروه آزمون مجازی در سامانه فرادید و بصورت غیر حضوری برگزار شد. در هر دو آزمون برای پاسخ دهی به سوالات یک دقیقه زمان اختصاص داده شد، در هر صفحه دو سؤال قرار داده شد و امکان بازگشت به سوالات قبلی وجود نداشت و جای گزینه ها و سوالات دانشجویان جایجا شده بود.

بخش های دیگر می باشد لذا به منظور ارتقاء همه جانبه مهارت های حرفه ای پرستاری، برنامه ریزی و به کارگیری روش های آموزشی مناسب ضروری به نظر می رسد.

طراحی و اجرا و ارزشیابی OSCE در دانشجویان فوریت های پزشکی

عایشه حاجی اسماعیل پور - دانشگاه ع. پ. کردستان، سیدآروین
برزنجی -، آرام کریمیان -، فرزانه زارعی - دانشگاه ع. پ. کردستان،

مقدمه: ارزشیابی یکی از اجزای مهم و لاینفک یادگیری در هر برنامه آموزشی و مبنای تصمیم گیری در فعالیتهای عملی و اجرایی است. فرایند ارزشیابی موثر می تواند کمک کند که دانشجویان با صلاحیت وارد عرصه عمل شوند. یکی از روشهای مناسب ارزشیابی مهارت های بالینی روش آسکی است. مطالعات متعدد بر ضرورت و اهمیت ارزشیابی به روش آسکی تاکید نموده اند. رشته فوریت های پزشکی بعد از فارغ التحصیلی وارد بطن جامعه می شوند و در محیط های واقعی زندگی مردم به ارائه خدمات در شرایط بحرانی و اورژانسی می پردازند بنابراین اطمینان صاحبان آموزش در مورد کسب بالاترین کیفیت آموزشها توسط فراگیران و دریافت بهترین خدمات توسط جامعه بسیار مهم است. و این مهم با سنجش فقط دانش و طرح سوالات کتبی و شفاهی میسر نخواهد شد. لذا محققین در این پژوهش برآن شدند تا با هدف ارتقاء کیفیت فرایند ارزشیابی در دانشجویان رشته فوریت های پزشکی ارزشیابی فراگیران این رشته را با استفاده از روش OSCE انجام دهند.

روش اجرا: این مطالعه به روش اقدام پژوهی در دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ انجام شد. نمونه ها بصورت سرشماری و دردسترس وارد مطالعه شدند. ۷ ایستگاه براساس سرفصل و اهداف آموزشی واحد احیا قلبی ریوی رشته فوریت های پزشکی پیش بیمارستانی طراحی گردید. میزان تاثیر این روش در یادگیری و رضایتمندی از اجرای این روش با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه نیمه ساختارمند تحلیل شد.

یافته ها: از نظر ممتحنین اصلاً آزمون خسته کننده ای نبوده است. دانشجویان بیان نموده اند که این آزمون باعث افزایش اضطراب و استرس و شتاب زدگی در ارزیابی دانشجویان نمی شود. ۷۹،۸۱ درصد موافق با اجرای این روش آزمون بودند. دانشجویان اعلام نموده اند که این روش باعث شده تا علاقه و انگیزه برای یادگیری بیشتر و عمیق تر در آنها ایجاد شود. تمام دانشجویان بیان نموده اند که توانایی خودارزیابی در آنها تقویت و تجارب خوشایندی داشته اند. این آزمون محیط واقعی کار را تداعی نموده است و خواستار استفاده بیشتر از این روش شده اند. یکی از ایستگاه های کلیدی این آزمون فیلمبرداری شد و در اختیار دانشجویان قرار گرفت تا خود و همکلاسی های خود را ارزیابی کنند(با

شامل: عدم شرکت دانشجو در دو نوبت از مراحل ارزشیابی بود که در طول ترم تحصیلی انجام شد و در صورت غیبت دانشجو در یک مرحله از مراحل ارزشیابی، مجدداً در جبرانی کاروری یا در ادامه کاروری ها مورد ارزشیابی قرار گرفت. سپس پژوهشگر پس از توضیح روش کار به نمونه های پژوهش و کسب رضایت آگاهانه بصورت شفاهی از آن ها و بیان اهداف و همچنین اهمیت مسئله و اطمینان دادن در مورد محرمانه ماندن کلیه اطلاعات شخصی ثبت شده و تکمیل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک توسط هر یک از کارورزان، اقدام به ارزشیابی رفتار حرفه ای دانشجویان در مقیاس کوچک نمود. مربیان عرصه از اساتید دانشگاه انتخاب شده بودند که هر مربی ۵ تا ۷ دانشجو را جهت راهنمایی و آموزش کار بالینی به همراه داشت و پژوهشگر بعنوان فرد همراه در کنار مربی در گروه حضور داشت و زمانی که دانشجویان در بالین در حال انجام مهارت های بالینی و خدمات رسانی به بیماران بودند، از راه دور به مشاهده رفتار و اخلاق حرفه ای دانشجویان به صورت انفرادی پرداخت. در این آزمون پژوهشگر، دانشجو را به طور مستقیم زمانی که در حال تعامل با بیمار (در بیمارستان، درمانگاه سرپایی و یا اورژانس) بود مورد مشاهده قرار داد و با استفاده از فرم ارزشیابی P-MEX به عملکرد او نمره می داد. (لازم بذکر است که این قسمت از روش کار بصورت مخفی و پنهان از دید کارورزان بود زیرا که در صورت مطلع بودن دانشجویان کارورز در مورد نمره دانشانشان توسط پژوهشگر، شاهد نتیجه کار واقع بینانه از جانب کارورزان نبوده و باعث کاذب بودن نتیجه نهایی می شد.) پژوهشگر در صورت مشاهده رفتار و اخلاق غیر حرفه ای از جانب دانشجو، به مربی عرصه در مورد رفتار و اخلاق غیر حرفه ای دانشجو اطلاع می داد تا استاد به او بازخورد دهد. معمولاً آزمون به مدت ۱۵ دقیقه و بازخورد آن ۵ دقیقه بطول می انجامید. هر دانشجو در موارد متعدد (حداقل ۲ بار در بخش های مختلف بیمارستان ها به فاصله ۲ تا ۳ ماه) توسط پژوهشگر مورد آزمون قرار گرفت. دلیل انجام این پژوهش در دو مرحله صرفاً جهت مقایسه بین مرحله اول و دوم انجام روش کار نبود، بلکه هدف، نتیجه بازخورد مرحله اول انجام پژوهش بود که بین ۲ تا ۳ ماه بعد در مرحله دوم دیده می شد. پایایی ابزار P-MEX در مطالعه حاضر با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ تعیین گردید. تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی با نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ انجام شد.

یافته ها: در مجموع مهارت ها، اکثر شرکت کنندگان در مرحله اول ۵۱،۲٪ در سطح متوسط و قابل انتظار و ۴۸،۸٪ بالا تر از حد انتظار و در مرحله دوم نیز اکثر ۸۴،۹٪ در سطح متوسط و در حد انتظار و ۱۵،۱٪ بالاتر از حد انتظار قرار دارند. سن، معدل، تأهل، میزان آشنایی، تمایل به تغییر رشته و علاقه به رشته پرستاری با مهارت های حرفه ای ارتباط معنادار دارند.

بحث و نتیجه گیری: گرچه میانگین کل نمرات مهارت های بالینی اکثر دانشجویان در محدوده در حد انتظار از مقیاس لیکرت ۴ درجه ای قرار دارد اما نمره مهارت ها در بخش های مراقبت ویژه پایین تر از

استفاده از همان چک لیست سوپروایزر ایستگاه (بنابراین هدف شکل دادن فرایند خودارزیابی در دانشجویان وقتی در محیط شبه واقعی کار قرار می گیرند نیز محقق گردید.

بحث و نتیجه گیری : استفاده از روش ارزشیابی OCSE به عنوان روشی معتبر و پایا برای سنجش مهارتهای احیای قلبی ریوی در دانشجویان فوریتهای پزشکی توصیه می شود.

بررسی رضایتمندی کارورزان از کارپوشه الکترونیکی در گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در دوران پاندمی کووید-۱۹

مریم برادران بی نظیر - دانشگاه ع. پ. تبریز ،

مقدمه: استفاده از کارپوشه به عنوان یک روش آموزش و سنجش نه تنها به پیشرفت تحصیلی فراگیروارزشیابی اوکمک میکند بلکه مهارت های تفکر، تحلیل انتقادی، و راهبردهای فراشناختی را نیز گسترش میدهد. این روش درباره چگونگی حل مسئله و تفکر، اطلاعات بیشتر ی از روشهای سنتی سنجش بدست میدهد. فراگیران را وادار میکند تا نقش فعالتری در سنجش پیشرفت خود ایفا کنند. کارپوشه الکترونیکی e-portfolio نیز نوعی از کارپوشه است و جایگزین شیوه سنتی آن است. در نوع الکترونیک برای برقراری ارتباط بین شواهد، نظارتها و بازخوردها از هایپرلینک استفاده میشود. برای نشان دادن فهرست محتوای کارپوشه نیز از هایپرلینک استفاده میشود. مشکلات حمل و نقل مستندات کاغذی در شیوه سنتی در نوع الکترونیک وجود ندارد و ضمن به روزرسانی مستندات الکترونیک نیز راحتتر است. امروزه کارپوشه های الکترونیک به گونه ای طراحی شده اند که کار با آنها برای کاربران بسیار راحت است. بعلاوه کارپوشه الکترونیکی در صرفه جویی مصرف کاغذ نیز موثر است. لذا بر آن شدیم بعد از الکترونیکی کردن کارپوشه ی کارورزان به بررسی رضایتمندی کارورزان از کارپوشه الکترونیکی در گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تبریز بدنبال شروع پاندمی کووید-۱۹ بپردازیم.

روش اجرا: مطالعه از نوع مقطعی- توصیفی بود. ابزار مطالعه چک لیست ۶ آیتمی استاندارد در مورد رضایتمندی از کارپوشه الکترونیکی بود. شرکت کنندگان در مطالعه تمامی کارورزان پزشکی اجتماعی بودند که طی تیر الی آبان ماه ۱۳۹۹ در بخش پزشکی اجتماعی حاضر بودند. چک لیست ها بعد از امتحان پایان بخش کارورزان بصورت برخط توسط آنان تکمیل میشد. تحلیل داده ها بصورت محاسبه فراوانی ، میانگین نمرات و مقایسه میانگین نمرات چک لیست بر اساس جنسیت شرکت کنندگان بود و با کمک آزمون آماری تی مستقل و نرم افزار آماری (SPSS-۱۶) انجام گرفت.

یافته ها: بطور کلی ۱۵۶ نفر از کارورزان، چک لیست را پر کرده بودند. ۹۴ (۶۰ درصد) نفر از آنها زن بودند. میانگین (انحراف معیار) نمره چک لیست رضایت سنجی از کارپوشه الکترونیکی ۲، ۵ (۱، ۲) بود. بالاترین حد نمره قابل کسب برای چک لیست ۶ و کمترین حد آن صفر بود. میانگین (انحراف معیار) نمره کسب شده برای کارپوشه الکترونیکی توسط کارورزان زن و مرد به ترتیب ۳، ۵ (۱، ۱) و ۱، ۵ (۱، ۳) بود که از نظر آماری تفاوت معنی داری نداشتند (P=۰,۱۲). فراوانی و درصد پاسخ مثبت به گویه های چک لیست در جدول یک نمایش داده شده است.

بحث و نتیجه گیری: رضایت کارورزان از کارپوشه الکترونیکی در در گروه پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی تبریز در دوران پاندمی کووید-۱۹ در حد بالا بود. این رضایت بالا بیانگر این است که کارپوشه الکترونیکی تقریباً به اهداف خود رسیده است. جدول ۱- فراوانی و درصد پاسخ مثبت به گویه های چک لیست رضایتمندی از کارپوشه الکترونیکی استفاده از لاگ بوک و پورتفولیوی الکترونیکی منجر به: موافقم ارزشیابی عادلانه می شود (۹۵)۱۴۹ نمایش دادن کامل کارهای انجام شده توسط کارورزان (۸۶)۱۳۵ کاهش مصرف کاغذ نسبت به قبل (۱۰۰)۱۵۶ مشارکت دانشجویان در آموزش و ارزشیابی در عرصه (۹۶)۱۵۰ دریافت به موقع بازخورد از استاد مربوطه در عرصه آموزشی (۹۲)۱۴۵ کاهش انتقال ویروس covid-۱۹ میشود (۱۰۰)۱۵۶.

برنامه ریزی درسی

طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه مواجهه مدیریت شده با رویکرد تهدیدها و فرصت های شغلی: گامی در جهت انگیزش آفرینی تحصیلی دانشجویان اتاق عمل

اکرم گازرانی - دانشکده ع. پ. نیشابور، حسین کریمی موقی - دانشگاه ع. پ. مشهد، اعظم گازرانی - دانشگاه ع. پ. مشهد، سیدمصطفی محسنی زاده - دانشگاه ع. پ. بیرجند، محبوبه طباطبایی چهر - دانشگاه ع. پ. بجنورد، مریم طاهری شرقی - دانشکده ع. پ. نیشابور.

مقدمه: یکی از اساسی ترین تصمیمات در زندگی انسان، انتخاب شغل است و افراد با انتخاب رشته تحصیلی، آماده ورود به حرفه می شوند عدم آگاهی این دانشجویان از نقش های حرفه ای و بی علاقهی آنها به رشته تحصیلی، موجب عدم تطابق بین نیازها و انتظارات افراد و شغل آینده آنها می شود و عواقب سوء آن نظام آموزشی و سیستم سلامت را متأثر خواهد کرد. (۲) مطالعات نشان داده است که بیش از نیمی از دانشجویان و کارمندان اتاق عمل از روی علاقه رشته خود را انتخاب کرده اند اما از آینده شغلی آن راضی نیستند. جهت دادن نیروهای اصلی اتاق عمل به سمت رشته های دیگر و به کارگیری کارشناسان رشته های دیگر در اتاق عمل از عوامل دلسردی کارشناسان و کاردانان اتاق عمل می باشد (۵). آگاهی از رشته منتخب تحصیلی در زمان ورود به رشته اتاق عمل می تواند عامل مهمی در انگیزش و علاقه به کار باشد، با توجه به اهمیت این موضوع هدف انجام این فرایند اجرای برنامه مواجهه مدیریت شده آشناسازی با رشته اتاق عمل در ایجاد انگیزش شغلی و تحصیلی دانشجویان جدیدالورود اتاق عمل می باشد.

روش اجرا: پس از جمع اوری محتوای آموزشی هماهنگی های لازم برگزاری یک کارگاه ۳ ساعته جهت برنامه معارفه دانشجویان انجام گردید. در زمان برگزاری کارگاه قبل از ارائه محتوای آموزشی، در رابطه با اهداف فرایند توضیحات کافی داده شد. جهت آگاهسازی با تهدیدها و فرصت های شغلی، وظایف تکنسین رشته اتاق عمل در قالب فیلم و اسلاید ارائه گردید. سپس توضیحات کافی در محیط شبیه سازی شده اتاق عمل در واحد اسکیل لب داده شد. به سئوالات مطرح شده توسط دانشجویان در انتها پاسخ داده شد. برای ارزشیابی برنامه از الگوی ارزشیابی کرک پاتریک استفاده گردید پرسشنامه پژوهشگر ساخته ای در رابطه با آگاهی و انگیزش شغلی و تحصیلی و اطلاعات دموگرافیک دانشجویان طراحی شد که توسط چند تن از اعضای هیئت علمی روایی و پایایی آن مورد بررسی و تایید نهایی قرار گرفت. در اختیار ۶۰ نفر از دانشجویان جدیدالورود اتاق عمل دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی نیشابور. قرار گرفت

یافته ها: نتایج نشان داد اجرای برنامه مواجهه مدیریت شده با رویکرد تهدیدها و فرصت های شغلی در ایجاد انگیزش تحصیلی دانشجویان موثر بوده است. به طوریکه اکثریت دانشجویان ۸۷٪ کاملاً موافق بودند اجرای این برنامه در آگاهسازی کافی آنها از رشته اتاق عمل و دیدگاه ایشان نسبت به آینده شغلی موثر بوده است. ۷۷٪ دانشجویان از اجرای این برنامه رضایت داشته و آن را در ایجاد علاقه نسبت به آینده شغلی و رشته تحصیلی موثر دانستند.

بحث و نتیجه گیری: آگاهی و آشنایی دانشجویان با فرصتها و تهدیدهای شغلی در بدو ورود به دانشگاه، اهمیت زیادی در سرنوشت و آینده شغلی آنها خواهد داشت که دانشگاهها در این زمینه باید برنامه ریزی لازم را در نظر داشته باشند داشته باشند.

کلمات کلیدی: مواجهه مدیریت شده، تهدید، فرصت، انگیزش آفرینی تحصیلی، دانشجویان، اتاق عمل

توسعه مدل توانمندی یادگیری و ارتقا مبتنی بر عمل (practice based learning and improvement)

آرزو فرج پور - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، شهرام یزدانی -، سمیه اکبری فارمد - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی،

مقدمه: در بین شش توانمندی معرفی شده از سوی ACGME دو توانمندی PBLI و SBP نسبت به بقیه پیچیده تر و انتزاعی تر است و مستلزم بکارگیری و توسعه مهارتهای انتزاعی در محیط های بالینی، است که اجرای این توانمندی را در کوریکولوم های مربوطه مشکل و محدود می سازد. لذا جهت درک مشترک و سهولت برنامه ریزی و اجرا در این مطالعه به توسعه مدل PBLI پرداخته شد.

روش اجرا: در سنتز نظریه به روش واکر-آوانته، نظریه پرداز اطلاعات موجود در مورد یک پدیده را جمع آوری، مفاهیم و گزاره ها در یک شبکه سازمان می دهد. سنتز نظریه شامل سه مرحله، تعیین مفاهیم کانونی به عنوان لنگرگاه، مرور متون به منظور شناسایی عوامل مرتبط با مفاهیم کانونی و مشخص نمودن ماهیت روابط و سازماندهی مفاهیم و گزاره ها است. پس از جستجوی نظامند مقالات مرتبط با مفهوم PBLI، گایدها و اسناد ACGME به عنوان چهارچوب مفهومی در نظر گرفته شد و با استفاده از استراتژی سنتز تئوری به صورت رفت و برگشتی، به روش بلوک بندی، مفاهیم مرتبط را در درون بلوک ها به تصویر کشیدیم و سپس ارتباط هر بلوک را با بلوک مجاورش و جهت ارتباط آنها مشخص شد.

یافته ها: در این سنتز تئوری ۱۲ بلوک شناسایی شد که ارتباطات آنها به صورت شماتیک در تصویر نشان داده شد. این بلوک ها شامل : رویکرد به یادگیری، منشا شروع فرایند، شناسایی واکنشی KAS از طریق فیدبک خارجی، شناسایی پیش کنشی KAS از طریق فیدبک خارجی، شناسایی پیش کنشی KAS از طریق بازاندیشی، رفع شکاف دانشی foreground knowledge، رفع شکاف دانشی background knowledge، راه های رفع شکاف skill، راه های رفع شکاف عملکرد، زیرساخت ها و ملزومات، صلاحیت های لازم برای PBLI، توسعه آکادمیک توانمندی PBLI و ارتباط این بلوک ها به تصویر کشیده شد.

بحث و نتیجه گیری: یادگیری واکنشی توسط رویدادهای خاصی در محیط کار تحریک می شود و یادگیری برنامه ریزی می شود. به طور طبیعی پزشکی که به طبابت اشتغال دارند هنگام مدیریت موقعیت های بالینی و در محیط های بالینی ممکن است نقایص و محدودیت های موجود در KSA خود را به واسطه محرک هایی به طور شهودی احساس نمایند یا از طریق فیدبک منابع خارجی محدودیت دانشی، مهارتی و عملکردی را شناسایی نمایند. در پزشکی مدرن، فراگیران به رویکردهای پیش کنشی و پیشگیرانه تشویق می شوند. بهر حال موقعیت هایی هم هستند که شکاف و محدودیت KSA وجود ندارد و فرد به صورت پیش کنشی و بر اساس دریافت های درونی در پی ارتقا KSA خود می باشد و این رویکرد بایستی ترویج شود. علاوه بر فرد، نهادهای نظارتی حرفه ای و آکادمیک به صورت کنشی و نیز پیشگیرانه فعالیت مراکز درمانی-بهداشتی و طبابت افراد را پایش می نمایند، تا جامعه از کیفیت خدمات مراقبتی و صلاحیت افراد ارایه دهنده خدمات اطمینان ببخشند. برای رفع شکاف های دانشی در رابطه با پاسخ به سوالات بالینی و تدوین دانش پیش زمینه، می توان از اجرای استراتژی های طبابت مبتنی بر شواهد، رویکردهای یادگیری خود محور و مطالعات شخصی و نیز دوره های بازآموزی بهره برد. برای رفع شکاف های مهارتی، حضور در فیلدها و جوامع حرفه ای، گذراندن دوره های CPD یا توسعه حرفه ای توصیه شده است. برای رفع شکاف های شناسایی شده عملکردی بهره گیری از تحلیل ریشه ای خطا و تکنیک های بهبود کیفیت و نیز برای ارتقا کیفیت عملکرد و خدمات، بهره گیری از روش های بهبود مداوم کیفیت توصیه می شود. اجرای این برنامه ها نیازمند زیر ساخت ها و subsystem هایی می باشد. علاوه بر وجود این زیرساخت ها و منابع، بایستی پزشکان نیز توانمندی های فردی چون یادگیری خودمحور، بازاندیشی و پایش خود، توانایی پایش عملکرد و پیامدها، EBM، توانایی اجرای تکنیک های بهبود کیفیت را دارا باشند. این صلاحیت های شش گانه باید طی دوره آموزش آکادمیک از طریق یک کوریکولوم مبتنی بر توانمندی PBLI در یک مدل مارپیچی طولی مشتمل بر اهداف آموزشی، محتوا، روش های آموزشی و ارزشیابی متناسب، کسب شود. نتیجه گیری: امروزه توانمندی PBLI یکی از

صلاحیت های پایه گریزناپذیر پزشکی است که تضمین کننده کیفیت طبابت می باشد که علاوه بر الزامات فردی، مستلزم یک سری زیرساخت های فنی، استراتژیک، ساختاری و فرهنگی می باشد. با بهره گیری از این توانمندی یک پزشک قادر خواهد بود شکاف های دانشی، مهارتی و عملکرد خود را کشف نموده و با استفاده از رویکردهای مناسب بر آنها فایز آید و در نتیجه موجب ارتقا کیفیت طبابت خود و خدمات مراقبتی ارایه شده و ایمنی بیمار شده و رضایتمندی و اعتماد جامعه را جلب خواهد نمود.

دانشجویان علوم پزشکی در برنامه آموزشی دوران بحران کرونا از آموزش چه می خواهند : بیان انتظارات و راهکارهای دانشجویان

لیلی مصلی نژاد - دانشگاه ع. پ. جهرم، نوید کلانی -

مقدمه: با شیوع بیماری کروناویروس جدید، ابعاد مختلف زندگی انسان تحت تاثیر قرار گرفته است. دانشجویان رشته های علوم پزشکی که در آینده ای نه چندان دور باید به عنوان کادر درمان نظام سلامت خدمت کنند، نیاز مبرمی به دریافت آموزش های کیفی مناسب دارند. فاصله گذاری اجتماعی باعث شده است که شیوه آموزش بخش بزرگی از دروس این دانشجویان به روش مجازی تغییر شکل پیدا کند. برای اطمینان از کیفیت مناسب آموزش در دوره پاندمی، تعیین دقیق چالش ها و نیاز های دانشجویان رشته های علوم پزشکی اهمیت بالایی می یابد که در این مطالعه به بررسی آن به صورت کیفی پرداخته شد.

روش اجرا: این مطالعه یک مطالعه کیفی است که بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جهرم و با هدف بررسی درک و درخواست دانشجویان از ابعاد مختلف آموزش مجازی انجام گردید. پس از جمع آوری اطلاعات دانشجویان رشته های مختلف به وسیله سوال باز پاسخ در سامانه نوید و شبکه های اجتماعی (واتساب)، نتایج مورد تحلیل کیفی قرار گرفت.

یافته ها: در مطالعه حاضر تعداد ۵۵۰ دانشجوی رشته های مختلف علوم پزشکی در گروهها و مقاطع شرکت کردند. از تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده، ۵ بخش مختلف مشخص گردید. در بررسی بعد مزایای بیان شده توسط دانشجویان، ۱۱ مورد با موضوعیت کلی رضایت از نحوه دسترسی آسان به مطالب شناسایی شد. در بررسی بعد معایب بیان شده توسط دانشجویان، ۱۹ مورد بیان شد که غالباً مربوط به مشکلات ناشی از نبود زیرساخت تکنولوژی و حجم مطالب یا کمبود وقت دانشجویان بود. تقاضای دانشجویان جهت بهبود کیفی محتوای آموزشی دارای ۲۰ پیشنهاد مختلف بود که نیازها و چالش های دانشجویان را مشخص کرد. سبک های یادگیری دانشجویان در ایام قرنطینه نیز دارای ۸ مورد بود که تنوع دیده شده در گویه های آن نیاز

به اختصاصی سازی آموزش بر اساس سبک یادگیری دانشجو را گوش زد می کند. بررسی ابعاد روانشناختی تجربه شده در آموزش در دوره کرونا منجر به شناسایی ۸ بعد منفی و ۶ مورد از ابعاد مثبت گردید.

بحث و نتیجه گیری: مطالعه حاضر به شناسایی نقاط قوت و چالش های آموزش الکترونیک در دوران پاندمی کرونا و پروس در دانشگاه علوم پزشکی جهرم کمک کرد. نتایج این مطالعه را میتوان جهت برنامه ریزی آموزشی دانشجویان استفاده کرد

تأثیر طراحی و اجرای و ارزشیابی دوره کوتاه مدت توانمند سازی اساتید به صورت غیر حضوری در دوره بحران کرونا

حمیده احسانیان - دانشگاه ع. پ. جهرم ، صدیقه نجفی پور - دانشگاه ع. پ. جهرم ، لیلی مصلی نژاد - دانشگاه ع. پ. جهرم ، مجید کوثری - دانشگاه ع. پ. جهرم ، ابادر روستازاده - دانشگاه ع. پ. جهرم ، مرضیه حق بین - دانشگاه ع. پ. جهرم ،

مقدمه: توانمند سازی اساتید با هدف ارتقای کیفیت آموزش در علوم پزشکی فرصتی است تا از طریق مهارت آموزی و حساس سازی مدرسین نسبت به مفاهیم جدید در زمینه روش های تدریس و ارزشیابی، زمینه توسعه دانش ، نگرش و مهارتهای مورد نیاز جهت ایفای نقش یک معلم توانمند، مدیر، محقق و منتور فراهم گردد لذا در پی بحران پاندمی کووید ۱۹ و تعطیلی دانشگاه ها به منظور ایجاد توانمند لازم در ذینفعان و افزایش تعاملات بین بخشی با استفاده از فضای مجازی دو دوره کوتاه مدت توانمند سازی اساتید به صورت غیر حضوری طراحی ، اجرای و ارزشیابی شد و این مطالعه با هدف بررسی تاثیر دوره توانمند سازی از دیدگاه ذینفعان انجام شد.

روش اجرا: پژوهش حاضر مطالعه ای توصیفی مقطعی است. جامعه پژوهش شامل اساتید دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود که از طریق سرشماری در مطالعه مشارکت داشتند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه ای با ۱۰ گویه که براساس مقیاس لیکرت سه نقطه ای خوب، ضعیف و متوسط تنظیم شده بود. مطالعه شامل سه گام طراحی ، اجرا و ارزشیابی بود. در مرحله طراحی با انجام نیاز سنجی ۲ دوره کوتاه که هر دوره به مدت ۴۵ ساعت بود برنامه ریزی شد کارگاههای بطور ثابت روزهای سه شنبه طراحی شد و اطلاع رسانی انجام شد. دوره شامل کارگاههای د ر حوزه های روش تدریس ، برنامه ریزی درسی ، پژوهش در آموزش ، ارزشیابی و آشنایی با نرم افزار های تولید محتوا بود در گام اجرایی از طریق فضای ادوبی کانکت و اسکای روم کارگاه بصورت آنلاین و تعاملی توسط اساتید دانشگاه برگزار شد در انتهای هر کارگاه و در پایان دوره از طریق فرم ارزشیابی در خصوص تاثیر کارگاه ارزشیابی انجام شد جهت ارزشیابی کل دوره در وب سایت مرکز توسعه آموزش

دانشگاه فرم ارزشیابی قرارگرفت و اساتید بصورت الکترونیکی اقدام به ارزشیابی کیفیت هر کارگاه نمودند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از امار توصیفی و نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ انجام گردید.

یافته ها : ۲۱۲ فرم توسط ارزشیابی توسط اساتید شرکت کننده در کارگاه تکمیل شد. نتایج ارزشیابی کیفیت کارگاه بر اساس حیطه آموزشی تقسیم بندی و مورد مقایسه قرار گرفت. کارگاه برگزار شده در ۵ حیطه تقسیم بندی شد که شامل: (۱) انواع روش های آموزشی، (۲) برنامه ریزی درسی، ارزشیابی و ایجاد انگیزه در دانشجویان، (۳) پژوهش در آموزش، (۴) عمومی، (۵) نرم افزارهای آموزشی بوده است. بیشترین تعداد کارگاه برگزار شده در حیطه روش های آموزشی (۵ مورد) بوده و بیشترین فرم ارزشیابی تکمیل شده مربوط به نرم افزارهای آموزشی (۷۶ نفر) بوده است. نتایج نشان داد کمترین میزان آشنایی اساتید مربوط به مباحث پژوهش در آموزش (۵، ۲۲٪) و نرم افزارهای آموزشی (۴، ۲۲٪) بوده است و در حوزه برنامه ریزی و ارزشیابی در ۷۳ درصد در سطح متوسط بود همچنین در حوزه روش های تدریس در ۴۹ درصد موارد در سطح متوسط بوده است از نظر آشنایی بیشترین میزان تناسب با نیاز اساتید، به ترتیب کارگاه های در حیطه روش تدریس (۳، ۷۷٪)، کارگاه های حیطه نرم افزار های آموزشی (۷۵٪)، پژوهش در آموزش (۵، ۶۷٪) ، برنامه ریزی درسی (۲، ۶۳٪) که به صورت غیر حضوری برگزار شد مشارکت کنندگان در دوره توانمند سازی اظهار داشته اند کارگاه های برگزار شده در حیطه برنامه ریزی درسی (۴، ۶۸٪) کمترین شفافیت محتوای ارائه شده را داشته اند کارگاه های در حیطه نرم افزار های آموزشی (۹، ۷۸٪) و پژوهش در آموزش (۷۵٪) از نظر آشنایی بیشترین کاربرد را از نظر موضوعی و محتوایی داشته اند کارگاه های در حیطه انواع روشهای آموزشی (۵، ۷۳٪) و نرم افزارهای آموزشی (۵، ۷۱٪) بالاترین میزان کیفیت اجرا و هدایت را داشته اند بیشترین میزان رضایت اساتید از ساعت و زمان برگزاری کارگاه مربوط به کارگاه های در حیطه نرم افزارهای آموزشی (۹، ۸۲٪) و عمومی (۲، ۷۹٪) بوده است کارگاه های در حیطه پژوهش در آموزش (۸۰٪) و نرم افزارهای آموزشی (۹، ۷۸٪) بیشترین تاثیر از نظر اهمیت موضوعی کارگاه داشته اند .

بحث و نتیجه گیری : نتایج نشان داد تاثیر دوره توانمند سازی بصورت غیر حضوری در شرایط کرونا برحسب حوزه های کارگاهی توانمند سازی در برطرف شدن نیازهای اساتید تاثیر گذار بوده است . هر چند در بعضی از حوزه ها مانند برنامه ریزی درسی نیاز به بازنگری دارد.

کلمات کلیدی: توانمند سازی- غیر حضوری - اساتید

طراحی و ساخت نرم افزار آموزشی مبتنی بر تلفن همراه با هدف افزایش آگاهی و دانش دانشجویان رشته بیولوژی و کنترل ناقلین در مورد بیماری مالاریا

محمد امین گروهی - دانشگاه ع. پ. کرمان ، اسماعیل علیزاده -
دانشگاه ع. پ. کرمان، عباس آقایی افشار - دانشگاه ع. پ. کرمان ،
سعیده یوسفی - دانشگاه ع. پ. کرمان.

مقدمه: بیماری مالاریا یکی از مهم ترین بیماری های انگلی منتقله توسط پشه های آنوفل می باشد. نظر به اینکه این بیماری یک درس ۳ واحدی تخصصی در کوریکولوم درسی رشته بیولوژی و کنترل ناقلین بیماریها تحت عنوان مالاریا شناسی تعریف شده است و با توجه به عدم وجود نرم افزار آموزشی مبتنی بر تلفن همراه در این زمینه در ایران، مطالعه حاضر با هدف طراحی و ساخت نرم افزار آموزشی بیماری مالاریا با هدف افزایش دانش و آگاهی دانشجویان این رشته در زمینه شناسایی، پیشگیری، درمان و کنترل مالاریا می باشد.

روش اجرا: این مطالعه از نوع بنیادی- کاربردی بوده که در دو مرحله نیاز سنجی و طراحی و ساخت نرم افزار در سال ۱۳۹۹ انجام گرفت. پس از طراحی پرسشنامه، به منظور نیاز سنجی اطلاعاتی و تعیین محتوا و قابلیت های آموزشی آن اطلاعات مربوطه توسط متخصصان رشته بیولوژی و کنترل ناقلین دانشکده بهداشت کرمان تکمیل گردید. در ادامه برنامه خام تلفن همراه توسط متخصصین برنامه نویسی با استفاده از دیتابیس داخلی اندروید (دیتابیس روم) کد نویسی شد. نمای کلی نرم افزار با زبان xml و زبان اصلی نرم افزار جاوا بوده و با نرم افزار استدیو ورژن ۶، ۳ نوشته شده است. در مرحله نهایی اطلاعات مربوط به ناقلین، عامل و روش های پیشگیری و کنترل مالاریا از مقالات، کتب و دستورالعمل های معتبر استخراج و وارد فرمت خام برنامه گردید.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که ۱۰۰ درصد متخصصان رشته بیولوژی و کنترل ناقلین دانشکده بهداشت کرمان، طراحی و ساخت نرم افزار فوق را جهت ارتقاء سطح آموزشی دانشجویان بسیار مفید و ضروری می دانستند. مطالعه اخیر در نهایت منجر به ساخت یک نرم افزار آموزشی آفلاین در قالب یک نرم افزار اندرویدی و قابل نصب بر روی گوشی های تلفن همراه گردید.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به گرایش نسل جدید به سمت تکنولوژی های نوین آموزشی، آموزش الکترونیکی می تواند موجب ارتقاء سطح آموزش گردد. لذا با توجه به اهمیت بیماری مالاریا، آموزش موثر و مفید دانشجویان رشته بیولوژی و کنترل ناقلین بیماریها در این زمینه با استفاده از روش های آموزشی جدید از یک سو موجب ارتقای بازده آموزش شده و از سوی افزایش سطح بهداشت و سلامت جامعه در راستای برنامه کشوری حذف بیماری مالاریا را در پی خواهد داشت.
کلمات کلیدی: مالاریا، نرم افزار آموزشی، تلفن همراه، دانشجویان

طراحی و ایجاد نرم افزار مبتنی بر تلفن همراه جهت آموزش شستشو و گندزدایی سبزی و میوه و بررسی میزان رضایتمندی از آن در بین دانشجویان رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

مریم فرجی - دانشگاه ع. پ. کرمان ، اسماعیل علیزاده - دانشگاه ع. پ. کرمان ،
امیر محمدی - دانشکده ع. پ. مراغه ،

مقدمه: عوامل بیماریزا می توانند از طریق مصرف میوه و سبزیجات آلوده به انسان منتقل شوند. هدف از این مطالعه طراحی و ایجاد نرم افزار مبتنی بر تلفن همراه جهت آموزش شستشو و گندزدایی سبزی و میوه و بررسی میزان رضایتمندی از آن در بین دانشجویان رشته مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی کرمان است.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی- مقطعی در دو مرحله طراحی و ایجاد نرم افزار شستشو و گندزدایی سبزی و میوه و بررسی میزان رضایتمندی با استفاده از پرسشنامه الکترونیکی در بین ۸۱ نفر از دانشجویان رشته مهندسی بهداشت محیط دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شد. داده ها توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: ۸، ۷۷٪ از دانشجویان شرکت کننده در مطالعه زن، ۶۴٪ در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۶۷٪ دانشجوی مقطع کارشناسی و ۳۱٪ سال چهار دانشگاه بودند. بیش از ۷۰٪ از دانشجویان اعلام کردند که فهم مطالب علمی موجود در نرم افزار آسان و اطلاعات ارائه شده در آن به روز بوده است و ۵۷٪ از آنها نرم افزار مورد مطالعه را در به کارگیری روش صحیح شستشو و گندزدایی میوه و سبزیجات را به میزان زیادی کمک کننده می دانستند. همچنین ۵۳٪ از دانشجویان استفاده از نرم افزار را نسبت به مطالعه متون ترجیح می دادند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به استقبال بالای دانشجویان رشته مهندسی بهداشت محیط از نرم افزار ساخته شده در این مطالعه، استفاده از آن برای سال های تحصیلی بعدی و سایر دانشگاه های علوم پزشکی توصیه می شود.

کلمات کلیدی: گندزدایی، سبزی و میوه، نرم افزار تلفن همراه، آموزش

طراحی، اجرا و ارزشیابی گرد راند مجازی برای دانشجویان رشته های شنوایی شناسی و کاردرمانی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در دوران پاندمی کووید ۱۹

فاطمه طاهری - دانشگاه ع. پ. اهواز ، مرضیه امیری - دانشگاه ع. پ. اهواز ، غزاله ماندنی - دانشگاه ع. پ. اهواز ، شیدا جوادی پور - ، مریم دانفی - ، سیف الله جهانتابی نژاد - ، مجتبی توکلی - ، محمد خیاط زاده ماهانی - ، ارش بیات - ، نگین مرادی - دانشگاه ع. پ. اهواز ، نسیمه نوری ممبینی - دانشگاه ع. پ. اهواز ، میمنت اکبری - ، درس حامدی - دانشگاه ع. پ. اهواز ،

مقدمه: بخش مهمی از آموزش دانشجویان گروه های پیراپزشکی و توانبخشی به آموزش بالینی اختصاص دارد. با توجه به اهمیت آموزش بالینی، ارتقای کیفیت ارائه این آموزش مورد توجه بوده است و نیازمند مدیریت صحیح و حضور فعال استاد و دانشجو در عرصه بالین می باشد. یکی از روش های آموزش بالینی در رشته های مختلف علوم پزشکی گرد راند است. گرد راند معیار مناسبی برای آموزش مباحث بالینی به دانشجویان محسوب می شود. در گرد راند ها، دانشجویان یاد می گیرند تا دانش نظری را به خوبی با دانش عملی پیوند بزنند. با بروز پاندمی کووید ۱۹ اکثر دانشگاه های علوم پزشکی در جهان به آموزش آنلاین جهت ارائه مطالب آموزشی و بالینی روی آورده اند. هدف از این مطالعه طراحی، اجرا و ارزشیابی اولین گرد راند مجازی برای دانشجویان رشته های شنوایی شناسی و کاردرمانی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در دوران پاندمی کووید ۱۹ می باشد.

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی-تحلیلی که تیر و مرداد سال ۱۳۹۹ اجرا شد، تمام دانشجویان سال چهارم مقطع کارشناسی رشته های شنوایی شناسی و کاردرمانی دانشکده توانبخشی شرکت کردند. این پژوهش دارای کد اخلاق به شماره IR.AJUMS.REC1399,637 جهت طراحی گرد راند مجازی جلسات با حضور اعضا هیات علمی گروه های آموزشی شنوایی شناسی و کاردرمانی تشکیل شد. فرم نیازسنجی اجرای گرد راند مجازی طراحی و روایی صوری و محتوایی آن توسط متخصصین هر دوره مورد تایید قرار گرفت. پرسشنامه نیازسنجی به صورت آنلاین توسط دانشجویان تکمیل شد و نیاز به برگزاری گرد راند مجازی مشخص شد. به منظور بررسی اثربخشی برنامه ، پرسشنامه سنجش میزان دانش در قالب ۱۰ سوال طراحی شد. همچنین پرسشنامه رضایتمندی از برگزاری برنامه با ۱۴ سوال با نمره دهی طیف لیکرت طراحی شد. پیش از شروع برنامه فرم رضایت آگاهانه توسط دانشجویان به صورت آنلاین تکمیل شد. پرسشنامه های سنجش دانش و رضایتمندی در انتهای برگزاری گرد راند به صورت آنلاین توسط دانشجویان تکمیل شدند. پند راند مجازی با استفاده از نرم افزار adobe connect اجرا شد. داده ها در نرم افزار SPSS21 تحلیل شدند و با توجه به نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف ، جهت مقایسه نتایج

پرسشنامه رضایتمندی و سنجش دانش بین دو گروه از آزمون ناپارامتریک من ویتنی استفاده گردید. سطح معناداری برای تمام آزمونها برابر با ۰،۰۵ درصد در نظر گرفته شد.

یافته ها: ۲۹ دانشجو (۱۵ دانشجوی شنوایی شناسی با میانگین سنی ۲۳،۴۰ و ۱۴ دانشجوی کاردرمانی با میانگین سنی ۲۳،۵۷) در پژوهش حاضر شرکت کردند. میانگین نمره آزمون سنجش دانش در گروه شنوایی شناسی برابر با ۶،۴۶ با انحراف معیار ۱،۵۹ و در گروه کار درمانی برابر با ۶،۲۸ با انحراف معیار ۱،۸۹ بود. تفاوت آماری معناداری در میانگین امتیاز این آزمون بین هر دو گروه مورد بررسی دیده نشد ($P=0,78$) و هر دو گروه حد نصاب این آزمون را کسب نمودند. میانگین نمره کل در پرسشنامه رضایتمندی در دو گروه شنوایی شناسی و کاردرمانی به ترتیب برابر با ۴،۱۲ با انحراف معیار ۰،۲۷ و ۳،۷۰ با انحراف معیار ۰،۳۴ بود. همان طور که مشخص است، سطح رضایتمندی در هر دو گروه بالای متوسط بود، اما تفاوت آماری معناداری بین میانگین نمره کل پرسشنامه رضایتمندی بین دو گروه وجود داشت ($p=0,00$) علیرغم این که میانگین امتیازات در هر دو گروه در همه آیتم های مورد بررسی در پرسشنامه رضایتمندی، نمره ۳ به بالا داشته اند، اما سطح رضایتمندی دانشجویان دو گروه در همه آیتم ها مشابه یکدیگر نبوده است و در اکثر موارد دانشجویان شنوایی شناسی از رضایتمندی بالاتری در مقایسه با دانشجویان کاردرمانی برخوردار بوده اند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به رضایتمندی دانشجویان از اجرای روش گرد راند مجازی و کسب نمره حد نصاب در آزمون سنجش دانش، این روش می تواند در دوران پاندمی کووید ۱۹ که امکان برگزاری کلاسهای حضوری وجود ندارد، نقش موثری در انتقال تجربیات استاد به دانشجو داشته باشد. لازمه اجرای روش های نوین آموزش آنلاین نیازمند بسترسازی مناسب برای اجرای آن ها می باشد.

کلمات کلیدی: گرد راند، آموزش مجازی، توانبخشی، کووید ۱۹

طراحی، اجرا و ارزشیابی دوره مجازی تعاملی مبتنی برمورد در قالب کاردر گروه های کوچک برای دانشجویان مقطع فیزیوپاتولوژی پزشکی

سحرناز سازگارنژاد - دانشگاه ع. پ. تهران ، ملیکا خانلرزاده - سارا اکرامی نسب - امیرحسین قاسمی نژاد رائینی - دانشگاه ع. پ. تهران، محبوبه خباز مافی نژاد - امیرمحمد شرفی .

مقدمه: دانشجویان پزشکی اعضای مهمی از نظام سلامت هستند. بخشی از شخصیت بالینی این افراد، با کسب مهارت و دانش درمقطع پیش بالینی (فیزیوپاتولوژی) شکل می گیرد. مجازی شدن آموزش های این

برهه از تحصیل، همزمان با وقوع پاندمی کوید ۱۹، محدودیت‌هایی برای مشارکت فعال دانشجویان در فرآیندهای گوناگون مرتبط با یادگیری ایجاد کرده‌است. یکی از راهکارهای موثر، جهت رفع این محدودیت‌ها، به‌کارگیری روش‌های یادگیری نوین بر اساس اصل تعامل میان همتایان و اساتید می‌باشد. یادگیری مبتنی بر مورد یک روش آموزش پزشکی کاملاً شناخته شده است، که به شکل فراگیرمحور ارتباط مباحث تئوری را با موقعیت‌های واقعی تسهیل می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد این روش به فراگیری عمیق‌تر-مهارت‌های تفکر انتقادی کمک شایانی می‌کند. هرچند اغلب مطالعات انجام شده در این حوزه در شرایط عادی و به صورت حضوری به انجام رسیده است؛ اما نتایج مطالعات در بستر مجازی نشان می‌دهد که تجربه‌های مجازی و مبتنی بر وب با این روش آموزشی سبب افزایش رضایتمندی فراگیران گردیده است. اهداف: تقویت مهارت استدلال بالینی دانشجویان پزشکی مقطع فیزیوپاتولوژی در قالب جلسات مجازی و تعاملی مبتنی بر مورد و ایجاد بستری برای تعامل دانشجویان با اساتید توانمند دانشگاه به منظور انتقال تجارب بالینی به ویژه در شرایط پاندمی کوید ۱۹ و مجازی شدن دانشگاه

روش اجرا: این مطالعه از فروردین ماه ۹۹ طی هفت ماه در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار شد. ابتدا با جمع‌آوری انگیزش‌نامه‌ی ۶۴ نفر از دانشجویان مقطع فیزیوپاتولوژی، نیازها و نگاه فراگیران نسبت به دغدغه‌های آموزشی‌شان بررسی شد. در نهایت ۴۴ دانشجو به عنوان فراگیران دوره وارد مطالعه شدند. در این دوره، موزی با برنامه‌ی آموزشی مقطع فیزیوپاتولوژی، ۲ جلسه به ازای هر کورس (شامل قلب، ریه، گوارش، روماتولوژی و نفرولوژی) - بعد از اتمام امتحان مربوطه- برگزار شد. جلسات به شکلی دوگانه و با تاکید بر یادگیری از همتایان در کنار تعامل با اساتید بالینی تدوین شد. هر جلسه شامل دو بخش کارگروهی در گروه‌های کوچک و کلاس آنلاین با اساتید بود. فراگیران به شکل تصادفی به ۶ گروه تقسیم شدند و هر گروه با حضور یک تسهیلگر در محیط نرم افزار اسکایپ به بحث پیرامون کیس داده شده پرداختند. محتوای جلسات برگرفته از کیس رپورت‌های مجلات معتبری نظیر نیوانگلند، جاما بود که در قالب مسیری طراحی شده در جهت حل مشکل بیمار به فراگیران ارائه می‌گردید تا بر پایه‌ی اصول استدلال بالینی به مدت یک ساعت به ارزیابی مطالب و ارائه‌ی نظرات و بحث حول شرح حال و نتایج آزمایشگاهی بیمار و بیان تشخیص‌های افتراقی بپردازند. در نهایت در جلسه با اساتید در پلتفرم اسکای روم، ابعاد دقیق تر و نکات علمی مرتبط با بیمار مورد بررسی قرار می‌گرفت. ارزشیابی این دوره با تمرکز بر هریم کریک پاتریک به دوصورت انجام گرفت: پرکردن پرسشنامه توسط فراگیران بعد از آخرین جلسه و ارزیابی شفاهی در گروه‌های متمرکز (فوکوس-گروپ). در این قالب، مواردی نظیر امتیاز کلی فراگیران به جلسات، تاثیر تعامل با همتایان در بازاندیشی مطالب خوانده شده و تقویت مهارت استدلال بالینی و همچنین کیفیت پلتفرم و کیس‌های ارائه شده مورد پایش قرار گرفتند.

یافته‌ها: فراگیران به کیفیت و بحث پذیری کیس‌های ارائه شده، نمره‌ی ۳٫۹ (از ۵) اختصاص دادند. میانگین امتیاز به تاثیر دوره در بازاندیشی آموخته‌ها و تقویت استدلال بالینی هم به ترتیب ۳٫۸۶ و ۳٫۶۶ (از ۵) گزارش گردید. کیفیت پلتفرم‌ها هم نمره‌ی ۴٫۵ (از ۵) را کسب کرد. امتیاز کلی فراگیران به جلسات هم ۳٫۸۳ (از ۵) به ثبت رسید. ۹۳٫۳ درصد از فراگیران تمایل به ادامه‌ی دوره داشتند و ۸۸٫۷٪ فراگیران اظهار داشتند شرکت در این دوره را به دوستان خود پیشنهاد می‌دهند. در ارزیابی کیفی به شکل فوکوس گروپ سه سوال اصلی از فراگیران پرسیده شد: سوال اول: توصیف حس و حال شرکت در دوره گزیده‌ی پاسخ‌ها: «تجربه‌ی بسیار خوبی بود و دوست دارم ادامه پیدا کند.» - «من از حضور در جلسات لذت بردم و افرادی که شرکت نکردند، دستاوردهای مفیدی را از دست دادند.» سوال دوم: نکات مثبت دوره گزیده‌ی پاسخ‌ها: «شیوه‌ی مطالعه‌ی من به گونه‌ای است که نمی‌توانم از آموخته‌هایم کاربردی استفاده کنم اما این جلسات باعث شد در قالب کیس‌ها قادر باشم مطالبی که خوانده‌ام را به خوبی در ذهنم تثبیت کنم.» - «کیس‌ها بسیار چالشی بودند و اهمیت شرح حال‌گیری و معاینه‌ی درست و استدلال بالینی برای من بیش از پیش آشکار شد.» سوال سوم: نکات نیازمند تقویت دوره گزیده‌ی پاسخ‌ها: «زمان کارگروهی بهتر است بیشتر شود.» - «در برخی جلسات ارتباط دوطرفه بین استاد و دانشجویان برقرار نبود و باید همسان‌سازی گردد.» - «کیس‌های شایع و بومی بهتر است بیشتر استفاده شود.»

بحث و نتیجه‌گیری: در مجموع، نتایج این مطالعه نشانگر این است که بینش فراگیران نسبت به شرکت در جلسات مثبت بوده و شرکت در این دوره به تقویت مهارت‌های استدلال بالینی، بازاندیشی آموزه‌ها و افزایش اعتماد به نفس آنان در بیان نظرات علمی‌شان کمک نموده است. علاوه بر این، فراگیران ابراز داشتند ارتباط آنان با یکدیگر و نیز تعامل مستقیم با اساتید بالینی در این دوره، سبب افزایش میزان یادگیری آن‌ها علی‌رغم محدودیت‌های ناشی از مجازی شدن دانشگاه و فاصله‌گذاری اجتماعی شده است. بنابراین نتایج حاکی از اثربخشی این مداخله، توصیه می‌شود که این شیوه‌ی آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی مختلف به کار گرفته شود؛ تا تربیت پزشکان آینده با تمرکز بر مهارت استدلال بالینی، در شرایط پاندمی کوید ۱۹ هم به شکلی موثر صورت پذیرد. کلمات کلیدی: آموزش مبتنی بر مورد؛ آموزش مجازی؛ پاندمی کوید ۱۹؛ یادگیری از همتایان

شناسایی و اولویت بندی راهکارهای بهبود مشارکت

اعضاء هیئت علمی در برنامه‌های توانمندسازی

طه نصیری - دانشگاه ع. پ. بقیه / ... ، راحله شهیدی فر - محمد مسگرپور - دانشگاه ع. پ. بقیه / ...

مقدمه: امروزه توانمندسازی آموزشی به عنوان یکی از ابزارهای سودمند ارتقا کیفی کارکنان و افزایش اثربخشی سازمانی تلقی می‌گردد. لذا دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی قصد دارند تا از طریق توانمندسازی اعضای هیئت علمی به منظور تشویق آنان به ابتکار عمل بدون اعمال فشار، ارج نهادن به منافع جمعی سازمان با کمترین نظارت و انجام وظیفه به عنوان مالکان سازمان، اقدام نمایند. عدم ایجاد خلل در توانمندسازی آموزشی به ویژه در دوران همه‌گیری Covid-19 که در آن در توانمندسازی به صورت مجازی و بدون تعاملات حضوری چهره به چهره انجام می‌شود، بسیار مهم می‌باشد. بهبود برنامه‌های توانمندسازی حین پاندمی Covid-19، کارکنان را قادر می‌سازد تا در مواجهه با مشکلات و تهدیدهای نوظهور این پاندمی، از مقاومت و انعطاف پذیری بیشتری برخوردار باشند و اثربخش‌تر از گذشته در مقابله با همه‌گیری ایفای نقش نمایند. بدیهی است که بهبود اثربخشی برنامه‌های توانمندسازی جز از طریق بهبود مشارکت فعالانه و داوطلبانه اعضای هیئت علمی میسر نخواهد بود. هدف از انجام این مطالعه شناسایی و اولویت بندی راهکارهای بهبود مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه‌های توانمندسازی آموزشی بود.

روش اجرا: مطالعه حاضر در قالب یک پژوهش توصیفی-تحلیلی و مقطعی و با استفاده از رویکرد ترکیبی کیفی-کمی و با هدف "شناسایی و اولویت بندی راهکارهای بهبود مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه‌های توانمندسازی" انجام شد. این مطالعه در سه مرحله مرور جهت دار، گفت‌وگوهای سیاستی (Policy Dialogue) و نظرسنجی خبرگان (Expert Survey) انجام گرفت. در گام اول، مرور جهت دار از طریق جستجوی آنلاین پایگاه‌های داده داخلی magiran، Noormags و SID انجام شد صورت گرفت. کلیدواژه‌های مورد جستجو به زبان فارسی شامل (توانمندسازی آموزشی، توسعه آموزش، مشارکت آموزشی و برنامه‌های آموزشی) بودند که در هر پایگاه داده استراتژی جستجوی مرتبط و مشخصی نوشته شد. در گام دوم، براساس نتایج بدست در گام اول جلسه گفت‌وگوهای سیاستی با خبرگان و صاحب نظران حوزه مدیریت و سیاست گذاری آموزشی تشکیل گردید. نحوه‌ی انتخاب اعضا برای شرکت در این جلسه به صورت هدفمند و بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده (داشتن تحصیلات مرتبط در حوزه مدیریت و سیاست گذاری و یا حداقل ۵ سال سابقه در حوزه اجرایی مدیریت، مدیریت آموزش در دانشگاه، های علوم پزشکی) بود. تعداد خبرگانی که این شرایط را داشتند در دانشگاه مورد مطالعه ۳۵ نفر بود که همگی به مطالعه دعوت شدند که در نهایت ۳۱ نفر در مطالعه حضور داشتند. در ابتدای جلسه ارائه‌ای (به مدت ۱۵ دقیقه) از نتایج گام اول مطالعه که شامل موانع و علل عدم مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه‌های توانمندسازی بود، ارائه گردید و سپس از اعضای شرکت کننده خواسته شد ضمن ارائه نظراتشان نسبت به موانع، راهکارهای پیشنهادی خود را برای توسعه طرح راد عنوان کنند. همچنین از اعضا خواسته شد که معیارهای کلیدی برای اولویت بندی و مدنظر قراردادن راهکارها را بیان

کنند. جلسه گفت‌وگوهای سیاستی حدود ۲ ساعت به طول انجامید و تمامی مباحث ضبط و در نرم افزار MAXQDA ۲۰۱۸ کدگذاری شد. در گام سوم، بر اساس نتایج گام دوم و با هدف نهایی سازی راهکارهای بالاترین اولویت، پرسشنامه‌ای تنظیم شد و از طریق پست الکترونیک برای همان خبرگان ارسال شد. پرسشنامه طراحی شده در طی دو راند برای خبرگان ارسال گردید و از آنها خواسته شد که راهکارهای شناسایی شده را بر اساس شاخص‌های تعیین شده در طیف لیکرت (۱الی ۵) اولویت بندی نمایند.

نتایج نظرسنجی خبرگان با استفاده از نرم افزار SPSS آنالیز گردید.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر برخی از مهمترین علل، موانع عدم مشارکت اعضای هیئت علمی به ترتیب شامل عدم وجود زمان کافی برای شرکت در برنامه (۰,۰۸±۴,۰۶)، عدم توانایی مدرسین در جلب مشارکت (۰,۰۴±۳,۶۱)، نامناسب بودن زمان اجرای برنامه‌ها (۰,۵۲±۳,۵۲) و مبتنی بر نیاز نبودن برنامه‌ها (۰,۳۰±۳,۳۵) بود. همچنین مهمترین راهکارهای بهبود مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه‌های توانمندسازی (نمودار ۱) به ترتیب شامل انجام بهتر و دقیق‌تر نیازسنجی برنامه‌های توانمندسازی (۲,۰۸±۴,۴۲)، دعوت از اساتید به روز تر، مسلط تر و مجرب تر (۱,۴۶±۴,۳۵) و استفاده از روش آموزش الکترونیک (۳,۸۷±۰,۵۶) (E-Learning) بود.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر می‌توان نتیجه گرفت که انجام بهتر و دقیق‌تر نیازسنجی آموزشی اولین و مهمترین گام در راستای ارتقاء برنامه‌های توانمندسازی و بهبود مشارکت اعضای هیئت علمی می‌باشد. در این راستا پیشنهاد می‌گردد که نیازسنجی آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی مبتنی بر شواهد (EB) و بر اساس مطالعات آینده پژوهی آینده پژوهی (Future Studies) تقویت گردد.

تحلیل وظایف اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی: رویکردی جهت دستیابی به نظام جامع ارتقای مبتنی بر صلاحیت اعضای هیئت علمی

زینب فروغی - دانشگاه ع. پ. ایران، مریم حسینی ابرده - بدون وابستگی دانشگاهی، شهرام یزدانی، سعیده علیدوست -

مقدمه: سیستم‌های آموزش عالی به منظور تحقق وظایف و اهداف خود نیازمند اعضای هیئت علمی واجد صلاحیت هستند. از آنجایی که اعضای هیئت علمی بدنه اصلی دانشگاه‌ها را شکل می‌دهند، بنابراین بزرگترین و مهمترین نقش را در بهبود کیفیت آموزش عالی ایفا می‌کنند. یکی از مهمترین مکانیسم‌های حفظ و بهبود کیفیت و کارایی آموزش عالی و فعالیتهای تحقیقاتی در کشور، نظام ارتقا اعضای هیئت علمی دانشگاهها است. مطالعات بیانگر اهمیت در نظر گرفتن نقش‌های مختلف محوله

به اعضای هیات علمی که در راستای ماموریت های دانشگاه و تدوین نظام ارتقای هیات علمی بر اساس آن می باشند. در واقع به منظور برخورداری از نظامی جامع و اثربخش در ارتقای هیات علمی، در نظر گرفتن تمامی نقش های سنتی و جدید اعضای هیات علمی و در پی آن صلاحیت های زیر مجموعه ی این نقش ها را ضروری است. با این حال تاکنون مطالعه ی جامعی که به شناسایی نقش ها و صلاحیت های مختلف اعضای هیات علمی دانشگاه های علوم پزشکی بپردازد صورت نگرفته است. بنابراین مطالعه ی حاضر به دنبال تدوین سندی جامع از نقش ها، صلاحیت ها و وظایف مختلف هیات علمی با استفاده از روش تحلیل وظایف است. این سند می تواند مبنای خوبی برای طراحی نظام ارتقای اعضای هیات علمی باشد.

روش اجرا: مطالعه ی حاضر در دو مرحله مرور نظام مند و مرور اسکوپینگ (scoping review) صورت گرفت. در مرحله ی نخست با هدف شناسایی نقش ها، صلاحیت ها و وظایف در نظر گرفته شده برای اعضای هیات علمی، مدل ها و نظام های ارتقا، توسعه و ارزشیابی اعضای هیات علمی دانشگاه های علوم پزشکی در سراسر دنیا مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور سرچ استراتژی تشکیل شده از کلید واژه های مرتبط در پایگاه های داده ای PubMed، google scholar، Web of Science، Embase و Scopus اجرا شد. پس از دو مرحله غربالگری، نخست بر اساس عنوان و چکیده و سپس از نظر مطابقت متن مقالات با معیارهای ورود و خروج مطالعه، تعداد ۶۲ مقاله وارد مطالعه شدند. به منظور ارزیابی کیفیت مقالات از ابزار IMMAT استفاده شد. مرور نظام مند مطالعات میکس به کار می رود که در آن پژوهشگر باید روش های اجرایی مختلفی را مورد ارزیابی قرار دهد. نتایج ارزیابی کیفیت تنها در تفسیر نتایج مطالعات به کار رفت و به مطالعاتی که امتیاز بالاتری از نظر کیفیت کسب کردند وزن بیشتری اختصاص داده شد. به منظور استخراج و تحلیل داده ها از فرم استخراج داده ی محقق ساخته استفاده شد. خروجی این مرحله نقشهای مختلف اعضای هیات علمی را مشخص نمود. در مرحله ی دوم به منظور شناسایی قیق تر صلاحیت ها و وظایف مربوط به هر نقش از مرور اسکوپینگ استفاده شد. در این مرحله از کلید واژه های مختص هر نقش به همراه کلید واژه ها Competency، Role و Task استفاده شد تا صلاحیت ها اختصاصی و مختص هر نقش و همچنین وظایف مرتبط با آن شناسایی گردد.

یافته ها: پس از استخراج و تحلیل داده های مرحله ی نخست تعداد ۱۱ نقش برای اعضای هیات علمی شناسایی شد که شامل آموزش، پژوهش، ارائه خدمت، نوآوری، مدیریت و ترجمان دانش، کارافرینی، سیاست گذاری، توسعه جامعه پیرامونی، مدیریت، نظریه پردازی، فیلسوف شد. در مرحله ی بعد با جستجوی کلید واژه های اختصاصی هر نقش، به تفکیک صلاحیت های فنی (وظایف)، تواناساز و فراصلاحیت ها برای هر نقش شناسایی شد. در این راستا ۶ صلاحیت تواناساز که برای تمام نقشهای اعضای هیات علمی مشترک بود به همراه ۶۶ مهارت

پایه آن شناسایی شد. به علاوه در زیر مجموعه ی نقش ها تعداد ۶۰ زیرنقش شناسایی گردید که در مجموع ۹۰۷ وظیفه اعضای هیات علمی را در نقش های مختلف (صلاحیت های فنی) در برمی گیرد.

بحث و نتیجه گیری: با شناسایی ماموریت های دانشگاه های نسل جدید و در پی آن نقش های جدیدی که برای اعضای هیات علمی تعریف می گردد صلاحیت ها و وظایف مربوط به هر نقش، قادر خواهیم بود نظام جامع مبتنی بر صلاحیت جهت ارزشیابی، ارتقا و توسعه اعضای هیات علمی طراحی نماییم که در نهایت منجر به ارتقای عملکرد و تحقق اهداف دانشگاه ها خواهد شد.

بررسی امکان پذیری ارائه دروس مبانی نظری اسلام با رویکرد به مباحث حوزه سلامت در دانشگاه های علوم پزشکی و ارائه سرفصل های سلامت محور

عبدالحمید آکوچکیان - محمود ابوبی - دانشگاه ع. پ. اصفهان.

مقدمه: مبانی نظری اسلام عنوان گرایشی از گرایش های پنجگانه دروس معارف اسلامی دانشگاه ها است که با هدف تقویت، تعمیق و گسترش اطلاعات دانشجویان نسبت به باورها و بنیان های اعتقادات دینی آنان در چهار واحد درسی برنامه ریزی شده است. واقعیت آن است که در تدوین محتوا و متون آموزشی دروس معارف اسلامی، توجه کافی به تخصص و رشته تحصیلی فراگیران نشده است در حالی که این ظرفیت برای برخی از دروس معارف اسلامی از جمله دروس گرایش مبانی نظری اسلام وجود دارد که ارتباط قوی تری با دیگر علوم تجربی، تخصص های حرفه ای و رشته تحصیلی فراگیران داشته باشند. دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی به صورت حرفه ای در حوزه های فعالیت خواهند نمود که کاملا کاربردی (practical) و تجربی و با واقعیات سلامتی و زندگی مردم مرتبط است. منطقی است که محتوای آموزشی دروس معارف اسلامی برای این دانشجویان بر اساس ضرورت های حرفه ای تدوین و تدریس گردد تا پاسخگوی نیاز آنان باشد. هم زمان نیز مفاهیم حوزه سلامت ممکن و مطلوب است که با پیش فرض های کلامی دیده شوند، تا منجر به تحقق نگرش کمال یافته ای شود که دانشجوی رشته های پزشکی و پیراپزشکی پیش فرض های کلامی را از درون واقعیتی به نام «سلامت» در ابعاد چهارگانه آن (معنوی، روانی، اجتماعی و جسمی) که مرتبط با مباحث حوزه پزشکی است ملاحظه نماید. در این زمینه تاکید منابع دینی به ارزشمندی علوم تجربی و اندیشمندان آن، ترغیب به یادگیری و گسترش دانایی، ساختار حقیقت گرای آن و بیان حقایق از علوم تجربی در راستای رسالت اصلی دین اسلام (هدایت بشر به سعادت و کمالات اخروی) می تواند ضرورت بازنگری در این دروس را تقویت نماید. پرسش اصلی تحقیق این است که آیا امکان ارائه دروس مبانی نظری

طراحی و اجرای فرایند جامعه پذیری دانشگاهی (AOP)

دانشجویان ورودی جدید دانشگاه علوم پزشکی تبریز

رعنا غلامزاده نیکجو - شیرین نصرت نژاد - یگانه پرتوی - دانشگاه ع. پ. تبریز، علیرضا محبوب اهری .

مقدمه: برنامه جامعه پذیری دانشگاهی (Academic Orientation

Program) فرآیندی مشارکتی برای آماده سازی دانشجویان جهت تحصیل و زندگی دانشگاهی می باشد AOP . به دانشجویان کمک می کند تا با محیط جدید دانشگاه آشنا شده و گذار موقعیتی موفقیت آمیز از زندگی در خانواده به زندگی در جامعه دانشگاهی داشته باشند. در مورد دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان محور جامعه علمی کشور، AOP تلاش می کند تا از طریق آموزش مبانی اخلاق حرفه ای و معرفی فرصتهای پژوهش و توسعه فردی، گام موثری در جامعه پذیری دانشگاهی ایشان بردارد. هدف: برنامه جامعه پذیری دانشگاهی با هدف آشناسازی و هدایت دانشجویان ورودی جدید دانشگاه علوم پزشکی تبریز تدوین و اجرا گردیده است.

روش اجرا: این برنامه طی سه دوره و در سالهای تحصیلی ۱۳۹۹ و ۱۳۹۸ ، ۱۳۹۷ به منظور جامعه پذیری دانشگاهی دانشجویان مقاطع مختلف دانشگاه علوم پزشکی تبریز و با الهام از چرخه مدیریتی دمیگ (PDCA) که از گام های برنامه، اجرا، کنترل و عمل تشکیل شده، اجرا شده است. به این صورت که ابتدا مشکلات و نیازهای آموزشی دانشجویان طی بحث های گروهی استخراج شده و دوره ها طبق فراخوان از گروههای آموزشی برنامه ریزی شده و محتواها با کمک اساتید و کارشناسان تهیه گردید. در نهایت دوره ها به کمک فرم استاندارد ارزشیابی شده و نقاط قوت و ضعف هر دوره استخراج شده و راهکارهای پیشنهادی مطرح گردید که هر راهکار در دوره بعدی به مرحله اجرا گذاشته شد. این برنامه در سالهای ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ در دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی و در سال ۱۳۹۹ به صورت دانشگاهی برگزار گردید.

یافته ها: در سال اول اجرای برنامه نفر ۷۵ در دوره مورد نظر شرکت کرده بودند که ۵۳٪ آنها از مقطع کارشناسی بودند. در سال دوم اجرای برنامه کل شرکت کنندگان ۵۶ نفر و دانشجویان مقطع کارشناسی سهم بالاتری (۶۶٪) از شرکت کنندگان را به خود اختصاص داده بودند. در سال سوم اجرای برنامه آمار کل شرکت کنندگان به ۱۴۰ نفر رسید که ۷۰٪ آنها مقطع کارشناسی بودند. میزان رضایت کلی شرکت کنندگان در دوره اول ۶۱،۴۱٪ در دوره دوم ۷۰٪ و در دوره سوم ۸۹٪ می باشد. با توجه به مشکلات و نیازهای آموزشی استخراج شده از نظرات دانشجویان و گروههای آموزشی، کارگاههای مختلف در حیطه های اخلاق در پژوهش، آشنایی با مراکز و کمیته های تحقیقاتی، آشنایی با برنامه استراتژیک دانشکده، آشنایی با قوانین و مقررات آموزشی، سامانه پژوهان، آموزش مجازی، وب سایت های دانشگاه برای مقاطع کارشناسی

اسلام با رویکرد به مباحث حوزه سلامت وجود دارد؟ و به بیان دیگر اگر بخواهیم آموزها و محتوای این دروس را از منظر و رویکردی سلامت محور و برای رشته های پزشکی و پیراپزشکی بازخوانی و بازنویسی کنیم، آیا امکان پذیر می باشد؟ دستیابی به پاسخ این پرسش، هدف اصلی این پژوهش است.

روش اجرا: این پژوهش، با بهره گیری از روش ترکیبی کمی و کیفی، در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد. جامعه آماری این پژوهش ۲۲ نفر از مدرسان دروس مبانی نظری اسلام در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، کارشناسان حوزه معارف اسلامی و اساتید متخصص حوزه سلامت و آشنای به مباحث حوزه معارف اسلامی بودند. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته روا و پایا بود است. این پرسشنامه دارای ۵ سوال پاسخ باز بوده که سه سوال به حسب ابعاد امکان (امکان به حسب اهداف درس، امکان به حسب سرفصل های مصوب، امکان به حسب ابعاد چهار گانه سلامت)، یک سوال پیرامون مفید بودن و ضرورت این رویکرد برای دانشجویان علوم پزشکی و سوال دیگر درخواست سرفصل پیشنهادی برای این رویکرد است. یافته ها: تمامی شرکت کنندگان در این نظر سنجی ۱۰۰٪ ارائه دروس مبانی نظری اسلام را با رویکرد به مباحث حوزه سلامت؛ از جهت اهداف این درس و ارائه به حسب ابعاد سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) امکان پذیر دانستند. ۶۰٪ معتقد بودند امکان ارائه این رویکرد به حسب سرفصل های مصوب وجود دارد و سرفصل ها و موضوعات پیشنهادی خود را با رویکرد سلامت محور ارائه کردند که پس از تبادل نظر، چارچوب کلی آن مورد توافق قرار گرفت. ۱۰۰٪ معتقد بودند این رویکرد برای دانشجویان علوم پزشکی مفید و ضروری است.

یافته ها: رویکرد سلامت محور در دروس مبانی نظری اسلام از جهت اهداف، سرفصل ها و ابعاد سلامت، امری ممکن و ارائه آن برای دانشجویان علوم پزشکی مفید و ضروری است. امکان پذیری این رویکرد، می تواند پایه و اساس ایجاد تحول، نوآوری و در نتیجه، کارآمدی بیشتر این دروس باشد و ارائه سرفصل ها و موضوعات پیشنهادی، زمینه مناسبی را برای بازنگری این دروس فراهم می نماید. جدول نتایج امکان سنجی دروس مبانی نظری اسلام (اندیشه اسلامی ۱، ۲ و انسان در اسلام) امکان ارائه به حسب اهداف درس ۱۰۰٪ مشارکت کنندگان این رویکرد را مخالف اهداف درس ندانستند. امکان ارائه به حسب سرفصل های مصوب ۶۰٪ مشارکت کنندگان ارائه به حسب سرفصل های مصوب را ممکن دانستند. امکان ارائه به حسب ابعاد سلامت مشارکت کنندگان امکان ارائه در ۴ بعد سلامت را ممکن می دانستند. امکان ارائه به حسب پیشینه پیشنهادی ای با این رویکرد وجود نداشت تا امکان سنجی شود. مفید و ضروری بودن این رویکرد ۱۰۰٪ معتقد به مفید و ضروری بودن این رویکرد داشتند.

و تحصیلات تکمیلی برگزار گردید. نقاط قوت مطرح شده در زمینه اجرای دوره ها شامل آشنایی با سیستم آموزشی، آشنایی بیشتر در مورد رشته ها و دانشکده ها و فرآیند های آموزشی، ارتباط نزدیک با اساتید و کارشناسان دانشکده و نقاط ضعف شامل زمان برگزاری دوره ها، اطلاع رسانی نامناسب، طولانی بودن دوره، نیاز به حرفه ای نمودن محتواها بوده است. راهکارهای مطرح شده برای ارتقای دوره ها در مورد بازنگری در زمان و طول مدت کارگاهها، تخصصی نمودن محتواها مطابق رشته و استفاده از ظرفیت دیگر دانشکده ها برای تهیه محتوا بوده است.

بحث و نتیجه گیری: اجرای دوره AOP در دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی و استقبال از آن توسط معاونت آموزشی دانشگاه و متعاقباً اجرای دوره در سطح دانشگاه و نهایتاً سازگاری AOP با شرایط اپیدمی کرونا که به صورت مجازی با بیش از ۱۴۰ دانشجوی ورودی جدید (به غیر از دوره دکترا) ارتباط برقرار نمود و آنها را وارد جامعه بزرگ دانشگاه علوم پزشکی تبریز نمود برای مجریان این فرایند به عنوان یک موفقیت بوده و انگیزه لازم برای برداشتن قدمهای بعدی را تقویت نمود. کلیدواژه ها: جامعه پذیری دانشگاهی، فرآیند، چرخه دمینگ

بازآرایی جامع درس اخلاق بر اساس رویکردهای آموزشی دانشجو محور و تأثیر آن بر یادگیری دانشجویان: یک مطالعه نیمه تجربی

لیلا بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، عاطفه کرم زاده چهارمی - دانشگاه ع. پ. جهرم، لیلی مصلی نژاد - دانشگاه ع. پ. جهرم،

مقدمه: آموزش اخلاق پزشکی بر پایه تدریس نظری (روش سنتی) به تنهایی نمی تواند نیازهای سیستم بهداشتی-درمانی کشور را جهت داشتن پزشکان متعهد و متخصص برآورده سازد. استفاده از روش های آموزشی فعالانه و دانشجو محور در آموزش اخلاق، به جای صرف آموزشی و استاد محور بودن می تواند را دانشجویان به صورت عملی به سمت حل مشکل سوق دهد. لذا این مطالعه با هدف آموزش جامع درس اخلاق بر اساس رویکردهای آموزشی مبتنی بر مطالعه موردی مبتنی بر یادگیری ترکیبی بر یادگیری و مهارت استلال اخلاقی دانشجویان انجام شد.

روش اجرا: این پژوهش مداخله ای نیمه تجربی بر روی ۷۰ نفر از دانشجویان پزشکی مقطع فیزیوپاتولوژی که واحد درس اخلاق پزشکی را اخذ کرده بودند انجام شد. برنامه آموزشی دانشجویان شامل تدریس مباحث نظری اخلاق پزشکی، بحث در خصوص موردهای اخلاقی و استدلال بالینی و سپس بحث و گفتگو در محیط تالار گفتگو و تکالیف فردی در سامانه ال ام اس و تکمیل پورتفولیو را به خود اختصاص داد.

ارزشیابی دانشجویان با ارزیابی تأثیر روش بر دانش، نگرش و مهارت استدلال اخلاقی دانشجویان همراه بود. در ارزیابی دانشجویان از یک برنامه جامع شامل مشارکت در فوروم، تکالیف فردی در LMS، آزمون تئوری و آسکی و تکمیل پورتفولیو استفاده شد. میزان یادگیری دانشجویان با دانشجویان سال قبل که از طریق روش سنتی معلم محور انجام شده بود، مقایسه شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که بین میانگین یادگیری دانشجویان بعد از مداخله نسبت به قبل از مداخله تفاوت معنی دار وجود داشت ($p < 0.05$). همچنین مقایسه نمره عملی دانشجویان از طریق آزمون آسکی نیز حاکی از تأثیر آن بر تغییر دانش و نگرش و عملکرد دانشجویان در استدلال اخلاقی بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش پیشنهاد می شود ضمن توجه به رویکردهای آموزشی مبتنی بر مطالعه موردها، مبتنی بر مدل های یادگیری ترکیبی در درس اخلاق پزشکی، می تواند تأثیر مناسبی بر ارتقای مهارت های یادگیری و عملکردی دانشجویان در ارتقای استدلال اخلاقی داشته باشد. استفاده از این مداخله در توسعه استدلال دانشجویان در دروس مختلف توصیه می شود.

کلمات کلیدی: آموزش پزشکی، اخلاق پزشکی، یادگیری فعال، یادگیری ترکیبی، مدل فلکس، مطالعه مبتنی بر موردها، حرفه ای گری

نیازسنجی مهارت های حرفه ای اساتید مقطع علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۹

مارال استوارفر - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، علی اصغر حیات - دانشگاه ع. پ. شیراز، سولماز زارع - دانشگاه ع. پ. شیراز، محمدحسن کشاورزی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، سید علی اکبر فقیهی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، پروین رضوان دزفولی - دانشگاه ع. پ. شیراز، شهره برزگر - دانشگاه ع. پ. شیراز، مریم امیری نیا - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: اعضای هیأت علمی در پیشبرد اهداف دانشگاه نقش به سزایی به عهده دارند. لذا، شناسایی نیازهای آموزشی و حرفه ای آنها حیاتی می باشد. قبل از اجرای هرگونه برنامه آموزشی جهت توانمندسازی اعضای هیأت علمی باید ابتدا نیازهای آموزشی اساتید مورد ارزیابی قرار گیرد تا بتوانیم روش هایی هدفمند، کارا و به صرفه در برآورده کردن آنها به کار گیریم. نیازسنجی شیوه ای از ارزیابی است که به شناسایی، ثبت و اولویت دهی خلأ بین واقعیت های موجود و شرایط ایده آل می پردازد.

برای این کار می‌توان از روش‌های مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه، مشورت با صاحب نظران بهره برد. لذا هدف از این مطالعه طراحی پرسشنامه به منظور شناسایی نیازهای حرفه‌ای و آموزشی اساتید علوم پایه دانشکده ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز می باشد.

روش اجرا: مطالعه حاضر توصیفی مقطعی است که در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه علوم پزشکی انجام گرفت. جامعه پژوهش اعضای هیات علمی گروه‌های آموزشی علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی شیراز می باشند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه نیازسنجی مهارت‌های حرفه‌ای اعضای هیات علمی فقیهی و همکاران با ۲۹ گویه بود که توسط پنل کارشناسان پرسشنامه مورد بازنگری و تایید قرار گرفت. پایایی از طریق آلفای کرونباخ و به میزان ۰.۸۶، بدست آمد.

یافته ها: رتبه میانگین میزان توانمندی در حیطه آموزش ۴.۱، در حیطه پژوهش ۲.۷۱، در حیطه توسعه فردی ۳.۱۷، در حیطه فعالیت های اجرایی و مدیریتی و ارتقای حرفه ای ۳.۰۳ و در حیطه فعالیت های تخصصی خارج از دانشگاه ۱.۹۸ به دست آمد. همچنین رتبه میانگین میزان اهمیت در حیطه آموزش ۴.۱۷، در حیطه پژوهش ۲.۵۳، در حیطه توسعه فردی ۳.۷، در حیطه فعالیت های اجرایی و مدیریتی و ارتقای حرفه ای ۲.۸۸ و در حیطه فعالیت های تخصصی خارج از دانشگاه ۱.۷۳ به دست آمد. در بین مولفه های مورد مطالعه بیشترین توانمندی و اهمیت اساتید علوم پایه مربوط به حیطه آموزش و سپس پژوهش و کم ترین مربوط به فعالیت های تخصصی خارج از دانشگاه بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور و با در نظر گرفتن نتایج حاصل از این مطالعه می توان به این نتیجه رسید که اعضای هیات علمی با وجود این که خود را در امر آموزش و پژوهش توانمند می بینند اعتقاد دارند که در این دو حیطه نسبت به سایر حیطه ها نیازمند پیشرفت بیشتری هستند. شاید این اعتقاد ناشی از تأکید سیستم آموزش پزشکی در سراسر دنیا بر این دو حیطه می باشد. گرچه آموزش و پژوهش دو رکن اصلی در تربیت دانشجویان پزشکی به عنوان پزشکان و اساتید آینده می باشد؛ اما این امر نباید بر سایر حیطه ها سایه افکننده و سبب بی توجهی به سایر نیازهای آموزشی شود. شاید کم اهمیت شمردن سایر حیطه ها نسبت به دو حیطه آموزش و پژوهش به دلیل عدم آشنایی اساتید با اهمیت سایر حیطه ها باشد. چنانکه طبق اظهار نظر خود ایشان میزان توانمندی آن ها نیز در سایر حیطه ها کمتر از آموزش و پژوهش بود. البته اثبات این امر نیاز به مطالعه بیشتر در آینده بر گروه های با حجم نمونه بیشتر و ترجیحا در چندین مرکز دارد؛ اما پیشنهاد می گردد که به غیر از برگزاری دوره‌های آموزشی جهت توانمندی اساتید در حیطه های آموزشی و پژوهشی به سایر حیطه ها نیز به نحوی شایسته پرداخته شود. چرا که تخصص و مهارت در هر پنج حیطه مورد اشاره برای تمامی اعضای هیات علمی الزامی می باشد. در یک نظام نیازهای مختلفی وجود

دارد که هزینه و وقت کافی برای برآورده کردن آنها موجود نیست و می طلبد که ابتدا نیازهای مهم‌تر در نظر گرفته شوند. در همه نظام های آموزشی پیشرفته، به منظور ارتقای کارایی و اثر بخشی، همه برنامه‌های آموزشی از نیازسنجی آموزشی مدد گرفته می شود. پرسشنامه تهیه شده در این پژوهش با هدف سنجش نیازهای آموزشی و حرفه ای اعضای هیات علمی علوم پایه طراحی شد. سنجش نیازهای آموزشی سهم بسیاری در ارتقا علمی اعضای هیات علمی و دانشگاه ها دارد. بنظر می رسد حیطه آموزش و پژوهش با اهمیت ترین حوزه های مورد نیاز از نظر اعضای هیات علمی می باشد و باید در این چهارچوب برنامه ریزی و سیاستگذاری مناسب گردد.

کلمات کلیدی: نیازسنجی، اعضای هیات علمی علوم پایه پزشکی، دانشکده پزشکی

استراتژی اثر بخش در تدریس واحد مراقبت های جامع پرستاری در بخش های ویژه، راهکاری اثر بخش در زمان شیوع بیماری کوید ۱۹

نسرین نوابی - دانشگاه ع. پ. بابل، عباس شمسعلی نیا - دانشگاه ع. پ. بابل، فاطمه غفاری - دانشگاه ع. پ. بابل،

مقدمه: با پاندمیک شدن بیماری کرونا و الزام به اجرای تدریس درسامانه نوید دانشگاه علوم پزشکی بابل، پژوهشی با هدف تعیین استراتژی اثر بخش در تدریس واحد مراقبت های جامع در پرستاری در بخش های ویژه به عنوان راهکاری اثر بخش اجرا گردید.

روش اجرا: پژوهش حاضر توصیفی و در جامعه پژوهش دانشجویان ترم شش پرستاری دانشکده پرستاری رامسر با سرشمار و تعداد ۳۰ نمونه، اجرا گردید. سه نرم افزار خواندن نوار قلب، دیالیز و مولتی مدیا پیس میکرنیز که منتخب جشنواره های شهید مطهری کشوری بوده، بعلاوه فیلم های مولتی مدیا را که خود مدرس از پاور پوینت تهیه نموده وهم چنین فیلم های دانلود شده باصدا گذاری فارسی، به عنوان مطالب درسی در سامانه نوید بارگذاری گردید. همچنین ازواتس آپ در گروه های دانشجویی و اجرای فرم لیکرت برای سنجش رضایت مندی و بی گیری استفاده شد.

یافته ها: ۹۵٪ دانشجویان ۲۱ ساله و میزان رضایت از کاربرد این استر اتژی در آموزش ۸۱٪ بوده و ۸۰ درصد دانشجویان گله مند ضعف اینترنت منازل خود در دریافت پیام و مطالب بارگذاری بودند. از نظر کیفیت صدا و طراحی محیط مطالب بارگذاری بالغ بر ۹۰ در صد راضی بودند. **بحث و نتیجه گیری:** اجرای این شیوه آموزش با رضایت مندی بالغ بر ۸۱٪ بوده که با تحقیق دانشمندی و بررسی هیسه در تایوان، همخوان بوده، تداوم تلاش در جهت تامین زیرساخت های این نوع آموزش الزامی است

کلمات کلیدی: استرا تژی اثر بخش ، تدریس واحد مراقبت های جامع پرستاری ، راهکاری اثر بخش، شیوع بیماری کوید

نیاز سنجی آموزشی دانشجویان دانشکده های پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان جهت حفاظت از خود در هنگام ارائه مراقبتهای بهداشتی و درمانی به بیماران مبتلا به کووید ۱۹

پونه یوسفی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس ، آسیه پرمهر -

مقدمه: پنومونی جدیدی در پایان سال ۲۰۱۹ به سبب انتشار نوعی کرونا ویروس در کشورهای مختلف از جمله ایران گسترش جهانی یافت که به دنبال آن به دلیل تعدد مراجعه بیماران به سیستم بهداشتی و درمانی، افراد شاغل در عرصه های بالینی به شدت در معرض ابتلا به بیماری قرار گرفتند و این در حالی است که دانشجویان علوم پزشکی برای بسط و گسترش آموخته های تئوری خود باید بیش از نیمی از دوره آموزشی خود را در بالین بگذرانند و به همین دلیل برای محافظت خود در حین ارائه خدمات به بیماران نیاز به دانش و مهارت کافی دارند و انتظار می رود در دوران تحصیل خود دانش مراقبت از خود در مواجهات شغلی را بیاموزند، لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی نیاز های آموزشی دانشجویان دانشکده های پرستاری و مامایی برای حفاظت از خود در هنگام مراقبت از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ انجام شد.

روش اجرا: این پژوهش مطالعه ی توصیفی، تحلیلی و مقطعی است که با توجه به هدف، جامعه مورد مطالعه کلیه دانشجویان دانشکده های پرستاری و مامایی بندرعباس و بندرلنگه که واحد کارآموزی و کارآموزی در عرصه را اخذ نموده اند می باشد، نمونه گیری به صورت دردسترس و ابزار جمع آوری داده ها شامل دو پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و ابزار پژوهشگر ساخته بررسی نیاز آموزشی دانشجویان در سه حیطه دانش ، نگرش و مهارت دانشجویان در مراقبت از خود با ۴۴ سوال که روایی محتوی آن با تایید ۱۰ نفر از اساتید هیات علمی و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ ۸۶ درصد مورد تایید قرار گرفت ، برای سه حیطه مورد مطالعه سه سطح ضعیف، متوسط و خوب تعیین گردید. پس از دریافت کد اخلاق، پرسشنامه به صورت الکترونیک تهیه شد و از طریق اینترنت برای دانشجویان ارسال گردید و پس از نمونه گیری اطلاعات به دست آمده توسط نرم افزار SPSS

یافته ها: یافته ها نشان داد که جمعا ۳۲۵ نفر از دانشجویان در مطالعه شرکت نمودند که به تفکیک رشته تحصیلی ۱، ۶۳٪ پرستاری، ۲، ۱۷٪ مامایی و ۷، ۱۹٪ تکنسین اتاق عمل و بیهوش بودند. متوسط سنی دانشجویان ۲۲ سال و از کل دانشجویان ۶، ۶۰٪ زن و ۴، ۳۹٪ مرد بودند. نتایج نشان داد که میانگین نمرات دانش، نگرش و مهارت حفاظت از خود با بالا رفتن ترم تحصیلی دانشجویان به طور معنی داری

افزایش داشت (۰،۵ < p) به طوری که دانشجویان ترم های بالاتر در هر سه حیطه دانش، نگرش و عملکرد حفاظتی در برابر بیماری میانگین نمرات بالاتری داشتند. بین گروه های جنسی و وضعیت تاهل در میانگین نمرات حیطه های مورد مطالعه اختلاف معنی داری مشاهده نشد. به طور کلی نتایج نشان داد که ۷، ۵۱٪ از دانشجویان در سه حیطه مورد ارزیابی در سطح خوب قرار داشتند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در حدود نیمی از دانشجویان مشارکت کننده در مطالعه در دانش، نگرش و عملکرد حفاظتی خود از وضعیت مطلوبی برخوردار بودند که با نتایج مطالعه جی سو کیم که در سال ۲۰۱۶ بر روی MERS انجام داده است همسو می باشد و نیز مطلوب بودن نتایج نیمی از دانشجویان در حیطه دانش در مطالعه حاضر با مطالعه کی کیم ۲۰۱۶ که او نیز مطالعه خود را بر روی MERS انجام داده است منطبق است. نتایج مطالعه نشان داد که بین دانش و نگرش بر اساس جنس تفاوتی وجود ندارد که از این نظر با مطالعه جی سو کیم ۲۰۱۶ که نشان می داد دانشجویان دختر به طور معنی دار از نگرش بالاتر برخوردارند تفاوت دارد که می تواند به دلیل نزدیکی تعداد دانشجویان دختر و پسر مشارکت کننده در مطالعه حاضر باشد. از سوی دیگر آن چه که قابل تامل است این است که در این پژوهش حدود نیمی از دانشجویان در ارزیابی در سطح متوسط و ضعیف قرار گرفتند که این نتایج با نتایج مطالعه پارک و همکاران ۲۰۱۸ در رابطه با MERS منطبق است، مطالعه پارک نشان داد برای رسیدن به رفتارهای پیشگیرانه در دانشجویان باید دانش ایشان مبتنی بر آموزش دستوالعمل های پیشگیرانه برای رسیدن به سطح مطلوب ارتقاء یابد. نتایج این مطالعه نشان داد که آموزش نقش موثری در ارتقاء دانش دانشجویان دارد اما ایجاد نگرش مثبت برای رفتارهای پیشگیرانه در دانشجویان نیاز به تمهیدات آموزشی موثر تری دارد که این مهم در سیاست گذاری های آموزشی باید مد نظر قرار گیرد. همانطور که سازمان جهانی بهداشت بر اهمیت اضافه نمودن مطالب آموزشی مرتبط با شرایط بحرانی حاضر به دروس دانشگاهی تاکید بسیار نموده است .

بررسی تطبیقی کوریکولوم آموزش داروسازی مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران در مقایسه با کشورهای مشابه بر اساس شاخص توسعه انسانی تعدیل شده (IHDI)

سید محمد ایمان معزی - دانشگاه ع. پ. شیراز ، سوگند امیری - دانشگاه ع. پ. شیراز، فاطمه امید، امیرحسین جاجرمی زاده - میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز ، نوید روان.

داروسازان در فضای گسترده ای، از داروخانه گرفته تا صنایع داروسازی، فعالیت می کنند. باید برنامه ریزی آموزش های داروسازان، متناسب با نیازها و وظایف آنان در مسئولیت هایی که بر عهده می گیرند باشد. این گستردگی مسئولیت های ممکن داروسازان، این پرسش را برمی انگیزد که چه میزان از دروس ارائه شده در کوریکولوم آموزش دکتری عمومی داروسازی، دانشجوی داروسازی را برای هر یک از فعالیت ها و مسئولیت های آینده او آماده می کند. آموزش داروسازی، به عنوان محور تربیت نسل آینده داروسازان کشور این وظیفه را برعهده دارد تا نیروی انسانی کارآمد و حرفه ای را متناسب با نیازهای جامعه و مسئولیت های داروساز در جامعه تربیت کند. مقایسه وضعیت آموزش داروسازی در ایران و تناسب آن با نیازها و شرایط جامعه نسبت به سایر کشورها و استفاده از تجربیات آنان، اقدام مفیدی است که می تواند موجب ارتقای آموزش داروسازی ایران گردد. برای انتخاب کشورهای مورد قیاس، لازم است تا شاخص مناسبی انتخاب شود. از میان شاخص های متعدد موجود که بر مبنای مختلفی کشورهای جهان را مقایسه می کنند، "شاخص توسعه انسانی" (Human Development Index)، شاخص مناسبی به نظر می رسد. این شاخص با تجمیع سه شاخص ۱- امید به زندگی، ۲- میانگین تحصیلات عموم مردم و ۳- تولید ناخالص داخلی (GDP)، سه وجه سلامت، آموزش و اقتصاد را در کنار هم قرار داده و کشورها را بر این اساس مقایسه می کند. امید به زندگی، برون داد نهایی تمام سیستم سلامت یک کشور و نشان دهنده کیفیت خدمات سلامت در آن کشور است. کیفیت خدمات داروساز نیز به عنوان عضوی از نظام سلامت، در امید به زندگی مردم متجلی می شود. با در نظر گرفتن سطح تحصیلات مردم، میزان سواد سلامت و بهداشت و تقاضای مردم برای خدمات به روزتر و با کیفیت تر تعیین می گردد. تولید ناخالص داخلی نیز توان مالی مردم و دولت را برای صرف هزینه در حوزه بهداشت و درمان مشخص می سازد و در تعیین نحوه و هزینه خدمات داروسازان مؤثر است. HDI، را می توان توسعه انسانی بالقوه هر کشور دانست. برای نزدیک تر شدن آن به واقعیت و لحاظ کردن نابرابری های داخلی، شاخص توسعه انسانی تعدیل شده (Inequality-adjusted Human Development Index) برای تمام کشورها تعریف و محاسبه گردیده است که استفاده از آن نتایج بهتری را به دست خواهد داد. در راستای اهداف ذکر شده و طی جستجوهای اولیه، کشورهای اسپانیا، ایتالیا، پرتغال، مجارستان، تایلند و قبرس به عنوان کشورهایی که از نظر شاخص IHDI در سال ۲۰۱۷ در محدوده ای نزدیک به ایران (۱۰٪/۱۰۰٪) از ۰٫۶۳۶ تا ۰٫۷۷۷) و دارای برنامه آموزش دکتری عمومی داروسازی (Pharm-D) هستند، انتخاب شدند. دانشگاه های Lisbon پرتغال، Mahidol و Chiang Mai تایلند، Hungary Szeded مجارستان، Eastern Mediterranean قبرس، Milan، Tor vergata و Di Bolonga ایتالیا و Valencia اسپانیا طی جستجوی پایگاه های اینترنتی به عنوان نمونه ای از دانشگاه های دارای برنامه آموزش دکتری عمومی داروسازی انتخاب شده و کوریکولوم آن ها از سایت رسمی شان استخراج گردید. سپس این

کوریکولوم ها با کوریکولوم آموزش داروسازی عمومی ایران بر مبنای سهم دروس مرتبط با هر شاخه از داروسازی مقایسه و نتایج حاصل در یک پنل خبرگان متشکل از اعضای هیئت علمی دانشکده داروسازی و متخصصین آموزش پزشکی به بحث و بررسی گذاشته شد. به نظر می رسد آموزش داروسازی در ایران، نیازمند انطباق بیشتر بر نیازهای کشور، در عین پایبندی به اصول جهانی و نگرش های نوین به آموزش است. لازم است تا علاوه بر نیازهای کشور، آموزش مبتنی بر شایستگی (Competency-based) نیز مد نظر قرار گیرد تا شاهد تربیت نیروی انسانی موثر و کارآمد باشیم. در راستای تعیین شایستگی ها می توان تعریف سازمان بهداشت جهانی از داروساز ایده آل (داروساز هفت ستاره) را مدنظر قرار داد. داروسازی که باید دارای ویژگی های مراقبت کننده، تصمیم ساز، ارتباط گیرنده، رهبر، مدیر، معلم و فراگیر مادام العمر باشد. ایجاد این ویژگی ها و تلاش برای دخیل کردن آن ها در کوریکولوم آموزش داروسازی می تواند بسیار ثمربخش باشد. علاوه بر این، از اهم نکاتی که با توجه به کوریکولوم کشورهای مبدا مقایسه به نظر می رسد، افزودن یک درس به ترم اول دوره جهت آشنایی با فضای کار، مهارت های مورد نیاز و وظایف مورد توقع از داروساز است. هم چنین، توجه بیشتر به فعالیت های عملی و در عرصه و ادغام دروس مرتبط (مانند دروس فارماکولوژی و درمان شناسی)، با توجه به تجربه موفق کشورهای دیگر، پیشنهاد می شود.

طراحی، اجرا و ارزیابی مدیریت برنامه درسی در آموزش مجازی

مریم آویژگان - دانشگاه ع. پ. اصفهان، نیکو بمانی، اطهر امید - دانشگاه ع. پ. اصفهان، شهرزاد شهیدی - دانشگاه ع. پ. اصفهان،

مقدمه: مطالعات حاکی از فقدان برنامه مشخص و قانونمند برای مدیریت برنامه درسی نه تنها در دوره های حضوری بلکه در دوره های مجازی هست. از طرف دیگر اساس گسترش و توسعه هر آموزشی و بخصوص آموزش مجازی این است که ابتدا طراحی و تولید، سپس توسط مدرسان بامهارت اجرا و در نهایت ارزشیابی شود. فراتر از آن، کاربرد نتایج ارزشیابی است که می تواند اصلاح یا خاتمه برنامه درسی را به دنبال داشته باشد. برای ارتقای کیفیت برنامه درسی مجازی باید درون دادها، ترانکشن ها و برون دادها به صورت یک کل منسجم و با نگاه سیستمی مورد بررسی قرار گیرد که مستلزم طرح قبلی، مدیریت و برنامه ریزی در جهت اقدامات مؤثر است. بنابراین این مطالعه به طراحی، اجرا و ارزیابی مدیریت برنامه درسی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در راستای بسته آموزش پاسخگو پرداخت.

روش اجرا: این مطالعه از نوع توسعه ای با رویکرد کیفی در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود. در چهار مرحله اکتشاف (Exploration)، آماده سازی (preparation)، اجرا

(Implementation) و پایداری (Sustainment) بر اساس روش EPIS انجام شد که شامل: ۱- اکتشاف: در این مرحله نیازهای اصلی سیستم شناسایی شد. با توجه به لاین تحقیقاتی محققان، سابقه فعالیت در بسته تحول آموزش پاسخگو و تجربیات برای اجرای مطالعاتی از جمله رهبری، مدیریت و نظارت برنامه درسی، زمینه مساعدی برای این کار وجود داشت. این مرحله با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا و گروه متمرکز انجام شد. متون شامل کتب، پایان نامه‌ها، مقاله‌ها، آیین‌نامه‌ها و سایر مستندات مرتبط، بررسی و مؤلفه‌ها به تفکیک و به صورت جملات معنی دار، کدگذاری، تاپ و طبقه‌بندی شد. اعتبار صوری و محتوایی مؤلفه‌ها با روش گروه متمرکز بررسی و اصلاحات لازم بر اساس نظرات و تجربیات متخصصان آموزش انجام و مؤلفه‌ها از نظر تناسب و ارتباط مطلوب با ابعاد موردنظر بررسی گردید. ۲- آماده‌سازی: موانع بالقوه و تسهیل‌کننده‌های اجرایی شناسایی و ارزیابی نیازها برای سازگاری بیشتر انجام شد و یک برنامه برای استفاده از تسهیل‌کننده‌ها و رفع موانع بالقوه با روش کیفی و جلسات گروه متمرکز با ذی‌نفعان طراحی شد. بعد از اعمال تغییرات لازم بر اساس محدودیت‌ها و فرصت‌ها، برنامه عملیاتی، آیین‌نامه‌ها و ابزارها با بحث و تبادل نظر درگروه متمرکز تعیین، سپس با اعمال نظرات ذی‌نفعان نهایی و به مسئولین ذی‌ربط معرفی و برای مصوب شدن، پیگیری شد. ۳- پیاده‌سازی: فرایند اجرایی و شیوه‌نامه مصوب شده، به تمامی دانشکده‌ها برای اجرا ابلاغ و پیگیری شد. جلسات آموزشی لازم در سطح دانشکده، دانشکده و گروه‌ها برای نحوه اجرا برگزار شد. ۴- پایداری: در این مرحله، فرایندها و پشتیبانی ساختارهای بیرونی و درونی ادامه داشت. برای این منظور، با توجه به جامعه آماری که شامل کل گروه‌های آموزشی (۸۴ گروه) در کل دانشکده‌ها (۹ دانشکده) بود، نمونه با توجه به جدید بودن کار، در هر دانشکده با اجماع نظرات، حداقل دو گروه آموزشی به صورت داوطلبانه یعنی مجموعاً ۱۸ گروه انتخاب و نتایج اجرا و پیاده‌سازی مداخله، به مدت یک نیمسال بررسی و تحلیل شد.

یافته‌ها: شیوه‌نامه مدیریت برنامه درسی در چهار مرحله (برنامه‌ریزی، پیش، ارزشیابی و بازنگری) و ۲۷ بند، برنامه عملیاتی در سطح دانشکده در ۱۱ بند و در سطح گروه آموزشی در ۱۳ بند در جلسه ۵۸ شورای دانشگاه (۳۰، ۱۱، ۹۸) مصوب و به دانشکده‌ها ابلاغ شد. برنامه عملیاتی شامل هدف، فعالیت‌ها، زمان، مکان، افراد مسئول، ابزار، منابع لازم، روش، نحوه تعاملات و نحوه جمع‌بندی بود. ابزارهای لازم به تفکیک هر مرحله شامل فرمت طرح دوره و چک‌لیست ارزیابی آن، چک‌لیست بررسی محتوا و بررسی اسلاید، پرسشنامه و برگه‌های نظرسنجی فراگیران به دست‌اندرکاران ارائه گردید. گزارش‌ها به تفکیک هر فعالیت و بر اساس شاخص مربوطه (تعداد درس بررسی‌شده، بازخورد شده، اصلاح‌شده و گزارش‌شده) در قالب فایل اکسل جمع‌آوری و نظارت گردید

بحث و نتیجه‌گیری: اصلاح طرح دوره‌ها طبق استانداردها، اجرای درس متناسب با طرح دوره، محتوای مناسب، اسلایدهای استاندارد،

توجه به نظرات فراگیران در ارائه درسی از جمله دستاوردهای مطالعه برای توسعه آموزش مجازی، توانمندسازی مدیران گروه‌ها، مسئولین درس و اعضای هیات علمی بود ولی محدودیت‌هایی همچون همکاری ضعیف بعضی معاونین آموزشی دانشکده‌ها، مسئولین دفاتر توسعه آموزش یا مدیران گروه‌ها وجود داشت. برای کاستن آن پیگیری مستمر از طریق معاونت آموزشی، EDC، جلسات هم‌اندیشی EDO ها، کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی دانشکده‌ها، گروه‌های مجازی و ارائه مستمر گزارش پیشرفت کار در جلسات شورای آموزش دانشگاه و دانشکده انجام شد.

کلمات کلیدی: مدیریت برنامه درسی، آموزش مجازی، آموزش علوم پزشکی

"تبیین استراتژی های توانمندسازی اساتید بر اساس سبک های یادگیری آنها در دانشکاه علوم پزشکی شیراز سال تحصیلی ۹۹-۹۸" مطالعه ترکیبی

سیمیا قاسمی - دانشگاه ع. پ. شیراز، لیلیا بذرافکن - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، مرضیه ده بزرگیان - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، ماریا جلالی نژاد - دانشگاه ع. پ. شیراز، زهرا صفاری - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، رحمت اله عرب زاده - دانشگاه ع. پ. شیراز،

مقدمه: بحث توانمندسازی حرفه ای در آموزش عالی به طور فزاینده‌ای در زمینه های بهبود کیفیت، تضمین کیفیت و مدل‌های ارائه بهینه فناوری برای دستیابی به تعالی علمی تمرکز می کند. برای نیل به این هدف شناخت ویژگی های مرتبط با یادگیری غیر قابل انکار است پژوهش حاضر تبیین استراتژی های آموزشی جهت توانمندسازی اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز براساس سبک یادگیری آنها می باشد.

روش اجرا: در پژوهش حاضر از روش ترکیبی متوالی تبیینی استفاده شده است که این روش در واقع روش کمی دنبال شده با روش کیفی است. بخش کمی بصورت توصیفی- تحلیلی مقطعی بوسیله ابزار پرسشنامه استاندارد کلب در سال ۹۹-۱۳۹۸ با مشارکت ۳۰۴ تن از جامعه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام شده است که به روش نمونه گیری طبقه ای آسان و در دسترس انتخاب شدند. در بخش کیفی پژوهش، استراتژیهای آموزشی متناسب با سبکهای یادگیری ترجیحی اساتید بوسیله اجرای چندین جلسه "گروههای متمرکز" با حضور صاحب‌نظران در آموزش پزشکی استخراج شده است. علاوه بر آمار توصیفی برای تحلیل از تست کای اسکور و تست آنالیز واریانس یک طرفه و تست تعقیبی توکی با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۰ استفاده شده است.

یافته ها: بر اساس نتایج در مرحله کمی مطالعه نشان داد از مجموع ۳۰۴ استاد شرکتکننده در این تحقیق، ۱۵۹ استاد معادل ۵۲٫۳ درصد اساتید دارای سبک یادگیری همگرا، ۵۸ استاد (۱۹٫۱ درصد) دارای سبک یادگیری واگرا، ۳۹ استاد (۱۲٫۸ درصد) دارای سبک یادگیری انطباق دهنده، ۲۴ استاد (۷٫۹ درصد) دارای سبک یادگیری جذب کننده و مابقی اساتید دانشگاه علوم پزشکی شیراز (۲۴ استاد؛ ۷٫۹ درصد) از ترکیبی از سبک های یادگیری برخوردار بودند.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج در مرحله کیفی مطالعه نیز اساتید در بحث متمرکز ضمن الویت دادن به سبک های همگرا و واگرا استراتژی اساتید را ترکیبی از سبک های یادگیری دانسته و نقش های آنها را در تعیین توانمندی مهم تر دانستند. حاصل مرحله دوم مطالعه دو درون مایه درون مایه تبیین شایستگی ها و درون مایه استراتژیهای برتر در توانمندسازی اساتید بود، که هر کدام دارای زیر طبقه‌های هستند. درون مایه تبیین شایستگی ها بر اساس نقش شامل دو زیر طبقه وظایف و توانمندی ها و تعالی صفات شخصی و درون مایه استراتژی های برتر در توانمندسازی اساتید شامل چهار زیر طبقه آموزش مبتنی بر مسئله، آموزش ترکیبی، آموزش ترکیبی، آموزش مبتنی بر ارزیابی و ترویج دانش پژوهی بودند.

کلمات کلیدی: سبک یادگیری، استراتژی آموزشی، توانمند سازی هیات علمی، توسعه حرفه ای

نیازهای آموزشی دانشجویان علوم پزشکی در راستای

دستیابی به شایستگی‌های دینی و معنوی

مریم اردبیلی - اکرم حیدری - مرزوی حیدری - دانشگاه ع. پ. قم .

مقدمه: غایت علوم و حرفه‌های پزشکی، سلامت انسان است، حساس بودن به تمامی ابعاد و مؤلفه‌های وجودی وی برای دستیابی به این هدف، ضرورتی انکارناپذیر است و پزشکی امروز حتی با نگرش سکولار و بدون دغدغه مبدأ و معاد نیز نمی‌تواند از پرداختن به دین و معنویت صرف نظر نماید. حتی تأمین سلامت جسم که اولین سطح از سلامت می‌باشد، نیازمند در نظر گرفتن ابعاد فراجسمی و فرامادی و نگاه کل‌نگرانه است. همچنان که بیماری‌های جسمی و روانی منجر به نقص در عملکرد عمومی افراد می‌شوند، نقص در سلامت معنوی نیز می‌تواند زندگی افراد را دچار اختلال نماید. با قبول نقش تعیین کننده سلامت معنوی در سلامت عمومی افراد، لزوم توجه به این بعد از سلامت در نظام سلامت، بیش از پیش هویدا می شود و به نظر می‌رسد این اهمیت در حال نهادینه شدن در جامعه پزشکان و سایر متولیان امور سلامت می‌باشد. به طورمثال، مراقبت معنوی نیز به عنوان یکی از وظایف پزشکان و سایر شاغلان حرف مرتبط با سلامت،

شناخته شده است. بدیهی است انجام چنین وظیفه‌ای، مستلزم کسب دانش و تجربه لازم در طی تحصیل است که جای خالی آن در آموزش‌های آکادمیک، حس می‌شود. بنابراین، پرداختن به مباحث مرتبط با معنویت و دین در آموزش علوم پزشکی یک ضرورت است. با این حال، تاکنون درک درستی از آنچه باید آموزش داده شود، وجود ندارد. به عبارت دیگر، لازم است بدانیم برای آنکه یک دانش‌آموخته علوم پزشکی برای توجه به دین و معنویت به عنوان یکی از ابعاد سلامت، نیازمند فراگرفتن چه آموزش یا آموزش‌هایی است. در رویکرد آموزش پزشکی مبتنی بر شایستگی، پیامد فرایند آموزش، توسعه مجموعه‌ای از شایستگی‌ها در دانش‌آموختگان است. از آنجا که شایستگی محوری در آموزش پزشکی، معطوف به نیازهای اجتماع در حوزه سلامت است و با پذیرش بعد معنوی سلامت، شایستگی‌های دینی و معنوی نیز ضرورت می‌یابند. این مطالعه با هدف دستیابی به درکی صحیح و دقیق از اجزا و مؤلفه‌های شایستگی‌های دینی و معنوی به عنوان بخشی ضروری در برنامه درسی رشته‌های علوم پزشکی صورت گرفت.

روش اجرا: این مطالعه به صورت کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا انجام شد. در این مطالعه، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از متخصصان آموزش پزشکی و اساتید و خبرگان موضوع انجام شد. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به موازات انجام آنها مورد تحلیل قرار گرفت و منجر به استخراج مفاهیم گردید.

یافته‌ها: با تحلیل مصاحبه‌ها، کدهای متعددی استخراج شد که با مقایسه کدها و حذف موارد تکراری و ادغام موارد مشابه، در نهایت ۶۰ مفهوم شناسایی شد که توجه به آنها در برنامه‌های آموزشی رشته‌های علوم پزشکی ضروری به نظر می‌رسد. نیازهای حیطه شناختی شامل ۱۷ مفهوم بود که نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، اصول و مبانی دین، فروع دین با تأکید بر احکام مرتبط با سلامت، مستندات علمی ارتباط سلامت و دین، انسان‌شناسی با رویکرد دینی، نگاه انتقادی با رویکرد دینی به متون علمی، اهمیت و راهکارهای تلفیق دین در خدمات سلامت، آشنایی با حساسیت‌های دینی جامعه و نیازهای معنوی انسان و نحوه پاسخگویی به آنها را دربرمی‌گرفت. همچنین نیازهای عاطفی شامل ۲۱ مفهوم بود که خداآواری و نگرش توحیدی، باور به کرامت انسان و ارزشمندی فطری همه انسان‌ها با وجود تفاوت‌ها، شرایط و مقتضیات، نگاه کل‌نگر با اصالت روح، واسطه دانستن خود در شفا، نگاه به حرفه به عنوان فرصتی برای تعالی، اصالت ندادن به درآمدزایی حرفه، اعتقاد به حق‌الناس بودن حقوق بیماران، احساس مسؤولیت نسبت به سلامت مراجعان، همکاری و جامعه، باور به تأثیر مداخلات دینی (اذکار و ادعیه، ...) و مشاوره دینی و معنوی بر سلامت و عدم تعصب به دانش طبی مرسوم و پذیرش نسبت به طب‌های

جایگزین را دربرمی‌گرفت. نیازهای رفتاری نیز شامل ۲۲ مفهوم بود که پرورش ویژگی‌های شخصیتی مانند رقت و سلامت قلب، لطافت روح، توکل، نگاه مثبت و امیدوارانه به آینده، شاکر بودن، فداکاری، ازخودگذشتگی، ایثار، تفکر و تعقل در جهان آفرینش و خلقت انسان، مراقبت از اعمال و رفتار در محضر الهی، خویشن‌داری و اجتناب از رفتارهای غیردینی، رعایت موازین شرعی (پوشش، حجاب، طهارت و ...) در ارائه خدمات، رعایت موازین اخلاقی: نظم و انضباط، صداقت در گفتار و رفتار، عدالت‌محوری در ارائه خدمات، شروع کارها با نام خدا و توکل بر او، شناسایی نیازهای معنوی بیماران، تلاش برای پاسخگویی نیازهای دینی و معنوی بیماران و مراجعان و استفاده از ظرفیت‌های مرتبط با دینداری فرد در جهت تسهیل فرایندهای درمانی را دربرمی‌گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری: تربیت دانش‌آموختگان برخوردار از شایستگی‌های دینی و معنوی، مستلزم توجه به مفاهیم متعددی در حیطه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است که لازم است در بخش‌های مختلف نظام آموزش علوم پزشکی مورد توجه قرار گیرد. این مطالعه با حمایت مالی مرکز تحقیقات راهبردی آموزش پزشکی با شماره طرح ۹۷۲۴۲۴ انجام شده است.

طراحی، اجرا و ارزشیابی ایمنی کار در آزمایشگاه بیوشیمی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی: یک مطالعه دانش پژوهانه

زهرا اکبری - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، سمیه اکبری فارمد - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، ژاکلین وارطانوسیان، فرزانه امینی - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، ملیکا حلوائی - بدون وابستگی دانشگاهی، صوفیه معلمی پور.

مقدمه: امروزه پرداختن به مسائل ایمنی، ارتقاء سلامت نیروی انسانی، پیشگیری از وقوع حوادث و ارتقاء آمادگی در برابر بحران‌های احتمالی (مدیریت بحران) از الویت‌های اساسی هر سازمانی است. با توجه به پذیرش بالای دانشجویان علوم پزشکی، آزمایشگاه‌های آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌تواند به مکانی پرخطر برای آنها تبدیل گردد، در نتیجه آموزش هشدارها و ایمنی کار به دانشجویان در آزمایشگاه بیوشیمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی نیز حائز اهمیت است. این مطالعه با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی ایمنی کار در آزمایشگاه بیوشیمی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، جهت دانشجویان پزشکی و دندان پزشکی انجام شده است.

روش اجرا: مطالعه شامل سه مرحله طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌باشد که مرحله طراحی آموزشی آن بر اساس مدل رات‌ول انجام شده است.

برای انجام نیازسنجی با توجه به اعلام نیاز گروه بیوشیمی، جهت تعیین نیازهای آموزشی از آزمون شناختی و نگرشی استفاده شده است. نمونه‌گیری به روش تمام شماری انجام گرفت، در آزمون طراحی شده توسط محقق از سه پرسشنامه استفاده گردید که به ترتیب پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، پرسشنامه آگاهی و نگرش، پرسشنامه رضایتمندی بود. جهت تعیین روایی صوری و محتوایی آزمونها، از نظرات اساتید راهنما و مشاور و ۲ نفر از اساتید گروه بیوشیمی استفاده شد. پایایی آزمون نیازسنجی از طریق آزمون مجدد انجام شد که ضریب همبستگی ۰.۷۰ تعیین شد. از گروه هدف پیش‌آزمون گرفته شد و معیار نیاز آموزشی کسب نمره کمتر از ۸۰٪ تعیین شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۴ تجزیه و تحلیل شد و به منظور توصیف داده‌ها از شاخص‌های آماری، میانگین و انحراف معیار استفاده گردید. جمعیت مورد مطالعه شامل ۲۰۰ نفر از دانشجویان بودند که با کسر افراد غایب در نهایت تعداد شرکت‌کنندگان در آزمونها ۱۷۲ نفر بودند. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل شده با نرم افزار SPSS۲۴ تجزیه و تحلیل شد. آزمون T زوجی انجام شد. اهداف با تاکید بر سه گام اول اهداف رفتاری بلوم (دانش، فهمیدن، کاربرد) در سه حیطه شناختی، نگرشی و روانی - حرکتی تنظیم و برای ارزیابی دستیابی به اهداف عملکردی از سوالات خود ارزیابی استفاده شد. اولویت بندی و مرتب کردن اهداف به صورت موضوع و از کل به جزء (در یک هدف از جزء به کل) به صورت تلفیقی و مرحله به مرحله با استفاده از ارائه یک فیلم ابتدای هر فصل ارائه شد. جهت ارزیابی میزان درک فراگیران از موضوعات مطرح شده و ارزشیابی کلی در پایان هر فصل سوالاتی مطرح شد. راهنمای آموزشی بر اساس نیازسنجی یادگیرندگان و دستورالعمل OSHA تهیه شد. در مرحله بکارگیری و اجرا، پس از تایید توسط دو نفر از اساتید بیوشیمی و دو نفر از اساتید آموزش پزشکی بسته آموزشی در اختیار گروه هدف قرار گرفت، همچنین جهت آموزش یک کارگاه ۲ روزه طی ۴ جلسه ۲:۳۰ ساعته در نظر گرفته شد. جهت ارزشیابی گروه هدف، محتوای راهنمای آموزشی تهیه گردید به همراه فیلم‌های آموزشی در اختیار دانشجویان قرار گرفت و با فاصله ۳ هفته بعد از فراگیران پس از آزمون گرفته شد. همچنین جهت ارزشیابی دوره برگزار شده و بسته آموزشی پرسشنامه رضایتمندی در اختیار تمام گروه هدف قرار گرفت. **یافته‌ها:** میانگین نمرات در حیطه شناختی و نگرشی در پیش‌آزمون ۵۵، ۳٪ و در پس‌آزمون ۹۲، ۲٪ محاسبه شد. آزمون T زوجی نشان داد که، متوسط پاسخ‌ها در حیطه شناختی و نگرشی با سن، سال ورودی، مهمان بودن هیچ‌گونه ارتباطی ندارد. در این مطالعه میزان تاثیر آموزش ۸۳٪ (p=۰,۰۰۸) و میزان رضایت از کل دوره برگزار شده ۵, ۹۴٪ (p=۰,۰۴۸) تعیین شد.

بحث و نتیجه‌گیری: میانگین نمرات در حیطه شناختی و نگرشی نشان دهنده تاکید و ضرورت بیشتر بر انجام طراحی آموزش و تهیه محتوای آموزشی می‌باشد. نگرش مثبت دانشجویان نسبت به موضوع پژوهش، نشان دهنده احساس نیاز آنان جهت یادگیری و افزایش آگاهی

می باشد. در روش تدریس با استفاده از الگوی اکتشافی فراگیران را فعالانه با نشان دادن فیلم و پرسش سؤالاتی به صورت طرح مساله و سپس حل مساله درگیر کردیم و برای فراگیران فرصتی ایجاد کردیم که در خصوص تجربیات خود تفکر کنند و آن ها را به یاد بیاورند و عکس العمل آن ها را مشاهده و به صورت نامحسوس با ایجاد سؤالات و پاسخ گویی فراگیران و بحث و تبادل نظر به فراگیر در یادگیری کمک نماییم و در آخر نیز فرصتی به فراگیران داده شد تا مطالب آموخته شده را با موقعیت های واقعی درونی نمایند.

کلمات کلیدی: طراحی آموزشی، هشدارهای کاربرد آزمایشگاه بیوشیمی، ایمنی کار در آزمایشگاه بیوشیمی.

سایر حیطه ها

بررسی اسنادهای دانشجویان دندان پزشکی عمومی دانشگاه های علوم پزشکی تهران و ارومیه

امین حسینی شاونون - دانشگاه ع. پ. تهران ، مازیار اسماعیلی مقدم -
، زهرا زارعی حاجی آبادی - دانشگاه ع. پ. تهران ، رقیه گندم کار ،

مقدمه: بر اساس نظریه واینر، اسنادهای (attributions) فراگیران یعنی چگونگی ادراک و تفسیر آنها از علت های موفقیت و شکست خودشان، از تعیین کننده های اصلی انگیزش و به دنبال آن موفقیت یا شکست تحصیلی آنها به حساب می آید. پرسشنامه های مختلفی برای ارزیابی سبک های اسنادی وجود دارد که اغلب عمومی بوده و جهت بررسی سبک اسناد افراد در موقعیت های مختلف زندگی روزمره می باشند. کمپبل و همکارانش (۱۹۹۶) پرسشنامه ی "مقیاس گرایش اسنادی خودپنداره (Saas)" را ارائه دادند که مختص استفاده در محیط های تحصیلی است. این پرسشنامه ی ۱۸ گویه ای دارای دو حیطه ی تلاش و توانایی است که اغلب اسنادهای فراگیران در محیط های تحصیلی را تشکیل می دهد و تمایز دهنده دانشجویان با عملکرد تحصیلی قوی و ضعیف است به این صورت که دانشجویان قوی معمولاً اسناد تلاش و دانشجویان ضعیف معمولاً اسناد توانایی دارند. بر اساس مرور متون انجام شده در میان متون فارسی و انگلیسی، مطالعه ای که به بررسی نوع اسناد دانش جویان علوم پزشکی با استفاده از "مقیاس گرایش اسنادی خود پنداره" پرداخته باشد یافت نشد. مطالعه ی حاضر با هدف تعیین سبک اسنادهای دانشجویان دندان پزشکی عمومی دانشگاه های علوم پزشکی تهران و ارومیه بر اساس تئوری انگیزشی واینر و بررسی ارتباط نوع اسناد با عملکرد تحصیلی طراحی شده است.

روش اجرا: این مطالعه از نوع توصیفی- هم بستگی است. شرکت کنندگان در این پژوهش به شیوه ی نمونه گیری تصادفی طبقه ای از میان دانشجویان مقطع عمومی دانشکده دندان پزشکی تهران و ارومیه انتخاب شدند. پرسش نامه ی مذکور پس از ترجمه و بازترجمه در اختیار خبرگان قرار گرفت و از نظر روایی محتوایی (محاسبه ی CVI) و صوری مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت. سپس پرسشنامه به همراه فرم رضایت آگاهانه به صورت حضوری در اختیار دانش جویان دندان پزشکی عمومی دانشگاه های علوم پزشکی تهران و ارومیه قرار گرفته و پس از تکمیل و جمع آوری آن ها با استفاده از داده های گردآوری شده، ابزار مورد نظر، از نظر روایی سازه (تحلیل عاملی تأییدی) و همسانی درونی (محاسبه ی آلفای کرونباخ) نیز مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت اسناد دانشجویان با استفاده از آمار توصیفی و ارتباط آن با عملکرد تحصیلی یعنی معدل با آزمون پیرسون مورد بررسی قرار گرفت. .

یافته ها: نظرات ۱۰ نفر از خبرگان در مورد روایی محتوا و صوری پرسشنامه گردآوری شد. مقدار CVI برای ابعاد ارتباط، شفافیت و روانی به ترتیب ۰،۸۹، ۰،۹۰ و ۰،۹۲ محاسبه شد. تعداد ۳۱۹ عدد پرسشنامه توسط دانشجویان دندان پزشکی تکمیل شد. بر اساس نتایج حاصل از

نقشهای مکمل دانشجویان پزشکی در طی پاندمی کووید

۱۹: ارزیابی ادراک و تمایل دانشجویان پزشکی

طیبه شکری - دانشگاه ع. پ. ایلام ،

مقدمه: بیماری همه گیر COVID-۱۹ فرصتی مناسب برای شناسایی نقش های دانشجویان پزشکی برای استفاده موثر از خدمات این نیروی کار بالقوه در سیستم مراقبت های بهداشتی است. از این رو ، این مطالعه درک و تمایل دانشجویان پزشکی برای کمک به آمادگی و پاسخگویی به بخش COVID-۱۹ از طریق شناسایی و بررسی نقشهای دانشجویان در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهبشتی را ارزیابی کرده است.

روش اجرا: یک نظرسنجی مقطعی بصورت آنلاین در بین ۲۰۵ دانشجوی پزشکی که در دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهبشتی تحصیل می کنند ، انجام شده است. برای جمع آوری نظرات دانشجویان از گوگل فرم همراه با اظهارات مربوط به درک فردی از نقش دانشجویان پزشکی و تمایل آنها برای کمک به بخش سلامت COVID-۱۹ از طریق نقش های ارزش افزوده استفاده شده است.

یافته ها: از ۲۰۵ شرکت کننده شرکت کننده در مطالعه ، اکثریت زن بودند (۱۴۴ نفر ، ۷۰، ۲ درصد نفر). اکثریت این دانشجویان گزارش دادند که مسئولیت کمک به پاسخ بخش سلامت COVID-۱۹ در کشور را دارند. (۹، ۹۳٪) در سطح دانش بالینی و مهارتهای بالینی درک شده دانشجویان پزشکی برای کمک به بخش سلامت COVID-۱۹ با پیشرفت نیمسال تحصیلی تفاوت آماری معناداری وجود داشت (۰، ۰۰۱ > p). **بحث و نتیجه گیری:** دانشجویان پزشکی عموماً مایل به ایفای نقشهای مکمل در بخش سلامت و تا حدودی کمتری در نقشهای مکمل بخش بهداشت و درمان در طی شیوع COVID-۱۹ هستند. با این حال ، مربیان پزشکی باید به وضوح از نقش های ارزشی و مکمل دانشجویان آگاه شوند و آموزش و نظارت کافی را برای دانشجویان پزشکی ، از سال اول تا پایان تحصیل و در زمان فراغت از تحصیل ، فراهم کنند تا یادگیری را با حمایت و کمک های قابل توجه در مراقبت از بیمار و سیستم مراقبت های بهداشتی در طی همه گیری کووید ۱۹ ترکیب کنند.

کلمات کلیدی: کووید ۱۹، دانشجو پزشکی، نقش، ارزیابی

تحلیل عاملی تأییدی، سه گویه از بعد تلاش و دو گویه ز بعد توانایی به علت داشتن مقادیر t -value کمتر از ۱,۹۶ از پرسشنامه حذف شدند. شاخص های نیکویی برازش برای مدل ۱۳ گویه‌ای در این مطالعه عبارتند از: $(IFI) = 0,90$, $(CFI) = 0,88$, $(NNFI) = 0,86$, $(NFI) = 0,89$, $(AGFI) = 0,92$, $(GFI) = 0,91$ همسانی درونی گویه‌ها برای ابعاد تلاش و توانایی و کل پرسشنامه به ترتیب ۰,۷۷ و ۰,۶۱ و ۰,۵۴ محاسبه شد. پس از حذف ۵ گویه از پرسشنامه، نتایج توصیفی و تحلیلی به این ترتیب محاسبه شد: ۴۴,۳ درصد از دانشجویان موافق بودند که علت موفقیت و شکست های تحصیلیشان تلاش است و ۵,۶ درصد از دانشجویان با اسناد توانایی موافق بودند. رابطه ی مثبت و معنی داری بین اسناد به تلاش و معدل بالای ۱۷ ($r=0,25$, $p=0,038$) و همینطور رابطه ی منفی و معنی دار بین اسناد به تلاش و معدل زیر ۱۴ وجود داشت. ($r=0,64$, $p=0,018$) رابطه ی منفی و غیرمعدنادار بین معدل دانشجویان و اسناد به توانایی نیز وجود داشت ($r=-0,21$, $p=0,48$) گروه ضعیف و $r=0$, $p=0$, $r=0,14$, $p=0,24$ گروه قوی).

بحث و نتیجه گیری: در مجموع می توان نتیجه گرفت که پرسشنامه ی "مقیاس گرایش اسنادی خودپنداره" با ۱۳ گویه در دو حیطه ی تلاش و توانایی برای ارزیابی سبک اسناد دانشجویان دندان پزشکی تهران و ارومیه از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار است. طبق انتظار، دانشجویان با معدل بالاتر موفقیت و شکست های تحصیلی خود را بیشتر به تلاش خود نسبت داده اند و در مقابل دانشجویان با معدل پایین تر موفقیت ها و شکست های خود را به تلاش خود نسبت نداده اند. این یافته مهم در برنامه ریزی مداخلات حمایتی برای دانشجویان دارای افت تحصیلی از اهمیت بالایی برخوردار است.

ارتباط آمادگی برای یادگیری بین حرفه ای با شایستگی

در مراقبت ایمن از بیمار در دانشجویان علوم پزشکی

صفیه فغانی - بدون وابستگی دانشگاهی ، فاطمه الحانی ،

مقدمه: با توجه به اینکه در جامعه ایران چالش های عمده ای در ایمنی بیمار و نوعی ضعف در فرهنگ کار تیمی وجود دارد. از طرفی دیگر، موفقیت آموزش بین حرفه ای به عنوان راهکاری برای بهبود این شرایط، علی رغم ساختار و محتوای آن به آمادگی، نگرش و احساس نیاز و درک دانشجویان بستگی دارد؛ مطالعه حاضر با هدف تعیین، آمادگی برای یادگیری بین حرفه ای و شایستگی مراقبت از ایمنی بیمار و ارتباط این دو در دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه های علوم پزشکی ایران انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه یک پژوهش توصیفی- همبستگی از نوع مقطعی است که در سال ۱۳۹۹ انجام شد. جامعه ی این مطالعه شامل ۱۰۰ نفر از دانشجویان سال سوم و بالاتر رشته های علوم پزشکی

پرستاری، مامایی، هوشبری، اتاق عمل و پزشکی، داروسازی و علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی بابل است که به روش نمونه گیری در دسترس وارد مطالعه شدند. معیارهای ورود شامل تمامی دانشجویان علوم پزشکی که کارگاه یا واحد ایمنی مددجو را طبق کوریکولوم مصوب وزارت بهداشت و درمان گذارنده باشند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه مشخصات دموگرافیک، مقیاس آمادگی یادگیری بین رشته ای ((Readiness for Interprofessional Learning Scale (RIPLS))، پرسشنامه شایستگی مراقبت از ایمنی بیمار (Health (Professional Education in Patient Safety Survey) می باشد. مقیاس آمادگی یادگیری بین رشته ای در ایران توسط امینی و همکاران روا پایا شد. پایایی کل پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰,۹۲ محاسبه شد، ضریب همبستگی درون حیطه های هر سه حیطه پرسشنامه، بالای ۰,۷ به دست آمد. پایایی پرسشنامه ترجمه شده H-PEPSS نیز با روش الفا کرونباخ و با مشارکت ۱۰ نفر از دانشجویان $\alpha = 0,89$ تعیین شد. تحلیل داده ها با استفاده از آنالیز توصیفی با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۷ انجام شد.

یافته ها: بیشتر مشارکت کنندگان در مطالعه حاضر، رشته پرستاری (۴۰٪) و خانم (۵۴٪) بوده اند. میانگین (انحراف معیار) امتیاز کل دانشجویان مورد مطالعه برابر با $7,139 \pm 69,67$ بوده است. بنابراین دانشجویان علوم پزشکی از آمادگی نسبتاً مطلوبی برخوردار هستند. همچنین، بالاترین میانگین امتیاز آمادگی یادگیری بین حرفه ای دانشجویان علوم پزشکی به ترتیب در رشته مامایی ($8,929 \pm 73,80$)، داروسازی ($5,266 \pm 72,20$)، اتاق عمل ($7,838 \pm 69,90$) و پرستاری ($5,800 \pm 69,55$) بود. میانگین کل شایستگی در مراقبت ایمن از دانشجویان علوم پزشکی در کلاس (۱,۷۷، $0,4 \pm 3$) و در بالین (۱۵,۳ $\pm 23,671$) بود. بین آمادگی یادگیری بین حرفه ای دانشجویان علوم پزشکی با نمره کل شایستگی مراقبت ایمن از بیمار در کلاس ($r=0,173$, $P=0,81$) و در بالین ($r=0,175$, $P=0,81$) رابطه معناداری یافت نشد. اما با بخش ۲ ابزار: توجه به موضوعات ایمنی بیمار در آموزش هم در کلاس درس ($r=0,214$, $P=0,03$) و در بالین ($r=0,201$, $P=0,04$) ارتباط معنادار بود. بدین معنی که هر چه آمادگی برای یادگیری بین حرفه ای بالاتر باشد، توجه به موضوعات ایمنی بیمار در بالین افزایش می یابد.

بحث و نتیجه گیری: با استفاده از آمادگی نسبتاً بالای دانشجویان می توان به حل چالش هایی که در امر کسب شایستگی در مراقبت ایمن از بیمار از جمله برای یادگیری و تعامل با اعضای تیم های بین رشته ای، عدم اطمینان از یادگیری مدیریت تضاد بین حرفه ای، تقسیم اختیار، رهبری و تصمیم گیری در تیم به عنوان یک فرصت استفاده کرد. و یکی از راهکارهایی که می تواند تا حدی مشکلات مرتبط با کسب شایستگی مراقبت ایمن از بیمار را در بر گیرد، استفاده از رویکرد ادغام: (integrated curriculum) با استراتژی های نوین تدریس از جمله:

حل مساله، یادگیری مبتنی بر تیم، شبیه سازی و.. و با مدیریت مشارکتی مدیران گروه های آموزشی مختلف می باشد.

کلمات کلیدی: یادگیری بین حرفه ای، آمادگی برای یادگیری، شایستگی، ایمنی بیمار

مدیریت

مقدمه: امروزه یکی از الزامات محیطهای آموزشی وجود مدیریت دانش است که همواره می تواند یادگیری سازمانی را از طریق آرایه ی بازخورد برای کلیه ی افراد در سطوح مختلف و گروههای متفاوت فراهم نماید. این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر اجرای اثر بخش مدیریت دانش در یک بیمارستان آموزشی و درمانی تک تخصصی قلب و عروق انجام شد.

روش اجرا: این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی (مقطعی) بود. جامعه آماری تحقیق کلیه کارکنان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و بالاتر در بیمارستان شهید رجائی کرج بود (N=452). حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و کرجسی 215 نفر تعیین گردید و نمونه گیری به روش طبقه ای ساده با رعایت نسبت تناسب تعداد افراد جامعه آماری صورت گرفت. ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه پژوهشگر ساخته دارای 38 سوال بود. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید و متخصصان دانشگاهی و بیمارستانی مورد تأیید قرار گرفت. میزان پایایی ابزار پژوهش با ضریب آلفای کرنباخ 0.97، برآورد شد. داده های جمع آوری شده در بخش آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی مورد استفاده قرار گرفت. تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 21 و تحلیل عاملی تاییدی از طریق نرم افزار لیزرل صورت گرفت.

یافته ها: در این بیمارستان پنج عامل در اجرای اثر بخش مدیریت دانش موثر شناخته شد و در مجموع 219، 76٪ از واریانس کلی را تبیین می کرد. در بین این ابعاد بعد فناوری و فرهنگی (94، 0) دارای بیشترین وزن رگرسیونی و بعد انسانی (41، 0) دارای کمترین وزن رگرسیونی بود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به میزان تأثیر ابعاد در الگوی نهایی، می توان نتیجه گرفت که مدیران سطوح مختلف بیمارستان قلب و عروق شهید رجایی برای اجرای اثربخش مدیریت دانش لازم است فناوری و فرهنگ سازمانی را مورد توجه ویژه قرار دهد.

کلمات کلیدی: مدیریت دانش، بیمارستان قلب و عروق، تحلیل عاملی تاییدی

بررسی آموزش مجازی و هزینه اثر بخشی آن در دانشگاه علوم پزشکی از دیدگاه دانشجویان پردیس خودگردان رامسر

مهسا نازنجی - دانشگاه ع. پ. مازندران، حسین فیروزی - دانشگاه ع. پ. مازندران، فاطمه حسین زاده دوگلر - دانشگاه ع. پ. مازندران،

بررسی رضایتمندی دانشجویان از خدمات آموزشی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال 97

زرچهر وکیلی - دانشگاه ع. پ. کاشان، سید امیرحسن متینی - منصوره مومن هروی - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه: برای رسیدن به دانشگاه مطلوب و جلب رضایت دانشجویان، ارائه مطلوب خدمات به دانشجویان الزامیست هدف مطالعه حاضر بررسی رضایتمندی دانشجویان پزشکی از خدمات دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال 97 بود.

روش اجرا: در این مطالعه مقطعی رضایتمندی 353 دانشجوی پزشکی علوم پزشکی کاشان در سال 1397 بررسی شد. پرسشنامه با 47 آیتیم حاوی اطلاعات دموگرافیک و سنجش رضایت دانشجویان درحیطه سرپرستی دانشکده، خدمات اداره آموزش، کتابخانه، مرکز کامپیوتر، امکانات رفاهی دانشکده، گروههای آموزشی بین دانشجویان توزیع شد با طیف لیکرت 5 درجه ای (کاملاً راضی تا کاملاً ناراضی) نظرات دانشجویان بررسی شد اطلاعات پرسشنامه ها وارد نرم افزار SPSS شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین رضایت کلی دانشجویان از سرپرستی دانشکده پزشکی 46، 2، خدمات اداره آموزش 42، 2، کتابخانه 79، 2 مرکز کامپیوتر 40، 2، امکانات رفاهی 54، 2 بود 49، 3٪ دانشجویان رضایت متوسط و 17، 6٪ رضایت بالا از وضعیت دانشکده داشتند. بیشترین میزان رضایت از گروه بیوشیمی (94، 2) و کمترین رضایت از گروه تشریح (60، 2) بود. بین سن، جنس و سال ورود با رضایت کلی و متغیرهای مورد بررسی ارتباط آماری معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج گویای رضایت متوسط و نسبتاً مطلوب دانشجویان از خدمات مختلف دانشکده پزشکی کاشان بود. جهت افزایش رضایت دانشجویان باید نقاط ضعف برطرف و نقاط قوت تقویت گردند.

کلمات کلیدی: رضایتمندی، دانشجو، خدمات دانشگاهی، دانشگاه علوم پزشکی

شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر اجرای اثر بخش مدیریت دانش در بیمارستان آموزشی و درمانی

نپتون مهربان - لیلیا کیکاوسی آرانی - دانشگاه ع. پ. البرز،

مقدمه: با شروع عصر فن آوری اطلاعات، سیستم های آموزشی یکی از نخستین حوزه هایی بودند که دچار تغییر و تحول شدن و نیاز به تجدیدنظر در روش های سنتی تدریس و استفاده از روش های نوین و فعال یادگیری، از سوی برنامه ریزان سیستم های آموزشی احساس شده است. از معایب سیستم آموزش سنتی می توان استاد محور بودن، هزینه بالا، حضور گرا بودن، پایین بودن کیفیت آموزشی و محدودیت مکان و زمان اشاره کرد. هدف این تحقیق بررسی آموزش مجازی و هزینه اثر بخشی آن در دانشگاه علوم پزشکی از دیدگاه دانشجویان بوده است. متن و مبانی نظری: آموزش مجازی به نظام آموزشی فعال و هوشمند اطلاق می شود که در آن آموزش دهنده و آموزش گیرنده از طریق ابزارهای الکترونیکی باهم در ارتباط می باشند و شرایطی فراهم می شود که این دو بتوانند اطلاعات خود را از این طریق به هم به انتقال دهند. از جمله ابزارهای مورد استفاده در آموزش مجازی می توان به اینترنت، ابزارهای صوتی تصویری، سیستم های چندرسانه ای، دیسک و لوح های فشرده، نوارهای ویدئویی، انیمیشن، کنفرانس های ویدئویی و تلفن های تعاملی اشاره کرد. تولیدکنندگان مواد آموزشی، فراهم کنندگان خدمات آموزشی، تولیدکنندگان نرم افزارهای آموزشی و واسطه های ارتباطی از جمله پایه های اصلی در آموزش مجازی قلمداد می شوند. فراگیری بیشتر نسبت به آموزش سنتی، جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه، وجود فرصت کافی برای مطالعه، تسهیل و تسریع در فرایند آموزشی، امکان انتخاب استاد مورد علاقه از بین چندین استاد، مرور مجدد برنامه های آموزشی و دانشجو محور بودن از مزایای آموزش الکترونیک می باشد. اما از معایب آموزش مجازی می توان به کنترل کم بر آموزش، غیرقابل انعطاف بودن و عدم چهره به چهره بودن در این روش اشاره کرد به طوری که بعضی از مطالعات تأثیر منفی در اثربخشی و راضی نگه داشتن فراگیران را نشان داده است. با توجه به معایب آموزش سنتی و در نظر گرفتن نقایص آموزش مجازی به ویژه در زمینه های بالینی و آزمایشگاهی آموزشی یادگیری ترکیبی مطرح شده است. به ترکیب آموزش به روش حضوری و غیرحضوری با استفاده از ابزارهای الکترونیکی به عنوان وسایل کمک آموزشی آموزش ترکیبی نامیده می شود و در واقع آموزش ترکیبی، ترکیب روش های مختلف آموزش و به کارگیری آنها در روند یادگیری است. از مزایای این سیستم آموزشی می توان بالا بودن کیفیت آموزشی، دانشجو و استاد محور بودن، کیفیت گرا بودن، بهره گیری همزمان از انسان و امکانات الکترونیک، قابلیت انعطاف پذیر بودن، تأکید بر خودآموزی کنترل شده و استفاده از زمان و مکان متناسب با شرایط اشاره نمود.

روش اجرا: از نظر هدف، این تحقیق از نوع کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده های مورد نیاز، از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی می باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۱ استاد و ۵۴۷ دانشجوی دوره مجازی دانشگاه تهران بوده است. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعیین گردید. بر این اساس حجم نمونه متناسب با حجم جامعه و شامل ۷ استاد و ۲۲۶ دانشجو بود. هرگاه تعداد افراد

جامعه مورد مطالعه چندان زیاد نباشد، نمونه گیری ضرورتی نداشته و می توان داده های تحقیق را از طریق سرشماری (شمارش کامل افراد) به دست آورد. بنابراین در این تحقیق تمام دانشجویان دوره مجازی به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند و روش نمونه گیری طبقه ای نسبی بود. گردآوری اطلاعات از طریق دو روش کتابخان های و پرسش نامه محقق ساخته انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون های تی تک نمونه ای و تی گروه های مستقل) و با استفاده از نرم افزار اس پی اس صورت گرفت.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که از نظر استادان اثربخشی دوره آموزش مجازی مطلوب بوده و دانشجویان اثربخشی این دوره را در حد متوسط برآورد نموده اند. همچنین مقایسه بین نظرات استادان و دانشجویان نشان داد که استادان در مورد اثربخشی دوره آموزش مجازی، نظرات مثبت تری نسبت به دانشجویان دارند. نتایج و نتیجه گیری: در آموزش مباحث مربوط به دروس علوم پزشکی در سایر کشورها، گرایش رو به رشدی در جایگزینی تدریس سنتی با دروس الکترونیکی و به ویژه آموزش ترکیبی صورت گرفته تا نیازهای دانشجویان را در ارتباط با سهولت دسترسی به اطلاعات و سایر قابلیت های فناوری برآورده نماید. آموزش مجازی روش و رویکردی جدید در آموزش محسوب می شود. با توجه به فراگیر شدن ابزار الکترونیک در دنیا همچنین با توجه به محدودیت های موجود در آموزش سنتی و مزایای آموزش الکترونیک یا ترکیبی به نظر می رسد استفاده از فن آوری های جدید در سیستم های آموزشی اجتناب ناپذیر باشد. با توجه به جدید بودن این مفهوم نیاز به

اجرای طرح تحول آموزش با تلفیق دو مدل تغییر

سازمانی کوثر و مدل تغییر فردی اداکار

جاوید دهقان - ، لیلیا صفابخش - دانشگاه ع. پ. زاهدان،

مقدمه: تغییر و نوآوری در آموزش عالی از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا آموزش نقش مهمی در ایجاد آینده ای پایدار دارد. هدف این مطالعه استفاده از دو مدل تغییر سازمانی و فردی برای تحول در آموزش می باشد.

روش اجرا: این مطالعه از نوع دانش پژوهی آموزشی است. در این مطالعه یک برنامه عملیاتی در سه مرحله برای اجرای بسته های تحول در مدیریت و آموزش اعضای هیئت علمی طراحی شده است. اولین گام برنامه عملیاتی تدوین شده، گفتمان تحول مبتنی بر مدل تغییر سازمانی کوثر بود. در مرحله گفتمان تحول و ۸ مرحله تغییر کوثر، ضرورت و برنامه های تغییر در سیستم آموزشی برای معاونین، روسا و مدیران دانشگاه اجرا شد. مرحله دوم اجرای برنامه عملیاتی براساس مدل تغییر فردی اداکار بود. در این مرحله، برنامه های توانمندسازی و مشاوره برای مدیران دفاتر توسعه و اعضای هیئت علمی اجرا شد. مرحله

سوم، پایش و نظارت بر برنامه اجرا شده با تأکید بر بهبود عملکرد زمینه تغییر در نظارت بر آموزش و پیگیری برنامه عملیاتی انجام شد.

یافته ها: افزایش تعداد محتوای الکترونیکی تولید شده، افزایش تعداد ثبت اختراع، بازنگری برنامه های درسی و ارتقاء استانداردهای سوالات آزمون از مهمترین نتایج این برنامه بود.

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان داد که آشنایی گام به گام با تغییر و برنامه های توانمندسازی مناسب با نیاز اعضای هیئت علمی علاوه بر آشنایی با برنامه های تغییر در سیستم آموزشی، مقاومت در برابر تغییر را کاهش می دهد.

واژگان کلیدی: تحول آموزش، مدل تغییر سازمانی کوچکتر، مدل ادکار

تبیین چالش های مجریان طرح تحول و نوآوری در آموزش پزشکی در دانشگاه های کلان منطقه ۵

محمدحسن کشاورزی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، جواد کجوری - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، علیرضا صفرپور.

مقدمه: طرح تحول در نظام سلامت به ویژه در حوزه آموزش بی شک باعث تغییراتی در محیط دانشگاهی ایجاد گردیده است. سند "تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی" در قالب ۱۲ بسته به دانشگاه علوم پزشکی کشور ابلاغ شد. این بسته ها با نگاه به سیاست های کلی سلامت و سند چشم انداز ۱۴۰۴ و با نگاه آینده نگارانه طراحی گردید. اجرای این طرح های در سطح کشور دارای منافع و مزایایی می باشد اما ادامه اجرای این طرح مستلزم شناخت چالشهای پیش روی متولیان اجرای آن می باشد. هدف از این مطالعه، تبیین چالش های مجریان طرح تحول و نوآوری در آموزش پزشکی در دانشگاه های کلان منطقه ۵ می باشد.

روش اجرا: مطالعه حاضر یک تحقیق کیفی است و از روش تحلیل محتوا می باشد. جهت گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته از مدیران و صاحب نظران عرصه سلامت و آموزش استفاده گردیده است. شرکت کنندگان مدیران اجرایی و رهبران آموزشی دانشگاه های کلان مناطق ۵ شامل شیراز، جهرم، گراش، لار، فسا، بندرعباس، بوشهر و یاسوج بودند که به تعداد ۱۱ نفر و به روش هدفمند انتخاب شدند. جمع آوری اطلاعات تا اشباع داده ادامه داشت. تجزیه و تحلیل داده ها به طور مستمر و همزمان با جمع آوری داده ها انجام گردید. جهت آنالیز داده ها از روش گرانهم و لاندمن بهره گرفته شد. برای ارزیابی دقت داده ها (rigor)، از معیارهای گوبا و لینکن استفاده شد.

یافته ها: از مجموعه ۱۱ مصاحبه انجام شده تعداد یک طبقه اصلی پنج طبقه فرعی و دوازده زیر طبقه بدست آمد. طبقات فرعی شامل عدم

بستر سازی مناسب، ضعف رهبری، مشکلات ساختاری، ناتوانی در تامین منابع مالی، نظارت ناکافی می باشند. زیر طبقات شامل فقدان روحیه همکاری، نگاه نازل به طرح تحول، بی اعتمادی در بین دانشگاه ها، فقدان مشوق های مناسب، بی ثباتی مدیریتی، عدم همخوانی بعضی بسته ها با تیپ دانشگاه، فقدان نقشه راه روشن، کمبود کارشناس توانمند، بودجه تخصیص یافته ناکافی مشکلات قانونی در پرداخت، بی توجهی به تعهدات و ناکارآمدی بعضی بسته ها بدست آمد.

بحث و نتیجه گیری: نوآوری و تحول در نظام آموزشی از کارهای ضروری و اقدامات قابل تحسین وزارت بهداشت در امر آموزش می باشد اما بازنگری در این طرح می تواند علاوه بر شناسایی کاستی ها و مشکلات زمینه ساز موفقیت و پیشرفت در برنامه های آتی باشد. با توجه به اینکه هر طرح و برنامه هرچند برنامه ریزی شده علی رغم داشتن مزایا و دستاوردها با چالش ها و مشکلاتی روبرو خواهد شد که می توان با بازنگری و برنامه ریزی در برنامه ها، در مسیر تعالی گام نهاد.

کلمات کلیدی: تحول و نوآوری در آموزش، چالش ها، آموزش پزشکی، طرح تحول

آموزش پزشکی مبتنی بر توانمندی : اجرا و فرهنگ سازی

اکرم گازرانی - دانشگاه ع. پ. مشهد، فرین تاتاری - دانشکده ع. پ. نیشابور،

مقدمه: امروزه در حوزه آموزش علوم پزشکی واژه آموزش مبتنی بر توانمندی (CBE)، یک واژه مشهور و پرکاربرد است. بسیاری از صاحب نظران حوزه آموزش علوم پزشکی معتقدند آموزش مبتنی بر توانمندی، مبنا و فلسفه آموزش پزشکی محسوب می شود. علیرغم روشن شدن افق های دانش در مورد CBME و مزایای این مدل آموزشی نسبت به آموزش سنتی، این الگو هنوز جایگاه واقعی خود را کسب ننموده و در دانشگاه های علوم پزشکی نهادینه نشده است چرا که مباحثی مانند نحوه بستر سازی فرهنگی و پیاده سازی CBME هنوز چندان مشخص نشده اند.

روش اجرا: این مطالعه مروری تحلیلی بوده و با استفاده از متدولوژی مرور نقادانه انجام گردید. از ۷۷ مقاله بدست آمده ۳۵ مقاله بررسی گردید.

یافته ها: الزامات مهم برای اجرا و فرهنگ سازی CBME شامل حفظ تداوم آموزشی، تغییر رویکرد در استفاده از زمان در آموزش پزشکی، تعهد اعضای هیئت علمی و سایر ذینفعان به تغییر رویکرد از آموزش سنتی به CBME، تعهد مسئولین دانشگاهها به توانمندسازی اعضای هیئت علمی، برنامه ریزی منابع انسانی نظام سلامت بر اساس CBME، ایجاد تغییر در نظام سلامت بر اساس CBME، بکارگیری فناوری

اطلاعات در CMBE، تغییر از فرهنگ موفقیت به یادگیری مادام العمر و رهبری موثر تغییر جهت نهادینه سازی CMBE می باشد.

بحث و نتیجه گیری: برآورده نمودن الزامات CBME نیازمند تغییرات قابل توجهی در ارائه آموزش علوم پزشکی می باشد. تغییرات کلیدی در ساختار و فرایند ارائه آموزش پزشکی براساس این الزامات اجرایی و فرهنگی با گذشت زمان موفق به اجرای CBME در دانشگاههای علوم پزشکی خواهد شد.

بررسی کیفیت فرایند آموزشی، از منظر دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی همدان: یک مطالعه مقطعی

نسرین شیرمحمدی خرم -، پروین چراغی -، امین دوستی ایرانی -،
معصومه رستمی مز -، زهرا چراغی - دانشگاه ع. پ. همدان،

مقدمه: کیفیت آموزش یک جزء ضروری و اساسی سیستم آموزشی است و ارزیابی کیفیت آموزش از دیدگاه دانشجویان به عنوان مهمترین افرادی که در سیستم آموزشی خدمات دریافت می کنند، ضروری است. این مطالعه با هدف تعیین کیفیت آموزش و فاکتورهای مرتبط با آن از دیدگاه دانشجویان دانشکده بهداشت انجام شده است.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی-تحلیلی مقطعی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ انجام شد. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه بندی، ۳۰۰ دانشجوی در حال تحصیل در دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی همدان انتخاب و وارد مطالعه شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه ارزیابی کیفیت آموزش از دیدگاه دانشجویان انجام شد. مقیاس تمامی ابعاد پرسشنامه به ۱۰۰-۰ تبدیل شد. با استفاده از میانگین به توصیف کیفیت آموزشی نمونه مورد مطالعه پرداخته شد. جهت بررسی ارتباط بین فاکتورها با ابعاد کیفیت آموزش از رگرسیون خطی استفاده شد. تمامی آزمون های آماری در سطح معنی داری آماری ۵٪ و با استفاده از نرم افزار Stata ۱۴ انجام شد.

یافته ها: در این مطالعه ۳۰۰ دانشجو وارد و دیدگاه آن ها مورد بررسی قرار گرفت. بیشتر دانشجویان مورد پژوهش (۶۳٪) در مقطع کارشناسی بودند. سابقه تدریس بیشتر اساتید ارزیابی شونده (۵۳٪) بین یک تا ۱۰ سال بود. بیشترین امتیاز در بین ابعاد کیفیت آموزش برای ابعاد علاقمندی استاد (۱۹، ۱۵±۲۶، ۷۴)، ارزیابی کلی (۹۴، ۲۶±۲۶، ۷۳) و تعامل گروهی (۹۸، ۲۵±۲۵، ۷۲) به دست آمد. افزایش سابقه تدریس ارتباط مستقیم با ابعاد علاقمندی استاد (۰، ۰۰۳، $p=$)، تعامل گروهی (۰، ۰۲۳، $p=$) و امتحانات (۰، ۰۰۲، $p=$) داشت. بعلاوه میزان رضایت از تدریس استاد به طور معنی داری امتیاز ابعاد ارزیابی کلی (۰، ۰۲۳، $p=$)

یادگیری (۰، ۰۰۱، $p<$) و علاقمندی استاد (۰، ۰۰۱، $p<$) را افزایش می دهد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که دانشجویانی که به درس مورد نظر علاقه زیاد داشتند در همه ابعاد امتیاز بیشتری را به کیفیت آموزش استاد مربوطه دادند نسبت به دانشجویانی که علاقه متوسط و کمی به درس مورد نظر داشتند. رضایتمندی از تدریس استاد به طور معنی داری با همه ابعاد کیفیت آموزش از قبیل تکالیف، امتحانات، جامعیت مطالب، تعامل گروهی، ارزیابی کلی و یادگیری ارتباط معنی دار آماری داشت. نتایج این مطالعه می تواند برای اساتید پزشکی و رؤسای دانشکده ها و دانشگاه ها در جهت افزایش کیفیت آموزش مورد بهره برداری قرار گیرد.

کلمات کلیدی: آموزش، دانشجو، SEQ، همدان، ایران، مطالعات مقطعی

تحلیل وضعیت شغلی دانش آموختگان رشته پزشکی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ دانشگاه علوم پزشکی کاشان

زریچهر وکیلی - دانشگاه ع. پ. کاشان، حمیدرضا گیلانی، مریم مینایی، منصوره مومن هروی - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه: هزینه سنگین آموزش پزشکی، مدت طولانی تحصیل در این رشته و دشوار بودن دروس همه مبین این واقعیت است که در صورت عدم به کارگیری دانش آموختگان این رشته در فعالیتهای حرفه ای، مقادیر هنگفتی از سرمایه ملی بی حاصل خواهد ماند. بنابراین هدف از این مطالعه تحلیل وضعیت شغلی دانش آموختگان رشته پزشکی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ دانشگاه علوم پزشکی کاشان بود

روش اجرا: این مطالعه توصیفی بر روی ۵۵۵ دانش آموخته رشته پزشکی انجام گرفت پس از دسترسی به اطلاعات دموگرافیک و تکمیل پرسشنامه ها طی تماس تلفنی وضعیت شغلی آنها نیز بررسی شد. اطلاعات وارد نرم افزار SPSS شد و از آزمونهای کای اسکویئر و ANOVA جهت مقایسه داده ها استفاده شد.

یافته ها: از ۵۵۵ دانش آموخته پزشکی با میانگین سن 30.1 ± 3.2 ، ۳۲ سال (۲۷-۴۲ سال)، ۱۸۴ نفر (۲، ۳۳٪) مرد و ۳۷۱ نفر (۸، ۶۶٪) زن بودند. میانگین معدل کل برابر با ۰، ۰۶، ۱۶ بود. ۵۰٪ دستیار و ۱، ۱٪ فوق تخصص، ۲، ۷٪ هیات علمی و ۴، ۱۰٪ استخدام و ۴، ۱٪ مهاجرت کرده بودند. ۶٪ پزشکان پس از فارغ التحصیلی بیکار بودند و یا در شغلهایی غیر از پزشکی کار میکردند و ۴، ۱٪ افراد مهاجرت کرده بودند. افزایش سن و معدل با افزایش احتمال ادامه تحصیل افراد در مقاطع بالاتر ارتباط معنادر آماری داشت.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به صرف هزینه بالایی که صرف آموزش رشته پزشکی میشود میزان ده درصد مهاجرت و اشتغال به کارهای غیرپزشکی در دانش آموختگان ما بعنوان زنگ خطر نیاز به بررسی علت وجستجوی راهکار برای پیشگیری از این دو معضل دارد.

کلمات کلیدی: وضعیت شغلی، دانش آموختگان، رشته پزشکی

ارزیابی عملکرد دوره های آموزش مدیریت جامع مصدومین ترومایی در پزشکان عمومی نظامی کشور

محمد جواد بهزادنی - دانشگاه ع. پ. بقیه / ...

مقدمه: تروما همچنان در صدر علل منجر به فوت و از کار افتادگی در جهان و نیز کشور ماست. در عین حال همچنان آموزش مباحث تروما در دوره پزشکی عمومی از اهمیت و جایگاه خاص خود برخوردار نمی باشد. آمادگی پزشکان در مواجهه با انواع تروما جز با آموزش های مداوم و میدانی و به روز بودن اطلاعات میسر نخواهد بود. در راستای مأموریت های قطب علمی آموزشی ترومای کشور و با همکاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) در طی چهار سال (۱۳۹۴-۹۸)، ۹ دوره آموزش مدیریت جامع مصدومین ترومایی برای پزشکان عمومی نظامی زیرمجموعه دانشگاه در کل کشور برگزار گردید.

روش اجرا: این دوره ها بر اساس نیازسنجی های به عمل آمده کشوری طراحی و به صورت کارگاهی یک هفته ای و فشرده شامل ۴۴ ساعت آموزشی (۲۳ ساعت تئوری و ۲۱ ساعت عملی) و حضور در Skill lab اتاق عمل و اورژانس طراحی گردید. این دوره در قالب ۲۵ عنوان (۱۶ عنوان تئوری و ۹ عنوان عملی) تدوین شد. از فراگیران قبل از ورود به دوره یک پیش آزمون گرفته می شد و سپس در دوره فشرده یک هفته ای مبنای کاربردی برخورد با ترومای پیشرفته (ATLS) توسط ۱۷ نفر از اعضا هیات علمی دانشگاه (طب اورژانس، جراحی عمومی، جراح توراکیس، عروق، جراح اعصاب، رادیولوژیست و اورتوپد) تدریس گردید. در پایان دوره از دروس تدریس شده آزمون مهارتی به عمل می آمد.

نتایج: برگزاری دوره ها چه از نظر تئوری و چه از نظر ارزیابی بازخوردهایی که فراگیران در برخورد با موارد ترومایی به صورت عملی داشته اند نشانگر تاثیر فاحش آموزش های داده شده بر عملکرد پزشکان می باشد؛ موضوعی که در بازآموزی های سالانه پزشکان کمتر بدان پرداخته می شود. نتایج ارزیابی ها نشان از افزایش بیش از ۳۰ درصدی میزان آموخته های پزشکان در حوزه های تروما پس از این دوره ها داشته است. از طرف دیگر، این دوره ها، زمینه ی آموزش سایر کارکنان درمانی از جمله پرستاران و بهیاران در هر مرکز درمانی را نیز فراهم ساخت. رضایتمندی بیش از ۹۷ درصدی فراگیران از آموزشها و تقاضای گسترش آموزشها در سطح شهرستانها از دیگر دستاوردهای این دوره ها

بود. بدین ترتیب، این حرکت سبب فعال شدن کانون های آموزش تروما در سایر نقاط کشور در زیرمجموعه های آموزش دیده گردیده است.

بحث و نتیجه گیری: نتایج ارزیابی ۹ دوره آموزشی در طی چهار سال از یکسو نشان از عدم توجه کافی به مقوله آموزش مهارت های برخورد با تروما در دوره پزشکی عمومی کشورمان دارد، موضوعی که لازم است با توجه به حادثه خیر بودن کشورمان چه از بعد حوادث طبیعی و چه انسانی به جد بدان پرداخته شود. از سوی دیگر، تجربه حاصل نشانگر لزوم مداخلات آموزشی خاص بر اساس مأموریت هر دانشگاه در حوزه های فعالیتی دارد چه این که حاصل و برآیند این اقدامات در مجموع سبب ارتقای کیفی و کمی نوع خدمات ارائه شده مبتنی بر آموزش های تخصصی و روزآمد در جامعه خواهد بود. بر اساس این تجارب، قطب علمی آموزشی تروما، در حال برنامه ریزی های گسترده تر آموزش مجازی و از طریق وب- بر اساس شرایط کنونی پاندمی کرونا- برای انواع گروه های زیر مجموعه پزشکی و پرستاری در سطح کشور می باشد.

کلمات کلیدی: آموزش، مصدومین ترومایی، پزشک عمومی.

ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی کار آفرین

یحیی محمدی - ، علی رئیسون - ، محمدرضا رئیسون - دانشگاه ع. پ. بیرجند ،

مقدمه: دانشگاه ها برای استمرار فعالیت، نیاز به توسعه و تقویت ساختار سازمانی خود دارند (۱) ساختار سازمان، چهارچوبی است که به وسیله آن فعالیت های سازمان، تقسیم، سازماندهی و هماهنگ می شود. سازمان ها ساختارهایی را به وجود می آورند تا فعالیت های عوامل اجرای کار را هماهنگ کرده و فعالیت های اعضا را کنترل کنند (۲) ساختار سازمان تحت تاثیر ابعاد ساختاری قرار دارد. ابعاد ساختاری بیانگر ویژگی های درونی سازمان می باشد و شدت و ضعف هر کدام از ابعاد در شکل گیری کلی ساختار سازمانی موثر است (۳). بررسی ادبیات ساختار سازمانی در آموزش عالی بیانگر این مطلب است که چارچوب فعلی نمی تواند پاسخگوی نیازهای آموزش عالی در آینده باشد آنچه که دانشگاه های نسل سوم به آن نیاز دارد، ایجاد ساختاری است که در آن عواملی مانند خلاقیت، نوآوری، اقتصاد مبتنی بر دانش، کارآفرینی، اعتماد و حس هویت جمعی مورد توجه باشد و در راستای این امر، نیازمند سیستم هایی هستیم که از ارتباطات عمودی و ساختار سلسله مراتبی فاصله گیرند (۴). به طوری که اهمیت این موضوع از نظر وزارت بهداشت تا به حدی است که در مهرماه سال ۱۳۹۴ به عنوان دومین بسته زمینه ای "با محوریت بازبینی و بازنگری ساختار و عملکرد دانشگاه های علوم پزشکی در گذار به دانشگاه نسل سوم" در مجموع دوازده بسته ی ، طرح تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی مورد توجه قرار

گرفت. هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت موجود ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی کارآفرین در ایران بود.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی می باشد جامعه آماری شامل کلیه مدیران و متخصصان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه ۹ آمایشی کشور به تعداد ۶۱۴ بود. که با استفاده از فرمول کوکران، ۲۵۶ نفر به روش تصادفی طبقه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته ۵۲ گویه ای بر حسب طیف پنج درجه ای لیکرت استفاده شد. روایی پرسشنامه به صورت محتوایی به تایید اساتید متخصص رسید و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۹۵، بدست آمد. تحلیل داده ها در سطح توصیفی و استنباطی با نرم افزار آماری SPSS۱۴ انجام گرفت.

یافته ها: از مجموع ۲۵۶ پرسشنامه تکمیل شده، ۲۲۰ نفر از شرکت کنندگان مرد (۹، ۸۵٪) و ۳۶ نفر زن (۱، ۱۴٪) بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان در این مطالعه 32.7 ± 4.5 بود معنی داری T انحراف معیار میانگین ابعاد ساختار سازمانی $635.60.650.0001$ روابط غیر رسمی 2.43 روابط مبتنی بر اعتماد 0.0001 2.52 $494.78.760.0001$ روابط مبتنی بر تعامل 0.0001 2.72 $545.75.03$ روابط مبتنی بر عاطفی 0.0001 $647.68.780.0001$ رسمیت 2.82 $80.770.0001$ پیچیدگی 2.99 $527.80.770.0001$ 2.83 $492.83.82$ تمرکز 0.0001 2.90 $502.86.670.0001$ حرفه گرایی آزمون نتایج نشان داد که میانگین همه ابعاد ساختاری دانشگاه های علوم پزشکی شامل روابط غیر رسمی (۳، 43 ± 0)، روابط مبتنی بر اعتماد (۱، 57 ± 0)، روابط مبتنی بر تعامل (۲، 52 ± 0)، روابط مبتنی بر عاطفی (۴، 72 ± 0)، رسمیت (۲، 82 ± 0)، پیچیدگی (۲، 99 ± 0)، تمرکز (۲، 83 ± 0) و حرفه ای گرایی (۵، 90 ± 0) در وضعیت موجود کمتر از حد متوسط (۳) بود که این رابطه ها از نظر آماری، معنی دار بود ($p = 0.0001$).

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج این مطالعه، ابعاد ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی متناسب با ساختار دانشگاه های کارآفرین نمی باشد چرا که ساختار مطلوب دانشگاه های علوم پزشکی کارآفرین، ساختاری است که در آن میانگین نمره ابعاد روابط غیر رسمی، روابط مبتنی بر اعتماد، روابط تعاملی برون گرا و روابط عاطفی فراگیر، بالا و میانگین نمره ابعاد رسمیت، تمرکزگرایی، حرفه ای گرایی و پیچیدگی نزدیک به متوسط باشد. لذا مسئولان دانشگاه های کلان منطقه ۹ آمایشی برای گذار به دانشگاه علوم پزشکی کارآفرین باید متناسب با نتایج این پژوهش نسبت به اصلاح ساختار سازمانی موجود دانشگاه های علوم پزشکی اقدام نمایند.

کلمات کلیدی: ساختار سازمانی، دانشگاه علوم پزشکی، کارآفرین

بررسی مولفه های ساختار سازمانی روابط مبتنی بر اعتماد در دانشگاه های علوم پزشکی با رویکرد کارآفرینی

یحیی محمدی - ، فرشید عابدی - ، علی رئیسون - ، محمدرضا رئیسون - دانشگاه ع. پ. بیرجند ،

مقدمه: اعتمادسازی موجب اثربخشی و حذف موانع موجود در ساختارهای سازمانی می شود. وجود اعتماد، همکاری، هماهنگی و انسجام در بین کارکنان موجب شکل گیری ایده های جدیدی می شود که برای کل سازمان مفید خواهند بود (۱). ساختارهای دانش محور به دلیل نیاز شدیدی که به تسهیم دانش و نوآوری دارند باید به جای کنترل محوری بر اعتماد محوری مبتنی باشند. برای تسهیم دانش لازم است سطح بالایی از اعتماد و خوش بینی در بین اعضاء هیات علمی و مدیران وجود داشته باشد. افراد توانمند دانش را به آسانی در بین دیگران توزیع می کنند. روابط مبتنی بر اعتماد موجب شفافیت سیاسی، ارتباطات مؤثر و تقویت مهارت های همکاری در بین افراد می شود (۲) گذار کلی ساختار سازمانی دانشگاه ها نشان دهنده روندی است که در یک محیط پویا، ساختار سازمانی باید عاطفی تر از عقلانیت جامع، تعاملی تر، منعطف تر و اعتماد محورتر باشد (۳). به طوری که اهمیت این موضوع از نظر متخصصین کارآفرینی تا به حدی است که تحقق دانشگاه کارآفرین بدون اعتمادسازی بین تحقق اهداف دانشگاه و خواست اعضاء هیات علمی و دانشجویان محقق نخواهد شد (۴). هدف پژوهش حاضر بررسی مولفه های ساختار سازمانی روابط مبتنی بر اعتماد در دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه ۹ آمایشی بود.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی می باشد جامعه آماری شامل کلیه مدیران و متخصصان مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه ۹ آمایشی کشور به تعداد ۶۱۴ بود. که با استفاده از فرمول کوکران، ۲۵۶ نفر به روش تصادفی طبقه ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته ۵۰ گویه ای بر حسب طیف پنج درجه ای لیکرت استفاده شد. روایی پرسشنامه به صورت محتوایی به تایید اساتید متخصص رسید و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۹۵، بدست آمد. تحلیل داده ها در سطح توصیفی و استنباطی با نرم افزار آماری SPSS۱۴ انجام گرفت.

یافته ها: از مجموع ۲۵۶ پرسشنامه تکمیل شده، ۲۲۰ نفر از شرکت کنندگان مرد (۹، ۸۵٪) و ۳۶ نفر زن (۱، ۱۴٪) بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان در این مطالعه 32.7 ± 4.5 بود معنی داری T انحراف معیار میانگین ابعاد ساختار سازمانی روابط مبتنی بر اعتماد $613.320.0001$ اعتماد سازی سازمانی 2.41 $625.52.140.0001$ 2.52 $521.521.0001$ مشارکت سازمانی 2.65 $786.64.650.0001$ هماهنگی سازمانی 2.43 $852.62.380.0001$ اعتماد محوری آزمون نتایج نشان

داد که میانگین همه ابعاد ساختاری دانشگاه های علوم پزشکی روابط مبتنی بر اعتماد شامل (اعتماد سازی سازمانی، مشارکت سازمانی، هماهنگی سازمانی، اعتماد محوری) در وضعیت موجود کمتر از حد متوسط (۳) بود که این رابطه ها از نظر آماری، معنی دار بود (p= ۰،۰۰۱).

بحث و نتیجه گیری: میزان روابط مبتنی بر اعتماد در ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه ۹ آمایشی کشور کمتر از حد متوسط بود. این یافته نشان می دهد که مدیران نتوانسته اند فرهنگ اعتماد را در دانشگاه ایجاد نمایند. عواملی مانند توجه به منافع کارکنان، رعایت انصاف و عدالت از راهبردهای عنوان شده به منظور ارتقاء سطح اعتماد در دانشگاه است. رهبر باید به نیازها و منافع کارکنان حساسیت نشان دهد، در جلسات، منافع آن ها را حفظ کند و نسبت به آن ها خیرخواه باشد. در واقع، اعتماد متقابل یکی از الزامات سازمان های ارگانیک و مشارکت محور چون دانشگاه می باشد. وقتی که سطح اعتماد در روابط میان اعضاء سازمان بالا باشد، افراد تمایل بیشتری به تبادل دانش دارند. در سطوح بالای اعتماد در بین اعضای سازمان، تأثیری مثبت بر نوآوری از راه تبادل اطلاعات وجود دارد. بر همین اساس، اعتماد زمانی در دانشگاه توسعه می یابد که کانال های اطلاعاتی باز باشد لذا ضرورت دارد که متولیان دانشگاه های علوم پزشکی ساختار سازمانی را طراحی نمایند که بستری عدالت، انصاف و اعتماد محوری را در نزد اعضای هیات علمی و کارکنان افزایش دهد تا موجبات افزایش اعتماد، همکاری، هماهنگی و انسجام میان اعضاء موجب شکل گیری ایده های جدید، نوآوری و خلق فرصت های نو گردد. واژگان کلیدی: ساختار سازمانی، روابط مبتنی بر اعتماد، دانشگاه علوم پزشکی

ماموریت گرایی و تمایز رسالت آکادمیک در دانشگاه های علوم پزشکی از دیدگاه دانشجویان پردیس خودگردان رامسر

فاطمه حسین زاده دوگلسر - دانشگاه ع. پ. مازندران، حسین فیروزی - دانشگاه ع. پ. مازندران، مهسا نارنجی - دانشگاه ع. پ. مازندران،

مقدمه: دانشگاه خاستگاه آموزش و پژوهش و پیشران تحول علم برای کمک به تغییر جهان است، نه اینکه صرفاً برخی محفوظات و معلومات را انتقال دهد. دانشگاه های واجد یک مأموریت مشترک نباید مجری برنامه ای یکسان و یکنواخت باشند. در این خصوص، شایسته است برنامه ریزی هر یک از دانشگاه ها متناسب با توانایی های خود و نیازهای جامعه تنظیم شود. همچنین، لازم است برنامه ریزی بعضی از دانشگاه های معتبر کشور به نحوی تدوین شود تا بتوانند به گردونه رقابت با دانشگاه های تراز اول جهان وارد شوند، تا هم در تربیت دانشجویان خلاق داخلی و هم در جذب دانشجویان شایسته خارجی موفق باشند. هدف این تحقیق مأموریت گرایی و تمایز رسالت آکادمیک

در دانشگاه های علوم پزشکی از دیدگاه دانشجویان بوده است. متن و مبانی نظری: علوم در تناسب و هماهنگی با هم رشد می کنند. به عنوان مثال، علوم مهندسی و علوم پزشکی در صورتی می توانند پیشران توسعه کشور باشند که جایگاه و کارکردشان در نسبت با علوم دیگر رعایت شود، به همین دلیل لازم است در ساختار رشته های تحصیلی تجدید نظر شود. ظاهراً رویکرد اصلی دانشگاه های کشور تمرکز بیشتر بر انتقال مفاهیم است، نه پرورش ذهن خلاق؛ اما دانشگاه نباید دانشجوی را برای هدف محدودی تربیت کند، بلکه باید فردی توانا پرورش دهد که برای مواجهه و برخورد با مسائل جدید و تحولات سریع جامعه و جهان دانش مهارت کافی داشته باشد. اگرچه استفاده از علم برای توسعه فناوری، تربیت و پرورش کارآفرین و حل مشکل اشتغال بسیار مهم است، ولی نباید فقط به حل این گونه مسائل فکر کرد. دروس پایه نباید فراموش شوند؛ ریاضیات و علوم پایه زیربنای هستند و در متفکرتر کردن افراد و رشد علوم بسیار مؤثرند. دانشجویان باید به فراگیری دروس عمومی در زمینه های اخلاق، اقتصاد، جامعه شناسی، روان شناسی، مدیریت و آشنایی با هنر و همچنین در کنار دروس پایه، اصلی و تخصصی در زمینه مهندسی و دروسی که خلاقیت را تقویت می کند، اهتمام ورزند. علاوه بر اینها، توسعه کمی بدون توجه به کیفیت آموزش عالی، اشتباهی بزرگ است. اما توسعه کمی در کنار اهتمام بر رشد و ارتقای کیفیت در زمینه های مختلف علمی مورد نیاز از ضروریات نظام آموزش عالی محسوب می شود. برای پرورش یک فرد در یک زمینه خاص و کسب دانش علمی مؤثر حدود بیست و چهار سال آموزش، و برای تربیت همان نیروی متخصص تا رسیدن به مرحله ای با توانایی بهره برداری از یافته های نظری، حدود شش ماه تا دو سال کار در آزمایشگاه نیاز است. یکی از اشکالات عمده برنامه های آموزشی کشور، به کمبود آزمایشگاه های پیشرفته و تربیت عملی دانشجویان مربوط می شود.

روش اجرا: از نظر هدف، این تحقیق از نوع کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده های مورد نیاز، از نوع تحقیقات توصیفی پیمایشی می باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل دانشجویان و اساتید رشته های علوم پزشکی و علوم انسانی دانشگاه تهران بوده است. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعیین گردید. بر این اساس حجم نمونه متناسب با حجم جامعه و شامل ۱۰ استاد و ۱۰۰ دانشجو بود. هرگاه تعداد افراد جامعه مورد مطالعه چندان زیاد نباشد، نمونه گیری ضرورتی نداشته و می توان داده های تحقیق را از طریق سرشماری (شمارش کامل افراد) به دست آورد. بنابراین در این تحقیق اساتید و دانشجویان به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند و روش نمونه گیری طبقه ای نسبی بود. گردآوری اطلاعات از طریق دو روش کتابخان های و پرسش نامه محقق ساخته انجام گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون های رگرسیون و همبستگی) و با استفاده از نرم افزار اس پی اس صورت گرفت.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که از نظر اساتید ماموریت گرایی در دانشگاه های علوم پزشکی مطلوب بوده و دانشجویان اثربخشی این ماموریت گرایی را در حد متوسط برآورد نموده اند. همچنین از نظر تمایز رسالت آکادمیک بین نظرات استادان و دانشجویان نشان داد که استادان در مورد تدوین برنامه بلندمدت آموزشی در دانشگاه، نظرات مثبت تری نسبت به دانشجویان دارند.

بحث و نتیجه گیری: دانشگاه جزئی از جامعه است؛ نباید با ایجاد دیوار به دور آن به صورت جزیره و بدون ارتباط با پیرامون خود درآید. لازم است تفکر و ارتباطات اجتماعی مردم و معماران اصلی نظام دانشگاهی در این خصوص تغییر کند. البته تمام اشکالات از دانشگاه نیست. دانشگاه برخاسته از جامعه و متأثر از مدیریت کلان کشور و بستر فرهنگی جامعه است. مطلوب است که برآیند عملکرد دانشگاه هم با در نظر گرفتن مجموعه نقاط قوت و ضعف کشور ارزیابی شود. دانش و فناوری یکی از شاخص های سنجش رفاه در جامعه است و

بررسی وضعیت موجود ابعاد ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی در گذار به دانشگاه کارآفرین

یحیی محمدی - ، علی رئیسون - ، محمدرضا رئیسون - دانشگاه ع. پ. بیرجند ،

مقدمه: دانشگاه ها باید دارای ساختارها و الگوهایی باشند که خلاقیت ، نوآوری و کارآفرینی را ارتقا دهند (۱). خلاقیت و نوآوری که محققان از آن به عنوان ویژگی های دانشگاه های آینده یاد می کنند، اکنون با آموزش دانشجویان هزاره سوم و دانشگاه های کارآفرین دنبال می شود. دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که همزمان پیشرفت علوم را برجسته می کند و به نیازهای آموزشی ، پژوهشی و مشاوره ای محیط حساس است. با توسعه خلاقیت و تکنیک های تفکر هوشمند ، چنین دانشگاهی نه تنها پاسخگویی سریع و دقیق را برآورده می کند ، بلکه به تعریف ، تدوین و حل مشکلات جامعه به طور مستقل یا جمعی و آمادگی برای توسعه پایدار در سراسر کشور کمک می کند (۲). در دنیای رقابتی امروز ، اهداف استراتژیک بدون سازمانی با ساختار مناسب محقق نمی شوند. بنابراین ، دانشگاه ها برای ادامه فعالیت های خود باید تمرکز خود را بر توسعه و تقویت ساختار سازمانی خود بگذارند (۳). ساختار سازمان چارچوبی است که براساس آن فعالیتهای سازمان تقسیم ، سازمان یافته و هماهنگ می شوند. سازمانها برای هماهنگی فعالیتهای افراد متوالی و کنترل فعالیتهای اعضا ساختارهایی ایجاد می کنند ساختار سازمان تحت تأثیر ابعاد ساختاری است. ابعاد ساختاری بیانگر خصوصیات داخلی سازمان است و شدت و ضعف هر بعد برای شکل گیری کلی ساختار سازمانی مفید است. لذا دانشگاه ها برای تحقق اهداف و استمرار فعالیت شان باید توجه خود را به اصلاح و توسعه ساختار سازمانی خود معطوف

سازند. هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت موجود ابعاد ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی در گذار به دانشگاه کارآفرین بود.

روش اجرا: این یک مطالعه توصیفی- تحلیلی بود. جامعه آماری شامل کلیه مدیران و متخصصان مدیریت مراقبت های بهداشتی در دانشگاه های علوم پزشکی منطقه ۹ کلان برنامه ریزی کشور با مجموع ۶۱۴ نفر بود. با استفاده از فرمول کوکران ، ۲۶۵ نفر به طور تصادفی و با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها ، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که ۵۲ ماده در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت را در خود جای داده بود. پرسشنامه از نظر روایی صوری و محتوایی توسط اعضای هیئت علمی تأیید شد و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۵ ، بدست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS۱۴ و آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته ها: جدول شماره ۱: وضعیت موجود مولفه های ساختار سازمانی دانشگاه کارآفرین در دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه ۹ معنی داری t انحراف معیار میانگین ابعاد ساختار سازمانی ۰.۰۰۱ ± ۶۰.۶۵ ، ۰.۰۰۱ ± ۲.۴۳ روابط غیر رسمی ۰.۰۰۱ ± ۲.۵۷ روابط مبتنی بر اعتماد ۰.۰۰۱ ± ۲.۵۲ ۰.۰۰۱ ± ۴۹۴.۷۸ ، روابط مبتنی بر تعامل ۰.۰۰۱ ± ۶۴۷.۶۸ ، ۰.۰۰۱ ± ۵۴۵.۷۵ ، ۰.۰۰۱ ± ۲.۷۲ روابط مبتنی بر عاطفی ۰.۰۰۱ ± ۶۴۷.۶۸ ، رسمیت ۰.۰۰۱ ± ۲.۸۲ ، ۰.۰۰۱ ± ۵۲۷.۸۰ ، پیچیدگی ۰.۰۰۱ ± ۲.۸۲ ، ۰.۰۰۱ ± ۴۹۲.۸۳ تمرکز ۰.۰۰۱ ± ۲.۸۳ ، ۰.۰۰۱ ± ۸۶.۶۷ ، ۰.۰۰۱ ± ۲.۹۰ حرفه گرایی نتایج نشان داد که میانگین نمرات کلیه ابعاد ساختاری در دانشگاه های علوم پزشکی در شرایط فعلی کمتر از میانگین (نمره ۳) ، شامل روابط غیررسمی (۶۳ ، ۰.۴۳ ± ۲) ، روابط مبتنی بر اعتماد (۰.۶۱ ± ۰.۵۷) (۲) بود. ، روابط مبتنی بر تعامل (۲.۴۹ ± ۰.۴۹) ، روابط مبتنی بر احساسات (۲.۴۴ ± ۰.۵۴) ، رسمی (۲.۸۲ ± ۰.۶۴) ، پیچیدگی (۲.۹۹ ± ۰.۵۲) ، تمرکز (۲.۸۳ ± ۰.۴۹) و حرفه ای بودن (۲.۹۰ ± ۰.۵۰) . این روابط از نظر آماری معنی دار بودند.

بحث و نتیجه گیری: براساس نتایج این مطالعه ، ابعاد ساختار سازمانی دانشگاه های علوم پزشکی با ساختار دانشگاه های کارآفرین سازگار نیست ، زیرا ساختار مطلوب دانشگاه علوم پزشکی کارآفرین ، دانشگاهی است که در آن میانگین نمرات روابط غیررسمی ، روابط مبتنی بر اعتماد ، روابط فرازمینی تعاملی و حتی روابط عاطفی زیاد است و روابط رسمی گرایی ، تمرکز ، حرفه ای بودن و پیچیدگی متوسط متوسط است. بنابراین ، مقامات دانشگاه های منطقه ۹ کلان برای حرکت به سمت دانشگاه های کارآفرین نیاز به اصلاح ساختار سازمانی خود مطابق با نتایج این مطالعه دارند.

واژه های کلیدی: ساختار سازمانی ، دانشگاه علوم پزشکی ، کارآفرین

طراحی و استخراج شاخص های عملکردی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سه حوزه آموزش، پژوهش و توسعه و مدیریت منابع

یحیی محمدی - ، دکتر فرشید عابدی - ، محمدرضا حاجی آبادی -
دانشگاه ع. پ. بیرجند ،

مقدمه: با توجه به سیاستهای بالادستی و نقشه جامع علمی کشور و چشم انداز ۲۰ ساله افق ۱۴۰۴ طراحی و تدوین راهنمای عملکرد مدیران در حوزه های آموزشی و پژوهشی و توسعه متضمن مدیریت و رهبری آموزشی است. بنا بر این شاخصها نمایانگر واقعیتهای موجود در عرصه فعالیتهای یک سازمان هستند و در نظام مدیریت، ابزاری کارآمد برای ارزشیابی از برنامه ها و فعالیتها هستند و از طریق آنها می توان از حصول به اهداف از پیش تعیین گردیده در برنامه ها آگاهی یافت. توجه عمیق به شاخصهای عملکردی در شناسایی و درک بهتر خلاءها، نارسائیها و کمبودها و در بهبود برنامه از جهت کمی و کیفی کمک شایانی می کند. شاخصهای عملکردی سه نگاه اساسی دارد: یکی اینکه به نظام ارزشیابی مدد می رساند تا براساس عوامل درست دست به ترکیب عملیات و اصلاحات مدیریت ببرد و در واقع آینه ارزشیابی محسوب می شود. دیگر اینکه روش حرکت و مسیر را برای شناخت از کارکرد مدیران فراهم می آورد. در نگاه سوم گسلهای برنامه ای را از طریق ارزشیابی مشخص مینماید. اصولاً تعریف شاخصهای قابل اندازه گیری یکی از ملزومات اساسی هر نوع برنامه ریزی و مدیریت است. به هنگام بودن، قابل اطمینان بودن و معنی دار بودن این شاخصها اهمیت فراوانی در تعیین راهبردها، سیاستها و راهکارهای اجرایی مدیریتی دارد. براساس شاخصها می توان به تشریح وضعیت موسسات از لحاظ برنامه ریزی و یا انجام تحقیقات علمی پرداخت و در روند تغییرات، آنها را بررسی کرد؛ شاخصها معیار مناسبی برای ارزشیابی عملکرد و مدیریت آموزشی، پژوهشی شمرده می شوند. لذا طراحی و استخراج شاخصها برای عملکرد و توسعه حوزه های آموزش، پژوهش و توسعه لازم و ضروری است.

روش اجرا: با توجه به نیاز امروزه کشور به شاخص و معیار جهت راهنما و آینه ای برای اثربخشی و اطلاع از پیشرفت و توسعه در همه زمینه های آموزشی و پژوهشی و مدیریت منابع در دانشگاهها، هیئت امنای دانشگاه اقدام به تهیه شاخص از سال ۱۳۹۰ بر اساس شاخص های آموزشی و پژوهشی نمود و برای تعیین شاخص ها از روش AHP و BSC استفاده شد و همچنین از پرسشنامه محقق ساخته که روایی و پایایی آن توسط متخصصین و اعضاء هیئت علمی تأیید گردید شاخص های عملکردی در حوزه های فوق احصاء گردید و به معاونت ها ابلاغ شد لذا بهترین مدل مدیریت و رهبری آموزشی برای عملکرد مدیران طراحی و استخراج گردید و در راستای نیازسنجی به مرحله اجرا درآمد و با توجه به نتایج حاصله شاخص های آموزشی و پژوهشی تدوین گردید و هر سال این شاخص ها در قالب جداول به معاونت های آموزشی، پژوهشی

و توسعه دانشگاه ارسال تاپس از تکمیل انرا به دبیرخانه هیئت امناء عودت داده تا پس از تجزیه و تحلیل، روند افزایش یا کاهش شاخصها تعیین گردد

یافته ها: تعداد ۲۹ شاخص در حوزه های آموزش تحقیقات و توسعه احصاء گردید و عملکرد مدیران به تعداد ۲۹ شاخص در حوزه آموزش و پژوهش و مدیریت در جلسه سالانه هیئت امناء طبق جداول عملکردی گزارش می شود و شاخصهای مذکور روند توسعه و رشد و یا کاهش عملکرد را نشان می دهد و راهکارهای لازم برای ارتقاء عملکرد و رهبری و مدیریت به مدیران ارشد داده می شود و مدیران با توجه به روند شاخص، مؤثر بودن و متعهد بودن رهبری سازمان را از وضع نامساعد به وضع بهینه می توانند انتقال دهند و بهترین مدل رهبری برای مدیران ارزیابی شاخصها می باشد تا فاصله عملکردی خود را با استانداردها تعیین نمایند.

بحث و نتیجه گیری: روند رشد و کاهش شاخصهای مربوط به حوزه های آموزشی و پژوهشی و توسعه به تعداد ۲۹ شاخص مبتنی بر نظر خبرگان مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد و سالانه روند رو به رشد و یا کاهش شاخصها تعیین و عملکرد مدیران بر اساس این شاخصها مدنظر قرار می گیرد. نقاط قوت عملکردی تقویت و نقاط ضعف اصلاح و بازنگری می شود و مدیران عملکرد خود را در این راستا مشاهده می نمایند.

کلمات کلیدی: شاخص، عملکرد، طراحی .

رتبه بندی عوامل موثر دانشگاه های نسل سوم در نظام آموزش عالی (مطالعه موردی: دانشگاه علوم پزشکی مشهد)

نازنین زمانیان - دانشگاه ع. پ. مشهد،

مقدمه: ظهور دانشگاه نسل سوم به عنوان نمود عینی ارتباط صنعت و دانشگاه افق های نوینی از اشتغالزایی فرا روی برنامه ریزان و مدیران دانشگاه قرار می دهد. در کشور ما بیشتر دانشگاه ها در نسل دوم دانشگاهی یعنی دانشگاه های پژوهش محور قرار دارند و فعالیت چندانی در راستای تجاری سازی یافته های پژوهشی ندارند، لذا هدف پژوهش حاضر رتبه بندی عوامل موثر دانشگاه های نسل سوم می باشد.

روش اجرا: تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است و از روش آمیخته استفاده شده است. جامعه آماری در بخش کمی شامل اعضای هیات علمی، مدیران و معاونین دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ می باشد (N=۱۰۴۱). که تعداد ۲۱۲ نفر با روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب شدند و در بخش کیفی با روش دلفی از نظرات ۳۰ نفر از

خبرگان استفاده شد. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته‌ای مستخرج از قسمت کیفی بود که روایی آن به تأیید خبرگان رسید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰،۹) تأیید شد و پرسشنامه نهایی با ۷ عامل و ۲۵ مؤلفه در بین نمونه مورد نظر اجرا گردید و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS۲۱ مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که دو عامل تمرکز و توجه مدیریت و منابع انسانی به کارآفرینی و اصلاح نظام آموزشی و پژوهشی با تأکید بر کارآفرینی بیشترین تأثیر (۰،۹۷) و عامل به‌کارگیری ارزش‌های فرهنگی در مسیر تغییر با ضریب (۰،۷۵) کمترین تأثیر را در بین عوامل به خود اختصاص داده است.

بحث و نتیجه‌گیری: مسئولین دانشگاه‌های علوم پزشکی باید نسبت به گسترش کارآفرینی در دانشگاه‌ها اهتمام ورزند، که این امر نیاز به برنامه ریزی و توجه همزمان به تمامی عوامل به خصوص در زمینه تمرکز مدیریت به کارآفرینی و اصلاح نظام آموزشی و پژوهشی دارد.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، تکنیک دلفی، دانشگاه نسل سوم، علوم پزشکی.

انسانی سازمان به کارآفرینی، اصلاح نظام آموزشی و پژوهشی با تأکید بر کارآفرینی، تعامل بیشتر با محیط بیرونی و بین‌المللی سازی، بهبود زیرساخت‌ها و تجهیزات و منابع مالی، بکارگیری ارزش‌های فرهنگی و عقیدتی در مسیر تغییر می‌باشد. آمار حاصل از ضریب توافق یا هماهنگی کندال برای عوامل شناسایی شده تبدیل دانشگاه علوم پزشکی مشهد به دانشگاه نسل سوم برای مرحله دوم تکنیک دلفی برابر ۰،۷۹ و برای مرحله سوم دلفی برابر ۰،۸۶ به دست آمد که حاکی از اتفاق نظر قوی و قابل قبول اعضای پانل در رابطه با عوامل مدل مفهومی تحقیق می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های حاصل از اجرای سه مرحله تکنیک دلفی، عوامل مؤثر شناسایی شده برای تبدیل دانشگاه علوم پزشکی مشهد به دانشگاه نسل سوم؛ عوامل هفت‌گانه مذکور می‌باشد که با تبیین و شناخت وضعیت موجود آنها می‌توان گام مؤثری در جهت تبدیل این دانشگاه عظیم کشور به دانشگاه نسل سوم برداشت و از نتایج آن برای سایر دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور نیز بهره‌مند شد.

بهره‌مندی از قابلیت‌های فرایند-محوری در ارتقای کارآموزی دانشجویان علوم و صنایع غذایی

، فرید غریبی - ، انا عبدالشاهی - دانشگاه ع. پ. سمنان ، مجتبی بوسفی اصلی - دانشگاه ع. پ. سمنان ، نسیم خورشیدیان - دانشگاه ع. پ. سمنان ،

مقدمه: دانشمندان علم مدیریت به ویژه در طی انقلاب صنعتی و پس از آن به طرز فزاینده‌ای از مفهوم تخصصی شدن کار و تقسیم وظایف به منظور بهره‌مندی از منافع مالی آن استفاده کردند. لیکن در ادامه، مطالعات متعددی به نقد این رویکرد پرداختند که از مهم‌ترین دلایل بروز این انتقادات، بی‌توجهی به مفهوم فرایند و متعاقباً تجزیه بی‌رویه کارها و از بین رفتن انسجام و یکپارچگی در امور سازمانی بود. حوزه صنایع غذایی، یکی از علمی است که به سبب ماهیت خاص خود، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم فرایند دارد لیکن متأسفانه تاکنون سیستم آموزشی دانشگاهی مرتبط با آن در کشور به ویژه در عرصه مهارت‌آموزی، از منافع فرایند-محوری بهره‌مند نشده است. بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف نهادینه کردن مفهوم فرایند-محوری در بطن کارآموزی دانشجویان صنایع غذایی و متعاقباً بهره‌مندی از منافع بی‌شمار آموزشی و اجرایی آن، طراحی و به‌مورد اجرا در آمد.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع کیفی می‌باشد که با استفاده از رویکرد اقدام پژوهشی (Action Research) در صدد ارتقای کارآموزی دانشجویان صنایع غذایی برآمده است. در این مطالعه در آغاز، مطالعات مرتبط با ارتقای کارآموزی دانشجویان با بهره‌مندی از رویکرد فرایند-محوری به ویژه در حوزه علوم پزشکی از طریق بررسی متون، شناسایی

طراحی مدل عوامل مؤثر تبدیل دانشگاه علوم پزشکی مشهد به دانشگاه نسل سوم با استفاده از رویکرد کیفی

نازنین زمانیان - دانشگاه ع. پ. مشهد ، مسلم چرابین - ، نازیا سادات ناصری - بدون وابستگی دانشگاهی ، احمد زنده دل - ،

مقدمه: صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه آموزش عالی، کارآفرینی را شرط بقا و توسعه دانشگاه‌ها به‌شمار می‌آورند. لذا هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر و طراحی مدل جهت تبدیل دانشگاه علوم پزشکی مشهد به دانشگاه نسل سوم می‌باشد.

روش اجرا: مطالعه حاضر از بعد هدف در دسته تحقیقات توسعه‌ای- کاربردی قرار دارد و به روش دلفی در نیم سال دوم تحصیلی ۹۸-۹۷ انجام گرفت. تعداد ۳۰ نفر صاحب‌نظر شامل اعضای هیات علمی و مدیران و متخصصان از دانشگاه علوم پزشکی مشهد با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف انتخاب شدند. در ابتدا عوامل و مولفه‌های مرتبط با دانشگاه نسل سوم از طریق مرور گسترده پایگاه‌های اطلاعاتی و پیشینه تحقیق استخراج گردید. سپس با تشکیل چند جلسه در سه دور، عوامل، مولفه‌ها بر اساس اتفاق نظر تدوین شد.

یافته‌ها: در نهایت مدل مناسب تبدیل دانشگاه علوم پزشکی مشهد به دانشگاه نسل سوم با تعداد ۷ عامل و ۲۵ مؤلفه نهایی شد. این عوامل شامل تدوین استراتژی و راهبردهای مناسب سازمانی، ایجاد بسترها و شرایط ساختاری و زمینه‌ای سازمان، تمرکز و توجه مدیریت و منابع

و چگونگی اجرای مداخلات آنان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در ادامه، نشست های تخصصی با اساتید و صاحب نظران حوزه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی به منظور نحوه نهادینه نمودن مفهوم فرایند-محوری در عرصه کارآموزی برگزار گردید، سپس دیدگاه اساتید حوزه صنایع غذایی جهت توافق بر شیوه صحیح و هدفمند استفاده از مصادیق کاربردی فرایند-محوری در کارآموزی اخذ گردید. در گام پایانی نیز مداخلات مختلف بر اساس اطلاعات به دست آمده تعریف و جهت غنی سازی و ارتقای اثربخشی کارآموزی دانشجویان به مورد اجرا در آمد.

یافته ها: ماحصل انجام اقدامات صورت گرفته طی این مطالعه، شناسایی مداخلات کاربردی مبتنی بر فرایند-محوری جهت ارتقای کارآموزی دانشجویان صنایع غذایی، سازگار نمودن و تعدیل مداخلات بر اساس ماهیت حوزه صنایع غذایی، انجام برنامه ریزی در جهت اجرای مداخلات، نظارت بر حسن اجرای مداخلات، ارزشیابی مداخلات صورت گرفته بر اساس دیدگاه ذی نفعان اصلی یعنی اساتید و دانشجویان، و نیز ارتقای مستمر مداخلات صورت گرفته بر اساس نتایج ارزشیابی های انجام شده می باشد. به طور خلاصه می توان هسته اصلی مداخلات ارتقایی اجرا شده را در اقداماتی نظیر شناسایی تمامی فرایندهای اصلی سازمان های استاندارد و اداره نظارت بر مواد غذایی و کارخانه های صنایع غذایی تحت بررسی، تدوین شناسنامه فرایند برای آنان، ترسیم نمودار قالبی، ترسیم نمودار جریان فرایند یا فلوچارت، ترسیم نمودار وظیفه ای فرایند، شناسایی مشکلات فرایندها بر اساس تحلیل شکاف میان فرایند موجود و مطلوب، و نیز ارائه پیشنهادات ارتقایی جهت اصلاح فرایندها با تکیه بر دستورالعمل ها و بهترین اقدامات (Best Practice) موجود در عرصه صنایع غذایی بود.

بحث و نتیجه گیری: اقدامات ارتقایی صورت گرفته در طی مطالعه حاضر منجر به توجه بر حوزه مدیریتی ارزشمند فرایند-محوری و بهره برداری از قابلیت های آن در درس کارآموزی در عرصه دانشجویان صنایع غذایی گردید. بی تردید نظر به نتایج ارزنده به دست آمده و نیز بازخوردهای مثبت دریافت شده از ذی نفعان برنامه، استفاده از این تجارب در سایر دانشگاه های علوم پزشکی تربیت کننده دانشجویان صنایع غذایی و نیز گسترش این مداخلات به سایر رشته های تحصیلی در عرصه علوم پزشکی پیشنهاد می گردد.

چالش های اجرای دانش پژوهی آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی ایران

اسحاق مرادی - دانشگاه ع. پ. ایران، فخرالسادات میرحسینی - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه: اسکالرشپ، به معنای توفیق در عرصه دانش یا دانش پژوهی است. مبحث دانش پژوهی و به طور ویژه دانش پژوهی آموزشی یکی از

مفاهیم مطرح در دهه های اخیر است. طبق تعریف مارتین، دانش پژوهی آموزشی، کاربرد دانش و شواهد مربوط به آموزش در فرایند یاددهی و یادگیری، نقد آموزش مبتنی بر شواهد و مداخلات آموزشی هدفمند توسط فرد و مشارکت دادن نتایج و عقاید با سایر افراد است. طبق تعریف AAMC، در دانش پژوهی آموزشی باید نتایج کار در اختیار جامعه قرار گیرد به گونه ای بتواند مورد ارزیابی قرار گیرد. پیامدهایی مانند ارتقاء موسسه، دانش و فرد؛ و دستیابی به خرد عملی برای آن تعریف شده است. بسیاری از دانش پژوهان در مستندسازی وقایعی که بتواند فرایند را با ویژگی های ذکر شده و این پیامدها به تصویر بکشد با مشکلاتی مواجه هستند. هدف از انجام این مطالعه، بررسی چالش های اجرای دانش پژوهی آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور است.

روش اجرا: نظرات اعضای هیات علمی شرکت کننده در کارگاه های دانش پژوهی آموزشی برگزار شده در ۱۱ دانشگاه علوم پزشکی در کشور گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفت. تعداد ۲۲۵ پرسشنامه استاندارد ارزیابی کارگاه های آموزشی مرسوم مورد استفاده قرار گرفت که یک سوال باز در پایان آن درج شده بود و بطور مستقیم چالش های انجام دانش پژوهی آموزشی را مورد پرسش قرار می داد. مدرسین کارگاه توانسته بودند شرکت کنندگان را به پاسخ آن سوال باز ترغیب کنند.

یافته ها: تعداد ۱۵۲ نظر جمع آوری و تحلیل تماتیک شده و چالش های استخراج گردید. یافته ها: تعداد ۴۷ کد استخراج و در ۵ مضمون بدین شرح طبقه بندی شد: چالش های مربوط به انجام و اجرای فرایند دانش پژوهی آموزشی، دانش ناکافی در مورد نوع ثبت و گزارش دانش پژوهی آموزشی، ابهامات و روشن نبودن تفاوت ها و تشابهات آن با پژوهش در آموزش و نوآوری های آموزشی، دسترسی ناکافی به افراد آگاه و مطلع در زمینه دانش پژوهی آموزشی و کم بودن پاداش و امتیاز اختصاص داده شده به حوزه دانش پژوهی آموزشی.

بحث و نتیجه گیری: دانش پژوهی آموزشی در کشور، مفهومی نسبتاً جدیدی بوده و بدیهی است دارای چالش های قابل انتظاری است، اما این نکته حائز اهمیت می باشد که چالش های پیش رو علاوه بر اینکه باعث می شود تا در این زمینه اقدامات بیشتری انجام گیرد، نشان از چشم اندازی روشنی از این موضوع مهم آموزش پزشکی دارد. آنچه در بخش یافته ها از چالشها بدست آمد مشخص می نماید که بایستی این مفهوم، بیشتر واکاوی و روشن گردد. گرچه تاکنون اقدامات موثر و ارزشمندی جهت معرفی و تجلیل از فعالیت های دانش پژوهی آموزشی و ارتقاء آن در کشور انجام شده است، اما نتایج این مطالعه نشان می دهد اقدامات بیشتری در این زمینه باید هدفمندتر و مبتنی بر نیاز علاقه مندان و دانش پژوهان آموزشی صورت گیرد. لزوم برگزاری دوره ها و کارگاه های هدفمند، موثر و سیستماتیک آموزشی، انجام پژوهش های بیشتر در زمینه دانش پژوهی آموزشی، تدریس موثر و با کیفیت در کارگاه های آموزشی، ایجاد سیستمی جهت تبادل نظر بین دانشگاه های

علوم پزشکی در مورد موضوع اسکالرشپ آموزشی، اطلاع رسانی شایسته از آئین نامه‌های امتیازی فرایندها و در صورت نیاز بازنگری و ارتقای امتیازات، می‌تواند راهکارهایی در جهت مقابله با چالش‌های دانش پژوهی آموزشی باشد. همچنین ایجاد سیستم منتورشیپی آنلاین جهت مشاوره در زمینه دانش پژوهی آموزشی و نحوه نوشتن یک فرایند دانش پژوهانه آموزشی، پیشنهاد می‌گردد.

کلمات کلیدی: دانش پژوهی آموزشی، چالش‌ها، دانشگاه‌های علوم پزشکی

شناسایی مؤلفه‌های توانمندسازی پویا در مدیران آموزش علوم پزشکی با روش تحلیل محتوا

مهدی باقری - دانشگاه ع. پ. مازندران، شهرام شایان -، فریبا جوکار -،

مقدمه: توانمندسازی، کلید اثربخشی مدیران و سازمان است که از بین انواع توانمندسازی، "توانمندسازی پویا" نقش راهبردی در سازمان‌ها ایفا می‌کند. شواهد حاکی از آنست که مدیران نقش زیادی در پویایی سازمان‌ها دارند. بر این اساس توانمندسازی مدیران نیز باید با در نظر گرفتن پویایی نقش مدیران طراحی گردد. بویژه در مورد سازمان‌هایی همچون آموزش علوم پزشکی که بر طبق راهبردهای آموزشی، توانمندسازی در آموزش عالی، عاملی مهم در رویکرد بهبود و بازسازی مؤسسات آموزشی است. علیرغم اعتقاد به این رویکرد، در آموزش عالی ایران کمتر به آن توجه شده است و با وجود اهمیت و ضرورت توانمندسازی منابع انسانی دانشگاهی و فواید بالقوه آن در مراکز آموزش عالی، تحقیقات اندکی در زمینه توانمندسازی مدیران دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران انجام شده است. بویژه از بین انواع رویکردهای توانمندسازی، پژوهشی در مورد توانمندسازی پویای مدیران دانشگاه‌های علوم پزشکی و عناصر توانمندسازی پویا گزارش نشده است.

روش اجرا: بر اساس این ضرورت پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های توانمندسازی پویا در مدیران آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی با روش تحلیل محتوا صورت گرفت. این مطالعه به صورت مروری با رویکرد کیفی انجام شد. زیرا از روش کیفی مبتنی بر تحلیل محتوی مرسوم برای تحلیل محتوای متون و مقالات مرتبط با توانمندی‌های پویا و توانمندسازی پویا استفاده شد.

روش اجرا: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل مقالات مرتبط با کلیدواژه‌های توانمندی‌های پویا و توانمندسازی پویا به زبان انگلیسی و فارسی بود که در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۰۰، در قالب مقالات مروری، تحقیقی اصیل در بانک‌های اطلاعاتی الکترونیکی " Pub " " scholar " google " و " Sage.org " و " Science Direct " " Magiran " و " SID.ir " منتشر شده بودند. همچنین مدل‌های منتشر شده در مورد توانمندسازی بررسی شد. مدل محور بودن

مقالات و متون انتخاب شده در مورد توانمندسازی، اساسی‌ترین شرط انتخاب آنها جهت تحلیل محتوا کیفی بود. برای تحلیل متون از روش تجزیه و تحلیل محتوا در نرم افزار MAXQDA۲۰ استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که مؤلفه‌های توانمندسازی پویا در مدیران در قالب ۱۲ طبقه و ۲۲ زیرطبقه جمع بندی می‌شود که از ۶۴ کد اصلی و ۲۲۶ کد باز استخراج شدند. دوازده طبقه توانمندسازی پویا شامل: مهارت‌ها و توانمندی‌ها، منابع انسانی، توانمندی‌های مدیریتی، رهبری، ساختاری، اجرایی، فرایندی، فرایندهای پویا، آموزشی، ارتباطی، عملکردی و ارزیابی بودند. طبقه مهارت‌ها و توانمندی‌ها متشکل از مهارت‌های مؤثر و توانمندی‌های معمولی و پویا بودند که مجموعاً از شش کد اصلی و ۳۰ کد باز استخراج شدند. طبقه منابع انسانی متشکل از سه زیرطبقه توانایی‌های مدیران آموزشی، توانایی‌های هیئت علمی و کارکنان و دانشجویان بود که از هشت کد اصلی و ۳۶ کد باز استخراج یافتند. طبقه مؤلفه‌های توانمندسازی مدیریتی متشکل از دو زیرطبقه مدیریت متعهد و مدیریت اعتمادآفرین بود که این دو زیرطبقه از هشت کد اصلی و ۳۱ کد باز استخراج شدند. طبقه توانمندسازی رهبری شامل دو زیرطبقه انواع رهبری پویا و پویایی رهبری بود که از شش کد اصلی و ۱۷ کد باز استخراج شدند. طبقه توانمندسازی ساختاری نیز شامل دو زیر طبقه تطبیق ساختاری و انعطاف پذیری ساختاری بود که از هشت کد اصلی و ۲۵ کد باز مربوط به توانمندسازی پویا استخراج شد. مؤلفه‌های اجرایی توانمندسازی نیز دارای دو زیرطبقه فعالیت اجرایی و خلاقیت اجرایی بود که از پنج کد اصلی و ۱۷ کد باز استخراج شدند. طبقه مؤلفه‌های فرایندی توانمندسازی پویا نیز شامل دو مؤلفه ابعاد فرایندی و پویایی فرایندی بود که از شش کد اصلی و ۲۰ کد باز استخراج شدند. طبقه فرایندهای پویا نیز شامل سه زیرطبقه فرایندهای ادراکی فرصت‌ها، فرایندهای نوسازی و بازاریابی و فرایندهای هماهنگ سازی بود که از سه کد اصلی و ۸ کد باز استخراج شدند. طبقه توانمندسازی آموزشی نیز دارای زیرطبقه ابعاد آموزشی مرتبط با توانمندسازی بود که دارای چهار کد اصلی و ۹ کد باز بود. طبقه عناصر ارتباطی توانمندسازی شامل ابعاد ارتباطی بود که از پنج کد اصلی و ۱۸ کد باز شناسایی شد. یازدهمین طبقه از توانمندسازی پویا در مدیران شامل توانمندی عملکردی بود که از دو کد اصلی و پنج کد باز استخراج شد. در نهایت آخرین طبقه از توانمندسازی پویا بیانگر ارزیابی توانمندسازی بود که از سه کد اصلی و ۱۰ کد باز شناسایی شد.

بحث و نتیجه گیری: توانمندی‌های پویای مدیران آموزش علوم پزشکی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن را مدون می‌نماید. بر اساس این یافته‌ها می‌توان به یک جمع بندی مفهومی در مورد مؤلفه‌های تشکیل دهنده برنامه توانمندسازی پویا مدیران رسید که از طریق تدوین مدل آن بر روی مدیران دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران می‌توان به طراحی مدل توانمندسازی پویا برای مدیران آموزش دانشگاهی دست یافت .

بررسی اثربخشی آستی بر اساس نظریه‌ی بازاندیشی دونالدشون بر توانمندی اساتید بالینی در آموزش مهارت بازخورد: یک مطالعه ترکیبی

هدی احمدی طهران - دانشگاه ع. پ. قم ، ماندانا شیرازی - ، سارا
مرناض هجری، آیین محمدی - دانشگاه ع. پ. تهران ، حسن عادل -

مقدمه: یکی از روش‌ها و ابزار عینی، ساختارمند و قابل اطمینان معرفی شده در رابطه با توانمندسازی و ارزیابی مهارت‌های تدریس اساتید و دستیاران پزشکی آستی می‌باشد. در آستی یک دانشجوی استاندارد شده با استاد در یک سناریوی از قبل تدوین شده مشارکت نموده و به وی در مواجهه با مهارت تدریس وی بازخورد مستقیم و عینی می‌دهد. هدف از مطالعه‌ی حاضر تعیین اثربخشی آستی بر اساس نظریه‌ی بازاندیشی دونالدشون بر توانمندی اساتید بالینی در آموزش مهارت بازخورد و تبیین تجارب شرکت‌کنندگان آستی نسبت به اثربخشی این شیوه بود. **روش اجرا:** مطالعه حاضر از نوع ترکیبی متوالی تبیینی بود. اعضای هیأت علمی مشارکت‌کننده به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به دو گروه کارگاهی و آستی تقسیم شدند. مداخله از نوع تجربی پس از آموزش بود. تعلیم و اعتبارسنجی دانشجویان پزشکی، روانشناسی و اساتید هم‌تا در مدت ۹ ماه انجام گرفت و پس از تعیین روایی و پایایی ابزارهای مطالعه، مداخله آموزشی به صورت کارگاهی و آستی انجام و سپس در دو نوبت بلافاصله و سه ماه بعد از مداخله، از نمونه‌های مورد پژوهش ارزیابی به عمل آمد. پس از ارزیابی دوم یک مطالعه کیفی به منظور تبیین تجارب اساتید مشارکت‌کننده در آستی نسبت به این شیوه با رویکرد تحلیل محتوای کیفی قراردادی انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کمی با استفاده از آزمون آماری تی مستقل و تی زوج و بخش کیفی با رویکرد تحلیل محتوا انجام گردید.

یافته‌ها: پنجاه نفر عضو هیأت علمی (بیست و هشت نفر در گروه کارگاهی و بیست و دو نفر در گروه آستی) مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. نمرات "مهارت بازخورد دهی" اساتید در ارزیابی هر دو ایستگاه توسط سه ارزیاب هم‌تا، دانشجوی استاندارد شده و بیمار استاندارد شده بلافاصله بعد از مداخله در گروه آستی (۰، ۴۶±۲، ۴۷ و در گروه کارگاهی (۰، ۳۱±۱، ۷۳ و سه ماه بعد در گروه آستی (۰، ۱۸±۲، ۶۸ و در گروه کارگاهی (۰، ۲۶±۱، ۴۳ بود که به لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری بین دو گروه و همچنین بلافاصله و سه ماه بعد خود مشاهده شد (۰، ۰۵ >P). نمره بازاندیشی نمونه‌های پژوهش پس از مداخله بین گروه‌های آستی و کارگاهی تفاوت معنی‌داری نشان داد (۰، ۰۰۱ >P). در حالی که میانگین نمرات بازاندیشی پس از سه ماه در گروه کارگاهی کاهش یافته بود نمرات گروه آستی تقریباً بدون تغییر مانده بود. از تحلیل داده‌های بخش کیفی یک درون‌مایه اصلی "سودمندی

آموزشی" و چهار طبقه اصلی "آموزش مؤثر"، "فراهم‌سازی شرایط مطلوب یادگیری"، "پرورش مهارت بازخورد سازنده" و "اعتبار ارزیابی" استخراج شد.

بحث و نتیجه گیری: یافته‌های مطالعه حاضر از اثربخشی آستی بر اساس نظریه بازاندیشی شون بر بهبود و حفظ مهارت‌های بازخورد و بازاندیشی اساتید بالینی پشتیبانی کرد. این مطالعه از نظر طراحی بی‌نظیر بود، زیرا ما یک مطالعه ترکیبی با طراحی کارآزمایی کنترل شده تصادفی در فاز کمی را انجام دادیم. از یک چارچوب نظری استفاده کردیم و دانشجویان پزشکی و روانشناسی را برای اولین بار در ایران جهت ایفای نقش دانشجو بیمار استاندارد شده آموزش و روان‌سنجی کردیم. این مطالعه شامل ارزیابی‌های فوری و بلندمدت نیز شد. لذا طراحی و ارزیابی برنامه‌های توانمندسازی اساتید به شیوه آستی برای کمک به ارتقای نقش آموزشی مدرسان بالینی توصیه می‌شود.

کلمات کلیدی: آستی؛ بازخورد؛ بازاندیشی؛ اساتید بالینی؛ نظریه دونالدشون .

نگاهی به روند اجرای برنامه تحول و نوآوری آموزش عالی سلامت در ایران

دکتر رویا ملک زاده - دانشگاه ع. پ. مازندران ، دکتر مریم خزائی پول
- دانشگاه ع. پ. مازندران ، الهه محمودی - دانشگاه ع. پ. مازندران ،
فتانه عمویی - دانشگاه ع. پ. مازندران ،

مقدمه: برنامه ریزی آمایش سرزمین، روند جامعی از برنامه ریزی منطقه ای و بهترین مکمل برای برنامه ریزی کلان و ملی است. چرا که با دیدی وسیع و همه جانبه به فضای ملی نگاه می‌کند، همه مناطق کشور را از جهات مختلف مورد مطالعه و شناسایی قرار می‌دهد. سپس بر اساس توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و استعدادهای هر منطقه، نقش و مسوولیت خاصی را به آنها محول می‌کند. مهمترین خصوصیات آمایش سرزمین، جامع‌نگری، دوراندیشی، کل‌گرایی، کیفیت‌گرایی و سازماندهی فضای کشور و ابزار اصلی برنامه ریزی و تصمیم‌گیری‌های منطقه ای و ملی است. آمایش سرزمین در برنامه‌های توسعه ای ایران لحاظ شده است. تحول در نظام آموزش یکی از اثرگذارترین اقدامات و ضامن رشد و توسعه پایدار جوامع می‌باشد. اجرای برنامه تحول و نوآوری در آموزش پزشکی با بهره‌مندی از ظرفیت برنامه آمایش سرزمینی در پاییز ۱۳۹۴ در کشور آغاز گردید. هدف این مطالعه تبیین استقرار آمایش سرزمینی تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی ایران می‌باشد.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع مطالعه کیفی است. مشارکت‌کنندگان ۲۲ نفر از مدیران تحول و نوآوری آموزش دانشگاه‌های علوم پزشکی

کشور با حداقل سه سال فعالیت در زمینه تحول و نوآوری آموزش بودند. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته به صورت مبتنی بر هدف و روش گلوله برفی جمع آوری شد و تا اشیاع داده ها ادامه یافت. سپس پیاده کردن مصاحبه ها، تعیین واحدهای معنایی، کدگذاری، دسته بندی بر اساس تشابه و تناسب، شناسایی درون مایه ها انجام و با استفاده از روش تحلیل محتوا تحلیل و تفسیر شد. تحلیل داده های مطالعه با استفاده از روش گرانهم لوندمن انجام شد. جهت صحت و استحکام مطالعه از معیارهای پیشنهادی گوبا و لینکلن استفاده شد.

یافته ها: نتایج نشان داده است که با اجرایی شدن برنامه، تعامل هدفمند بین دانشگاه های منطقه و گفتمان تحول و نوآوری در محیط دانشگاهی به وجود آمد. همچنین در برخی بسته ها نظیر اعتباربخشی مؤسسات و مراکز آموزشی، ارتقاء نظام آزمون ها و پایش بسته های تحولی نتایج ملموس تر و در برخی بسته ها نظیر بین المللی شدن آموزش علوم پزشکی، آموزش علوم پزشکی مجازی و اعتلای اخلاق حرفه ای قدم های موثری برداشته شده است و در بسته های حرکت به سمت دانشگاه های نسل سوم، آموزش پاسخگو و عدالت محور و ارتقاء زیرساخت های آموزشی نیازمند توجه و برنامه ریزی بهتری می باشد.

بحث و نتیجه گیری: آمایش سرزمینی برنامه تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی موجب تقویت تعامل و ارتباط هدفمند بین دانشگاه های منطقه و ایجاد گفتمان تحول و نوآوری آموزش در فضاهای دانشگاهی گردید. از ظرفیت ها و پتانسیل های بالقوه موجود در هر یک از این دانشگاه های منطقه می توان در ایجاد مزیت های منطقه ای استفاده نمود. همچنین پیشنهاد می گردد جهت تداوم و استمرار برنامه به تقویت زیر ساخت های آموزشی، تامین منابع پایدار، توانمندی و ایجاد انگیزه در اعضای هیات علمی جهت مشارکت بیشتر در برنامه توجه نمود.

کلمات کلیدی: برنامه، تحول، آموزش، نوآوری

بررسی تأثیر مدیریت کیفیت فراگیر بر نتایج اعتباربخشی دوره داروسازی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۹

دکتر رویا ملک زاده - دانشگاه ع. پ. مازندران، قاسم عابدی - دانشگاه ع. پ. مازندران، غلامعلی گدازنده - دانشگاه ع. پ. مازندران، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران،

مقدمه: برای پرداختن به موضوع بسیار با اهمیت افزایش کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه ها از الگوها و ساز و کارهای گوناگونی استفاده می شود و در این میان اعتباربخشی به عنوان ابزار شناخته شده ای در دانشگاه های معتبر دنیا مورد استفاده قرار گرفته و جایگاه ویژه ای در

امر ارزیابی و نظارت به خود اختصاص داده است. یکی از راهکار های اجرای اعتباربخشی پیاده کردن مدیریت کیفیت جامع است. اجرای مدیریت فراگیر در مؤسسات آموزشی به عنوان یک استراتژی بسیار مهم می باشد و با اجرای آن می توان در هزینه ها صرفه جویی نمود و در ساختار سازمانی نیز تغییرات لازم را ایجاد کرد. لازمه استقرار مدیریت کیفیت فراگیر استفاده از اصول دمینگ و به کارگیری چرخه دمینگ است. دمینگ برای ایجاد بهبود مستمر در کیفیت، فرایند چرخه کیفیت را در ۴ مرحله برنامه ریزی، عمل، پایش و اجرا پیاده نموده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر مدیریت کیفیت فراگیر بر نتایج اعتباربخشی دوره داروسازی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مازندران انجام شد.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نظر هدف مداخله ای و از نظر نتایج کاربردی بود. جامعه پژوهش به صورت سرشماری، شامل شامل دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۹۹ بود. مداخله در زمینه اجرای اعتباربخشی با استفاده از چرخه دمینگ در چهار مرحله Plan, Do, Check, Act انجام شد. در مرحله Plan برنامه ریزی های مناسب جهت پیاده سازی الگوی اعتباربخشی نظیر تشکیل کمیته اعتباربخشی برنامه های آموزشی دانشگاه و دانشکده، انتخاب مدیر EDO دانشگاه به عنوان مدیر تام الاختیار جهت هدایت امور اعتباربخشی و... انجام شد. در مرحله Do کمیته اعتباربخشی دانشکده با کمک هر یک از مسئولین حیطه های اعتباربخشی نسبت به پیاده سازی و اجرایی نمودن استانداردها اقدام نمودند. در مرحله Check استانداردهای اعتباربخشی آموزشی اجرا شده مورد پایش مستمر قرار گرفت و نتایج پایش به هر یک از صاحبان فرایند بازخورد داده خواهد شد. در مرحله Act اقدام اصلاحی مورد نیاز جهت بهبود وضعیت طراحی گردید و همین چرخه تا حصول نتیجه مطلوب تکرار گردید. ابزار جمع آوری داده شامل چک لیست اعتباربخشی دوره داروسازی عمومی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی شامل ۸ حوزه، ۳۷ زیر حوزه با ۱۷۲ استاندارد (۱۳۷ استاندارد الزامی و ۳۵ استاندارد ترجیحی) بود که از این استانداردها حوزه رسالت با ۱۶ استاندارد، مدیریت و ساختار سازمانی با ۲۹ استاندارد، برنامه آموزشی (کوریکولوم) با ۳۱ استاندارد، ارزیابی دانشجو با ۱۵ استاندارد، دانشجویان با ۲۱ استاندارد، منابع با ۲۷ استاندارد، نیروی انسانی و اعضای هیات علمی با ۲۳ استاندارد و پژوهش با ۱۰ استاندارد مورد سنجش قرار گرفت. جهت تحلیل داده ها از میانگین و آزمون ویلکاکسون و فریدمن با استفاده از نرم افزار SPSS۲۲ استفاده شد.

یافته ها: نمره (امتیاز) اعتباربخشی دوره دکتری عمومی داروسازی قبل و بعد از مدیریت کیفیت جامع به ترتیب (۸۹، ۵۲±۰، ۱) و (۸۹، ۸۳±۰، ۱) بود. با توجه به آزمون فریدمن برای رتبه بندی حیطه های مختلف اعتباربخشی، بیشترین امتیاز قبل و بعد مداخله مربوط به حیطه های نیروی انسانی و هیات علمی (۸۹، ۷۸±۰، ۱) و ارزیابی دانشجو (۸۹، ۸۷±۰، ۱) بود. همچنین نتایج آزمون ویلکاکسون نشان داد که اختلاف

معناداری در نمره اعتباربخشی بیمارستان ها قبل و بعد از اعمال مداخله تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0.05$)، تفاوت معنی دار وجود داشت.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به یافته های مطالعه حاضر، مدیریت کیفیت فراگیر بر نتایج اعتباربخشی آموزشی دوره دکتری عمومی داروسازی تاثیر داشت. همچنین مداخله در تمامی محورهای اعتباربخشی بر اساس چرخه دمینگ (در ۴ مرحله برنامه ریزی، اجرا، پایش و اقدام اصلاحی) به جز محور منابع اثر گذار بود. اجرای برنامه اعتباربخشی در کشور، می تواند موجب کاهش معضلات آموزشی موجود در این بخش و ارائه خدمات باکیفیت تر به فراگیران و افزایش رضایت آن ها گردد. جهت اجرای موثر اعتباربخشی ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب، مشارکت و تعهد مدیران ارشد و توانمند سازی کارکنان توصیه می شود. از طرف دیگر فرایند اعتباربخشی، فرایندی آهسته و پیوسته و زمان بر می باشد و موفقیت در این زمینه با برنامه ریزی، اجرا، پایش و نظارت مستمر و اقدام اصلاحی در صورت انحراف و مغایرت حاصل می شود.

کلمات کلیدی: اعتباربخشی، مدیریت کیفیت فراگیر، چرخه دمینگ، مازندران

ورود به دانشگاه نوظهور؛ یک التزام عملی برای دانشگاه های علوم پزشکی

قباد رضانی - دانشگاه ع. پ. ایران، بداله زارع زاده، زهره سهرابی -

مقدمه: در کشور ما، اغلب دانشگاه ها در نسل های اول و دوم قرار دارند و فعالیت چندانی در راستای تجاری سازی یافته های پژوهش های دانشگاهی خود و تربیت افراد کارآفرین ندارند. ارتباط منسجم و پیوستگی مناسبی بین دانشگاه ها و جامعه وجود ندارد، و آموزش پاسخگو که اهم توجه آن به خواست و نیاز جامعه است، آنچنان در رگ های دانشگاه ها جریان پیدا نکرده است. حرکت به سوی دانشگاه نسل جدید که از خروجی های آن، فارغ التحصیلانی کارآفرینی و با مهارت بوده که فردای روز ارتباط عمیقی با جامعه توانسته برقرار کرده و ماحصل دوران دانشگاهی را به بوته عمل برساند، یک ضرورت شناخته شده محسوب خواهد شد. همچنین با انجام این روند دانشگاه های علوم پزشکی به دانشگاهی ثروت آفرین تبدیل می شوند که می توانند از وابستگی به بودجه های دولتی تا حد زیادی بکاهند. هدف از انجام این مطالعه بررسی التزام حرکت دانشگاه های علوم پزشکی به سوی دانشگاه های نسل های نوظهور (از جمله نسل سوم و چهارم) می باشد.

روش اجرا: تحقیق حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. از نظر روش گردآوری داده ها، این مطالعه در دو فاز جداگانه صورت پذیرفت. در فاز اول اقدام به بررسی متون و اسناد بالادستی در راستای

اهمیت و ضرورت دانشگاه های نوظهور در حیطه وزارت بهداشت صورت گرفت. در فاز دوم اقدام به انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با تعدادی از متخصصان دانشگاهی حول موضوع مطالعه نمودیم. مصاحبه ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. داده های هر دو بخش به صورت کمی و کیفی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج بیانگر این بود که هم اسناد بالادستی و هم متون مصاحبه تاکید بر آن داشتند که رفتن به سوی دانشگاه های نوظهور در حیطه علوم پزشکی، یک ضرورت ایجابی می باشد و چشم انداز و رسالت دانشگاه ها باید به سوی دانشگاه های نوظهور تغییر پیدا کند، آموزش در بستر و خدمت جامعه قرار گیرد، پاسخگویی آموزشی پررنگتر شود، برنامه های درسی مبتنی بر صلاحیت شوند و خروجی دانشگاه ها به سمت فارغ التحصیلی با مهارت و کارآفرین سوق یابد. ضمن اینکه بسته سوم از بسته های ده گانه طرح تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی ناظر بر (حرکت به سوی دانشگاه های نسل سوم) است. و نیز در اسناد بالادستی ورود به سوی دانشگاه علوم پزشکی نوظهور از اولویت های پژوهشی مرکز ملی تحقیقات راهبردی پزشکی در سال ۱۳۹۶ در نظر گرفته شده بود.

بحث و نتیجه گیری: ورود به دانشگاه های نسل سوم و چهارم که دانشگاهی با مشخصات کارآفرین، ثروت آفرین، نوآور و جامعه محور می باشند و خودگردان بوده و به بودجه های دولتی وابسته نیستند. و دارای انعطاف پذیری در پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی و راهبرد توجه و تمرکز بر فرصت های محیطی هستند که افراد را برای جستجوی این فرصتها آماده می کند؛ می تواند تا حد زیادی از هدر رفت سرمایه و منابع جلوگیری کرده، به تولید و خلق ثروت دانشگاه کمک نماید، منابع مالی و درآمدهای دانشگاه را افزایش دهد، دانشجویان و اعضای هیات علمی را به سمت کارآفرینی و اشتغال زایی، خلق ایده ها و اختراعات نو و... کمک نماید و تعالی جامعه را پی داشته باشد.

دیدگاه دانشجویان پزشکی در مورد علل درخواست غیر ضروری آزمایشات

اسماعیل فخاریان - دانشگاه ع. پ. کاشان، سید غلامعباس موسوی - دانشگاه ع. پ. کاشان، فریبا طاهری - زهرا ناظمی بیدگلی - دانشگاه ع. پ. کاشان، آیدین امیدوار،

مقدمه: هم زمان با شروع پزشکی مدرن، نقش آزمایشات بالینی به عنوان بخشی ضروری برای تشخیص و مراقبت بیمار بیش از پیش به چشم می خورد؛ به طوری که بیش از ۷۰ درصد از تصمیمات بالینی بر اساس یافته های آزمایشگاهی است. این در حالی است که علاوه بر روند رو به رشد درخواست تست های آزمایشگاهی، حدود دو سوم از آزمایشات روتین که برای بیماران تجویز می شود در تشخیص بیماری و

طراحی مدل فراگیر، پویا و مستمر برای جذب دانشجویان نخبه و با استعداد خارجی مبتنی بر عوامل، جنبه های انگیزشی

سارا داوودنیا - دانشگاه ع. پ. مشهد، علی عظیمی - دانشگاه ع. پ. مشهد، ابوالفضل خواجوی راد - محیا دادگر آزاد - دانشگاه ع. پ. مشهد - حورا اشرفی فرد - دانشگاه ع. پ. تهران .

مقدمه: یکی از اساسی ترین ارکان رقابت بین موسسات آموزش عالی سراسر دنیا در حوزه بین المللی سازی، جذب بیشتر دانشجوی خارجی است و به عنوان یکی از مهم ترین شاخصها در نظام های رتبه بندی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی از قبیل کیواس، تایمز و آی اس سی به کار میرود. این موضوع در اسناد بالادستی از جمله سند چشم انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴، قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، سند دانشگاه اسلامی، نقشه جامع علمی سلامت کشور، نظام رتبه بندی دانشگاههای جهان اسلام و همچنین اسناد و برنامه های اولویت دار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از قبیل بسته های تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی، برنامه های عملیاتی سالانه درخواستی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از دانشگاه های تابعه و شاخص های امتیاز آور نظام رتبه بندی راد همواره مورد توجه بوده است. در این راستا جهت جذب و پذیرش دانشجویان خارجی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد دنبال مدلی بودیم که ضمن داشتن جامعیت و استمرار، بتواند شرایط مختلف انعطاف پذیری لازم را داشته و بصورت پویا عمل نماید.

روش اجرا: مدلی که مبتنی بر عوامل انگیزشی بتواند مشارکت تمام افراد درگیر در فرآیند را جلب کرده، نیازهای آنها را شناسایی نموده و برای تأمین آنها راهکار متناسبی ارائه دهد. براساس سوابق و مطالعات موجود، اسناد بالادستی و برنامه های توسعه پنج ساله کشور، برنامه استراتژیک دانشگاه، برنامه جامع علمی سلامت، بسته های تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی، مدیران ارشد دانشگاه، مدیران گروه های آموزشی و روسای دانشکده های تابعه، اعضای هیات علمی دانشگاه و متقاضیان، دانشجویان خارجی بعنوان ذینفعان اصلی فرآیند شناسایی شدند. دیدگاه های مدیران ارشد دانشگاه، مدیران گروه های آموزشی، روسای دانشکده های تابعه، اعضای هیات علمی دانشگاه از طریق تشکیل جلسات مشترک در ستاد دانشگاه و دانشکده های تابعه، طرح موضوع در شورای دانشگاه، طرح موضوع در چندین جلسه هیات رییسه و هیات امنای دانشگاه، شورا های تخصصی از قبیل شورای آموزشی و شورای تحصیلات تکمیلی، کارگروه بین المللی سازی آموزش دانشگاه و در نهایت تشکیل ستاد اعتباربخشی دانشگاه مشخص شده و مطالبات ایشان روشن گردید. خواسته ها و مطالبات متقاضیان و دانشجویان خارجی با تشکیل جلساتی با حضور نمایندگان دانشجویان در ستاد دانشگاه، نشست های هم اندیشی دانشجویان خارجی با مدیران ارشد دانشگاه و کانال ارتباطی در شبکه های اجتماعی دریافت گردید. پس از تعیین نیازها و طی جلسات برگزار شده، اولویت بندی آنها و نحوه تحقق هر کدام مشخص شد. سپس

روند درمان آن نقشی ندارد. محیط یادگیری نقش مهمی در رفتارهای حرفه ای در بین دانشجویان پزشکی دارد و موجب شکل گیری عادت هایی می شود که در الگوهای عملی آینده آنها نقش می بندد. از این رو توانایی پزشکان در زمینه تصمیم گیری مبتنی بر هزینه کرد هوشمند به کاهش هزینه ها کمک خواهد کرد. این مطالعه با هدف جمع آوری نقطه نظرات دانشجویان پزشکی جهت شناسایی عوامل مرتبط با درخواست غیر ضروری تست های آزمایشگاهی انجام گرفت.

روش اجرا: این مطالعه در یک بیمارستان عمومی و آموزشی، روی تمام اینترن ها و رزیدنت های گروه های بالینی جراحی بیمارستان انجام شد. در ابتدا به منظور شناسایی عوامل در ارتباط با درخواست تست های آزمایشگاهی، بررسی متون صورت گرفت. پس از بحث و تبادل نظر در جلسات فوکوس گروپ با حضور تیمی چند رشته ای، پرسشنامه ای محقق ساخته، به منظور شناسایی علل درخواست بیش از اندازه تست های آزمایشگاهی طراحی گردید و برای جمع آوری نقطه نظرات در اختیار اینترن ها و رزیدنت های گروه های بالینی جراحی قرار گرفت. از نمونه های پژوهش درخواست شد از بین عوامل مؤثر بر درخواست بیش از اندازه و غیر ضروری تست ها، مواردی که روی رفتار دستوردهی پزشکان مؤثر بودند را در پنج مقیاس "کاملاً موافق - موافق - بی نظر - مخالف - کاملاً مخالف" تعیین نمایند. داده ها در قالب نرم افزار SPSS ۱۶،۰ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد از مجموع افراد شرکت کننده در مطالعه، ۱۰۸ نفر (۸۷٪) اینترن و ۱۶ نفر (۱۲٪) رزیدنت بودند. همچنین از مجموع اینترن ها و رزیدنت های مورد مطالعه، ۷۵ نفر (۶۰٪) زن و ۴۹ نفر (۳۹٪) مرد بودند. از دیدگاه اینترن ها، درخواست روتین تست های آزمایشگاهی (۷۶٪)، الگوبرداری از سایر پزشکان (پزشکان ارشد و هم تایان) (۶۵٪)، عدم آگاهی از هزینه آزمایشات و همچنین عدم بازخورد پزشک ارشد در خصوص تجویز آنها (۵۹٪) علت درخواست آزمایشات غیر ضروری بود. در حالی که از دیدگاه رزیدنت ها مهم ترین علل درخواست غیر ضروری آزمایشات درخواست روتین تست های آزمایشگاهی و عدم دسترسی به پزشکان ارشد در زمان تجویز تست (۶۲٪)، الگوبرداری از سایر پزشکان (پزشکان ارشد و هم تایان) و عدم توجه به دستورات قبلی تست های آزمایشگاهی (۵۶٪) بود.

بحث و نتیجه گیری: اجرای مداخلات در راستای تغییر در فرهنگ و رفتار دستورنویسی، افزایش شفافیت هزینه های مرتبط با خدمات بهداشتی و درمانی برای دانشجویان پزشکی، ادغام دوره های آموزشی مراقبت مبتنی بر هزینه کرد هوشمند و حرکت به سمت اجرای برنامه های نظارتی، می تواند در ارائه مراقبت با ارزش بالا و هزینه اثربخش به بیماران نقش مهمی ایفا نماید.

بوده است. همچنین این مدل سبب افزایش چندصددرصدی دانشجوی جذب شده در سالهای بعد از کسب مجوز را داشته است به طوری که پس از یکسال از کسب مجوز، رشدی در حدود ۴۰۰ درصدی داشته ایم.

مشاوره و حمایت دانشجویی

تأثیر آموزش بین حرفه ای سلامت معنوی بر سبک زندگی

دانشجویان نظامی

یزدان احمدی - دانشگاه ع. پ. ارتش، حسین باباتبار، مینو اسدزندی، مجتبی سپندی،

مقدمه: شیوه زندگی سالم منبعی ارزشمند برای کاهش شیوع و تأثیر مشکلات بهداشتی و ارتقای سلامت، تطابق با عوامل استرس زای زندگی و بهبود کیفیت زندگی است. داشتن سلامت معنوی در زندگی به ما کمک می کند تا آنچه را که مردم انجام می دهند، دلیل انجامشان و معنی عملشان برای خودشان و دیگران را درک کنیم. در مقاله حاضر تأثیر آموزش بین حرفه ای سلامت معنوی بر سبک زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی در سال ۱۳۹۸ بررسی شده است.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع مداخله ای نیمه تجربی و در بازه زمانی بین اسفند ماه ۱۳۹۷ تا خرداد ماه سال ۱۳۹۸ انجام شد. جامعه آماری پژوهش حاضر ۲۳۰ نفر از دانشجویان سال آخر پرستاری و پیراپزشکی که در دانشگاه علوم پزشکی آجا مشغول به تحصیل بودند تشکیل شدند که ۱۱۰ نفر از آنها با روش تعیین حجم نمونه کوکران انتخاب شده و ضمن انجام مداخله آموزشی، به پرسشنامه های جمعیت شناختی و سبک زندگی ارتقاء دهنده سلامت پاسخ دادند.

یافته ها: نتایج به دست آمده نشان گر تأثیر معنادار آموزش بین حرفه ای سلامت معنوی بر سبک زندگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی می باشد. بیشترین تأثیرگذاری برای متغیر مسئولیت پذیری در مورد سلامت و تغذیه با میزان اثر مشاهده شده ی، ۴۹۰ و کمترین میزان تأثیرگذاری برای متغیر روابط بین فردی با میزان t مشاهده شده، ۰۰ (بود).

بحث و نتیجه گیری: با توجه به تأثیر معنادار آموزش بین حرفه ای سلامت معنوی بر سبک زندگی دانشجویان و اینکه این افراد در آینده مسئولیت و نقش مهمی در ارائه خدمات تخصصی در سیستم سلامت کشور خواهند داشت و در بسیاری از موارد الگوی رفتاری برای جامعه خواهند بود، لازم است مسئولین امر آموزش جهت بازنگری، به روز کردن، در صورت لزوم تجدید نظر در محتوا و برنامه های آموزشی دروسی و گنجانیدن مبحث "سلامت معنوی" اقدام جدی بعمل آورند.

پیش نویس شیوهنامه ها، بسته های تشویقی، فرآیندهای مورد نیاز تدوین و در جلسات متعدد کارشناسی طرح و بررسی گردید. پیش نویس های تهیه شده برای دریافت نظرات صاحب نظران حقیقی و حقوقی از طریق ایمیل و نامه های اتوماسیون برای ایشان ارسال گردید. نظرات دریافتی پس از جمع بندی در جلسات کمیته پذیرش مورد بررسی قرار گرفت. بسته های تدوین شده با توجه به ماهیت و موضوع مباحث، موارد پیشنهادی برای تصویب در کمیته ها، شورا های تخصصی، هیات رییسه و هیات امنای دانشگاه ارسال گردید. مصوبات جلسات مذکور جهت اجرا به دانشکده های تابعه و سایر ذیربطان ابلاغ گردید. با توجه به اینکه لازمه حیات و بهبود هر مدلی، پویایی و استمرار آن است، این مدل به صورت چرخشی و مبتنی بر دریافت بازخورد و با استفاده از نظرات ذینفعان طراحی شده است. بعد از تصویب و ابلاغ شیوهنامه ها، بسته ها و فرآیندهای تشویقی، حمایتی تدوین شده به دانشکده های تابعه و ذیربطان به صورت مستمر و حداقل دوماه یکبار مکاتباتی با دانشکده های تابعه و اعضای کمیته پذیرش در خصوص ارسال نظرات و پیشنهادات جهت ارتقای فرآیندهای جاری صورت گرفته و موارد دریافتی در دستور کار کمیته پذیرش قرار می گیرد. پیشنهادات دریافتی در جلسه مذکور مورد بررسی قرار گرفته و جمع بندی جلسات در صورت نیاز به تصمیم گیری در مراجع بالاتر و حسب مورد با توجه به ماهیت و موضوع برای تصویب در کمیته ها، شورا های تخصصی، هیات رییسه و هیات امنای دانشگاه ارسال می گردد. بسته های پیشنهادی ارتقا یافته جهت اجرا به دانشکده های تابعه و سایر ذیربطان ارسال می گردد. چرخه ای انتهای فرآیند با دریافت بازخورد از ذینفعان و اصلاح مستمر و پویا با هدف ارتقای کیفیت جذب دانشجویان خارجی در حال انجام است. به طور خلاصه این مدل شامل: عوامل انگیزشی مدیران ارشد (ارتقا جایگاه دانشگاه در رتبه بندی های ملی و جهانی، دریافت تأییدیه از سازمان های اعتباربخشی بین المللی، کسب درآمد، حرکت به سمت دانشگاه نسل سوم، ایفای مسئولیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی)، عوامل انگیزشی دانشجو (تسهیل کننده ها: ایجاد کانال ارتباطی دائم، جلسات پرسش و پاسخ با مدیران، هماهنگی تسهیل در امور کنسولی، طراحی سایت، سامانه درخواست پذیرش آنلاین. شیوه نامه های حمایتی: تدوین و ابلاغ منو رشیبی، راه اندازی کالج پیش دانشگاهی متقاضیان، طراحی مدل آموزشی انعطاف پذیر. بسته های تشویقی: شیوه نامه تخفیف شهریه، بورس نوع یک و دو، تقدیر از نفرات برتر)، عوامل انگیزشی اساتید (افزایش حق التدریس، اعطای رتبه تشویقی، توسعه روابط بین الملل، تامین هزینه های پایان نامه)، عوامل انگیزشی گروه های آموزشی و دانشکده های تابعه (شیوه نامه هزینه کرد شهریه و تخصیص درصدی از شهریه به گروه ها و دانشکده های ذی ربط، برنامه عملیاتی و رتبه بندی دانشکده ها، محوریت در کارگروه مصاحبه و حسب موضوع دعوت در جلسات کمیته پذیرش) از جمله عوامل موثر در کسب رتبه سوم در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ در رتبه بندی وزارت بهداشت در طرح راد و مطابق با بند خروجی های تأثیرگذار و همچنین کسب رتبه سوم در نظام رتبه بندی بین المللی تایمز ۲۰۲۰ به کارگیری این مدل

تبیین مولفه های سیستم حمایتی دانشجویان در یادگیری ترکیبی

مژگان محمدی مهر - دانشگاه ع. پ. ارتش، زهره سادات میرمقتدایی - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی،

مقدمه: خدمات پشتیبانی عنصر بسیار مهمی برای کلیه موسسات آموزشی است. اهداف این مطالعه تبیین مولفه های سیستم پشتیبانی دانشجویی در آموزش ترکیبی دانشگاه های علوم پزشکی در ایران بود. **روش اجرا:** مطالعه حاضر از نظر کیفی با رویکرد اکتشافی انجام شد. مصاحبه نیمه ساختاری ابزاری بود که برای دستیابی به اشیاع داده ها مورد استفاده قرار گرفت، که با ۱۷ متخصص و متخصص مصاحبه کرد و به اشیاع اطلاعات رسید. این مطالعه در دانشگاه علوم پزشکی آجا در تهران در سال ۲۰۲۰ انجام شد. تجزیه و تحلیل داده ها به صورت تجزیه و تحلیل موضوعی با روش آترید استرلینگ انجام شد.

یافته ها: نتایج تحلیل محتوای مصاحبه ها ۶ تم اصلی "پشتیبانی علمی-شناختی"، "پشتیبانی سیستماتیک"، "پشتیبانی منابع انسانی"، "حمایت عاطفی"، "پشتیبانی فنی" و "حمایت مالی - اقتصادی" به دست آمد. نتیجه: بر اساس نتایج این مطالعه، ۶ مولفه اساسی و زیر مولفه های آن از سیستم پشتیبانی دانشجویی بدست آمده است. پیشنهاد می شود مسئولان دانشگاه های علوم پزشکی با تحصیلات ترکیبی از نتایج این مطالعه در تنظیم سیستم آموزشی خود برای موفقیت تحصیلی دانشجویان پزشکی استفاده کنند.

کلمات کلیدی: دانشجوی، سیستم پشتیبانی، یادگیری ترکیبی، تحقیق کیفی

نیازسنجی آموزشی، پژوهشی و رفاهی دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی گیلان

علی سعادت رشتی - دانشگاه ع. پ. ایران، ایده دادگران - دانشگاه ع. پ. گیلان، حسین خوشترنگ - صدیقه فلاح بوساری - دانشگاه ع. پ. گیلان.

مقدمه: دانشجویان نخبه و استعداد درخشان به عنوان سرمایه اجتماعی متخصص و ارزشمند برای کشور محسوب می شوند. نیازهای خاص این قشر نظیر مشکلات آموزشی، پژوهشی، انزوای اجتماعی، فشارهای بیرونی برای موفقیت و... اهمیت توجه ویژه به این قشر را ضروری می سازد، ضمن این که روند مهاجرت نخبگان این ضرورت را دوچندان نموده است. نیازسنجی به عنوان فرآیند شناسایی و اولویت بندی نیازها تعریف می شود، نیازهایی که از فاصله بین شرایط فعلی و شرایط مطلوب شکل می گیرند. این فرآیند اولین گام در برنامه ریزی آموزشی به شمار می رود. با توجه به عدم وجود پیشینه پژوهش های علمی جامع و

به روز در جهت تعیین دقیق نیازهای دانشجویان استعداد درخشان علوم پزشکی، مطالعه پیش رو صورت پذیرفت. هدف: مطالعه حاضر با هدف تعیین نیازهای دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در حوزه های آموزشی، پژوهشی و رفاهی صورت گرفته است.

روش اجرا: این مطالعه مقطعی به روش توصیفی بر روی ۱۱۳ نفر از دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷، با استفاده از پرسشنامه الکترونیکی محقق ساخته انجام گرفت. پرسشنامه حاوی سؤالات درباره اطلاعات دموگرافیک و تحصیلی و نیز فهرستی از کارگاه های آموزشی و پژوهشی و تسهیلات رفاهی (شامل ۴۸ گزینه) به همراه سؤالاتی درباره نحوه تعامل دانشجویان با دفتر استعداد درخشان بوده که دانشجویان استعداد درخشان شرکت کننده در مطالعه برحسب اولویت بندی نیازهای خود امکان انتخاب آزادانه از میان گزینه ها و نیز پیشنهاد گزینه های دیگر دلخواه را داشتند. اطلاعات رسانی پرسشنامه به دانشجویان از طریق ارسال پیامک، انتشار در وبسایت دانشگاه، گروه های مجازی و خبررسانی از طریق دانشکده ها صورت پذیرفت. داده ها وارد نرم افزار SPSS ورژن ۲۳ گردید و آنالیز توصیفی با استفاده از شاخص های آماری فراوانی و میانگین بر روی داده ها انجام گرفت.

یافته ها: تعداد ۱۱۳ نفر از دانشجویان استعداد درخشان به پرسشنامه حاضر پاسخ دادند که میانگین سنی آن ها 23 ± 5 سال و ۷۳٪ آن ها زن بودند. دانشجویان مقطع دکتری حرفه ای با ۶۹٪، ۶٪ و از این میان دانشجویان رشته پزشکی با ۷۷٪، ۲۵٪ بیشترین شرکت کنندگان در این مطالعه بودند. ۸۸٪ دانشجویان عدم آشنایی یا آشنایی کم و خیلی کم با واحد استعداد درخشان داشتند. بیشترین اولویت نیاز دانشجویان استعداد درخشان به ترتیب به برگزاری کارگاه های مکالمه انگلیسی (۸۹٪)، مقاله نویسی (۷۷٪)، برنامه ریزی برای توسعه فردی (۶۴٪)، اصول ارائه در مجامع علمی (۶۰٪)، یادگیری الکترونیکی (۴۷٪) و تفکر خلاق (۴۷٪) گزارش گردید. از نظر روش برگزاری کارگاه ها، شیوه حضوری با ۵۲٪ و شیوه ترکیبی (حضوری و مجازی) با ۴۸٪ بیشترین اقبال را در میان دانشجویان داشته است. در نیازسنجی از تسهیلات رفاهی به ترتیب ۶٪، ۶۴٪ دانشجویان "تسهیلات شرکت در مجامع علمی" و ۵۷٪ آنان "اعطای بن خرید کتاب" را به عنوان اولویت نیاز خود اعلام نمودند. ارسال پیامک و استفاده از پیام رسانی های تلفن همراه به ترتیب با ۵٪، ۸۰٪ و ۴۸٪ روش های ارجح اطلاع رسانی حوزه استعداد درخشان از دیدگاه دانشجویان بودند.

بحث و نتیجه گیری: نیازهای اولویت دار دانشجویان استعداد درخشان دانشگاه علوم پزشکی گیلان در حوزه آموزش های کاربردی (همانند یادگیری زبان، رشد فردی، یادگیری الکترونیکی و تفکر خلاق) و همچنین در حوزه کاربردی پژوهشی (مانند مقاله نویسی و ارائه علمی)، به موازات نیاز به تسهیلات رفاهی (در جهت تسهیل فعالیت ها) شناسایی

گردید. این یافته‌ها نشان از ضرورت توجه همه‌جانبه به ابعاد مختلف زندگی دانشجویان استعداد درخشان علوم پزشکی و تلاش برای برنامه‌ریزی منسجم‌تر برای رفع نیازهای این دانشجویان دارد، که منجر به توسعه و حفظ نیروی انسانی متخصص و ماهر برای کشور و نظام سلامت خواهد شد. همچنین نظر به آشنایی محدود دانشجویان با دفتر استعداد درخشان، تعامل بیش‌ازپیش با دانشجویان استعداد درخشان نسل هزاره با استفاده بهینه از امکانات ارتباطی نوین پیش‌نیازی مهم به نظر می‌رسد.

بررسی سطح اضطراب دانشجویان پزشکی ترم اول دانشگاه علوم پزشکی مشهد پس از مواجهه با کاداور به دنبال دریافت مینی لکچرهای حمایتی

ریحانه شفیعیان - دانشگاه ع. پ. مشهد،

مقدمه: علوم تشریحی یکی از دروس اصلی و مهم کوریکولوم دانشجویان پزشکی می باشد که به طور فشرده ای در طی چند ترم اول ورود این دانشجویان به آنها ارائه می گردد. ماهیت یادگیری این درس و بخصوص بخش آناتومی آن دانشجو را موظف به گذراندن واحدهای عملی متعددی می کند که مکمل مطالعه تئوری این درس می باشند. در این بین، واحد درسی آناتومی عملی به علت نیاز به مطالعه و یادگیری دقیق احشاء و عروق و اعصاب مرتبط با آن در برگیرنده مواجهه با جسد فیکس شده بدن انسان (کاداور) می باشد که این مواجهه، اغلب اولین مواجهه یک دانشجوی پزشکی ترم اول با جسد می باشد. اولین مواجهه با کاداور به خودی خود می تواند یک منبع استرس زای بزرگ برای دانشجویان پزشکی باشد. مطالعات متعددی درباره اولین تجربه یک دانشجوی پزشکی ترم اول با کاداورو تاثیر آن بر روی کیفیت فیزیکی و روانی زندگی وی انجام شده است. برخی مطالعات گزارش کرده اند که تا ۳۰٪ دانشجویان در حین و پس از اولین مواجهه با کاداور حالت های ناخوشی فیزیکی مانند تهوع و سرگیجه را تجربه می کنند. از طرفی، مطالعات قبلی نشان داده اند که نوع تجربه ای که دانشجویان در مواجهه اول با کاداور دارند می تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار بگیرد. طبق برخی از مطالعات، دانشجویان پزشکی که قبل از مواجهه با کاداور روش های متفاوت حمایتی را دریافت کرده اند سطح اضطراب پایین تری را پس از مواجهه تجربه کرده اند. بعلاوه، درصد بالاتری از این دانشجویان نه تنها احساسات ناخوشایندی را در مواجهه با کاداور تجربه نکرده بودند، بلکه به این تجربه به طور مثبتی نگریده بودند. هدف از انجام این مطالعه، بررسی میزان تاثیر روش های متفاوت حمایتی بر سطح اضطراب دانشجویان پزشکی سال اول دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که قبلا با کاداور برخورد نداشته اند، بلافاصله بعد از مواجهه با کاداور و طی یک فالوآپ دو ماهه است. بعلاوه، میزان اضطرابی که این دانشجویان قبل و بعد از مواجهه با کاداور تجربه کرده اند با ابعاد

شخصیتی غالب آنها سنجیده شده و ارتباط معنی دار بین آنها، در صورت وجود، بررسی خواهد شد.

روش اجرا: این مطالعه بر روی دانشجویان سال اول پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد که قبلا با کاداور مواجهه نداشته اند، صورت گرفت. این دانشجویان در ابتدا به طور تصادفی به پنج گروه تقسیم شده و سپس هر گروه یک فرم سنجش اضطراب را بلافاصله قبل از مواجهه پر نمودند. سپس چهار گروه از آنها یکی از چهار نوع درمان حمایتی را دریافت کرده و گروه پنجم نیز به عنوان گروه کنترل عمل کرده و هیچ درمانی ننمود. سپس همگی با کاداور مواجه شده و مجددا فرم سنجش اضطراب توسط هر فرد پر شد. تیپ شخصیتی غالب نیز با پرسشنامه مخصوص سنجیده شد. روش های حمایتی مورد استفاده در این مطالعه عبارتند از: الف- صحبت با دانشجو درباره تاثیری که این مواجهه بر روی یادگیری آنها می گذارد چرا که موقعیت احشاء و اندام های مختلف بدن بر روی کاداور، نسبت به مولاژها، به میزان بالاتری قابل درک و مشاهده بوده و در نتیجه ضریب یادگیری و به خاطر سپردن جزئیات آناتومیک توسط دانشجو افزایش می یابد (حمایت آموزشی). ب- نگرستن به کاداور به عنوان یک مولاژ آموزشی همانند سایر مولاژهای موجود در بخش تشریح و عدم تفکر در مورد متعلق بودن آن به یک انسان (حمایت نگرشی). ج- مواجهه با کاداور به عنوان یک انسان فوت شده که در این روش، در ابتدا خلاصه مختصری از تاریخچه علم تشریح و قدمت این علم برای دانشجویان بازگو شده، سپس دانشجویان با سن تقریبی، شرح مختصری از چگونگی فوت و تحویل گرفته شدن وی توسط گروه علوم تشریح دانشکده آشنا شده و بدین ترتیب از مجهولات ذهنی شان کاسته می شود (حمایت تعلیمی). د- صحبت در مورد زندگی پس از مرگ و ارتباط دادن مواجهه با جسد انسان با عقاید مذهبی و کمک گرفتن از عقاید مذهبی جهت روبرو شدن با این تجربه (حمایت مذهبی)

یافته ها: آنالیز آماری نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که سطح اضطراب در گروه های بدون درمان و گروه دریافت کننده حمایت آموزشی به طور معناداری افزایش یافته بود در حالی که دریافت روش های حمایتی نگرشی و مذهبی توانسته بود به طور معناداری سطح اضطراب را در دانشجویان تحت مداخله کاهش دهد. دریافت حمایت تعلیمی در سطح اضطراب دانشجویان تغییر معناداری ایجاد نکرده بود. بعلاوه جنس مونث در مجموع سطح اضطراب بالاتری را تجربه کرده بودند

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که بیش از نیمی از دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه قبل از مواجهه با کاداور سطح اضطراب بالایی را تجربه می کردند Schneller .

تأثیر برنامه منتورینگ بر انگیزه، پیشرفت تحصیلی و عملکرد پژوهشی دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال تحصیلی ۹۹-۹۸

الهه میانه ساز - فاطمه حاجی رضائی کاشان - دانشگاه ع. پ. کاشان ،
فخرالسادات میرحسینی - دانشگاه ع. پ. کاشان ، لیلا سحرخوان -
دانشگاه ع. پ. کاشان - محمد جواد آزادچهر - محسن تقدسی -
حکیمه زمانی بادی، فاطمه ابراهیم زاده - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه: منتورینگ، به عنوان یکی از رویکردهای نوین آموزشی و استراتژی، نقش مهمی در توسعه حرفه‌ای دانشجویان پرستاری دارد. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر اجرای برنامه منتورینگ بر انگیزه، پیشرفت تحصیلی و عملکرد پژوهشی دانشجویان کارشناسی پرستاری در دانشگاه علوم پزشکی کاشان صورت گرفت.

روش اجرا: در این مطالعه نیمه تجربی دارای پیش‌آزمون-پس‌آزمون، ۲۳ نفر از دانشجویان کارشناسی پرستاری با معدل و انگیزه پایین بطور سرشماری انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه منتهی (۱۲ نفر) و کنترل (۱۱ نفر) تقسیم شدند. شش نفر دانشجوی استعداد درخشان کارشناسی ارشد که معیارهای ورود به مطالعه را داشتند به عنوان منتور در نظر گرفته شدند. شش گروه منتورشیپ شامل یک نفر منتور و دو نفر منتهی تشکیل شد. به مدت یک نیمسال منتهی ها تحت هدایت منتورها و گروه کنترل به شیوه معمول به تحصیل پرداختند. انگیزه تحصیلی، معدل و عملکرد پژوهشی دانشجویان دو گروه در شروع و پایان نیمسال تحصیلی ارزیابی شد و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ و آزمون‌های تحلیل کوواریانس و تی مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت

یافته‌ها: در پایان نیمسال در مقایسه پس آزمون نسبت به پیش آزمون، انگیزه تحصیلی در گروه کنترل به طور معناداری کاهش یافته بود ($p=0.008$) ولی در انگیزه تحصیلی دانشجویان گروه هدف (منتهی) تفاوت معناداری ایجاد نشد ($p=0.938$). وضعیت تحصیلی (معدل) در گروه کنترل به طور معناداری افت کرد ($p=0.001$) و در گروه منتورشیپ تفاوت معنی داری نکرده ($p=0.571$). در پایان نیمسال، فعالیت پژوهشی در گروه کنترل ۸۲ درصد و در گروه منتورشیپ ۲۳۰ درصد رشد داشت. در مقایسه بین گروهی بعد از اجرای این طرح، در انگیزه گروه منتورشیپ نسبت به گروه کنترل تفاوت معنی داری ایجاد نشد ($p=0.072$) ولی عملکرد آموزشی ($p=0.005$) و عملکرد پژوهشی گروه منتورشیپ نسبت به گروه شاهد به طور معنی داری بهتر شد ($p=0.004$).

بحث و نتیجه گیری: یافته‌های این مطالعه نشان داد به کارگیری شیوه آموزشی منتورینگ، ارتقای عملکرد آموزشی و پژوهشی و جلوگیری از افت انگیزه تحصیلی دانشجویان پرستاری را در پی دارد.

بررسی سطح مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان

پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال ۹۷

اکبر صولتی - ، محمدرضا صفدری - ، مهران وطنچیان - دانشگاه ع. پ. بجنورد ، زهره گریوانی - دانشگاه ع. پ. بجنورد ، شاهین مافی نژاد -

مقدمه: مهارت‌های ارتباطی دانشجویان پزشکی به اشکال مختلف در روند بهره‌برداری و حین ارائه خدمت در محیط‌های بهداشتی درمانی و آموزشی دارای تأثیر بسزایی هستند. مهارت‌های ارتباطی به عنوان مهم‌ترین ویژگی لازم برای شاغلین مراقبت‌های بهداشتی و درمانی توصیف شده‌است. بهبود مهارت‌های ارتباطی نتایج خوبی را برای طرفین در برخواهد داشت. بدون مهارت‌های ارتباطی هیچ‌کدام از مهارت‌های دیگر امکان بروز و موفقیت را نخواهند داشت. این پژوهش با هدف بررسی سطح عملکرد مهارت‌های ارتباطی بین فردی و عوامل موثر بر آن در دانشجویان شاغل به تحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال ۹۷ انجام شده‌است

روش اجرا: در این مطالعه توصیفی تحلیلی تمامی دانشجویان شاغل به تحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی در سال ۱۳۹۷ در صورت رضایت وارد مطالعه شدند. به دانشجویان اطمینان داده شد که اطلاعات شخصی آنها محرمانه خواهد بود و انتشار نتایج به صورت جمعی خواهد بود. بعد از مشخص شدن نمونه‌های نهایی، پرسشنامه در حضور پرسشگر توسط افراد تکمیل شده و بلافاصله جمع‌آوری شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، شامل چک لیست داده‌های دموگرافیک و پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی جرابک بود. پس از ورود داده‌ها در برنامه SPSS ، آنها مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند .

یافته‌ها: در مجموع ۳۲۳ دانشجو وارد مطالعه شدند. از میان دانشجویان ۱۵۹ (۲)، ۴۹ درصد) پسر و ۱۶۴ (۸)، ۵۰ درصد) مورد دختر بودند. بیشترین فراوانی مربوط به معدل ۱۶-۱۵ بوده‌است، در ۷، ۲۸ درصد دانشجویان و پس از آن معدل ۱۶-۱۷ در ۴، ۳۳ درصد و ۱۸-۱۷ در ۹، ۱۴ درصد دیده شد. از میان دانشجویان ورودی‌های سال ۱۳۹۶ که در مجموع ۷۳ نفر (۶، ۲۲ درصد) بودند، در کلاس‌های مهارت‌های ارتباطی شرکت داشتند و ۲۵۰ نفر (۴، ۷۷ درصد) شرکت نداشتند. مجموع امتیاز کسب شده توسط دانشجویان ۱۱۴۶۰ با انحراف استاندارد ۲۰۷۸ بوده‌است. سپس این میانگین به تفکیک سال ورودی، جنسیت، وضعیت معدل و شرکت در کلاس‌های آموزش مهارت ارتباطی بررسی شد. نمرات مربوط به پرسشنامه در میان ورودی‌های ۹۶، ۹۰ و ۹۱ به طور معنی داری نسبت به سایر ورودی‌ها بیشتر بوده‌است ($p=0.0001$). نمرات مربوط به پرسشنامه در میان زنان نسبت به مردان به طور معناداری بیشتر بوده‌است ($p=0.024$) و در افراد شرکت‌کننده در

کلاس‌های مهارت‌های ارتباطی نیز بیشتر بوده است ($p=0,0001$). نمره بین ۶۸-۳۴: مهارت‌های ارتباطی ضعیف، نمره بین ۱۰۲-۶۸: مهارت‌های ارتباطی متوسط و نمره بالاتر از ۱۰۲: مهارت‌های ارتباطی قوی در نظر گرفته شد. که این دسته‌بندی به تفکیک سال ورودی، جنسیت و نیز شرکت در کلاس‌ها براساس آزمون دقیق فیشر بررسی شد که متغیر مهارت ارتباطی با سال ورودی و شرکت در کلاس‌ها ارتباط معنی‌داری داشته است.

بحث و نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد سطح توانمندیهای دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بجنورد در زمینه مهارت‌های برقراری ارتباط در دانشجویان مقطع علوم پایه در جایگاه مطلوبی قرار ندارد و در عمل نیاز به وجود برنامه مدونی برای آموزش این مهارت‌ها برای آنها ضروری است. دانشجویان ورودی سال ۹۶ که در کلاس‌های آموزشی مهارت‌های ارتباطی شرکت داشته‌اند با نتایج مثبت همراه بوده است. لذا ضمن پیشنهاد انجام مطالعات بیشتر به خصوص مطالعات مداخله‌ای در این زمینه، پیشنهاد می‌شود جهت تقویت هرچه بیشتر مهارت‌های ارتباطی بین فردی برای دانشجویان، برنامه‌های آموزشی به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند در قالب واحد درسی و یا کارگاه آموزشی برای دانشجویان برگزار گردد.

تحلیل ابعاد سلامت روانی یادگیری وابسته به اینترنت : افسردگی و شادکامی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی دانشجویان

عصمت نوحی - دانشگاه ع. پ. کرمان ، حمید رضا شرکاء - ، عاطفه عوض نیا - ،

مقدمه: مشکلات جسمانی و روانی دانشجویان در شرایط بحران کرونا و آموزش مجازی قابل بررسی و پیشگیری است. علیرغم منافع زیاد آموزش مجازی و اینترنت استفاده ناصحیح و طولانی مدت آن می‌تواند علاوه بر مشکلات جسمی: خستگی، افت کارکرد درسی و شغلی، نظام ایمنی بدن را ضعیف کند و فرد آسیب پذیری بیشتری به بیماری پیدا کند. افزون بر این، به علت عدم ورزش و حرکات مناسب، اختلال وزن، مشکلات عصب‌های مچ، درد پشت، چشم درد و مانند آن به همراه داشته باشد. همچنین وابستگی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بخصوص در آموزش مجازی، ابعاد سلامت روانی، زندگی تحصیلی و اجتماعی دانشجویان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا به دلیل اهمیت و کاربرد اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در بین دانشجویان خصوصا در شرایط آموزش مجازی این تحقیق به بررسی این مهم در دانشگاه می‌پردازد. هدف از این مطالعه تعیین ابعاد روانی افسردگی و شادکامی وابستگی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی دانشجویان بوده است.

روش اجرا: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی است. ۵۱۰ نفر از دانشجویانی که در سال ۹۸ مشغول تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی کرمان بودند، نمونه تحقیق را تشکیل دادند. فرایند نمونه‌گیری به صورت چند مرحله‌ای و هر دانشکده به عنوان یک خوشه تعریف شد. در این مطالعه ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه وابستگی به اینترنت Young, Kimberly شامل ۲۳ سؤال با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای بود. دامنه نمرات این آزمون از صفر تا ۹۲ بوده است که نمره بیشتر، نشان دهنده وابستگی بیشتر و استفاده مفرط از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بوده است. برای سنجش شادکامی دانشجویان از پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI) شامل ۲۹ گویه و نمره‌های بین ۰ تا ۸۷ استفاده شد. برای بررسی وضعیت افسردگی دانشجویان از پرسشنامه PHQ-۹ شامل ۹ سؤال که وضعیت فرد را در دو هفته گذشته بررسی می‌کند استفاده شد. داده‌ها با نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌ها: میانگین نمره وابستگی به اینترنت $18 \pm 26,73$ بود. به طور کلی ۱۴۰ نفر از دانشجویان (۴،۲۷ درصد) در شرف وابستگی و ۱۹ نفر (۷،۳ درصد) وابستگی شدید به اینترنت داشتند. بین وابستگی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، افسردگی و شادکامی همبستگی معنی‌دار ($p < 0,05$) وجود داشت. بین دو متغیر وابستگی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری مشاهده نشد. همچنین نتایج نشان داد که بین نمره وابستگی به اینترنت با متغیرهای سن، وضعیت تاهل و مقطع تحصیلی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری: طبق نتایج این مطالعه وابستگی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در دانشجویان وجود دارد. بین وابستگی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با افسردگی همبستگی مثبت و با شادکامی همبستگی منفی معنی‌دار مشاهده شد. رابطه بین وابستگی به اینترنت و افسردگی یک ارتباط دوسویه است به این صورت که افسردگی فرد موجب پناه بردن به محیط اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌شود و همچنین استفاده بیش از معمول از شبکه‌های اجتماعی نیز موجب درخودفرورفتگی می‌گردد و به اصطلاح فرد وابسته درون یک چرخه معیوب قرار می‌گیرد. با آموزش نحوه صحیح استفاده از اینترنت و برنامه‌ریزی و کاربرد راهبردهای پیشگیرانه می‌توان از اثرات منفی این تکنولوژی در زندگی دانشجویان و تبعات استفاده ناصحیح آن کاست. همچنین با بهره‌وری هرچه بهتر از مزایای آموزش مجازی و جایگزین نمودن حضور منطقی دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی با مقاصد آموزشی می‌توان در فرهنگ سازی کاربرد صحیح آن تلاش نمود.

پیشانی روانی و راهکارهای مقابله ای در بین اساتید و دانشجویان پزشکی در طی همه گیری کوید ۱۹ در گیلان:

یک مطالعه مقطعی

فربیا عسگری - دانشگاه ع.پ. گیلان ، علی منفرد - ، ربابه سلیمانی - ، لیلیا اخوندزاده - ، سمیه پوی - دانشگاه ع.پ. گیلان ، سامان معروفی زاده - ،

مقدمه: همه گیری بیماری کروناویروس ۲۰۱۹ (COVID-۱۹) در گیلان ، عوارض متعدد جسمی و روحی را برای کارکنان سلامت از جمله اساتید و دانشجویان رشته ی پزشکی برجای گذاشته است. مطالعات نشان داده اند که یکی از مشکلاتی که در پاندمی و بحران ها برای کارکنان سلامت رخ می دهد، پیشانی روانی به دلیل فشار کاری زیاد و کمبود نیرو و امکانات است. بنابراین هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان پیشانی روانی و راهبردهای مقابله ای در بین در بین اساتید و دستیاران و اینترن ها که مستقیماً درگیر بحران کوید و مواجهه مستقیم با بیماران در دانشگاه علوم پزشکی گیلان بودند، می باشند.

روش اجرا: در یک مطالعه تحلیلی مقطعی، میزان پیشانی روانی و راهبردهای مقابله ای در زمان پاندمی بیماری COVID-۱۹ بر روی ۱۰۹ نفر از اساتید و دستیاران و اینترن ها در دانشگاه علوم پزشکی گیلان از اردیبهشت تا خرداد سال ۱۳۹۹ با استفاده از پرسشنامه پیشانی روانی کسلر و پرسشنامه محقق ساخته راهبردهای مقابله ای مورد ارزیابی قرار گرفت. پس از وارد کردن داده ها به نرم افزار SPSS ۲۰ ، داده ها با استفاده از آزمون های توصیفی (فراوانی ، میانگین ، انحراف معیار) و آزمون های آماری استنباطی (ضریب همبستگی Chi-Square ، ANOVA ، Kruskal-Wallis و Spearman) تجزیه و تحلیل شدند. سطح معناداری آزمونها کمتر از ۰.۰۵ در نظر گرفته شد. این پژوهش توسط کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی گیلان تصویب شده است (کد اخلاق: IR.GUMS.REC.۱۳۹۹،۱۳۴).

یافته ها: میانگین سنی پاسخ دهندگان ۳۶،۱۴ (SD=۱۰،۶۸) سال بود. میانگین نمرات کل پرسشنامه K1۰ ، ۱۲،۹۴ (SD= ۷،۶۴) بود. بین سن و نمره کل K1۰ همبستگی منفی معنی داری وجود داشت (-r=۰،۳۹۷). افراد مجرد شرکت کننده نمره کل بالاتر K1۰ را نسبت به شرکت کنندگان متاهل گزارش کردند. (P= ۰،۰۰۳) همچنین اینترن ها در مقایسه با رزیدنت ها (P= ۰،۰۱۲) و اعضای هیئت علمی (P<۰،۰۰۱) نمره کل بالاتری را براساس پرسشنامه ی K1۰ کسب کردند

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که دانشجویان پزشکی اینترن که تجربه کمتری در کار در محیط بالینی دارند، نسبت به اساتید و رزیدنت ها که تجربه کاری بیشتری دارند، در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به آسیب های روانی در پاندمی کووید ۱۹ هستند. بنابراین ، نظارت مداوم بر پیشانی روانی در این گروه و همچنین

تأثیر بررسی پایان نامه ها در برنامه ریزی برای پژوهش های آینده و عمق بخشیدن به پایان نامه های دانشجویی در علوم پزشکی

آی ناز صورتی - دانشگاه ع. پ. گیلان ، سمیه اکبری فارمد - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی ،

Background : "Research" is one of the most important factors in the growth and development of human societies. Research and using research findings as a thoughtful and capable brain, helps educational centers and universities in decision making and planning. From this perspective, the dissertation is considered as the result of a research work of its audience and attention to its quantity and quality is essential and in fact they are one of the important and valuable sources of information, especially for Use in academic libraries is of particular importance. Due to the fact that a report on the study of titles and topics, methods of work and other general specifications in the field of medical dissertations is not available, so to illustrate the research trends of students and orient the research paths of this study for the answer to this research question is: What is the thematic scope of the research conducted in the field of medical education and how is it done? Materials and Methods: This retrospective cross-sectional study was performed. The study population consisted of dissertations completed by postgraduate students in the field of medical education in the years ۱۳۹۰ to ۱۳۹۵ in the Virtual Faculty of Medical Education and Management of Shahid Beheshti University of Medical Sciences, which were collected by census. In this study, all master's theses that were conducted in the virtual faculty of medical education and management of Shahid Beheshti University of Medical Sciences from ۱۳۹۰ to ۱۳۹۵ were reviewed. Checklists were prepared and data were collected using checklists in terms of subject area, research method, study tool, keywords, article, researcher group and dissertation registration year, all of which were independent variables. Results: The collected data and information were reviewed, summarized, classified and tested using descriptive statistical techniques in order to achieve the objectives of the research and answer its questions. for example : In this study, it was found that the subjects of ۶,۹% of dissertations were in the field of "objective review studies", ۱۶,۶% of dissertations in the field of

چالش ها و موانع قابل اصلاح آموزش بالینی از دیدگاه دانشجویان اتاق عمل و هوشبری و مربیان بالینی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

ابراهیم نصیری، میثم حیدری - دانشگاه ع. پ. تهران، امید زادی - دانشگاه ع. پ. تبریز، نوال حیدری، حسنیه رئوفیان،

Background: Clinical education is the most critical component of surgical technology and anesthesiology student's education. Therefore, this study was designed to determine the amendable challenges and barriers of clinical education from the viewpoints of operating room and anesthesia students and clinical instructors. Materials and Methods: in this descriptive_ cross-sectional study, ۱۳۲ students (surgical technology and anesthesiology) and ۱۷ clinical instructors of Sari Allied School were selected by consensus method. Data collection was performed using the Demographic and researcher-made questionnaire about the amendable challenges and barriers of clinical education. Data were analyzed by SPSS software version ۲۰. Results: From the viewpoints of students, the most challenges and barriers were "lack of suitable space for clinical education". Also, the most amendable barriers were "lack of clinical educators". From the clinical educators' perspective, the most challenges and barriers to clinical education were respectively; a large number of students in the ward and low motivation of students for teaching. Conclusion: The challenges and obstacles that can be corrected in clinical education from the perspective of surgical technology and anesthesiology students were the lack of instructors in the clinic. And from the point of view of clinical educators, there were a large number of students in the clinic and low motivation for students to learn. It is necessary to improve the quality of clinical education in these two fields and improve education.

and methods: The present study was an experimental study and the statistical population included all students with operating room internships. The sampling method of research units was simple random. The samples were placed completely random in the intervention and control groups as even and odd. Each group consisted of 15 people. In the intervention group, a preceptorship program was performed for two months. The control group also underwent a two-month internship without a preceptor. Data collection tool in this study was a three-part questionnaire including: 1) demographic characteristics, 2) operating room student satisfaction questionnaire and 3) clinical competency questionnaire for operating room students. Data collected through questionnaires were analyzed using SPSS software version 18. Results: Demographic variables were similar between the intervention and control groups. In addition, there was no significant difference between before and after the intervention in the control group in terms of satisfaction and clinical competence. However, there is a significant difference between before and after the intervention in the experimental group in this respect. This means that satisfaction and clinical competence in the experimental group after the intervention, were greater than it before the intervention for this group. Also, there was a significant difference between before and after the intervention in the control and experimental groups in terms of grade point average of students. Conclusion: The preceptorship program improves clinical competency and satisfaction in undergraduate operating room students.

اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر میزان مشارکت

و مهارت پرستاران در فرآیند انتقال اخبار بد

الناز یزدان پرست - دانشگاه ع. پ. بیرجند، ملیحه داودی، سید حسن قربانی - دانشگاه ع. پ. بیرجند، آزاده آراسته -

Background: Nurses have an important role in the process of providing information and helping patients prepare for, receive, understand, and cope with the bad news they have been given. This study was conducted to evaluate the effect of communication skills on the level of skill and participation of nurses in breaking bad news. Materials and Methods: This experimental study was

"effectiveness review studies", 11.8% of dissertations in the field of "effectiveness comparison studies", 9.7% of the dissertations in the field of "analysis and review of basic principles and evidence", 24.3% of the dissertations in the field of "perception studies", 2.0% of dissertations in the field of "studies on the interpersonal and group communication", 4.1% of dissertations in the field of "studies of ethics", 14.5% of theses in the field of "research synthesis studies" and 9.7% of the dissertations in the field of "status report studies". The most common type of study (61.8% of dissertations) was "descriptive" and the most data collection tool (56.2% of dissertations) was "questionnaire". The printed article has been extracted from 51.4% of the master's theses of medical education students in the years 1390 to 1395 in the virtual school of medical education and management shahid beheshti university of medical science (59.5% non-Persian and 40.5% of domestic journals). Conclusion: The results of this study show that the tendency of students to do descriptive studies and using questionnaire tools has been significantly higher and other research methods have been ignored. This issue needs to be evaluated and the causes should be determined to help for planning and creating more diversity in the type of studies by the relevant authorities. Also, due to the non-allocation of dissertations to some subject areas, such as reviewing and analyzing processes, there is a need to prioritize a topic in selecting future dissertations and appropriate orientation of students to achieve the desired situation.

The effect of preceptorship program on clinical competency and satisfaction in undergraduate operating room students of Torbat Heydariyeh University of Medical sciences

صدیقه خلیلی شومیاء، سمیه نیری - دانشگاه ع. پ. تربت حیدریه، فرزانه قلی پور -، سمیه مرزنونی - دانشگاه ع. پ. تربت حیدریه،

Abstract Background: Preceptorship program has been established in order to purposefully guide of student's academic affairs to grow and prosper of students at different levels of education. This study was aimed to evaluate the effect of preceptorship program on clinical competency and satisfaction in undergraduate operating room students. Material

performed in ۲۰۱۹ on ۶۰ nurses working in educational hospitals, Birjand, Iran. Sampling was done voluntarily and individuals were assigned to two groups of intervention and control, randomly. For the experimental group, an integrated workshop on communication skills was held. Before and after the intervention, SPIKE questionnaire (breaking bad news skills) and participation in the bad news questionnaire was completed. Then descriptive statistics (mean and standard deviation) and inferential test (independent t-test) were used. Results: The mean (SD) of breaking bad news skills after the intervention was ۵۷,۴۲ (۱۰,۱۳) in the control group and ۶۵,۱۲ (۵,۶۸) in the experimental group and the between-group difference was statistically significant ($t_{59,41} = ۳,۹۳, p < .۰۰۱$). After the intervention, the mean (SD) of nurses' participation in delivering bad news was ۲۱,۱۷ (۵,۲۱) in the control group and ۲۵,۷۷ (۴,۹۶) in the experimental group and the between-group difference was statistically significant ($t_{59,41} = ۳,۹۴, p < .۰۰۱$). Conclusions: Based on the results, it seems that to increase the ability of nurses in the process of breaking bad news, it is necessary to teach them communication skills.

پژوهش در آموزش

ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی بیرجند مبتنی بر مدل سروکوال و ارتباط آن با رضایت از تحصیل و پیشرفت تحصیلی

یحیی محمدی - علی رئیسون - محمدرضا رئیسون - دانشگاه ع. پ. بیرجند

مقدمه: پیشرفت تحصیلی از مهم ترین معیارهایی است که در بررسی توانایی فراگیران برای اتمام تحصیلات دانشگاهی و رسیدن به مرحله دانش آموختگی نقش ایفا می کند. این مفهوم یکی از مهم ترین پارامترهایی است که در پیش بینی وضعیت آتی فراگیران از لحاظ کسب صلاحیت و مهارت های علمی و عملی لازم مورد استفاده قرار می گیرد (۱). معمولاً پیشرفت تحصیلی را با روش های مختلفی اندازه گیری می کنند که از جمله آن ها می توان به میزان پیشرفت در هر یک از دوره های آموزشی به طور مجزا، پیشرفت حاصله در مجموعه دوره های آموزشی، معدل تحصیلی سالیانه، معدل تحصیلی یک برنامه آموزشی اشاره نمود (۲). از طرف دیگر رضایت تحصیلی دانشجویان از اهمیت خاصی برخوردار است با این وجود رضایت دانشجویان از تحصیل را برای به پایان رساندن موفقیت آمیز یک تکلیف، رسیدن به هدف یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار خود دنبال می کنند تا بالاخره بتوانند موفقیت لازم را در امر یادگیری و پیشرفت تحصیلی کسب نمایند. در واقع رضایت تحصیلی به رفتارهایی اطلاق می شود که منجر به یادگیری و پیشرفت می گردد (۳). معدل تحصیلی یکی از شاخص های متداول ارزیابی پیشرفت تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی است. در نظام های آموزشی میزان حداقلی را به عنوان معیار قبولی در امتحانات یا به عنوان حد نصاب مورد نیاز برای ادامه تحصیل دانشجویان در نظر می گیرند (۴). میزان این معیار در دانشگاه های مختلف بسته به رشته تحصیلی و مقطع تحصیلی متفاوت است. هدف مطالعه حاضر ارزیابی کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان مبتنی بر مدل سروکوال و ارتباط آن با رضایت از تحصیل و پیشرفت تحصیلی بود.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بود. جامعه آماری، ۱۸۹۱ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند در سال تحصیلی ۹۹-۹۸ بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۳۲۰ نفر برآورد و به شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای (نسبتی) بر اساس تعداد دانشجویان در هر دانشکده انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه ۲۷ سوالی سروکوال، پرسشنامه استاندارد ۱۴ سوالی رضایت از تحصیل و معدل کل دانشجویان استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ۱۸. و از آزمون های توصیفی و استنباطی در سطح معناداری $\alpha=0.05$ استفاده شد.

یافته ها: مقایسه وضعیت موجود و مطلوب کیفیت خدمات آموزشی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی متغیر ها وضعیت میانگین انحراف استاندارد Z معنی داری کیفیت خدمات آموزشی موجود ۸۲، ۷۱ ۲۱۶، ۱۲، ۳۴، ۱۳، ۰۰۰۱، ۰، مطلوب ۵۸، ۱۰۶، ۱۴۰، ۱۱ تضمین موجود ۸۴، ۱۷، ۳۵۱، ۳، ۰۶، ۱۵، ۰۰۰۱، ۰، مطلوب ۲۶، ۵۴۳، ۲، پاسخگویی موجود ۲۳، ۱۳، ۳۴۴، ۳، ۷۴، ۱۴، ۰۰۰۱، ۰، مطلوب ۳۰، ۲۰، ۷۴۱، ۲، همدلی موجود ۷۵، ۱۶، ۷۰۳، ۳، ۴۶، ۱۴، ۰۰۰۱، ۰، مطلوب ۶۴، ۲۶، ۰۳۹، ۳، اطمینان خاطر موجود ۹۱، ۲۱، ۲۴۲، ۴، ۹۶، ۱۳، ۰۰۰۱، ۰، مطلوب ۰۵، ۲۹، ۳۲۸، ۴، ملموس بودن موجود ۳۴، ۲، ۱۷۴، ۱، ۰۲، ۱۴، ۰۰۰۱، ۰، مطلوب ۲۸، ۴، ۸۱۶، ۰، نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می دهد که بین متغیر کیفیت خدمات آموزشی و مؤلفه های (تضمین، همدلی، قابلیت اطمینان) آن با رضایت از تحصیل دانشجویان ارتباط مثبت وجود دارد ($p < 0.05$)، در ارتباط با متغیر پیشرفت تحصیلی، نتایج حاکی از وجود ارتباط مثبت بین متغیر کیفیت خدمات آموزشی و مؤلفه ای (اطمینان خاطر) آن با پیشرفت تحصیلی می باشد ($p < 0.05$).

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه حاکی از آن بود که شکاف بین انتظارات و ادراکات دانشجویان در تمامی ابعاد پنج گانه بین وضعیت موجود و مطلوب کیفیت خدمات آموزشی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند از دیدگاه دانشجویان وجود دارد. لذا اقداماتی نظیر برگزاری کارگاه های آموزشی برای اعضای هیأت علمی، اساتید مشاور و کارکنان جهت ارتقای مهارت های فنی و ارتباطی آنان صورت گیرد و نگاه دانشجو محوری در برنامه ریزی های آموزشی مد نظر قرار گیرد و برای بالابردن رضایت تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان مسئولین امر بایستی در جهت بهبود کیفیت خدمات آموزشی تلاش و برنامه ریزی نمایند.

طراحی و اعتباریابی مقیاس سنجش رضایت تحصیلی دانشجویان پرستاری در مقطع تحصیلات تکمیلی

حمید پیروی - دانشگاه ع. پ. ایران - پردیس رحمت پور - دانشگاه ع. پ. ایران، سید حمید شریف نیا،

مقدمه: رضایت تحصیلی دانشجویان یکی از مفاهیمی است که با بسیاری از پیامدهای مثبت تحصیلی در آن ها همراه است و مهم ترین شاخص اعتبارسنجی برای مؤسسات آموزشی محسوب می شود. دانشجویان پرستاری مقطع تحصیلات تکمیلی به دلیل برخورداری از شایستگی های تحصیلی بالاتر، بلوغ فکری، انتظارات و دیدگاه های متفاوتی نسبت به دانشجویان مقطع کارشناسی دارند و همین امر اهمیت تبیین و سنجش مفهوم رضایت تحصیلی آن ها را روشن می سازد. این مطالعه باهدف طراحی و اعتباریابی مقیاس سنجش رضایت تحصیلی دانشجویان پرستاری مقطع تحصیلات تکمیلی انجام شد

روش اجرا: مطالعه به روش ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی در سه مرحله انجام شد: الف) تحلیل مفهوم هیبرید، ب) طراحی مقیاس و تدوین گویه ها، و ج) اعتباریابی مقیاس از طریق ارزیابی شاخص های روان سنجی. بر اساس نتایج تحلیل مفهوم و مقیاس های مشابه موجود، استخر گویه اولیه با ۲۰۹ گویه تدوین شد که بر اساس نظرات تیم تحقیق مقیاس اولیه ۵۶ گویه ای طراحی شد. روایی صوری، محتوا و سازه (تحلیل عامل اکتشافی و تاییدی) و همچنین پایایی مقیاس (همسانی درونی، ثبات، خطای اندازه گیری) طراحی شده مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله روایی سازه، به دلیل شیوع بیماری کووید ۱۹ و عدم دسترسی به دانشجویان، مقیاس مطالعه از طریق پلتفرم گوگل فرم طراحی شد و لینک آن در گروه های تلگرامی و واتس آپ دانشجویان به اشتراک گذاشته شد. آنالیز داده ها با کمک نرم افزارهای SPSS-AMOS ۲۴، SPSS R-Menu ۲، و R انجام شد.

یافته ها: بر اساس نتایج تحلیل مفهوم هیبرید، مفهوم رضایت تحصیلی دارای پنج ویژگی "چندبعدی بودن"، "ماهیت برآیندی داشتن"، "منحصربه فرد بودن"، "وابسته به دانشجو بودن" و "حس خوشایندی"، هفت پیشاینده "آموزش دانشگاهی هدفمند"، "ویژگی های دانشجو"، "ویژگی های اساتید"، "چشم انداز پرستاری"، "تعاملات تحصیلی مثبت"، "خدمات تحصیلی باکیفیت"، "ارزش درک شده" و سه پیامد "عملکرد تحصیلی"، "اعتبار دانشگاه"، "رضایت کلی دانشجو" است. مقیاس اولیه ۵۶ گویه ای پس از روایی صوری و محتوا و تحلیل گویه ها (آیتم آنالیز)، به ۴۸ گویه تقلیل یافت. تعداد ۲۰۰ دانشجوی پرستاری مقطع تحصیلات تکمیلی (میانگین سنی ۲۴±۶، ۳۳ سال، ۵۱٪ مونث و ۴۹٪ نر) در مطالعه شرکت کردند. مقیاس رضایت تحصیلی دارای ۳۲ گویه و چهار عامل به نام های "رضایت از برنامه آموزشی پرستاری"، "رضایت از تعاملات دانشگاهی"، "رضایت از آموزش و یادگیری"، و "رضایت از تسهیلات آموزشی" است که ۸۰، ۶۴ درصد از واریانس کل این مفهوم را تبیین می کند. سپس ۲۰۲ دانشجوی دیگر پرستاری مقطع تحصیلات تکمیلی (میانگین سنی ۲۵±۵، ۳۲ سال، ۵۷٪ مونث و ۴۳٪ نر) در مطالعه شرکت کردند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی، نیکویی برازش مدل چهار عاملی را نشان داد و شاخص های برازش مدل در محدوده قابل قبول بود (TLI=۰.۹۰، CFI=۰.۹۱، RMSEA=۰.۰۶۸، PNFI=۰.۸۳۳، PCFI=۰.۷۷۶، CMIN/DF=۰.۹۱، $\chi^2=962$) جهت همسانی درونی مقیاس شاخص آلفا کرونباخ و امگامک دونالد ارزیابی شد که مقادیر آنها برای عوامل ۰.۸۲ تا ۰.۹۴، متغیر و قابل قبول بود. در بررسی ثبات مقیاس، آزمون بازآزمون با فاصله ۲ هفته برای ۳۰ دانشجوی دیگر انجام شد و ضریب همبستگی درون طبقه ای (ICC) ارزیابی شد که مقدار آن برای کل مقیاس (۰.۹۳۵)، ۰ تا ۰.۹۱۰، ۰ تا ۰.۹۲۳ (۰.۹۲۳) و در محدوده عالی بود. شاخص SEM یا همان خطای اندازه گیری در این مطالعه برای کل مقیاس ۰.۸۲، ۷ بود که نشان دهنده برآوردی از میزان انحراف قابل انتظار در اندازه گیری ها مختلف است.

بحث و نتیجه گیری: مقیاس حاصل از این مطالعه، مقیاسی روا و پایا است، دارای ۳۲ گویه با طیف پاسخگویی لیکرت هفت گزینه ای که نمرات آن از ۳۲ تا ۲۲۴ متغیر است. این مقیاس می تواند برای اندازه گیری رضایت تحصیلی دانشجویان پرستاری تحصیلات تکمیلی مورد استفاده قرار گیرد. علی رغم اینکه در کشور ایران ورود دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دانشگاه ها از طریق آزمون ورودی متمرکز و مصاحبه صورت می پذیرد، اما می توان پیشنهاد نمود که بازخورد رضایت تحصیلی دانشجو به دوستان و اطرافیان، در دانشجویان ورودی سال تحصیلی بعدی آن دانشگاه بازتاب خواهد داشت. که این خود یک مزیت رقابتی برای دانشگاه محسوب می گردد. همچنین بر اساس یافته های بخش تحلیل مفهوم هیبرید، طراحی یک برنامه آموزشی خوب، برقراری تعامل صحیح و ایجاد یک جو ارتباطی سالم بین دانشجویان، اساتید، کارمندان و مسئولین، استفاده از اساتید مجرب و خبره در تدریس بالینی و کلاسی، فراهم کردن تسهیلات و محیط آموزشی مطلوب برای دانشجویان پرستاری مقطع تحصیلات تکمیلی در ارتقای سطح رضایت تحصیلی آن ها ضروری است.

بررسی ارتباط ویژگی های شخصیتی با رشته تخصصی مورد علاقه در دانشجویان پزشکی

زهره مصطفویان - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، آرزو فرج پور - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، سعید ابطیحی،

مقدمه: ادامه تحصیل در رشته های تخصصی یکی از گزینه هایی است که دانشجویان فارغ التحصیل رشته پزشکی در پیش رو دارند. انتخاب رشته تخصصی، آینده کاری و حتی زندگی یک پزشک را می سازد و این تصمیم جزء چالش برانگیزترین انتخاب های پزشکان در زندگی است، در رابطه با انتخاب رشته دستگیری عوامل متعددی مانند: جنس، وضعیت اقتصادی، ویژگی های شخصیتی فردی، علاقه شخصی، تجربیات بالینی در طول دوره کارآموزی، اثرگذاری اساتید، درآمد مورد نظر شخص، تاثیر خانواده و رسانه های اجتماعی تاثیر گذار هستند. مهم ترین فاکتور در انتخاب رشته تخصصی در میان دانشجویان آمریکایی " شیوه ی زندگی آینده " آنان ذکر شده است. در مطالعات گوناگون انجام شده بر روی عوامل موثر بر این انتخاب در دانشجویان به ویژگی های شخصیتی فردی توجه خاصی شده است. در یکی از این مطالعات انجام شده، نتیجه گرفته شد افرادی که تخصص های پاراکلینیکی را برمی گزینند از خودمختاری و استقلال بیشتری نسبت به سایرین برخوردارند. این در حالیست که متخصصین این رشته ها بیشتر ایده ها و نظرات خود را بیان می کنند و در کارهای مداخله ای و برخورد با بیماران کمتر دخیل اند. همچنین ویژگی های شخصیتی می تواند میزان پایداری احساسی افراد، میزان اضطراب و تطابق پذیری افراد با موقعیت های دشوار رانیز تا حدودی تعیین کند. با فهم دقیق ویژگی های شخصیتی متفاوت می توان مشاوره شغلی بهتری به دانشجویان

ارایه داد تا بتوانند در دوران دستیاری موفق عمل کنند. هدف از مطالعه حاضر بررسی ارتباط ویژگی های شخصیتی با رشته تخصصی مورد علاقه دانشجویان پزشکی می باشد. این مطالعه مقطعی، بر روی دانشجویان پزشکی مقاطع کارآموزی و کارورزی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در نیمسال دوم تحصیلی ۹۸-۹۷ انجام شد.

روش اجرا: ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه فارسی صفات شخصیتی- (Neuroticism-Extraversion- Openness Five Factor Inventory) -NEO-FFI (پرسشنامه وضعیت اقتصادی- اجتماعی و چک لیست اطلاعات دموگرافیک شامل سن، جنس، وضعیت تاهل، مقطع تحصیلی و رشته دستیاری مورد علاقه بود. یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می رود. عوامل اصلی شخصیت در این پرسشنامه شامل: روان نژندی (Neuroticism)، برون گرایی (Extraversion)، انعطاف پذیری (Openness)، توافق پذیری (Agreeableness) و مسئولیت پذیری (Conscientiousness) می باشند. داده ها در نرم افزار SPSS ۷.۲۰ و با آزمون های آنالیز واریانس، مجذور کای و رگرسیون تحلیل شدند.

یافته ها: در این مطالعه ۱۵۱ دانشجوی پزشکی بررسی شدند. فراوان ترین رشته دستیاری مورد علاقه به ترتیب، پوست- قلب (۹، ۱۵٪)، چشم (۹، ۱۱٪) و رادیولوژی (۶، ۱۰٪) بودند. ارتباطی بین ویژگی های شخصیتی و رشته دستیاری مورد علاقه دانشجویان یافت نشد. در آنالیز رگرسیون انجام شده تنها جنسیت با رشته دستیاری مورد علاقه آنان ارتباط معنی دار آماری داشت. به طوری که ۳، ۵۱٪ از مردان رشته های گروه جراحی و ۲، ۶۵٪ زنان رشته های گروه تخصصی را انتخاب کردند. $p=0.13$ ، (با توجه به نتایج این مطالعه ویژگی های شخصیتی مختلف در انتخاب رشته تخصصی مورد علاقه دانشجویان پزشکی چندان تاثیرگذار نیستند. مطالعه حاضر که بر روی ۱۵۱ نفر از دانشجویان پزشکی مقاطع کارآموزی و کارورزی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در سال ۹۸ انجام شد، نشان داد که فراوان ترین رشته دستیاری مورد علاقه به ترتیب، پوست- قلب (۹، ۱۵٪)، چشم (۹، ۱۱٪) و رادیولوژی (۶، ۱۰٪) است و رشته دستیاری مورد علاقه دانشجویان با ویژگی های شخصیتی آنان ارتباطی ندارد. تاثیر متغیرهای دیگری عوامل شخصی (درآمد، پرستیژ شغلی و...)، اهداف زندگی، ویژگی های فرهنگی و پراکندگی جنسیتی دانشجویان می توانند توجیهی برای نتایج متفاوت مطالعه حاضر از مطالعات مشابه باشند. در این مطالعه از بین ویژگی های فردی تنها جنسیت با رشته دستیاری مورد علاقه آنان ارتباط نشان داد، به طوری که ۳، ۵۱٪ از مردان رشته های گروه جراحی و ۲، ۶۵٪ زنان رشته های گروه تخصصی را انتخاب کردند $p=0.13$ ، (و مردان با احتمال ۱۷، ۳ برابر زنان به رشته های گروه جراحی نسبت به گروه تخصصی علاقه داشتند.

بحث و نتیجه گیری: فرضیاتی که برای این ارتباط می توان مطرح کرد این است که مردان به دلیل درآمد بالاتر به رشته های جراحی تمایل بیشتری دارند در حالیکه زنان به دلیل نوع سبک زندگی و تمایل به بودن در کنار خانواده رشته های غیر جراحی را ترجیح می دهند. در مورد پزشکان زن ترکیب اوقات فراغت شخصی با اوقات کاری که صرف انجام مسئولیت های حرفه ای می شود از اهمیت بیشتری برخوردار است. انجام مطالعاتی با حجم نمونه پراکندگی بالاتر دانشگاهی و با هدف دلایل انتخاب رشته دستیاری مورد علاقه از نظر دانشجویان پزشکی و دستیاران کمک می کند بهتر بتوان راهکارهایی برای افزایش تمایل دانشجویان به انتخاب رشته های کمتر مورد علاقه اندیشید و در زمینه رفع نیاز جامعه به رشته های مختلف تخصصی برنامه ریزی کرد.

مقایسه تطبیقی نظام آموزشی دکتری پرستاری در ایران با دانشگاه UC Davis کالیفرنیا

فرشته مظهری آزاد - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی، پروین رضایی گزکی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس،

مقدمه: آموزش و تربیت نسل بعدی دانشمندان پرستاری ایجاب می کند که برنامه های آموزشی دوره دکتری پرستاری با تغییرات روز افزون جهانی و دانش های نوظهور علوم همگام باشند. با مقایسه نظام های آموزشی می توان به اعتبار آکادمیک برنامه های آموزشی، گسترش افق پرستاری و ارتقاء کیفیت مراقبت های پرستاری کمک کرد. هدف ما از این مطالعه مقایسه تطبیقی نظام آموزشی دوره دکتری تخصصی پرستاری در ایران با دانشگاه یوسی دیویس کالیفرنیا می باشد

روش اجرا: این مطالعه به روش توصیفی-تطبیقی در سال ۱۳۹۸ انجام شد. از الگوی چهار مرحله بردی توصیف، تفسیر، هم جواری و مقایسه، جهت مقایسه دو نظام آموزشی مذکور استفاده شد. جستجوی اینترنتی، با استفاده از داده پایگاه های فارسی و انگلیسی صورت پذیرفت. سپس، داده های مورد نظر بر اساس هدف پژوهش، طبقه بندی و مورد مقایسه قرار گرفتند.

یافته ها: اگر چه دوره دکتری پرستاری ایران و یوسی دیویس از لحاظ ساختار تا حد زیادی با هم مشترک هستند ولی از نظر محتوی در (تاریخچه، ارزش ها، فلسفه، چشم انداز و رسالت، اهداف کلی دوره، شرایط پذیرش، برنامه های آموزشی، ابعاد نقش و صلاحیت های اصلی فارغ التحصیلان تفاوت های زیادی دارند. (این تفاوت ها ی فاحش شامل بحث رهبری بین المللی در زمینه علم، عمل و پژوهش، سلامت جهانی، تنوع دوره های پرستاری متناسب با نیاز های جامعه و همکاری بین رشته ای می شوند.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس یافته های مطالعه حاضر، راه اندازی دکتری بالینی پرستاری در ایران، فراهم کردن زیرساخت های مناسب

جهت تحقق آن، تقویت مهارت های آموزشی و بالینی دانشجویان دکتری، به روز کردن برنامه آموزشی دوره دکتری پرستاری متناسب با رشد علم، نیازهای جامعه و تغییرات الگوی بیماریها، همکاری بین رشته ای، اهمیت به نقش رهبری پرستاری در زمینه علم، عمل و پژوهش، توجه به سلامت جهانی و تنوع واحدهای آموزشی برای بهبود برنامه دکتری پرستاری پیشنهاد می گردد.

بررسی نگرش نسبت به یادگیری مهارت های ارتباطی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین

افسانه یخ فروش ها - دانشگاه ع. پ. قزوین، نسرين لطفی -، منیر السادات میرزاده -

مقدمه: در حرفه های سلامت مهارت های ارتباطی، اصلی ضروری برای مراقبت های بالینی است در شکل گیری این مهارت، مفهوم نگرش اهمیت بسزایی دارد؛ چرا که نگرش پیشگویی کننده رفتار است و اگر بتوان نگرش را تغییر داد، می توان یک رفتار را تا حدودی کنترل کرد. لذا باتوجه به اهمیت آموزش مهارت های ارتباطی و نقش نگرش در آن، مطالعه فوق با هدف تعیین نگرش دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین در ارتباط با یادگیری مهارت های ارتباطی انجام شد

روش اجرا: این مطالعه از نوع مقطعی، توصیفی - تحلیلی بود که به تعیین نگرش نسبت به یادگیری مهارت های ارتباطی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قزوین پرداخت. در این مطالعه دو گروه از مقاطع مختلف شامل دانشجویان قبل و بعد از ورود به مرحله بالینی از رشته های پزشکی، دندانپزشکی، پرستاری-مامایی دانشگاه علوم پزشکی قزوین معادل ۳۰۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند. نگرش دانشجویان توسط پرسشنامه CSAS یا Communication skills attitude scale که ویژگی های روان سنجی (روایی و پایایی) آن در مطالعات قبلی اندازه گیری شده بود، مورد ارزیابی قرار گرفت. این پرسشنامه شامل دو بخش بود، بخش اول شامل سوالات مرتبط با اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم شامل ۲۵ سوال که نگرش مثبت و منفی دانشجویان نسبت به یادگیری مهارت های ارتباطی را در ۴ حیطه اهمیت داشتن در گروه پزشکی، دلیل تراشی؛ یادگیری و اعتماد به نفس بالا در قالب لیکرت ۵ گزینه ای می سنجد. داده ها توسط تستهای آماری (independent t test) برای بررسی رابطه نگرش با مقطع تحصیلی (بالینی و علوم پایه) و (way ANOVA one) برای بررسی نگرش با نوع دانشکده (آزمون کای اسکوئر) برای مقایسه مشخصات دموگرافیک با نوع دانشکده) با استفاده از نرم افزار SPSS و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: از تعداد ۲۷۷ پرسشنامه تکمیل شده، اکثریت شرکت کننده را خانم ها تشکیل دادند در مجموع ۶، ۴۶ درصد دانشجویان قبل بالینی و ۴، ۵۳ درصد در مرحله بالینی بودند. ۴، ۸۸ درصد هیچ گونه سابقه

آموزش مهارت های ارتباطی را دارا نبودند و تنها ۶، ۱۱ درصد این مهارت را آموزش دیده اند. اکثریت دانشجویان در هر سه رشته تحصیلی (پزشکی، دندان پزشکی و پرستاری-مامایی) مهارت های ارتباطی خود را در حد متوسط و نیاز به بهبود مشاهده می نمودند. در حیطه اهمیت آموزش پزشکی بالاترین نمره در رشته پزشکی در مقطع بالینی با نمره ۰،۳، ۵۰ و پایین ترین نمره ۲۳، ۴۵ در رشته دندان در مقطع قبل بالین ثبت شد. در حیطه یادگیری بالاترین نمره ۴۶، ۱۹ در رشته پزشکی در مقطع بالینی و پایین ترین نمره ۶۹، ۱۸ در مقطع بالینی پرستاری ثبت شد. در حیطه اعتماد به نفس بالاترین نمره ۹۴، ۹ در رشته پرستاری در مقطع بالینی و رشته دندان پزشکی قبل بالین ثبت شد. همچنین پایین ترین نمره در این حیطه در رشته دندان پزشکی مقطع بالینی با نمره ۵۲، ۸ بدست آمد. حداقل نمره ثبت شده در نگرش منفی ۰،۵، ۴۴ در رشته پرستاری مقطع قبل بالین و بالاترین نمره ۲۶، ۴۷ در رشته دندان پزشکی قبل بالین ثبت شد. در نگرش مثبت بالاترین نمره ۸۳، ۵۷ در رشته پزشکی قبل بالین و پایین ترین نمره ۰،۹، ۵۳ در رشته دندان پزشکی در مقطع بالینی ثبت شد. بالاترین نمره کل ۰،۳، ۱۰۳ در مقطع بالینی رشته پزشکی و کمترین نمره ۰،۲، ۹۷ در مقطع بالینی رشته دندان پزشکی ثبت گردید. میانگین کل نمرات کسب شده توسط دانشجویان بالا و در حدود ۱۰۰ بود که این موضوع نشان دهنده تمایل بالای دانشجویان به یادگیری مهارت های ارتباطی در طول دوران تحصیل می باشد

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اهمیت مهارت های ارتباطی و لزوم یادگیری آن در تحصیل و طبابت و تمایل حداکثری دانشجویان به آموختن آن با توجه به میانگین نمره ی بالای به دست آمده و عدم وجود دوره آموزشی با این عنوان، در کوریکولوم آموزشی، نیاز به گنجانیدن آن به برنامه آموزشی دانشجویان رشته های مختلف دانشگاه علوم پزشکی قزوین می باشد. با توجه به این که این مهارت نیاز به تکرار و به روز شدن دارد بنابراین توصیه می شود جهت آموزش و ارزیابی مداوم این مهارت به صورت تم طولی در برنامه درسی دانشجویان قرار داده شود.

بررسی رابطه سبک های یادگیری (کلب، وارک) و

خلاقیات با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی

دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۹۸-۹۷

ماهذخت طاهری - دانشگاه ع. پ. گیلان، یاسمین بابایی همتی - مهرا ن فلاح چای، ماندانا جوانک - دانشگاه ع. پ. گیلان، سید مهدی دشت بزرگی،

هدف: یکی از عوامل موثر بر یادگیری دانشجویان سبک های یادگیری آنها است که قابلیت تغییر دارد و در این راستا می تواند در تطابق با شیوه تدریس موجب تسهیل فرآیند یادگیری در دانشجویان گردد. به

عوامل موثر بر ایجاد هویت حرفه ای در دانشجویان

پزشکی

سلیمان احمدی- دانشگاه ع. پ. شهرکرد ، سارا شهبازی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد ،

مقدمه: در دو دهه گذشته توجه به سوی ماهیت حرفه‌ای گری در پزشکی معطوف شده‌است. اگرچه هویت در آغاز بزرگسالی تثبیت شده است، اما تحول در طول زندگی ادامه می‌یابد. آنچه در آموزش پزشکی امروز، مورد غفلت قرار گرفته است، پرورش و نهادینه سازی هویت به عنوان یکی از اصول حرفه ای در پزشکی می باشد. لذا آشنایی با روش ها و راهکارهای معطوف به این هدف، بسیار ضروری است.

روش اجرا: این مطالعه، یک پژوهش کیفی و از نوع content analysis می باشد. اطلاعات از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند جمع آوری شده و تحلیل شدند. نمونه گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع داده ها ادامه یافت. تعداد مصاحبه شوندگان ۱۰ نفر و شامل اساتید، دانشجویان پزشکی بود. نتایج با استفاده از Graneheim & Lundman model (۲۰۰۳) تحلیل شدند. نتایج حاصل از مصاحبه با شرکت در کنندگان در مطالعه نشان داد قوی ترین عوامل شکل گیری هویت حرفه ای، تعامل اجتماعی بین افراد، مدل های نقش و مربیان و تجارب فردی حاصل از مشارکت در گروه های یادگیری هستند. تجربه حاصل از رویارویی مستقیم با بیماران و خانواده های آنها، مبنایی برای هویت دانشجویان پزشکی است. بازاندیشی در تجربیات فردی با الگوهای نقش و مربیان، هم در تجربیات بالینی و هم غیربالینی، در طول تحصیل، از عوامل اساسی جامعه پذیری است. آموزش رسمی نیز می تواند بر شکل گیری هویت حرفه ای تاثیر بگذارد. بحث: شکل گیری هویت حرفه ای فرایندیست پویا که نیازمند پرورش و جهت دهی می باشد. علی رغم ضروری بودن تشکیل هویت حرفه ای در ایجاد حس تعلق به حرفه و کار اخلاقی، پرورش این هویت با توجه به پیش زمینه های فردی، اجتماعی و فرهنگی کار ساده ای نیست. لذا شناسایی و به کار گیری عوامل موثر بر شکل گیری هویت بسیار ضروری بوده و وظیفه ای سنگین بر دوش اساتید و متولیان آموزش دانشجویان پزشکی، می گذارد. نتیجه گیری: اساتید می توانند شکل گیری هویت حرفه ای را به عنوان یک هدف آموزشی برگزینند و به روشنی و وضوح، ماهیت آن هویتی را که از نظر اجتماعی مورد مذاکره قرار گرفته و مورد توافق حرفه و جامعه است را روشن نمایند. لذا، به نظر می رسد دانشکده های پزشکی باید نقش بسیار فعالی در شکل گیری هویت حرفه ای دانشجویان با تاکید بر جامعه پذیری داشته باشند تا به دانشجویان خود، تعهد به حرفه را القا نمایند.

علاوه خلاقیت نیز به عنوان یکی از ویژگی های شناختی و اساسی در انسان مطرح شده که به صورت بالقوه به ارث می رسد و هر فردی، خلاقیت را هر چند کم یا زیاد ولی به طور بالقوه در خود دارد. با شناخت نوع سبک یادگیری، توانایی خلاقیت دانشجویان و ارتباط آنها با پیشرفت تحصیلی زمینه حرکت به سوی یادگیری هدفمند فراهم می شود. هدف از پژوهش بررسی رابطه سبک های یادگیری (کلب، وارک) و خلاقیت هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

روش اجرا: در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، جامعه مورد بررسی دانشجویان دندانپزشکی ترم سوم به بالا دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بودند. با توجه به جامعه آماری ۵۵۴ نفری دانشجویان، حجم نمونه تعداد ۲۵۰ در نظر گرفته شد. ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه سبک های یادگیری کلب و وارک، خلاقیت هیجانی آوریل و برای پیشرفت تحصیلی از معدل دو ترم قبل و معدل کل دانشجویان استفاده شد. داده ها با استفاده از شاخص های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و سپس در بخش تحلیلی از آزمون های آمار استنباطی شامل آزمون t تک نمونه ای، t گروه های مستقل، تحلیل واریانس یک راهه، ضرایب همبستگی، پیرسون، مجذور اتا، خی دو، و برای بررسی فرض نرمال بودن داده ها از نمودارهای ساقه و برگ (Steam & Leaf) و باکس پلات و با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS، Excel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که بر اساس سبک های یادگیری کلب و وارک به ترتیب، اکثریت دانشجویان دارای سبک انطباق یابنده ۱۶۰ نفر (۶۴ درصد) و سبک خواندن -نوشتن ۷۹ نفر (۳۱،۶ درصد) و ۴،۸۰ درصد دانشجویان تک سبکی بودند. بین سبک های یادگیری (کلب، وارک) و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری مشاهده نشد. بین خلاقیت هیجانی و پیشرفت تحصیلی نیز رابطه معناداری وجود نداشت. همچنین نتایج نشان داد که نمره دانشجویان دندانپزشکی در خلاقیت هیجانی و هر سه مولفه آن بالاتر از میانگین بود. بین خلاقیت هیجانی و جنسیت دانشجویان رابطه معناداری $(p=0)$ ، (۰۱ مشاهده شد و دانشجویان دختر خلاقیت هیجانی بالاتری $(p=0)$ ، ۳۴۰۹۶، (۲۶ نسبت به دانشجویان پسر داشتند. $(۲۴،۹۴±۹۶)$ داشتند.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد که بین سبک های یادگیری و خلاقیت هیجانی دانشجویان با پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج بیانگر آن بود که سبک غالب دانشجویان انطباق یابنده و خواندن - نوشتن است و آنان از خلاقیت هیجانی بالایی برخوردار بودند.

گپ بین تئوری و عمل در آموزش پرستاری: چالش ها و راهکارها

سارا شهبازی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد، سلیمان احمدی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد.

مقدمه: شکاف بین تئوری و عمل، باعث بحران در نحوه ارائه مراقبت های پرستاری شده است و این امر خدمات پرستاری را با انتقاداتی مواجه ساخته است. زیرا پرستاران، اغلب قادر به بکارگیری آموخته های علمی خود در بالین نبوده و از روش های سنتی و اغلب غیر علمی، استفاده می کنند که مسلماً موجب افت کیفیت خدمات ارائه شده می گردد. با این وصف، هدف از این مطالعه تبیین شکاف بین تئوری و عمل در آموزش پرستاری و تعیین راهکارها جهت حل مشکل می باشد.

روش اجرا: این مطالعه کیفی با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای متداول انجام شد. شرکت کنندگان در این مطالعه، اساتید و مربیان هیئت علمی و غیر هیئت علمی و دانشجویان مقاطع مختلف رشته پرستاری و مدیران و پرستاران بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد بودند که با در نظر داشتن حداکثر تنوع و به روش نمونه گیری هدفمند، در مطالعه شرکت داده شدند. مصاحبه های نیمه ساختاریافته با ۱۸ نفر از شرکت کنندگان تا زمان دستیابی به اشباع کامل اطلاعات صورت گرفت. مصاحبه ها لغت به لغت پیاده سازی و با استفاده از روش تحلیل محتوا، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. مدیریت اطلاعات با استفاده از نرم افزار MAXQDA انجام شد.

یافته ها: تحلیل اطلاعات گردآوری شده، منجر به شکل گیری دو تم اصلی با نام های ((علل و چالش ها)) و ((راهکارهای حل مشکل)) گردید. اولین تم اصلی شامل ۴ طبقه (علل و چالش های آموزشی)، (علل و چالش های سازمانی، فرهنگی و اجتماعی) و (علل و چالش های مالی و پشتیبانی)، (علل و چالش های فردی) و تم اصلی دوم شامل ۲ طبقه (راهکارهای ارتقای فردی) و (راهکارهای ارتقای سازمانی) و هر طبقه دارای چند زیر طبقه شد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد عوامل متعددی در ایجاد شکاف بین تئوری و بالین در آموزش پرستاری موثر هستند و راهکارهای توصیه ای متعددی نیز برای آن پیشنهاد شد. لذا، علی رغم تلاش های فراوان متخصصان و متولیان آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی، به نظر می رسد تحول بنیادین در زیرساختهای آموزشی و سازمانی و تلاش همه جانبه کلیه مسئولان و برنامه ریزان، اساتید و دانشجویان برای ایجاد پلی بین تئوری و عملی در پرستاری، از خرد تا کلان، ضروری می باشد.

سبک های یادگیری دانشجویان علوم پزشکی قم در آموزش بالینی

زهره خلجی نیا - دانشگاه ع. پ. قم، مینا گائینی، امیر همتا -، طاهره صدیقیان -،

مقدمه: سبک های یادگیری یکی از عوامل موثر در یادگیری است، که می تواند تغییرات نحوه دریافت و تعامل فرد با محیط بخصوص بالین را نشان دهد. از آنجائیکه وظیفه یاددهی و بهبود وضعیت موجود برای یادگیری دانشجویان در بالین، یکی از وظایف مراکز آموزشی درمانی می باشد، لذا مطالعه حاضر با هدف تعیین سبک های یادگیری دانشجویان علوم پزشکی قم در آموزش بالینی اجرا گردید.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-مقطعی، می باشد، که در سال ۱۳۹۸ با مشارکت ۳۰۸ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم (رشته پزشکی، پرستاری و مامایی و پیراپزشکی (که در هر یک از گروههای کارآموزی و کارورزی به روش طبقه ای انتخاب شدند، انجام شد. ابزار پژوهش پرسشنامه استاندارد سبک های یادگیری کلب بود. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون کای دو و رگرسیون خطی چند گانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی دانشجویان ۳، ۴ ± ۰،۷، ۲۳ سال، ۹، ۵۴ درصد زن، ۱، ۴۵ درصد مرد و ۶۴ درصد در مقطع کارشناسی و ۳۶ درصد در مقطع دکترا بودند. ۱، ۴۸ درصد دانشجویان سبک یادگیری جذب کننده، ۷، ۲۴ درصد دانشجویان سبک واگرا، ۵، ۱۷ درصد سبک همگرا و ۷، ۹ درصد سبک یادگیری انطباق یابنده داشتند. بین سبک یادگیری با رشته تحصیلی اختلاف معنی دار وجود داشت. ($P=0,03$)

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه سبک یادگیری اکثر دانشجویان جذب کننده و واگرا بود، لذا فراهم ساختن محیط های یادگیری متناسب با این سبک ها، برای یادگیری بهتر و کسب یا تقویت توانمندی های لازم در محیط های آموزشی و شغلی آینده حائز اهمیت است.

آسیب شناسی فرایند اجرای منتورینگ در آموزش پرستاری: یک مطالعه کیفی

اعظم زارع - دانشگاه ع. پ. شیراز، فاطمه الحائنی،

مقدمه: کاهش تعداد اساتید پرستاری اثر مستقیمی روی توانایی پذیرش و فارغ التحصیلی پرستاران دارد. منتورینگ به طور گسترده ای به عنوان یک استراتژی برای تسهیل رشد و توسعه حرفه ای دانشجویان می باشد و نقش اساسی در ارائه مراقبتهای بهداشتی و آموزش پرستاران دارد. در طول دو دهه گذشته، نقش منتورینگ در آموزش پرستاری مورد توجه قرار گرفته است در سالهای اخیر مطالعات کمی در مورد منتورینگ انجام

شده است به طوریکه موسسات آموزش پرستاری که منتورشیپی را ایجاد کرده اند نتایج مثبتی را از قبیل بهبود روحیه، رضایت شغلی بالاتر، افزایش اعتماد به نفس، افزایش توسعه حرفه ای، به دست آوردن کمک های مالی بیشتر از طریق اجرای تحقیقات، و ارتقاء سریعتر گزارش کردند ولی مطالعات کیفی در این زمینه به ندرت انجام شده است لذا مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی از نوع آنالیز محتوا می باشد که به منظور آسیب شناسی فرایند اجرای منتورینگ در آموزش پرستاری انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه یک پژوهش کیفی به روش آنلیز محتوا می باشد که در سال ۹۶ انجام شد. محیط پژوهش شامل ۷ دانشگاه اجرا کننده طرح منتورینگ بود. نمونه گیری به روش هدفمند انجام شد و مشارکت کنندگان شامل یک نفر سرپرستار، یک نفر سوپروایزر آموزشی، سه نفر دانشیار دانشکده (هیات علمی) و دو نفر مربی و یک نفر پرستار بودند. جهت جمع آوری داده ها از مصاحبه بدون ساختار و برای تجزیه و تحلیل داده های کیفی از تحلیل محتوای قراردادی و داده های کمی از آمار توصیفی (فراوانی) استفاده شد. اعتبار داده ها: اعتبار داده ها از طریق بررسی شرکت کنندگان انجام شد به طوریکه محققان گزارشی از تحلیل داده ها را به شرکت کنندگان دادند تا اطمینان حاصل کنند که محققان دنیای واقعی آنها را ارائه داده اند. بعلاوه محققان از دو نفر از اعضای هیئت علمی هم خواستند که داده ها، مضامین اولیه و تم ها و تم های اصلی را بررسی کنند. اعتبار حداکثری نمونه گیری هم به اطمینان و اعتبار داده ها کمک کرد.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان در مطالعه ۴۰ سال بود. میانگین سابقه کار در بخش بالین ۸ سال و میانگین سابقه در بخش آموزش ۴ سال و حد اقل زمان اجرای منتورینگ بین یک تا پنج سال و میانگین مدت مصاحبه ۳۵ دقیقه بود ۲۹۴۰. کد اولیه باز و ۴۹ تم سطح دوم بالقوه و ۱۲ تم اصلی استخراج شد که تم ها در ۴ زمینه پیش زمینه های منتورینگ، عوامل موثر بر اجرای منتورینگ، موانع اجرای منتورینگ و پیامد طبقه بندی شدند. پیش زمینه های منتورینگ مشتمل است بر: ناکارآمدی مربیان در بالین، نظارت بر انتخاب منتور، آمادگی اولیه منتور، تجربه بالینی منتور جزء عوامل مربوط به پیش زمینه های منتورینگ و تم های عامل انگیزشی نسبی منتور، نقش موثر رهبریت منتور جزء عوامل مربوط به عوامل موثر بر اجرای منتورینگ ارائه آموزش ناموثر به منتی ها، تعارض در رضایتمندی دانشجوی منتور ها، مشکلات منتور جزء عوامل مربوط به موانع اجرای منتورینگ و تم های تعاملات متقابل دانشکده و بالین، کفایت ارزشیابی، همکاری توأم منتور و مربی جزء عوامل مربوط به پیامدهای اجرای منتورینگ تقسیم بندی شدند

بحث و نتیجه گیری: طبقاتی که از داده های این مطالعه ایجاد شد گویای آسیب شناسی اجرای منتورینگ است. از آن جایی که عوامل علت و معلولی و زمینه ای منجر به اجرای پدیده منتورینگ شده است در حین انجام منتورینگ عوامل تسهیل کننده و ممانعت کننده ای

وجود دارد که بر استراتژیها اثر می گذارد و پیامدهای حاصله در زمینه اجرای منتورینگ خیلی مثبت به نظر نمی رسد. پیشنهاد: برای بهبود چالشهای منتورینگ نیاز به تشکیل کار گروههایی در این زمینه برای تحلیل نتایج کارآمدی این شیوه در دانشکده های محل اجرا و همچنین هم اندیشی صاحب نظران برای پیاده سازی منتورینگ متناسب با ساختار های دانشکده ها و فراهم سازی عوامل انگیزشی برای منتورها می باشد.

تجارب زیسته دانشجویان کارشناسی پرستاری از مشغولیت تحصیلی

حسین کریمی موقی - دانشگاه ع. پ. مشهد، محمد رضا قاسمی - دانشگاه ع. پ. سبزوار، عباس حیدری -

مقدمه: یکی از دغدغه های اصلی کلیه مدرسان، مشغولیت تحصیلی دانشجویان، یا کیفیت تلاشی است که دانشجویان صرف فعالیت های هدفمند آموزشی می کنند تا به صورت مستقیم به نتایج مطلوب یادگیری دست یابند. صاحب نظران تعلیم و تربیت معتقدند بدون مشغولیت تحصیلی، یادگیری رخ نمی دهد. همچنین یکی از عوامل مهم مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان نیز، مشغولیت تحصیلی است. شناسایی ماهیت و معنای پدیده مشغولیت تحصیلی، مدرسان و مدیران آموزش پرستاری را قادر خواهد ساخت تا فضای آموزش نظری و بالینی پرستاری را به گونه ای طراحی و مهیا سازند تا موجبات یادگیری خودراهبر و کارآمد را برای دانشجویان پرستاری فراهم نموده و در نهایت پرستارانی با صلاحیت حرفه ای اثر بخش تربیت نماید. در راستای دستیابی به این امر مهم مطالعه حاضر با هدف کلی تبیین معنای پدیده مشغولیت تحصیلی بر اساس تجارب زیسته دانشجویان کارشناسی پرستاری طراحی و اجرا گردید

روش اجرا: این پژوهش یک مطالعه کیفی از نوع پدیدارشناسی تفسیری است که در فاصله زمانی سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۷ در دانشکده های پرستاری مشهد و سبزوار انجام گرفته است. مشارکت کنندگان که دانشجویان مقطع کارشناسی رشته پرستاری در دانشکده های پرستاری مشهد و سبزوار بودند، بر اساس نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. برای دستیابی به اهداف مطالعه در مجموع با ۹ نفر از دانشجویان کارشناسی پرستاری مصاحبه نیمه ساختارمند انفرادی انجام شد. همچنین دو مصاحبه گروه متمرکز با دو گروه ۸ نفره از دانشجویان آقا و خانم انجام شد. به عبارتی در مجموع ۱۶ نفر دانشجوی پرستاری آقا و خانم در مصاحبه های گروه متمرکز حضور داشتند. مصاحبه ها ضبط و در اسرع وقت پیاده سازی شدند. به منظور تسهیل مدیریت داده ها از نرم افزار Max QDA استفاده شد. جهت تحلیل مصاحبه ها از روش تحلیل دیکلن و همکاران (۱۹۸۹) استفاده گردید. یافته ها: این مطالعه با مشارکت دانشجویان کارشناسی پرستاری دانشکده های پرستاری

مشهد و سبزوار انجام شد. مشارکت کنندگان از هر دو جنس و از ترم های مختلف تحصیلی با معدل های تحصیلی متنوع بودند.

یافته ها: در مرحله اول تحلیل مصاحبه ها، ۱۱۱۶ کد استخراج و پس از مفهوم پردازی و طبقه بندی کدهای مشابه، ۸۲ زیر زیر مضمون شکل گرفت. با ادامه تحلیل و مفهوم پردازی زیر زیر مضامین، نهایتاً ۱۶ زیر مضمون شکل گرفت. در ادامه با مفهوم پردازی و انتزاع بیشتر زیر مضامین، چهار مضمون اصلی "در تکاپوی یادگیری فعال"، "استفاده از فرصت های یادگیری"، "مدیریت تهدیدات یادگیری" و "یادگیری در سایه احساسات درونی" پدیدار گردید. بدین ترتیب بر مبنای تجارب دانشجویان، مشغولیت تحصیلی به معنای تکاپو برای یادگیری فعال، استفاده از فرصت های یادگیری، مدیریت تهدیدات یادگیری و یادگیری در سایه احساسات درونی می باشد

بحث و نتیجه گیری: بر اساس یافته های مطالعه حاضر مشغولیت تحصیلی در دانشجویان کارشناسی پرستاری پدیده ای پیچیده و چند بعدی می باشد. با شناسایی ماهیت و معنای پدیده مشغولیت تحصیلی و توجه جدی مدرسان و مدیران آموزش پرستاری به این پدیده در امر آموزش و برنامه ریزی دروس پرستاری، تربیت پرستارانی با صلاحیت حرفه ایی اثر بخش مورد انتظار است. طراحی ابزاری جهت ارزیابی مشغولیت تحصیلی در دانشجویان علوم پزشکی، تبیین فرآیند شکل گیری مشغولیت تحصیلی در دانشجویان کارشناسی و مقاطع تحصیلی بالاتر رشته پرستاری و سایر رشته های علوم پزشکی جهت مطالعات بعدی توصیه می گردد.

طراحی و تدوین دوره آموزشی تخصصی و مدیریتی فراهم آوری اعضای پیوندی (آیروس)

امید قبادی -، مرضیه لطیفی -، کتابون نجفی زاده - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، زهره رحیمی خلیفه کندی،

مقدمه: اهدای عضو به معنی انتقال یک عضو، سلول یا بافت به قصد استفاده برای فرد دیگر می باشد. پیوند عضو در انسان موجب بهبود، صرفه جویی و بازتوانی زندگی بسیاری از بیماران در مرحله آخر حیات در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می باشد. بر اساس شواهد یک نفر اهدا کننده عضو می تواند جان هشت نفر را از مرگ رهایی بخشد، همچنین همان فرد با اهداء تمامی اعضا و نسوج خود می تواند وضعیت معیشت پنجاه نفر را بهبود بخشد. در ایران با جمعیت تقریباً ۸۰۰۰۰۰۰۰ نفر و همچنین آمار تصادفات ۱۶۰۰۰ مورد در سال ۱۳۹۸، سالانه حدود ۵ تا ۸ هزار مرگ مغزی رخ می دهد که تعداد قابل اهدای آن برابر ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر می باشد، اما در سال ۱۳۹۸ تنها ۱۰۷۸ نفر اهدا شدند. این در حالی است که تعداد بیماران نیازمند به عضو پیوندی در کشور بیش از ۲۵۰۰۰ نفر است. متأسفانه روزانه ۷ تا ۱۰ نفر از بیماران لیست انتظار پیوند اعضا در ایران به دلیل نرسیدن به موقع

عضو پیوندی از دنیا می روند. با توجه به آمار بالای تصادفات منجر به مرگ مغزی در کشور و هدر رفتن ارگانهای بدن فرد متوفی، نیاز به توانمند سازی پرسنل درمانی و حمایت از آنها از طرف ذی ربطان در کشور به وضوح به چشم میخورد. با توجه به آمار پایین اهدای عضو در استانهای مختلف و به منظور ارتقای فرایند فراهم آوری اعضا پیوندی در کشور و همچنین ایجاد انگیزه و اولویت در تفکر مسئولین دانشگاه برنامه آموزش تخصصی و مدیریتی واحدهای فراهم آوری و شناسایی کشور (آیروس)، توسط انجمن اهدای عضو ایرانیان که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی تفاهم نامه ای مسولیت آموزش تیم های درمانی کشور را در زمینه اهدای عضو به عهده گرفته بود طراحی و اجرا شد. **روش اجرا:** فاز اول پیش از اجرای آیروس: پس از دریافت اطلاعات میزان اهدای هر استان، برنامه ریزی برای برگزاری آیروس در استانهای با میزان اهدای ضعیف انجام میگردد، جلسات مقدماتی برگزار می شود و تیم مدرسین و اجرایی به مدت ۷ روز در استان مربوطه مستقر می شوند. فاز دوم مرحله اجرایی (الف) جلسه مدیران اجرایی استان و مسئولین دانشگاه در این فاز کلیه جلسه آشنایی با اهدای عضو جهت مسئولین ذی ربط استانی از جمله استاندار، مدیر کل صدا و سیما، نماینده محترم ولی فقیه و... به مدت ۲ ساعت در استانداری هر استان برگزار میشود و مبنای مقدماتی اهدای عضو جهت آشنایی و حمایت طلبی آنها ارائه می گردد. (ب) آغاز جلسات آموزشی گروه های هدف - متخصصین بیهوشی، طب اورژانس و تایید کنندگان مرگ مغزی - پرستاران و سرپرستاران بخش مراقبت های ویژه داخلی و جراحی و اورژانس، روانشناسان و مددکاران اجتماعی - دانشجویان پزشکی کلاس ها طبق برنامه زمان بندی شده آغاز و به مدت ۵ روز ادامه می یابد. همچنین تمامی موارد مورد نیاز در قالب یک اپلیکیشن با نام " اپلیکیشن آیروس" و کتاب آیروس برای شرکت کنندگان قابل استفاده می باشد. روش های تدریس در این دوره شامل سخنرانی، کار گروهی، Action Learning، Donor plus، نقش بازی کردن می باشد. و نمره هر فرد بر اساس نمره آزمون های آنلاین شبانه، کارگاه ها و امتحان نهایی می باشد.

یافته ها: نتایج این دوره آموزشی بر اساس تعداد اهدا در میلیون نفر (PMP) برآورد می گردد. بر اساس آزمون تی تست افزایش میزان PMP در استانهایی که آیروس برگزار شد نسبت به قبل برگزاری تغییر معناداری نموده است. نتایج در جدول زیر نمایش داده شده است. نام دانشگاه علوم پزشکی PMP قبل آیروس PMP بعد آیروس مازندران ۳، ۱۸ ۷ بوشهر ۹، ۱۸ ۲ یزد ۴، ۳۵ ۷ هرمزگان ۵، ۵ ۰ ۱۲ اردبیل ۲۲، ۱۷ ۱۲ ۱۹ کرمانشاه ۵۹، ۸ ۳ گیلان ۲، ۱۶ ۷ همدان ۵، ۸ ۱۳ اذربایجان شرقی ۱۱ ۳

بحث و نتیجه گیری: افزایش در میزان اهدای عضو در استانهایی که در آنها این دوره آموزشی جامع برگزار شده نسبت به قبل از آن کاملاً چشمگیر و معنا دار می باشد و این امر جهت ارتقای میزان اهدای عضو در کل کشور بنا به گزارش وزارت بهداشت می باشد. آشنایی تیم درمان

با موضوع اهدای عضو کمک می کند که تعداد افرادی که نیاز به عضو اهدایی دارند زودتر به دامن جامعه باز گردند .

کلمات کلیدی: آبروس، اهدای عضو، پیوند اعضا، مرگ مغزی

هنجار یابی پرسشنامه نگرش به حرفه ای گری در بکار گیری شبکه های اجتماعی در علوم پزشکی

لیلی مصلی نژاد - دانشگاه ع. پ. جهرم ، نوید کلانی -

Introduction The use of social networks in the field of education has also accelerated and has become a powerful source of learning for transformation and empowerment in different fields. This questionnaire addresses the standardization of the attitude to professionalism in using social networks in Iranian medical science students . Methods In this questionnaire, with the aim of standardizing the attitude toward social networks, we used a questionnaire with ۱۰ questions in ۵ fields by Ness etal , ۲۰۱۳ . The fields include Accountability, Hiring decisions, Profile edits, Professionalism and Privacy setting . In this study, the questionnaire was first checked by validity in content . In the next step, construct validity was performed by exploratory factor analysis .Also reliability checked by test – retest in one group of students . Results By examining the correlation matrix between the variables, correlation between the variables and total score of questionnaire were appropriate. The result of factor analysis by principal component method and Varimax rotation with ۳ factors is approved .The reliability of the test was obtained ۰.۹۴۰ through test-retest method, and internal consistency were good . Conclusion Perspectives on e-professionalism and social media questionnaire by Ness etal , ۲۰۱۳ , is a reliable and valid instrument for assessing perspectives on e-professionalism and social media in Iranian medical students.

تبیین ادراک اساتید و دانشجویان در خصوص فرصت های شبکه های اجتماعی مجازی در آموزش: یک تحلیل محتوای کیفی

علی دهقانی - دانشگاه ع. پ. جهرم ، جواد کجوری - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، عبدالخالق کشاورزی - دانشگاه ع. پ. شیراز،

مقدمه: امروزه شبکه های اجتماعی مجازی در بین اساتید و دانشجویان در حیطه علوم پزشکی به طور فزاینده ای در حال استفاده است. شناسایی فرصت های ایجاد شده توسط این شبکه ها مبتنی بر دیدگاه اساتید و دانشجویان با استفاده از مطالعه کیفی جهت توصیف وضعیت موجود و برنامه ریزی جهت استفاده صحیح ضروری است. لذا مطالعه حاضر با هدف تبیین این فرصت ها از دیدگاه اساتید و دانشجویان در سال ۱۳۹۷ انجام شد .

روش اجرا : این پژوهش یک مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوای قراردادی است . در این مطالعه تعداد ۲۰ دانشجو و ۸ استاد با استفاده از نمونه گیری هدفمند مشارکت داشتند. محل اولیه انجام مطالعه دانشگاه علوم پزشکی جهرم بود. داده ها با استفاده از مصاحبه های انفرادی، چهره به چهره، عمیق و نیمه ساختارمند جمع آوری شد. نمونه گیری و انجام مصاحبه تا اشباع داده ها ادامه یافت. داده ها با استفاده از رویکرد گرانپایم و لاندمن آنالیز گردید.

یافته ها: تحلیل داده ها منجر به استخراج پنج طبقه اصلی به عنوان فرصت های استفاده از شبکه های مجازی در آموزش شامل تقویت مهارت های ارتباطی، ارتقای یادگیری، تمرین، تقویت و تسهیل یادگیری پروسیجرهای بالینی، کمک در خلق سوالات پژوهشی و آموزش به بیمار گردید

بحث و نتیجه گیری: بر این اساس، فرصت های منحصر به فردی در خصوص استفاده از شبکه های مجازی در آموزش شناسایی شدند. لذا استفاده از این فرصت ها و ایجاد بستر جهت کنترل و نظارت بیشتر از طرف سیاست گذران آموزشی می تواند گام مهمی در استفاده صحیح و موثر از شبکه های مجازی در آموزش کشور فراهم آورد.

بررسی اضطراب و ارزشیابی آزمون آسکی ایستگاه فرایند پرستاری در آزمون پیش کارورزی دانشجویان پرستاری

مریم باقری - دانشگاه ع. پ. اصفهان، معصومه سادات موسوی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، سیما بابایی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، فخری صبحی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، امیر موسی رضایی،

مقدمه: آزمون بالینی ساختارمند عینی (آسکی) جایگاه ویژه ای در بالین و پرستاری دارد. این آزمون یک ارزیابی مبتنی بر عملکرد می باشد که به بررسی جامع و عینی دانش عملی و مهارت های رفتاری و تصمیم گیری در شرایط مشابه با واقعیت می پردازد. یکی از نقاط قوت فرایند پرستاری استواری آن بر روش حل مسئله است و آزمون بالینی ساختار یافته عینی (آسکی) می تواند تفکر نقادانه و حل مسئله بر اساس شواهد را در دانشجو مورد ارزیابی قرار دهد. در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، جهت سنجش صلاحیت دانشجویان پرستاری در ورود به عرصه بالینی، ارزشیابی از صلاحیت بکارگیری

فرایند پرستاری به شیوه آسکی انجام می گردد. در این ایستگاه، استفاده از بیمارنا موجب می شود تا دانشجویان بتوانند اطلاعات را در مدت زمان مشخص و به صورت کنترل شده ای بدست آورده و قضاوت بالینی در موقعیت شبیه سازی شده ارائه دهند و از سویی دیگر امکان ارزشیابی بکارگیری فرایند پرستاری و انتقال مهارت های یاد گیرنده به موقعیت های بالینی واقعی فراهم گردد. مطالعات در حوزه بهره مندی از آزمون بالینی ساختار یافته عینی (آسکی) جهت سنجش توانایی بکارگیری فرایند پرستاری توسط دانشجویان، بسیار محدود می باشد و از سوی دیگر طی ارزشیابی های کیفی انجام شده از برگزاری این آزمون درنیمسال های گذشته در دانشکده پرستاری مامایی اصفهان، دیدگاه دانشجویان حاکی از استرس بالای دانشجویان در ارزشیابی فرایند پرستاری به شیوه آسکی بود. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با هدف بررسی سطح اضطراب دانشجویان پرستاری در ارزشیابی فرایند پرستاری به شیوه آزمون بالینی ساختار یافته عینی (آسکی) و همچنین ارزشیابی آزمون آسکی ایستگاه فرایند پرستاری بود.

روش اجرا: این مطالعه یک پژوهش توصیفی مقطعی می باشد که در نیمسال دوم تحصیلی ۹۸-۹۹ انجام شد. نمونه گیری به صورت سرشماری انجام شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه دموگرافیک، پرسشنامه "اضطراب امتحان ساراسون" و پرسشنامه "ارزشیابی آسکی" کسب شد. پرسشنامه اضطراب امتحان ساراسون ۲۷ گویه ای می باشد. با توجه به نمره کسب شده در یکی از این سه طبقه قرار می گیرد: اضطراب خفیف: نمره ۱۲ و پایین تر؛ اضطراب متوسط: نمره ۱۳ تا ۲۰؛ اضطراب شدید: نمره ۲۱ و بالاتر. پرسشنامه ارزشیابی آسکی ۲۴ آیتمی و آسکی را در ۴ بعد؛ نگرش دانشجو به آسکی، کیفیت عملکرد آزمون، عینیت و سودمندی آسکی می سنجد. روایی و پایایی پرسشنامه "اضطراب امتحان ساراسون" در ایران با ضریب آلفا کرونباخ ۰.۸۸ و در "ارزشیابی آسکی" با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۳ می باشد. تحلیل داده ها با نسخه ۱۶ نرم افزار آماری SPSS انجام شد.

یافته ها: در این پژوهش ۶۹ نفر دانشجوی پرستاری شرکت داشتند. اکثریت نمونه ها مونث و مجرد بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان 24.08 ± 0.8 و میانگین معدل آن ها 15.31 ± 0.87 بود. میانگین و انحراف معیار نمره اضطراب قبل از آزمون در این مطالعه 18.62 ± 0.8 بود. نتایج این مطالعه نشان داد که ۱۴ نفر (۳۰٪) دارای اضطراب خفیف ۳۰ نفر (۴۳٪)، دارای اضطراب متوسط و ۲۵ نفر (۳۶٪) دارای اضطراب شدید بودند. بین متغیر جنس و سطوح اضطراب ارتباط معنی داری وجود داشت. ارتباط معنی داری بین میانگین معدل و سطح اضطراب وجود داشت و آزمون تعقیبی توکی ارتباط را بین سطوح خفیف و شدید گزارش کرد ($F=4.70$ و $P=0.013$). همچنین از ۶۹ نفر دانشجو ۶۱ نفر رضایت داشتند که پرسشنامه بازخورد آزمون آسکی را تکمیل کنند. اکثر دانشجویان با منصفانه بودن آسکی موافق بودند. ۷۱ درصد استرس آزمون آسکی نسبت به سایر امتحانات بیشتر گزارش کردند. در رابطه با ارزیابی دانشجویان پرستاری از کیفیت عملکرد آسکی

اکثر دانشجویان پرستاری گزارش دادند که وظایفی که از دانشجویان خواسته شده است در آسکی انجام دهند منصفانه بوده و منعکس کننده مواردی است که آموزش داده شده بود (۴، ۵۹٪). تقریباً نیمی (۷۰٪) از دانشجویان پرستاری مورد مطالعه گزارش دادند که آنها از ماهیت امتحان کاملاً آگاه بودند

بحث و نتیجه گیری: این مطالعه پیشنهاد می کند که آزمون آسکی فرایند پرستاری علی رغم ایجاد اضطراب نامطلوب در دانشجویان، دارای دستورالعمل مشخص بوده و محیط و زمینه و فرایند اجرا در این ایستگاه از اعتبار مناسبی برخوردار است.

چگونگی برنامه های مجازی توانمندسازی اعضای هیات علمی در آموزش علوم پزشکی در دوران کووید ۱۹: مطالعه مروری نظام مند

مهلا سلاحقه - دانشگاه ع. پ. کرمان، الهه محمدی - دانشگاه ع. پ. تهران، رقیه گندم کار - دانشگاه ع. پ. تهران

مقدمه: شیوع ناگهانی کووید-۱۹، برنامه های توانمندسازی اعضای هیات علمی را با چالش های متعددی روبرو کرده است. این در حالی است که تحولات سازمان های بهداشتی درمانی، افزایش پیچیدگی مراقبت های بهداشتی و مفاهیم در حال تغییر آموزش پزشکی در دوران کووید ۱۹ منجر به ایجاد تقاضاهای روزافزون برای توانمندسازی اعضای هیات علمی شده است. در بررسی انجام شده مشخص شد مطالعه نظام مندی در زمینه چگونگی برنامه های توانمندسازی اعضای هیات علمی در آموزش علوم پزشکی در دوران کووید ۱۹ انجام نشده است. بنابراین، هدف مطالعه حاضر بررسی چگونگی برنامه های توانمندسازی اعضای هیات علمی در آموزش علوم پزشکی در دوران کووید ۱۹ از طریق مرور نظام مند متون بود.

روش اجرا: جستجوی نظام مند متون راهبرد جستجو براساس چارچوب تغییر یافته PICO تعیین شد و با استفاده از کلمات کلیدی در پایگاه های اطلاعاتی معتبر شدند. تجزیه و تحلیل انجام شد. غربالگری ابتدا عنوان، چکیده و کلمات کلیدی توسط دو پژوهشگر به صورت مستقل مورد بررسی قرار گرفتند. سپس متن کامل مقاله مطالعه شد و موارد عدم توافق مورد بحث با نفر سوم قرار گرفت. بررسی کیفیت مقالات: کیفیت مقالات با استفاده از چک لیست BEME بررسی شد. استخراج اطلاعات: اطلاعات توصیفی و متناسب با اهداف مطالعه استخراج یل اطلاعات: اطلاعات بدست آمده از متون مورد دست بندی موضوعی قرار گرفتند.

یافته ها: جستجوی متون در تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۲۰ بر روی پژوهش های منتشر شده از دسامبر ۲۰۱۹ تا نوامبر ۲۰۲۰ انجام شد و ۱۱۲ رکورد حاصل شد. از جستجوی دستی در منابع و استنادات ۱۰ رکورد بازایی شد. بعد از حذف موارد تکراری ۸۸ رکورد باقی ماند. از این میان

با بررسی عنوان، کلمات کلیدی و چکیده ۶۷ مقاله حذف شدند و بعد از بررسی متن کامل ۸ مقاله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج در دو دسته شامل اطلاعات توصیفی مقالات (انتشار، موقعیت، مخاطبین، محتوا، روش تدریس، روش ارزشیابی برنامه، طول دوره، تئوری زیربنایی) و ویژگی های خاص مداخلات در پاسخ به شرایط کووید ۱۹ (نوآوری ها، چالش ها و نتایج) تقسیم بندی شدند. ۳۸٪ برنامه ها در کانادا، ۲۵٪ در ایالات متحده و بقیه در عربستان سعودی، مصر و انگلستان برگزار شده بودند. تمرکز اکثر برنامه ها بر ارتقای مهارت های آموزش مجازی اعضای هیات علمی بود. رویکرد آموزشی برنامه ها به صورت همزمان، غیرهمزمان و یا ترکیبی بود. هیچکدام از برنامه های توانمندسازی به ارزشیابی دوره نپرداخته بودند اما براساس نظرات شرکت کنندگان، نتایجی مانند رضایت بالای مخاطبین، کسب اعتماد به نفس و حس بودن در جامعه همکاران و ایجاد شبکه های جدید همکاری گزارش شده بود. نوآوری هایی مانند تبلیغ در مورد برنامه در شبکه های اجتماعی و وبسایت ها، کمک گرفتن از تسهیلگران، استفاده از پلتفرم های با کاربری آسان، ارائه آموزش در نحوه استفاده از پلتفرم مورد نظر قبل از برگزاری برنامه اصلی، فراهم نمودن فرصت هایی برای انجام کارگروهی همراه با بازخورد برای مخاطبین و ارسال خلاصه های از برنامه برگزار شده برای شرکت کنندگان در نظر گرفته شده بود. در دوران بحران کووید ۱۹، در اکثر کشورها، دوره های توانمندسازی اعضای هیات علمی در پاسخ به نیازهای روزافزون اعضای هیات علمی، در قالب برنامه های مجازی برگزار می شود. اغلب این برنامه ها در دوران پساکرونا ادامه خواهند پیدا کرد لذا استفاده از تجارب این مداخلات آموزشی در برگزاری برنامه های آتی کمک کننده و راهگشا خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری: براساس نتایج این مرور نظام مند توصیه می شود که برنامه ریزان و سیاست گذاران برنامه های توانمندسازی اعضای هیات علمی به صورت مجازی در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه ها به استفاده از تئوری های زیربنایی، استفاده از روش های متعدد برای درگیر نمودن مخاطبین در آموزش مجازی، ارزشیابی برنامه توانمندسازی با استفاده از روش های روا و پایا و متناسب با آموزش مجازی، فراهم نمودن فرصت هایی برای اعضای هیات علمی برای انجام کارگروهی بر روی آنچه که یاد گرفته اند و استفاده از کمک تسهیلگران و ارائه بازخورد به شرکت کنندگان توجه نمایند.

تکنولوژی و ارزشیابی بازخورد _ یادگیری محور: یک مطالعه موردی در آموزش علوم پزشکی

زهرا مستانه - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، علی موصلی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس

مقدمه: ضرورت استفاده از تکنولوژی برای انجام ارزشیابی های تکوینی جهت تسهیل در ارائه بازخورد به موقع به فراگیران در آموزش علوم پزشکی بیش از پیش آشکار شده است. مطالعه حاضر به دنبال بررسی پلتفرم کاهوت به عنوان نوعی تکنولوژی برای انجام ارزشیابی بازخورد محور است.

روش اجرا: سه رشته تحصیلی از مقاطع دکترای عمومی و کارشناسی با استفاده از پلتفرم کاهوت (Kahoot) در طول دو ترم تحصیلی با حداقل سه آزمون، مورد ارزیابی تکوینی قرار گرفتند. پس از ارائه توضیحات لازم در زمینه استفاده از این پلتفرم، با طراحی آزمون در محیط اختصاصی توسط مدرس، کدی به آن آزمون اختصاص می یافت و با ارائه آن به دانشجویان، آنها می توانستند در آزمون زمان بندی شده شرکت نمایند. نتیجه آزمون به صورت کلی و نیز به تفکیک هر سؤال بلافاصله پس از پاسخ ارائه می شد و مدرس امکان ارائه توضیح شفاهی و متنی و حتی بارگذاری اسلاید در صورت وجود ابهام و شفاف سازی پاسخ را داشت. در نهایت، آزمون با کلیه جزئیات ذخیره می شد. جهت ارزیابی کارائی پلتفرم مورد استفاده، پرسشنامه استاندارد شده ۱۲ سؤالی، پس از آخرین اجرای آزمون در اختیار دانشجویان قرار گرفت و پاسخ های دریافتی با استفاده از آمار توصیفی مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: کاهوت به عنوان یک ابزار ارزشیابی تکوینی، بیشترین نقش را در خوشایند کردن آزمون و کاهش استرس (۹۷ درصد)، روشی مؤثر برای یادگیری دقیق تر و عمیق تر متعاقب بازخورد دریافتی و روشی برای یادگیری انعکاسی (۹۱، ۴ درصد)، فراهم نمودن بستر مناسب تر نسبت به یادگیری سنتی برای ارائه بازخورد (۸۸، ۶ درصد)، ایجاد انگیزه برای یادگیری بیشتر (۸۸، ۵ درصد) و نیز ایجاد تمرکز روی موضوع (۸۴، ۷ درصد) داشته است.

بحث و نتیجه گیری: استفاده از پلتفرم کاهوت با توجه به قابلیت های آن می تواند زمینه را برای درک نقاط ضعف آموزشی توسط خود دانشجو فراهم سازد و با امکان تعامل با مدرس، نقاط ضعف مرتفع شده و یادگیری عمیق تری متعاقب آزمون شکل بگیرد. به طور کلی، فرایند بکار رفته در این پلتفرم می تواند با خوشایند نمودن ارزیابی، پل آزمون-یادگیری ایجاد کند و این دو را با یکدیگر هم هدف سازد.

تأثیر آموزش پزشکی با رویکرد روایی بر ارتقای بازاندیشی و همدلی در دانشجویان پزشکی

سعیده دریا زاده - دانشگاه ع. پ. اصفهان، پیمان ادیبی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، نیکو یمانی، رویا ملاباشی - دانشگاه ع. پ. اصفهان

هدف: رویکرد روایی شامل بیان تجربیات پزشکی و بازاندیشی در روایت ها برای ایجاد ارتباط همدلانه با بیماران است. علاوه بر این، بازاندیشی در مورد روایت ها باعث افزایش خودآگاهی و شناخت احساسات نسبت

به راوی یا شخصیت اصلی داستان می شود که به نوبه خود مخاطب را تحت تأثیر قرار می دهد. این مطالعه به منظور بررسی تأثیر آموزش پزشکی با رویکرد روایی بر ارتقای بازاندیشی و همدلی در دانشجویان پزشکی انجام شد.

روش ها: این مطالعه به صورت شبه تجربی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۶ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد. مشارکت کنندگان شامل ۱۳۵ دانشجوی کارورز پزشکی در دو گروه (کنترل (n=۶۶) و آزمایش (n=۶۹) انجام شد. برای کارورزان گروه آزمایش هفت جلسه تمرین دو ساعته برای آموزش بازاندیشی و همدلی از طریق آموزش پزشکی با رویکرد روایی برگزار شد، در حالی که کارورزان گروه کنترل تحت هیچ مداخله آموزشی قرار نگرفتند. ارزیابی های پیش آزمون و پس آزمون برای هر دو گروه با استفاده از دو ابزار روا و پایا برای ارزیابی ظرفیت بازاندیشی و همدلی انجام شد. مقایسه میانگین نمرات بازاندیشی و همدلی در گروهها (بین مقادیر پیش آزمون و پس آزمون) در یک گروه و بین گروه ها با استفاده از آزمون t زوج و تی انجام شد و معناداری ۰.۰۵، $P \leq 0$ در نظر گرفته شد.

یافته ها: میانگین نمرات بازاندیشی و همدلی گروه آزمایش بعد از مداخله آموزشی به طور قابل توجهی افزایش یافت و در مقایسه پیش آزمون و پس آزمون اختلاف معناداری را نشان داد، اما در گروه کنترل این اختلاف معنی دار نبود. علاوه بر این، مقایسه میانگین نمرات پس آزمون به طور معناداری بین دو گروه در پس آزمون متفاوت بود و در گروه آزمایش افزایش یافت. ($P < 0.01$).

نتیجه گیری: رویکرد روایی روش آموزشی موثری برای آموزش بازاندیشی و همدلی در علوم پزشکی است که در نهایت باعث ارتقا منش حرفه ای به عنوان یکی از صلاحیت های اصلی در پزشکی می شود. در نظر گرفتن شرایط یادگیری و تدریس بین رشته ای برای اجرای برنامه پزشکی روایی ضروری است.

عوامل مؤثر در اخلاق حرفه ای از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه

میر علی اعتراف اسکویی - دانشگاه ع. پ. تبریز، یوسف خیری، مهران سیف فرشد - دانشگاه ع. پ. تبریز، نعمت بیلان،

مقدمه: الگوی رفتار ارتباط درون شخصی و برون شخصی مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط، تعریف جامع و فراگیر از اخلاق حرفه ای است. بر همین مبنا اخلاق حرفه ای مسئولیت های اخلاقی فرد یا سازمان است که بر اصل حق مردم استوار است. لذا افراد نسبت به رعایت حقوق مردم مسئولیت داشته و رعایت آنها الزامی است. رسالت اخلاق حرفه ای، پیشگیری از مشکلات، درمان، بهبود، رشد و اعتلای اخلاقی افراد و سازمانها، و تبیین تعهدات و مسئولیت های اخلاقی است. به نظر می رسد

که مداخلات لازم برای بهبود و ارتقای اخلاق حرفه ای، بر پایه علم و دانش و تجربه استادان حوزه اخلاق تدوین می شود و از دیدگاه اعضای هیأت علمی تا حدودی غفلت شده است. هدف کلی مطالعه حاضر بررسی عوامل مؤثر در اخلاق حرفه ای از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه می باشد.

روش: این مطالعه از نوع کیفی و توصیفی است که با هدف استخراج و گردآوری دیدگاه های اعضای هیأت علمی از ۱۲ بحث گروهی متمرکز از تمامی دانشکده های دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گرفت. نظرات مطرح شده یادداشت برداری و تحت عنوان «مفاهیم اولیه» نامگذاری گردید. این مفاهیم پس از تلخیص و بازنگری تحت عنوان «عوامل مؤثر در اخلاق حرفه ای» طبقه بندی و از رویکرد تحلیل محتوای جهت دار برای بررسی هر گونه ارتباط احتمالی بین این عوامل استفاده گردید.

نتایج: یافته های این مطالعه نشان می دهد که ۲۸۵ مفاهیم اولیه پس از تلخیص به ۱۳۵ مورد و به دلیل مشابهت و همپوشانی مجموعاً به ۲۶ عوامل مؤثر در اخلاق حرفه ای تقلیل پیدا کرد. عوامل «حساسیت نسبت به رفتار و عمل اخلاقی و شأن و کرامت انسانی»، «بینش افزایی در مورد اخلاق حرفه ای»، «نظارت و پیگیری نحوه انجام کار و مسئولیت»، «ضعف زیرساختها اعم از سخت افزارها و نرم افزارها»، «تبعیض در رفتارهای مدیریتی و توزیع منابع مالی»، و «رعایت اخلاق حرفه ای در تمامی سطوح مدیریتی» از عوامل اصلی مطرح در موضوع اخلاق حرفه ای توسط اعضای هیأت علمی است که از بیشترین تکرار و فراوانی برخوردار هستند.

بحث و نتیجه گیری: پابندی به اصل اخلاق حرفه ای در بستر تفکر دینی و اسلامی اقتضاء می کند که ضمن بررسی عوامل مؤثر در اخلاق حرفه ای، اولویتهای مداخله برای بهبود و ارتقای آن شناسایی شود. بنابراین، برای بهبود و ارتقای اخلاق حرفه ای در دانشگاهها ضرورت دارد مداخلات ضروری بر طبق اولویت تدوین و نسبت به برنامه ریزی و اجرای آنها اقدام نمود.

روانشنجی ابزاری به منظور آموزش بازاندیشی در علوم پزشکی

سعیده دریازاده - دانشگاه ع. پ. اصفهان، پیمان ادیبی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، نیکو یمانی،

مقدمه: بازاندیشی فرایندی آموختنی است که در ارتقای یادگیری طولانی مدت و تصمیم گیری بالینی موثر است و می تواند همدلی و منش حرفه ای را تقویت کند. یکی از روشهای آموزش بازاندیشی، "نوشتن بازاندیشانه" است. ابزارهایی برای ارزیابی "ظرفیت بازاندیشانه" تدوین شده اند که ابزار ارزیابی بازاندیشی برای مهارتهای پیشرفته فراگیران (REFLECT) یکی از آنهاست. اهداف: این مطالعه با هدف

روانسنجی ابزار REFLECT به زبان فارسی انجام شده است. تنظیمات و طراحی این مطالعه کمی در دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با مشارکت کارورزان پزشکی از طریق نمونه گیری سرشماری انجام شد و شامل سه مرحله ترجمه ابزار به فارسی، مطالعه مقدماتی و مطالعه اصلی بود.

روش اجرا: ترجمه فارسی با استفاده از روش "ترجمه رو به جلو، رو به عقب" انجام شد. برای تأیید روایی و پایایی، تغییراتی در ابزار ایجاد کردیم و از آن در مطالعه مقدماتی و اصلی استفاده کردیم. آنالیز آماری استفاده شده: برای تجزیه و تحلیل آماری از ضریب آلفای کرونباخ، ضریب همبستگی پیرسون و کاپای کوهن استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ انجام شد.

یافته ها: مقدار عددی ۴-۱ به صورت لیکرت در سطوح بازاندیشی وارد شد، و همچنین تغییراتی با حذف جزیی نوشتاری اختیاری انجام شد. در مطالعه مقدماتی، روایی صوری و محتوایی با حضور ۱۰ کارورز پزشکی و پنج متخصص آموزش پزشکی تأیید شد. سپس، ۶۷ کارورز پزشکی در مطالعه اصلی شرکت کردند و ما پایایی ابزار را با سازگاری داخلی از طریق ضریب آلفای کرونباخ (۰.۸۳) و آزمون-باز آزمون از طریق محاسبه ضریب همبستگی (۰.۸۹) انجام شد. اندازه توافق برای تعیین پایایی بین ارزیابان توسط محاسبه ضریب کاپای کوهن انجام شد.

بحث و نتیجه گیری: نسخه اصلاح شده ابزار REFLECT به زبان فارسی ابزاری معتبر و قابل اعتماد است که می تواند به ما در ارزیابی ظرفیت بازاندیشی در آموزش پزشکی کمک کند. استفاده از این ابزار برای تمرین بازاندیشی در پزشکی توصیه می شود.

تبیین درک و تجارب ذینفعان از توسعه دانش های میان رشته ای در علوم پزشکی

دکتر مریم خزانلی پول - دانشگاه ع. پ. مازندران، علیرضا شغلی دانشگاه ع. پ. زنجان، مریم زرقانی - دانشگاه ع. پ. ایران، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران، سید ابوالحسن نقیعی - دانشگاه ع. پ. مازندران، فتنه عموی - دانشگاه ع. پ. مازندران، الهه محمودی - دانشگاه ع. پ. مازندران

مقدمه: شرایط پویای امروز دنیا نیاز به آگاهی و تسلط علمی در حوزه های مختلف را بیش از گذشته می طلبد. یکی از مسیرهای پاسخ به این نیاز قطعاً توسعه برنامه های آموزشی میان رشته ای در علوم پزشکی است. تدوین برنامه آموزشی میان رشته ای کار ساده ای نبوده و مستلزم فهم عمیق و داشتن تجربه عملی در این زمینه و عوامل تعیین کننده، استراتژی های آنهاست. لذا تبیین تجارب صاحب نظران، ذینفعان و افراد کلیدی درخصوص توسعه دانش های میان رشته ای در علوم پزشکی و

شناخت درک و تجربیات و هنجارهای بومی در این زمینه بسیار حائز اهمیت است.

روش اجرا: این مطالعه بخشی از یک مطالعه بزرگتر از نوع ترکیبی می باشد که با رویکرد کیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است. با یک مطالعه کیفی تحلیل محتوای تماتیک با رویکرد قیاسی و روش گرانهایم و لاندمن، درک و تجارب ذینفعان از توسعه دانش های میان رشته ای در علوم پزشکی تبیین شد. روش: مدیران و معاونین وزارت بهداشت، اندیشمندان و اساتید پژوهشکده مطالعات فرهنگی، اعضای هیات علمی دانشگاه های علوم پزشکی، محقق میان رشته ای، دانشجویان، مدیر عامل یکی از شرکت های دانش بنیان. حجم نمونه: با استفاده از نمونه گیری هدفمند (purposeful sampling)، ۱۱ نفر از ذینفعان در زمینه پژوهش (۱ نفر دانشجو، ۲ اعضای هیات علمی، ۱ رئیس دانشکده مطالعات میان رشته ای، ۲ مدیر وزرات بهداشت، ۲ معاونین آموزشی و پژوهشی دانشگاه، ۱ مدیر عامل یکی از شرکت های دانش بنیان و ۲ محقق میان رشته ای (شناسایی و انتخاب شدند. نمونه گیری تا زمان به اشباع رسیدن داده ها ادامه یافت. ابزار: ز مشارکت کنندگان مصاحبه نیمه ساختارمند بعمل آمده و همزمان با انجام مصاحبه ها به روش تحلیل محتوی با رویکرد قیاسی داده ها تجزیه و تحلیل شد. مصاحبه ها تا رسیدن به اشباع کامل ادامه یافت. تعداد مشارکت کنندگان ۱۱ نفر بودند. برای تأیید دقت و صحت داده ها در مورد اعتبار مطالعه، روش های پرسش از همکار و چک اعضا بکارگرفته شد و نتایج تحلیل و طبقه بندی داده ها به تأیید چند نفر از اساتید رسید و از نظرات متخصصین روش پژوهش کیفی در طراحی این مطالعه نیز نظرخواهی شد. برای چک اعضا نیز نتایج تحلیل شده در اختیار چند نفر از مصاحبه شوندهگان قرار گرفت تا نتایج را تأیید نمایند. برای انتقال پذیری نیز تمام مراحل روش کار به طور دقیق و با جزییات شرح داده شد. برای قابلیت اطمینان، از یک ناظر خارجی با تجربه در تحقیق کیفی استفاده شد که فرآیند اجرای مطالعه شامل ضرورت اولیه اجرا، جزییات فرآیند اجرا، سؤالات و فایل صوتی و متن پیاده شده مصاحبه ها، داده های تحلیل شده و یافته ها را بررسی و تأیید نماید. تحلیل یافته ها: مصاحبه ها پس از پیاده سازی به روش تحلیل محتوای تماتیک با رویکرد قیاسی و روش گرانهایم و لاندمن و با استفاده از نرم افزار MAXQDA تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: از مجموع ۴۷۲ کد اولیه حاصل تجزیه تحلیل یافته ها، ۳۴۱ کد انتزاعی، ۹۸ مفهوم یا طبقه فرعی و ۹ طبقه اصلی استخراج گردید. طبقات اصلی شامل: ضرورت ایجاد و بسط دانش میان رشته در علوم پزشکی و سلامت، ماهیت میان رشته ای موضوعات مرتبط با سلامت، ضرورت ایجاد و بسط میان رشته در علوم پزشکی، انگیزنده های ایجاد و بسط گیری میان رشته در دانشگاه های علوم پزشکی، موانع ایجاد، بسط میان رشته ای در دانشگاه های علوم پزشکی، رابطه دانشگاه های علوم پزشکی کشور با صنعت و بازار کار، سیستم آموزشی و مالی دانشگاه های علوم پزشکی، استراتژی تدریس مبتنی بر کار گروهی در

دانشگاه و برنامه های درسی تخصصی شده در علوم پزشکی بود. سطوح انتزاع در طبقات متفاوت بود.

بحث و نتیجه گیری: براساس محتوای استخراج شده از مصاحبه ها، اسناد بالادستی و مرور مطالعات مرتبط مشخص شد که اگر چه تمایز بین میان رشته ای و چند رشته ای خوب شناخته نشده است، ولی ویژگی های مهم میان رشته ای ها مانند مسئله محوری، انعطاف پذیری و تقاضامحوری در نظر متخصصین و خبرگان وجود دارد. در واقع رشته های متعددی امروزه در دانشگاه های علوم پزشکی کشور وجود دارد که مبتنی بر یک نیاز به وجود می آیند و پس از آنکه ساختار حاکمیتی و بدنه فیزیکی برای آن تصویب شده دیگر به مثابه یک رشته کلاسیک ماندگار گشته و ارتباط و پویایی اش را با بازار و صنعت از دست می دهد.

بررسی سبک یادگیری دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی البرز در سال ۱۳۹۹

زهرا مومنی - دانشگاه ع. پ. البرز، محسن اعرابی، آرزو آرمنده - دانشگاه ع. پ. البرز،

مقدمه: تلاش برای افزایش سطح رضایت دانشجویان از برنامه های درسی و محیط یادگیری یکی از جدی ترین چالش های اساتید حوزه آموزش پزشکی امروز است. تشخیص اینکه هر دانشجو دارای چه سبک یادگیری است، می تواند به اساتید برای به کارگیری روش ها و رسانه های آموزشی منعطف و موثر کمک کند. همچنین درک بهتر سبک های یادگیری توسط اساتید می تواند به کاهش سطح ناراضیاتی دانشجویان کمک کرده و روش های ارائه آموزش را بهبود بخشد. یکی از معروف ترین روش های تعیین سبک های یادگیری، بر مبنای الگوی یادگیری تجربی دیوید کلب (David Kolb) می باشد. در این الگو، یادگیری در یک چرخه چهار مرحله ای توصیف شده است که به ترتیب عبارت اند از: تجربه عینی (concrete experience-CE)، مشاهده و تفکر درباره آن تجربه، تدوین فرضیه یا نظریه درباره آن و آزمون آن فرضیه یا نظریه در موقعیت های عملی.

روش اجرا: این پژوهش از نوع توصیفی بوده و جامعه آن را کلیه دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی البرز مشغول به تحصیل در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ تشکیل دادند. پرسشنامه به صورت آنلاین در اختیار همه دانشجویان قرار گرفت. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه ی استاندارد کلب بود که قبلا روایی و پایایی آن سنجیده شده است. این پرسشنامه، سبک های یادگیری افراد را در دو بعد تجربه عینی - مفهوم سازی انتزاعی و مشاهده تأملی - آزمایشگری فعال، مورد سنجش قرار می دهد و از ترکیب این ابعاد چهار سبک یادگیری همگرا، واگرا، جذب کننده و انطباقی یابنده به دست می آید. در نهایت با کمک نرم افزار SPSS-۲۴، داده ها تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: تعداد ۳۶۰ دانشجو در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ در دانشکده دندانپزشکی مشغول به تحصیل بودند که در مجموع ۲۰۵ نفر از آنها پرسشنامه را تکمیل کرده و وارد مطالعه شدند. بررسی داده ها نشان داد که ۱۲۰ نفر (۵۸،۵ درصد) از شرکت کنندگان در مطالعه زن و ۸۵ نفر (۴۱،۵ درصد) مرد بودند. سن شرکت کنندگان بین ۱۸-۳۷ سال و میانگین و انحراف معیار آن، ۳،۰۳ ± ۲۳،۳ سال بود. از لحاظ محل سکونت، تنها ۲۴ نفر (۷،۱۱٪) در خوابگاه سکونت داشتند. میانگین و انحراف معیار معدل دانشجویان شرکت کننده در مطالعه ۲،۱۶ ± ۱ مشاهده شد. بیشترین سبک یادگیری، همگرا با ۳۲،۷٪ و پس از آن جذب کننده با ۳۱،۷٪ و کمترین سبک یادگیری متعلق به انطباق یافته با ۳،۹٪ به دست آمد. سبک یادگیری خانم ها بیشتر همگرا و واگرا ولی سبک یادگیری آقایان بیشتر جذب کننده و همگرا بود. بین جنسیت و سن با سبک های یادگیری دانشجویان تفاوت معنی دار وجود ندارد. به عبارت دیگر جنسیت و سن در سبک یادگیری تاثیرگذار نمی باشند. بین معدل و سبک های یادگیری، اختلاف معنی داری مشاهده شد (P=۰،۳۵). دانشجویانی که سبک یادگیریشان همگرا بود معدل بالاتری نسبت به دانشجویان با سبک یادگیری واگرا دارند.

بحث و نتیجه گیری: سبک های یادگیری همگرا و جذب کننده شایعترین الگوی یادگیری دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی البرز بودند. با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می شود که از محیط های یادگیری متناسب با این سبک ها از جمله؛ شبیه سازی، فعالیت آزمایشگاهی، تاکید بر کاربردهای عملی مطالب و واداشتن دانشجویان به تفکر و موشکافی مسائل؛ در تدریس و آموزش استفاده شود تا یادگیری تسهیل شده و موجب کسب یا تقویت توانمندی های لازم در محیط های آموزشی و کاری آینده گردد. هر چه مشارکت فراگیران در فرآیند یادگیری بیشتر باشد، بیشتر یاد می گیرند

کلمات کلیدی: سبک یادگیری، پرسشنامه کلب، دانشجوی دندانپزشکی

یاددهی و یادگیری

مداخله طی جلسه توجیهی با اهداف، رویکرد تدریس، زمان لازم برای پاسخدهی و نحوه تسهیل گری مدرس آشنا شده بودند.

یافته ها: از ۹۴ دانشجوی، ۳ نفر از دانشجویان در گروه پرسش و پاسخ حذف درس داشتند و از مطالعه خارج شدند. توزیع فراوانی جنس دانشجویان در گروه با روش بحث گروهی ۲۱ مرد (۷، ۴۴ درصد) و ۲۶ زن (۳، ۵۵ درصد) و در گروه پرسش و پاسخ ۲۵ مرد (۸، ۵۶ درصد) و ۱۹ زن (۲، ۴۳ درصد) بود. آزمون آنالیز کوواریانس با تعدیل متغیرهای جنس و معدل دانشجویان در دو گروه، نشان داد که نمره درس مراقبت-های پرستاری در منزل به عنوان دستاورد یادگیری با روش تدریس رابطه معنادار داشت ($P = 0$)، (۰۴ به طوریکه میانگین نمره در روش بحث گروهی بیشتر از گروه پرسش و پاسخ جهت یادگیری مبتنی بر سناریو بود.

بحث و نتیجه گیری: این مطالعه پیشنهاد می کند، استفاده از استراتژی های یادگیری فعال همراه با مشارکت دانشجویان با یکدیگر می تواند به تسهیل یادگیری منجر شود. بحث گروهی با زمینه سازی تبادل نظر و تعامل دانشجویان همراه با تسهیل گری مدرس می تواند با توسعه دستاوردهای یادگیری همراه باشد.

مقایسه تأثیر شیوه آموزش حضوری با آموزش مجازی در میزان یادگیری دروس دانشجویان هوشبری دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سالهای تحصیلی ۹۷-۹۶ تا ۹۸-۹۹

مهرداد مهدیان - دانشگاه ع. پ. کاشان، اکبر علی اصغرزاده - سمیه صادقی - دانشگاه ع. پ. کاشان، ، فخرالسادات میرحسینی - دانشگاه ع. پ. کاشان، زهرا رحیمی مقدم - ، فاطمه حسن شیرینی - دانشگاه ع. پ. کاشان زهرا عساریان نیاسرری - ، زینب ظهیرهاشمی - ، معصومه کوچکی نصرابادی - دانشگاه ع. پ. کاشان، سهیلا یداللهی - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه: تکنولوژی های مدرن و جدید، کم کم جایگاهشان را در زندگی انسان امروز پیدا کرده اند. دنیای امروز دیگر بدون استفاده از این وسایل مدرن مانند گوشی های تلفن همراه، رایانه ها و اینترنت، قابل تصور نیست. بدون شک یکی از موارد استفاده اثر بخش از این تکنولوژی، آموزش از راه دور است. آموزش مجازی یکی از روشهای رایج در کشورهای مختلف جهان است که افزایش امکانات و دسترسی به اینترنت در رشد این روش نقش مؤثری داشته است. علیرغم استفاده محدود از این روش در سالهای گذشته، همه گیری کووید ۱۹ فرصتی را فراهم آورد که استفاده از آموزش مجازی و به تبع آن آزمونهای مجازی ضرورتاً رشد فزاینده ای یابد. با توجه به نوپایی این روش، بررسی نحوه یادگیری و عملکرد دانشجویان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا این مطالعه با هدف مقایسه میانگین نمرات دروس فیزیولوژی (۲)، آناتومی

بررسی مقایسه ای یادگیری مبتنی بر سناریو به دو روش بحث گروهی و پرسش و پاسخ بر دستاوردهای یادگیری دانشجویان پرستاری

مریم باقری - دانشگاه ع. پ. اصفهان، فخری صبحی - دانشگاه ع. پ. اصفهان، مژگان جوکار -، اکرم محمدی - دانشگاه ع. پ. اصفهان،

مقدمه: یادگیری مبتنی بر سناریو نوعی یادگیری و هدایت یادگیرنده از طریق روشی ساختارمند است که با ایجاد یک موقعیت واقعی شغلی و یا شبیه سازی آن صورت می پذیرد. در این روش محتوای آموزشی براساس سناریوهای واقعی طراحی می شوند که یادگیرندگان موظف هستند تا علاوه بر استفاده از دانش خود، با به کارگیری تفکر انتقادی، مهارت های حل مسئله و خلاقیت خود به صورت فعال در حل مشکلات و مسائل در یک محیط امن و نزدیک به واقعیت مشارکت نمایند. اگر چه در مطالعات متعددی به بررسی تأثیر یادگیری مبتنی بر سناریو به عنوان استراتژی جهت ارتقای دستاورد های یادگیری از جمله دانش، نگرش و عملکرد افراد پرداخته شده است اما نحوه ی چگونگی تدریس محتوای آموزشی مبتنی بر سناریو در محیط های واقعی آموزشی جای تامل دارد. در این راستا شناسایی روش های ارجح تدریس با توجه به ویژگی های فرهنگی آموزشی (پداگوژی) مورد توجه است. روش های تدریس بحث گروهی و پرسش و پاسخ (بحث سقراطی) از روش های یادگیری فعال هستند که در یادگیری مبتنی بر سناریو می توان استفاده نمود. لذا مطالعه ی حاضر به منظور بررسی مقایسه ای یادگیری مبتنی بر سناریو به دو روش بحث گروهی و پرسش و پاسخ بر دستاورد های یادگیری دانشجویان پرستاری در واحد درسی مراقبت در منزل در کلاس درس انجام شد.

روش اجرا: مطالعه حاضر یک مطالعه نیمه تجربی پیش آزمون- پس آزمون دو گروهی بود. پس از تایید پروژه در کمیته اخلاق پژوهشی دانشگاه، تمامی دانشجویان ترم ۶ پرستاری در نیمسال اول تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ که درس پرستاری مراقبت در منزل را برای اولین بار اخذ کرده بودند انتخاب شدند (۹۴ دانشجوی) و پس از جلسه توجیهی با تخصیص تصادفی، به دو گروه تقسیم شدند. مباحث ارائه شده با یادگیری مبتنی بر سناریو در مدت ۵ جلسه ۲ ساعته (هر هفته یک جلسه) ارائه شد. مدرس و محتوای درسی در هر دو گروه همگون بود. در گروه اول، تدریس با سناریو با پرسش و پاسخ طی تعامل و تبادل نظر با هدایت مدرس انجام شد. در گروه دوم، روش بحث گروهی با تقسیم دانشجویان به ۵ گروه ۹ تا ۱۰ نفره انجام شد و دانشجویان طی تعامل و بحث و تبادل نظر با یکدیگر و با تسهیل گری مدرس به ارائه موضوعات مبتنی بر سناریو می پرداختند. در هر دو گروه دانشجویان قبل از

(۲)، روش بیهوشی (۱) و اصول پایه داروشناسی دانشجویان هوشبری در سه نیمسال دوم متوالی ۹۷، ۹۶ و ۹۸ که به ترتیب دوسال اول بصورت حضوری و در سال ۹۸ بصورت مجازی برگزار گردیده بود در دانشگاه علوم پزشکی کاشان در نیمسال دوم سال تحصیلی در سال ۱۳۹۹ انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه نیمه تجربی در بین ۵۷ نفر از دانشجویان هوشبری (سه دوره) در نیمسال دوم ورودی به دانشگاه انجام شد. برای انجام این مطالعه میانگین نمرات اکتسابی دانشجویان در درس فیزیولوژی (۲)، آناتومی (۲)، روش بیهوشی (۱) و اصول پایه داروشناسی در نیمسال دوم ۱۳۹۸ که هم تدریس و هم آزمون بصورت مجازی انجام شده بود با میانگین نمرات همین دروس در سالهای ۹۶ و ۹۷ برای دانشجویانی که هم ارائه درس و هم آزمون بصورت حضوری برگزار شده بود مقایسه گردید. تدریس و آزمون مجازی بر اساس شیوه نامه ارسالی از معاونت آموزشی وزارت متبوع صورت گرفت. از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و آزمون ANOVA و آزمونهای تعقیبی برای تحلیل داده ها استفاده شد P کمتر از ۰,۰۵ معنی دار تلقی گردید.

یافته ها: از میان ۵۷ نفر دانشجویان مورد بررسی ۴۳ نفر زن (۷۵,۴٪) و ۱۴ نفر مرد (۲۴,۶٪) بودند و میانگین سنی آنها $21,1 \pm 1,5$ سال بود. میانگین نمرات دانشجویان در دروس روش بیهوشی (۱) $(15,37 \pm 2,8)$ و درس فیزیولوژی $(12,55 \pm 2,3)$ (۲) در سال ۱۳۹۸ از دو نیمسال متناظر قبلی که تدریس و آزمون بصورت حضوری برگزار شده بود بیشتر بود. این افزایش نمره فقط در خصوص درس روش بیهوشی (۱) معنی دار بود ($P=0,032$) بین میانگین نمرات بقیه دروس دانشجویان در سالهای مورد بررسی تفاوت معنی داری مشاهده نشد

بحث و نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد علیرغم برگزاری کلاسها و آزمون مجازی دروس فیزیولوژی (۲)، آناتومی (۲)، روش بیهوشی (۱) و اصول پایه داروشناسی در نیمسال دوم ۱۳۹۸ برای دانشجویان کارشناسی هوشبری، میانگین نمرات در اکثر دروس تفاوت معنی داری با آزمون متناظر سال قبل از آن که تدریس و آزمون بصورت حضوری برگزار شده بود نداشت. لذا بطور کلی میتوان چنین نتیجه گرفت که روش تدریس و آزمون مجازی را می توان به نحو موثری برای ارایه دروس دانشجویان هوشبری بکار گرفت.

بررسی دیدگاه دانشجویان در مورد کیفیت آموزش

بیوشیمی به دو شیوه حضوری و کلاس وارونه

پونه مکرّم - دانشگاه ع. پ. شیراز، زهرا کریمیان - دانشگاه ع. پ. شیراز، ناهید ظریف صناعی - دانشگاه ع. پ. شیراز،

مقدمه: بیوشیمی یکی از دروس اصلی علوم پایه در برنامه درسی پزشکی است که در درک علوم بالینی در حرفه پزشکی اهمیت زیادی

دارد. اما از نگاه دانشجویان پزشکی، بیوشیمی یکی از دروس مشکل مقطع علوم پایه پزشکی است؛ با موضوعاتی انتزاعی که به سختی آن را یاد می‌گیرند. برنامه درسی بیوشیمی بسیار گسترده است، زمان موجود برای تدریس موضوع محدود است و معمولاً تعداد دانشجویان در یک کلاس زیاد است. در دهه های اخیر و با توسعه فناوری های نوین شیوه های نوینی در ارائه دروس علوم پایه از جمله بیوشیمی بکار گرفته شده است. در تحقیق حاضر در یک مطالعه مقایسه ای دیدگاه دانشجویان در مورد ابعاد آموزش درس بیوشیمی با دو روش حضوری و الکترونیکی با مدل وارونه مورد بررسی قرار گرفته است.

روش اجرا: روش مطالعه به شیوه نیمه تجربی مقایسه ای دوگروهی با پس آزمون انجام شده است. نمونه های تحقیق شامل دو گروه از دانشجویان پزشکی (۱۰۰) و دندانپزشکی (۶۰) در درس بیوشیمی انتخاب شدند که از نظر ویژگی های جمعیتی، نوع درس، محتوای علمی، مدرس و شرایط مطالعه یکسان بودند و در ترم دوم سال ۹۷ بهمن ۹۷ تا تیرماه ۹۸ درس بیوشیمی را اخذ کرده بودند. شیوه ارائه درس در گروه اول به شیوه حضوری همراه با پرسش و پاسخ و ارائه کیس های بالینی مرتبط در کلاس و آزمونهای کوییز بعد از هر جلسه بود. در گروه دوم محتوای الکترونیکی چند رسانه ای به همراه کوییز های الکترونیکی و Cased based Discussion در محیط تالار گفتگوی مبتنی بر وب بر روی LMS ارائه شد. در گروه آموزش به شیوه الکترونیکی محتواهای الکترونیکی قبل از شروع ترم در اختیار دانشجویان قرار گرفت و در کلاس حضوری بیشتر بحث و گفتگو وسال مطرح میشد و تنها خلاصه ای از موارد مهم درس بیان میشد. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته شامل ۲۱ سوال در مقیاس لیکرت شش گزینه ای لیکرت از کاملاً موافقم ۶ = تا کاملاً مخالفم ۱ = و خط برش یا حداقل نمره قابل قبول = ۵، ۳ بود. این پرسشنامه شامل ۵ حیطه شامل «اثربخشی محتوا»، «یادگیری فعال»، «سوالات و آزمون ها»، «انعطاف پذیری» و «احساس کلی به آموزش» بود که در پایان دوره در بین هر دو گروه توزیع شد. روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظر ۱۰ متخصص در رشت های بیوشیمی، آموزش پزشکی، یادگیری الکترونیکی و آموزش سلامت با شاخص CVI بررسی گردید و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰,۹۳ تایید شد. داده ها با آزمون های تی تک نمونه ای و تی گروه های مستقل و نرم افزار SPSS ۲۲ مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان میدهد هر دو شیوه آموزشی از دیدگاه دانشجویان اثربخش بوده است. در بررسی گویه های پرسشنامه، در اغلب موارد میانگین روش حضوری از روش الکترونیکی ترکیبی تا حدی بیشتر بوده است اما در گویه مربوط به «امکان تطبیق با شرایط و زمان دانشجو نمره گروه الکترونیکی بیشتر بوده است ($1,5 \pm 0,14$). در بررسی مقایسه ای مولفه های کیفیت بین دو گروه نتایج نشان داد اگرچه هر دو روش نمره بیش از میانگین حدانتظار را دریافت کردند اما در مولفه محتوای اثربخش ($P=0,001$)، یادگیری فعال ($P=0,006$)، سوالات و آزمون ها ($P<0,001$) و احساس عمومی (P) و میانگین کل ($P=0,016$) روش

حضوری در مقایسه با روش الکترونیکی نمره بالاتری داشت. اما در مولفه انعطاف پذیری نمره شیوه الکترونیکی بیشتر بود اما تفاوت معنادار نبود. ($P=0,247$) با استفاده از آزمون تی گروه های مستقل، مقایسه میانگین کل کیفیت از دیدگاه دانشجویان در گروه الکترونیکی ترکیبی به تفکیک جنسیت ($P=0,255$) و میانگین معدل نمرات ترم گذشته ($P=0,255$) تفاوت معناداری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری: بر اساس یافته های تحقیق هر دو روش از دیدگاه دانشجویان از کیفیت نسبی برخوردار بوده است. با توجه به اینکه این تحقیق قبل از پاندمی کرونا و در شرایطی که دانشجویان تجربه اندکی در کار با ابزارهای الکترونیکی داشتند انجام شده است ممکن است توانمندی های رایانه ای آنها بر دیدگاه آنها تاثیر داشته باشد اما به نظر می رسد با توجه به انعطاف پذیری و تناسب با روش های آموزش مجازی به ویژه محتوای الکترونیکی با شرایط زمانی و مکانی دانشجویان، استفاده از الگوهای ترکیبی و بهره گیری از مزایای هر دو روش در افزایش کیفیت درس موثر تر باشد. همچنین موثر بودن هر دو روش از دیدگاه دانشجویان نشان میدهد این دور روش به عنوان روش های مکمل و جایگزین در شرایط ویژه (مثلا پاندمی کرونا) می تواند موثر باشند. شاید استفاده از روش آموزش مجازی با رویکرد Flex یا انعطاف پذیر با شرایط آموزشی سازگار تر باشد.

یک موقعیت یادگیری چگونه خلق می شود؟

دکتر زهرا زارع - دانشگاه ع. پ. تهران، هومن شهسواری - دانشگاه ع. پ. تهران، پگاه مطوری پور - دانشگاه ع. پ. تهران،

مقدمه: سیستم مراقبتی درمانی کنونی از پیچیدگی زیادی برخوردار است. مطالعات بر این مهم تأکید دارند که سیستم مراقبت سلامت نوین به دانشجویانی نیاز دارد که در درون یک محیط آموزشی پویا به خوبی آموزش دیده و همواره در حال یادگیری باشند. در حقیقت پیچیدگی سیستم مراقبت های سلامتی کنونی نیازمند پرستارانی هستند که برای ورود به کار بهتر آماده شده باشند و به نحوی عمل کنند که طیف وسیعی از فعالیت ها را بازتاب دهند. بنابراین در راستای رسیدن به این هدف به دانشکده هایی نیاز داریم تا آموزش بالینی و نحوه یادگیری دانشجویان را در طی این آموزشها بهینه سازی نمایند. از سویی، از دیدگاه دانشجویان، تمرکز بر یادگیری مهمترین ویژگی یک محیط آموزشی مطلوب است، زیرا تنها در سایه یادگیری مهارتهای علمی و عملی است که ایجاد مهارت های خودکارآمدی و یا توانایی تصمیم گیری در موقعیت های چالش زا و به طور کلی آگاه ساختن پرستاران از وظایف خویش و در نتیجه دستیابی به مراقبت مطلوب توسط آنان، ممکن می گردد. بر این اساس مهارت مدرسین در خلق موقعیت پیشبرنده یا مطلوب یادگیری، یکی از ملزومات اثربخشی مدرس در آموزش است؛ در صورتی که مدرسین از چگونگی رخدادهای موقعیت

یادگیری آگاه باشند و بتوانند آن را به گونه ای که یادگیری را القاء کند ساماندهی نمایند، نه تنها منجر به اثربخشی موقعیت های یادگیری رسمی می شوند، بلکه می توانند هر موقعیت معمول دیگر را به موقعیت یادگیری تبدیل نمایند. از آنجا که فرایند خلق موقعیت یادگیری در آموزش پرستاری، در متون آموزشی به خوبی تبیین نشده است و همچنین انجام این پژوهش در راستای راهبرد شماره سه حوزه آموزش نقشه جامع دانشگاه، یعنی تحول کیفی آموزش با تمرکز بر توسعه یادگیری فعال و مادام العمر و توجه به آموزش مبتنی بر صلاحیت و همچنین استراتژی شماره ۸ برنامه راهبردی دانشکده پرستاری یعنی ارتقاء کیفیت آموزش است؛ از اینرو هدف از مطالعه کنونی تبیین فرایند خلق موقعیت یادگیری در آموزش پرستاری و ارائه یک مدل نظری می باشد.

روش اجرا: در مطالعه حاضر، "خلق موقعیت یادگیری" به عنوان موضوع محوری پژوهش، امری نقطه ای و ایستا نبوده بلکه فرایندی است پویا، که ماهیتی تعاملی، اجتماعی و انسانی دارد، از این رو محققین برای دستیابی به اهداف مورد نظر این پژوهش، از روش شناسی کیفی و از آن میان رویکرد نظریه زمینه ای (نسخه کوربین و اشترواس ۲۰۰۸)، استفاده نمودند. افراد شرکت کننده در این مطالعه شامل مدرسین و دانشجویان کارشناسی پرستاری بوده که در ابتدا به صورت مبتنی بر هدف به مطالعه وارد شده اند و سپس به صورت نظری، نمونه گیری تا رسیدن به اشباع اطلاعات ادامه یافت و در این خصوص پیشرفت تئوری، تعیین کننده نحوه انتخاب مشارکت کنندگان بود. ابزار اصلی جمع آوری داده ها مصاحبه های عمیق نیمه ساختارمند، فردی و رو در رو با شرکت کنندگان در مطالعه بود. مصاحبه های صورت گرفته با کسب اجازه از مشارکت کنندگان با ابزار مناسب، ضبط گردید. در مجموع تعداد ۲۶ مصاحبه عمیق انفرادی انجام گرفت. مصاحبه ها با روش کوربین و اشترواس تحلیل شدند.

یافته ها: بر اساس تحلیل اطلاعات بدست آمده طبقات اصلی شامل آمادگی دانشجو برای یادگیری، موضوعات نهفته یادگیری در موقعیت، واکنش محیط به مدرس، دانشجو، همراستاسازی، صلاحیت مدرس پرستاری، حمایت سازمانی، جو آموزشی و پی-آیند های خلق موقعیت یادگیری می باشند. طبقه مرکزی مطالعه عبارت از "همراستاسازی عوامل کلیدی موقعیت در راستای یادگیری" است که در طی آن مدرس با تحلیلی که از عوامل موقعیتی دارد تلاش می کند از نتایج تحلیل جهت انتخاب بهینه شیوه های هدایتی ممکن و منطبق با عوامل موقعیتی استفاده کرده و یادگیری را به بالاترین سطح ممکن ارتقاء دهد. به عبارتی بر اساس یافته های مطالعه حاضر، همراستاسازی در بردارنده چهار عمل "تحلیل کردن همزمان عوامل"، "پالایش موقعیت"، "هدایت انطباقی یادگیری" و "تعدیل مبتنی بر بازخورد" می باشد. زمانی مدرس در همراستاسازی عوامل موقعیتی موفق خواهد بود که درک مناسبی از حضور خود در موقعیت داشته باشد و بتواند عوامل کلیدی موجود در موقعیت را تحلیل و تفسیر نماید

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج مطالعه حاضر، فرآیند خلق موقعیت یادگیری در آموزش پرستاری، همراستاسازی عوامل کلیدی موقعیت در راستای یادگیری است که در زمینه ای از صلاحیت های مدرس و حمایت سازمانی، جو آموزشی در ایجاد یاددهی به مدرس کمک کرده و منجر به ارتقاء یادگیری در دانشجو می شود. به عبارتی فرآیند خلق موقعیت یادگیری، ابزار اساسی مدرس پرستاری جهت آگاهی از موقعیت یادگیری و در نتیجه استفاده مطلوب از این موقعیت ها در راستای ایجاد یادگیری است و می تواند سبب بهینه سازی زمان حضور دانشجو در موقعیت های یادگیری رسمی و غیر رسمی گردد.

تدریس آناتومی با بکارگیری تصاویر سه بعدی: راهی جهت ارتقا یادگیری در دانشجویان علوم پزشکی

لیلا بیگم حجازیان - دانشگاه ع. پ. بابل، زینب غلام نیا شیروانی - سیده زینب حسینی مطلق - دانشگاه ع. پ. بابل،

مقدمه: آموزش درس آناتومی به کمک روش های نوین آموزشی نیازمند امکانات و فضاهای آموزشی و صرف وقت زیاد می باشد و باید از روش هایی استفاده گردد که علاوه بر عدم تحمیل هزینه های اضافی بر سیستم های آموزشی، به ایجاد یادگیری عمیق تر مطالب کمک کند. با وجود استفاده از روش های تکمیلی مانند ترسیم و طراحی و اسلاید های آموزشی، دانشجویان درک درستی از دانش آناتومی به دست نیابورند، زیرا آناتومی بدن انسان به صورت مجموعه ای از ساختارهای پیچیده و مرتبط به هم است و درک این ارتباطات و تعاملات نیازمند تجسم سه بعدی است. گرچه تصاویر دو بعدی می توانند تا حدی به فهم آناتومی کمک کنند اما هنوز بسیاری از دانشجویان در درک آناتومی مشکل دارند و به سختی می توانند تصاویر دو بعدی را در ذهن خود تبدیل به ساختار سه بعدی کنند. تصاویر سه بعدی اهمیت بی حد و حصری در یادگیری آناتومی دارند. تصویر سه بعدی، فرآورده نهایی پردازش فکر است که از زوایا و جنبه های مختلف یک جسم سود می برد تا تصویر از آن شی در ذهن فرد ایجاد کند. در واقع بکارگیری تصاویر سه بعدی در تدریس درس آناتومی برای آموزش بهتر، رشد و پرورش قدرت تجسم سه بعدی و فضایی دانشجویان از اندام ها، عروق و اعصاب و سایر پیچیدگی های آناتومی اندام مفید است. تفاوت این تصاویر سه بعدی کاغذی با تصاویر سه بعدی دیجیتالی یا مدل های رسی، هزینه کمتر، قابلیت درک بیشتر و ارائه و مانیتورینگ بهتر آن است. لذا فعالیت دانش پژوهی حاضر با هدف طراحی، اجرا و ارزشیابی آموزش آناتومی توسط تصاویر سه بعدی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل تنظیم گردید

روش اجرا: این فعالیت دانش پژوهی از بهمن ماه سال ۱۳۹۸ تا کنون بر روی دانشجویان رشته های پزشکی، هوشبری و علوم تشریح در دانشگاه علوم پزشکی بابل در حال اجرا است. تصاویر سه بعدی آناتومی

براساس سرفصل های مصوب آموزشی با تکیه بر مباحث عضلانی اسکلتی آناتومی بدن انسان در بخش های اندام های فوقانی و تحتانی، توراکس، قلب، ستون مهره، ریه، سر و گردن (استخوان های جمجمه و عضلات و استخوان های صورت)، طراحی گردید. در تمامی این مباحث استخوان ها، عضلات، عروق و اعصاب به صورت لایه به لایه، مجزا و قابل تفکیک به وسیله صفحات کاغذی، طلق های رنگی، نخ ها و سیم های رنگی قرار می گیرند. به منظور ارزشیابی تاثیر تصاویر سه بعدی، از سطح اول و دوم هرم مدیفته کرک پاتریک استفاده گردید. در سطح اول واکنش و احساس فراگیر در خصوص این تصاویر توسط پرسشنامه روا و پایا ارزیابی گردید. در سطح دوم هرم که سطح دانش، یادگیری و تجربه است، میزان یادگیری دانشجویان توسط آزمون های میان ترم و پایان ترم درس آناتومی سنجیده شد. تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار SPSS21 و با استفاده از آمار توصیفی (درصد، فراوانی، شاخص مرکزی و پراکندگی) و تحلیلی (همبستگی پیرسون) انجام شد.

یافته ها: در این مطالعه، ۱۳۶ دانشجوی رشته پزشکی، هوشبری و علوم تشریح با میانگین سنی 21.4 ± 6.3 شرکت کردند که 50.74% مذکر بودند و 87.5% در رشته پزشکی تحصیل می نمودند. در سوالات مورد بررسی در قسمت رضایت سنجی از روش تدریس، سوال "جذاب و لذت بخش بودن تدریس" بیشترین میانگین \pm انحراف معیار (4.58 ± 0.6) و سوال های "ترغیب کردن برای مطالعه" و "یادگیری ماندگار" کمترین میانگین \pm انحراف معیار (3.33 ± 0.79) و (3.33 ± 0.86) (از ۵ امتیاز) را به خود اختصاص دادند. میانگین \pm انحراف معیار کل پرسشنامه 26.59 ± 3.80 (از ۳۰ امتیاز) بدست آمد. در بررسی گزینه های پاسخ بصورت طیف لیکرت ۵ قسمتی، سوال "جذاب و لذت بخش بودن تدریس" و سوال "افزایش یادگیری" بیشترین درصد در "رضایت زیاد" (97%) و سوال "یادگیری ماندگار" کمترین درصد در رتبه "خیلی زیاد" (50%) را به خود اختصاص دادند. در نمرات میان ترم دانشجویان، میانگین \pm انحراف معیار دانشجویان 3.62 ± 1.27 از ۵ نمره بوده است. در نمرات پایان ترم دانشجویان، بیشترین میانگین \pm انحراف معیار 18 ± 0.57 مربوط به دانشجویان ارشد علوم تشریح و کمترین میانگین 16.97 ± 3.29 مربوط به رشته پزشکی بود. بین نمرات دانشجویان و رضایتمندی آنها همبستگی مستقیم معناداری ($r=0.21$) ($P=0.01$) وجود داشت، یعنی افزایش نمره همراه با رضایتمندی بیشتر از تدریس توسط تصاویر سه بعدی بود.

بحث و نتیجه گیری: بکارگیری تصاویر سه بعدی در تدریس آناتومی، می تواند موجب ارتقای میزان رضایت (واکنش)، نمرات و یادگیری دانشجویان علوم پزشکی گردد. دانشجویان علوم پزشکی به استفاده از شیوه های تدریس متنوعی که درگیری دانشجو را در فرایند یادگیری افزایش دهند تمایل زیادی داشته و با وجود اینکه این روش ها زمان زیادی را برای آموزش می طلبد اما یادگیری، مهارت و انگیزه شرکت در کلاس درس را افزایش می دهد.

آموزش همتای دانشجویان مامایی راهکاری جهت ایجاد حس خوب یادگیری در دانشجویان کارشناسی مامایی در بخش زایمان

بهاره متقی - دانشگاه ع. پ. شهرکرد ، اکرم کرمی ، نرگس دادخواه ، مریم ترکی ، صدیقه جمالی ، معصومه رحیمی

مقدمه: آموزش، فرایند پیچیده ای است که هرگونه ساده نگری در مورد آن دستیابی به اهداف و پیامدهای یادگیری را تحت تاثیر قرار می دهد. یادگیری از طریق همتایان یک ابتکار عمل است که به واسطه آن فراگیران از گروههای اجتماعی یکسان که معلم حرفه ای نیستند، می آموزند. در یادگیری از طریق گروه همتایان فراگیران در امر یادگیری دانش و مهارت ها به یکدیگر کمک کرده و خود نیز می آموزند. ترکیب دانشجویان سال بالایی و پایینی سبب حمایت روانی دانشجویان و ارتقای حرفه ای آنان شده و تقویت نگرش و در نتیجه تقویت فرایندهای یادگیری در آنان را به دنبال دارد. نداشتن تجربه کافی، ترس از انجام اشتباه فرآیند ها، در دسترس نبودن مربیان بالینی و ترس از ارزیابی مربیان مهم ترین عواملی هستند که در محیط های یادگیری بالینی سبب ایجاد تنش در دانشجویان می شوند. در مطالعه حاضر، آموزش از طریق همتایان، به عنوان یک راهکار آموزشی و با هدف حمایت از دانشجویان مامایی در مواجهه با عوامل تنش زای محیط یادگیری بخش زایمان انتخاب، طراحی و اجرا شد.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع نیمه تجربی به روش دوگروهی قبل و بعد از مداخله حاصل طرح مصوب دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد با کد اخلاق IR.SKUMS.REC.1398,241 بود. جامعه پژوهش را دانشجویان ورودی مهرماه سال های ۹۵ و ۹۶ رشته کارشناسی مامایی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، تشکیل دادند. از دانشجویان ورودی ۹۵ بعنوان همتا برای آموزش دانشجویان ورودی ۹۶ استفاده شد و از پرسشنامه های آیزنک(عزت نفس)، اشپیلبرگر(اضطراب) و عوامل تنش زای محیطی قبل و بعد از مداخله برای سنجش تاثیر آموزش همتا استفاده شد.

یافته ها: تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه های سنجش اضطراب، عوامل تنش زای محیطی و عزت نفس نشان داد که میانگین نمره اضطراب، عوامل تنش زای محیطی و همچنین میانگین نمره عزت نفس در دانشجویان ترم های ۷ و ۸ کارآموزی، قبل و بعد از مداخله اختلاف معنی داری ندارد

بحث و نتیجه گیری: طبق نتایج این مطالعه آموزش توسط همتایان توانست به عنوان یک راهکار مطمئن جهت ایجاد حس خوب یادگیری و برقراری یک سیستم حمایتی قابل اعتماد در آموزش بالینی دانشجویان مامایی در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد در نظر گرفته شود. با توجه به نقدها و بازخوردهای دریافتی از دانشجویان و مربیان مشارکت کننده در

این برنامه آموزشی اهمیت زیاد تکمیل آمار زایمانی و همینطور دغدغه زیاد دانشجویان نسبت به این موضوع و رقابت بر سر کسب فرصت اداره زایمان مهمترین موضوعی بود که روند اجرا و نتایج این فرایند را تحت تاثیر قرار می داد. هم چنین استفاده از همتایان نزدیک و همپوشانی فعالیت های یادگیری دانشجویان ترم ۷ و ۸ که به عنوان مربیان همتای دانشجویان ترم ۵ و ۶ انتخاب شده بودند به ترتیبی که فرصت هایی که برای یادگیری و کسب تجارب بالینی در بخش زایمان وجود داشت هم برای مربیان همتا و هم برای فراگیران همتا بسیار حائز اهمیت بودند و این موضوع سبب می شد که مربیان همتا فراگیران را رقیب خود بدانند. بنابراین پیشنهاد می شود از راهکار آموزش توسط همتایان در بخش زایمان به گونه ای استفاده شود که مربیان همتا در سطح بسیار بالاتری نسبت به فراگیران همتا قرار داشته باشند به شکلی که بین اهداف یادگیری و تمایلات یادگیری دو گروه همپوشانی وجود نداشته باشد یا این آموزش در سایر حیطه ها و در ارتباط با مهارت هایی باشد که رقابت بر سر کسب آنها وجود ندارد.

ارتقاء یادگیری دانشجویان رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در درس انگل شناسی پزشکی با اجرای روش هیبرید کلاس معکوس با استفاده از سیستم مدیریت یادگیری نوید وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی

محمد امین قطعی - دانشگاه ع. پ. یاسوج ،

مقدمه: در سالهای اخیر آموزش از راه دور به فرمت آموزش مجازی منجر به تحول آموزش در گروه های مختلف در جوامع پیشرفته شده است. آموزشهای مجازی با کمک سیستم مدیریت آموزش (LMS) این امکان را فراهم کرده است که علاوه بر تکرار پذیر بودن آموزش به علت دسترسی فراگیران به فایل های غیر بر خط کلاس، امکان اجرای کلاس های بر خط نیز فراهم شود. از بهترین انواع آموزش مجازی شیوه آموزش هیبرید می باشد که از منافع هر دو نوع آموزش مجازی و حضوری بهره می گیرد. یکی از متدهای پیشرو آموزش هیبرید روش کلاس معکوس می باشد در این روش آموزش در هر جلسه به صورت مجازی صورت خواهد گرفت و در جلسه بعد کلاس حضوری به منظور بحث و تمرین برای درک هر چه بهتر آموزش صورت می پذیرد. در این روش فراگیر با داشتن اطلاعات مناسب از هر موضوع این توانایی را خواهد داشت که با حضور در کلاس حضوری به یادآوری آموخته ها و رفع اشکالات احتمالی به صورت فعالانه بپردازد. در این روش دانشجو حداقل دو بار مطلب را آموزش خواهد دید. با توجه به حجم زیاد مطالب ارائه شده درس انگل شناسی درمقطع علوم پایه پزشکی عمومی، دانشجویان غالباً نسبت به عدم یادگیری نسبی مطالب و امکان نت برداری نامناسب در کلاس نگرانی خود را ابراز می کنند. به منظور بهبود یادگیری دانشجویان مقطع علوم پایه پزشکی عمومی در درس انگل شناسی، روش کلاس معکوس

برای اولین بار برای دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج به عنوان یک دانشگاه تیپ ۳ اجرا شد.

مقایسه اثر آموزش به ۳ شیوه نمایشی، مبتنی بر ویدئو و

شبکه اجتماعی مجازی بر یادگیری مهارت های پرستاری

بالینی همودیالیز: یک مطالعه مداخله ای و مقایسه ای

مطهره موسوی قهفرخی - دانشکده ع. پ. آبادان، آرزو ارزانی بیرگانی -

مقدمه: بکارگیری روش های نوین در کنار روش های معمول آموزش بالینی به نظر می رسد فرصت آموزشی و یادگیری دقیقتری از مهارت های تخصصی همودیالیز برای دانشجویان پرستاری فراهم آورد. با توجه به اهمیت آموزش بالینی و مشکلات موجود در آن، ضرورت استفاده از سایر روش های آموزشی به عنوان روش های مکمل و جایگزین آشکار می شود. هدف: این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر آموزش از ۳ طریق نمایش عملی، نمایش ویدئویی و فضای مجازی اجتماعی بر میزان یادگیری مهارت عملی دانشجویان پرستاری در بخش دیالیز وابسته به دانشگاه علوم پزشکی در سال ۲۰۱۹ انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه از نوع نیمه تجربی همراه پس آزمون می باشد. که با استفاده از ابزار چک لیست طراحی شده برآیند یادگیری هر یک از ۳ روش آموزشی را با هم مقایسه می کند. ۳۰ نفر از دانشجویان پرستاری ترم ۷ با روش سرشماری و منطبق بر جامعه پژوهش بر اساس معیار های ورود به مطالعه انتخاب شدند. دانشجویان به صورت تصادفی در ۳ گروه ۱۰ نفره که تحت آموزش مهارت های بالینی همودیالیز به ۳ روش آموزش با نمایش عملی، استفاده از نمایش ویدئویی و آموزش با کمک فضای مجازی اجتماعی قرار گرفتند. تقسیم شدند. دانشجویان در طول یک ترم تحصیلی توسط مربی یکسان، مورد آموزش قرار گرفتند. میزان انجام مهارت ها با استفاده از ۸ چک لیست خود ساخته روا و پایا در پایان دوره آموزشی ارزیابی شد و در ۳ گروه با هم مقایسه گردید. داده ها با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی در نرم افزار SPSS ۱۶ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج آزمون کروسکال-والیس نشان داد که میزان انجام مهارت های عملی بین سه گروه اختلاف معنادار داشت ($P = 0$)، (۰.۲). آزمون من-ویتنی نشان داد که میزان انجام مهارت های عملی در گروه فضای مجازی به طور معناداری بیشتر از دو گروه نمایش ویدئویی ($P = 0$)، (۰.۴۵) و نمایش عملی ($P = 0$)، (۰.۳) بود اما بین دو گروه نمایش ویدئویی و نمایش عملی اختلاف معنادار مشاهده نشد ($P = 0$)، (۰.۳۱).

بحث و نتیجه گیری: موفقیت روش فضای مجازی اجتماعی، به دلیل همراهی با روش نمایش عملی، توسط مربی یکسان، در حیطه آموزش همودیالیز بارزتر بود. استفاده صحیح از شبکه ها و فضای مجازی اجتماعی در آموزش بالینی، همراه با روش های معمول آموزش فرصت

روش اجرا: درس انگل شناسی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی یاسوج در دو واحد ارائه می شود. این مطالعه که در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ انجام شد ۶ جلسه از کلاسهای دانشجویان از بخش مطالب کرم شناسی را در بر گرفت که در ۴ جلسه مطالب به روش رایج و به صورت سخنرانی به دانشجویان ارائه شد و ۲ جلسه به صورت کلاس معکوس برگزار گردید. برای ارائه کلاس معکوس از سیستم LMS.نویید دانشگاه استفاده شد. به این منظور درس بر اساس اطلاعات سامانه سما بر روی سیستم تعریف شد و پس از تعریف به فراگیران اجازه دسترسی داده شد. مولتی مدیا مورد نظر به صورت ۳ فیلم حاوی مطالب مد نظر تهیه شد. به این منظور از نرم افزار ۹ Camtasia استفاده شد و به این ترتیب که سخنرانی استاد به همراه تصویر اسلاید های مربوطه ضبط شد و پس از ویرایش و اضافه کردن بخش شروع و پایان برای هر ویدئو، مجموعه فایل های هر فیلم به فرمت SCORM ذخیره و تولید شد. نهایتاً از دانشجویان خواسته شد از یک هفته قبل از کلاس فیلم را به صورت آنلاین بر روی سیستم LMS مشاهده نمایند و مطالب را در فروم به بحث گذاشته و اشکالات خود را مطرح کنند. در جلسه حضوری مربوط به هر جلسه آموزش مجازی کوئیز گرفته شد و اشکالات دانشجویان به بحث گذاشته شد. محتوی مولتی مدیا به صورت برخط تا پایان ترم در اختیار دانشجویان بود. نتایج تدریس به دو شکل سخنرانی و کلاس معکوس پس از کسب نمرات مربوط به امتحانات مقایسه و آنالیز شد. پرسشنامه شامل ۵ سوال برای سنجش نظر دانشجویان در مورد آموزش بر پایه تدریس حضوری، آموزش مجازی و آموزش هیبرید تهیه و به صورت بی نام و محرمانه در جلسه آخر در اختیار دانشجویان قرار گرفت.

یافته ها: در مجموع دانشجویان یادگیری به روش مدل آموزش معکوس را بر روش بر پایه آموزش حضوری صرف و همچنین ارائه مطالب به صورت مجازی و بر خط بدون ادامه آموزش در جلسه حضوری بعدی را مدل آموزشی با یادگیری موثرتر دانسته و درک مطالب را عمیق تر گزارش نمودند اما تعدادی از دانشجویان ضمن تاکید بر این مطلب روش معکوس را زمان بر می دانند و تهیه جزوه و یادداشت از ویدئو را وقت گیر می دانند. به نظر می رسد این امر به خاطر عادت گروهی از دانشجویان به استفاده از هارد کپی و حفظ مطالب به این روش است. در نهایت مدل آموزشی هیبرید کلاس معکوس به عنوان یک روش اثر بخش و بر پایه فن آوری نوین میزان یادگیری دانشجویان رشته پزشکی عمومی در مقطع علوم پایه را در درس انگل شناسی افزایش داد

بحث و نتیجه گیری: این روش می تواند به عنوان یک مدل آموزشی الگو در صورت وجود زیر ساخت های شبکه اینترنت مناسب و دسترسی همه دانشجویان به سخت افزار رایانه ای جایگزین مناسبی برای مدل آموزش سخنرانی محور در دانشگاه های علوم پزشکی و از جمله دانشگاه های تیپ ۳ باشد.

های یادگیری خوبی برای دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی فراهم آورده و از نظر زمان، هزینه و فرآیند مقرون به صرفه می باشد.

مقایسه تدریس درس فیزیولوژی غدد و تولید مثل به دو روش سنتی و ادغام با یافته های بالینی در دانشگاه علوم پزشکی گناباد: نگرش و یادگیری

معصومه فانی - دانشگاه ع. پ. گناباد، نجمه داودیان، مریم مقیمیان - دانشگاه ع. پ. گناباد، نسیم خواجویان - دانشگاه ع. پ. گناباد،

مقدمه: هدف از اجرای این مطالعه، مقایسه نگرش و یادگیری دانشجویان پزشکی نسبت به دو روش سنتی و ادغام یافته درس فیزیولوژی غدد و تولید مثل می باشد.

روش اجرا: این مطالعه نیمه تجربی در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بر روی ۵۰ دانشجوی پزشکی ترم ۳ در دانشگاه علوم پزشکی گناباد انجام شد. دانشجویان به صورت تصادفی در ۲ گروه مساوی قرار گرفتند. پس از تدریس مطالب تئوری برای تمام دانشجویان، فقط یک گروه در بخش های کلینیکال بیمارستان حاضر شده و با پایه فیزیولوژیک بیماری ها آشنا شدند. در پایان نظرات تمام دانشجویان با استفاده از پرسشنامه استاندارد مورد بررسی قرار گرفت و نیز بر اساس امتحان پایان ترم میزان یادگیری آن ها سنجیده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS۲۲ استفاده شد.

یافته ها: مقایسه نگرش و انگیزه، در گروهی که علاوه بر آموزش تئوری در جلسات بیمارستان نیز حضور داشتند (۴، ۶ ± ۷، ۶۱، ۹، ۵ ± ۹، ۴۹)، نسبت به گروه دیگر (۸، ۱ ± ۸، ۴۷، ۵، ۵ ± ۶، ۴۰) نشان دهنده افزایش علاقه و بهبود نگرش آن ها بود. همچنین رضایتمندی از برگزاری دوره در بیمارستان، نمره ی مطلوب بیشتر از ۵، ۳ را کسب کرد. همچنین گروهی که در جلسات بیمارستان حضور داشتند نتوانستند نمرات بالاتری را کسب کنند ولی نتایج حاصل معنی دار نبود.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج مطالعه، نگرش و علاقه بالای دانشجویان نسبت به ادغام درس فیزیولوژی نشان می دهد حضور در بیمارستان همراه با آموزش تئوری، می تواند کمک زیادی به افزایش انگیزه و بهبود دیدگاه دانشجویان نسبت به دروس علوم پایه نماید.

آموزش پرستاری و پاندمی کرونا ویروس: آموزش فرآیند پرستاری در فضای مجازی

هنگامه کریمی - دانشگاه ع. پ. بابل، سید حسین کلاتی - بدون وابستگی دانشگاهی، نوید جمال زاده - دانشگاه ع. پ. یزد، نسترن نوروزی پرشکوه - دانشگاه ع. پ. بیرجند،

مقدمه: در دوره همه گیری COVID-۱۹، جهان پدیده ای خارق العاده را تجربه کرده، در همه ابعاد زندگی تغییراتی حاصل شد و شرایطی پدید آمد که تا کنون تجربه نشده بود. به همین ترتیب، حوزه آموزش نیز تغییرات مهمی را تجربه کرده و دانشگاه ها به منظور ارائه دوره ها و برنامه های مختلف، به سرعت از آموزش حضوری به آموزش آنلاین روی آوردند. دانشگاه علوم پزشکی بابل نیز نرم افزار NAVID را که از سیستم های مدیریت یادگیری (LMS) است برای مدرسین و دانشجویان راه اندازی نموده. اگرچه یادگیری مجازی پدیده مطلوبی تلقی می شود و بطور فزاینده ای توسط دانشگاه های ایران مورد استفاده قرار گرفته، اما مطالعات محدودی در این حوزه و نتایج حاصل از آن انجام شده است. نظر به اهمیت درس فرآیند پرستاری به عنوان یک مبحث پایه، این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش مجازی در یادگیری فرآیند پرستاری در دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی رامسر در بهار ۹۹ طراحی و اجرا گردید.

روش اجرا: این مطالعه نیمه تجربی در سه مرحله آموزشی در ۲۹ دانشجوی سال اول کارشناسی پرستاری، با روش نمونه گیری سرشماری، در نیمسال دوم انجام شد. یک ترم قبل از اجرای مطالعه، مرحله اول فرآیند پرستاری (ارزیابی) به صورت حضوری آموزش داده شده بود. چهار مرحله دیگر به صورت مجازی برگزار گردید. در آغاز، اهداف دوره مجازی، روش تدریس و منابع برای دانش جویان از طریق سامانه NAVID توضیح داده شد. سپس مراحل زیر اجرا گردید: مرحله ۱. آموزش تشخیص پرستاری الف- پیش آزمون: سابقه یک بیمار فرضی در سیستم بارگذاری شد. دانشجویان موظف بودند که قبل از مطالعه منابع تشخیص پرستاری، تمام تشخیص های پرستاری را برای بیمار نوشته و پاسخ های خود را در عرض ۲۴ ساعت در سامانه وارد کنند. ب- مداخله شماره ۱: پس از پایان مهلت ارسال، سخنرانی ضبط شده مدرس، پاورپوینت و لیست ترجمه شده تشخیص های پرستاری NANDA در سیستم بارگذاری شدند. این سخنرانی ضبط شده و پاورپوینت ها، به توضیح پایه های فرآیند پرستاری، شرایط لازم برای اجرای فرآیند و مراحل آن، و سایر اطلاعات لازم برای تعیین تشخیص های پرستاری بیمار فرضی اختصاص داشت. ج- پس آزمون: از دانشجویان خواسته شد تا تحت نظارت مجازی مدرس و رفع اشکال در صورت لزوم، تشخیص های پرستاری بیمار فرضی را بر اساس لیست NANDA طی چهار روز تعیین و به سامانه ارسال کنند. د- مداخله شماره ۲: پس از بررسی تکالیف به همه دانشجویان بازخورد داده و فرصت بحث در مورد نظراتشان در صفحات شخصی خود در سیستم داده شد. در پایان تشخیص های اصلاح شده نهایی، توسط مدرس در سیستم بارگذاری شد. این مرحله ۱، ۵ داشت. مرحله ۲. آموزش مرحله برنامه ریزی: اهداف پرستاری، برآیندهای مورد انتظار الف- پیش آزمون: متعاقب مرحله قبلی، دانشجویان باید اهداف پرستاری، برآیندهای مورد انتظار، برای تشخیص های پرستاری نهایی را قبل از مطالعه منابع، نوشته و در عرض ۲۴ ساعت در سامانه بارگذاری کنند. ب- مداخله شماره ۳: سپس، مرحله سوم فرآیند پرستاری با تاکید بر اهداف

پرستاری، برآیندهای مورد انتظار با بارگذاری سخنرانی ضبط شده مدرس و پاورپوینتهای مربوطه تدریس گردید. ج- پس از آزمون: از دانشجویان خواسته شد تا اهداف پرستاری، برآیندهای مورد انتظار، مربوط به تشخیص های پرستاری اصلاح شده را تحت نظارت مجازی مدرس و رفع اشکال در صورت لزوم در مدت چهار روز در سامانه وارد کنند. د- مداخله شماره ۴: در پایان، اهداف پرستاری، برآیندهای مورد انتظار، اصلاح شده توسط مدرس در سیستم بارگذاری شد. برای این مرحله نیز یک و نیم نمره در نظر گرفته شده بود. مرحله ۳. آموزش مراحل اجرا و ارزشیابی مراحل چهارم و پنجم فرآیند پرستاری - اجرا و ارزشیابی - در یک کلاس ۶۰ دقیقه ای مجازی آموزش داده شد. برای این بخش تکلیفی در نظر گرفته نشد. در پایان، اهداف پرستاری، برآیندهای مورد انتظار، اصلاح شده توسط مدرس در سیستم بارگذاری شد. برای این مرحله نیز ۵،۱ نمره در نظر گرفته شده بود.

یافته ها: میانگین نمرات قبل و بعد از مداخله به ترتیب $0,14 \pm 0,17$ و $0,27 \pm 1,3$ برای تشخیص پرستاری و $0,06 \pm 0,1$ و $0,27 \pm 1,29$ برای اهداف و نمره کل $0,19 \pm 0,17$ و $0,36 \pm 0,65$ به دست آمد. نتایج آزمون t زوجی تفاوت معناداری را در نمرات تشخیص پرستاری ($M=$ $19,81$, $t=$ $0,26$, $SD=$ $1,13$ ، همچنین اهداف پرستاری، برآیندهای مورد انتظار $0,01$ ، $p=$ $21,93$ ، $t=$ $0,26$ ، $SD=$ $1,28$) ($M=$ $30,09$ ، $t=$ $0,35$ ، $SD=$ $2,46$) ($M=$ $0,01$ نشان داد.

بحث و نتیجه گیری: در پایان اکثریت دانشجویان روش ارائه درس با توجه به شرایط پاندمی کرونا را بسیار مطلوب دانستند.

تدریس مبحث "تشخیص و درمان دیس لیپیدمی" با دو روش سخنرانی و ترکیبی (سخنرانی + الکترونیکی) و مقایسه تأثیر این دو روش بر پیشرفت تحصیلی در دانشجویان کارآموز و کارورز رشته پزشکی

بیحیی محمدی - ، مجید زارع بیدکی - دانشگاه ع. پ. بیرجند ، امیرحسین غلامی منطری - ، نسرين امیرآبادی زاده - ، سیدعلی معزی بادی - ، ناهید ازدکی - ، طوبی کاظمی - دانشگاه ع. پ. بیرجند ،

مقدمه: یکی از عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان روش های تدریس اساتید در کلاس درس است. به دلیل افزایش متقاضیان آموزشی و افزایش هزینه های آموزشی؛ دیگر ، آموزش سنتی نمی تواند جوابگوی نیازهای نسل فعلی باشد. یکی از روش های جدید آموزش پزشکی، یادگیری ترکیبی می باشد که ترکیبی از آموزشهای الکترونیکی و سخنرانی است. هدف از انجام مطالعه حاضر، مقایسه تاثیر دو روش تدریس سخنرانی و ترکیبی (سخنرانی+الکترونیکی) بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان کارآموز و کارورز رشته پزشکی می باشد.

روش اجرا: این مطالعه مداخله ای بر روی ۱۰۰ نفر کارآموز و کارورز رشته پزشکی به صورت سرشماری در ۱۰ دوره ی آموزشی در سال ۹۷-۹۶ در بخش قلب دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد. مبحث تشخیص و درمان دیس لیپیدمی در ۵ دوره اول به روش سخنرانی و ۵ دوره دوم به روش ترکیبی (سخنرانی دوساعته به همراه کلیپ آموزشی) تدریس شد. ابزار مطالعه چک لیست محقق ساخته حاوی سوالات مربوط به محتوای تدریس شده به صورت پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد. برای تعیین روایی ، پرسشنامه در اختیار متخصصان گروه قلب قرار گرفت. پایایی این ابزار به روش آلفای کرونباخ برای آزمون ۸۵، ۰ به دست آمد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۲ و آزمونهای آماری کای اسکور ، آزوجی و T مستقل در سطح معناداری $P \leq 0,05$ تحلیل شد

یافته ها: تعداد ۱۰۰ دانشجوی پزشکی (۵۰ نفر کارآموز و ۵۰ نفر کارورز، ۶۲ نفر زن و ۳۸ نفر مرد) وارد مطالعه شدند. میانگین تغییرات نمره پیش آزمون و پس آزمون در دو گروه اختلاف معناداری مشاهده نشد ($P > 0,05$). میانگین نمرات بحث دیس لیپیدمی پس از مداخله در کارآموزان و کارورزان ، بجز میانگین نمره تشخیص دیس لیپیدمی، تفاوت معناداری نداشت ($P > 0,05$).

بحث و نتیجه گیری: با توجه نتایج به دست آمده استفاده از روش یادگیری ترکیبی توصیه و پیشنهاد می شود که پژوهش های مشابه با نمونه های شاهد و تجربی از دو دانشکده متفاوت با حجم نمونه بیشتر انجام شود .

مقایسه دو شیوه آموزش رایج و شبیه سازی و ارائه برنامه آموزشی جهت تدریس روش های جراحی به دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل

مهسا قلی نژاد زیرمانلو - دانشگاه ع. پ. تبریز ، مرگان لطفی ، احمد آقازاده ، زهرا شیخ علیپور - دانشگاه ع. پ. تبریز ،

مقدمه: روش های جراحی یکی از دشوارترین حیطه های آموزشی به شمار می روند. مدرسین سعی بر استفاده از تلفیقی از روش های آموزش همچون سخنرانی، فیلم و پاورپوینت برای نشان دادن نحوه جراحی و استفاده از محیط های شبیه سازی جهت افزایش مهارت بالینی می باشند. صرف نظر از فواید مطرح شده برای استفاده از محیط های شبیه سازی، کاربرد مولاژ همواره با چالش هایی همراه است. از این رو این مطالعه با هدف مقایسه دو شیوه آموزش رایج و شبیه سازی و ارائه برنامه آموزشی جهت تدریس روش های جراحی به دانشجویان تکنولوژی اتاق عمل انجام گرفت .

روش اجرا: این پژوهش بخشی از یک پایان نامه دوره کارشناسی ارشد با کد اخلاق IR.TBZMED.REC1398,714 است که با طرح پژوهشی

قبل و بعد همراه با گروه کنترل انجام گرفت. ۲۸ نفر از دانشجویان ترم یک اتاق عمل در دو گروه موازی ابتدا تحت یکی از دو شیوه آموزش رایج و شبیه سازی قرار گرفتند. بعد از دو هفته، آموزش برای گروه ها به صورت معکوس تکرار گردید. قبل، بعد، دو هفته بعد سپس در اتمام دوره آموزش، میزان دانش، مهارت و آمادگی-توانمندی آن ها با استفاده از آزمون کتبی چهار گزینه ای و چک لیست خودارزیابی، بررسی و مقایسه شد. داده ها با استفاده از آزمون *two way repeated measures ANOVA* در نرم افزار *spss* نسخه ۲۴ تجزیه و تحلیل گردید. همچنین جهت تکمیل اطلاعات به دست آمده از یافته های کمی، بعد از اتمام مداخله، بحث گروه متمرکز نیز انجام گرفت تا بر اساس آن بهترین برنامه آموزشی پیشنهاد گردد.

یافته ها: مقایسه میانگین نمرات متغیرهای پژوهش مربوط به قبل از آموزش اولیه و بعد از آموزش تکمیلی نشان داد افزایش نمرات دانش، مهارت و آمادگی-توانمندی برای گروهی که ابتدا به شیوه رایج سپس شبیه سازی آموزش دیدند، معنی دار است ($p > 0.0001$).

بحث و نتیجه گیری: آموزش مبتنی بر سخنرانی و شبیه سازی هردو بر میزان دانش و مهارت بالینی و آمادگی-توانمندی دانشجویان اتاق عمل تاثیر بسزایی داشتند اما استفاده از برنامه آموزشی با شروع سخنرانی و تداوم با شبیه سازی تاثیر بیشتری در افزایش دانش، مهارت و آمادگی-توانمندی جراحی آپاندکتومی داشته است.

تدریس اخلاق در آموزش به شیوه یادگیری مبتنی بر مباحثه در سناریوهای واقعی، روشی موثر در میزان مشارکت و رضایتمندی اعضای هیات علمی

لیلا ساداتی - دانشگاه ع. پ. البرز، مرتضی مطهری پور - دانشگاه ع. پ. البرز،

مقدمه: تدریس و معلمی یکی از حرفه هایی است که اصولاً ماهیت اخلاقی دارد و اخلاق در همه جای آن جاری است. این در حالی است که اساتید و اعضای هیات علمی دانشگاه ها، بدون طی دوره های آموزشی و مهارت آموزی کافی مشغول به تدریس و تربیت دانشجویان می گردند و بدلیل دانش و مهارت کم، با چالش های اخلاقی متعددی در آموزش مواجه می شوند. لذا شکی نیست که آموزش اخلاق در رشد صلاحیتهای اخلاقی اعضای هیات علمی و مجموعه دانشگاهی بسیار تاثیر گذار است. ارائه موضوعات اخلاقی در قالب سناریوهای واقعی طرح شده از طرف شرکت کنندگان و مشارکت آنها در بحث های گروهی و بیان تجارب از ویژگی های یادگیری بزرگسالان است که اساس مطالعه حاضر است. لذا مطالعه حاضر با هدف تاثیر تدریس چالش های اخلاق در آموزش به شیوه یادگیری مبتنی بر مباحثه بر میزان مشارکت و رضایتمندی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی البرز انجام شد.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع مداخله آموزشی بود که طی ۸ جلسه دو ساعته، ۱۰ تجربه از مدرسین گروه های مختلف آموزشی دانشگاه علوم پزشکی البرز در قالب سناریو های واقعی طراحی و به بحث گذاشته شد. ابزار گردآوری داده ها در این مطالعه شامل فرم نظر سنجی مشارکت کنندگان از روش ارائه مطالب و میزان مشارکت اعضای هیات علمی در معرفی سناریوها و تحلیل آنها بود.

یافته ها: بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، ۸۰ نفر از اعضای هیات علمی در این جلسات آموزشی شرکت نمودند که بیش از ۹۰ درصد آنها رضایت کامل یا نسبی از روش ارائه مباحث داشته و بکارگیری این روش مطالعه را شیوه ای موثر در یادگیری آنها برای مواجهه با چالش های قانونی و اخلاقی در آموزش بیان نمودند.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به استقبال اعضای هیات علمی از برگزاری جلسات اخلاق در آموزش با طراحی سناریو های مبتنی بر تجارب واقعی و بحث پیرامون موضوع با مشارکت اعضای هیات علمی، پیشنهاد می گردد تا از شیوه های مبتنی بر حل مسئله و مشارکتی در آموزش موضوعات اخلاقی در گروه فراگیران بزرگسال استفاده شود.

مقایسه ی روش های آموزش مجازی و سنتی بر کیفیت یادگیری واحد ترمیمی دانشجویان دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل

فاطمه کریمی - دانشگاه ع. پ. اردبیل، مهدی رهبر - دانشگاه ع. پ. اردبیل، فاطمه سلیمی -

مقدمه: همراه با رشد تکنولوژی و افزایش دسترسی به نرم افزارهای آموزشی، روش های آموزش و یادگیری مجازی در کنار روش های آموزش حضوری در دانشگاه ها گسترش یافته است. لازم به ذکر است وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بر ارائه آموزش های علوم پزشکی در بستر فضای مجازی تأکید داشته ولی قبل از پاندمی کرونا حرکت وسیعی در سطح کشور در این حوزه رخ نداده بود. با شیوع ناگهانی کووید ۱۹ و با توجه به اجبار رعایت پروتکل های بهداشتی، بسیاری از مدارس و دانشگاه ها تعطیل شدند و زمینه برای افزایش بستر های آموزش مجازی فراهم گردید. این مطالعه با هدف مقایسه تاثیر روش های آموزش مجازی و سنتی بر کیفیت یادگیری واحدهای ترمیمی نظری دانشجویان دندان پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در سال ۱۳۹۹ صورت گرفت.

روش اجرا: این مطالعه بر روی ۱۱۶ نفر از دانشجویان دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل انجام شد. ۵۸ نفر از دانشجویان که واحد دندان پزشکی ترمیمی نظری ۱ و ۲ را در سال ۱۳۹۸ اخذ نموده بودند بعنوان گروه شاهد و ۵۸ نفر از دانشجویان که واحد دندان پزشکی

ترمیمی نظری ۱ و ۲ را در سال ۱۳۹۹ اخذ نموده بودند بعنوان گروه مورد در نظر گرفته شد. در گروه شاهد هم آموزش و هم آزمون بصورت سنتی برگزار شد و در گروه موردی نیز آموزش و آزمون هر دو بصورت مجازی با استفاده از سامانه نوید و سامانه آزمون مجازی انجام گرفت. مقایسه این دو نوع آموزش بر کیفیت یادگیری از روی نمرات دانشجویان در امتحان پایان ترم صورت گرفت. داده ها با استفاده از آزمون T-Test Paired در نرم افزار SPSS ورژن ۱۸ تحلیل شد. در این مطالعه p -value کمتر از ۰، ۰۵ معنادار در نظر گرفته شد.

یافته ها: میانگین و انحراف معیار نمرات گروه شاهد در آزمون پایانی (۸۲، ۲۰۵۶)، (۱۵) و در گروه مورد (۸۰، ۹۲±۱۳) بود. کمترین نمره در گروه شاهد ۵، ۷ و در گروه مورد ۵ و بیشترین نمره در گروه شاهد ۲۰ و در گروه موردی ۵، ۱۸ بود. بر اساس تحلیل صورت گرفته تفاوت آماری معناداری بین نمرات اخذ شده با روش آموزش سنتی نسبت به آموزش مجازی وجود داشت ($p = ۰$)، (۰، ۰۱) با توجه به میانگین نمرات، گروه شاهد نسبت به گروه مورد وضعیت بهتری از لحاظ نمرات کسب شده داشتند.

بحث و نتیجه گیری: با اینکه آموزش سنتی و آموزش مجازی هر دو موجب ارتقای مهارت یادگیری دانشجویان می شود، اما نتایج این مطالعه نشان می دهد تاثیر آموزش سنتی نسبت به آموزش مجازی بیشتر بوده و دانشجویان نمرات بهتری کسب کردند. البته باید به این نکته توجه کرد که به علت شیوع ویروس کووید ۱۹ و ایجاد شرایط خاص، رویه آموزش به سرعت تغییر کرده و به سمت آموزش مجازی سوق پیدا کرد، برگزاری کلاس های مجازی با یک سری کمبودها مواجه بوده و پیش بینی می شود با توجه به مزیت های زیادی که آموزش مجازی دارد با رفع موانع های موجود خروجی آموزش مجازی در آینده بهتر از آموزش سنتی خواهد شد.

بررسی تأثیر جهت گیری هدف بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

علی اصغر حیات - دانشگاه ع. پ. شیراز، سید علی اکبر فقیهی - دانشگاه ع. پ. شیراز، مصیب زارع -

مقدمه: پیشرفت تحصیلی در دهه های اخیر، محور بسیاری از پژوهش های آموزشی و روانشناسی قرار گرفته است. تحقیقات نشان داده اند که عوامل بسیاری در موفقیت و پیشرفت تحصیلی نقش دارند که برخی از آنها شناختی و برخی دیگر غیر شناختی هستند. از جمله عوامل غیرشناختی و انگیزشی تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی، جهت گیری هدف یادگیرنده می باشد. جهت گیری هدف بر این فرض استوار است که رفتار انسان هدفمند است و فرد به وسیله اهداف هدایت می شود.

بنابراین اثرات انگیزشی مهمی در یادگیری و عملکرد دارد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه جهت گیری هدف با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پزشکی انجام شده است.

روش اجرا: مطالعه حاضر از نوع توصیفی-همبستگی می باشد. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق را کلیه دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تشکیل می دهد که بر اساس آخرین آمار و اطلاعات دانشگاه علوم پزشکی شیراز تعداد این افراد ۱۵۰۰ نفر می باشد. در این تحقیق به منظور نمونه گیری از روش نمونه-گیری تصادفی استفاده شد و در نهایت از جامعه آماری مذکور، نمونه ای به حجم ۳۰۵ نفر با به کارگیری فرمول کوکران انتخاب گردید. جهت ارزیابی جهت گیری هدف از پرسشنامه جهت گیری هدف پیشرفت کرسنوفر که دارای چهار مؤلفه (تبحرگرایی، عملکردگرایی، تبحرگریزی، عملکردگریزی) می باشد، استفاده شد. روایی و پایایی این ابزار در ایران مورد تأیید قرار گرفته است و در این پژوهش روایی و پایایی پرسشنامه مذکور با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی و شاخص روایی محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. بطوریکه بارهای عاملی گویه های پرسشنامه بالاتر از حد مطلوب (۵، ۰) بدست آمد. همچنین آلفای کربنباخ پرسشنامه (۸۷، ۰) و پایایی ترکیبی (۸۹، ۰) آن مورد تأیید قرار گرفت. روایی همگرایی با شاخص (AVE) و بار عرضی نیز مورد تأیید قرار گرفت. لازم به ذکر است که معدل دانشجویان بعنوان ملاک عملکرد تحصیلی آنها مورد بررسی قرار گرفت. داده ها از طریق نرم افزار SPSS و Smart PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج تجزیه و تحلیل و تحلیل عاملی داده-ها در گام اول نشان داد که پرسشنامه جهت گیری هدف از روایی و پایایی بالایی برخوردار است. در ادامه مدل معادلات ساختاری نشان داد که ابعاد جهت گیری هدف (تبحرگرایی، عملکردگرایی و تبحرگریزی) بر عملکرد تحصیلی دانشجویان تأثیر دارند اما بعد عملکردگریزی (ضریب=۱۸۱، ۰-) تأثیر معناداری بر عملکرد تحصیلی دانشجویان ندارد. تأثیر ابعاد تبحرگرایی (ضریب=۲۱۹، ۰، ۰۵) و عملکردگرایی (ضریب=۱۴۶، ۰، ۰۱) بر عملکرد تحصیلی مثبت و تأثیر بعد تبحرگریزی (ضریب=۰۹۶، ۰-) بر عملکرد تحصیلی منفی به دست آمد.

بحث و نتیجه گیری: یکی از موضوعات مهم در حوزه انگیزش و یادگیری، نقش جهت گیری هدف یا اهداف پیشرفت است. جهت-گیری هدف از مؤثرترین رویکردها در انگیزش است و تلوایحات انگیزشی مهمی در یادگیری و عملکرد دارد. جهت-گیری هدف، شیوه ناخودآگاه برخورد فرد با یک تکلیف یادگیری شناخته شده است. الگوی یکپارچه از باورها، اسناد و عواطف فرد که سبب می شود او به شیوه های مختلف به موقعیت ها گرایش پیدا کند، در آن زمینه به فعالیت بپردازد و نهایتاً پاسخی را ارائه دهد. جهت-گیری هدف در موقعیت تحصیلی مبین انگیزه فرد از تحصیل است و پاسخ های او را در موقعیت های یادگیری تحت تأثیر قرار می-دهد. در واقع جهت گیری هدف رفتار تحصیلی را

جهت می دهد و قادر به تبیین رابطه بین باورهای دانشجو درباره موفقیت تحصیلی و درگیرشدن و استمرارداشتن در انجام یک تکلیف یادگیری است؛ لذا می تواند متغیری اثرگذار بر عملکرد تحصیلی دانشجویان محسوب شود.

کلمات کلیدی: جهت گیری هدف، پیشرفت تحصیلی، دانشجویان

بررسی اثربخشی گرایش به تفکر انتقادی بر سبک تدریس اعضاء هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

مجتبی اورکی - ، حسین الهام پور - ، شبنم ایزدپناه - ، عبدالحسین شکورنیا - دانشگاه ع. پ. اهواز ،

مقدمه: اعضای هیئت علمی دانشگاه، علاوه بر توانایی مهارت های تکنیکی و فنی تدریس، لازم است از گرایش به تفکر انتقادی مناسبی نیز برخوردار باشند. برخی بر این باورند که ارتباط مستقیمی بین سبک تدریس اساتید و میزان تفکر انتقادی فراگیران وجود دارد و تدریس در کلاس درس باید از روش های منفعل به سمت توسعه تفکر انتقادی سوق داده شود. طبق نظر محققان، کلاس های درس اساتید پاسخ گوی توسعه تفکر انتقادی فراگیران نیست و در اینجا نقش اساتید به عنوان فراهم کننده زمینه مناسب برای پرورش این تفکر اهمیت زیادی دارد. با توجه به اینکه تفکر انتقادی می تواند به دانشجویان آموزش داده شود. لذا ابتدا باید گرایش به تفکر انتقادی اساتید شناخته شود و از سوی دیگر گرایش به تفکر انتقادی استاد می تواند در بهبود نوع سبک تدریس او اثر گذار باشد. با توجه به اهمیت گرایش به تفکر انتقادی و عوامل مرتبط با آن، به عنوان یکی از صلاحیت های حرفه ای اساتید، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر بخشی گرایش به تفکر انتقادی بر سبک تدریس اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز انجام شد

روش اجرا: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در سال تحصیلی ۱۳۹۹ بوده که از بین آنها ۱۶۰ عضو هیات علمی طبق فرمول کوکران به عنوان نمونه آماری به روش نمونه گیری خوشه ای ساده وارد مطالعه شده و مورد بررسی قرار گرفتند. جهت جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه سبک تدریس گراشا -ریچمن و مقیاس گرایش به تفکر انتقادی ریکتس استفاده شد. مقیاس گرایش به تفکر انتقادی ریکتس شامل ۳۳ سؤال پنج گزینه ای بود که در مقیاس لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، تنظیم شده است. حداکثر و حداقل نمره کسب شده در این آزمون به ترتیب ۳۳ و ۱۶۵ امتیاز بود. پرسشنامه سبک های تدریس گراشا حاوی ۴۰ سؤال و در ۵ بخش شامل سوالات سبک خبره (۸ سؤال)، سبک آمرانه (۸ سؤال)، سبک مدل

فردی (۸ سؤال)، سبک تسهیل کننده (۸ سؤال) و سبک وکالتی یا محول کننده (۸ سؤال) بر اساس طیف ۵ گزینه ای لیکرت از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵ تنظیم شده، می باشد. روایی و پایایی این پرسشنامه ها بررسی و تایید شده است. داده ها با استفاده از شاخص های آماری فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، آزمون t و همبستگی پیرسون و از طریق نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین گرایش به تفکر انتقادی اساتید 12.3 ± 4.4 و در حد نسبتاً مطلوب بود و اساتید به دو سبک تدریس خبره و آمرانه بیش از سبک های تدریس دیگر گرایش داشتند. یافته ها حاکی از آن بود که بین گرایش به تفکر انتقادی و سبک های تدریس اساتید رابطه معنادار وجود دارد ($P > 0.05$) و دو سبک آمرانه و تسهیل کننده بیشترین همبستگی را با گرایش به تفکر انتقادی داشتند. بین گرایش به تفکر انتقادی و سبک تدریس با جنس، سن، رتبه علمی، و سابقه تدریس اساتید تفاوت معنادار وجود نداشت

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه گرایش به تفکر انتقادی و سبک های تدریس اساتید ارتباط دارد، پیشنهاد می شود برای تقویت گرایش به تفکر انتقادی اساتید دوره های آموزشی برنامه ریزی و اجرا شود. از سویی دیگر از آنجا که عوامل بسیاری می تواند بر سبک تدریس اساتید و گرایش به تفکر انتقادی مرتبط باشند، لذا پیشنهاد می شود کلیه عوامل بایستی شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به تفاوت های عدیده در سبک های یادگیری دانشجویان و سبک های تدریس اساتید، مطالعه ای در جهت بررسی رضایتمندی دانشجویان از سبک های تدریس اساتید طراحی و اجرا گردد.

افزایش دانش کارورزان پزشکی در تشخیص و درمان عفونت های حاد تنفسی بعد از آموزش در بحران اپیدمی کرونا

منصوره مومن هروی - دانشگاه ع. پ. کاشان ، فاطمه رنگرز جدی - دانشگاه ع. پ. کاشان ، احسان نبوتی - دانشگاه ع. پ. کاشان ، حسین اکبری، - سیده راضیه فرهی - دانشگاه ع. پ. کاشان،

مقدمه: شناخت مکانیسم و به تبع آن تشخیص بیماری می تواند منجر به درمان صحیح و به موقع آن شود. انواع عفونت های حاد تنفسی دارای علائم بالینی مشابهی بوده و تفکیک آنها از همدیگر دشوار می باشد. از سوی دیگر با وجود اینکه منشا بیش از ۷۰ درصد آنها ویروس می باشد در اکثر مواقع آنتی بیوتیک ها بیش از حد و غیرضروری تجویز می شوند که نه تنها بر درمان آنها تاثیری نداشته بلکه منجر به مقاومت آنتی بیوتیکی می شود. یکی از دلایل عدم تشخیص صحیح و تجویز غیر منطقی آنتی بیوتیک دانش ناکافی پزشکان بوده که می تواند به دلیل آموزش ناکافی در دوران تحصیل و یا عدم بروزرسانی دانش بعد از

اثربخشی تدریس آمار زیستی به شیوه مشارکتی بر یادگیری دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد پرستاری

آذر بابااحمدی - دانشگاه ع. پ. اهواز، الهام مراغی، ثریا مرادی - دانشگاه ع. پ. اهواز، شیما یونس پور،

مقدمه: روش تدریس به مجموعه تدابیر منظمی اطلاق می شود که تعلیم دهنده برای رسیدن به هدف و با توجه به شرایط و امکانات انتخاب می کند. دو الگوی تدریس "استاد محور" و "دانشجو محور" در برنامه های آموزشی وجود دارد. روش سخنرانی به عنوان زیرمجموعه ای از الگوی استاد محور ابزار مناسبی برای ارائه اطلاعات پایه و انتقال علوم تجربی است. با این روش می توان حجم زیادی از مطالب را در زمانی کم و با کم ترین هزینه ارائه نمود. روش های ساده، کم هزینه و خلاقانه ای وجود دارد که جهت افزایش کیفیت تدریس به روش سخنرانی، قابل استفاده اند. یکی از این روش ها که برای کمک به یادگیری دانشجویان و تقویت درک مطلب توسط آن ها وجود دارد، یادگیری از طریق تدریس همتایان است. با توجه به اهمیت علم آمار و لزوم یادگیری آن برای دانشجویان علوم پزشکی، یافتن شیوه های یادگیری مناسب و کارا حائز اهمیت است. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی کارایی روش تدریس همتایان در ارتقای یادگیری آمار زیستی در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد پرستاری، طراحی و اجرا شد.

روش اجرا: پژوهش حاضر از نوع مطالعات مداخله ای نیمه تجربی است که در طول نیم سال اول سال تحصیلی ۹۹-۹۸ در دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز اجرا شد. دانشجویان توسط آموزش دانشکده و بر اساس برنامه ریزی کلاس های درسی در طول نیم سال اول تحصیلی به دو گروه مجزا تقسیم شدند. تدریس درس آمار زیستی برای هر دو گروه (۱۰ نفر کنترل و ۱۱ نفر مداخله) توسط یک مدرس و بر اساس سر فصل های مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام شد. یکی از کلاس ها، توسط مدرس، به تصادف برای انجام مداخله (تدریس همتایان) انتخاب شد. متناسب با تعداد دانشجویان حاضر در کلاسی که برای تدریس همتایان انتخاب شدند (دو گروه سه نفره و یک گروه پنج نفره) سرفصل های درسی برای تدریس مشخص شد (گروه اول مبحث آزمون نسبت ها در دو جامعه، گروه دوم مبحث آزمون تی زوجی و گروه سوم مبحث آنالیز واریانس) و دو جلسه آخر پایان ترم به طور تصادفی به افراد تخصیص یافت. افراد مباحث را طبق جدول زمان بندی و در تاریخ های مشخص آماده کردند. تدریس با استفاده از اسلاید و نرم افزار SPSS انجام شد. آموزش هر مبحث حداکثر ۳۰ دقیقه به طول انجامید. پس از تدریس همتایان، مدرس مجدداً سرفصل ها را با جزئیات بیشتر توضیح داد. در گروه بدون مداخله، تدریس تمامی سرفصل ها به صورت تئوری و عملی به عهده مدرس بود و با استفاده از شیوه سخنرانی انجام شد. آزمون پایانی هر دو کلاس در یک روز، یک ساعت، در مکانی با امکانات یکسان و سئوالاتی هماهنگ برگزار شد. در این مطالعه سعی بر حفظ اسرار پاسخ دهندگان

تحصیل باشد. با شیوع بیماری کووید ۱۹ از اسفند ماه ۱۳۹۸ و افزایش تعداد بیماران در بخش عفونی و به تبع آن افزایش حجم کار اساتید بر آن شدیم تا تاثیر آموزش به روش سخنرانی و بحث گروهی را بر دانش کارورزان پزشکی بخش عفونی در زمینه تشخیص و تجویز آنتی بیوتیک برای عفونت های حاد تنفسی در بحران اپیدمی کرونا، در بازه های زمانی که برگزاری کلاس آموزشی مجاز بوده را بررسی کنیم

روش اجرا: این مطالعه به صورت توصیفی - تحلیلی نیمه تجربی در بخش عفونی بیمارستان شهید بهشتی کاشان سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ انجام شد. ۴۰ نفر کارورز پزشکی که جهت آموزش به بخش عفونی وارد شدند، به مطالعه وارد شدند. در اولین جلسه برگزاری کلاس دانش آنها در خصوص تشخیص و درمان عفونت های حاد تنفسی بر اساس چهارده سناریوی بیماری از پیش طراحی شده ارزیابی شد. سناریو ها با استفاده از جستجوی متون پزشکی و نظر پزشکان متخصص عفونی تهیه شد. سپس چهار جلسه آموزش در زمینه تشخیص صحیح و تجویز منطقی آنتی بیوتیک برای عفونت های حاد تنفسی به روش سخنرانی و بحث گروهی توسط استاد در بخش عفونی برگزار شد. در پایان دوره مجدد همان چهارده سناریو به منظور ارزیابی دانش در اختیار دانشجویان قرار گرفت. نتایج پیش آزمون و پس آزمون با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون آماری تی زوجی و با سطح معناداری ۰۰۵، تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: جامعه پژوهش را ۲۱ زن و ۱۹ مرد تشکیل دادند. ۳۶ نفر دانشجوی سال ششم و هفتم پزشکی بودند. میانگین نمره دانش کارورزان قبل از آموزش ۵، ۴±۸، ۹ و بعد از آموزش ۷، ۴±۸، ۱۲ بود و نتایج آزمون آماری تی زوجی نشان داد که بین میانگین نمره دانش کارورزان پزشکی قبل و بعد از آموزش اختلاف آماری معنی داری وجود دارد (p=۰۰۲). میانگین نمره دانش کارورزان در تشخیص صحیح عفونت های حاد تنفسی قبل از آموزش ۵±۲، ۱۲ و بعد از آموزش ۷، ۳±۱۶ بود. میانگین نمره در زمینه تجویز آنتی بیوتیک قبل از آموزش ۵، ۴±۶، ۸ و بعد از آموزش ۶، ۴±۱۲ بود. نتایج آزمون آماری تی زوجی نشان داد که بین میانگین نمره دانش تشخیصی و درمانی کارورزان پزشکی قبل و بعد از آموزش اختلاف آماری معنی داری وجود دارد (p=۰۰۰).

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد با وجود افزایش بیماران بخش های بالینی در بحران اپیدمی کرونا و به تبع آن افزایش حجم فعالیت بالینی اساتید و خستگی ناشی از آن، آموزش به روش سخنرانی و بحث گروهی در بخش های بالینی بر میزان دانش کارورزان پزشکی در زمینه تشخیص صحیح و درمان عفونت های حاد تنفسی تاثیر گذار بوده است. لذا پیشنهاد می شود به منظور دستیابی بیشتر دانشجویان به اهداف آموزشی در بحران های اپیدمی، تاثیر سایر روش های آموزش مانند آموزش الکترونیکی در زمینه استدلال بالینی و مهارت های عملی نیز ارزیابی شود.

بوده و تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت شده است (اخذ کد اخلاق از کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز به شماره IR.AJUMS.REC.1397.805). سطح معناداری آزمون ها کوچک تر از ۰.۰۵، در نظر گرفته شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ صورت گرفت.

یافته‌ها: در این مطالعه ۲۱ دانشجوی پرستاری در مقطع کارشناسی ارشد (۱۱ نفر گروه مداخله و ۱۰ نفر گروه کنترل) مورد بررسی قرار گرفتند. در گروه مداخله تعداد ۴ نفر (معادل ۴۰٪) مرد و ۷ نفر (معادل ۶۳٪) زن بودند. میانگین سنی این افراد 23 ± 7.06 سال بود. میانگین نمره آزمون پایان ترم گروه تدریس به شیوه سخنرانی 46.0 ± 9.9 و در گروه تدریس همتایان 47.6 ± 5.5 بود و از لحاظ آماری دارای اختلاف معناداری نبود ($p=0$)، (۲۴۵).

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاکی از آن بود که مهارت تحلیل آماری (نمره آزمون پایان ترم) دانشجویان در گروه آزمون بالاتر از گروه کنترل بود. مطالعات پیشین نشان دهنده باور نادرست دانشجویان علوم پزشکی نسبت به سختی یادگیری برقراری ارتباط با مفاهیم درس آمار زیستی بوده و مواردی مانند نگرانی و اضطراب، نگرش منفی، عدم انگیزه، عدم علاقه، و عدم درک اهمیت عملی یا ارزش آمار را در دانشجویان گزارش کرده اند. مطالعه حاضر نشان داد که دانشجویان کارشناسی ارشد پرستاری گروه آزمون در مقایسه با دانشجویان گروه کنترل یادگیری مؤثرتری داشته اند. این نتیجه به دلیل افزایش در کسب مهارت ارتباطی، مهارت حل مسأله و کسب دانش در هنگام استفاده از روش تدریس همتایان است.

واژگان کلیدی: تدریس مشارکتی، آمار زیستی، یادگیری، پرستاری

بررسی مقایسه ای آموزش به شیوه آموزش مبتنی بر تیم، سخنرانی و آکرونیم بر نمرات و میزان رضایت دانشجویان مامایی از یادگیری درس پاتوفیزیولوژی در دانشکده علوم پزشکی سیرجان در سال ۱۳۹۹

فاطمه علوی - دانشکده ع. پ. سیرجان، زهرا ایمانی گوغری

مقدمه: یکی از اهداف آموزش در دروس تئوری یادسپاری مطالب و کاستن از میزان فراموشی مطالب یادگرفته شده است که می تواند بر رضایت دانشجو نیز موثر باشد. هدف از انجام این مطالعه بررسی اثر بخشی سه روش آموزش مبتنی بر تیم (TBL)، سخنرانی و آکرونیم بر میزان رضایت دانشجویان مامایی ناپیوسته بود

روش اجرا: در این مطالعه مداخله ای تعداد ۶۳ دانشجوی مامایی ناپیوسته وارد مطالعه شدند. ۲۰ نفر از دانشجویان با روش سنتی سخنرانی (Lecture) آموزش دیدند، ۲۲ نفر در آموزش مبتنی بر تیم

را دریافت کردند و برای ۲۱ نفر از آکرونیم (Acronym) (به خاطر سپاری با استفاده از رمز سازی) در جهت تقویت یادگیری استفاده شد. داده ها با استفاده از پرسشنامه رضایت سنجی محقق ساخته جمع آوری شد. پرسشنامه مذکور دارای ۱۴ آیتم بود که با کمک گرفتن از مطالعه احدیت (۱) تنظیم شد و پس از بررسی از نظر روایی و پایایی (۰.۸) مورد استفاده قرار گرفت. که نمره دهی آن با مقیاس لیکرت ۵ درجه ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق (۱ تا ۵) انجام شد. داده ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار SPSS و آزمونهای توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و تحلیلی (آنوا) آنالیز شدند. سطح معنی داری ۰.۰۵ در نظر گرفته شد

یافته‌ها: میانگین نمره مشارکت کنندگان در گروه سخنرانی 15.5 ± 15.47 ، در گروه آموزش مبتنی بر تیم 16.12 ± 16.73 و در گروه آکرونیم 16.09 ± 16.54 بود. آزمون آنوا تفاوت معنی دار را در میانگین نمره نهایی درس پاتوفیزیولوژی در بین سه گروه نشان داد. آزمون post hoc نشان داد که تفاوت ایجاد شده، بین گروه TBL با Lecture و Lecture با Acronym معنی دار بود ($P < 0.05$) در حالیکه دو گروه TBL و Acronym تفاوت معنی داری با هم نداشتند ($P > 0.05$). نتایج آنالیز تک به تک آیتمهای پرسشنامه رضایت سنجی با آزمون آنوا، نشان دهنده معنی دار بودن تمامی آیتم ها بجز آیتم اول " نیازهای یادگیری ام را برآورده کرد" در بین سه گروه بود

بحث و نتیجه گیری: همانگونه که نتایج نشان می دهد بیشترین میانگین نمره مربوط به گروه دریافت کننده آموزش مبتنی بر تیم و سپس گروه آکرونیم بود که نشان دهنده اثر بخشی روشهای فعال آموزش در ارتقای یادگیری می باشد که می توانند رضایت دانشجویان را نیز بدنبال داشته باشد. بنابراین توصیه می شود در آموزش دروس تئوری این روشها جایگزین روش سنتی سخنرانی گردند. بعلاوه به جهت ارائه آموزش بخصوص برای دانشجویان ناپیوسته که سابقه فعالیت در محیطهای کاری را دارند بایستی نیاز سنجی آموزشی، قبل از ارائه درس صورت گیرد.

بررسی تاثیر آموزش کارگاهی مهارت های عملی بر توانمندی دستیاران جدیدالورود گروه کودکان

الهه اسماعیلی -، انیس امیرحکیمی -، دکتر مهوش علیزاده نایینی -، نرگس واثقی - دانشگاه ع. پ. شیراز،

Introduction: Training competent graduates especially in residency program is the main goal of medical education. Due to previous researches which are in favor of inadequate capability of residents, skillful performing of essential procedures is an obligation for high quality pediatrics' care. In some parts; this failure may lead to a reflection of

پ. کاشان، عباس تقوی اردکانی - دانشگاه ع. پ. کاشان، علی محمد نیکفرجام - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه: اخیراً در بسیاری از کشورها برنامه های اعتباربخشی آموزش پزشکی و صلاحیت بالینی، ارزیابی مداوم رزیدنت ها و توسعه ی منابع نوآورانه ای که بتواند بازخوردهای سازنده ای به دستیاران ارائه دهد را اجباری کرده اند تا بتوانند بصورت مداوم نقایص را شناسایی کرده و آنها را بهبود بخشند. بازخورد یک محرک قوی برای یادگیرندگان محسوب می شود. اگرچه ارائه فیدبک به روش سنتی بسیار زمان بر و نیازمند صرف زمان های طولانی برای تجمیع داده ها از پایگاه های داده و صفحات گسترده برای هر پزشک است؛ همچنین داده های جمع آوری شده در خصوص عملکرد پزشکان بموقع (real-time) نیستند و پیشرفت، شکست یا موفقیت در عملکرد پزشکان را به خوبی منعکس نمی کنند. فیدبک های خودکار از طریق داشبورد مشکلات فیدبک سنتی را ندارند و با ارائه منظم، مستمر و بموقع می توانند باعث ارتقای عملکرد دستیاران شوند. داشبورد (Dashboard) یک صفحه نمایش بصری است که اطلاعات مهم را بصورت بلادرنگ، با استفاده از نمودارها، اشکال و رنگ ها در فرمتی که به راحتی قابل بررسی باشد نمایش دهد. داشبورد با ادغام تمام اطلاعات در قالب یک صفحه نمایش، می تواند باعث بهبود بهره وری، تسریع تصمیم گیری، ساده کردن فرایند گردش کار، بهبود کیفیت و پیامدهای مراقبت شود. به لحاظ برخورداری از این قابلیت ها اجرای بسیاری از برنامه های مبتنی بر صلاحیت بالینی (Competency-Based Medical Education (CBME)) در حیطه آموزش پزشکی نیازمند ارزیابی و مقایسه عملکرد دستیاران و مقایسه عملکرد دستیاران بصورت فیدبک مقایسه اجتماعی (Social Comparison Feedback) است. از آنجا که بررسی ها نشان می دهد مقایسه تست های آزمایشگاهی درخواست شده توسط پزشکان با همتایان شان می تواند رفتار پزشکان در ارتباط با درخواست تست را بهبود بخشد این مطالعه با هدف تعیین تاثیر بازخورد مبتنی بر داشبورد بر تغییر رفتار دستیاران در خصوص درخواست تست های آزمایشگاهی در بیمارستان شهید بهشتی کاشان انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه نیمه تجربی قبل و بعد در بخش نورولوژی بیمارستان شهید بهشتی کاشان انجام شد. عملکرد رزیدنت ها درخصوص درخواست تست های آزمایشگاهی در قالب یک داشبورد بصورت هر دو هفته یکبار به آنها بازخورد داده می شد. بازخوردها شامل تست های درخواست شده و هزینه آنها در سطح فرد، گروه و بخش، تعداد تست های تکراری، فاصله زمانی بین دو تست تکراری درخواست شده، زمان گردش تست (test turnaround time) و تست های پندینگ بود. بازخوردها هم از طریق ایمیل و هم بصورت پرینت رنگی از صفحات داشبورد به رزیدنت ها ارائه می شد و آنها می توانستند عملکرد خود را مشاهده و آن را با عملکرد سایر همتایان مقایسه کنند. اطلاعات مربوط به تعداد کل تست ها، نسبت تست به ازای بیمار، تعداد تست

limited clinical opportunities to perform procedures and/or inadequate alternative procedural education. Therefore Procedural workshops at the beginning of residency can be crucially effective. Objective: To assess the effectiveness of teaching procedural workshops on self-reported procedural competence.

Material and method: during the ۲۰۱۷-۲۰۱۸ academic year, Procedure simulation workshops were implemented at clinical skill lab center (CSLC), Shiraz University of Medical Sciences. All first-year pediatric residents participated in a ۷-contious days' designed workshops (۴۰ hrs. totally) to train ۱۰ procedural skills including Intravenous catheter placement, Insulin injection, Lumbar puncture, Peritoneal tap, Plural tap, Chest compression, Bag mask ventilation, Intubation, Intra-osseous needle placement and Needle chest decompression. Patient simulation models and relevant equipment were available. Each procedure was taught by a related field faculty physician. After teaching a procedure, residents practiced it on models. Residents completed a survey immediately before and after the workshop to self-assess procedural competence through a ۵ scores Likert self-assessment questionnaire.

Results: Twenty four residents participated in the procedure workshops and filled out the questionnaire for all procedures. According to pre and post workshops self-assessments by residents, Paired t - tests demonstrate statistically significant ($P < 0.05$) improvement in ۷ out of ۱۰ skill levels. The most change was ۱۰۶% in Intraosseous Needle Placement and the least change was ۵% in Chest Compression Conclusion: These carried out procedure simulation workshops are an effective approach to improve competency performance, however it is not enough.

بررسی تاثیر بازخورد مبتنی بر داشبورد بر رفتار دستیاران در خصوص درخواست تست های آزمایشگاهی در بخش نورولوژی بیمارستان شهید بهشتی کاشان

سحر زارع - دانشگاه ع. پ. کاشان، احسان نبوتی - دانشگاه ع. پ. کاشان، زهرا میدانی - دانشگاه ع. پ. کاشان، سید غلامعباس موسوی - دانشگاه ع. پ. کاشان، مهرداد فرزندی پور - دانشگاه ع. پ. کاشان، سید علی مسعود - دانشگاه ع. پ. کاشان، آیدین امیدوار - دانشگاه ع.

های تکراری و فاصله زمانی بین تست های تکراری، سه ماه قبل و سه ماه بعد از مداخله جمع آوری و با یکدیگر مقایسه شدند.

یافته ها: در این مطالعه رزیدنتهای نورولوژی برای ۳۹۵ بیمار تست درخواست داده بودند، ۲۲۸ مورد (۷۰،۵٪) قبل از مداخله و ۱۶۷ (۳،۴۲٪) بعد از مداخله. تعداد کلی تست های درخواست شده قبل از مداخله ۳۰۳۸ مورد بود که بعد از مداخله به ۱۸۴۰ مورد کاهش یافته بود. نسبت تست به ازای بیمار قبل از مداخله ۳۵،۰۴۵ بود و بعد از مداخله به ۲۷،۰۳۷±۰ کاهش یافته بود (p value=۰،۰۳۱)؛ بیشترین مقدار کاهش مربوط به تست ABG (۹، ۷۶٪ کاهش) و کمترین کاهش مربوط به تست INR (۹، ۷٪ کاهش) بود. اگر چه نسبت تعداد تست های تکراری به کل تست ها کاهش یافته بود (۲۲۸، ۳۱ قبل از مداخله، در مقابل ۱۶۷، ۱۲ بعد از مداخله)، اما تفاوت معناداری در فاصله زمانی بین تست های تکراری مشاهده نشد (۰،۵۸)، p value=).

بحث و نتیجه گیری: بطور کلی داشبورد مصرف منابع به عنوان یک ابزار تعاملی مدیریت عملکرد توانست با ارائه بازخورد، رفتار دستیاران در خصوص درخواست تست های آزمایشگاهی را تغییر دهد. اگرچه ارائه چنین بازخوردهایی باید با حمایت و پشتیبانی پزشکان ارشد (پزشکان اتند) تقویت گردد. لذا توصیه می گردد استفاده از داشبوردها برای ارزیابی و ارائه بازخورد سایر عملکردهای بالینی دستیاران نیز مورد استفاده قرار گیرد.

ارزیابی محیط های یادگیری بالینی بخش داخلی

بتول اقبالی - دانشگاه ع. پ. بیرجند، فاطمه مسعودی نسب - دانشگاه ع. پ. بیرجند، زهره آذرکار.

مقدمه: آموزش بالینی یک بخش بسیار مهم و اساسی در آموزش پزشکی عمومی و تخصصی است. برای کسب اطمینان از کیفیت برنامه های آموزشی لازم است شرایط مطلوب تعریف شود و شرایط موجود با آن مقایسه گردد. به این ترتیب نقاط قوت و ضعف برنامه مشخص می شود. در همین راستا مجموعه ای با عنوان "استانداردهای آموزش بالینی" در حوزه معاونت آموزشی وزارت بهداشت منتشر شده است. این مجموعه شامل شرایط مطلوب برای شش محیط یادگیری بالینی است. این مطالعه با هدف تعیین میزان رعایت استانداردهای تعریف شده در محیط های یادگیری بالینی گزارش صبحگاهی، راندهای آموزشی و کلینیک های سرپایی بخش داخلی در بیمارستان آموزشی ولیعصر (عج) بیرجند اجرا شده است.

روش اجرا: این مطالعه توصیفی با روش مشاهده ای انجام شده است. نمونه مورد پژوهش محیط های یادگیری بالینی (کلینیک سرپایی، راند و گزارش صبحگاهی) مربوط به بخش داخلی بیمارستان آموزشی ولیعصر (عج) بیرجند بود. اطلاعات مربوط به هر یک از محیط های بالینی مورد

نظر، به مدت یک ماه با استفاده از فهرست واری (چک لیست) تهیه شده برای آن محیط، گردآوری شد. این فهرست واری بر اساس شرایط مطلوب (استانداردهای الزامی و ترجیحی) تعیین شده در مجموعه "استانداردهای آموزش بالینی" که سال ۱۳۹۴ توسط حوزه معاونت آموزشی وزارت بهداشت منتشر شد، تهیه شده بود. پژوهش گر با در دست داشتن فهرست واری در محیط های بالینی مشخص شده حضور یافت و مشاهدات خود را ثبت کرد. برای آنالیز داده ها از نرم افزار spss ۲۲ و از شاخص درصد برای توصیف یافته ها استفاده شد. همچنین شاخص های مورد نظر سه گانه به صورت جداگانه از نظر میانگین درصد استانداردهای اجباری و ترجیحی و کلی مشخص گردید. برای تعیین مقیاس کیفی مناسب جهت ارزیابی داده ها، کسب ۱۰۰ - ۸۰٪ مطلوب، ۷۹،۹۹-۵۰٪ نیمه مطلوب و کمتر از ۵۰٪ نامطلوب تلقی گردید.

یافته ها: در محیط های یادگیری گزارش های صبحگاهی، راند و کلینیک بخش داخلی میزان رعایت کلی استانداردها به ترتیب ۷۱،۵۹٪، ۶۷،۵۱٪ و ۵۵،۷۰٪ بود؛ این میزان به همان ترتیب در مورد استانداردهای الزامی عبارت بود از ۸۹،۲۸٪، ۷۹،۰۴٪ و ۵۳،۱۲٪؛ در مورد میزان رعایت استانداردهای ترجیحی این نتایج برای محیط های یادگیری بیان شده به ترتیب به دست آمد: ۶۳،۳۳٪، ۶۰،۳۸٪ و ۵۱،۹٪.

بحث و نتیجه گیری: به طور کلی رعایت استانداردهای آموزش بالینی در محیط های یادگیری گزارش های صبحگاهی، راند و کلینیک بخش داخلی در حد نیمه مطلوب گزارش شد. گزارش صبحگاهی در رعایت استانداردهای الزامی وضعیت مطلوب و در مورد استانداردهای ترجیحی وضعیت نیمه مطلوب داشت. راند آموزشی و کلینیک سرپایی نیز در استانداردهای الزامی و ترجیحی وضعیت نیمه مطلوب داشتند. لازم است ضمن بررسی دلایل رعایت نشدن برخی از استانداردهای الزامی، برنامه ریزی مناسبی برای رعایت این استانداردها با هدف بهبود کیفیت آموزش بالینی، انجام شود.

بررسی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت آموزش تشخیص نویسی، مبتنی بر استانداردهای سازمان بهداشت جهانی

(WHO) روش نگاشت مفهومی

نقیسه سادات حسینی - دانشگاه ع. پ. مشهد، سعید اسلامی - دانشگاه ع. پ. مشهد، خلیل کیمیافر.

مقدمه: بخشی عمده ای از آموزش شرح حال گیری، تشخیص نهایی و مستندسازی به دانشجویان بر بالین بیمار انجام می شود. این آموزش ها اغلب بر اساس تجربیات اساتید و استانداردهای بالینی است. تشخیص نهایی یکی از مهمترین فیلدهای پرونده بیمارستان است که کدگذاری پرونده بر اساس آن صورت می گیرد. عدم درج کامل و صحیح

اطلاعات لازم، مبتنی بر اصول تشخیص نویسی WHO، می تواند علاوه بر کاهش کیفیت مراقبت سلامت و پیگیری وضعیت بیمار، صحت کدهای پرونده را کاهش دهد. این امر سبب کاهش اعتبارات بیمارستان و افزایش کسورات بیمه شده و صحت آمارهای بیمارستانی را مخدوش می نماید. اما مطالعات نشان می دهد اطلاعات درج شده در پرونده بیماران به ویژه در فیلد تشخیص نهایی از اطلاعات کافی جهت تخصیص کدهای دقیق برخوردار نیست.

روش اجرا: در این پژوهش از اساتید بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد شامل تخصص های مختلف سم شناسی بالینی، اورتوپدی، قلب، زنان و غیره دعوت به عمل آمد. بخش هایی انتخاب شدند که برای تخصیص کد های تشخیص پرونده بیمار، نیاز به درج جزئیات بیشتری در پرونده است و معمولاً تشخیص ها کامل و دقیق ثبت نمی شد. برای استخراج عوامل تاثیرگذار بر کیفیت آموزش درج تشخیص نهایی در پرونده بیماران بستری مبتنی بر گایدلاین های WHO از روش نگاشت مفهومی استفاده شده است. این روش شامل مراحل زیر است **project planning:** طراحی سوال اساسی یا **focus prompt Generate** : **Idea** : برگزاری جلسه طوفان مغزی و استخراج نظرات شرکت کنندگان به صورت جملات ساده : **Structuring and rating** : دسته بندی جملات بر اساس شباهت های آن ها و امتیاز دهی آن ها از نظر اهمیت و سهولت اجرا (با طیف لیکرد ۵ تایی) : **Compute maps** (آنالیز) **MDS**(multidimensional scaling) براساس خروجی مرحله قبل (ماتریس شباهت) و فاصله اقلیدسی، عوامل استخراج شده را بر روی محیط دویعدی ترسیم نموده و نهایتاً به کمک **cluster analysis**، دسته بندی های نهایی مشخص می شوند. برای آنالیزها از SPSS ۲۱ استفاده شد. نهایتاً از روی داده های امتیازدهی، نمودار دو بعدی اهمیت-امکان سنجی (**Go-Zone**) ترسیم شد **Interpret and Utilize Maps:** تفسیر نتایج بر اساس نقشه کلاسترها و نمودار **Go-Zone** انجام شد.

یافته ها: از ۷۰ استاد بالینی دانشگاه علوم پزشکی مشهد دعوت به همکاری شد که ۶۱ نفر در جلسه طوفان مغزی شرکت کردند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۴۰ سال بود. ۵۵,۷٪ خانم بودند. میانگین تجربه کاری شرکت کنندگان (۷,۴ ± سال) و حجم کاری آن ها به طور میانگین ۶۴ پرونده در ماه بود. جلسه نگاشت مفهومی ۱۲۰ دقیقه طول کشید و ۱۰۵ جمله استخراج شد که بعد از تبادل نظر و ویرایش ۳۵ جمله به مرحله دسته بندی رفت. دسته بندی و امتیاز دهی در دو جلسه ۹۰ دقیقه ای انجام شد. شرکت کنندگان ۳۵ فاکتور استخراج شده را بر اساس شباهت، دسته بندی نموده و برای هر دسته یک نام انتخاب نمودند. نهایتاً به هر فاکتور از نظر اهمیت و امکان اجرا امتیازی بین ۱ تا ۵ داده شد. عوامل تاثیرگذار بر کیفیت تشخیص نویسی مبتنی بر استانداردهای بین المللی WHO به ترتیب اهمیت به ۷ دسته تقسیم شدند: عدم آگاهی درباره اصول تشخیص نویسی مبتنی بر استانداردهای WHO و کدگذاری بالینی) رتبه امکان سنجی ($F=2$).

عدم وجود تسهیل کننده ها برای مستندسازی استاندارد ($F=3$)، عدم آگاهی در مورد اهمیت موضوع و مسئولیت پذیری ($F=4$)، همکاری ضعیف سایر افراد ($F=3$)، عدم نظارت و ارائه فیدبک ($F=1$)، حجم کاری ($F=6$)، موانع بالینی ($F=5$)

بحث و نتیجه گیری: حاصل از امتیازات اهمیت و امکان سنجی عوامل مستخرج از جلسه طوفان مغزی در نمودار **Go-Zone** به صورت شماتیک نشان داده شد. فاکتورهایی که نمره اهمیت و امکان سنجی بالایی دارند برای طراحی مداخلات و سیاستگذاری از اولویت بالاتری برخوردار هستند. نتیجه گیری از آنجایی که در ایران کدگذاری تشخیص بر عهده پزشکان نیست، در کریکولوم آموزشی آن ها دروس مربوط به کدگذاری نیامده لذا آموزش تشخیص نویسی را مبتنی بر گایدلاین های سازمان بهداشت جهانی (**ICD**) دریافت نمی کنند. در سال های اخیر بحث ورود این دروس به صورت اختیاری در کریکولوم آموزشی مطرح شده است اما به خاطر برخی مشکلات از جمله کمبود مدرس، هنوز عملی نشده است. برای افزایش کیفیت مراقبت بیمار و آموزش دانشجویان بر اساس گایدلاین های بین المللی همچنین کاهش کسورات بیمه می توان از تسهیلهای آموزشی مانند ساختارمند کردن فرم های کاغذی و الکترونیکی استفاده نمود. همچنین آگاه سازی دانشجویان از اهمیت و کاربرد کدها و طراحی سیستم نظارت و فیدبک می تواند در کیفیت مستندسازی موثر باشد.

ارزیابی کیفیت آموزش مجازی از دیدگاه دانشجویان

دانشگاه علوم پزشکی مازندران در نیمسال دوم ۹۸-۹۹

غلامعلی گدازنده - دانشگاه ع. پ. مازندران -، سیاوش مرادی - دانشگاه ع. پ. مازندران، منصور رنجبر - دانشگاه ع. پ. مازندران، مهدی پوراصغر - دانشگاه ع. پ. مازندران، محمدرضا اندرواز - دانشگاه ع. پ. مازندران، نصرت اله گوران.

مقدمه: با توسعه زیرساخت های اینترنتی و فراهم شدن دسترسی به آن، دانشگاه های الکترونیکی در عرصه آموزش عالی در حال گسترش می باشند. لیکن روند گسترش، بیشتر از جهت کمی بوده و اطمینان از کیفیت آن ها به چارچوب ارزشیابی دقیق و معتبری نیاز دارد. همزمان با شیوع بیماری کرونا تمامی سیستم های آموزشی حرکت پرشتابی را به سوی آموزش مجازی آغاز کردند و دانشگاه های علوم پزشکی نیز در این مسیر گام برداشتند. سیستم آموزش مجازی نیز همانند هر سیستم آموزشی شامل دروندا، فرایند و بروندا می باشد که لازمست برای دستیابی به کیفیت مطلوب آموزشی هرکدام از این سه عنصر دارای سطح مطلوبی از کیفیت باشند. در فرایند اجرای آموزش مجازی ذی نفعان متعددی نظیر مدیران، کارکنان، اساتید و دانشجویان نقش دارند. هدف: در این تحقیق فرایند اجرای آموزش مجازی از منظر

مهمترین ذی نفع آن یعنی دانشجویان علوم پزشکی مازندران مورد سنجش قرار گرفته است..

روش اجرا: ابزار مورد استفاده فرم ارزیابی اصلاح شده تدریس نظری بوده که پیشتر در سامانه سما (هم آوا) مورد استفاده قرار می گرفته است، منتها توسط پژوهشگران مطالعه حاضر بر اساس ابعاد مختلف تدریس مجازی از جمله داشتن طرح دوره و درس مجازی، بارگذاری منظم محتواهای آموزشی، فرمت ارائه مجازی متناسب با اهداف بازگو شده در طرح درس، وضوح مطالب درسی ارائه شده، ارائه مثال های کاربردی، پاسخ به سوالات و رفع ابهامات دانشجویان، برگزاری کلاس های تعاملی در بستر مجازی و جمع بندی مناسب از مطالب ارائه شده در کلاس درس مجازی اصلاح گردید. ارزیابی صورت گرفته در بستر مجازی و در سامانه هم آوا در یک بازه زمانی دو هفته ای در پایان نیمسال تحصیلی و پیش از شروع آزمون پایان ترم بوده است. همچنین بر اساس خروجی های سامانه نوید فراوانی ارائه دروس مجازی بصورت چندرسانه ای و به تفکیک دانشکده های تابعه استخراج و مورد تحلیل همبستگی قرار گرفت. در نهایت خروجی ارزیابی در قالب فایل اکسل و به تفکیک دانشکده های تابعه (پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، بهداشت، پیراپزشکی، پرستاری و مامایی و فن آوری های نوین پزشکی) در مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه مورد توصیف و تحلیل آماری قرار گرفت. حسب مورد، تحلیل آماری در نرم افزار ۲۱ IBM SPSS انجام شد.

یافته ها: درصد مشارکت دانشجویان به تفکیک دانشکده های تابعه از کمینه ۵۵٫۶۵ تا بیشینه ۷۷٫۸۵ متغیر بوده است و در کل ۶۸٫۵۳ درصد دانشجویان دانشگاه در ارزیابی تحت وب پایان نیمسال شرکت نمودند. همچنین میانگین نمره دانشجویان در دانشکده های مختلف از کمینه ۱۵٫۹۴ تا بیشینه ۱۸٫۷۴ برخوردار بوده است و در کل میانگین نمره ارزیابی دانشجویان دانشگاه از تدریس مجازی ۱۷٫۱۷ از ۲۰ با انحراف معیار ۱٫۴ محاسبه شده است. همچنین تحلیل همبستگی بین نمرات ارزیابی و درصد فراوانی محتواهای چندرسانه ای نشان داد بین این دو متغیر همبستگی ضعیف معکوس البته بدون برجستگی آماری وجود دارد ($P=0.75$) .

بحث و نتیجه گیری: با توجه به اینکه تقریباً دو سوم فراگیران در این ارزیابی مشارکت داشتند و از طرف دیگر میانگین نمره ارزشیابی دانشجویان از آموزش مجازی ارائه شده در نیمسال دوم ۹۹-۹۸ فراتراز عدد ۱۷ (از ۲۰) محاسبه شده، می توان نتیجه گرفت آموزش مجازی ارائه شده در نیمسال مذکور از منظر دانشجویان از کیفیت خوبی برخوردار بوده و رضایت دانشجویان را به همراه داشته است.

کلمات کلیدی: ارزیابی کیفیت، آموزش مجازی، کرونا، دانشجویان

بررسی ضرورت آموزش درس سوندگذاری مبتنی بر شواهد: بایدها و نبایدها برای رزیدنت ها و دانشجویان

علوم پزشکی

سهیلا سیروس بخت - دانشگاه ع. پ. ارتش ، بیژن رضاخانیها - دانشگاه ع. پ. ارتش ، صدرا رضاخانیها - دانشگاه ع. پ. آزاد اسلامی ، علیرضا شهریاری محمدی - دانشگاه ع. پ. ارتش ،

مقدمه: در راستای ارتقای آموزش رزیدنت های جدیدالورود رشته های بالینی مختلف چالش های آموزشی مشاهده می گردد که یکی از موارد شایع تصمیم گیری صحیح جهت سوندگذاری بیماران می باشد. سوند گذاری در موارد ضروری راه حل مناسبی می باشد اما در صورتیکه به درستی اندیکاسیون آن لحاظ نگردد می تواند منجر به عوارض جبران ناپذیر برای بیمار گردد. در بررسی های انجام شده طی سالها موارد متعدد مشاهده گردیده است که بیمار اندیکاسیون علمی جهت سوندگذاری نداشته و به نادرست برای وی اقدام به سوند گذاری شده که در مواردی منجر به عوارض حاد یا تحت حاد گشته است. ایجاد این عوارض نه تنها از لحاظ جسمی بلکه از نظر اخلاقی نیز مورد توجه میباشد. اگر برای بیماری بدون اندیکاسیون علمی اقدام به سوند گذاری شده باشد حتی اگر برای بیمار عوارضی رخ ندهد ما به عنوان پزشک وی از نظر اخلاقی مسئول خواهیم بود. از دیدگاه دیگر، عملی به بیمار تحمیل گردیده که نیاز نداشته و هزینه مالی بی مورد به وی تحمیل گردیده است. هدف: برای رفع این مشکل به صورت موردی با توضیح و دادن آگاهی به پزشک درخواست کننده سعی در اصلاح و تغییر نگرش همکاران گرامی گردید ولی با توجه به استمرار این مشکلات و درخواست مسئول فنی بیمارستان ها تصمیم به دادن آگاهی و تغییر نگرش همکاران جوانتر (کارورزان و کارآموزان و رزیدنت های گروه های مختلف آموزشی (بخصوص جراحی، داخلی و بیهوشی) تا این اقدام منجر به بهبود عملکرد آنان گردد.

روش اجرا: ابتدا تدوین و طرح درس در مورد سوند گذاری تهیه گردید (شامل تعریف- انواع سوند- سایزها- اندیکاسیون ها- کنترااندیکاسیون ها- عوارض حاد -تحت حاد و مزمن (و پاورپوینت و اسلایدها آماده گردید. ضمناً برای رزیدنت ها (۶۴ نفر)، بیماران واقعی که در بخش بستری و سوند گذاری انجام گردیده بود را بصورت سوالات ۴ گزینه ای (حداقل ۱۳ مورد جراحی - داخلی- اطفال -اوژانس ICU-بصورت پره تست و پست تست آماده گردید. برای دانشجویان کارآموزی (۵۱ نفر) نیز ۵ سوال در امتحانات پایان دوره آماده گردید. ضمناً جهت ارزیابی نظرات و دیدگاه فراگیران فرم نظرسنجی شامل ۱۳ سوال تهیه گردید. برای رزیدنت ها با هماهنگی ریاست و مدیران گروه در بیمارستان کارگاهی تحت عنوان یادشده برگزار گردید و برای دانشجویان کارآموزی ۱ ساعت کلاس درس در برنامه آموزشی قرار داده شد.

بیمارستان شهید بهشتی دانشگاه علوم پزشکی کاشان مورد بررسی قرار دهد.

روش اجرا: مطالعه توصیفی روی تمام دانشجویان پزشکی بیمارستان عمومی و آموزشی شهید بهشتی کاشان انجام شد. ابتدا مقالات و متون مرتبط با موضوع جستجو و بر اساس آن، پرسشنامه محقق ساخته ای به منظور جمع آوری داده های پژوهش طراحی گردید و برای جمع آوری نقطه نظرات در اختیار نمونه های پژوهش قرار گرفت. از نمونه های پژوهش خواسته شد دیدگاه خود را درباره روش های آموزشی و همچنین محتوای مناسب در مورد تجویز و تفسیر صحیح تست های تشخیصی بیان کنند. در این قسمت شرکت کنندگان می بایست نظر خود را در مورد هر یک از گزینه های موجود از صفر تا ۱۰ نمره دهی می کردند. نمره صفر پایین ترین و نمره ۱۰ بالاترین امتیاز محسوب گردید. داده ها در قالب نرم افزار SPSS ۱۶٫۰ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: از مجموع افراد شرکت کننده در مطالعه، ۷۶ نفر (۶۹٪) اینترنت و ۳۴ نفر (۳۰٪) رزیدنت بودند. نتایج نشان داد در مورد محتوای آموزشی برای تجویز و تفسیر تست های تشخیصی، محتوای آموزشی معرفی کیس های بستری با آزمایشات غیرضروری و بررسی اندیکاسیون درخواست تست با میانگین ۷٫۵۳، بیشترین میانگین نمره را به خود اختصاص داده است. همچنین در مورد روش آموزش درخواست و تفسیر آزمایشات، روش های آموزش بر بالین بیمار با میانگین ۷٫۵۵، گزارش صبحگاهی با میانگین ۶٫۸۴ و کارگاه همراه با کار عملی با میانگین ۶٫۲۱ بیشترین میانگین نمره را به خود اختصاص داده است. بین امتیازی که توسط اینترن و رزیدنت به هر یک از انواع محتوای آموزشی و روش های آموزش اختصاص داده شده است، از لحاظ آماری تفاوت معنادار مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری: یکی از فرصت های آموزش، برگزاری گزارش صبحگاهی و راندهای بالینی است که اساس برنامه های آموزشی مبتنی بر کیس بیماری در پزشکی است. این برنامه ها تاثیر مثبتی بر روند تصمیم گیری مراقبت از بیمار دارد. از این رو اجرای مداخله آموزشی و ادغام کیس های بستری با آزمایشات غیرضروری و بررسی اندیکاسیون درخواست آنها در گزارش صبحگاهی و راندهای بالینی می تواند از نظر آموزشی برای دانشجویان پزشکی بسیار ارزشمند باشد و زمینه لازم به منظور سهولت در تصمیم گیری هزینه اثربخش در راستای بهبود ارائه مراقبت با ارزش و مبتنی بر هزینه کرد هوشمند را برای آنها فراهم نماید.

یافته ها: در مورد سوندگذاری آکادمیک ۳۸ درصد اطلاعات کافی داشتند و ۱۹ درصد هیچ گونه آگاهی نداشتند و ۴۳ درصد به طور نسبی آگاهی داشتند. در برخورد با بیماران دارای مشکلات ادراری در بخش های اوژانس و بستری ۸۶ درصد در تصمیم گیری در مورد سوندگذاری به مشکل برخورد کرده اند و فقط ۱۴ درصد بدون مشکل بوده اند. شرکت کنندگان در خصوص اینکه پس از سوندگذاری، بیمار نیاز به سوند نداشته است ۶۶٫۵ درصد جواب مثبت داده اند و ۳۳٫۵ درصد جواب منفی داده اند. در بین شرکت کنندگان ۸۱ درصد با عوارض سوندگذاری آگاهی کامل داشتند و ۱۹ درصد آگاهی نداشتند. در بین شرکت کنندگان ۴۷٫۵ درصد اطلاعات علمی کافی برای رفع عوارض ناشی از سوند را برخوردار بودند و ۵۲٫۵ درصد اطلاع کافی نداشتند. مدیریت عوارض برای ۱۹ درصد شرکت کنندگان به تنهایی امکان پذیر بوده، ۵۷ درصد توانایی مدیریت برای رفع عارضه را نداشته اند و ۲۴ درصد هم به سوال جواب نداده اند. کلیه شرکت کنندگان معتقدند ارایه برنامه سوندگذاری باید با و نبایدها برای دانشجویان و رزیدنت های بالینی مفید بوده و برنامه ارایه شده از نظر بالینی برایشان کمک کننده و به اطلاعات علمی آنها افزوده است. نود درصد شرکت کنندگان اظهار داشتند تکرار آموزش سوندگذاری آکادمیک برای رزیدنت ها و دانشجویان بالینی جدیدالورود الزامی است و تقاضای برگزاری مجدد این کلاس را نموده اند و فقط ۱۰ درصد تکرار ارایه برنامه را الزامی نمی دانستند.

روش و محتوای آموزشی مورد انتظار دانشجویان پزشکی در راستای هزینه کرد هوشمند خدمات تشخیصی

منصوره مومن هروی، مانده نجفی زاده - محمد امین معتقدی فرد، سید غلامعباس موسوی - اسماعیل فخاریان - دانشگاه ع. پ. کاشان، زهرا ناظمی بیدگلی - دانشگاه ع. پ. کاشان.

مقدمه: از آنجایی که پزشکان نقش بسزایی در ارائه خدمات مراقبت بهداشتی ایفا می کنند، سهم قابل توجهی از هزینه های مراقبت های بهداشتی را بر عهده دارند. هزینه های بالاتر درمان، نه تنها کیفیت درمان را بالا نمی برد حتی ممکن است موجب کاهش کیفیت مراقبت بیمار شود. به طوری که تقریباً ۳۰ درصد از هزینه های مراقبت بهداشتی، اثربخش به نظر نمی رسد. عدم آموزش مناسب پزشکان در زمینه تجویز صحیح تست های تشخیصی و استفاده موثر از نتایج در تصمیم گیری های درمانی آنها را با چالش های زیادی رو به رو ساخته است. آموزش می تواند تأثیر مثبتی بر دانش پزشکان در استفاده صحیح از تست های تشخیصی داشته باشد؛ چرا که آنها زنجیره ابتدایی در فرآیند آموزش پزشکی هستند. بطور یقین اولین گام در راستای طراحی مداخلات آموزشی، شناسایی نیازهای آموزشی دانشجویان پزشکی است. مطالعه حاضر قصد دارد روش و محتوای آموزشی مورد انتظار دانشجویان پزشکی در زمینه تجویز و تفسیر تست های تشخیصی را در

آموزش نقشه مفهومی با تلفن همراه و تأثیر اجرای آن بر خلاقیت دانشجویان پرستاری در کارورزی عرصه مراقبت

ویژه

طاهره طولابی - دانشگاه ع. پ. لرستان ، فرزند ابراهیم زاده - شیرین حسنونند - دانشگاه ع. پ. لرستان.

مقدمه: ترسیم نقشه مفهومی به شیوه کامپیوتری زیرمجموعه ای از آموزش الکترونیک و به عنوان استراتژی انتخابی برای ارائه اطلاعات در آموزش پرستاری مد نظر قرار گرفته است. این پژوهش با هدف تعیین تأثیر آموزش نقشه مفهومی با تلفن همراه بر خلاقیت دانشجویان پرستاری در کارورزی عرصه مراقبت ویژه انجام شده است.

روش اجرا: در این کارآزمایی کنترل شده تصادفی دو گروهی ، ۶۸ دانشجوی سال چهارم به روش کل شماری و مبتنی بر معیار انتخاب و به روش تصادفی بلوک بندی طبقه ای به گروه های آزمون و کنترل تخصیص یافتند. معیارهای ورود شامل عدم آشنایی قبلی با نقشه مفهومی، مهمانی یا انتقالی نبودن ، تمایل برای شرکت در مطالعه و داشتن گوشی تلفن همراه هوشمند بود. هرگروه کارآموزی (۸ گروه هشت تا نه نفره) به مدت ۶ روز متوالی کارورزی را در بخش CU انورولوژی مرکز آموزشی- درمانی شهدای عشایر شهر خرم آباد تحت آموزش مدرسی یکسان گذراندند. در کلیه گروهها روز نخست کارورزی پیش آزمون با کمک " آزمون سنجش خلاقیت عابدی" مشتمل بر ۴ خرده آزمون به عمل آمد. در هرگروه کارآموزی مورد مداخله پس از انجام پیش آزمون ، در قالب جلسه ای ۲ ساعته، آموزش در زمینه نقشه مفهومی و مراحل ترسیم آن به روش قلم - کاغذی توسط یکی از پژوهشگران داده شد. سپس درباره نحوه ی اجرای مراقبت براساس فرآیند پرستاری به شیوه نقشه مفهومی توضیحاتی ارائه و از آنان خواسته شد تا پایان کارآموزی با کمک مدرس فرآیند مراقبت از بیمار را به شیوه نقشه مفهومی سلسله مراتبی و قلم کاغذی ترسیم کنند. مدرس دارای تحصیلات کارشناسی ارشد در رشته پرستاری داخلی جراحی با سابقه کار آموزشی و بالینی در بخش مراقبت ویژه و آشنا به نقشه مفهومی، نحوه طراحی و آن ارائه مراقبت بر مبنای فرآیند پرستاری بود. برای هر بیمار بستری در بخش، دو دانشجو انتخاب شد تا در قالب گروههای دو نفره به مراقبت از بیمار طبق فرآیند پرستاری بپردازند. در پایان کارآموزی روز نخست، نرم افزار Mind Simple که دارای مزایایی از قبیل حجم کم، یادگیری آسان و نصب سریع است، برای دانشجویان ارسال و روی گوشی آنان نصب و توضیحاتی در مورد آن، اجزاء، کاربرد و نحوه ترسیم نقشه مفهومی با کمک نرم افزار ارائه شده و از آنان خواسته شد با کمک همتای خود قبل از شروع روز دوم در مورد نحوه کار با این نرم افزار کار کنند. در ادامه دانشجویان مراقبت از بیمار خود را براساس فرآیند پرستاری به شیوه نقشه مفهومی با کمک تلفن همراه تهیه نموده و به مدرس ارائه میدادند. روند ارائه

مراقبت اینگونه بود که دانشجویان ابتدا در مورد بیمار خود و براساس سیستمهای مختلف بدن به جمع آوری داده های عینی و ذهنی می پرداختند. در ادامه داده ها طبقه بندی و تشخیصهای پرستاری شامل فهرستی از تشخیصهای پرستاری ناندا همراه با تعریف، مشخصه های آن، برایندهای مورد انتظار و تدابیر پرستاری برای فراگیران ارائه می شد. متناسب با هر تشخیص پرستاری، مداخلات تدوین و اجرا و نتیجه مورد ارزیابی قرار می گرفت. سپس فراگیران طرح مراقبتی مورد نظر را با استفاده از اشکال قراردادی و خطوط راهنما به شیوه نقشه مفهومی از طریق تلفن همراه ترسیم می نمودند. دائماً و طی چند نوبت بازخورد در مورد نقشه ها توسط یکی از پژوهشگران داده می شد. مجدد روز آخر کارورزی، پس آزمون با کمک ابزار پژوهش انجام گرفت. در گروه های کنترل پس از انجام پیش آزمون، آموزش فراگیران به روش کتبی فرایند پرستاری و بدون استفاده از نقشه مفهومی ارائه شد. داده ها با کمک نرم افزار SPSS مدیریت و با کمک آزمون های آمار توصیفی، آزمون دقیق فیشر، تی زوجی و آزمون تحلیل کوواریانس) تحلیل شدند

یافته ها: بین دانشجویان گروه های آزمون و کنترل از نظر ویژگی های سوشیوموگرافیک اختلاف معنی داری وجود نداشت. میانگین نمره کل خلاقیت آزمودنی ها قبل از مطالعه در گروه آزمون ۱۴۲،۴۲ و در گروه کنترل ۱۳۸،۳۲ بود که تفاوت معنی داری بین دو گروه وجود نداشت. اما میانگین نمرات خلاقیت در دو گروه بعد از مداخله در مقایسه با قبل کاهش یافت که در ابعاد مختلف و خلاقیت کل برای گروه آزمون معنی دار نبود. درحالیکه کاهش نمرات خلاقیت در ابعاد سیالی ($p=0,001$)، بسط ($p=0,005$)، ابتکار ($p=0,032$)، انعطاف پذیری ($p=0,054$) و $p=0,003$ در گروه شاهد از نظر آماری معنی دار بود

بحث و نتیجه گیری: گرچه نگرش مثبت و دسترسی آسان فراگیران به تلفن همراه، استفاده از این شیوه را در آموزش دانشجویان پرستاری مفید جلوه می دهد، اما انجام مطالعات بیشتر باحجم نمونه بالاتر و با ابزارهای معتبر سنجش خلاقیت پیشنهاد می گردد .

یادگیری الکترونیکی

بررسی تأثیر آموزش مجازی هدفمند بر مهارت معاینه فیزیکی دستیاران تخصصی داخلی

زهره لطفی - آسیه هاتفی - کاملیا هاشم زاده - آریتا گنجی - زهره مذهب - مهناز امینی - مسعود محبی - دانشگاه ع. پ. مشهد .

مقدمه: متأسفانه در سالهای اخیر بواسطه استفاده از تکنولوژی پیشرفته در پزشکی، تمایل به استفاده از پاراکلینیک افزایش یافته است. از سوی دیگر، توجه پزشکان به مهارتهای معاینه فیزیکی کم شده است. ما بر آن شدیم تا در این مطالعه، مهارت معاینه فیزیکی دستیاران تخصصی داخلی به عنوان نمونه ای از جامعه پزشکی، بواسطه آموزش مجازی با توجه به امکانات موجود ارتقا دهیم.

روش اجرا: این مطالعه به روش نیمه تجربی بر روی ۱۱ نفر از دستیاران تخصصی سال یک داخلی در سال تحصیلی ۹۷ انجام شد. ابتدا دستیاران در آزمون ساختارمند بالینی (OSCE) براساس چک لیست استاندارد، مورد ارزیابی قرار گرفتند. سپس فیلم های آموزشی از ۷ فصل شایع مربوط به بیماریهای داخلی به مدت یک ماه در اختیار آزمون شوندگان قرار گرفت و مجدداً دستیاران در آزمون بعد، مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده ها به کمک نرم افزار SPSS ۲۲ با سطح معنی دار آماری کمتر از ۰،۰۵، تجزیه و تحلیل شدند. برای آنالیز تحلیلی، جهت بررسی متغیرهای کمی بین دو گروه از آزمون پیر تی تست استفاده شد.

یافته‌ها: مقایسه ی نمره ی فراگیران در تمام ایستگاه ها قبل و بعد از انجام مداخله نشان داد که میانگین مجموع نمره ی کل دستیاران در هفت ایستگاه پس از انجام مداخله با افزایش قابل توجهی همراه بوده است. که در تمامی ایستگاه ها $P < 0,001$ بود و تفاوت معنادار بود. به جز ایستگاه برونشیت مزمن که $P = 0,243$ بود.

بحث و نتیجه گیری: در این مطالعه نشان داده شد که استفاده از روش آموزش مجازی هدفمند می تواند شیوه ی مناسبی جهت تقویت سطح مهارت معاینه بالینی دستیاران باشد.

دانشجویان رشته های مجازی کدام شیوه آموزشی را

بیشتر ترجیح میدهند؟

آسیه برخوردار - دانشگاه ع. پ. شیراز، زهره کریمیان - دانشگاه ع. پ. شیراز، مانوش مهرایی.

مقدمه: در آموزش علوم پزشکی توجه به اثربخشی تدریس از اهمیت زیادی برخوردار است و ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال تحقیقات زیادی به اهمیت نقش مدرسین، محتوای علمی، شیوه های ارزشیابی، برنامه ریزی کلاس، تکنولوژی و ... پرداخته اند. اما یکی از رویکردهای اصلی در ارزیابی اثربخشی آموزش، توجه به

ترجیحات آموزشی یادگیرندگان است. عنصری که شاید در تحلیل ابعاد آموزش کمتر مورد توجه قرار می گیرد. اگرچه تحقیقات معدودی به بررسی این موضوع در آموزش های حضوری پرداخته اند اما در مورد دانشجویان رشته های مجازی کمتر به این بُعد پرداخته شده است. این در حالی است که دانشجویان رشته های مجازی و یا در شرایط مشابه نظیر پاندمی اخیر کرونا، به صورت حضوری به اساتید دسترسی ندارند و آموزش مجازی به شیوه های متنوعی نظیر کلاسهای مجازی، محتوای الکترونیکی، استفاده از پلتفرم های الکترونیکی نظیر LMS و ابزارهای تعاملی متنی و صوتی یا تکالیف و خودآزمون ها مدیریت می شود. در تحقیق حاضر به این سوال پرداخته شده است که دانشجویان رشته های مجازی کدام شیوه آموزش مجازی را بیشتر ترجیح میدهند؟

روش اجرا: تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۹ به شیوه توصیفی پیمایشی بر روی جامعه آماری دانشجویان چهار رشته مجازی دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام شد. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق ساخته مبتنی بر مبانی نظری و مصاحبه با متخصصین، در ۵ حیطه آموزش آنلاین همزمان، آموزش آنلاین غیرهمزمان، محتوای الکترونیکی آفلاین، روشهای مبتنی بر پروژه دانشجو محور، و روش های حضوری با ۲۰ سوال در مقیاس لیکرت ۵ گزینه ای مورد بررسی قرار گرفت. روایی صوری از دیدگاه ۵ دانشجوی رشته مجازی و ۵ استاد رشته یادگیری الکترونیکی بررسی شد. روایی محتوایی با شاخص CVI و CVR و پایایی آن با آلفای ۰،۸۸، تایید شد. مجموعاً ۱۵۵ دانشجوی شاغل به تحصیل در رشته های مجازی به سوالات پاسخ دادند. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS۲۲ و آزمون های تی تک نمونه ای، آزمون فریدمن، آزمون تی مستقل و آنوا تحلیل شد.

یافته ها: از ۱۵۵ دانشجوی شرکت کننده در تحقیق (۲۹٪) ۴۵ نفر مرد و ۱۱۰ (۷۱٪) نفر زن بودند. ۶۱ (۳۹،۴٪) نفر در رشته آموزش پزشکی، ۲۷ (۱۷،۴٪) یادگیری الکترونیکی، ۲۴ (۱۵،۵٪) آموزش سلامت جامعه نگر، و ۴۳ (۲۷،۷٪) رشته MPH سیاستگذاری سلامت تحصیل می کردند و میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۳،۸۲±۸،۲ بود. رشته مقطع قبلی دانشجویان پزشکی و پیراپزشکی بود و ۱۳۶ (۸۷،۷٪) آنها شاغل بودند. بر اساس یافته های تحقیق همه روش های آموزشی نمره بیش از حد میانگین را داشتند و از مطلوبیت نسبی برخوردار بودند (میانگین بیش از خط برش). بیشترین میانگین ترجیحات آموزشی دانشجویان رشته های مجازی به ترتیب ضرورت «ارائه محتوای الکترونیکی» (۴،۸۷±۰،۷۲)، آموزش مبتنی بر پروژه های دانشجویی (۴،۸۰±۰،۹۱)، ماژول های کوتاه حضوری (۴،۶۷±۱،۱۴)، آموزش های آنلاین غیرهمزمان (۴،۴۶±۰،۸۷) و آموزش های همزمان (۴،۲۶±۰،۸۹) بود. در بین گویه های پرسشنامه دانشجویان ضرورت در اختیار داشتن محتوای الکترونیکی چندرسانه ای قبل از شروع ترم (۵،۳۸±۰،۷۹)، فایل ضبط شده کلاس های همزمان (۵،۲۶±۰،۹۰) و جزوه متنی (۵،۱۵±۱،۰۱) را ضروری بیان داشتند. همچنین آموزش مبتنی بر حل مساله (۴،۹۵±۰،۹۹) و پروژه های عملی (۴،۸۱±۱،۲۷) تاکید داشتند.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد دانشجویان رویکرد ترکیبی و استفاده از شیوه های متنوع آموزشی را در آموزش مجازی مطلوب می دانند. اما با توجه به آنکه دانشجویان رشته های مجازی دسترسی کمتری به تعاملات حضوری و ارتباط چهره به چهره با اساتید دارند، وجود محتوای الکترونیکی به عنوان پشتیبان آموزشی دانشجو می تواند موثر باشد. به ویژه آنکه رشته های بین رشته ای نظیر رشته های مجازی این تحقیق برای دانشجویان علوم پزشکی، حوزه ای جدید محسوب می شود و استمرار رشته قبلی آنها نیست و از این رو تقویت دانش محتوایی دانشجویان در حوزه رشته ای جدید می تواند در توسعه مفهومی آن تاثیر گذار باشد. همچنین با توجه به مقطع تحصیلی دانشجویان در سطح تحصیلات تکمیلی، و شاغل بودن آنها بیشتر روشهای عملی و حل مساله و درگیر شدن با مسائل واقعی را ترجیح می دهند. به نظر می رسد عنصر انعطاف پذیری و تعامل دو ترجیح اصلی دانشجویان رشته های مجازی است زیرا اغلب دانشجویان رشته های مجازی را زنان، افراد شاغل یا متاهل تشکیل میدهند و روشهایی نظیر ارائه محتوای الکترونیکی می تواند تناسب بیشتری با شرایط زندگی شخصی و حرفه ای آنها داشته باشد. همچنین برگزاری دوره های کوتاه پودمانی فشرده حضوری می تواند در برقراری ارتباطات بین استاد و دانشجو موثر باشد.

چالش های آموزش مجازی در پاندمی COVID-19 از دیدگاه اعضای هیات علمی و ارتباط آن با نگرش به تغییر

زهره کریمیان - دانشگاه ع. پ. شیراز، لاله خجسته - دانشگاه ع. پ. شیراز، رضا کافی پور - دانشگاه ع. پ. شیراز، مجیدرضا فرخی.

مقدمه: استفاده از فناوریهای نوین در آموزش علوم پزشکی در دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود تا قبل از پاندمی کرونا آموزش مجازی بیشتر یک انتخاب و گزینه ای کمکی و تسهیل کننده در کنار آموزش های حضوری تلقی می شد. شیوع پاندمی کرونا در اواخر سال ۲۰۱۹ با محدودیت های فاصله اجتماعی و ضرورت عدم مواجهه و ارتباط مستقیم بین افراد، همه ابعاد زندگی از جمله آموزش علوم پزشکی را تحت تاثیر قرار داد تا جاییکه در سراسر دنیا، آموزش به شیوه مجازی و از طریق سیستم های برخط جایگزین آموزش های حضوری شد. در این بین یکی از گروههایی که بیشترین میزان مواجهه با تغییر ناشی از یان پاندمی را تجربه کردند اعضای هیات علمی بودند. اعضای هیات علمی در شیوه جدید تجربه های جدیدی را در حیطه آموزش های همزمان، کار با سیستم های غیر همزمان، تولید محتوا و کار با سامانه های متعدد را آموختند. از سوی دیگر تحقیقات نشان داده است میزان آمادگی قبلی افراد برای تغییر ارتباط مستقیمی با شیوه مدیریت آن در سازمانها دارد. در تحقیق حاضر ضمن بررسی ابعاد آموزش مجازی از دیدگاه اعضای هیات علمی، ارتباط دیدگاه اعضای هیات علمی با نگرش آنها به تغییر مورد بررسی قرار گرفته است.

روش اجرا: رویکرد تحقیق، توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش همه اعضای هیات علمی شاغل به تدریس در دانشگاه علوم پزشکی شیراز در ترم همزمان با شیوع پاندمی کرونا تشکیل می دهد. ابزار تحقیق شامل دو پرسشنامه می باشد. اول؛ پرسشنامه استاندارد نگرش به تغییر سازمانی (آمادگی تغییر) دونهام و همکاران (۱۹۸۹) شامل ۱۸ سوال و دوم؛ پرسشنامه محقق ساخته ابعاد آموزش مجازی مشتمل بر ۸ حیطه و ۳۶ سوال در مقیاس ۷ گزینه ای لیکرت با مقیاس بسیار موافقم تا بسیار مخالفم بود که روایی صوری و محتوایی آن از دیدگاه ۱۰ متخصص آموزش پزشکی، یادگیری الکترونیکی و رشته پزشکی و پیراپزشکی با شاخص CVI و CVR تایید گردید. به علت عدم دسترسی حضوری به اساتید در بازه تحقیق، پرسشنامه به شیوه الکترونیکی طراحی و لینک آن در شبکه اجتماعی اعضای هیات علمی قرار گرفت و در مجموع ۱۳۰ نفر به سوالات به طور کامل پاسخ دادند. خط برش یا حداقل میانگین مورد انتظار ۶۰٪ معادل با ۴ از ۷ در نظر گرفته شد. داده ها با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای، تی گروه های مستقل، آنوا و مانوا تحلیل شد.

یافته ها: از نظر ویژگی های جمعیتی (۲۸،۵٪/۳۷ نفر مرد و ۷۱،۵٪/۹۳ نفر زن بودند. میانگین سنی حدود ۴۳ سال و میانگین سابقه حدود ۱۲ سال بود (۵۸،۵٪). نفر مهارتهای کامپیوتری خود را در حد متوسط و نسبی و (۴۱،۵٪/۵۴ نفر در حد خوب و بالاتر ارزیابی کردند. نتایج نشان داد نمره حیطه امکانات ($p < 0,001$)، دانش و مهارت (توانایی های کامپیوتری) ($p < 0,001$)، نگرش ($p = 0,026$)، خود مدیریتی ($p < 0,001$)، و پشتیبانی ($p < 0,001$)، بیش از خط برش بوده است. اما نمره مشکلات شخصی ($p < 0,001$)، در حد معنی داری کم بوده است. ($P = 0,01$) نمره کل مولفه های آموزش مجازی در حد معناداری مناسب و بیشتر از خط برش بود. ($p < 0,01$) میانگین نمره همه مولفه های آموزش مجازی از دیدگاه افرادی که مهارتهای کامپیوتری بهتری داشتند بیشتر از افراد با مهارت پایین تر بود ($p < 0,001$). با افزایش سن و سابقه کاری امکانات و تجهیزات افراد وضعیت بهتری داشت اما دانش و مهارت کامپیوتری و کار با سامانه های الکترونیکی در گروه کم سابقه تر بیشتر بود. ($p < 0,001$) نمره میانگین مشکلات شخصی در اساتید جوان تر بیش از اساتید با سابقه بالا بود. در بررسی نگرش به تغییر، نتایج نشان داد در هر سه حیطه عاطفی، شناختی و رفتاری تغییر، میانگین از حد انتظار بالاتر بود ($p = 0,001$) و بیشترین میانگین مربوط به حیطه شناختی ($M = 5,00 + 0,63$) و کمترین آن مربوط به حیطه رفتاری بود ($M = 4,14 + 0,43$) بین مولفه های آموزش مجازی، آمادگی افراد و نیز پشتیبانی فنی و آموزشی در دانشکده و دانشگاه از نمره نگرش به تغییر تاثیر می پذیرد و در افرادی که نمره نگرش خوبی به تغییر داشتند نمره آمادگی ($P = 0,025$) و نیز نمره پشتیبانی سازمانی ($P = 0,005$) بیشتر بود.

بحث و نتیجه گیری: به نظر می رسد اساتید با مهارتهای کامپیوتری بالاتر و توانمندی های قبلی میانگین رضایت بیشتری از مولفه های

آموزش مجازی داشتند. همچنین میانگین نمره امکانات فردی در اساتید باسابقه تر می تواند ناشی از مسائل اقتصادی، امنیت شغلی و ثبات بیشتر زندگی شخصی اساتید باسابقه تر در مقایسه با اساتید تازه استخدام تر باشد. از سوی دیگر به نظر می رسد نگرش افراد و آمادگی آنها برای تغییر و سازگاری با شرایط تاثیر مستقیمی با تاب آوری و دیدگاه آنها در مورد چالش های آموزش مجازی در پاندمی کرونا یا وضعیت های بحرانی دارد. از این رو تقویت برنامه های توانمندسازی.

تحلیلی بر دیدگاه دانشجویان در مورد ترجیح شیوه های ارزشیابی الکترونیکی مطالعه دانشگاه علوم پزشکی شیراز

نواب مومنی - دانشگاه ع. پ. شیراز، حمید محمدی - دانشگاه ع. پ. شیراز، زهرا کریمیان - دانشگاه ع. پ. شیراز.

مقدمه: شیوه پاندمی کرونا تاثیرات بسیاری را بر ابعاد آموزش علوم پزشکی به همراه داشت، تعطیلی کلاسهای درس حضوری و جایگزین شدن آن با آموزش های مجازی، تغییر در روش های آموزش بالینی، استفاده از شیوه های همزمان و زیرساخت های غیرهمزمان نظیر LMS از جمله این تغییرات است. اما شاید یکی از چالش برانگیز ترین ابعاد آموزش مجازی در دوران پاندمی کرونا، ارزشیابی دانشجویان به شیوه الکترونیکی و در شرایط عدم حضور و نظارت بر عملکرد دانشجو است. در این تحقیق نظرات دانشجویان در مورد اولویت انتخاب آنها در انواع آزمونها و شیوه های ارزشیابی غیر حضوری بررسی شده است.

روش اجرا: تحقیق حاضر به شیوه توصیفی پیمایشی و در سال ۱۳۹۹ انجام شد. جامعه آماری دانشجویان را کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی و دکتری حرفه ای دانشگاه علوم پزشکی شیراز که در ترم مصادف با پاندمی کرونا مشغول به تحصیل بودند تشکیل میدهد. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه مشتمل بر ۱۰ سوال در مقیاس ۵ گزینه ای لیکرت بود (بیشترین توافق=۵ و کمترین توافق=۱) روایی محتوایی ابزار با نظرات ۱۰ نفر از اساتید مجرب و آشنا به شیوه های ارزشیابی الکترونیکی با شاخص CVI و CVR بررسی شد و پایایی ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۶۸ تایید شد. با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه حدود ۳۰۰ نمونه برآورد شد و مجموعاً ۲۹۸ دانشجو از طریق توزیع پرسشنامه الکترونیکی به سوالات به صورت کامل پاسخ دادند. نتایج با استفاده از آزمون تی تک نمونه ای، فرید من، تی گروه های مستقل و ANOVA با استفاده از نرم افزار SPSS بررسی شد.

یافته ها: از مجموع ۲۹۸ شرکت کننده، ۱۵۳ (۵۱،۳٪) نفر مرد و ۱۴۵ (۴۷،۸٪) نفر زن و میانگین سنی آنها حدود ۲۲،۷ بود. ۲۰۱ (۶۷،۴٪) نفر کارشناسی و ۹۷ (۳۲،۶٪) در مقطع دکتری حرفه ای تحصیل می کردند. بر اساس نتایج تحقیق میانگین ترجیحات دانشجویان

در شیوه های ارزشیابی الکترونیکی در سطح معناداری به ترتیب شامل: «آزمون های آنلاین همزمان غیر حضوری» با میانگین (۳،۸۹±۱،۲۶)، «آزمون های Open Book با فرصت کافی پاسخدهی» با میانگین (۳،۸۰±۱،۲۰)، و آزمون آنلاین غیرهمزمان در بازه زمانی چندروزه متناسب با شرایط دانشجو» با میانگین (۱،۳۳±۰،۸۰) بود. کمترین میانگین ترجیحات دانشجویان نیز «سوالات تحلیلی و تشریحی، حل مساله و تمرین با سوالات متفاوت برای هر دانشجو» (۱،۴۱±۰،۲۹)، آزمون شفاهی همزمان در کلاس مجازی به شیوه تصویری یا صوتی (۲،۴۷±۱،۴۶)، و فعالیت های پروژه ای به صورت فردی (۲،۵۰±۱،۴۱) بود. در بررسی نظرات دانشجویان به تفکیک متغیرهای زمینه ای، دیدگاه دانشجویان در مورد شیوه های ارزشیابی از عامل جنسیت (P<۰،۰۵)، سن (P<۰،۰۵)، و مقطع تحصیلی (P<۰،۰۰۱) تاثیر می پذیرد. همچنین در پاسخ به این سوال که «چقدر احتمال می دهید دانشجویان به سوالات آزمون الکترونیکی به طور مستقل و بدون کمک گرفتن از سایر دانشجویان یا استفاده از کتاب در زمان آزمون» پاسخ دهند؟ میانگین درصد نظرات حدود ۴۵٪ اطمینان بود.

بحث و نتیجه گیری: در همه موارد دانشجویان سوالات یکسان با شرایط برابر را به دیگر روشها ترجیح می دادند. و دانشجویان رغبت زیادی به آزمون های تحلیلی اختصاصی با سوالات متفاوت برای هر دانشجو نداشتند. از سوی دیگر بنا به اذعان دانشجویان اطمینان برگزاری آزمون های چند گزینه ای غیرحضوری کمتر از ۵۰٪ است. از این رو به نظر می رسد توجه به سوالات تحلیلی و در سطوح ارزیابی و تفسیر که سوالات یکسان اما تحلیل ها متفاوت باشد و نیز برقراری شرایط یکسان در پاسخ دهی به سوالات می تواند اثربخشی بیشتری در مقایسه با آزمون های چندگزینه ای داشته باشد. همچنین آزمون های Open Book در طول ترم به عنوان آزمون تکوینی می تواند موثر باشد. همچنین توجه بیشتر به شیوه ارزیابی تکوینی و مستمر در طول ترم برای پایش یادگیری دانشجو اهمیت زیادی دارد.

رابطه اعتیاد به اینترنت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دندانپزشکی و پزشکی

نوشین کهن - علی میرزاخانی - پروین رضایی گرگی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس.

مقدمه: امروزه اعتیاد به اینترنت (Internet addiction) عنوان یک اختلال روان شناختی در علم روان شناسی و پزشکی مطرح شده است. به طوری که متخصصان بالینی مواردی از این اختلال را در کلینیک های خود گزارش می کنند و این اختلال، به عنوان شکل جدیدی از اعتیاد در سال های اخیر توجه پژوهشگران را در حوزه ی روان شناسی، روان پزشکی، جامعه شناسی و حوزه های علمی دیگر به خود جلب کرده است. این پدیده می تواند بر ابعاد مختلف زندگی بشر تاثیرگذار باشد. اما

وضعیت درگیری تحصیلی در دانشجویان علوم پزشکی در بستر آموزش الکترونیک

آمنه رهنما - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، مهشید عباس زاده - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، علی سلیمی اصل - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، سیده مائده حسینی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، پروین رضایی گزگی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس.

مقدمه: بررسی مفاهیم مرتبط با یادگیری به ویژه پیشرفت تحصیلی، دغدغه اصلی محققین حوزه آموزش و از جمله آموزش پزشکی است. بر اساس مطالعات انجام شده، یکی از اصلی ترین مفاهیم مرتبط با یادگیری، مفهوم درگیری تحصیلی است. درگیری تحصیلی سازه ای چندبعدی است که می توان آن را به عنوان یک حالت ذهنی مثبت تعریف کرد که بوسیله انرژی، و تعهد و دلبستگی به تکلیف معرفی می شود. تبیین تمایزات مشاهده شده در حوزه های پژوهشی مختلف از جمله پیشرفت تحصیلی، مقوله کلی یادگیری، فرسودگی تحصیلی و بهزیستی، مطالعه روشمند این مفهوم را تصریح می کند. اطمینان از درگیری تحصیلی دانشجویان یکی از مهم ترین ابعاد کنترل کیفیت آموزشی باشد که در تدریس سنتی مورد بررسی قرار گرفته اما در بستر یادگیری الکترونیک به آن پرداخته نشده است. اما تغییراتی که به واسطه همه گیری COVID-19 در سبک زندگی و آموزش ایجاد شد، به طور چشمگیری نحوه ارائه آموزش در سراسر جهان را تغییر داده است. افزایش آموزش الکترونیک حاصل از آن، به طور گسترده ای بر دانشگاه ها و سایر سازمان های آموزش عالی در سراسر جهان تأثیر گذاشته است و بدیهی است که برای بهبود کیفیت، سازه های مرتبط با تدریس غیرالکترونیک باید امکان ورود و بررسی دقیق تر در بستر مجازی را پیدا کنند و یکی از اصلی ترین این مفاهیم، درگیری تحصیلی است. بنا به اهمیت و خلا پژوهشی موجود، این تحقیق با هدف بررسی میزان درگیری تحصیلی و مولفه های وابسته به آن، در ترمی که تدریس به صورت الکترونیک ارائه شده، در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان انجام شد.

روش اجرا: مطالعه ی حاضر، یک پژوهش توصیفی-تحلیلی از نوع مقطعی است که بر روی ۳۰۲ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس به انجام رسید. نمونه مورد مطالعه به صورت در دسترس و گلوله برفی انتخاب شدند. جمع اوری داده ها در پلت فرم آنلاین صورت گرفت. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه مشغولیت تحصیلی SEI (سالملا - آرو و آپادایا، ۲۰۱۲) بود. این پرسشنامه شامل ۷ سوال است که سه بعد: انرژی، احساس تعهد و شیفتگی در تحصیل را با مقیاس لیکرت هفت درجه ای، از هرگز (۰) تا همیشه (۶) می سنجد. این ابزار در ایران هنجاریابی شده است و مقدار ضریب همسانی درونی عامل کلی و زیرمقیاس های آن بالای ۰.۸ گزارش شده است. در تحلیل داده ها از شاخص توصیف مرکزی میانگین، ضرایب همبستگی، از مون

یا این موضوع با پیشرفت تحصیلی دانشجویان ارتباط دارد؟ مطالعات انجام شده نتایج متفاوتی را از رابطه بین اعتیاد به اینترنت و پیشرفت تحصیلی فراگیران گزارش کرده اند. هدف این مطالعه، تعیین رابطه اعتیاد به اینترنت با پیشرفت تحصیلی در بین دانشجویان علوم پزشکی هرمزگان بود.

روش اجرا: این تحقیق به روش همبستگی انجام شد. جامعه پژوهش شامل دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بندرعباس در سال تحصیلی ۹۸-۹۸ بود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۳۱۲ نفر انتخاب شد که از بین دانشجویان علوم پزشکی به صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری برای اعتیاد به اینترنت، پرسشنامه اعتیاد به اینترنت یانگ (۱۹۹۸) بود. همچنین معدل دانشجویان به عنوان معیار پیشرفت تحصیلی آنها در نظر گرفته شد. آزمون سنجش اعتیاد به اینترنت یانگ توسط یانگ در سال ۱۹۹۸ توسعه و تکامل یافت (۲۰). سوال و لیکرت پنج درجه ای از بندرت، گاهی اوقات، اغلب، بیشتر اوقات و همیشه). که درجه اعتیاد خفیف و شدید به اینترنت را اندازه گیری می کند. پایین ترین نمره دریافتی ۲۰ و بالاترین امتیاز ۱۰۰ است. یانگ و همکاران روایی این مطالعه را مطلوب و ضریب پایایی آلفای کرونباخ را ۹۰٪ گزارش کردند. در ایران نیز پژوهش علوی و همکاران (۱۳۸۷)، روایی محتوایی و همگرا قابل قبول را گزارش کرد همچنین ضرایب باآزمایی ($r=0.82$)، همسانی درونی ($\alpha=0.88$)، و تنصیف ($r=0.72$)، محاسبه شد که با توجه به نتایج قابل قبول بود. پرسشنامه به صورت حضوری (کاغذی) و آنلاین (غیر حضوری) جمع آوری شد. ۱۰۰ نمونه به صورت حضوری جمع آوری شد (۳۴ نفر دانشجوی دندانپزشکی و ۶۶ نفر دانشجوی پزشکی)، ۲۱۲ پرسشنامه هم به صورت آنلاین جمع آوری شد (۱۴۳ دانشجوی پزشکی و ۶۹ دانشجوی دندانپزشکی). برای تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و از شاخص های آمار توصیفی مانند میانگین و نیز از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته ها: نتایج مطالعه نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان رشته پزشکی و دندانپزشکی بندرعباس رابطه بسیار ضعیف منفی ای وجود دارد که از نظر مقدار قابل اغماض بوده و معنادار هم نیست. در بین دانشجویان پزشکی، ($r=0.037$) و ($r=0.05$)، ($P < 0.05$) و در بین دانشجویان دندانپزشکی، ($r=0.012$) و ($P < 0.05$)

بحث و نتیجه گیری: اعتیاد به اینترنت بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان اثر گذار نیست. در تبیین این نتیجه می توان به نقش غیر قابل انکار اینترنت در پیشرفت تحصیلی فراگیران به ویژه در آموزش مجازی اشاره کرد که می تواند نقش منفی اعتیاد به اینترنت را تا حدودی پوشش دهد. این مطالعه انجام مطالعات دقیق تر بعدی را در یک حجم نمونه بالاتر و نمونه تصادفی پیشنهاد می دهد.

T و از مومن ANOVA یکطرفه استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۲ آنالیز و سطح معنی داری برابر ۰,۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: از میان ۳۰۱ پرسشنامه قابل تحلیل، ۲۲۱ (۷۳,۴٪) نفر، خانم و ۸۰ (۲۰,۶٪) شرکت کننده آقا بودند. بازه سنی شرکت کنندگان از ۱۸ سال تا ۵۵ سال بود و (۵۸,۱٪) ۱۷۵ نفر در مقطع کارشناسی، ۴ (۱,۳٪) نفر در مقطع کارشناسی ارشد و (۴۰,۵٪) ۱۲۲ نفر در مقطع دکتری حرفه ای مشغول به تحصیل بودند. میانگین نمره کل درگیری تحصیلی کسب شده ۱۸,۲ (۹,۵۶±) بود (حداقل نمره کسب شده: ۰ و حداکثر: ۵۰). نمره مولفه های انرژی ۵,۷۴ (۳,۵۷±)، دلبستگی ۵,۳۳ (۳,۴۴±)، تعهد ۷,۱۳ (۳,۶۷±) بوده است. در بررسی سطح درگیری تحصیلی به تفکیک جنسیت، نمرات دانشجویان دختر برای سازه درگیری تحصیلی (۹,۵۸±۱۷,۹۴) و برای مولفه های انرژی (۵,۹۴±۳,۵۹)، دلبستگی (۳,۲۴±۵,۴۷)، تعهد (۳,۷۸±۶,۵۳) گزارش شد. همچنین نمرات دانشجویان پسر برای مقیاس پرسشنامه درگیری تحصیلی (۹,۷۲±۱۷,۷۱) و برای مولفه های انرژی (۳,۶۲±۵,۸۶)، دلبستگی (۳,۲۷±۵,۴۰)، تعهد (۳,۸۲±۶,۴۵) بدست آمد که به لحاظ آماری تفاوت معنی داری بین نمران دختران و پسران مشاهده نشد. در بین مقاطع تحصیلی بالاترین نمره درگیری تحصیلی مربوط به مقطع دکتری حرفه ای (۹,۲۱±۱۸,۹۵) و کمترین آن مربوط به مقطع کارشناسی (۹,۸۲±۱۷,۶۷) بود. اما این نمرات و همچنین نمرات مولفه های درگیری تحصیلی، تفاوت معنی داری را نشان ندادند. بر اساس رشته تحصیلی نیز اگر چه بالاترین نمره درگیری مربوط به رشته پزشکی (۲۰,۵۸±۸,۹) و کمترین آن مربوط به رشته داروسازی (۷,۴۷±۱۵,۵۲) بود اما این تفاوت معنی دار نبود.

بحث و نتیجه گیری: مطالعات انجام شده داخلی و خارجی، سطح درگیری تحصیلی را در بین دانشجویان گروه علوم پزشکی، متوسط و بالاتر نشان داده است اما بر اساس نتیجه مطالعه حاضر، فارغ از زیرگروههای مورد بررسی، میانگین این متغیر در مجموع، در زیر متوسط قرار دارد. در تبیین این نتیجه، باید توجه داشت که مطالعاتی که به انجام رسیده است میزان درگیری تحصیلی را در تدریس حضوری بررسی کرده اند و این تفاوت می تواند ناشی از الکترونیک بودن مدل یادگیری در مطالعه حاضر باشد در واقع این نتیجه قبل از آنکه با توجه به بافت دانشگاهی مورد بررسی، قابلیت تبیین داشته باشد، از نظر ارتباط با مدل تدریس ترم، قابلیت توجه دارد. این پژوهش می تواند آغاز کننده بررسی های دقیق تر درگیری تحصیلی در بستر یادگیری الکترونیک باشد و تدارک تحقیقات جدید و جامع تر در این حوزه پیشنهاد می شود.

تبیین چالش ها و تجارب اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز از آموزش مجازی در دوران بحران COVID-۱۹

لیلا ساداتی - دانشگاه ع. پ. البرز، زهرا نوری خانقاه - دانشگاه ع. پ. ایران، رعنا آب جار - دانشگاه ع. پ. البرز، روح انگیز نوروزی نیا - دانشگاه ع. پ. البرز.

مقدمه: توسعه آموزش مجازی در سالیان اخیر تاثیر شگرفی در رشد و اعتدالی سطح آموزش و گستره عدالت آموزشی در نقاط مختلف جهان داشته است. ولیکن همانند سایر تکنولوژی ها، ورود این تکنولوژی نوین نیز نیاز به بستر سازی، آموزش و ایجاد محیطی قابل پذیرش برای ارائه و استفاده از امکانات و قابلیت های بی شمار آن دارد. بی شک فهم معایب و ضعفها در بکارگیری هر یک از این فن آوری ها متناسب با بافتار مورد استفاده می تواند، به اصلاح، رشد و بالندگی مجموعه کمک کند. بکارگیری این فناوری ها در شرایط بحرانی اخیر و بدون آماده سازی و شناسایی وضعیت موجود، سیستم های مختلف آموزشی را با چالش هایی مواجه می نماید که گاهی منجر به ابتکارات و خلاقیت هایی در جهت رفع موانع گردد. مطالعه این تجارب و شناسایی تجارب همکاران در این دوران، می تواند به اصلاح و آمادگی بیشتر در مسیر رشد و اعتدالی آموزش مجازی بیانجامد. لذا مطالعه حاضر با هدف تبیین چالش ها و تجارب دانشجویان اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز از آموزش مجازی در دوران بحران COVID-۱۹ انجام شد.

روش اجرا: پژوهش حاضر به شیوه کیفی به روش تحلیل محتوا در سال ۹۸-۹۹ انجام شد. جهت جمع آوری داده ها از نمونه گیری هدفمند استفاده شد و نمونه گیری تا زمانی ادامه یافت که دیگر هیچ طبقه یا موضوع جدیدی در ارتباط با مفهوم مورد نظر پدیدار نشد. داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختارمند در طی ۱۱ مصاحبه عمیق فردی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز جمع آوری شد. سپس متن هر مصاحبه پس از تکمیل توسط محقق چندین بار بازخوانی شد و در صورت وجود مورد مبهم و یا نیاز به طرح سوالات و واکاوی از طریق یکی از شبکه های پیام رسان با پرسش و پاسخ از مصاحبه شونده، موارد روشن و تکمیل شد و در نهایت متن مصاحبه ها به روش تحلیل محتوا مورد تحلیل قرار گرفت و به منظور تسهیل تحلیل داده های این مطالعه از نرم افزار MaxQDA۲ استفاده شد. جهت تایید صحت داده ها، در مرحله کدگذاری اولیه، از روش member check استفاده شد. بدین ترتیب که کدها و تفاسیر حاصل از تحلیل برخی مصاحبه ها با شرکت کنندگان چک شد. به علاوه از مرور ناظرین هم جهت تایید صحت کدگذاری استفاده شد.

یافته ها: در مطالعه کیفی حاضر، ۱۱ نفر از اساتید دانشگاه علوم پزشکی البرز شرکت نمودند که ۴ نفر از آنها مرد و ۷ نفر زن بودند. میانگین سنی آنها ۴۵,۲۱ و میانگین سابقه ی کاری آنها در نقش مدرس ۶,۷ سال بود. نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی به روش قراردادی، در ارتباط با بررسی چالش های اساتید در آموزش مجازی در دوران

کرونا در دو طبقه ی اصلی ۱- موانع فردی در کارآمدی آموزش مجازی با زیر طبقات: ویژگی شخصیتی، عوامل خانوادگی ۲- طبقه ی مدیریت سازمانی با زیر طبقات: تامین زیر ساخت، مدیریت و رهبری، آموزش و نظارت، اخلاق و قانون و ارزشیابی دسته بندی شد که برخی از کدهای اولیه ی استخراج شده از این زیر طبقات شامل: ۱- ویژگی شخصیتی: مقاومت در مقابل تغییر، نگرانی ناشی از بحران بیماری، نامانوسی با تکنولوژی و باور ناپذیری به اثربخشی آموزش مجازی. ۲- عوامل خانوادگی: حضور در محیطی شلوغ، تغییر در توقعات خانواده، تحمیل فشارروانی خانواده. ۳- تامین زیر ساخت: پهنای باند و سرعت اینترنت، اینترنت رایگان و نیاز به امکانات تولید محتوا. ۴- مدیریت و رهبری: مدیریت بحران، تدوین دستورالعمل های شفاف، ارزشیابی بر اساس عملکرد اساتید و آماده سازی بستر آموزشی. ۵- آموزش و نظارت: آماده سازی اعضای هیات علمی، کمک در تولید محتوا، نظارت بر فرایند تدریس و پایش ارزشیابی. ۶- اخلاق و قانون: مالکیت فکری و معنوی، قانون کپی برداری و حریم فردی. ۷- ارزشیابی: حجم بالای تکالیف، ارزشیابی غیر واقعی و ارزشیابی تکوینی می باشد

بحث و نتیجه گیری: بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه، بحران کوید ۱۹ و الزام آموزش به شیوه مجازی، اساتید دانشگاه را با چالش های جدی در محیط خانواده و موسسات آموزشی مواجه ساخته است که با توجه به تداوم این بحران در آموزش عالی، ضروری است در هر دانشگاه به طور ویژه و متناسب با بافتار آن محیط، این موارد استخراج و راهکارهای موثری در جهت تعدیل و حل آنها ارائه شود تا ضمن حفظ سلامت اساتید و دانشجویان از اثربخشی آموزش های ارائه شده نیز اطمینان حاصل گردد.

استراتژی های یادگیری از راه دور در آموزش دانشجویان پزشکی در دوران پاندمی : COVID-۱۹ یک مطالعه مرور سیستماتیک

سلیمان احمدی، معصومه کلانتریون - دانشگاه ع. پ. شهید بهشتی، نسرين خواجه علی - دانشگاه ع. پ. فسا، میترا امینی - مرکز تحقیقات آموزش بالینی، دانشگاه ع. پ. شیراز، مرضیه کتیبه.

مقدمه: شیوع پاندمی COVID-۱۹ در سراسر جهان، دانشگاه های علوم پزشکی را مجبور به تعطیلی دوره های حضوری آموزشی جهت کاهش شیوع این پاندمی کرده است. بسیاری از دانشگاه ها به جای لغو برنامه آموزشی خود، اساتید را نسبت به ارائه مطالب آموزشی از طریق آموزش از راه دور ترغیب نمودند. این مطالعه با هدف کشف و درک انواع استراتژی های یادگیری از راه دور در آموزش دانشجویان پزشکی در دوران پاندمی COVID-۱۹ انجام شده است.

روش اجرا: این مطالعه مرور سیستماتیک بر اساس بانک های اطلاعاتی Web of Sciences، PubMed، ERIC و Scopus در بازه زمانی دسامبر ۲۰۱۹ تا ژانویه ۲۰۲۰ و با استفاده از کلید واژه های استاندارد انجام شد. برای استخراج داده ها دو پژوهشگر به طور همزمان جستجوی مقالات را انجام دادند. جهت افزایش اعتبار و پایایی مطالعه، دو نفر کیفیت مقالات را به طور جداگانه مورد ارزیابی قرار دادند و جهت ارزیابی مقالات از ابزار QualSyst استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها به روش تحلیل محتوای موضوعی انجام شد.

یافته ها: از مجموع ۴۷۳ مقاله شناسایی شده، ۳۱۴ مقاله پس از حذف موارد تکراری مورد بررسی قرار گرفتند، که از این میان ۵۲ مقاله که دارای معیار ورود به مطالعه بودند، برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. بر اساس تحلیل محتوای موضوعی مقالات، ۵ استراتژی یادگیری از راه دور عبارت بودند از: ۱- فناوری های بهبود دهنده یادگیری (TEL) ۲- یادگیری مبتنی بر شبیه سازی ۳- آموزش بالینی مبتنی بر فناوری ۴- یادگیری سیار ۵- یادگیری ترکیبی

بحث و نتیجه گیری: مطالعات بررسی شده بیانگر آن است که استراتژی های فناوری های بهبود دهنده یادگیری و یادگیری مبتنی بر شبیه سازی بیشتر از سایرین در آموزش پزشکی از راه دور در طی پاندمی COVID-۱۹ مورد استفاده قرار گرفتند. این استراتژی ها از طریق دسترسی به منابع یادگیری آنلاین مانند ماکس و دوره های ترکیبی، توانایی بهبود سطح دانش و عملکرد فراگیران را دارند.

کلمات کلیدی: فناوری های بهبود دهنده یادگیری، یادگیری مبتنی بر شبیه سازی یادگیری سیار، یادگیری ترکیبی، دانشجو پزشکی، COVID-۱۹

یادگیری الکترونیکی در طی همه گیری کوید ۱۹ در دانشجویان پزشکی

طیبه شکری - دانشگاه ع. پ. ایلام، احسان توکلی.

مقدمه: آموزش پزشکی به دلیل عوامل مختلفی از جمله تغییر در محیط مراقبت های بهداشتی، تغییر نقش پزشک، تغییر سریع علوم پزشکی، تغییر انتظارات جامعه و تنوع در تکنیک های آموزشی به سرعت در حال تغییر است. بسیاری از برنامه های یادگیری الکترونیکی در حال حاضر در دسترس دانشجویان پزشکی قرار دارد. یادگیری الکترونیکی در آموزش علوم بهداشتی ضروری است و پاندمی کوید ۱۹ کاربرد آن را تسریع کرده است. هدف از این مطالعه، مشاهده سناریوی یادگیری الکترونیکی در طی بیماری همه گیر کوید ۱۹ بود.

روش اجرا: این پژوهش یک مطالعه توصیفی مقطعی بر روی ۲۰۵ دانشجوی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی که در نظرسنجی

آنلاین شرکت کرده اند، می باشد. پرسشنامه الکترونیک استفاده شده در این مطالعه شامل اطلاعات دموگرافیک، سوالات درمورد استفاده از برنامه های یادگیری الکترونیکی موجود در ایران و برنامه های آموزش فعالیت های یادگیری در طی پاندمی کووید ۱۹ بود که در بین دانشجویان توزیع گردید.

یافته ها: تعداد شرکت کنندگان در نظرسنجی آنلاین ۲۰۵ نفر بود، که از این تعداد ۵۰، ۲۹ درصد مرد و ۱۷، ۶۹ درصد زن بودند. فقط ۳۰، ۱۲ درصد دانشجویان قبل از تعطیل شدن دانشگاه و شرایط پاندمی از فعالیتهای آموزش الکترونیکی استفاده کرده بودند. حدود ۷۰ درصد از دانشجویان روش یادگیری الکترونیکی را بصورت انحصاری ترجیح دادند، در حالی که تنها ۹، ۹٪ تعداد دانشجویان، یادگیری الکترونیکی را به همراه یادگیری سنتی ترجیح دادند.

بحث و نتیجه گیری: کاربرد آموزش های آنلاین و یادگیری الکترونیکی در طی بیماری همه گیر کووید ۱۹ افزایش یافته است. آموزش الکترونیکی شاهد گسترش بی سابقه ای به عنوان فرصتی برای آموزش عالی بوده است. دلیل ترجیح یادگیری الکترونیکی انعطاف پذیری و استقلال ارائه شده توسط این برنامه بود.

آموزش مجازی سواد اطلاعاتی: گامی در جهت ارتقای مهارت های جستجوی و بازیابی اطلاعات برای عملکرد

مبتنی بر شواهد در دانشجویان کارشناسی پرستاری

جمیله فرخ زادیان - دانشگاه ع. پ. کرمان، پروین منگلیان شهربابکی - دانشگاه ع. پ. کرمان، لیلیا احمدیان.

مقدمه: سواد اطلاعاتی یکی از پیش نیازهای مهم اجرای مؤثر عملکرد مبتنی بر شواهد است. بنابراین توجه به برنامه ریزی آموزشی با استفاده از روش های نوین آموزشی مانند آموزش مجازی جهت تقویت مهارت های سواد اطلاعاتی از جمله مهارت جستجو و بازیابی متون و جهت دهی نگرش پرستاران به سمت پذیرش و تمایل به عملکرد مبتنی بر شواهد در آینده حرفه ای دانشجویان پرستاری، ضروری است. از این رو این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آموزش مجازی سواد اطلاعاتی بر مهارت های جستجوی و بازیابی اطلاعات برای عملکرد مبتنی بر شواهد در دانشجویان کارشناسی پرستاری انجام شد.

روش اجرا: این مطالعه مداخله ای با دو گروه مداخله و کنترل و طرح پیش آزمون و پس آزمون انجام شد. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان کارشناسی رشته ی پرستاری ترم ۶ و ۸ دانشکده پرستاری رازی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کرمان تشکیل دادند. با استفاده از نمونه گیری تصادفی ۸۰ نفر از این دانشجویان انتخاب شدند و بطور مساوی در گروه های مداخله و کنترل قرار گرفتند (هر گروه ۴۰ دانشجوی). آموزش مجازی سواد اطلاعاتی در قالب ۶ ماژول بر روی یک وب سایت

در طول ۴ هفته بارگذاری شد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های اطلاعات جمعیت شناختی، مهارت های جستجو و بازیابی اطلاعات برای عملکرد مبتنی بر شواهد قبل و یک ماه پس از اتمام مداخله استفاده شد

یافته ها: نتایج نشان داد در مرحله پس آزمون میانگین نمره استفاده از منابع اطلاعاتی و انواع آن در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل تفاوت معنی داری پیدا نکرد ($p=0,185$ و $t=1,33$). در مرحله پس آزمون میانگین نمره دانش در مورد عملگرهای بولین و مجاورتی در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل افزایش معنی داری پیدا کرد ($p=0,001$ و $t=39,84$). در مرحله پس آزمون میانگین نمره مهارت های استفاده از قابلیت های جستجوی آنلاین در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل افزایش معنی داری پیدا کرد ($p=0,002$ و $t=3,144$). همچنین در مرحله پس آزمون گروه مداخله در انتخاب پاسخ صحیح برای سوال تدوین استراتژی جستجو تغییر معنی داری نداشت اما نمره گروه کنترل نسبت به گروه مداخله به طور معنی داری کاهش یافت ($p=0,042$ و $X=0,4,12$).

بحث و نتیجه گیری: آموزش مجازی سواد اطلاعاتی بر دانش در مورد عملگرهای بولین و مجاورتی د و مهارت های استفاده از قابلیت های جستجوی آنلاین در گروه مداخله تأثیر مثبت داشت ($p=0,002$ و $t=3,144$). پیشنهاد می شود اساتید و مربیان پرستاری آموزش های لازم را در زمینه سواد اطلاعاتی با روش های مختلف مانند ادغام آموزش مجازی و حضوری در قالب برنامه درسی یا کارگاه به دانشجویان ارائه دهند. در این مسیر کاربرد تئوری های مانند رفتار برنامه ریزی شده می تواند در ایجاد تمایل برای عملکرد مبتنی بر شواهد مفید واقع شود. محققین نیز اثربخشی این مداخلات، همچنین موانع و عوامل تسهیل گر را در این زمینه بررسی نمایند.

بررسی اثربخشی آموزش بالینی مبتنی بر شبیه ساز بیمار

مجازی تحت وب بر کسب مهارت تصمیم گیری بالینی

دانشجویان پرستاری در دوران پاندمی کووید ۱۹

سیده نکتتم معصومیان حسینی - دانشگاه ع. پ. مجازی، سلیمان احمدی، سید محسن معصومیان حسینی.

مقدمه: پرستاران با موقعیت های پیچیده ای روبرو هستند که نیاز به ابزاری توانمند مانند مهارت تصمیم گیری بالینی دارند. اکنون نیز با ظهور پاندمی کووید ۱۹ بسیاری از دانشکده های پرستاری، کلیه مکان ها و کلاس های بالینی به امید کاهش شیوع به حالت تعلیق درآورده شده اند. این مسئله سبب کاهش دسترسی به کیس های آموزشی باکیفیت، کاهش فرصت تمرین مهارت های آموخته شده برای یکپارچه سازی و ادغام دانش کسب شده شده است. در این

آموزش تفکر نقادانه به دانشجویان پرستاری مورد استفاده قرار گیرد و تاثیرات آن بررسی شود.

نقش تکالیف ترسیمی در ارتقای کیفیت تدریس مجازی

درس علوم تشریح سرو کردن دانشجویان پزشکی

بندرعباس در دوران پاندمی کووید

فرحناز کمالی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، الیاس کارگر ابرقوئی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس، مریم عرب فیروزجانی - دانشگاه ع. پ. بندرعباس.

مقدمه: درس علوم تشریح برای اغلب دانشجویان به منزله یک درس غیرقابل درک، که به ذهن سپاری آن سخت و فراموشی آن سریع اتفاق می افتد، تلقی می شود که با توجه به بروز پاندمی کووید و عدم امکان آموزش حضوری، این مشکل بیش از پیش به چشم می خورد. مشاهده کردن و تجسم سازی از شیوه های یادگیری فعال در درس علوم تشریح است و ترسیم دانشجو را وادار به تجسم می کند. لذا این مطالعه با هدف تعیین نقش تکالیف به صورت ترسیمی در ارتقاء کیفیت آموزش مجازی علوم تشریح سرو کردن در دانشجویان انجام شد.

روش اجرا: مطالعه بصورت نیمه تجربی بر روی ۱۴۳ نفر از دانشجویان پزشکی بندرعباس در نیمسال دوم ۹۹-۹۸ و نیمسال اول ۱۴۰۰-۹۹ انجام شد. نمونه ها به دو نیمسال تقسیم شدند. در یک نیمسال صرفا تدریس از طریق بارگزاری آفلاین محتوای درسی و تکالیف کتبی به صورت پرسش و پاسخ و در نیمسال دیگر به صورت بارگزاری محتوای درسی به شیوه قبل و ایجاد تکالیف ترسیمی برای هر مبحث در نظر گرفته شد. میانگین نمرات دو گروه دانشجویان با استفاده از آزمون آماری (t مستقل) از طریق نرم افزار SPSS ۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که دانشجویان گروه ترسیمی میانگین نمرات بالاتری نسبت به گروه دیگر کسب نموده اند. (۲±۶۷، ۱۶) نسبت به (۳±۱۹، ۱۵) که تفاوت معنادار بود (p=۰,۰۰۱، t=۳,۲۷).

بحث و نتیجه گیری: نتایج نشان داد ترسیم شماتیک در امر یادگیری درس علوم تشریح دانشجویان به طور معناداری در پیشرفت تحصیلی موثر بوده است. لذا پیشنهاد می گردد برای تدریس علوم تشریح، از این روش بصورت فردی، تیمی یا مشارکتی و حتی در ارزیابی دانشجو استفاده گردد.

بین، بیمار مجازی به عنوان یک ابزار آموزشی انعطاف پذیر در آموزش بالینی و کسب مهارت ها و صلاحیت ها جهت دانشجویان معرفی شده است. لذا، این مطالعه با هدف بررسی تاثیر اجرای آموزش بالینی مبتنی بر شبیه ساز بیمار مجازی تحت وب بر کسب مهارت تصمیم گیری بالینی در دانشجویان پرستاری انجام شد.

روش اجرا: در این مطالعه تجربی قبل و بعد ۶۰ دانشجوی پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه به روش دسترس و مبتنی بر هدف انتخاب و سپس به صورت تصادفی به دو گروه مداخله مبتنی بر شبیه ساز بیمار مجازی تحت وب (n=۳۰) و کنترل (آموزش حضوری مبتنی بر مورد n=۳۰) تقسیم شدند. آموزش به شیوه شبیه ساز بیمار مجازی بر روی ۸ VPS انجام شد که مبتنی بر ۸ سناریو با محوریت بیماران واقعی با شرایط پیچیده طراحی و روایی محتوای آن ها توسط متخصصان آموزش پزشکی و پرستاری تایید شده بود. محور سناریوها موضوعات مشکلات متعدد و چند سیستمی، مشکلات تهدیدکننده زندگی، شکایت های غیراختصاصی و تمایزنیافته، پیشگیری و ارتقاء سلامت و یک مشکل معمول بود. هر جلسه کار با بیمار مجازی از login به سیستم توسط دانشجویان تا ارایه بازخورد ۶۰-۳۰ دقیقه برنامه ریزی گردید. پس از کار با هر بیمار VPS یک جلسه بازاندیشی برگزار شد. ابزار جمع آوری داده ها در این مطالعه، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و تحصیلی و دانش رویه ای بود. از آزمون ویژگی ها و خصوصیات اصلی (Key Features test) به منظور بررسی دانش رویه ای و توانایی حل مسئله دانشجویان استفاده گردید. این آزمون قبل و یک ماه پس از پایان مداخله توسط دانشجویان تکمیل گردید. به منظور تحلیل داده ها از نرم افزار ۵، ۱۱ SPSS و آزمون های تی مستقل، تی زوجی و مجذورکای استفاده شد. سطح معنی داری P<۰,۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: دانشجویان اینگونه بیان کردند که بیماران مجازی سازماندهی شده (۷۰٪)، جذاب (۸۱٪) و چالش برانگیز (۸۹٪) بودند. ۸۵٪ دانشجویان اعتقاد داشتند که بکارگیری این بیماران مجازی به درک بهتر و واقعی آن ها از موقعیت های پیچیده بالینی کمک نموده است. براساس یافته ها دانشجویان احساس می کردند که به راحتی می توانند با بیمار مجازی و سامانه تعامل کنند، بلافاصله بعد از عملکرد خود بازخورد دریافت نموده اند، استفاده از آن آسان بوده است و در زمان کار بر روی بیمار مجازی می توانسته اند دانش خود را بیازمایند. همچنین میزان تغییر نمره کسب شده تصمیم گیری بالینی در گروه شبیه ساز بیمار مجازی تحت وب (۱)، ۱۳۰۴، (۴۳) بیشتر از گروه آموزش حضوری مبتنی بر مورد (۴، ۰±۳، ۱۴) بود که از لحاظ آماری نیز این تفاوت معنی دار بود (P<۰,۰۰۱).

بحث و نتیجه گیری: براساس یافته ها بکارگیری بیمار مجازی تحت وب در کسب تصمیم گیری بالینی دانشجویان پرستاری بهتر از روش آموزش حضوری مبتنی بر مورد عمل نموده است و دانشجویان دیدگاه و تجارب مثبتی از بکارگیری آن ذکر کردند. لذا پیشنهاد می گردد در

تبیین تجارب دانشجویان گفتاردرمانی نسبت به استفاده از کتاب های کار برای بهبود کیفیت آموزش مجازی در دوران همه گیری کووید-۱۹: یک مطالعه کیفی

سید ابوالفضل تهیدست - بنفشه منصوری - دانشگاه ع. پ. سمنان.

مقدمه: اواخر سال ۲۰۱۹ نوع جدیدی از ویروس کرونا (بیماری کووید-۱۹) شناسایی شد که به سرعت به یک بیماری پاندمیک تبدیل شد که اثرات منفی فراوانی بر زندگی انسان ها داشته است. آموزش دانشجویان بدنبال شیوع کووید-۱۹ تغییرات فراوانی داشت و در سراسر جهان بیشتر دانشگاه ها جهت جلوگیری از آن تعطیل شدند. در ایران نیز آموزش های حضوری دانشجویان بسیار محدود گردیدند و عمده آموزش ها بصورت از راه دور در حال انجام هستند. در این وضعیت، آموزش مجازی در اولویت قرار گرفت. آموزش مجازی چالش های فراوانی برای مدرسین و دانشجویان ایجاد کرده است. تغییر آموزش های حضوری به آموزش مجازی بصورت ضروری و در مدت زمانی محدود و همچنین عدم تجربه اساتید و دانشجویان در آموزش مجازی احتمالا می تواند منجر به کاهش بازدهی این نوع از آموزش گردد. در آموزش مجازی امکان تعامل سریع بین مدرس و فراگیر بسیار محدود می باشد و از آن جایی که منابع مورد نیاز سخت افزاری، نرم افزاری و سرعت مناسب اینترنت برای تشکیل کلاس های آنلاین مهیا نمی باشد، مدرسین مجبور به استفاده از محتواهای از پیش تعیین شده و آموزش مجازی بصورت آفلاین هستند. آموزش مجازی به صورت آفلاین نیازمند تلاش مستمر و پیگیری زیادتری از جانب مدرس و دانشجو می باشد. در صورت عدم پیگیری مدرس از روند مطالعه و بررسی محتواها توسط دانشجویان، ممکن است آموزش بصورت مطلوبی صورت نپذیرد. یکی از اقداماتی که مدرسین می توانند برای بهبود تعامل فراگیران، یادگیری بهتر آن ها و افزایش کارایی آموزش انجام دهند مهیا کردن کتاب های کار می باشد. استفاده از کتاب های کار دانشجو را ملزم به برقراری تعامل بیشتر با مدرس می کند و همچنین دانشجو برای تکمیل این کتاب های کار مجبور است تا محتواهای آماده شده برای آموزش مجازی توسط مدرسین را بصورت کامل و در زمان مناسب بررسی نماید. با توجه به چالش هایی که آموزش و تدریس مجازی ایجاد می نماید بنظر می رسد استفاده از کتاب های کار بتواند نقش مهمی در بهبود فرآیند یاددهی و یادگیری مجازی داشته باشد و برخی از چالش های پیش روی مدرسان در آموزش مجازی را برطرف نماید. بنابراین، در این مطالعه با استفاده از روش کیفی به تبیین تجارب دانشجویانی پرداختیم که در دوران شیوع کرونا از کتاب های کار برای تدریس مجازی آن ها استفاده شده بود. **روش اجرا:** این مطالعه با روش کیفی و از نوع تحلیل محتوای قراردادی انجام پذیرفت. به این منظور، با ۲۸ نفر از دانشجویان گفتاردرمانی که برای تدریس مجازی واحدهای تخصصی آن ها در دوران کرونا از کتاب های کار استفاده شده بود، مصاحبه انجام پذیرفت. با توجه به شیوع کرونا مصاحبه ها بصورت مجازی انجام شد. برای تحلیل داده ها از روش پیشنهادی گرانهایم و لاندمن استفاده شد.

یافته ها: تحلیل داده های مصاحبه های انجام شده با دانشجویان شرکت کننده منجر به پدیدار شدن سه طبقه اصلی نقاط قوت، نقاط ضعف و پیشنهادات گردید. از دیدگاه دانشجویان شرکت کننده در این مطالعه، فعال شدن و مشارکت دانشجو در آموزش مجازی، دید کلی نسبت به درس، نظم فکری و طبقه بندی مطالب در ذهن، اشتیاق نسبت به یادگیری درس، اثر نوشتن در افزایش و ماندگاری یادگیری، نظم در زمان مطالعه و یادگیری درس، نقاط قوت استفاده از کتاب های کار برای آموزش مجازی بودند. همچنین دانشجویان شرکت کننده در مطالعه معتقد بودند استفاده از این روش نقاط منفی هم دارد که شامل: زمان بر بودن تکمیل کردن کتاب کار و فضای کم طراحی شده در برخی قسمت های کتاب کار بود. همچنین برخی از دانشجویان پیشنهاداتی برای بهبود استفاده از کتاب های کار داشتند. این پیشنهادات شامل: تعبیه فضای اضافه در آخر هر جلسه در کتاب کار برای نوشتن مطالب دیگر، استفاده برای دروس دیگر، استفاده بیشتر از شکل ها و تصاویر بود.

بحث و نتیجه گیری: تجارب دانشجویان نسبت به استفاده از کتاب های کار در آموزش مجازی نشان داد که این شیوه از تدریس می تواند نتایج بسیار مثبتی بر فرآیند یاددهی و یادگیری داشته باشد. از آن جایی که استفاده از این کتاب ها در آموزش مجازی روشی جدید می باشد انجام مطالعات بیشتر در این زمینه می تواند منجر به کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه و اعمال تغییرات مثبت برای بهبود استفاده از کتاب های کار شود.

بررسی نگرش دانشجویان پزشکی و هوشبری نسبت به آموزش مجازی درس فیزیولوژی در ایام پاندمی COVID-۱۹

عصمت رادمنش - دانشکده ع. پ. آبادان، رضا یحوی سهرابی - دانشکده ع. پ. آبادان، الهه اکجوان - دانشکده ع. پ. آبادان، فاطمه مقصودی.

مقدمه: شیوع نگران کننده ی ویروس COVID-۱۹ به طور قابل توجهی در همه جنبه های زندگی انسان، از جمله آموزش، اختلال ایجاد کرده است. کمتر از ۱۸۸ کشور در سراسر جهان همه مدارس را تعطیل کرده اند و این امر بر زندگی تقریباً ۱,۶ میلیارد کودک، جوانان و خانواده های آنها تأثیر گذاشته است. به همین خاطر یادگیری الکترونیکی به عنوان یک ابزار حیاتی برای آموزش تبدیل شده است. مراکز آموزشی باید از فناوری های نوآورانه (به عنوان مثال، فناوری های دیجیتال و موبایل همراه با فن آوری های سنتی مانند رادیو و تلویزیون) استفاده کنند تا حداقل نوعی تداوم آموزشی را فراهم کنند. ویروس کرونا، همچنین در ایران تأثیر گذاشته و منجر به بسته شدن دوره های حضوری در مدارس و دانشگاه ها شده است. بنابراین، آموزش

مجازی می تواند به عنوان یک نقطه عطف در آموزش این روزهای ایران تلقی شود.

روش اجرا: این مطالعه بررسی نگرش دانشجویان پزشکی و هوشبری نسبت به مزایا و معایب آموزش مجازی درس فیزیولوژی در ایام پاندمی بیماری کرونا می باشد و نتایج این مطالعه گامی موثر برای برنامه ریزی موثر تر آموزش برای مسوولین و اساتید فیزیولوژی می باشد روش: این پژوهش یک مطالعه توصیفی است. جامعه پژوهش، دانشجویان رشته پزشکی و هوشبری دانشکده علوم پزشکی آبادان می باشند که در نیمسال دوم ۹۸-۹۹ درس فیزیولوژی را در اثر شرایط کرونا به صورت یادگیری الکترونیکی آموخته اند. یک پرسشنامه محقق ساخته سه قسمتی که شامل هدف انجام طرح، مشخصات دموگرافیک و تعداد ۱۴ سوال در مورد آموزش مجازی، که با مقیاس رتبه ای پنج نقطه ای لیکرت به صورت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) ارائه شده بود به صورت آنلاین در اختیار دانشجویان این دو کلاس قرار گرفت که ۶۷ نفر به پرسشنامه ها پاسخ دادند. برای تعیین روایی و پایایی پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شد که توسط ۲۰ نفر از اساتید هیات علمی، روایی آن انجام شد. جهت اندازه گیری پایایی پرسشنامه، در دو نوبت به فاصله ۲ هفته، پرسشنامه نگرش دانشجویان به آموزش مجازی فیزیولوژی به دانشجویان داده شد و آلفای کرونباخ ۰،۷ به دست آمد. پرسشنامه ها آنلاین پخش شد. پر کردن پرسشنامه برای دانشجویان اختیاری بود و این مساله در ارزشیابی های به عمل آمده از دانشجویان بی تاثیر بود. اطلاعات برای تحلیل آماری به نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ وارد شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آمار توصیفی انجام شد.

یافته ها: در مطالعه حاضر ۶۷ نفر از دانشجویان دانشکده علوم پزشکی آبادان شرکت کردند. دانشجویان در محدوده سنی ۱۸ تا ۴۴ سال با میانگین و انحراف معیار ۲۱،۰۷±، ۳،۲۱ سال بودند. ۷۲،۱۳٪ از شرکت کنندگان مونث و ۲۶،۸۶٪ مذکر بودند. نظرات موافق دانشجویان بر اساس درصد به شرح زیر بود: مناسب بودن دسترسی به اینترنت ۷۱٪، امکانپذیر بودن دانلود محتوای آموزشی از سامانه آموزشی ۸۸،۱٪، ارتباط موثر استاد دانشجو از طریق آموزش مجازی ۲۱٪، آموزش مجازی به صورت آنلاین به تنهایی ۲۶،۷٪، تدریس به صورت آنلاین و از طریق دانلود انواع محتوای آموزشی استاد به تنهایی ۵۱٪، آموزش مجازی به روش تلفیق آموزش آنلاین و آفلاین ۶۹٪، الزام وجود فایل pdf منابع درسی در کنار سایر محتوای آموزشی استاد ۸۰٪، کاهش استرس در آموزش مجازی ۵۱٪، مناسب بودن محتوای آموزشی آفلاین بخاطر دسترسی راحت در هر زمان و مکانی که دانشجو بخواهد به یادگیری بپردازد ۷۵٪، آموزش مجازی از طریق کتاب یا pdf منابع درسی به تنهایی ۱۱،۶٪، تدریس حضوری مناسبتر از مجازی ۶۰٪، و فقط ۱۹٪ موافق بازدهی مناسب آموزش مجازی نسبت به حضوری بودند

بحث و نتیجه گیری: در آموزش مجازی نقش ارتباط موثر استاد و دانشجو ضعیف می باشد و دانشجویان تلفیق آموزش مجازی آنلاین و آفلاین در کنار هم در صورتیکه فایل PDF درس هم در اختیار آنها قرار بگیرد را قبول داشتند و محتوای آموزشی آفلاین را می پسندیدند چون دسترسی در هر زمان و مکان برای آنها مقدور بود. دسترسی به اینترنت و امکان دانلود محتوای آموزشی برای اکثریت وجود داشته است. و به صورت کلی دانشجویان روش تدریس حضوری را به آموزش مجازی ترجیح می دادند

اهمیت نسبی و عملکرد سامانه های آموزش مجازی از دید دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۹

مریم اخوتی - دانشگاه ع.پ. کرمان، محمد خاکساری، پیام خزانلی - زهره عقابیان.

مقدمه: فناوری اطلاعات و ارتباطات تاثیر شگرفی بر فرصتهای یاددهی - یادگیری در موقعیت های آموزشی داشته است. یادگیری الکترونیکی و توسعه آموزش های مجازی از سیاستگذارهای اصلی در توسعه آموزش عالی با رویکرد توسعه عدالت آموزشی، حذف محدودیتهای جغرافیایی و یادگیری مادام العمر بوده است. در دانشگاه علوم پزشکی کرمان سامانه های آموزش مجازی معرفی و کامیاب مورد استفاده قرار می گرفتند، اما شرایط بحران کرونا، ناگزیر استفاده وسیع از آموزش مجازی را طلب میکرد، بطوریکه در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۹ تقریباً کلیه کلاس های نظری بصورت مجازی تدریس شدند. مهمترین نکته در مورد سامانه های آموزش مجازی آن است که از نظر دانشجویان یعنی استفاده کنندگان نهایی، مفید تشخیص داده شوند، لذا پژوهش حاضر بر آن است که اهمیت نسبی و عملکرد سامانه های آموزشی را از دید دانشجویانی که در دانشگاه علوم پزشکی کرمان در نیمسال دوم ۱۳۹۸-۱۳۹۹ از این سامانه ها استفاده کرده اند رابسنجد. یافته های این پژوهش می تواند به برنامه ریزان، سیاستگذاران و طراحان سامانه های آموزش مجازی در راستای رضایت بیشتر و استفاده مؤثرتر دانشجویان کمک نماید.

روش اجرا: از بین ۴۹۰۱ دانشجوی کارشناسی، دکتری حرفه ای و تحصیلات تکمیلی که در نیمسال مذکور آموزش مجازی را دریافت کردند، ۶۳۱ نفر بعنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. پرسشنامه از طریق کانال های مجازی در بین دانشجویان توزیع شد و جهت جلب مشارکت دانشجویان، با کلیه نماینده دانشجویان ورودی های مختلف در رشته ها و مقاطع مختلف تماس گرفته شد و لینک پرسشنامه در اختیار نماینده ها قرار گرفت تا در کانال های دانشجویی لینک مربوطه قرار گیرد و مشارکت بیشتر دانشجویان فراهم شود. جمع آوری داده از طریق پرسشنامه صورت گرفت. ۱۴ سؤال زمینه ای شامل مشخصات جمعیت

شناختی و سؤالاتی از قبیل رضایت نسبی از سامانه های آموزش مجازی در مقایسه با آموزش حضوری، مناسبت برای نوع دروس در پرسشنامه مورد سؤال قرار گرفت. ۲۵ سؤال در ۵ حیطه پشتیبانی سیستم، برنامه ریزی، انعطاف پذیری، تناسب محتوایی، بازخورد و ارزیابی مطرح شدند و دیدگاه دانشجویان را از دو بعد اهمیت و عملکرد سنجیدند. دو سؤال باز نیز در دو بعد تعبیه شده بود تا نظرات دیگر را درج نمایند. این پرسشنامه بر اساس متون تهیه شد و روایی و پایایی آن مورد سنجش قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده با اس پی اس نسخه ۲۲ انجام شد.

یافته ها : ۵۰۴ دانشجو در مطالعه شرکت نمودند. ۹، ۳۶ درصد از دانشجویان از هر سه سامانه اسکای روم، ادوب کانکت و نوید در آموزش در این نیمسال بهره برده بودند. بطور کلی سامانه اسکای روم بیش از سایر سامانه ها استفاده شده است. سامانه های غیررسمی مثل اسکایپ هم استفاده شده بودند. بیشترین رضایت از بین سه سامانه اسکای روم، ادوب کانکت و نوید، از اسکای روم گزارش شد. حدود ۴۷ درصد رضایت دانشجویان از آموزش مجازی در مقایسه با آموزش حضوری رضایت بالاتری داشتند. ۵، ۳۴ درصد از دانشجویان آموزش مجازی را در حد بالا (۷۵-۱۰۰٪) مناسب آموزش دروس نظری تشخیص دادند، درحالیکه حدود نیمی از دانشجویان آموزش مجازی را برای دروس عملی نامناسب یا در حد خیلی کم مناسب تشخیص دادند بالاترین امتیاز را از حیث اهمیت، ارائه به موقع برنامه درسی (۸۱٪) بدست آورد. سهولت استفاده از سامانه (حیطه انعطاف پذیری) (۷۸،۲)، ورود و خروج آسان به سامانه (حیطه انعطاف پذیری) (۷۸) و نمایش مطلوب اسلایدها و مطالب (حیطه انعطاف پذیری) (۷۶،۶) در رتبه های بعدی قرار داشتند. بطور کلی، از بعد اهمیت، حیطه "انعطاف پذیری" امتیاز بالاتری بدست آورد. اختلاف معنی داری بین حیطه های مورد بررسی هم از بعد اهمیت و هم عملکرد مشاهده شد و این اختلاف در حیطه اهمیت مشهودتر بود. در بعد عملکرد، بالاترین امتیازات مربوط به حیطه برنامه ریزی بود؛ در این حیطه، بالاترین امتیاز را ارائه بموقع برنامه درسی (۷۱،۲)، اطلاع رسانی مناسب در خصوص زمان و نحوه تشکیل کلاس (۷۱،۲) و سپس سرعت دسترسی به سامانه (حیطه پشتیبانی سیستم) (۶۱،۱) بخود اختصاص دادند. در این بعد، کمترین امتیاز به حیطه بازخورد و ارزشیابی تعلق داشت و بازخوردگیری و آزمون در پایان نیمسال تحصیلی (۲۷،۹) و امکان رصد کردن فعالیت دانشجویان و ارائه بازخورد (۲۵،۶) هر دو در حیطه بازخورد و ارزشیابی کمترین امتیاز را بدست آوردند.

بحث و نتیجه گیری : این مطالعه گویای اختلاف معنی دار بین حیطه های مورد بررسی هم از بعد اهمیت و هم عملکرد است. طبق یافته ها در بعد اهمیت لازم هست به حیطه "انعطاف پذیری" سامانه های آموزش مجازی و در حیطه عملکرد به "بازخورد و ارزشیابی" توجه بیشتری شود تا رضایت کاربران نهایی یعنی دانشجویان بیشتر فراهم گردد.

بررسی نگرش اعضای هیات علمی و دانشجویان دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی نسبت به آموزش مجازی در سال ۱۳۹۷

هادی محمددوست - مهران وطنچیان - دانشگاه ع. پ. بجنورد ، زهره گریوانی - دانشگاه ع. پ. بجنورد ، شاهین مافی نژاد .

مقدمه : نکته مهم در زمینه آموزش مجازی این است که توسعه آموزش الکترونیک بدون در نظر گرفتن دیدگاه اساتید و دانشجویان مؤثر نخواهد بود. لذا بررسی نگرش یادگیرندگان و اعضای هیات علمی به همراه طراحی مناسب و زیرساختهای فناوری می تواند مانع از شکست طرح به منظور طراحی محیطهای یادگیری گردد. با آگاهی از نگرش افراد می توانیم رفتار آنان را پیش بینی کرده و بر آن کنترل داشته باشیم. لذا این تحقیق با هدف بررسی نگرش اعضای هیات علمی و دانشجویان پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی نسبت به آموزش مجازی (قبل از پاندمی کووید) انجام پذیرفت.

روش اجرا : مطالعه حاضر توصیفی از نوع مقطعی است که در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی انجام گرفت. جامعه پژوهشی شامل کلیه دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی (۳۲۵ نفر) و کلیه اعضای هیات علمی دانشکده پزشکی دانشگاه (۸۲ نفر) که مجری طرح آموزش مجازی بودند. ابزار گردآوری داده ها از اعضای هیات علمی، پرسشنامه ای ۳۳ سؤالی بود که مشتمل بر دو بخش اطلاعات دموگرافیک (۵ سؤال در مورد سن، جنس، سابقه کار، درجه علمی و مقطع تدریس)، سؤالات سنجش نگرش (۲۴ سؤال به صورت لیکرت طیف ۵ تایی) بود. پرسشنامه ای که در اختیار دانشجویان قرار گرفت شامل دو قسمت بود. ۱- پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک ۲- پرسشنامه سنجش نگرش که شامل ۲۰ سوال با مقیاس لیکرت طیف ۵ تایی (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) بود که در سایر مطالعات استفاده شده بودند. نمره ۰ تا ۴،۹۹ بسیارضعیف، ۵ تا ۹،۹۹ ضعیف، ۱۰ تا ۱۴،۹۹ نگرش خوب و ۱۵ تا ۲۰ دیدگاه بسیار خوب نسبت به آموزش مجازی در نظر گرفته شد.

یافته ها : میانگین سنی دانشجویان ۲۱،۸۹ سال بوده است. از میان دانشجویان ۱۲۰ آقا و ۲۰۵ خانم بودند. میانگین و انحراف معیار کسب شده نگرش اعضای هیات علمی نسبت به آموزش مجازی 10.33 ± 0.92 و نمره کسب شده نگرش دانشجویان 23.8 ± 9.56 از سقف نمره ۲۰ محاسبه گردید. لذا بر مبنای نمره کسب شده از پرسشنامه ها، گروه اعضای هیات علمی نگرش "خوب" و دانشجویان نگرش "ضعیف" نسبت به آموزش مجازی اظهار نمودند. طبق بررسی های انجام شده ۵۴،۵ درصد دانشجویان موافق بودند که آموزش مجازی می تواند جایگزین خوبی برای آموزش سنتی باشد و ۶۶،۵ درصد علاقه مند بودند دروس زیادی را با روش مجازی بیاموزند. ۴۸،۹ درصد معتقد بودند که دقت و

بالینی که شامل جایگذاری سندبینی به منظور شستشو و گاوآژ معده است، برای دانشجویان پرستاری انجام شد.

روش اجرا: ۳۰ دانشجوی پرستاری به طور تصادفی در دو گروه مداخله و شاهد (تعداد کل نمونه ۶۰ بود)، قرار گرفتند. گروه کنترل به مدت ۱ هفته از یک برنامه کاربردی تلفن همراه با مهارت های پرستاری در جایگذاری سندبینی به عنوان مداخله، استفاده کردند. به گروه کنترل، آموزش تدریس این موضوع در طی یک جلسه اجرا شد. قبل از (پیش آزمون) و ۱ هفته بعد (پس آزمون) با استفاده از برنامه موبایل، دانش شرکت کنندگان در مورد مهارت های بالینی پرستاری، خودکارآمدی عملکرد پرستاری و عملکرد مهارت های پرستاری ارزیابی شد.

یافته ها: گروه مداخله بعد از ۱ هفته درمان از طریق برنامه تلفن همراه خود، برای دانش آگاهی به میزان قابل توجهی بالاتر از گروه شاهد علاوه بر این، میزان خودکارآمدی قبل و بعد از مداخله آنها را به طور قابل توجهی بهبود بخشیدند ($t=3$ ، $p=0.01$)، $p=0.17$ ، $t=7$ ، $p<0.01$).

بحث و نتیجه گیری: به طور قابل توجهی افزایش یافت عملکرد مهارت های پرستاری گروه آزمایش نیز پس از مداخله نتیجه اپلیکیشن موبایل آموزش پرستاری یادگیرمحور تعاملی با محتوای سیستماتیک روشی موثر برای دانشجویان جهت تجربه مهارتهای عملی پرستاری بود. توسعه و استفاده از یک برنامه کاربردی همراه با سایر مطالب پرستاری که بتواند به طور موثر در تمام طیف دانشجویان پرستاری مورد استفاده قرار گیرد، توصیه می شود.

صحت مطالب در روش مجازی در مقایسه با روش سنتی بیشتر است و ۵۶٫۶ درصد برای یادگیری بهتر توسعه آموزش مجازی را ضروری می دانستند. از سوی دیگر ۶۶٫۸ درصد موافق بودند که هیچ چیز جانشین حضور استاد در کلاس درس نمی شود و ۴۸٫۶ درصد موافق بودند که با آموزش مجازی کمتر یاد می گیرند، ۳۳٫۲ درصد معتقد بودند که در آموزش مجازی دچار اضطراب می شوند و ۵۷٫۲ نیز معتقد بودند که صحبت های استاد را در کلاس درس بیشتر از روش مجازی درک می کنند. ۴۰٫۳ درصد آموزش مجازی در علوم پزشکی را کاربردی نمی دانستند و ۵۷٫۸ درصد این نظر را داشتند که برای آموزش مجازی امکانات زیادی لازم است. همچنین نظر ۸۲ نفر از اعضای هیات علمی در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت که میانگین سنی اساتید ۴۰٫۶۰ سال بوده است. از میان اساتید طبق بررسی های انجام شده ۶۵٫۸ درصد با تدریس به روش مجازی موافق بودند و ۸۷٫۸ درصد معتقد بودند باید نظارتی بر محتوای تولید شده توسط استاد وجود داشته باشد. از سویی ۸۶٫۶ درصد مخالف این نکته بودند نوع رسانه، تأثیری بر یادگیری ندارد و ۱۵٫۸ درصد موافق این موضوع بودند که شیوه آموزش مجازی موجب انعطاف پذیری در شیوه های آموزشی می شود و ۵۷٫۳ درصد بر این باور بودند دقت و صحت مطالب در روش الکترونیکی بیشتر است. همچنین ۹۱٫۵ درصد اساتید این نظر را داشتند که بهتر است تا با ایجاد زمینه مناسب، آموزش حضوری به همراه آموزش مجازی تواما انجام گیرد و ۷۶٫۸ درصد مخالف این بودند که این روش آموزش تأثیری بر یادگیری ندارد. از سویی دیگر ۷۰٫۷ درصد این عقیده را داشتند که کیفیت یادگیری در روش حضوری بهتر است و ۷۴٫۴ درصد موافق این نکته بودند که تدوین محتوای الکترونیکی دروس به زمان زیادی نیاز دارد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که نگرش دانشجویان و اساتید هیات علمی نسبت به آموزش مجازی چندان موافق نمی باشد و بنظر می رسد برای موفقیت در اجرای این سبک از آموزش در رشته های پزشکی مستلزم زمینه سازی و مهیا ساختن امکانات لازم و آمادگی اعضای هیات علمی، دانشجویان، زیرساخت های دانشکده و دانشگاه، منابع مالی و انسانی مناسب و قوانین حمایتی به روز شده می باشد که با برنامه ریزی دقیق می توان به این هدف رسید و پس از انجام مداخلات موثر در این زمینه، در مطالعات آینده به ارزیابی و مقایسه این روش با روش های حضوری پرداخت.

کاربرد آموزش سیار در آموزش جایگذاری سندبینی

نسرین نوابی - دانشگاه ع. پ. بابل، عباس شمسعلی نیا - دانشگاه ع. پ. بابل، فاطمه غفاری - دانشگاه ع. پ. بابل.

مقدمه: آموزش پرستاری بالینی ان از این جهت مهم است که به دانشجویان پرستاری کمک می کند واقعیت های پرستاری بالینی را تجربه کنند که از طریق آموزش نظری قابل یادگیری نیست. این مطالعه با هدف ارزیابی تأثیر یک برنامه کاربردی موبایل مهارت های پرستاری



22ndIranian Conference
on Health Professions Education
19-21 May 2021

virtual conference Shiraz-Iran

 (+98 71) 3234 9338



www.ichpe.org
www.ichpe.org/en
edc_shiraz@sums.ac.ir

ICHPE
2021